شناسنامه آسیب شناسی

نسخه شناسی	عنوان	زاد المعاد		
	درجه نفاست	عادی		خطی ✓ / چاپ سنگی ○
	تعداد اوراق	۲۶۳	اندازه	۱۹ × ۳۰/۵
	قطع	رحلی	شماره اموالی	۳۱۶۰
آسیب شناسی و اقدامات مرمتی	درصد تخریب اوراق	۱۰ ✓ ۲۰ ○ ۵۰ ○ ۸۰ ○	از هم پاشیدگی عطف	دارد ✓ / ندارد ○
	نیاز به جعبه	دارد ○ / ندارد ✓	نوع آفت	شیمیایی ○ / زیستی ○ / فیزیکی ✓
	نیاز به جلد سازی	دارد ○ / ندارد ✓	نیاز به مرمت جلد	دارد ○ / ندارد ✓
	نیاز به مرمت اوراق	دارد ✓ / ندارد ○	نیاز به دوخت عطف	دارد ✓ / ندارد ○
	نیاز به لکه گیری	دارد ○ / ندارد ✓	نیاز به گردگیری	دارد ○ / ندارد ✓
	نیاز به آفت زدایی	دارد ○ / ندارد ✓	نیاز به اسیدزدایی	دارد ○ / ندارد ✓

بررسی کنندگان: ۱. [illegible] ۲. [illegible] ۳.
تاریخ بررسی: ۸۹/۷/۲۵
اقدامات انجام شده:
تاریخ اقدام:

بسم الله الرحمن الرحیم

بحق محمد و آله صلوات الله علیهم اجمعین

هنگام طلوع نیر فلک جلالت و اختر آسمان نبالت یعنی وقت ولادت با سعادت نور حدقه دولت و اقبال
و نور حدیقه ابهت و اجلال محمد باقر میرزا ولد عالی نسب جنابت افتخار اعاظم السادات علیا میرزا محمد ابراهیم
وزیر جلیل القدر سرکار حضرات طهارات [illegible] مرتبات عرش درجات بعد از انقضای یک ساعت و
بیست و هفت دقیقه گذشته از شب دوشنبه پنجم شهر محرم الحرام سنه ۱۱۴۷ ناقصه هجریه مطابق پارس
موافق با شب بیست و دوم ایار ماه رومی سنه ۲۰۴۵ اسکندریه مطابق با شب شانزدهم آذر ماه قدیم سنه ۱۱۰۳
یزدجردیه مصادف با شب نوزدهم خرداد ماه جلالی سنه ۶۵۲ ملکشاهیه ملاص با شب
[illegible] ماه ترکی طالع وقت ولادت با سعادت با افق بلده طیبه مشهد مقدس [illegible]
صانها الله تعالی عن الآفات والبلایا که بلد ولادت مقرون به سعادت است موافق نمودار بطلمیوس
که اشهر نمودارات است و مراکز بیوت و تقاویم کواکب سبعه سیاره و عقدتین
و سهمین موضوعات درجات در زایچه ثبت شده

والله العلم بحقایق الامور



حضرت امام ثامن ضامن جناب علی بن موسی الرضا علیه و علی آبائه و ابنائه

الحمد لله الواقف علی الضمائر المطلع علی السرائر والصلوة والسلام علی محمد شمس فلک الرسالة وعلی ذریته

الطیبین الطاهرین المعصومین المهتدین ... علیهم اجمعین وبعد عرض

... شریعته ... المعانی ...

حمید فطرت مستغنی منقبت ... الملک العزیز الجبار حاجی عبد الله ...

المعروف بعطا ... اثنی عشریه ... تعالی ...

... از ... منتفع شوند ...

... خواهد ... وبعد ...

... بمقدس القاب ... جناب علامه فهامه میرزا ... و میرزا محمد جواد ... میرزا ...

وعفران ماب علامه فهامه میرزا محمد مهدی ... العلامه المیر سید محمد ولد

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی جعل العبادة وسیلة لنیل السعادة فی الاخرة والاولی والصلوة علی سید الوری محمد وعترته ائمة الهدی اما بعد بنده خاطی محمد باقر بن محمد تقی عفی الله عن جرائمهما بر الواح ارواح صافیهٔ برادران ایمانی و اخلای روحانی میکارد که چون جناب مقدس ایزدی تعالی شانه برای هدایت کمکشتکان بوادی جهالت و ضلالت طریق صوم و صلوة و دعا و عبادات کر اشرف و اقرب طرق نیل سعادات اند مقرر کردانیده و از حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین ادعیه و اعمال بسیار منقول کردیده که کتب مشحون است از آنها و این خادم اخبار ائمه اطهار علیهم صلوات الله الملک المنان العقار اکثر آنها را در کتاب بحار الانوار ایراد نموده ام و اکثر خلق را باعتبار اشتغال بانواع اشغال دنیویه و غیرها تحصیل آنها و عمل بجمیع آنها میسر نیست خواستم منتخبی از اعمال سال و فضایل ایام و لیالی شریفه و اعمال آنها که باسانید صحیحه و معتبره وارد شده است در این رساله ایراد نمایم که عامه خلق از برکات آنها محروم نباشند و شاید این بنده عاصی را بدعای مغفرت یاد نمایند و مسمی کردانیدم از زاد المعاد عسی الله ان یهدینا و ایاهم الی سبیل الرشاد و چون اتمام این رساله و آغاز و انجام این عجاله در زمان دولت عدالت توامان و آوان سلطنت سعادت اثر اعلیحضرت سید سلاطین زمان و سرور خواقین دوران شیرازه اوراق ملت و دین نقاوه احفاد سید المرسلین آب و رنگ گلستان مصطفوی چشم و چراغ دودمان مرتضوی سلطان انجم خدم خاقان فرشته حشم شجاعت نژادی که تیغ ابدارش برای سرها کشاده نهر لیف بسوی دار بوار و حسام آتش بارش برای خرمن حیات مخالفان مصداق یرسل علیکما شواظ من نار دستهای اعیان مزید رفعت شان در آستان رفیع البنیانش باکف الخضیب هم دستان و خروش

صوفیان

صوفیان صفوت نشانش بزمزمه دعای خلود دولت ابد توامانش با عندلیبان اغصان سدرة المنتهی همداستان هر که تیغ خلاف از نیام کین بر کشید چون بید بر خود بلرزید و هر که چهار آینه نفاق در بر کشید صورت مرگ خود را در آن دید کره جبین قهرش عقده کشای کرههای کار بستکان کشاد کی کف دریا نوالش سحاب مزارع املهای پژمردکان موسس قواعد ملت و دین مروج شریعت آبای طاهرین حیاض ساحت درکاه خلایق پناهش از تقبیل شفاه سلاطین جهان لبریز و خواقین دوران در صرح ممرد عزت و جلالش ترزبان بندای قد مسنا الضر ایها العزیز اعنی السلطان الاعظم والخاقان الاعدل الاکرم ملجا الاکاسرة وملاذ القیاصرة محیی مراسم الشریعة الغراء و مشید قواعد الملة البیضاء السلطان بن السلطان والخاقان ابن الخاقان الشاه سلطان حسین الموسوی الحسینی الصفوی بهادر خان لازالت رایات دولته مرفوعة و رایات اعدائه مقموعة میسر کردید تحفه آن بارکاه خلایق امید کاه کردانید امید که مقبول طبع اشرف کردد و آن اعلیحضرت از فواید آن منتفع کردند بمحمد و آله الطاهرین والله الموفق والمعین و آن مشتملست بر چهارده باب و خاتمه باب اول در فضایل و اعمال ماه مبارک رجب است و آن مشتملست بر پنج فصل فصل اول در بیان فضایل اینماه و عبادات آنست بدانکه اینماه و ماه شعبان و ماه رمضان بهترین ماههای سالند و از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله منقولست که هر که حرمت ماه رجب و شعبان را بداند و وصل نماید روزه آنها را بروزه ماه مبارک رمضان این ماههای مبارک در روز قیامت کواهان او باشند نزد حق تعالی در آنروز منادی از افق اعلی ندا کند که ای رجب و شعبان و ماه رمضان چکونه بوده است عمل این بنده در شما و طاعت او از برای خدا همه اینماهها کویند که این بنده توشه کرفته در ما از برای طاعت ترا و استمداد فضل و رحمت از تو نمود و سعی بسیار در طلب خوشنودی تو کرد و تا توانست اهتمام در تحصیل محبت تو نمود پس کواهی دهند ملائکه که موکلند بر این ماهها که ما یافتیم این بنده را اکر طلب کننده طاعت و خوشنودی تو و امیدوار رحمت و آمرزش تو بود و آنچه را نهی کرده بودی ترک کرد و آنچه را از او طلبیده بودی بسوی آنها مسارعت نمود و روزه کامل از برای تو داشت و شکم و فرج و کوش و چشم و سایر جوارح او از آنچه بر او حرام کرده بودی اجتناب کردند و روزها را با تشنکی بشب رسانید و در شبها خود را بتعب انداخت برای بندکی تو و تصدق بفقرا و مساکین بسیار داد و احسان بسیار نسبت به بندکان تو نمود و با اینماهها مصاحبت نیکو کرد و چون از اینها جدا شد وداع نیکو کرد و بعد از رفتن اینها پیرامون محرمات تو نکردید و نیکو بنده بود این بنده پس حق تعالی فرماید که بهرهای این بنده را بسوی بهشت و استقبال

کند او را ملائکه خدا بتحفها و کرامتها و او را بر شتران و اسبان نور سوار کنند و ببرند بسوی نعمتی که هرگز
زوال ندارد و خلعتی که فانی نمیشود و سرای که جوانانش پیر نمیشوند و شادی و خوشحالی آن زوال ندارد و هرگز
ایشان را تعب نمیباشد و از عذاب ایمن میکردند و مشقت حساب از برای ایشان نیست و ایضا از آنحضرت
منقولست که ماه رجب ماه بزرگ خداست و ماهی در حرمت و فضیلت بان نمیرسد و قتال با کافران
در اینماه حرامست و رجب ماه خداست و شعبان ماه منست و ماه رمضان ماه امت منست کسی
که یکروز از ماه رجب را روزه دارد مستوجب خوشنودی بزرگ خدا گردد و غضب الهی از او دور گردد
و دری از درهای جهنم بر روی او بسته گردد و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقولست که هر که
یکروز از ماه رجب را روزه دارد آتش جهنم یکساله راه از او دور گردد و هر که سه روز از ماه روزه دارد بهشت
از برای او واجب گردد و ایضا فرمود که رجب نام نهریست در بهشت از شیر سفیدتر و از عسل شیرین‌تر
هر که یکروز از رجب را روزه دارد البته از آن نهر بیاشامد و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که ماه رجب ماه استغفار امت منست پس در اینماه بسیار استغفار
و طلب آمرزش کنید که خدا بتعالی آمرزنده و مهربانست و رجب را اصب میکویند زیرا که رحمت خدا در اینماه بر امت
من بسیار ریخته میشود اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَاَسْئَلُهُ التَّوْبَةَ و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست
پس بسیار بکویید طلب آمرزش میکنم از خدا و میخواهم از او بازگشت که هر که سی روز از ماه رجب روزه بدارد
بهر روز ثواب روزه یکسال برای او بنویسند و هر که هفت روز از آن روزه بدارد هفت در جهنم بر روی او
بسته شود و هر که هشت روز از آن روزه بدارد هشت در بهشت بر روی او کشوده شود و هر که پانزده
روز از آن را روزه بدارد حق تعالی او را حساب آسان بکند و هر که جمیع ماه رجب را روزه بدارد حق تعالی
خوشنودی خود را برای او بنویسد و هر که خدا خوشنودی خود را برای او بنویسد هرگز او را عذاب نکند و ابن
بابویه رحمه الله بسند معتبر از سالم روایت کرده است که گفت رفتم بخدمت حضرت صادق ع در آخر ماه رجب
که چند روز از آنماه مانده بود چون نظر مبارک آنحضرت بر من افتاد پرسید که آیا روزه گرفته در اینماه گفتم
نه والله ای فرزند رسول خدا فرمود که آنقدر ثواب از تو فوت شده است که قدر آنرا بغیر از خدا کسی نمیداند بدرستی
که اینماهیست که خدا آنرا بر ماههای دیگر فضیلت داده است و حرمت آنرا عظیم گردانیده است و برای روزه
داشتن آن گرامی داشتن را بر خود واجب گردانیده است پس گفتم یا بن رسول الله اگر در باقی مانده اینماه روزه بدارم
آیا بر بعضی از ثواب روزه داران فایز میگردم فرمود که ای سالم هر که یکروز از آخر اینماه را روزه بدارد خدا او را ایمن

گرداند از شدت سکرات مرگ و از هول بعد از مرگ و از عذاب قبر و هر که دو روز از آخر اینماه را روزه بدارد
بر صراط باسانی بگذرد و هر که سه روز از آخر اینماه را روزه بدارد ایمن گردد از ترس بزرگ روز قیامت و از
شدتها و هولهای آن روز و برات بیزاری از آتش جهنم را باو عطا کنند و ایضا از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه روایت کرده است که هر که یکروز از اول ماه رجب یا از وسط آن یا از آخر آن روزه
بدارد گناهان گذشته اش آمرزیده شود و هر که سه روز از اول یا میان یا آخر ماه رجب را روزه بدارد
گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود و هر که یکشب از اینماه را احیا کند حق تعالی او را از آتش جهنم آزاد گرداند
و قبول کند شفاعت او را در هفتاد مرد گناهکار و هر که در اینماه تصدقی از برای خدا بکند خداوند غفار
در بهشت نعمتی چند باو عطا کند که چشمی ندیده باشد و گوشی نشنیده باشد و بر خاطر کسی خطور نکرده باشد
و ایضا بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که چون روز قیامت شود منادی از میان عرش
ندا کند که کجایند رجبیون پس گروهی برخیزند که نور روهای ایشان جمیع محشر را روشن کند و تاج پادشاهی
بر سر ایشان باشد که مکلل باشد تاج ایشان بمروارید و یاقوت و با هر یک از ایشان هزار ملک بوده باشد از
جانب راست و هزار ملک از جانب چپ و همه او را ندا کنند که گوارا باد ترا کرامتهای حق تعالی ای بنده خدا پس خداوند
رحمن ندا کند ایشانرا که ای بندگان و کنیزان من بعزت و جلال خود سوگند یاد میکنم که شما را در ماوای نیکو ساکن
گردانم و عطاهای شما را بزرگ گردانم و عطا کنم بشما از بهشت غرفها که نهرها در زیر آنها جاری باشد و همیشه
در آن غرفها باشید و نیکو مزدیست مزد کارکنان از برای من بی آنکه بر شما واجب گردانم روزه داشتید از برای من
در ماهی که حرمت آنرا عظیم گردانیده بودم و حق او را واجب ساخته بودم ای ملائکه من بندگان و کنیزان مرا داخل بهشت
گردانید پس حضرت فرمود که این همه ثوابها برای کسیست که چیزی از ماه رجب را روزه دارد اگر چه یکروز باشد
از اولش یا میانش یا آخرش و بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که هر که روز اول ماه رجب را
روزه دارد حق تعالی در قیامت از او خوشنود باشد و هر که دو روز را روزه دارد خدا بتعالی بغایت از او
خوشنود و راضی گردد و او را خوشنود گرداند و هر که سه روز از آن روزه دارد خداوند کریم از او راضی گردد
و خصمان او را از او راضی گرداند در قیامت و هر که هفت روز از آن روزه دارد چون بمیرد درهای آسمان برای
روح او کشوده شود تا بملکوت اعلی برسد و هر که هشت روز از آن روزه بدارد هشت در بهشت بر روی او کشوده
شود و هر که پانزده روز از آن روزه بدارد هر حاجت که از حق تعالی بطلبد برآورد مگر آنکه سؤال او بر گناهی
باشد یا متضمن قطع رحم باشد و هر که تمام ماه را روزه بدارد از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر

متولد شده باشد واز آتش جهنم آزاد کردد وداخل بهشت کردد با برکزیدکان ونیکوکاران واحادیث دراین
باب بسیار است واین رساله کنجایش ذکر آنها ندارد **فصل دویم** در بیان اعمالیست که کسی که از روزه عاجز شود
یا براو دشوار باشد بعوض آن بعمل آورد در بعضی از روایات معتبره وارد شده است که بدل روزهٔ مستحب
یکدرهم تصدق کند که موافق زرهای اینزمان تقریبا هفتاد دینار بوده باشد وبروایت دیگر یکمد کندم یا
جو وارد شده است واحوط در مد صد درم شاهست وظاهر اصد درم کهنه کافی باشد ودر روایتی
درخصوص روزهٔ ماه مبارک رجب یک کرده نان نیز وارد شده است اکر قادر بر روزه نباشد
وحمل کرده اند برکسی که پریشان باشد وقادر بر درهم ومد نباشد وایضا درخصوص روزهٔ ماه رجب از
حضرت رسول صلی الله علیه وآله وارد شده است که بعوض روزه اکر قادر بران نباشد هر روز صد مرتبه
این تسبیحات را بخواند سُبْحانَ الْاِلٰهِ الْجَلِیلِ سُبْحانَ مَنْ لا یَنْبَغِی التَّسْبِیحُ اِلّا لَهُ سُبْحانَ الْاَعَزِّ الْاَکْرَمِ
تا ثواب روزه را دریابد پاکیزه ومنزهست خدای بزرک پاکیزه است کسی که سزاوار نیست تنزیه مکر از برای او پاکیزه است عزیزتر کرامیتر
سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَهُوَ لَهُ اَهْلٌ ودر روایات معتبره وارد شده است که هرکه بمنزل برادر مؤمن خود
پاکیزه است کسی که پوشید عزت را واو از برای او سزاوار است وارد شود وقصد روزه سنت کرده باشد واو طعامی حاضر سازد
واورا تکلیف کند ثواب افطار کردن زیاده از ثواب روزه داشتن است هفتاد برابر واکر اظهار نکند که
روزه ام ثوابش بیشتر است وبرابر یکسال روزه است وزن را روزه سنت داشتن بی رخصت شوهر وغلام
وکنیز را بی رخصت مالک وفرزند را بی رخصت پدر ومادر ومهمان را بی رخصت مهماندار ومهماندار را
بی رخصت مهمان از احادیث ظاهر میشود که خوب نیست ومشهور میان علما آنست که مملوک را روزهٔ سنت
بدون اذن مالک باطلست وهمچنین روزهٔ سنت زن بی رخصت شوهر صحیح نیست ودر پدر ومادر
مشهور آنست که روزهٔ سنت فرزند بدون اذن ایشان مکروهست وباطل نیست وبعضی کفته اند که بی رخصت
پدر باطلست واحوط آنست که بدون اذن پدر ومادر روزهٔ سنت صورت ندارد ودر روزهٔ سنت مهمان
بدون رخصت مهماندار نیز خلافست واحوط آنست که مهمان ومهماندار هیچیک بی رخصت دیکری روزهٔ مستحب
ندارند اکرچه اظهر آنست که مکروهست **فصل سیم** در بیان اعمال هر شب وهر روز است بسند معتبر منقول است
که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در روز اول ماه رجب این دعا را خواندند وعلما ذکر کرده اند که در هر روز سنت است خوانده شود
یَا مَنْ یَمْلِکُ حَوائِجَ السّائِلِینَ وَیَعْلَمُ ضَمِیرَ الصّامِتِینَ لِکُلِّ مَسْئَلَةٍ مِنْکَ سَمْعٌ حاضِرٌ وَجَوابٌ عَتِیدٌ اَللّٰهُمَّ
ای کسی که مالک است حاجتهای سؤال کنندکان را ومیداند آنچه در خاطر خاموشانست از برای هر مسئله از تو شنونده حاضر وجواب خوب میدهی خداوندا

در بیان اعمالیست که کسی که از روزه عاجز باشد بعوض آن بعمل آورد

در بیان اعمال هر شب وهر روز است

ومواعدك

وَمَواعِیدُکَ الصّادِقَةُ وَاَیادِیکَ الْفاضِلَةُ وَرَحْمَتُکَ الْواسِعَةُ فَاَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ
ووعدهای تو راستست ونعمتهای تو زیاده است ورحمت تو فراخست پس میخواهم از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَقْضِیَ حَوائِجِی لِلدُّنْیا وَالْآخِرَةِ اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ وبسند معتبر منقولست که حضرت صادق ع
وآل محمد واینکه برآوری حاجتهای مرا در دنیا وآخرت بدرستی که تو بر همه چیز توانائی در هر روز ماه رجب این دعا میخواندند
خابَ الْوافِدُونَ عَلی غَیْرِکَ وَخَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ اِلّا لَکَ وَضاعَ الْمُلِمُّونَ اِلّا بِکَ وَاَجْدَبَ الْمُنْتَجِعُونَ
زیان کردند وارد شوندکان بر غیر تو وزیان بردند تعرض کنندکان مکر از برای تو وضایع شدند ملمون مکر بتو وخشک شد طلب کنندکان
اِلّا مَنِ انْتَجَعَ فَضْلَکَ بابُکَ مَفْتُوحٌ لِلرّاغِبِینَ وَخَیْرُکَ مَبْذُولٌ لِلطّالِبِینَ وَفَضْلُکَ مُباحٌ
مکر کسی که طلب سیراب کند از فضل تو درکاه تو بازاست از برای رغبت کنندکان وخیر تو بخشیده شده است مر طالبان را وزیادتی تو مباحست
لِلسّائِلِینَ وَنَیْلُکَ مُتاحٌ لِلْآمِلِینَ وَرِزْقُکَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصاکَ وَحِلْمُکَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ ناواکَ
مر خواهندکان را وبخشش تو مهیا است از برای امیدواران وروزی تو پهن است از برای کسی که عصیان تو کرده وبردباری تو برکردانیده است مرکسی را که میل کند
عادَتُکَ الْاِحْسانُ اِلَی الْمُسِیئِینَ وَسَبِیلُکَ الْاِبْقاءُ عَلَی الْمُعْتَدِینَ اَللّٰهُمَّ فَاهْدِنِی
روش تو نیکوئیست بسوی بدکنندکان وراه تو باقی داشتن ستمکنندکان خداوندا پس راه نما مرا
هُدَی الْمُهْتَدِینَ وَارْزُقْنِی اجْتِهادَ الْمُجْتَهِدِینَ وَلا تَجْعَلْنِی مِنَ الْغافِلِینَ الْمُبْعَدِینَ وَاغْفِرْ لِی
راه یافتنکان وروزی کن مرا اجتهاد مجتهدین ومکردان مرا از فراموش کنندکان دور کرده شدکان وبیامرز مرا
یَوْمَ الدِّینِ وایضا بسند معتبر منقولست که محمد بن ذکوان بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد
روز جزا که فدای تو شوم این ماه رجبست مرا دعائی تعلیم نما که حق تعالی مرا بان نفع بخشد حضرت فرمود
که در هر روز ماه رجب در صبح وپسین وبعد از یا مَنْ اَرْجُوهُ لِکُلِّ خَیْرٍ وَآمَنُ سَخَطَهُ عِنْدَ کُلِّ
همه نمازها در شب وروز این دعا را بخوان ای کسی که امید دارم او را از برای هر خیری وایمنم از عذاب او نزد هر
شَرٍّ یا مَنْ یُعْطِی الْکَثِیرَ بِالْقَلِیلِ یا مَنْ یُعْطِی مَنْ سَأَلَهُ یا مَنْ یُعْطِی مَنْ لَمْ یَسْأَلْهُ وَمَنْ لَمْ یَعْرِفْهُ
بدی ای آنکه می بخشد بسیار را باندک ای آنکسی که می بخشد او کسی را که سؤال کند او را وای آنکه می بخشد او کسی را که سؤال نکند او را وآنکه نشناخته است او را
تَحَنُّناً مِنْهُ وَرَحْمَةً اَعْطِنِی بِمَسْأَلَتِی اِیّاکَ جَمِیعَ خَیْرِ الدُّنْیا وَجَمِیعَ خَیْرِ الْآخِرَةِ وَاصْرِفْ عَنِّی
از جهت بخشش او ورحمت ببخش مرا بسؤال کردن من ترا همه خیر دنیا وهمه خیر آخرت را وبرکردان از من
بِمَسْأَلَتِی اِیّاکَ جَمِیعَ شَرِّ الدُّنْیا وَشَرِّ الْآخِرَةِ فَاِنَّهُ غَیْرُ مَنْقُوصٍ ما اَعْطَیْتَ وَزِدْنِی مِنْ فَضْلِکَ یا کَرِیمُ
بسؤال کردن من ترا همه بدی دنیا وبدی آخرت را بدرستی که کم نیست آنچه عطا کرده ای تو وزیاد کن تو از برای من از فضل ای کریم

پس حضرت ریش مبارک خود را بدست چپ گرفتند وانکشت سبابه دست راست خود را بجانب راست
وچپ حرکت میدادند یا ذا الجلال والاکرام یا ذا النعماء والجود یا ذا المن والطول حرم شیبتی
واین دعا را خواندند ای صاحب بزرگی وبخشش ای صاحب نعمتها وبخششها ای صاحب نعمت وبخشش حرام کن ریش مرا
علی النار ودست برنداشت تا آنکه آب دیده اش تر شد وشیخ طوسی بسند معتبر روایت کرده است که
بر آتش حضرت صادق علیه السلام تعلیم معلی بن خنیس کرد اللهم انی اسئلک صبر الشاکرین لک وعمل الخائفین
خنیس کفت که در ماه رجب این دعا را بخوان بارخدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا صبر شکر کنندکان از برای تو وعمل خوف دارندکان
منک ویقین العابدین لک اللهم انت العلی العظیم وانا عبدک البائس الفقیر وانت الغنی
از تو وجزم عبادت کنندکان از تو بارخدایا توئی بلند وبزرک ومن بنده توام مستهلک وپریشان وتوئی بی نیاز
الحمید وانا العبد الذلیل اللهم صل علی محمد واله وامنن بغناک علی فقری وبحلمک علی جهلی
ستایش کرده شده ومن بنده خوارم بارخدایا درود فرست بر محمد وال او ومنت نه بسبب مستغنی بودن تو بر پریشانی من وبسبب بردباری تو بر نادانی من
وبقوتک علی ضعفی یا قوی یا عزیز اللهم صل علی محمد واله الاوصیاء المرضیین واکفنی ما
وبسبب توانائی تو بر بیچارگی من ای توانا ای غالب شونده بارخدا درود فرست بر محمد وال او همه اوصیای پسندیده اند وکفایت کن از من آنچه
اهمنی من امر الدنیا والاخرة یا ارحم الراحمین واز روایت سید بن طاوس علیه الرحمه ظاهر میشود که این دعا
مهم آورده است مرا از کارهای دنیا واخرت ای رحم کننده ترین رحم کنندکان جامعترین دعاهاست ودر همه اوقات میتوان خواند وشیخ
طوسی وسید ودیکران بسندهای معتبر از حضرت صاحب الامر علیه السلام روایت کرده اند که سنت است در هر
روز از روزهای ماه مبارک اللهم انی اسئلک بالمولودین فی رجب محمد بن علی الثانی وابنه علی
رجب این دعا را بخوانند بارخدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بحق این دو مولود که در ماه رجب متولد شده اند که یکی امام محمد تقی است ودیکری پسر اوست امام
ابن محمد المنتجب واتقرب بهما الیک خیر القرب یا من الیه المعروف طلب وفیما لدیه رغب
علی نقی برکزیده شده ونزدیکی میجویم بایشان دو مولود بسوی تو بهترین قرب ومنزلت ای آنکسی که بسوی اوست معروف طلبیده شده وبانچه نزد اوست رغبت کرده شده
اسئلک سؤال مقترف مذنب قد اوبقته ذنوبه واوثقته عیوبه فطال علی الخطایا
سوال میکنم ترا سوال کردن عاجز کناه کننده بتحقیق که هلاک کرده است او را کناهانش ومحکم کرده آنرا عیبها او پس دراز شد بر کناهان
ذوبه ومن الرزایا خطوبه یسئلک التوبة وحسن الاوبة والنزوع عن الحوبة ومن النار
عادتهای او وان مصیبتها خواهشهای او سوال میکند ترا توبه وخوبی برکشت وخلاص شدن از کناه واز آتش

فکاک

فکاک رقبته والعفو عما فی ربقته فانت یا مولای اعظم امله وثقته اللهم واسئلک بمسائلک
خلاص شدن کردنها وبخشش را از آنچه در کردن اوست پس توئی ای مولای من بزرکت امیدها ووثوق او بارخدایا وسوال میکنم ترا بمسائل
الشریفة ووسائلک المنیفة ان تتغمدنی فی هذا الشهر برحمة منک واسعة ونعمة وازعة
کرامی تو ووسیلهای تو که شریف است بآنکه بپوشانی تو مرا در این ماه رجب برحمت از تو در حالتیکه وسیع است ونعمت قسمت کرده
ونفس بما رزقتها قانعة الی نزول الحافرة ومحل الاخرة وما هی الیه صائرة واز حضرت
ونفسی که بآنچه روزی داده تو او را در حالتیکه قانع است تا وقت نزول کردن در قبر وجای آخرت وآنچه نفس بسوی او بر کرد رسول صلی الله
علیه واله منقولست که در جمیع ماه استغفر الله واتوب الیه بر دستها را بسوی اللهم اغفر
رجب هر بامداد وپیشین هفتاد مرتبه بکوید آمرزش میطلبم خدا را ورجوع میکنم بسوی او آسمان بردارد وبکوید خدایا بیامرز
لی وتب علی واین استغفار در جمیع ایام سال سنت است وهزار مرتبه سوره قل هو الله احد در جمیع
مرا وتوبه ده بر من ماه خواندن ثواب بسیار در آن وارد شده است اکر خواهد در یک روز بخواند واکر خواهد هر
روز قدری بخواند که در تمام ماه هزار مرتبه خوانده باشد وایضا منقولست که هر کس هزار مرتبه لا اله
الا الله در جمیع ماه بکوید صد هزار حسنه برای او نوشته شود وحق تعالی در بهشت شهری برای
او بنا کند ودر هر شب از شبهای این ماه هزار مرتبه لا اله الا الله وارد شده است وصد مرتبه این استغفار
نیز منقولست ودر جمیع ماه اکر چهارصد استغفر الله الذی لا اله الا هو وحده لا شریک له واتوب
مرتبه بخواند فضیلت بسیار دارد طلب آمرزش میکنم از خدائی که نیست خدائی مکر او یکیست وشریکی ندارد وتوبه میکنم
الیه واز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه واله فرمود که هر که در هر شب
بسوی او یا روز ماه رجب وشعبان ورمضان سه مرتبه سوره حمد وآیة الکرسی وقل یا ایها الکافرون وقل هو الله
احد وقل اعوذ برب الناس وقل اعوذ برب الفلق بخواند وسه مرتبه بکوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا
الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وسه مرتبه بکوید منزه است خدا وسپاس از برای اوست ونیست خدائی مکر
او وخدا بزرکتر ونیست کردیدنی ونه توانائی مکر بخدائی که بلند وبزرکست اللهم صل علی محمد وال محمد وسه مرتبه
اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات وچهارصد مرتبه خداوندا درود فرست بر محمد وال محمد
خداوندا بیامرز مؤمنین ومؤمنات را استغفر الله واتوب الیه بکوید کناهانش اکر چه بعدد
آمرزش میطلبم از خدا وتوبه میکنم بسوی او قطرهای باران وبرک درختان وکف دریاها باشد ودر
روز عید حق تعالی او را ندا کند که براستی تو دوست منی وبهر حرفی ترا شفاعتی میدهم در برادران وخواهران

مؤمن تو حضرت فرموده که اگر در عمری یکبار این عمل او رد حق تعالی بهر حرفی هفتاد هزار حسنه با عطا کند که هر حسنه
از جمیع کوههای دنیا سنگین تر باشد وهفتصد حاجت او را در وقت مردن وهفتصد حاجت او را در قبر وهفتصد
حاجت او را در وقت بیرون امدن از قبر ومثل انرا در وقت پرواز کردن نامهای اعمال ونزد سنجیدن اعمال در
میزان ونزد صراط براورد واو را در سایهٔ عرش خود جا دهد وحساب کند او را حساب اسان وهفتاد هزار ملك
او را مشایعت کنند تا داخل بهشت شود وبا و عطا کند انچه هیچ چشمی ندیده باشد وگوشی نشنیده باشد فصل
چهارم در بیان فضایل واعمال شب وروز اول است تا روز پانزدهم در شب اول اما غسل سنت است ومنقولست
که هر که در شب اول ماه رجب وشب پانزدهم وشب اخر ان غسل کند از گناهان بیرون اید مانند روزی که از
مادر متولد شده است ودر وقت دیدن ماه دعای صحیفهٔ کامله را بخواند که بهترین دعاهاست وهفت مرتبه
سورهٔ حمد را بخواند تا از درد چشم ایمن گردد ودر هر ماه این سنت است ومنقولست که چون ماه رجب را ببیند بگوید
اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَیْنَا بِالْاَمْنِ وَالْاِیْمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ رَبِّیْ وَرَبُّكَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ ودر شب اول و
بار خدایا بنما تو ماه را بما با امن و ایمان و سلامت و اسلام خدای من و خدای تو خداوند غالب بزرگ روز اول زیارت
حضرت امام حسین صلوات الله علیه فضیلت بسیار دارد ودر حدیث معتبر وارد شده است که هر که در اول
رجب انحضرت را زیارت کند بهشت او را واجب شود البته واحیای شب اول سنت است وانحضرت
صادق صلوات الله علیه منقولست که تا توانی محافظت نما بر احیای شب عید ماه رمضان وشب عید
قربان وشب اول محرم وشب عاشورا وشب اول رجب وشب نیمهٔ شعبان ودرین شبها دعا ونماز وتلاوت
قران بسیار بکن وبسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که در شب اول رجب بعد از نماز
عشا این اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاَنَّكَ مَلِیْكٌ وَاَنَّكَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ مُقْتَدِرٌ وَاَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ اَمْرٍ یَکُوْنُ
دعا بخوان بار خدایا بدرستی که سوال میکنم ترا باینکه تو پادشاهی و اینکه بر هر چیز اقتدار داری و اینکه تو انچه خواهی امر میشود
اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَتَوَجَّهُ اِلَیْكَ بِنَبِیِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ صَلَوَاتُكَ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ یَا مُحَمَّدُ یَا رَسُوْلَ
خداوندا بدرستی که من متوجه میشوم بسوی تو بحق پیغمبر تو محمد پیغمبر مهربان درود تو بر او و بر ال او یا محمد ای رسول
اللّٰهِ اِنِّیْ اَتَوَجَّهُ اِلَی اللّٰهِ رَبِّیْ وَرَبِّكَ لِیُنْجِحَ بِكَ طَلِبَتِیْ اَللّٰهُمَّ بِنَبِیِّكَ مُحَمَّدٍ وَبِالْاَئِمَّةِ
خدا بدرستی که متوجه میشوم بسوی خدا خدای من وخدای تو تا انکه روا شود بتو حاجتهای من خداوندا بحق پیغمبر تو که محمد است وبحق امامان که
مِنْ اَهْلِ بَیْتِهِ اَنْجِحْ طَلِبَتِیْ پس حاجات خود را طلب نماید وبیست رکعت نماز نیز وارد شده است
از اهل بیت او یند روا کن حاجتهای مرا هر دو رکعت بیك سلام ودر هر رکعت سورهٔ حمد ویکمرتبه سورهٔ قل هو الله احد

بخواند تا از بلاهای دنیا وعذاب اخرت ایمن گردد وشیخ ودیگران بسند معتبر روایت کرده اند
که حضرت امام موسی علیه السلام در شب اول ماه رجب بعد از انکه از نماز شب فارغ میشد این دعا را در
سجده اَللّٰهُمَّ لَكَ الْمَحْمَدَةُ اِنْ اَطَعْتُكَ وَلَكَ الْحُجَّةُ اِنْ عَصَیْتُكَ لَا صُنْعَ لِیْ وَلَا لِغَیْرِیْ فِی اِحْسَانٍ
میخواند خدایا از برای تست ستایشها بدرستی که فرمان بردارم ترا واز برای تست حجت اگر نافرمانی کنم ترا نیست مرا واز برای من ونه از برای غیر من دیگری
اِلَّا بِكَ یَا کَائِنًا قَبْلَ کُلِّ شَیْءٍ وَیَا مُکَوِّنَ کُلِّ شَیْءٍ اِنَّكَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ
مگر بسوی تو او انکه بوده است پیش از همه چیز و ای انکه خلق کننده است هر چیز را بدرستی که تو بر همه چیز توانائی خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بتو از
الْعَدِیْلَةِ عِنْدَ الْمَوْتِ وَمِنْ شَرِّ الْمَرْجِعِ فِی الْقُبُوْرِ وَمِنَ النَّدَامَةِ یَوْمَ الْاٰزِفَةِ فَاَسْئَلُكَ اَنْ
برگشتن نزد مردن واز بدی برگشتن در قبرها و از پشیمانی در روز قیامت پس سوال میکنم ترا اینکه
تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ وَاَنْ تَجْعَلَ عَیْشِیْ عِیْشَةً نَقِیَّةً وَمِیْتَتِیْ مِیْتَةً سَوِیَّةً وَمُنْقَلَبِیْ مُنْقَلَبًا
درود فرستی بر محمد وال او و اینکه بگردانی زندگانی مرا زندگانی پاکی و مردن مرا مردن خوب و برگشتن مرا برگشتن
کَرِیْمًا غَیْرَ مُخْزٍ وَلَا فَاضِحٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الْاَئِمَّةِ یَنَابِیْعِ الْحِکْمَةِ وَاُوْلِی النِّعْمَةِ وَ
خوب غیر رسوا کننده بار خداوندا درود بفرست بر محمد وال او امامان که چشمه حکمت ودانش وصاحب نعمتند و
مَعَادِنِ الْعِصْمَةِ وَاعْصِمْنِیْ بِهِمْ مِنْ کُلِّ سُوْءٍ وَلَا تَاْخُذْنِیْ عَلٰی غِرَّةٍ وَلَا عَلٰی غَفْلَةٍ وَلَا تَجْعَلْ
مکان عصمتند و نگاه دار مرا بسبب ایشان از هر بدی ومگیر مرا بر مغرور شدن ونه بر غافل شدن ومگردان
عَوَاقِبَ اَعْمَالِیْ حَسْرَةً وَارْضَ عَنِّیْ فَاِنَّ مَغْفِرَتَكَ لِلظَّالِمِیْنَ وَاَنَا مِنَ الظَّالِمِیْنَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیْ مَا
عاقبت اعمال مرا ندامت وراضی شو از من بدرستی که امرزش تو از برای ظالمانست ومن از جملهٔ ظالمانم خداوندا بیامرز مرا
لَا یَضُرُّكَ وَاَعْطِنِیْ مَا لَا یَنْقُصُكَ فَاِنَّكَ الْوَسِیْعُ رَحْمَتُهُ الْبَدِیْعُ حِکْمَتُهُ وَاَعْطِنِی السَّعَةَ وَالدَّعَةَ
انچه ضرر بتو ندارد وبده بمن انچه نقصان بتو ندارد که بدرستی که توئی که فراخست رحمت او تازه است حکمت او وبده بمن وسعت واسودگی
وَالْاَمْنَ وَالصِّحَّةَ وَالنُّجُوْعَ وَالْقُنُوْعَ وَالشُّکْرَ وَالْمُعَافَاتَ وَالتَّقْوٰی وَالصَّبْرَ وَ
وایمنی را وصحت را وگوارندگی را و رضا را وشکر را وعفت را و پرهیزکاری را وصبر را و
الصِّدْقَ عَلَیْكَ وَعَلٰی اَوْلِیَائِكَ وَالْیُسْرَ وَالشُّکْرَ وَاعْمُمْ بِذٰلِكَ یَا رَبِّ اَهْلِیْ وَوَلَدِیْ وَ
تصدیق کردن بر تو را وبر دوستان تو و اسانی را وشکر را وعام کن بسبب اینها ای پروردگار من اهل مرا وفرزندان من را
اِخْوَانِیْ فِیْكَ وَمَنْ اَحْبَبْتُ وَاَحَبَّنِیْ وَوَلَدْتُ وَوَلَدَنِیْ مِنَ الْمُسْلِمِیْنَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَ
وبرادران مرا در راه تو وکسی را که دوست دارم ودوست دارد مرا وزائیده ام من وزائیده است مرا از مسلمانان ومسلمات و

المؤمنين والمؤمنات يا رب العالمين وايضا بسند معتبر منقولست که مستحب است که بعد از سلام

مردان مومن و زنان مومنه ای پروردگار عالمیان کفتن از نماز و ترجیح آنکه نشسته است این دعا را بخواند

الحمد لله الذی لا تنفد خزائنه ولا يخاف امنه رب ان ارتكبت المعاصی فذلك ثقة بكرمك

شکر و سپاس مر خدای را که خالی نمیشود خزینهای او و نمی‌ترسد امان دهنده او ای خداوند اگر مرتکب شوم گناهی را پس این اعتماد است بکرم تو

انك تقبل التوبة عن عبادك وتعفو عن سيئاتهم وتغفر الزلل فانك مجيب لداعيك

بدرستی که قبول میکنی توبه را از بندگان خود و درمیگذری از گناهان ایشان و میآمرزی خطاهای ایشان را پس بدرستیکه تو جواب کوینده مر خواننده خود را

ومنه قريب فانا تائب اليك من الخطايا وراغب اليك فی توفير حظی من العطايا يا

و از او نزدیکی پس من بازگشت کننده‌ام بسوی تو از گناهان و رغبت کننده‌ام بسوی تو در بسیار کردن بخشش مرا از بخششها ای

خالق البرايا يا منقذی من كل شديدة يا مجيری من كل محذور وفر علی السرور واكفنی شر

خلق کننده خلقها ای خلاص کننده من از هر سختی ای پناه دهنده من از هر مکروهی بسیار کن بر من خوشحالی را و کفایت کن مرا بدی

عواقب الامور فانت الله علی نعمائك وجزيل عطائك مشكور ولكل خير مذخور

عاقبت کارها پس بدرستی که تو خدائی بر نعمتهای تو و بخششهای بزرگ تو شکر کرده شده و از برای هر خیری ذخیره کرده شده

وایضا از حضرت امام علی نقی علیه السلام منقولست یا نور النور یا مدبر الامور یا مجری البحور یا باعث من

که بعد از نماز و تر این دعا را نیز بخوانند ای روشن کننده روشنیها ای تدبیر کننده کارها ای جاری کننده دریاها ای برانگیزاننده کسی که

فی القبور يا كهفی حين تعيينی المذاهب وكنزی حين تعجزنی المكاسب ومونسی حين يجفونی

در قبرهاست ای پناه دهنده من هنگامی که سست کرده است مرا راههای معاش و ای گنج من در هنگامی که عاجز کرده است مرا کسبها و ای مونس من وقتی که جفا کرده است مرا

الاباعد وتملنی الاقارب ومنزهی بمجالسة اوليائه ومرافقة احبائه فی رياضه وساقی

دورها و ناخوش کرده اند نزدیکان و ای تنزیه کننده مرا بسبب همنشینی دوستان خود و مرافقت کنندگان دوستان خود در باغهای خود و ای آب دهنده من

بمواهب من غير حياضه ودافعی بمجاورته من ورطة الذنوب الی ربوة التقريب و

بسبب موافقت کردن از آب جوشکوار حوضهای خود و ای بلند کننده من بسبب نزدیکی خود از ورطه گناهان بسوی بلندی نزدیکی و

مبدلی بولايته عزة العطايا من ذلة الخطايا اسئلك يا مولای بالفجر والليالی العشر و

ای تبدیل کننده من بدوستی خود عزت بخششها از خواری گناهان سوال میکنم ترا ای آقای من بحق طلوع صبحها و بحق ده شب و

الشفع والوتر والليل اذا يسر وبما جری به قلم الاقلام بغير كف ولا ابهام وباسمائك

بحق نماز شفع و نماز وتر و بحق شب وقتی که سیر میکند و بآنچه جاری شده است بآن قلم نویسندگان بدون بازایستادن و بدون ابهام و بنامهای بزرگ تو

یعنی دست

فلذلك نو

شتی نو

مجانبة نو

العظام وبجاهك علی جميع الانام عليهم منك افضل السلام وبما استحفظتهم من اسمائك الكرام

بزرگ تو و بجاههای تو بر جمیع خلایق بر ایشان باد از تو بهترین درودها و بآنچه حفظ کرده تو ایشان از نامهای بزرگ تو

ان تصلی عليهم وترحمنا فی شهرنا هذا وما بعده من الشهور والايام وان تبلغنا شهر الصيام

بآنکه رحمت فرستی بر ایشان و رحم کنی ما را در این ماه رجب و آنچه بعد از اوست از ماههای دیگر و روزهای دیگر و بآنکه برسانی ما را بماه روزه

فی عامنا هذا وفی كل عام يا ذا الجلال والاكرام والمنن الجسام وعلی محمد واله منا افضل السلام

در این سال و در هر سال ای صاحب بزرگی و بخشش و نعمتهای بزرگ و بر محمد و آل او باد از ما بهترین درودها

واعمال وادعیه این شب بسیار است و روزه روز اول فضیلت بسیار دارد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که در روز اول رجب حضرت نوح علیه السلام بکشتی سوار شد و امر کرد جمیع جن و انس را که با او در کشتی بودند که روزه بدارند و هر که این روز را روزه بدارد آتش جهنم یکساله راه از او دور گردد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که روزه بدارد روز اول ماه رجب را از برای رغبت در ثواب خدا بهشت او را واجب شود و هر که یک روز از وسط این ماه را روزه بدارد حق تعالی شفاعت او را قبول نماید در مانند ربیعه و مضر که دو قبیله عظیم اند از قبایل عرب و هر که یک روز از آخر این ماه را روزه بدارد حق تعالی او را از پادشاهان بهشت کرداند و قبول کند شفاعت او را در پدر و مادر و دختر و پسر و برادر و خواهر و عمو و عمه و خالو و خاله او و جمیع همسایگان و آشنایان او هر چند همه مستوجب جهنم باشند و شیخ طوسی و دیگران از سلمان فارسی رض روایت کرده اند که گفت در آخر روز جمادی الثانیه رفتم بخدمت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله حضرت فرمود که ای سلمان تو از ما اهل بیتی پس فرمود که هر مرد مومن یا زن مومنه که در ماه رجب سی رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت یک مرتبه سوره حمد و سه مرتبه سوره قل هو الله احد و سه مرتبه قل یا ایها الکافرون بخواند البته حق تعالی محو کند از نامه عمل او هر گناهی را که در کودکی و بزرگی کرده باشد و خدا عطا کند با و ثواب کسی را که تمام این ماه را روزه گرفته باشد و تا سال آینده حق تعالی او را از نمازگذارندگان بنویسد و در هر روزی از این ماه ثواب شهیدی از شهیدان جنگ بدر برای او باسمان ببرند و بهر روز که در این ماه روزه بدارد عبادت یکساله در نامه عمل او بنویسند و هزار درجه در بهشت از برای او بلند کنند و اگر تمام ماه را روزه بدارد خدا او را از آتش جهنم نجات دهد و بهشت را از برای او واجب گرداند ای سلمان جبرئیل این نماز را برای من آورد و گفت یا محمد این علامتیست میان شما و منافقان زیرا که منافقان این نماز را نمیکنند گفتم یا رسول الله چگونه این نماز را بکنم و در چه وقت بجا آورم فرمود که

در روز اوّل ماه ده رکعت بجا میاوری یعنی هر دو رکعت بیك سلام و در هر رکعت سوره حمد
و سه مرتبه قل هو الله احد و سه مرتبه قل یا ایها الکافرون میخوانی و بعد از هر سلام دست بسوی اسمان
بلند کن و بکو لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ
نیست خدایی مکر خدا یکیست شریکی نیست از برای او از برای اوست پادشاهی و از برای اوست ستایش زنده میکند و میمیراند و او زنده است غیمیرد
بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ اَللّٰهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا اَعْطَیْتَ وَلَا مُعْطِیَ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا یَنْفَعُ
بدست اوست خیر و او بر همه چیز تواناست بار خدایا نیست منع کننده آنچه را می بخشی تو و نیست بخشنده آنچه را منع کرده تو و نفع نمیکند
ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ پس دستها را بر روی خود میکشی و در روز وسط ماه یعنی پانزدهم ده
صاحب جدی را جدی از تو
رکعت بهمان نحو بجا میاوری و بعد از هر سلام دستها را بسوی اسمان بر
میداری لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ بِیَدِهِ
و میکویی نیست خدایی مکر او یکیست شریکی نیست از برای او مر او راست پادشاهی و او راست ستایش زنده میکند و میمیراند و اوست زنده که نمیمیرد بدست اوست
الْخَیْرُ وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ اِلٰهًا وَاحِدًا اَحَدًا فَرْدًا صَمَدًا لَمْ یَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا
خیرها و او بر همه چیز تواناست خداست یکی یکی یکیست بی نیازست نکرفته است صاحبی و نه فرزندی
پس دستها را بر روی خود میکشی و در روز آخر ماه ده رکعت بهمان نحو میکنی و بعد از هر سلام دست
بر میداری لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ
و میکویی نیست خدایی مکر او یکیست شریکی نیست از برای او از برای اوست پادشاهی و از برای اوست ستایش زنده میکند و میمیراند و او زنده است غیمیرد
بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ وَصَلَّی اللهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِینَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا
بدست اوست خیر و او بر همه چیز تواناست و درود بفرستد خدا بر محمد و آل او که پاکانند و نیست کردشی و نه قوتی مکر
بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ پس دستها را بر روی خود بمال و حاجت خود را بطلب که البته بر آورده است
بخدایی که بلند است و بزرکست
و حق تعالی میان تو و جهنم هفت خندق قرار میدهد که عرض هر خندقی بقدر
ما بین اسمان و زمین بوده باشد و بعدد هر رکعتی ثواب هزار هزار رکعت در نامهٔ عمل تو مینویسند
و برات بیزاری از جهنم و کذشتن بصراط برای تو مینویسند و منقولست که هر که در روز جمعهٔ ماه
رجب صد مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند حق تعالی در قیامت باو نوری عطا کند که بان نور
داخل بهشت کردد و در حدیث معتبر وارد شده است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام در روز جمعه اوّل
ماه رجب متولد شده و موجب زیادتی شرف این روز کردیده و در روایتی وارد شده که ولادت حضرت

امام علی نقی علیه السلام در روز دوّیم ماه رجب شده و بروایت دیکر در روز سیّم ماه رجب واقع
شده و بروایت ابرهیم بن هاشم وفات آنحضرت در روز سیّم واقع شده است و ابن عیّاش کفته
است که ولادت آنحضرت در پنجم اینماه واقع شده است و ولادت امام محمّد تقی علیه السلام در دهم اینماه
واقع شده است و بعضی از روایات در فضیلت خصوص دهم وارد شده است یعنی سیزدهم و چهاردهم
و پانزدهم و بسند معتبر از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی فضیلت سه ماه را باین
امت داده است که با حدی از امتهای کذشته نداده است ماه رجب و ماه شعبان و ماه رمضان و سه شب
باین امت داده است که بامتهای دیکر نداده است شب سیزدهم و شب چهاردهم و شب پانزدهم
و سه سوره باین امت داده است که مثل اینها بامتهای پیش نداده است سورهٔ یس و سورهٔ تبارك
الذی بیده الملك و سورهٔ قل هو الله احد پس هر که جمع کند میان این سه فضیلت جمیع فضایل این امت
را جمع کرده خواهد بود پرسیدند که چکونه جمع کند فرمود که در شب سیزدهم هر یك از این سه ماه دو
رکعت نماز بکذارد و در هر رکعت بعد از سورهٔ حمد این سه سوره را بخواند و در شب چهاردهم چهار رکعت
نماز بکذارد بدو سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند و در شب پانزدهم شش رکعت
بجا آورد بسه سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند تا جمیع فضیلت این سه ماه را بیابد
و جمیع کناهانش آمرزیده شود بغیر از شرك بخدا و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که ایام البیض ماه
رجب را روزه دارد حق تعالی بهر روزی عبادت یکساله و روزهٔ یکساله برای او بنویسد و در قیامت
او را در محل ایمنان باز دارد که هیچ بیم و خوف نداشته باشد و مشهور آنست که ولادت باسعادت حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه در میان کعبهٔ معظمه در روز سیزدهم ماه رجب بود دوازده سال قبل از
مبعوث شدن حضرت رسول صلی الله علیه و آله و علی بن ابرهیم کفته است که ولادت حضرت امام علی نقی
علیه السلام نیز در روز سیزدهم ماه رجب بود در سال دویست و چهارده از هجرت و شب پانزدهم از لیالی متبرکه
است و غسل در ان سنّت است و احیای ان بعبادت فضیلت بسیار دارد و از حضرت رسول صلی
الله علیه و آله منقولست که در شب نیمهٔ رجب حق تعالی امر میکند ملائکه را که هر کناهی که در دیوان اعمال
مؤمنان باشد محو کنند و ایضا از آنحضرت منقولست که هر که روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه
رجب را روزه بدارد و در شبهای اینها مشغول عبادت باشد از دنیا نرود مکر با توبهٔ نصوح و هر روزی
که روزه داشته هفتاد کناه کبیرهٔ او آمرزیده شود و هفتاد حاجت او بر آورده شود در وقتی که از قبر بیرون

میاید ونزد میزان ونزد صراط وچنان باشد که هفتاد بنده از فرزندان اسمعیل علیه السلام آزاد کرده باشد
وشفاعت او را قبول کنند در هفتاد نفر از اهل بیت وخویشان او که مستحق جهنم شده باشند و
حق تعالی بنا کند از برای او در جنات فردوس هفتاد هزار شهر ودر هر شهری هفتاد هزار قصر
بوده باشد ودر هر قصری هزار حوریه باشد وهر حوریه هفتاد هزار خادم داشته باشد
وشیخ طوسی علیه الرحمه بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که در شب نصف رجب
دوازده رکعت نماز بجا میاوری یعنی بشش سلام با حمد وهر سوره که خواهی وچون فارغ شوی هر یک
از سوره قل هو الله احد وقل اعوذ برب الناس وقل اعوذ برب الفلق وقل هو الله احد وآیة الکرسی را
چهار مرتبه میخوانی سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ پس اَللهُ اَللهُ رَبِّی لَا اُشْرِکُ
بِهٖ شَیْئًا پس چهار مرتبه میکویی منزه است خدا وحمد مر خدا راست ونیست خدائی مکر او وخدا بزرکست میکویی خدا خدا پروردکار من است شریک نمیکنم
بِهٖ شَیْئًا وَمَا شَاۤءَ اللهُ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ ودر شب وروز زیارت حضرت امام حسین علیه السلام
با وچیزی را آنچه میخواهد خدا میشود ونیست توانائی مکر بخدا سنت مؤکد است وبسند صحیح از ابن ابی نصر منقول است
که از حضرت امام رضا علیه السلام سؤال کرد که زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در کدام وقت
بهتر است فرمود که در نیمهٔ رجب ونیمهٔ شعبان ودر روز پانزدهم نماز سلمان را باید کرد بکیفیتی که کذشت
وبسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در این روز چهار
رکعت نماز کرد ودستهای خود را کشود واین دعا را خواند پس فرمود که هر که بسختی وغمی مبتلا
کردد واین دعا را بخواند البته کرب وشدت او زایل میکردد واین چهار رکعت را بدو سلام میکند
وهر سوره که میخواهد میخواند ودعا اینست اَللّٰهُمَّ یَا مُذِلَّ کُلِّ جَبَّارٍ وَمُعِزَّ الْمُؤْمِنِیْنَ اَنْتَ کَهْفِیْ حِیْنَ تُعْیِیْنِی الْمَذَاهِبُ
بارخدایا ای خوار کننده هر سرکشی وعزیز کننده مومنان توئی پناه من در وقتی که سست کند مرا راههای معاش
وَاَنْتَ بَارِئُ خَلْقِیْ رَحْمَةً بِیْ وَقَدْ کُنْتَ عَنْ خَلْقِیْ غَنِیًّا وَلَوْلَا رَحْمَتُکَ لَکُنْتُ مِنَ الْهَالِکِیْنَ
وتوئی ابتدا کننده خلقت من از برای مهربانی بمن وبتحقیق که بودی تو از خلق کردن من بی نیاز واکر نبود رحمت تو هر اینه بودم من از جمله هالکان
وَاَنْتَ مُؤَیِّدِیْ بِالنَّصْرِ عَلٰی اَعْدَاۤئِیْ وَلَوْلَا نَصْرُکَ اِیَّایَ لَکُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوْحِیْنَ
وتوئی قوت دهنده من بیاری کردن بر دشمنان من واکر نبود یاری کردن تو مرا هر اینه بودم از جمله رسوایان
یَا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِنِهَا وَمُنْشِئَ الْبَرَکَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا یَا مَنْ خَصَّ بِالشُّمُوْخِ
ای فرستاننده رحمت از مکانهای خود وبیرون آورنده برکت از محلهای خود ای آنکه خاص شده بلندی

المفضوحین

وارفعة

وَالرِّفْعَةِ فَاَوْلِیَاۤؤُهٗ بِعِزِّهٖ یَتَعَزَّزُوْنَ یَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوْکُ نِیْرَ الْمَذَلَّةِ عَلٰی اَعْنَاقِهَا
ورفعت پس دوستان او بغالب بودن او غالب میشوند ای آنکه کذاشتند از برای او پادشاهان زنجیرهای خواری بر کردنهای خود
فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهٖ خَاۤئِفُوْنَ اَسْئَلُکَ بِکَیْنُوْنِیَّتِکَ الَّتِی اشْتَقَقْتَهَا مِنْ کِبْرِیَاۤئِکَ وَ
پس ایشان از هیبت وصلابت او ترسانند سؤال میکنم ترا بحق بودن تو آنچنانکه بیرون آوردهٔ او را از بزرکی تو و
اَسْئَلُکَ بِکِبْرِیَاۤئِکَ الَّتِی اشْتَقَقْتَهَا مِنْ عِزَّتِکَ وَاَسْئَلُکَ بِعِزَّتِکَ الَّتِی اسْتَوَیْتَ
وسؤال میکنم ترا بر بزرکی تو آن بزرکی که بیرون آوردهٔ او را از عزت خود وسؤال میکنم ترا بعزت تو آن عزتی که مستوی شدهٔ است
بِهَا عَلٰی عَرْشِکَ فَخَلَقْتَ بِهَا جَمِیْعَ خَلْقِکَ فَهُمْ لَکَ مُذْعِنُوْنَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهٖ
بسبب آن بر عرش خود پس خلق کرده تو بسبب او جمیع خلق خود را پس ایشان از برای تو اعتقاد کننده اند بانکه درود فرستی بر محمد واهل بیتش
پس حاجات خود را از خدا تعالی طلب نماید وبدانکه عمدهٔ اعمال نصف رجب دعای ام داود است
که ابن بابویه وشیخ طوسی وسید ابن طاوس رضی الله عنهم بسندهای معتبر روایت کرده اند وبرای بر
آمدن حاجات وکشف کربات ودفع ظلم ظالمان مجربست ومجمل روایاتش آنست که فاطمه مادر داود
الحسن پسرزادهٔ حسن مجتبی علیه السلام دایهٔ حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بود وبشیر داود آنحضرت را شیر
داده بود وچون محمد بن عبد الله بن الحسن در مدینه خروج کرد ومنصور دوانقی لشکر فرستاد واو را
کشتند وابرهیم برادر محمد را نیز شهید کردند وعبد الله بن الحسن وجمعی از سادات حسنی را
با غل وزنجیر از مدینه بعراق بردند داود نیز در میان آنها بود ام داود کفت چون مدتی از حبس فرزند
من کذشت واز او خبری بمن نرسید پیوسته دعا وتضرع میکردم واز صلحا ونیکان وبرادران
مؤمن استدعای دعا مینمودم وایشان تقصیر نمیکردند ومطلقا اثر استجابت نمیافتم وکاهی خبر
بمن میرسید که داود را کشتند وکاه میکفتند که او را با پسران عم او در زیر عمارت زنده کذاشتند
وروز بروز مصیبت من عظیمتر واندوه من بیشتر میشد تا آنکه از غم کداختم وپیر شدم واز ملاقات
او نا امید کردیدم تا آنکه روزی شنیدم که حضرت صادق علیه السلام را علتی عارض شده است بعیادت
آنحضرت رفتم چون احوال کرفتم ودعا کردم وخواستم که بر کردم حضرت فرمود که از داود چه خبر داری
ومن شیر داود را با آنحضرت داده بودم چون نام داود را شنیدم کریستم وکفتم فدای تو شوم داود
کجاست او در عراق محبوس است ومن از ملاقات او قطع امید کرده ام واز شما التماس میکنم
که او را دعا کنید او برادر رضاعی شماست حضرت فرمود که چرا غافلی از دعای استفتاح ودعای

بعزه یتعززون

اجابت ونجاح واندعائیست که درهای اسمان برای ان کشوده میشود وملائکه استقبال میکنند خواننده
ازا وبشارت میدهند اورا باجابت واندعائیست که از مجیب الدعوات محجوب نمیکردد وخواننده ازا توابی
نیست بغیر از بهشت ام داود کفت ای فرزند طاهرین وراست کویان چکونه است اندعا حضرت فرمود ای
مادر داود ماه محترم یعنی ماه رجب نزدیك شده است وانماهیست مبارك وحرمت ان عظیم است ودعاها
دران مستجابست چون انماه دراید سیزدهم وچهاردهم وپانزدهم ازاکه ایام البیض اند روزه بدار پس حضرت کیفیت
این عمل را تعلیم او نمود وفرمود که ایندعا را حفظ کن وبهمه کس تعلیم مکن که میترسم که بدست کسی افتد که از برای امر باطلی
ونامشروعی ایندعا را بخواند بدرستی که ایندعای بسیار شریفی است ومشتملست براسم اعظم خدا که هرکه بخواند البته
براورده میشود واکر درهای اسمان وزمین همه بسته شود ویا دریاها حایل باشند میان تو وحاجت تو چون
ایندعا را بخوانی البته اسان میکرداند رسیدن ترا بمطلب وحاجت ترا برمیاورد وهرکه ایندعا را بخواند خدا
مستجاب میکرداند خواه مرد باشد وخواه زن واکر جن وانس همه دشمن فرزند تو باشند خداوند قادر کفایت
شر ایشان میکند وزبان ایشانرا میبندد وایشانرا منقاد فرزند تو میکرداند ام داود کفت که حضرت ایندعارا
برای من نوشت وبخانه برکشتم وچون ماه رجب داخل شد انچه حضرت فرموده بود بعمل اوردم ودر شب
شانزدهم نماز شام وخفتن را ادا کردم وازروزه افطار نمودم وقدری عبادت کردم وبخواب رفتم در
خواب دیدم جمیع ملائکه وپیغمبران وشهدا وعباد را که من برایشان صلوات فرستاده بودم وحضرت
رسول صلی الله علیه واله مرا خطاب فرمود که ای مادر داود بشارت باد ترا که اینجماعت که می بینی همه
برادران ویاوران وشفیعان تو اند واز برای تو طلب امرزش میکنند وبشارت میدهند ترا بانکه حاجت
تو براورده است پس بشارت باد ترا بامرزش خدا وخدا ترا جزای خیر دهد وشاد باش که حق تعالی فرزند
ترا حفظ میکند وبتو برمیکرداند انشاء الله تعالی ام داود کفت که ازخواب بیدار شدم وبعد از ان
انقدر زمان که سوار تند روی ازعراق بمدینه اید داود بنزد من امد وکفت ای مادر من درعراق در
زندان بسیار تنکی وکرسنکی وتشنکی بند وزنجیر بودم ونا امید بودم ازخلاص شدن چون شب نصف رجب شد
درخواب دیدم که بلندیهای زمین پست شد وترا دیدم که برروی حصیر نماز خود نشسته بودی ودور
تو مردانی چند بودند که سرهای ایشان دراسمان بود وپاهای ایشان در زمین وتسبیح وتنزیه خدا میکردند
پس یکی از ایشان که ازهمه خوشروتر وخوشبوتر بود وجامهای بسیار پاکیزه دربرداشت وکمان کردم که
حضرت رسول صلی الله علیه واله جدمنست خطاب کرد بامن که بشارت باد ترا ای فرزند عجوزه صالحه که حق تعالی

دعای مادر ترا در حق تو مستجاب کرد چون بیدار شدم رسولان منصور دوانقی بدر زندان رسیده بود
مرا امده بودند درمیان شب مرا بنزد او بردند پس امر کرد که زنجیرها را ازمن برداشتند وده هزار درهم که زیاده
از هزار تومان بوده بحساب انزمان بمن عطا کرد وفرمود که مرا برشتر رهواری سوار کنند وبنهایت سرعت
بمدینه بیاورند ام داود کفت که من داود را بخدمت حضرت صادق علیه السلام بردم وحضرت فرمود که سبب
خلاصی تو ان بود که منصور حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را درخواب دید که باو فرمود که رها کن
فرزند مرا واکر نکنی ترا در این اتش میاندازم چون نظر کرد دریای اتشی درزیر پای خود دید پس ازدهشت بیدار
شد واز کرده خود پشیمان کردید وترا رها کرد واما کیفیت این عمل شریف ام داود کفت که حضرت صادق علیه السلام
فرمود که در ماه مبارك رجب روز سیزدهم وچهاردهم وپانزدهم را روزه بدار ودر روز پانزدهم در
وقت زوال غسل بکن وبروایت دیکر نزدیك بزوال غسل بکن وچون زوال معلوم شود پاکیزه ترین
جامهای خود را بپوش وبخانه خلوتی برو وسعی کن که کسی بنزد تو نیاید که ترا مشغول کرداند وباتو سخن بکوید
وهشت رکعت نافله زوال را بعمل اور ورکوع وسجود انها را خوب بعمل آور پس نماز ظهر را باداب وشرایط
بعمل اور وبعد از نماز فریضه ظهر دو رکعت نماز بکن بهرسوره که خواهی وبعد از ان صدمرتبه بکو
یا قاضی حوائج الطالبین پس هشت رکعت نافله عصر را باداب بجامیاوری ودر بعضی از روایات
وارد شده است که در هر رکعت از نافله عصر بعد از حمد سه مرتبه قل ای براورنده حاجتهای طلب کنندگان
هو الله احد ویکمرتبه سوره انا اعطیناك الکوثر بخوان پس نماز عصر را باخشوع واداب بجا اور و
در روایتی وارد شده است که برروی حصیر پاکیزه بنشین پس صدمرتبه سوره حمد وصدمرتبه سوره
قل هو الله احد وده مرتبه ایة الکرسی بخوان پس هریك از این سورها را یکمرتبه بخوان سوره انعام
وبنی اسرائیل وکهف ولقمان ویس ووالصافات وحم سجده وحمعسق وحم دخان وانا فتحنا واذا
وقعت الواقعة وتبارك الذی بیده الملك ون والقلم واذا السماء انشقت تا اخر قران واکر
نتوانی این سورها را از روی مصحف درست بخوانی بعوض همه هزارمرتبه سوره قل هو الله احد
بخوان وشیخ مفید علیه الرحمه کفته است که اکر نتوانی یا متوانی این سورهای مخصوص را بخوانی صد
مرتبه سوره حمد وده مرتبه ایة الکرسی وهزارمرتبه سوره قل هو الله احد بخوان واین احوط است ودر روایت
دیکر وارد شده است که سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ وبعد از ایة الکرسی
بیش از حمد صدمرتبه بکوید صدمرتبه بکوید ده
الله ومنزه استخدا وحمد برای اوست ونیست خدائی بجز او رضا بزرکست

السائلین
سوال کنندگان

اللّهمّ صلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ وآية الكرسى نيز درست نتواند خواند صد مرتبه سوره حمد
وهزار مرتبه قل هو الله احد بخواند پس دعا را بخواند وآية الكرسى را بهتر انست كه تا هم فيها خالدون
بخواند ودعا اينست صدق الله العظيم الّذى لا اله الّا هو الحىّ القيّوم ذو الجلال و
بسم الله الرحمن الرحيم راست كفت خداوند بزرك انخدايى كه نيست خدايى مكر او زنده دايم است صاحب بزركى و
الاكرام الرّحمن الرّحيم الحليم الكريم الّذى ليس كمثله شىءٌ وهو السّميع البصير العليم
بخشش است روزى دهنده بخشاينده بردبار بخشنده است كه نيست مثل چيزى و اوست شنوا وبينا ودانا
الخبير شهد الله انّه لا اله الّا هو والملائكة واولوا العلم قائمًا بالقسط لا اله الّا
خبردار كواه است خدا بدرستى كه نيست خدايى مكر او و فرشتكان وصاحبان علم قايم است بعدل نيست خدايى مكر
هو العزيز الحكيم وبلّغت رسله الكرام وانا على ذلك من الشّاهدين اللّهمّ لك الحمد و
او غالب وحكيم است ورسانيده اند رسولان بزرك او ومن بر اين رسالت از جمله كواهانم خداوندا مرتراست ستايش و
لك المجد ولك العزّ ولك الفخر ولك القهر ولك النّعمة ولك العظمة ولك الرّحمة
مرتراست بزركى ومرتراست غلبه ومرتراست نازش ومرتراست قهر وغلبه ومرتراست نعمت ومرتراست بزركى و مرتراست مهربانى
ولك المهابة ولك السّلطان ولك البهاء ولك الامتنان ولك التّسبيح ولك
ومرتراست صلابت ومرتراست پادشاهى ومرتراست روشنى ومرتراست نعمت دادن ومرتراست تسبيح وتنزيه ومرتراست
التّقديس ولك التّهليل ولك التّكبير ولك ما يرى ولك ما لا يرى ولك ما فوق السّموات
تقديس وپاكى ومرتراست تهليل ومرتراست تكبير ومرتراست انچه ديده شده ومرتراست انچه ديده نشده ومرتراست انچه فوق اسمانهاى
العلى ولك ما تحت الثّرى ولك الارضون السّفلى ولك الاخرة والاولى ولك ما
بلندست ومرتراست انچه در زير ثرى است ومرتراست انچه در زمينهاى پست است ومرتراست اخرت و دنيا ومرتراست انچه
ترضى به من الثّناء والحمد والشّكر والنّعماء اللّهمّ صلّ على جبرئيل امينك على
راضى شوى بان از مدحها وسپاس وشكر ونعمتها خداوندا درود فرست بر جبرئيل كه امين تست بر
وحيك والقوىّ على امرك والمطاع فى سمواتك ومحالّ كراماتك المتحمّل لكلماتك
وحى تو وتوانا است بر امر تو وفرمان برده شده در اسمانهاى تو ومكانهاى كرامتهاى تو بردارنده كلمات تو را
النّاصر لانبيائك المدمّر لاعدائك اللّهمّ صلّ على ميكائيل ملك رحمتك والمخلوق
يارى كننده مر پيغمبران ترا هلاك كننده مر دشمنان ترا خداوندا درود فرست بر ميكائيل كه فرشته رحمت تست ومخلوق شده

لرافتك

لرافتك والمستغفر المعين لاهل طاعتك اللّهمّ صلّ على اسرافيل حامل عرشك و
از رحمت تو و باز كشت كننده اعانت كننده مر اهل طاعت كننده ترا خداوندا درود فرست بر اسرافيل بردارنده عرش تو و
صاحب الصّور المنتظر لامرك والوجل المشفق من خيفتك اللّهمّ صلّ على عزرائيل
صاحب صور انتظار كننده امر تو و ترسان مهربان از ترس تو خداوندا درود فرست بر عزرائيل
قابض ارواح جميع خلقك اللّهمّ صلّ على حملة العرش الطّاهرين وعلى ملائكتك الذّكر اهل
قبض كننده روحهاى جميع خلق تو خداوندا درود فرست بر حاملان عرش كه پاكانند و بر فرشتكان ذكر اهل
التّأمين على دعاء المؤمنين وعلى السّفرة الكرام البررة الطّيّبين وعلى ملائكتك
امين كوينده بر دعاء مؤمنين و بر ايلچيان بزرك نيكوكاران پاكان و بر فرشتكان تو
الكرام الكاتبين وعلى ملائكة الجنان وخزنة النّيران وملك الموت والاعوان
بزركان نويسندكان و بر فرشتكان بهشت و خزنه دوزخ و بر ملك موت و ياوران او
يا ذا الجلال والاكرام اللّهمّ صلّ على ابينا آدم بديع فطرتك الّذى كرّمته بسجود ملائكتك
اى صاحب بزركى و بخشندكى خداوندا درود فرست بر پدر ما آدم كه او خلق تست انچنان ادمى كه كرامى داشتى او را بسجود فرشتكان تو
واَبحته جنّتك اللّهمّ صلّ على امّنا حوّاء المطهّرة من الرّجس المصفّاة من الدّنس
ومباح كردى او را بهشت تو خداوندا درود فرست بر مادر ما حوا پاك از پليدها پاك كرده شده از كثافتها
المفضّلة من الانس المتردّدة بين محالّ القدس اللّهمّ صلّ على هابيل وشيث و
فضيلت داده شده از ادميان متردد در ميان مكانهاى پاك خداوندا درود فرست بر هابيل وشيث و
ادريس ونوح وهود وصالح وابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب ويوسف والاسباط
ادريس و نوح وهود وصالح وابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب ويوسف واسباط
ولوط وشعيب وايّوب وموسى وهرون ويوشع وميشا والخضر وذى القرنين ويونس
ولوط وشعيب وايوب وموسى وهرون ويوشع وميشا وخضر وذى القرنين ويونس
والياس واليسع وذى الكفل وطالوت وداود وسليمن وزكريّا وشعيى ويحيى وتورخ
والياس واليسع وذى الكفل وطالوت وداود وسليمان وزكريا وشعيى ويحيى وتورخ
ومتّى وارميا وحيقوق ودانيال وعزير وعيسى وشمعون وجرجيس والحواريّين والاتباع
ومتى وارميا وحيقوق ودانيال وعزير وعيسى وشمعون وجرجيس وحواريين وتابعان

كرمته
من الدنس
ويعقوب
سنا

وخالد وحنظلة اللهم صل على محمد وآل محمد وارحم محمدا وآل محمد وبارك على محمد و

وخالد وحنظله خداوندا درود فرست بر محمد وآل محمد ورحم كن بر محمد وآل محمد ومبارك باد كن بر محمد و

آل محمد كما صليت ورحمت وباركت على ابرهيم وآل ابرهيم انك حميد مجيد اللهم صل

آل محمد همچنانكه درود فرستادی ورحم كردی ومباركباد كرده بر ابرهيم وآل ابرهيم بدرستيكه تو حمد كرده شده بزرگى خداوندا درود بفرست

على الاوصياء والسعداء والشهداء وائمة الهدى اللهم صل على الابدال و

بر اوصياء ونيكبختان وشهيدان وامامان هدايت كننده خداوندا درود بفرست بر ابدالان و

الاوتاد والسياح والعباد والمخلصين والزهاد واهل الجد والاجتهاد واخصص

عباد وسياحت كنندگان وعبادت كنندگان واخلاص دارندگان وزاهدان واهل كوشش واجتهاد وخاص گردان

محمدا واهل بيته بافضل صلواتك واجزل كراماتك وبلغ روحه وجسده منى

محمد واهل بيت اورا بر بهترين درود تو وبزرگترين كرامتهای تو وبرسان روح اورا وتن اورا از من

تحية وسلاما وزده فضلا وشرفا وكرما حتى تبلغه اعلى درجات اهل الشرف

تحيتها ودعتها وزياد كن اورا فضل وبزرگى وبخشندگى تا آنكه برسانی اورا بلندترين درجهای اهل شرف وبزرگى

من النبيين والمرسلين والافاضل المقربين اللهم صل على من سميت ومن لم اسم

از پيغمبران ورسولان وفاضلان نزديكان خداوندا درود بفرست بر كسی كه نام برده ام وبر كسی كه نام نبرده ام

من ملائكتك وانبيائك ورسلك واهل طاعتك واوصل صلواتي اليهم والى ارواحهم

از فرشتگان تو وپيغمبران تو ورسولان تو واهل طاعت تو وبرسان درود مرا بسوی ايشان وبسوی ارواح ايشان

واجعلهم اخواني [illegible] واعواني على دعائك اللهم انى استشفع بك اليك و

وبگردان ايشانرا برادران [illegible] راه تو وياری كننده من بر خواندن تو خداوندا بدرستيكه من شفاعت ميكنم بتو بسوی تو و

بكرمك الى كرمك وبجودك الى جودك وبرحمتك الى رحمتك وباهل طاعتك اليك

ميبكرم تو بسوی كرم تو وبخشش تو بسوی بخشش تو وبرحمت تو بسوی رحمت تو وباهل طاعت تو بسوی تو

واسئلك اللهم بكل ما سألك به احد منهم من مسئلة شريفة غير مردودة وبما

وسوال ميكنم ترا خداوندا بهرآنچه سوال ميكند ترا واحدی از ايشان از سوال كه شريفست مردود نشده وبآنچه

دعوك به من دعوة مجابة غير مخيبة يا الله يا رحمن يا رحيم يا حليم يا كريم يا عظيم

خواندند ترا وان دعاهای اجابت كرده شده رد نكرده شده ای خدا ای روزی دهنده ای بخشاينده ای بردبار ای بخشاينده ای بزرگوار

يا جليل

يا جليل يا منيل يا جميل يا كفيل يا وكيل يا مقيل يا مجير يا خبير يا منير يا مبير يا منيع يا

ای بزرگ ای عطا كننده ای خوب كننده ای كفيل شونده ای وكيل شونده ای اقاله كننده ای پناه دهنده ای دانا ای روشن كننده ای نيكو كننده ای منع كننده ای

مديل يا مجمل يا كبير يا قدير يا بصير يا شكور يا بر يا طهر يا طاهر يا قاهر يا ظاهر

غالب شونده ای جايزه كننده ای بزرگ كننده ای قدرت دارنده ای بيننده ای شكر كننده ای نيكو كننده ای پاك ای پاك كننده ای غلبه كننده ای ظاهر كننده

يا باطن يا ساتر يا محيط يا مقتدر يا حفيظ يا متجبر يا قريب يا ودود يا حميد يا مجيد

ای محجوب از خلق ای پوشاننده ای احاطه كننده ای اقتدار دارنده ای محافظت كننده ای تكبر كننده ای نزديكی كننده ای دوست داشته شده ای ستايش كرده شده ای بزرگ

يا مبدئ يا معيد يا شهيد يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل يا قابض يا باسط يا هادی

ای تازه كننده ای اعاده كننده ای گواه شونده ای احسان كننده ای بزرگی كننده ای انعام كننده ای بخشنده ای گيرنده ای پهن كننده ای راهنماينده

يا مرسل يا مرشد يا مسدد يا معطی يا مانع يا دافع يا رافع يا باقی يا واقی يا خلاق

ای فرستاننده ای ارشاد كننده ای نماينده راه راست ای عطا كننده ای منع كننده ای دفع كننده ای بلند كننده ای باقی گذارنده ای تمام كننده ای خلق كننده

يا وهاب يا تواب يا فتاح يا نفاح يا مرتاح يا من بيده كل مفتاح يا نفاع

ای بخشاينده ای قبول توبه كننده ای گشاينده ای حكم كننده ای كسی كه بدست اوست هر كليدی ای سود كننده

يا رؤف يا عطوف يا كافی يا شافی يا معافی يا مكافی يا وفی يا مهيمن

يا ای مهربانی كننده ای مهربانی كننده ای كفايت كننده ای شفا دهنده ای نگاه دارنده ای كفايت كننده ای وفا كننده ای گواه شونده

يا عزيز يا جبار يا متكبر يا سلام يا مؤمن يا احد يا صمد يا نور يا مدبر يا فرد

ای غالب شونده ای تكبر كننده ای تكبر كننده ای سلام دهنده ای تصديق كننده ای متفرد بذات ای بی نياز ای روشن كننده ای تدبير كننده ای تنها

يا وتر يا قدوس يا ناصر يا مؤنس يا باعث يا وارث يا عالم يا حاكم يا بادی

ای تنها ای منزه از عيبها ای ياری كننده ای موانست كننده ای برگزيننده ای وارث جميع چيزها ای دانا ای حاكم ای خلقت كننده

يا هادی يا متعالی يا مصور يا مسلم يا متحبب يا قائم يا دائم يا عليم يا حكيم يا

ای راهنماينده ای بلند شونده ای خلقت كننده ای سالم كننده ای دوست دارنده ای قائم شونده ای دايم ای بردبار ای دانشمند ای

جواد يا باری يا بار يا سار يا عدل يا فاضل يا ديان يا حنان يا منان يا سميع

بخشنده ای خلق كننده ای نيكوكار ای پادشاه ای عدالت كننده ای فضل دهنده ای جزا دهنده ای بخشاينده ای شنونده

يا بديع يا خفير يا معين يا ناشر يا غافر يا قديم يا مسهل يا ميسر يا مميت يا

ای خلق كننده ای زنهار دهنده ای ياری كننده ای خلق كننده ای آمرزنده ای باقی ای آسان كننده ای آسان كننده ای ميراننده ای

محيي يا نافع يا رازق يا مقتدر يا مسبب يا مغيث يا مغني يا مقني يا خالق يا راصد

زنده کننده ای نفع دهنده ای روزی دهنده ای تقدیر کننده ای سبب شونده ای فریادرس ای بی نیاز ای دهنده ای خلقت کننده ای چشم دارنده

يا واحد يا حاضر يا جابر يا حافظ يا شديد يا غياث يا عائد يا قابض يا منيب يا

ای تنها ای حاضر ای بزرگی کننده ای محافظت کننده ای شدید ای فریادرس ای عود کننده ای گیرنده ای

مبين يا طاهر يا مجيب يا متفضل يا مستجيب يا عادل يا بصير يا مؤمل يا مبدئ

جواب دهنده ای ظاهر کننده ای اجابت کننده ای بخشنده ای اجابت کننده ای عدالت کننده ای بیننده ای امید دارنده ای ظاهر کننده

يا أواب يا وافي يا راشد يا ملك يا رب يا مذل يا معز يا ماجد يا رازق يا ولي يا

ای رجوع کننده ای وفا کننده ای چشم دارنده ای پادشاه ای پروردگار ای خوار کننده ای غالب شونده ای بزرگی کننده ای روزی دهنده ای یاری کننده ای

فاضل يا سبحان يا من علا فاستعلى فكان بالمنظر الأعلى يا من قرب فدنى وبعد

فضیلت دهنده ای پاک و منزه ای آنکه بلندی پس شده بلند پس بوده به نظرها بلند ای آنکه نزدیکی پس نزدیکی و دوری

فنأى وعلم السر وأخفى يا من إليه التدبير وله المقادير يا من العسير عليه

پس دوری و داننده پوشیده و پنهان را ای آنکه بسوی اوست تدبیرها و از برای اوست اندازها ای آنکه دشوار بر و

سهل يسير ويا من هو على ما يشاء قدير يا مرسل الرياح يا فالق الإصباح ويا

آسان است اندک و ای آنکه او بر آنچه میخواهد تواناست ای دهنده بادها ای شکافنده صبحها و ای

باعث الأرواح يا ذا الجود والسماح يا راد ما قد فات يا ناشر الأموات يا جامع

برانگیزاننده روحها ای صاحب بخشش و جوانمردی ای رد کننده آنچه بتحقیق فوت شده ای بیرون آورنده مردها ای جمع کننده

الشتات يا رازق من يشاء بغير حساب ويا فاعل ما يشاء كيف يشاء يا ذا الجلال و

پراکندها ای روزی دهنده کسی که میخواهد بی حساب و ای کننده آنچه میخواهد بهر نحو که میخواهد ای صاحب بزرگی و

الإكرام يا حي يا قيوم يا حي حين لا حي يا حي يا محيي الموتى يا حي لا إله إلا أنت بديع

بخشش ای زنده ای قایم ای زنده وقتی که نیست زنده ای زنده ای زنده کننده مردها ای زنده نیست خدایی مگر تو خلق کننده

السموات والأرض يا إلهي وسيدي صل على محمد وآل محمد وارحم محمدا وآل محمد وبارك

آسمانها و زمین ای خدای من و آقای من درود بفرست بر محمد و آل محمد و رحم کن بر محمد و آل محمد و مبارک کن

على محمد وآل محمد كما صليت وباركت ورحمت وترحمت على إبراهيم وآل إبراهيم إنك حميد

بر محمد و آل محمد چنانکه درود فرستادی و مبارک کرده و رحم کرده و رحم کننده بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستی که تو ستایش کرده شده

مقتدر

فائض

بجید

مجيد وارحم ذلي وفاقتي وفقري وانفرادي ووحدتي وخضوعي بين يديك و

بزرگ رحم کن خواری مرا و تنگی مرا و بیچیزی مرا و تنهایی مرا و تنها بودن مرا و فروتنی مرا در پیش تو و

اعتمادي عليك وتضرعي إليك أدعوك دعاء الخاضع الذليل الخاشع الخائف

اعتماد مرا بر تو و زاری کردن مرا بسوی تو میخوانم ترا خواندن فروتنی کنندگان خوار خشوع کننده ترسان

المشفق البائس المهين الحقير الجائع الفقير العائذ المستجير المقر بذنبه المستغفر

ترسنده ناامید خوار اندک گرسنه بی چیز پناه برنده زنهار خواهنده اقرار کننده بگناه خود بازگشت کننده

منه المستكين لربه دعاء من أسلمته ثقته ورفضته أحبته وعظمت فجيعته

از آن آرام گیرنده از برای خدای خود خواندن کسی که تسلیم کرد اینه او را اعتماد و وا انداخت او را دوستان او و بزرگ شده زاری او

دعاء حرق حزين ضعيف مهين بائس مسكين بك مستجير اللهم وأسألك بأنك

خواندن سوخته حزین ناتوان خوار ناامید درویش بتو است پناه خداوندا و سؤال میکنم ترا بدرستی که تو

مليك وأنك ما تشاء من أمر يكن وأنك على ما تشاء قدير وأسألك بحرمة هذا الشهر

پادشاهی و بدرستی که تو آنچه میخواهی از کارها میشود و بدرستی که تو بر آنچه میخواهی توانایی و سؤال میکنم ترا بحرمت این ماه

الحرام والبيت الحرام والبلد الحرام والركن والمقام والمشاعر العظام وبحق نبيك محمد

با حرمت و بحرمت خانه با حرمت و بحرمت شهر با حرمت و بحرمت رکن و مقام و مکانهای بزرگ و بحق پیغمبر تو محمد

عليه وآله السلام يا من وهب لآدم شيثا ولإبراهيم إسمعيل وإسحق ويا من رد يوسف

بر او و بر آل او باد سلام ای آنکه بخشیده است مر آدم را شیث و مر ابرهیم را اسمعیل و اسحق و ای آنکسی که رد کرد یوسف را

على يعقوب ويا من كشف بعد البلاء ضر أيوب يا راد موسى على أمه ويا زائد

بر یعقوب و ای آنکسی که بر طرف کرده است بعد از بلیهای بلاء ایوب را ای رد کننده موسی بر مادرش و ای زیاد کننده

الخضر في علمه ويا من وهب لداود سليمن ولزكريا يحيى ولمريم عيسى يا حافظ بنت

خضر در دانایی او و ای آنکه بخشیده مر داود را سلیمن و مر زکریا را یحیی و مریم را عیسی ای نگاهدارنده دختر

شعيب ويا كافل ولد موسى أسألك أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تغفر لي ذنوبي

شعیب و ای کفالت کننده ولد موسی سؤال میکنم ترا باینکه درود بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی از برای من گناهان مرا

كلها وتجيرني من عذابك وتوجب لي رضوانك وأمانك وإحسانك وغفرانك

همه را و پناه دهی مرا از عذاب خود و واجب کردانی از برای من خوشنودی خود را و امان خود را و نیکویی خود را و آمرزش خود را

تکون

[illegible]

وَجِنانَكَ وَاَسْئَلُكَ اَنْ تَفُكَّ عَنّی كُلَّ حَلْقَةٍ ضَيِّقٍ بَيْنی وَبَيْنَ مَنْ يُؤْذِينی وَتَفْتَحَ لی كُلَّ
و بهشت خود را و سؤال میکنم ترا اینکه بو داری از من همه حلقهای تنگ را میانه من و میانه کسی که ایذا کند مرا و بگشایی از برای من همه
بابٍ وَتُلَيِّنَ لی كُلَّ صَعْبٍ وَتُسَهِّلَ لی كُلَّ عَسيرٍ وَتُخْرِسَ عَنّی لِسانَ كُلِّ ناطِقٍ بِشَرٍّ وَتَكُفَّ
درها را و نرم کنی از برای من همه دشواری را و آسان کنی از برای همه دشواری را و لال کنی از من زبان همه گوینده را ببدی و باز داری
عَنّی كُلَّ باغٍ وَتَكْبِتَ لی كُلَّ عَدُوٍّ لی وَحاسِدٍ وَتَمْنَعَ مِنّی كُلَّ ظالِمٍ وَتَكْفِيَنی كُلَّ عائِقٍ
از من هر ظلم کننده را و هلاک کنی از برای من همه دشمنان مرا و حسد برندگان و باز داری از من همه ظالمان را و کفایت کنی از من هر مانعی
يَحُولُ بَيْنی وَبَيْنَ وَلَدی وَيُحاوِلُ اَنْ يُفَرِّقَ بَيْنی وَبَيْنَ طاعَتِكَ وَيُثَبِّطَنی عَنْ عِبادَتِكَ
که واسطه باشد میان من و میان فرزند من و واسطه شود و که جدایی افکند میانه من و میان فرمانبرداری تو و باز دارد مرا از عبادت کردن تو
يا مَنْ اَلْجَمَ الْجِنَّ الْمُتَمَرِّدينَ وَقَهَرَ عُتاةَ الشَّياطينِ وَاَذَلَّ رِقابَ الْمُتَجَبِّرينَ وَرَدَّ
ای آنکه لجام کرده است شیاطین سرکشی کننده گان را و غلبه کرده است سرکشی شیاطین را و خوار کرده است گردنهای تکبر کنندگان را و رد کرده است
كَيْدَ الْمُتَسَلِّطينَ عَنِ الْمُسْتَضْعَفينَ اَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ عَلی ما تَشاءُ وَتَسْهيلِكَ
مکر تسلط دارندگان را از بیچارگان سؤال میکنم ترا بقدرت تو بر آنچه میخواهی و آسان کردن تو
لِما تَشاءُ كَيْفَ تَشاءُ اَنْ تَجْعَلَ قَضاءَ حاجَتی فيما تَشاءُ پس بسجده برو و پهلوهای روی
مر آنچه که میخواهی بهر نحوی که خواهی آنکه بگردانی گذاردن حاجت مرا در آنچه میخواهی خود را بر خاک بگذار و بگو
اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ فَارْحَمْ ذُلّی وَفاقَتی وَاجْتِهادی وَتَضَرُّعی وَمَسْكَنَتی وَ
خداوندا از برای تو فروتنی کردم و بتو ایمان آوردم پس رحم کن خواری مرا و پریشانی مرا و اجتهاد مرا و زاری مرا و درویشی مرا و
وَفَقْری اِلَيْكَ يا رَبِّ پس حضرت فرمود که سعی کن که آب از دیده ات بیرون آید اگر چه بقدر
و فقیری مرا بسوی تو ای پروردگار سر مگسی باشد که آن علامت اجابت دعاست و در روایت دیگر وارد
شده است که در سجده اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ فَارْحَمْ ذُلّی وَخُضُوعی بَيْنَ يَدَيْكَ
این دعا بخواند خداوندا از برای تو فروتنی کردم و بتو ایمان آوردم پس رحم کن خواری مرا و فروتنی مرا پیش دست تو
وَفَقْری وَفاقَتی اِلَيْكَ وَارْحَمْ اِنْفِرادی وَخُشُوعی وَاجْتِهادی بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَوَكُّلی
و درویشی مرا و تنگی مرا بسوی تو و رحم کن تنهایی مرا و فروتنی مرا و اجتهاد مرا پیش دست تو و توکل مرا
عَلَيْكَ اَللّٰهُمَّ بِكَ اَسْتَفْتِحُ وَبِكَ اَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَآلِهِ اَتَوَجَّهُ
بر تو خداوندا بتو فتح میکنم و بتو طلب حاجت میکنم و بمحمد که بنده تست و فرستاده تو و آل او متوجه میشوم

الیك

حَلْقَةٍ بَيْنی

يَسُوءُ

حاجَتی — حاجت من

تَجْعَلَ

اِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ سَهِّلْ لی كُلَّ حُزُونَةٍ وَذَلِّلْ لی كُلَّ صُعُوبَةٍ وَاَعْطِنی مِنَ الْخَيْرِ اَكْثَرَ مِمّا اَرْجُو وَعافِنی
بسوی تو خداوندا آسان کن از برای من همه دشواریها را و نرم کن از برای من هر سختی را و بده بمن از خیر بیش از آنچه امید دارم و نگاه دار مرا
مِنَ الشَّرِّ وَاصْرِفْ عَنِّی السُّوءَ و بروایت دیگر صد یا قاضِیَ حَوائِجِ الطّالِبينَ اِقْضِ حاجَتی
از بدی و برگردان از من بدیها را مرتبه در سجده بگوید ای برآورنده حاجتهای طلب کنندگان برآور حاجت مرا
بِلُطْفِكَ يا خَفِیَّ الْاَلْطافِ و در روایت معتبر وارد شده است که مادر داود بحضرت عرض کرد که
بلطف خود ای مخفی کننده لطفها ای سید و آقای من آیا این دعا را در غیر ماه رجب میتوان خواند فرمود که
بلی در روز عرفه میتوان خواند و اگر موافق افتد که در روز جمعه باشد صاحبش فارغ نمیشود مگر
آنکه خدا او را بیامرزد و در هر ماه که باشد اگر ایام البیض آن ماه را روزه بدارد و در روز پانزدهم
این دعا را بخواند بنحوی که ذکر کردم حاجتش برآورده میشود و در روایت دیگر وارد است که حضرت فرمود
که در روز عرفه و هر روز که این دعا را بخواند حاجتش برآورده میشود مؤلف گوید که از این احادیث ظاهر
میشود که در هر ماه که ایام البیض آن یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را روزه بدارد و در روز پانزدهم
این عمل را بجا آورد بمطلوب فایز میگردد و دور نیست اگر در روز عرفه و جمعه و سایر ایام متبرکه این عمل را
بدون روزه بعمل آورد خوب باشد و اگر در غیر اشهر حرم که ذی القعده و ذی الحجه و محرم و ماه رجب است
این دعا را خواند بجای بِحُرْمَةِ هذَا الشَّهْرِ الْحَرامِ بگوید بِحُرْمَةِ الشَّهْرِ الْحَرامِ و همه را بیند اند بهتر باشد فصل پنجم
در بیان فضایل و اعمال نصف آخر ماه رجب است شیخ طوسی و دیگران رحمهم الله گفته اند که در روز
هجدهم این ماه ابرهیم پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت پس حزن و اندوه و لعن بر آنها که در
این مصیبت شماتت کردند مناسبت خصوصا عایشه علیها اللعنه و ابن عیاش که یکی از محدثان شیعه است
گفته است که حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها در روز بیست و یکم ماه رجب بعالم قدس ارتحال نمود
اگرچه خلاف مشهور است اما لعن بر قاتلان و ظالمان آن جگر گوشه حضرت رسالت که عمده آنها عمر بن
الخطاب علیه اللعنه و العذاب است و زیارت آنحضرت احیاطا مناسبت بنحوی که مذکور خواهد
شد انشاء الله تعالی و شیخ مفید رحمه الله گفته است که در روز بیست و دویم این ماه معویه
علیه اللعنه بجهنم واصل شده است مستحبست که این روز را روزه بدارند بشکر این نعمت و در روز بیست و سیم
این ماه خارجیان خنجر زهرآلود بر ران مبارک حضرت امام حسن مجتبی صلوات الله علیه زدند و زیارت
آنحضرت و لعن بر قاتلان و ظالمان آنحضرت مناسبت و در روز بیست و چهارم این ماه فتح خیبر بدست

حضرت م

معجزنمای اسدالله الغالب علی بن ابی طالب علیه السلام جاری شد و مرحب یهودی بدست آنحضرت کشته شد گفته‌اند
روزه این روز بشکر این نعمت و زیارت آنحضرت مستحب است و شیخ علیه الرحمه ذکر کرده است که شهادت
حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه در روز بیست و پنجم ماه رجب واقع شده امّا احادیث بسیار
در فضیلت این روز و ثواب روزه‌اش وارد شده است و روایتی نقل کرده‌اند از ابن بابویه و غیر او که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روز بیست و پنجم رجب مبعوث برسالت شد و این مخالف مشهور
و احادیث بسیار است که بعد از این مذکور خواهد شد امّا در فضیلت روزه‌اش شکی نیست چنانچه
از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که روزه‌اش کفّاره دویست سال گناهست و بسند بسیار معتبر از
حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که هر که روز بیست و پنجم ماه رجب را روزه بدارد حق تعالی روزه
او را کفّاره هفتاد سال گناه گرداند و ایضا از آنحضرت علیه السلام منقولست که هر که روز بیست و ششم ماه
رجب را روزه دارد حق تعالی روزه او را کفّاره هشتاد سال گناه گرداند و روز بیست و هفتم
این ماه از جملهٔ اعیاد عظیمه است و روزیست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله برسالت در آن روز
بر امّت مبعوث گردید و جبرئیل علیه السلام به پیغمبری بر آنحضرت نازل شد و شبش نیز شب بسیار مبارکیست
و بسندهای معتبر از حضرت امام محمّد تقی علیه السلام منقولست که در ماه رجب شبی هست که بهتر است از
برای مردم از آنچه آفتاب بر آن می‌تابد و آن شب بیست و هفتم است و در صبح آن شب حضرت رسول
صلی الله علیه و آله برسالت مبعوث شد و کسی که عبادت کند این شب را مثل اجر شصت سال
عبادت خدا با و عطا میفرماید پرسیدند که عمل آن شب چیست فرمود که چون نماز خفتن
کردی بخواب و هر وقت آن شب که بیدار شوی خواه پیش از نصف شب و خواه بعد از آن برخیزد
دوازده رکعت نماز بکن و بعد از هر دو رکعت سلام بگو و در هر رکعت بعد از حمد یک سوره از
سورهای کوچک بعد از یس را بخوان و چون از همه فارغ شوی چنانکه نشسته‌ای سورهٔ حمد و
قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه
فی لیلة القدر و آیة الکرسی هر یک را الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ
هفت مرتبه بخوان پس این دعا را بخوان ستایش مر خدای راست آنچنان خدایی که نگرفت فرزندی و نیست او را انباز در پادشاهی
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِمَعَاقِدِ عِزِّكَ عَلٰى
و نیست او را ولیی از خواری و بزرگ بگو او را بزرگ گفتنی خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم ترا بمعاقد عزت تو بر

اَرْكَانِ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ وَذِكْرِكَ
ارکان عرش تو و انتهای رحمت از کتاب تو و باسم تو بزرگ بزرگ بزرگ و ذکر تو
الْاَعْلَى الْاَعْلَى وَبِكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ كُلِّهَا اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ بِي مَا اَنْتَ
که بلندترست بلند و بکلمات تامات تو همه باینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بکنی بمن آنچه تو
اَهْلُهُ پس هر حاجت که خواهی بطلب که هرچه بطلبی مستجاب میشود مگر آنکه حرامی بطلبی یا قطع
سزاوار آنی رحمی یا هلاک جمعی از مؤمنان را طلب کنی و روزش را روزه بدار که از برای تو حساب میشود
بروزهٔ یکسال و بسند معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقولست که در شب بیست و هفتم
رجب هر وقت شب که باشد دوازده رکعت نماز بجا آور و در هر رکعت بعد از سورهٔ حمد چهار
مرتبه سورهٔ قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد بخوان و چون از دوازده
رکعت نماز فارغ شوی در لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا
همان مکان چهار مرتبه بگو نیست خدایی مگر خدا و خدا بزرگست و حمد مر خدا راست و پاکست خدا و نیست گردشی و نه
قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ پس هر حاجت که خواهی بطلب مؤلف گوید که بهر یک از این دو روایت
قوتی مگر بخداوند بلند بزرگ که عمل کند خوبست و اگر هر دو را بکند بهتر است و اگر نماز شب نصف شب
را که بسند صحیح مذکور شد در این شب بجا آورد خوبست و در آن روایت وارد شده است که در این شب
نیز بجا آورند و شیخ طوسی علیه الرحمه گفته است که غسل در این شب مستحب است و زیارت حضرت
رسول و حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما در این شب مناسبست و این دعا نیز وارد شده است
که در این شب اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِالتَّجَلِّي الْاَعْظَمِ فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ مِنَ الشَّهْرِ الْمُعَظَّمِ وَالْمُرْسَلِ
بخوانند خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم من ترا بجلوه بزرگ در این شب از ماه بزرگ
الْمُكَرَّمِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَنْ تَغْفِرَ لَنَا مَا اَنْتَ بِهِ مِنَّا اَعْلَمُ يَا مَنْ يَعْلَمُ وَلَا يُعْلَمُ
مکرم باینکه درود فرستی بر محمد و آل او و باینکه بیامرزی از برای ما آنچه تو بآن از ما داناتری ای آنکه میداند و تعلیم داده نشده
اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي لَيْلَتِنَا هٰذِهِ الَّتِي بِشَرَفِ الرِّسَالَةِ فَضَّلْتَهَا وَبِكَرَامَتِكَ اَجْلَلْتَهَا
خداوندا مبارک کن از برای ما در شب ما این شب آنچنانی که بشرف رسالت فضیلت داده آنرا و بکرامت تو بزرگ کرده آنرا
اَللّٰهُمَّ فَاِنَّا نَسْئَلُكَ بِالْمَبْعَثِ الشَّرِيفِ وَالسَّيِّدِ اللَّطِيفِ وَالْعُنْصُرِ الْعَفِيفِ اَنْ
خداوندا بدرستیکه ما سؤال میکنیم ترا بمبعوث شریف و مهتر لطیف و عناصر پاک باینکه

نُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ تَجْعَلَ أَعْمَالَنَا فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي سَائِرِ اللَّيَالِي مَقْبُولَةً وَذُنُوبَنَا

درود فرستی بر محمد وآل او واینکه بگردانی اعمال ما را درین شب و در سایر شبها قبول کرده شده وگناهان ما را

مَغْفُورَةً وَحَسَنَاتِنَا مَشْكُورَةً وَسَيِّئَاتِنَا مَسْتُورَةً وَقُلُوبَنَا بِحُسْنِ الْقَوْلِ مَسْرُورَةً

آمرزیده شده وحسنات ما را شکر کرده شده و گناهان ما را پوشیده شده و دلهای ما را بخوبی سخن شاد شده

وَأَرْزَاقَنَا مِنْ لَدُنْكَ بِالْيُسْرِ مَدْرُورَةً اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ تَرَى وَلَا تُرَى وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى

وروزیهای ما را از نزد تو باسانی فرود آمده شده خداوندا بدرستیکه تو می بینی و دیده نمیشوی و تو بنظرهای بلندی

وَأَنَّ إِلَيْكَ الرُّجْعَى وَالْمُنْتَهَى وَأَنَّ لَكَ الْمَمَاتَ وَالْمَحْيَا وَأَنَّ لَكَ الْآخِرَةَ وَالْأُولَى

وبدرستیکه بسوی تست بازگشت ومنتهی شدن وبدرستیکه بسوی تواست مردن وزنده شدن وبدرستیکه از تست آخرت واولی

اَللّٰهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَى وَأَنْ نَأْتِيَ مَا عَنْهُ تَنْهَى اَللّٰهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ

خداوندا بدرستیکه ما پناه میبریم بتو از آنکه خوار شویم ورسوا شویم وبجا بیاوریم آنچه از آن نهی کرده خداوندا بدرستیکه ما سؤال میکنیم ترا

الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَنَسْتَعِيذُ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعِذْنَا مِنْهَا بِقُدْرَتِكَ وَنَسْأَلُكَ مِنَ

بهشت برحمت تو وپناه میجوییم بتو از آتش پس پناه ده ما را از آن آتش بقدرت تو وسؤال میکنیم از تو

الْحُورِ الْعِينِ فَارْزُقْنَا بِعِزَّتِكَ وَاجْعَلْ أَوْسَعَ أَرْزَاقِنَا عِنْدَ كِبَرِ سِنِّنَا وَأَحْسَنَ

حور العین را پس روزی کن ما را بعزت تو وبگردان وسیعترین روزی ما را نزد پیری سن ما وخوب بگردان

أَعْمَالِنَا عِنْدَ اقْتِرَابِ آجَالِنَا وَأَطِلْ فِي طَاعَتِكَ وَمَا يُقَرِّبُ إِلَيْكَ وَيُحْظِي عِنْدَكَ

اعمال ما را نزد نزدیک شدن اجلهای ما ودراز کن در فرمان برداری تو وآنچه نزدیک میشود بسوی تو ومی بخشی نزد خود

وَيُزْلِفُ لَدَيْكَ أَعْمَارَنَا وَأَحْسِنْ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِنَا وَأُمُورِنَا مَعْرِفَتَنَا وَلَا تَكِلْنَا إِلَى

ونزدیکی میکند نزد خود عمرهای ما را ونیکو کن در جمیع احوال ما وامور ما شناخت ما را وو امگذار بسوی

أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَيَمُنَّ عَلَيْنَا وَتَفَضَّلْ عَلَيْنَا بِجَمِيعِ حَوَائِجِنَا لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَابْدَأْ

احدی از خلق خود بمنت گذارد بر ما وتفضل کن بر ما بجمیع حاجتهای ما از دنیا و آخرت وابتدا کن

بِآبَائِنَا وَأَبْنَائِنَا وَجَمِيعِ إِخْوَانِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي جَمِيعِ مَا سَأَلْنَاكَ لِأَنْفُسِنَا يَا أَرْحَمَ

بپدران ما وپسران ما وهمه برادران ما که گرویدگانند در همه آنچه خواستیم ما از تو از برای نفسهای ما ای رحم کننده

الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى

رحم کنندگان خداوندا بدرستیکه ما سؤال میکنیم ترا بنام تو که بزرگست وپادشاهی دایم تو باینکه درود فرستی بر

القبول

فانقذنا

وامهاتنا
ومادران ما

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لَنَا الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ اَللّٰهُمَّ وَهٰذَا

محمد وآل محمد واینکه بیامرزی از برای ما گناهان بزرگ را بدرستیکه نمی آمرزد گناه عظیم را مگر بزرگ خداوندا واینما

رَجَبُ الْمُكَرَّمُ الَّذِي أَكْرَمْتَنَا بِهِ أَوَّلُ أَشْهُرِ الْحُرُمِ أَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ بَيْنِ الْأُمَمِ فَلَكَ الْحَمْدُ

رجب گرامی داشته شده که گرامی داشتی ما را باو واو ماههای حرام گرامی داشتی ما را باو از میان امتها پس ترا است ستایش

يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ فَأَسْأَلُكَ بِهِ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ

ای صاحب جود وکرم پس سؤال میکنم ترا باو وباسم تو بزرگ بزرگ بزرگ بزرگ بخشنده

الَّذِي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فِي ظِلِّكَ فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلَى غَيْرِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ

که خلق کرده او را پس قرار داده در سایه خود پس بیرون نمیرود از تو بسوی غیر تو اینکه درود فرستی بر محمد واهل بیت او

الطَّاهِرِينَ وَأَنْ تَجْعَلَنَا مِنَ الْعَامِلِينَ فِيهِ بِطَاعَتِكَ وَالْآمِلِينَ فِيهِ بِشَفَاعَتِكَ اَللّٰهُمَّ

که پاکانند واینکه بگردانی ما را از عمل کنندگان در آن بفرمانبرداری تو وامیدواران در آن بشفاعت تو خداوندا

اهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ السَّبِيلِ وَاجْعَلْ مَقِيلَنَا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقِيلٍ فِي ظِلٍّ ظَلِيلٍ وَمُلْكٍ جَزِيلٍ

راه نما ما را بسوی راه راست وبگردان برگشتن ما را نزد خود بهترین برگشتنها در سایه سایه وپادشاهی بزرگ

فَإِنَّكَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ اَللّٰهُمَّ اقْلِبْنَا مُفْلِحِينَ مُنْجِحِينَ غَيْرَ مَغْضُوبٍ عَلَيْنَا وَلَا ضَالِّينَ

پس بدرستیکه تو بسی ما را وخوب وکیلی خداوندا برگردان ما را رستگار رستگار غیر آنکه غضب کرده شود بر ما ونه گمراه

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَزَائِمِ مَغْفِرَتِكَ وَبِوَاجِبِ رَحْمَتِكَ السَّلَامَةَ

برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بواجب بودن آمرزیدن تو وبواجب بودن رحمت تو سلامتی

مِنْ كُلِّ إِثْمٍ وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ اَللّٰهُمَّ دَعَاكَ

از هر گناهی وغنیمت بردن را از هر نیکویی ورسیدن بهشت ونجات از آتش خداوندا خواندند ترا

الدَّاعُونَ وَدَعَوْتُكَ وَسَأَلَكَ السَّائِلُونَ وَسَأَلْتُكَ وَطَلَبَ إِلَيْكَ الطَّالِبُونَ وَ

خوانندگان وخواندم ترا وسؤال کردند ترا سؤال کنندگان وسؤال میکنم ترا وطلب کردند بسوی تو طلب کنندگان و

طَلَبْتُ إِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ أَنْتَ الثِّقَةُ وَالرَّجَاءُ وَإِلَيْكَ مُنْتَهَى الرَّغْبَةِ وَالدُّعَاءِ اَللّٰهُمَّ

طلب میکنم بسوی تو خداوندا تو معتمدی و امیدی وبسوی تست انتهای رغبت ودعا خداوندا

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلِ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالنُّورَ فِي بَصَرِي وَالنَّصِيحَةَ فِي

پس درود فرست بر محمد وآل او وبگردان یقین را در دل من وروشنایی را در چشم من ونصیحت را در

ملكك

صدری وذکرک فی اللیل والنهار علی لسانی ورزقاً واسعاً غیر ممنون ولا محظور فارزقنی
سینهٔ من ویاد کردن ترا در شب و روز بر زبان من وروزی وسیع بدون غیر منت ونه حرام پس روزی کن مرا
وبارک لی فیما رزقتنی واجعل غنای فی نفسی ورغبتی فیما عندک برحمتک یا ارحم
ومبارک کردان از برای من انچه روزی داده مرا وبکردان بی نیازی مرا در نفس من ورغبت مرا در انچه نزد تو است برحمت تو ای رحم کننده
الراحمین پس بسجده الحمد لله الذی هدانا لمعرفته وخصنا بولایته ووفقنا لطاعته پس بکو
رحم کنندکان دوو بکو سپاس مر خداوندی را که راه داده است ما را بشناختن خود ومخصوص کرده ما را بدوستی خود وتوفیق داده ما را بفرمان برداری خود شکراً شکراً
صد مرتبه پس سر از سجده اللهم انی قصدتک بحاجتی واعتمدت علیک بمسألتی وتوجهت الیک بائمتی
بردار وبکو خداوندا بدرستی که من قصد کرده ام ترا بحاجتهای من واعتماد کرده ام بر تو بسؤالهای خود ومتوجه شده ام بسوی تو بامامان خود
وسادتی اللهم انفعنا بحبهم واوردنا موردهم وارزقنا مرافقتهم وادخلنا
وسادات خود خداوندا نفع بخش ما را بدوستی ایشان ووارد ساز ما را بمورد ایشان وروزی کن ما را رفیق بودن با ایشان وداخل کن ما را
الجنة فی زمرتهم برحمتک یا ارحم الراحمین ودر روز بیست وهفتم غسل سنت است وروزه اش
به بهشت در زمره ایشان برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندکان فضیلت بسیار دارد وبسندهای معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که روزه اش برابر است با روزه هفتاد سال وبروایت دیکر شصت سال
وایضا منقولست که حسن بن راشد از حضرت صادق علیه السلام سؤال کرد که آیا غیر عیدهای مشهور
عیدی هست حضرت فرمود بلی شریفتر وفاضلتر از همه روزیست که حضرت رسول صلی الله
علیه واله برسالت مبعوث کردیده است وان بیست وهفتم ماه رجبست باید که روزه بداری
وصلوات بر محمد وال محمد بسیار بفرستی وزیارت حضرت رسول وحضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیهما در این روز منقولست ونماز این روز بطرق مختلفه وارد شده است واکثر کفته اند که پیش
از زوال باید کرد واز اکثر احادیث ظاهر میشود که در هر وقت روز که بکنند خوبست وبسند معتبر از
ریان بن الصلت منقولست که چون حضرت امام محمد تقی جواد علیه السلام به بغداد تشریف آوردند
در روز نصف رجب وروز بیست وهفتم روزه داشتند وجمیع ملازمان واصحاب خود را
امر فرمودند که این دو روز را روزه بدارند ودر هر یک دوازده رکعت نماز بکنند یعنی هر دو رکعت
بیک سلام وهر رکعت را بحمد وهر سوره که خواهند بکنند وچون از همه فارغ شوند سورهٔ حمد
وقل هو الله احد وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس هر یک را چهار مرتبه بخوانند پس چهار مرتبه بگویند

لا اله الا الله والله اکبر وسبحان الله والحمد لله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
نیست معبودی مکر خدا وخدا بزرکتر ومنزه است خدا وستایش مر خدا راست ونیست کردشی ونه توانائی مکر بخدای بلند مرتبه
العظیم پس چهار الله الله ربی لا اشرک به شیئاً پس چهار لا اشرک بربی احداً وبسند معتبر
بزرک مرتبه بکویند خدا خدا پروردکار منست شریک نمیکنم با او چیزی را مرتبه بکویند شریک نمیکنم بپروردکار خود کسی را دیکر از حضرت
صاحب الامر صلوات الله علیه منقولست که در این روز دوازده رکعت نماز بجا آوری ودر
هر رکعت بعد از حمد هر سوره که میسر شود میخوانی وبعد از هر دو رکعت سلام میکوئی واین دعا را میخوانی
الحمد لله الذی لم یتخذ ولداً ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیراً
سپاس مر خدائی را که نکرفته است ولدی ونیست از برای او شریکی در پادشاهی ونیست از برای او ولی از خواری وتکبیر بکو او را تکبیر کفتنی
یا عدتی فی مدتی یا صاحبی فی شدتی یا ولیی فی نعمتی یا غیاثی فی رغبتی یا نجاحی فی
ای مهیا کننده من در مدت عمر ای صاحب من در سختی من ای صاحب من در نعمت من ای فریادرس من در رغبت من ای کشاینده من در
حاجتی یا حافظی فی غیبتی یا کالئی فی وحدتی یا انیسی فی وحشتی انت الساتر عورتی
حاجت من ای نکاه دارنده من در پنهانی من ای نکاهدارنده من در تنهائی من ای مونس من در خوف من توئی پوشاننده عورت من
فلک الحمد وانت المقیل عثرتی فلک الحمد وانت المنعش صرعتی فلک الحمد صل
پس تراست سپاس وتوئی برکیرنده لغزش من پس تراست حمد وتوئی نکاهدارنده در افتادن من پس تراست ستایش درود بفرست
علی محمد وال محمد واستر عورتی وآمن روعتی واقلنی عثرتی واصفح عن جرمی
بر محمد وال محمد وبپوشان عورت مرا وایمن کردان ترس مرا وبر کردان لغزش مرا ودرکذر از کناهان من
وتجاوز عن سیئاتی فی اصحاب الجنة وعد الصدق الذی کانوا یوعدون وچون
ودرکذر از سیئها وبدیهای من در نزد یاران بهشت وعده دادن درستی که بودند ایشان وعده کرده شده از نماز
ودعا فارغ شوی سورهٔ حمد وقل هو الله احد وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب
الناس وقل یا ایها الکافرون وانا انزلناه وآیة الکرسی هر یک را هفت مرتبه میخوانی پس هفت مرتبه میکوئی
لا اله الا الله والله اکبر وسبحان الله والحمد لله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
نیست خدائی مکر خدا وخدا بزرکتر وپاک ومنزه است خدا وسپاس مر خدا راست ونیست کردشی ونه قوتی مکر بخدائی که بلند مرتبه
العظیم پس هفت الله الله ربی ولا اشرک به شیئاً پس انچه خواهی از خدا بطلب وبسند معتبر
وبزرکست مرتبه میکوئی خدا خدا پروردکار منست وشریک نمیکنم با او چیزی را دیکر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقو

ویا مجیبی

كرستت است اين دعا را يَا مَنْ اَمَرَ بِالْعَفْوِ وَالتَّجَاوُزِ وَضَمَّنَ نَفْسَهُ الْعَفْوَ وَالتَّجَاوُزَ يَا مَنْ

در روز مبعث بخوانند اى آنكه امر كرده است ببخشيدن و درگذشتن و ضامنست ذات او بخشيدن و درگذشتن را اى آنكه

عَفَى وَتَجَاوَزَ اُعْفُ عَنِّي وَتَجَاوَزْ يَا كَرِيمُ اَللّٰهُمَّ وَقَدْ اَكْدَى الطَّلَبُ وَاَعْيَتِ

بخشيده و درگذشته درگذر از من و بگذار اى بخشنده خداوندا و حال آنكه كمست طلب و سست شده

الْحِيلَةُ وَالْمَذْهَبُ وَدَرَسَتِ الْاٰمَالُ وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ اِلَّا مِنْكَ وَحْدَكَ لَا

چارها و راهها و كهنه شده است اميدها و منقطع شده است اميد مگر از تو يكتايى تو نيست

شَرِيكَ لَكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَجِدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ اِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمَنَاهِلَ الرَّجَاءِ لَدَيْكَ

شريكى از براى تو خداوندا بدرستى كه من مى‌يابم راههاى مطالب را بسوى تو گشاده و سيراب شدن اميدها را نزد تو

مُتْرَعَةً وَاَبْوَابَ الدُّعَاءِ لِمَنْ دَعَاكَ مُفَتَّحَةً وَالْاِسْتِعَانَةَ لِمَنِ اسْتَعَانَ بِكَ مُبَاحَةً

پر و درهاى دعا را از براى كسى كه خواند ترا گشاده شده و يارى دادن از براى كسى كه يارى جويد بتو مباح

وَاَعْلَمُ اَنَّكَ لِدَاعِيكَ بِمَوْضِعِ اِجَابَةٍ وَلِلصَّارِخِ اِلَيْكَ بِمَرْصَدِ اِغَاثَةٍ وَاَنَّ فِي اللَّهْفِ

و ميدانم بدرستى كه تو از براى خواننده خود بمكان اجابتى و از براى فرياد كردن بسوى تو بمكان فريادرسى و بدرستى كه در فرياد

اِلَى جُودِكَ وَالضَّمَانِ بِعِدَتِكَ عِوَضًا مِنْ مَنْعِ الْبَاخِلِينَ وَمَنْدُوحَةً عَمَّا فِي

بسوى بخشش تو و ضمان بخشيدن تو عوضست از منع بخيلان و فسحت است از آنچه در

اَيْدِي الْمُسْتَأْثِرِينَ وَاَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ اِلَّا اَنْ تَحْجُبَهُمُ الْاَعْمَالُ دُونَكَ

دست اختيار كنندگانست و بدرستى كه تو پنهان نمیشوى از خلق تو مگر آنكه حاجب ميشود ايشانرا عملهاى ايشان نزد تو

وَقَدْ عَلِمْتُ اَنَّ اَفْضَلَ زَادِ الرَّاحِلِ اِلَيْكَ عَزْمُ اِرَادَةٍ وَقَدْ نَاجَاكَ بِعَزْمِ الْاِرَادَةِ

و حال آنكه دانستم بدرستى كه بهترين توشه سفر كننده بسوى تو جزم كردن قصدهاست و حال آنكه مناجات كرده است ترا بجزم كردن اراده

قَلْبِي فَاَسْئَلُكَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ دَعَاكَ بِهَا رَاجٍ بَلَّغْتَهُ اَمَلَهُ اَوْ صَارِخٍ اِلَيْكَ اَغَثْتَ

دل من پس سؤال ميكنم ترا بهر خواندن كه خوانده است ترا اميدوار رسانيده او را باميد او يا فرياد كننده بسوى تو شنيده

صَرْخَتَهُ اَوْ مَلْهُوفٍ مَكْرُوبٍ فَرَّجْتَ عَنْ قَلْبِهِ اَوْ مُذْنِبٍ خَاطِئٍ غَفَرْتَ لَهُ اَوْ مُعَافًى

فرياد او را يا مضطر و مكروب گشاده و زائل كردى كرب را يا گناهكارى خطا كننده آمرزيدى او را يا معافى

اَتْمَمْتَ نِعْمَتَكَ عَلَيْهِ اَوْ فَقِيرٍ اَهْدَيْتَ غِنَاكَ اِلَيْهِ وَلِتِلْكَ الدَّعْوَةِ عَلَيْكَ

كه تمام كرده نعمت خود را برو و يا درويش راهنمودى غناى خود را باو و از براى اين خواندنها بر تو

وغمّض على نفسه

حَقٌّ وَعِنْدَكَ مَنْزِلَةٌ اِلَّا صَلَّيْتَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَقَضَيْتَ حَوَائِجِي حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ

سزاوار است و نزد تو منزلتست مگر آنكه درود فرستى بر محمد و آل او و برآورى حاجتهاى مرا حاجتهاى دنيا و آخرت

وَهٰذَا رَجَبُ الْمُرَجَّبُ الْمُكَرَّمُ الَّذِي اَكْرَمْتَنَا بِهِ اَوَّلُ اَشْهُرِ الْحُرُمِ وَاَكْرَمْتَنَا

و اينست رجب المرجب گرامى داشته شده كه گرامى داشته ما را بآن اول ماههاى حرامست و گرامى داشته ما را

بِهِ مِنْ بَيْنِ الْاُمَمِ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ فَاَسْئَلُكَ بِهِ وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ

بآن از ميان امتها اى صاحب جود و بخشش پس سؤال ميكنم ترا باو و باسم تو كه بزرگ بزرگ

الْاَعْظَمِ الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ الَّذِي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فِي ظِلِّكَ فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ

بزرگ بزرگ كرامت كه خلق كرده آنرا پس قرار گرفت در سايه تو پس بيرون نميرود از تو

اِلَى غَيْرِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ وَتَجْعَلَنَا مِنَ الْعَامِلِينَ فِيهِ

بسوى غير تو اينكه درود فرستى بر محمد و اهل بيت او كه پاكانند و بگردانى ما را از عمل كنندگان در آن

بِطَاعَتِكَ وَالْاٰمِلِينَ فِيهِ لِشَفَاعَتِكَ اَللّٰهُمَّ وَاهْدِنَا اِلَى سَوَاءِ السَّبِيلِ وَاجْعَلْ

بطاعت تو و اميدواران در آن از براى شفاعت تو خداوندا و راهنما ما را بسوى راه راست و بگردان

مَقِيلَنَا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقِيلٍ فِي ظِلٍّ ظَلِيلٍ فَاِنَّكَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَالسَّلَامُ

بركت ما را نزد تو بهترين بركتى در سايه تو كه دائم است پس بدرستى كه تو بس ما را و خوب وكيلى و رحمت

عَلَى عِبَادِهِ الْمُصْطَفَيْنَ وَصَلَوَاتُهُ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ اَللّٰهُمَّ وَبَارِكْ لَنَا فِي

بر بندگان او كه برگزيده شده‌اند و درود او بر ايشان همه خداوندا و مبارك گردان از براى ما در

يَوْمِنَا هٰذَا الَّذِي فَضَّلْتَهُ وَبِكَرَامَتِكَ جَلَّلْتَهُ وَبِالْمَنْزِلِ الْعَظِيمِ مِنْكَ

روز ما اين روز كه فضيلت داده آنرا و ببخشش خود بزرگ گردانيده آنرا و بمنزلت بزرگ از تو

اَنْزَلْتَهُ وَصَلِّ عَلَى مَنْ فِيهِ اِلَى عِبَادِكَ اَرْسَلْتَهُ وَبِالْمَحَلِّ الْكَرِيمِ اَحْلَلْتَهُ

فرو فرستاده آنرا و درود فرست بر كسى كه در او بسوى بندگان خود فرستاده او را و بمكان كريم فرود آورده او را

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلٰوةً دَائِمَةً تَكُونُ لَكَ شُكْرًا وَلَنَا ذُخْرًا وَاجْعَلْ لَنَا

خداوندا درود فرست براو درودى هميشه كه باشد از براى تو شكر و از براى ما ذخيره و بگردان از براى ما

مِنْ اَمْرِنَا يُسْرًا وَاخْتِمْ لَنَا بِالسَّعَادَةِ اِلَى مُنْتَهَى اٰجَالِنَا وَقَدْ قَبِلْتَ الْيَسِيرَ

از امر ما آسانى و ختم كن از براى ما بنيكى تا انتهاى عمرهاى ما و حال آنكه قبول كننده تو اندك را

نفي

عندك

مِنْ اَعْمالِنا وَبَلِّغْنا بِرَحْمَتِكَ اَفْضَلَ اٰمالِنا اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ وَصَلَّى
از عملهای ما و برسان ما را برحمت تو بهترین آرزوهای ما بدرستی که تو بر همه چیز قادری و درود فرستد

اللّٰهُ عَلٰى سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وبسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام
خدا بر سید ما محمد و آل او و سلام فرستاد منقولست که هر که روز بیست و هشتم ماه رجب
را روزه بدارد کفارهٔ نود سال گناه او کردد و هر که روز بیست و نهم را روزه بدارد کفارهٔ صد
سال گناه او باشد و هر که روز سی ام اینماه را روزه دارد حق تعالی گناهان گذشته و اینده
او را بیامرزد و در روز اخر نماز سلمان سنت است بنحوی که در اول مذکور شد و اگر احتمال
نقصان ماه باشد در روز بیست و نهم نیز احتیاطا بکند و در کتب دعوات از برای هر شب اینماه
نماز مخصوصی ذکر کرده اند چون سند معتبری بنظر نرسیده نخواستم ایراد نمایم و چون بسیار مشهور
است ایراد مینمایم بر سبیل اجمال و اگر کسی بقصد انکه مطلق صلوة خوبست بکند بد نیست
شب اول سی رکعت در هر رکعت بعد از حمد سه مرتبه جحد یعنی قل یا ایها الکافرون و سه مرتبه
توحید یعنی قل هو الله احد دویم ده رکعت با حمد و جحد سیم ده رکعت با حمد و پنج مرتبه
سورهٔ اذا جاء نصر الله در هر رکعت چهارم صد رکعت در هر دو رکعت در اول بعد از حمد
قل اعوذ برب الفلق و در دویم بعد از حمد قل اعوذ برب الناس پنجم شش رکعت در هر رکعت
بعد از حمد بیست و پنج مرتبه توحید ششم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه ایة
الکرسی هفتم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد توحید و معوذتین هر یک سه مرتبه و بعد
از نماز ده مرتبه صلوات و ده مرتبه تسبیحات اربع هشتم بیست رکعت در هر رکعت یک حمد و هر یک
از چهار قل سه مرتبه نهم دو رکعت بحمد و پنج مرتبه الهکم التکاثر دهم دوازده رکعت بعد از
مغرب با حمد و سه مرتبه توحید یازدهم دوازده رکعت با حمد و دوازده مرتبه ایة الکرسی
دوازدهم دو رکعت با حمد و ایة امن الرسول ده مرتبه سیزدهم ده رکعت در هر دو رکعت در رکعت
اول بعد از حمد سورهٔ و العادیات و در رکعت دویم سورهٔ الهکم التکاثر چهاردهم سی رکعت
در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ توحید و ایه قل انما انا بشر مثلکم تا اخر سوره پانزدهم و شانزدهم
و هفدهم سی رکعت با حمد و ده مرتبه سورهٔ توحید در هر رکعت هجدهم دو رکعت در هر رکعت
بعد از سورهٔ حمد توحید و معوذتین هر یک ده مرتبه نوزدهم چهار رکعت در هر رکعت بعد از

حمد پانزده مرتبه توحید و ایة الکرسی بیستم دو رکعت در هر رکعت سورهٔ حمد و پنج مرتبه انا انزلناه بیست و یکم
شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه انا اعطیناک الکوثر و ده مرتبه توحید بیست و دویم هشت
رکعت در هر رکعت یکمرتبه سورهٔ حمد و هفت مرتبه قل یا ایها الکافرون و بعد از فارغ شدن
ده مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و ده مرتبه استغفار کند بیست و سیم دو رکعت در هر رکعت بعد
از حمد پنج مرتبه سورهٔ و الضحی بیست و چهارم چهل رکعت در هر رکعت بعد از حمد ایة امن الرسول و سورهٔ
توحید یکمرتبه بیست و پنجم بیست رکعت در میان نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد و ایة امن الرسول
و سورهٔ توحید یکمرتبه بیست و ششم دوازده رکعت در هر رکعت بعد از حمد چهل مرتبه توحید نجا
بیست و هفتم و بیست و هشتم و بیست و نهم دوازده رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ
اعلی و ده مرتبه انا انزلناه و بعد از تمام کردن رکعات صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد
و صد مرتبه استغفار سی ام ده رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه توحید و در هر یک از
این نمازها ثواب بسیار مذکور است و بنا بر عدم اعتماد بر سند ذکر نکردم و جمیع نوافل که مذکور میشود
هر دو رکعت بیک سلام است و بعضی که طولی دارد و میان نماز شام و خفتن واقع شده است و باید
بعد از داخل شدن وقت خفتن واقع شود کردنش خالی از اشکالی نیست لهذا نماز مشهور شب
رغایب را درین رساله ایراد ننمودم با انکه از طریق عامه نقل شده است و معتبر نیست باب چهارم
در بیان فضایل و اعمال ماه مبارک شعبان و ایام و لیالی انست و در ان نیز پنج فصلست فصل اول
در بیان فضیلت اینماهست و ثواب روزه اش بدانکه فضل ماه شعبان زیاده از ماه رجب است و منسوبست
بحضرت سید انبیاء صلوات الله علیه و اله چنانچه منقولست از حضرت صادق علیه السلام که چون حضرت رسالت
صلی الله علیه و اله ماه شعبانرا مشاهده مینمود امر میفرمود ندا کننده را که ندا کند در میان
مردم که ای اهل مدینه من رسولم از جانب رسول خدا بسوی شما و میفرماید که ماه شعبان ماه
منست خدا رحمت کند کسی را که یاری کند مرا بر ماه من پس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند که از
روزی که ندای منادی انحضرت را شنیدم روزهٔ شعبانرا ترک نکردم و تا زنده ام ترک نخواهم
کرد انشاء الله تعالی و فرمود که روزهٔ ماه شعبان و ماه رمضان توبه ایست از جانب خدا برای
جمیع گناهان و ایضا منقولست از ام سلمه که حضرت رسول الله صلی الله علیه و اله هیچ ماه را تمام روزه
نمیداشت مگر ماه شعبان که انرا وصل میکرد بماه رمضان و ایضا منقولست که از انحضرت سوال کردند

کدام روزه از روزهای سنّت افضل است فرمود که روزهٔ شعبان برای تعظیم ماه رمضان
و از حضرت امام محمد باقر علیه السّلم منقولست که حضرت رسول صلّی الله علیه و اله شعبان را روزه میداشت
و وصل میکرد بماه رمضان و میفرمود که هر دو ماه خداست و روزهٔ هر دو کفّاره گناهان گذشته
و اینده است و ایضا از حضرت امام محمد باقر علیه السّلم منقولست که هرکه ماه شعبانرا روزه دارد او را پاک
گرداند از هر لغزشی و از قسمهای معصیت و قسمهای که در وقت غضب او را رو میدهد و
از حضرت رسالت پناه صلّی الله علیه و آله منقولست که ماه شعبان ماهیست شریف و اینماه
منست و حاملان عرش الهی انرا تعظیم مینمایند و حق و حرمت انرا میشناسند و اینماهیست
که زیاد میشود دران روزیهای بندگان از برای ماه رمضان و زینت میکنند دران بهشتهارا
و انرا شعبان نام کرده اند برای انکه دران منشعب بسیار میگردد دران روزیهای مؤمنان
و حسنه در اینماه مضاعف میگردد هفتاد برابر و گناه دران ریخته میگردد و امرزیده میشود و
اعمال خیر دران مقبول میگردد و خداوند جبّار نظر میکند بسوی روزه داران و عبادت کنندگان
اینماه پس مباهات میکند بایشان با حاملان عرش پس در فضیلت روزهٔ هر روز اینماه انقدر روایت وارد شده
که ذکرش موجب تطویل کلامست و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السّلم منقولست که روزهٔ شعبان
ذخیرهٔ بنده است از برای روز قیامت و هر بنده که در شعبان روزه بسیار بگیرد البته حق تعالی امر معیشت
او را باصلاح آورد و کفایت کند شر دشمنان او را و کمتر ثوابی که بر روزه دار روزی از شعبان
میدهند انست که بهشت از برای او واجب میگردد و بسندهای معتبر از انحضرت منقولست
که حضرت رسول صلّی الله علیه و اله فرمود که ماه شعبان ماه منست و ماه رمضان ماه
خداست پس هرکه یکروز از ماه من روزه بدارد من شفیع او باشم در قیامت و هرکه دو روز
از ماه من روزه بدارد گناهان گذشته او امرزیده شود و هرکه سه روز از ماه من روزه بدارد
او را ندا کنند که عمل را از سر گیر یعنی هیچ گناه نداری و بسند عالی از حضرت امام رضا علیه السّلم منقولست
که هرکه یکروز شعبانرا از برای خدا روزه بدارد داخل بهشت شود و هرکه در هر روز شعبان هفتاد
مرتبه استغفار کند در قیامت در زمرهٔ حضرت رسول صلّی الله علیه و اله محشور شود و گرامی
داشتن خدا او را واجب گردد و هرکه در شعبان تصدّق بکند اگرچه بنصف دانهٔ خرما باشد
خدا بدن او را بر اتش حرام گرداند و هرکه سه روز اخر شعبان را روزه دارد و وصل کند بماه

رمضان خدا ثواب روزهٔ دو ماه متصل برای او بنویسد و ابن بابویه روایت کرده است که از اسامه
پرسیدند که کدام ماه را حضرت رسول صلّی الله علیه و اله زیاده از ماههای دیگر روزه میگرفت گفت
ماه شعبانرا و میفرمود که مردم از ان غافلند و اینماهیست که در اینماه عملها بسوی خدا بالا میرود دوست
میدارم که عمل من بالا رود در وقتی که روزه باشم و ایضا روایت کرده است که از انحضرت پرسیدند
از روزهٔ رجب فرمود که چرا غافلید از روزهٔ شعبان یعنی افضلست از ان و ایضا روایت کرده است
بسند معتبر از حضرت خیر البشر که فرمود که شعبان ماه منست هرکه از ماه من یکروز روزه دارد
بهشت او را واجب شود و هرکه دو روز روزه دارد و پیوند کند بماه رمضان توبهٔ او باشد
از هر گناه کوچک و بزرگ هرچند داخل خون حرام شده باشد که او را نفع میدهد و بسند صحیح از حضرت
صادق علیه السّلم روایت کرده است که هرکه سه روز از ماه شعبانرا روزه دارد بهشت او را واجب
گردد و رسول خدا صلّی الله علیه و اله شفیع او باشد در قیامت و ایضا بسند بسیار معتبر از
حضرت صادق علیه السّلم روایت کرده است که چون ماه شعبان داخل میشد حضرت امام زین العابدین
علیه السّلم اصحاب خود را جمع مینمود و میفرمود ای گروه اصحاب من میدانید این چه ماهیست اینماه شعبانست
و حضرت رسول صلّی الله علیه و اله میفرمودند که شعبان ماه منست پس روزه بدارید در اینماه از
برای محبت پیغمبر خدا و از برای تقرب بسوی پروردگار خود بحق انخداوندی که جان علی بن الحسین
بدست اوست سوگند یاد میکنم که شنیدم از پدرم حسین بن علی که گفت شنیدم از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه که هرکه روزه دارد شعبانرا از برای محبت پیغمبر خدا و از برای تقرب بخدا
خدا او را دوست دارد و نزدیک گرداند بکرامت خود در روز قیامت و بهشت را از برای او واجب
گرداند و ایضا از حضرت امیر المؤمنین علیه السّلم روایت کرده است که حضرت رسول صلّی الله علیه
و اله فرمود که شعبان ماه منست و ماه رمضان ماه خداست پس هرکه ماه مرا روزه بدارد من شفاعت
او کنم در روز قیامت و هرکه روزه بدارد ماه خدارا حق تعالی مونس او گردد در وحشت قبر و او را
تنها نگذارد و از قبر بیرون اید در قیامت با روی سفید نورانی و نامهٔ عمل او را بدست راست او دهند
و نامهٔ مخلد بودن در بهشت بدست چپ او دهند تا انکه او را نزد عرش الهی حاضر سازند پس خدا تعالی
او را ندا کند که ای بندهٔ من او بگوید لبیک ای خداوند من پس خدا فرماید که روزه داشتی از برای من گوید
بلی ای اقای من پس خداوند جلیل ندا کند ملائکه را که بگیرید دست بندهٔ مرا و ببرید نزد پیغمبر من پس بیاورند

در بیان اعمال هر روز ماه شعبان

اورا نزد من باو بگویم ماه مرا روزه داشتی و گوید بلی من بگویم باو که من امروز شفاعت تو میکنم پس حق تعالی
فرماید که من حقوق خود را بر بندهٔ خود بخشیدم و اما حقوق خلق من هر که از او عفو کند من اندازه عوض باو بدهم
که او راضی شود پس دست او را بگیرم و بیاورم بنزد صراط پس بینم که صراط لغزنده است و پای لرزد و پای گناه
کاران بران بند نمیشود پس دست او را بگیرم ملکی که موکلست بر صراط گوید کیست این مرد من گویم این فلان
کس است از امت من که در دنیا ماه مرا روزه گرفته است باامید شفاعت من و ماه خدا روزه داشته است
از برای طلب وعدهٔ خدا پس او را از صراط بگذرانم بعفو خدا تا آنکه او را به بهشت برسانم پس رضوان گوید
که امروز روزیست که در و ابرای امت تو میکشایم و او را داخل بهشت کنم پس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
فرمود که روزه بدارید ماه حضرت رسول را تا او شفیع شما گردد در روز قیامت و روزه بدارید ماه خدا
را تا بیاشامید از شراب سر بمهر بهشت **فصل دوم** در بیان اعمال هر روز ماه شعبانست بسند معتبر
از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که هفتاد مرتبه در ماه شعبان استغفار کند گناهانش
آمرزیده شود اگر چه بعدد ستارهای آسمان باشد و در کتاب حسین بن سعید از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه واله فرمود که شعبان ماه منست پس در اینماه بسیار
بفرستید صلوات بر من و بر آل من و شعبان را ماه شفاعت میگویند زیرا که پیغمبر شما شفاعت
میکند کسی را که در اینماه صلوات بر او و بر آل او بفرستد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بهترین
دعاها در ماه شعبان استغفار است و هر که در هر روز ماه شعبان استغفار کند هفتاد مرتبه
چنان باشد که در ماههای دیگر هفتاد هزار مرتبه استغفار کرده باشد مردی پرسید که چگونه
بگویم فرمود اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَسْئَلُهُ التَّوْبَةَ و بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست
که هر که در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید
طلب بازگشت میکنم از خدا و سؤال میکنم از او توبه
اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَسْئَلُهُ التَّوْبَةَ بنویسد حق تعالی برای او برات بیزاری از آتش جهنم و بگذراند او را از
صراط و داخل بهشت گرداند و بسندهای معتبر منقولست که هر که در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید
اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ حق تعالی روح
طلب آمرزش میکنم از خدائی که نیست خدائی مگر او رحم کننده بخشاینده زنده قائم و بازگشت میکنم بسوی او
او را در افق مبین
جا دهد و آن فضای وسیعی است در پیش عرش و در آن فضا نهرها جاریست و قدحها در کناران نهرها
هست بعدد ستارگان آسمان و در بعضی از روایات الحیّ القیّوم بیش از الرحمن الرحیم و هر دو خوبست

و بسند

الصلوات الشعبانیه

و بسند معتبر منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در هر روز ماه شعبان در وقت زوال
و در شب نیمهٔ آن این صلوات را میخواندند
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةِ النُّبُوَّةِ وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفِ الْمَلٰائِکَةِ وَ
خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد که درخت نبوت اند و مکان رسالت و محل فرود آمدن فرشتگان و
مَعْدِنِ الْعِلْمِ وَاَهْلِ بَیْتِ الْوَحْیِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْفُلْکِ الْجَارِیَةِ فِی اللُّجَجِ
مکان علمند و اهل بیت نزول وحیند خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد که کشتی جاریه اند در دریای
الْغَامِرَةِ یَاْمَنُ مَنْ رَکِبَهَا وَیَغْرَقُ مَنْ تَرَکَهَا الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَالْمُتَاَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ
عمیق ایمن و سالم میماند کسی که سوار شود آنرا و غرق میشود کسی که سوار نشد آنرا پیشی گیرندگان از برای ایشان بیرون روند از دین و پس مانده از ایشان هلاک کنند فرو روند
وَاللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْکَهْفِ الْحَصِینِ وَغِیَاثِ الْمُضْطَرِّ
و ملازم از برای ایشان ملحق بایشان شد خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد که پناه مستحکمند و فریاد رس بیچاره
الْمُسْتَکِینِ وَمَلْجَاِ الْهَارِبِینَ وَمَنْجَا الْخَائِفِینَ وَعِصْمَةِ الْمُعْتَصِمِینَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
درمانده اند و پناه گریختگان اند و نجات دهنده ترسندگانند و نگاه دارنده نگاه دارندگانند خداوندا درود فرست
عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلٰوةً کَثِیرَةً طَیِّبَةً تَکُونُ لَهُمْ رِضًا وَلِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَدَاءً
بر محمد و آل محمد درود بسیار خوش که بوده باشد از برای ایشان خوشنودی و از برای حق محمد و آل محمد در وقت
وَقَضَاءً بِحَوْلٍ مِنْکَ وَقُوَّةٍ یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
و بیوقت و بحول از تو و قوه تو ای پروردگار عالمیان خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد
الطَّیِّبِینَ الْاَبْرَارِ الْاَخْیَارِ الَّذِینَ اَوْجَبْتَ لَهُمْ حُقُوقَهُمْ وَفَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ
پاکان نیکوکاران برگزیدگان که واجب گردانیده از برای ایشان حقهای ایشانرا و فرض کرده فرمانبرداری ایشانرا
وَوِلَایَتَهُمْ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْمُرْ قَلْبِی بِطَاعَتِکَ وَلَا تُخْزِنِی
و دوستی ایشانرا خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد و تعمیر کن دلم را بطاعت خود و رسوا مکن مرا
بِمَعْصِیَتِکَ وَارْزُقْنِی مُوَاسَاةَ مَنْ قَتَّرْتَ عَلَیْهِ مِنْ رِزْقِکَ بِمَا وَسَّعْتَ عَلَیَّ مِنْ
بنافرمانی خود و روزی کن مرا مواسات کسی که تنگ کرده بر او از روزی خود بآنچه توسعه داده بر من از
فَضْلِکَ وَنَشَرْتَ عَلَیَّ مِنْ عَدْلِکَ وَاَحْیَیْتَنِی تَحْتَ ظِلِّکَ وَهٰذَا شَهْرُ نَبِیِّکَ
بخشش خود و پراکنده کرده بر من از عدل خود و زنده گردانیده مرا در زیر سایه خود و این ماه پیغمبر تواست

سَيِّدِ رُسُلِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَعْبَانُ الَّذِي حَفَفْتَهُ مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ

بهترین رسولان تو درود تو بر او و آل او ماه شعبانی که پیچیده او را از خود برحمت و خوشنودی

الَّذِي كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدْأَبُ فِي صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ فِي لَيَالِيهِ

که بود رسول خدا درود فرستاد خدا بر او و آل او عادت کرده بود در روزه آن و بپا ایستادن آن در شبهای آن

وَأَيَّامِهِ بُخُوعاً لَكَ فِي إِكْرَامِهِ وَإِعْظَامِهِ إِلَى مَحَلِّ حِمَامِهِ اللَّهُمَّ فَأَعِنَّا عَلَى

و روزهای آن از جهت اقرار کردن و فروتنی کردن از برای تو در گرامی داشتن آن و بزرگ داشتن آن تا بوقت مرگ او خداوند پس یاری کن ما را بر

الِاسْتِنَانِ بِسُنَّتِهِ فِيهِ وَنَيْلِ الشَّفَاعَةِ لَدَيْهِ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْهُ لِي شَفِيعاً

[illegible] بر طریقه او در آن و رسیدن شفاعت نزد او خداوندا پس بگردان او را از برای من شفیع

مُشَفَّعاً وَطَرِيقاً إِلَيْكَ مَهْيَعاً وَاجْعَلْنِي لَهُ مُتَّبِعاً حَتَّى أَلْقَاكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

شفاعت کرده شده و راهی بسوی خود روان و ظاهر و بگردان مرا از برای او تابع تا آنکه ملاقات کنم ترا در روز قیامت

عَنِّي رَاضِياً وَعَنْ ذُنُوبِي غَاضِياً قَدْ أَوْجَبْتَ لِي مِنْكَ الرَّحْمَةَ وَالرِّضْوَانَ وَ

از من راضی و از گناهان من پوشاننده و حال آنکه واجب گردانیده باشی از برای من از خود رحمت و خشنودی را و

أَنْزَلْتَنِي دَارَ الْقَرَارِ وَمَحَلَّ الْأَخْيَارِ و سید ابن طاوس رحمه الله بسند معتبر از ابن خالویه روایت

فرود آورده مرا در سرای قرار و محل نیکان کرده است که این مناجات حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

و امامان از فرزندان اوست اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ

علیهم السلام که در ماه شعبان میخوانده‌اند خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد و بشنو دعای مرا هرگاه بخوانم ترا

وَاسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَأَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَوَقَفْتُ

و بشنو صدای مرا هرگاه بخوانم ترا و رو آور بر من هرگاه مناجات کنم ترا پس بتحقیق که گریختم بسوی تو و ایستادم

بَيْنَ يَدَيْكَ مُسْتَكِيناً لَكَ مُتَضَرِّعاً إِلَيْكَ رَاجِياً لِمَا لَدَيْكَ ثَوَابِي وَتَعْلَمُ مَا فِي

پیش روی تو بیچاره از برای تو زاری کننده بسوی تو امیدوار از برای آنچه نزد تو است از ثواب و میدانی آنچه در

نَفْسِي وَتَخْبُرُ حَاجَتِي وَتَعْرِفُ ضَمِيرِي وَلَا يَخْفَى عَلَيْكَ أَمْرُ مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ وَمَا

نفس منست و مجرّبی حاجت مرا و میشناسی تو دل مرا و پنهان نیست بر تو امر بازگشتن من و ماوای من و آنچه

أُرِيدُ أَنْ أُبْدِئَ بِهِ مِنْ مَنْطِقِي وَأَتَفَوَّهُ بِهِ مِنْ طَلِبَتِي وَأَرْجُوهُ لِعَاقِبَتِي وَقَدْ جَرَتْ

اراده دارم بآنکه ابتدا کنم بآن از گفتن من و گفتن بآن از طلبهای من و امید دارم آن از برای عاقبت من و حال آنکه جاری

مقادیرک

مَقَادِيرُكَ عَلَيَّ يَا سَيِّدِي فِيمَا يَكُونُ مِنِّي إِلَى آخِرِ عُمْرِي مِنْ سَرِيرَتِي وَعَلَانِيَتِي وَبِيَدِكَ

قضای تو بر من ای آقای من در آنچه میباشد از من بسوی آخر عمر من از پنهانهای من و آشکارهای من و بدست تست

لَا بِيَدِ غَيْرِكَ زِيَادَتِي وَنَقْصِي وَنَفْعِي وَضَرِّي إِلَهِي إِنْ حَرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْزُقُنِي

نه بدست غیر تو زیادتی من و نقصان من و نفع من و ضرر من خدایا اگر محروم کردانی مرا پس کیست آنکه روزی دهد مرا

وَإِنْ خَذَلْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُنِي إِلَهِي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَضَبِكَ وَحُلُولِ سَخَطِكَ إِلَهِي

و اگر فرو گذاری مرا پس کیست آنکه یاری کند مرا خدایا پناه میبرم بتو از غضب تو و فرود آمدن عذاب تو خدایا

إِنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيَّ بِفَضْلِ سَعَتِكَ إِلَهِي كَأَنِّي

اگر بوده باشم من غیر مستوجب مر رحمت ترا پس تو سزاواری آنکه بخشش بر من بفضل و زیادتی وسعت تو خدایا گویا

بِنَفْسِي وَاقِفَةٌ بَيْنَ يَدَيْكَ وَقَدْ أَظَلَّهَا حُسْنُ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ فَقُلْتَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ

نفس خود ایستاده ام میان روی تو و حال آنکه سایه کرده است از خوبی توکل من بر تو پس گفته تو آنچه تو سزاوار آنی

وَتَغَمَّدْتَنِي بِعَفْوِكَ إِلَهِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِذَلِكَ وَإِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي

و پوشانیدی مرا بعفو خود خدایا اگر درگذری پس کیست سزاوارتر از تو بدین عفو و اگر بود بتحقیق نزدیک شده مرگ من

وَلَمْ يُدْنِنِي مِنْكَ عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِقْرَارَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَسِيلَتِي إِلَهِي قَدْ جُرْتُ

و نزدیک نشده مرا از تو عمل من پس بتحقیق که گردانیدم اقرار بگناه را بسوی تو وسیله نجاة خداوندا بتحقیق که جور کردم

عَلَى نَفْسِي فِي النَّظَرِ لَهَا فَلَهَا الْوَيْلُ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَهَا إِلَهِي لَمْ يَزَلْ بِرُّكَ عَلَيَّ أَيَّامَ

من بر نفس خود در نگاه کردن مر او را پس از برای اوست ویل اگر نیامرزی او را خدایا زایل نشد نیکویی تو بر من در ایام

حَيَاتِي فَلَا تَقْطَعْ بِرَّكَ عَنِّي فِي مَمَاتِي إِلَهِي كَيْفَ آيَسُ مِنْ حُسْنِ نَظَرِكَ لِي بَعْدَ مَمَاتِي

زندگانی من پس قطع مکن نیکویی خود را از من بعد از مردن من خدایا چگونه نومید شوم از نیکویی نظر تو برای من بعد از مردن

وَأَنْتَ لَمْ تُوَلِّنِي إِلَّا الْجَمِيلَ فِي حَيَاتِي إِلَهِي تَوَلَّ مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَعُدْ بِفَضْلِكَ

و حال آنکه نکردی با من مگر نیکویی در حیوة من خدای من متولی شو از امر من آنچه را تو سزاوار آنی و بخشش بفضل خود

عَلَى مُذْنِبٍ قَدْ غَمَرَهُ جَهْلُهُ إِلَهِي قَدْ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوباً فِي الدُّنْيَا وَأَنَا أَحْوَجُ

بر گناهکاری که بتحقیق که فرو گرفته است او را نادانی او خدای من بتحقیق که پوشانیدی بر من گناهان را در دنیا و من محتاج ترم

إِلَى سَتْرِهَا عَلَيَّ مِنْكَ فِي الْأُخْرَى إِلَهِي قَدْ أَحْسَنْتَ إِلَيَّ إِذْ لَمْ تُظْهِرْهَا لِأَحَدٍ مِنَ

بر پوشانیدن آن بر من از تو در آخرت خدای من بتحقیق که نیکویی کردی بمن زیرا که ظاهر نکردی آنها را از [illegible]

عِبادِكَ الصّالِحِينَ فَلا تَفضَحنِي يَومَ القِيمَةِ عَلى رُؤُسِ الاَشهادِ اِلهِي جُودُكَ بَسَطَ

بندکان تو که صالحانند پس رسوا مکن مرا در روز قیامت بر روس اشهاد خدای من جود تو پهن کرده است

اَمَلِي وَعَفوُكَ اَفضَلُ مِن عَمَلِي اِلهِي فَسُرَّنِي بِلِقآئِكَ يَومَ تَقضِي فِيهِ بَينَ عِبادِكَ

ارزوی مرا و عفو تو بهتر است از عمل من خدای پس خوشحال کن مرا بوصل خود روزی که حکم میکنی در ان روز میان بندکان خود

اِلهِي اِعتِذارِي اِلَيكَ اِعتِذارُ مَن لَم يَستَغنِ عَن قَبُولِ عُذرِهِ فَاقبَل عُذرِي

خدای من عذر کفتن من بسوی تو عذر کفتن کسی است که مستغنی نیست از قبول کردن عذر او پس قبول کن عذر مرا

يا اَكرَمَ مَنِ اعتَذَرَ اِلَيهِ المُسِيئُونَ اِلهِي لا تَرُدَّ حاجَتِي وَلا تُخَيِّب طَمَعِي وَلا

ای کریم تر کسی که عذر کویند بسوی او بد کنندکان خدای من رد مکن حاجت مرا و نا امید مکن طمع مرا و

تَقطَع مِنكَ رَجآئِي وَاَمَلِي اِلهِي لَو اَرَدتَ هَوانِي لَم تَهدِنِي وَلَو اَرَدتَ فَضِيحَتِي

قطع مکن از تو امید مرا و ارزوی مرا خدای من اکر اراده کنی خواری مرا هدایت نکرده مرا و اکر اراده کنی رسوایی مرا

لَم تُعافِنِي اِلهِي ما اَظُنُّكَ تَرُدُّنِي فِي حاجَةٍ قَد اَفنَيتُ عُمرِي فِي طَلَبِها مِنكَ

معاف نداشتی مرا خدای من کمان نکرده ام تو ا رد کنی مرا در حاجتی که بتحقیق که فانی کردم تمام عمر خود را در طلب ان از تو

اِلهِي فَلَكَ الحَمدُ اَبَداً اَبَداً دآئِماً سَرمَداً يَزِيدُ وَلا يَبِيدُ كَما تُحِبُّ وَتَرضى

خدای من پس از برای تو است سپاس همیشه همیشه دایم همیشه زیاد میشود و کم نمیشود همچنانکه دوست میداری و راضی شوی

اِلهِي اِن اَخَذتَنِي بِجُرمِي اَخَذتُكَ بِعَفوِكَ وَاِن اَخَذتَنِي بِذُنُوبِي اَخَذتُكَ

خدای من اکر بکیری مرا بکناهان من میکیرم ترا بعفو تو و اکر بکیری مرا بکناهان من میکیرم ترا

بِمَغفِرَتِكَ وَاِن اَدخَلتَنِي النّارَ اَعلَمتُ اَهلَها اَنِّي اُحِبُّكَ اِلهِي اِن كانَ

بامرزش تو و اکر داخل کنی مرا در اتش اعلام میکنم اهل انرا بانکه من دوست میدارم ترا خدای من اکر

صَغُرَ فِي جَنبِ طاعَتِكَ عَمَلِي فَقَد كَبُرَ فِي جَنبِ رَجآئِكَ اَمَلِي اِلهِي كَيفَ

کوچک است در جنب طاعت تو کار من پس بتحقیق که بزرک است در جنب امید بتو ارزوی من خدای من چکونه

اَنقَلِبُ مِن عِندِكَ بِالخَيبَةِ مَحرُوماً وَقَد كانَ حُسنُ ظَنِّي بِجُودِكَ اَن

بر کردم من از نزد تو با نا امیدی در حالی که محروم باشم و حال انکه بود خوبی کمان من بجود تو اینکه

تَقلِبَنِي بِالنَّجاةِ مَرحُوماً اِلهِي وَقَد اَفنَيتُ عُمرِي فِي شِرَّةِ السَّهوِ عَنكَ

بر کردانی مرا برستکاری در حالی که مرحوم باشم خدایا و بتحقیق که فانی کردم عمر خود را در حرص سهو از تو

وابليت

وَاَبلَيتُ شَبابِي فِي سَكرَةِ التَّباعُدِ مِنكَ اِلهِي فَلَم اَستَيقِظ اَيّامَ اغتِرارِي بِكَ وَرُكُونِي

و کهنه کردم جوانی خود را در مستی دوری از تو خدای من پس بیدار نشدم در ایام غرور خود بسوی تو و میل کردن من

اِلى سَبِيلِ سَخَطِكَ اِلهِي وَاَنا عَبدُكَ وَابنُ عَبدِكَ قآئِمٌ بَينَ يَدَيكَ مُتَوَسِّلٌ بِكَرَمِكَ

بسوی راه غضب تو خدای من و من بنده تو و پسر بنده توام ایستاده ام میان دو دست تو توکل کننده ام بکرم تو

اِلَيكَ اِلهِي اَنا عَبدٌ اَتَنَصَّلُ اِلَيكَ مِمّا كُنتُ اُواجِهُكَ بِهِ مِن قِلَّةِ استِحيآئِي

بسوی تو خدای من من بنده هستم که بیرون امده ام بسوی تو از انچه بودم رو برو تو بان از کمی حیای من

مِن نَظَرِكَ وَاَطلُبُ العَفوَ مِنكَ اِذِ العَفوُ نَعتٌ لِكَرَمِكَ اِلهِي لَم يَكُن لِي حَولٌ

از نکاه کردن تو و طلب میکنم عفو ترا زیرا که چنین است صفت از کرم تو خدای من نیست مرا حول و قوه

فَاَنتَقِلَ بِهِ عَن مَعصِيَتِكَ اِلّا فِي وَقتٍ اَيقَظتَنِي لِمَحَبَّتِكَ وَكَما اَرَدتَ اَن اَكُونَ

پس بر کردم بان قوت از نافرمانی تو مکر در وقتی که بیدار کنی مرا از دوستی خود و همچنانکه اراده کرده اینکه بوده باشم

كُنتُ فَشَكَرتُكَ بِاِدخالِي فِي كَرَمِكَ وَلِتَطهِيرِ قَلبِي مِن اَوساخِ الغَفلَةِ عَنكَ اِلهِي

بودم پس شکر کردم ترا بداخل کردانیدن من در بخشش خود و از برای پاک کردانیدن دل من از چرکهای غفلت از تو خدای من

اُنظُر اِلَيَّ نَظَرَ مَن نادَيتَهُ فَاَجابَكَ وَاستَعمَلتَهُ بِمَعُونَتِكَ فَاَطاعَكَ يا قَرِيباً

نکاه کن بسوی من نکاه کسی که خوانده است او را پس اجابت کرده تو و بکار واداشته او را بیاری کردن تو پس اطاعت کرده ترا ای نزدیکی

لا يَبعُدُ عَنِ المُغتَرِّ بِهِ وَيا جَواداً لا يَبخَلُ عَمَّن رَجا ثَوابَهُ اِلهِي هَب لِي قَلباً يُدنِيهِ مِنكَ

که دور نمیشود از مغرور باو وای بخشنده که بخل نمیکند از کسی که امید دارد ثواب او را خدای من ببخش مرا دلی که نزدیک کند مرا از تو

شَوقُهُ وَلِساناً يُرفَعُ اِلَيكَ صِدقُهُ وَنَظَراً يُقَرِّبُهُ مِنكَ حَقُّهُ اِلهِي اِنَّ مَن تَعَرَّفَ

شوق او و زبانی که بلند کند بسوی تو راستی او و نکاهی که نزدیک کند مرا بان از تو سزاواری ان خدای من بدرستی که کسی که میشناسد

بِكَ غَيرُ مَجهُولٍ وَمَن لاذَ بِكَ غَيرُ مَخذُولٍ وَمَن اَقبَلتَ عَلَيهِ غَيرُ مَملُولٍ

بتو نیست مجهول و کسی که پناه برد بتو نیست خوار و کسی که رو اوردی تو بر او نیست بنده

اِلهِي اِنَّ مَنِ انتَهَجَ بِكَ لَمُستَنِيرٌ وَاِنَّ مَنِ اعتَصَمَ بِكَ لَمُستَجِيرٌ وَقَد لُذتُ بِكَ يا

ای خدای من بدرستی که کسی که شاد شود بتو هر اینه روشن است و بدرستی که کسی که چنک زند بتو هر اینه امان یافته است و بتحقیق که پناه بردم بتو ای

اِلهِي فَلا تُخَيِّب ظَنِّي مِن رَحمَتِكَ وَلا تَحجُبنِي عَن رَأفَتِكَ اِلهِي اَقِمنِي فِي اَهلِ وِلايَتِكَ

خدای من پس نا امید مکن کمان مرا از رحمت خود و منع مکن مرا از رحمت و مهربانی خود خدای من بپای دار مرا در اهل ولایت خود

كونهم

من كرمك

يرفعه

مملول

سيدي

مقام من رجا الزيادة من محبتك الهى والهمنى ولها بذكرك الى ذكرك واجعل همتى

جاى كسى كه اميد وارا ست زيادة را از محبت تو خداى من والهام كن مرا حريان بياد كردن تو بسوى ياد كردن تو و بكردان همت مرا

الى روح نجاح اسمائك ومحل قدسك الهى بك عليك الا الحقتنى بمحل اهل

بسوى روح وفيروزى نامهاى خود ومحل پاك تو خداى من بتو برتست مگر اينكه ملحق سازى مرا بمحل اهل

طاعتك والمثوى الصالح من مرضاتك فانى لا اقدر لنفسى دفعا ولا املك لها

طاعت خود و مكان صالح از خشنوديهاى خود پس بدرستى كه من قادر نيستم از براى نفس خود دفع كردن را و مالك نيستم از براى آن

نفعا الهى انا عبدك الضعيف المذنب ومملوكك المنيب المعيب فلا تجعلنى

نفعرا خداى من من بنده توام ضعيف گناهكار و بنده تو كه بر گشته از گناهان معيب پس مگردان مرا

ممن صرفت عنه وجهك وحجبه سهوه عن عفوك الهى هب لى كمال الانقطاع

از كسى كه بر گردانيده از وروى خود را و مانع شده او را فراموشى او از بخشيدن تو خداى من ببخش از براى من كمال توجه

اليك وانر ابصار قلوبنا بضياء نظرها اليك حتى تخرق ابصار القلوب

بسوى تو و روشن كن ديدهاى دلهاى ما بروشنى نگاه كردن بسوى تو تا اينكه سوراخ كند ديدهاى دلها

حجب النور فتصل الى معدن العظمة وتصير ارواحنا معلقة بعز قدسك

حجب نور را پس برسد بسوى مكان بزرگى و بگردد ارواح ما آويخته شده بعزت قدس تو

الهى واجعلنى ممن ناديته فاجابك ولاحظته فصعق لجلالك فناجيته سرا

خداى من و بگردان مرا از كسى كه ندا كنى او را پس اجابت كند ترا و ملاحظه كنى او را پس فرياد زند بجلال تو پس بخوانى او را در نهانى

وعمل لك جهرا الهى لم اسلط على حسن ظنى قنوط الاياس ولا انقطع رجائى من

و عمل كند از براى تو آشكارا خداى من مسلط مكن بر نيكوئى گمان من نااميدى ياس را و قطع مكن اميد مرا از

جميل كرمك الهى ان كانت الخطايا قد اسقطتنى لديك فاصفح عنى بحسن توكلى عليك

نيكوئى كرم تو خداى من اگر بوده باشد خطاها كه بتحقيق كه انداخته است مرا نزد تو پس در گذر از من بنيكوئى توكل من بر تو

الهى ان حطتنى الذنوب من مكارم لطفك فقد نبهنى اليقين الى كرم عطفك

خداى من اگر انداخته است مرا گناهان از مكارم لطف تو پس بتحقيق كه بيدار كرده است مرا يقين بسوى كرم بخشيدن تو

الهى ان انامتنى الغفلة عن الاستعداد للقائك فقد نبهتنى المعرفة

خداى من اگر خوابانيده است مرا غفلت از مهيا بودن بسوى لقاى تو پس بتحقيق كه بيدار كرده است مرا شناختن

بكرم

بكرم الائك الهى ان دعانى الى النار عظيم عقابك فقد دعانى الى الجنة

بكرم نعمتهاى تو خداى من اگر خوانده مرا بسوى آتش بزرگى عذاب تو پس بتحقيق كه خوانده مرا بسوى بهشت

جزيل ثوابك الهى فلك اسئل واليك ابتهل وارغب واسئلك ان

بزرگى ثواب تو خداى من پس ترا سؤال ميكنم و بسوى تو تضرع ميكنم و رغبت ميكنم و سؤال ميكنم ترا اينكه

تصلى على محمد وال محمد وان تجعلنى ممن يديم ذكرك ولا ينقض عهدك ولا

درود فرستى بر محمد و آل محمد و اينكه بگردانى مرا از كسى كه هميشه ميكند ياد ترا و نميشكند عهد ترا و

يغفل عن شكرك ولا يستخف بامرك الهى والحقنى بنور عزك الابهج فاكون لك

غافل نميشود از شكر تو و استخفاف نميرساند بامر تو خداى من و ملحق ساز مرا بنور عزت خود كه سرور است پس باشم من از براى تو

عارفا وعن سواك منحرفا ومنك خائفا مراقبا يا ذا الجلال والاكرام وصلى

شناسنده و از غير تو منحرف و از تو ترسان و چشم داشت اى صاحب بزرگى و اكرام و درود فرستد

الله على محمد رسوله واله الطاهرين وسلم تسليما كثيرا واين از مناجاتهاى جليل

خدا بر محمد رسول او و آل او كه پاكانند و رحمت بفرست رحمت فرستادنى بسيار القدرست و بر مضامين

عاليه مشتملست و در همه اوقات كه حضور قلبى باشد خواندن مناسبست و از حضرت رسول صلى الله

عليه واله منقولست كه هر كه در لا اله الا الله ولا نعبد الا اياه مخلصين له الدين

مجموع ماه شعبان هزار مرتبه بگويد نيست خدائى مگر خدا و عبادت نميكنيم مگر او را در حالتى كه مخلص باشيم از براى او دين را

ولو كره المشركون حق تعالى عبادت هزار ساله در نامه عمل او بنويسد و گناه هزار ساله

و هر چند ناخوش داشته باشند مشركان از او محو كند و از قبر بيرون آيد با روى نورانى مانند ماه شب چهارده

و او را صديق بنويسند و بسند معتبر منقولست كه از حضرت صادق عليه السلم سؤال كردند از

فضيلت روزه رجب حضرت فرمود چرا غافل گرديده ايد از روزه شعبان راوى گفت يا ابن رسول الله

چه ثواب دارد كسى كه يكروز شعبان را روزه دارد گفت والله بهشت ثواب اوست گفت يا ابن

رسول الله بهترين عملها در اينماه چيست فرمود تصدق كردن و طلب آمرزش نمودن هر كه در اينماه تصدقى

بكند حق تعالى آنرا تربيت ميكند چنانچه يكى از شما شتر بچه خود را تربيت كند تا آنكه در قيامت مانند كوه احد

بصاحبش برسد فصل سيم در فضايل و اعمال ايام مخصوصه ماهست تا ايام البيض بسندهاى معتبر

منقولست از حضرت صادق عليه السلم كه هر كه روز اول ماه شعبانرا روزه دارد بهشت او را واجب كرده البته

وازحضرت امام رضا علیه السلام منقولست استحباب روزهٔ سه روز اوّل وسه روز میان وسه روز
اخر ماه وازحضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که رسول خدا صلی الله علیه واله فرمود که در
هر پنجشنبه ماه شعبان زینت میکنند اسمانها را پس ملائکه میگویند خداوندا بیامرز روزه داران
این روز را ودعای ایشانرا مستجاب گردان ودر روز سیم ماه شعبان روز بسیار مبارکیست وموافق
مشهور روز ولادت حضرت امام حسین است وازحضرت صاحب الامر صلوات الله علیه فرمان
بیرون امد که روز سیم ماه شعبان روز ولادت امام حسین علیه السلام است پس روزه بدارید واین دعا بخوانید
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فی هٰذَا الْیَوْمِ الْمَوْعُودِ بِشَهادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلالِهِ وَوِلادَتِهِ
خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بحق مولودی در این روز وعده کرده شده بشهادت او پیش از فریاد کردن او و متولد شدن او
بَکَتْهُ السَّماءُ وَمَنْ فیها وَالْاَرْضُ وَمَنْ عَلَیْها وَلَمّا یَطَأْ لابَتَیْها قَتیلِ الْعَبْرَةِ وَ
گریست براو اسمان وکسی که در انست وزمین وکسی که بر انست وحال انکه گام ننهاده است سنگستانهای زمین را کشته شده از جهت گریستن و
سَیِّدِ الْاُسْرَةِ الْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ یَوْمَ الْکَرَّةِ الْمُعَوَّضِ مِنْ قَتْلِهِ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ
مهتر و بهتر قبیله یاری کرده شده بیاری در روز برگردیدن عوض داده شده از کشتن او بانکه امامان از
نَسْلِهِ وَالشِّفاءَ فی تُرْبَتِهِ وَالْفَوْزَ مَعَهُ فی اَوْبَتِهِ وَالْاَوْصِیاءَ مِنْ عِتْرَتِهِ بَعْدَ
نسل او باشند وشفا در خاک اوست ورستگاری با اوست در برگشتن او و اوصیا از ذریت اویند بعد از
قائِمِهِمْ وَغَیْبَتِهِ حَتّی یُدْرِکُوا الْاَوْتارَ وَیَثْأَرُوا الثّارَ وَیُرْضُوا الْجَبّارَ وَیَکُونُوا
قایم ایشان وغیبت او تا انکه دریابند قاتلان اورا وطلب کنند کشندگان اورا وراضی کنند پروردگار جبار را و میباشند
خَیْرَ اَنْصارٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِمْ مَعَ اخْتِلافِ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ اَللّٰهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ اِلَیْكَ
بهترین یاری کننده درود فرستاد خدا برایشان با اختلاف شب وروز خداوندا پس بحق ایشان بسوی تو
اَتَوَسَّلُ وَاَسْئَلُ سُؤالَ مُقْتَرِفٍ وَمُعْتَرِفٍ مُسیءٍ اِلی نَفْسِهِ مِمّا فَرَّطَ فی یَوْمِهِ
توسل میجویم وسوال میکنم سوال کردن عاجزان واعتراف کنندگان بد کننده بسوی نفس خود از انچه تفریط کرده است در روز
وَاَمْسِهِ یَسْئَلُكَ الْعِصْمَةَ اِلی مَحَلِّ رَمْسِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ
و دیروز او سوال میکند ترا عصمت بسوی جای قبر خداوندا درود فرست بر محمد و
عِتْرَتِهِ وَاحْشُرْنا فی زُمْرَتِهِ وَبَوِّئْنا مَعَهُ دارَ الْکَرامَةِ وَمَحَلَّ الْاِقامَةِ اَللّٰهُمَّ وَ
ذریت او وحشر کن مارا در زمرهٔ او وجا بده مارا با او در خانه کرامت ومحل اقامت خداوندا و

کَما اَکْرَمْتَنا بِمَعْرِفَتِهِ فَاَکْرِمْنا بِزُلْفَتِهِ وَارْزُقْنا مُرافَقَتَهُ وَسابِقَتَهُ وَاجْعَلْنا
همچنانکه گرامی داشتی مارا بشناختن او پس گرامی دار مارا بنزدیک بودن او وروزی کن مارا همراه بودن او ومسابقت کردن با او وبگردان مارا
مِمَّنْ یُسَلِّمُ لِاَمْرِهِ وَیُکْثِرُ الصَّلوٰةَ عَلَیْهِ عِنْدَ ذِکْرِهِ وَعَلی جَمیعِ اَوْصِیائِهِ وَاَهْلِ
از کسی که گردن گذارنده باشد مر امر اورا وبسیار کرده باشد درود براو نزد یاد کردن او وبر همه امامان او واهل
اصْطِفائِهِ الْمَمْدُودینَ مِنْكَ بِالْعَدَدِ الْاِثْنَیْ عَشَرَ النُّجُومِ الزُّهَرِ وَالْحُجَجِ عَلی
برگزیده او مدد کرده شده از تو بعدد دوازده ستاره درخشنده وحجت بودن بر
جَمیعِ الْبَشَرِ اَللّٰهُمَّ وَهَبْ لَنا فی هٰذَا الْیَوْمِ خَیْرَ مَوْهِبَةٍ وَاَنْجِحْ لَنا فیهِ کُلَّ طَلِبَةٍ
بر همه خلایق خداوندا وببخش از برای ما در این روز بهترین بخشش ومستجاب کن از برای ما در این روز هر طلبه
کَما وَهَبْتَ الْحُسَیْنَ لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَعاذَ فُطْرُسُ بِمَهْدِهِ فَنَحْنُ عائِذُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ
همچنانکه بخشیدی حسین را از برای محمد جد او وپناه برد فطرس بگهواره او پس ما پناه برنده کانیم بقبر او بعد از
بَعْدِهِ نَشْهَدُ تُرْبَتَهُ وَنَنْتَظِرُ اَوْبَتَهُ امینَ رَبَّ الْعالَمینَ وزیارت آنحضرت وغسل
بعد او حاضر میشویم خاک اورا وانتظار میکشیم نوبت اورا امین ای پروردگار عالمیان زیارت در این روز
مستحبست وکیفیت زیارت بعد ازین مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی وشیخ طوسی رحمه الله
روایت ونقل کرده است که حضرت امام حسین علیه السلام در روز پنجم اینماه متولد شده است اگر
احتیاطا هر دو روز را حرمت بدارند واعمال را در این روز نیز بعمل اورند خصوصا زیارت
بهتر است وایضا شیخ بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه در روز هفتم ماه شعبان متولد شده است اگرچه خلاف مشهور است چنانچه
در ماه رجب مذکور شد اما بر وفق این روایت اگر روزه وزیارت آنحضرت وسایر اعمال خیر را در این روز
بعمل اورند مناسبست فصل چهارم در اعمال ایام البیض ماه شعبانست یعنی سیزدهم وچهاردهم
وپانزدهم در اعمال ماه رجب مذکور شد که سنت است که در شب سیزدهم دو رکعت ودر شب
چهاردهم چهار رکعت ودر شب پانزدهم شش رکعت نماز بجا اورند ودر هر رکعت بعد از حمد سورهٔ
یس وتبارك الذی بیده الملك وقل هو الله احد بخوانند ودر نمازهای سنت سورها کار از حفظ
نتوانند خواند از روی قران میتوان خواند وروزهٔ هر روز سنت است وفضایل واعمال شب پانزدهم
زیاده از انست که درین رساله احصا توان نمود واکتفا مینمایم باحادیث صحیحه است از حضرت امیر المؤمنین

در اعمال ایام البیض ماه شعبانست

منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که چون شب نصف شعبان شود شبش را بعبادت
بایستید و روزش را روزه بدارید بدرستی که از اول تا آخر اینشب از جانب حق تعالی ندا میرسد که
آیا استغفار کننده هست که طلب آمرزش کند از گناهان خود و ما گناهان او را بیامرزیم آیا کسی
هست که از ما طلب روزی کند تا ما روزی او را فراخ گردانیم و غسل در اینشب سنت است و از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که روزه بدارید ماه شعبان را و در شب نیمه آن غسل کنید که باعث
تخفیف گناهان شما باشد و رحمت الهی شما را دریابد و از جمله اعمال اینشب زیارت حضرت امام
حسین صلوات الله علیه است و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقولست که هر که خواهد با او
مصافحه کنند روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر پس زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام را در شب
نصف شعبان زیرا که ملائکه و پیغمبران در اینشب از خدا رخصت میطلبند که بزیارت آنحضرت بیایند و
رخصت می یابند پس خوشا حال کسی که این بزرگواران با او مصافحه کنند و از جمله ایشانند پنج پیغمبر اولوا
العزم نوح و ابرهیم و موسی و عیسی و محمد مصطفی صلوات الله علیهم اجمعین که مبعوث گردیده اند
بمغرب و مشرق زمین و جنیان و آدمیان و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در شب نیمه شعبان
میآمرزند جمیع گناهان کسی را که زیارت آنحضرت کند در آنشب و اقل زیارت آنحضرت آنست که ببامی یا بصحن
گشاده در آید و بجانب راست آسمان و بجانب چپ و بالای سر نظر کند پس بانگشت اشاره کند بجانب راست قبله و بگوید

السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک یا ابن رسول الله السلام علیک و
رحمت بر تو باد ای اباعبدالله رحمت بر تو باد ای پسر رسول خدا رحمت بر تو باد و
رحمة الله وبرکاته واگر یکی از زیارات مبسوط را بعمل
رحمت خدا و برکتهای او آورد بهتر است و از جمله آنها اینست
السلام علیک یا وارث آدم صفوة الله السلام علیک یا وارث نوح نبی
سلام بر تو باد ای وارث آدم برگزیده خدا سلام بر تو باد ای وارث نوح پیغمبر
الله السلام علیک یا وارث ابرهیم خلیل الله السلام علیک یا وارث موسی
خدا سلام بر تو باد ای وارث ابرهیم دوست خدا سلام بر تو باد ای وارث موسی
کلیم الله السلام علیک یا وارث عیسی روح الله السلام علیک یا وارث محمد
همزبان خدا سلام بر تو باد ای وارث عیسی روح خدا سلام بر تو باد ای وارث محمد

حبیب

شعبان ۲۶

حبیب الله السلام علیک یا وارث امیر المؤمنین ولی الله السلام علیک یا ابن
دوست خدا سلام بر تو باد ای وارث امیر المؤمنین دوست خدا سلام بر تو باد ای پسر
محمد المصطفی السلام علیک یا ابن علی المرتضی السلام علیک یا ابن فاطمة الزهراء
محمد برگزیده سلام بر تو باد ای پسر علی پسندیده سلام بر تو باد ای پسر فاطمه زهرا
السلام علیک یا ابن خدیجة الکبری السلام علیک یا ثار الله وابن ثاره والوتر
سلام بر تو باد ای پسر خدیجه کبری سلام بر تو باد ای طلب کننده خونهای خدا و پسر طلب کننده خدا و طلب کننده
الموتور اشهد انک قد اقمت الصلوة واتیت الزکوة وامرت بالمعروف ونهیت
خون کشته گواهی میدهم بدرستی که تو بتحقیق برپا داشتی نماز را و دادی زکوة را و امر کردی بخوبیها و نهی کردی
عن المنکر واطعت الله ورسوله حتی اتاک الیقین فلعن الله امة قتلتک و
از بدی و اطاعت کردی خدا و رسول خدا را تا آنکه آمد ترا یقین و اجل پس لعنت کند خدا امتی را که کشتند ترا و
لعن الله امة ظلمتک ولعن الله امة سمعت بذلک فرضیت به یا مولای یا
لعنت کند خدا امتی را که ظلم کردند بر تو و لعنت کند خدا امتی را که شنیدند اینرا پس راضی شدند باین ای آقای من ای
اباعبدالله اشهد انک کنت نورا فی الاصلاب الشامخة والارحام المطهرة
اباعبدالله شهادت میدهم بدرستی که تو بودی نوری در پشتهای بلند مرتبه ها و در رحمهای پاکیزه
لم تنجسک الجاهلیة بانجاسها ولم تلبسک من مدلهمات ثیابها واشهد انک
نجس نکرد ترا اهل جاهلیت بنجاستهای خودشان و نپوشانیدند ترا از تاریکیهای جامه ایشان و گواهی میدهم که تو
من دعائم الدین وارکان المؤمنین واشهد انک الامام البر التقی الرضی
از ستونهای دین و ارکان ایمان آورندگانی و گواهی میدهم بدرستی که توئی امام نیکوکار پرهیزکار پسندیده
الزکی الهادی المهدی واشهد ان الائمة من ولدک کلمة التقوی و
پاک راهنماینده هدایت یافته شده و گواهی میدهم که بدرستی که امامان از نسل تو اند کلمه پرهیزکاری و
اعلام الهدی والعروة الوثقی والحجة علی اهل الدنیا واشهد الله و
نشانه هدایت و دسته قایم و حجت بر اهل دنیا و گواه میکنم خدا را و
ملائکته وانبیائه ورسله انی بکم مؤمن وبایابکم موقن بشرایع
ملائکه او را و پیغمبران او را و رسولان او را بدرستی که من بشما گرویده ام و برجعت شما یقین دارنده ام بشرایع

الطاهرة

دینی وخواتیم عملی و قلبی لقلبکم سلم وامری لامرکم متبع صلوات الله علیکم

دین من وخاتمه عمل من ودل من از برای دل شما فرمان بردارات وکار من بکار شما تابعست درود خدا برشما

وعلی ارواحکم وعلی اجسادکم وعلی اجسامکم وعلی شاهدکم وعلی غائبکم

وبر روحهای شما وبر جسدهای شما وبر جسمهای شما وبر حاضر شما وبر غایب شما

وعلی ظاهرکم وعلی باطنکم پس دو رکعت نماز زیارت میکند واگر نماز را پیش از زیارت

وبر ظاهر شما وبر پنهان شما بکند نیز خوبست اگر از دور زیارت کند پس قصد زیارت

حضرت علی بن الحسین علیه السلام السلام علیک یا ابن رسول الله السلام علیک یا ابن نبی الله

بکند وبگوید سلام بر تو ای پسر رسول خدا سلام بر تو ای پسر پیغمبر خدا

السلام علیک یا ابن امیر المؤمنین السلام علیک یا ابن الحسین الشهید السلام

سلام بر تو ای پسر امیر المؤمنین سلام بر تو ای پسر حسین شهید سلام

علیک ایها الشهید السلام علیک ایها المظلوم وابن المظلوم لعن الله امة

بر تو ای شهید سلام بر تو ای مظلوم وپسر مظلوم لعنت کند خدا امتی

قتلتک ولعن الله امة ظلمتک ولعن الله امة سمعت بذلک فرضیت به پس قصد

که کشتند ترا ولعن کند خدا امتی را که ستم کردند بر تو ولعنت کند خدا امتی را که شنیدند اینرا پس راضی شدند بآن زیارت شهدا

رضی الله عنهم السلام علیکم یا اولیاء الله واحباءه السلام علیکم یا اصفیاء الله و

بکند وبگوید سلام بر شما ای دوستان خدا ودوستداران او سلام بر شما ای برگزیدگان خدا و

اودّاءه السلام علیکم یا انصار دین الله السلام علیکم یا انصار رسول الله

ودوستان او سلام بر شما ای یاری کنندگان دین خدا سلام بر شما ای یاری کنندگان رسول خدا

السلام علیکم یا انصار امیر المؤمنین السلام علیکم یا انصار فاطمة سیدة

سلام بر شما ای یاری کنندگان امیر المؤمنین سلام بر شما ای یاری کنندگان فاطمه بزرگ

نساء العالمین السلام علیکم یا انصار ابی محمد الحسن بن علی الزکی الناصح

زنان عالمیان سلام بر شما ای یاری کنندگان ابی محمد حسن پسر علی پاک نصیحت کننده

السلام علیکم یا انصار ابی عبد الله بابی انتم وامی طبتم وطابت الارض

سلام بر شما ای یاری کنندگان ابی عبد الله پدر ومادرم فدای شما باد خوش شدید شما وخوش است زمینی

ابن الشهید

التی فیها دفنتم وفزتم فوزا عظیما فیا لیتنی کنت معکم فافوز فوزا عظیما

که در آن مدفون شدید ورستگار شدید رستگاری بزرگ پس کاشکی من بودم با شما پس رستگار میشدم رستگاری

معکم
باشما

ودر شب اول وپانزدهم ماه رجب ودر سیم وپنجم ماه شعبان وشبهای ماه مبارک

رمضان وشبهای عید وسایر ایامی که زیارت آنحضرت مستحبست بهمین طریق زیارت

میتوان کرد وزیارات مبسوطه ومخصوصه را در کتاب تحفة الزائر ذکر کرده ام هر که خواهد

بآن کتاب رجوع نماید واز جمله برکات اینشب آنست که ولادت وافر السعادت حضرت صاحب الامر

صلوات الله علیه در اینشب واقع شده وباین سبب سنت است اللهم بحق لیلتنا هذه

که این دعا را در اینشب بخوانند که بمنزله زیارت آنحضرت است خداوندا بحق شب ما این شب

ومولودها وحجتک وموعودها التی قرنت الی فضلها فضلا فتمت کلمتک

وبحق مولود اینشب بحق حجت تو وموعود اینشب که نزدیک کرده بسوی زیادتی آن زیادتی پس تمام شد کلمه حق تو

صدقا وعدلا لا مبدل لکلماتک ولا معقب لآیاتک نورک المتالق وضیاؤک

از روی راستی وعدل نیست بدل کننده از برای کلمات تو ونیست تعقیب کننده از برای آیات تو نور تو که درخشنده است وروشنی تو

المشرق والعلم النور فی طخیاء الدیجور الغائب المستور جل مولده وکرم

که تابنده است ونشانه نور در شب تاریک غایب پنهان شد بزرگ است مولد او وگرامی است

محتده والملائکة شهده والله ناصره ومؤیده اذا آن میعاده والملائکة

محتد او وملائکه حاضر شدند او را وخدا یاری کننده اوست وقوت دهنده او است هرگاه بیاید وعده او وملائکه

امداده سیف الله الذی لا ینبو ونوره الذی لا یخبو وذو الحلم الذی لا یصبو

یاری کننده اوست شمشیر خدا که کند نمیگردد ونور خدا که خاموش نمیشود وصاحب بردباری که دیگر میل نمیشود

مدار الدهر ونوامیس العصر وولاة الامر والمنزل علیهم ما ینزل فی

مدار سالها وناموس عصرات وپادشاه امرات وفرو فرستاده بر ایشان آنچه فرود می آید در

لیلة القدر واصحاب الحشر والنشر تراجمة وحیه وولاة امره ونهیه اللهم

شب قدر وصاحب حشر ونشراست ترجمه کننده وحی خدا وولی امر خدا ونهی او خداوندا

فصل علی خاتمهم وقائمهم المستور عن عوالمهم وادرک بنا ایامه وظهوره وقیامه

پس درود فرست بر خاتم ایشان وقائم ایشان پوشیده شده از عالم ایشان برسان بما روزهای او وظاهر شدن او وقیام او

وَاجْعَلْنَا مِنْ اَنْصَارِهِ وَاَقْرِنْ ثَارَنَا بِثَارِهِ وَاكْتُبْنَا فِی اَعْوَانِهِ وَخُلَصَائِهِ وَاَحْيِنَا
وبگردان مارا از یاوران او وبنو کردن طلب مارا طلب او وبنویس مارا از جمله یاوران او وخالصان او وزنده کن ما را
فِی دَوْلَتِهِ نَاعِمِينَ وَبِصُحْبَتِهِ غَانِمِينَ وَبِحَقِّهِ قَائِمِينَ وَمِنَ السُّوءِ سَالِمِينَ يَا
در دولت او تنعم کننده وبصحبت او غنیمت برنده وبحق او ایستاده واز بدی سالم مانده ای
اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ
رحم کننده ترین رحم کنندگان وسپاس از برای ذاتیست که پروردگار عالمیانست ودرود فرستد خدا بر محمد خاتم پیغمبران و
الْمُرْسَلِينَ وَعَلٰى اَهْلِ بَيْتِهِ الصَّادِقِينَ وَعِتْرَتِهِ النَّاطِقِينَ وَالْعَنْ جَمِيعَ الظَّالِمِينَ
فرستاده کانیا وبر اهل بیت او که راست کویانند وذریت او که کویندکانند ولعن کن جمیع ستم کنندکانرا
وَاحْكُمْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ يَا اَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ وزید شهید روایت کرده که پدرم حضرت امام
وحکم کن میان ما ومیان ایشان ای حکم کننده ترین حکم کنندکان زین العابدین علیه السلم ما همه را در شب نیمه
شعبان نزد خود جمع میکرد وشب را سه حصه میکرد ودر ثلث اول نماز میکرد ودر ثلث دوم
دعا میکرد وما امین میکفتیم بر دعای او وثلث اخر را استغفار وطلب امرزش میکرد وما نیز
استغفار میکردیم تا صبح طالع میشد یعنی بعد از نماز شب ونمازهای اینشب بسیار است
واز جمله انها چهار رکعتست هر دو رکعت بیك سلام وسی نفر از اصحاب حضرت صادق این
نماز را از انحضرت روایت کرده اند ودر هر رکعت بعد از حمد صد اَللّٰهُمَّ اِنِّی اِلَيْكَ فَقِيرٌ
مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند وبعد از نماز این دعا بخواند خداوندا بدرستی که من بسوی تو محتاجم
وَمِنْ عَذَابِكَ خَائِفٌ وَبِكَ مُسْتَجِيرٌ رَبِّ لَا تُبَدِّلْ اِسْمِی وَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِی رَبِّ لَا تَجْهَدْ
واز عذاب تو ترسانم وبتو پناه اورنده ام پروردکار من بدل مکن نام مرا وتغیر مده جسم مرا پروردکار من دشوار مکن
بَلَائِی رَبِّ لَا تُشْمِتْ بِی اَعْدَائِی اَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقَابِكَ وَاَعُوذُ بِرِضَاكَ
بلای مرا پروردکار من شماتت مکن بمن دشمنان من پناه میبرم بعفو تو از عذاب تو وپناه میبرم بخشنودی تو
مِنْ سَخَطِكَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْكَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ اَنْتَ كَمَا اَثْنَيْتَ عَلٰى نَفْسِكَ وَفَوْقَ مَا
از غضب تو وپناه میبرم بتو از تو بزرکست ثنا تو تو همچنانی که ثنا کرده بر نفس خود وفوق انچه
يَقُولُ الْقَائِلُونَ فِيكَ وبروایت دیکر با نچهار رکعتست بدو سلام ودر هر رکعت دویست
میکویند کویندکان در تو وپنجاه مرتبه قل هو الله احد یا صد مرتبه یا پنجاه مرتبه بخواند وبعد

از نماز این اَللّٰهُمَّ اِنِّی اِلَيْكَ فَقِيرٌ وَاِنِّی مِنْ عَذَابِكَ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ رَبِّ لَا تُبَدِّلْ اِسْمِی وَلَا
دعا بخواند خداوندا بدرستی که من بسوی تو محتاجم وبدرستی که من از عذاب تو ترسان پناه اورنده ام پروردکار من بدل مکن نام مرا و
تُغَيِّرْ جِسْمِی رَبِّ لَا تَجْهَدْ بَلَائِی اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَاَعُوذُ
تغیر مده جسم مرا پروردکار من دشوار مکن بلای مرا خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بعفو تو از عقاب تو وپناه میبرم
بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَاَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
بخشنودی تو از غضب تو وپناه میبرم برحمت تو از عذاب تو وپناه میبرم بتو از تو نیست خدای مکر تو
جَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا اُحْصِی مِدْحَتَكَ وَلَا الثَّنَاءَ عَلَيْكَ اَنْتَ كَمَا اَثْنَيْتَ عَلٰى نَفْسِكَ وَفَوْقَ
بزرکست ثناء تو وشمرده نمیشود مدح تو ونه ثنای بر تو تو همچنانی که ثنا کرده بر نفس خود وفوق
مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ رَبِّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِی كَذَا وَكَذَا وبجای وافعل بی کذا
انچه میکویند کویندکان پروردکارا درود فرست بر محمد وال محمد وبکن بمن همچنین وهمچنین وکذا حاجات خود را
یاد کند واکر این نماز را با پنجاه مرتبه قل هو الله احد بعمل آورد موافق میشود با نماز حضرت امیر المؤمنین
علیه السلم ودر فضیلت ان احادیث بسیار است وبسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقولست
کان
که شب نیمه شعبان بهترین شبهاست بعد از شب قدر وحق تعالی فضل خود را در اینشب بر بند
عطا میفرماید وباحسان خود کناهان ایشانرا میامرزد پس سعی کنید در عبادت در اینشب که این شبیست
که حق تعالی بذات مقدس خود سوکند یاد کرده است که هیچ سائلی را از درکاه خود رد نکند مکر انکه
معصیتی از خدا طلب نماید واینشب را خدا برای ما اهل بیت قرار داده است بازای شب قدر که
از برای پیغمبر ما قرار داده است پس اهتمام نمایند در اینشب در دعا وثنا کردن بر خدا [illegible] که هر که
در این شب صد مرتبه سُبْحَانَ اللّٰهِ وصد مرتبه الحمد لله وصد مرتبه اللّٰه اکبر وصد مرتبه لا اله الا الله
بکوید حق تعالی کناهان کذشته او را بیامرزد وحاجتهای دنیا واخرت او را براورد خواه طلب نماید
وخواه طلب ننماید راوی پرسید که بهترین دعاها در اینشب کدامست فرمود که بعد از نماز خفتن
دو رکعت نماز بکن ودر رکعت اول بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون ودر رکعت دوم سوره
قل هو الله احد بخوان وبعد از سلام سی وسه مرتبه سُبْحَانَ اللّٰهِ وسی وسه مرتبه اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وسی وچهار مرتبه
اللّٰه اکبر بکو واکر بترتیب تسبیح حضرت فاطمه صلوات يَا مَنْ اِلَيْهِ مَلْجَاُ الْعِبَادِ فِی الْمُهِمَّاتِ وَاِلَيْهِ
الله علیها بخواند ظاهرا خوب باشد پس این دعا را بخوان ای انکه بسوی پناه میبرند بندکان در دردکارها وبسوی

وربك
وبتو

يفزع الخلق في الملمات يا عالم الجهر والخفيات يا من لا يخفى عليه خواطر
فزع میکنند خلق در بلیها ای دانای آشکار و نهانها ای کسی که پنهان نیست بر او هرچه بگذرد
الاوهام وتصرف الخطرات يا رب الخلائق والبريات يا من بيده ملكوت
بوهمها و تصرف ... ای پروردگار خلقان و موجودات ای کسی که بید اوست پادشاهی
الارضين والسموات انت الله لا اله الا انت امنت اليك بلا اله الا انت
زمینها و آسمانها توئی خدای که نیست خدای مگر تو ایمان آوردم بتو بلا اله الا انت
فيا لا اله الا انت اجعلني في هذه الليلة ممن نظرت اليه فرحمته وسمعت
پس نیست خدای مگر تو بگردان مرا در این شب از کسی که نظر کرده بسوی او پس رحمت کرده بر او و شنیدی
دعاءه فاجبته وعلمت استقالته فاقلته وتجاوزت عن سالف خطيئته
دعای او پس اجابت کرده او و دانستی برگشتن او را پس برگردانیده او را و درگذشتی از گذشتهای خطاهای او
وعظيم جريرته فقد استجرت بك من ذنوبي ولجات اليك في ستر عيوبي
و بزرگ گناهان او پس بتحقیق که پناه آوردم بتو از گناهان خود و پناه آوردم بتو در پوشیدن عیبهای خود
اللهم فجد علي بكرمك وفضلك واحطط خطاياي بحلمك وعفوك و
خداوندا پس کرم کن بر من بر بخشش خود و فضل خود و بریزان گناهان مرا بر بردباری خود و عفو خود و
تغمدني في هذه الليلة بسابغ كرامتك واجعلني فيها من اوليائك الذين
و بپوشان مرا در این شب بجایزه بخشش خود و بگردان مرا در این شب دوستان تو که
اجتبيتهم لطاعتك واخترتهم لعبادتك وجعلتهم خالصتك وصفوتك
برگزیده ایشان را از برای طاعت خود و اختیار کرده ایشان را از برای عبادت خود و گردانیده ایشان را مخلصان تو و برگزیدگان تو
اللهم اجعلني ممن سعد جده وتوفر من الخيرات حظه واجعلني ممن سلم فنعم
خداوندا بگردان مرا از کسی که نیک کوشش او و بسیار است از خیرات نصیب او و بگردان مرا از کسی که سالم است پس نعمت یافت
وفاز فغنم واكفني شر ما اسلفت واعصمني من الازدياد في معصيتك وحبب
و رستگار شد پس غنیمت برد و کفایت کن مرا بدی آنچه پیش فرستاده ام و نگاه دار مرا از زیاد کردن در نافرمانی تو و دوست دار
الي طاعتك وما يقربني منك ويزلفني عندك سيدي اليك ملجا الهارب
بسوی من طاعت خود را و آنچه را که نزدیک میکرداند مرا از تو و نزدیک میسازد مرا نزد تو آقای من بسوی تست پناه گریختگان

ومنك ملتمس الطالب وعلى كرمك يعول المستقيل التائب ادبت عبادك بالتكرم
و از تست التماس کرده شده طالبان و بر کرم تست اعتماد اقاله کنندگان توبه کننده تادیب کرده بندگان خود را بخشیدن
وانت اكرم الاكرمين وامرت بالعفو عبادك وانت الغفور الرحيم اللهم
و تو بخشنده ترین بخشندگانی و امر کرده بعفو بندگان خود را و تو آمرزنده مهربانی خداوندا
فلا تحرمني ما رجوت من كرمك ولا تويسني من سابغ نعمك ولا تخيبني من جزيل قسمك
پس محروم مساز مرا از آنچه امید وارم از کرم تو و ناامید مکن مرا از جایزه های نعمت تو و ناامید مگردان مرا از بزرگ بخششهای تو
في هذه الليلة لاهل طاعتك واجعلني في جنة من شرار بريتك رب ان
در این شب ... از برای اهل طاعت تو و بگردان مرا در سپری از بدیهای خلق خود پروردگارا اگر
لم اكن من اهل ذلك فانت اهل الكرم والعفو والمغفرة وجد علي بما انت
نیستم از اهل بخشش پس تو اهل بخششی و عفو و آمرزش و بخش بر من بآنچه تو
اهله لا بما استحقه فقد حسن ظني بك وتحقق رجائي لك وعلقت نفسي
سزاوار آنی نه بآنچه من مستحقم آن را پس بتحقیق که نیکوست گمان من بتو و محقق است امید من از برای تو و تعلق گرفت نفس من
بكرمك وانت ارحم الراحمين واكرم الاكرمين اللهم واخصصني من كرمك
بکرم تو و تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی و بخشنده ترین بخشندگانی خداوندا و خاص گردان مرا از بخشش خود
بجزيل قسمك واعذني بعفوك من عقوبتك واغفر لي الذنب الذي يحبس
ببزرگ قسمت خود و نگاه دار مرا بعفو خود از عقاب خود و بیامرز از برای من گناه مرا که حبس میکند
على الخلق ويضيق علي الرزق حتى اقوم بصالح رضاك وانعم بجزيل عطائك
بر من خلق را و تنگ میکند بر من روزی را تا آنکه قائم شوم بصالح رضای تو و متنعم شوم ببزرگ عطای تو
واسعد بسابغ نعمائك فقد لذت بحرمك وتعرضت لكرمك واستعذت
و نیکبخت شوم بجایزه های نعمتهای تو پس بتحقیق که پناه آوردم بحرم تو و متعرض شدم از برای کرم تو و پناه آوردم
بعفوك من عقوبتك وبحلمك من غضبك فجد لي بما سالتك وانل ما التمست منك
بعفو تو از عقوبت تو و بر بردباری تو از غضب تو پس ببخش بر من بآنچه سوال کردم ترا و برسان آنچه التماس کردم از تو
اسالك بك لا بشيء اعظم منك پس بسجده میروی و میگویی یا رب بیست مرتبه یا الله
سوال میکنم ترا بتو نیست چیزی بزرگتر از تو هفت مرتبه لا حول ولا قوة الا بالله هفت مرتبه ما شاء الله

عنی
مواعظ

لا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ ده مرتبه لا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ ده مرتبه پس صلوات بر محمّد و آل محمّد بفرست

انچه خواهی و حاجت خود را از خدا بطلب و بخدا سوکند کا اکر بعدد قطرات باران حاجت خود را

بطلبی حق تعالی تو را بانها میرساند بکرم و فضل خود و بروایت دیکر بعد از هفت مرتبه یا الله هفت

مرتبه بکوید یا ربّ محمّد الٰهی تَعَرَّضَ لَکَ فِی هٰذَا اللَّیْلِ الْمُتَعَرِّضُوْنَ وَ قَصَدَکَ

و شیخ کفته است پس بکو ای خدای متعرض شده است از برای تو در این شب متعرض شوندکان و قصد کرده اند ترا

الْقَاصِدُوْنَ وَ اَمَّلَ فَضْلَکَ وَ مَعْرُوْفَکَ الطَّالِبُوْنَ وَ لَکَ فِی هٰذَا اللَّیْلِ

قصد کنندکان و امید دارند فضل ترا و بخشش ترا طلب کنندکان و از برای تو در این شب

نَفَحَاتٌ وَ جَوَائِزُ وَ عَطَایَا وَ مَوَاهِبُ تَمُنُّ بِهَا عَلٰی مَنْ تَشَاءُ مِنْ عِبَادِکَ وَ تَمْنَعُهَا

عطیها و بخششها و عطاها و بخششهاست منت میکذاری بان بر کسی که میخواهی از بندکان خود و باز میداری انرا

مَنْ لَمْ تَسْبِقْ لَهُ الْعِنَایَةُ مِنْکَ وَ هَا اَنَا ذَا عَبْدُکَ الْفَقِیْرُ اِلَیْکَ الْمُؤَمِّلُ فَضْلَکَ

کسی را که پیشی نکرفته است از برای او خواهش از تو و حال انکه من بنده توام محتاج بسوی تو ارزومند فضل تو

وَ مَعْرُوْفَکَ فَاِنْ کُنْتَ یَا مَوْلَایَ تَفَضَّلْتَ فِی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ عَلٰی اَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ

و بخشش تو پس اکر بوده باشی ای اقای من که تفضل کنی در این شب بر احدی از خلق خود

وَ عُدْتَ عَلَیْهِ بِعَائِدَةٍ مِنْ عَطْفِکَ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ

و بر بخشی بر او بخششی از رحمت خود پس درود فرست بر محمد و آل محمد که خوبانند و پاکانند

الْخَیِّرِیْنَ الْفَاضِلِیْنَ وَ جُدْ عَلَیَّ بِطَوْلِکَ وَ مَعْرُوْفِکَ یَا رَبَّ الْعَالَمِیْنَ وَ صَلِّ

برکزیدکانند و فضیلت دارندکانند و بخش بر من بخشش خود و معروف خود ای پروردکار عالمیان و درود فرست

عَلٰی مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِیِّیْنَ وَ آلِهِ الطَّاهِرِیْنَ وَ سَلَّمَ تَسْلِیْمًا اِنَّ اللهَ حَمِیْدٌ مَجِیْدٌ

بر محمد خاتم پیغمبران و آل او که پاکانند و سلام فرست سلام فرستادنی بدرستی که خدا حمد کرده شده و بزرکست

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَدْعُوْکَ کَمَا اَمَرْتَ فَاسْتَجِبْ لِیْ کَمَا وَعَدْتَ اِنَّکَ لَا تُخْلِفُ الْمِیْعَادَ

خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا چنانکه امر کرده پس اجابت کن از برای من چنانکه وعده داده بدرستی که تو خلاف نمیکنی وعده را

مؤلف کوید این دعای بسیار خوبیست و از دعاهای این شب است اما ظاهرا جزو ان عمل

سابق نیست و ابن بابویه علیه الرحمه از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام روایت کرده است که جبرئیل

علیه السلام بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل شد و کفت یا محمد امت خود را امر کن که

عبیدک

وصلّ الله

در نیمه شعبان ده رکعت نماز بکنند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله

بخوانند پس بسجده روند اَللّٰهُمَّ لَکَ سَجَدَ سَوَادِیْ وَ خَیَالِیْ وَ بَیَاضِیْ یَا عَظِیْمَ کُلِّ عَظِیْمٍ اِغْفِرْ لِیْ ذَنْبِیَ

و در سجده بکویند خداوندا از برای تو فروتنی میکند شخص من و خیال من و سفیدی من ای بزرک هر بزرک بیامرز از برای من کناه مرا

الْعَظِیْمَ فَاِنَّهُ لَا یَغْفِرُهُ غَیْرُکَ یَا عَظِیْمُ پس هر که اینعمل را بجا اورد محو کند حق تعالی از او هفتاد

که بزرکست پس بدرستی که نمی امرزد او را غیر تو ای بزرک و دو هزار حسنه در نامه عمل او بنویسد و محو کند کناه او و مثل ان

از پدر و مادرش هفتاد هزار کناه را و نماز دیکر نماز یست که عامه و خاصه از حضرت رسول صلی الله

علیه و آله روایت کرده اند که حضرت فرمود که در شب نیمه شعبان در خواب بودم جبرئیل علیه السلام بر من

نازل شد و کفت ای محمد ایا بخواب میروی در اینشب کفتم این چه شبست کفت شب نیمه شعبان است پس بر

خیز اشید مرا و برد بسوی قبرستان بقیع و کفت سر بلند کن بسوی اسمان بدرستی که اینشبی است که در این شب

درهای اسمان کشوده میشود یعنی درهای رحمت و درهای خوشنودی خدا و درهای امرزش کناهان

و درهای فضل و احسان و درهای توبه و درهای نعمت و درهای جود و بخشش و میامرزد حق تعالی

از بندکان در اینشب بعدد موهای چهارپایان و پشمهای ایشان ای محمد هر که احیا کند اینشب را

بکفتن اللّٰهُ اَکْبَرُ و سُبْحَانَ اللهِ و لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ و نماز کردن و قران خواندن و طلب امرزش کردن و استغفار

نمودن بهشت در اخرت جای او باشد و کناهان کذشته و اینده او امرزیده شود ای محمد هر که

در اینشب صد رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه قل هو الله

احد بخواند و چون از همه فارغ شود ده مرتبه ایة الکرسی و ده مرتبه سوره حمد بخواند و صد مرتبه سبحان الله

بکوید حق تعالی صد کناه کبیره هلاک کننده او را بیامرزد و بعدد هر سوره و تسبیحی قصری در بهشت باو عطا

کند و شفاعت او را قبول کند در صد نفر از اهل خانه او و خویشان او و شریک کرداند او را در ثواب

شهیدان و ثواب روزه داران ایماه و عبادت کنندکان ایماه را باو عطا کند بی انکه از ثواب انها

چیزی کم شود پس احیا کن اینشب را ای محمد و امر کن امت خود را که احیا کنند انرا و تقرب جویند بسوی

خدا بعبادت ان بدرستی که این شبی است بسیار شریف یا محمد چون بنزد تو میامدم جمیع ملائکه

اسمانها پای خود را جفت کرده بودند و نزد خدا بعبادت مشغول بودند و بعضی ایستاده بودند و

بعضی در رکوع بودند و بعضی در سجود و بعضی مشغول بودند بدعا و بعضی بتکبیر و بعضی بتسبیح و بعضی

باستغفار یا محمد بدرستی که حق تعالی در اینشب نظر رحمت بسوی بندکان میافکند و میامرزد همه

واکه بنماز ایستاده باشد یا نشسته مشغول تسبیح باشد یا در رکوع یا در سجود باشد یا مشغول
یاد خدا باشد واینشبی است که هر که دعا کند البته دعایش مستجاب میشود و هر که سؤال کند باو
عطا کرده میشود و هر که استغفار کند آمرزیده میشود و هر که توبه کند توبه اش مقبول میگردد
و محروم کسیست که از خیر اینشب محروم میگردد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر که
در شب نیمهٔ شعبان صد رکعت نماز بکند با هزار مرتبه قل هو الله احد یعنی در هر رکعت ده مرتبه
بخواند نمیرد دل او در روزی که دلها از ترس مرده باشد و نمیرد تا آنکه صد ملك را ببیند که او را
ایمن گردانند از عذاب الهی سی نفر ایشان بشارت دهند او را به بهشت و سی نفر ایشان آنها باشند
که در دنیا او را از شر شیطان نگاه میداشتند و سی نفر آنها باشند که در روز و شب برای
او استغفار میکردند در ساعات شب و روز و ده نفر که او را حفظ میکردند از شر دشمنان
و منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در اینشب این دعا میخواندند اَللّٰهُمَّ اَقْسِمْ لَنَا مِنْ خَشْیَتِكَ مَا یَحُولُ بَیْنَنَا وَبَیْنَ مَعْصِیَتِكَ
خداوندا قسمت کن از برای ما از خوف خود آنچه واسطه میشود میان ما و میان نافرمانی تو
وَمِنْ طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ رِضْوَانَكَ وَمِنَ الْیَقِینِ مَا یَهُونُ عَلَیْنَا بِهِ مُصِیبَاتُ
و از فرمان برداری تو آنچه میرسانند ما را بآن خوشنودی تو و از یقین آنچه آسان میکند برما بآن بلاهای
الدُّنْیَا اَللّٰهُمَّ اَمْتِعْنَا بِاَسْمَاعِنَا وَاَبْصَارِنَا وَقُوَّتِنَا مَا اَحْیَیْتَنَا وَاجْعَلْهَا الْوَارِثَ
دنیا خداوندا برخوردار کن ما را بگوشهای ما و چشمهای ما و توانایی ما مادام که زنده داری ما را و بگردان آنها را وارث
مِنَّا وَاجْعَلْ ثَارَنَا عَلٰی مَنْ ظَلَمَنَا وَانْصُرْنَا عَلٰی مَنْ عَادَانَا وَلَا تَجْعَلْ مُصِیبَتَنَا فِی دِینِنَا
از ما و بگردان طلب ما را بر کسی که ستم کند بر ما و یاری ده ما را بر کسی که دشمنی کند با ما و مگردان مصیبت ما را در دین ما
وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْیَا اَکْبَرَ هَمِّنَا وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِنَا وَلَا تُسَلِّطْ عَلَیْنَا مَنْ لَا یَرْحَمُنَا ه
و مگردان دنیا را بزرگتر همت ما و نه محل رسیدن علم ما و مسلط مکن بر ما کسی را که رحم نمیکند بر ما
بِرَحْمَتِكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ و این دعای جامع کاملیست و متضمن جمیع مطالب دنیا و
برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان آخرتست و چون دعای کمیل بن زیاد که از خواص اصحاب حضرت امیر
المؤمنین است صلوات الله علیه بهترین دعاهاست و از دعاهای اینشب است و در اوقات
دیگر نیز میتوان خواند با ترجمه در اینجا ایراد مینمایم که در وقت خواندن متذکر معانی آن باشند
تا فایده اش تمامتر و ثوابش عظیمتر باشد بدانکه سید جلیل ابن طاوس در کتاب اقبال روایت

کرده

کرده است که کمیل بن زیاد گفت روزی با مولای خود حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در
مسجد بصره نشسته بودم شب نیمهٔ شعبان مذکور شد حضرت فرمود که هر بندهٔ که آنشب را بعبادت
احیا کند و دعای خضر علیه السلام را در آنشب بخواند البته دعای او مستجاب گردد و چون حضرت بمنزل
مراجعت نمود شب بخدمتش رفتم چون مرا دید پرسید که بچه کار آمدهٔ ای کمیل گفتم یا امیر المؤمنین بطلب
دعای خضر علیه السلام آمده ام فرمود که بنشین ای کمیل چون این دعا را حفظ نمائی در هر شب جمعه یا در هر ماهی
یکمرتبه یا در سالی یکمرتبه یا در عمر خود یکمرتبه بخوان تا کفایت شر دشمنان او بشود و یاری کرده
شوی و روزی داده شوی و البته آمرزیده شوی ای کمیل طول صحبت و خدمت تو موجب آن شد
که ترا بچنین نعمتی و کرامتی ممتاز و سرافراز کردانم پس گفت بنویس و دعا را تلقین من نمود اینست دعا
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِی وَسِعَتْ
بنام خدای بخشاینده مهربان خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو بحق رحمت تو که فرا گرفته است
كُلَّ شَیْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِی قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَیْءٍ وَخَضَعَ لَهَا كُلُّ شَیْءٍ وَذَلَّ لَهَا كُلُّ شَیْءٍ
هر چیز را و بتوانایی تو که قهر کرده بآن هر چیز را و خاضع و منقاد گردیده است برای آن هر چیز و خوار و ذلیل شده برای آن هر چیز
وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتِی غَلَبْتَ بِهَا كُلَّ شَیْءٍ وَبِعِزَّتِكَ الَّتِی لَا یَقُومُ لَهَا شَیْءٌ وَبِعَظَمَتِكَ
و ببزرگواری تو که غالب گردیده بآن هر چیز را و بعزت تو که نمی ایستد از برای آن چیزی و ببزرگی تو
الَّتِی مَلَأَتْ كُلَّ شَیْءٍ وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِی عَلَا كُلَّ شَیْءٍ وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِی بَعْدَ فَنَاءِ
که پر کرده است هر چیز را و به پادشاهی تو که برترست هر چیز را و بذات مقدس تو که باقیست بعد از فانی شدن
كُلِّ شَیْءٍ وَبِاَسْمَائِكَ الَّتِی مَلَأَتْ اَرْكَانَ كُلِّ شَیْءٍ وَبِعِلْمِكَ الَّذِی اَحَاطَ بِكُلِّ شَیْءٍ
هر چیز و بنامهای تو که پر کرده است اجزا و ارکان هر چیز را و بدانایی تو که فرا گرفته است هر چیز را
وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِی اَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَیْءٍ یَا نُورُ یَا قُدُّوسُ یَا اَوَّلَ الْاَوَّلِینَ
و بروشنی ذات تو که روشن شده است از برای آن هر چیز ای هویدا ای بسیار منزه از عیبها ای بهتر پیشینیان
وَیَا آخِرَ الْآخِرِینَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی تَهْتِكُ الْعِصَمَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ
و ای بهتر پسینیان خداوندا بیامرز از برای من گناهانی را که میدرند پردهای عصمت را خداوندا بیامرز
لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی تُنْزِلُ النِّقَمَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی تُغَیِّرُ النِّعَمَ اَللّٰهُمَّ
از برای من گناهانی را که فرو میآورد عذابهای خدا را خداوندا بیامرز از برای من گناهانی را که تغییر میدهد نعمتها را خداوندا

الَّتِی

غلبت

اغفر لي الذنوب التي تحبس الدعاء اللهم اغفر لي الذنوب التي تقطع الرجاء

بيامرز از براى من گناهانى را كه حبس ميكند دعا را خداوندا بيامرز از براى من گناهانى را كه قطع ميكند اميد را

اللهم اغفر لي الذنوب التي تنزل البلاء اللهم اغفر لي كل ذنب اذنبته

خداوندا بيامرز از براى من گناهانى را كه نازل ميگرداند بلا را خداوندا بيامرز از براى من هر گناه كه كرده ام

وكل خطيئة اخطأتها اللهم اني اتقرب اليك بذكرك واستشفع بك

و هر خطائى كه بناداني بجا آورده ام خداوندا بدرستى كه نزديكى ميجويم بسوى تو بياد كردن تو و شفيع ميكردانم ترا بسوى

الى نفسك واسئلك بجودك ان تدنيني من قربك وان توزعني شكرك وان

بسوى تو و سؤال ميكنم از تو بسبب بخشش تو كه نزديك گردانى مرا بقرب خود و توفيق دهى مرا براى شكر خود و

تلهمني ذكرك اللهم اني اسئلك سؤال خاضع متذلل خاشع ان تسامحني

الهام نمائى مرا بذكر خود خداوندا بدرستى كه سؤال ميكنم از تو مانند سؤال كسى كه با خشوع باشد اظهار مذلت نما و با خشوع باشد تا آنكه مسامحه نمائى

وترحمني وتجعلني بقسمك راضيا قانعا وفي جميع الاحوال متواضعا

و رحم نمائى مرا و بگردانى مرا بقسمت تو كه براى من كرده خوشنود و قناعت كننده و در تمام احوال تواضع كننده

اللهم واسئلك سؤال من اشتدت فاقته وانزل بك عند الشدائد

خداوندا سؤال ميكنم از تو سؤال كسى كه سخت شده است فقر او و فرود آورده است بتو نزد سختيها

حاجته وعظم فيما عندك رغبته اللهم عظم سلطانك وعلا مكانك

حاجت خود را و بزرگ شده است در آنچه نزد تو است از ثواب خواهش او خداوندا بزرگ است پادشاهى تو و بلند است مكان و منزلت تو

وخفي مكرك وظهر امرك وغلب قهرك وجرت قدرتك ولا يمكن الفرار من

و پنهانست مكر تو و هويداست امر تو و غالب است قهر تو و جاريست قدرت تو و ممكن نيست كه بگريزد از

حكومتك اللهم لا اجد لذنوبي غافرا ولا لقبائحي ساترا ولا لشيء من عملي

حكومت تو خداوندا نمى يابم گناهان خود را آمرزنده و نه براى قبايح خود پوشنده و نه براى چيزى از عمل

القبيح بالحسن مبدلا غيرك لا اله الا انت سبحانك وبحمدك ظلمت نفسي

قبيح من بعمل نيك بدل كننده غير تو نيست خدائى بجز تو بپاكى ياد ميكنم ترا و بحمد تو مشغولم ستم كردم نفس خود را

وتجرأت بجهلي وسكنت الى قديم ذكرك لي ومنك علي اللهم يا مولاي

و دليرى كردم بنادانى خود و اعتماد كردم بر آنكه پيوسته ياد كردى مرا و انعام كردى بر من خداوندا اى آقاى من

وكرمك

ذكيل

جندك

كه

كم من قبيح سترته وكم من فادح من البلاء اقلته وكم من عثار وقيته وكم من

چه بسيار از قبيح كه پوشانيدى [illegible]

مكروه دفعته وكم من ثناء جميل لست اهلا له نشرته اللهم عظم بلائي

ناخوشى كه دفع كردى از او و چه بسيار از ثناى نيكو كه نبودم سزاوار آن پهن كردى از آن خداوندا بزرگ شده است بلاى من

وافرط بي سوء حالي وقصرت بي اعمالي وقعدت بي اغلالي وحبسني عن نفعي

و از حد گذشت بدى حال من و نارسا است از نجات من كردارهاى من و عاجز كرده است مرا غلهاى من و منع كرده است از نفع خود

بعد املي وخدعتني الدنيا بغرورها ونفسي بجنايتها ومطالي يا سيدي

آرزوهاى دور من و بازى داده است مرا دنيا بفريب خود و فريب داده است مرا نفس من بخيانت خود و بطول انداختن عمل من اى آقاى من

فاسئلك بعزتك ان لا يحجب عنك دعائي سوء عملي وفعالي ولا تفضحني بخفي

[illegible]

ما اطلعت عليه من سري ولا تعاجلني بالعقوبة على ما عملته في خلواتي

[illegible] شده بر آن از اسرار من و زود مگير مرا بعقوبت بر آنچه كرده ام در خلوتهاى خود

من سوء فعلي واسائتي ودوام تفريطي وجهالتي وكثرة شهواتي وغفلتي

از بدى كردار خود و گناه خود و دايم بودن تقصير خود و نادانى خود و بسيارى شهوتهاى خود و غفلت خود

وكن اللهم بعزتك لي في الاحوال كلها رؤفا وعلي في جميع الامور عطوفا

و باش خداوندا بعزت خود از براى من در همه احوال رحم كننده و بر من در همه امور مهربان

الهي وربي من لي غيرك اسئله كشف ضري والنظر في امري الهي ومولاي

[illegible]

اجريت علي حكما اتبعت فيه هوى نفسي ولم احترس فيه من تزيين عدوي

جارى ساختى بر من حكمى را كه پيروى كردم در آن خواهش نفس خود را و نگاه دارى نكردم خود را در آن حكم از زينت دادن دشمن

فغرني بما اهوى واسعده على ذلك القضاء فتجاوزت بما جرى علي من ذلك

پس فريب داد مرا [illegible] جارى شد بر من از قضا

بعض حدودك وخالفت بعض اوامرك فلك الحمد علي في جميع ذلك ولا

پاره از حدهاى ترا و مخالفت كردم پاره امرهاى ترا پس براى تو حمد لازم است بر من در همه اين احوال و نيست

بجنايتها

سريرتي

حجة لي فيما جرى علي فيه قضاؤك وألزمني حكمك وبلاؤك وقد أتيتك يا
إلهي بعد تقصيري وإسرافي على نفسي معتذراً نادماً منكسراً مستقيلاً مستغفراً
منيباً مقراً مذعناً معترفاً لا أجد مفراً مما كان مني ولا مفزعاً أتوجه إليه
في أمري غير قبولك عذري وإدخالك إياي في سعة من رحمتك اللهم
فاقبل عذري وارحم شدة ضري وفكني من شد وثاقي يا رب ارحم
ضعف بدني ورقة جلدي ودقة عظمي يا من بدأ خلقي وذكري وتربيتي و
بري وتغذيتي هبني لابتداء كرمك وسالف برك يا إلهي وسيدي وربي
أتراك معذبي بنارك بعد توحيدك وبعد ما انطوى عليه قلبي من
معرفتك ولهج به لساني من ذكرك واعتقده ضميري من حبك وبعد صدق
اعترافي ودعائي خاضعاً لربوبيتك هيهات أنت أكرم من أن تضيع من
ربيته أو تبعد من أدنيته أو تشرد من آويته أو تسلم إلى البلاء من
كفيته ورحمته وليت شعري يا سيدي وإلهي ومولاي أتسلط النار

على وجوه خرت لعظمتك ساجدة وعلى ألسن نطقت بتوحيدك صادقة
وبشكرك مادحة وعلى قلوب اعترفت بإلهيتك محققة وعلى ضمائر
حوت من العلم بك حتى صارت خاشعة وعلى جوارح سعت إلى أوطان
تعبدك طائعة وأشارت باستغفارك مذعنة ما هكذا الظن
بك ولا أخبرنا بفضلك عنك يا كريم يا رب وأنت تعلم ضعفي عن قليل
من بلاء الدنيا وعقوباتها وما يجري فيها من المكاره على أهلها على أن
ذلك بلاء ومكروه قليل مكثه يسير بقاؤه قصير مدته فكيف احتمالي
لبلاء الآخرة وجليل وقوع المكاره فيها وهو بلاء تطول مدته ويدوم
مقامه ولا يخفف عن أهله لأنه لا يكون إلا عن غضبك وانتقامك
وسخطك وهذا ما لا تقوم له السماوات والأرض يا سيدي فكيف بي
وأنا عبدك الضعيف الذليل الحقير المسكين المستكين يا إلهي وربي و
سيدي ومولاي لأي الأمور إليك أشكو ولما منها أضج وأبكي لأليم

الْعَذابِ وَشِدَّتِهِ اَوْ لِطُولِ الْبَلاءِ وَمُدَّتِهِ فَلَئِنْ صَيَّرْتَني فِي الْعُقُوباتِ مَعَ
عذاب دردناک وسختی آن یا برای درازی بلا ومدت آن پس اگر بگردانی مرا در عقوبتها با
اَعْدائِكَ وَجَمَعْتَ بَيْني وَبَيْنَ اَهْلِ بَلائِكَ وَفَرَّقْتَ بَيْني وَبَيْنَ اَحِبّائِكَ وَ
دشمنان خود وجمع کنی میان من ومیان اهل بلای خود وجدایی افکنی میان من ومیان دوستان تو و
اَوْلِيائِكَ فَهَبْني يا اِلهي وَسَيِّدي وَمَوْلايَ وَرَبّي صَبَرْتُ عَلى عَذابِكَ فَكَيْفَ
واولیای تو پس گرفتم ای خدای من وآقای من ومولای من وپروردگار من که صبر کردم بر عذاب تو پس چگونه
عَلى فِراقِكَ وَهَبْني صَبَرْتُ عَلى حَرِّ نارِكَ فَكَيْفَ اَصْبِرُ عَلَى النَّظَرِ اِلى كَرامَتِكَ اَمْ
بر جدایی تو وگرفتم که صبر کردم بر گرمی آتش تو پس چگونه صبر کنم بر محرومی نظر بسوی کرامت تو یا
كَيْفَ اَسْكُنُ فِي النّارِ وَرَجائي عَفْوُكَ فَبِعِزَّتِكَ يا سَيِّدي وَمَوْلايَ اُقْسِمُ صادِقاً
چگونه ساکن شوم در آتش وحال آنکه امید من آن بود که عفو کنی از من پس بعزت تو ای آقای من وصاحب اختیار من قسم میخورم براستی
لَئِنْ تَرَكْتَني ناطِقاً لَاَضِجَّنَّ اِلَيْكَ بَيْنَ اَهْلِها ضَجيجَ الْآمِلينَ وَلَاَصْرُخَنَّ اِلَيْكَ صُراخَ
که اگر واگذاری سخن گو هر اینه خروش بر آورم بسوی تو میان اهل جهنم خروش امیدواران وناله کنم بسوی تو ناله
الْمُسْتَصْرِخينَ وَلَاَبْكِيَنَّ عَلَيْكَ بُكاءَ الْفاقِدينَ وَلَاُنادِيَنَّكَ اَيْنَ كُنْتَ يا
استغاثه کنندگان وبگریم بر محرومی از رحمت تو گریستن آنکه دوست خود را گم کرده باشد والبته فریاد برآورم وندا کنم تو را که کجایی ای
وَلِيَّ الْمُؤْمِنينَ يا غايَةَ آمالِ الْعارِفينَ يا غِياثَ الْمُسْتَغيثينَ يا حَبيبَ قُلُوبِ
دوست مؤمنان ای نهایت آرزوهای عارفان ای فریادرس یاری جویان ای دوست دلهای
الصّادِقينَ وَيا اِلهَ الْعالَمينَ اَفَتُراكَ سُبْحانَكَ يا اِلهي وَبِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فيها
راست گویان وای خداوند عالمیان آیا پس میشوی تو منزه میکنم تو را ای خدای من وبحمد تو مشغولم که بشنوی در جهنم
صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِنَ فيها بِمُخالَفَتِهِ وَذاقَ طَعْمَ عَذابِها بِمَعْصِيَتِهِ
صدای بنده مسلمانی که در زندان کرده باشند او را بسبب مخالفت او وچشیده باشد مزه عذاب آن را بنافرمانی او
وَحُبِسَ بَيْنَ اَطْباقِها بِجُرْمِهِ وَجَريرَتِهِ وَهُوَ يَضِجُّ اِلَيْكَ ضَجيجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ
وبند کرده باشند او را در میان طبقات جهنم بجرم او وجنایت او واو خروش کند بسوی تو خروش کسی که امیدوار رحمت تو باشد
وَيُناديكَ بِلِسانِ اَهْلِ تَوْحيدِكَ وَيَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ يا مَوْلايَ
وندا کند تو را بزبان یگانه پرستان وتوسل جوید بسوی تو بپروردگاری تو ای آقای من

اصبر ح صبر کنم

انتَ

فَكَيْفَ يَبْقى فِي الْعَذابِ وَهُوَ يَرْجُو ما سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ وَرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ
پس چگونه باقی ماند در عذاب وحال آنکه او امید دارد آنچه را پیش فرستاده است از بردباری تو ومهربانی تو ورحمت تو
اَمْ كَيْفَ تُؤْلِمُهُ النّارُ وَهُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ اَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهيبُها
یا چگونه بدرد آورد او را آتش جهنم وحال آنکه او امید دارد فضل تو را ورحمت تو را یا چگونه بسوزد او را زبانه آتش
وَاَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرى مَكانَهُ اَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفيرُها وَاَنْتَ تَعْلَمُ
وتو شنوی صدای او را وبینی مکان او را یا چگونه مشتمل شود بر او زبانهای صاحب صدای او وتو دانی
ضَعْفَهُ اَمْ كَيْفَ يَتَقَلْقَلُ بَيْنَ اَطْباقِها وَاَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ اَمْ كَيْفَ
ناتوانی او را یا چگونه مضطرب باشد میان طبقات جهنم وتو دانی راست گویی او را یا چگونه
تَزْجُرُهُ زَبانِيَتُها وَهُوَ يُناديكَ يا رَبَّهُ اَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْها
زجر نمایند او را زبانیه جهنم واو ندا کند تو را که ای پروردگار من یا چگونه امید دارد فضل تو را در آزاد کردن او از آتش جهنم
فَتَتْرُكُهُ فيها هَيْهاتَ ما ذلِكَ الظَّنُّ بِكَ وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ وَلا مُشْبِهٌ
پس واگذاری او را در آن دور است این حال چنین نیست گمان بتو ونشناخته شده است از فضل تو ونه شبیه است
لِما عامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدينَ مِنْ بِرِّكَ وَاِحْسانِكَ فَبِالْيَقينِ اَقْطَعُ لَوْلا ما حَكَمْتَ
با آنچه معامله کرده با آن با یگانه پرستان از نیکی تو واحسان تو پس بیقین قطع دارم که اگر نبود که حکم کرده
بِهِ مِنْ تَعْذيبِ جاحِديكَ وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ اِخْلادِ مُعانِديكَ لَجَعَلْتَ النّارَ كُلَّها
که عذاب کنی منکران خدایی خود را وحکم کرده که همیشه در جهنم بداری معاندان خود را هر اینه میگردانیدی آتش را همه
بَرْداً وَسَلاماً وَما كانَتْ لِاَحَدٍ فيها مَقَرّاً وَلا مُقاماً لكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ اَسْماؤُكَ
سرد وسلامت ونبود احدی را در آن محل قرار ونه جای مقام ولیکن تو که مقدس است نامهای تو
اَقْسَمْتَ اَنْ تَمْلَاَها مِنَ الْكافِرينَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنّاسِ اَجْمَعينَ وَاَنْ تُخَلِّدَ فيهَا الْمُعانِدينَ
قسم یاد کرده که پر کنی جهنم را از کافران از جنیان ومردمان همه واینکه همیشه بداری در جهنم معاندان را
وَاَنْتَ جَلَّ ثَناؤُكَ قُلْتَ مُبْتَدِئاً وَتَطَوَّلْتَ بِالْاِنْعامِ مُتَكَرِّماً اَفَمَنْ كانَ مُؤْمِناً
وتو بزرگ است ستایش تو گفته ابتدا کرده وبخشش کرده نعمت دادن کرم کننده بالذکر آیا کسی که باشد مؤمن
كَمَنْ كانَ فاسِقاً لا يَسْتَوُونَ اِلهي وَسَيِّدي فَاَسْئَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتي قَدَّرْتَها
مانند کسی است که بوده مانند فاسق مساوی نیستند ای خدای من وآقای من پس سؤال میکنم از تو بقدرتی که مقدر کرده

وبالقضية التي حتمتها وحكمتها وغلبت من عليه اجريتها ان تهب لي

و حکمی که حتم کرده آنرا و حکم کرده آنرا و غالب شده بر کسی که آن حکم را بالای او جاری کرده اینکه بخشی بمن

في هذه الليلة وفي هذه الساعة كل جرم اجرمته وكل ذنب اذنبته

در این شب و در این ساعت هر جرمی که کسب کرده ام و هر گناهی که مرتکب آن شده ام

وكل قبيح اسررته وكل جهل عملته كتمته او اعلنته اخفيته او اظهرته

و هر کار بدی که پنهان کرده ام و هر نادانی که بعمل آورده ام خواه پنهان کرده باشم آنرا خواه آشکار پوشیده کرده ام آنرا خواه هویدا

وكل سيئة امرت باثباتها الكرام الكاتبين الذين وكلتهم بحفظ ما

و هر بدی که امر کرده بنوشتن آنها بزرگواران نویسندگان را که موکل کردانیده آنها را که حفظ کنند آنچه

يكون مني وجعلتهم شهودا علي مع جوارحي وكنت انت الرقيب علي من

صادر شود از من و کردانیده آنها را گواهان بر من با اعضای بدن من که بر گواهی خواهند بود بودی تو مطلع بر من

ورائهم والشاهد لما خفي عنهم وبرحمتك اخفيته وبفضلك سترته وان

بعد از ایشان و گواه بر آنچه پنهان است از ایشان و برحمت خود پنهان کردی آنرا و بفضل خود پوشانیدی آنرا و اینکه

توفر حظي من كل خير تنزله او احسان تفضله او بر تنشره او رزق تبسطه او

فراوان کردانیدی بهره مرا از هر نیکی که فرو فرستادی آنرا یا نیکی که تفضل نمائی با او یا خوبی که پهن کنی آنرا یا روزی که گشاده کنی آنرا یا

ذنب تغفره او خطا تستره يا رب يا رب يا رب يا الهي وسيدي ومولاي

گناهی که بیامرزی آنرا یا خطائی که بپوشانی آنرا ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من ای خدای من و آقای من و صاحب اختیار من

ومالك رقي يا من بيده ناصيتي يا عليما بضري ومسكنتي يا خبيرا بفقري و

و مالک بندگی من ای آنکه بدست اوست موی پیشانی من ای دانا ببدحالی من و بیچارگی من ای مطلع بر فقر من و

فاقتي يا رب يا رب يا رب اسئلك بحقك وقدسك واعظم صفاتك

احتیاج من ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من سؤال میکنم از تو بحق تو و پاکی تو و بزرگترین صفات تو

واسمائك ان تجعل اوقاتي في الليل والنهار بذكرك معمورة وبخدمتك

و نامهای تو اینکه بگردانی اوقات مرا در شب و روز بیاد خود آباد و بخدمت تو

موصولة واعمالي عندك مقبولة حتى تكون اعمالي واورادي كلها وردا

پیوند شده و اعمال مرا نزد خود پسندیده تا آنکه بوده باشد کارهای من و وردهای من همه یک ورد

واحدا

(margin: بعطفك — من)

واحدا وحالي في خدمتك سرمدا يا سيدي يا من عليه معولي يا من اليه شكوت

و حال من در خدمت تو پیوسته و بینهایت ای آقای من ای آنکه بر اوست اعتماد من ای آنکه بسوی اوست شکایت

احوالي يا رب يا رب يا رب قو على خدمتك جوارحي واشدد على العزيمة

احوال من ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من توانا گردان بر خدمت خود اعضای مرا و سخت کن بر عزم نیکی

جوانحي وهب لي الجد في خشيتك والدوام في الاتصال بخدمتك حتى

دل مرا و ببخش مرا جد در ترس تو و مداومت در متصل بودن در خدمت تو تا آنکه

اسرح اليك في ميادين السابقين واسرع اليك في البادرين واشتاق الى

روان شوم بسوی تو در میدانهای پیشی روان و تند روم بسوی تو در پیشی گیرندگان و مشتاق گردم بسوی

قربك في المشتاقين وادنو منك دنو المخلصين واخافك مخافة الموقنين و

قرب تو در مشتاقان و نزدیک شوم بتو نزدیک شدن مخلصان و بترسم از تو ترسیدن صاحبان یقین و

اجتمع في جوارك مع المؤمنين اللهم ومن ارادني بسوء فارده ومن كادني

گرد آیم در همسایگی تو با مؤمنان خداوندا و هر که اراده کند مرا ببدی پس اراده کن او را ببدی و هر که مکر کند با من

فكده واجعلني من احسن عبادك نصيبا عندك واقربهم منزلة منك و

پس تو بگردان مکر او را و بگردان مرا از نیکوترین بندگان تو در بهره نزد تو و نزدیکترین ایشان در منزلت نسبت بتو و

اخصهم زلفة لديك فانه لا ينال ذلك الا بفضلك وجد لي بجودك واعطف

مخصوص ترین ایشان در قرب نزدیکی تو زیرا که نمیتوان رسید باین مرتبه مگر بفضل تو و بخشش کن برای من بجود خود و مهربانی کن

علي بمجدك واحفظني برحمتك واجعل لساني بذكرك لهجا وقلبي بحبك متيما

بر من بزرگواری خود و نگاه دار مرا برحمت خود و بگردان زبان مرا بیاد خود گویا و دل مرا بدوستی خود بیتاب

ومن علي بحسن اجابتك واقلني عثرتي واغفر زلتي فانك قضيت على عبادك

و منت نه بر من بنیکی اجابت خود و در گذر از لغزش من و بیامرز گناه مرا پس بدرستی که تو حکم کرده بر بندگان خود

بعبادتك وامرتهم بدعائك وضمنت لهم الاجابة فاليك يا رب نصبت

به بندگی خود و امر کرده ایشان را بدعای خود و ضامن شده از برای ایشان مستجاب کردن پس بسوی تو ای پروردگار من بر افراشته ام

وجهي واليك يا رب مددت يدي فبعزتك استجب لي دعائي وبلغني مناي

روی خود را و بسوی تو ای پروردگار من کشیده ام دست خود را پس بعزت تو سوگند میدهم که مستجاب کنی برای من دعای مرا و برسان مرا بآرزوهای من

(margin: ميادين — عبيدك — الى)

وَلا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجائِی وَاكْفِنِی شَرَّ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ مِنْ اَعْدائِی یا سَرِیعَ الرِّضا

و قطع مکن از فضل خود امیدرا و دفع کن از من بدی جنیان و ادمیان را که دشمن باشند ای زود خوشنود شونده

اِغْفِرْ لِمَنْ لا یَمْلِكُ اِلَّا الدُّعاءَ فَاِنَّكَ فَعّالٌ لِما تَشاءُ یا مَنِ اسْمُهُ دَواءٌ وَذِكْرُهُ

بیامرز کسی را که اختیار ندارد بجز دعا بدرستی که تو کننده آنچه را خواهی ای انکه نام او دوای دردهاست و یاد او

شِفاءٌ وَطاعَتُهُ غِنًی اِرْحَمْ مَنْ رَاْسُ مالِهِ الرَّجاءُ وَسِلاحُهُ الْبُكاءُ یا سابِغَ

شفای بیماریها و فرمان برداری او توانگریست رحم کن کسی را که سرمایه اش امید است و حربه اش گریه است ای صاحب نعمت

النِّعَمِ یا دافِعَ النِّقَمِ یا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِینَ فِی الظُّلَمِ یا عالِماً لا یُعَلَّمُ صَلِّ عَلی

کامل ای دفع کننده بلاها ای روشنایی وحشت یافتگان در تاریکیها ای دانایی که نیاموخته از کسی درود فرست

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِی ما اَنْتَ اَهْلُهُ وَصَلَّی اللّهُ عَلی رَسُولِهِ وَالْاَئِمَّةِ

محمد و آل محمد و بکن بمن آنچه را تو سزاوار آن و درود فرستاد خدا بر رسول او و پیشوایان

الْمَیامِینِ مِنْ آلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِیماً **فصل پنجم** در اعمال بقیه ماهست از حضرت امام

صاحب میمنت از آل او شد و سلام فرستاد فراوان رضا علیه السلام منقولست که هر که سه روز از اخر ماه

شعبان را روزه بدارد و بماه مبارک رمضان وصل کند حق تعالی ثواب روزه دو ماه

متوالی برای او بنویسد و ابو الصلت هروی روایت کرده است که در جمعه اخر ماه شعبان

بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام رفتم حضرت فرمود که ای ابو الصلت اکثر ماه شعبان رفت

و این جمعه اخر انست پس تدارک و تلافی کن در انچه از اینماه مانده است تقصیرها را که در ایام

گذشته اینماه کرده و بر تو باد که رو آوری بر انچه نافعست برای تو در اخرت و دعا و استغفار

بسیار بکن و تلاوت قران مجید بسیار بکن و توبه کن بسوی حق تعالی از گناهان خود تا انکه چون

ماه مبارک در آید خالص گردانیده باشی خود را از برای خدا و مگذار در گردن خود امانت و حق

کسی را مگر انکه ادا کنی و مگذار در دل خود کینه کسی را مگر انکه بیرون کنی و مگذار گناهی را که میکرده

مگر انکه ترک کنی و از خدا بترس و توکل کن بر خدا در پنهان و اشکار امور خود و هر که بر خدا توکل کند

و هر که بر خدا توکل کند خدا بست او را و بسیار بخوان در بقیه اینماه این دعا را

اللّهُمَّ اِنْ لَمْ تَكُنْ غَفَرْتَ لَنا فِیما مَضی مِنْ شَعْبانَ فَاغْفِرْ لَنا فِیما بَقِیَ مِنْهُ

خدایا بدرستی که اگر بودی تو نیامرزیده از برای ما در انچه گذشت از ماه شعبان پس بیامرز از برای ما در انچه باقی مانده است از ان

بدرستی

بدرستی که حق تعالی در اینماه ازاد میگرداند بندهای بسیار را از اتش جهنم برای حرمت ماه مبارک رمضان

و ببند بسیار منقولست که حضرت صادق علیه السلام در شب اخر ماه شعبان و شب اول ماه رمضان

این دعا اللّهُمَّ اِنَّ هذَا الشَّهْرَ الْمُبارَكَ اَنْزَلْتَ فِیهِ الْقُرْآنَ وَجَعَلْتَهُ هُدًی لِلنّاسِ

میخواندند خداوندا بدرستی که این ماه مبارکیست که فرو فرستاده در ان قران را و گردانیده انرا هدایت کننده از برای ادمیان

وَبَیِّناتٍ مِنَ الْهُدی وَالْفُرْقانِ قَدْ حَضَرَ فَسَلِّمْنا فِیهِ وَسَلِّمْهُ لَنا وَتَسَلَّمْهُ مِنّا فِی یُسْرٍ

و شاهد از هدایت و فرق کردن بتحقیق که حاضر شد پس سالم دار ما را در ان و سالم کن انرا از برای ما و سالم دار انرا از ما در اسانی

مِنْكَ وَعافِیَةٍ یا مَنْ اَخَذَ الْقَلِیلَ وَشَكَرَ الْكَثِیرَ اِقْبَلْ مِنِّی الْیَسِیرَ اللّهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ

از تو و عافیت ای انکه گرفته است اندک را و شکر کرده است بسیار را قبول کن از من اندک را خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو

اَنْ تَجْعَلَ لِی اِلی كُلِّ خَیْرٍ سَبِیلاً وَمِنْ كُلِّ ما لا تُحِبُّ مانِعاً یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ یا مَنْ عَفی

انکه گردانی از برای من بسوی هر خیر راهی و از هر انچه دوست نمیداری مانع ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای انکه عفو کرده است

عَنِّی وَعَمّا خَلَوْتُ بِهِ مِنَ السَّیِّئاتِ یا مَنْ لَمْ یُؤاخِذْنِی بِارْتِكابِ الْمَعاصِی عَفْوَكَ

از من و از انچه خلوت کرده ام بان از گناهان ای انکه مواخذه نمیکند مرا بسبب مرتکب شدن گناهان طلب میکنم عفو ترا

عَفْوَكَ عَفْوَكَ یا كَرِیمُ اِلهِی وَعَظْتَنِی فَلَمْ اَتَّعِظْ وَزَجَرْتَنِی عَنْ مَحارِمِكَ فَلَمْ اَنْزَجِرْ

عفو ترا عفو ترا ای کریم ای الهی پند دادی مرا پس پند نگرفتم و باز داشتی مرا از حرامهای خود پس باز نایستادم

فَما عُذْرِی فَاعْفُ عَنِّی یا كَرِیمُ عَفْوَكَ عَفْوَكَ اللّهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ الرّاحَةَ عِنْدَ

پس چیست عذر من پس در گذر از من ای کریم عفو ترا میخواهم عفو ترا میخواهم خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو راحت در نزد

الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسابِ عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلْیَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ

مردن و بخشیدن نزد حساب بزرگست گناه از بنده تو پس خوب کن بخشیدن از

عِنْدِكَ یا اَهْلَ التَّقْوی وَیا اَهْلَ الْمَغْفِرَةِ عَفْوَكَ عَفْوَكَ اللّهُمَّ اِنِّی

نزد تو ای سزاوار پرهیزکاری و ای اهل صاحب امرزش عفو ترا میخواهم عفو ترا میخواهم خداوندا بدرستی که من

عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ اَمَتِكَ ضَعِیفٌ فَقِیرٌ اِلی رَحْمَتِكَ وَاَنْتَ مُنْزِلُ الْغِنی وَ

بنده توام پسر بنده تو پسر کنیز تو ناتوان محتاج بسوی رحمت تو و تو فرو فرستاننده توانگری و

الْبَرَكَةِ عَلَی الْعِبادِ قاهِرٌ مُقْتَدِرٌ اَحْصَیْتَ اَعْمالَهُمْ وَقَسَمْتَ اَرْزاقَهُمْ

برکت بر بندگان غلبه کننده اقتدار دارنده شمرده اعمال ایشانرا و قسمت کرده روزیهای ایشان

وجعلتهم مختلفةً ألسنتهم وألوانهم خلقاً من بعد خلقٍ لا يعلم العباد علمك ولا
کردی ایشان را مختلف در زبانهای ایشان ورنگهای ایشان خلقی بعد از خلقی نمیدانند بندگان علم ترا و
يقدر العباد قدرتك وكلّنا فقراء الى رحمتك فلا تصرف عنّي وجهك و
نتوانند بندگان قدرت ترا وهمه ما محتاجیم بسوی رحمت تو پس مگردان از ما روی خود را و
اجعلني من صالح خلقك في العمل والأمل والقضاء والقدر الهي ابقني
بگردان ما را از صالحان خلق خود در کردار وآرزو وقضا و قدر ای الهی باقی دار مرا
خير البقاء وافنني خير الفناء على موالاة اوليائك ومعاداة اعدائك والرغبة
بهترین بقا وبمیران مرا بهترین مردن بر پیروی دوستان تو ودشمنی با دشمنان تو ورغبت
اليك والرهبة منك والخشوع والوفاء والتسليم لك والتصديق
بسوی تو وترس از تو وفروتنی و وفا وتسلیم از برای تو وتصدیق
بكتابك واتباع سنّة رسولك اللهمّ ما كان في قلبي من شكٍّ او ريبةٍ او
بکتاب تو وپیروی طریقه رسول تو خداوندا آنچه بود در دل من از شک یا گمان بد یا
جحودٍ او قنوطٍ او فرحٍ او بذخٍ او بطرٍ او خيلاءٍ او رياءٍ او سمعةٍ او
انکار یا ناامیدی یا شادی یا تکبر یا طرب یا تکبر بسیار یا ریا یا سمعه یعنی بلند کردن آواز یا
شقاقٍ او نفاقٍ او كفرٍ او فسوقٍ او عصيانٍ او عظمةٍ او شيءٍ لا تحبّ
نافرمانی یا نفاق یا کفر یا فسق یا نافرمانی یا بزرگی یا چیزی که دوست نداری تو
فاسئلك يا ربّ ان تبدلني مكانه ايماناً بوعدك ووفاءً بعهدك و
پس سؤال میکنم ترا ای پروردگار من آنکه بدل کنی مرا بجای آن ایمان آوردن بوعده تو ووفا کردن بعهد تو و
رضاً بقضائك وزهداً في الدنيا ورغبةً فيما عندك واثرةً وطمانينةً
راضی بودن بقضای تو وبی‌رغبتی در دنیا ورغبت در آنچه نزد تو است وبرانگیختن وآرام
وتوبةً نصوحاً اسئلك ذلك يا ربّ العالمين الهي انت من حلمك تعصى
وتوبه نصوح سؤال میکنم از تو اینها را ای پروردگار عالمیان ای خدای من تو از بردباری تو عصیان کرده شده
فكانّك لم تر ومن كرمك وجودك تطاع فكانّك لم تعص وانا ومن لم يعصك
پس گویا که تو نمی‌بینی واز کرم خود وبخشش خود فرمان برده شده پس گویا که تو عصیان کرده نشده ومن وکسی که عصیان تو نکند

سكان

سكّان ارضك فكن علينا بالفضل جواداً وبالخير عوّاداً يا ارحم الرّاحمين وصلّى الله
ساکنان زمین تواییم پس باش بر ما بفضل خود بخشاینده وبنیکی عادت کننده ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ودرود فرستاد خدا
على محمّدٍ وآله صلوةً دائمةً لا تحصى ولا تعدّ ولا يقدر قدرها غيرك يا ارحم
بر محمد وآل او درود همیشگی که احصا کرده نشود وشمرده نشود وتقدیر نمیکند قدر آن را غیر تو ای رحم کننده‌ترین
الرّاحمين واما نمازهای مخصوص شبها که باسانید معتبره وارد نشده وعلما ذکر کرده اند
رحم کنندگان شب اوّل صد رکعت با حمد وتوحید یکمرتبه وبعد از فارغ شدن هفتاد
مرتبه سورهٔ حمد دوّیم پنجاه رکعت با حمد وتوحید ومعوّذتین هر یک یکمرتبه سیّم دو رکعت در
هر رکعت بعد از حمد بیست وپنجمرتبه توحید چهارم چهل رکعت در هر رکعت حمد وبیست وپنجمرتبه
توحید پنجم دو رکعت در هر رکعت حمد وپانصد مرتبه توحید وبعد از آن هفتاد مرتبه
صلوات بر محمّد وآل محمّد ششم چهار رکعت در هر رکعت حمد وده مرتبه توحید هفتم دو رکعت
در هر رکعت حمد وصد مرتبه توحید هشتم دو رکعت در رکعت اوّل حمد وآیهٔ امن الرسول تا آخر
سوره وپانزده مرتبه سورهٔ توحید ودر دوّیم حمد وآیهٔ قل انّما انا بشر مثلکم وپانزده مرتبه توحید
نهم چهار رکعت در هر رکعت حمد وده مرتبه اذا جاء نصر الله دهم چهار رکعت در هر رکعت
حمد وآیة الکرسی یکمرتبه وسورهٔ انّا اعطیناک الکوثر سه مرتبه یازدهم هشت رکعت
در هر رکعت حمد وده مرتبه قل یا ایّها الکافرون دوازدهم دوازده رکعت در هر رکعت حمد وده مرتبه
سورهٔ الهیکم التّکاثر سیزدهم دو رکعت در هر رکعت حمد ویکمرتبه سورهٔ والتّین چهاردهم چهار
رکعت در هر رکعت حمد وپنجمرتبه سورهٔ والعصر پانزدهم چهار رکعت در میان نماز شام وخفتن
ودر هر رکعت حمد وده مرتبه توحید وبعد از نماز ده مرتبه یا ربّ اغفر لنا وده مرتبه
یا ربّ ارحمنا وده مرتبه یا ربّ تب علینا وبیست ویکمرتبه توحید وده مرتبه سبحان الله
الّذی یحیی الموتی ویمیت الاحیاء وهو علی کلّ شیءٍ قدیر شانزدهم دو رکعت در هر رکعت
حمد ویکمرتبه آیة الکرسی وپانزده مرتبه توحید هفدهم دو رکعت در هر رکعت حمد وهفتاد و
یکمرتبه توحید وبعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار هیجدهم ده رکعت در هر رکعت حمد و
پنجمرتبه توحید نوزدهم دو رکعت در هر رکعت حمد وپنجمرتبه آیهٔ قل اللهمّ مالک الملک بیستم
چهار رکعت در هر رکعت حمد وپانزده مرتبه سورهٔ اذا جاء نصر الله بیست ویکم هشت رکعت در هر

رکعت حمد ویکمرتبه توحید ومعوّذتین **بیت ودویم** دو رکعت درهر رکعت حمد ویکمرتبه قل یا ایها
الکافرون وپانزده مرتبه توحید **بیت وسیم** سی رکعت درهر رکعت حمد ویکمرتبه سورهٔ اذا زلزلت
بیت وچهارم دو رکعت درهر رکعت حمد ویکمرتبه سورهٔ اذا جاء نصر الله **بیت وپنجم** ده رکعت درهر رکعت
حمد ویکمرتبه الهیکم التکاثر **بیت وششم** دو رکعت درهر رکعت حمد وده مرتبه آیهٔ امن الرسول **بیت
وهفتم** دو رکعت درهر رکعت حمد وده مرتبه سورهٔ سبح اسم ربك الاعلی **بیت وهشتم** چهار رکعت
درهر رکعت حمد ویکمرتبه توحید ومعوّذتین **بیت ونهم** ده رکعت درهر رکعت حمد یکمرتبه وهریك
از الهیکم التکاثر وتوحید ومعوّذتین ده مرتبه **سی ام** دو رکعت درهر رکعت حمد وده مرتبه سورهٔ
سبح اسم ربك الاعلی وبعد از سلام صد مرتبه اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ **باب سیم**
در بیان مجملی از فضایل واعمال ماه مبارك رمضان است ودران هشت فصلست **فصل اول**
در بیان فضیلت اینماه مبارکست باید دانست که ماه رمضان ماه خدا وبدعا [illegible] ترین
ماههاست چنانچه بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده اند که حضرت رسول صلی الله
علیه واله در اخر ماه شعبان خطبه خواندند وفرمودند ایها الناس بدرستی که رو کرده است بسوی
شما ماه خدا با برکت ورحمت وامرزش ماهیست که نزد خدا بهترین ماههاست وروزهایش بهترین
روزهاست وشبهایش بهترین شبهاست وساعتهای ان بهترین ساعتهاست ان ماهیست
که خوانده اند شمارا دران بسوی ضیافت خدا وگردیده اید دران از اهل کرامت خدا نفسهای شما
دران ثواب تسبیح دارد وخواب شما ثواب عبادت دارد وعملهای شما دران مقبولست ودعاهای
شما دران مستجابست پس سؤال کنید از پروردگار خود بنیتهای درست ودلهای پاکیزه از
گناهان وصفات ذمیمه که توفیق دهد شمارا برای روزه داشتن ان وتلاوت کردن قران دران
بدرستی که شقی وبدعاقبت کسیست که محروم گردد از امرزش خدا دراینماه عظیم ویاد کنید شما دراینماه
گرسنگی وتشنگی روز قیامت را وتصدق کنید بر فقیران ومسکینان خود وتعظیم نمائید پیران
خود را ورحم کنید کودکان خود را ونوازش نمائید خویشان خود را ونگاه دارید زبانهای خود را از
انچه نباید گفت وبپوشید دیدهای خود را از انچه حلال نیست شمارا نظر کردن بسوی ان وبازدارید
گوشهای خود را از انچه حلال نیست شمارا شنیدن ان ومهربانی کنید با یتیمان مردم تا مهربانی کنند
بعد از شما با یتیمان شما وبازگشت کنید بسوی خدا از گناهان خود وبلند کنید بسوی خدا دستهای

در بیان مجملی از فضایل واعمال ماه مبارك رمضان است

خود را بدعا در اوقات نمازها زیرا که وقت نمازها بهترین ساعتهاست نظر میکند حق تعالی دراین
اوقات برحمت بسوی بندگان خود وجواب میگوید ایشانرا هرگاه اورا مناجات کنند ولبیك میگوید
ایشانرا هرگاه اورا ندا کنند ومستجاب میگرداند هرگاه اورا دعا کنند ای گروه مردمان بدرستی
که جانهای شما در گرو کردهای شماست پس از گرو بدرآورید بطلب امرزش از خدا وپشتهای شما
گرانبار است از گناهان شما پس سبك گردانید انهارا بطول دادن سجدها وبدانید که حق تعالی سوگند
یاد کرده است بعزت خود که عذاب نکند نمازگذارندگان وسجده کنندگانرا ونترساند ایشانرا باتش
جهنم در روز قیامت ایها الناس هرکه از شما افطار نماید روزه دار مؤمنی را دراینماه از برای او
خواهد بود نزد خدا ثواب بنده ازاد کردن وامرزش گناهان گذشته پس بعضی از اصحاب گفتند یا رسول الله
همهٔ ما قدرت براین نداریم حضرت فرمود که بپرهیزید از اتش جهنم بافطار فرمودن روزه داران
اگرچه بنصف دانهٔ خرما باشد اگرچه بیك شربت اب باشد بدرستی که خدا این ثواب را میدهد کسی را
که چنین کند اگر قادر بر زیاده از این نباشد ایها الناس هرکه خلق خود را دراینماه نیکو گرداند
بر صراط بگذرد در روزی که قدمها بران لغزد وهرکه سبك گرداند دراینماه خدمت غلام وکنیز
خود را حق تعالی در قیامت حساب اورا اسان گرداند وهرکه دراینماه شر خود را از مردم بازدارد
حق تعالی غضب خود را در قیامت از او بازدارد وهرکه دراینماه یتیم بی پدری را گرامی دارد خدا
اورا در قیامت گرامی دارد وهرکه دراینماه صله واحسان کند با خویشان خود خدا وصل کند
اورا برحمت خود در قیامت وهرکه دراینماه قطع کند احسان خود را از خویشان خود خدا تعالی
قطع رحمت خود از او بکند وهرکه نماز سنتی دراینماه بکند حق تعالی برای او برات بیزاری از اتش
جهنم بنویسد وهرکه دراینماه نماز واجبی را ادا کند خدا عطا کند باو ثواب هفتاد نماز واجب
که در ماههای دیگر کرده شود وهرکه دراینماه بسیار صلوات فرستد بر من وبر ال من خدا سنگین
گرداند ترازوی عمل اورا در روزی که ترازوهای اعمال سبك باشد وکسی که یك ایه از قران دراینماه
بخواند ثواب کسی داشته باشد که در ماههای دیگر ختم قران کرده باشد ایها الناس بدرستی که درهای
بهشت دراینماه گشاده است پس سؤال کنید از پروردگار خود که بر روی شما نبندد ودرهای
جهنم دراینماه بسته است از خدا سؤال کنید که بر روی شما نگشاید وشیاطین را دراینماه غل
میکنند پس سؤال کنید از خدا که هرگز بر شما مسلط نگرداند وایضا از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

منقولست که در ماه رمضان خطبه خواندند و فرمودند ایها الناس اینماهیست که خدا از برسایر ماهها
فضیلت و زیادتی داده است مانند فضیلت ما اهل بیت بر سایر مردم و در اینماه کشوده میشود
درهای اسمان و درهای بهشت و درهای رحمت و بسته میشود درهای جهنم و در اینماه شنیده
میشود نداهای مؤمنان و مستجاب میگردد دعاهای ایشان و رحم میکند گریهای ایشانرا
و در اینماه شبی هست که در انشب ملائکه از اسمان بزمین میایند و سلام میکنند بر مردان
و زنان روزه دار برحمت پروردکار خود تا طلوع صبح و انشب قدر است که حق تعالی مقدر کرده است
در انشب ولایت و امامت مرا پیش از انکه ادم علیه السلام را خلق کند بدو هزار سال عبادت انشب
بهتر است از عبادت هزار ماه و روزهٔ روزش بهتر است از روزهٔ هزار ماه ایها الناس بدرستی
که انتابهای ماه رمضان و ماهتابهای ان طالع میشوند بر مردان و زنان روزه دار بارحمت و اینماه
شما مانند ماه های دیگر نیست روزهایش بهترین روزهاست و شبهایش بهترین شبهاست
و دیوان و شیطان درین ماه غل کرده و در زنداناند و زیاد میکند حق تعالی در اینماه روزیها
و عمرها را و مینویسد و مقدر میگرداند در اینماه حاجیان بیت الله را و در اینماه حق تعالی رو
میکند بسوی اهل ایمان بامرزش و فیروزی و رحمت و روزی و خوشنودی خداوند جزادهنده
ای روزه دار پس تدبیر کار خود بکن بدرستی که در این ماه مهمان پروردکار خودی نظر کن و تامل
نما که چکونه خواهی بود در شب خود و در روز خود و چکونه نکاه میداری اعضا و جوارح خود را از
معصیتهای پروردکار خود پس نظر کن که شبها در خواب نباشی و روزها غافل از یاد خدا نباشی
پس بیرون رود ماه و کناهان تو بر تو باقی مانده باشد پس در هنکامی که روزه داران مزد خود را میکیرند
تو از جملهٔ زیانکاران باشی و در وقتی که بکرامات اقای خود فایز کردند از جملهٔ محرومان باشی و در
روزی که سعادتمند کردند بمجاورت دوستان پروردکار خود تو از رانده شدها باشی ای روزه
دار اکر ترا اقای خود از درکاه خود بر کرداند بکدام درکاه رو خواهی آورد و اکر محروم کرداند ترا پروردکار تو
کی روزی خواهد داد ترا و اکر او ترا خوار کند کی ترا کرامی خواهد داشت و اکر او ترا ذلیل کرداند
کی ترا عزیز خواهد کرد و اکر او ترا واکذارد که ترا یاری خواهد کرد و اکر او ترا از بندکان خود
قبول نکند بندکی کدام خداوند را اختیار خواهی کرد و اکر او لغزشها و کناهان ترا نیامرزد امید
بکه خواهی داشت برای امرزش کناهان خود و اکر حق خود را که بر تو واجب کردانیده از تو طلب نماید

چه جواب در برابر خواهی کفت ای روزه دار تقرب بجوی بسوی خدا بتلاوت کردن کتاب خدا در شبها و
روزهای اینماه زیرا که کتاب خدا شفاعت کننده ایست که شفاعت او را قبول میکنند و در قیامت
شفاعت میکند برای انها که تلاوت ان کرده اند پس بالا میروند بر درجات بهشت بقدر تلاوت
ایات قران ای روزه دار بشارت باد ترا که هر نفسی که در اینماه میکشی ثواب تسبیح در نامه عمل تو مینویسند
و خواب تو در اینماه عبادتست و طاعت تو در اینماه مقبولست و کناهان تو در اینماه امرزیده است
و اوازهای تو بدعا در اینماه شنیده شده است و بمناجات و رازی که با خدا میکویی بر تو رحم میکند
بدرستی که شنیدم از حبیب خود حضرت رسول صلی الله علیه و اله که خداوند عالمیان را در هر
هر شب از شبهای ماه مبارک رمضان ازاد کردهاست از اتش جهنم که کسی عدد ایشانرا بغیر از خدا
نمیداند چون شب اخر ماه میشود در انشب میامرزد مثل انچه در جمیع ماه امرزیده است و ایضا فرمود
که هر که ماه رمضان روزه بدارد و نفس خود را از چیزها که خدا حرام کرده است نکاه دارد بهشت البته او را
واجب کردد و هر که در اینماه روزه دارد و در هیچ شب از شبهای ان بحرام افطار نکند البته داخل بهشت
شود پس حضرت امیر فرمود که شنیدم از سید انبیا که فرمود که بهترین اوصیای پیغمبران در بهترین
ماهها شهید خواهد شد کفتم بهترین ماهها کدامست و بهترین اوصیا کیست فرمود که بهترین ماهها
ماه رمضان و بهترین اوصیاء تویی یا علی کفتم یا رسول الله این البته خواهد شد فرمود که بلی بحق پروردکار
بدرستی که بر انکیخته میشود بدبخت ترین امت من جفت پی کنندهٔ ناقهٔ صالح و ضربتی بر سر تو خواهد زد
که ریش تو از خون سرت خضاب شود پس مردم شروع بکریه و فغان کردند و حضرت از منبر بزیر آمد
و ایضا از حضرت رسول صلی الله علیه و اله منقولست بسندهای معتبر که فرمود ایها الناس هر که
وارد شود بر او ماه رمضان پس روزه دارد روز انرا و بایستد بنماز و عبادت قدر مقرری
از شب انرا و نمازها را در اوقات فضیلت بجای آورد و مبادرت کند بنماز جمعه ان و بامداد بنماز
عیدان حاضر شود پس دریافته خواهد بود ثواب شب قدر را و فایز میکردد بجایزها و بخششهای
بزرک خدا مانند بخششهای بندکان نیست فصل دویم در بیان حقیقت روزه است و انچه دران معتبر است
بدانکه روزه باز داشتن خود است از چیزی چند که روزه را میشکند از طلوع صبح تا برطرف شدن سرخی
از جانب مشرق بنا بر مشهور یا پنهان شدن قرص افتاب یعنی برطرف شدن شعاع ان از کوهها و عمارات
بی تفعر و قول اول احوط است با نیت قربت پس باید که بداند چیزها را تا نیت تواند کرد و چون

در بیان حقیقت روزه است

درمیان علما اختلاف بسیار هست درانها اگر قصد کند ترک همه را از برای رضای خدا ظاهرا
کافی باشد اما بهتر انست که انچه متیقن باشد وجوب ترک انها قصد ترک انها کند بعنوان
وجوب وانچه خلافی باشد قصد ترک انها کند احتیاطا وانچه بعید عند مکروه باشد قصد
ترک انها کند مستحبا واگر قصد ترک جمیع محرمات را ضم کند بهتر است واما انها که واجب است
ترک انها کردن اول ووقیر چیزی خوردن وچیزی اشامیدنست وچیزی که خوردن واشامیدن
ان متعارف ومعتاد باشد دران خلافی نیست که مبطل صومست وموجب قضا وکفاره هر دو
میشود اگر بعنوان معتاد بخورد واگر بغیر معتاد باشد مانند انکه در دماغ یا در گوش بچکاند
چیزی را که بحلق داخل شود محل خلافست وهمچنین خلافست درخوردن واشامیدن چیزی چند
که معتاد مردم نباشد خوردن واشامیدن انها مانند سنگ وچوب وخاک وگیاهها واب
فشرده شده انگیاهای غیر معتاد واظهر انست که اگر بعنوان معتاد باشد اجتناب ازان واجبست
واحوط انست که اگر بکند قضا وکفاره بعمل اورد سیم جماع کردن در قبل زنست مطلقا خواه انزال
بشود وخواه نشود ومثل ان موجب قضا وکفاره میشود بی خلاف وجماع در دبر زن هرگاه انزال
شود روزه را باطل میکند وقضا وکفاره لازم میشود ومشهور انست که جماع در دبر زن بدون
انزال نیز مبطل صوم است وموجب قضا وکفاره است وبعضی مبطل نمیدانند اول اقوی است چهارم
باقی ماندنست بر جنابت تا صبح واشهر واقوی انست که مبطل است وموجب قضا وکفاره است و
بعضی مبطل ندانسته اند وبعضی قضای تنها واجب دانسته اند واحوط انست که اگر زن حایض
پاک شود پیش از صبح غسل بکند واگر نکند احوط انست که غسل کند بعد از صبح وان روز را روزه بدارد
وقضا نیز بکند واگر جنب را غسل متعذر باشد احوط انست که تیمم بکند وتیمم را اشکند تا صبح
نشود وخواب اول بعد از جنابت درحالی که نیت غسل کردن داشته باشد واحتمال بیدار
بیدار شدن دهد جایز است ومشهور انست که اگر تا صبح بیدار نشود قضای ان روز براو واجب
نیست وبعضی واجب دانسته اند وان احوط است ومشهور انست که اگر بخوابد تا صبح ونیت غسل
نداشته باشد براو قضا وکفاره لازمست واین احوطست اگرچه در دلیلش سخنی هست ومشهور
درخواب دویم وجوب قضاست واین قول قویست بلکه خلافی دران ظاهر نیست وجمعی از اصحاب
را اعتقاد انست که درخواب سیم جنب هرگاه بصبح رسد قضا وکفاره هر دو واجب است و

واقوی عدم وجوب کفاره است وبعضی از متاخرین را اعتقاد انست که خواب بعد از بیدار
شدن از احتلام حکم خواب دویم دارد چنانچه والد مرحوم فقیر اختیار نمود واین احوطست بلکه
خالی از قوتی نیست وبدانکه در روزهای دیگر غیر ماه رمضان نیز خلافست که ایا باید که صبح را
پاک دریابد یا نه وحق انست که در قضای ماه رمضان میباید صبح جنب نباشد ودر غیر قضا
احوط انست که اگر صبح طاهر نباشد وواجب معین نباشد ان روز را روزه ندارد واگر معین
باشد ان روز را روزه بدارد وقضا نیز بکند اما اگر عمدا کرده باشد دور نیست که کفاره در کار
نباشد واگر بدهد احوطست ودر روزه سنت اگر بر جنابت عمدا بماند تا صبح وپیش از
زوال غسل کند ونیت روزه بکند بگمان فقیر روزه اش صحیح است ودر واجب معین اگر
عمدا نیت را ترک کند وپیش از زوال نیت کند مشهور انست که روزه اش باطلست وقضا میکند و
کفاره واجب نمیشود واگر از روی فراموشی نیت را ترک کند تا زوال نیت میتواند کرد اگرچه
قضای ماه رمضان باشد ودر روزه سنت خلافی نیست که اگر در شب نیت نکرده باشد و
مفطری بعمل نیاورده باشد تا اول زوال نیت میتواند کرد وبعد از زوال خلافست بعضی گفته اند
تا نزدیک بشام نیت میتواند کرد وجمعی از محققین علما باین قایلند ونزد فقیر اقوی است و
بعضی گفته اند بعد از زوال نیت میتواند کرد وبعضی گفته اند که اگر پیش از زوال نیت کند ثواب
روزه تمام روز را مییابد پنجم رسانیدن غبار غلیظ است بحلق وبعضی ازان موجب قضا وکفاره
میدانند وبعضی قضای تنها وبگمان فقیر مبطل نیست واحوط رعایت مشهور است وبعضی از متاخرین
ملحق ساخته اند بغبار غلیظ دود غلیظ وبخار غلیظ را که ازان اجزا منفصل شود چون دود
تنور وبخار دیگ واظهر عدم بطلانست واحوط اجتنابست حتی از دود تنباکو ششم استمنا است
یعنی طلب نزول منی کردن با حصول ان وموجب قضا وکفاره است ومشهور انست که هرگاه ملامسه
وملاعبه کند وانزال شود روزه ان باطل میشود وقضا وکفاره لازمست وبعضی دراین تامل نموده اند
خصوصا در وقتی که نسبت بحلال خود باشد وعادت ان انزال نباشد واحوط بلکه اقوی وجوب
قضا وکفاره است مطلقا ودر نظر کردن بر زن حلال یا حرام یا صدای از اشنیدن یا بخیال خود
در اوردن هرگاه باعث امدن منی شود وقصد انزال نداشته باشد وبان معتاد نباشد خلافست
واظهر عدم وجوب قضا وکفاره است هفتم قی کردنست عمدا واکثر موجب قضای تنها میدانند

وبعضی قضا وکفّاره هر دو را واجب میدانند وبعضی هیچیك را واجب نمیدانند ومسئله مشکلست
ووجوب قضای تنها خالی از قوّتی نیست ومشهور انست که هرگاه قی بی اختیار آید برا وقضا
نیست وبعضی قضا را واجب دانسته اند واین قول ضعیف است هشتم حقنه است وبعضی
موجب قضا وکفّاره هر دو دانسته اند وبعضی موجب قضای تنها وبعضی حرام دانسته اند وبعضی موجب
هیچیك ندانسته اند وبعضی حقنهٔ مایع را موجب قضا دانسته اند وحقنهٔ جامد را مانند شیاف
مکروه دانسته اند وبعضی مطلقا مکروه دانسته اند واین قول اقویست واحوط انست که بدون
ضرورت حقنه بمایع نکند واگر بکند قضا بکند واشهر واقوی انست که چکانیدن دوا در
گوش موجب فساد صوم نمیشود وسعوط در بینی هرگاه تعدّی بحلق نکند ایضا اقوی انست
که جایز است وبعضی موجب قضا وکفّاره دانسته اند واگر بحلق رسد احوط اجتنابست
نهم دروغ گفتن برخدا ورسول خدا وائمّهٔ هدی صلوات الله علیهم است بانکه حدیث
دروغی نقل کند یا مسئلهٔ خلاف واقعی بگوید بلکه کسی که اهلیّت مسئله گفتن نداشته باشد
مسئله بگوید در حرمت ان شکی نیست وبعضی در روزه موجب قضا وکفّاره میدانند
وبعضی میگویند موجب فساد صوم نمیشود وخالی از قوّتی نیست واحوط انست که اگر بکند
قضا کند وکفّاره نیز بدهد دهم سر فرو بردن در ابست وجمعی انرا موجب قضا وکفّاره میدانند
وبعضی موجب قضای تنها میدانند وبعضی حرام میدانند وموجب هیچیك نمیدانند وبعضی
مکروه میدانند واظهر حرمتست وعدم وجوب قضا وکفّاره وبعضی گفته اند که اگر سر را
براب فرو برد تا گردن وبدن بیرون باشد بازحکم ارتماس دارد واین احوطست وبعضی گفته اند
که اگر فرو برد منافذ سر را دفعةً هرچند منابت مو بیرون باشد بازحکم ارتماس دارد واین
احوطست واحوط انست که در روزهٔ سنّت نیز سر را باب فرو نبرد وبعضی تجویز کرده اند واحوط
ترکست یازدهم بلغمی که از سینه براید یا از دماغ فرود اید در فرو بردن ان علما را سه قولست اوّل
جواز ابتلاع انچه بیرون می آید از سینه مادام که از دهن منفصل نشود وعدم جواز ان قسم دیگر
دویم جواز ابتلاع هر دو قسم مادام که بدهن نرسد وتحریم ابتلاع هر دو گاه بدهن برسد سیّم جواز
کشیدن از سینه وسر وجواز فرو بردن مادام که از دهن جدا نشود وجمعی که حکم بفساد کرده اند
بعضی بقضای تنها قایل شده اند وبعضی کفّاره را نیز واجب میدانند وبعضی بکفّارهٔ جمع قایل شده اند

وکان فقیر انست که هیچیك لازم نمیشود امّا احتیاط انست که بعد از انکه بفضای دهن بیاید فرو نبرد
دوازدهم مشهور میان علما انست که مکروهست زن روزه دار در میان اب بنشیند وبعضی گفته اند
هرگاه تا کمر در اب بنشیند قضا برا ولازمست وبعضی کفّاره را نیز لازم دانسته اند واقلّ اظهر است
ودر خوابیدن قندران ومصطکی که اثر را فرو برد بعضی حرام دانسته اند وبعضی موجب قضا دانسته اند
واظهر جواز است ومشهور میان علما انست که اگر کسی گمان داشته باشد که شب باقیست بلکه اگر شك
هم داشته باشد جایز است خوردن واشامیدن تا صبح مشخّص شود واگر معلوم شود که صبح
بوده است انوقت که خورده یا اشامیده اگر ملاحظه کرده باشد وخورده باشد قضا
واجب نیست واگر ملاحظه نکرده خورده باشد قضا واجبست وکفّاره واجب نیست واگر
کسی مضمضه کند جهت وضوی نماز واجب واب بی اختیار بحلقش فرو رود قضا برا وواجب
نیست واگر جهت نماز نافله باشد بعضی گفته اند قضا برا ولازمست واگر عبث مضمضه کند
واب بحلقش رود جمعی قضا را واجب دانسته اند واین احوطست واظهر عدم وجوبست مطلقا
ودر روایتی وارد شده است که بعد از مضمضه سه مرتبه اب دهان را بیندازد واین احوطست
فصل سیّم در سنّتها واداب روزه است مکروهست روزه دار را بوسیدن زنان ودست
ببدن ایشان مالیدن ودست بازی کردن با ایشان واقرب انست که کراهیت مخصوص بصورتیست
که اینها محرّك شهوت او باشد وخوف وقوع در جماع داشته باشد ومکروهست بچشم کشیدن
چیزی که از ان طعمی باشد که بحلق رسد یا در ان مشکی باشد ومشهور کراهیت بیرون اوردن خونیست
از بدن که باعث ضعف شود ودر حجامت احتیاط بیشتر باید کرد وهم چنین داخل شدن حمّام
که مضعف باشد ومکروهست بوئیدن گلها خصوصًا نرگس وبهتر انست که مشك را هم نبوید
وسایر بوهای خوش مکروه نیست بلکه سنّت است واز حضرت صادق عم منقولست که
طیب تحفهٔ صایم است وفرمود که هر روزه داری که در اوّل روز خود را خوشبو کند عقلش زایل
نگردد واشهر واقوی انست که بوئیدن رایحهٔ غلیظه مفطر نیست وبعضی گفته اند بوئیدن
رایحهٔ غلیظ که بجوف رسد موجب قضا وکفّاره میشود واحوط انست که بوی خوش سائیده
که بدماغ بالا رود نبوید چنانچه روایتی شده است ومکروهست که صایم جامهٔ که ملاصق
بدن است ترکند ومکروهست زن صایمه را که در اب بنشیند چنانکه گذشت واز حضرت صادق علیه السلام منقو

در سنتها و آداب روزه است

اکه هرگاه روزه داری میباید که روزه باشد گوش وچشم تو وموی تو وپوست تو وجمیع اعضای تو یعنی از محرّمات
مکروهات وفرموده که باید روز روزهٔ تو مانند روز افطار نباشد وایضا از انحضرت منقولست
که روزه نه همین منع از خوردن واشامیدن تنها ست بلکه باید که در روز روزه نگاه دارید زبان
خودرا از دروغ وبپوشانید دیدهای خودرا از حرام وبا یکدیگر نزاع مکنید وحسد مبرید وغیبت
مکنید ومجادله مکنید وسوگند بدروغ مخورید بلکه سوگند راست نیز مخورید دشنام مدهید وفحش مگوئید
وستم مکنید وبیخردی مکنید ودلتنگ مشوید وغافل مشوید از یاد خدا واز نماز خاموش باشید از انچه
نباید گفت وصبر کنید وراستگو باشید ودوری کنید از اهل شرّ واجتناب کنید از گفتار بد ودروغ
وافترا وخصومت کردن با مردم وگمان بد بردن وغیبت کردن وسخن چینی کردن وخودرا مشرف بر
اخرت دانید ومنتظر فرج وظهور قایم ال محمد صلی الله علیه واله باشید واز ومند ثوابهای اخرت
باشید وتوشهٔ اعمال صالحه برای سفر اخرت بردارید وبر شما باد با رام دل وارام تن وخضوع
وخشوع وشکستگی ومذلّت چون بندهٔ که از اقای خود ترسد وترسان باشید از عذاب خدا امیدوار
باشید رحمت اورا وباید پاک باشد ای روزه دار دل تو از عیبها وباطن تو از حیلها ومکرها وپاکیزه
باشد بدن تو از کثافتها وبیزاری بجوی بسوی خدا از انچه غیر اوست ودر روزه ولایت خودرا
خالص گردانی از برای او وخاموش باشی از انچه حق تعالی نهی کرده است تا از ان در اشکار وپنهان
وبترسی از خداوند قهار انچه سزاوار ترسیدنست در پنهان واشکار وببخشی روح وبدن خودرا بخدای
عزّ وجل در ایام روزهٔ خود وفارغ گردانی دل خودرا از برای محبّت او ویاد او وبدن خودرا بکار
فرمائی در انچه خدا ترا امر کرده است بان وخوانده است بسوی ان اگر همهٔ اینها را بعمل اوری
انچه سزاوار روزه داشتن است بعمل اوردهٔ وفرمودهٔ خدارا اطاعت کردهٔ وانچه کم کنی از انها
که بیان کردم از برای تو بقدر ان از روزهٔ تو کم میشود از فضل ان وثواب ان بدرستی که بدرم
گفت که رسول خدا صلی الله علیه واله شنید که زنی در روز روزه جاریهٔ خودرا دشنام داد
حضرت طعامی طلبید وان زن را گفت که بخور زن گفت که من روزه ام حضرت فرمود که چگونه روزه
ای زن وجاریهٔ خودرا دشنام دادی روزه از خوردن واشامیدن تنها نیست بدرستی که حق تعالی
روزه را حجابی گردانیده است از سایر امور قبیحه از کردار بد وگفتار بد چه بسیار کند روزه داران
وبسیارند گرسنگی کشندگان وحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که چه بسیار روزه داری که

بهره نیست اورا از روزه بغیر تشنگی وگرسنگی وچه بسیار عبادت کنندهٔ که نیست اورا بهرهٔ از عبادت
بغیر تعب ای خوشا خواب زیرکان که بهتر از بیداری وعبادت احمقانست وخوشا افطار کردن
زیرکان که بهتر از روزه داشتن بیخردانست زیرا که خواب مقربان چون بنیت صحیح وقلب طاهر
واقع میشود از جملهٔ عبادت ایشانست بلکه ارواح ایشان در عالم قدس با ارواح انبیا واوصیا
وخُلّص مؤمنان محشور میگردند وبر اسرار غیب برؤیای صادقه مطّلع میگردند وراهی از راههای
قرب ایشانست وافطار خردمندان چون روی دانایست وبوجهی که حق تعالی خواسته افطار مینمایند
بهتر است از روزهای احمقان که روزه را دستگاه خودفروشی کرده اند وبریا وعجب ممزوج میکنند
وبشرایط صوم عمل نمیکنند فصل چهارم دربیان اداب دخول ماه مبارک رمضانست سنّت استطلاب
هلال ماه رمضان وبعضی واجب دانسته اند وانحضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که چون
هلال ماه رمضان را دیدی اشاره بسوی هلال مکن ورو بقبله کن ودستها را بسوی خدا بلند کن وخطاب
کن ماه را رَبِّی وَرَبُّكَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِینَ اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَیْنَا بِالْاَمْنِ وَالْاِیْمَانِ وَالسَّلَامَةِ
وبگو پروردگار من وپروردگار تو خداوندیست که پرورش دهندهٔ عالمیانست خداوندا بنما ماه را بر ما بامن و ایمان و سلامت
وَالْاِسْلَامِ وَالْمُسَارَعَةِ اِلٰی مَا تُحِبُّ وَتَرْضٰی اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِی شَهْرِنَا هٰذَا وَارْزُقْنَا
واسلام وشتابیدن بسوی انچه دوست میداری وپسندی خداوندا مبارک گردان از برای ما در ماه ما این ماه وروزی کن ما را
خَیْرَهُ وَعَوْنَهُ وَاصْرِفْ عَنَّا ضُرَّهُ وَشَرَّهُ وَبَلَاءَهُ وَفِتْنَتَهُ وبهترین دعاها دعای صحیفهٔ
خیر او ویاری او وبگردان از ما بدی او وشر او وبلای او وفتنهٔ او را کامله است وابن ابی عقیل رحمه الله
این دعا را در وقت رؤیت هلال اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی خَلَقَنِی وَخَلَقَكَ وَقَدَّرَ مَنَازِلَكَ وَ
ماه مبارک رمضان واجب دانسته سپاس خداوندیراست که خلق کرد مرا وخلق کرد ترا ومقدر کرده منازل ترا و
جَعَلَكَ مَوَاقِیتَ لِلنَّاسِ اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَیْنَا هِلَالًا مُبَارَكًا اَللّٰهُمَّ اَدْخِلْهُ عَلَیْنَا
گردانیده ترا وقتها از برای مردمان خداوندا بنما هلال را بر ما نمودنی مبارک خداوندا داخل کن او را بر ما
بِالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ وَالْیَقِینِ وَالْاِیْمَانِ وَالْبِرِّ وَالتَّقْوٰی وَالتَّوْفِیقِ لِمَا
بسلامت واسلام ویقین وایمان ونیکی وپرهیزکاری وتوفیق از برای انچه
تُحِبُّ وَتَرْضٰی ودر شب اوّل ماه جماع با حلال خود سنّت است وغسل در شب اول سنّت است
دوست داری وپسندی وانحضرت صادق علیه السلم منقولست که هر که غسل کند در شب اوّل ماه رمضان

در نهر جاری وسی کف اب بر سر بریزد با طهارت معنوی باشد تا ماه رمضان آینده و در حدیث
دیکر فرموده که هر که در شب اوّل ماه رمضان غسل کند خارش بدن در ان سال با و نرسد وایضًا
منقولست که چون ماه رمضان داخل میشد حضرت صادق علیه السلام فرزندان خود را وصیت میفرمود
که اهتمام کنید وسعی نمائید در اینماه در عبادت که در اینماه روزیها قسمت میشود و اجلها
و عمرها نوشته میشود و حاجیان در اینماه مقرر میشوند و در اینماه شبی هست که بهتر است
از هزار ماه و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که بر شما باد در ماه رمضان باستغفار
و دعا بدرستی که دعا دفع میکند بلا را از شما و استغفار محو میکند کناهان شما را و زیارت
امام حسین علیه السلام در شب اوّل ماه رمضان سنّت است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که هر که در شب اوّل ماه رمضان یا شب میان یا شب اخر زیارت انحضرت بکند کناهان او بریزد
مانند برك از درختان و از کناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده است و ثواب
حج و عمره خدا او را عطا کند وایضًا از انحضرت منقولست که هر که در هر شب ماه رمضان سورهٔ
انا فتحنا در نماز نافله بخواند در ان سال از بلاها محفوظ کردد و بروایت دیکر از انحضرت منقولست
که هر که در شب اوّل ماه مبارك دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ
انعام بخواند و سؤال کند که حق تعالی از او کفایت شر و بکند خدا او را کفایت کند از انچه
میترسد در اینماه و حفظ کند او را از انچه میترسد و از بیماریها و دردها و نماز را نشسته
میتوان کرد و سوره را از روی قران میتوان خواند و اکر در شب اوّل ماه نیّت روزهٔ تمام ماه
را بکند و با نهر شب نیّت کند بهتر است و نیّت چنین کند که قصد میکند که فردا روزهٔ ماه رمضان
میدارم واجب قربة الی الله و در روز اوّل ماه سنّت است که غسل کند در اب جاری وسی کف اب بر
سر بریزد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون در اوّل سال چنین کند از جمیع دردها و
بیماریها در تمام سال ایمن باشد وایضًا از انحضرت علیه السلام منقولست که هر که در روز اوّل ماه
کفی از کلاب بر رو بزند از خواری و پریشانی نجات یابد و اکر هر روز بکند در ان روز از این بلاها ایمن
باشد و هر که یك کف از کلاب در روز اوّل ماه بر سر بریزد در ان سال از مرض سرسام ایمن کردد و
بسند معتبر از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقولست که هر که در اوّل هر ماه دو رکعت نماز بکذارد و
در رکعت اوّل بعد از حمد سی مرتبه قل هو الله احد بخواند و در رکعت دویم بعد از حمد سی مرتبه

سورهٔ انا انزلناه بخواند و بعد از نماز تصدق کند بانچه میسر شود سلامتی انماه را خریده است و در روز
اوّل این دعا اَللّٰهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَدِ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ وَاَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْاٰنَ
سنّت است خداوندا بتحقیق که حاضر شد ماه رمضان و بتحقیق که واجب کرده بر ما روزه او را و فرو فرستاده در ان قران را
هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدٰى وَالْفُرْقَانِ اَللّٰهُمَّ اَعِنَّا عَلٰى صِيَامِهِ وَتَقَبَّلْهُ
هدایت کننده از برای مردمان و کواه از هدایت و فرق کننده خداوندا یاری کن ما را بر روزه ان و قبول کن انرا
مِنَّا وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا وَسَلِّمْهُ لَنَا فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وایضا از
از ما و سالم کردان او را از ما و سالم کردان انرا از برای ما در اسانی از تو و عافیت بدرستی که بر همه چیز قادری حضرت
صادق علیه السلام منقولست که چون ماه مبارك داخل میشد حضرت رسول صلی الله علیه و اله این
دعا اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ قَدْ دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي اَنْزَلْتَ
میخواندند خداوندا بدرستی که داخل شد ماه رمضان خداوندا پروردکار ماه رمضان که فرو فرستاده
فِيهِ الْقُرْاٰنَ وَجَعَلْتَهُ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدٰى وَالْفُرْقَانِ اَللّٰهُمَّ فَبَارِكْ لَنَا فِي
در ان قران و کردانیده انرا کواه از هدایت و فرق کننده خداوندا پس مبارك کردان از برای ما در
شَهْرِ رَمَضَانَ وَاَعِنَّا عَلٰى صِيَامِهِ وَصَلَاتِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا وایضا بسند معتبر از حضرت
ماه رمضان و یاری کن ما را بر روزه ان و نماز ان و قبول کن انرا از ما صادق علیه السلام منقولست که
هر که نزد داخل شدن ماه رمضان یعنی روز اوّل یا شب اوّل دو رکعت نماز بکند و در
رکعت اوّل بعد از حمد سورهٔ انا فتحنا بخواند و در رکعت دویم هر سوره که خواهد بخواند حق تعالی
جمیع بدیها را در ان سال از او دور کرداند و در حفظ و امان خدا باشد تا سال اینده و در شب
اوّل دعای صحیفهٔ کامله را بخواند که بهترین دعاهاست و کلینی و شیخ طوسی و دیکران رحمهم الله
بسند صحیح روایت کرده اند که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که در ماه مبارك رمضان در ۳۱
سال یعنی روز اوّل ماه چنانچه علما فهمیده اند این دعا را بخوان و فرمود که هر که این دعا را از برای
رضای حق تعالی و بی شائبهٔ اغراض فاسد ه بخواند در ان سال باو نرسد فتنه و کمراهی و نه افتی
که ضرر رساند بدین او یا بدن او و حق تعالی او را حفظ کند از شرّ انچه در ان سال واقع میشود از
بلاها دعا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَانَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ
اینست خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو بنام تو که فروتنی کرده از برای ان همه چیز و برحمت تو که فرو کرفته

كل شيء وبعظمتك التي تواضع لها كل شيء وبعزتك التي قهرت كل شيء وبقوتك

هرچيز وببزرگى تو كه فروتنى كرده ازبراى ان هرچيز وبعزت تو كه قهر كرده هرچيز وبتوانائى تو

التي خضع لها كل شيء وبجبروتك التي غلبت كل شيء وبعلمك الذي احاط بكل شيء

كه فروتنى كرده ازبراى ان هرچيز وبزرگى تو كه غالب شده بهرچيز وبعلم تو كه احاطه كرده بهرچيز

يا نور يا قدوس يا اول قبل كل شيء ويا باقي بعد كل شيء يا الله يا رحمن صل على محمد و

اى روشن اى منزه از بديها اى اول پيش از هرچيز واى باقى بعد از هرچيز اى خدا اى بخشنده درود فرست بر محمد و

آل محمد واغفر لي الذنوب التي تغير النعم واغفر لي الذنوب التي تنزل النقم

آل محمد وبيامرز ازبراى من كناهانى را كه تغير ميدهد نعمتها را وبيامرز ازبراى من كناهانى را كه فرود مى آورد عذابها را

واغفر لي الذنوب التي تقطع الرجاء واغفر لي الذنوب التي تديل الاعداء

وبيامرز ازبراى من كناهانى را كه قطع ميكند اميدها را وبيامرز ازبراى من كناهانى را كه غالب ميكرداند دشمنان را

واغفر لي الذنوب التي ترد الدعاء واغفر لي الذنوب التي يستحق بها نزول

وبيامرز ازبراى من كناهانى را كه رد ميكند دعا را وبيامرز ازبراى من كناهانى را كه مستحق ميشود بآن نزول

البلاء واغفر لي الذنوب التي تكشف الغطاء واغفر لي الذنوب التي

بلا وبيامرز ازبراى من كناهانى را كه ظاهر ميكند پوشيدكيها را وبيامرز ازبراى من كناهانى را كه

تعجل الفناء واغفر لي الذنوب التي تورث الندم واغفر لي الذنوب

تعجيل ميكند فنا را وبيامرز ازبراى من كناهانى را كه باعث ميشود پشيمانى را وبيامرز ازبراى من كناهانى را

التي تهتك العصم وألبسني درعك الحصينة التي لا ترام وعافني

كه ميدرد پرده عصمت را وبپوشان مرا زره محكم نكاهدارنده كه قطع كرده نشود وعافيت ده

من شر ما احاذر بالليل والنهار في مستقبل سنتي هذه اللهم رب

از شر آنچه حذر ميكنم بشب و روز در آينده سال من اين سال خداوندا پروردگار

السموات السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن ورب

آسمانهاى هفتگانه وپروردگار زمينهاى هفتگانه وآنچه در آنهاست وآنچه در ميان آنهاست وپروردگار

العرش العظيم ورب السبع المثاني والقرآن العظيم ورب اسرافيل و

عرش بزرك وپروردگار سوره فاتحه وقرآن بزرك وپروردگار اسرافيل و

يا اول يا باقيا

ميكائيل

ميكائيل وجبرئيل ورب محمد صلى الله عليه وآله سيد المرسلين وخاتم

وميكائيل وجبرئيل وپروردگار محمد درود فرستد خدا بر او وآل او بزرك پيغمبران و

النبيين اسألك بك وبما سميت به يا عظيم انت الذي تمن بالعظيم وتدفع

پيغمبران سوال ميكنم از تو بتو وبآنچه نام برده تو بآن اى بزرك تويى كه منت نهاده بزرك و دفع ميكنى

كل محذور وتعطي كل جزيل وتضاعف الحسنات بالقليل وبالكثير و

هر محذورى را وعطا ميكنى هر چيز بزرك را ومضاعف ميكنى حسنات را باندك وبسيار و

تفعل ما تشاء يا قدير يا الله يا رحمن صل على محمد واهل بيته وألبسني في

ميكنى آنچه ميخواهى اى توانا اى خدا اى بخشنده درود فرست بر محمد واهل بيت او وبپوشان مرا در

مستقبل سنتي هذه سترك ونضر وجهي بنورك واحببني بمحبتك وبلغني

آينده سال من اين سال مغفرت خود را وروشن كن روى مرا بنور خود ودوست دار مرا بدوستى خود وبرسان مرا

رضوانك وشريف كرامتك وجسيم عطيتك واعطني من خير ما عندك و

بخشنودى خود وبزرك كرامت خود وبزرك بخشش تو وعطا كن مرا از خير آنچه نزد توست و

من خير ما انت معطيه احدا من خلقك وألبسني مع ذلك عافيتك يا

از خير آنچه تو عطا كننده آنى احدى از خلق خود وبپوشان مرا با اين همه عافيت تو اى

موضع كل شكوى ويا شاهد كل نجوى ويا عالم كل خفية ويا دافع ما تشاء من

موضع هر شكايت واى مشاهد هر راز واى داناى هر پوشيده واى دفع كننده آنچه ميخواهى

بلية يا كريم العفو يا حسن التجاوز توفني على ملة ابراهيم وفطرته وعلى دين

بلا اى بخشنده عفو اى نيكو درگذرنده بميران مرا بر ملت ابراهيم وبر دين او وبر دين

محمد صلى الله عليه وآله وسنته وعلى خير الوفاة فتوفني موالياً لاوليائك

محمد درود فرستد خدا بر او وآل او وسنت او وبر بهترين وفات بميران مرا دوستدار دوستان

معادياً لاعدائك اللهم وجنبني في هذه السنة كل عمل او قول او فعل

دشمن دارنده مر دشمنان ترا خداوندا دور كردان مرا در اين سال از هر عمل و گفتن و كردن

يباعدني منك واجلبني الى كل عمل او قول او فعل يقربني منك في هذه

كه دور ميكند مرا از تو وبكش مرا بسوى هر كردارى و گفتنى يا كردنى كه نزديك ميكرداند مرا بتو در

سميت به نفسك

وبالكثير

وشرف

السَّنَةِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَامْنَعْنِي مِنْ كُلِّ عَمَلٍ اَوْ قَوْلٍ اَوْ فِعْلٍ يَكُونُ مِنِّي اَخَافُ

سال ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و بازدار مرا از هر عملی یا قولی یا فعلی که صادر شود از من و ترسم

ضَرَرَ عَاقِبَتِهِ وَاَخَافُ مَقْتَكَ اِيَّايَ عَلَيْهِ حِذَارَ اَنْ تَصْرِفَ وَجْهَكَ

ضرر عاقبت انرا و ترسم غضب ترا بر من بر ان حذر از برگردانیدن روی تو

الْكَرِيمَ عَنِّي فَاَسْتَوْجِبَ بِهِ نَقْصًا مِنْ حَظٍّ لِي عِنْدَكَ يَا رَؤُوفُ يَا رَحِيمُ

کریمت از من پس سزاوار شوم بان نقصی را از نصیب که از برای منست نزد تو ای مهربان ای رحیم

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هٰذِهِ فِي حِفْظِكَ وَفِي جِوَارِكَ وَفِي

خداوندا بگردان مرا در مستقبل سال من این سال در حفظ خود و در همسایگی خود و در

كَنَفِكَ وَجَلِّلْنِي سِتْرَ عَافِيَتِكَ وَهَبْ لِي كَرَامَتَكَ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا

حمایت خود و بپوشان مرا بپوشش عافیت خود و ببخش از برای من کرامت خود را عزیز است همسایه تو و بزرگست ثنای تو و نیست

اِلٰهَ غَيْرُكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي تَابِعًا لِصَالِحِ مَنْ مَضٰى مِنْ اَوْلِيَائِكَ وَاَلْحِقْنِي بِهِمْ

خدایی غیر تو خداوندا بگردان مرا تابع از برای صالحان که گذشته اند از دوستان تو و ملحق ساز مرا بایشان

وَاجْعَلْنِي مُسَلِّمًا لِمَنْ قَالَ بِالصِّدْقِ عَلَيْكَ مِنْهُمْ وَاَعُوذُ بِكَ اَللّٰهُمَّ اَنْ تُحِيطَ

و بگردان مرا تسلیم کننده از برای کسی که گفت براستی بر تو از ایشان و پناه میبرم بتو خداوندا هر چند فرو گیرد

بِي خَطِيئَتِي وَظُلْمِي وَاِسْرَافِي عَلٰى نَفْسِي وَاتِّبَاعِي لِهَوَايَ وَاشْتِغَالِي بِشَهَوَاتِي

مرا گناهان من و ظلم من و اسراف من بر نفس من و تابع شدن من بخواهشهای خود را و مشغول شدن من بخواهشهای

فَيَحُولَ ذٰلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَ رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ فَاَكُونَ مَنْسِيًّا عِنْدَكَ مُتَعَرِّضًا

پس حایل شود ان میان من و میان رحمت تو و خشنودی تو پس باشم من فراموش کرده شده نزد تو متعرض شونده

لِسَخَطِكَ وَنِقْمَتِكَ اَللّٰهُمَّ وَفِّقْنِي لِكُلِّ عَمَلٍ صَالِحٍ تَرْضٰى بِهِ عَنِّي وَقَرِّبْنِي اِلَيْكَ

از خشم تو و عذاب تو خداوندا توفیق ده مرا از برای هر عمل صالح که خوشنود میشوی بان از من و نزدیک گردان مرا بسوی خود

زُلْفٰى اَللّٰهُمَّ كَمَا كَفَيْتَ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَوْلَ عَدُوِّهِ وَفَرَّجْتَ

نزدیک گردانیدنی خداوندا همچنانکه نگاه داشتی پیغمبر خود را محمد درود فرستد خدا برا و بر آل او ترس دشمن او را و برطرف کردی

هَمَّهُ وَكَشَفْتَ غَمَّهُ وَصَدَقْتَهُ وَعْدَكَ وَاَنْجَزْتَ لَهُ عَهْدَكَ اَللّٰهُمَّ فَبِذٰلِكَ

هم او را و گشودی غم او را و راست کردی وعده خود را و جزم کردی از برای او عهد خود را خداوندا پس بان

صدقت

فافهم

فَاكْفِنِي هَوْلَ هٰذِهِ السَّنَةِ وَآفَاتِهَا وَاَسْقَامَهَا وَفِتْنَتَهَا وَشُرُورَهَا وَاَحْزَانَهَا وَضِيقَ

پس نگاه دار مرا از ترس این سال و آفتهای ان و بیماریهای ان و فتنهای ان و بدیهای ان و اندوههای ان و تنگی

الْمَعَاشِ فِيهَا وَبَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ كَمَالَ الْعَافِيَةِ بِتَمَامِ دَوَامِ النِّعْمَةِ عِنْدِي اِلٰى

معاش در ان و برسان مرا برحمت خود بکمال عافیت بتمام کردن دایم داشتن نعمت نزد من تا

مُنْتَهٰى اَجَلِي اَسْاَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اَسَاءَ وَظَلَمَ وَاسْتَكَانَ وَاعْتَرَفَ وَاَسْاَلُكَ اَنْ

منتهی اجل من سوال میکنم ترا سوال کسی که بد کرده است و ستم کرده است و خواری کرده و اعتراف کرده و سوال میکنم ترا اینکه

تَغْفِرَ لِي مَا مَضٰى مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي حَصَرَتْهَا حَفَظَتُكَ وَاَحْصَتْهَا كِرَامُ مَلَائِكَتِكَ

بیامرزی از برای من انچه گذشته از گناهان من که شمرده انرا محافظت کنندگان تو و شمرده اند انرا بندگان فرشتگان تو

عَلَيَّ وَاَنْ تَعْصِمَنِي اِلٰهِي مِنَ الذُّنُوبِ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي اِلٰى مُنْتَهٰى اَجَلِي يَا اَللّٰهُ يَا

بر من و اینکه نگاه داری مرا خدای من از گناهان در انچه باقیمانده از عمر من تا انتهای اجل من ای خدا ای

رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَآتِنِي كُلَّ مَا سَاَلْتُكَ وَرَغِبْتُ اِلَيْكَ

بخشنده ای مهربان درود فرست بر محمد و اهل بیت محمد و بده مرا هر انچه سوال کردم از تو و رغبت کردم بسوی تو

فِيهِ فَاِنَّكَ اَمَرْتَنِي بِالدُّعَاءِ وَتَكَفَّلْتَ لِي بِالْاِجَابَةِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ فصل پنجم

در ان پس بدرستیکه تو امر کردی مرا بدعا و ضامن شدی از برای من باجابت از برای من ای رحم کننده ترین رحم کنندگان در اعمال هر

شب و هر روز ماه مبارک رمضانست از حضرت صادق و کاظم صلوات الله علیهما يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ

منقولست که بعد از هر نماز در ماه مبارک این دعا بخوانند ای بلند ای بزرگ

يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ اَنْتَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

ای امرزنده ای مهربان توئی پروردگار بزرگ که نیست مانند تو چیزی و او شنواست و بینا

وَهٰذَا شَهْرٌ عَظَّمْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ وَفَضَّلْتَهُ عَلَى الشُّهُورِ وَهُوَ الشَّهْرُ

و این ماهیست که بزرگ گردانیدی انرا و گرامی داشتی انرا و شرافت دادی انرا و فضیلت داده انرا بر ماههای دیگر و او ماهیست

الَّذِي فَرَضْتَ صِيَامَهُ عَلَيَّ وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي اَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ

که واجب کرده روزه انرا بر من و او ماه رمضانست که فرستاده در او قرانرا

هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدٰى وَالْفُرْقَانِ وَجَعَلْتَ فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ

هدایت کننده از برای مردمان و گواهان از هدایت و فرق کننده میان حق و باطل و گردانیده در ان شب قدر را

وَجَعَلْتَهَا خَيْراً مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ فَيَاذَا الْمَنِّ وَلَا يُمَنُّ عَلَيْكَ مُنَّ عَلَيَّ بِفَكَاكِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ
وکردانیده اورا بهتر از هزار ماه پس ای صاحب منت ومنت عنکذارد بر تو منت کذار بر بازاد کردن کردن من از آتش
فِيمَنْ تَمُنُّ عَلَيْهِ وَاَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ودعای بسیار خوبیست واقلا
دران کسی که منت کذاشته براو وداخل کن مرا در بهشت برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندکان شبی یکمرتبه خوبست خوانده شود
وبسند صحیح منقولست که هرکه در هر شب اینماه مبارک این دعا بخواند کناه چهل ساله او امرزیده شود
اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي اَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْاٰنَ وَافْتَرَضْتَ عَلَى عِبَادِكَ
خداوندا پروردکار ماه رمضان که فرستادهٔ دران قران را و واجب کردهٔ بر بندکان خود
فِيهِ الصِّيَامَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِي هٰذَا
دران روزه را درود فرست بر محمد وال محمد وروزی کن مرا حج بیت الله الحرام درسال این سال
وَفِي كُلِّ عَامٍ وَاغْفِرْ لِي تِلْكَ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ فَاِنَّهُ لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ يَا عَلَّامُ
ودر هر سال وبیامرز از برای من این کناهان بزرک را پس بدرستی که نمی امرزد انرا غیر تو ای بسیار دانا
وایضا هر شب هزار مرتبه سورهٔ انا انزلناه سنت است خواندن وصد مرتبه سورهٔ حم دخان
اکر میسر شود وسحور خوردن در هر سحر هر شب ماه مبارک مستحبست واز حضرت رسول
صلی الله علیه واله منقولست که ترک نکند امت من سحور خوردن را اکرچه بیکدانه خرمای
زبون باشد وایضا از انحضرت منقولست که حق تعالی وملائکه صلوات میفرستند بر انها
که استغفار میکنند در سحرها وسحور میخورند پس سحور بخورید اکرچه بیک شربت اب باشد
وبهترین سحور قاووت وخرما وایضا فرمود که سحور بخورید اکرچه بجرعهٔ ابی باشد وخدا
صلوات ورحمت میفرستد بر سحور خورندکان واز حضرت صادق علیه السلم منقولست که هرکه
سورهٔ انا انزلناه در وقت سحور ودر وقت افطار بخواند در مابین این دو حالت که میرد
ثواب کسی داشته باشد که در راه خدا شهید شده باشد ودر خون خود غلطیده باشد
وکفته اند که اکر نیت روزه را بعد از سحور بکند بهتر است بهتر است واز اول شب تا
اخر شب نیت میتوان کرد وهمین که میداند وقصد دارد که فردا روزه میکیرد واز برای
خدا میکیرد بس است واما اداب افطار سنت است که اول نماز شام را بکند وبعد از ان افطار
کند مکر انکه جمعی انتظار او برند یا انکه کرسنکی یا تشنکی براو غالب شده باشد ومانع

یا رحمن م

حضور

حضور قلب او باشد در نماز که در این دو صورت افطار را مقدم داشتن بهتر است
ودر وقت افطار سورهٔ انا انزلناه خواندن سنت است چنانچه دانستی واز حضرت رسول
صلی الله علیه واله منقولست که یَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ اَنْتَ اِلٰهِي لَا اِلٰهَ لِي غَيْرُكَ اغْفِرْ
هرکه در وقت افطار بکوید ای بزرکوار ای بزرکوار تو خدای منی نیست خدای برای من غیر تو بیامرز
لِيَ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ اِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ اِلَّا الْعَظِيمُ از کناهان بیرون
از برای کناه بزرک را بدرستی که نمی امرزد کناه بزرک را مکر بزرک رود مانند روزی
که از مادر متولد شده است واز حضرت امام حسن علیه السلم منقولست که روزه دار را در وقت
افطار دعاء مستجابیست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ اغْفِرْ لِي
پس باید که در لقمهٔ اول بکوید بنام خدای بخشاینده مهربان ای انکه وسیعست امرزش او بیامرز از برای
ودر حدیث معتبر دیکر از حضرت امام موسی اَللّٰهُمَّ لَكَ صُمْتُ وَعَلَى رِزْقِكَ اَفْطَرْتُ وَ
علیه السلم منقولست که در وقت افطار بکوید خداوندا از برای تو روزه کرفتم وبر روزی تو روزه کشادم و
عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ تا خدا عطا کند باو ثواب هرکس را که در این روز روزه داشته ودر روایت دیکر
بر تو است اعتماد من منقولست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در وقت افطار دست بزانو
مینشستند وچون خوانها را میکذاشتند میکفتند که اَللّٰهُمَّ لَكَ صُمْنَا وَعَلَى رِزْقِكَ اَفْطَرْنَا فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا
خداوندا از برای تو روزه کرفتیم وبر روزی تو روزه کشادیم پس قبول کن انرا از ما
اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ودر احادیث معتبره وارد شده است که حضرت رسالت پناه
بدرستی که تو شنوای دانائی صلی الله علیه واله افطار میکردند بر خرما واب یا بر رطب واب
ودر حدیث دیکر منقولست که انحضرت در وقت افطار ابتدا بحلوا میفرمودند واکر نمییافتند
بنبات یا قند یا خرما افطار میکردند واکر حاضر نبود ماء باب نیم کرم افطار میکردند ومیفرمودند
که اب نیم کرم پاک میکند معده را وقوت میدهد جکر را وبینائی را زیاد میکند وکناهان
را میشوید وعروق را ساکن میکرداند وصفرای غالب را فرو مینشاند وقطع میکند بلغم را و
اطفاء حرارت میکند وصداع را برطرف میکند وایضا از حضرت رسول صلی الله علیه واله
منقولست که هرکه بر خرمای حلالی افطار کند ثواب نمازش چهارصد برابر مضاعف کردد و
از حضرت صادق علیه السلم منقولست که افطار کردن باب کناهان را میشوید ودر حدیث دیکر فرمود

کحضرت امیر المؤمنین دوست میداشت که افطار فرماید بشیر و از حضرت امام رضا علیه السلم
منقولست که هر که در وقت افطار بیك گرده نان تصدق کند بر مسکینی خدا گناهان او را بیامرزد
و ثواب یك بنده آزاد کردن از فرزندان اسمعیل در نامه عمل او نوشته شود و بهترین اعمال
در روزها و شبهای ماه مبارك رمضان تلاوت قرانست و بسیار باید خواند چون قران
در اینماه نازل شده است و در حدیث است که هر چیزی را بهاریست و بهار قران ماه رمضانست
و در ماههای دیگر در ماهی یکختم سنت است و اقلش شش روزاست و در ماه مبارك رمضان
هر سه روز یکختم سنت است و اگر هر روز یکختم تواند خوبست و در حدیث است که بعضی
از ائمه علیهم السلم در اینماه چهل ختم و زیاده میکرده اند و اگر هر ختمی را ثوابش را بروح مقدس امامی
از ائمه علیهم السلم و رسول خدا و فاطمه زهرا صلوات الله علیهما هدیه کند ثوابش مضاعف میگردد و صلوات
بر محمد و آل محمد بسیار باید فرستاد و استغفار بسیار باید کرد و لا اله الا الله بسیار باید گفت و نافلهای
شب و روز را ترك نباید کرد و در شبهای طاق ماه مبارك غسل سنت است خصوصا شب اول
و پانزدهم و هفدهم و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم و در دهه آخر در شبهای جفت نیز
غسل سنت است خصوصا شب آخر و در روایتی وارد شده است که در جمیع ماه در هر شب غسل
مستحبست و بسند معتبر از حضرت صاحب الامر علیه السلم منقولست که بشیعیان نوشتند که در
هر شب ماه مبارك رمضان این دعا را بخوانید که دعای اینماه را ملائکه میشنوند و برای صاحبش استغفار میکنند و دعا اینست اَللّهُمَّ اِنّی اَفْتَتِحُ
خداوندا بدرستی که من ابتدا
الثَّناءَ بِحَمْدِكَ وَاَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوابِ بِمَنِّكَ وَاَيْقَنْتُ اَنَّكَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرّاحِمينَ
ثنا بحمد تو را و تو راهنماینده از برای صواب بمنت تو و یقین کردم که بدرستی که تو تو بخشنده ترین بخشندگانی
فی مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَاَشَدُّ الْمُعاقِبينَ فی مَوْضِعِ النَّكالِ وَالنَّقِمَةِ وَ
در موضع عفو و رحمت و سختترین عقاب کنندگانی در جای عذاب و عقاب و
اَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرينَ فی مَوْضِعِ الْكِبْرِياءِ وَالْعَظَمَةِ اَللّهُمَّ اَذِنْتَ لی فی دُعائِكَ وَمَسْأَلَتِكَ
بزرگترین جبر کنندگانی در جای بزرگی و عظمت خداوندا اذن دادی از برای من در دعا و سؤال کردن از تو
فَاسْمَعْ يا سَميعُ مِدْحَتی وَاَجِبْ يا رَحيمُ دَعْوَتی وَاَقِلْ يا غَفُورُ عَثْرَتی فَكَمْ يا اِلهی
پس بشنو ای شنوای مدح من و اجابت کن ای مهربان دعای مرا و کم کن ای آمرزنده لغزش مرا پس چه بسیار ای الهی

مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَّجْتَها وَهُمُومٍ قَدْ كَشَفْتَها وَعَثْرَةٍ قَدْ اَقَلْتَها وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَها وَحَلْقَةِ بَلاءٍ
از غمها که بتحقیق که برطرف کردی آنرا و همها که بتحقیق که برداشتی آنرا و لغزشها که بتحقیق که در گذشتی آنها را و رحمت که بتحقیق که پهن کردی آنرا و از حلقه بلا
قَدْ فَكَكْتَها اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِی الْمُلْكِ وَ
بتحقیق که شکستی آنرا سپاس خداوندیرا که نگرفته است مصاحبی و نه فرزندی و نمیباشد از برای او شریکی در پادشاهی
لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبيراً اَلْحَمْدُ لِلّهِ بِجَميعِ مَحامِدِهِ كُلِّها عَلی جَميعِ نِعَمِهِ
نمیباشد از برای او یاوری از خواری و تکبیر کن او را تکبیر کردنی سپاس از برای خدا است بهمه حمدها او همه بر همه نعمتهای او
كُلِّها اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی لا مُضادَّ لَهُ فی مُلْكِهِ وَلا مُنازِعَ لَهُ فی اَمْرِهِ اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی
همه سپاس از برای خدائیست که نیست ضدی از برای او در پادشاهی او و نه نزاع کننده از برای او در امر او سپاس از برای خدائیست که
لا شَريكَ لَهُ فی خَلْقِهِ وَلا شَبيهَ لَهُ فی عَظَمَتِهِ اَلْحَمْدُ لِلّهِ الْفاشی فِی الْخَلْقِ اَمْرُهُ
نیست شریکی از برای او در خلق او و نیست شبیهی از برای او در بزرگی او سپاس از برای خدائی که فاشست در خلق امر او
وَحَمْدُهُ الظّاهِرِ بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ الْباسِطِ بِالْجُودِ يَدَهُ الَّذی لا تَنْقُصُ خَزائِنُهُ وَلا
و حمد او هویداست بکرم بزرگی او پهن است ببخشش دست او که کم نمیشود خزینهای او و
تَزيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطاءِ اِلّا جُوداً وَكَرَماً اِنَّهُ هُوَ الْعَزيزُ الْوَهّابُ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ
زیاد نمیکند او را بسیاری عطا مگر جود و کرم بدرستی که او غالب بخشنده است خداوندا بدرستی که سؤال میکنم
قَليلاً مِنْ كَثيرٍ مَعَ حاجَةٍ بی اِلَيْهِ عَظيمَةٍ وَغِناكَ عَنْهُ قَديمٌ وَهُوَ عِنْدی كَثيرٌ
کمی را از بسیار با احتیاج من بسوی او بزرگست و مستغنی بودن تو از آن قدیمست و آن نزد من بسیار است
وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسيرٌ اَللّهُمَّ اِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبی وَتَجاوُزَكَ عَنْ خَطيئَتی وَ
و آن بر تو سهل آسانست خداوندا بدرستی که در گذشتن تو از گناه من و تجاوز تو از خطای من و
صَفْحَكَ عَنْ ظُلْمی وَسَتْرَكَ عَلی قَبيحِ عَمَلی وَحِلْمَكَ عَنْ كَثيرِ جُرْمی عِنْدَ ما كانَ مِنْ
در گذشتن تو از ظلم من و پوشیدن تو بر قبیح عمل من و بردباری تو از بسیاری جرم من نزد آنچه بود از
خَطَئی وَعَمْدی اَطْمَعَنی فی اَنْ اَسْئَلَكَ ما لا اَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ الَّذی رَزَقْتَنی
خطای من و عمد من بطمع انداخت مرا در اینکه سؤال کنم از تو چیزی که مستوجب آن از تو نیستم که روزی کردی مرا
مِنْ رَحْمَتِكَ وَاَرَيْتَنی مِنْ قُدْرَتِكَ وَعَرَّفْتَنی مِنْ اِجابَتِكَ فَصِرْتُ اَدْعُوكَ آمِناً
از رحمت تو و بینا کردی مرا از قدرت خود و شناسا نمودی مرا از اجابت خود در پس گردیدم که میخوانم ترا ایمن

وَاَسْئَلُكَ مُسْتَاْنِسًا لاخائِفًا وَلا وَجِلًا مُدِلًّا عَلَيْكَ فيما قَصَدْتُ فيهِ اِلَيْكَ

وسؤال میکنم ترا انس گیرنده نه خایف ونه ترسان اعتماد کننده بر تو در آنچه قصد کرده‌ام در آن بسوی تو

فَاِنْ اَبْطَاَ عَنّي عَتَبْتُ بِجَهْلي عَلَيْكَ وَلَعَلَّ الَّذي اَبْطَاَ عَنّي هُوَ خَيْرٌ لي لِعِلْمِكَ

پس اگر دیر کند از من بازخواست میکنم بنادانی خود بر تو و شاید که آنچه دیر شده است از من آن بهتر است از برای من بسبب علم تو

بِعاقِبَةِ الْاُمُورِ فَلَمْ اَرَ مَوْلًى كَريمًا اَصْبَرَ عَلى عَبْدٍ لَئيمٍ مِنْكَ عَلَيَّ يا رَبِّ اِنَّكَ تَدْعُوني

بخاتمه کارها پس ندیدم من صاحب کریمی صبر کننده تر بر بنده لئیم از تو بر من ای پروردگار من بدرستیکه تو میخوانی مرا

فَاُوَلّي عَنْكَ وَتَتَحَبَّبُ اِلَيَّ فَاَتَبَغَّضُ اِلَيْكَ وَتَتَوَدَّدُ اِلَيَّ فَلا اَقْبَلُ مِنْكَ كَاَنَّ لِيَ

پس رو گردانیدم از تو و دوستی کردی بسوی من پس بغض داشتم بسوی تو و دوستی کردی بسوی من پس قبول نکردم از تو گویا که از برای من است

التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ فَلَمْ يَمْنَعْكَ ذلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لي وَالْاِحْسانِ اِلَيَّ وَالتَّفَضُّلِ عَلَيَّ

بخشش بر تو پس منع نکرد ترا این از رحمت بمن و احسان بسوی من و تفضل بر من

بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَارْحَمْ عَبْدَكَ الْجاهِلَ وَجُدْ عَلَيْهِ بِفَضْلِ اِحْسانِكَ اِنَّكَ

بجود تو و کرم تو پس رحم کن بنده تو که جاهل است و بخش بر او بفضل و احسان تو بدرستیکه تو

جَوادٌ كَريمٌ اَلْحَمْدُ لِلّهِ مالِكِ الْمُلْكِ مُجْرِي الْفُلْكِ مُسَخِّرِ الرِّياحِ فالِقِ الْاِصْباحِ

بخشنده کریمی سپاس از برای خدای پادشاه ملک جاری کننده کشتی مسخر کننده بادها شکافنده صبحها

دَيّانِ الدّينِ رَبِّ الْعالَمينَ اَلْحَمْدُ لِلّهِ عَلى حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ عَلى عَفْوِهِ

جزا دهنده دین پروردگار عالمیان سپاس از برای خداست بر بردباری او بعد از علم او و سپاس از برای خداست بر عفو او

بَعْدَ قُدْرَتِهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ عَلى طُولِ اَناتِهِ في غَضَبِهِ وَهُوَ قادِرٌ عَلى ما يُريدُ اَلْحَمْدُ لِلّهِ

بعد از قدرت او و حمد از برای خداست بر درازی انات او در غضب او و او قادر است بر آنچه اراده میکند سپاس

خالِقِ الْخَلْقِ باسِطِ الرِّزْقِ فالِقِ الْاِصْباحِ ذِي الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ وَالْفَضْلِ

که خلق کننده مخلوقات پهن کننده روزی شکافنده صبحها صاحب بزرگی و اکرام و فضل

وَالْاِنْعامِ الَّذي بَعُدَ فَلا يُرى وَقَرُبَ فَشَهِدَ النَّجْوى تَبارَكَ وَتَعالى اَلْحَمْدُ لِلّهِ

و نعمتها خدائیکه دور است از نظرها پس دیده نمیشود و نزدیک است پس حاضر است در مشورتها با برکت است و بلند است سپاس از برای

الَّذي لَيْسَ لَهُ مُنازِعٌ يُعادِلُهُ وَلا شَبيهٌ يُشاكِلُهُ وَلا ظَهيرٌ يُعاضِدُهُ قَهَرَ

که نیست از برای او نزاع کننده که برابری کند او را و نیست شبیهی که همشکل او باشد و نیست معینی که همراهی کند او را غالب شد

بِعِزَّتِهِ الْاَعِزّاءَ وَتَواضَعَ لِعَظَمَتِهِ الْعُظَماءُ فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ ما يَشاءُ اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي

بعزت او غلبه کنندگان و فروتنی کرده‌اند از برای بزرگی او بزرگان پس رسید بقدرت او آنچه میخواهد سپاس خداوندی را که

يُجيبُني حينَ اُناديهِ وَيَسْتُرُ عَلَيَّ كُلَّ عَوْرَةٍ وَاَنَا اَعْصيهِ وَيُعَظِّمُ النِّعْمَةَ عَلَيَّ

اجابت میکند مرا وقتی که میخوانم او را و میپوشاند بر من هر عیبها و حال آنکه نافرمانی میکنم او را و بزرگ میکند نعمت را بر من

فَلا اُجازيهِ فَكَمْ مِنْ مَوْهِبَةٍ هَنيئَةٍ قَدْ اَعْطاني وَعَظيمَةٍ مَخُوفَةٍ قَدْ كَفاني وَ

پس شکر نمیکنم او را پس چه بسیار از بخششهای گوارا که بتحقیق عطا کرده مرا و بزرگ ترسناک که بتحقیق کفایت کرده مرا و

بَهْجَةٍ مُونِقَةٍ قَدْ اَراني فَاُثْني عَلَيْهِ حامِدًا وَاَذْكُرُهُ مُسَبِّحًا اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي لا

شادی عجب آورنده بتحقیق که نمود مرا پس ثنا گفتم بر او حمد کننده و یاد میکنم او را تنزیه کننده سپاس خداوندی را که

يُهْتَكُ حِجابُهُ وَلا يُغْلَقُ بابُهُ وَلا يُرَدُّ سائِلُهُ وَلا يُخَيَّبُ امِلُهُ اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي يُؤْمِنُ

دریده نمیشود پرده او و بسته نمیشود در او و رد نمیشود سائل او و ناامید نمیشود امیدوار او سپاس خداوندی را که ایمن میکند

الْخائِفينَ وَيُنَجِّي الصّالِحينَ وَيَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفينَ وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرينَ وَيُهْلِكُ

ترسناکان را و نجات میدهد صالحان را و بلند میکند افتادگان را و میاندازد متکبران را و هلاک میکند

مُلُوكًا وَيَسْتَخْلِفُ اخَرينَ وَالْحَمْدُ لِلّهِ قاصِمِ الْجَبّارينَ مُبيرِ الظّالِمينَ مُدْرِكِ الْهارِبينَ

پادشاهان را و جانشین میکند دیگران را و سپاس خداوندی را که شکننده گردنکشان است هلاک کننده ظالمان است دریابنده گریختگان

نَكالِ الظّالِمينَ صَريخِ الْمُسْتَصْرِخينَ مَوْضِعِ حاجاتِ الطّالِبينَ مُعْتَمَدِ الْمُؤْمِنينَ

عذاب کننده ستمکاران فریادرس فریاد کنندگان جای حاجتهای طلب کنندگان محل اعتماد مؤمنان

اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي مِنْ خَشْيَتِهِ تَرْعَدُ السَّماءُ وَسُكّانُها وَتَرْجُفُ الْاَرْضُ وَعُمّارُها

سپاس مر خداوندی را که از ترس او صدا میکند آسمانها و ساکنان آن و حرکت میکند زمینها و ساکنان آن

وَتَمُوجُ الْبِحارُ وَمَنْ يَسْبَحُ في غَمَراتِها اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي هَدانا لِهذا وَما كُنّا لِنَهْتَدِيَ

و جوش میزند دریاها و کسی که شنا میکند در میان آن سپاس خداوندی را که هدایت نمود ما را از برای این و نبودیم ما که راه یابیم

لَوْلا اَنْ هَدانَا اللّهُ اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي يَخْلُقُ وَلَمْ يُخْلَقْ وَيَرْزُقُ وَلا يُرْزَقُ وَيُطْعِمُ

اگر هدایت نمیکرد ما را خدا سپاس خداوندی را که خلق میکند و مخلوق نشده و روزی میدهد و روزی داده نشده و طعام میدهد

وَلا يُطْعَمُ وَيُميتُ الْاَحْياءَ وَيُحْيِي الْمَوْتى وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلى كُلِّ

و طعام داده نشده و میمیراند زندگان را و زنده میکند مردها را و او است زنده که نمیمیرد بدست اوست خیر و او بر همه

بلا

ويرحم

الذي

شیءٍ قدیرٌ اللهم صلّ على محمدٍ عبدك ورسولك وامينك وصفيّك وحبيبك وخيرتك

چیز قادری است خداوندا درود فرست بر محمد بنده تو و رسول تو و امین تو و برگزیده تو و دوست تو و برگزیده تو

من خلقك وحافظ سرّك ومبلّغ رسالاتك افضل واحسن واجمل واكمل وازكى

از خلق تو و محافظت کننده سر تو و رساننده رسالتهای تو بهتر و نکوتر و زیباتر و کاملتر و پاکیزه‌تر

وانمى واطيب واطهر واسنى واكثر ما صلّيت وباركت وترحّمت وتحنّنت وسلّمت

و نموکننده‌تر و بالاتر و خوشبوتر و پاکیزه‌تر و بلندتر و بیشتر آنچه درود فرستاده و مبارک گردانیده و ترحم کرده و بخشش کرده و سلام کرده

على احدٍ من عبادك وانبيائك ورسلك وصفوتك واهل الكرامة عليك من خلقك

بر یکی از بندگان خود و پیغمبران خود و رسولان خود و برگزیدگان خود و اهل کرامت خود بر تو از خلق تو

اللهم صلّ على عليٍّ اميرالمؤمنين ووصيّ رسول ربّ العالمين عبدك ووليّك

خداوندا درود فرست بر علی امیرالمؤمنین و جانشین رسول پروردگار عالمیان بنده تو و دوست تو

واخى رسولك وحجّتك على خلقك وآيتك الكبرى والنبإ العظيم وصلّ على

و برادر رسول تو و حجت تو بر خلق تو و نشانه تو که بزرگست و خبر کننده بزرگ و درود فرست

الصدّيقة الطاهرة فاطمة سيّدة نساء العالمين وصلّ على سبطي الرحمة

راست گوی پاک فاطمه بزرگ زنان عالمیان و درود فرست بر دو سبط رحمت

وامامي الهدى الحسن والحسين سيّدي شباب اهل الجنّة وصلّ على ائمة

و دو امام راهنما حسن و حسین دو بزرگ جوانان اهل بهشت و درود فرست بر پیشوایان

المسلمين عليّ بن الحسين ومحمّد بن عليّ وجعفر بن محمّد وموسى بن جعفر وعليّ بن موسى

مسلمانان علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی

ومحمّد بن عليّ وعليّ بن محمّد والحسن بن عليّ والخلف الهادي المهديّ حججك

و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و خلف هدایت کننده هدایت یافته حجتهای تو

على عبادك وامنائك في بلادك صلوةً كثيرةً دائمةً اللهم وصلّ على

بر بندگان تو و امینان تو در شهرهای درود فراوان همیشگی خداوندا و درود فرست بر

وليّ امرك القائم المؤمّل والعدل المنتظر وحفّه بملائكتك المقرّبين

وکیل کارهای تو قائم امید داشته و عادل انتظار کشیده و بپوشان او را به فرشتگان مقرب خود

وايّده بروح القدس يا ربّ العالمين اللهم اجعله الداعي الى كتابك والقائم

و تایید کن او را به روح القدس ای پروردگار عالمیان خداوندا بگردان او را داعی بسوی کتاب خود و قایم

بدينك استخلفه في الارض كما استخلفت الذين من قبله مكّن له دينه الذي

بدین خود خلیفه کن او را در زمین همچنانکه خلیفه کرده آنکسانرا که پیش از او بودند و تمکین ده از برای او دین او را که

ارتضيته له ابدله من بعد خوفه امناً يعبدك لا يشرك بك شيئاً اللهم اعزّه

پسندیده تو آنرا از برای او بدل کن از برای او بعد از ترس او ایمنی را که پرستش کند ترا شریک نکند با تو چیزی را خداوندا غلبه ده او را

واعزز به وانصره وانتصر به وانصره نصراً عزيزاً وافتح له فتحاً يسيراً واجعل

و غلبه ده بسبب او و یاری کن او را و یاری ده بسبب او و یاری کن او را یاری غالب و بگشا از برای او گشادن آسان و بگردان

له من لدنك سلطاناً نصيراً اللهم اظهر به دينك وسنّة نبيّك حتّى

از برای او از نزد خود پادشاه یاری کرده شده خداوندا ظاهر کردان باو دین خود را و طریقه پیغمبر خود را تا

لا يستخفي بشيءٍ من الحقّ مخافة احدٍ من الخلق اللهم انّا نرغب اليك في

پوشیده نماند چیزی از حق از ترس احدی از خلق خداوندا ما رغبت میکنیم بسوی تو در

دولةٍ كريمةٍ تعزّ بها الاسلام واهله وتذلّ بها النفاق واهله وتجعلنا

پادشاهی بزرگ که غلبه دهی با آن اسلام و اهل آن را و خوار کنی با آن نفاق و اهل آنرا و گردانی ما را

فيها من الدعاة الى طاعتك والقادة الى سبيلك وترزقنا بها كرامة

در آن دولت از خوانندگان بسوی طاعت تو و کشیده شده بسوی راه تو و روزی کنی ما را با آن کرامت

الدنيا والآخرة اللهم ما عرّفتنا من الحقّ فحمّلناه وما قصرنا عنه فبلّغناه

دنیا و آخرت خداوندا آنچه شناسانیدی ما را از حق پس شکیبا گردان ما را و آنچه کوتاهی کردیم ما از آن پس برسان ما را بآن

اللهم المم به شعثنا واشعب به صدعنا وارتق به فتقنا وكثّر به قلّتنا

خداوندا جمع کن بسبب او پراکندگی ما را و جمع کن بسبب او پراکندگی ما را و وصل کن بسبب او پارگیهای ما را و بسیار کن باو کمی ما را

واعزز به ذلّتنا واغن به عائلنا واقض به عن مغرمنا واجبر به فقرنا و

و غالب گردان بسبب او خواری ما را و غنی گردان بسبب او درویشی ما را و قضا کن بسبب او قرض ما را و بسته کن بسبب او احتیاج ما را و

سدّ به خلّتنا ويسّر به عسرنا وبيّض به وجوهنا وفكّ به اسرنا وانجح

ببند بسبب او حاجتهای ما را و آسان کن بسبب او دشواری ما را و سفید کن بسبب او روهای ما را و آزاد کن بسبب او اسیر ما را و برآور

بِهِ طَلِبَتَنا وَاَنْجِزْ بِهِ مَواعيدَنا وَاسْتَجِبْ بِهِ دَعْوَتَنا وَاَعْطِنا بِهِ سُؤْلَنا وَبَلِّغْنا بِهِ

بسبب او مطلوب ما را و جزم کن بسبب او وعدهای ما را و اجابت کن باو دعاهای ما را و عطا کن ما را باو سؤالهای ما را و برسان ما را باو

مِنَ الدُّنْيا وَالْاخِرَةِ امالَنا وَاَعْطِنا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنا يا خَيْرَ الْمَسْؤُولينَ وَاَوْسَعَ

از دنیا و آخرت بآرزوهای ما و ببخش بما بسبب او فوق بهرهٔ ما ای بهترین سؤال کرده شدها و فراختر

الْمُعْطينَ اِشْفِ بِهِ صُدُورَنا وَاَذْهِبْ بِهِ غَيْظَ قُلُوبِنا وَاهْدِنا بِهِ لِمَا اخْتُلِفَ

بخشندها شفا ده بسبب او سینهای ما و ببر بسبب او خشم دلهای ما و هدایت کن ما را باو از آنچه اختلاف شده

فيهِ مِنَ الْحَقِّ بِاِذْنِكَ اِنَّكَ تَهْدى مَنْ تَشاءُ اِلى صِراطٍ مُسْتَقيمٍ وَانْصُرْنا بِهِ

درو از حق باذن تو بدرستی که تو هدایت میکنی کسی را که میخواهی بسوی راه راست و یاری کن ما را بسبب او

عَلى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّنا اِلهَ الْحَقِّ امينَ اَللّهُمَّ اِنّا نَشْكُوا اِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنا

بر دشمن تو و دشمن ما خدای بحق اجابت کن خداوندا بدرستی که ما شکایت میکنیم بسوی تو پنهان بودن پیغمبر ما را

صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَالِهِ وَغَيْبَةَ وَلِيِّنا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنا وَقِلَّةَ عَدَدِنا وَشِدَّةَ

درود تو بر او و آل او و غایب بودن امام ما را و بسیاری دشمنان ما را و کمی عدد ما را و سختی

الْفِتَنِ بِنا وَتَظاهُرَ الزَّمانِ عَلَيْنا فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِهِ وَاَعِنّا عَلى ذلِكَ بِفَتْحٍ

فتنها و بر گردیدن زمان بر ما پس درود فرست بر محمد و آل او و یاری کن ما را بر این بگشایشی

تُعَجِّلُهُ وَبِضُرٍّ تَكْشِفُهُ وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ وَسُلْطانِ حَقٍّ تُظْهِرُهُ وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُناها

که تعجیل کنی آنرا و بدی که برطرف کنی آنرا و یاری که غالب کنی آنرا و پادشاه حقی که ظاهر کنی آنرا و رحمت از تو که بپوشانی ما را

وَعافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُناها بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ و بسند بسیار معتبر بلکه صحیح

و عافیتی از تو که بپوشانی ما را برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

منقولست که در هر شب ماه مبارک ایندعارا بخوانند از حضرت صادق علیه السلام اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ فيما تَقْضى وَتُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ

خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو آنکه بگردانی در آنچه حکم کرده و تقدیر کرده از امر

الْمَحْتُومِ وَفِى الْاَمْرِ الْحَكيمِ مِنَ الْقَضاءِ الَّذى لا يُرَدُّ وَلا يُبَدَّلُ اَنْ تَكْتُبَنى مِنْ

محتوم و در امر حکیم محکم از حکمی که رد نمیشود و تبدیل نمییابد آنکه بنویسی مرا از

حُجّاجِ بَيْتِكَ الْحَرامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْ

حاجیان خانهٔ تو که حج ایشان مقبول شده حج ایشان مشکور شده سعی ایشان آمرزیده شده گناهان ایشان پوشیده شده از

سَيِّئاتِهِمْ وَاَنْ تَجْعَلَ فيما تَقْضى وَتُقَدِّرُ اَنْ تُطيلَ عُمْرى فى خَيْرٍ وَعافِيَةٍ وَتُوَسِّعَ فى

بدیهای ایشان و آنکه بگردانی در آنچه حکم کرده و تقدیر کرده آنکه طولانی کنی عمر مرا در خیر و عافیت و توسعه دهی در

رِزْقى وَتَجْعَلَنى مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدينِكَ وَلا تَسْتَبْدِلْ بى غَيْرى و ایندعا عالیة المضامین نیز در

روزی من و بگردانی مرا از کسی که یاری دهی باو دین خود را و بدل مکن بمن غیر مرا

هر شب وارد اَللّهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِى الصّالِحينَ فَاَدْخِلْنا وَفى عِلِّيّينَ فَارْفَعْنا وَ

شده است خداوندا برحمت خود در زمرهٔ صالحان پس داخل کن ما را و در اعلا علیین پس بلند کن ما را و

بِكَاْسٍ مِنْ مَعينٍ مِنْ عَيْنٍ سَلْسَبيلٍ فَاسْقِنا وَمِنَ الْحُورِ الْعينِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنا

بجام از معین از چشمهٔ سلسبیل پس بیاشامان ما را و از حور العین برحمت خود پس تزویج کن ما را

وَمِنَ الْوِلْدانِ الْمُخَلَّدينَ كَاَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ فَاَخْدِمْنا وَمِنْ ثِمارِ الْجَنَّةِ وَلُحُومِ

و از همیشه پسران همچنین که گویا ایشان مروارید پوشیده شده اند پس خادم ما کن و از میوهای بهشت و گوشت

الطَّيْرِ فَاَطْعِمْنا وَمِنْ ثِيابِ السُّنْدُسِ وَالْحَريرِ وَالْاِسْتَبْرَقِ فَاَلْبِسْنا وَلَيْلَةَ

مرغ پس اطعام کن ما را و از جامهای سندس و حریر و استبرق پس بپوشان ما را و شب

الْقَدْرِ وَحَجَّ بَيْتِكَ الْحَرامِ فَارْزُقْنا وَقَتْلاً فى سَبيلِكَ فَوَفِّقْ لَنا وَصالِحَ الدُّعاءِ

قدر و حج بیت الله الحرام پس روزی کن ما را و کشته شدن در راه تو پس توفیق کن ما را و صالح دعا

وَالْمَسْئَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنا وَاِذا جَمَعْتَ الْاَوَّلينَ وَالْاخِرينَ يَوْمَ الْقِيمَةِ فَارْحَمْنا وَ

و مسئلت پس اجابت کن از برای ما و هرگاه جمع شوند اولین و آخرین روز قیامت پس رحم کن ما را

بَراءَةً مِنَ النّارِ فَاكْتُبْ لَنا وَفى جَهَنَّمَ فَلا تَغُلَّنا وَفى عَذابِكَ وَهَوانِكَ فَلا تَبْتَلِنا

برائت از آتش پس بنویس از برای ما و در جهنم پس زنجیر مکن ما را و در عذاب خود و خواری خود پس مبتلا مکن ما را

وَمِنَ الزَّقُّومِ وَالضَّريعِ فَلا تُطْعِمْنا وَمَعَ الشَّياطينِ فَلا تَجْعَلْنا وَفِى النّارِ عَلى

و از زقوم و ضریع پس اطعام مکن ما را و با شیاطین پس مگردان ما را و در آتش بر

وُجُوهِنا فَلا تَكْبُبْنا وَمِنْ ثِيابِ النّارِ وَسَرابيلِ الْقَطِرانِ فَلا تُلْبِسْنا وَمِنْ كُلِّ

روی ما پس میفکن ما را و از جامهای آتش و جامهای قطران سیاه پس مپوشان ما را و از هر

سُوءٍ يا لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ بِحَقِّ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ فَنَجِّنا و اما دعاهای سحر بسند بسیار

بدی ای آنکه نیست خدای بحق بحق لا اله الا انت پس نجات ده ما را معتبر وارد شده است که حضرت

امام رضا علیه السلام فرمود که این دعائیست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام در سحرها میخواندند و میفرمودند که
اگر مردم بدانند عظمت این دعا را نزد خدا و سرعت اجابت انرا هر آینه بشمشیر برای طلب این دعا با
یکدیگر قتال کنند و اگر سوگند یاد کنم که اسم اعظم خدا در این دعاست راست گفته ام پس چون
این دعا را بخوانید با اهتمام تمام و تضرع بخوانید و از غیر اهلش پنهان دارید و دعا اینست
اللهم انی اسئلک من بهائک بابهاه وکل بهائک بهی اللهم انی اسئلک ببهائک
خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا از زیبایی تو بزیباترین زیبا و همه زیبایی تو زیباست خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بزیبایی تو
کله اللهم انی اسئلک من جمالک باجمله وکل جمالک جمیل اللهم انی اسئلک
همه خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا از خوبی تو بخوبترین خوبی و همه خوبی تو خوبست خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا
بجمالک کله اللهم انی اسئلک من جلالک باجله وکل جلالک جلیل اللهم
بخوبی تو همه خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا از بزرگی تو ببزرگترین بزرگی تو و همه بزرگی تو بزرگست خداوندا
انی اسئلک بجلالک کله اللهم انی اسئلک من عظمتک باعظمها وکل
بدرستی که سوال میکنم ترا ببزرگی تو همه خداوندا سوال میکنم ترا از بزرگی تو ببزرگترین بزرگی و همه
عظمتک عظیمة اللهم انی اسئلک بعظمتک کلها اللهم انی اسئلک من
بزرگی تو بزرگست خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا ببزرگی تو همه خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا از
نورک بانوره وکل نورک نیر اللهم انی اسئلک بنورک کله اللهم انی
نور تو بانورترین نور و همه نور تو روشن است خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بنور تو همه خداوندا بدرستی
اسئلک من رحمتک باوسعها وکل رحمتک واسعة اللهم انی اسئلک برحمتک
سوال میکنم ترا از رحمت تو بکشاده ترین رحمت [illegible] است خداوندا بدرستی که سوال میکنم
کلها اللهم انی اسئلک من کلماتک باتمها وکل کلماتک تامة اللهم انی اسئلک
همه خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا از کلمات تو بتمامترین کلمها و همه کلمهای تو تامست خداوندا بدرستی که سوال میکنم
بکلماتک کلها اللهم انی اسئلک من کمالک باکمله وکل کمالک کامل اللهم انی
بکلمات تو همه خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا از کمال تو بکاملترین کمالها و همه کمال تو کاملست خداوندا بدرستی که
اسئلک بکمالک کله اللهم انی اسئلک من اسمائک باکبرها وکل اسمائک
سوال میکنم ترا بکمال تو همه خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا از نامهای تو ببزرگترین نامها و همه نامهای تو

الله

کبیرة اللهم انی اسئلک باسمائک کلها اللهم انی اسئلک من عزتک باعزها
بزرگست خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بنامهای تو همه خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا از عزت تو بعزیزترین عزتها
وکل عزتک عزیزة اللهم انی اسئلک بعزتک کلها اللهم انی اسئلک
و همه عزت تو عزیزست خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بعزت تو همه خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا
من مشیتک بامضاها وکل مشیتک ماضیة اللهم انی اسئلک بمشیتک
از مشیت تو بجاری ترین مشیتها و همه مشیت تو جاریست خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بمشیت تو
کلها اللهم انی اسئلک من قدرتک بالقدرة التی استطلت بها علی
همه خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا از قدرت تو بقدرتی که احاطه کرده بان بر
کل شیء وکل قدرتک مستطیلة اللهم انی اسئلک بقدرتک کلها اللهم
همه چیز و همه قدرت تو محیط است خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بقدرت تو همه خداوندا
انی اسئلک من علمک بانفذه وکل علمک نافذ اللهم انی اسئلک بعلمک
بدرستی که سوال میکنم ترا از علم تو بنافذترین علمها و همه علم تو نافذست خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بعلم تو
کله اللهم انی اسئلک من قولک بارضاه وکل قولک رضی اللهم
همه خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا از قول تو بپسندیده ترین قولها و همه قول تو پسندیده است خداوندا
انی اسئلک بقولک کله اللهم انی اسئلک من مسائلک باحبها الیک
بدرستی که سوال میکنم ترا بقول تو همه خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا از مسائل تو بمحبوبترین مسئلها در نزد
وکل مسائلک الیک حبیبة اللهم انی اسئلک بمسائلک کلها اللهم
تو و همه مسئلها بسوی تو دوست است خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بمسائل تو همه خداوندا
انی اسئلک من شرفک باشرفه وکل شرفک شریف اللهم انی اسئلک بشرفک
بدرستی که سوال میکنم ترا از شرف تو بشریفترین شرفها و همه شرف تو شریفست خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بشرف
کله اللهم انی اسئلک من سلطانک بادومه وکل سلطانک دائم اللهم
همه خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا از سلطنت تو بدائم ترین سلطنتها و همه سلطنت تو دائمست خداوندا
انی اسئلک بسلطانک کله اللهم انی اسئلک من ملکک بافخره وکل
بدرستی که سوال میکنم ترا بسلطنت تو همه خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا از ملک تو بفاخرترین ملکها و

وکلها

جناب علی ابن موسی الرضا علیه السلام

مُلْكِكَ فاخِرٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ عُلُوِّكَ بِاَعْلاهُ

ملک تو فاخر است خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بملک تو همه خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا از بلندی تو ببلندترینها

وَكُلُّ عُلُوِّكَ عالٍ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِعُلُوِّكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ مَنِّكَ

و همه بلندی تو بلند است خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا ببلندی تو همه خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا از منت تو

بِاَقْدَمِهِ وَكُلُّ مَنِّكَ قَديمٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِمَنِّكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ

بقدیم‌ترینها و همه منت تو قدیمست خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بمنت تو همه خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا از

آياتِكَ بِاَكْرَمِها وَكُلُّ آياتِكَ كَريمَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِآياتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّي

نشانهای تو بگرامی‌ترین نشانها و همه نشانهای تو بزرگست خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بنشانهای تو همه خداوندا بدرستی

اَسْئَلُكَ بِما اَنْتَ فيهِ مِنَ الشَّأْنِ وَالْجَبَرُوتِ وَاَسْئَلُكَ بِكُلِّ شَأْنٍ وَحْدَهُ وَجَبَرُوتٍ

که سوال میکنم ترا بانچه تو در اوئی از شان و جبروت و سوال میکنم ترا بهر شان بتنهایی و بهر جبروت

وَحْدَها اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِما تُجيبُني حينَ اَسْئَلُكَ فَاَجِبْني يا اَللّٰهُ پس هر

بتنهایی و خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بانچه اجابت کنی مرا وقتی که سوال میکنم ترا پس اجابت کن مرا ای خدا حاجتکه

خواهد از خدا بطلبد که البته برآورده است و از جملهٔ ادعیهٔ مشهورهٔ سحر دعائیست که شیخ طوسی رحمه الله و دیگران از ابو حمزه ثمالی روایت کرده اند که حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه در شبهای ماه مبارک رمضان اکثر شب را نماز میکردند و چون سحر میشد این دعا را میخواندند

اِلٰهي لا تُؤَدِّبْني بِعُقُوبَتِكَ وَلا تَمْكُرْ بي

خدای من تادیب مکن مرا بعقوبتهای خود و مکر مکن با من

في حيلَتِكَ مِنْ اَيْنَ لِيَ الْخَيْرُ يا رَبِّ وَلا يُوجَدُ اِلّا مِنْ عِنْدِكَ وَمِنْ اَيْنَ لِيَ النَّجاةُ وَلا

در مکر خود از کجاست از برای من خیر ای پروردگار و یافته نمیشود مگر از پیش تو و از کجاست از برای من نجات و نمیتواند

تُسْتَطاعُ اِلّا بِكَ لا الَّذي اَحْسَنَ اسْتَغْنى عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ وَلا الَّذي

توانائی مگر بتو نیست آنکه نیکوئی کرد استغنای از یاری تو و رحمت ترا و نه آنکه

اَساءَ وَاجْتَرَءَ عَلَيْكَ وَلَمْ يُرْضِكَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ

بد کرده و جرات نموده بر تو و راضی نکرده ترا بیرون رفته از قدرت تو ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار

انقدر بگوید که بِكَ عَرَفْتُكَ وَاَنْتَ دَلَلْتَني عَلَيْكَ وَدَعَوْتَني اِلَيْكَ وَلَوْلا اَنْتَ

نفس منقطع شود بتو شناختم ترا و تو راهنمائی کردی مرا بر خود و خواندی مرا بسوی خود و اگر نمیبودی تو

لَمْ اَدْرِ ما اَنْتَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي اَدْعُوهُ فَيُجيبُني وَاِنْ كُنْتُ بَطيئاً حينَ يَدْعُوني وَ

نمیدانستم که کیستی تو سپاس خداوندی را که میخوانم او را پس اجابت میکند مرا و هرچند باشم من کاهل وقتی که میخواند مرا و

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي اَسْئَلُهُ فَيُعْطيني وَاِنْ كُنْتُ بَخيلاً حينَ يَسْتَقْرِضُني وَالْحَمْدُ

سپاس مر خداوندی را که سوال میکنم او را پس عطا میکند مرا و هرچند باشم بخیل وقتی که طلب کند قرض از من و سپاس

لِلّٰهِ الَّذي اُناديهِ كُلَّما شِئْتُ لِحاجَتي وَاَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ لِسِرّي بِغَيْرِ شَفيعٍ فَيَقْضي

مر خداوندی را که میخوانم او را هر وقت میخواهم از برای حاجت خود و خلوت میکنم با او هر وقت خواهم از برای راز خود بی واسطه پس برآورد

لي حاجَتي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي اَدْعُوهُ وَلا اَدْعُو غَيْرَهُ وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لي دُعائي

از برای من حاجت مرا و سپاس خدای را که میخوانم او را و نمیخوانم غیر او را و اگر بخوانم غیر او را مستجاب نمیکند از برای من دعای مرا

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي اَرْجُوهُ وَلا اَرْجُو غَيْرَهُ وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَاَخْلَفَ رَجائي وَالْحَمْدُ

و سپاس مر خدایی را که امید دارم او را و امید ندارم از غیر او و اگر امید میداشتم از غیر او هر اینه خلاف میکرد امید مرا و سپاس

لِلّٰهِ الَّذي وَكَلَني اِلَيْهِ فَاَكْرَمَني وَلَمْ يَكِلْني اِلَى النّاسِ فَيُهينُوني وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي

مر خدائی را که واگذاشت مرا بسوی خود پس گرامی داشت مرا و وانگذاشت بسوی مردمان پس خوار کنند مرا و سپاس مر خدائی را که

تَحَبَّبَ اِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنّي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي يَحْلُمُ عَنّي حَتّى كَاَنّي لا ذَنْبَ لي

دوستی کرده بسوی من و او از من غنی است و سپاس مر خدائی را که درمیگذرد از من تا آنکه گویا من نیست گناهی از برای من

فَرَبّي اَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدي وَاَحَقُّ بِحَمْدي اَللّٰهُمَّ اِنّي اَجِدُ سُبُلَ الْمَطالِبِ اِلَيْكَ

پس پروردگار من ستوده‌ترین چیزهاست نزد من و سزاوارتر است بحمد من خداوندا بدرستی که مییابم راههای مطلبها را بسوی تو

مُشْرَعَةً وَمَناهِلَ الرَّجاءِ اِلَيْكَ مُتْرَعَةً وَالْاِسْتِعانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ اَمَّلَكَ مُباحَةً

گشاده و مکانهای امیدها را بسوی تو پر و یاری جستن را بفضل تو از برای کسی که امیدوار است بتو مباح

وَاَبْوابَ الدُّعاءِ اِلَيْكَ لِلصّارِخينَ مَفْتُوحَةً وَاَعْلَمُ اَنَّكَ لِلرّاجي بِمَوْضِعِ اِجابَةٍ

و درهای دعا را بسوی تو از برای استغاثه کنندگان گشاده و میدانم بدرستی که تو از برای امیدوارنده در مقام اجابتی

وَلِلْمَلْهُوفينَ بِمَرْصَدِ اِغاثَةٍ وَاَنَّ فِي اللَّهْفِ اِلى جُودِكَ وَالرِّضا بِقَضائِكَ عِوَضاً

و از برای ظلم رسیدگان در مکان فریادرسی و بدرستی که در مظلوم بودن بسوی جود تو و راضی بودن بحکم تو از برای عوض

عَنْ مَنْعِ الْباخِلينَ وَمَنْدُوحَةً عَمّا في اَيْدِي الْمُسْتَاْثِرينَ وَاَنَّ الرّاحِلَ اِلَيْكَ قَريبُ

از منع بخیلان و وسعت از آنچه در دست اختیار کنندگان است و بدرستی که راه رونده بسوی تو نزدیک است

لدیک

للراجین

من

المسافة وانك لا تحتجب عن خلقك الا ان تحجبهم الآمال دونك وقد قصدت

مسافت او وبراستی که تو پنهان نیستی از خلق خود مگر آنکه بپوشد ایشان را عملها نزد تو وبتحقیق متوجه شدم

اليك بطلبتي وتوجهت اليك بحاجتي وجعلت بك استغاثتي وبدعائك

بسوی تو بطلب خودم و روآوردم بسوی تو بحاجت خود وگردانیدم بتو فریاد رسی خود را و بخواندن تو

توسلي من غير استحقاق لاستماعك مني ولا استيجاب لعفوك عني بل لثقتي

چنگ زدن خود را از غیر استحقاق مر شنیدن تو از من ونه اجابت کردن بعفو تو از من بلکه اعتمادی

بكرمك وسكوني الى صدق وعدك ولجائي الى الايمان بتوحيدك و

بکرم تو وساکن بودن من بسوی راستی وعده تو وپناه بردن من بسوی ایمان بیکانگی تو و

يقيني بمعرفتك مني ان لا رب لي غيرك ولا اله الا انت وحدك لا شريك لك

یقین من بشناخت تو از من اینکه نیست پروردگاری از برای من غیر تو ونیست خدائی بجز تو تنها یی تو نیست شریکی از برای تو

اللهم انت القائل وقولك حق ووعدك صدق واسئلوا الله من فضله

خداوندا تو گوینده وگفتن تو حق است ووعده تو راست است وسؤال کنید از خدا از فضل او

ان الله كان بكم رحيما وليس من صفاتك يا سيدي ان تامر بالسؤال و

بدرستی که خدا هست بشما رحم کننده ونیست از صفات تو ای آقای من اینکه امر کنی بسؤال کردن و

تمنع العطية وانت المنان بالعطيات على اهل مملكتك والعائد عليهم

منع کنی بخشش را وتوئی منت گذارنده ببخششها بر اهل مملکت خود وعاید شونده بر ایشان

بتحنن رافتك الهي ربيتني في نعمك واحسانك صغيرا ونوهت باسمي

بعطا کردن مهربانی خود خدای من پرورش دادی مرا در نعمتهای خود واحسان خود در حالت کوچکی وشهرت دادی بنام من

كبيرا فيا من رباني في الدنيا باحسانه وتفضله ونعمه واشار لي في الآخرة

در حالت بزرگی پس ای کسی که تربیت کرد مرا در دنیا باحسان خود وتفضل خود ونعمتهای خود واشاره کرد از برای من در آخرت

الى عفوه وكرمه معرفتي يا مولاي دليلي عليك وحبي لك شفيعي اليك وانا

بسوی عفو خود وکرم خود معرفت من ای آقای من راهنمای من است بر تو ودوستی من از برای تو شفیع من است بسوی تو ومن

واثق من دليلي بدلالتك وساكن من شفيعي الى شفاعتك ادعوك يا سيدي

اعتماد کننده ام از راهنمای خودم براهنمائی تو وساکنم از شفیع خودم بسوی شفاعت تو میخوانم ترا ای آقای من

الآمال

نقيض

دليلي

بلسان قد اخرسه ذنبه رب اناجيك بقلب قد اوبقه جرمه ادعوك يا

بزبانی که بتحقیق لال کرده او را گناهان او پروردگارا راز گویم ترا بدلی که بتحقیق هلاک کرده او را گناه او میخوانم ترا ای

رب راهبا راغبا راجيا خائفا اذا رايت مولاي ذنوبي فزعت واذا

پروردگار من ترسان رغبت کننده امیدوارنده خائف هرگاه ببینم ای آقای من گناهان خود را زاری میکنم وهرگاه

رايت كرمك طمعت فان عفوت فخير راحم وان عذبت فغير ظالم حجتي

میبینم کرم تو را بطمع می افتم پس اگر در گذری تو پس بهترین رحم کننده واگر عذاب کنی پس نیستی ستم کننده حجت من

يا الله في جرائتي على مسئلتك مع اتياني ما تكره جودك وكرمك و

ای خدا در جرات من بر سؤال کردن از تو با آمدن من آنچه را مکروه میداری جود تو وبخشش تو است و

عدتي في شدتي مع قلة حيائي رافتك ورحمتك وقد رجوت ان لا

فریادرس من در سختی من با کمی حیای من مهربانی تو ورحمت تو است وبتحقیق که امید دارم اینکه

تخيب بين ذين وذين منيتي فحقق رجائي واسمع دعائي يا خير من دعاه

نومید نکنی میان این وآن آرزوی مرا پس محقق کن امید مرا وبشنو دعای مرا ای بهتر کسی که بخواندش

داع وافضل من رجاه راج عظم يا سيدي املي وساء عملي فاعطني من

خواننده وفاضل تر کسی که امید دارد او را امید دارنده بزرگ است ای آقای من آرزوی من وبدست عمل من پس عطا کن مرا از

عفوك بمقدار املي ولا تؤاخذني باسوء عملي فان كرمك يجل عن مجازاة

عفو خود بمقدار آرزوی من ومؤاخذه مکن مرا ببدی عمل من پس بدرستی که کرم تو بزرگتر است از مکافات

المذنبين وحلمك يكبر عن مكافات المقصرين وانا يا سيدي عائذ بفضلك

گناهکاران وبردباری تو بزرگتر است از پاداشت تقصیر کنندگان ومن ای آقای من پناه برنده بفضل تو

هارب منك اليك متنجز ما وعدت من الصفح عمن احسن بك ظنا

گریزانم از تو بسوی تو خواهانم انجاز وعده داده تو از درگذشتن از کسی که نیکو کرده است بتو گمان

وما انا يا رب وما خطري هبني بفضلك وتصدق علي بعفوك اي رب

وچیستم من ای پروردگار من وچیست خطر من ببخش مرا بفضل خود وتصدق کن بر من بعفو خود ای پروردگار

جللني بسترك واعف عن توبيخي بكرم وجهك فلو اطلع اليوم على ذنبي غيرك

بپوشان مرا بستر خود ودرگذر از سرزنش من بکرم ذات مقدس خود پس اگر مطلع شود امروز بر گناه من غیر تو

غفرت

فصل على محمد وآل محمد

وحكمك

مستنجز

يا ذو

شرك

مافعلته ولو خفت تعجيل العقوبة لاجتنبته لا لانك اهون الناظرين الىّ

ملتیم منکه بکنم اورا واکر بترسم تعجیل عقوبت را هراینه دوری کنم ازآن نه ازجهت آنکه تو سست ترین نظر کنندکانی بسوی من

واخف المطلعين علىّ بل لانك يا رب خير الساترين واحكم الحاكمين واكرم

وسبکترین خبرداران بر من بلکه ازجهت آنکه تو ای پروردکار من بهترین پوشانندکانی وحکم کننده ترین حکم کنندکانی وکریم ترین

الاكرمين يا ستار العيوب غفار الذنوب علام الغيوب تستر الذنب بكرمك

کریمانی ای پوشاننده عیبها آمرزنده کناهان داننده پنهانها پنهان میکنی کناه را بکرم خود

وتؤخر العقوبة بحلمك فلك الحمد على حلمك بعد علمك وعلى عفوك بعد

وتاخیر میاندازی عقوبت را ببردباری خود پس از برای تست حمد بر بردباری تو بعد علم تو و بر عفو تو بعد از

قدرتك وتحملني ويجرّئني على معصيتك حلمك عنّي ويدعوني الى قلة الحياء

قدرت تو وسوار کرد مرا وجرأت داد مرا بر نافرمانی تو بردباری تو از من ومیخواند مرا بسوی کمی حیا

سترك علىّ ويسرعني الى التوثب على محارمك معرفتي بسعة رحمتك و

پوشیدن تو بر من وشتاب میدهد مرا بسوی جستن بر حرامهای تو معرفت من بکشادکی رحمت تو و

عظيم عفوك يا عظيم يا حليم يا كريم يا حىّ يا قيوم يا غافر الذنب يا قابل

بزرکی عفو تو ای بزرک ای بردبار ای بخشنده ای زنده ای دایم ای آمرزنده کناه ای قبول کننده

التوب يا عظيم المنّ يا قديم الاحسان اين سترك الجميل اين عفوك

توبه ای بزرک منت ای قدیم احسان کجاست پوشیدن تو که نیکوست کجاست عفو تو

الجليل اين فرجك القريب اين غياثك السريع اين رحمتك الواسعة

که بزرکست کجاست کشادکی تو که نزدیکست کجاست فریادرسی تو که سریعست کجاست رحمت تو که کشاده است

اين عطاياك الفاضلة اين مواهبك الهنيئة اين صنائعك السنية

کجاست بخششهای تو که زیادتست کجاست بخششهای تو که کواراست کجاست صنعهای تو که پسندیده است

اين فضلك العظيم اين منك الجسيم اين احسانك القديم اين كرمك يا

کجاست فضل تو که بزرکست کجاست منت تو که بزرکست کجاست احسان تو که قدیمست کجاست کرم تو ای

كريم به وبمحمد وال محمد فاستنقذني وبرحمتك فخلصني يا محسن يا مجمل

کریم باو و بمحمد وال محمد پس خلاصی ده مرا وبرحمت خود پس خلاص کن مرا ای نیکوکار ای نیکو

احلم الاحلمين

ياموضوعا بالاحسان

ياجليل

بك

يامنعم

يامنعم يامفضل لست اتكل في النجاة من عقابك على اعمالنا بل بفضلك علينا

ای نعمت دهنده ای تفضل کننده نیستم من که اعتماد کنم در رستکاری از عقاب تو بر اعمال خود بلکه بفضل تو بر ما

لانك اهل التقوى واهل المغفرة تبدئ بالاحسان نعما وتعفو عن الذنب كرما

ازجهت آنکه تو سزاوار تقوی وسزاوار آمرزشی ابتدا میکنی باحسان از روی نعمت وعفو میکنی از کناه از کرم

فما ندري ما نشكر اجميل ما تنشر ام قبيح ما تستر ام عظيم ما ابليت واوليت

پس نمیدانیم چه شکر کنیم آیا خوبی آنچه را پراکنده کرده یا قبیح آنچه را پوشانیده یا بزرک آنچه را که آزمایش وسزاوار کرده

ام كثير ما منه نجيت وعافيت يا حبيب من تحبب اليك ويا قرة عين من لاذ بك

یا بسیاری آنچه از آن نجات داده وعافیت داده ای دوست کسی که دوستی کند بسوی تو وای روشنی چشم کسی که پناه برد

وانقطع اليك انت المحسن ونحن المسيئون فتجاوز يا رب عن قبيح ما عندنا

ومنقطع شود بسوی تو توئی نیکو وماییم بدان پس درکذر ای پروردکار من از بدی آنچه نزد ماست

بجميل ما عندك واى جهل يا رب لا يسعه جودك او اى زمان اطول من اناتك

بنیکوئی آنچه نزد تست وکدام نادانیست ای پروردکار من که فرا نمیکیرد آنرا جود تو یا کدام زمان طولانی تر از آهستکی

وما قدر اعمالنا في جنب نعمك وكيف نستكثر اعمالا نقابل بها كرمك بل

وچه چیزست قدر اعمال ما درجنب نعمتهای تو وچکونه بسیار شمریم اعمالی را که مقابل سازیم بآن کرم ترا بلکه

كيف يضيق على المذنبين ما وسعهم من رحمتك يا واسع المغفرة يا باسط

چکونه تنک است بر کناهکاران آنچه وسعت داده ایشانرا از رحمت تو ای کشاده آمرزش ای پهن کننده

اليدين بالرحمة فوعزتك يا سيدي لو انتهرتني ما برحت من بابك و

دستها بر رحمت پس قسم بعزت تو ای آقای من اکر برانی مرا بر نمیخیزم از در تو و

لا كففت عن تملقك لما انتهى الىّ من المعرفة بجودك وكرمك وانت الفاعل

باز نمی ایستم از تملق کردن ترا از آنچه رسیده است بمن از شناخت بجود تو وکرم تو وتو کننده

لما تشاء تعذب من تشاء بما تشاء كيف تشاء وترحم من تشاء بما تشاء كيف

از برای آنچه خواهی وعذاب میکنی کسی را که میخواهی بآنچه میخواهی بهر قسم میخواهی وترحم میکنی کسی را که میخواهی بآنچه میخواهی

تشاء ولا تسئل عن فعلك ولا تنازع في ملكك ولا تشارك في امرك ولا

میخواهی وسؤال کرده نمیشوی از کار خود ونزاع کرده نمیشوی در پادشاهی خود وشریک داده نمیشوی در امر خود و

مامرضا

يامتفضل

لسانى كالّ

كرمك

وصفته

ياسيدى

تُضادُّ فی حُکمِکَ ولا یَعتَرِضُ عَلَیکَ اَحَدٌ فی تَدبیرِکَ لَکَ الخَلقُ والاَمرُ تَبارَکَ اللهُ
ضدی در حکم تو و اعتراض نمیتواند کرد بر تو احدی در تدبیر تو از برای تست خلق و امر مبارکست خدا
رَبُّ العالَمینَ یا رَبِّ هذا مَقامُ مَن لاذَ بِکَ واستَجارَ بِکَرَمِکَ واَلِفَ اِحسانَکَ
پروردگار عالمیان ای پروردگار من این مکان کسیست که پناه برده بتو و زنهار خواسته بکرم تو و الفت کرفته باحسان تو
ونِعَمَکَ واَنتَ الجَوادُ الَّذی لا یَضیقُ عَفوُکَ ولا یَنقُصُ فَضلُکَ ولا تَقِلُّ رَحمَتُکَ
و نعمتهای تو و توئی صاحب جودی که تنگ نمیشود عفو تو و کم نمیشود فضل تو و کمی نمیکند رحمت تو
وقَد تَوَثَّقنا مِنکَ بِالصَّفحِ القَدیمِ والفَضلِ العَظیمِ والرَّحمَةِ الواسِعَةِ
و بتحقیق که استوار داریم از تو بدر گذشتن قدیم و بخشش بزرگ و رحمت وسیع
اَفَتَراکَ یا رَبِّ تُخلِفُ ظُنونَنا اَو تُخَیِّبُ آمالَنا کَلّا یا کَریمُ فَلَیسَ هذا ظَنُّنا
آیا پس می‌بینی خود را ای پروردگار من خلاف کنی گمانهای ما را یا نومید کنی آرزوهای ما را حاشا ای کریم پس نیست این گمان ما
بِکَ ولا هذا طَمَعُنا فیکَ یا رَبِّ اِنَّ لَنا فیکَ اَمَلاً طَویلاً کَثیراً اِنَّ لَنا فیکَ
بتو و نیست این طمع ما در تو ای پروردگار من بدرستی که از برای ما در تو آرزوی طولانی بسیار است بدرستی که از برای ما در تو
رَجاءً عَظیماً عَصَیناکَ ونَحنُ نَرجوا اَن تَستَجیبَ لَنا فَحَقِّق رَجاءَنا یا مَولانا
امید بزرگست نافرمانی میکنیم ترا و ما امیدواریم اینکه اجابت کنی از برای ما پس محقق کن امید ما را ای آقای ما
فَقَد عَلِمنا ما نَستَوجِبُ بِاَعمالِنا ولکِن عِلمُکَ فینا وعِلمُنا بِاَنَّکَ لا تَصرِفُنا
پس بتحقیق که دانستیم ما آنچه را مستوجب شده‌ایم بکردهای خود و لکن دانش تو در ما و دانستن ما باینکه تو برنمیگردانی ما را
عَنکَ حَثَّنا عَلَی الرَّغبَةِ اِلَیکَ واِن کُنّا غَیرَ مُستَوجِبینَ لِرَحمَتِکَ فَاَنتَ اَهلٌ
از خود برمی‌انگیزد ما را بر رغبت کردن بسوی تو و هر چند ما نیستیم مستوجب مر رحمت ترا پس تو سزاواری
اَن تَجودَ عَلَینا وعَلَی المُذنِبینَ بِفَضلِ سَعَتِکَ فَامنُن عَلَینا بِما اَنتَ اَهلُهُ و
که بخشش کنی بر ما و بر گناهکاران بفضل بخشش خود پس منت نه بر ما با آنچه تو سزاوار آنی و
جُد عَلَینا فَاِنّا مُحتاجونَ اِلی نَیلِکَ یا غَفّارُ بِنورِکَ اهتَدَینا وبِفَضلِکَ
بخشش کن بر ما پس بدرستی که ما محتاجیم بسوی بخشش تو ای آمرزنده بنور خود هدایت کردی ما را و بفضل خود
استَغنَینا وبِنِعمَتِکَ اَصبَحنا واَمسَینا ذُنوبُنا بَینَ یَدَیکَ نَستَغفِرُکَ
مستغنی کردانیدی ما را و بنعمت تو صبح کردیم ما و شام کردیم ما گناهان ما پیش روی تست طلب آمرزش میکنیم ترا

اَللّهُمَّ مِنها ونَتوبُ اِلَیکَ تَتَحَبَّبُ اِلَینا بِالنِّعَمِ ونُعارِضُکَ بِالذُّنوبِ خَیرُکَ اِلَینا
خداوندا از آنها و رجوع میکنیم بسوی تو دوستی کرده بسوی ما بنعمت و معارضه میکنیم ترا بگناهان خیر تو بسوی ما
نازِلٌ وشَرُّنا اِلَیکَ صاعِدٌ ولَم یَزَل ولا یَزالُ مَلَکٌ کَریمٌ یَاْتیکَ عَنّا فی کُلِّ یَومٍ بِعَمَلٍ
فرود آینده است و بدی ما بسوی تو بالا رونده و بوده است همیشه و خواهد بود همیشه پادشاه کریم میاید ترا از جانب ما در هر روز بعمل
قَبیحٍ فَلا یَمنَعُکَ ذلِکَ مِن اَن تَحوطَنا بِنِعَمِکَ وتَتَفَضَّلَ عَلَینا بِآلائِکَ فَسُبحانَکَ
قبیح پس منع نمیکند ترا این از آنکه احاطه کنی ما را بنعمتهای خود و بخشش کنی بر ما بنعمتهای خود پس منزهی تو
ما اَحلَمَکَ واَعظَمَکَ واَکرَمَکَ مُبدِئاً ومُعیداً تَقَدَّسَت اَسماؤُکَ وجَلَّ
چه بسیار بردباری تو و عظیمی تو و کریمی تو ابتدا کننده و اعاده کننده منزه هست از بدی نامهای تو و بزرگست
ثَناؤُکَ وکَرُمَ صَنائِعُکَ وفِعالُکَ اَنتَ یا اِلهی اَوسَعُ فَضلاً واَعظَمُ حِلماً
ثنای تو و کریمست کردهای تو و فعلهای تو تو ای خدای من وسیعتری از روی فضل و بزرگتری از روی بردباری
مِن اَن تُقایِسَنی بِفِعلی وخَطیئَتی فَالعَفوَ العَفوَ سَیِّدی سَیِّدی سَیِّدی
از آنکه مقایسه کنی با من بکردار من و خطای من پس طلب میکنم از تو عفو را آقای من آقای من آقای من
اَللّهُمَّ اشغَلنا بِذِکرِکَ واَعِذنا مِن سَخَطِکَ واَجِرنا مِن عَذابِکَ وارزُقنا
خداوندا مشغول کن ما را بیاد خود و پناه ده ما را از غضب خود و آزاد کن ما را از عذاب خود و روزی کن ما را
مِن مَواهِبِکَ واَنعِم عَلَینا مِن فَضلِکَ وارزُقنا حَجَّ بَیتِکَ وزِیارَةَ قَبرِ نَبِیِّکَ
از بخششهای خود و نعمت فرست بر ما از فضل خود و روزی کن ما را حج خانه خود و زیارت قبر پیغمبر خود
صَلَواتُکَ ومَغفِرَتُکَ ورَحمَتُکَ وبَرَکاتُکَ ورِضوانُکَ عَلَیهِ وعَلی اَهلِ
درود تو و آمرزش تو و رحمت تو و برکتهای تو و خوشنودی تو بر او و بر اهل
بَیتِهِ اِنَّکَ قَریبٌ مُجیبٌ وارزُقنا عَمَلاً بِطاعَتِکَ وتَوَفَّنا عَلی مِلَّتِکَ و
بیت او بدرستی که تو نزدیک اجابت کننده و روزی کن ما را عمل کردن بطاعت تو و بمیران ما را بر ملت خود و
سُنَّةِ نَبِیِّکَ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وآلِهِ اَللّهُمَّ اغفِر لی ولِوالِدَیَّ وارحَمهُما
سنت پیغمبر خود درود فرستاد خدا بر او و آل او خداوندا بیامرز مرا و پدر و مادر مرا و رحم کن
کَما رَبَّیانی صَغیراً واجزِهِما بِالاِحسانِ اِحساناً وبِالسَّیِّئاتِ غُفراناً
چنانکه پرورش دادند مرا در صغر سن و جزا ده ایشان را بنیکویی ایشان نیکوئی و به بدیهای ایشان آمرزش

اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم والاموات وتابع بيننا وبينهم

خداوندا بیامرز مر مؤمنین ومؤمنات را زنده از ایشان ومردهای ایشان را ومتابعت کن میان ما و میان ایشان

بالخيرات اللهم اغفر لحيّنا وميّتنا وشاهدنا وغائبنا ذكرنا وانثانا

بنیکیها خداوند بیامرز از برای زنده ها و مرده ما و حاضر ما وغایب ما ومردان ما وزنان ما

صغيرنا وكبيرنا حرّنا ومملوكنا كذب العادلون بالله وضلّوا ضلالاً بعيداً

کوچک ما و بزرگ ما آزاد ما و بنده ما دروغ گفتند عدول کنندگان بخدا وگمراه شدند گمراه شدن بسیار دور

وخسروا خسراناً مبيناً اللهم صلّ على محمّد وآل محمّد واختم لي بخير واكفني

وزیانکار شدند زیان کاری ظاهر ویا خدا ونار درود فرست بر محمد وآل محمد وختم کن از برای من بخیر و کفایت کن مرا

ما اهمّني من امر دنياي وآخرتي ولا تسلّط عليّ من لا يرحمني واجعل عليّ منك

آنچه خواهش مرا از امر دنیای من وآخرت من ومسلط مکردان بر من کسی را که رحم نکند بر من وبگردان بر من از خود

واقية باقية ولا تسلبني صالح ما انعمت به عليّ وارزقني من فضلك

نگاهدارنده باقی وسلب مکن از من صالح آنچه انعام کرده با آن بر من وروزی ده مرا از فضل خود

رزقاً واسعاً حلالاً طيّباً اللهم واحرسني بحراستك واحفظني بحفظك

روزی گشاد حلال پاکیزه خداوندا نگاهدار مرا بنگاهداری خود ومحافظت کن مرا بحفظ خود

واكلأني بكلائتك وارزقني حجّ بيتك الحرام في عامنا هذا وفي كلّ عام

ونگاهدار مرا بنگاهداشتن خود وروزی کن مرا حج بیت الله الحرام در سال ما این سال ودر هر سالی

وزيارة قبر نبيّك والائمّة عليهم السلام ولا تخلني يا ربّ من تلك المشاهد

وزیارت قبر پیغمبر تو وپیشوایان بر ایشان باد سلام وخالی مکن مرا ای پروردگار من از این مشاهد

الشريفة والمواقف الكريمة اللهم تب عليّ حتّى لا اعصيك والهمني

بزرگ ومحل وقوف کریم خداوندا توبه ده بر من تا آنکه نافرمانی نکنم ترا والهام کن مرا

الخير والعمل به وخشيتك بالليل والنهار ابداً ما ابقيتني يا ربّ

خیر وعمل بآن وترس تو بشب وروز همیشه مادام که باقی گذاری مرا ای پروردگار

العالمين اللهم انّي كلّما قلت قد تهيّأت وتعبّأت وقمت للصلاة بين

عالمیان خداوندا بدرستی که هر گاه گفتم بتحقیق که مهیا شدم و مستعد شدم وایستادم از برای نماز پیش

يديك وناجيتك القيت عليّ نعاساً اذا انا صلّيت وسلبتني مناجاتك

پیش روی تو ومناجات کردم با تو انداختی بر من خواب را هرگاه من نماز کنم وسلب کردی از من مناجات ترا

اذا انا ناجيتك مالي كلّما قلت قد صلحت سريرتي وقرب من مجالس التوّابين

هرگاه من راز گفتم با تو چیست مرا هر آنچه گفتم بتحقیق که صالح شده است سریره من ونزدیک از مجلسهای توبه کنندگان

مجلسي عرضت لي بليّة ازالت قدمي وحالت بيني وبين خدمتك سيّدي لعلّك

مجلس من عارض شد از برای من بلیتی که زایل کرد قدم مرا وحایل شد میان من ومیان خدمت تو آقای من شاید تو

عن بابك طردتني وعن خدمتك نحّيتني او لعلّك رأيتني مستخفّاً بحقّك فاقصيتني

از در خود راندی مرا واز خدمت خود دور کرده مرا یا شاید تو دیده مرا استخفاف کننده بحق تو پس دور کرده مرا

او لعلّك رأيتني معرضاً عنك فقليتني او لعلّك وجدتني في مقام الكاذبين

یا شاید تو دیده مرا اعراض کننده از تو پس دشمن داشته مرا یا شاید تو یافته مرا در مقام دروغگویان

فرفضتني او لعلّك رأيتني غير شاكر لنعمائك فحرمتني او لعلّك فقدتني

پس واگذاشته مرا یا شاید دیده مرا غیر شکر کننده مر نعمتهای ترا پس محروم کرده مرا یا شاید تو مفقود دیده مرا

من مجالس العلماء فخذلتني او لعلّك رأيتني في الغافلين فمن رحمتك

از مجلسهای دانایان پس خوار کرده مرا یا شاید تو دیده مرا در غافلان پس از رحمت خود

آيستني او لعلّك رأيتني آلف مجالس البطّالين فبيني وبينهم خلّيتني

ناامید کرده مرا یا شاید تو دیده مرا میل کند بمجلسهای باطلان پس میان من ومیان ایشان خالی کرده مرا

او لعلّك لم تحبّ ان تسمع دعائي فباعدتني او لعلّك بجرمي وجريرتي

یا شاید تو دوست نمیداری اینکه بشنوی دعای مرا پس دور کرده مرا یا شاید تو بگناه من وجرم من

كافيتني او لعلّك بقلّة حيائي منك جازيتني فان عفوت يا ربّ فطالما

جزا داده مرا یا شاید تو بکمی حیای من از تو مکافات داده مرا پس اگر عفو کنی ای پروردگار من پس بسا

ما عفوت عن المذنبين قبلي لانّ كرمك اي ربّ يجلّ عن مجازات المذنبين

آنچه عفو کرده از گناهکاران پیش از من از برای آنکه کرم تو ای پروردگار من بزرگ است از جزا دادن گناهکاران

وحلمك يكبر عن مكافات المقصّرين وانا عائذ بفضلك هارب منك اليك

وبردباری تو بزرگ است از مکافات تقصیر کنندگان ومن پناه برنده ام بفضل تو گریزان از تو بسوی تو

العربيّ التهاميّ المكيّ المدنيّ ارجو الزلفة لديك فلا توحش استيناس

عربی تهامی مکی مدنی امید دارم نزدیکی را پیش تو پس بوحشت میفکن انس گرفتن

ايماني ولا تجعل ثوابي ثواب من عبد سواك فانّ قوماً آمنوا بالسنتهم

ایمان مرا ومگردان ثواب مرا ثواب کسی که عبادت کرد غیر ترا پس بدرستی که قومی ایمان آوردند بزبانشان

ليحقنوا به دماءهم فادركوا ما امّلوا وانّا آمنّا بك بالسنتنا وقلوبنا لتعفو

از جهت آنکه حفظ کنند بآن خونهای خود را پس دریافتند آنچه امید داشتند و ما ایمان آوردیم بتو بزبانهای خود و دلهای خود تا آنکه عفو کنی

عنّا فادرك بنا ما امّلنا وثبّت رجاءك في صدورنا ولا تزغ قلوبنا بعد

که از ما پس برسان ما را باميدهای ما وثابت کردان امید خود را در سینهای ما و میل مده دلهای ما را بعد از آنکه

اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمةً انّك انت الوهّاب فوعزّتك لو

هدایت کردی ما را وببخش از برای ما از نزد خود رحمت بدرستی که تو بخشاینده پس قسم بعزت تو اگر

انتهرتني ما برحت من بابك ولا كففت عن تملّقك لما الهم قلبي من المعرفة

براندی مرا بر نمیخیزم از در تو وباز نمیدارم خود را از تملق کردن تو از برای آنچه ملهم شده دل من از معرفت

بكرمك وسعة رحمتك الى من يذهب العبد الّا الى مولاه والى من يلتجئ

بکرم تو و بوسعت رحمت تو بسوی که میرود بنده مگر بسوی آقای خود و بکی پناه میبرد

المخلوق الّا الى خالقه الهي لو قرنتني بالاصفاد ومنعتني سيبك من بين

مخلوق مگر بسوی خالق خود خداوندا اگر ببندی مرا بقیدها و باز داری مرا از عطای خود از میان

الاشهاد ودللت على فضائحي عيون العباد وامرت بي الى النار وحلت

حاضران ودلالت کنی بر رسوائیهای من چشمهای بندهارا وامر کنی بردن من بسوی آتش و مانع شوی

بيني وبين الابرار ما قطعت رجائي منك وما صرفت وجه تأميلي للعفو

میان من و میان نیکوکاران قطع نمیکنم امید خود را از تو و نمیگردانم روی امید خود را از برای عفو

عنك ولا خرج حبّك عن قلبي انا لا انسى اياديك عندي وسترك عليّ في

از تو وبیرون نمیرود دوستی تو از دل من من فراموش نمیکنم نعمتهای ترا که نزد منست و پوشیدن ترا بر من در

دار الدنيا يا سيّدي صلّ على محمّد وآل محمّد واخرج حبّ الدنيا من

سرای دنیا ای آقای من درود فرست بر محمد و آل محمد و بیرون کن دوستی دنیا را از

صلواتك عليه وآله ن د

بلسانهم

فادركنا ن د

منّ يا سيدي

لا ن د

من ن د

قلبي

قلبي واجمع بيني وبين المصطفى وآله خيرتك من خلقك وخاتم النبيّين محمّد

دل من وجمع کن میان من و میان مصطفی و آل او برگزیده تو از خلق تو وخاتم پیغمبران تو محمد

صلّى الله عليه وآله وانقلني الى درجة التوبة اليك واعنّي بالبكاء على

درود فرستاد خدا برا و وآل او ونقل کن مرا بسوی درجه توبه بسوی تو و یاری کن مرا بگریه کردن بر

نفسي فقد افنيت بالتسويف والآمال عمري وقد نزلت منزلة الآيسين

بر نفس خود پس بتحقیق که نیست کردم بتسویف و آرزوها عمر خود را و بتحقیق فرود آمدم منزل ناامیدان

من خيري فمن يكون اسوء حالاً منّي ان انا نقلت على مثل حالي الى قبر لم امهّده

از خیر خود پس کیست بدحال تر از من اگر من نقل کرده شوم بر مثل حالم بسوی قبری که هموار نکرده ام آنرا

لرقدتي ولم افرشه بالعمل الصالح لضجعتي ومالي لا ابكي ولا ادري الى ما يكون

از برای خوابیدن خود و فرش نکرده ام آنرا بکردار خوب از برای خوابگاه خود وچیست مرا که گریه نکنم ونمیدانم بسوی چه میباشد

مصيري وارى نفسي تخادعني وايّامي تخاتلني وقد خفقت عند راسي اجنحة الموت

بازگشت من و می بینم نفس خود را مناز عه میکند با من و ایام خود را که مخلیه میکند با من و بتحقیق که آواز میکند نزد سر من بالهای مرگ

فما لي لا ابكي ابكي لخروج نفسي ابكي لظلمة قبري ابكي لضيق لحدي ابكي

پس چیست مرا که گریه نکنم بگریم از برای بیرون رفتن نفس من بگریم از برای تاریکی قبر خود بگریم از برای تنگی لحد خود بگریم

لسؤال منكر ونكير ايّاي ابكي لخروجي من قبري عرياناً ذليلاً حاملاً ثقلي

از برای سوال منکر ونکیر از من بگریم از برای بیرون آمدن من از قبر خود برهنه خوار بردارنده ثقل گناهان

على ظهري انظر مرّة عن يميني واخرى عن شمالي اذ الخلائق في شأن

بر پشت خود نظر میکنم یک مرتبه از جانب راست و مرتبه دیگر از جانب چپ زیرا که خلایق در شغلی هستند

غير شاني لكلّ امرء منهم يومئذ شأن يغنيه وجوه يومئذ مسفرة

غیر شغل من از برای هر مردی از ایشان در آن روز شغلیست که مستغنی میکرداند او را روی چند هست در آن روز درخشان

ضاحكة مستبشرة ووجوه يومئذ عليها غبرة ترهقها قترة وذلّة سيّدي

خندان شادان و روی چند هست در آن روز بر آن تاریکیها فرو گرفته است آنها را سیاهی و خواری آقای من

عليك معوّلي ومعتمدي ورجائي وتوكّلي وبرحمتك تعلّقي تصيب برحمتك من

بر تو تکیه من واعتماد من و امید من و توکل من و برحمت تو تعلق من میرسانی برحمت خود هر که را

فوق ن د

القترة والذلّة ن د

تشاء وتهدي بكرامتك من تحب فلك الحمد على ما نقيت من الشرك قلبي و
میخواهی وهدایت میکنی بکرامت خود کسی را که دوست میداری پس مر تراست سپاس بر آنچه پاک کرده از شرک دل مرا و
لك الحمد على بسط لساني أفبلساني هذا الكال أشكرك أم بغاية جهدي في عملي
مر تراست سپاس بر پهن کردن زبان مرا آیا پس باین زبان واماندہ شکر کنم ترا یا بغایت جهد کردن من در کار خود
أرضيك وما قدر لساني يا رب في جنب شكرك وما قدر عملي في جنب
خوشنود گردانم ترا وچیست قدر زبان من ای پروردگار من در برابر شکر تو وچیست قدر کردار من در جنب
نعمك وإحسانك إلي إلا أن جودك بسط أملي وشكرك قبل عملي سيدي
نعمتهای تو واحسان تو بسوی من مگر آنکه بدرستیکه جود تو پهن کرده آرزوی مرا وشکر تو قبول کرده عمل مرا ای آقای من
إليك رغبتي ومنك رهبتي وإليك تأميلي وقد ساقني إليك أملي وعليك
بسوی تواست رغبت من واز تو است ترس من وبسوی تواست آرزوی من وبتحقیق که کشیده است مرا بسوی تو آرزوی من وبر تست
يا واحدي عكفت همتي وفيما عندك انبسطت رغبتي ولك خالص رجائي
ای یکتای من اقبال کننده همت من ودر آنچه نزد تست پهن شده رغبت من واز برای تست خالص امید من
وخوفي وبك أنست محبتي وإليك ألقيت بيدي وبحبل طاعتك مددت
وترس من وبتواست انس گرفته است محبت من وبسوی تو انداختم دست خود وبریسمان طاعت تو کشیده ام
رهبتي يا مولاي بذكرك عاش قلبي وبمناجاتك بردت ألم الخوف عني فيا مولاي
رهبت خود را ای آقای من بیاد تو زنده است دل من وبمناجات تو سرد کردم الم ترس را از خود پس ای آقای من
ويا مؤملي ويا منتهى سؤلي صل على محمد وآل محمد وفرق بيني وبين ذنبي
وای محل آرزوی من وای انتهای سوال من درود فرست بر محمد وآل محمد وتفرقه کن میان من ومیان گناه من
المانع لي من لزوم طاعتك فإنما أسألك لقديم الرجاء فيك وخوفي إليك
که مانع است مرا از ملازم بودن طاعت تو پس جز این نیست که سوال میکنم ترا از برای قدیم امید در تو وترس من بسوی تو
وعظيم الطمع منك الذي أوجبته على نفسك من الرأفة والرحمة و
وبزرگ طمع از تو که واجب گردانیده بر ذات خود از مهربانی ورحمت و
الأمر لك وحدك لا شريك لك والخلق كلهم عيالك وفي قبضتك
امر از برای تست یگانه تو نیست شریک از برای تو وخلق همه ایشان عیال تواند ودر قبضه قدرت تواند

برحمتك — الهي — واليك — علقت — عبادك

وكل

وكل شيء خاضع لك تباركت يا رب العالمين إلهي ارحمني إذا انقطعت حجتي
وهمه چیز فروتنی کننده است از برای تو مبارکی تو ای پروردگار عالمیان خدای من رحم کن مرا وقتی که منقطع شود حجت من
وكل عن جوابك لساني وطاش عند سؤالك إياي لبي فيا عظيم رجائي فيا
وباز ماند از جواب تو زبان من ومضطرب شود نزد سوال تو از من عقل من پس ای بزرگ کننده امید من پس ای
عظيما يرجى لكل عظيم أنت رجائي ولا تخيبني إذا اشتدت إليك فاقتي
بزرگ امید داشته شده از برای هر بزرگ تو امید منی و ناامید مکن مرا هرگاه سخت شود بسوی تو بیچارگی من
ولا تردني لجهلي ولا تمنعني لقلة صبري وأعطني لفقري وارحمني لضعفي
ورد مکن مرا از برای نادانی من ومنع مکن مرا از برای کمی صبر من وعطا کن مرا از برای بیچارگی من ورحم کن مرا از برای ناتوانی من
سيدي عليك معتمدي ومعولي ورجائي وتوكلي وبرحمتك تعلقي وبفنائك
آقای من بر تست اعتماد من وتکیه من وامید من وتوکل من وبرحمت تست تعلق من وبدرگاه تو
أحط رحلي وبجودك أقصد طلبتي وبكرمك أي رب أستفتح دعائي ولديك
انداختم رحل خود را واز برای جود تو قصد میکنم طلب خود را وبکرم تو ای پروردگار من طلب فتح میکنم دعای خود را ونزد تو
أرجو فاقتي وبغناك أجبر عيلتي وتحت ظل عفوك قيامي وإلى جودك و
امید دارم درویشی خود را وبغنای تو جبر میکنم درویشی خود را ودر زیر سایه عفو تو است ایستادن من وبسوی جود تو و
كرمك أرفع بصري وإلى معروفك أديم نظري فلا تحرقني بالنار وأنت
کرم تو بلند میکنم چشم خود را وبسوی نیکیهای تو دایم میدارم نظر خود را پس مسوزان مرا باتش وتو
موضع أملي ولا تسكني الهاوية فإنك قرة عيني يا سيدي لا تكذب ظني
مکان آرزوی منی وساکن مگردان مرا در هاویه پس بدرستیکه تو روشنی چشم منی ای آقای من دروغ مگردان گمان مرا
بإحسانك ومعروفك فإنك ثقتي ورجائي ولا تحرمني ثوابك فإنك
باحسان خود ونیکیهای خود پس بدرستیکه تو محل اعتماد من وامید منی ومحروم مگردان مرا از ثواب خود پس بدرستیکه تو
العارف بفقري إلهي إن كان قد دنى أجلي ولم يقربني منك عملي فقد
شناسائی باحتیاج من خدای من اگر بوده باشد بتحقیق که نزدیک شده اجل من ونزدیک نگردانیده مرا از تو عمل من پس بتحقیق
جعلت الاعتراف إليك بذنبي وسائل عللي إلهي إن عفوت فمن
گردانیده ام اعتراف کردن بسوی تو بگناه خود وسیله عذرهای خود خدای من اگر درگذری پس کیست

اللهم — بجودك — وبفنائك — وانت

اولى منك بالعفو وان عذبت فمن اعدل منك في الحكم اللهم فارحم في هذه الدنيا

اولى از تو بدكذشتن واكر عذاب كنى پس كيست عادلتر از تو در حكم خداوندا پس رحم كن در اين دنيا

غربتي وعند الموت كربتي وفي القبر وحدتي وفي اللحد وحشتي واذا نشرت

غريبى مرا ونزد مردن سختيهاى مرا ودر قبر تنهايى مرا ودر لحد خوف مرا وهركاه بركردانى

للحساب بين يديك ذل موقفي واغفر لي ما خفي على الآدميين من عملي و

از براى حساب پيش روى خود خوارى ايستادن مرا وبيامرز از براى من آنچه پنهانست بر مردمان از كردار من و

ادم لي ما به سترتني وارحمني صريعا على الفراش تقلبني ايدي احبتي وتفضل

دائم كن از براى من آنچه بان پوشانيده مرا ورحم كن بر من در حالتى كه افتاده باشم بر فراش بركردانند مرا دستهاى دوستان من وتفضل كن

على ممدودا على المغتسل يغسلني صالح جيرتي وتحنن على محمولا قد تناول

بر من كشيده شده بر محل غسل غسل دهند مرا صالح همسايكان من ومهربانى كن بر من در حالتى كه سوار كرده شده باشم بتحقيق واكرفته باشند

الاقرباء اطراف جنازتي وجد على منقولا قد نزلت بك وحيدا في حفرتي و

خويشان اطراف جنازه مرا وبخش بر من در حالتى كه نقل كرده شوم بتحقيق نازل شوم بتو تنها در قبر خود و

ارحم في ذلك البيت الجديد غربتي حتى لا استانس بغيرك يا سيدي فانك ان

رحم كن در اين خانه نو غربت مرا تا آنكه انس نكيرم بغير تو اى آقاى من پس بدرستى كه تو اكر

وكلتني الى نفسي هلكت سيدي فبمن استغيث ان لم تقلني عثرتي والى

واكذارى مرا بسوى نفس من هلاك ميشوم آقاى من پس بكى استغاثه كنم اكر اقاله نكنى لغزش مرا وبسوى

من افزع ان فقدت عنايتك في ضجعتي والى من التجئ ان لم تنفس كربتي

كه زارى كنم اكر نيست كنى عنايت خود را از من در خوابكاه من وبسوى كى پناه برم اكر برنداری كرب مرا

سيدي من لي ومن يرحمني ان لم ترحمني وفضل من اؤمل ان عدمت فضلك

آقاى من كيست از براى من وكيست كه رحم كند مرا اكر رحم نكنى تو بر من وبخشش كه را اميد دارم اكر معدوم كنى فضل خود را

يوم فاقتي والى من الفرار من الذنوب اذا انقضى اجلي سيدي لا تعذبني وانا

در روز بيچارگى من وبسوى كه بكريزم از كناهان هركاه بكذرد اجل من آقاى من عذاب مكن مرا ومن

ارجوك اللهم حقق رجائي وآمن خوفي فان كثرة ذنوبي لا ارجو فيها الا

اميد دارم بتو خداوندا تحقيق كن اميد مرا وايمن كردان ترس مرا پس بدرستى كه بسيارى كناه من اميد ندارم در آن مكر

عفوك سيدي انا اسئلك ما لا استحق وانت اهل التقوى واهل المغفرة فاغفر

عفو ترا آقاى من سؤال ميكنم تو آنچه نيستم سزاوار آن و توئى اهل تقوى واهل آمرزش پس بيامرز

لي والبسني من نظرك ثوبا يغطي على التبعات وتغفرها لي ولا اطالب

از براى من وبپوشان مرا از نظر خود جامه كه بپوشاند بر من عقوبت را وبيامرزد آنرا از براى من ومطالبه كرده نشوم

بها انك ذو من قديم وصفح عظيم وتجاوز كريم الهي انت الذي تفيض سيبك

بآن بدرستى كه تو صاحب منت قديم ودركذشت بزرك وتجاوز كريمى خداى من توئى آنكه ميريزى نعمت خود را

على من لا يسئلك وعلى الجاحدين بربوبيتك فكيف سيدي بمن سألك

بر كسى كه سؤال نميكند از تو وبر منكران بر پروردكارى تو پس چكونه آقاى من بكسى كه سؤال كند ترا

وايقن ان الخلق لك والامر اليك تباركت وتعاليت يا رب العالمين

ويقين كند كه بدرستى كه خلق از براى تو وامر بسوى تو است مبارکى وبلند مرتبه اى پروردكار عالميان

الهي وسيدي عبدك ببابك اقامته الخصاصة بين يديك يقرع باب

خداى من وآقاى من بنده تو بر در تو بپا داشته است او را احتياج پيش روى تو ميكوبد در

احسانك بدعائه ويستعطف جميل نظرك بمكنون رجائه فلا تعرض

احسان ترا بدعاى خود ومهربانى مطلبد از بزرگى نظر تو بپوشيده اميد او پس اعراض مكن

بوجهك الكريم عني واقبل مني ما اقول فقد دعوت بهذا الدعاء

بذات تو كه كريم است از من وقبول كن از من آنچه ميكويم پس بتحقيق كه خواندم ترا باين دعا

وانا ارجو ان لا تردني معرفة مني برأفتك ورحمتك الهي انت الذي لا

ومن اميد دارم آنكه رد نكنى مرا شناختن از من بمهربانى تو ورحمت تو خداى من توئى كه

يحفيك سائل ولا ينقصك نائل انت كما تقول وفوق ما نقول اللهم

خالى نميكند ترا سؤال كننده وكم نميكند ترا اميدوارى توئى چنانكه ميكوئى تو وفوق آنچه ميكوئيم من خداوندا

اني اسئلك صبرا جميلا وفرجا قريبا وقولا صادقا واجرا عظيما اسئلك

بدرستى كه سؤال ميكنم از تو صبر نيكو وكشايش نزديك وكفتار راست واجر بزرك سؤال ميكنم از تو

يا رب من الخير كله ما علمت منه وما لم اعلم واسئلك اللهم من خير ما سألك

اى پروردكار من از خير همه آنچه دانستم از آن وآنچه ندانستم وسؤال ميكنم ترا خدا وندا از خير آنچه سؤال كرد

منه عبادك الصالحون يا خير من سئل ويا اجود من اعطى اعطني سؤلي

از او بندکان تو کر صالحانند ای خیر کسی کر سوال کرده شده وای صاحب جودترکسی کر عطا کرده عطا کن مرا سوال من

في نفسي واهلي ووالدي وولدي واهل حزانتي واخواني فيك وارغد

در نفس من واهل من وپدر ومادر من واولاد من واهل خویشان من وبرادران من در راه تو وخوب کردان

عيشي واظهر مروتي واصلح جميع احوالي واجعلني ممن اطلت عمره

عیش مرا وظاهر کن مروت مرا ونیکو کن همه احوال مرا وبکردان مرا از کسی کر دراز کرده عمر اورا

وحسنت عمله واتممت عليه نعمتك ورضيت عنه واحييته حيوة

ونیکو کردانیده کردار اورا وتمام کرده بر او نعمت خود را وخوشنود شده از او وزنده داشته اورا زندکی

طيبة في ادوم السرور واسبغ الكرامة واتم العيش انك تفعل ما تشاء

خوش در دوام خوشحالی وکاملترین کرامت وتمامترین زندکی بدرستیکه تو میکنی انچه میخواهی

ولا يفعل ما يشاء غيرك اللهم وخصني منك بخاصة ذكرك ولا تجعل

ونمیکند انچه میخواهد غیر تو خداوندا ومخصوص کن مرا از خود بخاص ذکر خود ومکردان

شيئا مما اتقرب به في اناء الليل واطراف النهار رئاء ولا سمعة

چیزی را از انچه نزدیکی جویم بان در اوقات شب وطرفهای روز ریا ونه سمعه

ولا اشرا ولا بطرا واجعلني لك من الخاشعين اللهم واعطني

ونه شادی ونه بیا رسادی کننده وبکردان مرا از برای تو از فروتنی کنندکان خداوندا واعطا کن مرا

السعة في الرزق والامن في الوطن وقرة العين في الاهل و

توسعه در روزی وامن در وطن وروشنی چشم در اهل و

المال والولد والمقام في نعمك عندي والصحة في الجسم والقوة

مال وفرزند ومکان در نعمت تو نزد من وصحت در جسم وقوت

في البدن والسلامة في الدين واستعملني بطاعتك وطاعة رسولك

در بدن وسلامتی در دین وواداری مرا بطاعت خود وطاعت رسول خود

محمد واهل بيته صلى الله عليه وآله ابدا ما استعمرتني واجعلني من

محمد واهل بیت او درود فرستاد خدا بر او وال او همیشه مادام کر زنده داری مرا وبکردان مرا از

اليك

افر

اوفر عبادك عندك نصيبا في كل خير انزلته وتنزله في شهر رمضان في ليلة

وافرترین بندکان تو نزد تو از روی نصیب در هر چیزی کر فرو فرستاده اورا وفرستاده اورا در ماه رمضان در شب

القدر وما انت منزله في كل سنة من رحمة تنشرها وعافية تلبسها و

قدر وانچه تو فرود اورنده ای در هر سال از رحمتی کر پهن کرده انرا وعافیتی کر پوشانی انرا و

بلية تدفعها وحسنات تتقبلها وسيئات تجاوز عنها وارزقني حج بيتك

بلیه کر دفع کنی انرا وحسناتی کر قبول کنی انرا وبدیها کر درکذری از ان وروزی کن مرا حج بیت الله

الحرام في عامنا هذا وفي كل عام وارزقني رزقا واسعا من فضلك الواسع

الحرام در سال ما این سال ودر هر سالی وروزی کن مرا روزی کشاد از فضل تو کر وسیع است

واصرف عني يا سيدي الاسواء واقض عني الدين والظلامات حتى لا

وبکردان از من ای اقای من بدیها را وادا کن از من قرض مرا وبار ظلمها را تا انکه

اتاذى بشيء منه وخذ عني باسماع وابصار اعدائي وحسادي والباغين

متاذی نشوم بچیزی از ان وبکیر از من بکوشها ودیدهای دشمنان من وحسود برندکان من وظلم کنندکان

علي وانصرني عليهم واقر عيني وحقق ظني وفرج قلبي واجعل لي من همي

بر من ویاری ده مرا بر ایشان وروشن کن چشم مرا ومحقق کن کمان مرا وبکشا دل مرا وبکردان از برای من از غم

وكربي فرجا ومخرجا واجعل من ارادني بسوء من جميع خلقك تحت قدمي

ومشقت من کشایش ومحل بیرون امدن وبکردان کسی را کر اراده کند مرا ببدی از جمیع خلق تو زیر پاهای من

واكفني شر الشيطان وشر السلطان وسيئات عملي وطهرني من

وباز دار از من شر شیطان وبدی سلطان وبدیهای کردار مرا وپاک کن مرا از

الذنوب كلها واجرني من النار بعفوك وادخلني الجنة برحمتك و

کناهان همه ونجات ده مرا از اتش بعفو خود وداخل کن مرا در بهشت برحمت خود و

زوجني من الحور العين بفضلك والحقني باوليائك الصالحين

تزویج کن مرا از حور العین بفضل خود وملحق کن مرا بدوستان خود کر صالحانند

محمد واله الابرار الطيبين الطاهرين الاخيار صلوات الله عليه

محمد وال او نیکوکاران پاکیزکان پاکان بوکزیدکان درود خدا بر او

وانت منزله

الطيب

اضدادي

عني

صلواتك

وعليهم وعلى أرواحهم وأجسادهم ورحمة الله وبركاته إلهي وسيدي وعزتك
وبرایشان وبر روحهای ایشان وجسدهای ایشان ورحمت خدا وبرکتهای او خدای من واقای من قسم بعزت تو
وجلالك لئن طالبتني بذنوبي لأطالبنك بعفوك ولئن طالبتني
وبزرکی تو هر اینه اکر طلب کنی مرا بکناهان من هر اینه البته طلب کنم ترا بعفو تو واکر طلب کنی مرا
بلؤمي لأطالبنك بكرمك ولئن أدخلتني النار لأخبرن أهل النار
بپستی کردن من هر اینه البته طلب کنم ترا بکرم تو واکر داخل کنی مرا درآتش هر اینه البته خبر کنم اهل آتش را
بحبي لك إلهي وسيدي إن كنت لا تغفر إلا لأوليائك وأهل طاعتك
بمحبت داشتن من مر ترا خدای من واقای من اکر بوده باشی که نیامرزی مکر از برای دوستان خود واهل طاعت خود
فإلى من يفزع المذنبون وإن كنت لا تكرم إلا أهل الوفاء بك فبمن
پس بسوی کی جزع کنند کناهکاران واکر بوده باشی که کرامی نداری مکر اهل وفای بتو را پس بکی
يستغيث المسيئون إلهي إن أدخلتني النار ففي ذلك سرور عدوك
استغاثه کنند بدکنندکان خدای من اکر داخل کنی مرا درآتش پس درین خوشحالی دشمن تست
وإن أدخلتني الجنة ففي ذلك سرور نبيك وأنا والله أعلم أن سرور
واکر داخل کنی مرا در بهشت پس درین خوشحالی پیغمبر توست ومن قسم بخدا که میدانم که بدرستی که خوشحالی
نبيك أحب إليك من سرور عدوك اللهم إني أسألك أن تملأ
پیغمبر تو دوسترست بسوی تو از خوشحالی دشمن تو خداوندا بدرستی سوال میکنم ترا که پر کنی
قلبي حبا لك وخشية منك وتصديقا بكتابك وإيمانا بك وفرقا
دل مرا دوستی از برای تو وترس از تو وتصدیق بکتاب تو وایمان بتو وجدایی
منك وشوقا إليك يا ذا الجلال والإكرام حبب إلي لقاءك وأحبب
از تو وشوق بسوی تو ای صاحب بزرکی واکرام دوست کردان بسوی من ملاقات خود را ودوست دار
لقائي واجعل لي في لقائك الراحة والفرج والكرامة اللهم ألحقني
ملاقات مرا وبکردان از برای من در لقای تو راحت وکشایش وکرامت خداوندا ملحق ساز مرا
بصالح من مضى واجعلني من صالح من بقي وخذ بي سبيل الصالحين و
بصالح کسی که کذشته وبکردان مرا از صالح کسی که باقیست وفرا کیر بمن راه صالحان را و

الله — بحرمة — إياك

أعني على نفسي بما تعين به الصالحين على أنفسهم واختم عملي بأحسنه
یاری کن مرا بر نفس من بانچه یاری کردی بان صالحان را بر نفس ایشان وختم کن کردار مرا بنیکوتر ان
واجعل ثوابي منه الجنة برحمتك يا رب العالمين وأعني على صالح
وبکردان ثواب مرا از ان بهشت برحمت خود ای پروردکار عالمیان ویاری کن مرا بر صالح
ما أعطيتني وثبتني يا رب ولا تردني في سوء استنقذتني منه اللهم
انچه بخشیده مرا وثابت دار ای پروردکار من وبر مکردان مرا در بدی که خلاصی داده مرا از ان خداوندا
إني أسألك إيمانا لا أجل له دون لقائك أحيني ما أحييتني عليه
بدرستی که سوال میکنم از تو ایمانی را که نیست مدتی از برای ان دون لقای تو زنده دار مرا مادام که زنده میداری مرا بران
وتوفني إذا توفيتني عليه وابعثني إذا بعثتني عليه وأبرئ قلبي من
وبمیران مرا هرکاه بمیرانی مرا بران وبرانکیز مرا هرکاه برانکیزانی مرا بران وبری کردان دل مرا از
الرياء والشك والسمعة في دينك حتى يكون عملي خالصا لك اللهم
ریا وشك وسمعه در دین تو تا انکه باشد کردار من خالص از برای تو خداوندا
أعطني بصيرة في دينك وفهما في حكمك وفقها في علمك وكفلين
عطا کن مرا بینایی در دین تو وفهمی در حکم تو ودانش در علم تو ودو بهره از
من رحمتك وورعا يحجزني عن معاصيك وبيض وجهي بنورك واجعل
از رحمت تو وپرهیزکاری که منع کند مرا از نافرمانی تو وسفید کن روی مرا بنور خود وبکردان
رغبتي فيما عندك وتوفني في سبيلك وعلى ملة رسولك صلى
رغبت مرا در انچه نزد توست وبمیران مرا در راه خود وبر ملت رسول خود درود فرستد
الله عليه وآله اللهم إني أعوذ بك من الكسل والقهر والفشل
خدا بر او وآل او خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بتو از کاهلی وقهر وسستی
والهم والجبن والبخل والغفلة والقسوة والذلة والمسكنة و
وهم وترس وبخل وغفلت وسختی دل وخواری وافتادکی و
والفقر والفاقة وكل بلية والفواحش ما ظهر منها وما بطن وأعوذ
واحتیاج ودرویشی وهر بلایی وناخوشیها انچه ظاهرست از ان وانچه پنهانست وپناه میبرم

عملي — يا أرحم الراحمين — أبدا — معاصيك — والحزن

بِكَ مِنْ نَفْسٍ لا تَقْنَعُ وَبَطْنٍ لا يَشْبَعُ وَقَلْبٍ لا يَخْشَعُ وَدُعاءٍ لا يُسْمَعُ وَعَمَلٍ لا يَنْفَعُ

بتو از نفسی که قانع نشود و شکمی که سیر نشود و دلی که فروتنی نکند و دعایی که شنوده نشود و عملی که نفع نبخشد

وَاَعُوذُ بِكَ يا رَبِّ عَلى نَفْسى وَوَلَدى وَدينى وَمالى وَعَلى جَميعِ ما رَزَقْتَنى

و پناه میبرم بتو ای پروردگار من بر نفس خود و فرزند خود و دین خود و مال خود و بر جمیع آنچه روزی کرده مرا

مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجيمِ اِنَّكَ اَنْتَ السَّميعُ الْعَليمُ اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ لا يُجيرُنى مِنْكَ

از شیطان رانده شده بدرستی که تو شنوای دانایی خداوندا بدرستی که پناه نمیدهد مرا از تو

اَحَدٌ وَلا اَجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحَداً فَلا تَجْعَلْ نَفْسى فى شَىْءٍ مِنْ عَذابِكَ وَلا تَرُدَّنى

احدی و نمییابم از غیر تو پناهی پس مگردان نفس مرا در چیزی از عذاب خود و رد مکن مرا

بِهَلَكَةٍ وَلا تَرُدَّنى بِعَذابٍ اَليمٍ اَللّٰهُمَّ وَتَقَبَّلْ مِنّى وَاَعْلِ ذِكْرى وَارْفَعْ

بهلاک کردن و مگردان مرا بعذاب دردناک خداوندا و قبول کن از من و بلند کردان ذکر مرا و بلند کن

دَرَجَتى وَحُطَّ وِزْرى وَلا تَذْكُرْنى بِخَطيئَتى وَاجْعَلْ ثَوابَ مَجْلِسى وَثَوابَ

درجه مرا و بریز گناهان مرا و یاد مکن مرا بخطیئه من و بگردان ثواب مجلس مرا و ثواب

مَنْطِقى وَثَوابَ دُعائى رِضاكَ وَالْجَنَّةَ وَاَعْطِنى يا رَبِّ جَميعَ ما سَاَلْتُكَ

گفتار مرا و ثواب دعای مرا خوشنودی خود و بهشت و عطا کن مرا ای پروردگار من همه آنچه سوال کردم از تو

وَزِدْنى مِنْ فَضْلِكَ اِنّى اِلَيْكَ راغِبٌ يا رَبَّ الْعالَمينَ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَنْزَلْتَ

و زیاد کن مرا از فضل خود بدرستی که من بسوی تو رغبت کننده ام ای پروردگار عالمیان خداوندا بدرستی که فرو فرستاده

فى كِتابِكَ الْعَفْوَ وَاَمَرْتَنا اَنْ نَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنا وَقَدْ ظَلَمْنا اَنْفُسَنا فَاعْفُ عَنّا

در کتاب خود بخشش را و امر کرده ما را اینکه درگذریم از کسی که ظلم کند بما و بتحقیق که ظلم کردیم ما بر نفسهای خود پس عفو کن از ما

فَاِنَّكَ اَوْلى بِذلِكَ مِنّا وَاَمَرْتَنا اَنْ لا نَرُدَّ سائِلاً عَنْ اَبْوابِنا وَقَدْ جِئْتُكَ سائِلاً

پس بدرستی که تو اولی باین از ما و امر کرده ما را اینکه رد نکنیم سوال کننده را از درهای خود و بتحقیق که آمدم ترا سوال کننده

فَلا تَرُدَّنى اِلّا بِقَضاءِ حاجَتى وَاَمَرْتَنا بِالْاِحْسانِ اِلى ما مَلَكَتْ اَيْمانُنا وَنَحْنُ

پس برمگردان مرا مگر به برآوردن حاجت ما و امر کرده ما را باحسان بسوی آنچه مالک است آن دستهای ما و ما

اَرِقّاؤُكَ فَاَعْتِقْ رِقابَنا مِنَ النّارِ يا مَفْزَعى عِنْدَ كُرْبَتى وَيا غَوْثى عِنْدَ شِدَّتى

بندگان توایم پس آزاد کن گردنهای ما را از آتش ای پناه دهنده من نزد کرب من و ای فریادرس من نزد سختی من

البد

وصلوة لا ترفع

لا یجیرنی

لن اجد

سوالا

حوائجنا

اِلَيْكَ فَزِعْتُ وَبِكَ اسْتَغَثْتُ وَلُذْتُ لا اَلُوذُ بِسِواكَ وَلا اَطْلُبُ الْفَرَجَ اِلّا مِنْكَ

بسوی تو جزع کردم و بتو استغاثه کردم و پناه بردم پناه نمیبرم بسوی غیر تو و طلب نمیکنم گشایش را مگر از تو

فَاَغِثْنى وَفَرِّجْ عَنّى يا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثيرِ اِقْبَلْ مِنّى الْيَسيرَ وَ

پس فریادرس مرا و بگشا از من ای آنکه قبول میکند کم را و عفو میکند از بسیار قبول کن از من اندک را و

اعْفُ عَنّى الْكَثيرَ اِنَّكَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ ايماناً

عفو کن از من بسیار را بدرستی که تو آمرزنده مهربانی خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو ایمانی

تُباشِرُ بِهِ قَلْبى وَيَقيناً صادِقاً حَتّى اَعْلَمَ اَنَّهُ لَنْ يُصيبَنى اِلّا ما كَتَبْتَ

که مباشر شود بآن دل من و یقینی راست تا آنکه بدانم بدرستی که نمیرسد بمن مگر آنچه نوشتی تو

لى وَرَضِّنى مِنَ الْعَيْشِ بِما قَسَمْتَ لى يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ ومختصرترين

از برای من و راضی کن مرا از عیش بآنچه قسمت کرده ای ای رحم کننده ترین رحم کنندگان دعاهای سحر اینست

يا مَفْزَعى عِنْدَ كُرْبَتى وَيا غَوْثى عِنْدَ شِدَّتى اِلَيْكَ فَزِعْتُ وَبِكَ اسْتَغَثْتُ

ای پناه دهنده من نزد کرب من و ای فریادرس من نزد سختی من بسوی تو جزع کردم و بتو پناه بردم

وَبِكَ لُذْتُ لا اَلُوذُ بِسِواكَ وَلا اَطْلُبُ الْفَرَجَ اِلّا مِنْكَ فَاَغِثْنى وَفَرِّجْ عَنّى

و بتو پناه بردم پناه نبردم بسوی غیر تو و طلب نمیکنم گشایش را مگر از تو پس فریادرس مرا و بگشا از من

يا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثيرِ اِقْبَلْ مِنّى الْيَسيرَ وَاعْفُ عَنّى الْكَثيرَ

[illegible]

اِنَّكَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ ايماناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبى

بدرستی که تویی آمرزنده مهربان خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو ایمانی که مباشر شود بآن دل من

وَيَقيناً حَتّى اَعْلَمَ اَنَّهُ لَنْ يُصيبَنى اِلّا ما كَتَبْتَ لى وَرَضِّنى مِنَ الْعَيْشِ بِما

و یقینی تا آنکه بدانم بدرستی که نمیرسد بمن مگر آنچه نوشته از برای من و راضی کن مرا از عیش بآنچه

قَسَمْتَ لى يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ يا عُدَّتى فى كُرْبَتى وَيا صاحِبى فى شِدَّتى وَ

قسمت کرده از برای من ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای پناه من در کرب من و ای رفیق من در سختی من و

يا وَلِيّى فى نِعْمَتى وَيا غايَتى فى رَغْبَتى اَنْتَ السّاتِرُ عَوْرَتى وَالْاٰمِنُ

ای دوست من در نعمت من و ای نهایت من در رغبت من [illegible]

بك

فصل على محمد وآله

روعتی والمقیل عثرتی واغفر لی خطیئتی یا ارحم الراحمین واما دعاهای هر روز
ترس من و درگذرنده از لغزش من و بیامرز از برای خطای مرا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ماه مبارک رمضان بسند
معتبر منقولست که حضرت امام زین العابدین و امام محمد باقر اللهم هذا شهر رمضان
صلوات الله علیهما در هر روز اینماه مبارک این دعا میخواندند خداوندا این ماه مبارک رمضانست
الذی انزلت فیه القرآن هدی للناس وبینات من الهدی والفرقان
که فرو فرستادهٔ در آن قرآن را هدایت کننده از برای مردمان و گواهان از هدایت و تمیز کننده میان حق و باطل
وهذا شهر الصیام وهذا شهر القیام وهذا شهر الانابة وهذا شهر التوبة
و این ماه روزه است و این ماه بپا ایستادنست و این ماه بازگشتنست و این ماه توبه و رجوع است
وهذا شهر المغفرة والرحمة وهذا شهر العتق من النار والفوز بالجنة
و این ماه آمرزش و رحمت و این ماه آزادی از آتش و رسیدن به بهشت است
وهذا شهر فیه لیلة القدر التی هی خیر من الف شهر اللهم فصل علی
و این ماهیست که در وی است شب قدری که آن بهترست از هزار ماه خداوندا پس درود فرست بر
محمد وآل محمد واعنی علی صیامه وقیامه وسلمه لی وسلمنی فیه و
محمد و آل محمد و یاری کن مرا بر روزه او و بپا ایستادن او و سالم کن او را از برای من و سالم گردان مرا در آن و
اعنی علیه بافضل عونك ووفقنی فیه لطاعتك وطاعة رسولك و
یاری ده مرا بر آن به بهترین یاری تو و توفیق ده مرا در آن از برای طاعت تو و طاعت رسول تو و
اولیائك صلوات الله علیهم وفرغنی فیه لعبادتك ودعائك وتلاوة
دوستان تو درود فرستاد خدا بر ایشان و فارغ گردان مرا در آن از برای عبادت خود و دعای خود و تلاوت
کتابك وعظم لی فیه البرکة واحسن لی فیه العافیة واحرز لی فیه
آیات خود و بزرگ کن از برای من در آن برکت را و نیکو کن از برای من در آن عافیت را و نگاه دار از برای من در آن
التوبة واصح لی فیه بدنی واوسع فیه رزقی واکفنی فیه ما اهمنی
توبه را و صحیح گردان از برای من در آن بدن مرا و وسیع کن در آن روزی مرا و کفایت کن در آن آنچه مهم منست
واستجب فیه دعائی وبلغنی فیه رجائی اللهم صل علی محمد وآل
و اجابت کن در آن دعای مرا و برسان مرا در آن بامید من خداوندا درود فرست بر محمد و آل

محمد

واعظم لی

التواب

محمد واذهب عنی فیه النعاس والکسل والسأمة والفترة والقسوة و
محمد و ببر از من در اینماه خواب و کسالت و سامت و سستی و قساوت دل و
الغفلة والغرة وجنبنی فیه العلل والاسقام والهموم والاحزان
غفلت و مغرور بودن و دور گردان از من در اینماه علتها و بیماریها و همها و غمها
والاعراض والامراض والخطایا والذنوب واصرف عنی فیه السوء و
و اعراض و مرضها و خطاها و گناهانرا و بگردان از من در اینماه بدیرا و
الفحشاء والجهد والبلاء والتعب والعناء انك سمیع الدعاء اللهم
و ناخوشیها و تنگی و بلا و تعب و رنجها بدرستی که تو شنونده دعائی خداوندا
صل علی محمد وآل محمد واعذنی فیه من الشیطان الرجیم وهمزه و
درود فرست بر محمد و آل محمد و پناه ده مرا در اینماه از شر شیطان دور شده از رحمت و رجم زده و
لمزه ونفثه ونفخه ووسوسته وتثبیطه وبطشه وکیده و
عیب کردن او و دمیدن او و دمیدن او و وسوسه کردن او و باز داشتن او و حمله کردن او و مکر او و
مکره وحبائله وخدعه وامانیه وغروره وفتنته وشرکه واحزابه
مکر او و حیلهای او و خدعه کردن او و دروغهای او و مغرور ساختن و فتنه او و شرک او و لشکر او
واتباعه واشیاعه واولیائه وشرکائه وجمیع مکائده اللهم صل علی محمد و
و تابعان او و پیروان او و دوستان او و شرکای او و همه کیدهای او خداوند درود فرست بر محمد و
آل محمد وارزقنا قیامه وصیامه وبلوغ الامل فیه وفی قیامه واستکمال ما
آل محمد و روزی کن ما را قیام او و روزه او و رسیدن امید در آن و در قیام او و کامل گردانیدن آنچه
یرضیك عنی صبرا واحتسابا وایمانا ویقینا ثم تقبل ذلك منی بالاضعاف
راضی کند ترا از من صبری و حسابی و ایمانی و یقینی پس از این قبول کن اینرا از من بچندین برابر
الکثیرة والاجر العظیم یا رب العالمین اللهم صل علی محمد وآل محمد و
بسیار و اجر عظیمی ای پروردگار عالمیان خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد و
ارزقنی الحج والعمرة والجد والاجتهاد والقوة والنشاط والانابة
روزی کن مرا حج و عمره و جد و اجتهاد و قوت و نشاط و بازگشت

السآمة

والاوجاع

والتوبة والتوفيق والقربة والخير المقبول والرهبة والرغبة و

و توبه و توفيق و قربت و خير پسنديده و ترس و رغبت در عبادت و

التضرع والخشوع والرقة والنية الصادقة وصدق اللسان و

تضرع و خشوع و رقت و نيت راست و درراستی زبان و

الوجل منك والرجاء لك والتوكل عليك والثقة بك والورع عن

ترس از تو و اميد مر ترا و توكل بر تو و اعتماد بتو و پرهيزكاری از

محارمك مع صالح القول ومقبول السعي ومرفوع العمل ومستجاب

حرامهای تو با قول صالح و سعی مقبول و عمل بالا برده شده و دعای مستجاب شده

الدعوة ولا تحل بيني وبين شيء من ذلك بعرض ولا مرض ولا هم ولا غم

و حايل مكن ميان من و ميان چيزی از اينها بسبب عارض و نه بيماريها و نه هم و نه غمی

ولا سقم ولا غفلة ولا نسيان بل بالتعاهد والتحفظ لك وفيك و

و نه بيماری و نه غفلت و نه فراموشی بلكه تعهد كردن و محافظت كردن از تو است و در تو است و

الرعاية لحقك والوفاء بعهدك ووعدك برحمتك يا ارحم الراحمين

رعايت كردن مر حق ترا و وفا كردن بعهد تو و وعده تو برحمت تو ای رحم كننده ترين رحم كنندگان

اللهم صل على محمد وال محمد واقسم لي فيه افضل ما تقسمه لعبادك

خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و قسمت كن از برای من در آن بهتر آنچه قسمت كرده از برای بندگان

الصالحين واعطني فيه افضل ما تعطي اولياءك المقربين من

صالح خود و عطا كن مرا در آن بهتر آنچه عطا كرده بدوستان تو كه نزديكان اند از

الرحمة والمغفرة والتحنن والاجابة والعفو والمغفرة الدائمة

رحمت و آمرزش و مهربانی و اجابت و عفو و مغفرت دائمی

والعافية والمعافاة والعتق من النار والفوز بالجنة وخير

و عافيت و معافات و آزادی از آتش و رسيدن به بهشت و خير

الدنيا والاخرة اللهم صل على محمد وال محمد واجعل دعائي

دنيا و آخرت خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد و بگردان دعای مرا

فيه

فيه اليك واصلا ورحمتك وخيرك الي فيه نازلا وعملي فيه مقبولا وسعيي

در اين ماه بسوی تو رسيده و رحمت تو و خير ترا بسوی من در آن بخشيده و عمل مرا در آن مقبول شده و سعی مرا

فيه مشكورا وذنبي فيه مغفورا حتى يكون نصيبي فيه الاكبر وحظي

در اين شكر كرده شده و گناه مرا در اين آمرزيده تا آنكه بوده باشد نصيب من در آن بزرگ و نصيب من

الاكبر

فيه الاوفر اللهم صل على محمد وال محمد ووفقني فيه لليلة القدر

در آن بسيار خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد و توفيق ده مرا در اين ماه از برای شب قدر

على افضل حال تحب ان يكون عليها احد من اوليائك وارضاها لك ثم

بر بهترين حالی كه دوست داری تو آنكه بوده باشد بر آن حالت احدی از دوستان تو و پسنديده تر آن از برای تو پس

اجعلها لي خيرا من الف شهر وارزقني فيها افضل ما رزقت احدا ممن بلغته

بگردان آن را از برای من بهتر از هزار ماه و روزی كن مرا در آن بهترين آنچه روزی كرده احدی را از كسی كه رسانيده او را

اياها واكرمته بها واجعلني فيها من عتقائك من جهنم وطلقائك من

مر او را و گرامی داشته او را بآن و بگردان مرا در آن از آزاد شدگان تو از جهنم و رها كرده شدگان تو از

النار وسعداء خلقك بمغفرتك ورضوانك يا ارحم الراحمين اللهم

آتش و نيكبختان خلق تو بآمرزيدن تو و خوشنودی تو ای رحم كننده ترين رحم كنندگان خداوندا

صل على محمد وال محمد وارزقنا في شهرنا هذا الجد والاجتهاد والقوة

درود فرست بر محمد و آل محمد و روزی كن ما را در اين ماه جد و جهد را و قوت

والنشاط وما تحب وترضى اللهم رب الفجر وليال عشر والشفع والوتر

و شادی و آنچه دوست داری تو و می پسندی خداوندا پروردگار صبح و شبهای ده گانه و صاحب شفع و وتر

ربنا

ورب شهر رمضان وما انزلت فيه من القران ورب جبرئيل وميكائيل

و پروردگار ماه رمضان و آنچه فرو آمده در آن از قرآن و پروردگار جبرئيل و ميكائيل

وميكائيل

واسرافيل وجميع الملائكة المقربين ورب ابرهيم واسمعيل واسحق

و اسرافيل و همه ملائكه مقرب و پروردگار ابرهيم و اسمعيل و اسحق

ويعقوب ورب موسى وعيسى وجميع النبيين والمرسلين ورب

و يعقوب و پروردگار موسی و عيسی و همه پيغمبران و مرسلين و پروردگار

صلوات الله

وبحقك عليهم و بحقهم عليك و بحقك العظيم

واصرف

محمدٍ خاتم النبيين صلواتك عليه وعليهم اجمعين واسئلك بحقهم
محمد خاتم پيغمبران درود تو براو وبرايشان همه وسؤال ميكنم ترا بحق ايشان
عليك وبحقك العظيم عليهم لما صليت عليه واله وعليهم اجمعين ونظرت
بر تو وبحق تو كه بزرگست برايشان مگر آنکه درود فرستی براو وآل او وبرايشان همه ونگاه کنی
الىّ نظرةً رحيمةً ترضى بها عنّى رضاً لا تسخط علىّ بعده ابداً واعطيتنى
بسوی من نظر رحمتی که راضی شوی بآن از من راضی شدنی که نباشد غضبی بر من بعد از آن هميشه وعطا کنی مرا
جميع سؤلى ورغبتى وامنيّتى وارادتى وصرفت عنّى ما اكره واحذر واخاف
همه سؤال من ورغبت من وآرزوهای من واراده من وبگردانی از من آنچه را ناخوش دارم وحذر ميکنم وميترسم
على نفسى وما لا اخاف وعن اهلى ومالى واخوانى واخواتى وذرّيتى اللّهمّ
بر نفس خود وآنچه را نميترسم واز اهل من ومال من وبرادران من وخواهران من واولاد من خداوندا
اليك فررنا من ذنوبنا فآوِنا تائبين وتب علينا مستغفرين واغفر لنا
بسوی تو بگريختيم از گناهان خود پس جا بده ما را توبه کنندگان وتوبه ده ما را استغفارکنندگان وبيامرز ما را
متعوّذين واعذنا مستجيرين واجرنا مستسلمين ولا تخذلنا راهبين وآمِنّا
پناه گيرندگان وپناه ده ما را زنهارخواهندگان ونگاه دار ما را تسليم کنندگان وخوار مکن ما را خوف دارنده وايمن کن ما را
راغبين وشفّعنا سائلين واعطنا انّك سميع الدعاء قريبٌ مجيب
رغبت کنندگان وشفيع شو ما را سؤال کنندگان وعطا کن ما را بدرستيکه شنوای دعائی نزديک اجابت کننده
اللّهمّ انت ربّى وانا عبدك واحقّ من سئل العبد ربّه ولم يسئل العباد
خداوندا تو پروردگار منی ومن بنده تو وسزاوارتر کسی که سؤال کند بنده پروردگار خود را وسؤال نميکند عباد
مثلك كرماً وجوداً يا موضع شكوى السائلين ويا منتهى حاجة الراغبين
مثل تو صاحب کرم وبخشش را ای محل شکوه سؤال کنندگان وای انتهای حاجت رغبت کنندگان
ويا غياث المستغيثين ويا مجيب دعوة المضطرّين ويا ملجأ الهاربين
وای فريادرس فريادکنندگان وای اجابت کننده خواندن بيچارگان وای پناه گريختگان
ويا صريخ المستصرخين ويا ربّ المستضعفين ويا كاشف كرب المكروبين
وای فريادرس ناله کنندگان وای پروردگار ضعيفان وای بردارنده مشقت مکروبين

ويا فارج

ويا فارج همّ المهمومين ويا كاشف الكرب العظيم يا الله يا رحمن يا رحيم
وای گشاينده هم هم داشتگان وای بردارنده کرب بزرگ ای خدا ای بخشنده ای مهربان
يا ارحم الراحمين صلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ واغفر لى ذنوبى وعيوبى واسائتى
ای رحم کننده ترين رحم کنندگان درود فرست بر محمد وآل محمد وبيامرز مرا گناهان مرا وعيبهای مرا وبديهای مرا
وظلمى وجرمى واسرافى على نفسى وارزقنى من فضلك الواسع ورحمتك فانّه
وظلم مرا وجرم مرا وزياده روی مرا بر نفس من وروزی ده مرا از فضل تو که وسعت ورحمت تو پس بدرستيکه
لا يملكها غيرك واعف عنّى واغفر لى كلّ ما قد سلف من ذنوبى واعصمنى
که مالک نميشود آنرا غير تو وعفو کن از من وبيامرز از برای من همه آنچه گذشته از گناهان من ونگاه دار مرا
فيما بقى من عمرى واستر علىّ وعلى والدىّ وولدى وقرابتى واهل
در آنچه باقی مانده از عمر من وبپوشان بر من وبر پدر ومادر من وفرزند من وخويشان من واهل
حزانتى ومن كان منّى بسبيلٍ من المؤمنين والمؤمنات فى الدنيا والآخرة
خويشان من وکسی بوده از من براه از مؤمنين ومؤمنات در دنيا وآخرت
فانّ ذلك كلّه بيدك وانت واسع المغفرة فلا تخيّبنى يا سيّدى
پس بدرستيکه اين همه بدست توست وتو فراخ آمرزشی پس نااميد مکن مرا ای آقای من
ولا تردّ دعائى ولا تردّ يدى الى نحرى حتّى تفعل ذلك بى وتستجيب
ورد مکن دعای مرا ورد مکن دست مرا بسوی گلوی من تا آنکه بکنی اينرا بمن واجابت کنی
لى جميع ما سألتك وتزيدنى من فضلك فانّك على كلّ شيءٍ قديرٌ ونحن
از برای من همه آنچه سؤال کردم ترا وزياده کنی از برای من از فضل تو پس بدرستيکه بر همه چيز قادری وما
اليك راغبون اللّهمّ لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء
بسوی تو رغبت کنندگانيم خداوندا از برای تست نامهای نيکو وبزرگيهای بلند وبزرگيها
والآلاء اسئلك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان كنت قضيت فى
ونعمتها سؤال ميکنم ترا بنام تو بنام خدای بخشنده مهربان اگر هستی تو که حکم کرده در
هذه الليلة تنزّل الملائكة والروح فيها ان تصلّى على محمّدٍ وآل
اين شب فرو فرستادن ملائکه وروح را در اين شب آنکه درود فرستی بر محمد وآل

يملكهما

محمد وان تجعل اسمی فی السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی فی علیین و

اسائتی مغفورة وان تهب لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا لا یشوبه شک

ورضا بما قسمت لی واتنی فی الدنیا حسنة وفی الاخرة حسنة وقنی عذاب

النار وان لم تکن قضیت فی هذه اللیلة تنزل الملائکة والروح فیها

فاخرنی الی ذلک وارزقنی فیها ذکرک وشکرک وطاعتک وحسن عبادتک

فصل علی محمد وال محمد بافضل صلواتک یا ارحم الراحمین یا احد یا

صمد یا رب محمد وال محمد اغضب الیوم لمحمد ولابرار من عترته واقتل

اعدائهم بددا واحصهم عددا ولا تدع علی ظهر الارض منهم احدا و

لا تغفر لهم ابدا یا حسن الصحبة یا خلیفة النبیین انت ارحم الراحمین

البدئ البدیع الذی لیس کمثله شیء والدائم غیر الغافل والحی

الذی لا یموت انت کل یوم فی شان انت خلیفة محمد وناصر محمد ومفضل

محمد اسئلک ان تنصر وصی محمد وخلیفة محمد والقائم بالقسط من

فی هذه اللیلة

برحمتک

اوصیا

اوصیاء محمد صلواتک علیه وعلیهم اعطف علیهم نصرک یا لا

اله الا انت بحق لا اله الا انت صل علی محمد وال محمد واجعلنی

معهم فی الدنیا والاخرة واجعل عاقبة امری الی غفرانک ورحمتک

یا ارحم الراحمین وکذلک نسبت نفسک یا سیدی باللطیف بلی انک

لطیف فصل علی محمد وال محمد والطف لی انک لطیف لما تشاء اللهم

صل علی محمد وال محمد وارزقنی الحج والعمرة فی عامنا هذا وفی کل

عام وتطول علی بجمیع حوائجی للدنیا والاخرة پس بگوید استغفر الله

ربی واتوب الیه ان ربی قریب مجیب استغفر الله ربی واتوب الیه

ان ربی رحیم ودود استغفر الله ربی واتوب الیه انه کان غفارا

اللهم اغفر لی انک ارحم الراحمین رب انی عملت سوءا وظلمت نفسی

فاغفر لی انه لا یغفر الذنوب الا انت استغفر الله الذی لا اله الا

هو الحی القیوم الحلیم العظیم الکریم الغفار للذنب العظیم و

فی

غفور

العلیم غفّ

اتوب الیه استغفر الله ان الله کان غفورا رحیما برب یک اللهم انی اسئلک
رجوع میکنم بسوی او طلب آمرزش میکنم از خدا بدرستی که خدا بوده آمرزنده مهربان پروردگارا میگویم خداوندا بدرستی که من سوال میکنم
ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد وان تجعل فیما تقضی وتقدّر من الامر
اینکه درود فرستی بر محمد وآل محمد واینکه بگردانی در آنچه حکم کرده و تقدیر کرده از امر
العظیم المحتوم فی لیلة القدر من القضاء الّذی لا یبدّل ان تکتبنی
بزرگ محتوم در شب قدر از حکمی که بدل نمیشود اینکه بنویسی مرا
من حجّاج بیتک الحرام المبرور حجّهم المشکور سعیهم المغفور ذنوبهم
از حاجیان بیت الله الحرام پسندیده شده حج ایشان شکر کرده شده سعی ایشان آمرزیده شده گناهان ایشان
المکفّر عنهم سیّئاتهم وان تجعل فیما تقضی وتقدّر ان تطیل
پوشیده شده از ایشان بدیهای ایشان واینکه بگردانی در آنچه حکم کرده و تقدیر کرده اینکه طولانی کردانی
عمری وتوسّع رزقی وتؤدّی عنّی امانتی ودینی آمین ربّ العالمین
عمر مرا و توسعه دهی روزی مرا و اداکنی از من امانت مرا و قرض مرا اجابت کن ای پروردگار عالمیان
اللّهمّ اجعل لی فرجا ومخرجا وارزقنی من حیث احتسب ومن حیث
خداوندا بگردان از برای من گشایش و محل بیرون آمدن و روزی ده مرا از جایی که گمان دارم و از جایی
لا احتسب واحرسنی من حیث احترس ومن حیث لا احترس وصلّی الله
که گمان ندارم و حراست کن مرا از جایی که بترسم و از جایی که نترسم و درود فرستاد خدا
علی محمّد وآله وسلّم تسلیما کثیرا واین تسبیحات نیز بسند معتبر از حضرت
بر محمد وآل او و سلام فرستاد سلام بسیار
صادق علیه السلام منقولست که در هر روز این ماه بخوانند
سبحان الله بارئ النّسم سبحان الله المصوّر سبحان الله خالق الازواج
منزهست خدایی که خلق کننده بادهاست منزهست خدایی که صورت کننده است منزهست خدایی خلق کننده جفتهاست
کلّها سبحان الله جاعل الظّلمات والنّور سبحان الله فالق الحبّ
همه منزهست خدای گرداننده تاریکیها و روشنی منزهست خدای شکافنده دانه
والنّوی سبحان الله خالق کلّ شیء سبحان الله خالق ما یری وما
و هسته منزهست خدای خالق همه چیز منزهست خدای خلق کننده آنچه دیده میشود و آنچه

لا یری سبحان الله مداد کلماته سبحان الله ربّ العالمین سبحان الله
دیده نمیشود منزهست خداوندی که کشیده شد کلمات او منزهست خدای پرورش دهنده عالمیان منزهست خدای
السّمیع الّذی لیس شیء اسمع منه یسمع من فوق عرشه ما تحت سبع ارضین
شنوا که نیست چیزی شنواتر از او میشنود از بالای عرش او آنچه در زیر هفت زمینست
ویسمع ما فی ظلمات البرّ والبحر ویسمع الانین والشّکوی ویسمع السّرّ واخفی
و میشنود آنچه را در تاریکیها و بیابان و دریا و میشنود ناله و شکوه‌ها را و میشنود پنهان و پوشیده‌تر را
ویسمع وساوس الصّدور ولا یصمّ سمعه صوت ۲ سبحان الله بارئ النّسم
و میشنود وسوسه‌های سینه‌ها و کر نمیکند گوش او را صدایی منزهست خدای خالق خلایق
سبحان الله المصوّر سبحان الله خالق الازواج کلّها سبحان الله جاعل الظّلمات
منزهست خدای تصویر کننده منزهست خدای خالق زوجها همه منزهست خدای گرداننده تاریکیها
والنّور سبحان الله فالق الحبّ والنّوی سبحان الله خالق کلّ شیء سبحان الله
و روشنی منزهست خدای شکافنده دانه و هسته منزهست خدای خالق همه چیز منزهست خدای
خالق ما یری وما لا یری سبحان الله مداد کلماته سبحان الله ربّ العالمین
خالق آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود منزهست خدای کشیده شده کلمات او منزهست خدای پرورش دهنده عالمیان
سبحان الله البصیر الّذی لیس شیء ابصر منه یبصر من فوق عرشه ما تحت
منزهست خدای بینا که نیست چیزی بیناتر از او میبیند از بالای عرش او آنچه در زیر
سبع ارضین ویبصر ما فی ظلمات البرّ والبحر لا تدرکه الابصار وهو
هفت زمینست و میبیند آنچه را در تاریکیها و بیابان و دریا درنمی‌یابد او را دیدها و او
یدرک الابصار وهو اللّطیف الخبیر لا تغشی بصره الظّلمة ولا یستتر منه
درمی‌یابد دیدها را و او مهربان خبیرست نمی‌پوشاند بینائی او را تاریکی و پوشیده نمیشود از او
بستر ولا یواری منه جدار ولا یغیب عنه برّ ولا بحر ولا یکنّ منه جبل ما
بپوشیدن و پنهان نمیشود از او دیوار و غایب نمیشود از او بیابان و دریا و پنهان نمیشود از او کوه آنچه
فی اصله ولا قلب ما فیه ولا جنب ما فی قلبه ولا یستتر منه صغیر
در اصل اوست و نه دل آنچه در اوست و نه پهلو آنچه در دل اوست و پوشیده نمیشود از او کوچک

ولا كبير ولا يخفى عليه شيء في الأرض ولا في السماء هو الذي يصوركم في

ونه بزرگ ونهان نيست بر او چيزى در زمين ونه در آسمان واوست كسى كه تصوير كرده شما را

الأرحام كيف يشاء لا إله إلا هو العزيز الحكيم ٣ سبحان الله بارئ النسم

در رحمهاى مادران چنانكه خواسته نيست خدايى بجز او غالب داناست منزهست خداى خالق خلايق

سبحان الله المصور سبحان الله خالق الأزواج كلها سبحان الله جاعل

منزهست خداى تصوير كننده منزهست خداى خالق زوجها همه منزهست خداى كرداننده

الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق

تاريكيها وروشنى منزهست خداى شكافنده دانه وهسته منزهست خداى خالق

كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته

هر چيز منزهست خداى خالق آنچه ديده ميشود وآنچه ديده نميشود منزهست خداى بقدر مداد كلمات

سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي ينشئ السحاب الثقال ويسبح

منزهست خداى پرورش دهنده عالميان منزهست خداى كه خلق ميكند ابرهاى سنگين را وتسبيح ميگويد

الرعد بحمده والملائكة من خيفته ويرسل الصواعق فيصيب بها من

رعد بحمد او وملائكه از ترس او وميفرستد صاعقهارا پس در ميابد بآن كسى را

يشاء ويرسل الرياح بشرا بين يدي رحمته ويرسل الماء من السماء

كه ميخواهد وميفرستد بادهارا بشارت دهنده ميان دست رحمت او وميفرستد آب را از آسمان

بكلمته وينبت النبات بقدرته ويسقط الورق بعلمه سبحان

بكلمه خود وميروياند گياه را بقدرت خود وميريزاند برگ را بعلم خود منزهست

الله الذي لا يعزب عنه مثقال ذرة في الأرض ولا في السماء ولا

خدايى كه پنهان نميشود از او مثقال ذره در زمين ونه در آسمان ونه

أصغر من ذلك ولا أكبر إلا في كتاب مبين ٤ سبحان الله بارئ النسم

كوچكتر از آن ونه بزرگتر مگر آنكه در كتاب ظاهر است منزهست خداى خالق خلايق

سبحان الله المصور سبحان الله خالق الأزواج كلها سبحان الله

منزهست خداى تصوير كننده منزهست خداى خالق زوجها همه منزهست خداى

جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق

كرداننده تاريكيها وروشنى منزهست خداى شكافنده دانه وهسته منزهست خداى خالق

كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلمات الله

هر چيز منزهست خداى خالق آنچه ديده ميشود وآنچه ديده نميشود منزهست خداى بقدر كشش كلمات خود منزهست

رب العالمين سبحان الله الذي يعلم ما تحمل كل أنثى وما تغيض الأرحام

پرورش دهنده عالميان منزهست خداى كه ميداند آنچه بر ميدارد هر مونث وآنچه كم ميكند رحمها

وما تزداد وكل شيء عنده بمقدار عالم الغيب والشهادة الكبير المتعال

وآنچه زياد ميشود وهر چيز نزد او تقدير كرده شده است داناى پنهان وحاضر بزرگ بلند

سواء منكم من أسر القول ومن جهر به ومن هو مستخف بالليل وسارب

مساويست از شما كسى كه پنهان كند سخن را وكسى كه جهر كند بآن وكسى كه او طلب پنهانى كند بشب ورونده

بالنهار له معقبات من بين يديه ومن خلفه يحفظونه من أمر الله سبحان

بروز از براى اوست عقبها از پيش روى او واز پشت او نگاه ميدارند او را از امر خدا منزهست

الله الذي يميت الأحياء ويحيي الموتى ويعلم ما تنقص الأرض منهم ويقر

خدايى كه ميميراند زندها را وزنده ميكند مردهارا وميداند آنچه كم ميكند زمين از ايشان وقرار ميدهد

في الأرحام ما يشاء إلى أجل مسمى ٥ سبحان الله بارئ النسم سبحان

در رحمها آنچه را ميخواهد تا مدت معين منزهست خداى خالق خلايق منزهست

الله المصور سبحان الله خالق الأزواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات

خداى تصوير كننده منزهست خداى خالق زوجها همه منزهست خدا كرداننده تاريكيها

والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان

وروشنى منزهست خداى شكافنده دانه وهسته منزهست خداى خالق هر چيز منزهست

الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب

خداى خالق آنچه ديده ميشود وآنچه ديده نميشود منزهست خداى بقدر كشش كلمات او منزهست خداى پرورش دهنده

العالمين سبحان الله مالك الملك تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك

عالميان منزهست خداى پادشاه ملك ميدهد پادشاهى كسى را كه ميخواهد وميكند پادشاهى

مَن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير انك على كل شيء
از كى كه ميخواهى و غالب ميكنى هر كرا ميخواهى وخوار ميكنى كسى را كه ميخواهى بدست توايست خير بدرستى كه تو بر همه چيز
قدير تولج الليل في النهار وتولج النهار في الليل وتخرج الحي
قادرى داخل ميكنى شب را در روز وداخل ميكنى روز را در شب وبيرون مى اورى زنده را
من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق من تشاء بغير حساب ٥
از مرده وبيرون مى اورى مرده را از زنده وروزى ميدهى كسى را كه ميخواهى بغير حساب
سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج
منزهست خداى خالق خلايق منزهست خداى تصوير كننده منزهست خداى خالق جفتها
كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب و
همه منزهست خداى كرداننده تاريكيها وروشنى منزهست خداى شكافنده دانه و
النوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى
هسته منزهست خداى خالق همه چيز منزهست خداى خالق انچه ديده ميشود وانچه ديده نميشود
سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذى
منزهست خدا بقدر كشش كلمات او منزهست خداى پروردگار عالميان منزهست خدائى كه
عنده مفاتح الغيب لا يعلمها الا هو ويعلم ما في البر والبحر وما
نزد اوست كليدهاى غيب نميداند انرا مگر او وميداند انچه در بيابان و دريا است وانچه
تسقط من ورقة الا يعلمها ولا حبة في ظلمات الارض ولا رطب و
ميريزد از برگ كه نميداند او وانرا و نه دانه در تاريكيهاى زمين و نه تر و
لا يابس الا في كتاب مبين ٧ سبحان الله بارئ النسم سبحان الله
نه خشك مگر انكه هست در كتاب مبين منزهست خداى خالق خلايق منزهست خداى
المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات
تصوير كننده منزهست خداى خالق جفتها همه منزهست خداى كرداننده تاريكيها
والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء
وروشنى منزهست خداى شكافنده دانه وهسته منزهست خداى خالق همه چيز

سبحان

سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله
منزهست خداى خالق انچه ديده ميشود وانچه ديده نميشود منزهست خداى بقدر كشش كلمات او منزهست خداى
رب العالمين سبحان الله الذى لا يحصى مدحته القائلون ولا يجزى
پروردگار عالميان منزهست خدائى كه شمرده نميشود مدح او قائلان را وجزا نميدهند
بالائه الشاكرون والعابدون وهو كما قال وفوق ما نقول والله
بنعمتهاى او شكر كنندگان و عبادت كنندگان واو چنانست كه گفته وبالاتر از انچه ميگوييم ما و خدا
سبحانه كما اثنى على نفسه ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء وسع
منزهست او چنانكه ثنا كرده بر ذات خود واحاطه نميكنند بچيزى از علم او مگر بقدرى كه خواسته وسعت دارد
كرسيه السموات والارض ولا يؤده حفظهما وهو العلى العظيم
كرسى او اسمانها وزمين را وسست نميكند او را حفظ هر دو واو بلند مرتبه بزرگست
ح سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق
منزهست خداى خالق خلايق منزهست خداى تصوير كننده منزهست خداى خالق
الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب و
جفتها همه منزهست خداى كرداننده تاريكيها وروشنى منزهست خداى شكافنده دانه و
النوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان
هسته منزهست خداى خالق همه چيز منزهست خداى خالق انچه ديده ميشود وانچه ديده نميشود منزهست
الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذى يعلم ما
خدا بقدر كشش كلمات او منزهست خداى پروردگار عالميان منزهست خداى كه ميداند انچه
يلج في الارض وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها ولا
داخل ميشود در زمين وانچه بيرون مى ايد از ان وانچه فرود مى ايد از اسمان وانچه بالا ميرود در ان و
يشغله ما يلج في الارض وما يخرج منها عما ينزل من السماء وما يعرج فيها
مشغول نميكند او را انچه داخل ميشود در زمين وانچه بيرون مى ايد از ان از انچه فرود مى ايد از اسمان وانچه بالا ميرود در ان
ولا يشغله ما ينزل من السماء وما يعرج فيها عما يلج في الارض وما يخرج
ومشغول نميكند او را انچه فرود مى ايد از اسمان وانچه بالا ميرود در ان از انچه داخل ميشود در زمين وانچه بيرون مى ايد

مِنْهَا وَلَا يَشْغَلُهُ عِلْمُ شَيْءٍ عَنْ عِلْمِ شَيْءٍ وَلَا يَشْغَلُهُ خَلْقُ شَيْءٍ عَنْ خَلْقِ شَيْءٍ وَلَا حِفْظُ شَيْءٍ

از ان ومشغول نمیکند اورا دانستن چیزی از دانستن چیزی ومشغول نمیکند اورا خلق کردن چیزی از خلق کردن چیزی ونه حافظت کردن چیزی

عَنْ حِفْظِ شَيْءٍ وَلَا يُسَاوِيهِ شَيْءٌ وَلَا يَعْدِلُهُ شَيْءٌ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

از حافظت کردن چیزی ومساوی نیست اورا چیزی ومعادل نمیشود اورا چیزی نیست مثل او چیزی واو شنوای داناست

سُبْحَانَ اللّٰهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ

منزهست خدای خالق خلایق منزهست خدای تصویر کننده منزهست خدای خالق جفتها

كُلِّهَا سُبْحَانَ اللّٰهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللّٰهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى

همه منزهست خدای کرداننده تاریکیها وروشنی منزهست خدای شکافنده دانه وحصه

سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ

منزهست خدای خالق همه چیز منزهست خدای خالق انچه دیده میشود وانچه دیده نمیشود منزهست

اللّٰهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللّٰهِ فَاطِرِ السَّمٰوَاتِ

خدا بقدر کشش کلمات او منزهست خدای پرورش دهنده عالمیان منزهست خدای خلق کننده اسمانها

وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي

وزمین کرداننده ملائکه رسولان صاحبان بالها دونا وسیتا وچهارتا زیاد میکند در

الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللّٰهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مَا يَفْتَحِ اللّٰهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا

خلق انچه میخواهد بدرستی که خدا بر همه چیز قادر است انچه کشاده است خدا از برای مردمان از رحمت پس نیست

مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ سُبْحَانَ

امساک کننده از برای ان وانچه باز داشته پس نیست فرستاننده از برای ان از بعد او واو غالب داناست منزهست

اللّٰهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا

خدای خالق خلایق منزهست خدای تصویر کننده منزهست خدای خالق جفتها همه

سُبْحَانَ اللّٰهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللّٰهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى

منزهست خدای کرداننده تاریکیها وروشنی منزهست خدای شکافنده دانه وحصه

سُبْحَانَ [illegible] خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ

منزهست [illegible] همه چیز منزهست خدای خالق انچه دیده میشود وانچه دیده نمیشود منزهست

اسم

اللّٰهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللّٰهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا

خدای بقدر کشش کلمات او منزهست خدای پرورش دهنده عالمیان منزهست خدای که میداند انچه

فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَىٰ ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا

در اسمانهاست وانچه در زمین است نمیباشد از رازها که سه نفر باشند مگر او چهارم ایشانست ونه

خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَىٰ مِنْ ذٰلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَمَا كَانُوا

پنج نفر مگر او ششم ایشان ونه کمتر از ین ونه بیشتر مگر او با ایشانست هر جا که باشند

ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ إِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ وايضا از حضرت صادق

پس خبر میکند ایشانرا بانچه کرده اند روز قیامت بدرستی که خدا بهمه چیز داناست علیه السلام منقولست که مستحب

است این صلوات را در هر روز ماه مبارک وورد إِنَّ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى

هر روز جمعه در تمام سال بخوانند وصلوات اینست بدرستی که خدا وفرشتگان او درود میفرستند بر

النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا لَبَّيْكَ يَا رَبِّ وَسَعْدَيْكَ

پیغمبر ای انکسانی که ایمان اورده اید درود فرستید بر او وسلام فرستید سلام فرستادنی اجابت تو ای پروردگار من

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَ

خدایا درود فرست بر محمد وال محمد ومبارک کن بر محمد وال محمد چنانکه درود فرستادی و

بَارَكْتَ عَلَىٰ إِبْرٰهِيمَ وَآلِ إِبْرٰهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ

برکت داده بر ابراهیم وال ابراهیم بدرستی که تو حمید کرده شده بزرگی خدایا رحم کن بر محمد و

آلَ مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ إِبْرٰهِيمَ وَآلَ إِبْرٰهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اَللّٰهُمَّ سَلِّمْ

ال محمد چنانکه رحم کردی ابراهیم وال ابراهیم را بدرستی که حمد کرده شده بزرگی خدایا سلام فرست

عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا سَلَّمْتَ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ امْنُنْ

بر محمد وال محمد چنانکه سلام فرستاده بر نوح در عالمیان خدایا منت نه

عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَنَنْتَ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهٰرُونَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ

بر محمد وال محمد چنانکه منت نهاده بر موسی وهرون خدایا درود فرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْهُ مَقَامًا

وال محمد چنانکه راه نموده ما را به او خدایا درود فرست بر محمد وال محمد وبرانگیزان او را مقام

وَسَعْدَيْكَ

مَحمُودًا يَغبِطُهُ بِهِ الاَوَّلُونَ وَالاٰخِرُونَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ السَّلامُ كُلَّمَا

حمد کرده شود که غبطه میبرند باو پیشینیان و پسینیان بر محمد و آل سلام هر وقت که

طَلَعَت شَمسٌ اَو غَرَبَت عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ السَّلامُ كُلَّمَا طَرَفَت عَينٌ اَو بَرِقَت

طلوع کند آفتاب یا غروب کند بر محمد و آل او سلام هر قدر که برکود چشم یا بدرخشد

عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ السَّلامُ كُلَّمَا طَرَفَت عَينٌ اَو ذَرَفَت عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ السَّلامُ

بر محمد و آل او سلام هر قدر که برکود چشم یا اشک بریزد بر محمد و آل او سلام

كُلَّمَا ذُكِرَ السَّلامُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ السَّلامُ كُلَّمَا سَبَّحَ اللّٰهَ مَلَكٌ اَو قَدَّسَهُ

هر قدر یاد کرده شود سلام بر محمد و آل او سلام هر قدر که تسبیح کند خدا را فرشته یا تقدیس کند او را

اَلسَّلامُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ فِی الاَوَّلِينَ اَلسَّلامُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ فِی الاٰخِرِينَ

سلام بر محمد و آل او در پیشینیان سلام بر محمد و آل او در پسینیان

اَلسَّلامُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ فِی الدُّنيَا وَالاٰخِرَةِ اَلسَّلامُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَ

سلام بر محمد و آل او در دنیا و آخرت سلام بر محمد و آل او و

رَحمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَللّٰهُمَّ رَبَّ البَلَدِ الحَرَامِ وَرَبَّ الرُّكنِ

رحمت خدا و برکات خدا باو خداوندا پروردگار شهر حرام و پروردگار رکن

وَالمَقَامِ وَرَبَّ الحِلِّ وَالحَرَامِ اَبلِغ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا وَاٰلَهُ عَنَّا

و مقام و پروردگار حل و حرم برسان پیغمبر خود محمد را و آل او را از ما

السَّلامَ اَللّٰهُمَّ اَعطِ مُحَمَّدًا مِنَ البَهَاءِ وَالسُّرُورِ وَالنَّضرَةِ وَ

سلام خداوندا عطا کن محمد را از روشنی و خوشحالی و شکفتگی و

الكَرَامَةِ وَالغِبطَةِ وَالوَسِيلَةِ وَالمَنزِلَةِ وَالمَقَامِ وَالشَّرَفِ وَ

بزرگی و غبطه و وسیله و منزلت و مقام و شرافت و

الرِّفعَةِ وَالشَّفَاعَةِ عِندَكَ يَومَ القِيٰمَةِ اَفضَلَ مَا تُعطِی اَحَدًا مِن

بلندی شان و شفاعت نزد تو روز قیامت بهترین آنچه عطا میکنی احدی را از

خَلقِكَ وَاَعطِ مُحَمَّدًا فَوقَ مَا تُعطِی الخَلاَئِقَ مِنَ الخَيرِ اَضعَافًا كَثِيرَةً

خلق خود و عطا کن محمد را بالاتر از آنچه عطا میکنی خلایق را از خیر چندین برابر بسیار

لایحصیها

لَا يُحصِيهَا غَيرُكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ اَطيَبَ وَاَطهَرَ وَاَزكیٰ وَاَنمیٰ وَاَفضَلَ

که نشمارد آنها را غیر تو خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد پاکیزه تر و پاک تر و نیکوتر و نمو کننده تر و فاضل تر

مَا صَلَّيتَ عَلیٰ اَحَدٍ مِنَ الاَوَّلِينَ وَالاٰخِرِينَ مِن خَلقِكَ يَا اَرحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ

آنچه درود فرستادی بر احدی از پیشینیان و پسینیان از خلق تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا

(حاشیه: وعلی احد)

صَلِّ عَلیٰ عَلِیٍّ اَمِيرِ المُؤمِنِينَ وَوَالِ مَن وَالاهُ وَعَادِ مَن عَادَاهُ وَضَاعِفِ العَذَابَ

درود فرست بر محمد علی امیر المؤمنین و دوست دار کسی را که دوست دارد او را و دشمن دار کسی را که دشمن دارد او را و مضاعف گردان عذاب را

عَلیٰ مَن شَرِكَ فِی دَمِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ فَاطِمَةَ بِنتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيهِ وَاٰلِهِ السَّلامُ

بر کسی که شریک شد در خون او خداوندا درود فرست بر فاطمه دختر پیغمبر تو محمد بر او و آل او باد سلام

وَالعَن مَن اٰذیٰ نَبِيَّكَ فِيهَا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ الحَسَنِ وَالحُسَينِ اِمَامَیِ المُسلِمِينَ وَوَالِ

و لعنت کن کسی را که آزار کرد پیغمبر ترا در او خداوندا درود فرست بر حسن و حسین دو امام مسلمانان و دوست دار

مَن وَالاهُمَا وَعَادِ مَن عَادَاهُمَا وَضَاعِفِ العَذَابَ عَلیٰ مَن شَرِكَ فِی دَمِهِمَا اَللّٰهُمَّ

کسی را که دوست دارد ایشان را و دشمن دار کسی را که دشمن دارد ایشان را و مضاعف کن عذاب را بر کسی که شریک شد در خون ایشان خداوندا

صَلِّ عَلیٰ عَلِیِّ بنِ الحُسَينِ اِمَامِ المُسلِمِينَ وَوَالِ مَن وَالاهُ وَعَادِ مَن عَادَاهُ

درود فرست بر علی بن الحسین امام مسلمانان و دوست دار کسی را که دوست دارد او را و دشمن باش کسی را که دشمن دارد او را

وَضَاعِفِ العَذَابَ عَلیٰ مَن ظَلَمَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدِ بنِ عَلِیٍّ اِمَامِ المُسلِمِينَ

و مضاعف کن عذاب را بر کسی که ستم کرد او را خداوندا درود فرست بر محمد بن علی امام مسلمانان

وَوَالِ مَن وَالاهُ وَعَادِ مَن عَادَاهُ وَضَاعِفِ العَذَابَ عَلیٰ مَن ظَلَمَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ

و دوست دار کسی را که دوست دارد او را و دشمن دار کسی را که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب را بر کسی که ستم کرد او را خداوندا درود فرست بر

جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ اِمَامِ المُسلِمِينَ وَوَالِ مَن وَالاهُ وَعَادِ مَن عَادَاهُ وَضَاعِفِ العَذَابَ

جعفر بن محمد امام مسلمانان و دوست دار کسی را که دوست دارد او را و دشمن باش کسی را که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب را

عَلیٰ مَن ظَلَمَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُوسیٰ بنِ جَعفَرٍ اِمَامِ المُسلِمِينَ وَوَالِ مَن وَالاهُ

بر کسی که ستم کرد او را خداوندا درود فرست بر موسی بن جعفر امام مسلمانان و دوست دار کسی را که دوست دارد او را

وَعَادِ مَن عَادَاهُ وَضَاعِفِ العَذَابَ عَلیٰ مَن شَرِكَ فِی دَمِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

و دشمنی کن با کسی که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب را بر کسی که شریک شد در خون او خداوندا درود

عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ
بر علی بن موسی امام مسلمانان ودوست دار کسی را که دوست دارد او را ودشمن کیر با کسی که دشمنی کند با او ومضاعف کن
الْعَذَابَ عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ
عذاب را بر کسی که شریک شد در خون او خداوندا درود فرست بر محمد بن علی امام مسلمانان
وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اَللّٰهُمَّ
ودوست دار کسی را که دوست دارد او را ودشمنی کن با کسی که دشمنی دارد او را ومضاعف کن عذاب را بر کسی که ستم کرد بر او خداوندا
صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ
درود فرست بر علی بن محمد امام مسلمانان ودوستی کن با کسی که دوستی کند با او ودشمن باش با کسی که دشمنی باشد با او ومضاعف کن
الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَ
عذاب را بر کسی که ستم کرد بر او خداوندا درود فرست بر حسن بن علی امام مسلمانان و
وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ
دوست دار کسی را که دوست دارد او را ودشمنی کن با کسی که دشمنی دارد او را ومضاعف کن عذاب را بر کسی که ستم کرد بر او
اَللّٰهُمَّ عَلَى الْخَلَفِ مِنْ بَعْدِهِ اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ
خداوندا بر خلیفه از بعد او امام مسلمانان ودوست دار کسی را که دوست دارد او را ودشمنی
مَنْ عَادَاهُ وَعَجِّلْ فَرَجَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْقَاسِمِ وَالطَّاهِرِ ابْنَيْ
با کسی که دشمنی باشد با او وزود کن فرج او را خداوندا درود فرست بر قاسم وطاهر دو پسر
نَبِيِّكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى رُقَيَّةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَالْعَنْ مَنْ اٰذَى نَبِيَّكَ فِيهَا
پیغمبر تو خداوندا درود فرست بر رقیه دختر پیغمبر تو ولعنت کن کسی را که آزار کرد پیغمبر ترا در او
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى اُمِّ كُلْثُومٍ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَالْعَنْ مَنْ اٰذَى نَبِيَّكَ فِيهَا
خداوندا درود فرست بر ام کلثوم دختر پیغمبر تو ولعنت کن کسی را که آزار کرد پیغمبر ترا در او
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى ذُرِّيَّةِ نَبِيِّكَ اَللّٰهُمَّ اخْلُفْ نَبِيَّكَ فِي اَهْلِ بَيْتِهِ اَللّٰهُمَّ
خداوندا درود فرست بر اولاد پیغمبر تو خداوندا خلیفه کن پیغمبر خود را در اهل بیت او خداوندا
مَكِّنْ لَهُمْ فِي الْاَرْضِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ عَدَدِهِمْ وَمَدَدِهِمْ وَاَنْصَارِهِمْ
تمکین ده ایشان را در زمین خداوندا بگردان ما را از شماره ایشان ومددکاران ایشان ویاوران ایشان

عَلَى الْحَقِّ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ اَللّٰهُمَّ اطْلُبْ بِذَحْلِهِمْ وَوِتْرِهِمْ وَدِمَائِهِمْ
بر حق در نهان واشکارا خداوندا طلب کن کینه ایشان را وخونخواهی ایشان را وخونهای ایشان را
وَكُفَّ عَنَّا وَعَنْهُمْ وَعَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ بَاْسَ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ وَكُلِّ دَابَّةٍ
وباز دار از ما وازایشان واز هر مؤمن ومؤمنه بدی هر ظالم سرکش وهر جنبنده
اَنْتَ اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّكَ اَنْتَ اَشَدُّ بَاْسًا وَاَشَدُّ تَنْكِيلًا ودر اقبال وبعضی
که تو گیرنده بموی پیشانی آن بد دستی که تو سخت تری از روی دلیری وسخت تری از روی عقوبت از نسخهای دیگر دعا
از حضرت علی بن الحسین تا حضرت امام حسن عسکری علیهم السلام بجای علی من ظلمه چنین است
علی من شرك في دمه وازجمله دعاهای هر روز ماه مبارك رمضان دعائیست که سید ابن طاوس
فضیلت بسیار از جهت آن روایت کرده است ودر استجابت اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدْعُوكَ كَمَا
دعوات مجربست وبر مضامین عالیه مشتملست ودعا اینست خداوندا بدرستی که میخوانم ترا چنانکه
اَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي سه اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِاَبْهَاهُ
امر کرده مرا پس اجابت کن مرا چنانکه وعده کرده مرتبه خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا از زیبایی تو بزیباترین آن
وَكُلُّ بَهَائِكَ بَهِيٌّ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِبَهَائِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ
وهمه زیبایی تو زیباست خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا بزیبایی تو همه خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا
مِنْ جَلَالِكَ بِاَجَلِّهِ وَكُلُّ جَلَالِكَ جَلِيلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِجَلَالِكَ كُلِّهِ
از بزرگی تو ببزرگترین بزرگیها وهمه بزرگی تو بزرگست خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا ببزرگی تو همه
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِاَجْمَلِهِ وَكُلُّ جَمَالِكَ جَمِيلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ
خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا از خوبی تو ببهترین خوبیها وهمه خوبیهای تو خوبست خداوندا بدرستی که سؤال میکنم
بِجَمَالِكَ كُلِّهِ پس سه اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي
بخوبی تو همه مرتبه بگوید خداوندا بدرستی که میخوانم ترا چنانکه امر کرده مرا پس اجابت کن مرا چنانکه وعده داده مرا
پس اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِاَعْظَمِهَا وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظِيمَةٌ اَللّٰهُمَّ
بگوید خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا از بزرگی تو بعظیمترین بزرگیها وهمه بزرگی تو بزرگست خداوندا
اِنِّي اَسْئَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِاَنْوَرِهِ وَكُلُّ نُورِكَ
بدرستی که سؤال میکنم ترا ببزرگی تو همه خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا از روشنی تو بروشن ترین روشنیها وهمه روشنی

نيّرٌ اللّهمّ انّى اسئلك بنورك كلّه اللّهمّ انّى اسئلك من رحمتك باوسعها

روشن است خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بنوری تو همه خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا از رحمت تو بگشاده ترین رحمتها

وكلّ رحمتك واسعةٌ اللّهمّ انّى اسئلك برحمتك كلّها بيرسه اللّهمّ انّى

و همه رحمت تو گشاده است خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو برحمت تو همه مرتبه بگوید خداوندا بدرستی

ادعوك كما امرتنى فاستجب لى كما وعدتنى بيرا اللّهمّ انّى اسئلك من كمالك

که میخوانم ترا چنانکه امر کرده مرا پس اجابت کن مرا چنانکه وعده داده مرا بگوید خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو از کمال تو

باكمله وكلّ كمالك كاملٌ اللّهمّ انّى اسئلك بكمالك كلّه اللّهمّ انّى اسئلك

بکاملترین کمالها و همه کمال تو کامل است خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو بکمال تو همه خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو

من كلماتك باتمّها وكلّ كلماتك تامّةٌ اللّهمّ انّى اسئلك بكلماتك كلّها

از کلمهای تو بتمام ترین کلمها و همه کلمهای تو تمام است خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو بکلمهای تو همه

اللّهمّ انّى اسئلك من اسمائك باكبرها وكلّ اسمائك كبيرةٌ اللّهمّ انّى

خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو از نامهای تو ببزرگترین نامها و همه نامهای تو بزرگ است خداوندا بدرستی

اسئلك باسمائك كلّها بيرسه اللّهمّ انّى ادعوك كما امرتنى فاستجب لى

که سوال میکنم از تو بنامهای تو همه مرتبه بگوید خداوندا بدرستی که میخوانم ترا چنانکه امر کرده مرا پس اجابت کن مرا

كما وعدتنى بيرا اللّهمّ انّى اسئلك من عزّتك باعزّها وكلّ عزّتك عزيزةٌ

چنانکه وعده داده مرا بگوید خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو از عزت تو بعزیزترین عزتها و همه عزت تو عزیز است

اللّهمّ انّى اسئلك بعزّتك كلّها اللّهمّ انّى اسئلك من مشيّتك بامضاها

خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بعزت تو همه خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا از خواهش تو بماضی ترین خواهشها

وكلّ مشيّتك ماضيةٌ اللّهمّ انّى اسئلك بمشيّتك كلّها اللّهمّ انّى اسئلك

و همه خواهش تو ماضی است خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بخواهش تو همه خداوندا بدرستی که سوال میکنم تو را

بقدرتك الّتى استطلت بها على كلّ شىءٍ وكلّ قدرتك مستطيلةٌ اللّهمّ

بقدرت تو که احاطه کرده بان بر همه چیز و همه قدرت تو احاطه کننده است خداوندا

انّى اسئلك بقدرتك كلّها بيرسه اللّهمّ انّى ادعوك كما امرتنى فاستجب

بدرستی که سوال میکنم از تو بقدرت تو همه مرتبه بگوید خداوندا بدرستی که میخوانم ترا چنانکه امر کرده مرا پس اجابت کن

لى كما وعدتنى بيرا اللّهمّ انّى اسئلك من علمك بانفذه وكلّ علمك نافذٌ اللّهمّ

مرا چنانکه وعده کرده مرا بگوید خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا از دانائی تو بجاری ترین علمها و همه علم تو جاری است خداوندا

انّى اسئلك بعلمك كلّه اللّهمّ انّى اسئلك من قولك بارضاه وكلّ قولك

بدرستی که سوال میکنم از تو بعلم تو همه خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو از قول تو برپسندیده ترین قولها و همه قول تو

رضىٌّ اللّهمّ انّى اسئلك بقولك كلّه اللّهمّ انّى اسئلك من مسائلك

پسندیده است خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو بقول تو همه خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو از سوالهای تو

باحبّها اليك وكلّ مسائلك حبيبةٌ اليك اللّهمّ انّى اسئلك بمسائلك

بدوست ترین سوالها بسوی تو و همه سوالهای تو محبوبست بسوی تو خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو بسوالهای تو

كلّها بيرسه اللّهمّ انّى ادعوك كما امرتنى فاستجب لى كما وعدتنى بيرا

همه مرتبه بگوید خداوندا بدرستی که میخوانم ترا چنانکه امر کرده مرا پس اجابت کن مرا چنانکه وعده کرده مرا بگوید

اللّهمّ انّى اسئلك من شرفك باشرفه وكلّ شرفك شريفٌ اللّهمّ انّى

خداوندا سوال میکنم ترا از شرف تو بشریف ترین شرفها و همه شرف تو شریف است خداوندا بدرستی که

اسئلك بشرفك كلّه اللّهمّ انّى اسئلك من سلطانك بادومه وكلّ سلطانك

سوال میکنم ترا بشرف تو همه خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا از پادشاهی تو بدائم ترین پادشاهی و همه پادشاهی تو

دائمٌ اللّهمّ انّى اسئلك بسلطانك كلّه اللّهمّ انّى اسئلك من

دائم است خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بپادشاهی تو همه خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا از

ملكك بافخره وكلّ ملكك فاخرٌ اللّهمّ انّى اسئلك بملكك كلّه بيرسه

ملک تو بفاخرترین ملکها و همه ملک تو فاخر است خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بملک تو همه مرتبه بگوید

اللّهمّ انّى ادعوك كما امرتنى فاستجب لى كما وعدتنى بيرا اللّهمّ انّى

خداوندا بدرستی که میخوانم ترا چنانکه امر کرده مرا پس اجابت کن مرا چنانکه وعده داده مرا بگوید خداوندا بدرستی

اسئلك من علائك باعلاه وكلّ علائك عالٍ اللّهمّ انّى اسئلك

که سوال میکنم ترا از بلندی تو ببلندترین بلندیها و همه بلندی تو بلند است خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا

بعلائك كلّه اللّهمّ انّى اسئلك من منّك باقدمه وكلّ منّك قديمٌ اللّهمّ

ببلندی تو همه خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا از منت تو بقدیم ترین منتها و همه منت تو قدیم است خداوندا

رضا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَنِّكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ آيَاتِكَ بِأَعْجَبِهَا وَكُلُّ آيَاتِكَ

بدرستی که سؤال میکنم ترا بمنت تو همه خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا از آیات تو بعجب ترین نشانها وهمه نشانها

عَجِيبَةٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِآيَاتِكَ كُلِّهَا يا رب اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ

عجیباست خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا بآیات تو همه مرتبه بگوید خداوندا بدرستی که میخوانم ترا

كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي يا رب اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ

چنانکه امر کرده مرا پس اجابت کن مرا چنانکه وعده داده مرا بگوید خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا از فضل تو

بِأَفْضَلِهِ وَكُلُّ فَضْلِكَ فَاضِلٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِفَضْلِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ

بفاضلترین فضلها وهمه فضل تو فاضلست خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا بفضل تو همه خداوندا

إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ بِأَعَمِّهِ وَكُلُّ رِزْقِكَ عَامٌّ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

بدرستی که سؤال میکنم ترا از رزق تو بعامترین روزیها وهمه رزق تو عامست خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا

بِرِزْقِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَطَائِكَ بِأَهْنَئِهِ وَكُلُّ عَطَائِكَ

برزق تو همه خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا از بخشش تو بگواراترین بخششها وهمه بخشش تو

هَنِيءٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَطَائِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

گواراست خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا ببخشش تو همه خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا از

خَيْرِكَ بِأَعْجَلِهِ وَكُلُّ خَيْرِكَ عَاجِلٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِخَيْرِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ

خیر تو بتعجیل ترین خیرها وهمه خیر تو عاجلاست خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا بخیر تو همه خداوندا

إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ إِحْسَانِكَ بِأَحْسَنِهِ وَكُلُّ إِحْسَانِكَ حَسَنٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي

بدرستی که سؤال میکنم ترا از خوبیهای تو بخوبترین خوبیها وهمه خوبی تو خوبست خداوندا بدرستی

أَسْأَلُكَ بِإِحْسَانِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا تُجِيبُنِي بِهِ حِينَ أَدْعُوكَ

سؤال میکنم ترا بخوبی همه تو خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا بچیزی که اجابت میکنی مرا بآن وقتی که بخوانم ترا

فَأَجِبْنِي يَا اللهُ نعم دعوتك يا الله اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا أَنْتَ فِيهِ

پس اجابت کن مرا ای خدا بلی خواندم ترا ای خدا خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا بچیزی که تو در آنی

مِنَ الشُّئُونِ وَالْجَبَرُوتِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكُلِّ شَأْنٍ وَجَبَرُوتٍ

از چیزها و بزرگیها خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا بهمه چیزها و بزرگیها

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِشَأْنِكَ وَجَبَرُوتِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا

خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا بچیزهای تو و بزرگی تو همه خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا بآنچه

تُجِيبُنِي بِهِ حِينَ أَسْأَلُكَ فَأَجِبْنِي يَا اللهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِرَهم

اجابت میکنی مرا بآن وقتی که سؤال میکنم ترا پس اجابت کن مرا ای خدا درود فرست بر محمد وآل محمد حاجت

كداری بطلب اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْنِي عَلَى الْإِيمَانِ بِكَ وَ

بر بگو خداوندا درود فرست بر محمد وآل محمد و برانگیز مرا بر ایمان بتو و

التَّصْدِيقِ بِرَسُولِكَ وَالْوِلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ

تصدیق برسول تو وولایت از برای علی بن ابی طالب بر او باد رحمت و

الْإِئْتِمَامِ بِالْأَئِمَّةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ فَإِنِّي قَدْ رَضِيتُ

و پیروی کردن بامامان از آل محمد وبیزاری از دشمنان ایشان پس بدرستی که بتحقیق راضی شدم

بِذَلِكَ يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ رِضْوَانَكَ

بآن ای پروردگار من خداوندا درود فرست بر محمد وآل محمد وسؤال میکنم ترا بهترین خیر خوشنودی ترا

وَالْجَنَّةَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِكَ وَالنَّارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

وبهشت را وپناه میبرم بتو از بدترین شرها که غضب تست و آتش خداوندا درود فرست بر محمد وآل

مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْنِي مِنْ كُلِّ مُصِيبَةٍ وَمِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عُقُوبَةٍ وَمِنْ

محمد و محافظت کن مرا از هر مصیبتها واز همه بلاها واز همه عقوبتها واز

كُلِّ فِتْنَةٍ وَمِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَمِنْ كُلِّ شَرٍّ وَمِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَمِنْ كُلِّ آفَةٍ نَزَلَتْ أَوْ

همه فتنها واز همه بلاها واز همه بدی واز همه مکروه واز همه آفتها که نازل شده

تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي هٰذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَ

وفرود میآید از آسمان بسوی زمین در این ساعت و در این شب و

فِي هٰذَا الْيَوْمِ وَفِي هٰذَا الشَّهْرِ وَفِي هٰذِهِ السَّنَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

در این روز و در این ماه و در این سال خداوندا درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْسِمْ لِي مِنْ كُلِّ سُرُورٍ وَمِنْ كُلِّ بَهْجَةٍ وَمِنْ كُلِّ

بر محمد و آل محمد وقسمت کن از برای من از همه خوشحالی واز همه بهجت واز همه

وَمِنْ كُلِّ مُصِيبَةٍ

معصیة

استقامةٍ وَمِن كُلِّ فَرَجٍ وَمِن كُلِّ عافيةٍ وَمِن كُلِّ سلامةٍ وَمِن كُلِّ كرامةٍ وَمِن كُلِّ

استقامت واز هر فرج واز هر عافیت واز هر سلامت واز هر کرامت واز هر

رِزقٍ واسِعٍ حَلالٍ طَيِّبٍ وَمِن كُلِّ نِعمةٍ وَمِن كُلِّ حَسَنةٍ نَزَلَت اَو تَنزِلُ

روزی گشاده حلال پاك واز هر نعمت واز هر حسنه فرود آمد یا فرود میآید

مِنَ السَّماءِ اِلَى الاَرضِ في هٰذِهِ السّاعةِ وَفي هٰذِهِ اللَّيلةِ وَفي هٰذا

از آسمان بسوی زمین دراین ساعت ودراین شب ودراین

اليَومِ وَفي هٰذا الشَّهرِ وَفي هٰذِهِ السَّنةِ اَللّٰهُمَّ اِن كانَت ذُنُوبي قَد

روز ودراین ماه ودراین سال خداوندا اگر هست گناهان من بتحقیق

اَخلَقَت وَجهي عِندَكَ وَحالَت بَيني وَبَينَكَ اَو غَيَّرَت حالي عِندَكَ

که کهنه کرده است روی مرا نزد تو ومانع شده است میان من ومیان تو یا تغیر داده است حال مرا نزد تو

فَاِنّي اَسئَلُكَ بِنُورِ وَجهِكَ الكَريمِ الَّذي لَم يُطفَأ وَبِوَجهِ حَبيبِكَ مُحَمَّدٍ

پس بدرستی که سؤال میکنم ترا بروشنی روی تو که کریم است که خاموش نشود وبروی دوست تو محمد

المُصطَفىٰ وَبِوَجهِ وَلِيِّكَ عَلِيٍّ المُرتَضىٰ وَبِحَقِّ اَولِيائِكَ الَّذينَ انتَجَبتَهُم

برگزیده وبروی دوست تو علی پسندیده وبحق دوستان تو که برگزیده ایشانرا

اَن تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَن تَغفِرَ لي وَلِوالِدَيَّ وَما وَلَدا وَلِلمُؤمِنينَ

اینکه درود فرستی بر محمد وآل محمد واینکه بیامرزی مرا ووالدین مرا وانچه زاییده اند واز برای مؤمنین

وَالمُؤمِناتِ وَما تَوالَدوا ذُنُوبَنا كُلَّها صَغيرَها وَكَبيرَها وَاَن تَختِمَ لَنا

ومؤمنات وانچه از ایشان متولد شده گناهان مارا همه را کوچك انرا وبزرگ انرا واینکه ختم کنی از برای ما

بِالصّالِحاتِ وَاَن تَقضِيَ لَنَا الحاجاتِ وَالمُهِمّاتِ وَصالِحَ الدُّعاءِ وَ

بعملهای صالح واینکه براوری از برای ما حاجتهای مارا ومهمات را وصالح دعارا و

المَسئَلةِ فَاستَجِب لَنا بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

مسئلتها را پس اجابت کن از برای ما بحق محمد وآل او خداوندا درود فرست بر محمد وآل محمد

آمينَ آمينَ آمينَ ما شاءَ اللّٰهُ كانَ لا حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ سُبحانَ

اجابت کن اجابت کن اجابت کن انچه را که خواهد خدا بوده است نیست گردیدنی ونیروانی مگر بخدا منزه است

رَبِّكَ رَبِّ العِزَّةِ عَمّا يَصِفُونَ وَسَلامٌ عَلَى المُرسَلينَ وَالحَمدُ لِلّٰهِ رَبِّ العالَمينَ

پروردگار تو پروردگار عزت از انچه وصف میکنند وسلام بر پیغمبران وستایش از برای خدائیست که پروردگار عالمیانست

پس دستها را بجانب آسمان بلند کن ومیل ده گردن را بسوی دوش یا لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ اَسئَلُكَ

چپ خود وگریه بکن واگر نیاید خود را بگریه بدار پس بگو ای انکه نیست خدائی بجز تو سؤال میکنم از تو

بِحَقِّ مَن حَقُّهُ عَلَيكَ عَظيمٌ بِلا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ اَسئَلُكَ بِبَهاءِ لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ يا لا اِلٰهَ

بحق کسی که حق او بر تو عظیمست بحق لا اله الا انت سؤال میکنم از تو بزیبائی لا اله الا انت ای انکه نیست خدائی

اِلّا اَنتَ اَسئَلُكَ بِجَلالِ لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ يا لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ اَسئَلُكَ بِجَمالِ

بجز تو سؤال میکنم از تو ببزرگی لا اله الا انت ای انکه نیست خدائی بجز تو سؤال میکنم از تو بخوبی

لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ يا لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ اَسئَلُكَ بِنُورِ لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ يا لا اِلٰهَ اِلّا

لا اله الا انت ای خدائیکه نیست خدائی جز تو سؤال میکنم ترا بروشنی لا اله الا انت ای انکه نیست خدائی بجز

اَنتَ اَسئَلُكَ بِكَمالِ لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ يا لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ اَسئَلُكَ بِعِزَّةِ لا

تو سؤال میکنم ترا بکمال لا اله الا انت ای انکه نیست خدائی بجز تو سؤال میکنم ترا بعزت لا

اِلٰهَ اِلّا اَنتَ يا لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ اَسئَلُكَ بِعِظَمِ لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ يا لا اِلٰهَ

اله الا انت ای انکه نیست خدائی بجز تو سؤال میکنم ترا ببزرگی لا اله الا انت ای انکه نیست خدائی

اِلّا اَنتَ اَسئَلُكَ بِقَولِ لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ يا لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ اَسئَلُكَ بِشَرَفِ

بجز تو سؤال میکنم ترا بگفتن لا اله الا انت ای انکه نیست خدائی بجز تو سؤال میکنم ترا بشرافت

لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ يا لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ اَسئَلُكَ بِعَلاءِ لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ يا لا اِلٰهَ

لا اله الا انت ای انکه نیست خدائی بجز تو سؤال میکنم ترا ببلندی لا اله الا انت ای خدائیکه نیست خدائی

اِلّا اَنتَ اَسئَلُكَ بِلا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ يا لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ يا رَبّاهُ يا رَبّاهُ

بجز تو سؤال میکنم ترا بلا اله الا انت ای خدائیکه نیست خدائی بجز تو ای پروردگار ای پروردگار

انقدر بگوید که یکنفس وفا کند پس بگوید برهان اَسئَلُكَ يا سَيِّدي پس يا اَللّٰهُ يا رَبّاهُ

حالتی که بود کردن کج کرده بسوی دوش چپ سؤال میکنم ترا ای آقای من بگوید ای خدای من ای پروردگار

انقدر که یکنفس يا سَيِّداهُ يا مَولاهُ يا غِياثاهُ يا مَلجاهُ يا مُنتَهىٰ غايَةِ رَغبَتاهُ

وفا کند پس بگوید ای سید ای آقا ای فریادرس ای پناهگاه ای انتهای اخر رغبتها

بعظمة

یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ اَسئَلُكَ فَلَیسَ كَمِثلِكَ شَیءٌ وَاَسئَلُكَ بِكُلِّ دَعوَةٍ مُستَجابَةٍ

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان سوال میکنم ترا پس نیست مثل تو چیزی وسوال میکنم ترا بهر خواندنی مستجاب شده

دَعاكَ بِها نَبِیٌّ مُرسَلٌ اَو مَلَكٌ مُقَرَّبٌ اَو عَبدٌ مُؤمِنٌ امتَحَنتَ قَلبَهُ لِلایمانِ

که خوانده اند ترا بآن پیغمبر فرستاده شده یا فرشته مقرب یا بنده مؤمن که امتحان کرده دلاورا از برای ایمان

وَاستَجَبتَ دَعوَتَهُ مِنهُ وَاَتَوَجَّهُ اِلَیكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّكَ نَبِیِّ الرَّحمَةِ وَاُقَدِّمُ

واستجابت کرده دعای اورا ازاو ومتوجه میشوم بسوی تو بمحمد پیغمبر تو پیغمبر رحمت وپیش میدارم اورا

بَینَ یَدَی حَوائِجی یا مُحَمَّدُ یا رَسُولَ اللهِ بِاَبی اَنتَ وَاُمّی اَتَوَجَّهُ بِكَ اِلی رَبِّكَ

پیش روی حاجتهای من ای محمد ای رسول خدا فدای تو باد پدر ومادرم متوجه میشوم بتو بسوی پروردگار تو

وَرَبّی وَاُقَدِّمُكَ بَینَ یَدَی حَوائِجی یا رَبّاهُ یا رَبّاهُ یا رَبّاهُ اَسئَلُكَ بِكَ

وپروردگار من وپیش میدارم ترا پیش روی حاجتهای خود ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار سوال میکنم ترا بتو

فَلَیسَ كَمِثلِكَ شَیءٌ وَاَتَوَجَّهُ اِلَیكَ بِمُحَمَّدٍ حَبیبِكَ وَبِعِترَتِهِ الهادینَ وَ

پس نیست مثل تو چیزی ومتوجه میشوم بسوی تو بمحمد دوست تو وبعترت او که راه نماینده اند و

اُقَدِّمُهُم بَینَ یَدَی حَوائِجی وَاَسئَلُكَ اَللّهُمَّ بِحَیاتِكَ الَّتی لا تَمُوتُ وَبِنُورِ وَجهِكَ

پیش میدارم ایشان را پیش روی حاجتهای من وسوال میکنم ترا خداوندا بحیات تو که فانی نمیشود وبروشنی روی تو

الَّذی لا یُطفَأُ وَبِعَینِكَ الَّتی لا تَنامُ وَاَسئَلُكَ بِحَقِّ مَن حَقُّهُ عَلَیكَ عَظیمٌ

که خاموش نمیشود وبچشمهای تو که نمیخوابد وسوال میکنم از تو بحق کسی که حق او بر تو عظیم است

اَن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ قَبلَ كُلِّ شَیءٍ وَبَعدَ كُلِّ شَیءٍ وَعَدَدَ كُلِّ شَیءٍ وَزِنَةَ

اینکه درود فرستی بر محمد وآل محمد پیش از هر چیز وبعد از هر چیز وبشماره هر چیز ووزن

كُلِّ شَیءٍ وَمِلاءَ كُلِّ شَیءٍ اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُكَ اَن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ عَبدِكَ المُصطَفی

هر چیز وپری هر چیز خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا اینکه درود فرستی بر محمد که بنده تو که برگزیده است

وَرَسُولِكَ المُرتَضی وَاَمینِكَ المُصطَفی وَنَجیبِكَ دُونَ خَلقِكَ وَحَبیبِكَ

ورسول تو که پسندیده است وامین تو که برگزیده است وبرگزیده تو نزد خلق تو ودوست تو

وَخِیَرَتِكَ مِن خَلقِكَ اَجمَعینَ النَّذیرِ البَشیرِ السِّراجِ المُنیرِ وَعَلی اَهلِ

وبرگزیده تو از خلق تو همه بیم کننده بشارت دهنده چراغ روشن وبر اهل

الله

تبیین

حاجتی

بَیتِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ المُطَهَّرینَ الاَخیارِ الاَبرارِ وَعَلی مَلائِكَتِكَ

بیت او که پاکیزه و پاکند پاکانند برگزیدگان نیکوکارانند وبر فرشتگان تو

الَّذینَ استَخلَصتَهُم لِنَفسِكَ وَحَجَبتَهُم عَن خَلقِكَ وَعَلی اَنبِیائِكَ الَّذینَ

که خالص کرده ایشان را از برای نفس خود وپنهان کرده ایشان را از خلق خود وبر پیغمبران تو که

یُنبِئُونَ بِالصِّدقِ عَنكَ وَعَلی عِبادِكَ الصّالِحینَ الَّذینَ اَدخَلتَهُم

خبر میدهند براستی از تو وبر بندگان تو که صالحانند که داخل کرده ایشان را

فی رَحمَتِكَ الاَئِمَّةِ المُهتَدینَ الرّاشِدینَ المُطَهَّرینَ وَعَلی جَبرَئیلَ وَ

در رحمت خود پیشوایان راه یافتگان ارشاد کنندگان پاکان وبر جبرئیل و

میكائیلَ وَاِسرافیلَ وَمَلَكِ المَوتِ وَرِضوانَ خازِنِ الجَنَّةِ وَمالِكٍ

میکائیل واسرافیل وبر ملک موت ورضوان خزانه دار بهشت ومالک

خازِنِ النّارِ وَالرُّوحِ القُدُسِ وَحَمَلَةِ العَرشِ وَمُنكَرٍ وَنَكیرٍ وَعَلی المَلَكَینِ

خزانه دار آتش وروح القدس وبر دارندگان عرش ومنکر ونکیر وبر دو ملک

الحافِظَینِ عَلَیَّ بِالصَّلوةِ الَّتی تُحِبُّ اَن تُصَلِّیَ بِها عَلَیهِم صَلوةً كَثیرَةً

محافظت کننده بر من نمازی که دوست داری اینکه درود فرستی بآن بر ایشان درود بسیار

طَیِّبَةً مُبارَكَةً زاكِیَةً نامِیَةً طاهِرَةً شَریفَةً فاضِلَةً تُبَیِّنُ بِها فَضلَهُم

پاکیزه میمون پاک نمو کننده اشکار بزرگ بهتر که ظاهر کنی بآن فضل ایشان را

عَلی الاَوَّلینَ وَالآخِرینَ اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُكَ اَن تَسمَعَ صَوتی وَتُجیبَ دَعوَتی

بر پیشینیان وپسینیان خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو اینکه بشنوی صدای مرا واجابت کنی دعای مرا

وَتَغفِرَ ذُنُوبی وَتُنجِحَ طَلِبَتی وَتَقضِیَ حاجاتی وَتَقبَلَ قِصَّتی وَتُنجِزَ لی ما

وبیامرزی گناهان مرا وبرآوری طلب مرا وبرآوری حاجات مرا وقبول کنی قصه مرا وقطع کنی از برای من

وَعَدتَنی وَتُقیلَنی عَثرَتی وَتَتَجاوَزَ عَن خَطیئَتی وَتَصفَحَ عَن ظُلمی وَ

وعده داده مرا وبرطرف کنی لغزش مرا ودرگذری از خطاهای من ودرگذری از ستم من

تَعفُوَ عَن جُرمی وَتُقبِلَ عَلَیَّ وَلا تُعرِضَ عَنّی وَتَرحَمَنی وَلا تُعَذِّبَنی وَ

عفو کنی از جرم من وروآوری بر من وروگردانی از من ورحم کنی بر من وعذاب نکنی مرا و

تعافینی ولا تبتلینی وترزقنی من اطیب الرزق واوسعه واهنئه وامرئه

وعافیت دهی مرا وازمایش نکنی مرا وروزی دهی مرا از بهترین روزی وکشاده ده تر وکوارا تر وآسان تر

واسبغه واکثره ولا تحرمنی یا رب النظر الی وجهک الکریم والفوز

وکامل تر ان وبیشتر آن ومحروم نکردانی مرا ای پروردکار از نظر الی آثار ذات تو که کریمست ورسیدن

بالجنة والعتق من النار واقض عنی یا رب دینی وامانتی وضع عنی

ببهشت وازادی از اتش وادا کن از من ای پروردکار من دین مرا وامانت مرا وفرو کذار از من

وزری ولا تحملنی ما لا طاقة لی به یا مولای وادخلنی فی کل خیر ادخلت

کناه مرا وبار مکن بر من چیزی را که طاقت نیست برای من بران ای آقای من وداخل کن مرا در هر خیری که داخل کرده

فیه محمدا وآل محمد واخرجنی من کل سوء اخرجتهم منه ولا تفرق بینی

دران محمد وآل محمد را وبیرون کن مرا از هر بدی که بیرون کرده ایشان را ازان وجدایی میفکن میان من

وبینهم طرفة عین ابدا فی الدنیا والآخرة پس بگو اللهم انی ادعوک

ومیان ایشان بمقدار بهم زدن چشم هرکز در دنیا و آخرت پس بگو بگوید خداوندا بدرستی که میخوانم ترا

کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی پس بگو اللهم انی اسئلک قلیلا من

چنانکه امر کرده مرا پس اجابت کن مرا چنانکه وعده داده مرا بگوید خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو اندکی را از

کثیر مع حاجة بی الیه عظیمة وغناک عنه قدیم وهو عندی

بسیار با احتیاج من بسوی او بزرکست ومستغنی بودن تو ازان قدیمست و او نزد من

کثیر وهو علیک سهل یسیر فامنن به علی انک علی کل شیء قدیر اللهم

بسیارست وان بر تو اسان واندکست پس منت نه بان بر من بدرستی که تو بر همه چیز توانایی خداوندا

برحمتک فی الصالحین فادخلنا وفی علیین فارفعنا وبکاس من

برحمت تو که در صالحین پس داخل کن ما را ودر اعلی علیین پس بلند کن ما را وبجام از

معین من عین سلسبیل فاسقنا ومن الحور العین برحمتک فزوجنا

معین از چشمه سلسبیل پس آب ده ما را واز حور العین برحمت تو پس تزویج کن ما را

ومن ولدان مخلدین کانهم لؤلؤ مکنون فاخدمنا ومن ثمار الجنة

واز پسران که مخلد اند کویا که ایشان مروارید مکنون اند پس خادم کردان از برای ما واز میوه های بهشت

ولحوم الطیر فاطعمنا ومن ثیاب السندس والحریر والاستبرق فالبسنا

وکوشتهای مرغ پس اطعام کن ما را واز جامهای سندس وابریشم واستبرق پس بپوشان ما را

ولیلة القدر وحج بیتک الحرام وقتلا فی سبیلک مع ولیک فوفق

وشب قدر وحج بیت الله الحرام وکشته شدن در راه تو با دوست تو پس توفیق ده

لنا وصالح الدعاء والمسئلة فاستجب لنا یا خالقنا اسمع واستجب

از برای ما وصالح دعا وسوال کردن پس اجابت کن از برای ما ای خالق ما بشنو واجابت کن

لنا واذا جمعت الاولین والآخرین یوم القیمة فارحمنا وبراءة من

از برای ما وهرکاه جمع شوند پیشینیان وپسینیان روز قیمت پس رحم کن ما را وبراءة از

النار وامانا من العذاب فاکتب لنا وفی جهنم فلا تجعلنا ومع الشیاطین

اتش وایمنی از عذاب پس بنویس از برای ما ودر جهنم پس مکردان ما را وبا شیاطین

فی النار فلا تقرنا وفی هوانک وعذابک فلا تقلبنا ومن الزقوم

در اتش پس قرار مده ما را ودر خواری تو وعذاب تو پس مکردان ما را واز زقوم

والضریع فلا تطعمنا وفی النار علی وجوهنا فلا تکبنا ومن ثیاب

وضریع پس اطعام مکن ما را ودر اتش بر روی ما پس میفکن ما را واز جامهای

النار وسرابیل القطران فلا تلبسنا ومن کل سوء یا لا اله الا انت

اتش وزیر جامهای سیاه پس مپوشان ما را واز هر بدی ای انکه نیست خدایی بجز تو

بحق لا اله الا انت فنجنا اللهم انی اسئلک ولم یسئل مثلک و

بحق لا اله الا انت پس نجات ده ما را خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا وسوال نمیکنم مثل ترا و

ارغب الیک ولم یرغب الی مثلک یا رب انت موضع مسئلة

رغبت میکنم بسوی تو ورغبت نمیکنم بسوی مثل تو ای پروردکار من تو موضع سوالهای

السائلین ومنتهی رغبة الراغبین اسئلک اللهم بافضل

سوال کنندکان وانتهای رغبت رغبت کنندکانی سوال میکنم ترا خداوندا بافضل

اسمائک کلها وانجحها یا الله یا رحمن وباسمک المخزون المصون

نامهای تو همه وفیروزترین انها ای خدا ای بخشنده وبنام تو که مخزونست ومصونست

الاعزّ الاجلّ الاعظم الذی تحبّه وتهواه وترضی عمّن دعاک به وتستجیب

عزیزتر وبزرگتر واعظم که دوست میداری اورا وبرو داشتر اورا وراضی میشوی از کسیکه بخواند ترا بآن نام واجابت

له دعاءه وحقّ علیک یا ربّ ان لا تحرم سائلک اللّهمّ انّی اسئلک

از برای او دعای اورا وسزاوار است بر تو ای پروردگار اینکه نومید نکنی سوال کننده خود را خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا

بکلّ اسم هو لک دعاک به عبد هو لک فی برّ او بحر او سهل او جبل

بهر اسمی که او از برای تست که خوانده است ترا بآن بنده که او از برای تست در بیابان یا دریا یا بیابان یا کوه

او عند بیتک الحرام او فی شیء من سبلک فادعوک یا ربّ دعاء من قد

یا نزد بیت خانه تو که حرمست یا در چیزی از راههای تو پس میخوانم ترا ای پروردگار دعای خواندن کسی که بتحقیق

اشتدّت فاقته وعظم جرمه وضعف کدحه واشرفت علی الهلکة

سخت شده باشد بیچارگی او وبزرگست گناه او وضعیف شده کوچ او ومشرف شده بر هلاکت

نفسه ولم یثق بشیء من عمله ولم یجد لما هو فیه سادّا ولا لذنبه غافرا

نفس او واعتماد ندارد بر چیزی از کردهای او ونیابد از برای انچه او در انست مانعی وند از برای گناه خود آمرزنده

ولا لعثرته مقیلا غیرک هاربا الیک متعوّذا بک متعبّدا لک غیر مستنکف

ونه از برای لغزش خود درگذرنده غیر تو که بگریزد بسوی تو پناه آورنده بتو عبادت کننده مر ترا از غیر ننگ

ولا مستکبر ولا متجبّر ولا متعظّم بل بائس فقیر خائف مستجیر

ونه تکبر کننده ونه واماننده ونه جبر کننده ونه بزرگی بر خود دیده بلکه هالک بی چیز ترسان امید دارنده

اسئلک یا الله یا رحمن یا حنّان یا منّان یا بدیع السّموات والارض یا

سوال میکنم ترا ای خدا ای رحمن ای بخشنده ای منت گذارنده ای خالق آسمانها و زمین ای

ذا الجلال والاکرام ان تصلّی علی محمّد وال محمّد صلوة کثیرة طیّبة مبارکة

صاحب بزرگی واکرام اینکه درود فرستی بر محمد وآل محمد درود بسیار پاکیزه میمون

نامیة زاکیة شریفة اسئلک اللّهمّ ان تغفر لی فی شهری هذا وترحمنی

نمو کننده پاکیزه شریف سوال میکنم ترا خداوندا اینکه بیامرزی مرا در ماه من این ماه ورحم کنی بر من

وتعتق رقبتی من النّار وتعطینی فیه خیر ما اعطیت احدا من خلقک

وآزاد کنی گردن مرا از آتش وعطا کنی مرا در آن بهتر انچه عطا کرده احدی از خلق خود را

وخیر ما انت معطیه ولا تجعله اخر شهر رمضان صمته لک منذ اسکنتنی

وبهتر انچه تو عطا کننده آنی ومگردان این را آخر ماه رمضان که روزه گرفته باشم از برای تو از آن وقتی که ساکن کردی مرا

ارضک الی یومی هذا بل اجعله علیّ اتمّه نعمة واعمّه عافیة واوسعه

در زمین خود تا امروز من این روز بلکه بگردان او را بر من تمام از روی نعمت وعام از روی عافیت وگشاده

رزقا واجزله واهناه اللّهمّ انّی اعوذ بک وبوجهک الکریم وملکک

از روی روزی وبزرگتر او وگواراتر او خداوندا بدرستی که پناه میبرم بتو وبذات مقدس تو که کریمست وبپادشاهی تو

العظیم ان تغرب الشّمس من یومی هذا او ینقضی بقیّة هذا الیوم او

که بزرگست از آنکه غروب کند آفتاب از روز من این روز یا آنکه منقضی شود بقیه این روز یا

یطلع الفجر من لیلتی هذه او یخرج هذا الشّهر ولک قبلی تبعة او ذنب

طلوع کند صبح از شب من این شب یا بیرون رود این ماه واز برای تو باشد بر من لغزشی یا گناهی

او خطیئة ترید ان تقایسنی بها او تؤاخذنی بها او توقفنی بها موقف

یا خطائی باشد که اراده کنی که مقایسه کنی مرا بآن یا مواخذه کنی مرا بآن یا بازداری مرا بسبب آن موقف

خزی فی الدّنیا والاخرة او تعذّبنی یوم القاک یا ارحم الرّاحمین

رسوائی در دنیا وآخرت یا عذاب کنی مرا روزی که ملاقات کنم ترا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

اللّهمّ انّی ادعوک لهمّ لا یفرّجه غیرک ولرحمة لا تنال الّا بک ولکرب

خداوندا بدرستی که میخوانم ترا از برای همی که گشایش نمیدهد آنرا غیر تو واز برای رحمتی که نمیرسد مگر بتو واز برای کربی

لا یکشفه الّا انت ولرغبة لا تبلغ الّا بک ولحاجة لا تقضی دونک اللّهمّ

که کشف نمیکند آنرا مگر تو واز برای رغبتی که رسیده نمیشود مگر بتو واز برای حاجتی که بر آورده نمیشود غیر تو خداوندا

فکما کان من شانک ما اردتنی به من مسئلتک ورحمتنی به من ذکرک فلیکن

پس چنانکه بود از شان تو انچه اراده کردی مرا بآن از سوال کردن ترا ورحم کردی بر من بآن از یاد تو پس باشد

من شانک الاستجابة لی فیما دعوتک به والنّجاة لی فیما فزعت الیک منه

از شان تو اجابت وقبول را از برای من در انچه خواندم ترا بآن ورستگاری از برای من در انچه جزع کردم بسوی تو از آن

ایا ملیّن الحدید لداود ای کاشف الضّرّ والکرب العظام عن ایّوب و

ای آنکه نرم کردی آهن را از برای داود ای برطرف کننده مضرتها وکربهای بزرگ از ایوب و

مُفَرِّجَ غَمِّ يَعْقُوبَ وَمُنَفِّسَ كَرْبِ يُوسُفَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ
برطرف کننده غم یعقوب و کشنده کرب یوسف درود فرست بر محمد و آل محمد و بکن
بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي
بمن آنچه تو سزاواری بدرستی که سزاوار بپرهیزکاری و سزاوار آمرزشی خداوندا تو معتمدی
فِي كُلِّ كَرْبٍ وَرَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ
در هر مشقت و امیدمی در هر سختی و تو از برای من در هر امری نازل شود بمن معتمدی و عدّه
كَمْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعُفُ مِنْهُ الْفُؤَادُ وَتَقِلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ وَيَخْذُلُ فِيهِ الصَّدِيقُ
چه بسیار از کرب که ناتوان میشود از آن دلها و کم میشود در آن حیله و خوار میشود در آن دوست
وَيَشْمَتُ فِيهِ الْعَدُوُّ أَنْزَلْتُهُ بِكَ وَشَكَوْتُهُ إِلَيْكَ رَغْبَةً مِنِّي فِيهِ إِلَيْكَ
و شماتت میکند در آن دشمن و آورده‌ام بتو و شکوه کردم او را بسوی تو از جهت رغبت من در آن بسوی تو
عَمَّنْ سِوَاكَ فَفَرَّجْتَهُ وَكَشَفْتَهُ وَكَفَيْتَهُ فَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَصَاحِبُ
از کسی که غیر تست پس گشادی تو آنرا و برداشتی آنرا و کفایت کردی آنرا پس تو صاحب هر نعمتی و صاحب
كُلِّ حَسَنَةٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ
هر نیکوئی و انتهای هر رغبتی پناه میبرم بکلمات خدا که تامست از شر
مَا خَلَقَ مِنْ شَيْءٍ اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي يَوْمِي هَذَا حَتَّى أُمْسِيَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
آنچه خلق کرده از هر چیز خداوندا عافیت ده مرا در روز من این روز تا آنکه شب کنم خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا
بَرَكَةَ يَوْمِي هَذَا وَمَا نَزَلَ فِيهِ مِنْ عَافِيَةٍ وَمَغْفِرَةٍ وَرَحْمَةٍ وَرِضْوَانٍ
برکت در روز من این روز و آنچه فرود آید در آن از عافیت و آمرزش و رحمت و خوشنودی
وَرِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ تَبْسُطُهُ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَوَلَدِي وَأَهْلِي وَعِيَالِي
و رزق گشاده حلال که پهن کرده آنرا بر من و بر پدر و مادر من و اولاد من و اهل من و عیال من
وَأَهْلِ خُزَانَتِي وَمَنْ أَحْبَبْتُ وَأَحَبَّنِي وَوَلَدْتُ وَوَلَدَنِي اللَّهُمَّ إِنِّي
و اهل خزینه من و کسی که دوست داشتم و دوست دارد مرا و زائیده من و آنچه من از او زائیده‌ام خداوندا بدرستی
أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّكِّ وَالشِّرْكِ وَالْحَسَدِ وَالْبَغْيِ وَالْحَمِيَّةِ وَالْغَضَبِ اللَّهُمَّ
پناه میبرم بتو از شک و شرک و حسد و ستم و جهل و غضب خداوندا

رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبَّ
پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار زمینهای هفتگانه و آنچه در آنهاست و آنچه در میان آنهاست و پروردگار
الْعَرْشِ الْعَظِيمِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْفِنِي الْمُهِمَّ مِنْ أَمْرِي بِمَا شِئْتَ وَكَيْفَ شِئْتَ
عرش بزرگ درود فرست بر محمد و آل و کفایت کن مهم مرا از امر من بآنچه خواهی و بهر نحوی که خواهی
پس بخوان سوره حمد و آیة الکرسی را و بگو اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ لِنَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ
خداوندا بدرستی که تو گفتی از برای پیغمبر تو درود فرستاد خدا بر او و آل او و هر آینه زود باشد که عطا کند ترا
رَبُّكَ فَتَرْضَى اللَّهُمَّ إِنَّ نَبِيَّكَ وَرَسُولَكَ وَحَبِيبَكَ وَخِيَرَتَكَ مِنْ خَلْقِكَ لَا يَرْضَى
پروردگار تو پس راضی شوی خداوندا بدرستی که پیغمبر تو و رسول تو و دوست تو و برگزیده تو از خلق تو راضی نیست
بِأَنْ تُعَذِّبَ أَحَداً مِنْ أُمَّتِهِ دَانَ بِمُوَالاتِهِ وَمُوَالاتِ الْأَئِمَّةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ
بآنکه عذاب کنی کسی را از امت او که نزدیک شده است بدوستی او و دوستی امامان از اهل بیت او
وَإِنْ كَانَ مُذْنِباً خَاطِئاً فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَأَجِرْنِي يَا رَبِّ مِنْ جَهَنَّمَ وَعَذَابِهَا وَهَبْنِي
و هر چند بوده باشد گناهکار خطاکار در آتش جهنم پس پناه ده مرا ای پروردگار من از جهنم و عذاب آن و ببخش مرا
لِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا جَامِعاً بَيْنَ أَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَى تَأَلُّفٍ مِنَ الْقُلُوبِ
بمحمد و آل محمد ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان ای جمع کننده میان اهل بهشت بر تألیف دادن از دلها
وَشِدَّةِ الْمَحَبَّةِ وَنَازِعَ الْغِلِّ مِنْ صُدُورِهِمْ وَجَاعِلَهُمْ إِخْوَاناً عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ
و شدت دوستی و بر دارنده کینه از سینه‌های ایشان و گرداننده ایشان را برادران بر تختهای روبرو
يَا جَامِعاً بَيْنَ أَهْلِ طَاعَتِهِ وَبَيْنَ مَنْ خَلَقَهَا لَهُ وَيَا مُفَرِّجَ حُزْنِ كُلِّ مَحْزُونٍ وَيَا
ای جمع کننده میان اهل طاعت خود و میان کسی که خلق آنرا از برای او و ای گشاینده اندوه هر اندوهگینی و ای
مُنْهِلَ كُلِّ غَرِيبٍ يَا رَاحِمِي فِي غُرْبَتِي وَفِي كُلِّ أَحْوَالِي بِحُسْنِ الْحِفْظِ وَالْكِلَاءَةِ
سیراب کننده هر غریبی ای رحم کننده من در غریبی من و در همه احوال من بخوبی محافظت و نگاهداری
لِي يَا مُفَرِّجَ مَا بِي مِنَ الضِّيقِ وَالْخَوْفِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْمَعْ بَيْنِي
از برای من ای گشاینده آنچه بمن است از تنگی و ترس درود فرست بر محمد و آل محمد و جمع کن میان من
وَبَيْنَ أَحِبَّتِي وَقَادَتِي وَسَادَتِي وَهُدَاتِي وَمَوَالِيَّ يَا مُؤَلِّفاً بَيْنَ الْأَحِبَّاءِ صَلِّ
و میان دوستان من و کشنده من و بهتری من و هدایت کنندگان من و آقایان من ای تألیف کننده میان دوستان درود فرست

عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلا تَفْجَعْني بِانْقِطاعِ رُؤْيَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَنّي وَلا بِانْقِطاعِ
بر محمد وال محمد وبدرد میاور مرا بانقطاع دیدن محمد وال محمد از من ونه بانقطاع
رُؤْيَتي عَنْهُمْ فَبِكُلِّ مَسائِلِكَ يا رَبِّ اَدْعُوكَ اِلهي فَاسْتَجِبْ دُعائي اِيّاكَ
دیدن من از ایشان پس بهمه مسائل تو ای پروردگار من میخوانم ترا خدای من پس اجابت کن دعای مرا تو ا
يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِانْقِطاعِ حُجَّتي وَوُجُوبِ حُجَّتِكَ اَنْ
ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا بسبب منقطع شدن حجت من و واجب شدن حجت تو اینکه
تَغْفِرَ لي اَللّهُمَّ اِنّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ يَوْمِ الْمَحْشَرِ وَمِنْ شَرِّ ما بَقِيَ مِنَ الدَّهْرِ
بیامرزی مرا خداوندا بدرستی که پناه میبرم بتو از خواری روز قیامت واز شر انچه باقی مانده از زمانه
وَمِنْ شَرِّ الْاَعْداءِ وَصَغيرِ الْفَناءِ وَعُضالِ الدّاءِ وَخَيْبَةِ الرَّجاءِ وَزَوالِ
واز شر دشمنان و کوچک فناء و سخت دردها و ناامیدی امید و زایل شدن
النِّعْمَةِ وَفُجاءَةِ النِّقْمَةِ اَللّهُمَّ اجْعَلْ لي قَلْبًا يَخْشاكَ كَاَنَّهُ يَراكَ اِلى
نعمت و ناگاه آمدن عذاب خداوندا بگردان از برای من دلی که بترسد از تو گویا که او ببیند ترا تا
يَوْمِ يَلْقاكَ ودور نیست که در اوقات دیگر هرگاه شدتی رو دهد یا حاجت ضروری
روزی که ملاقات کند ترا بهم رسد اید عارا توان خواند **فصل ششم** در اعمال مختصره شبها و روزهای
مخصوص اینماه مبارکت و در روایتی وارد شده است که انجیل بر حضرت عیسی علیه السلام در سیم
اینماه نازل شد و بروایت دیگر در ششم و بروایت معتبر دیگر در دوازدهم و شیخ مفید علیه الرحمه
نقل کرده است که در روز ششم اینماه مامون خاین ملعون با حضرت امام رضا علیه السلام بیعت کرد
و روایت شده است که هر که در ان روز دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد بیست
و پنج مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند شکر نعمت ظاهر شدن حق انحضرت را ادا کرده خواهد
بود و بروایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در شب سیزدهم دو رکعت نماز بگذارند
در هر رکعت بعد از حمد سوره یس و تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله احد بخوانند و در
شب چهاردهم چهار رکعت بدو سلام باین صفت و در شب پانزدهم شش رکعت بسه سلام
بهمین کیفیت و شب پانزدهم از لیالی متبرکه است و غسل و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام
مستحبست دران چنانچه مذکور شد و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که

در اعمال مختصره شبها و روزهای مخصوص اینماه مبارکت

حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم هر که در شب نیمه ماه مبارک رمضان صد رکعت
نماز بکند یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله
احد بخواند حق تعالی ده ملک فرو فرستد بسوی او که دفع کنند از او ضرر دشمنان او را از
جنیان و ادمیان و در هنگام مرگ او سی ملک بفرستد که او را بشارت دهند ببهشت و سی
ملک که او را ایمن گردانند از جهنم و ایضا از انحضرت منقولست که هر که در شب نصف ماه مبارک
رمضان زیارت حضرت امام حسین علیه السلام بکند و بعد از نماز عشا ده رکعت نماز نزد قبر
انحضرت بکند و در هر رکعتی سوره حمد و ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند نمیرد تا دنیا
بر بیند ملکی چند را که بشارت دهند او را ببهشت و ملکی چند را که ایمن کردانند او را از جهنم و
شب هفدهم نیز شب بسیار مبارکیست و در انشب لشکر حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم
با لشکر کفار قریش ملاقات کردند در بدر و در روز ش جنگ بدر شد و حق تعالی لشکر انحضرت
را بر کافران ظفر داد و ان اعظم فتوحات اسلام بود و غسل و عبادت در انشب فضیلت عظیم دارد
و شب نوزدهم اول شبهای قدر است و حق تعالی میفرماید انا انزلناه فی لیلة القدر یعنی
ما فرو فرستادیم قرانرا در شب قدر یعنی شبی که نزد حق تعالی قدر و منزلت عظیم دارد یا
تقدیر امور سال در اینشب یا زمین تنگ میشود از بسیاری نزول ملائکه و ما ادریک ما
لیلة القدر و چه چیز ترا اعلام کرده است که چه چیز است شب قدر لیلة القدر خیر من الف شهر
شب قدر بهتر است از هزار ماه یعنی عبادت دران بهتر است از عبادت در هزار ماه تنزل
الملائکة والروح فیها فرود میایند ملائکه و روح که از همه ملائکه اعظم است در انشب باذن
ربهم برخصت پروردگار ایشان من کل امر بسبب تقدیر هر امری احادیث بسیار وارد شده است
که ملائکه و روح در انشب بر امام زمان نازل میشوند و انچه از برای هر کس در اینشب
مقدر شده است بر امام علیه السلام عرض میکنند سلام هی حتی مطلع الفجر یعنی سلامتیست این
شب از جمیع بدیها تا طلوع صبح یا سلام میکنند بر امام و بر مؤمنان که در اینشب عبادت میکنند تا
طلوع صبح و میان سنی و شیعه در شب قدر اختلاف بسیار هست بعضی از سنیان گفته اند که
شب قدر در زمان حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم بود و بعد از انحضرت برطرف شد
واکثر ایشان گفته اند که تا روز قیامت باقیست پس بعضی گفته اند در تمام سال پنهانست و در

همه شبها عبادت باید کرد تا فضیلت شب قدر را دریابند و بعضی گفته‌اند در ماه شعبان و ماه رمضان پنهانست و بعضی گفته‌اند که در شب نیمهٔ شعبانست و بعضی گفته‌اند شب اول رمضانست و بعضی گفته‌اند شب نیمه است و بعضی شب هفدهم و بعضی بیست و یکم و بعضی بیست و سیم و بعضی بیست و نهم و بعضی شب آخر گفته‌اند و اکثر سنیان در این زمان اتفاق کرده‌اند بر شب بیست و هفتم و علماء شیعه امامیه اجماع کرده‌اند بر آنکه از شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم بیرون نیست و بعضی مردد میان شب بیست و یکم و بیست و سیم میدانند و بسیاری از احادیث معتبره دلالت میکند بر آنکه ازین سه شب بیرون نیست و این سه شب را یعنی نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم را احیا طاقا احیا باید داشت تا فضیلت شب قدر را دریابند و در بعضی احادیث معتبره تعیین بیست و یکم و بیست و سیم شده است و در بعضی تعیین خصوص بیست و سیم واقع شده است و منقولست که آن شب جهنی است و او اعرابی بود بحضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد که منزل من دور است از مدینه میخواهم شبی را از برای من تعیین کنی که بهترین شبها باشد که در آن شب بخدمت تو برسم حضرت شب بیست و سیم را برای او تعیین نمود و او پیوسته در آن شب با خیل و اهل و خدم و حشم خود داخل مدینه میشد و چون صبح میشد بر میگشت و از بعضی احادیث ظاهر میشود که هر سه شب قدرند و در شب اول تقدیر امور میشود و در شب دویم بکثرت دعا و عبادت ممکنست بعضی تغیر یابد و در شب سیم حتم میشود و تغیر نمیابد یا بسیار کم تغیر میابد بلا تشبیه مانند ارقام پادشاهان که اول تعلیقه میشود و تغیرش آسانست بعد از آن شبت فاتر میشود و تغیرش دشوارتر است اما تا بمهر اثار من نرسیده باز ممکنست که تغیر یابد و چون بمهر اشرف رسید بمنزلهٔ حتم است و تغیرش در غایت صعوبت است و حق تعالی را حکمتها در ابهام بعضی از امور هست مانند اسم اعظم الهی که بر اکثر مردم مشتبه است و نماز وسطی که بهترین نمازهاست و ساعت استجابت دعا در هر شب و روز جمعه و عمل مقبول در میان اعمال و امثال اینها و یک حکمت در مبهم ساختن اینها آنست که بر همهٔ اسمای مقدسهٔ الهی مواظبت نمایند و اهتمام در همه نمازها بکنند و در همه ساعات شب و روز جمعه دعا بکنند و سعی در همه اعمال خیر بکنند شاید یکی مقبول گردد همچنین در شب قدر شبهائی که احتمال آن دارد همه را احیا کنند و حکمت دیگر در بعضی از اینها میتواند بود مثل آنکه اگر اسم اعظم را همه کس بدانند که باشد بعضی از نفوس شریره از او وسیله

حصول مطالب دنیه کنند چنانچه از بلعم نقل کرده‌اند و همچنین شب قدر و ساعت استجابت اگر بخصوص انها را بدانند ممکنست که امور غیر مشروعه یا ضررهای عظیم نسبت به بعضی از مسلمانان استدعا کنند و اگر بخصوص دانند باید البته مستجاب گردد و دیگر آنکه مغرور باعمال خود نگردند و حکمتهای دیگر بسیار است که این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد پس باید مؤمن این سه شب را احیا کند و اهتمام در عبادت و دعا بکند تا فضیلت شب قدر را دریابد و در دو شب آخر اهتمام بیشتر بکند و در شب بیست و سیم که احادیث معتبره بسیار در تخصیص آن وارد شده است که شب قدر است سعی بیشتر بکند و فواید عبادت شب قدر بسیار است از جمله آنکه چون عبادت شب قدر را دریابد بنص قران زیاده از ثواب عبادت هزار ماه که زیاده از هشتاد سالست از برای او مقرر میفرمایند دیگر آنکه چون تقدیرات جمیع امور از عمر و مال و فرزند و عزت و صحت و توفیق اعمال خیر و سایر امور درین شب میشود اصلاح احوال تمام سال خود را در اینشب کرده خواهد بود و ممکنست نام او در دیوان اشقیا نوشته شده باشد و در اینشب تغیر یابد و از زمرهٔ سعدا نمدان نوشته شود چنانچه اینمضمون در اکثر دعاها و احادیث معتبره وارد شده است دیگر آنکه چون امام او حضرت صاحب الامر العصر صلوات الله علیه در تمام اینشب با ملائکه مقربین محشور است و فوج فوج بخدمت او میایند و بر او سلام میکنند و تقدیرات که از برای او و سایر خلق شده است بر او عرض میکنند سزاوار نیست که در چنین شبی تاسی بامام خود نکند و بغفلت بسر آورد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که چون شب قدر میشود فرود میایند ملائکه که در سدرة المنتهی ساکنند و از جملهٔ ایشان جبرئیل علیه السلام است و جبرئیل با خود علمها میاورد یک علم را بر قبر منور من نصب میکند و یکی را بر بیت المقدس و یکی را در مسجد الحرام و یکی را در طور سینا و نمیگذارند مرد مؤمن و زن مؤمنه مگر آنکه بر او سلام میکنند و ایضا از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که بهشت را هر سال از برای داخل شدن ماه مبارک رمضان زینت میکنند چون شب اول ماه میشود نسیم از زیر عرش میوزد که از آن میثره میگویند و بصدا میاورد درختان و حلقهای درهای بهشت را پس نغمهٔ از آن میشنوند که هرگز شنوندگان از آن خوشتر نغمهٔ نشنیده‌اند پس حوریان از غرفهای بهشت بیرون میایند و ندا میکنند که آیا کسی هست که ما را خواستگاری کند از خدا باعمال صالحهٔ خود پس از رضوان خازن بهشت میپرسند

کاین جرشبت رضوان میکوید لبیك ای نیکو و یان نیکوکاران اینب اوّل ماه رمضانست درهای
بهشت کشوده شده است برای روزه داران امّت محمّد صلّی الله علیه و اله پس حق تعالی میفرماید
کای رضوان بکشا درهای بهشت رای مالك بربند درهای جهنّم را از روزه داران امّت محمّد ای
جبرئیل برو بسوی زمین و زنجیر کن شیاطین متمرّد را و غلها در کردن ایشان کذار و ایشانرا در جهای
دریا بینداز تا فاسد نکردانند بر امّت حبیب من محمّد صلّی الله علیه و اله روزه های ایشان
را و حضرت فرمود که حق تعالی در هر شب از شبهای ماه رمضان سه مرتبه ندا میفرماید
کایا سؤال کننده هست که سؤال او را عطا کنم ایا توبه کننده هست که توبهٔ او را قبول کنم ایا
استغفار کننده هست که کناهانش را بیامرزم کیست که قرض دهد بخداوند مالداری که هرکز
بر دیشان نمیشود و وفا کننده بوعدهای خود و ستم نمیکند و فرمود که در اخر هر روز از روزهای
ماه مبارك رمضان در وقت افطار حق تعالی هزار هزار کس از اتش جهنّم ازاد میکند و چون
شب جمعه و روز جمعه میشود در هر ساعتی هزار هزار کس را از اتش ازاد میکند که هر یك مستوجب
عذاب شده باشند و در شب اخر و روز اخر ماه بعدد انچه در تمام ماه ازاد کرده است ازاد میکند
و چون شب قدر میشود حق تعالی امر میکند جبرئیل را که بزمین میاید با لشکر عظیمی از ملائکه
و با خود علم سبزی میاورد و بر بالای کعبهٔ معظّمه نصب میکند و او ششصد بال دارد و دو بال را
نمیکشاید مکر در شب قدر و چون در شب قدر ان دو بال را میکشاید از مشرق و مغرب میکذراند و
بهن میکند جبرئیل علیه السّلام ان ملائکه را در این شب در اطراف زمین میفرستد پس سلام میکنند
بهر ایستاده و نشسته که مشغول نماز و ذکر خدا باشند و با ایشان مصافحه میکنند و چون
ایشان دعا میکنند ملائکه امین میکویند و پیوسته مشغول این کار اند تا طلوع صبح پس چون
صبح طالع میشود ندا میکند جبرئیل که ای کروه ملائکه روانه جانب اسمان شوید پس ملائکه
میکویند ای جبرئیل خدا چه کرد در حوایج مؤمنان از امّت محمّد صلّی الله علیه و اله جبرئیل میکوید خدا کناهان
همه را امرزید مکر کسی که همیشه شراب بخورد یا عاق پدر و مادر باشد یا قطع رحم کند یا با مؤمنان
عداوت کند و چون شب عید فطر میشود ان را شب جوایز میکویند خدا مزد میدهد عمل کنندکان
ماه رمضان را بیحساب و چون بامداد روز عید فطر میشود حق تعالی ملائکه بسیار در جمیع شهرها
میفرستد که بزمین میایند و بر سر کوچها و بازارها و راهها میایستند و میکویند ای امّتان محمّد

بیرون

بیرون روید بسوی درکاه پروردکار کریمی که عطاهای بزرك می بخشد و کناهان عظیم را میامرزد پس چون
بمصلّی میروند برای نماز عید حق تعالی بملائکه میکوید ای ملائکه من چیست جزای مزدوری که عمل خود را
بکند ملائکه میکویند ای خداوند ما و اقای ما جزای او انست که مزدش تمام داده شود حق تعالی میفرماید
ای ملائکه من شما را کواه میکیرم که ثواب ایشانرا از روزهٔ روزهای ماه رمضان و عبادت شبهای
ان عطا کردم که از ایشان راضی شدم و کناهان ایشانرا امرزیدم پس ندا میفرماید مؤمنانرا که در ان
مجمع حاضر شده اند که ای بندکان من هرچه خواهید از من سؤال کنید بعزّت و جلال خود سوکند
یاد میکنم که در این مجمع شما هر حاجت که برای اخرت و دنیای خود سؤال کنید البتّه عطا میکنم و عیبها
شما را میپوشانم تا از من رو کردان نشوید و مزدهای شما را مضاعف میدهم و شما را در میان
کناه کاران رسوا نمیکنم برکردید از مصلّی امرزیده بدرستی که خوشنود کردانید مرا و خوشنود شدم از
شما پس ملائکه مسرور و شاد میشوند و یکدیکر را مبارکباد میکویند با نچه حق تعالی بامّت محمّد صلّی الله علیه و اله
عطا کرد و در حدیث معتبر از حضرت امام محمّد باقر علیه السّلام منقولست که هر که احیا کند شب قدر را کناهان
او امرزیده شود هرچند بعدد ستارهای اسمان و سنکینی کوهها و کیل دریاها باشد واُمّها
اعمال این شب پس بر دو نوعست اوّل انکه در هر سه شب باید کرد دویم انکه مخصوص است بهر شبی
امّا اوّل از حضرت رسول صلّی الله علیه و اله منقولست که هر که در شب قدر دو رکعت نماز بجا اورد
و در هر رکعتی بعد از سورهٔ حمد هفت مرتبه قل هو الله احد بخواند و بعد از فارغ شدن هفتاد
مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ بکوید از جای خود برنخیزد تا حق تعالی او را و پدر و مادر او را
بیامرزد و ملکی چند بفرستد که حسنات برای او بنویسند تا سال اینده و ملکی بفرستد بسوی
بهشت که درختها برای او غرس نمایند و قصرها برای او بنا کنند و نهرها برای او جاری کردانند و از دنیا
بیرون نرود تا همه را مشاهده نماید و غسل در این سه شب غسل سنّت مؤکّدات و غسل این شبها را
مقارن غروب افتاب کردن بهتر است که نماز شام را با غسل بکند و مستحبّست در این شبها که قران مجید را
بدست بکیرد و بکشاید اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِکِتَابِكَ الْمُنْزَلِ وَمَا فِیْهِ وَفِیْهِ اِسْمُكَ
و این دعا را بخواند خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بکتاب تو که فرو فرستاده شده و انچه در او هست و در او هست نام تو
الْاَکْبَرُ وَاَسْمَاۤؤُكَ الْحُسْنٰی وَمَا یُخَافُ وَیُرْجٰی اَنْ تَجْعَلَنِیْ مِنْ عُتَقَاۤئِكَ مِنَ النَّارِ
که بزرکست و نامهای تو که نیکوست و انچه باعث ترس و امیدست اینکه بکردانی مرا از ازاد کردهای خود از اتش

وتقضی حوائجی للدنیا والاخرة پس حاجات خود را از حق تعالی طلب نماید که ان شاء الله تعالی بر آورده است
و برآوردی حاجتهای دنیا و آخرت را واین دعا از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست و از حضرت امام جعفر
جعفر صادق علیه السلام منقولست که اللهم بحق هذا القرآن وبحق من ارسلته به وبحق کل
مصحف را بکیرد و بر سر بکذارد و بکوید خداوندا بحق این قرآن و بحق کسی که فرستاده او را باو و بحق هر
مؤمن مدحته فیه وبحقک علیهم فلا احد اعرف بحقک منک پس ده بار بک یا الله
مؤمنی که مدح کرده او را در قرآن و بحق تو بر ایشان پس نیست کسی داناتر بحق تو از تو ده مرتبه بکوید بتو ای خدا
وده بمحمد وده بعلی وده بفاطمة وده بالحسن وده بالحسین وده بعلی بن الحسین
ده مرتبه بحق محمد ده مرتبه بحق علی ده مرتبه بحق فاطمه ده مرتبه بحق حسن ده مرتبه بحق حسین ده مرتبه بحق علی بن الحسین
وده بمحمد بن علی وده بجعفر بن محمد وده بموسی بن جعفر وده بعلی بن موسی
ده مرتبه بحق محمد بن علی ده مرتبه بحق جعفر بن محمد ده مرتبه بحق موسی بن جعفر ده مرتبه بحق علی بن موسی
وده بمحمد بن علی وده بعلی بن محمد وده بالحسن بن علی وده بالحجة پس هر حاجت
ده مرتبه بحق محمد بن علی ده مرتبه بحق علی بن محمد ده مرتبه بحق حسن بن علی ده مرتبه بحق حجت که داری
طلب کن و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در هر یک از این سه شب سنت مؤکدات و در
هر یک خصوصا شب بیست و سیم صد رکعت نماز سنت است هر دو رکعت بیک سلام و در هر
رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ قل هو الله احد میخواند و در بعضی از روایات معتبره وارد شده است
که بهفت مرتبه یا پنج مرتبه یا سه مرتبه یا یک مرتبه قل هو الله احد اکتفا میتواند کرد و احادیث بسیار در
فضیلت این صد رکعت وارد شده است و باید که این صد رکعت غیر نافلهٔ شب بوده باشد
و اگر ضعف داشته باشد نشسته میتواند کرد و بهترین اعمال در این شبها طلب آمرزش و دعا است
برای مطالب دنیا و آخرت خود است و پدر و مادر و خویشان خود و برادران مؤمن مرده و زندهٔ ایشان
و اذکار و صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین مقدور شود و در بعضی از روایات وارد شده است
که دعای جوشن کبیر را در هر یک از این سه شب بخوانند استغفر الله ربی واتوب الیه و صد
و اما دعا و اعمال مخصوص شب نوزدهم آنست که صد مرتبه بکوید طلب آمرزش میکنم از خدا پروردگار من و باز کشت میکنم بسوی او مرتبه
اللهم العن قتلة امیر المؤمنین و این دعا اللهم اجعل فیما تقضی وتقدر من
خداوندا لعنت کن کشندهای امیر المؤمنین را بخواند خداوندا بکردان در آنچه حکم کرده و تقدیر کرده ان

الامر المحتوم وفیما تفرق من الامر الحکیم فی لیلة القدر من القضاء الذی
امر واجب کردانیده شده و در آنچه جدا کرده از امرهای محکم در شب قدر از قضائی که
لا یرد ولا یبدل ان تکتبنی من حجاج بیتک الحرام المبرور حجهم المشکور
رد نمیشود و تبدیل نمیشود اینکه بنویسی مرا از حاجیان بیت الله الحرام پسندیده شده حج ایشان شکر کرده شده
سعیهم المغفور ذنوبهم المکفر عنهم سیئاتهم واجعل فیما تقضی وتقدر
سعی ایشان آمرزیده شده کناهان ایشان پوشیده شده از ایشان بدیهای ایشان و بکردان در آنچه حکم کرده و تقدیر کرده
ان تطیل عمری وتوسع علی فی رزقی وتفعل بی فی جمیع اموری ما هو خیر لی
اینکه طولانی کردانی عمر مرا و وسعت دهی بر من در روزی من و بکنی از برای من در همه امور من آنچه را بهتر است از برای
فی دنیای وآخرتی یا ارحم الراحمین پس حوائج خود را از حق تعالی طلب نماید و شب
در دنیای من و آخرت من ای رحم کننده ترین رحم کنندگان بیست و یکم فضیلتش زیاده از شب سابق است
و غسل و اعمال سابقه را همه را باید بعمل آورد و در این دههٔ آخر اعتکاف در مساجد جامعه سنت است
و در دههٔ استجابت دعاست و بسند بسیار معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که در شب
بیست و یکم و بیست و سیم صد رکعت نماز بکن و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ قل هو الله احد
بخوان و در حدیث معتبر دیکر منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام این دو شب را احیا میکرد و در
نصف اول شب مشغول دعا میشد و در نصف آخر مشغول نماز و بسند موثق از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که اکر توانی در شب بیست و یکم و بیست و سیم ماه رمضان در هر یک صد رکعت
نماز بکن بغیر سیزده رکعت نماز شب و نافلهٔ صبح و تا صبح بیدار باش و مستحب است که مشغول نماز و دعا
و تضرع باشی بدرستی که امید شب قدر در یکی از اینها هست و شب قدر بهتر است از هزار ماه فرمود یعنی بهتر است
از عمل در هزار ماه و هر امری که در آن سال واقع میشود در شب قدر مقدر میکردد و دعای این شب در
ضمن دعاهای دههٔ آخر مذکور خواهد شد ان شاء الله و اما شب بیست و سیم اکثر احادیث معتبره
دلالت میکند بر آنکه شب قدر است و در آن دو غسل سنت است یکی در اول شب و دیکری در آخر
شب و حضرت صادق علیه السلام فرمود که شب بیست و سیم شب جهنی است و در آن شب جمیع امور بر وفق
حکمت مقدر میکردد و در آن شب مقدر میشود مرکها و بلاها و اجلها و روزیها و قضاها و آنچه در
آن سال واقع میشود تا شب قدر آینده پس خوشا حال بنده که احیا کند آن شب را و بیدار باشد و بعبادت

مشغول باشد وگاه در رکوع باشد وگاه در سجود وگناهان خود را در برابر دیدهای خود ممثل
کرداند و بر انها بگرید چون چنین کند امید دارم که از فضیلت شب قدر محروم نگردد انشاء الله و نیز
که حق تعالی امر میکند ملکی را که ندا کند در هر روز ماه مبارک رمضان در هوا که بشارت باد شما را
ای بندگان من که بخشیدم گناهان گذشته شما را و در شب قدر شفاعت شما را در حق یکدیگر
قبول میکنم و دعاهای شما را در حق یکدیگر مستجاب میگردانم مگر کسی که روزه افطار نماید
بر حرامی کند یا کینهٔ مؤمنی در دل داشته باشد و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هر که سورهٔ عنکبوت و روم را در شب بیست و سیم بخواند والله که او از
اهل بهشت است و استثنا نمیکنم در ان احدی را و نمیترسم که خدا درین سوگند بر من گناهی
بنویسد و این دو سوره را نزد حق تعالی منزلت عظیم هست و ایضا از انحضرت بسند معتبر
منقولست که هر که در شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان هزار مرتبه سورهٔ انا انزلناه
را بخواند هر اینه صبح کند با یقین شدید باعتراف بانچه مخصوص ماست از کرامتها
در اینشب بسبب انچه در خواب ببیند و سورهٔ حم دخان را نیز سنت است که در اینشب
بخواند و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقولست که هر که زیارت کند حضرت امام
حسین علیه السلام را در شب بیست و سیم که امید شب قدر در ان هست و در ان هر امری
مقدر میشود مصافحه کند با روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر که همه در اینشب
رخصت میطلبند از حق تعالی در زیارت انحضرت و بسند معتبر از حضرت امام محمد
باقر علیه السلام روایت کرده است که هر که احیا کند شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان
را و صد رکعت نماز بکند حق تعالی روزی او را فراخ گرداند در دنیا و شر دشمنان را
از او کفایت کند و پناه دهد او را از غرق شدن و خانه بر سر خراب شدن و لقمه در گلو گرفتن
و از شر درندگان و دفع کند از او هول منکر و نکیر را و از قبر بیرون آید و او را نوری باشد که روشنی
می بخشد اهل محشر را و نامهٔ اش را بدست راست او دهند و بنویسند برای او برات بیزاری از
اتش جهنم را و گذشتن بر صراط را و ایمنی از عذاب را و داخل بهشت شود بیحساب و در
بهشت او را از رفیقان پیغمبران و صدیقان و شهیدان و صالحان گردانند و نیکو رفیقانند
ایشان و دعای اینشب را از جملهٔ دعاهای دهه اخر بخواند و ایضا این دعا را بخواند خداوندا

اُمْدُدْ لِی فِی عُمْرِی وَاَوْسِعْ لِی فِی رِزْقِی وَاَصِحَّ جِسْمِی وَبَلِّغْنِی اَمَلِی وَاِنْ کُنْتُ
دراز کن از برای عمر مرا و وسعت ده از برای من در روزی من و صحیح کن جسم مرا و برسان مرا بارزوی من و اگر بودم
مِنَ الْاَشْقِیَاۤءِ فَامْحُنِی مِنَ الْاَشْقِیَاۤءِ وَاکْتُبْنِی مِنَ السُّعَدَاۤءِ فَاِنَّکَ قُلْتَ
از بدبختان پس محو کن مرا از بدبختان و بنویس مرا از نیکبختان پس بدرستی که گفته
فِی کِتَابِکَ الْمُنْزَلِ عَلٰی نَبِیِّکَ الْمُرْسَلِ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ یَمْحُوا اللّٰهُ مَا یَشَاۤءُ
در کتاب تو که فرو فرستاده بر پیغمبر تو که مرسل است درود تو بر او و ال او محو میکند خدا انچه را خواهد
وَیُثْبِتُ وَعِنْدَهُ اُمُّ الْکِتَابِ وایضا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی مِنْ اَوْفَرِ عِبَادِکَ نَصِیبًا
و ثابت میگرداند انچه را خواهد و نزد اوست ام کتاب بگوید خداوندا بگردان مرا از وافرترین بندگان تو از روی نصیب
مِنْ کُلِّ خَیْرٍ اَنْزَلْتَهُ فِی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ اَوْ اَنْتَ مُنْزِلُهُ مِنْ نُورٍ تَهْدِی بِهِ اَوْ رَحْمَةٍ
از هر خیری که فرو فرستاده درین شب یا تو خواهی فرستاد انرا از نوری که هدایت کنی بسبب ان یا رحمتی
تَنْشُرُهَا اَوْ رِزْقٍ تَقْسِمُهُ اَوْ بَلَاۤءٍ تَدْفَعُهُ اَوْ ضُرٍّ تَکْشِفُهُ وَاکْتُبْ لِی مَا
که پهن کنی انرا یا روزی که قسمت کنی انرا یا بلائی که دفع کنی انرا یا عقده که بگشائی انرا و بنویس از برای من انچه
کَتَبْتَ لِاَوْلِیَاۤئِکَ الصَّالِحِینَ الَّذِینَ اسْتَوْجَبُوا مِنْکَ الثَّوَابَ وَاَمِنُوا بِرِضَاکَ
نوشته از برای دوستان تو که صالحانند که مستوجب شده اند از تو ثواب را و ایمن شده اند بخوشنودی تو
عَنْهُمْ مِنْکَ الْعِقَابَ یَا کَرِیمُ یَا کَرِیمُ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِی
از ایشان از تو عقاب را ای کریم ای بخشنده درود فرست بر محمد و ال محمد و بکن بمن
ذٰلِکَ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وهر مقدار از قران که ممکن باشد شود در اینشب
اینها برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان بخواند و دعاهای صحیفهٔ کامله را بخواند
خصوصا دعای مکارم الاخلاق و دعای توبه و روزهای این شبها را نیز باید
حرمت داشت و بعبادت و تلاوت و دعا بسر آورد زیرا که در احادیث معتبره وارد
شده است که روز قدر نیز در فضیلت مثل شب قدر است و در شب بیست و چهارم
نیز بخصوص غسل سنت است و در شب بیست و پنجم نیز غسل سنت است و احادیث
معتبره در استحباب غسل در ان وارد شده است و منقولست که خدا یتعالی در
اینشب دفع میکند بدیها و گناهان و جمیع انواع بلاها را از روزه داران ماه رمضان

پس عطا میکند حق تعالی بایشان نوری در گوشها و دیدهای ایشان و در شب بیست و هفتم نیز
بخصوص غسل وارد شده است و منقولست که حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه
در این شب مکرر این دعا را اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی التَّجَافِیَ عَنْ دَارِ الْغُرُورِ وَالْإِنَابَةَ
میخواندند از اول شب تا آخر شب خداوندا روزی کن مرا دوری از سرای غرور و بازگشت
اِلَی دَارِ الْخُلُودِ وَالْاِسْتِعْدَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ و در شب بیست و نهم
بسوی سرای خلود و مهیا شدن از برای مردن پیش از آمدن موت نیز بخصوص غسل وارد
شده است و هم چنین در شب آخر غسل سنت است و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام
سنت است و وداع ماه مبارک رمضان سنت مؤکد است برای اظهار آنکه روزه و
عبادت این ماه مبارک بر ما گران و دشوار نبود و ما خواهان او بودیم و از مفارقت
آن آزرده و محزونیم و هر که لذت عبادت الهی را یافته است و فواید آن را در دنیا و عقبی
دانسته است عاشق عبادت و بندگی میباشد پس باید این ماه وافر البرکات را بنحوی وداع
کند که عزیزترین اهل خود را در هنگام مفارقت وداع میکند و معلومست که غلامی
که از خدمت آقای خود شاد و خوشحال باشد و از ترک خدمت دلگیر باشد مثل غلامی
نیست که از ترس خدمت کند و بآن راضی باشد و دعاهای وداع را در شب آخر سنت است خواندن
و اگر در روز آخر نیز بخوانند خوبست و در حدیث است که اگر آخر ماه مشتبه باشد در شب بیست
و نهم احتیاطاً سنت است خواندن و دعاهای وداع بسیار است و بهترین دعاها دعای صحیفه
کامله است و بسندهای معتبر بسیار از حضرت امام بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ
جعفر صادق علیه السلام این دعای وداع منقولست بنام خدای بخشاینده مهربان
اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ قُلْتَ فِی کِتَابِکَ الْمُنْزَلِ عَلٰی لِسَانِ نَبِیِّکَ الْمُرْسَلِ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ
خداوندا بدرستی که تو گفته در کتاب تو که فرستاده بر زبان پیغمبر تو که فرستاده درود تو بر او و آل او
وَقَوْلُکَ حَقٌّ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِی اُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْاٰنُ هُدًی لِلنَّاسِ وَبَیِّنَاتٍ مِنَ
و گفتن تو حق است ماه رمضان که فرو فرستاده شده در او قرآن هدایت کننده از برای مردمان و گواه از
الْهُدٰی وَالْفُرْقَانِ وَهٰذَا شَهْرُ رَمَضَانَ قَدْ تَصَرَّمَ وَانْقَضَتْ اَیَّامُهُ وَلَیَالِیهِ
هدایت و تفرقه و این ماه رمضان بتحقیق که بر گردید و منقضی شد روزهای آن و شبهای آن

فالسئلك

فَاَسْئَلُکَ بِوَجْهِکَ الْکَرِیمِ وَکَلِمَاتِکَ التَّامَّةِ اِنْ کَانَ قَدْ بَقِیَ عَلَیَّ ذَنْبٌ لَمْ تَغْفِرْهُ
پس سؤال میکنم از تو بذات تو که کریمست و کلمهای تو که تمامست اگر بوده باشد که بتحقیق باقی بر من گناهی که نیامرزیده او را
لِی وَتُرِیدُ اَنْ تُعَذِّبَنِی عَلَیْهِ اَوْ تُقَایِسَنِی بِهِ اَنْ یَطْلُعَ فَجْرُ هٰذِهِ اللَّیْلَةِ اَوْ یَتَصَرَّمَ
از برای من یا اراده داری اینکه عذاب کنی مرا بر آن یا مقایسه کنی مرا با آن اینکه طلوع کند صبح این شب یا بر گردد
هٰذَا الشَّهْرُ اِلَّا وَقَدْ غَفَرْتَهُ لِی یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ اَللّٰهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ بِمَحَامِدِکَ کُلِّهَا
این ماه مگر که بتحقیق که بیامرزی آن را از برای من ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا از برای تست ستایش بحمد تو همه آن
اَوَّلِهَا وَآخِرِهَا مَا قُلْتَ لِنَفْسِکَ مِنْهَا وَمَا قَالَ لَکَ الْخَلَائِقُ الْحَامِدُونَ الْمُجْتَهِدُونَ
اول آن و آخر آن آنچه گفته تو از برای نفس خود از آن و آنچه گفته اند از برای تو مخلوقات که حمد کنندگان اجتهاد کنندگان
الْمُعَدِّدُونَ الْمُؤْثِرُونَ فِی ذِکْرِکَ وَالشُّکْرِ لَکَ الَّذِینَ اَعَنْتَهُمْ عَلٰی اَدَاءِ حَقِّکَ
شمرده شدگان اختیار کنندگان اند در یاد تو و شکر از برای تو که یاری کرده ایشان را بر اداء حق تو
مِنْ اَصْنَافِ خَلْقِکَ مِنَ الْمَلَائِکَةِ الْمُقَرَّبِینَ وَالنَّبِیِّینَ وَالْمُرْسَلِینَ وَاَصْنَافِ
از اقسام خلق تو از فرشتگان برگزیده و پیغمبران مرسل و اقسام
النَّاطِقِینَ الْمُسَبِّحِینَ لَکَ مِنْ جَمِیعِ الْعَالَمِینَ عَلٰی اَنَّکَ بَلَّغْتَنَا شَهْرَ رَمَضَانَ وَعَلَیْنَا
گویندگان تسبیح کننده از برای تو از جمیع عالمیان بر آنکه بدرستی که رسانیدی ما را بماه رمضان و بر ما است
مِنْ نِعَمِکَ وَعِنْدَنَا مِنْ جَزِیلِ قِسَمِکَ وَاِحْسَانِکَ وَتَظَاهُرِ امْتِنَانِکَ بِذٰلِکَ لَکَ مُنْتَهَی
از نعمتهای تو و نزد ما است از بزرگ قسمتهای و نیکوئیهای تو و ظاهر شدن منتهای تو با این از برای تست انتهای
الْحَمْدِ الْخَالِدِ الدَّائِمِ الرَّاکِدِ الْمُخَلَّدِ السَّرْمَدِ الَّذِی لَا یَنْفَدُ طُولَ الْاَبَدِ جَلَّ ثَنَاؤُکَ
ستایش مخلد همیشگی ایستاده مخلد سرمد که فانی نشود بطول ابد بزرگست ثنای تو
اَعَنْتَنَا عَلَیْهِ حَتّٰی قَضَیْتَ عَنَّا صِیَامَهُ وَقِیَامَهُ مِنْ صَلٰوةٍ اَللّٰهُمَّ وَمَا کَانَ
یاری کردی ما را بر آن تا آنکه ادا کردی از ما روزه اش را و بپا ایستادن اش را از نماز خداوندا و آنچه باشد
مِنَّا فِیهِ مِنْ بِرٍّ اَوْ شُکْرٍ اَوْ ذِکْرٍ اَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا بِاَحْسَنِ قَبُولِکَ وَتَجَاوُزِکَ
از ما در آن از نیکی یا شکر یا یاد تو خداوندا پس قبول کن آن را از ما بهترین قبول از تو و در گذشتن تو
وَعَفْوِکَ وَصَفْحِکَ وَغُفْرَانِکَ وَحَقِیقَةِ رِضْوَانِکَ حَتّٰی تُظْفِرَنَا فِیهِ بِکُلِّ خَیْرٍ
و عفو تو و صفح تو و آمرزش تو و سزاواری خوشنودی تو تا آنکه ظفر دهی ما را در آن بهر خیر

المعدّدون المؤثرون

مَطْلُوبٍ وَجَزِيلِ عَطَاءٍ مَوْهُوبٍ وَتُؤَمِّنَا فِيهِ مِنْ كُلِّ اَمْرٍ مَرْهُوبٍ وَذَنْبٍ مَكْسُوبٍ

مطلوب و بزرك عطاى بخشيده شده و ايمن كردان ما را در ان از هر امر ترسيده شده و كناه كسب كرده شده

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِعَظِيمِ مَا سَاَلَكَ اَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ مِنْ كَرِيمِ اَسْمَائِكَ وَجَزِيلِ

خدا وندا بدرستى كه سوال ميكنم ترا ببزرك انچه سوال كرده ترا كسى از خلق تو از بزرك نامهاى تو و بسيارى

ثَنَائِكَ وَخَاصَّةِ دُعَائِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ شَهْرَنَا هٰذَا اَعْظَمَ

ثناى تو و دعاى خاص تو اينكه درود فرستى بر محمد و ال محمد و اينكه بكردانى ماه ما را اين ماه بزركتر

شَهْرِ رَمَضَانَ مَرَّ عَلَيْنَا مُنْذُ اَنْزَلْتَنَا اِلَى الدُّنْيَا بَرَكَةً فِي عِصْمَةِ دِينِي وَخَلَاصِ نَفْسِي

ماه رمضان كه كذشت بر ما هنكامى كه فرو فرستادى ما را بسوى دنيا بركت در عصمت دين من و خلاص نفس من

وَقَضَاءِ حَاجَتِي وَتُشَفِّعُنِي فِي مَسَائِلِي وَتَمَامِ النِّعْمَةِ عَلَيَّ وَصَرْفِ السُّوءِ عَنِّي وَلِبَاسِ

و بر امدن حاجت من و شفيع شوى مرا در سوالهاى من و تمام نعمت بر من و كردانيدن بدى از من و لباس

اَلْعَافِيَةِ لِي وَاَنْ تَجْعَلَنِي بِرَحْمَتِكَ مِمَّنْ حُزْتَ لَهُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا خَيْرًا

عافيت از براى من و اينكه بكردانى مرا برحمت خود از كسى كه جمع كرده از براى او شب قدر را و كردانيده انرا بهتر

مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ فِي اَعْظَمِ الْاَجْرِ وَكَرِيمِ الذُّخْرِ وَطُولِ الْعُمْرِ وَحُسْنِ الشُّكْرِ وَدَوَامِ

از هزار ماه در بزركتر اجر و كريم ذخيره و طول عمر و نيكوى شكر و دايم بودن

الْيُسْرِ اَللّٰهُمَّ وَاَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ وَطَوْلِكَ وَعَفْوِكَ وَنَعْمَائِكَ وَجَلَالِكَ وَ

اسانى خداوندا و سوال ميكنم ترا برحمت تو و بخشش تو و عفو تو و نعمتهاى تو و بزركى تو و

قَدِيمِ اِحْسَانِكَ وَامْتِنَانِكَ اَنْ لَا تَجْعَلَهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا لِشَهْرِ رَمَضَانَ حَتَّى تُبَلِّغَنَاهُ

قديم احسان تو و منت كذاشتن تو اينكه نكردانى انرا اخر عهد از ما از براى شهر رمضان تا انكه برسانى ما را

مِنْ قَابِلٍ عَلَى اَحْسَنِ حَالٍ وَتُعَرِّفَنِي هِلَالَهُ مَعَ النَّاظِرِينَ اِلَيْهِ وَالْمُتَعَرِّفِينَ لَهُ

سال اينده بر نيكوتر حالى و بشناسانى مرا ماه او با نظر كنندكان بسوى او و شناسندكان از براى او

فِي اَعْفَى عَافِيَتِكَ وَاَتَمِّ نِعْمَتِكَ وَاَوْسَعِ رَحْمَتِكَ وَاَجْزَلِ قِسَمِكَ اَللّٰهُمَّ يَا

در تمامتر عافيت تو و تمامتر نعمت تو و وسيعتر رحمت تو و كاملتر قسمت تو خداوندا اى

رَبِّيَ الَّذِي لَيْسَ لِي رَبٌّ غَيْرُهُ وَلَا يَكُونُ هٰذَا الْوَدَاعُ مِنِّي وَدَاعَ فَنَاءٍ وَلَا

پروردكار من كه نيست از براى من پروردكارى غير او و نباشد اين وداع از من وداع فنا و نه

اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنَ اللِّقَاءِ حَتَّى تُرِيَنِيهِ مِنْ قَابِلٍ فِي اَسْبَغِ النِّعَمِ وَاَفْضَلِ الرَّجَاءِ

اخر عهد از لقاء تا اينكه بنمايى مرا او را از سال اينده در كاملترين نعمتها و فاضلترين رجاء

وَاَنَا لَكَ عَلَى اَحْسَنِ الْوَفَاءِ اِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ اَللّٰهُمَّ اسْمَعْ دُعَائِي وَارْحَمْ

و بوده باشم من از براى تو بر نيكوترين وفا بدرستى كه تو شنواننده دعائى خداوندا بشنو دعاى مرا و رحم كن

تَضَرُّعِي وَتَذَلُّلِي لَكَ وَاسْتِكَانَتِي وَتَوَكُّلِي عَلَيْكَ وَاَنَا لَكَ مُسَلِّمٌ لَا اَرْجُو نَجَاحًا

زارى مرا و خوارى مرا از براى تو و افتادكى مرا و توكل مرا بر تو و من از براى تو تسليم كننده ام اميد ندارم رستكارى

وَلَا مُعَافَاةً وَلَا تَشْرِيفًا وَلَا تَبْلِيغًا اِلَّا بِكَ وَمِنْكَ فَامْنُنْ عَلَيَّ جَلَّ ثَنَاؤُكَ وَتَقَدَّسَتْ

و نه معافات را و نه تشريف را و نه رسيدن را مكر بتو و از تو پس منت كذار بر من بزركست ثناى تو و منزه است

اَسْمَاؤُكَ بِتَبْلِيغِي شَهْرَ رَمَضَانَ وَاَنَا مُعَافًا مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَمَحْذُورٍ وَمِنْ جَمِيعِ

نامهاى تو برسانيدن من بماه رمضان و من معاف باشم از هر مكروه و محذور و از همه

الْبَوَائِقِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَعَانَنَا عَلَى صِيَامِ هٰذَا الشَّهْرِ وَقِيَامِهِ حَتَّى بَلَّغَنَا اٰخِرَ لَيْلَةٍ

بوايق حمد از براى خدايست كه يارى كرد ما را بر روزه اين ماه و بپا داشتن ان تا انكه رسانيد ما را بآخر شب

مِنْهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاَحَبِّ مَا دُعِيتَ بِهِ وَاَرْضَى مَا رَضِيتَ بِهِ عَنْ مُحَمَّدٍ

از ان ماه خداوندا بدرستى كه سوال ميكنم ترا بدوسترين انچه خوانده شده بان و خوشنود كننده ترين انچه راضى بان از محمد

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلَ وَدَاعِي شَهْرَ

درود فرستاد خدا بر او و ال او اينكه درود فرستى بر محمد و ال محمد و نكردانى وداع مرا ماه

رَمَضَانَ وَدَاعَ خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا وَلَا وَدَاعَ اٰخِرِ عِبَادَتِكَ فِيهِ وَلَا

رمضان را وداع بيرون رفتن من از دنيا و نه وداع اخر عبادت من ترا در ان و نه

اٰخِرَ صَوْمِي لَكَ وَارْزُقْنِي الْعَوْدَ فِيهِ ثُمَّ الْعَوْدَ فِيهِ بِرَحْمَتِكَ يَا وَلِيَّ

اخر روزه من از براى تو و روزى كن مرا بازكشت در ان پس بازكشت در ان برحمت تو اى دوست

الْمُؤْمِنِينَ وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِلَيْلَةِ الْقَدْرِ وَاجْعَلْهَا لِي خَيْرًا مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ

مومنان و توفيق ده مرا در ان از براى دريافت شب قدر و بكردان انرا از براى من بهتر از هزار ماه

رَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْجِبَالِ وَالْبِحَارِ وَالظُّلَمِ وَالْاَنْوَارِ وَالْاَرْضِ

پروردكار شب و روز و كوهها و درياها و تاريكيها و روشنيها و زمين

وتشفيعي

آلائك

مسلم

تبلغنا

والسماء يا بارئ يا مصور يا حنان يا منان يا الله يا رحمن يا رحيم يا حي

واسمان ای خالق کننده ای تصویر کننده ای بخشاینده ای منت گذارنده ای خدا ای بخشنده ای مهربان ای همیشه زنده

يا قيوم يا بديع السموات والارض لك الاسماء الحسنى والامثال

ای دایم ای خلق کننده اسمانها و زمین از برای تست نامهای نیکو و بزرگیهای

العليا والكبرياء والالاء اسألك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم

بلند و بزرگیها و نعمتها سوال میکنم ترا بنام تو بنام خدای بخشاینده مهربان

ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء

انکه درود فرستی بر محمد و ال محمد و انکه بگردانی نام مرا درین شب در نیکبختان

وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واساءتي مغفورة وان

و روحی مرا با شهیدان و نیکویی مرا در اعلا علیین و بدی مرا امرزیده شده و انکه

تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا لا يشوبه شك ورضى بما قسمت لي و

بخشی از برای یقینی که مباشر شود بان دل من و ایمانی که نرسد بان شک و خوشنودی بانچه قسمت کرده از برای من

ان تؤتيني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وان تقيني عذاب النار

وانکه بدهی مرا در دنیا حسنه و در اخرت حسنه وانکه نگاهداری مرا از عذاب اتش

الحريق اللهم اجعل فيما تقضي وتقدر من الامر المحتوم وفيما تفرق

سوزنده خداوندا بگردان در انچه حکم کرده و تقدیر کرده از امر محتوم و در انچه فرق کرده

من الامر الحكيم في ليلة القدر من القضاء الذي لا يرد ولا يبدل

از امر محکم در شب قدر از حکمی که رد نمیشود و تبدیل نمی یابد

ولا يغير ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور

و تغییر نمی یابد انکه بنویسی مرا از حاجیان بیت الله الحرام پسندیده حج ایشان شکر کرده شده

سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم واجعل فيما تقضي

سعی ایشان امرزیده شده گناهان ایشان پوشیده شده از ایشان بدیهای ایشان و بگردان در انچه حکم کرده

وتقدر ان تطيل عمري وان تعتق رقبتي من النار يا ارحم الراحمين

و تقدیر کرده انکه طولانی کنی عمر مرا و انکه ازاد کنی گردن مرا از اتش ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

اللهم اني اسألك ولم يسئل العباد مثلك جودا وكرما وارغب اليك

خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا و سوال نمیکنند بندگان مثل تو صاحب جودی و صاحب کرمی و رغبت میکنم بسوی تو

ولم يرغب الى مثلك انت موضع مسألة السائلين ومنتهى رغبة الراغبين

و رغبت نکرده است بسوی مثل تو تو موضع مسئله سوال کنندگانی و انتهای رغبت رغبت کنندگانی

اسألك باعظم المسائل كلها وافضلها وانجحها التي ينبغي للعباد ان

سوال میکنم ترا به بزرگترین مسائل همه ان و افضل ان و انجح ان که سزاوار است از برای بندگان انکه

يسئلوك بها يا الله يا رحمن وباسمائك ما علمت منها وما لم اعلم وباسمائك

سوال کنند ترا بان ای خدا ای بخشنده و بنامهای تو انچه دانستم از انها و انچه ندانستم و بنامهای تو

الحسنى وامثالك العليا وبنعمك التي لا تحصى وباكرم اسمائك عليك

که خوبست و امثال تو که بلند است و نعمتهای تو که شمرده نمیشود و بگرامی ترین نامهای تو بر تو

واحبها اليك واشرفها عندك منزلة واقربها منك وسيلة واجزلها

و دوست ترین نامهای تو بسوی تو و شریفترین نامهای تو نزد تو از روی منزلت و نزدیکترین نامهای تو از تو از روی وسیله و نیکوترین نامها

منك ثوابا واسرعها لديك اجابة وباسمك المكنون المخزون الحي القيوم

از تو از روی ثواب و اسرع انها نزد تو از روی اجابت و بنام تو که پنهانست مخزونست زنده دایم است

الاكبر الاجل الذي تحبه وتهواه وترضى به عمن دعاك به وتستجيب له

بزرگ بزرگیست که دوست میداری او را و راضی میشوی بان از کسی که بخواند ترا بان و اجابت میکنی از برای او

دعاءه وحق عليك ان لا تخيب سائلك واسألك بكل اسم هو لك في

دعاء او را و لازمست بر تو که ناامید نکنی سوال کننده خود را و سوال میکنم ترا بهر اسمی که از برای تو است در

التورية والانجيل والزبور والفرقان وبكل اسم دعاك به حملة عرشك

توریة و الانجیل و زبور و فرقان و بهر اسمی که خوانده است ترا بان بردارندگان عرش تو

وملائكة سمواتك وجميع الاصناف من خلقك من نبي او صديق او

و فرشتگان اسمانهای تو و همه صنفها و قسمها از خلق تو از پیغمبر یا صدیق یا

شهيد وبحق الراغبين اليك الفرقين منك المتعوذين بك وبحق

شهید و بحق رغبت کنندگان بسوی تو فرق کننده از تو پناه برندگان بتو و بحق

وبنعمتك

والفرقان

مجاوري بيتك الحرام حجاجا ومعتمرين ومقدسين والمجاهدين في سبيلك و

مجاوران بيت الله الحرام حج كننده وعمره كذارنده ومقدس وجهاد كنندكان دد راه تو و

بحق كل عبد متعبد لك في بر او بحر او سهل او جبل ادعوك دعاء من قد

بحق هر بنده كه عبادت كننده است مر ترا در بيابان يا دريا يا در صحرا يا در كوه ميخوانم ترا خواندن كسيكه بتحقيق

اشتدت فاقته وكثرت ذنوبه وعظم جرمه وضعف كدحه دعاء من

شديد شده باشد فقر وفاقه او وبسيار باشد كناهان او وبزرك باشد جرم او وضعيف باشد كد حاو خواندن كسى

لا يجد لنفسه سادا ولا لضعفه مقويا ولا لذنبه غافرا غيرك هاربا

كه نيابد از براى نفس خود مانعى و نه از براى ضعف خود تقويت كننده ونه از براى كناه خود آمرزنده غير تورا كريزنده

اليك متعوذا بك متعبدا لك غير مستكبر ولا مستنكف خائفا بائسا

بسوى تو پناه برنده بتو عبادت كننده مر ترا غير مستكبر ونه استنكاف ترسنده نااميد

فقيرا مستجيرا بك اسئلك بعزتك وعظمتك وجبروتك وسلطانك و

درويش پناه آورنده بتو سؤال ميكنم ترا بغلبه تو وبزركى تو جبروت تو و پادشاهى تو و

بملكك وبهائك وجودك وكرمك وبآلائك وحسنك وجمالك و

بملك تو وبروشنى تو وجود تو وبخشش تو وبنعمتهاى تو وحسن تو ونكوئى تو و

بقوتك على ما اردت من خلقك ادعوك يا رب خوفا وطمعا ورهبة

بتوانائى تو برانچه اراده كنى از خلق تو ميخوانم ترا اى پروردكار من از روى ترس وطمع وبيم

ورغبة وتخشعا وتملقا وتضرعا والحافا والحاحا خاضعا لك لا اله

ورغبت وافتادكى وفروتنى وزارى والحاح والحاح وفروتنى از براى تو نيست خدائى

الا انت وحدك لا شريك لك يا قدوس يا قدوس يا قدوس يا الله يا الله

مكر تو يكانه تو نيست شريكى از براى تو اى منزه اى منزه اى منزه اى خدا اى خدا

يا الله يا رحمن يا رحمن يا رحمن يا رحيم يا رحيم يا رحيم يا رب يا رب يا

اى خدا اى بخشنده اى بخشنده اى بخشنده اى مهربان اى مهربان اى مهربان اى پروردكار اى پروردكار اى پروردكار

رب اعوذ بك يا الله الواحد الاحد الصمد الوتر المتكبر المتعال

اى پروردكار پناه ميبرم بتو اى خداى يكانه يكتاى بى نياز طاق بزرك بلند مرتبه

ومفترضين

اليك

وبهائك

واسئلك

واسئلك بجميع ما دعوتك به وباسمائك التي تملأ اركانك كلها ان تصلي على محمد وآل

وسؤال ميكنم ترا بهمه آنچه خواندم ترا بآن وبنامهاى تو كه پر كرده اركان ترا همه آنكه درود فرستى بر محمد وآل

محمد واغفر لي ذنبي وارحمني واوسع علي من فضلك العظيم وتقبل مني شهر رمضان

محمد وبيامرز از براى من كناه مرا ورحم كن مرا وفراخ كن بر من از فضل تو كه عظيم است وقبول كن از من ماه رمضان

وصيامه وقيامه وفرضه ونوافله واغفر لي وارحمني واعف عني ولا تجعله آخر

وروزه او را وبپا ايستادن او را وواجب او را و سنتى او را وبيامرز از براى من ورحم كن مرا ودركذر از من ومكردان او را آخر

شهر رمضان صمته لك وعبدتك فيه ولا تجعل وداعي اياه وداع خروجي

ماه رمضان كه روزه كرفتم من او را از براى تو وعبادت كردم ترا در آن ومكردان وداع من او را وداع بيرون رفتن من

من الدنيا اللهم اوجب لي من رحمتك ومغفرتك ورضوانك وخشيتك

از دنيا خداوندا واجب ساز از براى من از رحمت خود وآمرزش خود وخوشنودى خود وترس خود از تو

افضل ما اعطيت احدا ممن عبدك فيه اللهم لا تجعلني اخسر من سئلك

بهترين آنچه بخشيده تو احدى را از آنانكه عبادت تو كردند در اينماه خداوند مكردان مرا بيبهره ترين كسيكه سؤال كرد ترا

فيه واجعلني ممن اعتقته في هذا الشهر من النار وغفرت له ما تقدم

در اينماه وبكردان مرا از آنانكه آزاد كردى ايشانرا در اين ماه از آتش وآمرزيدى از براى او آنچه پيش كرده

من ذنبه وما تأخر واوجبت له افضل ما رجاك وآمل منك يا

از كناه او وآنچه خواهد كرد وواجب كردانيده از براى او بهترين آنچه اميدوار بود از تو وآرزو داشت از تو اى

ارحم الراحمين اللهم ارزقني العود في صيامه لك وعبادتك فيه واجعلني

رحم كننده ترين رحم كنندكان خداوندا روزى كن مرا رجوع در روزه اينماه از براى تو وبندكى تو در اينماه وبكردان مرا

ممن كتبته في هذا الشهر من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المغفور لهم

از كسيكه نوشته او را در اين ماه از حاجيان بيت الله الحرام نيكو كردانيده شده حج ايشان آمرزيده شده از براى ايشان

ذنبهم المتقبل عملهم آمين آمين آمين رب العالمين اللهم لا تدع

كناه ايشان قبول كرده شده عمل ايشان اجابت كن اجابت كن اجابت كن اى پروردكار عالميان خداوندا وامكذار

لي فيه ذنبا الا غفرته ولا خطيئة الا محوتها ولا عثرة الا اقلتها ولا

از براى من در اينماه كناهى را مكر كه بيامرزى او را و نه خطائى را مكر كه محو كنى او را ونه لغزشى را مكر اينكه دركذرى از آن ونه

اعتقه

دَيْنًا اِلَّا قَضَيْتَهُ وَلَا عَيْلَةً اِلَّا اَغْنَيْتَهَا وَلَا هَمًّا اِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا فَاقَةً
قرض را مکر که اداکنی انرا و نه فقری را مکر که بغنا بدل کنی انرا و نه همی را مکر که فرج دهی انرا و نه درویشی را

اِلَّا سَدَدْتَهَا وَلَا عُرْيَانًا اِلَّا كَسَوْتَهُ وَلَا مَرِيضًا اِلَّا شَفَيْتَهُ وَلَا دَاءً اِلَّا اَذْهَبْتَهُ
مکر انکه ببندی انرا و نه برهنکی را مکر انکه بپوشانی انرا و نه بیماری را مکر انکه شفا دهی انرا و نه دردی را مکر انکه برطرف کنی انرا

وَلَا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اِلَّا قَضَيْتَهَا عَلٰى اَفْضَلِ اَمَلِي وَ
و نه حاجتی از حاجتهای دنیا و اخرت را مکر انکه براوری انرا بر بهترین ارزوی من و

رَجَائِي فِيكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا
امید من در تو ای رحم کننده ترین رحم کنندکان خداوندا تنک مکردلهای ما را بعد از انکه راه نمودی ما را

وَلَا تُذِلَّنَا بَعْدَ اِذْ اَعْزَزْتَنَا وَلَا تَضَعْنَا بَعْدَ اِذْ رَفَعْتَنَا وَلَا تُهِنَّا بَعْدَ اِذْ اَكْرَمْتَنَا
و خوار مکن ما را بعد از انکه عزیز داشتی ما را و مینداز ما را بعد از انکه بلند کردی ما را و خوار مکن ما را بعد از انکه کرامی داشتی ما را

وَلَا تُفْقِرْنَا بَعْدَ اِذْ اَغْنَيْتَنَا وَلَا تَمْنَعْنَا بَعْدَ اِذْ اَعْطَيْتَنَا وَلَا تَحْرِمْنَا بَعْدَ اِذْ
و محتاج مکن ما را بعد از انکه غنی کردانیدی ما را و باز مدار از ما بعد از انکه عطا کردی ما را و محروم مکردان ما را بعد از انکه

رَزَقْتَنَا وَلَا تُغَيِّرْ شَيْئًا مِنْ نِعَمِكَ عَلَيْنَا وَاِحْسَانِكَ اِلَيْنَا لِشَيْءٍ كَانَ مِنْ
روزی دادی ما را و تغییر مده چیزی را از نعم تو بر ما و نیکویی تو بسوی ما از برای چیزی که بود از

ذُنُوبِنَا وَلَا لِمَا هُوَ كَائِنٌ مِنَّا فَاِنَّ فِي كَرَمِكَ وَعَفْوِكَ وَفَضْلِكَ سَعَةً لِلْمَغْفِرَةِ
کناه ما و نه از برای انچه او بوده است از ما پس بدرستی که در کرم تو عفو تو و فضل تو فراخی هست از برای امرزش

ذُنُوبِنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَتَجَاوَزْ عَنَّا وَلَا تُعَاقِبْنَا عَلَيْهَا يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ
کناهان ما پس بیامرز از برای ما و درکذر از ما و عقاب مکن ما را بر ان ای رحم کننده ترین رحم کنندکان خداوندا

اَكْرِمْنِي فِي مَجْلِسِي هٰذَا كَرَامَةً لَا تُهِينُنِي بَعْدَهَا اَبَدًا وَاَعِزَّنِي عِزًّا لَا تُذِلُّنِي
کرامی دار مرا در مجلس این مجلس کرامی داشتنی که خوار نکنی مرا بعد از ان همیشه و عزیز کردان مرا عزیز کردنی که خوار نکنی مرا

بَعْدَهُ اَبَدًا وَعَافِنِي عَافِيَةً لَا تَبْتَلِيَنِّي بَعْدَهَا اَبَدًا وَارْفَعْنِي رِفْعَةً
بعد از ان همیشه و معاف دار مرا معاف داشتنی که مبتلا نکنی مرا بعد از ان همیشه و بلند کن مرا بلند کردنی

لَا تَضَعُنِي بَعْدَهَا اَبَدًا وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَشَرَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ
که نیندازی مرا بعد از ان همیشه و بکردان از من بدی هر شیطان سرکش و بدی هر جبار معاند

عُرْيَانًا
تُزِغْ
تَبْتَلِيَنِّي

وشر

وَشَرَّ كُلِّ قَرِيبٍ اَوْ بَعِيدٍ وَشَرَّ كُلِّ صَغِيرٍ اَوْ كَبِيرٍ وَشَرَّ كُلِّ دَابَّةٍ اَنْتَ اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا
و بدی هر نزدیک یا دور و بدی هر کوچک یا بزرک و بدی هر جنبنده که تو کیرنده موی پیشانی او

اِنَّ رَبِّي عَلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ اَللّٰهُمَّ مَا كَانَ فِي قَلْبِي مِنْ شَكٍّ اَوْ رِيبَةٍ اَوْ
بدرستی که پروردکار من بر راه راست است خداوندا انچه باشد در دل من از شک یا اشتباه یا

جُحُودٍ اَوْ قُنُوطٍ اَوْ فَرَحٍ اَوْ مَرَحٍ اَوْ بَطَرٍ اَوْ بَذَخٍ اَوْ خُيَلَاءَ اَوْ رِيَاءٍ اَوْ سُمْعَةٍ
انکار یا ناامیدی یا فرح یا تکبر یا بطر یا بذخ یا خیال باطل یا ریا یا سمعه

اَوْ شِقَاقٍ اَوْ نِفَاقٍ اَوْ كُفْرٍ اَوْ فُسُوقٍ اَوْ مَعْصِيَةٍ اَوْ شَيْءٍ لَا تُحِبُّ عَلَيْهِ وَلِيًّا
یا بدبختی یا نفاق یا کفر یا فسوق یا نافرمانی یا چیزی که دوست نداری بران بنده

لَكَ فَاَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَمْحُوَهُ مِنْ قَلْبِي وَتُبَدِّلَنِي
از برای تو پس سوال میکنم تو انکه درود فرستی بر محمد و ال محمد و انکه محو کنی از دل من و بدل کنی مرا

مَكَانَهُ اِيمَانًا بِوَعْدِكَ وَرِضًا بِقَضَائِكَ وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ وَوَجَلًا مِنْكَ
در جای ان ایمان بوعده تو و رضا بحکم تو و وفا کردن بعهد تو و ترس از تو

وَزُهْدًا فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً فِيمَا عِنْدَكَ وَثِقَةً بِكَ وَطُمَاْنِينَةً اِلَيْكَ
و زهد در دنیا و رغبت در انچه نزد تست و اعتماد بتو و ارام بسوی تو

وَتَوْبَةً نَصُوحًا اِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ اِنْ كُنْتَ بَلَّغْتَنَاهُ وَاِلَّا فَاَخِّرْ عَنَّا اٰجَالَنَا
و توبه که باز کشت نداشته باشد بسوی تو خداوندا اکر بودی تو که رسانیده ما را باو و الا پس تاخیر کن از ما اجلهای ما را

اِلٰى قَابِلٍ حَتّٰى تُبَلِّغَنَاهُ فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ
تا سال اینده تا انکه برسانی ما را باو در اسانی از تو و عافیت ای رحم کننده ترین رحم کنندکان و درود فرستد خدا

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ كَثِيرًا وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْهِمْ و در جمعه اخر نیز وداع
بر محمد و ال او درود بسیار و رحمت خدا و برکتهای خدا بر ایشان جمعها بد نیست و از جابر

ابن عبد الله انصاری منقولست که کفت رفتم بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و اله در جمعه

اخر ماه مبارک رمضان چون نظر انحضرت بر من افتاد فرمود که ای جابر اخر جمعه ایست از ماه مبارک

رمضان پس ازرا اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِنَا اِيَّاهُ فَاِنْ جَعَلْتَهُ فَاجْعَلْنِي

وداع کن و بکو خداوندا مکردان انرا اخر عهد از روزه ما انرا پس اکر کردانیدی انرا پس بکردان مرا

مَرْحُوماً وَلا تَجْعَلْنِی مَحْرُوماً زیراکه هرکه این دعارا درین روز بخواند بیکی از دو خصلت نیکو

رحم کرده شده ومکردان مرا محروم ظفر میابد یا برسیدن ماه رمضان اینده یا بامرزش

خدا و رحمت بی انتها و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ

که هرکه در شب اخر ماه رمضان این دعارا بخواند خداوندا مکردان انرا اخر عهد

مِنْ صِیامِی لِشَهْرِ رَمَضانَ وَأَعُوذُ بِکَ أَنْ یَطْلُعَ فَجْرُ هٰذِهِ اللَّیْلَةِ إِلّا وَقَدْ غَفَرْتَ لِی

از روزه من از برای ماه رمضان و پناه میبرم بتو انکه طلوع کند صبح این شب مکر انکه بتحقیق امرزیده باشی مرا

حق تعالی پیش از صبح اورا بیامرزد و اورا توبه اَللّٰهُمَّ إِنِّی أَسْئَلُکَ بِأَحَبِّ ما دُعِیتَ بِهِ

وانابه روزی کند وایضا سنت که این دعارا بخواند خداوندا بدرستیکه سوال میکنم ترا بدوست ترین انچه خوانده شده بان

وَأَرْضیٰ ما رَضِیتَ بِهِ عَنْ مُحَمَّدٍ وَعَنْ أَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمُ السَّلامُ أَنْ

و پسندیده تر انچه راضی شده بان از محمد واز اهل بیت محمد براو وبرایشان باد رحمت اینکه

تُصَلِّیَ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ وَلا تَجْعَلْ وَداعَ شَهْرِی هٰذا وَداعَ خُرُوجِی مِنَ الدُّنْیا

درود فرستی براو وبرایشان و مکردان وداع ماه مرا این ماه وداع بیرون رفتن من از دنیا

وَلا وَداعَ آخِرِ عِبادَتِکَ وَوَفِّقْنِی فِیهِ لِلَیْلَةِ الْقَدْرِ وَاجْعَلْها لِی خَیْراً مِنْ

ونه وداع اخر عبادت تو وتوفیق ده مرا درین ماه از برای شب قدر وبکردان انرا از برای من بهتر از

أَلْفِ شَهْرٍ مَعَ تَضاعُفِ الْأَجْرِ وَالْإِجابَةِ وَالْعَفْوِ عَنِ الذَّنْبِ بِرِضَی الرَّبِّ

هزار ماه با چندین برابر مزد واجابت وعفو از کناه بخشنودی پروردکار

وازجمله چیزها که سنت است در شب اخر ازاد کردن بندهاست زیرا که شبی است که حق تعالی

بندهٔ بسیار را از اتش جهنم ازاد میکرداند هرکاه بندهٔ ضعیف فرومایه بندکان از قید رقیت

ازاد کند امید هست که خداوند قادر بیزوال با ان وسعت وکمال اورا از اتش جهنم ازاد کرداند ونام

اورا از جراید عاصیان محو نماید چنانچه منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام بندها که

در عرض سال تحصیل مینمود تا بیست نفر وزیاده وکم در شب اخر ماه رمضان ازاد مینمود و

میفرمود که شماهارا ازاد کردم بامید انکه خداوند رحیم از تقصیرات من درکذرد ومرا از عذاب

جحیم ازاد کرداند وچون روز عید میشد جایزهای عظیم بایشان می بخشید که ایشان بی نیاز

باشند از سوال کردن از مردم ومیکفت که حق تعالی در هر شب ماه مبارک رمضان در هنکام افطار

هفتاد هزار هزار کس را ازاد میکند از انها که مستوجب جهنم شده باشند ودر شب اخر مثل انچه

در جمیع ماه ازاد کرده است ازاد میکند وحضرت هیچ غلام وکنیز را زیاده از یکسال خدمت نفرمود

ودر روز عید در عرفات نیز بندهای خود را ازاد میفرمود ودر روایتی وارد شده است که سنت

است که در شب اخر سورهٔ انعام وکهف ویس بخواند وصد مرتبه بکوید أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَأَتُوبُ

إِلَیْهِ فصل هفتم در دعاهای مخصوص دههٔ اخر ماه مبارکست بسند معتبر از حضرت اَللّٰهُمَّ

صادق علیه السلام منقولست که انحضرت در هر شب از شبهای دههٔ اخر این دعارا میخواندند خداوندا

إِنَّکَ قُلْتَ فِی کِتابِکَ شَهْرُ رَمَضانَ الَّذِی أُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ هُدیً لِلنّاسِ وَبَیِّناتٍ مِنَ الْهُدیٰ

بدرستیکه تو کفته در کتاب تو ماه رمضان که فرو فرستاده شد در ان قران راهنماینده از برای مردمان وکواهان از هدایت

وَالْفُرْقانِ فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ شَهْرِ رَمَضانَ بِما أَنْزَلْتَ فِیهِ الْقُرْآنَ وَخَصَصْتَهُ بِلَیْلَةِ

وفرق کننده پس بزرک کردانیده حرمت ماه رمضان را بانچه فرو فرستاده در ان قرانرا وخاص کردانیده انرا بشب

الْقَدْرِ وَجَعَلْتَها خَیْراً مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ اَللّٰهُمَّ وَهٰذِهِ أَیّامُ شَهْرِ رَمَضانَ قَدِ انْقَضَتْ وَ

قدر وکردانیده انرا بهتر از هزار ماه خداوندا واین روزهای ماه رمضان بتحقیق که منقضی شد و

لَیالِیهِ قَدْ تَصَرَّمَتْ وَقَدْ صِرْتُ یا إِلٰهِی مِنْهُ إِلیٰ ما أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّی وَأَحْصیٰ لِعَدَدِهِ

شبهای ان بتحقیق که بریده شد وبتحقیق که کردیدم من ای خدای من از ان بسوی انچه تو داناتری بان از من واحصا کننده تری عدد انرا

مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِینَ فَأَسْئَلُکَ بِما سَئَلَکَ بِهِ مَلائِکَتُکَ الْمُقَرَّبُونَ وَأَنْبِیاؤُکَ الْمُرْسَلُونَ

از خلق همه پس سوال میکنم ترا بانچه سوال کردند ترا بان فرشتکان تو که نزدیکانند و پیغمبران تو که فرستاده شده اند

وَعِبادُکَ الصّالِحُونَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفُکَّ رَقَبَتِی مِنَ النّارِ وَ

وبندکان تو که صالحانند اینکه درود فرستی بر محمد وال محمد واینکه ازاد کنی کردن مرا از اتش و

تُدْخِلَنِی الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِکَ وَأَنْ تَتَفَضَّلَ عَلَیَّ بِالْأَمْنِ یَوْمَ الْخَوْفِ مِنْ کُلِّ هَوْلٍ

داخل کنی مرا در بهشت برحمت خود واینکه تفضل کنی بر من بامن در روز ترس از هر هول که

أَعْدَدْتَهُ لِیَوْمِ الْقِیٰمَةِ إِلٰهِی وَأَعُوذُ بِوَجْهِکَ الْکَرِیمِ وَبِجَلالِکَ الْعَظِیمِ أَنْ یَنْقَضِیَ

شمرده مهیا از برای روز قیامت خدای من وپناه میبرم بذات تو که کریمست وبزرکی تو که عظیمست از انکه منقضی شود

أَیّامُ شَهْرِ رَمَضانَ وَلَیالِیهِ وَلَکَ قِبَلِی تَبِعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ تُؤاخِذُنِی بِهِ أَوْ خَطِیئَةٌ

روزهای ماه رمضان وشبهای ان واز برای تو پیش من ناخوشی یا کناهی باشد که مواخذه کنی مرا بان او خطائی

در دعاهای مخصوص دههٔ اخر ماه مبارک

تُرِیدُ اَنْ تَقْتَصَّهَا مِنّی لَمْ تَغْفِرْهَا لی سَیِّدی سَیِّدی سَیِّدی اَسْئَلُكَ یا لا
کاراده کرده ایکه قصاص کری آنرا از من نیامرزی آنرا از برای من اقای من اقای من اقای من سوال میکنم ترا ای انکه نیست

اِلهَ اِلّا اَنْتَ اِذْ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ اِنْ کُنْتَ رَضیتَ عَنّی فی هذَا الشَّهْرِ فَازْدَدْ
خدائی بجز تو از جهت انکه نیست خدائی مگر تو اگر بوده باشی تو که راضی باشی از من در این ماه پس زیاد کن

عَنّی رِضًا وَاِنْ لَمْ تَکُنْ رَضیتَ عَنّی فَمِنَ الْانَ فَارْضَ عَنّی یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ یا اَللّهُ
از من رضای خود را واگر نبوده باشی راضی از من پس از حالا پس راضی شو از من ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای خدا

یا اَحَدُ یا صَمَدُ یا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُوًا اَحَدٌ وبسیار
ای یکتا ای بی نیاز ای کسی که نزاییده و زاییده نشده و نبوده است از برای او همتا هیچکس میگفت

یا مُلَیِّنَ الْحَدیدِ لِداوُدَ عَلَیْهِ السَّلامُ یا کاشِفَ الضُّرِّ وَالْکُرَبِ الْعِظامِ عَنْ اَیُّوبَ
ای نرم کننده آهن از برای داود علیه السلام ای برطرف کننده مضرت و اندوهها بزرگ از ایوب

عَلَیْهِ السَّلامُ اَیْ مُفَرِّجَ هَمِّ یَعْقُوبَ عَلَیْهِ السَّلامُ اَیْ مُنَفِّسَ غَمِّ یُوسُفَ عَلَیْهِ السَّلامُ
علیه السلام ای برطرف کننده هم یعقوب علیه السلام ای زایل کننده غم یوسف علیه السلام

صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ کَما اَنْتَ اَهْلُهُ اَنْ تُصَلِّیَ عَلَیْهِمْ اَجْمَعینَ وَافْعَلْ بی ما اَنْتَ
درود فرست بر محمد و آل محمد همچنانکه تو سزاواری ایکه درود فرستی بر ایشان همه و بکن بمن انچه تو

اَهْلُهُ وَلا تَفْعَلْ بی ما اَنَا اَهْلُهُ وبسند معتبر دیگر از آنحضرت علیه السلام منقولست
سزاواری و مکن بمن انچه من سزاوارم که هر شب دهه آخر این دعا را بخوانند

اَعُوذُ بِجَلالِ وَجْهِكَ الْکَریمِ اَنْ یَنْقَضِیَ عَنّی شَهْرُ رَمَضانَ اَوْ یَطْلُعَ الْفَجْرُ
پناه میبرم بجلال ذات تو که کریم است اگر منقضی شود از من ماه رمضان یا طلوع کند صبح

مِنْ لَیْلَتی هذِهِ وَبَقِیَ لَكَ عِنْدی تَبِعَةٌ اَوْ ذَنْبٌ تُعَذِّبُنی عَلَیْهِ یَوْمَ اَلْقاكَ
شب من این شب و باقی باشد از برای تو نزد من ناخوشی یا گناهی که عذاب کنی مرا بر آن در روزی که ملاقات کنم ترا

وبسندهای معتبر در هر شب از دهه آخر دعای مخصوصی از حضرت صادق علیه السلام یا مُولِجَ اللَّیْلِ
وارد شده است و بر مطالب دنیا و آخرت مشتملست دعای شب بیست و یکم ای داخل کننده شب

فِی النَّهارِ وَیا مُولِجَ النَّهارِ فِی اللَّیْلِ وَمُخْرِجَ الْحَیِّ مِنَ الْمَیِّتِ وَمُخْرِجَ الْمَیِّتِ مِنَ
در روز و ای داخل کننده روز در شب و بیرون آورنده زنده از مرده و بیرون آورنده مرده از

الْحَیِّ یا رازِقَ مَنْ یَشاءُ بِغَیْرِ حِسابٍ یا اَللّهُ یا رَحْمنُ یا اَللّهُ یا رَحیمُ یا اَللّهُ یا اَللّهُ
زنده ای روزی دهنده کسی که میخواهد بغیر حساب ای خدا ای بخشنده ای خدا ای مهربان ای خدا ای خدا

یا اَللّهُ یا اَللّهُ یا اَللّهُ یا اَللّهُ لَكَ الْاَسْماءُ الْحُسْنی وَالْاَمْثالُ الْعُلْیا
ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا از برای توست نامهای نیکو و بزرگی بلند

وَالْکِبْرِیاءُ وَالْالاءُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمی
و بزرگی و نعمتها سوال میکنم ترا اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی اسم مرا

فی هذِهِ اللَّیْلَةِ فِی السُّعَداءِ وَرُوحی مَعَ الشُّهَداءِ وَاِحْسانی فی عِلِّیّینَ
در این شب در نیکبختان و روح مرا با شهیدان و نیکوییرا در اعلا علیین

وَاِساءَتی مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لی یَقینًا تُباشِرُ بِهِ قَلْبی وَاِیمانًا یُذْهِبُ الشَّكَّ
و بدیهای مرا امرزیده شده و اینکه ببخشی بمن یقینی را که مباشر شود بان دل من و ایمانی را که ببرد شک را

عَنّی وَتُرْضِیَنی بِما قَسَمْتَ لی وَاتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً وَفِی الْاخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا
از من و راضی کنی مرا بانچه قسمت کرده از برای من و بده ما را در دنیا حسنه و در آخرت حسنه و نگاهدار ما را

عَذابَ النّارِ الْحَریقِ وَارْزُقْنی فیها ذِکْرَكَ وَشُکْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَیْكَ وَالْاِنابَةَ
از عذاب آتش سوزنده و روزی کن مرا در این شب یاد خود و شکر خود و رغبت بسوی تو و بازگشت

وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفیقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَالَ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمُ السَّلامُ دعای شب
و توبه و توفیق از برای آنچه توفیق داده از برای آن محمد و آل محمد را براو و بر ایشان باد سلام بیست و دویم

یا سالِخَ النَّهارِ مِنَ اللَّیْلِ فَاِذا نَحْنُ مُظْلِمُونَ وَمُجْرِیَ الشَّمْسِ لِمُسْتَقَرِّها بِتَقْدیرِكَ
ای بیرون آورنده روز از شب پس ناگاه ما ظلمت کننده ایم و جاری کننده آفتاب از قرارگاه خود بتقدیر تو

یا عَزیزُ یا عَلیمُ وَمُقَدِّرَ الْقَمَرِ مَنازِلَ حَتّی عادَ کَالْعُرْجُونِ الْقَدیمِ یا نُورَ کُلِّ
ای غالب ای دانا و تقدیر کننده ماه در منزلها تا انکه برگردد مثل چوب خرمای قدیم و کهنه ای روشنی هر

نُورٍ وَمُنْتَهی کُلِّ رَغْبَةٍ وَوَلِیَّ کُلِّ نِعْمَةٍ یا اَللّهُ یا رَحْمنُ یا اَللّهُ یا قُدُّوسُ
روشنی و ای انتهای هر رغبت و صاحب هر نعمت ای خدا ای بخشنده ای خدا ای پاک و منزه از بدیها

یا اَحَدُ یا واحِدُ یا فَرْدُ یا اَللّهُ یا اَللّهُ یا اَللّهُ لَكَ الْاَسْماءُ الْحُسْنی وَالْاَمْثالُ
ای یکتا ای یکه ای فرد ای خدا ای خدا ای خدا از برای توست نامهای نیکو و بزرگیها

علی

العليا والكبرياء والآلاء اسئلك ان تصلي على محمد واهل بيته وان تجعل
بلند وبزرگیها ونعمتها سؤال میکنم ترا اینکه درود فرستی بر محمد واهل بیت او واینکه بگردانی
اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في
نام مرا درین شب در نیکبختان وروح مرا با شهیدان ونیکوئی مرا در
عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب
اعلی علیین وبدی مرا امرزیده شده واینکه بخشی بمن یقینی که مباشر شود بان دل من وایمانی که ببرد
الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة
شک را از من وراضی کنی مرا بانچه قسمت کرده ای برای من وبده ما را در دنیا حسنه ودر اخرت حسنه
وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك
ونگاه دار ما را از عذاب اتش سوزنده وروزی کن مرا در این شب یاد تو وشکر تو ورغبت نمودن بتو
والانابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام
وبازگشت وتوبه وتوفیق از برای انچه توفیق داده از برای ان محمد وال محمد را بر او وبر ایشان باد رحمت
دعای شب یا رب ليلة القدر وجاعلها خيرا من الف شهر ورب الليل و
بیست وسیم ای پروردگار شب قدر وگرداننده او بهتر از هزار ماه وپروردگار شب و
النهار والجبال والبحار والظلم والانوار والارض والسماء يا بارئ يا
روز وکوهها ودریاها وتاریکیها وروشنیها وزمین واسمان ای خالق ای
مصور يا حنان يا منان يا الله يا رحمن يا الله يا قيوم يا الله يا بديع
صورت کننده ای بخشاینده ای منت گذارنده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای قایم بذات ای خدا ای خلق کننده
يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء
ای خدا ای خدا ای خدا از برای تست نامهای نیکو وبزرگیهای بلند وبزرگیها
والآلاء اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه
ونعمتها سؤال میکنم ترا اینکه درود فرستی بر محمد وال محمد واینکه بگردانی نام مرا در این
الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي
شب در نیکبختان وروح مرا با شهیدان ونیکوئی مرا در اعلا علیین وبدی مرا

مغفوره

مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني وترضيني
امرزیده شده واینکه بخشی مرا یقینی که مباشر شود بان دل من وایمانی که ببرد شک را از من وراضی کنی مرا
بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق
بانچه قسمت کرده از برای من وبده ما را در دنیا حسنه ودر اخرت حسنه ونگاه دار ما را از عذاب اتش سوزنده
وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة والتوفيق
وروزی کن مرا در ان یاد تو وشکر تو ورغبت نمودن بتو وبازگشت وتوبه وتوفیق
لما وفقت له محمدا وآل محمد صلواتك عليه وعليهم السلام دعای شب
از برای انچه توفیق داده از برای ان محمد وال محمد را درود تو بر او وبر ایشان باد سلام بیست وچهارم
يا فالق الاصباح ويا جاعل الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا يا عزيز يا
ای شکافنده صبحها وای گرداننده شب محل ساکن شدن وافتاب وماه را بحساب ای غالب ای
عليم يا ذا المن والطول والقوة والحول والفضل والانعام يا ذا الجلال
دانا ای صاحب منت وبخشش وقوت وگردش وفضل ونعمت ای صاحب بزرگی
والاكرام يا الله يا رحمن يا الله يا فرد يا وتر يا الله يا ظاهر يا باطن يا حي
واکرام ای خدا ای بخشنده ای خدا ای یگانه ای بیهمتا ای خدا ای ظاهر ای باطن ای زنده
لا اله الا انت لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء و
نیست خدائی بجز تو از برای تست نامهای نیکو وبزرگیهای بلند وبزرگیها و
الآلاء اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في
نعمتها سؤال میکنم ترا اینکه درود فرستی بر محمد وال محمد واینکه بگردانی نام مرا در
هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين
دربن شب در نیکبختان وروح مرا با شهیدان ونیکوئی مرا در اعلا علیین
واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب
وگناه مرا امرزیده شده واینکه بخشی مرا یقینی که مباشر شود بان دل من وایمانی که ببرد
الشك عني ورضا بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة
شک را از من ورضا بانچه قسمت کرده از برای من وبده ما را در دنیا حسنه ودر اخرت

وترضيني

حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك
حسنه ونگاهدار ما را از عذاب آتش سوزنده وروزی کن مرا در این ذکر لق وشکر تو ورغبت بسوی تو
والانابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمدا وال محمد صلواتك عليه
وبازگشت وتوبه وتوفیق ابرای آنچه توفیق داده برآنچه محمد وآل محمد را درود تو براو
وعليهم السلام دعای شب يا جاعل الليل لباسا والنهار معاشا والارض
وبرایشان باد سلام بیت وپنجم ای گرداننده شب را لباس وروز را معاش وزمین را
مهادا والجبال اوتادا يا الله يا قاهر يا الله يا جبار يا الله يا سميع يا
گهواره وکوهها را میخها ای خدا ای خدا قاهر ای خدا ای جبر کننده ای خدا ای شنوا ای
الله يا قريب يا الله يا مجيب يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى
خدا ای نزدیک ای خدا ای اجابت کننده ای خدا ای خدا ای خدا از برای تواست نامهای نیکو
والامثال العليا والكبرياء والالاء اسئلك ان تصلى على محمد وال محمد وان
وبزرگیهای بلند وبزرگیها ونعمتها سوال میکنم از تو اینکه درود فرستی بر محمد وآل محمد واینکه
تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في
بگردانی نام مرا در این شب در نیکبختان وروح مرا با شهیدان ونیکویی مرا در
عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا
اعلا علیین وبدیهای مرا آمرزیده شده واینکه بخشی مرا یقینی که مباشر شود بآن دل من وایمانی که
يذهب الشك عني ورضا بما قسمت لي واتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة
ببرد شک را از من وخوشنودی بآنچه قسمت کرده از برای من وبده ما را در دنیا حسنه ودر آخرت
حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة
حسنه ونگاهدار ما را عذاب آتش سوزنده وروزی کن مرا در آن یاد تو وشکر تو ورغبت
اليك والانابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمدا وال محمد عليه
بسوی تو ورجوع وتوبه وتوفیق از برای آنچه توفیق داده از برای آل محمد وآل محمد براو
وعليهم السلام دعای شب يا جاعل الليل والنهار ايتين يا من محا اية
وبرایشان باد رحمت بیت وششم ای گرداننده شب و روز دو علامت ای کسی که محو کرده علامت

الليل وجعل اية النهار مبصرة لتبتغوا فضلا منه ورضوانا يا مفصل
شب را وگرداننده نشانه روز را بیننده تا آنکه طلب کنند ایشان فضل را از او وخشنودی را ای تفصیل دهنده
كل شيء تفصيلا يا الله يا ماجد يا وهاب يا الله يا جواد يا الله يا الله يا الله
هر چیز تفصیل دادنی ای خدا ای بزرگوار ای بخشنده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای خدا ای خدا
لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والالاء اسئلك ان
از برای تواست نامهای نیکو وبزرگیهای بلند وبزرگیها ونعمتها سوال میکنم تو را اینکه
تصلي على محمد وال محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي
درود فرستی بر محمد وآل محمد واینکه بگردانی نام مرا در این شب در نیکبختان وروح مرا
مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا
با شهیدان ونیکویی مرا در اعلا علیین وبدیهای مرا آمرزیده شده واینکه بخشی مرا یقینی
تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي واتنا في
که مباشر شود بآن دل من وایمانی که ببرد شک را از من وراضی کنی مرا بآنچه قسمت کرده از برای من وبده ما را در
الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني
دنیا حسنه ودر آخرت حسنه ونگاهدار ما را عذاب آتش سوزنده وروزی کن مرا
فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة والتوفيق لما
در آن یاد تو وشکر تو ورغبت بسوی تو وبازگشت وتوبه وتوفیق از برای آنچه
وفقت له محمدا وال محمد عليه وعليهم السلام دعای شب يا ماد الظل
توفیق داده برآن محمد وآل محمد را براو وبرایشان باد سلام بیت وهفتم ای کشاننده سایه
ولو شئت جعلته ساكنا وجعلت الشمس عليه دليلا ثم قبضته اليك قبضا
واگر خواهی میگردانی اورا ساکن وگرداننده آفتاب را براو دلیل پس گرفتی اورا بسوی خود گرفتنی
يسيرا يا ذا الحول والطول والكبرياء والالاء لا اله الا انت عالم الغيب
آسان ای صاحب گردش وبخشش وبزرگیها ونعمتها نیست خدایی بجز تو داننده پنهان
والشهادة الرحمن الرحيم لا اله الا انت يا قدوس يا سلام يا مؤمن يا مهيمن
وآشکار بخشاینده مهربان نیست خدایی بجز تو ای پاک از عیب ای رحمت ای ایمان دهنده ای گواه

يا عزيز يا جبّار يا متكبّر يا الله يا خالق يا بارئ يا مصوّر يا الله يا الله يا الله

اى غالب اى جبر كننده اى متكبر اى خدا اى خلق كننده اى خلق كننده اى تصوير كننده اى خدا اى خدا اى خدا

لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والالاء اسئلك ان

از براى تواست نامهاى نيكو و بزرگيهاى بلند و بزرگيها و نعمتها سؤال ميكنم تو انكه

تصلّى على محمّد وال محمّد وان تجعل اسمى فى هذه الليلة فى السّعداء

درود فرستى بر محمد و ال محمد وانكه بگردانى نام مرا در اين شب در سعدا ونيكبختان

وروحى مع الشهداء واحسانى فى علّيين واسائتى مغفورة وان تهب

وروح مرا با شهيدان ونيكوئى مرا در اعلا عليين وبدى مرا امرزيده شده وانكه ببخشى

لى يقينا تباشر به قلبى وايمانا يذهب الشكّ عنّى وترضينى بما قسمت لى و

مرا يقينى كه مباشر شود بان دل من وايمانى كه ببرد شك را از من وراضى كنى مرا بانچه قسمت كرده از براى

اتنا فى الدّنيا حسنة وفى الاخرة حسنة وقنا عذاب النّار الحريق

بده ما را در دنيا حسنه و در اخرت حسنه ونگاهدار ما را عذاب اتش سوزنده

وارزقنى فيها ذكرك وشكرك والرّغبة اليك والانابة والتّوبة

وروزى كن ما را در ان ياد تو وشكر تو ورغبت بسوى تو وبازگشت و توبه

والتّوفيق لما وفّقت له محمّدا وال محمّد عليه وعليهم السّلام دعاى شب

وتوفيق از براى انچه توفيق داده از براى ان محمد وال محمد را براو وبر ايشان باد رحمت بيست وهشتم

يا خازن الليل فى الهواء وخازن النّور فى السّماء ومانع السّماء ان تقع على

اى جا دهنده شب در هوا وجا دهنده نور در اسمان وبازدارنده اسمان از انكه واقع شود

الارض الّا باذنه وحابسهما ان تزولا يا عليم يا غفور يا دائم يا الله يا وارث

زمين مگر باذن او وحبس كننده ايشان از انكه زايل شوند اى دانا اى امرزنده اى هميشه اى خدا اى وارث

يا باعث من فى القبور يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال

اى برانگيزاننده آنكه در قبرهاست اى خدا اى خدا اى خدا از براى تواست نامهاى بزرگ نيكو وبزرگيهاى

العليا والكبرياء والالاء اسئلك ان تصلّى على محمّد وال محمّد وان

بلند وبزرگيها و نعمتها سؤال ميكنم تو انكه درود فرستى بر محمد وال محمد وانكه

يجعل

وامل بقينه

صلى الله عليه وعليهم

يا عظيم

يجعل اسمى فى هذه اللّيلة فى السّعداء وروحى مع الشّهداء واحسانى فى علّيين

بگردانى نام مرا در اين شب در نيكبختان وروح مرا با شهيدان ونيكوئى مرا در اعلا عليين

واسائتى مغفورة وان تهب لى يقينا تباشر به قلبى وايمانا يذهب الشكّ عنّى

وبديها امرزيده شده وانكه ببخشى مرا يقينى كه مباشر شود بان دل من وايمانى كه ببرد شك را از من

وترضينى بما قسمت لى واتنا فى الدّنيا حسنة وفى الاخرة حسنة وقنا عذاب النّار

وراضى كنى مرا بانچه قسمت كرده از براى من وبده ما را در دنيا حسنه و در اخره حسنه ونگاهدار ما را از عذاب اتش

الحريق وارزقنا فيها ذكرك وشكرك والرّغبة اليك والرّهبة منك

سوزنده وروزى كن ما را در ان ياد خود وشكر خود ورغبت بسوى تو وترس از تو

والتّوبة والانابة والتّوفيق لما وفّقت له محمّدا وال محمّد عليه وعليهم السّلام

وتوبه وبازگشت وتوفيق از براى انچه توفيق داده از براى ان محمد وال محمد را براو وبر ايشان باد سلام

دعاى شب يا مكوّر اللّيل على النّهار ومكوّر النّهار على اللّيل يا عليم يا حكيم

بيست ونهم اى پوشنده شب بر روز وپوشنده روز بر شب اى دانا اى حكيم

يا ربّ الارباب وسيّد السّادات لا اله الّا انت يا من هو اقرب الىّ من حبل

اى پروردگار پروردگاران وبزرگ بزرگان نيست خدائى بجز تو اى كسى كه تو نزديكترى بسوى من از

الوريد يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء

رگ گردن اى خدا اى خدا اى خدا از براى تست نامهاى نيكو وبزرگيهاى بلند وبزرگيها

والالاء اسئلك ان تصلّى على محمّد وال محمّد وان تجعل اسمى فى هذه اللّيلة

ونعمتها سؤال ميكنم تو انكه درود فرستى بر محمد وال محمد وانكه بگردانى نام مرا در اين شب

فى السّعداء وروحى مع الشّهداء واحسانى فى علّيين واسائتى مغفورة

در نيكبختان وروح مرا با شهيدان ونيكوئى مرا در اعلا عليين وبدى مرا امرزيده شده

وان تهب لى يقينا تباشر به قلبى وايمانا يذهب الشكّ عنّى وترضينى بما قسمت

وانكه ببخشى مرا يقينى كه مباشر شود بان دل من وايمانى كه ببرد شك را از من وراضى كنى مرا بانچه قسمت كرده

واتنا فى الدّنيا حسنة وفى الاخرة حسنة وقنا عذاب النّار الحريق

وبده ما را در دنيا حسنه و در اخرت حسنه ونگاهدار ما را عذاب اتش سوزنده

وارزقنى ... صلى الله عليه وعليهم

وَارْزُقْنَا فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالتَّوْبَةَ وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْفِيقَ
و روزی کن ما را در آن یاد تو و شکر تو و رغبت بسوی تو و توبه و بازگشت و توفیق
لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ دعای شب ۲ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ لَا شَرِيكَ
از برای آنچه توفیق داده از برای آل محمد و آل محمد را بر او و بر ایشان باد سلام سپاس مر خدای را که نیست شریکی
لَهُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ وَكَمَا هُوَ اَهْلُهُ يَا قُدُّوسُ
از برای او و ستایش مر خدا را همچنانکه سزاوار است از برای بزرگی ذات او و عزت بزرگی او و همچنانکه او سزاوار آنست ای بسیار منزه
يَا نُورُ يَا نُورَ الْقُدْسِ يَا سُبُّوحُ يَا مُنْتَهَى التَّسْبِيحِ يَا رَحْمٰنُ يَا فَاعِلَ الرَّحْمَةِ
ای هویدا ای هویدای منزه ای منزه ای منتهای تسبیح و تنزیه ای بخشاینده ای کننده رحمت
يَا اَللّٰهُ يَا عَلِيمُ يَا كَبِيرُ يَا اَللّٰهُ يَا لَطِيفُ يَا جَلِيلُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا سَمِيعُ يَا
ای خدا ای دانا ای بزرگ ای خدا ای لطیف ای بزرگ ای خدا ای خدا ای شنوا ای
بَصِيرُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ لَكَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْاَمْثَالُ الْعُلْيَا وَ
بینا ای خدا ای خدا ای خدا از برای توست نامهای نیکو و بزرگیهای بلند و
الْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اِسْمِي فِي
بزرگیها و نعمتها سوال میکنم ترا اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در
هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَ
این شب در نیکبختان و روح مرا با شهیدان و نیکویی مرا در اعلی علیین و
اِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَاِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ
بدی مرا آمرزیده شده و اینکه ببخشی برای من یقینی که مباشر شود بآن دل من و ایمانی که ببرد شک را
عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا
از من و راضی کردانی مرا بآنچه قسمت کرده از برای من و بده ما را در دنیا حسنه و در آخرت حسنه و نگاه دار ما را از
عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالتَّوْبَةَ
عذاب آتش سوزنده و روزی کن ما را در آن یاد تو و شکر تو و رغبت بسوی تو و توبه
وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ صلی هم
و بازگشت و توفیق از برای آنچه توفیق داده از برای آل محمد و آل محمد را بر او و بر ایشان باد سلام

صلی الله علیه و علیهم اجمعین

یا قدوس

صلی الله علیه و علیهم اجمعین

در بیان نمازهای شبها و دعاهای روزهای ماه رمضان

در بیان نمازهای شبها و دعاهای روزهاست که مشهور است و علما در کتاب دعا ذکر کرده اند و نزد فقیر معتبر نیست **نماز شب اول** چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه توحید **دویم** چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست مرتبه انا انزلناه **سیم** ده رکعت در هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه توحید **چهارم** هشت رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه انا انزلناه **پنجم** دو رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه اللّٰهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد **ششم** چهار رکعت در هر رکعت حمد و سورهٔ تبارک الذی بیده الملک **هفتم** چهار رکعت در هر رکعت حمد و سیزده مرتبه انا انزلناه **هشتم** دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید و بعد از سلام هزار مرتبه سبحان الله **نهم** شش رکعت در میان نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد و هفت مرتبه آیة الکرسی و بعد از اتمام پنجاه مرتبه اللّٰهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد **دهم** بیست رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه توحید **یازدهم** دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه انا اعطیناک الکوثر **دوازدهم** هشت رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه انا انزلناه **سیزدهم** چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید **چهاردهم** شش رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه اذا زلزلت **پانزدهم** چهار رکعت در هر دو رکعت اول حمد و صد مرتبه توحید و در دو رکعت دیگر پنجاه مرتبه توحید **شانزدهم** دوازده رکعت در هر رکعت حمد و دوازده مرتبه الهکم التکاثر **هفدهم** دو رکعت در رکعت اول حمد و هر سوره که خواهد بخواند و در رکعت دویم حمد و صد مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه لا اله الا الله **هجدهم** چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه انا اعطیناک الکوثر **نوزدهم** پنجاه رکعت با حمد و پنجاه مرتبه اذا زلزلت و گویا مراد آن باشد که در هر رکعت یک مرتبه بخواند زیرا که مشکلست در یک شب دو هزار و پانصد مرتبه اذا زلزلت خواندن **بیستم و بیست و یکم و بیست و دویم و بیست و سیم و بیست و چهارم** در هر یک هشت رکعت بهر سوره که میسر شود **بیست و پنجم** هشت رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید **بیست و ششم** هشت رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید **بیست و هفتم** چهار رکعت در هر رکعت حمد و تبارک الذی و اگر نتواند بیست و پنج مرتبه توحید **بیست و هشتم** شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه آیة الکرسی و صد مرتبه توحید و صد مرتبه کوثر و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد **بیست و نهم** دو رکعت

در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید سیام دوازده رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید و بعد از فارغ شدن صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و این نمازها چنانچه مذکور شد هر دو رکعت بیك سلام است واما دعاهای روزها از ابن عباس روایت کرده اند که حضرت رسول صلی الله علیه واله فضیلت بسیار از برای روزهٔ هر روز ماه مبارك رمضان بیان فرمود و از برای هر روز دعای مخصوص با فضیلت و ثواب بسیار برای اللّهم اجعل صیامی فیه صیام ان دعا ذکر کرده اند و ما با اصل دعا اکتفا مینمائیم دعای روز اول خداوندا بکردان روزه مرا در اینماه روزه

الصّائمین وقیامی فیه قیام القائمین ونبّهنی فیه عن نومة الغافلین

روزه داران و ایستادن مرا بعبادت در ان ایستادن ایستادگان و بیدار کن مرا در ان از خوابهای غفلت کنندگان

وهب لی جرمی فیه یا اله العالمین واعف عنّی یا عافیا عن المجرمین

وبخش از برای من گناهان مرا در ان ای خدای عالمیان وعفو کن از من ای عفو کننده از گناهکاران

روز اللّهمّ قرّبنی فیه الی مرضاتك وجنّبنی فیه من سخطك ونقماتك

دویم خداوندا نزدیك کردان مرا در ان بسوی خوشنودیهای خود و دور کردان مرا در ان از ناخوشنودی تو و نقمات تو

ووفّقنی فیه لقراءة آیاتك برحمتك یا ارحم الرّاحمین روز اللّهمّ ارزقنی

و توفیق ده مرا در ان از برای قرائت کردن آیات تو برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان سیم خداوندا روزی کن مرا

فیه الذّهن والتّنبیه وباعدنی فیه من السّفاهة والتّمویه واجعل

در اینروز ذهن و شعور و بیوشیاری مرا بان و دور کردان مرا در ان از بیخردی و بی فکری و بکردان

لی نصیبا من کلّ خیر تنزل فیه بجودك یا اجود الاجودین روز اللّهمّ

از برای من بهره از هر چیزی که فرستاده در ان بجود تو ای بخشنده ترین بخشندگان چهارم خداوندا

قوّنی فیه علی اقامة امرك واذقنی فیه حلاوة ذکرك واوزعنی فیه

قوت ده مرا در اینروز بر برپا داشتن امر تو و بچشان مرا در ان شیرینی یاد تو و بدار مرا در ان

لاداء شکرك بکرمك واحفظنی بحفظك وسترك یا ابصر النّاظرین

از برای بجا آوردن شکر تو بکرم تو و حفظ کن مرا بحفظ خود و بپوشیدن خود ای بیننده ترین نظر کنندگان

روز اللّهمّ اجعلنی فیه من المستغفرین واجعلنی فیه من عبادك

پنجم خداوندا بکردان مرا در این روز از جمله استغفار کنندگان و بکردان مرا در ان از بندگان

الصّالحین

الصّالحین القانتین واجعلنی فیه من اولیائك المقرّبین برأفتك یا ارحم الرّاحمین

صالح تو که دعا خوانندگانند و بکردان مرا در ان از جمله دوستان تو که مقرب اند بمهربانی تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

روز اللّهمّ لا تخذلنی فیه لتعرّض معصیتك ولا تضربنی بسیاط نقمتك و

ششم خداوندا رسوا مکن مرا در اینروز از برای متعرض شدن نافرمانی تو و مزن مرا بتازیانهای عذاب تو و

زحزحنی فیه من موجبات سخطك بمنّك وایادیك یا منتهی رغبة الرّاغبین

و دور کردان مرا در ان از موجبات عذاب تو بمنت تو و نعمتهای تو ای منتهی رغبت کنندگان

روز اللّهمّ اعنّی علی صیامه وقیامه وجنّبنی فیه من هفواته وآثامه و

هفتم خداوندا یاری ده مرا بر روزه گرفتن ان و بپا ایستادن ان و دور کردان مرا در ان از لغزشهای ان و گناهان ان و

ارزقنی ذکرك بدوامه بتوفیقك یا هادی المضلّین روز اللّهمّ ارزقنی

و روزی کن مرا یاد تو بدوام ان ذکر بیاری دادن تو ای راه نماینده راه گمکردگان هشتم خداوندا روزی کن مرا

فیه رحمة الایتام واطعام الطّعام وافشاء السّلام وصحبة الکرام

در این روز رحمت یتیمان و خورانیدن طعام و افشا کردن سلام و صحبت داشتن کرام

بطولك یا ملجأ الآملین روز اللّهمّ اجعل لی فیه نصیبا من رحمتك

بخشش تو ای پناه امیدواران نهم خداوندا بکردان از برای من در اینروز بهره از رحمت تو

الواسعة واهدنی فیه لبراهینك السّاطعة وخذ بناصیتی الی مرضاتك

که وسیع است و هدایت کن مرا در ان از برای حجتهای تو که درخشنده است و بگیر موی پیشانی مرا بسوی خوشنودی

الجامعة بمحبّتك یا امل المشتاقین روز اللّهمّ اجعلنی فیه من

که جامع است بمحبت تو ای امید آرزومندان دهم خداوندا بکردان مرا در اینروز از

المتوکّلین علیك واجعلنی فیه من الفائزین لدیك واجعلنی فیه من

از جمله توکل کنندگان بر تو و بکردان مرا در ان از رستگاران نزد تو و بکردان مرا در ان از

المقرّبین الیك باحسانك یا غایة الطّالبین روز اللّهمّ حبّب الیّ

نزدیکان بسوی تو بسبب احسان تو ای نهایت طلب کنندگان یازدهم خداوندا دوست کردان بسوی من

فیه الاحسان وکرّه الیّ فیه الفسوق والعصیان وحرّم علیّ فیه

در اینروز نیکوئی را و ناخوش کن بسوی من در ان فسوق و عصیان را و حرام کن بر من در ان

یا اکرم الاکرمین

واجنبنی

فیه

ومجانبة اللّئام

یا امل

کمالك

یا ارحم الرّاحمین

السخط والنیران بعونك یا غیاث المستغیثین روز اللهم زینّی فیه
عذاب واتش را بیاری تو ای فریادرس فریادکنندگان دوازدهم خداوندا زینت ده مرا درین روز
بالستر والعفاف واسترنی فیه بلباس القنوع والکفاف واحملنی
بپوشانیدن گناهان وعفت وبپوشان مرا درین بجامهای قناعت وکفاف وبدار مرا
فیه علی العدل والانصاف وامنّی فیه من کل ما اخاف بعصمتك
درین بر عدالت وانصاف وایمن کردان مرا از هر انچه میترسم بحق عصمت تو
یا عصمة الخائفین روز سیزدهم اللهم طهّرنی فیه من الدنس والاقذار
ای نگاهدارنده ترسندگان سیزدهم خداوندا پاك کردان مرا درین روز از چرك وکثافات
وصبّرنی فیه علی کائنات الاقدار ووفّقنی فیه للتقی وصحبة الابرار
وصبر ده مرا درین بر کاینات قدرها وتوفیق ده مرا ازبرای پرهیزکاری وصحبت نیکان
بعونك یا قرة عین المساکین روز اللهم لا تؤاخذنی فیه بالعثرات
بیاری تو ای روشن کننده چشم مسکینان چهاردهم خداوندا مگیر مرا درین روز بلغزشها
واقلنی فیه من الخطایا والهفوات ولا تجعلنی فیه غرضا للبلایا والآفات
واقاله کن مرا درین از خطاها ولغزشها ومگردان مرا درین نشانه ازبرای بلاها وآفات
بعزتك یا عز المسلمین روز اللهم ارزقنی فیه طاعة الخاشعین
بعزت تو ای عزت مسلمانان پانزدهم خداوندا روزی کن مرا درین روز طاعت فروتنی کنندگان
واشرح فیه صدری بانابة المخبتین بامانك یا امان الخائفین روز
وبگشای درین سینه مرا بازگشتن سوختگان بامان دادن تو ای امان دهنده ترسندگان شانزدهم
اللهم وفّقنی فیه لموافقة الابرار وجنّبنی فیه مرافقة الاشرار
خداوندا توفیق ده مرا درین روز ازبرای موافقت کردن نیکان ودور کردان مرا درین رفاقت بدکاران
وآوِنی فیه برحمتك الی دار القرار بالهیتك یا اله العالمین روز
وجای ده مرا درین برحمت خود بسوی سرای قرار بخدائی تو ای خدای عالمیان هفدهم
اللهم اهدنی فیه لصالح الاعمال واقض لی فیه الحوائج والامال یا
خداوندا راهنمائی کن مرا درین روز ازبرای صالح عملها وبرآورده کن ازبرای من درین حاجتها وامیدهارا ای

غوث
روز نزاع المرء
ویحفظ فیه عما اخاف
الساکین
واشعر فیه قلبی الاقبل بامانك
لعملی

من لا یحتاج الی التفسیر والسؤال یا عالما بما فی صدور العالمین روز
انکه محتاج نیست بسوی تفسیر کردن وسؤال ای دانا بانچه در سینهای عالمیانست هجدهم
اللهم نبّهنی فیه لبرکات اسحاره ونوّر فیه قلبی بضیاء انواره وخذ بکل
خداوندا اگاه کن مرا درین روز ازبرای برکات سحرهای آن وروشن کردان درین دل مرا بروشنی نورهای آن وبگیر بهمه
اعضائی الی اتباع آثاره بنورك یا منوّر قلوب العارفین روز اللهم
اعضای من بسوی تابع بودن آثار آن بحق نور تو ای روشن کننده دلهای شناسندگان نوزدهم خداوندا
وفّر فیه حظی من برکاته وسهّل سبیلی الی خیراته ولا تحرمنی حسناته
وافر کردان درین روز نصیب مرا از برکات آن وآسان کردان راه مرا بسوی خیرات آن ومحروم مگردان مرا حسنات او
یا هادیا الی الحق المبین روز اللهم افتح لی فیه ابواب الجنان و
ای راه نماینده بسوی حق ظاهر وهویدا بیستم خداوندا بگشا ازبرای من درین درهای بهشت را و
اغلق عنی فیه ابواب النیران ووفّقنی فیه لتلاوة القرآن یا منزل
ببند از من درین درهای جهنم را وتوفیق ده مرا درین ازبرای تلاوت کردن قرآن ای فرستاننده
السکینة فی قلوب المؤمنین روز اللهم اجعل لی فیه الی مرضاتك
آرامی وسکینه در دلهای گروندگان بیست ویکم خداوندا بگردان ازبرای من درین بسوی خوشنودی تو
دلیلا ولا تجعل للشیطان فیه علیّ سبیلا واجعل الجنة لی منزلا و
راهنماینده ومگردان ازبرای شیطان درین بر من راهی وبگردان بهشت را ازبرای من مکانی و
مقیلا یا قاضی حوائج الطالبین روز بیست اللهم افتح لی فیه ابواب
جای بازگشت ای برآورنده حاجتهای طلب کنندگان ودوم خداوندا بگشا ازبرای من درین روز درهای
فضلك وانزل علیّ فیه من برکاتك ووفّقنی فیه لموجبات مرضاتك
فضل خود را وفرود آور بر من درین از برکتهای تو وتوفیق ده مرا درین ازبرای موجبات خوشنودی تو
واسکنّی فیه بحبوحات جنانك یا مجیب دعوة المضطرین روز بیست اللهم
وساکن کردان مرا درین در وسط بهشتهای خود ای اجابت کننده دعای مضطران وسیم خداوندا
اغسلنی فیه من الذنوب وطهّرنی فیه من العیوب وامتحن قلبی فیه
بشوی وشو کن مرا درین روز از گناهان وطاهر کن مرا درین از عیبها وامتحان کن دل مرا درین

صلّ علی محمد وآله الطاهرین
برکاتك خیراتك حسناتك
قبول کن
السائلین
بحبوحات

بِتَقْوَی الْقُلُوبِ یا مُقِیلَ عَثَراتِ الْمُذْنِبِینَ روز بیست اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ فِیهِ

به پرهیزکاری دلهای اقاله کننده لغزشهای مذنبین را وبیست و چهارم خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا در این روز

مٰا یُرْضِیکَ وَاَعُوذُ بِکَ فِیهِ مِمّٰا یُؤْذِیکَ وَاَسْئَلُکَ التَّوْفِیقَ فِیهِ لِاَنْ اُطِیعَکَ

آنچه را که راضی کند ترا و پناه میبرم بتو در آن از آنچه ایذا کند ترا و سوال میکنم ترا که توفیق دهی در آن از برای آنکه اطاعت کنم ترا

وَلٰا اَعْصِیکَ یٰا جَوٰادَ السّٰائِلِینَ روز بیست اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی فِیهِ مُحِبًّا لِاَوْلِیٰائِکَ

و نافرمانی نکنم ترا ای بخشنده سوال کنندگان و پنجم خداوندا بگردان مرا در این روز دوستدار مر دوستان ترا

وَمُعٰادِیًا لِاَعْدٰائِکَ مُسْتَنًّا بِسُنَّةِ خٰاتَمِ اَنْبِیٰائِکَ یٰا عٰاصِمَ قُلُوبِ النَّبِیِّینَ

و دشمن داشته مر دشمنان ترا در حالتی که عمل کننده باشم بطریقه خاتم پیغمبران تو ای نگاه دارنده دلهای پیغمبران

روز بیست اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ سَعْیِی فِیهِ مَشْکُورًا وَذَنْبِی فِیهِ مَغْفُورًا وَعَمَلِی

و ششم خداوندا بگردان سعی مرا در این روز شکر کرده شده و گناه مرا در آن آمرزیده شده و عمل مرا

فِیهِ مَقْبُولًا وَعَیْبِی فِیهِ مَسْتُورًا یٰا اَسْمَعَ السّٰامِعِینَ روز بیست اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی

در آن قبول کرده شده و عیبهای مرا در آن پوشیده شده ای شنواترین شنوندگان و هفتم خداوندا روزی کن مرا

فِیهِ فَضْلَ لَیْلَةِ الْقَدْرِ وَصَیِّرْ اُمُورِی فِیهِ مِنَ الْعُسْرِ اِلَی الْیُسْرِ وَاقْبَلْ

در این روز فضل شب قدر و بگردان امور مرا در آن از دشواری بسوی آسانی و قبول کن

مَعٰاذِیرِی وَحُطَّ عَنِّیَ الْوِزْرَ یٰا رَؤُفًا بِعِبٰادِهِ الصّٰالِحِینَ روز بیست اَللّٰهُمَّ

عذرهای مرا و بینداز از من وبال مرا ای مهربان کننده بر بندگان صالح خود و هشتم خداوندا

وَفِّرْ حَظِّی فِیهِ مِنَ النَّوٰافِلِ وَاَکْرِمْنِی فِیهِ بِاِحْضٰارِ الْمَسٰائِلِ وَقَرِّبْ فِیهِ

وافر کن بخشش مرا در این روز از سنتها و اکرام کن مرا در آن باحضار مسئلها و نزدیک کردان در آن

وَسِیلَتِی اِلَیْکَ مِنْ بَیْنِ الْوَسٰائِلِ یٰا مَنْ لٰا یَشْغَلُهُ اِلْحٰاحُ الْمُلِحِّینَ روز بیست

وسیله مرا بسوی خود از میان وسیلها ای آنکه مشغول نمیسازد او را الحاح طلب کنندگان و نهم

اَللّٰهُمَّ غَشِّنِی فِیهِ بِالرَّحْمَةِ وَارْزُقْنِی فِیهِ التَّوْفِیقَ وَالْعِصْمَةَ وَطَهِّرْ

خداوندا بپوشان مرا در این روز برحمت خود و روزی کن مرا در آن توفیق و عصمت را و پاک کن

قَلْبِی مِنْ غَیٰاهِبِ التُّهْمَةِ یٰا رَحِیمًا بِعِبٰادِهِ الْمُؤْمِنِینَ روز سی اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ

دل مرا از غیاهب تهمت ای مهربان ببندگان مومن سی ام خداوندا بگردان

صیامی

لتقوی — یا عالما باحوال — یا عظیما فی قلوب — یا سامع اصوات المبتهلین — الاحلام فی — غایبات

صِیٰامِی فِیهِ بِالشُّکْرِ وَالْقَبُولِ عَلیٰ مٰا تَرْضٰاهُ وَیَرْضٰاهُ الرَّسُولُ مُحْکَمَةً فُرُوعُهُ

روزه مرا در این روز بشکر و قبول بر آنچه پسندیده ترا و پسندیده او را رسول استوار فروع او

بِالْاُصُولِ بِحَقِّ سَیِّدِنٰا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّٰاهِرِینَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِینَ

باصول بحق سیدما محمد و آل او که پاکانند و سپاس خداوندی راست که پروردگار عالمیانست

مؤلف گوید در تقدیم و تاخیر دعاها و عبارات هر یک در کتب دعوات مختلف ذکر کرده اند و چون روایتی را معتبر ندیدم متعرض ذکر آنها نشدم و دعای روز بیست و هفتم را کفعمی در بیست و نهم ذکر کرده است و موافق مذهب شیعه در روز بیست و سیم خواندن دور نیست که انسب باشد والله یعلم باب چهارم در اعمال لیالی و ایام متبرکه ماه شوال و ماه ذی القعده است از جمله ایام متبرکه ماه شوال روز عید فطر است و شبش از جمله لیالی شریفه است و در فضیلت و ثواب عبادت احیاء آن احادیث بسیار است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر که احیا کند شب عید را نمیرد دل او در روزی که دلها از ترس بمیرد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که گفت پدرم علی بن الحسین صلوات الله علیهما شب عید را احیا میکردند بنماز تا صبح و در تمام آن شب در مسجد میماند و میگفت ای فرزند امشب کمتر از شب قدر نیست و غسل در این شب سنت است و شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که مردم میگویند که آمرزش نازل میشود بر کسی که روزه دارد ماه رمضان را در شب قدر حضرت فرمود که کارکن مزدش را میدهند مگر بعد از فارغ شدن از آن کار و آن در شب عید است را وی گفت چکار سزاوار است که در آن شب بکنم فرمود که چون آفتاب غروب کند غسل بکن و چون فریضه مغرب و نافله آن را بجا آوردی یٰا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ یٰا ذَا الْجُودِ یٰا مُصْطَفِیَ مُحَمَّدٍ وَ

دستها بسوی آسمان بلند کن و بگو ای صاحب نعمت و بخشش ای صاحب بخشش ای برگزیننده محمد و

نٰاصِرَهُ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِی کُلَّ ذَنْبٍ اَحْصَیْتَهُ وَهُوَ عِنْدَکَ

یاری دهنده او درود فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز از برای من هر گناهی که شماره کرده آنرا و آن نزد تو

فِی کِتٰابٍ مُبِینٍ پس بسجده برو و صد مرتبه در سجده بگو اَتُوبُ اِلَی اللّٰهِ پس هر حاجت

در کتاب مبین است که داری از حق تعالی طلب کن که انشاء الله بر آورده است و بسند معتبر منقول است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در شب عید فطر دو رکعت نماز میکردند و در رکعت اول

در اعمال لیالی و ایام متبرکه ماه شوال و ماه ذی القعده

بعد از حمد هزار مرتبه سورهٔ قل هو الله احد و در رکعت دوّیم یکمرتبه میخوانند پس اَتُوبُ اِلَی
برکوع و سجود میروند و بعد از سلام بسجده میروند و صد مرتبه میگفتند بازگشت میکنم
اللهِ پس یا ذَا الْمَنِّ وَالْجُودِ یا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ یا مُصْطَفِی مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ
خدا میگفتند ای صاحب بخشش ای صاحب نعمت و بخشش ای برگزیننده محمد درود فرست خدا بر او
وَآلِهِ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ پس حاجات خود را از خدا میطلبیدند پس سر از سجده برمیداشتند
و آل او درود فرست بر محمد و آل او و میفرمودند بحق خداوندی که جانم در ید قدرت اوست که هر که
این نماز را بکند هر حاجت که از حق تعالی بطلبد البته او را عطا کند و اگر بعدد ریگهای بیابان
گناه داشته باشد خدا بیامرزد و بعد از نماز سنت است که این دعا بخوانند
یا اَللهُ یا اَللهُ یا اَللهُ یا رَحْمٰنُ یا اَللهُ یا مَلِکُ یا اَللهُ یا قُدُّوسُ یا اَللهُ یا سَلامُ
ای خدا ای خدا ای خدا ای بخشنده ای خدا ای پادشاه ای خدا ای پاک و منزه ای خدا ای سالم از عیبها
یا اَللهُ یا مُؤْمِنُ یا اَللهُ یا مُهَیْمِنُ یا اَللهُ یا عَزِیزُ یا اَللهُ یا جَبّارُ یا اَللهُ یا مُتَکَبِّرُ یا اَللهُ
ای خدا ای تصدیق کننده ای خدا ای گواه ای خدا ای غلبه کننده ای خدا ای جبر کننده ای خدا ای بزرگی کننده ای خدا
یا خالِقُ یا اَللهُ یا بارِئُ یا اَللهُ یا مُصَوِّرُ یا اَللهُ یا عالِمُ یا اَللهُ یا عَظِیمُ یا اَللهُ یا کَرِیمُ یا اَللهُ
ای خلق کننده ای خدا ای خلق کننده ای خدا ای تصویر کننده ای خدا ای دانا ای خدا ای بزرگ ای خدا ای بخشنده ای خدا
یا حَلِیمُ یا اَللهُ یا حَکِیمُ یا اَللهُ یا سَمِیعُ یا اَللهُ یا بَصِیرُ یا اَللهُ یا قَرِیبُ یا اَللهُ یا مُجِیبُ
ای حلم کننده ای خدا ای حکم کننده ای خدا ای شنونده ای خدا ای بیننده ای خدا ای نزدیک ای خدا ای اجابت کننده
یا اَللهُ یا جَوادُ یا اَللهُ یا ماجِدُ یا اَللهُ یا وَلِیُّ یا اَللهُ یا وَفِیُّ یا اَللهُ یا مَوْلٰی یا اَللهُ
ای خدا ای بخشنده ای خدا ای یکتا ای خدا ای دوست ای خدا ای وفا کننده ای خدا ای آقا ای خدا
یا قاضِی یا اَللهُ یا سَرِیعُ یا اَللهُ یا شَدِیدُ یا اَللهُ یا رَؤُوفُ یا اَللهُ یا رَقِیبُ یا اَللهُ
ای حکم کننده ای خدا زود کننده ای خدا ای سخت گیرنده ای خدا ای مهربانی کننده ای خدا ای حافظ ای خدا
یا مُجِیبُ یا اَللهُ یا جَوادُ یا اَللهُ یا ماجِدُ یا اَللهُ یا عَلِیُّ یا اَللهُ یا حَفِیظُ یا اَللهُ یا
ای اجابت کننده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای بزرگی کننده ای خدا ای بلند مرتبه ای خدا ای نگهدارنده ای خدا ای
مُحِیطُ یا اَللهُ یا سَیِّدَ السّاداتِ یا اَللهُ یا اَوَّلُ یا اَللهُ یا آخِرُ یا اَللهُ یا
احاطه کننده ای خدا ای آقای بهترینان ای خدا ای اول ای خدا ای آخر ای خدا ای

ظاهِرُ یا اَللهُ یا باطِنُ یا اَللهُ یا فاخِرُ یا اَللهُ یا قاهِرُ یا اَللهُ یا رَبّاهُ یا اَللهُ یا
ظاهر ای خدا ای باطن ای خدا ای فخر کننده ای خدا ای قهر کننده ای خدا ای پروردگار ای خدا ای
اَللهُ یا رَبّاهُ یا اَللهُ یا رَبّاهُ یا اَللهُ یا رَبّاهُ یا اَللهُ یا رَبّاهُ یا اَللهُ یا وَدُودُ
خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای دوست دارنده
یا اَللهُ یا نُورُ یا اَللهُ یا دافِعُ یا اَللهُ یا مانِعُ یا اَللهُ یا فاتِحُ یا اَللهُ یا نَفّاعُ
ای خدا ای هویدا ای خدا ای دفع کننده ای خدا ای منع کننده ای خدا ای گشاینده ای خدا ای نفع رساننده
یا اَللهُ یا جَلِیلُ یا اَللهُ یا جَمِیلُ یا اَللهُ یا شَهِیدُ یا اَللهُ یا شاهِدُ یا
ای خدا ای بزرگ ای خدا ای نیکو ای خدا ای حاضر ای خدا ای گواه ای
اَللهُ یا حَبِیبُ یا اَللهُ یا فاطِرُ یا اَللهُ یا مُطَهِّرُ یا اَللهُ یا مالِکُ یا اَللهُ
خدا ای دوست ای خدا ای خلق کننده ای خدا ای پاک کننده ای خدا ای پادشاه ای خدا
یا مُقْتَدِرُ یا اَللهُ یا قابِضُ یا اَللهُ یا باسِطُ یا اَللهُ یا مُحْیِی یا اَللهُ یا مُمِیتُ
ای اقتدار دارنده ای خدا ای گیرنده ای خدا ای پهن کننده ای خدا ای زنده کننده ای خدا ای میراننده
یا اَللهُ یا مُجِیبُ یا اَللهُ یا باعِثُ یا اَللهُ یا مُعْطِی یا اَللهُ یا مُفْضِلُ یا اَللهُ
ای خدا ای اجابت کننده ای خدا ای مبعوث کننده ای خدا ای عطا کننده ای خدا ای فضیلت دهنده ای خدا
یا مُنْعِمُ یا اَللهُ یا حَقُّ یا اَللهُ یا مُبِینُ یا اَللهُ یا طَبِیبُ یا اَللهُ یا مُحْسِنُ یا
ای نعمت دهنده ای خدا ای سزاوار ای خدا ای بیان کننده ای خدا ای طبیب ای خدا ای نیکویی کننده ای
اَللهُ یا مُبْدِئُ یا اَللهُ یا مُعِیدُ یا اَللهُ یا بارِئُ یا اَللهُ یا بَدِیعُ یا اَللهُ یا
خدا ای ابتدا کننده ای خدا ای اعاده کننده ای خدا ای خلق کننده ای خدا ای ابداع کننده ای خدا ای
هادِی یا اَللهُ یا کافِی یا اَللهُ یا شافِی یا اَللهُ یا عَلِیُّ یا اَللهُ یا حَنّانُ
راهنماینده ای خدا ای کفایت کننده ای خدا ای شفا دهنده ای خدا ای بلند مرتبه ای خدا ای بخشنده
یا اَللهُ یا مَنّانُ یا اَللهُ یا ذَا الطَّوْلِ یا اَللهُ یا مُتَعالِی یا اَللهُ یا عَدْلُ یا
ای خدا ای منت نهنده ای خدا ای صاحب بخشش ای خدا ای بلند مرتبه ای خدا ای عدالت کننده ای
اَللهُ یا ذَا الْمَعارِجِ یا اَللهُ یا صادِقُ یا اَللهُ یا دَیّانُ یا اَللهُ یا باقِی یا اَللهُ
خدا ای صاحب بلند پایها ای خدا ای راست گوینده ای خدا ای جزا دهنده ای خدا ای باقی ای خدا

یا ذا الجلال یا الله یا ذا الاکرام یا الله یا معبود یا الله یا محمود یا الله یا
ای صاحب بزرگی ای خدا ای صاحب اکرام ای خدا ای عبادت کرده شده ای خدا ای حمد کرده شده ای خدا ای
یا صانع یا الله یا معین یا الله یا مکون یا الله یا فعال یا الله یا لطیف یا
ای خالق ای خدا ای یاری کننده ای خدا ای خلق کننده ای خدا ای کننده ای خدا ای مهربان ای
الله یا جلیل یا الله یا غفور یا الله یا شکور یا الله یا نور یا الله یا حنان
خدا ای بزرگ ای خدا ای امرزنده ای خدا ای شکر کننده ای خدا ای هویدا ای خدا ای بخشنده
یا الله یا قدیر یا الله یا ربّاه یا الله یا ربّاه یا الله یا ربّاه یا الله یا ربّاه یا الله
ای خدا ای قدرت دارنده ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا
یا ربّاه یا الله یا ربّاه یا الله یا ربّاه یا الله یا الله اسئلک ان تصلی
ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای خدا سؤال میکنم ترا اینکه درود فرستی
علی محمد و آل محمد و تمن علی برضاک و تعفو عنی بحلمک و توسع علی من
بر محمد و آل محمد و منت گذاری بر من بخوشنودی خود و درگذری از من بحلم و بردباری خود و فراخ گردانی بر من
رزقک الحلال الطیب من حیث احتسب و من حیث لا احتسب فانی عبدک
روزی تو که حلال و پاکیزه است از مکانی که گمان برم و از مکانی که گمان نبرم پس بدرستی که من بنده
لیس لی احد سواک و لا احد اسئله غیرک یا ارحم الراحمین ما شاء الله لا
نیست از برای من احدی سوای تو و نیست هیچکس که سؤال کنم او را غیر تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان آنچه خواست خدا نیست
قوة الا بالله العلی العظیم پس بسجده یا الله یا الله یا رب یا الله یا رب
قوة و توانائی مگر بخدای که بلند و بزرگست میروی و میگوئی ای خدا ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار
یا الله یا رب یا الله یا منزل البرکات بک تنزل کل حاجة اسئلک
ای خدا ای پروردگار ای خدا ای فرو فرستنده برکتها بتو نزول میکند هر حاجتی سؤال میکنم ترا
بکل اسم فی مخزون الغیب عندک و الاسماء المشهورات عندک المکتوبة
بهر اسمی که در خزانه غیب است نزد تو و نامهای مشهور که نزد تو نوشته شده است
علی سرادق عرشک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تقبل منی شهر رمضان
بر سراپرده عرش تو اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه قبول کنی از من ماه مبارک رمضان

وتکتبنی

و تکتبنی فی الوافدین الی بیتک الحرام و تصفح لی عن الذنوب العظام و تستخرج
و بنویسی مرا در واردکان بسوی بیت الله الحرام و پاک کنی مرا از گناهان بزرگ و بیرون کنی
یا رب کنوزک یا رحمن و در روایت دیگر بجای هزار مرتبه قل هو الله صد مرتبه بین
ای خدای من گنجهای خود ای بخشنده وارد شده است و ایضاً سنت مؤکد است که بعد از نماز شام و خفتن
و صبح شب عید و نماز عید الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله و الله اکبر الله
این تکبیرات بخواند خدا بزرگترست خدا بزرگترست نیست خدائی مگر خدا و خدا بزرگترست خدا
اکبر و لله الحمد الله اکبر علی ما هدانا و له الشکر علی ما اولانا
بزرگترست و از برای خداست ستایش خدا بزرگترست بر آنچه هدایت کرده ما را و از برای اوست شکر بر آنچه روزی کرده ما را

فالها اعمال روز عید پس زکوة فطر واجب مؤکد است و ترکش با تحقق شرط وجوب گناه کبیره است و شرط قبول روزه ماه مبارکست چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقولست از تمامی روزه دادن زکوة است یعنی فطره چنانچه صلوات بر محمد و آل محمد از تمامی نماز است زیرا که هر که روزه بدارد و زکوة فطر ندهد روزهٔ او مقبول نیست هرگاه عمدا ترک کند و اگر صلوات بر محمد و آل محمد را ترک کند در تشهد نماز نمازش مقبول نیست و خدا زکوة را پیش از نماز ذکر کرده است در آنجا که فرموده است قد افلح من تزکی و ذکر اسم ربه فصلی یعنی بتحقیق که رستگاری یافت هر که زکوة فطر داد و پروردگار خود را یاد کرد بآن تکبیرات که مذکور شد پس نماز عید را بجا آورد و چنانچه زکوة مال باعث زیادتی مال میشود و مال از تلف محفوظ میماند چنانکه منقولست که هیچ مالی در دریا و صحرا تلف نمیشود مگر بندادن زکوة همچنین فطره زکوة بدنست و بدن را پاکیزه میگرداند از بخل و سایر کثافات معنویه و او را تا سال دیگر از بلاها حفظ میکند چنانچه بسند معتبر منقولست که حضرت صادق علیه السلام با معتب وکیل خرج خود فرمود که برو و فطرهٔ جمیع عیال ما و غلامان و کنیزان ما را بده و یکی از ایشانرا ترک مکن که زکوة او را ندهی زیرا که اگر یکی را ترک کنی میترسم که در عرض سال بمیرند و بدانکه زکوة فطر بر مال نابالغ و دیوانه و بنده واجب نمیشود و اگر نابالغ و دیوانه عیال دیگری باشند بر او واجبست که فطرهٔ ایشان را بدهد و زکوة بنده را آقایش بدهد بنا بر مشهور مگر آنکه در نفقه عیال دیگری باشد و اشهر و اقوی آنست که در وجوب فطره توانگری شرطست و آن موافق مشهور آنست که قوت

سالیانه خود و عیال خود را داشته باشد یا قادر بر کسبی باشد که وفا بمعیشت او و عیالاو کند و بعضی گفته اند که اگر در شب عید زاید بر قوت خود و عیال خود بقدر فطره داشته باشد بر او واجبست و اظهر انست که بر او سنّت است و اگر فقیر یك سر فطره را با عیال خود دست بدست بگرداند و بعد از ان بفقیر دیگر بدهد همه ثواب فطره را می یابند و باید که غنی اخراج فطره بکند از خود و از هر کس که واجب النفقه او باشد بشرط انکه عیال دیگری نباشد در شب فطر که اگر عیال دیگری شده باشد بر او واجب است و همچنین باید که بدهد از هر کس که در خانه او باشد از مهمان و غیر ان که اخر روز اخر ماه رمضان پیش از شام در ان خانه باشد و افطار کند یا نکند و اگر بعد از شام داخل شود و افطار کند یا نکند واجب نیست بر صاحب خانه و اگر پیش از شام داخل شود و افطار را زمال او نکند احوط انست که هر دو بدهند یا یکی از ایشان باذن دیگری بمستحق بدهد قربة الی الله و اگر شخصی عیال او نباشد اما نفقه و کسوه او را دهد و در خانه دیگری باشد زکوة او بر معطی نیست و همچنین در شب عید پیش از شام از جهت تنها طعامی بفرستد یا فقیر را چیزی بدهد یا شخصی در ماه رمضان مهمان او باشد و در شب عید جای دیگر افطار کند یا بعد از شام عید افطار کرده بخانه او اید یا چیزی نخورده باشد و بعد از شام بیاید زکوة بر او واجب نیست و احوط انست که در صورت اخیر هر دو بدهند بلکه مطلق مهمان اگر غنی باشد خود نیز بدهد بهتر است و وقت بیرون کردن فطره موافق مشهور شام شب عید است تا ظهر روز عید و بعضی گفته اند تا شام روز عید و احوط انست که در شب جدا کند و پیش از نماز عید بدهد و اگر در صبح جدا کند نیز خوبست و اگر پیش از نماز جدا کند و بعد از نماز در ان روز یا روز دیگر برای حاضر شدن مستحق یا عذر دیگر تاخیر کند قصوری ندارد و اگر جدا نکند تا ظهر روز عید احوط انست که تا شام قصد ادا و قضا نکند و اگر از روز عید بگذرد بقصد قربت بدهد و قصد خصوص فطره نکند یا انکه قصد کند که این امید مهم که اگر قضای فطره بر من واجب باشد فطره باشد والا تصدق باشد و پدر و مادر و جد و جده و فرزندان و فرزندزادگان هرگاه فقیر باشند نفقه ایشان بر او واجب است پس اگر نفقه او را خورند فطره بر اوست و اگر عیال شخص دیگر باشند بر ان شخص دیگر است و اگر عیال دیگری نیز نباشند اشهر و احوط انست که او فطره ایشان را بدهد و اما جنس فطره

مشهور

مشهور انست که هرچه قوت غالب او باشد میتواند داد و احوط انست که جو یا گندم یا خرما یا مویز یا کشك بدهد و بهتر انست که خرما بدهد و بعد از ان مویز است و بعد از ان هرچه قوت غالب باشد چنانچه مردم شهر چون غالب قوت ایشان نان گندم است بهتر انست که گندم بدهند و مردم دهات که غالبا نان جو میخورند جو بدهند و در حدیث است که اگر یکصاع خرما در فطره بدهم دوستر میدارم از انکه یکصاع طلا بدهم و اما مقدار فطره از هر شخصی یکصاع باید داد و صاع موافق حساب مشهور ظاهرا یکمن تبریز و چهارده مثقال و ربع مثقال است و احوط انست که یکمن و نیم تبریز بدهند و نهایت احتیاط انست که یکمن شاه بدهند و باید بکسی بدهند که قوت سالیانه خود و عیال خود را نداشته باشد و سایل بکف نباشد و احوط انست که متظاهر بفسوق نباشد و صالح باشد و احوط انست که در زمان غیبت امام علیه السلام بمجتهد جامع الشرایط عادل بدهند که او بمستحقان برساند چون مصارف را او بهتر میداند و بعضی از علما این را واجب دانسته اند و احوط انست که فقیر را اکثر از یکصاع ندهند و بیك کس چند سر میتوانند داد و فطره را بواجب النفقه نمیتوان داد و بخویشان غیر واجب النفقه دادن بهتر است و بعد از ان بهمسایگان بریشان و بعد از ان بکسانی که فاضلتر و صالحتر و پریشانتر باشند و فطره غیر سید را بسید نمیتوان داد و فطره سید را بسید و غیر سید هر دو میتوان داد و سنّت است که بر خرما افطار کند و غسل روز عید سنّت مؤکد است و بعضی واجب دانسته اند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که غسل را در زیر سقفی بکن و در زیر اسمان مکن و پیش از غسل بگو

اَللّٰهُمَّ اِيمَانًا بِكَ وَتَصْدِيقًا بِكِتَابِكَ وَاِتِّبَاعَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

خداوندا ایمان اورده ام بتو و تصدیق کرده ام بکتاب تو و تابع شونده سنت پیغمبر ترا درود فرستاد خدا بر او و بر ال او

پس بسم الله بگو و چون از

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ كَفَّارَةً لِذُنُوبِي وَطَهِّرْ دِينِي اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّي الدَّنَسَ

غسل فارغ شوی بگو خداوندا بگردان او را کفاره از برای گناهان من و پاك کن دین مرا خداوندا برطرف کن از من چرك را

و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در این روز نیز سنّت مؤکد است و ثواب بسیار در ان وارد شده است و نماز عید در زمان حضور امام علیه السلام واجب است و در زمان غیبت امام اکثر علما سنّت میدانند و بجماعت کردن را سنّت میدانند و میگویند تنها نیز میتوان کردن و بگمان فقیر واجبست که بجماعت بکنند و بنماز مجتهد عادل حاضر شوند و اگر

نتوانند حاضر شد تنها کردن سنت است و نماز عید دو رکعت است و در رکعت اول
بعد از قرائت پنج تکبیر میگوید و بعد از هر تکبیری یك قنوت میخواند و در رکعت دویم بعد از قرائت
چهار تکبیر میگوید و چهار قنوت میخواند و قنوت مخصوصی دارد و اگر کسی آن را نداند آنچه در قنوت
نمازهای دیگر میخواند بخواند و هرگاه بجماعت کنند پیشنماز خطبه بعد از نماز میخواند و قنوت مخصوص
نماز عید اللّهمّ اهل الکبریاء والعظمة واهل الجود والجبروت واهل العفو والرحمة
اینست تو ای خداوند ای سزاوار بزرگیها و بزرگی و سزاوار بخشش و بزرگی و سزاوار عفو و رحمت
واهل التقوی والمغفرة اسئلك بحق هذا الیوم الذی جعلته للمسلمین عیدا و
و سزاوار پرهیزکاری و آمرزش سؤال میکنم ترا بحق این روز که گردانیده آن را از برای مسلمانان عید
لمحمّد صلّی الله علیه واله ذخرا ومزیدا ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد وان تدخلنی
از برای محمد درود فرستاد خدا بر او و بر آل او ذخیره و زیادتی اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه داخل کنی
فی کلّ خیر ادخلت فیه محمّدا وآل محمّد وان تخرجنی من کلّ سوء اخرجت منه
در هر خیری که داخل کرده در آن محمد و آل محمد را و اینکه بیرون کنی مرا از هر بدی که بیرون آورده از آن
محمّدا وآل محمّد صلواتك علیه وعلیهم اللّهمّ انّی اسئلك خیر ما سألك به
محمد و آل محمد را درود تو بر او و بر ایشان باد خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو بهترین آنچه سؤال کرد
عبادك الصالحون واعوذ بك ممّا استعاذ منه عبادك الصالحون
بندگان تو که صالحانند و پناه میبرم بتو از آنچه پناه برده از آن بندگان تو که صالحانند
و بعد از نماز عید دعای بسیاری وارد شده است و بهترین دعاها دعای صحیفهٔ کامله
است و بسند صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که در روز جمعه و عید فطر
و عید قربان در هنگامی که مهیای رفتن بسوی نماز جمعه و عید میشوی این دعا بخوان اللّهمّ من تهیّأ فی هذا الیوم او تعبّا
خداوندا کسی که مهیا شود درین روز یا آماده شود
او اعدّ واستعدّ لوفادة الی مخلوق رجاء رفده ونوافله وفواضله
یا آماده کرده و مستعد شود از برای وفاده بسوی مخلوقی امید داشته بخشش او و سیبهای او و زیادتیهای او
وعطایاه فانّ الیك یا سیّدی تهیئتی وتعبئتی واعدادی واستعدادی
و عطاهای او پس بدرستی که بسوی تست ای آقای من مهیا شدن من و آماده شدن من و شمردن من و استعداد من

رجاء رفدك وجوائزك ونوافلك وفواضلك وفضائلك وعطایاك وقد
امید رفد تو و جایزههای تو و نوافل تو و زیادتیهای و فضایل تو و عطایای تو و بتحقیق که
غدوت الی عید من اعیاد امّة نبیّك محمّد صلواتك علیه واله ولم افد الیك
صبح کرده ام بسوی عیدی از عیدهای امت پیغمبر تو محمد درود تو بر او و بر آل او و نیامدهام بسوی تو
الیوم بعمل صالح اثق به قدّمته ولا توجّهت بمخلوق امّلته ولکن اتیتك خاضعا
امروز بکردار صالحی که وثوق دارم بآن پیش فرستاده ام آن را و متوجه نشدهام بمخلوقی که امید دارم باو و لکن آمدهام بسوی تو با خشوع
مقرّا بذنوبی واسائتی الی نفسی فیا عظیم یا عظیم اغفر لی العظیم من ذنوبی فانّه
اقرار کننده بگناهان خود و بدیهای خود بسوی نفس خود پس ای بزرگوار ای بزرگوار بیامرز از برای من بزرگ از گناهان مرا پس بدرستیکه
لا یغفر الذنوب العظام الّا انت یا لا اله الّا انت یا ارحم الراحمین و در حدیث
نمی آمرزد گناهان بزرگ را مگر تو ای آنکه نیست خدائی مگر تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان معتبر از حضرت
صاحب الامر علیه السلام منقولست که بعد از نماز اللّهمّ انّی توجّهت الیك بمحمّد امامی وعلیّ من
صبح روز عید فطر این دعا را بخوانند خداوندا بدرستی که من رو میکنم بسوی تو بمحمد که در پیش منست و علی که از
خلفی وعن یمینی وائمّتی عن یساری استتر بهم من عذابك واتقرّب الیك
پس منست و از دست راست منست و امامان من که از جانب دست چپ منند میپوشانم بایشان از عذاب تو و نزدیکی میجویم بسوی تو
زلفی لا اجد احدا اقرب الیك منهم فهم ائمّتی فامن بهم خوفی من عقابك و
نزدیکی که نمییابم هیچکس را نزدیکتر بسوی تو از ایشان پس ایشان امامان من اند ایمن گردان بایشان ترس مرا از عقاب تو و
سخطك وادخلنی برحمتك فی عبادك الصالحین اصبحت بالله مؤمنا مخلصا علی
غضب تو و داخل کن مرا برحمت خود در بندگان صالح صبح کرده ام بخدا ایمان آورنده و اخلاص دارنده بر
دین محمّد وسنّته وعلی دین علیّ وسنّته وعلی دین الاوصیاء وسنّتهم
دین محمد و سنت او و بر دین علی و سنت او و بر دین اوصیاء و سنت ایشان
آمنت بسرّهم وعلانیتهم وارغب الی الله فیما رغب فیه الیه محمّد وعلیّ
ایمان آوردم بسر ایشان و ظاهر ایشان و رغبت میکنم بسوی خدا در آنچه رغبت کرده اند در آن بسوی او محمد و علی
والاوصیاء ولا حول ولا قوّة الّا بالله ولا عزّة ولا منعة ولا سلطان الّا
و اوصیاء و نیست حولی و نه توانائی مگر بخدا و نیست غلبه و نه عظمت و نه پادشاهی مگر

وعطایاك

موقنا

لله الواحد القهار العزيز الجبار توكلت على الله ومن يتوكل على

از برای خدای واحد یکتا قهار که غالب است وجبارات توکل کردم بر خدا و هرکه توکل کند بر

الله فهو حسبه ان الله بالغ امره اللهم اني اريدك فاردني واطلب

خدا پس او بس است او را بدرستیکه خدا رساننده است امر او را خداوندا بدرستیکه من اراده کردم تو پس اراده کن مرا وطلب میکنم

ما عندك فيسره لي واقض لي حوائجي فانك قلت في كتابك وقولك

انچه نزد تو است آسان کردان آن از برای من وبرآور حاجتهای مرا پس بدرستیکه تو گفتی در کتاب خود وگفتن تو

الحق شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن هدى للناس وبينات

حق است ماه رمضان که فرستاده شده در آن قرآن هدایت کننده از برای مردمان وگواه

من الهدى والفرقان فعظمت حرمة شهر رمضان بما انزلت فيه من

از هدایت وفرق کننده پس بزرگ شمرده حرمت ماه رمضان را بانچه فرو فرستاده در آن از

القرآن وخصصته وعظمته بتصييرك فيه ليلة القدر فقلت ليلة

قرآن وخاص کردانیده آن را وبزرگ کردانیده آن را بگردانیدن تو در آن شب قدر را پس گفتی تو شب

القدر خير من الف شهر تنزل الملائكة والروح فيها باذن ربهم من

قدر بهتر است از هزار ماه فرود می آیند ملائکه وروح در آن باذن وفرمان پروردگار ایشان از

كل امر سلام هي حتى مطلع الفجر اللهم وهذه ايام شهر رمضان قد

هر امری سلام است اینست تا طلوع صبح خداوندا واین روزها ماه رمضان تحقیق

انقضت ولياليه قد تصرمت وقد صرت منه يا الهي الى ما انت اعلم

که منقضی شده است وشبهای آن بتحقیق بانتها رسید وبتحقیق گردیدم از آن ای خدای من بسوی آنچه تو داناتری

به مني واحصى لعدده من عددي فاسئلك يا الهي بما سألك به عبادك

باو از من واحصی کننده تری بعدد آن از من عدد من پس سؤال میکنم ترا ای خدای من بانچه سؤال کرده ترا بآن بندگان

الصالحون ان تصلي على محمد وآل محمد واهل بيت محمد وان تتقبل مني

که صالح اند اینکه درود فرستی تو بر محمد وآل محمد واهل بیت محمد واینکه قبول کنی از من

ما تقربت به اليك وتتفضل علي بتضعيف عملي وقبول تقربي وقرباتي

انچه نزدیکی جستم بآن بسوی تو وتفضل کن بر من بچند برابر عمل من وپسند بودن نزدیکی مرا وقربانی

تقبل

واستجابة دعائي وهب لي منك عتق رقبتي من النار ومن علي بالفوز بالجنة

واستجابت کردن دعای مرا وببخش از برای من از تو آزاد کردن من از آتش ومنت نه بر من بوسیدن بر بهشت

والامن يوم الخوف من كل فزع ومن كل هول اعددته ليوم القيمة اعوذ

وامن از روز ترس از همه ترسها واز هر هول که اماده کرده آنرا از برای روز قیامت پناه میبرم

بحرمة وجهك الكريم وحرمة نبيك وحرمة الصالحين ان ينصرم هذا

بحرمت ذات تو که کریم است وحرمت پیغمبر تو وحرمت صالحان اینکه بگذرد این

اليوم ولك قبلي تبعة تريد ان تؤاخذني بها او ذنب تريد ان تقايسني

روز را واز برای تو پیش من گناهی باشد که اراده کنی که رسوا کنی مرا بآن یا گناهی که اراده کنی بآن که قصاص کنی

به وتشقيني وتفضحني به او خطيئة تريد ان تقايسني بها وتقتصها مني

بآن وشقی کردانی مرا ورسوا کنی مرا بآن یا خطیه که اراده کنی بآن که قصاص کنی مرا بآن وقصاص کنی بآن از من

لم تغفرها لي واسئلك بحرمة وجهك الكريم الفعال لما يريد الذي

که نیامرزیده آن از برای من وسؤال میکنم ترا بحرمت وجه کریم تو کننده انچه را که اراده داری که

تقول للشيء كن فيكون لا اله الا هو اللهم اني اسئلك بلا اله الا انت

بگوئی از برای چیزی که باش پس میباشد نیست خدائی مگر او خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم ترا بحق خدائی که نیست خدائی مگر تو

ان كنت رضيت عني في هذا الشهر ان تزيد فيما بقي من عمري رضا وان

اگر بودی تو راضی از من در این ماه اینکه زیاد کنی در انچه باقی مانده از عمر من خوشنودی را پس اگر

كنت لم ترض عني في هذا الشهر فمن الان فارض عني الساعة الساعة

نبودی راضی از من در این ماه پس الحال پس راضی شو از من این ساعت این ساعت

واجعلني في هذه الساعة وفي هذا المجلس من عتقائك من النار

وبگردان مرا در این ساعت ودر این مجلس از آزاد کردهای تو از آتش

وطلقائك من جهنم وسعداء خلقك بمغفرتك ورحمتك يا ارحم

ورهائی یافتگان تو از جهنم ونیکبختان خلق تو بسبب آمرزش تو ورحمت تو ای ارحم

الراحمين اللهم اني اسئلك بحرمة وجهك الكريم ان تجعل شهري

رحم کنندگان خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم ترا بحرمت ذات تو که کریم است اینکه بگردانی ماه مرا

الساعة
این ساعت

هذا آخر شهر رمضان عبدتك فيه وصمته لك وتقربت به اليك منذ

این ماه بهترین ماه رمضان که عبادت کرده ام ترا در ان و روزه کرفته ام از برای تو و نزدیکی جسته ام بان بسوی تو از انکه

اسكنتني فيه اعظمه اجرا واتمه نعمة واعمه مغفرة واكمله رضوانا

ساکن کردانیدی مرا در ان بزرك ترین ان از روی مزد و تمام کرداننده ان از روی نعمت و عام کرده ان از برای امرزش و کامل کرده ان از برای خشنودی

واقربه الى ما تحب وترضى اللهم لا تجعله آخر شهر رمضان صمته

نزدیک کرداننده ان بانچه دوست داری و راضی شوی خداوندا مکردان انرا اخر ماه رمضان که روزه کرفته ام

لك وارزقني العود فيه ثم العود حتى ترضى وبعد الرضى وحتى تخرجني

از برای تو و روزی کن مرا عود کردن در ان پس عود کردن تا انکه راضی شوی از من و بعد از راضی شدن و تا انکه بیرون بری

من الدنيا سالما وانت عني راض وانا لك مرضي اللهم اجعل فيما

از دنیا بسلامت و تو از من راضی باشی و من از برای تو پسندیده شده خداوندا بکردان در انچه

تقضي وتقدر من الامر المحتوم الذي لا يرد ولا يبدل ان تكتبني من

حکم کرده و تقدیر کرده از امر واجب کردانیده شده که رد نمیشود و تبدیل نمیشود انکه بنویسی مرا از

حجاج بيتك الحرام في هذا العام وفي كل عام المبرور حجهم المشكور

حجاج بیت الله الحرام در این سال و در هر سال پسندیده حج ایشان را شکر کرده شده

سعيهم المغفور ذنوبهم المتقبل مناسكهم المعافين على اسفارهم

سعی ایشان امرزیده شده کناهان ایشان قبول کرده عبادتهای ایشان نکاه داشته بر اسفار ایشان

المقبلين على نسكهم المحفوظين في انفسهم واموالهم وذراريهم وكل ما

رو اورنده بر عبادتهای ایشان حفظ کرده در نفسهای ایشان و مالهای ایشان و ذریات ایشان و هرچه

انعمت به عليهم اللهم اقلبني من مجلسي هذا في شهري هذا في يومي

انعام کرده بان بر ایشان خداوندا بکردان مرا از مجلس من این مجلس در ماه من این ماه در روز من

هذا في ساعتي هذه مفلحا منجحا مستجابا لي مغفورا ذنبي معافا من

امروز در ساعت من این ساعت رستکار خلاصی استجابت را از برای امرزیده کناه من معاف بودن از

النار ومعتقا منها عتقا لا رق بعده ابدا ولا رهبة يا رب الارباب

اتش و ازادی از ان ازادی که بندکی بعد از ان همیشه و نه ترس ای پروردکار پروردکاران

اللهم اني اسالك ان تجعل فيما شئت واردت وقضيت وقدرت وحتمت

خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا ان بکردانی در انچه خواهی تو و اراده داری و حکم کرده و تقدیر کرده و حتم کرده

وانفذت ان تطيل عمري وتنسئ في اجلي وان تقوي ضعفي وان تغني

و پیش برده تو انکه دراز کنی عمر مرا و پس کردانی در مدت من و انکه قوی کردانی ناتوانی مرا و بی نیاز کردانی

فقري وان تجبر فاقتي وان ترحم مسكنتي وان تعز ذلي وان ترفع ضعتي

درویشی مرا و انکه درست کنی درویشی مرا و انکه رحم کنی بیچارکی مرا و انکه عزیز کردانی ذلت مرا و انکه بلند کنی افتادکی مرا

وان تغني عائلتي وان تؤنس وحشتي وان تكثر قلتي وان تدر رزقي في

و انکه غنی کنی فقر مرا و انکه موانست کنی وحشت مرا و انکه بسیار کنی کمی مرا و انکه بسیار کنی روزی مرا در

عافية ويسر وخفض وان تكفيني ما اهمني من امر دنياي واخرتي

عافیت و اسانی و نیستی و انکه کفایت کنی مرا انچه مهموم کرده مرا از امر دنیای من و اخرت من

ولا تكلني الى نفسي فاعجز عنها ولا الى الناس فيرفضوني وان تعافيني

و وانکذاری مرا بسوی نفس من پس عاجز شوم از ان و نه بسوی مردمان پس براندم مرا و انکه عافیت دهی مرا

في ديني وبدني وجسدي وروحي وولدي واهلي واهل مودتي واخواني

دین من و بدن من و جسد من و روح من و ولد من و اهل من و اهل دوستی من و برادران من

وجيراني من المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم

و همسایکان از مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات زندکان از ایشان

والاموات وان تمن علي بالامن والايمان ما ابقيتني فانك وليي و

و مردکان و انکه منت کذاری بر ما من و ایمان مادام که باقی کذاری مرا پس بدرستیکه تو دوست منی و

مولاي وثقتي ورجائي ومعدن مسالتي وموضع شكواي ومنتهى رغبتي

مولای منی و امین منی و امید منی و معدن و کان سوال منی و مکان شکوهای منی و انتهای رغبت منی

فلا تخيبني في رجائي يا سيدي ومولاي ولا تبطل طمعي ورجائي فقد

پس نا امید مکردان مرا در امید من ای اقای من و صاحب اختیار من و باطل مکن طمع مرا و امید مرا پس بتحقیق

توجهت اليك بمحمد وال محمد وقدمتهم اليك امامي وامام حاجتي و

کرد اورده ام بسوی تو بمحمد و ال محمد و پیش داشته ام ایشان را بسوی تو پیش خود و پیش حاجت خود

طَلَبَتِی وَتَضَرُّعِی وَمَسْئَلَتِی فَاجْعَلْنِی بِهِمْ وَجِیهًا فِی الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ وَمِنَ
طلب من وتضرع من ومسئله من پس بگردان مرا بایشان خوب در دنیا و اخرت و از
الْمُقَرَّبِینَ فَاِنَّكَ مَنَنْتَ عَلَیَّ بِهِمْ فَاخْتِمْ لِی بِالسَّعَادَةِ وَالسَّلَامَةِ وَالْاَمْنِ
مقربین پس بدرستی که تو منت نهاده بر من بایشان پس ختم کن مرا بسعادت و سلامت و امن
وَالْاِیمَانِ وَالْمَغْفِرَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالسَّعَادَةِ وَالْحِفْظِ یَا اللّٰهُ اَنْتَ
و ایمان و مغفرت وخوشنودی و سعادت وحفظ ای خدا تو ئی
لِکُلِّ حَاجَةٍ لَنَا فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ وَعَافِنَا وَلَا تُسَلِّطْ عَلَیْنَا اَحَدًا مِنْ
از برای همه حاجت از برای ما پس درود فرست بر محمد و ال او و معافدار مارا و مسلط مگردان بر ما هیچکس را از
خَلْقِكَ لَا طَاقَةَ لَنَا بِهٖ وَاکْفِنَا کُلَّ اَمْرٍ مِنْ اَمْرِ الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ یَا ذَا الْجَلَالِ
خلق تو نیست طاقت از برای ما باو وکفایت کن مارا هر امرا از امر دنیا و اخرت ای صاحب بزرگی
وَالْاِکْرَامِ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ
و اکرام درود فرست بر محمد وال محمد وترحم کن بر محمد وال محمد وسلام بفرست
عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ کَاَفْضَلِ مَا صَلَّیْتَ وَبَارَکْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ عَلٰی
بر محمد وال محمد همچو بهترا نچه درود فرستادی وبرکت فرستادی ورحم کردی ومشفق شدی بر
اِبْرٰهِیمَ وَاٰلِ اِبْرٰهِیمَ اِنَّكَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ واستحباب روزه داشتن شش روز
ابرهیم و ال ابرهیم بدرستی که تو حمید مجیدی بعد از عید در بعضی از روایات وارد
شده است ونهی از ان نیز وارد شده است وظاهر روزه داشتن محمول بر تقیه است چنانکه
در میان سنیان مشهور است وترکش بهتر است وهمچنین کراهت نکاح کردن در میان عید
فطر وعید قربان اصلی ندارد وشاید اصلش از عامه بوده باشد ودر ماه شوال چون عقد
عایشه در ان واقع شده است واکثر مفاسد اسلام بر ان مترتب شد واز بعضی روایات
کراهت مستفاد میشود که در خصوص شوال احتراز کند بهتر است **ودوم در اعمال ماه ذی القعده**
بدانکه اول ماههای حرامست که حق تعالی در قران یاد فرموده است و انها ذو القعده
وذو الحجه ومحرم وماه رجب است ودرین ماهها ابتدای قتال با کافران نباید کرد و
شیخ مفید علیه الرحمه وغیر او از حضرت رسول صلی الله علیه واله روایت کرده اند که هر که

در اعمال ماه ذی القعده

دریکی از ماههای حرام پنجشنبه وجمعه وشنبه را متوالی روزه بدارد ثواب نهصد سال عبادت
برای او نوشته شود ودر روایتی از حضرت رسول صلی الله علیه واله منقولست که در شب یکشنبه
ماه ذی القعده حق تعالی بسوی بندگان مؤمن نظر رحمت میکند کسی که انشب را بعبادت بسر اورد
ثواب صد عابد باو عطا کنند که در یک چشم زدن معصیت خدا نکرده باشند چون نصف شب
بگذرد شروع کن بعبادت ونماز وحاجات خود را از خدا تعالی طلب کن که هر حاجت که طلب کنی
مستجاب میگردد وبعضی از علما گفته اند که در روز بیست وسیم ماه ذی القعده زیارت حضرت
امام رضا از نزدیک ودور سنت است ودر روز بیست وپنجم ذی القعده روز دحو الارض است
یعنی پهن شدن زمین از زیر کعبه بر روی اب وروز بسیار مبارکیست وکلینی از محمد بن عبد الله
روایت کرده است که حضرت امام رضا علیه السلم در شهر مرو در روز بیست وپنج ذی القعده بیرون
امدند وفرمودند که امروز را روزه بدارید که من نیز روزه ام گفتیم فدای تو شویم امروز چه روز است
فرمود که روزیست که رحمت در این روز منتشر گردیده است وزمین در اینروز پهن شده است وکعبه
در اینروز نصب شده است وحضرت ادم علیه در اینروز بزمین فرود امده است وابن بابویه
رحمه الله روایت کرده است از حسن وشا که گفت من با پدرم در خدمت حضرت امام رضا
علیه السلم شام خوردیم در شب بیست وپنجم ماه ذی القعده پس فرمود که امشب حضرت ابرهیم
علیه السلم وحضرت عیسی متولد شده اند وزمین از زیر کعبه پهن شده است پس هر که روزش را
روزه بدارد چنانست که شصت ماه روزه داشته باشد وحضرت قایم علیه السلم در اینروز
ظاهر خواهد شد واز حضرت رسول صلی الله علیه واله منقولست که حق تعالی رحمت خود را
بر بندگان در اینروز فرستاده است وروزه اش مثل روزه هفتاد سالست وبروایت دیگر
رحمت از اسمان در این شب نازل شده است وتعظیم کعبه بر ادم علیه السلم در اینروز نازل شده است
هر که اینروز را روزه بدارد هر چه در میان اسمان وزمین است برای او استغفار کنند
وطلب امرزش نمایند واز حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت کرده است که اول رحمتی
که از اسمان بسوی زمین نازل شد در بیست وپنجم ماه ذی القعده بود هر که اینروز را روزه
دارد وشب انرا بعبادت بایستد از برای او عبادت صد ساله نوشته شود که روزها
را روزه داشته باشد وشبها را بعبادت بسر اورده باشد وهر جماعتی که در اینروز جمع شوند

برای ذکر پروردگار خود پیش از آنکه متفرق کردند حاجت ایشان برآورده شود و در این روز هزار
هزار رحمت از جانب حق تعالی بر بندگان نازل میگردد نبود و نه رحمت از آنها مخصوص جمعی است
که مجتمع گردند و بذکر خدا مشغول شوند و روزش را روزه بدارند و شبش را عبادت کنند
و در روایتی وارد شده است که مستحب است که در این روز در وقت چاشت دو رکعت نماز
بجا آورد و در هر رکعت بعد از سورهٔ حمد پنج مرتبه سورهٔ لاحول و لا قوة الا بالله العلی
والشمس بخواند و بعد از سلام این دعا بخواند نیست گردشی و نه قوتی مگر بخدای بلند مرتبه
العظیم یا مقیل العثرات اقلنی عثرتی یا مجیب الدعوات اجب دعوتی یا سامع
بزرگ ای کم کننده لغزشها کم کن لغزش مرا ای اجابت کننده دعاها اجابت کن دعای مرا ای شنونده
الدعوات اسمع صوتی وارحمنی وتجاوز عن سیئاتی یا ذا الجلال والاکرام
دعاها بشنو صدای مرا و رحم کن مرا و بگذر از گناهان من ای صاحب بزرگی و اکرام
و شیخ طوسی علیه الرحمه گفته است که مستحب است اللهم داحی الکعبة وفالق الحبة وصارف
که در این روز این دعا را بخوانند خداوندا ای گستراننده کعبه و شکافنده دانها و گرداننده
اللزبة وکاشف کل کربة اسئلک فی هذا الیوم من ایامک التی اعظمت حقها
لزبه گاه و بردارنده هر کربت سؤال میکنم ترا در این روز از روزهای تو که بزرگ گردانیده حق آنرا
واقدمت سبقها وجعلتها عند المؤمنین ودیعة والیک ذریعة و
و پیش داشته پیشی آنرا و گردانیده آنرا نزد مؤمنین امانتی و بسوی تو وسیله و
برحمتک الوسیعة ان تصلی علی محمد عبدک المنتجب فی المیثاق القریب
برحمت تو که وسیع است اینکه درود فرستی بر محمد بنده تو که برگزیده است در میثاق نزدیک
یوم التلاق فاتق کل رتق وداع الی کل حق وعلی اهل بیته الاطهار الهداة
روز قیامت بهم آورنده هر متفرق و خواننده بسوی هر حق و بر اهل بیت او که طاهرند هدایت کنند
المنار دعائم الجبار وولاة اهل الجنة والنار واعطنا فی یومنا هذا من
روشنی دهنده عمودهای جبار و پادشاهان اهل بهشت و نار و بخش ما را در این روز ما از
عطائک المخزون غیر مقطوع ولا ممنون تجمع لنا به التوبة وحسن الاوبة
بخششهای تو که مخزون است غیر مقطوع و نه منت گذاشته جمع کنی از برای ما توبه و خوبی بازگشت

یا خیر مدعو واکرم مرجو یا کفی یا وفی یا من لطفه خفی الطف لی بلطفک و
ای بهترین خوانده شدگان و کریمترین امیدواران ای کفایت کننده ای وفا کننده ای آنکه لطف او پنهان است لطف کن از برای من بلطف تو و
اسعدنی بعفوک وایدنی بنصرک ولا تنسنی کریم ذکرک بولاة امرک
نیکبخت گردان مرا بعفو تو و توفیق ده مرا بیاری تو و فراموش مکن مرا بکریم ذکر تو صاحبان امر تو
وحفظة سرک احفظنی من شوائب الدهر الی یوم الحشر والنشر
و حافظان سر تو محافظت کن مرا از عیبهای زمانه تا روز حشر و نشر
واشهدنی اولیاءک عند خروج نفسی وحلول رمسی وانقطاع عملی و
و حاضر کن مرا دوستان ترا نزد بیرون رفتن نفس من و حلول فرو آمدن من و منقطع شدن عمل من و
انقضاء اجلی اللهم واذکرنی علی طول البلی اذا حللت بین اطباق
منقضی شدن مدت من خداوندا و یاد کن مرا بر طول بلاها وقتی که فرود آورم میان طبقهای
الثری ونسینی الناسون من الوری واحللنی دار المقامة وبوئنی منزل الکرامة
زمین و فراموش کنند مرا فراموش کنندگان از خلق و فرود آور مرا در سرای اقامت و جا ده مرا در منزل کرامت
واجعلنی من مرافقی اولیائک واهل اجتبائک واصطفائک وبارک لی
و بگردان مرا از رفقای دوستان تو و اهل دوستان تو و برگزیدگان تو و مبارک گردان از برای من
فی لقائک وارزقنی حسن العمل قبل حلول الاجل مبرءة من الزلل و
در ملاقات کردن تو و روزی کن مرا نیکوئی عمل پیش از فرو آمدن اجل بری شده از لغزشها و
سوء الخطل اللهم واوردنی حوض نبیک محمد صلی الله علیه وآله و
بدی شاید خداوندا وارد ساز مرا در حوض پیغمبر تو محمد درود فرستاد خدا بر او و آل او و
اسقنی منه مشربا رویا سائغا هنیئا لا اظمأ بعده ولا احلأ ورده ولا
آب ده مرا از آن آشامیدنی سیراب کوارا گوارا که تشنه نشوم بعد از آن و نه ممنوع شوم وارد شدن آن را
عنه اذاد واجعله لخیر زاد واوفی میعاد یوم یقوم الاشهاد
از آن دور کرده شوم و بگردان آنرا از برای بهترین زاد و وافی ترین میعاد روزی که می‌ایستند گواهان
اللهم العن جبابرة الاولین والاخرین وبحقوق اولیائک المستاثرین
خداوندا لعنت کن جباران اولین و آخرین را و بحقهای اولیای تو که اختیار کننده‌اند

اَللّٰهُمَّ وَاقْصِمْ دَعَائِمَهُمْ وَاَهْلِكْ اَشْيَاعَهُمْ وَعَامِلَهُمْ وَعَجِّلْ مَهَالِكَهُمْ وَ
خداوندا بشکن عمودهای ایشانرا و هلاک کن شیعیان ایشانرا و عاملان ایشانرا و تعجیل کن هلاک ایشانرا و
اسْلُبْهُمْ مَمَالِكَهُمْ وَضَيِّقْ عَلَيْهِمْ مَسَالِكَهُمْ وَالْعَنْ مُسَاهِمَهُمْ وَمُشَارِكَهُمْ
سلب کن از ایشان مملکتهای ایشان و تنگ کن بر ایشان راههای ایشانرا و لعن کن همسهمان ایشانرا و شریکان ایشانرا
اَللّٰهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ اَوْلِيَائِكَ وَارْدُدْ عَلَيْهِمْ مَظَالِمَهُمْ وَاَظْهِرْ بِالْحَقِّ
خداوندا تعجیل کن فرج دوستان ترا و رد کن بر ایشان مظلمهای ایشانرا و ظاهر کن بحق
قَائِمَهُمْ وَاجْعَلْهُ لِدِينِكَ مُنْتَصِرًا وَبِاَمْرِكَ فِي اَعْدَائِكَ مُؤْتَمِرًا اَللّٰهُمَّ
قایم ایشانرا و بگردان اورا از برای دین تو یاری کننده و بامر تو در دشمنان تو امر کرده شده خداوندا
احْفُفْهُ بِمَلَائِكَةِ النَّصْرِ وَبِمَا اَلْقَيْتَ اِلَيْهِ مِنَ الْاَمْرِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ
بپوشان اورا بفرشتگان یاری کننده و بانچه القا کردهٔ بسوی او از امر در شب قدر
مُنْتَقِمًا لَكَ حَتّٰى تَرْضٰى وَيَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلٰى يَدَيْهِ جَدِيدًا غَضًّا وَ
انتقام کننده از برای تو تا اکر راضی شوی و اعاده کند دین ترا بان و بر دستهای او تازه فرو خوابانده و
يَمْحَضَ الْحَقَّ مَحْضًا وَيَرْفِضَ الْبَاطِلَ رَفْضًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلٰى
خالص کند حق را خالص کردنی و دور کند باطل را دور کردنی خداوندا درود فرست بر او و بر آل او و بر
جَمِيعِ آبَائِهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ صَحْبِهِ وَاُسْرَتِهِ وَابْعَثْنَا فِي كَرَّتِهِ حَتّٰى نَكُونَ
همه پدران او و بگردان ما را از مصاحبان او و واسرهٔ او و برانگیزان ما را در نوبت او تا اکر باشیم
فِي زَمَانِهِ مِنْ اَعْوَانِهِ اَللّٰهُمَّ اَدْرِكْ بِنَا قِيَامَهُ وَاَشْهِدْنَا اَيَّامَهُ وَصَلِّ
در زمان او از یاری کنندگان او خداوندا برسان ما را بقیام او و حاضر کردان ما را در ایام او و فرست درود
عَلَيْهِ وَارْدُدْ اِلَيْنَا سَلَامَهُ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ
بر او و رد کن بسوی ما سلام اورا و سلام بر ایشان باد و رحمت خدا و برکتهای او

باب بیجم در بیان فضایل و اعمال ماه ذی الحجّه است و در ان پنج فصلست

فصل اوّل در بیان فضایل ماه ذی الحجّه و دههٔ اوّل و اعمال انست بدانکه ایام این دهه همه در نهایت فضیلت و برکت اند و حق تعالی میفرماید که وَاذْكُرُوا اللّٰهَ فِي اَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ یعنی یاد کنید خدارا در روزی چند شمرده شده یعنی کم و باز فرموده است

ماه و فضایل عشر ذی الحجة ... (margin)

بیان فضایل ماه ذی الحجة (margin)

وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللّٰهِ فِي اَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلٰى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْاَنْعَامِ یعنی اعلام کن مردم را که بیایند بحج تا آنکه بیابند منفعتهای دنیا و آخرت و یاد کنند خدارا در روزی چند معلوم برای آنکه روزی کرده است ایشانرا از گوشت چهارپایان که گاو و شتر و گوسفند و بز است و در احادیث معتبره بسیار از ائمهٔ اطهار صلوات الله علیهم منقولست که ایام معلومات ده روز اوّل ماه ذی الحجّه است و ایام معدودات روز دهم و یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذی الحجّه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که عمل خیر و عبادت در هیچ ایامی نزد حق تعالی محبوبتر نیست از ده روز اوّل ذی الحجّه و چون این ماه داخل میشد صلحای صحابه و تابعان اهتمام عظیم در عبادت میکردند و بسند معتبر منقولست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که پدرم امام محمّد باقر علیه السلام با من گفت که ای فرزند گرامی البتّه در هر شب دههٔ اوّل ذی الحجّه دو رکعت نماز بجا آور در میان نماز شام و خفتن در هر رکعت یکمرتبه سورهٔ حمد و سورهٔ قل هو الله احد و این آیه را بخوان وَوَاعَدْنَا مُوسٰى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَاَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسٰى لِاَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَاَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ چون چنین کنی با حاجیان در ثواب حج شریک خواهی بود هرچند بحج نروی و روز اوّل ماه ذی الحجّه روز مبارکیست و در روایتی وارد شده است که حضرت ابرهیم خلیل علیه السلام در این روز متولد شده است و در این روز حق تعالی ابرهیم را خلیل خود گردانید و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقولست که هر که روز اوّل ذی الحجّه را روزه بدارد حق تعالی ثواب روزهٔ تمام عمر از برای او بنویسد و شیخ طوسی علیه الرحمه گفته است که از روز اوّل ذی الحجّه تا روز نهم روزه مستحبّست و اگر نتواند روز اوّل را روزه بدارد و در روز اوّل حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه صلوات الله علیها را بحضرت امیر المومنین صلوات الله علیه تزویج نمود و بروایت دیگر در روز ششم تزویج نمود و بدانکه روزهٔ قضای ماه مبارک رمضان را از اوّل ماه تا روز عرفه میتوان گرفت چنانچه علما گفته اند و احادیث صحیحه بران دلالت دارد و بعضی از روایات که بر منع وارد شده است سند آنها معتبر نیست و محمولست بر تقیّه چنانکه در کتب مبسوطه دلایل آنرا ایراد نموده ام و بعضی از شیخ رحمه الله گفته است که مستحبّست که در روز اوّل نماز حضرت فاطمه صلوات الله علیها را بجا آورد و در روایت شده است که آن چهار

رکعت است مثل نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و در هر رکعت بعد از سورهٔ
حمد پنجاه مرتبه سورهٔ قل هو الله احد میخواند و بعد از سلام تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را میخواند و
تسبیح سُبْحَانَ ذِی الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِیفِ سُبْحَانَ ذِی الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِیمِ
اینست منزهست صاحب عزت بلند پاکیزه منزهست صاحب بزرگی بلند بزرگ
سُبْحَانَ ذِی الْمُلْکِ الْفَاخِرِ الْقَدِیمِ سُبْحَانَ مَنْ یَرَی أَثَرَ النَّمْلَةِ فِی الصَّفَا سُبْحَانَ
منزهست صاحب پادشاهی فخر کننده قدیم منزهست کسی که می بیند نشان مورچه را در سنگ منزهست
مَنْ یَرَی وَقْعَ الطَّیْرِ فِی الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هٰکَذَا وَلَا هٰکَذَا غَیْرُهُ مؤلف گوید
کسی که می بیند افتادن مرغ را در هوا منزهست کسی که او همچنین است و نیست چنین غیر او که بعد از این
انشاء الله مذکور خواهد شد که نماز حضرت فاطمه علیها السلام دو رکعت است و در رکعت
اول بعد از حمد صد مرتبه انا انزلناه است و در رکعت دوم صد مرتبه قل هو الله و اگر هر دو را
بعمل آورد و این دعا را بعد از هر یک بخواند بهتر است و اگر بعد از سلام اول تسبیح مشهور حضرت
فاطمه علیها السلام را بخواند و بعد از آن این دعا را شاید بهتر باشد و در بعضی از روایات وارد
شده است که مستحب است که در روز اول نیم ساعت پیش از زوال دو رکعت نماز بجا آورد
و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ توحید و ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه انا انزلناه
بخواند و در روایت دیگر وارد شده است که هر که از ظالمی ترسد و در روز اول ذی الحجه بگوید
حَسْبِی حَسْبِی حَسْبِی مِنْ سُؤَالِی عِلْمُکَ بِحَالِی حق تعالی کفایت شر آن ظالم را از او بکند و شیخ
و تلعکبری و سید بن طاوس بسندهای معتبر روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
در روز اول ذی الحجه تا روز عرفه هر روز بعد از نماز صبح و در وقت غروب آفتاب پیش از
شام این دعا اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ الْأَیَّامُ الَّتِی فَضَّلْتَهَا عَلَی غَیْرِهَا مِنَ الْأَیَّامِ وَشَرَّفْتَهَا
را میخواندند خداوندا این روزهاست که تفضیلت داده او را بر غیر او از روزها و شرف داده او را
وَبَلَّغْتَنِیهَا بِمَنِّکَ وَرَحْمَتِکَ فَأَنْزِلْ عَلَیْنَا مِنْ بَرَکَاتِکَ وَأَسْبِغْ عَلَیْنَا فِیهَا مِنْ
و رسانیده ما را بآن بمنت تو و رحمت تو پس نازل کن بر ما از برکتهای تو و تمام کن بر ما در آن از
نَعْمَائِکَ اَللّٰهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِیهَا وَأَنْ تَهْدِیَنَا
نعمتهای تو خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد در آن و اینکه راه نمائی ما را

فیها

فِیهَا سَبِیلَ الْهُدَی وَتَرْزُقَنَا فِیهَا التَّقْوَی وَالْعَفَافَ وَالْغِنَی وَالْعَمَلَ فِیهَا بِمَا
در او راه هدایت را و روزی کن ما را در آن پرهیزکاری و عفت و بی نیازی و عمل در آن بآنچه
تُحِبُّ وَتَرْضَی اَللّٰهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ یَا مَوْضِعَ کُلِّ شَکْوَی وَیَا سَامِعَ کُلِّ نَجْوَی وَیَا
دوست داری و راضی خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا ای موضع هر شکایت و ای شنوای هر سرگوشی و ای
شَاهِدَ کُلِّ مَلَإٍ وَیَا عَالِمَ کُلِّ خَفِیَّةٍ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَکْشِفَ
حاضر هر مکان و ای دانای هر پنهان به اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بر داری
عَنَّا فِیهَا الْبَلَاءَ وَتَسْتَجِیبَ لَنَا فِیهَا الدُّعَاءَ وَتُقَوِّیَنَا فِیهَا وَتُعِینَنَا وَ
از ما در آن بلا را و اجابت کنی از برای ما در آن دعا را و تقویت کنی ما را در آن و یاری کنی ما را و
تُوَفِّقَنَا فِیهَا لِمَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضَی وَعَلَی مَا افْتَرَضْتَ عَلَیْنَا مِنْ طَاعَتِکَ
توفیق دهی ما را در آن از برای آنچه دوست داری پروردگارا و پسندی و بر آنچه واجب کرده بر ما از فرمانبرداری
وَطَاعَةِ رَسُولِکَ وَأَهْلِ وِلَایَتِکَ اَللّٰهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ
و طاعت رسول خود و اهل ولایت خود خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَهَبَ لَنَا فِیهَا الرِّضَا إِنَّکَ سَمِیعُ الدُّعَاءِ وَ
اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه ببخشی از برای ما در آن رضا را بدرستی که تو شنوای دعائی و
لَا تَحْرِمْنَا خَیْرَ مَا تُنْزِلُ فِیهَا مِنَ السَّمَاءِ وَطَهِّرْنَا مِنَ الذُّنُوبِ یَا عَلَّامَ الْغُیُوبِ
محروم مکن ما را از خیر آنچه فرو میفرستی در آن از آسمان و پاک کن ما را از گناهان ای دانای پنهانها
وَأَوْجِبْ لَنَا فِیهَا دَارَ الْخُلُودِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا
و واجب کن از برای ما در آن دار خلود را خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد و
تَتْرُکْ لَنَا فِیهَا ذَنْباً إِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا هَمّاً إِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا دَیْناً إِلَّا قَضَیْتَهُ
وامگذار از برای ما در آن گناهی مگر بیامرزی او را و نه اندوهی مگر برطرف کنی او را و نه قرضی مگر ادا کنی او را
وَلَا غَائِباً إِلَّا أَدَّیْتَهُ وَلَا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا سَهَّلْتَهَا
و نه غایبی مگر برگردانی او را و نه حاجتی از حاجتهای دنیا و آخرت مگر آسان کنی او
وَیَسَّرْتَهَا إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ اَللّٰهُمَّ یَا عَالِمَ الْخَفِیَّاتِ یَا رَاحِمَ
و آسان کنی او را بدرستی که تو بر همه چیز قادری خداوندا ای دانای پنهانها ای رحم کننده

العبرات یا مجیب الدعوات یا رب الارضین والسموات یا من لا تتشابه
اشکها ای اجابت کننده دعاها ای پروردگار زمینها و آسمانها ای کسی که مشتبه
علیه الاصوات صل علی محمد وال محمد واجعلنا فیها من عتقائک
براو صداها درود فرست بر محمد و ال محمد و بگردان ما را در ان از ازاد کردگان تو
وطلقائک من النار والفائزین بجنتک الناجین برحمتک یا ارحم الراحمین
ورها کردگان تو از اتش و رسیدگان به بهشت تو رستگاران برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
وصلی الله علی محمد واله اجمعین وسلم تسلیما وشیخ مفید وسید بن طاوس بسند
و درود فرستاد خدا بر محمد و ال او همه و سلام فرستاد سلام فرستادنی معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
روایت کرده اند که جبرئیل از جانب خداوند جلیل برای حضرت عیسی علیه السلام پنج دعا را بهدیه
اورد و گفت یا عیسی این پنج دعا را در دهه اول ماه ذی الحجه بخوان بدرستی که هیچ عبادتی نزد
حق تعالی محبوبتر نیست از عبادت اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له الملک
در این دهه دعای اول گواهی میدهم که نیست خدائی مگر خدا یکتاست نیست شریکی از برای او از برای اوست پادشاهی
وله الحمد بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر دوم اشهد ان لا اله الا الله
و از برای اوست حمد بدست اوست خیر و او بر همه چیز قادر است گواهی میدهم که نیست خدائی مگر خدا
وحده لا شریک له احدا صمدا لم یتخذ صاحبة ولا ولدا سیم اشهد ان
یکتاست نیست شریکی از برای او یکتاست بی نیاز است فرا نگرفته رفیقی و نه فرزندی گواهی میدهم که
لا اله الا الله وحده لا شریک له احدا صمدا لم یلد ولم یولد ولم
نیست خدائی مگر خدا یکتاست نیست شریکی از برای او یکتاست بی نیاز است نزاییده و زاییده نشده و
یکن له کفوا احد چهارم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له
نیست از برای او انبازی احدی گواهی میدهم که نیست خدائی مگر خدا یکتاست نیست شریکی از برای او
له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل
از برای اوست پادشاهی و از برای اوست حمد زنده میکند و میمیراند و اوست زنده که نمیمیرد بدست اوست خیر و او بر همه
شیء قدیر پنجم حسبی الله وکفی سمع الله لمن دعا لیس وراء الله منتهی اشهد
چیز قادر است بس است مرا خدا و کافیست میشنود خدا از کسی که دعا کند نیست و بعد خدا نهایتی گواهی میدهم

لله بما دعا وانه بری ممن تبرء وان لله الاخرة والاولی پس حواریون
از برای خدا بانچه خوانده و بدرستی که او بیزار است از کسی که بیزار کند و بدرستی که از برای خداست اخرت و دنیا گفتند یا روح الله
چه ثواب دارد کسی که این کلمات را بگوید حضرت عیسی علیه السلام گفت که هر که دعای اول را صد مرتبه
بخواند عمل هیچ یک از اهل زمین بهتر از عمل او نباشد در ان روز و در روز قیامت حسنات او
زیاده از همه کس باشد و هر که دعای دوم را صد مرتبه بخواند چنان باشد که دوازده مرتبه
توریة و انجیل را خوانده باشد و ثواب انها را با و بدهند حضرت عیسی علیه السلام گفت ای جبرئیل
ثواب توریة و انجیل چیست جبرئیل گفت طاقت برداشتن یک حرف از توریة و انجیل نداشت هر که
در اسمانهای هفتگانه است از ملائکه تا انکه مبعوث شدم من و اسرافیل زیرا که اسرافیل
اول بنده بود که گفت لا حول ولا قوة الا بالله و هر که دعای سیم را صد مرتبه بخواند
حق تعالی بنویسد از برای او باین دعا ده هزار هزار حسنه و محو کند از او ده هزار هزار
گناه و بلند کند از برای او در بهشت ده هزار هزار درجه و فرود ایند از اسمان هفتاد
هزار ملک که دستها بر داشته باشند و صلوات فرستند بر کسی که که این کلمات را
باین عدد خوانده است پس عیسی علیه السلام گفت که ای جبرئیل ایا ملائکه صلوات میفرستند
بر غیر پیغمبران جبرئیل علیه السلام گفت که هر که ایمان اورد بانچه پیغمبران از جانب خدا اورده اند
و تغییر ندهد شریعت ایشان را حق تعالی ثواب پیغمبران با و عطا میفرماید و هر که دعای
چهارم را صد مرتبه بخواند این دعا را استقبال نماید ملکی و بالا برد بسوی حق تعالی پس
خدای تعالی نظر کند بسوی گوینده این دعا برحمت و هر که را خدا نظر رحمت با و بکند هرگز شقی
و بد عاقبت نشود پس حضرت عیسی گفت یا جبرئیل ثواب دعای پنجم چیست جبرئیل گفت این دعا
منت و حق تعالی مرا رخصت نداده است که ثواب انرا بگویم مؤلف گوید که اگر هر روز هر یک
از این دعاها را ده مرتبه بخواند دور نیست که عمل باین روایت کرده باشد و اگر هر روز هر یک
را صد مرتبه بخواند بهتر خواهد بود و شیخ و ابن بابویه و سید بن طاوس رضی الله عنهم
از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت کرده اند که هر که در هر روز از دهه اول
ذی الحجه این تهلیلات را ده مرتبه بخواند حق تعالی عطا کند او را بهر تهلیلی درجه در بهشت
از مروارید و یاقوت و از میان هر درجه تا درجه دیگر صد سال راه باشد بر فتار سواری که

بنا زده و در هر درجه شهری بوده باشد و دران شهر قصری باشد از یکجوهر که دران فصلی نباشد
و در هر شهر از ان شهرها از انواع جواهر و غرفها و خانها و فرشها و کرسیها و تختها و حوریان و نهالیها
و متکاها و خوانها و خدمتکاران و درختها و نهرها و زیورها و حلها بوده باشد که وصف کنند
قادر بر وصف انها نباشد و چون از قبر بیرون اید از هر موی بدن او نوری ساطع باشد
و مبادرت نمایند بسوی او هفتاد هزار ملک و از پیش رو و جانب راست و چپ او راه روند تا
او را بدر بهشت برسانند و چون داخل بهشت شود او را مقدم دارند و ملائکه از عقب او روند
تا انکه بشهری رسد که بیرونش از یاقوت سرخ باشد و اندرونش از زبرجد سبز و دران شهر بوده
باشد از هر نعمتی که خدا خلق کرده است پس با او گویند ای دوست خدا میدانی که این شهر چیست گوید
نه و شما کیستید گویند ما ملکی چندیم که حاضر بودیم در هنگامی که ان تهلیلها را میخواندی در
دنیا و این شهر و انچه دران هست از نعمتهای الهی یک ثواب تست بر خواندن ان تهلیلها و بشارت
باد ترا بهتر ازین از ثوابها و پیوسته در جوار رحمت الهی خواهی بود در دار السلام که بلا
و غمی و مکروهی دران نمیباشد و نعمتها و رحمتهای خدا هرگز از تو بر طرف نمیگردد و تهلیلات اینست

لا اله الا الله عدد اللیالی و الدهور لا اله الا الله عدد امواج البحور لا اله

نیست خدائی مگر خدا [illegible]

الا الله و رحمته خیر مما یجمعون لا اله الا الله عدد الشوک و الشجر لا

[illegible]

اله الا الله عدد الشعر و الوبر لا اله الا الله عدد الحجر و المدر لا اله

[illegible]

الا الله عدد لمح العیون لا اله الا الله فی اللیل اذا عسعس و الصبح اذا

[illegible] نیست خدائی مگر خدا در شب [illegible] و صبح وقتی

تنفس لا اله الا الله عدد الریاح فی البراری و الصخور لا اله الا

[illegible] نیست خدائی مگر خدا [illegible] بادها در بیابانها [illegible] نیست خدائی مگر

الله من الیوم الی یوم ینفخ فی الصور و از بعضی روایات مستفاد میشود که بکمتر
[illegible] نیز اکتفا میتوان کرد و الله یعلم فصل دوم در اعمال روز

ترویه و روز عرفه است روز ترویه روز هشتم ذی الحجه است و روز مبارکیست و ابن
بابویه از حضرت امام موسی علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و
اله فرمود که حق تعالی برگزیده است از روزها چهار روز را روز جمعه و روز ترویه و روز
عرفه و روز عید قربان و ایضا از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که روزه روز
ترویه کفاره شصت سال گناهست و شب عرفه از لیالی متبرکه است [illegible] حضرت رسول صلی الله
علیه و اله منقولست که در شب عرفه دعا مستجاب است و کسی [illegible] عبادت برابر
اجر صد و هفتاد سال عبادت دارد و ان شب مناجات با قاضی الحاجاتست و هر که در ان شب توبه
کند توبه اش مقبولست و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در شب عرفه یا در شب
جمعه این دعا را بخواند حق تعالی اللهم یا شاهد کل نجوی و موضع کل شکوی و عالم کل
گناهانش را بیامرزد حذاوندا ای حاضر هر سرگوشی و موضع هر شکایت و دانای هر
خفیة و منتهی کل حاجة یا مبتدئا بالنعم علی العباد یا کریم العفو
پنهان و انتهای هر حاجت ای ابتدا کننده بنعمتها [illegible] ای بزرگ بخشش
یا حسن التجاوز یا جواد یا من لا یواری منه لیل داج و لا بحر عجاج و لا
ای نیکو درگذرنده ای بخشاینده [illegible]
سماء ذات ابراج و لا ظلم ذات ارتیاج یا من الظلمة عنده ضیاء
[illegible]
اسئلک بنور وجهک الکریم الذی تجلیت به للجبل فجعلته دکا و
سوال میکنم ترا بروشنی ذات تو [illegible] ظاهر کردی با و [illegible]
خر موسی صعقا و باسمک الذی رفعت به السموات بلا عمد و سطحت
افتاد موسی بیهوش و بنام تو که بلند کردی بان اسمانها [illegible]
به الارض علی وجه ماء جمد و باسمک المکنون المخزون المکتوب
[illegible] زمین را بر روی اب [illegible] و بنام تو که پوشیده [illegible]
الطاهر الذی اذا دعیت به اجبت و اذا سئلت به اعطیت و باسمک
[illegible]

السبوح القدوس البرهان الذی هو نور علی کل نور و نور من نور یضیء منه

منزه و پاکیزه و درخشنده که او نوریست بر هر نور و نوریست از نور روشنی میدهد از او

کل نور اذا بلغ الارض انشقت و اذا بلغ السموات فتحت و اذا بلغ العرش

هر نور هرگاه برسد بزمین شق میشود و هرگاه برسد آسمانها را گشاده میشود و هرگاه برسد عرش را

اهتز و باسمك الذی ترتعد منه فرائص ملائكتك و اسئلك بحق جبرئیل

میلرزد و بنام تو که میلرزد از آن اعضای فرشتگان تو و سؤال میکنم ترا بحق جبرئیل

و میکائیل و اسرافیل و بحق محمد المصطفی صلی الله علیه و اله و علی جمیع

و میکائیل و اسرافیل و بحق محمد برگزیده درود فرستاد خدا براو و آل او و بر همه

الانبیاء و جمیع الملائكة و بالاسم الذی مشی به الخضر علی قلل الماء كما مشی

پیغمبران و همه فرشتگان و بنامی که راه رفت بآن خضر بر قلههای آب چنانکه رفت

به علی جدد الارض و باسمك الذی فلقت به البحر لموسی و اغرقت

بآن بر جادههای زمین و بنام تو که شکافت بآن دریا از برای موسی و غرق کردی

فرعون و قومه و انجیت به موسی بن عمران و من معه و باسمك

فرعون و قوم او را و نجات دادی بآن موسی پسر عمران را و کسیکه با او بود و بنام تو

الذی دعاك به موسی من جانب الطور الایمن فاستجبت له و القیت

که خواند ترا بآن موسی از جانب طور [illegible] پس اجابت کردی از برای او و انداختی

علیه محبة منك و باسمك الذی احیی به عیسی بن مریم الموتی و

براو دوستی از تو و بنام تو که زنده کرد بآن عیسی پسر مریم مردهها و

تكلم فی المهد صبیا و ابرء الاكمه و الابرص باذنك و باسمك

سخن گفت در گهواره در کوچکی و بهتر کرد کورمادرزاد را و پیس را بر رخصت تو و بنام تو

الذی دعاك به حملة عرشك و جبرئیل و میكائیل و اسرافیل و حبیبك

که خواندند ترا بآن بردارندگان عرش تو و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و دوست تو

محمد صلی الله علیه و اله و ملائكتك المقربون و انبیاؤك المرسلون

محمد درود فرستاد خدا براو و آل او و فرشتگان تو که برگزیدگانند و پیغمبران تو که فرستاده شدگانند

جدود و عرقت

وعبادك الصالحون من اهل السموات و الارضین و باسمك الذی دعاك

و عبادان تو که شایستگانند از اهل آسمانها و زمینها و بنام تو که خواندند ترا

به ذو النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی

بآن ذوالنون از جهت آنکه رفت غضب کنند [illegible] گمان کرد آنکه ما دست تنگ نداریم بر او پس ندا کرد در

الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك انی كنت من الظالمین فاستجبت

تاریکیها آنکه نیست خدائی مگر تو منزهی تو بدرستیکه من هستم از ستمکاران پس اجابت کردی

فاستجبت له و نجیته من الغم و كذلك ننجی المؤمنین و باسمك العظیم

از برای او و نجات دادی او را از غم و چنین نجات میدهیم مؤمنان را و بنام تو که بزرگست

الذی دعاك به داود و خر لك ساجدا فغفرت له ذنبه و باسمك

آن نام که خواند ترا بآن داود و بر روی افتاد از برای تو سجده کنان پس آمرزیدی از برای او گناه او را و بنام تو

الذی دعتك به اسیة امرات فرعون اذ قالت رب ابن لی عندك بیتا

که خواندند ترا بآن آسیه زن فرعون وقتی که گفت پروردگارا بنا کن از برای من نزد تو خانه

فی الجنة و نجنی من فرعون و عمله و نجنی من القوم الظالمین فاستجبت

در بهشت و نجات ده مرا از فرعون و عمل او و نجات ده مرا از قوم ستمکاران پس اجابت کردی

لها دعاءها و باسمك الذی دعاك به ایوب اذ حل به البلاء فعافیته

از برای او دعای او را و بنام تو که خواندند ترا بآن ایوب وقتی که فرود آمد بر او بلا پس عافیت دادی او را

و اتیته اهله و مثلهم معهم رحمة من عندك و ذكری للعابدین و

و دادی او را اهل او و مثل ایشان با ایشان از جهت رحمت از نزد تو و یادآوری از برای عبادت کنندگان و

و باسمك الذی دعاك به یعقوب فرددت علیه بصره و قرة عینه

و بنام تو که خواندند ترا بآن یعقوب پس برگردانیدی برای او چشم او را و روشنی چشم او

یوسف و جمعت شمله و باسمك الذی دعاك به سلیمن فوهبت له

یوسف را و جمع کردی تفرقه او را و بنام تو که خواندند ترا بآن سلیمان پس بخشیدی از برای او

ملكا لا ینبغی لاحد من بعده انك انت الوهاب و باسمك الذی سخرت

پادشاهی که نیست سزاوار از برای احدی بعد از او بدرستیکه تو بسیار بخشنده و بنام تو که مسخر کردی

بِهِ الْبُراقَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اِذْ قالَ تَعالٰى سُبْحانَ الَّذِي اَسْرٰى

باو براق را ازبراى محمد درود فرستاد خدا براو وآل او وسلام فرستاد ازجهت انكه گفت بلندى وبرترى هست كسى كه سير فرمود

بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ اِلَى الْمَسْجِدِ الْاَقْصٰى وَقَوْلُهُ سُبْحانَ الَّذِي سَخَّرَ

بنده خود در يكشب از مسجد الحرام بسوى مسجد اقصى وقول او منزهست كسى كه مسخر كرد

لَنا هٰذا وَما كُنّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَاِنّا اِلٰى رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي

از براى ما اينرا ونبوديم ما از براى او قدرت دارندگان وبدرستى كه ما بسوى پروردگار ما هر آينه برگشتگانيم وبنام تو كه

نَزَلَ بِهِ جَبْرَئِيلُ عَلٰى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعاكَ بِهِ

فرود امد بان جبرئيل بر محمد درود فرستاد خدا برا و وآل او وبنام تو كه خواند ترا بان

آدَمُ فَغَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ وَاَسْكَنْتَهُ جَنَّتَكَ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ

آدم پس آمرزيدى از براى او گناه او وساكن كردانيدى او را در بهشت خود وسؤال ميكنم ترا بحق قران بزرك

وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيِّينَ وَبِحَقِّ اِبْراهِيمَ وَبِحَقِّ فَصْلِكَ يَوْمَ الْقَضاءِ وَبِحَقِّ

وبحق محمد خاتم پيغمبران وبحق ابرهيم وبحق فصل تو روز حكم وبحق

الْمَوازِينِ اِذا نُصِبَتْ وَالصُّحُفِ اِذا نُشِرَتْ وَبِحَقِّ الْقَلَمِ وَما جَرٰى وَاللَّوْحِ

ترازوها هرگاه نصب شود وصحيفها هرگاه پهن شود وبحق قلم وانچه جارى شده ولوح

وَما اَحْصٰى وَبِحَقِّ الْاِسْمِ الَّذِي كَتَبْتَهُ عَلٰى سُرادِقِ الْعَرْشِ قَبْلَ خَلْقِكَ

وانچه شمرده وبحق نامى كه نوشتى او را بر پردهاى عرش پيش از افريدن تو

الْخَلْقَ وَالدُّنْيا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ بِاَلْفَيْ عامٍ وَاَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

خلايق را ودنيا را وافتاب را وماه را بدو هزار سال وگواهى ميدهم كه نيست خدايى مگر خدا

وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

يكيست او نيست شريكى از براى او وبدرستى كه محمد بنده او ورسول اوست وسؤال ميكنم ترا بنام تو

الْمَخْزُونِ فِي خَزائِنِكَ الَّذِي اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ لَمْ يَطَّلِعْ

پنهان در خزينهاى كه اختيار كرده بان در علم پنهان نزد تو مطلع نيست

عَلَيْهِ اَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ لا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَلا عَبْدٌ مُصْطَفًى

براو احدى از خلق تو نه ملك مقرب ونه پيغمبر مرسل ونه بنده برگزيده

والسلا

فقال

نزل

وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي شَقَقْتَ بِهِ الْبِحارَ وَقامَتْ بِهِ الْجِبالُ وَ

وسؤال ميكنم ترا بنام تو كه شكافتى بان درياها را وبرپا داشته بان كوهها را و

اخْتَلَفَ بِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ وَبِحَقِّ السَّبْعِ الْمَثانِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَ

مختلف گردانيده بان شب وروز را وبحق سوره حمد وقران بزرك و

بِحَقِّ الْكِرامِ الْكاتِبِينَ وَبِحَقِّ طٰهٰ وَيٰسٓ وَكٓهٰيٰعٓصٓ وَحٰمٓعٓسٓقٓ وَبِحَقِّ تَوْرٰيةِ

بحق بزرگان نويسندگان وبحق طه ويس وكهيعص وحمعسق وبحق توريه

مُوسٰى وَاِنْجِيلِ عِيسٰى وَزَبُورِ داوُدَ وَفُرْقانِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ

موسى وانجيل عيسى وزبور داود وفرقان محمد درود فرستاد خدا براو و

آلِهِ وَعَلٰى جَمِيعِ الرُّسُلِ وَبِاَهِيّا شَراهِيّا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ

آل او وبر همه رسولان وبه اهيا شراهيا كه اسم اعظم تو خداوندا بدرستى كه من سؤال ميكنم ترا بحق

تِلْكَ الْمُناجاتِ الَّتِي كانَتْ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مُوسَى بْنِ عِمْرانَ فَوْقَ جَبَلِ طُورِ

اين مناجاتها كه بود ميان تو وميان موسى پسر عمران بالاى كوه طور

سَيْناءَ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَلَّمْتَهُ مَلَكَ الْمَوْتِ لِقَبْضِ الْاَرْواحِ

سينا وسؤال ميكنم ترا بنام تو كه تعليم كردى او را ملك موت از براى قبض روحها

وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كُتِبَ عَلٰى وَرَقِ الزَّيْتُونِ فَخَضَعَتِ النِّيرانُ

وسؤال ميكنم ترا بنام تو كه نوشته شده بر ورق زيتون پس فروتنى كرد آتشها

لِتِلْكَ الْوَرَقَةِ فَقُلْتَ يا نارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلامًا وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

از براى آن ورقه پس گفتى اى آتش باش سرد وسلامت وسؤال ميكنم ترا بنام تو

الَّذِي كَتَبْتَهُ عَلٰى سُرادِقِ الْمَجْدِ وَالْكَرامَةِ يا مَنْ لا يُحْفِيهِ سائِلٌ

كه نوشتى او را بر پردهاى بزرگى وكرامت اى كسى كه عاجز نميكند او را سؤال كننده

وَلا يَنْقُصُهُ نائِلٌ يا مَنْ بِهِ يُسْتَغاثُ وَاِلَيْهِ يُلْجَأُ اَسْئَلُكَ بِمَعاقِدِ

وكم نميكند او را از وسؤال اى كسى كه باو استغاثه ميكنند وبسوى او پناه ميبرند سؤال ميكنم ترا بگرههاى

الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتابِكَ وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ وَجَدِّكَ

عزت از عرش تو وانتهاى رحمت از كتاب تو وبنام كه بزرگست وبزرگى تو

الاعلى وكلماتك التامات العلى اللهم رب الرياح وما ذرت

بلند وکلمهای تو که تامات وبلند خداوندا پروردگار بادها و آنچه طلوع...

والسماء وما اظلت والارض وما اقلت والشياطين وما اضلت

و آسمان و آنچه سایه انداخته وزمین وآنچه کم کرده و پروردگار شیاطین وآنچه گمراه کرده

والبحار وما جرت وبحق كل حق هو عليك حق وبحق الملائكة المقربين

و دریا ... و بحق هر حق که او بر تو حق ... و بحق فرشتگان مقرب

والروحانيين والكروبيين والمسبحين لك بالليل والنهار لا يفترون

و روحانیان و کروبیان و تسبیح کنندگان از برای تو در شب و روز که سست نمی شوند

وبحق ابرهيم خليلك وبحق كل ولي يناديك بين الصفا والمروة

و بحق ابراهیم دوست تو وبحق هر دوستی که بخواند ترا میان صفا و مروه

وتستجيب له دعاءه يا مجيب اسئلك بهذه الاسماء وبهذه الدعوات

و اجابت کنی از برای او دعای او را ای اجابت کننده سؤال میکنم ترا باین نامها و باین دعاها

ان تغفر لنا ما قدمنا وما اخرنا وما اسررنا وما اعلنا وما ابدينا

اینکه بیامرزی از برای ما آنچه پیش کرده ایم وآنچه پس کرده ایم وآنچه پنهان کرده ایم وآنچه علانیه کرده ایم وآنچه ظاهر کرده ایم

وما اخفينا وما انت اعلم به منا انك على كل شيء قدير برحمتك يا

وآنچه مخفی کرده ایم وآنچه تو داناتری بآن از ما بدرستیکه تو بر همه چیز قادری برحمت تو ای

ارحم الراحمين يا حافظ كل غريب يا مونس كل وحيد يا قوة كل ضعيف

رحم کننده ترین رحم کنندگان ای حفظ کننده هر غریب ای مونس هر تنها ای قوت هر ناتوان

يا ناصر كل مظلوم يا رازق كل محروم يا مونس كل مستوحش يا صاحب

ای یاری کننده هر ستم رسیده ای روزی دهنده هر محروم ای مونس هر وحشت رسیده ای رفیق

كل مسافر يا عماد كل حاضر يا غافر كل ذنب وخطيئة يا غياث

هر مسافر ای عماد هر حاضر ای آمرزنده هر گناه و خطیه ای فریادرس

المستغيثين يا صريخ المستصرخين يا كاشف كرب المكروبين يا

فریاد کنندگان ای فریادرس فریاد کنندگان ای برطرف کننده اندوه اندوهگینان ای

فارج هم المهمومين يا بديع السموات والارضين يا منتهى غاية

برطرف کننده اندوه اندوهگینان ای خالق آسمانها وزمینها ای منتهای غایت

الطالبين يا مجيب دعوة المضطرين يا ارحم الراحمين يا رب العالمين يا

طلب کنندگان ای اجابت کننده دعاهای مضطران ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای پروردگار عالمیان ای

ديان يوم الدين يا اجود الاجودين يا اكرم الاكرمين يا اسمع السامعين

جزا دهنده روز جزا ای بخشنده ترین بخشندگان ای کریم ترین کریمان ای شنواترین شنوایان

يا ابصر الناظرين يا اقدر القادرين اغفر لي الذنوب التي تغير النعم واغفر

ای بیناترین بینندگان ای قادرترین قادران بیامرز از برای من گناهانی را که تغییر میدهد نعمتها و بیامرز

لي الذنوب التي تورث الندم واغفر لي الذنوب التي تورث السقم و

از برای من گناهانی را که میراث میشود پشیمانی را و بیامرز از برای من گناهانی را که میراث میشود بیماری را و

اغفر لي الذنوب التي تهتك العصم واغفر لي الذنوب التي ترد الدعاء

بیامرز از برای من گناهانی را که میدرد پردهای عصمت را و بیامرز از برای من گناهانی را که برمیگرداند دعا را

واغفر لي الذنوب التي تحبس قطر السماء واغفر لي الذنوب التي تعجل

و بیامرز از برای من گناهانی را که حبس میکند باران آسمانها و بیامرز از برای من گناهانی را که تعجیل میکند

الفناء واغفر لي الذنوب التي تجلب الشقاء واغفر لي الذنوب التي

فنا را و بیامرز از برای من گناهانی را که میکشد بدبختی را و بیامرز از برای من گناهانی را که

تظلم الهواء واغفر لي الذنوب التي تكشف الغطاء واغفر لي الذنوب

تاریک میکند هوا را و بیامرز از برای من گناهانی را که میدرد پرده را و بیامرز از برای من گناهانی را

التي لا يغفرها غيرك يا الله واحمل عني كل تبعة لاحد من خلقك واجعل

که نمی آمرزد آنرا غیر تو ای خدا و بردار از من هر تبعه را از برای احدی از خلق تو و بگردان

لي من امرك فرجا ومخرجا ويسرا وانزل يقينك في صدري ورجاءك في قلبي

از برای من از امر تو گشایشی و محل بیرون آمدن و آسانی و فرو فرست یقین خود را در سینه من و امید خود را در دل من

حتى لا ارجو غيرك اللهم احفظني وعافني في مقامي هذا واصحبني في

تا آنکه امید نداشته باشم غیر ترا خدایا محافظت کن مرا و عافیت ده مرا در مقام من این مقام و مصاحب شو...

الرزني

واصحبني

ليلى ونهارى ومن بين يدىّ ومن خلفى وعن يمينى وعن شمالى ومن

شب من وروز من واز پيش روى من واز پس سر من واز دست من و از چپ من واز

فوقى ومن تحتى ويسّر لى السّبيل واحسن لى التّيسير ولا تخذلنى فى العسير

بالای سر من واز زير پای من واسان كن از برای من راه را و نيكو كن از برای من اسانى را و خوار مكن مرا در پريشانى

واهدنى يا خير دليل ولا تكلنى الى نفسى فى الامور ولقّنى كلّ سرور واقلبنى

وراه نما مرا اى بهترين راهنمايان وامگذار مرا بسوى نفس من در كارها وتلقين كن مرا هر خوشحالى و برگردان مرا

الى اهلى بالفلاح والنّجاح محبورا فى العاجل والاجل انّك على كلّ شئ

بسوى اهل من برستگارى وروای حاجت خوشحال در زودى ودردم بدرستيكه تو بر هر چيز

قدير وارزقنى من فضلك واوسع علىّ من طيّبات رزقك واستعملنى

قادرى وروزى كن مرا از فضل خود وتوسعه ده بر من از خوبهای روزی خود وبكار گير مرا

فى طاعتك واجرنى من عذابك ونارك واقلبنى اذا توفّيتنى الى جنّتك

در طاعت خود ونجات ده مرا از عذاب خود و اتش خود وبرگردان مرا هرگاه ميرانی مرا بسوی بهشت خود

برحمتك اللّهمّ انّى اعوذ بك من زوال نعمتك ومن تحويل عافيتك ومن

برحمت تو خداوندا بدرستيكه من پناه ميبرم بتو از زوال نعمت تو واز گرديدن عافيت تو واز

حلول نقمتك ومن نزول عذابك واعوذ بك من جهد البلاء ودرك

فرود امدن عذاب تو واز نزول عذاب تو وپناه ميبرم بتو از مشقتهای بلا ورسيدن

الشّقاء ومن سوء القضاء وشماتة الاعداء ومن شرّ ما ينزل من

بدبختى واز بدى حكم و شماتت دشمنان واز بدى انچه فرود ميايد از

السّماء ومن شرّ ما فى الكتاب المنزل اللّهمّ لا تجعلنى من الاشرار ولا

اسمان واز بدى انچه در كتاب فرستاده شده است خداوندا مگردان مرا از بدان ونه

من اصحاب النّار ولا تحرمنى صحبة الاخيار واحينى حيوة طيّبة وتوفّنى

از اصحاب اتش ومحروم مكن مرا از رفاقت نيكوكاران وزنده دار مرا زنده خوشی وبميران مرا

وفاة طيّبة تلحقنى بالابرار وارزقنى مرافقة الانبياء فى مقعد صدق

مردن خوش وملحق ساز مرا بنيكوكاران وروزی كن مرا رفاقت پيغمبران در نشستن گاه راستی

عند مليك مقتدر اللّهمّ لك الحمد على حسن بلائك وصنعك و

نزد پادشاه اقتداردارنده خداوندا از برای تست حمد بر نيكى ازمايش تو وكردار تو و

لك الحمد على الاسلام والسّنّة يا ربّ كما هديتهم لدينك وعلّمتهم

مر تراست سپاس بر اسلام وسنت اى پروردگار چنانچه راه نمودى ايشان از برای دين تو وتعليم كردى ايشان

كتابك فاهدنا وعلّمنا ولك الحمد على حسن بلائك وصنعك عندى

كتاب تو پس هدايت كن ما را وتعليم فرما ما را واز برای تو است سپاس بر نيكى بلای تو وكردار تو نزد من

خاصّة كما خلقتنى فاحسنت خلقى وعلّمتنى فاحسنت تعليمى و

خاص چنانكه خلق كردی مرا پس نيكو گردانيدی خلق مرا وتعليم كردی مرا پس نيكو گردانيدی تعليم مرا و

هديتنى فاحسنت هدايتى فلك الحمد على انعامك علىّ قديما

راه نمودی مرا پس نيكو گردانيدی راه نمودن مرا پس مر تراست سپاس بر نعمتهای تو بر من كهنه

وحديثا فكم من كرب يا سيّدى قد فرّجته وكم من غمّ يا سيّدى قد

ونو پس چه بسيار از اندوه اى اقاى من كه بتحقيق گشادی اورا وچه بسيار از غم اى اقای من بتحقيق

نفّسته وكم من همّ يا سيّدى قد كشفته وكم من بلاء يا سيّدى قد

برداشتی اورا وچه بسيار از هم اى اقاى من بتحقيق كه برطرف كردی اورا وچه بسيار از بلا اى اقای من بتحقيق

صرفته وكم من عيب يا سيّدى قد سترته فلك الحمد على كلّ حال فى

برگردانيدی اورا وچه بسيار از عيب اى اقاى من بتحقيق كه پوشانيدی اورا پس مر تراست سپاس بر هر حال در

كلّ مثوى وزمان ومنقلب ومقام وعلى هذه الحال وكلّ حال اللّهمّ

هر مكان وزمان وبرگشت ومقام وبر اين حال وبر هر حال خداوندا

اجعلنى من افضل عبادك نصيبا فى هذا اليوم من خير تقسمه او ضرّ تكشفه

بگردان مرا از بهترين بندگان تو از روی نصيب در اين روز از خوبى كه قسمت ميكنی اورا يا بدی كه برطرف ميكنی اورا

او سوء تصرفه او بلاء تدفعه او خير تسوقه او رحمة تنشرها او عافية

او بدی كه ميگردانی اورا يا بلايی كه دفع ميكنی اورا يا خوبی كه ميكشی اورا يا رحمتی كه پهن ميكنی اورا يا عافيتی

تلبسها فانّك على كلّ شئ قدير وبيدك خزائن السّموات والارض وانت

كه ميپوشانی اورا بدرستيكه تو بر هر چيز قادری وبدست تواست خزينهای اسمانها وزمين وتو

الْوَاحِدُ الْكَرِيمُ الْمُعْطِي الَّذِي لَا يُرَدُّ سَائِلُهُ وَلَا يَخِيبُ آمِلُهُ وَلَا يَنْقُصُ
یکتای بخشنده عطاکننده که رد نمیشود سوال کننده او و نومید نمیشود امیدوار او و کم نمیشود
نَائِلُهُ وَلَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ بَلْ يَزْدَادُ كَثْرَةً وَطِيبًا وَعَطَاءً وَجُودًا وَارْزُقْنِي
عطای او و بر طرف نمیشود آنچه نزد اوست بلکه زیاد میشود بسیار و خوب و عطا و بخشش و روزی کن
مِنْ خَزَائِنِكَ الَّتِي لَا تَفْنَى وَمِنْ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ إِنَّ عَطَاءَكَ لَمْ يَكُنْ
از خزینهای تو که تمام نمیشود و از رحمت تو که وسیع است بدرستی که عطای تو نمیباشد
مَحْظُورًا وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ واحادیث بسیار
باز داشته شده و تو بر همه چیز قادری برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان در فضیلت زیارت
امام حسین در شب عرفه و روز وارد شده است و زیارت نزدیک را در کتاب تحفة الزایر
ذکر کرده ام و زیارت دور انشاء الله بعد ازین مذکور خواهد شد واما روز عرفه
از اعیاد عظیمه است وکسی که توفیق یابد که در عرفات باشد ادعیه و اعمال بسیار
دارد و بهترین اعمال درین روز دعاست حتی مستحب است که جمع کند میان نماز ظهر
وعصر در اول وقت و نافله و اذان عصر ساقط میشود و بعد از نماز عصر مشغول دعا
باید شد تا شام و دعا از برای برادران مؤمن از زنده و مرده بسیار باید کرد چنانچه
در حدیث صحیح منقولست که ابرهیم بن هاشم گفت من عبد الله بن جندب را دیدم
در موقف عرفات وحال هیچکس را از او بهتر ندیدم پیوسته دستهای خود را بسوی آسمان
بلند کرده بود و از آب دیده اش بر رویش جاری بود تا بر زمین میرسید چون مردم فارغ
شدند گفتم وقوف هیچکس را بهتر از وقوف تو ندیدم گفت بخدا سوگند که دعا نکردم
مگر برای برادران مؤمن خود زیرا که از حضرت امام موسی علیه السلام شنیدم که هر که دعا کند
از برای برادر مؤمن خود در غیبت او از عرش ندا باو رسد که از برای تو صد هزار برابر
او باد پس من نخواستم که دست بردارم از صد هزار برابر دعای ملک که البته مستجابست
برای یک دعای خود که نمیدانم مستجاب خواهد شد یا نه و اگر کسی توفیق یابد که در روز عرفه
در تحت قبهٔ مقدس حضرت امام حسین صلوات الله علیه باشد ثوابش کمتر نیست
از کسی که در عرفات باشد بلکه زیاده است چنانکه از حضرت صادق علیه السلام منقولست

که هر که در روز عرفه بزیارت آنحضرت برود وحق او را بشناسد و او را امام واجب
الاطاعه داند بنویسد حق تعالی از برای او ثواب دو هزار حج و دو هزار عمرهٔ مقبول و
هزار جهاد که با پیغمبر مرسلی کرده باشد یا امام عادلی راوی گفت کجاست ثواب وقوف عرفات
حضرت از روی غضب بسوی او نظر کرد و فرمود که بدرستی که بندهٔ مؤمن چون در روز
عرفه نزد قبر آنحضرت حاضر شود در نهر فرات غسل کند و متوجه زیارت شود بهر گام که بردارد
ثواب یک حج و عمره برای او مینویسند و در روایت دیگر فرمود که در روز عرفه حق تعالی اول
نظر رحمت بسوی زوار حضرت امام حسین علیه السلام میکند وگناهان ایشانرا میامرزد و
حاجات ایشانرا بر میاورد و بعد از ان متوجه اهل عرفات میگردد زیرا که در میان زوار
آنحضرت حرامزاده و فرزند زنا نیست و در میان اهل عرفات هست وکسی که توفیق هیچیک ازینها
را نیافته باشد باید که در سایر بلاد غسل بکند و در مجمع مؤمنان حاضر شود و زیارت ان
حضرت بکند واگر در بام بلند یا صحرای گشاده باشد بهتر است پس مشغول دعا شوند و
تا شام مشغول ذکر و دعا باشند تا در ثواب انها شریک گردند چنانچه از حضرت صادق ع
منقولست واحادیث در باب روزهٔ عرفه مختلف است واکثر علما جمع میان احادیث باین
روش کرده اند که اگر اشتباهی در ماه نباشد و او را از دعا کردن ضعیف نکرداند سنت
است والا مکروهست یعنی ثوابش کمتر است و در روایتی واقع شده است که روزهٔ عرفه
برابر است با روزهٔ یکسال واگر اشتباه در ماه باشد یا با روزه از دعا ضعیف شود
روزه نگرفتن بهتر است واز حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در روز عرفه پیش از انکه
متوجه دعا شود دو رکعت نماز بجا آورد در زیر آسمان واعتراف کند نزد خدا بگناهان
خود و اقرار کند بخطاهای خود فایز گردد بثواب اهل عرفات وگناهان گذشته و اینده اش امرزیده
گردد و شیخ مفید رحمه الله این نماز را بعد از نماز عصر ذکر کرده است و گفته است که این نماز
مخصوص جمعی است که در اطراف باشند و در عرفات نباشند و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع
منقولست که چون خواهد مشغول دعا شود اول صد مرتبه اللّٰهُ أَكْبَرُ وصد مرتبه الْحَمْدُ لِلّٰهِ و
صد مرتبه سُبْحَانَ اللّٰهِ وصد مرتبه لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وصد مرتبه قل هو الله احد وصد مرتبه
سورهٔ انا انزلناه و در روایت دیگر فرموده که صد مرتبه ایة الکرسی بخواند وصد مرتبه لا حول ولا

قوة الا بالله بگوید وصد مرتبه اللهم صل علی محمد وآل محمد بگوید پس مشغول دعا شود وبهترین دعاها دعای صحیفهٔ کامله است پس انرا با خضوع وخشوع وتانی ورقت بخواند که مشتملست بر جمیع مطالب دنیا واخرت وشیخ طوسی رحمه الله بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه واله بحضرت امیر المؤمنین علیه السلم گفت که میخواهی ترا تعلیم کنم دعای روز عرفه را واندعای پیغمبران پیش از منست میگوئی لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک
نیست خدائی مگر خدا یکتا و نیست شریکی از برای او مر اوراست پادشاهی
وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر اللهم
واز برای اوست سپاس زنده میکند ومیمیراند واوست زنده که نمیمیرد بدست او نیکی واو بر همه چیز قادرست خداوندا
لک الحمد کالذی تقول وخیرا مما نقول وفوق ما نقول وفوق ما یقول القائلون
مر تراست سپاس مثل انکه میگوئی وبهتر از انچه میگوئیم ما وبالاتر انچه میگوئیم ما وبالاتر انچه میگویند گویندگان
اللهم لک صلوتی ونسکی ومحیای ومماتی ولک براءتی وبک حولی ومنک
خداوندا مر تراست درود من وعبادت من وزندگی من ومردن من واز برای تواست بیزاری من وبتو است حول من واز تست
قوتی اللهم انی اعوذ بک من الفقر ومن وساوس الصدر ومن شتات
قوت من خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از فقر واز وسوسه سینهها واز تفرق
الامر ومن عذاب القبر اللهم انی اسئلک خیر الریاح واعوذ بک من شر
امر واز عذاب قبر خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بهترین بادها وپناه میبرم بتو از بدی
ما تجیء به الریاح واسئلک خیر اللیل وخیر النهار اللهم اجعل فی
انچه میاید باو بادها وسؤال میکنم ترا خوبی شب وخوبی روز خداوندا بگردان در
قلبی نورا وفی سمعی نورا وفی بصری نورا وفی لحمی نورا وفی دمی وعظامی
دل من نور ودر گوش من نور ودر دیده من نور ودر گوشت من نور ودر خون من نور ودر استخوانهای
وعروقی ومقامی ومقعدی ومدخلی ومخرجی نورا واعظم لی النور یا
ورگهای من وایستادن من ونشستنگاه من ومکان داخل شدن من وبیرون امدن من نور وبزرگ کن از برای من نور را ای
رب یوم القاک انک علی کل شیء قدیر واز حضرت امام رضا علیه السلم منقولست
پروردگار من روزی که ملاقات کنم ترا بدرستیکه تو بر همه چیز قادری که این دعا را در روز عرفه بخوانند

ثنائی — وسواس — وما جرت به الریاح — نورا

اللهم کما سترت علی ما لم اعلم فاغفر لی ما تعلم وکما وسعنی علمک فلیسعنی
خداوندا چنانکه پوشانیده بر من انچه نمیدانم پس بیامرز از برای من انچه میدانی وچنانکه وسعت داده مرا علم خود پس وسعت دهد مرا
عفوک وکما بدأتنی بالاحسان فاتم نعمتک بالغفران وکما اکرمتنی بمعرفتک
بخشش خود وچنانکه ابتدا کردی مرا بنیکی پس تمام کن نعمت خود را بامرزش وچنانکه گرامی داشتی مرا بشناخت خود
فاشفعها بمغفرتک وکما عرفتنی وحدانیتک فاکرمنی بطاعتک و
پس شفیع کن او را بامرزش خود وچنانکه شناسانیدی مرا یکانگی خود پس گرامی دار مرا بطاعت خود و
کما عصمتنی مما لم اکن اعتصم منه الا بعصمتک فاغفر لی ما لو شئت
چنانکه نگاه داشتی مرا از انچه نبودم که نگاه دارم خود را از ان مگر بنگاه داری تو پس بیامرز از برای من انچه اگر خواهی تو
عصمتنی منه یا جواد یا کریم یا ذا الجلال والاکرام واز حضرت امام موسی علیه السلم اینده عا منقولست
نگاه داری مرا از ان ای صاحب جود ای کریم ای صاحب بزرگی واکرام
اللهم انی عبدک وابن عبدک ان تعذبنی فبامور قد سلفت منی وانا بین
خداوندا بدرستیکه من بنده تو وپسر بنده توام اگر عذاب کنی مرا پس بکارهائیست که بتحقیق که پیشتر صادر از من ومن پیش
یدیک برمتی وان تعف عنی فاهل العفو انت یا اهل العفو یا احق من
روی تو مشغولم باصلاح ان واگر درگذری از من پس سزاوار بخشش توئی ای سزاوار عفو ای سزاوارترین کسی که
عفی اغفر لی ولاخوانی واز جمله دعای مشهور روز عرفه دعای حضرت سید
درگذرد بیامرز از برای من واز برای برادران من
الشهداء امام حسین صلوات الله علیه است که بشر وبشیر پسران غالب اسد روایت کرده اند که بیین روز عرفه در عرفات در خدمت انحضرت بودیم پس از خیمهٔ خود بیرون امدند باگروهی از اهل بیت وفرزندان وشیعیان خود با نهایت تذلل وخشوع پس در جانب چپ کوه ایستادند وروی مبارک را بسوی کعبه کردانیدند ودستها را برابر رو بر داشتند مانند مسکینی که با نهایت مذلت ومسکنت طعام طلبد واین دعا را خواندند بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی لیس لقضائه دافع و
بنام خدای بخشنده مهربان سپاس از برای خدائیکه نیست از برای قضای او دفع کننده
لا لعطائه مانع ولا کصنعه صنع صانع وهو الجواد الواسع فطر اجناس
ونه از برای عطای او منع کننده ونه مثل صنع او صنع صنعت کننده واوست بخشاینده وسعت دهنده خلق کرد اجناس

البدائع واتقن بحكمته الصنائع ولا تخفى عليه الطلائع ولا تضيع عنده

نادرها را و محکم کرده بحکمت خود کارها را و مخفی نیست بر او پنهانها و ضایع نمیشود نزد او

الودائع جازي كل صانع ورائش كل قانع وراحم كل ضارع ومنزل المنافع

امانتها جزا دهنده هر کار و پادشاه هر سائل و رحم کننده هر افتاده و فرو فرستاننده نفعها

والكتاب الجامع بالنور الساطع وهو للدعوات سامع وللطبع نافع و

و کتاب جمع کننده بنور درخشنده و اوست از برای دعاها شنوا و از برای ...

للدرجات رافع وللكربات دافع وللجبابرة قامع وراحم عبرة كل ضارع

از برای درجه‌ها بلند کننده و از برای شدتها برطرف کننده و از برای جباران کوبنده و رحم کننده اشک هر افتاده

ودافع كل ضرعنه ضارع فلا اله غيره ولا شيء يعدله وليس كمثله شيء و

و دفع کننده هر افتادن افتاده پس نیست خدائی غیر او و نیست چیزی معادل او و نیست مثل او چیزی و

هو السميع البصير اللطيف الخبير وهو على كل شيء قدير اللهم اني ارغب

اوست شنوای بینای لطیف دانا و او بر هر چیز قادر است خداوندا بدرستیکه من رغبت میکنم

اليك واشهد بالربوبية لك مقرا بانك ربي وان اليك مردي

بسوی تو و گواهی میدهم به پروردگاری از برای تو اقرار کننده باینکه تو پروردگار منی و بدرستیکه بسوی توست بازگشت من

ابتدأتني بنعمتك قبل ان اكون شيئا مذكورا وخلقتني من التراب ثم

ابتدا کردی مرا بنعمت خود پیش از آنکه باشم من چیزی نام برده شده و خلق کردی مرا از خاک پس

اسكنتني الاصلاب امنا لريب المنون واختلاف الدهور فلم ازل ظاعنا

ساکن گردانیدی مرا در صلبها ایمن از حوادث روزگار و اختلاف سالها پس همیشه کوچ کننده

من صلب الى رحم في تقادم الايام الماضية والقرون الخالية لم تخرجني

از صلب بسوی رحم در دور کار پیش گذشته و قرنهای خالی بیرون نیاوردی

لرأفتك بي ولطفك لي واحسانك الي في دولة ايام الكفرة الذين

از برای مهربانی تو بمن و لطف تو از برای من و احسان تو بسوی من در دولت روزهای کافران کسانی

نقضوا عهدك وكذبوا رسلك لكنك اخرجتني رأفة منك وتحننا

شکستند عهد تو را و تکذیب کردند رسولان تو را لکن تو بیرون آوردی مرا از روی مهربانی تو و بخشش

الكريم

انشأنا

علي

عليّ للذي سبق لي من الهدى الذي يسرتني وفيه انشأتني ومن قبل ذلك

بر من از برای آنچه سبقت کرده از برای من از هدایت که آسان کردی از برای من و در آن خلق کردی مرا و پیش از این

رؤفت بي بجميل صنعك وسوابغ نعمك فابتدعت خلقي من مني يمنى ثم

مهربان بودی بمن بنیکوئی صنع خود و کامل کردن نعمت خود پس تازه کردی خلق مرا از منی که ریخته میشد

اسكنتني في ظلمات ثلاث بين لحم وجلد ودم ولم تشهرني بخلقي ولم تجعل الي

ساکن گردانیدی مرا در تاریکیهای سه گانه میان گوشت و پوست و خون و مشهور نساختی مرا بخلقت خود و نکردی بسوی من

شيئا من امري ثم اخرجتني الى الدنيا تاما سويا وحفظتني في المهد طفلا

چیزی از امر من پس بیرون آوردی مرا بسوی دنیا تمام مستوی الخلقه و محافظت کردی مرا در گهواره در حالت طفلی

صبيا ورزقتني من الغذاء لبنا مريا وعطفت علي قلوب الحواضن و

و صباوت و روزی دادی مرا از غذا شیر ریزنده و مهربان کردی بر من دلهای تربیت کنندگان را و

كفلتني الامهات الرحائم وكلاتني من طوارق الجان وسلمتني من

و نگاهداری کردند مرا مادران رحم کننده و محافظت کردی مرا از سرکردهای شیاطین و سلامت داشتی مرا از

الزيادة والنقصان فتعاليت يا رحيم يا رحمن حتى اذا استهللت ناطقا

زیادتی و کمی پس بلندی تو ای مهربان ای بخشنده تا آنکه ظاهر کردم گویا

بالكلام اتممت علي سوابغ الانعام فربيتني زائدا في كل عام حتى اذا

بکلام تمام کردی بر من نعمتهای کامل را پس تربیت کردی مرا زیاد کننده در هر سال تا آنکه

كملت فطرتي واعتدلت سريرتي واوجبت علي حجتك بان الهمتني معرفتك

کامل کردی خلقت مرا و مساوی کردی پنهان مرا و واجب گردانیدی بر من حجت خود را باینکه الهام کردی مرا معرفت تو

وروعتني بعجائب فطرتك وانطقتني لما ذرأت في سمائك وارضك

و ترسانیدی مرا بعجائب خلقت خود و گویا کردی مرا از برای آنچه خلق کردی در آسمان تو و زمین تو

من بدائع خلقك ونبهتني لذكرك وشكرك وواجب طاعتك وعبادتك

از تازه‌های خلق تو و آگاه گردانیدی مرا از برای شکر تو و واجب فرمان برداری تو و عبادت تو

وفهمتني ما جاءت به رسلك ويسرت لي تقبل مرضاتك ومننت علي

و فهمانیدی مرا آنچه آمده با آن رسولان تو و آسان کردی از برای من قبول کردن خشنودی خود و منت گذاشتی بر من

يسرتني ذ

مني

مريا

الرحائم

مربيتي

ايقظتني

واوجبت علي

تقبل

فی جمیع ذلك بعونك ولطفك ثم اذ خلقتنی من حرّ الثری لم ترض لی یا الهی
درهم این امور یاری تو ولطف تو پس هنگامی که خلق کردی مرا از خالص خاك راضی نشدی از برای من ای خدای من
بنعمة دون اخری ورزقتنی من انواع المعاش وصنوف الریاش بمنّك
بنعمتی دون دیگر وروزی دادی مرا از انواع معیشت واصناف لباسها بمنت تو
العظیم علیّ واحسانك القدیم الیّ حتی اذا اتممت علیّ جمیع النعم وصرفت
بزرگ بر من واحسان تو که قدیمست بسوی من تا آنکه تمام کردی بر من همه نعمتها را وگردانیدی
عنّی کل النقم لم یمنعك جهلی وجرأتی علیك ان دللتنی علی ما یقرّبنی الیك
از من همه عذابها را منع کرد ترا نادانی من وجرات من بر معاصی تو اینکه دلالت کنی مرا بر آنچه نزدیک سازد مرا
ووفقتنی لما یزلفنی لدیك فان دعوتك اجبتنی وان سألتك اعطیتنی
وتوفیق دادی مرا از برای آنچه نزدیک میکند مرا نزد تو پس اگر خواندم ترا اجابت کردی مرا واگر سوال کنم ترا عطا میکنی مرا
وان اطعتك شکرتنی وان شکرتك زدتنی کل ذلك اکمالا لانعمك
واگر فرمان تو بردم شکر میکنی مرا واگر شکر کنم ترا زیاد میکنی از برای من همه این کامل کردن از برای نعمت
علیّ واحسانك الیّ فسبحانك سبحانك من مبدئ معید حمید
بر من واحسان تو بسوی من پس منزهی تو منزهی تو از ابتدا کننده اعاده کننده حمد کرده شده
مجید تقدست اسماؤك وعظمت آلاؤك فایّ نعمة یا الهی احصی عددا
بزرگ پاکیزه است نامهای تو وبزرگست نعمتهای تو پس کدام نعمت را ای خدای من شمرده شود از
او ذکرا ام ایّ عطایاك اقوم بها شکرا وهی یا ربّ اکثر من ان
یا یاد کردن یا کدام عطای تو قیام نمایم بان از جهت شکر وآن ای پروردگار من بیشترست از آنکه
یحصیها العادّون او یبلغ علما بها الحافظون ثم ما درأت وصرفت عنّی
بشمارند از شمارندگان یا برسد بان علم محافظت کنندگان پس آنچه دفع کرده وبرگردانیده از من
اللهم من الضرّ والضرّاء اکثر مما ظهر لی من العافیة والسرّاء
خداوندا از بدحالی وشدتها بیشترست از آنچه ظاهر شد از برای من از عافیت وخوشحالی
وانا اشهدك یا الهی بحقیقة ایمانی وعقد عزمات یقینی وخالص
ومن گواه میگیرم ترا ای خدای من بحقیقت ایمان من وعقد عزمهای یقین من وخالص

نعمتك عطایاك ما صرفت ودرأت نفسی

صریح توحیدی وباطن مکنون ضمیری وعلائق مجاری نور بصری و
صریح توحید من وباطن پنهان ضمیر من وعلایق محل جریان نور بصر من و
اساریر صفحة جبینی وخرق مسارب نفسی وخذاریف مارن عرنینی
خطهای صفحه پیشانی من وراههای ظاهره جان من وقطعهای نرم طرف بینی من
ومسارب صماخ سمعی وما ضمّت واطبقت علیه شفتای وحرکات
ومجاری سوراخ گوش من وآنچه ضم کرده شده وبر یکدیگر گذاشته شده بران لبهای من وحرکتهای
لفظ لسانی ومغرز حنك فمی وفکّی ومنابت اضراسی وبلوغ حبائل
انداختن زبان من ومفصل ما تحت دهن من وجانب من ومحل روییدن دندانهای من ورسیدن رگهای
بارع عنقی ومساغ مأکلی ومشربی وحمالة امّ رأسی وجمل حمائل
ظاهر کردن من ومحل سهولت اکل من وآشامیدن من وآنچه متعلق است باصل سر من وتمام علایق
حبل وتینی وما اشتمل علیه تامور صدری ونیاط حجاب قلبی و
دل رگ من وآنچه جمع شده بران سینه من ورگ پرده دل من و
افلاذ حواشی کبدی وما حوته شراسیف اضلاعی وحقاق مفاصلی
وپارههای حواشی جگر من وآنچه جمع کرده اورا استخوانهای پهلوی من واصول مفاصل من
واطراف اناملی وقبض عواملی ولحمی ودمی وشعری وبشری وعصبی و
واطراف انگشتان من وقبض جوارح من وگوشت من وخون من وموی من وپوست من ورگ من و
قصبی وعظامی ومخی وعروقی وجمیع جوارحی وما انتسج علی ذلك ایام
رگهای سخت من واستخوانهای من ومغز استخوان من ورگهای من وهمه جوارح من وآنچه بافته بران روزهای
رضاعی وما اقلّت الارض منّی ونومی ویقظتی وسکونی وحرکتی و
شیرخوردن من وآنچه کم کرده زمین از من وخواب من وبیداری من وساکن شدن من وحرکت من و
حرکات رکوعی وسجودی ان لو حاولت واجتهدت مدی الاعصار
حرکتهای رکوع من وسجود من اینکه اگر اراده میکردم وسعی میکردم در مدت از منه
والاحقاب لو عمّرتها ان اؤدّی شکر واحدة من انعمك ما استطعت
ودورگار اگر عمر داده شدم بان اینکه ادا کنم من شکر یکی از نعمتهای تو قدرت نداشتم

ما دین مطعمی

ذٰلِكَ اِلَّا بِمَنِّكَ الْمُوجِبِ عَلَىَّ شُكْرًا اٰنِفًا جَدِيدًا وَثَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا اَجَلْ وَلَوْ حَرَصْتُ
ابزا مكر بمنت تو كه باعث شده بر من شكر تازه و ثناى ظاهر حاضر بلى واكر حريص بودم
اَنَا وَالْعَادُّونَ مِنْ اَنَامِكَ اَنْ نُحْصِىَ مَدٰى اِنْعَامِكَ سَالِفِهِ وَاٰنِفِهِ لَمَا حَصَرْنَاهُ
من وشمرندكان از خلقان تو اينكه شماره كنيم ما مدت نعمتهاى ترا كذشته وجديده البته حصر نتوانيم كرد اورا
عَدَدًا وَلَا اَحْصَيْنَاهُ اَبَدًا هَيْهَاتَ اَنّٰى ذٰلِكَ وَاَنْتَ الْمُخْبِرُ عَنْ نَفْسِكَ فِى
از حيث شماره ونخواهيم توانست شمردن اورا هركز دور است كجاست اين وتو خبر دهنده از نفس خود در
كِتَابِكَ النَّاطِقِ وَالنَّبَاِ الصَّادِقِ وَاِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللّٰهِ لَا تُحْصُوهَا صَدَقَ
كتاب تو كه ناطق است وخبر راست واكر شماريد نعمت خدا را نخواهيد توانيد شمرد راست كفت
كِتَابُكَ اللّٰهُمَّ وَنَبَاُؤُكَ وَبَلَّغَتْ اَنْبِيَاؤُكَ وَرُسُلُكَ مَا اَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ
كتاب تو خداوندا وخبر تو ورسانيده پيغمبران تو ورسل تو آنچه فرو فرستاده بر ايشان
مِنْ وَحْيِكَ وَشَرَعْتَ لَهُمْ مِنْ دِينِكَ غَيْرَ اَنِّى يَا اِلٰهِى اَشْهَدُ بِجِدِّى وَجُهْدِى
از وحى تو وشريعت تو از براى ايشان از دين تو مكر بدرستى كه من اى خداى من كواهى ميدهم بجد واهتمام خود
وَمَبَالِغِ طَاقَتِى وَوُسْعِى وَاَقُولُ مُوقِنًا مُؤْمِنًا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِى لَمْ يَتَّخِذْ
ومبالغ طاقت خودم ووسعت خودم وميكويم يقين كننده ايمان آورنده سپاس مر خدايى را كه فرا نكرفته
وَلَدًا فَيَكُونَ مَوْرُوثًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِى الْمُلْكِ فَيُضَادَّهُ فِيمَا ابْتَدَعَ
فرزندى پس باشد ميراث برده شده ونبوده است از براى او شريكى در پادشاهى تا آنكه منازعه كند او را در آنچه ايجاد كرده
وَلَا وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِّ فَيُرْفِدَهُ فِيمَا صَنَعَ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ لَوْ كَانَ
و نيست او را يارى از عجز پس يارى كند او را در آنچه كرده منزهست او منزهست او منزهست او اكر ميبود
فِيهِمَا اٰلِهَةٌ اِلَّا اللّٰهُ لَفَسَدَتَا وَتَفَطَّرَتَا فَسُبْحَانَ اللّٰهِ الْوَاحِدِ الْحَقِّ الْاَحَدِ
در آسمان و زمين خدايان مكر او هر آينه فاسد ميشدند و از هم ميپاشيدند پس منزهست خداى يكانه حق يكتا
الصَّمَدِ الَّذِى لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ حَمْدًا يَعْدِلُ
بى نيازى كه نزاييده و از او زاييده نشده و نبوده است از براى او همتا احدى سپاس از براى خدا سپاسى كه معادله باشد
حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَاَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى خِيَرَتِهِ مِنْ
سپاس فرشتكان مقرب را و پيغمبران او كه فرستاده شده اند ودرود فرستاد خدا بر بركزيده خود از

خلق

خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَاٰلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلَصِينَ پس شروع
خلق او محمد خاتم پيغمبران وآل او پاكان پاكيزكان خالصان فرمود آنحضرت
در سؤال واهتمام نمود در دعا وآب از دیدهای مبارکش جاری بود پس کفت اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِى اَخْشَاكَ كَاَنِّى اَرَاكَ
خداوندا بكردان مرا از آنكه بترسم ترا كو يا كه مى بينم ترا
وَاَسْعِدْنِى بِتَقْوَاكَ وَلَا تُشْقِنِى بِمَعْصِيَتِكَ وَخِرْ لِى فِى قَضَائِكَ وَبَارِكْ لِى
ونيكبخت كردان مرا بپرهيزكارى تو وبدبخت مكردان مرا بنافرمانى تو واختيار كن از براى من در حكم خود وبركت كن از براى من
فِى قَدَرِكَ حَتّٰى لَا اُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا اَخَّرْتَ وَلَا تَاْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ
در تقدير خود تا آنكه دوست ندارم شتاب آنچه تاخير كرده ونه تاخير آنچه تعجيل كرده خداوندا بكردان
غِنَاىَ فِى نَفْسِى وَالْيَقِينَ فِى قَلْبِى وَالْاِخْلَاصَ فِى عَمَلِى وَالنُّورَ فِى بَصَرِى
بى نيازى مرا در نفس من ويقين مرا در دل من واخلاص مرا در كار من وروشنى در ديده من
وَالْبَصِيرَةَ فِى دِينِى وَمَتِّعْنِى بِجَوَارِحِى وَاجْعَلْ سَمْعِى وَبَصَرِى الْوَارِثَيْنِ
وبينايى در دين من وبهره ده مرا باعضاى من وبكردان كوش مرا وچشم مرا دو وارث
مِنِّى وَانْصُرْنِى عَلٰى مَنْ ظَلَمَنِى وَاَرِنِى فِيهِ ثَاْرِى وَمَاٰرِبِى وَاَقِرَّ بِذٰلِكَ
از براى مراد من ويارى ده مرا بر كسى كه ستم كند مرا ودر او بنما مراد او مقصود مرا ومطلب مرا وروشن كن با اين
عَيْنِى اَللّٰهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتِى وَاسْتُرْ عَوْرَتِى وَاغْفِرْ لِى خَطِيئَتِى وَاخْسَاْ
چشم مرا خداوندا بكشا بيچارگى مرا وبپوشان عورت مرا وبيامرز از براى من خطاهاى مرا ودور كن
شَيْطَانِى وَفُكَّ رِهَانِى وَاجْعَلْ لِى يَا اِلٰهِى الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِى الْاٰخِرَةِ
شيطان مرا ورها كن كرو مرا وبكردان از براى من اى خداى من مرتبه بلند در آخرت
وَالْاُولٰى اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِى فَجَعَلْتَنِى سَمِيعًا بَصِيرًا وَلَكَ
ودنيا خداوندا براى تست سپاس چنانكه خلق كردى مرا پس كردانيدى مرا شنوا بينا وبراى تست
الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِى فَجَعَلْتَنِى حَيًّا سَوِيًّا رَحْمَةً بِى وَكُنْتَ عَنْ خَلْقِى غَنِيًّا
سپاس چنانكه خلق كردى مرا پس كردانيدى مرا زنده مساوى از روى رحمت بمن وبودى تو از خلق كردن من بى نياز
رَبِّ بِمَا بَرَاْتَنِى فَعَدَّلْتَ فِطْرَتِى رَبِّ بِمَا اَنْشَاْتَنِى فَاَحْسَنْتَ صُورَتِى
پروردكارا بآنچه خلق كردى مرا پس عدل كردى خلقت مرا پروردكارا بآنچه انشا كردى مرا پس نيكو كردى صورت مرا

یا ربّ بما احسنت بی و فی نفسی عافیتنی یا ربّ بما کلأتنی و وفقتنی
ای پروردگار من بانچه نیکی کرده بمن و در نفس من عافیت دادی مرا ای پروردگار من بانچه حفظ کردی مرا و توفیق دادی
ربّ بما انعمت علیّ فهدیتنی ربّ بما اویتنی و من کلّ خیر اتیتنی
پروردگارا بانچه انعام کردی بر من پس هدایت کردی مرا پروردگارا بانچه پناه دادی مرا و از هر خیری رسانیدی
و اعطیتنی ربّ بما اطعمتنی و سقیتنی ربّ بما اغنیتنی و اقنیتنی
و عطا کردی مرا پروردگارا بانچه اطعام کردی مرا و شراب دادی مرا پروردگارا بانچه بی‌نیاز کردی مرا و توانگر کردی
ربّ بما اعنتنی و عزّزتنی ربّ بما البستنی من ذکرک الصّافی و
پروردگارا بانچه یاری کردی مرا و غالب کردی مرا پروردگارا بانچه پوشانیدی مرا از یاد خود که خالص است و
یسّرت لی من صنعک الکافی صلّ علی محمّد و آل محمّد و اعنّی علی
آسان کردی از برای من از صنع کامل خود درود فرست بر محمد و آل محمد و یاری کن مرا بر
بوائق الدّهر و صروف الایّام و اللّیالی و نجّنی من اهوال الدّنیا
بلاهای زمانه و برگردانیدن روزگار و شبها و نجات ده مرا از هولهای دنیا
و کربات الاخرة و اکفنی شرّ ما یعمل الظّالمون فی الارض اللّهمّ ما
و سختیهای آخرت و کفایت کن مرا بدی آنچه میکنند ستمکاران در زمین خداوندا آنچه
اخاف فاکفنی و ما احذر فقنی و فی نفسی و دینی فاحرسنی و فی سفری
میترسم پس کفایت کن مرا و آنچه حذر میکنم پس نگاه دار مرا و در نفس من و دین من پس پاسبانی کن مرا و در سفر من
فاحفظنی و فی اهلی و مالی و ولدی فاخلفنی و فیما رزقتنی فبارک
پس محافظت کن مرا و در عیال من و مال من و فرزند من پس خلیفه باش مرا و در آنچه روزی کرده مرا پس برکت
لی و فی نفسی فذلّلنی و فی اعین النّاس فعظّمنی و من شرّ الجنّ و الانس
از برای من و در نفس من پس خوار کن مرا و در چشمهای مردمان پس بزرگ کن مرا و از بدی جن و انس
فسلّمنی و بذنوبی فلا تفضحنی و بسریرتی فلا تخزنی و بعملی فلا تبتلنی
پس سلامت دار مرا و بگناهان من پس رسوا مکن مرا و بپنهانهای من پس خوار مکن مرا و بعمل من پس امتحان مکن مرا
و نعمک فلا تسلبنی و الی غیرک فلا تکلنی الهی الی من تکلنی الی
و نعمتهای خود را پس سلب مکن از من و بسوی غیر خود پس وامگذار مرا خدای من بسوی که وامیگذاری مرا بسوی

القریب یقطعنی ام الی البعید یتجهّمنی ام الی المستضعفین لی و
خویشان قطع خویشی میکند از من یا بسوی بیگانه پس ترش روی میکند با من یا بسوی آنانکه ضعیف شمارندگان از برای من
انت ربّی و ملیک امری اشکو الیک غربتی و بعد داری و هوانی
تو پروردگار منی و مالک امر منی شکایت میکنم بسوی تو غربت خود را و دوری خانه خود را و خواری خود را
علی من ملّکته امری اللّهمّ فلا تحلل بی غضبک فان لم تکن
بر کسی که او را مالک امر من کردانیده خداوندا پس نازل مساز بر من غضب خود را پس اگر نباشی تو که
غضبت علیّ فلا ابالی سواک غیر انّ عافیتک اوسع لی یا ربّ
غضب کرده بر من پس باک ندارم غیر تو را مگر بدرستیکه عافیت تو وسیعتر است از برای من ای پروردگار
فاسئلک بنور وجهک الّذی اشرقت له الارض و السّموات و انکشفت
پس سوال میکنم ترا بنور ذات تو که روشن کرده از برای آن زمین و آسمانها را و برداشته
به الظّلمات و صلح علیه امر الاوّلین و الاخرین ان لا تمیتنی علی
باو تاریکیها را و شایسته شده باو امر پیشینیان و پسینیان اینکه نمیرانی مرا بر
غضبک و لا تنزل بی سخطک لک العتبی حتّی ترضی قبل ذلک لا اله الّا
غضب خود و فرو نفرستی بر من غضب خود را مرتراست رجوع تا آنکه راضی شوی پیش از نزول عذاب نیست خدایی مگر
انت ربّ البلد الحرام و المشعر الحرام و البیت العتیق الّذی احللته
تو پروردگار بلد حرام و مشعر حرام و خانه آزادی که فرود آورده در او
البرکة و جعلته للنّاس امنة یا من عفی عن العظیم من الذّنوب
برکت را و گردانیده او را از برای مردمان محل ایمنی ای کسی که در میگذرد از بزرگ از گناهان
بحلمه یا من اسبغ النّعمة بفضله یا من اعطی الجزیل بکرمه یا عدّتی فی
به بردباری او ای کسی که کامل کرده نعمت را بفضل خود ای که عطا کرده بسیار را بکرم او ای ذخیره من در
شدّتی یا صاحبی فی وحدتی یا غیاثی فی کربتی یا مونسی فی حفرتی
سختی من ای صاحب من در تنهایی من ای فریادرس من در شدت من ای مونس من در قبر من
یا ولیّ نعمتی یا الهی و اله ابائی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب
ای صاحب نعمت من ای خدای من و خدای پدران من ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب

وربّ جبرائيل وميكائيل واسرافيل وربّ محمّد خاتم النّبيّين وآله
و پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و پروردگار محمد خاتم پیغمبران و آل او
المنتجبين ومنزل التّوراة والانجيل والزّبور والفرقان ومنزل
کربرگزیدگانند و فرستاده توریت و انجیل و زبور و فرقان و فرستاننده
كهيعص وطه ويس والقرآن الحكيم انت كهفي حين تعيينى المذاهب
کهیعص و طه و یس و قرآن حکیم تو پناه منی هنگامی که وا مانده کند مرا راهها
في سعتها وتضيق علىّ الارض برحبها ولولا رحمتك لكنت من الهالكين
در وسعت آنها و تنگ شود بر من زمین با گشادگی آن و اگر نبود رحمت تو هر آینه بودم من از هالکان
وانت مقيل عثرتي ولولا سترك ايّاى لكنت من المفضوحين وانت
و تو در گذرنده لغزش منی و اگر نبود ستر تو مرا هر آینه بودم از رسوایان و تو
مؤيّدي بالنّصر على الاعداء ولولا نصرك ايّاى لكنت من المغلوبين
یاری کننده منی بیاری بر دشمنان و اگر نبود یاری تو مرا هر آینه بودم من از مغلوبان
يا من خصّ نفسه بالسّموّ والرّفعة فاولياؤه بعزّه يعتزّون يا من
ای کسی که مخصوص کرد ذات خود را به بلندی و رفعت پس دوستان او بغلبه او غالبند ای کسی که
جعلت له الملوك نير المذلّة على اعناقهم فهم من سطواته خائفون
گذاشتند از برای او پادشاهان طوق خواری را بر گردنهای خود پس ایشان از قهر و غلبه او ترسانند
تعلم خائنة الاعين وما تخفي الصّدور وغيب ما تأتي به الازمان
میداند خیانت چشمها را و آنچه پنهانست در سینها و پنهان آنچه میاید با آن زمانها
والدّهور يا من لا يعلم كيف هو الّا هو يا من لا يعلم ما يعلمه الّا هو
و سالها ای کسی که نمیداند چگونگی ذات او مگر او ای کسی که نمیداند آنچه میداند او مگر او
يا من كبس الارض على الماء وسدّ الهواء بالسّماء يا من له اكرم
ای آنکه قرار داده زمین را بر روی آب و منع کرده هوا را باسمان ای کسی که از برای اوست بزرگترین
الاسماء يا ذا المعروف الّذي لا ينقطع ابدا يا مقيّض الرّكب ليوسف
نامها ای صاحب نیکی که قطع نمیشود هرگز ای فرستاننده قافله از برای یوسف

یا من یعلم

ماهو

فی البلد

في البلد القفر ومخرجه من الجبّ وجاعله بعد العبوديّة ملكا يا رادّ
در سر زمین خالی و بیرون آورنده او از چاه و گرداننده او بعد از بندگی پادشاه ای رد کننده
يوسف على يعقوب بعد ان ابيضّت عيناه من الحزن فهو كظيم يا
یوسف بر یعقوب بعد از آنکه سفید شد چشمهای او از اندوه پس او فرو خورنده بود ای
كاشف الضّرّ والبلاء عن ايّوب يا ممسك يدي ابراهيم من الذّبح عن ابنه
برطرف کننده اندوه و بلا از ایوب ای نگاه دارنده دست ابراهیم از کشتن اسمعیل پسر او
بعد ان كبر سنّه وفني عمره يا من استجاب لزكريّا فوهب له يحيى و
بعد از آنکه بسیار شده بود سن او و فانی شده بود عمر او ای کسی که اجابت کرد از برای زکریا پس بخشید از برای او یحیی و
لم يدعه فردا وحيدا يا من اخرج يونس من بطن الحوت يا فارق البحر لبني
وا نگذاشت او را تنها و یکه ای کسی که اخراج کرد یونس را از شکم ماهی ای شکافنده دریا از برای بنی
اسرائيل فانجاهم وجعل فرعون وجنوده من المغرقين يا من ارسل الرّياح
اسرائیل پس نجات داد ایشان را و گردانید فرعون و لشکرهای او را از غرق شدگان ای کسی که فرستاد بادها را
مبشّرات بين يدي رحمته يا من لم يعجل على من عصاه من خلقه يا من استنقذ
بشارت دهنده میان روی رحمت او ای کسی که تعجیل نکرد بر کسی که نافرمانی کرد او را از خلق او ای کسی که خلاصی داد
السّحرة من بعد طول الجحود وقد غدوا في نعمته يأكلون رزقه ويعبدون
ساحران را بعد از طول انکار و بتحقیق که صبح میکردند در نعمت او میخوردند روزی او را و عبادت میکردند
غيره وقد حادّوه ونادّوه وكذّبوا رسله يا الله يا بديء لا بدء لك يا
غیر او را و بتحقیق که مخالفت مینمودند و سر از فرمان او و تکذیب میکردند رسولان او را ای خدا ای ابتدا کننده نیست ابتدا مر ترا ای
دائما لا نفاد لك يا حيّ حين لا حيّ يا محيي الموتى يا من هو قائم على كلّ نفس
همیشه که نیست تمام شدن مر ترا ای زنده در وقتی که نبود زنده ای زنده کننده مردها ای کسی که او عالمست به هر نفس
بما كسبت يا من قلّ له شكري فلم يحرمني وعظمت عنده خطيئتي فلم
با نچه کسب میکند ای کسی که کم است از برای او شکر من پس محروم نکرد مرا و بزرگ شد نزد او خطای من پس
يفضحني ورآني على المعاصي فلم يخذلني يا من حفظني في صغري يا من
رسوا نکرد مرا و دید مرا بر نافرمانی پس خوار نکرد مرا ای کسی که محافظت کرد مرا در کوچکی من ای کسی

یدی

کبر سنه و فنی عمره

فلق

لا یعجل

غدروا

خطیئاتی

لیتشهرنی

رزقنی فی کبری یا من ایادیه عندی لا تحصی یا من نعمه عندی لا
روزی داد مرا در بزرگی من ای انکه نعمتهای او نزد من شمرده نشده ای انکه نعمتهای او نزد من

تجازی یا من عارضنی بالخیر و الاحسان و عارضته بالاساءة
جزا داده نشده ای انکه معارضه کرد مرا بخیر و احسان و معارضه کردم من اورا به بدی

و العصیان یا من هدانی بالایمان قبل ان اعرف شکر الامتنان
و نافرمانی ای انکه هدایت کرد مرا بایمان بپیش از انکه بشناسم شکر نعمتهای اورا

للایمان

یا من دعوته مریضا فشفانی و عریانا فکسانی و جائعا فاطعمنی و
ای انکه خواندم اورا در حالت بیماری پس شفا داد مرا و در حالت برهنگی پس پوشانید مرا و در حالت گرسنگی پس طعام کرد مرا و

فاشبعنی

عطشانا فاروانی و ذلیلا فاعزنی و جاهلا فعرفنی و وحیدا فکثرنی
در حالت تشنگی پس سیراب کرد مرا و در حالت خواری پس عزیز کرد مرا و در حالت نادانی پس شناسانید مرا و در حالت تنهائی پس بسیار کرد مرا

و غائبا فردنی و مقلا فاغنانی و منتصرا فنصرنی و غنیا فلم یسلبنی
و در حالت غیبت پس بر گردانید مرا و در حالت تنگی پس بی نیاز کرد مرا و در حالت یاری طلبیده پس یاری کرد مرا و در حالت غنا پس سلب نکرد از من

و امسکت عن جمیع ذلک فابتدانی فلک الحمد یا من اقال عثرتی و نفس
و بیار بود که باز ایستادم از همه این طلبها پس ابتدا کردی مرا پس مر تراست سپاس ای انکه درگذشت لغزش مرا و بطرف کرد

کربتی و اجاب دعوتی و ستر عورتی و غفر ذنوبی و بلغنی طلبتی و نصرنی
مشقت مرا و جواب داده دعای مرا و پوشیده عورت مرا و امرزیده گناهان مرا و رسانید مرا بمطلب و یاری کرد مرا

علی عدوی و ان اعد نعمک و مننک و کرائم منحک لا احصیها یا مولای
بر دشمن من و اگر بشمرم شمرده نعمتهای تو و منتهای تو و گرامیهای عطاهای ترا نتوانم شمرد انها را ای اقای من

انت الذی انعمت انت الذی احسنت انت الذی اجملت انت الذی
توئی که نعمت داده توئی که احسان کرده توئی که نیکوئی کرده توئی که

افضلت انت الذی مننت انت الذی اکملت انت الذی رزقت
تفضیل داده توئی که منت گذاشته توئی که کامل گردانیده توئی که روزی داده

انت الذی وفقت انت الذی اعطیت انت الذی اغنیت انت الذی
توئی که توفیق داده توئی که عطا کرده توئی که بی نیاز کرده توئی که

افنیت

اقنیت انت الذی اویت انت الذی کفیت انت الذی هدیت انت الذی
نیت کرده توئی که پناه داده توئی که کفایت کرده توئی که هدایت کرده توئی که

عصمت انت الذی سترت انت الذی غفرت انت الذی اقلت انت الذی
نگاه داشته توئی که پوشانیده توئی که امرزیده توئی که درگذشته توئی که

مکنت انت الذی اعززت انت الذی اعنت انت الذی عضدت انت الذی
مستقل ساخته توئی که غالب گردانیده توئی که یاری کرده توئی که اعانت کرده توئی

ایدت انت الذی نصرت انت الذی شفیت انت الذی عافیت انت الذی
تقویت کرده توئی که یاری کرده توئی که شفا داده توئی که عافیت داده توئی که

اکرمت تبارکت ربی و تعالیت فلک الحمد دائما و لک الشکر واصبا
گرامی داشته بزرگی تو پروردگار من و بلند مرتبه توئی پس مر تراست سپاس همیشگی و مر تراست شکر فراگیرنده

واضیا ظ

ثم انا یا الهی المعترف بذنوبی فاغفرها لی انا الذی اسات انا الذی
پس منم ای خدای من اعتراف کننده بگناهان خودم پس بیامرز انها را از برای من منم انکه بد کردم منم انکه

اخطات انا الذی اغفلت انا الذی جهلت انا الذی هممت انا الذی
خطا کردم منم انکه غافل شدم منم انکه نادانی کردم منم انکه اراده تو بر نمودم منم انکه

ن د
غفلت

سهوت انا الذی اعتمدت انا الذی تعمدت انا الذی وعدت انا
فراموش کردم منم انکه تکیه کردم منم انکه تعمد کردم منم انکه وعده کردم منم

الذی اخلفت انا الذی نکثت انا الذی اقررت یا الهی اعترف بنعمک
انکه خلف وعده کردم منم انکه شکستم منم انکه اقرار کردم ای خدای من اعتراف دارم بنعمتهای تو

انا

عندی و ابوء بذنوبی فاغفرها لی یا من لا تضره ذنوب عباده و
نزد من و رجوع کننده ام بگناهان خودم پس بیامرز انها را از برای من ای انکه ضرر نمیکند او را گناهان بندگان او و

هو الغنی عن طاعتهم و الموفق من عمل منهم صالحا بمعونته و رحمته
اوست بی نیاز از طاعت ایشان و توفیق دهنده کسی را که عمل کند از ایشان عمل شایسته بیاری خود و رحمت خود

ن د
فرکبت

فلک الحمد الهی امرتنی فعصیتک و نهیتنی فارتکبت نهیک فاصبحت
پس مر تراست حمد خدای من امر کردی مرا پس نافرمانی کردم ترا و باز داشتی مرا پس مرتکب شدم نهی ترا پس صبح کردم

استقبلك نو

لا ذا براءة فاعتذر ولا ذا قوة فانتصر فبأي شيء استقبلك يا

نه حالي دارم كه بري باشم پس عذر كويم ونه حال توانائي دارم پس ياري جويم پس بچه چيز روآورم ترا اي

مولاي أبسمعي أم ببصري أم بلساني أم بيدي أم برجلي أليس كلها

آقاي من آيا بكوش خود يا بچشم خود يا بزبان خود يا بدست خود يا بپاي خود آيا نيست همه اينها

نعمك عندي وبكلها عصيتك يا مولاي فلك الحجة والسبيل علي

نعمتهاي تو نزد من وبهمه اينها نافرماني كردم ترا اي آقاي من پس مرتراست حجت و راه بر

يا من سترني من الآباء والأمهات أن يزجروني ومن العشائر والإخوان

اي كسي كه پوشانيدي مرا از پدران و مادران از اينكه منع كنندمرا واز خويشان و برادران

أن يعيروني ومن السلاطين أن يعاقبوني ولو اطلعوا يا مولاي على

اينكه سرزنش كنندمرا واز پادشاهان اينكه عقاب كنندمرا واكر مطلع ميشدند اي آقاي من بر

ما اطلعت عليه مني إذاً ما أنظروني ولرفضوني وقطعوني فها أنا

آنچه مطلع شدي تو بر آن از من هر آينه مهلت نميدادندمرا و هر آينه ترك ميكردندمرا وقطع ميكردندمرا پس اينك من

ذا بين يديك يا سيدي خاضعاً ذليلاً حصيراً حقيراً لا ذو براءة فاعتذر

برابر تو حاضرم اي آقاي من خضوع كننده خوار محبوس حقير نه صاحب حالي كه بري باشم از عيوب پس عذر كويم

ولا ذو قوة فانتصر ولا حجة لي فأحتج بها ولا قائل لم اجترح ولم

ونه صاحب قوة كه ياري كرده شوم ونه حجتي از براي من پس احتجاج كنم بآن ونه غفلتي كه كسب كرده باشم ديگر

أعمل سوءاً وما عسى الجحود ولو جحدت يا مولاي ينفعني فكيف و

كار نكرده باشم بدي وفايده ندارد انكار واكر منكر شوم اي آقاي من نفع ميدهد پس چكونه و

أنى ذلك وجوارحي كلها شاهدة علي بما قد عملت وعلمت يقيناً

كجاست اين واعضاي من همه كواهند بر من بآنچه تحقيق كرده ام من ودانستم يقين

غير ذي شك أنك سائلي عن عظائم الأمور وأنك الحكيم العدل

غير صاحب شك بدرستي كه تو سؤال كننده مرا از بزركهاي امرها وبدرستي كه تو حكيم عادلي

الحكم نو

الذي لا يجور وعدلك مهلكي ومن كل عدلك مهربي فإن تعذبني

كه ستم نميكني وعدالت تو هلاك كننده منست واز همه عدل تو كريزانم پس اكر عذاب كني مرا

فبذنوبي

يا مولاي نو

فبذنوبي يا إلهي بعد حجتك علي وإن تعف عني فبحلمك وجودك و

پس بكناهان منست اي خداي من بعد از حجت تو بر من واكر عفو كني از من پس بسبب بردباري تو و بخشش تو و

كرمك لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين لا إله إلا أنت

كرم تست نيست خدائي مكر تو منزهي تو بدرستي كه هستم من از ستمكاران نيست خدائي مكر تو

سبحانك إني كنت من المستغفرين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت

منزهي تو بدرستي كه من هستم از استغفار كنندكان نيست خدائي مكر تو منزهي تو بدرستي كه من هستم

من الموحدين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الخائفين لا إله إلا

از يكانه پرستان نيست خدائي مكر تو منزهي تو بدرستي كه من هستم از ترسناكان نيست خدائي مكر

أنت سبحانك إني كنت من الوجلين لا إله إلا أنت سبحانك إني

تو منزهي تو بدرستي كه من هستم از ترسناكان نيست خدائي مكر تو منزهي تو بدرستي كه من

كنت من السائلين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الراجين

هستم از سؤال كنندكان نيست خدائي مكر تو منزهي تو بدرستي كه من هستم از اميدواران

الراغبين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من المهللين المسبحين

رغبت كنندكان نيست خدائي مكر تو منزهي تو بدرستي كه من هستم از تهليل كويندكان تسبيح كنندكان

لا إله إلا أنت ربي ورب آبائي الأولين اللهم هذا ثنائي

نيست خدائي مكر تو پروردكار من و پروردكار پدران من پيشينيان خداوندا اين ثناي منست

عليك ممجداً وإخلاصي لذكرك موحداً وإقراري بآلائك

بر تو بعظمت ياد كننده واخلاص من از براي ذكر تو يكتا كننده واقرار من بنعمتهاي تو

معدداً وإن كنت مقراً أني لا أحصيها لكثرتها وسبوغها و

شمارنده واكر بودم من اقرار كننده باينكه نميتوانم شمرد آنها را از راه بسياري آنها وكمال آنها و

تظاهرها وتقادمها إلى حادث ما لم تزل تتعهدني به معها مذ

ظاهر بودن آنها و پيشي بودن آنها تا بوقت اين حادثه كه هميشه عهد كردي مرا بآن با آنها از هنگامي

خلقتني وبرأتني من أول العمر من الإغناء بعد الفقر وكشف

كه خلق كردي مرا و ايجاد كردي مرا از اول عمر از بي نيازي بعد از احتياج و برداشتن

الضُّرِّ وَتَسبیبِ الیُسرِ وَدَفعِ العُسرِ وَتَفریجِ الکَربِ وَالعافِیَةِ فِی
بدی وتحصیل توانگری ودفع تنگی وبرطرف شدن مشقت وعافیت در
البَدَنِ وَالسَّلامَةِ فِی الدِّینِ وَلَو رَفَدتَنی عَلی قَدرِ ذِکرِ نِعَمِکَ عَلَی
بدن وسلامتی در دین واگر عطا کنی مرا بر قدر یاد کردن نعمتهای تو بر
جَمیعِ العالَمینَ مِنَ الأَوَّلینَ وَالآخِرینَ لَما قَدَرتُ وَلا هُم عَلی
همه عالمیان از پیشینیان وپسینیان هر اینه قادر نیستم من ونه ایشان بر
ذلِکَ تَقَدَّستَ وَتَعالَیتَ مِن رَبٍّ عَظیمٍ کَریمٍ رَحیمٍ وَلا تُحصی
این پاکیزه تو وبلندمرتبه از پروردگار بزرگ کریم مهربان وشمرده نمیشود
آلاؤُکَ وَلا یُبلَغُ ثَناؤُکَ وَلا تُکافی نَعماؤُکَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
نعمتهای تو ونمیرسد ثنای تو را وجزا داده نمیشود نعمتهای تو درود فرست بر محمد وآل محمد
وَأَتمِم عَلَینا نِعَمَکَ وَأَسعِدنا بِطاعَتِکَ سُبحانَکَ لا إِلهَ إِلّا أَنتَ
وتمام کن بر ما نعمت خود را ونیکبخت کردان ما را بطاعت خود منزهی تو نیست خدایی مگر تو
اللّهُمَّ إِنَّکَ تُجیبُ دَعوَةَ المُضطَرِّ إِذا دَعاکَ وَتَکشِفُ السُّوءَ
خداوندا بدرستی که تو اجابت میکنی دعای مضطران را هرگاه بخوانند ترا وبرمیداری بدی را
وَتُغیثُ المَکروبَ وَتَشفِی السَّقیمَ وَتُغنِی الفَقیرَ وَتَجبُرُ الکَسیرَ وَتَرحَمُ
وفریادرسی اندوهناکان را وشفا میدهی بیمار را وبی نیاز میکنی محتاج را ومی بندی شکسته را ورحم میکنی
الصَّغیرَ وَتُعینُ الکَبیرَ وَلَیسَ دونَکَ ظَهیرٌ وَلا فَوقَکَ قَدیرٌ وَ
کوچک را ویاری میکنی بزرگ را ونیست غیر تو پشت وپناهی ونه بالای قدرت تو قدیری و
أَنتَ العَلِیُّ الکَبیرُ یا مُطلِقَ المُکَبَّلِ الأَسیرِ یا رازِقَ الطِّفلِ الصَّغیرِ
تویی بلند مرتبه بزرگ ای رها کننده در بند کران گرفتار ای روزی دهنده طفل کوچک
یا عِصمَةَ الخائِفِ المُستَجیرِ یا مَن لا شَریکَ لَهُ وَلا وَزیرَ صَلِّ عَلی
ای پناه ترسان پناه برنده ای آنکه نیست شریکی از برای او ونه وزیری درود فرست بر
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعطِنی فی هذِهِ العَشِیَّةِ أَفضَلَ ما أَعطَیتَ
محمد وآل محمد وعطا کن مرا در این شام بهترین آنچه عطا کردی

وانلت

وَأَنَلتَ أَحَداً مِن عِبادِکَ مِن نِعمَةٍ تولیها وَآلاءٍ تُجَدِّدُها وَبَلِیَّةٍ تَصرِفُها وَ
ورسانیدی یکی را از بندگان خود از نعمتی که خود متولی رسانیدن آن شدی ونعمتی که تازه کردی آنرا وبلایی که برگردانیدی آنرا و
کُربَةٍ تَکشِفُها وَدَعوَةٍ تَسمَعُها وَحَسَنَةٍ تَتَقَبَّلُها وَسَیِّئَةٍ تَغفِرُها إِنَّکَ
مشقتی که برطرف کردی آنرا ودعایی که شنیدی آنرا ونیکی که قبول کردی آنرا وبدی که آمرزیدی آنرا بدرستیکه تو
لَطیفٌ خَبیرٌ وَعَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ اللّهُمَّ إِنَّکَ أَقرَبُ مَن دُعِیَ وَأَسرَعُ مَن أَجابَ
مهربان دانایی وبر همه چیز قادری خداوندا بدرستیکه تو نزدیکتر کسی که خوانده میشود وسریعتر کسی که اجابت میکند
وَأَکرَمُ مَن عَفی وَأَوسَعُ مَن أَعطی وَأَسمَعُ مَن سُئِلَ یا رَحمنَ الدُّنیا وَ
وکریمتر کسی که درگذرد ووسیعتر کسی که عطا میکند وشنواتر کسی که سوال کرده میشود ای رحمن دنیا و
الآخِرَةِ وَرَحیمَهُما لَیسَ کَمِثلِکَ مَسؤولٌ وَلا سِواکَ مَأمولٌ دَعَوتُکَ فَأَجَبتَنی
آخرت ومهربان هر دو نیست مثل تو سوال کرده شده ونیست غیر تو امید داشته شده خواندم ترا پس اجابت کردی مرا
وَسَأَلتُکَ فَأَعطَیتَنی وَرَغِبتُ إِلَیکَ فَکَفَیتَنی اللّهُمَّ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ
وسوال کردم ترا پس عطا کردی مرا ورغبت کردم بسوی تو پس کفایت کردی مرا خداوندا پس درود فرست بر محمد
عَبدِکَ وَرَسولِکَ وَنَبِیِّکَ وَعَلی آلِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ أَجمَعینَ
بنده تو ورسول تو وپیغمبر تو وبر آل او پاکان پاکیزگان همه
وَتَمِّم لَنا نَعماءَکَ وَهَنِّئنا عَطاءَکَ وَاجعَلنا لَکَ شاکِرینَ وَلِآلائِکَ
وتمام کن از برای ما نعمتهای خود را وگوارا کن بر ما بخششهای خود را وبگردان ما را از برای خود شکر کنندگان واز برای نعمتهای تو
ذاکِرینَ آمینَ آمینَ یا رَبَّ العالَمینَ اللّهُمَّ یا مَن مَلَکَ فَقَدَرَ وَقَدَرَ
یاد کنندگان اجابت کن اجابت کن ای پروردگار عالمیان خداوندا ای آنکه مالک شد پس اندازه کرده وتقدیر کرد
فَقَهَرَ وَعُصِیَ فَسَتَرَ وَاستُغفِرَ فَغَفَرَ یا غایَةَ رَغبَةِ الرّاغِبینَ وَ
پس غالب شده ونافرمانی کرده شد پس پوشانیده وطلب مغفرت کرده شد پس آمرزید ای نهایت رغبت رغبت کنندگان و
مُنتَهی أَمَلِ الرّاجینَ یا مَن أَحاطَ بِکُلِّ شَیءٍ عِلماً وَوَسِعَ المُستَقیلینَ
منتهی امید امیدواران ای آنکه احاطه کرده بهر چیز از روی علم ووسعت داده امان طلبان را
رَأفَةً وَرَحمَةً وَحِلماً اللّهُمَّ إِنّا نَتَوَجَّهُ إِلَیکَ فی هذِهِ العَشِیَّةِ الَّتی شَرَّفتَها
از روی مهربانی ورحمت وبردباری خداوندا بدرستیکه ما رو آوردیم بتو در این شام که تشریف دادی آنرا

وتسبیب
اولیائك
مستقلین

وعظّمتها بمحمّدٍ نبيّك ورسولك وخيرتك من خلقك وامينك على وحيك

وبزرك كردانيدهٔ انرا بمحمد پيغمبر تو ورسول تو وبركزيده تو از خلق تو وامين تو بر وحى تو

اللّهمّ فصلّ على البشير النّذير السّراج المنير الّذى انعمت به على المسلمين

خداوندا پس درود فرست بر بشارت دهنده ترساننده چراغ نور دهنده كه انعام كرده باو بر مسلمانان

وجعلته رحمةً للعالمين اللّهمّ فصلّ على محمّدٍ واله كما محمّدٌ اهلُ ذلك يا

وكردانيده اورا رحمت از براى عالميان خداوندا پس درود فرست بر محمد وال او چنانكه محمد سزاوار انست اى

عظيم صلّ عليه وعلى ال محمّدٍ المنتجبين الطّيّبين الطّاهرين اجمعين

بزرك درود فرست براو وبر ال محمد بركزيدكان پاكان پاكيزكان همه

وتغمّدنا بعفوك عنّا فاليك عجّت الاصوات بصنوف اللّغات و

وفرو بر مارا بعفو خود از ما پس بسوى تو بلند شده صداها باقسام لغتها و

اجعل لنا فى هذه العشيّة نصيبًا فى كلّ خيرٍ تقسمه ونورٍ تهدى به

بكردان از براى ما در اين شام نصيبى در هر خيرى كه قسمت نموده انرا ونورى كه هدايت كرده باُن

ورحمةٍ تنشرها وعافيةٍ تجلّلها وبركةٍ تنزلها ورزقٍ تبسطه يا ارحم

ورحمتى كه پهن كرده انرا وعافيتى كه بزرك كرده انرا وبركتى كه فرو فرستاده انرا وروزى كه پهن كرده انرا اى رحم كننده ترين

الرّاحمين اللّهمّ اقلبنا فى هذا الوقت منجحين مفلحين مبرورين غانمين

رحم كنندكان خداوندا بركردان مارا در اين وقت ظفر يابندكان رستكاران نيكوكاران غنيمت برندكان

ولا تجعلنا من القانطين ولا تخلنا من رحمتك ولا تحرمنا ما نؤمّله

ومكردان مارا از نوميدان وخالى مكردان مارا از رحمت خود ومحروم مكن مارا از انچه اميد داريم انرا

من فضلك ولا تردّنا خائبين ولا من بابك مطرودين ولا تجعلنا

از فضل تو وبر مكردان مارا نوميدان ونه از در خود رد كرده شدكان ومكردان مارا

من رحمتك محرومين ولا لفضل ما نؤمّله من عطاياك قانطين

از رحمت خود محرومان ونه از فضل انچه اميدواريم ما انرا از بخششهاى تو نوميدان

يا اجود الاجودين ويا اكرم الاكرمين اليك اقبلنا مؤمنين ولبيتك

اى بخشنده ترين بخشندكان واى كريمترين كريمان بسوى تو رو اورديم ايمان اورندكان واز براى خانهٔ تو

هو

موقنين

الحرام

حجّتنا

الحرام امّين قاصدين فاعنّا على مناسكنا واكمل لنا حجّتنا واعف اللّهمّ

كه حرمت مستجاب شود قصد كنندكان پس اعانت كن مارا بر عبادت ما وكامل كن از براى ما حج مارا ودركذر خداوندا

عنّا وعافنا فقد مددنا اليك ايدينا وهى بذلّة الاعتراف موسومة

از ما ومعافى دار مارا پس تحقيق كه كشيديم بسوى تو دستهاى خود را واين دستها بخوارى اعتراف بكناهان ناميده شده انند

اللّهمّ فاعطنا فى هذه العشيّة ما سألناك واكفنا ما استكفيناك

خداوندا پس عطا كن مارا در اين شب انچه سؤال كرديم ترا وكفايت كن مارا انچه طلب كفايت كرديم از تو

فلا كافى لنا سواك ولا ربّ لنا غيرك نافذٌ فينا حكمك محيطٌ بنا علمك

پس نيست كفايت كننده از براى ما غير تو ونيست پروردكارى از براى ما غير تو جاريست در ما حكم تو فرا كرفته است ما علم تو

عدلٌ فينا قضاؤك اقض لنا الخير واجعلنا من اهل الخير اللّهمّ اوجب

عدالت در ما حكم تو حكم كن از براى خير ما وبكردان مارا از اهل خير خداوندا واجب ساز

لنا بجودك عظيم الاجر وكريم الذّخر ودوام اليسر واغفر لنا ذنوبنا اجمعين

از براى ما بجود خود بزرك مزد را وكريم ذخيره را وهميشكى نعمت را وبيامرز از براى ما كناهان مارا همه

ولا تهلكنا مع الهالكين ولا تصرف عنّا رافتك برحمتك يا ارحم الرّاحمين

وهلاك مكن مارا با هلاك شدكان ومكردان از ما مهربانى خود را برحمت تو اى رحم كننده ترين رحيمان

اللّهمّ اجعلنا فى هذا الوقت ممّن سألك فاعطيته وشكرك فزدته

خداوندا بكردان مارا در اين وقت از كسى كه سؤال كند ترا پس عطا كنى اورا وشكر كند ترا پس زياد كنى اورا

وتاب اليك فقبلته وتنصّل اليك من ذنوبه كلّها فغفرتها له يا ذا

ورجوع كند بسوى تو پس قبول كنى انرا وبيزارى جويد بسوى تو از كناهان خود همه پس بيامرزى انرا از براى او اى صاحب

الجلال والاكرام اللّهمّ وفّقنا وسدّدنا واعصمنا واقبل

بزركى واكرام خداوندا توفيق ده مارا وتاييد نما مارا ونكاه دار مارا وقبول كن

تضرّعنا يا خير من سئل ويا ارحم من استرحم يا من لا يخفى عليه اغماض

زارى مارا اى بهترين كسى كه سؤال كرده بشود واى رحيمترين كسى كه طلب رحمت از او ميكنند اى انكه پنهان نيست براو برهم زدن

الجفون ولا لحظ العيون ولا ما استقرّ فى المكنون ولا ما انطوت

مژهها ونه نظر كردن چشمها ونه انچه قرار كرفته در پنهان ونه انچه پيچيده است

ورحمتك

عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ اَلاٰ كُلُّ ذٰلِكَ قَدْ اَحْصَاهُ عِلْمُكَ وَوَسِعَهُ حِلْمُكَ

بر او پنهانیهای دلهای آگاه باش که همه اینها بتحقیق که شمرده آنرا علم تو و وسعت داده آنرا بردباری تو

سُبْحَانَكَ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا تُسَبِّحُ لَكَ السَّمٰوَاتُ

منزهی تو و بلندمرتبه از آنچه میگویند ستمکاران بلندی بزرگ تسبیح میکنند برای تو آسمانها

السَّبْعُ وَالْاَرَضُونَ وَمَنْ فِيهِنَّ وَاِنْ مِنْ شَيْءٍ اِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ

هفتگانه و زمین و کسی که در آنهاست و نیست از چیزی مگر تسبیح میگوید بحمد تو پس مر تراست ستایش

وَالْمَجْدُ وَعُلُوُّ الْجَدِّ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالْاِنْعَامِ وَ

و بزرگی و بلندی عالی ای صاحب بزرگی و اکرام و فضل و انعام و

الْاَيَادِي الْجِسَامِ وَاَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ اَللّٰهُمَّ اَوْسِعْ

نعمتهای بزرگ و توئی بخشنده کریم مهربان رحیم خداوندا گشاده کن

عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي وَآمِنْ خَوْفِي وَاَعْتِقْ

بر من از روزی تو که حلالست و عافیت ده مرا در بدن من و دین من و ایمن کردان ترس مرا و آزاد کن

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اَللّٰهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي وَلَا تَخْذُلْنِي

گردن مرا از آتش خداوندا بومکر مکن مرا و مهلت مده در ارتکاب معاصی مرا و خوار مکردان مرا

وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ پس سر و دیدهٔ خود را بسوی آسمان بلند

و دفع کن از من شر فاسقان جن و انس را کرد و از دیدها آب مبارکش آب میریخت مانند

دو مشک و بصدای يَا اَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَيَا اَبْصَرَ النَّاظِرِينَ وَيَا اَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ

بلند گفت ای شنواترین شنوایان وای بیناترین نظر کنندگان وای سریعترین حساب کنندگان

وَيَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمَيَامِينَ وَاَسْئَلُكَ

وای رحم کننده ترین رحم کنندگان درود فرست بر محمد و آل محمد بزرگان صاحب یمنت و سؤال میکنم از تو

اَللّٰهُمَّ حَاجَتِيَ الَّتِي اِنْ اَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَاِنْ مَنَعْتَنِيهَا

خداوندا حاجت من بسوی تو که اگر عطا کنی مرا آن حاجت ضرر نمیرساند مرا آنچه باز داری از من و اگر منع کنی از آن

لَمْ يَنْفَعْنِي مَا اَعْطَيْتَنِي اَسْئَلُكَ فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

نفع نمیبخشد مرا آنچه عطا کنی مرا سؤال میکنم تو آزادی گردن خود از آتش نیست خدائی مگر تو

وحدک

موقف

ذوالحجة

وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْمُلْكُ وَلَكَ الْحَمْدُ وَاَنْتَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

یکتایی تو نیست شریکی از برای تو از برای تست پادشاهی و از برای تست سپاس و تو بر همه چیز قادری

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ پس مکرر میگفت يَا رَبِّ و صداها بگریه بلند شد و باد

ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگارا کردند و روانه جانب مشعر الحرام شدند و سید ابن طاوس

رحمه الله بسند معتبر روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که در روز

عرفه چون زوال شمس بشود نماز ظهر و عصر را بکن پس برو بجای وقوف و صد مرتبه اَللّٰهُ

اَكْبَرُ و صد مرتبه اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ و صد مرتبه سُبْحَانَ اللّٰهِ و صد مرتبه لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ و صد

مرتبه سوره قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ و صد مرتبه سورهٔ اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ بخوان پس این دعا را بخوان

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ

نیست خدائی مگر خدای بردبار کریم نیست خدائی مگر خدای بلند بزرگ و منزه است خدا

رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْاَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَبَيْنَهُنَّ وَ

پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار زمینهای هفتگانه و آنچه در آنهاست و میان آنهاست و

هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ اِيَّاكَ

اوست پروردگار عرش بزرگ و سپاس از برای خدای پروردگار عالمیانست خداوندا ترا

اَعْبُدُ وَاِيَّاكَ اَسْتَعِينُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اُرِيدُ اَنْ اُثْنِيَ عَلَيْكَ وَمَا عَسٰى

عبادت میکنم و از تو طلب یاری میکنم خداوندا بدرستیکه من اراده دارم که ثنا گویم بر تو و چه امید

اَنْ اَبْلُغَ مِنْ مَدْحِكَ مَعَ قِلَّةِ عَمَلِي وَقِصَرِ رَأْيِي وَاَنْتَ الْخَالِقُ وَاَنَا الْمَخْلُوقُ

اینکه برسم از مدح تو با کمی عمل من و کوتاهی رای من و توئی خلق کننده و منم خلق کرده شده

وَاَنْتَ الْمَالِكُ وَاَنَا الْمَمْلُوكُ وَاَنْتَ الرَّبُّ وَاَنَا الْعَبْدُ وَاَنْتَ الْعَزِيزُ

و توئی مالک و منم بنده و توئی پروردگار و منم بنده و توئی غالب

وَاَنَا الذَّلِيلُ وَاَنْتَ الْقَوِيُّ وَاَنَا الضَّعِيفُ وَاَنْتَ الْغَنِيُّ وَاَنَا الْفَقِيرُ

و منم خوار و توئی توانا و منم ناتوان و توئی بی نیاز و منم محتاج

وَاَنْتَ الْمُعْطِي وَاَنَا السَّائِلُ وَاَنْتَ الْغَفُورُ وَاَنَا الْخَاطِئُ وَاَنْتَ الْحَيُّ

و توئی بخشنده و منم سؤال کننده و توئی آمرزنده و منم خطا کننده و توئی زنده

الذی لا یموت وانا خلق اموت اللهم انت الله لا اله الا انت رب العالمین

وانت الله لا اله الا انت العزیز الحکیم وانت الله لا اله الا انت العلی

العظیم وانت الله لا اله الا انت الغفور الرحیم وانت الله لا اله الا

انت مالک یوم الدین وانت الله لا اله الا انت منک بدؤ الخلق و

الیک یعود وانت الله لا اله الا انت لم تزل ولا تزال وانت

الله لا اله الا انت خالق الجنة والنار وانت الله لا اله الا انت

خالق الخیر والشر وانت الله لا اله الا انت الواحد الاحد الفرد الصمد

لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد وانت الله لا اله الا انت

عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم وانت الله لا اله الا

انت الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر

سبحان الله عما یشرکون وانت الله لا اله الا انت الخالق البارئ

المصور لک الاسماء الحسنی یسبح لک ما فی السموات والارض و

منتهی کل شیء نز — انت بدیع کل شیء نز — لک نز

انت

انت العزیز الحکیم وانت الله لا اله الا انت الکبیر المتعال والکبریاء

رداؤک اللهم انک سابغ النعماء حسن البلاء جزیل العطاء مقسط

القضاء باسط الیدین بالرحمة نفاع بالخیرات کاشف الکربات رفیع

الدرجات منزل الایات من فوق سبع سموات عظیم البرکات مخرج

من فی الظلمات الی النور مبدل السیئات حسنات وجاعل الحسنات

درجات اللهم انک دنوت فی علوک وعلوت فی دنوک فدنوت فلیس

دونک شیء وارتفعت فلیس فوقک شیء تری ولا تری وانت بالمنظر

الاعلی فالق الحب والنوی لک ما فی السموات العلی ولک الکبریاء

فی الاخرة والاولی اللهم انک غافر الذنب شدید العقاب

ذو الطول لا اله الا انت الیک المصیر وسعت رحمتک کل شیء

وبلغت حجتک ولا معقب لحکمک وانت لا تخیب سائلک انت الذی

لا رافع لما وضعت ولا واضع لما رفعت انت الذی انبت کل شیء

فتاح نز — مخرج من النور الی الظلمات نز — الذنوب نز

بحكمتك واحصيت كل شيء بعلمك وابرمت كل شيء بحكمك ولا يفوتك

بحكمت خود وشمرده هر چیزی را بعلم خود ومحکم کرده هر چیزرا بحکم خود وفوت نمیشود ترا

شيء بعلمك ولا يمتنع عنك شيء انت الذي لا يعجزك هاربك ولا يرتفع

چیزی بدانائی تو و ممنع نمیشود از تو چیزی توئی آنکه عاجز نکرده ترا گریزانی وبلند نشده

صريعك ولا يحيى قتيلك انت علوت فقهرت وملكت فقدرت

افتاده تو وزنده نمیشود کشته تو توئی که بلندی پس قهر کرده و مالک شده پس تقدیر کرده

وبطنت فخبرت وعلى كل شيء ظهرت علمت خائنة الاعين وما تخفي

و پنهان کرده پس خبر داده و بر هر چیز ظاهر شده داننده خیانت چشمها را وآنچه پنهان میدارد

الصدور وتعلم ما تحمل كل انثى وما تضع وما تغيض الارحام وما

سینها و میدانی آنچه بر میدارد هر انثی وآنچه میگذارد وآنچه کم میکنند شکمها وآنچه

تزداد وكل شيء عندك بمقدار انت الذي لا تنسى من ذكرك ولا

زیاد میشود و هر چیزی نزد تو باندازه است توئی آنکه فراموش نمیکنی کسیرا که یاد کند ترا و نه

تضيع من توكل عليك انت الذي لا يشغلك ما في جو ارضك عما في

میکنی آدمی ضایع کسی را که توکل کند بر تو توئی آنکه مشغول نمیکند ترا آنچه در میان زمین توست از آنچه در

جو سماواتك ولا يشغلك ما في جو سماواتك عما في جو ارضك انت الذي

میان آسمانهای توست و مشغول نمیکند ترا آنچه در میان آسمانهای تست از آنچه در میان زمین تست توئی آنکه

تعززت في ملكك ولم يشركك احد في جبروتك انت الذي ملا كل

غالب شده در ملک خود و شریک نیست ترا احدی در بزرگی تو توئی آنکه بلندی کرده هر

شيء ملكك ومالك كل شيء امرك انت الذي ملكت الملوك بقدرتك

چیزرا پادشاهی تو و مالک است هر چیزیرا امر تو توئی آنکه مالک شده پادشاهانرا بقدرت خود

واستعبدت الارباب بعزتك وانت الذي قهرت كل شيء بقوتك

و عبادت فرموده ارباب را بغلبه خود و توئی آنکه قهر کرده هر چیزیرا بقوت خود

وعلوت كل شيء بفضلك انت الذي لا يستطاع كنه وصفك ولا

و بلندی کرده هر چیز را بفضل خود توئی آنکه قادر نمیشوند کنه صفت ترا و نیست

ولا منتهى

منتهى لما عندك انت الذي لا يصف الواصفون عظمتك ولا يستطيع

انتها از برای آنچه نزد تواست توئی آنکه وصف نمیتوانند کرد وصف کنندگان بزرگی ترا و نتوانند

المزايلون تحويلك انت شفاء لما في الصدور وهدى ورحمة للمؤمنين

زایل کنندگان گردانیدن ترا تو شفائی از برای آنچه در سینهاست و هدایت و رحمتی از برای مؤمنان

انت الذي لا يحفيك سائل ولا ينقصك نائل ولا يبلغ مدحك مادح و

توئی که باز نمیدارد ترا سؤال کننده و کم نمیکند ترا آرزو کننده و نمیرسد مدح ترا مدح کننده و

لا قائل انت الكائن قبل كل شيء والمكون لكل شيء والكائن بعد كل

نه گوینده توئی ثابت پیش از هر چیز وایجاد کننده هر چیزرا و ثابت بعد از هر

شيء انت الواحد الصمد الذي لم تلد ولم تولد ولم يكن له كفوا احد

چیز توئی فرد بی نیازی که نزائیده و زائیده نشده و نمیباشد از برای تو همسر احدی

ولم تتخذ صاحبة ولا ولدا السموات ومن فيهن لك والارضون

و فرا نگرفته صاحبه و نه فرزندی آسمانها و کسیکه در آنهاست از برای تو و زمینها را

ومن فيهن لك وما بينهن وما تحت الثرى احصيت كل شيء واحطت

و کسیکه در آنهاست از برای توست و آنچه میان آنهاست و آنچه در زیر زمین است شمرده هر چیزیرا و فرا گرفته

به علما وانت تزيد في الخلق ما تشاء وانت لا تسئل عما تفعل وهم

بآن از روی علم و توئی که زیاد میکنی در خلق هر قدر میخواهی و تو سؤال کرده نمیشوی از آنچه میکنی و ایشان

يسئلون وانت الفعال لما تريد وانت القريب وانت البعيد

سؤال کرده میشوند و تو کننده از برای آنچه اراده میکنی و توئی نزدیک و توئی دور

وانت السميع وانت البصير وانت الماجد وانت الواحد و

و توئی شنوا و توئی بینا و توئی بزرگ کننده و توئی یکتا و

انت العليم وانت الحكيم وانت الغني وانت الكريم وانت البار

توئی دانا و توئی حکیم و توئی بی نیاز و توئی کریم و توئی نیکوکار

وانت الرحيم وانت القادر وانت القاهر لك الاسماء الحسنى

و توئی رحیم و توئی قادر و توئی قاهر از برای توست نامهای نیکو

لك

بينهما ز

البارئ

كلها وانت الجواد الذي لا يبخل وانت العزيز الذي لا تذل وانت
همه ونو بى بخشنده كه بخل نميكنى ونو بى غالبى كه خوار نميشوى ونو بى
ممتنع لا ترام يسبح لك ما في السموات والارض وانت بالخير اجود
امتناع كننده كه ميل نميكنى تسبيح ميكند براى نو انچه در اسمانها ودر زمين است ونو بيكى بخشنده ترى
منك بالشر انت ربي ورب آبائي الاولين انت تجيب المضطر
از نو ببدى نو پروردگار من وپروردگار پدران من از پيشينيان نو اجابت ميكنى مضطر را
اذا دعاك انت نجيت نوحا من الغرق وانت غفرت لداود ذنبه
هرگاه بخواند نو را نو نجات دادى نوح را از غرق شدن ونو امرزيدى از براى داود گناه او را
وانت نفست عن ذي النون كربه وانت كشفت عن ايوب ضره وانت
ونو برداشتى از يونس اندوه او را ونو برطرف كردى از ايوب ضرر او را ونو
رددت موسى على امه وانت صرفت قلوب السحرة اليك حتى قالوا امنا
بر گردانيدى موسى را بر مادرش ونو بر گردانيدى دلهاى ساحران را بسوى خود تا انكه گفتند ايمان اورديم
برب العالمين وانت ولي نعمة الصالحين لا يذكر منك الا الحسن
بپروردگار عالميان ونو بى صاحب نعمت شايستگان ياد كرده نميشود از نو مگر نيكوى
الجميل وما لا يذكر اكثر لك الآلاء والنعم وانت المحسن المجمل لا
بزرك وانچه ياد كرده نميشود بيشتر است از براى نو است نعمتها ونعم ونو بى نيكويى كننده احسان كننده
تبلغ مدحتك ولا الثناء عليك انت كما اثنيت على نفسك سبحانك
رسيده نميشود مدح ترا ونه ثناء بر ترا نو چنانى كه ثنا كرده بر نفس خود منزهى نو
وبحمدك تباركت اسماؤك وجل ثناؤك ما اعظم شانك واجل مكانك
ومشغوليم بحمد نو بزرگست نامهاى نو وبزرگست ثناى نو چه بزرگست شان نو وچه جليل است مكان نو
وما اقربك من عبادك والطفك بخلقك وامنعك بقوتك انت اعز
وچه نزديكى از بندگان خود ومهربانترى بخلق خود ومانعترى بتوانايى خود نو بى عزيزترى
واجل واسمع وابصر واعلى واكبر واظهر واشكر واقدر واعلم واخبر
وبزرگتر وشنواتر وبيناتر وبلندتر وبزرگتر وظاهرتر وشكر كننده تر وقادرتر وداناتر وخبر كننده تر

واكبر

واكبر واعظم واقرب واملك واوسع وامنع واعطى واحكم وافضل واحمد
وبزرگتر وعظيمتر ونزديكتر ومالكتر ووسيعتر ومنيعتر وبخشنده تر وحكيمتر وفاضلتر ومحمودتر
من ان يدرك العيان عظمتك او يصف الواصفون صفتك او يبلغوا
از انكه ادراك كند چشمها بزرگى ترا يا وصف كنند وصف كنندگان صفت ترا يا برسند
غايتك اللهم انت الله الذي لا اله الا انت اجل من ذكر واشكر من
غايت ترا خداوندا نو بى خدايى كه نيست خدايى مگر نو بزرگترى از كسى كه ياد كرده شود وشكر كننده ترى
عبد وارءف من ملك واجود من سئل واوسع من اعطى تحلم بعدما
عبادت كرده شد ومهربانترى از كسى كه مالك است وبخشنده ترى از كسى كه سؤال كرده شود ووسيعترى كسى كه عطا كند حلم ميكنى بعد از انچه
تعلم وتعفو وتغفر بعد ما تقدر لم تطع قط الا باذنك ولم تعص
ميدانى ودر ميگذرى ومى امرزى بعد از انچه تقدير كرده اطاعت كرده نشدى هرگز مگر برخصت خود وعصيان كرده نشدى
قط الا بقدرتك تطاع ربنا فتشكر وتعصى ربنا فتغفر اللهم انت
هرگز مگر بقدرت نو اطاعت كرده شده پروردگار ما پس شكر ميكنى وعصيان كرده ميشوى پروردگار ما پس مى امرزى خداوندا نو
اقرب حفيظ وادنى شهيد حلت بين القلوب واخذت بالنواصي
نزديكترين حفظ كنندگانى ونزديكترين حاضرانى حايل شده ميان دلهاى وفرا گرفتى بر موهاى پيشانى و
احصيت الاعمال وعلمت الاخبار وبيدك المقادير والقلوب اليك
شمرده اعمال را ودانستى نيكوكاران را وبدست نو است اندازها ودلها بسوى نو
مقتصدة والسر عندك علانية والمهتدي من هديت والحلال
روندگانند وپنهان نزد نو اشكار است وراه يابنده كسيست كه راهنمايى كرده وحلال
ما حللت والحرام ما حرمت والدين ما شرعت والامر ما قضيت تقضي
چيزيست كه نو حلال كرده وحرام انچيزيست كه حرام كرده نو ودين چيزيست كه وضع كرده نو وامر چيزيست كه حكم كرده نو حكم ميكنى
ولا يقضى عليك اللهم انت الاول فليس قبلك شيء وانت الاخر فليس
وحكم كرده نميشود بر نو خداوندا نو بى اول پس نيست پيش نو چيزى ونو بى اخر پس نيست
بعدك شيء وانت الظاهر فليس فوقك شيء وانت الباطن فليس دونك
بعد از نو چيزى ونو بى ظاهر پس نيست بالاى نو چيزى ونو بى باطن پس نيست نزد نو

تدرك العيون

شكر

مقتصدة

كماه

حين

واخبر

شَيءٍ وَأَنتَ العَزِيزُ الحَكِيمُ اللّٰهُمَّ بِيَدِكَ مَقادِيرُ اللَّيلِ وَالنَّهارِ وَبِيَدِكَ
چیز و توئی غالب حکیم خداوندا بدست تست اندازهای شب و روز و بدست تست

مَقادِيرُ الشَّمسِ وَالقَمَرِ وَبِيَدِكَ مَقادِيرُ النَّصرِ وَالخِذلانِ وَبِيَدِكَ
اندازهای آفتاب و ماه و بدست تست اندازهای یاری و خواری و بدست تست

مَقادِيرُ الدُّنيا وَالآخِرَةِ وَبِيَدِكَ مَقادِيرُ المَوتِ وَالحَياةِ وَبِيَدِكَ
اندازهای دنیا و آخرت و بدست تست اندازهای مرگ و زندگی و بدست تست

مَقادِيرُ الخَيرِ وَالشَّرِّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغفِر لِي كُلَّ ذَنبٍ أَذنَبتُهُ
اندازهای خیر و شر درود فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز از برای من هر گناهی که کرده ام

فِي ظُلَمِ اللَّيلِ وَضَوءِ النَّهارِ عَمداً أَو خَطاءً سِرّاً أَو عَلانِيَةً إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ
در تاریکیهای شب و روشنی روز از روی عمد و خطا از روی پنهانی یا ظاهر بدرستیکه تو بر هر

شَيءٍ قَدِيرٌ وَهُوَ عَلَيكَ سَهلٌ يَسِيرٌ وَلا حَولَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللّٰهِ العَلِيِّ
چیز قادری و او بر تو آسان سهل است و نیست حولی و نه قوتی مگر بخدای بلند

العَظِيمِ اللّٰهُمَّ إِنِّي أُثنِي عَلَيكَ بِأَحسَنِ ما أَقدِرُ عَلَيكَ وَأَشكُرُكَ بِما
بزرگ خداوندا بدرستیکه من ثنا میکنم بر تو بنیکوتر آنچه قدرت دارم بر آن و شکر میکنم ترا بآنچه

مَنَنتَ بِهِ عَلَيَّ وَعَلَّمتَنِي مِن شُكرِكَ اللّٰهُمَّ لَكَ الحَمدُ بِمَحامِدِكَ كُلِّها عَلىٰ
منت گذاشته بآن بر من و تعلیم کردی مرا از شکر خود خداوندا مر تراست حمد بستایشهای تو همه بر

نَعمائِكَ كُلِّها وَعَلىٰ جَمِيعِ خَلقِكَ حَتّىٰ يَنتَهِيَ الحَمدُ لَكَ إِلىٰ ما تُحِبُّ رَبَّنا
نعمتهای تو همه و بر همه خلق تو تا آنکه منتهی شود حمد از برای تو بسوی آنچه دوست میداری پروردگار ما

وَتَرضىٰ اللّٰهُمَّ لَكَ الحَمدُ عَدَدَ ما خَلَقتَ وَعَدَدَ ما أَرَدتَ وَعَدَدَ ما ذَرَأتَ
و خوشنود شوی خداوندا مر تراست سپاس شماره آنچه خلق کرده و شماره آنچه اراده کرده و شماره آنچه خلق کرده

وَلَكَ الحَمدُ عَدَدَ ما بَرَأتَ وَلَكَ الحَمدُ عَدَدَ ما أَحصَيتَ وَلَكَ عَدَدَ
و مر تراست حمد شماره آنچه ایجاد کرده و مر تراست حمد شماره آنچه بشماره کرده و مر تراست شماره

عَدَدَ ما فِي السَّماواتِ وَالأَرَضِينَ وَلَكَ الحَمدُ مِلءَ الدُّنيا وَالآخِرَةِ
آنچه در آسمانها و زمینهاست و مر تراست حمد پری دنیا و آخرت

الخذلان والنصر

الحمد حد

بلو

پس ده لا إِلٰهَ إِلّا اللّٰهُ وَحدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ المُلكُ وَلَهُ الحَمدُ يُحيِي
مرتبه بگوید نیست خدائی مگر خدا یگانه است او نیست شریکی مر او را از برای اوست پادشاهی و از برای اوست حمد زنده میکند

وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ الخَيرُ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَدِيرٌ ده مرتبه
و میمیراند و اوست زنده که نمیمیرد بدست اوست خیر و او بر هر چیز قادر است بگوید

أَستَغفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ الحَيُّ القَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيهِ ده مرتبه
طلب آمرزش میکنم از خدائی که نیست خدائی مگر او زنده توانا و برمیگردم بسوی او بگوید

يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ ده مرتبه يا رَحمٰنُ يا رَحمٰنُ وده مرتبه يا رَحِيمُ يا رَحِيمُ
ای خدا ای خدا بگوید ای بخشنده ای بخشنده بگوید ای مهربان ای مهربان

وده مرتبه يا بَدِيعَ السَّماواتِ وَالأَرضِ وده يا ذَا الجَلالِ وَالإِكرامِ وده
بگوید ای ایجاد کننده آسمانها و زمین مرتبه ای صاحب بزرگی و اکرام مرتبه

يا حَنّانُ يا مَنّانُ وده يا حَيُّ يا قَيُّومُ وده بِسمِ اللّٰهِ الرَّحمٰنِ الرَّحِيمِ وده
ای بخشنده ای منت گذارنده مرتبه ای زنده ای قایم مرتبه بنام خدای بخشنده مهربان مرتبه

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ پس اللّٰهُمَّ لَكَ الحَمدُ وَلَكَ الحَمدِ وَمُنتَهىٰ
خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد بگوید خداوندا مر تراست حمد تمام حمد و منتهی

الحَمدِ وَفِيَّ العَهدِ عَزِيزَ الجُندِ قَدِيمَ المَجدِ الحَمدُ لِلّٰهِ الَّذِي كانَ عَرشُهُ
حمد و وفا کننده عهد غالب لشکر دایم بزرگی سپاس از برای خدائی که بود عرش او

عَلىٰ الماءِ حِينَ لا شَمسٌ تُضِيءُ وَلا قَمَرٌ يَسرِي وَلا بَحرٌ يَجرِي وَلا رِياحٌ
بر آب وقتی که نبود آفتاب روشنی دهنده و نه ماه سیر کننده و نه دریای جاری شونده و نه باد

تَذرِي وَلا سَماءٌ مَبنِيَّةٌ وَلا أَرضٌ مَدحِيَّةٌ وَلا لَيلٌ يَجِنُّ وَلا نَهارٌ
وزنده و نه آسمان بنا شده و نه زمین پهن شده و نه شب تاریکی و نه روز

يُكِنُّ وَلا عَينٌ تَدمَعُ وَلا صَوتٌ يُسمَعُ وَلا جَبَلٌ مُرسىً وَلا سَحابٌ
که بپوشاند و نه چشمی که اشک بریزد و نه صدائی که شنیده شود و نه کوهی که بلند شود و نه ابر

مُنشَئٌ وَلا إِنسٌ مَبرُوءٌ وَلا جِنٌّ مَذرُوءٌ وَلا مَلَكٌ كَرِيمٌ وَلا شَيطانٌ رَجِيمٌ
پیدا کننده و نه آدمی آفریده و نه جن پراکنده و نه ملک کریم و نه شیطان رانده شده

منتهی

مرسی

مبروء

وَلاظِلٌّ مَمْدُودٌ وَلا شَيْءٌ مَعْدُودٌ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اسْتَحْمَدَ اِلَى مَنِ

و نه سایهٔ کشیده شده و نه چیزی شمرده شده سپاس از برای خدائی که محمود شده نسوی کسی

اسْتَحْمَدَهُ مِنْ اَمَلِ مَحَامِدِهِ لِيَحْمَدُوهُ عَلَى مَا بَذَلَ مِنْ نَوَافِلِهِ الَّذِي فَاقَ مَدْحَ

حمد کرده او را از اهل حمد کنندگان او از جهت حمد کنند او را بر آنچه بخشیده از زیادتیهای اکثر ... بلند است مدح

الْمَادِحِينَ مَآثِرُ مَحَامِدِهِ وَعَلَا وَصْفَ الْوَاصِفِينَ هَيْبَةُ جَلَالِهِ هُوَ اَهْلٌ

مدح کنندگان اختیار کننده حمدهای او و تجاوز کرده وصف کرده و وصف کنندگان هیبت بزرگی او را و اهل است

لِكُلِّ حَمْدٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ وَقَاضِي كُلِّ حَاجَةٍ اَلْوَاحِدُ الَّذِي لَا بَدْءَ لَهُ

از برای هر حمد و منتهای هر رغبت و بر آورنده هر حاجت یکتائی که نیست ابتدای از برای او

اَلْمَلِكُ الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ الرَّفِيعُ الَّذِي لَيْسَ فَوْقَهُ نَاظِرٌ ذُو الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ

پادشاهی که نیست زوالی از برای او رفیعی که نیست فوق او نظر کننده صاحب آمرزش و رحمت

اَلْمَحْمُودُ لِبَذْلِ نَوَالِهِ الْمَعْبُودُ لِهَيْبَةِ جَلَالِهِ الْمَذْكُورُ بِحُسْنِ الْآلَاءِ الْمَنَّانُ

حمد کرده شده از برای بخشیدن نعمتهای خود عبادت کرده شده از برای هیبت بزرگی او یاد کرده شده بنیکوئی نعمتهای او منت گذارنده

بِسَعَةِ فَوَاضِلِهِ الْمَرْغُوبُ اِلَيْهِ فِي تَمَامِ الْمَوَاهِبِ مِنْ خَزَائِنِهِ الْعَظِيمُ الشَّأْنِ

بوسعت زیادتیهای او رغبت کرده شده بسوی او در تمام بخششهای از خزینهای او بزرگ مرتبه

الْكَرِيمُ فِي سُلْطَانِهِ الْعَلِيُّ فِي مَكَانِهِ الْمُحْسِنُ فِي امْتِنَانِهِ الْجَوَادُ فِي فَوَاضِلِهِ

کریم در پادشاهی او بلند در مکان خود نیکوئی کننده در امتنان خود بخشنده در زیادتیهای خود

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بَارِئِ خَلْقِ الْمَخْلُوقِينَ بِعِلْمِهِ وَمُصَوِّرِ اَجْسَادِ الْعِبَادِ بِقُدْرَتِهِ

سپاس از برای خدای خالق خلق کرده مخلوقات را بعلم خود و تصویر کرده بدنهای عباد را بقدرت خود

وَمُخَالِفِ صُوَرِ مَنْ خَلَقَ مِنْ خَلْقِهِ وَنَافِخِ الْاَرْوَاحِ فِي خَلْقِهِ بِعِلْمِهِ

و مخالف کننده صورتهای کسی که خلق کرده از خلق خود و دمنده روحها در خلق خود بعلم خود

وَمُعَلِّمِ مَنْ خَلَقَ مِنْ عِبَادِهِ اِسْمَهُ وَمُدَبِّرِ خَلْقِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ بِعَظَمَتِهِ

و تعلیم کننده کسی که خلق کرده از بندگان خود نام خود را و تدبیر کننده خلق آسمانها و زمین بعظمت خود

اَلَّذِي وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقُ كُرْسِيِّهِ وَعَلَا بِعَظَمَتِهِ فَوْقَ الْاَعْلَيْنَ وَقَهَرَ

کسی که وسعت داده هر چیز را خلق کرسی او و بلند شده بعظمت خود بالای بالاها و قهر کرده

الْمُلُوكَ بِجَبَرُوتِهِ الْجَبَّارِ الْاَعْلَى الْمَعْبُودِ فِي سُلْطَانِهِ الْمُتَسَلِّطِ بِقُوَّتِهِ الْمُتَعَالِي

پادشاهان را بجبروت خود جبار بلند عبادت کرده شده در پادشاهی خود سلط بتوانائی خود بلند مرتبه

فِي دُنُوِّهِ الْمُتَدَانِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ فِي ارْتِفَاعِهِ الَّذِي نَفَذَ بَصَرُهُ فِي خَلْقِهِ وَ

در نزدیکی خود نزدیک از هر چیز در بلند بودن خود که نفوذ کرده بینائی او در خلق او و

حَارَتِ الْاَبْصَارُ بِشُعَاعِ نُورِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْحَلِيمِ الرَّشِيدِ الْقَوِيِّ الشَّدِيدِ

حیران شده دیدها بسبب شعاع نور او سپاس برخدای حکیم رشید توانای شدید

الْمُبْدِئِ الْمُعِيدِ الْفَعَّالِ لِمَا يُرِيدُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ مُنْزِلِ الْآيَاتِ وَكَاشِفِ الْكُرُبَاتِ

ابتدا کننده اعاده کننده بسیار کننده از برای آنچه اراده میکند حمد از برای خدای فرو فرستانده آیات و برطرف کننده مشقتها

وَمُعْطِي السُّؤَالَاتِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فِي كُلِّ مَكَانٍ وَفِي كُلِّ زَمَانٍ وَفِي كُلِّ اٰوَانٍ اَلْحَمْدُ

و دهنده سؤالها سپاس از برای خدا در هر مکان و در هر زمان و در هر اوان سپاس

لِلّٰهِ الَّذِي لَا يَنْسَى مَنْ ذَكَرَهُ وَلَا يُخَيِّبُ مَنْ دَعَاهُ وَلَا يَذِلُّ مَنْ وَالَاهُ الَّذِي يَجْزِي

از برای خدائی که فراموش نمیکند کسی را که یاد کند او را و نا امید نمیکند کسی را که بخواند او را و خوار نمیکند کسی را که دوست دارد او را آنکه جزا میدهد

بِالْاِحْسَانِ اِحْسَانًا وَبِالصَّبْرِ نَجَاةً اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي

باحسان احسان و بصبر نجاة سپاس از برای خدائی که از برای اوست آنچه در آسمانها و آنچه در

الْاَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فَاطِرِ السَّمٰوَاتِ وَ

زمین است و از برای اوست سپاس در آخرت و اوست حکیم دانا سپاس از برای خدای خلق کننده آسمانها و

الْاَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا اُولِي اَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي

زمین گرداننده ملائکه رسولان صاحبان بالها دو تا و سه تا و چهار تا زیاد میکند در

الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ اِنَّ اللّٰهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ

خلق آنچه میخواهد بدرستی که خدا بر هر چیز قادر است منزه است خدا و سپاس از برای خدا و نیست خدا

اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَسُبْحَانَ

مگر خدا و خدا بزرگتر و نیست حولی و نه قوتی مگر بخدای بلند بزرگ و منزه است

اللّٰهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَعَشِيًّا

خدا هنگامی که شام کنند و هنگامی صبح کنند و از برای اوست سپاس در آسمانها و زمین و شام

تُظْهِرُونَ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ اٰنَاۤءَ اللَّيْلِ وَاَطْرَافَ النَّهَارِ وَسُبْحَانَ

دروقت پیشین ومنزهست خدا دروقتهای شب وطرفهای روز ومنزهست

اللّٰهِ بِالْغُدُوِّ وَالْاٰصَالِ وَسُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ

خدا دروقت صبح وشامها ومنزهست پروردگار تو پروردگار عزت از انچه وصف میکنند او را

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كَمَا

وسلام بر فرستاده شدگان و حمد از برای خدای پروردگار عالمیان وسپاس از برای خدا چنانکه

يُحِبُّ وَيَرْضَى حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا وَسُبْحَانَ اللّٰهِ كَمَا سَبَّحَ اللّٰهَ شَيْءٌ وَكَمَا

دوست میدارد ومی‌پسندد سپاس بسیار پاك ومنزهست خدا چنانکه تسبیح کرده خدا را چیزی وچنانکه

يُحِبُّ اللّٰهُ اَنْ يُسَبَّحَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كُلَّمَا حَمِدَ اللّٰهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللّٰهُ اَنْ يُحْمَدَ

دوست میدارد خدا اینکه تسبیح کرده شود وسپاس از برای خدا هر قدر که حمد کند خدا را چیزی وچنانکه دوست میدارد خدا اینکه حمد کرده شود

وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ كُلَّمَا هَلَّلَ اللّٰهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللّٰهُ اَنْ يُهَلَّلَ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ

ونیست خدائی مگر خدا هر قدر که تهلیل کند خدا را چیزی وچنانکه دوست میدارد خدا اینکه تهلیل کرده شود وخدا بزرگتر

كُلَّمَا كَبَّرَ اللّٰهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللّٰهُ اَنْ يُكَبَّرَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

هر قدر که تکبیر کند خدا را چیزی وچنانکه دوست میدارد خدا اینکه تکبیر کرده شود ونیست گردیدنی ونه توانائی

اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ پس بخوان این اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ يَا اَللّٰهُ

مگر بخدای بلند بزرگ دعای محزون را خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا ای خدا

يَا رَحْمٰنُ هفت بِاَسْمَاۤئِكَ الرَّضِيَّةِ الْمَرْضِيَّةِ الْمَكْنُونَةِ يَا اَللّٰهُ اَللّٰهُمَّ

ای بسیار بخشنده مرتبه بنامهای تو که پسندیده پسندیده شده پنهانست ای خدا خداوندا

اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاَسْمَاۤئِكَ الْكَبِيرَةِ الْكِبْرِيَاۤئِيَّةِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

بدرستی که من سؤال میکنم ترا بنامهای تو که بزرگ کبریائی تو خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا

بِاَسْمَاۤئِكَ الْعَزِيزَةِ الْمَنِيعَةِ وَاَسْئَلُكَ بِاَسْمَاۤئِكَ التَّامَّةِ الْكَامِلَةِ

بنامهای تو که عزیز سربلند وسؤال میکنم ترا بنامهای تو که تمام کامل

الْمَشْهُورَةِ يَا اَللّٰهُ وَاَسْئَلُكَ بِاَسْمَاۤئِكَ الَّتِي هِيَ رِضَاكَ يَا اَللّٰهُ وَاَسْئَلُكَ

مشهورست ای خدا وسؤال میکنم ترا بنامهای تو که آن پسندیده تست ای خدا وسؤال میکنم ترا

بِاَسْمَاۤئِكَ لَا يَرُدُّهَا دُونَكَ اَحَدٌ يَا اَللّٰهُ وَاَسْئَلُكَ مِنْ مَسَاۤئِلِكَ بِمَا

بنامهای تو که رد نمیکند آنها را غیر تو کسی ای خدا وسؤال میکنم ترا از مسائل تو بانچه

عَاهَدْتَ اَوْفَى الْعَهْدِ يَا اَللّٰهُ اَنْ لَا تُخَيِّبَ سَاۤئِلَكَ يَا اَللّٰهُ وَاَسْئَلُكَ

عهد کرده اوفی ترین عهد ای خدا اینکه ناامید نکردانی سائل خود را ای خدا وسؤال میکنم ترا

بِجُمْلَةِ مَسَاۤئِلِكَ الَّتِي لَا يَفِي بِحَمْلِهَا شَيْءٌ غَيْرُكَ يَا اَللّٰهُ هفت وَاَسْئَلُكَ

بهمه مسئلهای تو که وفا نمیکند بر برداشتن آنها چیزی غیر تو ای خدا مرتبه وسؤال میکنم ترا

بِكُلِّ اسْمٍ اَوْجَبْتَهُ وَكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ وَكُلِّ مَسْئَلَةٍ حَتَّى يَنْتَهِيَ اِلَى اسْمِكَ

بهر اسمی که واجب کرده او را وهر اسمی که او از برای تواست وهر مسئلتی تا آنکه منتهی شود به بسوی اسم تو

الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الْاَكْبَرِ الْاَكْبَرِ الْعَلِيِّ الْاَعْلَى الَّذِي اسْتَوَيْتَ بِهِ عَلَى

که بزرگ بزرگ بزرگتر بزرگتر بلند بلندتر که مستولی شده بان بر

عَرْشِكَ وَاسْتَقْلَلْتَ بِهِ عَلَى كُرْسِيِّكَ وَهُوَ اسْمُكَ الْفَاضِلُ الْكَامِلُ

عرش خود ومستقل شده بان بر کرسی خود واو نام تواست که فاضل کاملست

الَّذِي فَضَّلْتَهُ عَلَى جَمِيعِ اَسْمَاۤئِكَ يَا رَحْمٰنُ هفت وَاَسْئَلُكَ بِمَا لَا اَعْلَمُ

که زیادتی داده او را بر همه نامهای تو ای بسیار بخشنده مرتبه وسؤال میکنم ترا بانچه نمیدانم

مَا لَوْ عَلِمْتُهُ لَسَاَلْتُكَ بِهِ يَا اَللّٰهُ وَبِكُلِّ اسْمٍ اسْتَاْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ

انچه اگر میدانستم او را هر آینه سؤال میکردم ترا بان ای خدا وبهر نام که اختیار کرده بان در علم پنهان

عِنْدَكَ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحْمٰنُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ

نزد تو ای بخشنده ای بخشنده اینکه درود فرستی بر محمد بنده تو ورسول تو وپیغمبر تو

وَاَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَخَاصَّتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ وَ

وامین تو ودوست تو وبرگزیده تو از خلق تو وخاصه تو از خلقان تو و

نَجِيِّكَ وَنَجِيبِكَ وَحَبِيبِكَ وَصَفِيِّكَ وَعَلَى اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ

دوست تو وبرگزیده تو ودوست تو وبرگزیده تو وبر اهل بیت محمد وترحم کن

عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ كَاَفْضَلِ وَاَجْمَلِ وَاَزْكَى وَاَطْهَرِ وَاَعْظَمِ وَاَكْثَرِ

بر محمد واهل بیت محمد بهتر ونیکوتر وپاکیزه‌تر وپاکتر وبزرگتر وبیشتر

وَاَتِمَّ مَا صَلَّيْتَ عَلَى اَحَدٍ مِنْ اَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ اَللّٰهُمَّ

وتمامتر از آنچه درود فرستاده بر احدی از پیغمبران تو ورسولان تو ای صاحب بزرگی واکرام خداوندا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ فِي الْاَوَّلِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ فِي الْاٰخِرِينَ وَ

درود فرست بر محمد وآل محمد در اولین ودرود فرست بر محمد وآل محمد در آخرین و

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَاِ الْاَعْلَى وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ فِي

درود فرست بر محمد وآل محمد در ملاء اعلی ودرود فرست بر محمد وآل محمد در

النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ اَللّٰهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّدًا صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ الْوَسِيلَةَ

پیغمبران ورسولان خداوندا عطا کن محمد را درود تو بر او وآل او وسیله

وَالْفَضِيلَةَ وَالشَّرَفَ وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ اَللّٰهُمَّ اَكْرِمْ مَقَامَهُ

وزیادتی وشرف ومرتبه بلند خداوندا بزرگ کن مقام اورا

وَشَرِّفْ بُنْيَانَهُ وَعَظِّمْ نُورَهُ وَبُرْهَانَهُ وَبَيِّضْ وَجْهَهُ وَاَعْلِ كَعْبَهُ

ومشرف ساز بنیان اورا وبزرگ کن نور اورا وبرهان اورا وسفید کن روی اورا وبلند کن کعب اورا

وَاَفْلِجْ حُجَّتَهُ وَاَظْهِرْ عُذْرَهُ وَدَعْوَتَهُ وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ كَمَا بَلَّغَ

وتمام کن حجت اورا وظاهر کن عذر اورا ودعوت اورا وقبول کن شفاعت اورا چنانکه رسانید

رِسَالَاتِكَ وَتَلَا اٰيَاتِكَ وَاَمَرَ بِطَاعَتِكَ وَاَتْمَرَ بِهَا وَنَهَى عَنْ مَعْصِيَتِكَ

رسالات ترا وخواند آیات ترا وامر کرد بطاعت تو وامارت کرد بآن ونهی کرد از معصیت تو

وَانْتَهَى عَنْهَا فِي سِرٍّ وَعَلَانِيَةٍ وَجَاهَدَ حَقَّ الْجِهَادِ فِيكَ وَعَبَدَكَ

وقبول نهی کرد از آن در پنهان وآشکار وجهاد کرد حق جهاد در راه تو وپرستید ترا

مُخْلِصًا حَتَّى اَتَاهُ الْيَقِينُ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى اَهْلِهِ اَللّٰهُمَّ ابْعَثْهُ

خالص تا آنکه آمد اورا مرگ درود تو بر او وبر اهل او خداوندا مبعوث کن اورا

مَقَامًا مَحْمُودًا يَغْبِطُهُ عَلَيْهِ الْاَوَّلُونَ وَالْاٰخِرُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ

مقام محمودی که خوشحال شوند بآن پیشینیان وپسینیان از پیغمبران

وَالْمُرْسَلِينَ اَللّٰهُمَّ اسْتَعْمِلْنَا بِسُنَّتِهِ وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَابْعَثْنَا

وفرستاده شدگان خداوندا بدار ما را بسنت او وبمیران ما را بر ملت او وبرانگیزان ما را

فِي شِيعَتِهِ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَتَّبِعُهُ وَلَا تَحْجُبْنَا عَنْ

در شیعه او ومحشور کن ما را در زمره او وبگردان ما را از کسانی که پیروی کنند اورا ومحجوب مشو ما را از

رُؤْيَتِهِ وَلَا تَحْرِمْنَا مُرَافَقَتَهُ حَتَّى تُسْكِنَنَا غُرَفَهُ وَتُخَلِّدَنَا فِي جِوَارِهِ

دیدن او ومحروم مکن ما را رفاقت او تا آنکه ساکن گردانی ما را غرفهای او ومخلد بداری ما را در همسایگی او

رَبِّ اِنِّي اَحْبَبْتُهُ فَاَحِبَّنِي لِذَلِكَ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُ طَرْفَةَ

پروردگارا بدرستیکه من دوست دارم اورا پس دوست دار مرا از برای این ومفارقت مینداز میان من ومیان او یک بهم زدن

عَيْنٍ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ اَذْهَبْتَ

چشم در دنیا وآخرت خداوندا درود فرست بر محمد وآل محمد آنانکه برده

عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لَهُمْ فَتْحًا يَسِيرًا وَ

از ایشان پلیدی را وپاک گردانیده ایشان را پاک کردانیدنی خداوندا بگشا از برای ایشان گشادن آسانی و

انْصُرْهُمْ نَصْرًا عَزِيزًا وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا اَللّٰهُمَّ

یاری کن ایشان را یاری غالبی وبگردان از برای ایشان از نزد تو پادشاهی یاری کننده خداوندا

مَكِّنْ لَهُمْ فِي الْاَرْضِ وَاجْعَلْهُمْ اَئِمَّةً وَاجْعَلْهُمُ الْوَارِثِينَ اَللّٰهُمَّ اَرِهِمْ

تمکین ده ایشان را در زمین وبگردان ایشان را پیشوایان وبگردان ایشان را وارثان خداوندا بنمای ایشان را

فِي عَدُوِّهِمْ مَا يَاْمُلُونَ وَاَرِ عَدُوَّهُمْ مِنْهُمْ مَا يَحْذَرُونَ اَللّٰهُمَّ

در دشمن ایشان آنچه آرزو دارند وبنما دشمنان ایشان را از ایشان آنچه حذر میکنند خداوندا

اجْمَعْ بَيْنَهُمْ فِي خَيْرٍ وَعَافِيَةٍ اَللّٰهُمَّ عَجِّلِ الرَّوْحَ وَالْفَرَجَ لِاٰلِ مُحَمَّدٍ

جمع کن میان ایشان در خیر وعافیت خداوندا زود کن راحت وفرج را از برای آل محمد

اَللّٰهُمَّ اجْمَعْ عَلَى الْهُدَى اَمْرَهُمْ وَاجْعَلْ قُلُوبَهُمْ عَلَى قُلُوبِ خِيَارِهِمْ

خداوندا جمع کن بر هدایت امر ایشان را وبگردان دلهای ایشان را بر دلهای خوبان ایشان

وَاَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِهِمْ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ اَنْ

وشایسته کن آنرا میان ایشان بدرستیکه تو پسندیده بزرگی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از آنکه

تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَغْفِرَ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَمَا وَلَدَا

درود فرستی بر محمد وآل محمد وآنکه بیامرزی از برای من واز برای پدر ومادر من وآنچه زائیده‌اند

تسکنا نو

اذهب الله نو

وطهرهم نو

وَاَعْتِقْهُمَا مِنَ النَّارِ وَارْحَمْهُمَا وَارْضِهِمَا عَنِّي وَاغْفِرْ لِكُلِّ وَالِدٍ لِي

و آزاد کن هر دو را از آتش و رحم کن هر دو را و راضی کن هر دو را از من و بیامرز از برای هر والد از برای من

دَخَلَ فِي الْاِسْلَامِ وَلِاَهْلِي وَوُلْدِي وَجَمِيعِ قَرَابَاتِي اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

که داخل شده در اسلام و از برای اهل من و فرزندان من و همه خویشان من بدرستی که تو بر همه چیز قادری

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي وَجَمِيعَ وَرَثَةِ اَبِي وَاِخْوَانِي فِيكَ مِنْ اَهْلِ وَلَايَتِكَ وَ

خداوندا بگردان مرا و همه وارثان پدر مرا و برادران مرا در راه تو از اهل ولایت تو و

مَحَبَّتِكَ فَاِنَّهُ لَا يَقْدِرُ عَلَى ذٰلِكَ غَيْرُكَ يَا رَحْمٰنُ اَللّٰهُمَّ اَوْزِعْنِي اَنْ

محبت تو پس بدرستی که قدرت ندارد بر این غیر تو ای بسیار بخشنده خداوندا قسمت کن مرا اینکه

اَشْكُرَكَ وَاَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي اَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَاَنْ اَعْمَلَ صَالِحًا

شکر کنم ترا و شکر کنم نعمت ترا که انعام کرده بر من و بر پدر و مادر من و اینکه بکنم عمل شایسته

تَرْضٰهُ وَاَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي اِنِّي تُبْتُ اِلَيْكَ وَاِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَاجْزِ

که بپسندی آنرا و شایسته کن از برای من در اولاد من بدرستی که من رجوع کردم بسوی تو و بدرستی که من از مسلمانانم و جزا بده

وَالِدَيَّ خَيْرَ مَا جَزَيْتَ وَالِدًا عَنْ وَلَدِهِ وَاجْعَلْ ثَوَابَهُمَا عَنِّي جَنَّاتِ النَّعِيمِ

پدر و مادر مرا بهترین اجر جزا داده پدری را از فرزندش و بگردان ثواب ایشانرا از من جنات نعیم

وَاغْفِرْ لَنَا وَلِاِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْاِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا

و بیامرز از برای ما و از برای برادران ما آنانکه سبقت گرفتند بر ما با ایمان و مگردان در دلهای ما

غِلًّا لِلَّذِينَ اٰمَنُوا رَبَّنَا اِنَّكَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ وَاغْفِرْ لَنَا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَ

کینه از برای آنانکه ایمان آوردند پروردگار ما بدرستی که تو مهربان رحیمی و بیامرز از برای ما و از برای مؤمن مردان و

الْمُؤْمِنَاتِ الْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِهِمْ وَاجْمَعْ

زنان مؤمنه زنده از ایشان و مردها خداوندا شایسته کن اینها میان ایشان و جمع کن

عَلَى الْهُدٰى اَمْرَهُمْ وَاجْعَلْنِي وَاِيَّاهُمْ عَلَى طَاعَتِكَ وَمَحَبَّتِكَ اَللّٰهُمَّ

بر هدایت امر ایشانرا و بگردان مرا و ایشانرا بر طاعت تو و محبت تو خداوندا

وَالْمُمْ شَعَثَهُمْ وَاحْقِنْ دِمَاءَهُمْ وَوَلِّ اَمْرَهُمْ خِيَارَهُمْ اَهْلَ الرَّاْفَةِ

و جمع کن پراکندگی ایشانرا و حفظ کن خونهای ایشانرا و متولی شو امر ایشانرا بهترین ایشانرا اهل مهربانی

وَمَحَبَّتِكَ نخ

والرحمة

وَالرَّحْمَةِ وَالْمَعْدِلَةِ عَلَيْهِمْ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

و رحمت و معدلت بر ایشان بدرستی که تو بر همه چیز قادری ای پروردگار ای پروردگار

اَللّٰهُمَّ بَدِيعَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ذَا الْجَلَالِ

خداوندا ایجاد کننده آسمانها و زمین دانای پنهان و آشکار صاحب بزرگی

وَالْاِكْرَامِ وَالْجُودِ وَالْقُوَّةِ وَالسُّلْطَانِ وَالْجَبَرُوتِ وَالْمَلَكُوتِ

و اکرام و بخشش و توانائی و پادشاهی و بزرگی و پادشاهی

وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَالْقُدْرَةِ وَالْمِدْحَةِ وَالرَّهْبَةِ وَالرَّغْبَةِ

و بزرگواری و بزرگی و قدرت و مدح و ترس و رغبت

وَالْجُودِ وَالْعُلُوِّ وَالْحُجَّةِ وَالْهُدٰى وَالطَّاعَةِ وَالْعِبَادَةِ وَ

و جود و بلندی و حجت و هدایت و طاعت و عبادت و

الْاَمْرِ وَالْخَلْقِ وَكُلُّ شَيْءٍ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا

امر و خلق و همه چیزی مر تو است ای پروردگار عالمیان ای پروردگار ای پروردگار ای

رَبِّ اَسْئَلُكَ يَا رَبِّ سُؤَالَ الضَّارِعِينَ الْمُتَضَرِّعِينَ الْمَسَاكِينَ

پروردگار سؤال میکنم ترا ای پروردگار سؤال زاری کنندگان تضرع کنندگان مسکینان

الْمُسْتَكِينِينَ الرَّاغِبِينَ الرَّاهِبِينَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ سِوَاكَ

عاجزان رغبت کنندگان ترسناکان آنانکه نمی‌یابند غیر ترا

يَا مَنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَيَكْشِفُ الضُّرَّ وَيُجِيبُ الدَّاعِيَ وَيُعْطِي السَّائِلَ

ای کسی که اجابت میکند مضطر را و برمیدارد ضرر را و اجابت میکند دعا را و عطا میکند سائل را

اَسْئَلُكَ يَا رَبِّ سُؤَالَ مَنْ لَمْ يَجِدْ لِضَعْفِهِ مُقَوِّيًا وَلَا لِذَنْبِهِ

سؤال میکنم ترا ای پروردگار سؤال کسی که نمی‌یابد از برای ناتوانی خود قوت دهنده و نه از برای گناه خود

غَافِرًا وَلَا لِفَقْرِهِ سَادًّا غَيْرَكَ اَسْئَلُكَ سُؤَالَ مَنِ اشْتَدَّتْ

آمرزنده و نه از برای بیچارگی خود سد کننده غیر ترا سؤال میکنم ترا سؤال کسی که سخت است

فَاقَتُهُ وَضَعُفَتْ قُوَّتُهُ وَكَثُرَتْ ذُنُوبُهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ

بیچارگی او و ناقصانست توانائی او و بسیار است گناهان او ای صاحب بزرگی و اکرام

الصَّالِحِينَ نخ

الْمُسْتَكِينِينَ

لَا يَجِدُونَ نخ

يا ربّ يا ربّ يا ربّ اسئلك يا ربّ مسئلة كلّ سائل و رغبة كلّ

ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار سوال میکنم ترا ای پروردگار سوال هر سوال کننده و رغبت هر

راغب بذل لذا دعيت اجبت و بحقّ السّائلين عليك و بحقّ صفوتك

رغبت کننده که مجتبی هر گاه خوانده شوی اجابت میکنی و بحق سوال کنندگان بر تو و بحق برگزیده تو

من عبادك و منتهى العزّ من عرشك و منتهى الرّحمة من كتابك ان لا تستدرجنى

از بندگان تو و انتهای عزت از عرش تو و انتهای رحمت از کتاب تو اینکه و امگذار مرا

بخطيئتى و لا تجعل مصيبتى فى دينى و اذكرنى يا ربّ برضاك و لا

بخطاهای من و مگردان مصیبت مرا در دین من و یاد کن مرا ای پروردگار من برضای خود و

تنسنى حين تنشر رحمتك و اقبل علىّ بوجهك الكريم و امنن علىّ

فراموش مکن مرا وقتی که پهن میکنی رحمت خود را و رو آور بر من بذات مقدس تو که کریم است و منت نه بر من

بكرامتك يا كريم العفو و استجب دعائى و ارحم تضرّعى فانّى

بکرامت خود ای کریم العفو و اجابت کن دعای من و ترحم کن زاری مرا پس بدرستیکه من

بائس فقير خائف مستجير من عذابك لا اثق بعملى و لكنّى اثق

ملالکم فقیرم ترسانم پناه برنده ام از عذاب تو اعتماد ندارم بعمل خود ولکن من اعتماد دارم

برحمتك يا ربّ يا ربّ يا ربّ اللّهمّ كن بى حفيّا و لا تجعلنى

برحمت تو ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار خداوندا باش بمن مهربان و مگردان مرا

بدعائك ربّ شقيّا و امنن علىّ بعافيتك و اعتق رقبتى من

بخواندن تو پروردگار من بدبخت و منت نه بر من بعافیت خود و آزاد کن گردن مرا از

النّار فانّى لا استغيث بغيرك و استجيرك فاجرنى من كلّ هول

آتش پس بدرستیکه من فریاد نمیکنم بغیر تو و پناه میبرم بتو پس پناه ده مرا از هر هول

و مشقّة و خوف و امن خوفى و شجّع جبنى و قوّ ضعفى و سدّ فاقتى

و مشقت و خوف و ایمن ده خوف مرا و دلیر کن ترس مرا و قوت ده ضعف مرا و ببند بیچارگی

و اصلح لى جميع امورى يا ربّ اعوذ بك من هول المطّلع و من

و شایسته کن از برای من همه کارهای مرا ای پروردگار پناه میبرم بتو از هول روز قیامت و از

تنسنی حین تنشر برحمتک نه

شدة

شدّة الموقف يوم الدّين فانّك تجير و لا يجار عليك يا ربّ يا ربّ

سختی موقف را روز جزا پس بدرستیکه تو پناه میدهی و پناه داده نمیشود بر تو ای پروردگار ای پروردگار

يا ربّ اللّهمّ لا تعرض عنّى حين ادعوك و لا تصرف عنّى وجهك

ای پروردگار خداوندا اعراض مکن از من وقتی که میخوانم ترا و برمگردان از من روی خود را

حين اسئلك فلا ربّ لى سواك و اعطنى مسئلتى و امن خوفى يوم

وقتی که سوال میکنم ترا پس نیست پروردگاری از برای من غیر تو و عطا کن مرا مسئلت من که و ایمن کن ترس مرا در روز

القائك اللّهمّ انّى اعوذ بك فاعذنى فانّى ضعيف خائف مستجير

ملاقات کنم ترا خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو پس پناه ده مرا پس بدرستیکه من ناتوان ترسان پناه برنده

بائس فقير يا ربّ يا ربّ يا ربّ اللّهمّ اكشف ضرّ ما استعذتك

ناامید محتاجم ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار خداوندا برطرف کن بدحالی آنچه طلب پناه کردم ترا

منه و البسنى رحمتك و جلّلنى عافيتك و امنّى برحمتك فانّك

از او و بپوشان مرا رحمت خود و بزرگ گردان از برای من عافیت خود را و ایمن کن مرا برحمت خود پس بدرستیکه تو

تجير و لا يجار عليك اللّهمّ انّى اعوذ بك من وحشة القبر و

پناه میدهی و پناه داده نمیشود بر تو خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از وحشت قبر و

من خلوته و من ظلمته و ضيقه و عذابه و من هول ما اتخوّف

از تنهایی او و از تاریکی او و تنگی او و عذاب او و از هول آنچه میترسم

بعده يا ربّ العالمين يا ربّ يا ربّ يا ربّ اللّهمّ انّى اسئلك

بعد از آن ای پروردگار عالمیان ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا

ان تصلّى على محمّد و اهل بيته صفوتك و خيرتك من خلقك و ان

اینکه درود فرستی بر محمد و اهل بیت او برگزیده تو و اختیار کرده تو از خلق تو و اینکه

تستجيب لى دعائى و تعطينى سؤلى و اكفنى امر آخرتى و دنياى و

اجابت کنی از برای من دعای مرا و عطا کنی مرا سوال من و کفایت کنی مرا امر آخرت من و دنیای و

ارحم فاقتى و اغفر ذنوبى ما تقدّم منها و ما تاخّر و آتنى فى الدّنيا

رحم کنی بیچارگی مرا و بیامرزی گناهان مرا آنچه گذشته از آن و آنچه میاید و بدهی مرا در دنیا

عنی

وضیقته

حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنِي بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ اَللّٰهُمَّ

نیکی و در آخرت نیکی ونگاه دار مرا برحمت خود از عذاب آتش خداوندا

اُرْزُقْنِي صِلَةَ قَرَابَتِي وَحَجّاً مَقْبُولاً وَعَمَلاً صَالِحاً مَبْرُوراً تَرْضَاهُ مِمَّنْ

روزی کن مرا صله خویشان خود وحج مقبول وعمل شایسته نیکو که بپسندی آن از کسی

عَمِلَ بِهِ وَاَصْلِحْ لِي اَهْلِي وَوَلَدِي وَاَسْئَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ لِي عَقِباً صَالِحاً

عمل کرده باو و شایسته کن از برای من عیال من وفرزند مرا وسؤال میکنم ترا اینکه بگردانی از برای من فرزند شایسته

تُلْحِقُنِي مِنْ دُعَائِهِمْ رِضْوَاناً وَمَغْفِرَةً وَزِيَادَةً فِي كَرَامَاتِكَ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ

که ملحق سازی مرا از دعای ایشان برضوان وآمرزش وزیادتی در کرامت تو بدرستی که تو بر هم

شَيْءٍ قَدِيرٌ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ وَ

چیزی قادری و تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار خداوندا و

كُلَّمَا كَانَ فِي قَلْبِي مِنْ شَكٍّ اَوْ رِيبَةٍ اَوْ جُحُودٍ اَوْ قُنُوطٍ اَوْ فَرَحٍ اَوْ مَرَحٍ

هر انچه بود در دل من از شک یا ریب یا انکار یا ناامیدی یا خوشحالی یا تکبر

اَوْ بَطَرٍ اَوْ فَخْرٍ اَوْ خُيَلاءَ اَوْ جُبْنٍ اَوْ خِيفَةٍ اَوْ رِيَاءٍ اَوْ سُمْعَةٍ اَوْ

یا تکبر زیاد یا مفاخرت یا خیالهای باطل یا ترس یا وهم یا ریا یا سمعه یا

شِقَاقٍ اَوْ نِفَاقٍ اَوْ كُفْرٍ اَوْ فُسُوقٍ اَوْ عِصْيَانٍ اَوْ عَظَمَةٍ اَوْ شَيْءٍ مِمَّا

شقاوت یا نفاق یا کفر یا فسق یا نافرمانی یا بزرگی یا چیزی از انچه

لاَ تُحِبُّ عَلَيْهِ اَوْلِيَاءَكَ فَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تَمْحُوَ ذَلِكَ

دوست نمیداری بران دوستان خود را پس سؤال میکنم ترا بحق محمد وآل محمد اینکه محو کنی این را

مِنْ قَلْبِي وَاَنْ تُبَدِّلَنِي مَكَانَهُ اِيمَاناً وَعَدْلاً وَرِضاً بِقَضَائِكَ وَوَفَاءً

از دل من واینکه بدل دهی بر مکان او ایمان و عدالت وخشنودی بقضای تو ووفا

بِعَهْدِكَ وَوَجَلاً مِنْكَ وَزُهْداً فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً فِي مَا عِنْدَكَ

بعهد تو وترس از تو وبی رغبتی در دنیا ورغبت در انچه نزد توست

وَثِقَةً بِكَ وَطُمَأْنِينَةً اِلَيْكَ وَتَوْبَةً اِلَيْكَ نَصُوحاً يَا رَبِّ يَا رَبِّ

واعتماد بتو وطمانینه بسوی تو وتوبه بسوی تو نصوح ای پروردگار ای پروردگار

لقضائك

اللهم

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي وَلَمْ اَكُ شَيْئاً مَذْكُوراً فَاَعِنِّي عَلَى اَهْوَالِ الدُّنْيَا

خداوندا از تست حمد چنانکه خلق کردی مرا ونبودم چیزی یاد کرده شده پس یاری کن مرا بر ترسهای دنیا

وَبَوَائِقِ الدَّهْرِ وَنَكَبَاتِ الزَّمَانِ وَكُرُبَاتِ الآخِرَةِ وَمُصِيبَاتِ اللَّيَالِي

وما بلهای روزگار ونکبتهای زمان ومشقتهای آخرت ومصیبتهای شبها

وَالاَيَّامِ وَاكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الاَرْضِ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لِي فِي قَدَرِكَ

وروزها وکفایت کن مرا بدی انچه میکنند ستمکاران در زمین خداوندا برکت ده از برای من در تقدیر خود

وَرَضِّنِي بِقَضَائِكَ اَللّٰهُمَّ افْتَحْ مَسَامِعَ قَلْبِي لِذِكْرِكَ وَارْزُقْنِي شُكْراً

وراضی کن مرا بقضای خود خداوندا بگشا گوشهای دلم را از برای یاد تو وروزی کن مرا شکر

وَتَوْفِيقاً وَعِبَادَةً وَخَشْيَةً يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

وتوفیق وعبادت وترس ای پروردگار عالمیان ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار

اَللّٰهُمَّ اطَّلِعْ اِلَيَّ الْيَوْمَ اطِّلاَعَةً تُدْخِلُنِي بِهَا الْجَنَّةَ اَللّٰهُمَّ اسْتَجِبْ دُعَائِي

خداوندا نظر کن بسوی من در این روز نظری که داخل کنی مرا بان در بهشت خداوندا اجابت کن دعای مرا

وَاقْبَلْهُ مِنِّي وَاجْعَلْهُ دُعَاءً جَامِعاً يُوَافِقُ بَعْضُهُ بَعْضاً فَاِنَّ كُلَّ شَيْءٍ

وقبول کن اورا از من وبگردان اورا دعای جمع کننده که موافقت کند بعضی او با بعضی پس بدرستی که هر چیز

عِنْدَكَ بِمِقْدَارٍ اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْهُ مِنْ شَأْنِكَ فَاِنَّكَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ

نزد تو بمقدار است خداوندا وبگردان اورا از شان خود پس بدرستی که تو هر روز در کاری

اَللّٰهُمَّ وَاكْتُبْهُ لِي فِي عِلِّيِّينَ فِي كِتَابٍ لاَ يُمْحَى وَلاَ يُبَدَّلُ بِاَنْ تَقُولَ قَدْ

خداوندا وبنویس اورا از برای من در اعلی علیین در کتابی که حک نمیشود وتبدیل نمیشود باینکه بگوئی بتحقیق

غَفَرْتُ لِعَبْدِي مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَاَخَّرَ وَاسْتَجَبْتُ لَهُ دَعْوَتَهُ وَوَفَّقْتُهُ

آمرزیدم از برای بنده خود انچه پیش کرده از گناه وانچه خواهد کرد واجابت کردم از برای او دعای او وتوفیق دادم او را

وَاصْطَفَيْتُهُ لِنَفْسِي وَكَرَّمْتُهُ وَفَضَّلْتُهُ وَعَصَمْتُهُ وَهَدَيْتُهُ وَزَكَّيْتُهُ وَاَصْلَحْتُهُ

وبرگزیدم او را از برای خود وگرامی داشتم او را وزیادتی دادم او را ونگاهداشتم او را وراه نمودم او را وپاکیزه کردانیدم او را وشایسته کردم او را

وَاسْتَخْلَصْتُهُ وَغَفَرْتُ لَهُ وَعَفَوْتُ عَنْهُ آمِينَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

وخالص کردانیدم او را وآمرزیدم او را ودرگذشتم از گناهان او اجابت کن ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار

واستخلصته

اللهم انی اتوجه الیک بنبیک نبی الرحمة محمد صلی الله علیه واله فی

خداوندا بدرستیکه من متوجه شدم لسوی تو بپیغمبر تو پیغمبر رحمت محمد درود فرستاد خدا بر او و آل او در

خلاصی وخلاص والدی وما ولدا واهلی وولدی وجمیع ذریتی ابی

خلاصی خود وخلاصی پدر من ومادر خود وانچه زاییده اند وعیال خود وفرزندان خود وهمه اولاد پدر خود

واخوانی فیک وجمیع المؤمنین والمؤمنات وکل ولد دخل فی الاسلام من

وبرادران خود در راه تو وهمه مردان مومن وزنان مومنه وهر فرزندی از برای من که داخل باشد در دین اسلام ان

اهوال یوم القیمة ومن شر عذاب القبر ومن هموم الدنیا والاخرة واهوالها

هولهای روز قیامت واز بدی عذاب قبر و از اندوههای دنیا واخرت وهولهای ان

واسئلک ان تزوقنی عنها وتصرف عنی شرها وتثبتنی بالقول الثابت

وسوال میکنم ترا انکه دور کنی مرا از ان وبگردانی از من بدی انرا وثابت داری مرا بر قول ثابت

فی الحیوة الدنیا وفی الاخرة انک رؤف رحیم وصلی الله علی محمد واله و

در زندگی دنیا ... ودر اخرت بدرستیکه تو مهربان بخشنده ودرود فرستاد خدا بر محمد وال او و

سلم کثیرا وحسبنا الله ونعم الوکیل یا رب یا رب یا رب اللهم

سلام فرستاد بسیار وبس است ما را خدا و خوب وکیلی ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار خداوندا

انی اسئلک ان تصرف عنی شر کل جبار عنید وشیطان مرید وشر کل

بدرستیکه من سوال میکنم ترا انکه بگردانی از من بدی هر جبر کنند معاندی را و شیطان رانده وبدی هر

ضعیف من خلقک وشدید ومن شر السامة والهامة واللامة والخاصة

ناتوان از خلق تو وسخت اورا واز بدی ملوک کننده وجنبنده وملامت کننده وخاص

والعامة ومن شر کل دابة صغیرة او کبیرة باللیل والنهار ومن شر فسقة

وعام واز شر هر جنبنده کوچک یا بزرگ بشب و روز واز شر فاجران

الجن والانس انک علی کل شیء قدیر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

جن والنس بدرستیکه تو بر همه چیزی قادری ونیست حولی ونه قوتی مگر بخدای بلند بزرگ

وصلی الله علی محمد واله خیر مخلوق دعا الی خیر معبود اللهم ربنا

ودرود فرستاد خدا بر محمد وال او بهترین مخلوقی که خواند بسوی خیر معبودی خداوندا پروردگار ما

واتنا فی الدنیا حسنة وفی الاخرة حسنة وقنا برحمتک عذاب النار یا

وبده ما را در دنیا نیکی ودر اخرت نیکی ونگاهدار ما را برحمت خود از عذاب اتش ای

رب یا رب یا رب اللهم وما کان من خیر او عمل صالح اسئلک به و

پروردگار ای پروردگار ای پروردگار خداوندا وانچه بود از خیر یا عمل شایسته سوال میکنم ترا بان و

اکون فی رضوانک وعافیتک وما صلح من ذلک من البر فامنن علی به

میباشم در خشنودی تو وعافیت تو وانچه شایسته است از این از نیکی پس منت گذار بر من بان

انی الیک راغب وبک مستجیر اللهم ما استعفیتک منه وما لم استعفک

بدرستیکه من بسوی تو رغبت کننده ام وبتو پناه برنده ام خداوندا انچه طلب عافیت کردم ترا از ان وانچه طلب عافیت نکردم ترا

منه وتوجب علی به النار وسخطک فعافنی منه وما عدت من المخازی

از ان و واجب شده بر من بسبب ان اتش و غضب تو پس عافیت ده مرا از ان وانچه برگردیدم از خواری

یوم القیمة وسوء المطلع الی ما فی القبور فاعذنی منه اللهم وما اندم علیه

روز قیامت وبدی مطلع بسوی انچه در قبرهاست پس نگاه دار مرا از ان خداوندا وانچه پشیمان شوم بر ان

من فعلی له واجازی علیه یوم المعاد او ترانی فی الدنیا علی الحال التی تورث سخطک

از فعل خود مر انرا وجزا داده میشوم بران روز برگشت یا بینی مرا در دنیا بر حالی که موروث شود غضب ترا

فاسئلک بوجهک الکریم ان تعظم عافیتی من جمیع ذلک یا ولی العافیة

پس سوال میکنم ترا بذات مقدس تو کرمیت انکه بزرگ کنی عافیت مرا از همه اینها ای صاحب عافیت

یا رب یا رب یا رب واسئلک یا رب مع ذلک العافیة من جهد

ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار وسوال میکنم ترا ای پروردگار با اینها عافیت از مشقت

البلاء وسوء القضاء وشماتة الاعداء وان تحملنی ما لا طاقة لی به

بلا و بدی حکم وشماتت دشمنان وانکه بار نکنی بر من انچه طاقت نیست از برای من بان

وان تسلط علی ظالما او تبتلینی بما لا طاقة لی به وتناقشنی الحساب یوم

وانکه مسلط کنی بر من ستم کننده را یا مبتلا کنی مرا بانچه نیست طاقت از برای من بان و مناقشه کنی مرا در حساب روز

الحساب مناقشة بما وی احوج ما اکون الی عفوک وتجاوزک اسئلک

حساب سخت گیری برابر که محتاج ترم انچه میباشم لسوی عفو تو ودرگذشتن تو سوال میکنم ترا

والدی

فاعفنی

اغتفرت

یا رب

بوجهك الكريم ان تعظم عافيتي في جميع ذلك يا ولي العافية اى من

بذات تو كه كريمست انكه بزرك كنى عافيت مرا در همه اينها اى صاحب عافيت اى كسى

عفى عن السيئات ولم يجاز بها ارحم عبدك يا رب يا رب يا رب يا الله

در گذرنده از بديها و جزا نميدهد بان رحم كن بنده خودت را اى پروردگار اى پروردگار اى پروردگار اى خدا

يا الله يا الله نفسي نفسي ارحم عبدك يا سيداه عبدك بين يديك يا رباه

اى خدا اى خدا نفس من نفس رحم كن بنده ترا اى اقا بنده تو پيش روى تواست اى پروردگار

يا رباه يا منتهى رغبتاه يا مجري الدم في عروق عبدك عبدك يا سيداه

اى پروردگار اى منتهى رغبت اى جارى كننده خون در ركهاى من بنده ترام بنده توام اى اقا

يا مالك عبده يا سيداه يا مالكاه يا هو يا رباه لا حيلة لي ولا غناء لي

اى مالك بنده خود اى اقا اى پادشاه اى او اى پروردگار نيست حيله از براى من و نه بى نيازى

عن نفسي ولا استطيع لها ضرا ولا نفعا ولا رجاء لي ولا احد اصانعه

از نفس من و استطاعت ندارم از براى ان ضررى را و نه نفعى و نيست اميدى از براى و نيست احدى كه كارش

تقطعت اسباب الخدائع عني واضمحل عني كل باطل افردني الدهر اليك

قطع شده اسباب حيلها از من و ناپديد شده از من هر باطل تنها كرده مرا روزگار بسوى تو

فقمت هذا المقام الهي بعلمك فكيف انت صانع بي ليت شعري ولا اشعر

پس ايستادم اين مكان خداى من بعلم تو پس چگونه تو كننده اى كاش ميدانستم و نميدانم

كيف تقول لدعائي اتقول نعم او تقول لا فان قلت لا فيا ويلتاه يا ويلتاه

چگونه ميگوئى از براى دعاى من اياميگوئى بلى يا ميگوئى نه پس اگر گوئى نه پس واى بر من اى بدحالى من

يا ويلتاه يا عولتاه يا عولتاه يا عولتاه يا شقوتاه يا شقوتاه يا شقوتاه

اى بدحالى اى درماندگى اى درماندگى اى درماندگى اى بدبختى اى بدبختى من اى بدبختى

يا ذلاه يا ذلاه يا ذلاه الى من والى عند من او كيف او بماذا او الى

اى خوارى اى خوارى اى خوارى بسوى كى و بسوى نزد كى يا چگونه يا بچه يا بسوى

اي شيء ومن ارجو او من يعود علي ان رفضتني يا واسع المغفرة

چه چيز و كى را اميدوار شوم يا كى بر گردد بر من اگر نزد كنى مرا اى واسع امرزش

وان

فطوبى لى انا المسعود

وان قلت نعم كما الظن بك فطوبى لي انا السعيد فطوبى لي انا المرحوم

و اگر بگوئى بلى چنانكه گمانست بتو پس خوشا حال من من نيكبختم پس خوشا حال من من مرحوم

يا مترحم يا مترئف يا متعطف يا محيي يا متملك يا متسلط لا

اى رحم كننده اى مهربانى كننده اى مهربانى كننده اى زنده اى پادشاه اى مسلط بر همه چيز نيست

مقسط

ايا متجبر

عمل لي ارجو به نجاح حاجتي ولا احد انفع لي منك يا من عرفني نفسه

عملى از براى من كه اميدوار شوم ان بر اوردن حاجت خود را و نيست احدى نافع تر از براى من از تو اى كسى كه شناسانيد مرا نفس خود

يا من امرني بطاعته يا مدعو يا مسئول يا مطلوب اليه رفضت

اى كسى كه امر كرد مرا بطاعت خود اى خوانده شده اى سوال كرده شده اى طلب كرده شده بسوى او ترك كردم

وصيتك التي اوصيتني ولو اطعتك لكفيتني ما قمت اليك فيه من

وصيت تو را كه وصيت كردى مرا و اگر اطاعت ميكردم ترا هر اينه كفايت ميكردى مرا انچه را بپا داشتم بسوى تو در ان از

قبل ان اقوم وانا مع معصيتي لك راج فلا تحل بيني وبين ما رجوته و

پيش از انكه بپا دارم و من با نافرمانى خودم مر ترا اميدوارم پس حايل مشو ميان من و ميان انچه اميد دادم او را

ملائى

اردد يدي ملاء من خيرك بحقك يا سيدي يا وليي انا من قد عرفت شر عبد

رد كن دست مرا پر از خير تو بحق تو اى سيد من اى صاحب اختيار من كسى ام كه بتحقيق كه شناختى بد بنده

وانت خير رب يا مختشي الانتقام يا رب يا رب يا رب يا الله يا الله

و تو بهترين پروردگارى اى ترسانيده با نتقام اى پروردگار اى پروردگار اى پروردگار اى خدا اى خدا

يا الله يا محيط بملكوت السموات والارض اصلحني لدنياي واصلحني

اى خدا اى احاطه كننده بملكوت اسمانها و زمين شايسته كن مرا از براى دنياى من و شايسته كن مرا

لوالدى

لديني واصلحني لاخرتي واصلحني لاهلي واصلحني لولدي واصلحني لما خولتني

از براى دين من و شايسته كن مرا از براى اخرت من و شايسته كن مرا از براى عيال من و شايسته كن مرا از براى فرزندان من و شايسته كن مرا از براى انچه دادى

يا الهي واصلحني من خطاياي يا حنان يا منان تفضل علي برحمتك و

اى خداى من و شايسته كن مرا از خطاهاى من اى بخشنده اى منت گذارنده اى بخشنده بر من برحمت خود و

امنن علي باجابتك وصل اللهم على محمد النبي واهله وسلم وجل

منت گذار بر من باجابت خود و درود فرست خدايا بر محمد پيغمبر و اهلا و سلام فرست

بيني وبين ما حلت بينه وبين اهل بيت محمد من الباطل وآتنا في الدنيا حسنة
میان من و میان آنچه حایل شدی میان او و میان اهل بیت محمد از باطل و بده ما را در دنیا نیکی
وفي الآخرة حسنة يا ارحم الراحمين پس بگو بسم الله الرحمن الرحيم والهكم اله
و در آخرت نیکی ای رحم کننده ترین رحم کنندگان بنام خدای بخشنده مهربان و خدای شما خدای
واحد لا اله الا هو الرحمن الرحيم الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه
یکتاست نیست خدایی مگر او بخشنده مهربانست خدایی که نیست خدایی مگر او زنده توانا است نمیگیرد او را
سنة ولا نوم له ما في السموات وما في الارض من ذا الذي يشفع عنده
پینکی و نه خواب از برای اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست کیست آن کس که شفاعت میکند نزد او
الا باذنه يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه الا
مگر برخصت او میداند آنچه میان پیش روی ایشانست و آنچه پس ایشانست و احاطه نمیکنند ایشان بچیزی از علم او مگر
بما شاء وسع كرسيه السموات والارض ولا يؤده حفظهما وهو
بآنچه خواسته وسعت داده کرسی او آسمانها و زمین را و مانع نمیشود او را حفظ هر دو و او
العلي العظيم الم الله لا اله الا هو الحي القيوم هو الذي يصوركم
بلند بزرگست خدایی که نیست خدایی مگر او زنده توانا است اوست کسی که تصویر کرده شما را
في الارحام كيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم الذين يقولون ربنا
در رحمها چگونه که میخواهد نیست خدایی مگر او که غالب حکیم است آنکسانی که میگویند پروردگار ما
اننا آمنا فاغفر لنا ذنوبنا وقنا عذاب النار الصابرين والصادقين
بدرستیکه ما ایمان آوردیم پس بیامرز از برای ما گناهان ما را و نگاهدار ما را از عذاب آتش صبر کنندگان و راست گویان
والقانتين والمنفقين والمستغفرين بالاسحار شهد الله انه لا اله
و قنوت کنندگان و انفاق کنندگان و استغفار کنندگان در سحرها گواهی داد خدا که نیست خدایی
الا هو والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز
مگر او و فرشتگان و صاحبان علم بپا ایستاده بعدل نیست خدایی مگر او که غالب
الحكيم ان الدين عند الله الاسلام الله لا اله الا هو ليجمعنكم الى
حکیم است بدرستیکه دین نزد خدا اسلامست خدایی که نیست خدایی مگر او هر آینه جمع میکند شما را بسوی

يوم القيمة لا ريب فيه ومن اصدق من الله حديثا ذلكم الله ربكم لا اله الا هو
روز قیامت نیست شکی در آن و کیست راست گوتر از خدا از جهت حدیث اینست خدای شما پروردگار شما نیست خدایی مگر
خالق كل شيء فاعبدوه وهو على كل شيء وكيل اتبع ما اوحي اليك من ربك
خلق کننده هر چیزی پس عبادت کنید او را و او بر هر چیز وکیلست پیروی کن آنچه وحی کرده شده بسوی تو از پروردگار تو
لا اله الا هو واعرض عن المشركين قل يا ايها الناس اني رسول الله اليكم
نیست خدایی مگر او و رو بگردان از مشرکان بگو ای مردمان بدرستیکه من رسول خدایم بسوی شما
جميعا الذي له ملك السموات والارض لا اله الا هو يحيي ويميت
همه خدایی که از برای اوست پادشاهی آسمانها و زمین نیست خدایی مگر او زنده میکند و میمیراند
فآمنوا بالله ورسوله النبي الامي الذي يؤمن بالله وكلماته واتبعوه
پس ایمان بیاورید بخدا و رسول او پیغمبر امی که ایمان می آورد بخدا و کلمات او و پیروی کنید او را
لعلكم تهتدون وما امروا الا ليعبدوا الها واحدا لا اله الا هو
شاید هدایت بیابید و مأمور نشده ایم مگر از برای آنکه عبادت کنیم خدای یکتا را نیست خدایی مگر او
سبحانه عما يشركون لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص
منزه است او از آنچه شریک میکنند بتحقیق که آمد شما را رسولی از جنس شما گرانست بر او آنچه خواستید شما حریص است
عليكم بالمؤمنين رؤف رحيم فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا
بر شما بمؤمنان مهربان و رحیمست پس اگر رو بگردانند پس بگو بس است مرا خدا نیست خدایی مگر
هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم حتى اذا ادركه الغرق قال
او بر اوست توکل من و اوست پروردگار عرش بزرگ تا آنکه دریافت او را غرق گفت
آمنت انه لا اله الا الذي آمنت به بنوا اسرائيل وانا من المسلمين
ایمان آوردم بدرستیکه نیست خدایی مگر آنکه ایمان آوردند بآن بنی اسرائیل و من از مسلمانانم
فان لم يستجيبوا لكم فاعلموا انما انزل بعلم الله وان لا اله الا هو فهل انتم
پس اگر اجابت نکنند مر شما پس بدانید که جز این نیست که آن فرو فرستاده شده بعلم خدا و آنکه نیست خدایی مگر او پس آیا شما
مسلمون قل هو ربي لا اله الا هو عليه توكلت واليه متاب ان انذروا
از مسلمانان بگو او پروردگار منست نیست خدایی مگر او بر اوست توکل من و بسوی اوست بازگشت آنکه بترسانید

انه لا اله الا انا فاتقون الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى فاستمع لما

بدرستی که نیست خدای مگر من پس بپرهیزید مرا خدایی که نیست خدای مگر او از برای اوست نامهای نیکو پس گوش دار از برای آنچه

يوحى انني انا الله لا اله الا انا فاعبدني واقم الصلوة لذكري انما الهكم

وحی کرده شد بدرستی که من منم خدا نیست خدایی مگر من پس عبادت کنید مرا و بپا دارید نماز را از برای یاد من جز این نیست که خدای شما

الله الذي لا اله الا هو وسع كل شيء علما وما ارسلنا من قبلك من رسول

خدایست که نیست خدایی مگر او فرو گرفته هر چیزی را علم او و نفرستادیم ما پیش از تو از رسولی

الا يوحى اليه انه لا اله الا انا فاعبدون وذا النون اذ ذهب مغاضبا

مگر که وحی کرده شد بسوی او بدرستی که نیست خدایی مگر من پس عبادت کنید مرا و صاحب ماهی یعنی یونس آنگاه که رفت غضب کننده

فظن ان لن نقدر عليه فنادى في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك

پس گمان کرد که هرگز توانا نیستیم بر او پس ندا کرد در تاریکیها اینکه نیست خدایی مگر تو منزهی تو

اني كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك ننجي

بدرستی که من هستم از ستمکاران پس اجابت کردیم ما از برای او و نجات دادیم او را از غم و چنین نجات میدهیم

المؤمنين فتعالى الله الملك الحق لا اله الا هو رب العرش الكريم

مؤمنان را پس بلند است خدای پادشاه حق نیست خدایی مگر او پروردگار عرش کریم

الله لا اله الا هو رب العرش العظيم وهو الله لا اله الا هو له الحمد

خدایی که نیست خدایی مگر او پروردگار عرش بزرگ و اوست خدایی که نیست خدایی مگر او از برای اوست حمد

في الاولى والاخرة وله الحكم واليه ترجعون يا ايها الناس اذكروا نعمة

در دنیا و آخرت و از برای اوست حکم و بسوی او بر گردید ای مردمان بیاد آورید نعمت

الله عليكم هل من خالق غير الله يرزقكم من السماء والارض لا اله الا هو

خدا را بر شما آیا هست از خالقی غیر خدا که روزی میدهد شما را از آسمان و زمین نیست خدایی مگر او

فانى تؤفكون انهم كانوا اذا قيل لهم لا اله الا الله يستكبرون ذلكم

پس کجا بر گردید بدرستی که ایشان بودند که هرگاه گفته میشد از برای ایشان که نیست خدایی مگر خدا استکبار میکردند این شما است

الله ربكم له الملك لا اله الا هو فانى تصرفون غافر الذنب وقابل

خدا پروردگار شما از برای اوست ملک نیست خدایی مگر او پس کجا بر میگردید آمرزنده گناه و قبول کننده

التوب شديد العقاب ذي الطول لا اله الا هو اليه المصير ذلكم الله

توبه سخت عذاب صاحب بخشش نیست خدایی مگر او بسوی اوست برگردیدن این شما است خدا

ربكم خالق كل شيء لا اله الا هو فانى تؤفكون تبارك الله رب العالمين

پروردگار شما خالق هر چیزست نیست خدایی مگر او پس کجا بر گردیده میشوید بزرگست خدای پروردگار عالمیان

لا اله الا هو يحيي ويميت ربكم ورب ابائكم الاولين فاعلم انه لا اله

نیست خدایی مگر او زنده میکند و میمیراند پروردگار شما و پروردگار پدران شما پیشینیان پس بدان که بدرستی که نیست خدایی

الا الله واستغفر لذنبك وللمؤمنين والمؤمنات والله يعلم متقلبكم

مگر خدا و طلب آمرزش کن از برای گناه خود و از برای مؤمنان و مؤمنات و خدا میداند برگشت شما

ومثويكم لو انزلنا هذا القران على جبل لرايته خاشعا متصدعا من خشية

و مکان شما را اگر فرو فرستیم ما این قرآن را بر کوه هر آینه میدیدی او را خشوع کننده جدا شونده از ترس

الله وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا اله

خدا و این مثلها میزنیم ما آنها را از برای مردم شاید ایشان تفکر کنند اوست خدای که نیست خدایی

الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا

مگر او دانای پنهان و آشکار اوست بخشنده مهربان اوست خدایی که نیست

اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر

خدایی مگر او پادشاه منزه سلام صادق بخشنده غالب جبار بزرگ

سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى

منزه است خدا از آنچه شریک می آورند با او اوست خدای خلق کننده ایجاد کننده تصویر کننده از برای اوست نامهای نیکو

يسبح له ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم الله لا اله الا هو و

تسبیح میکند از برای او آنچه در آسمانها و زمین است و اوست غالب دانشمند خدایی که نیست خدا مگر او و

على الله فليتوكل المؤمنون رب المشرق والمغرب لا اله الا هو فاتخذه

بر خدا پس باید توکل کنند مؤمنان پروردگار مشرق و مغرب نیست خدایی مگر او پس فرا گیرید او را

وكيلا نيرهفت وانه لكتاب عزيز لا ياتيه الباطل من بين يديه ولا من

وکیل مرتبه بکو و بدرستی که او هر آینه کتابیست عزیز نمی آید او را باطل از پیش رو و نه از

خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ پس بگو آمَنَّا بِاللهِ وَمَا اُنْزِلَ اِلَيْنَا وَمَا اُنْزِلَ

خلق او فروفرستاده است از حکیم حمد کرده شد ایمان آوردیم بخدا و آنچه فرستاده شده بسوی ما و آنچه فرود آمد

اِلَى اِبْرٰهِيمَ وَاِسْمٰعِيلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَالْاَسْبَاطِ وَمَا اُوتِيَ

بسوی ابرهیم و اسمعیل واسحق ویعقوب واسباط (فرزندان یعقوب) وآنچه آمده شده

مُوسٰى وَعِيسٰى وَمَا اُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ اَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ

موسی و عیسی وآنچه آمده شده پیغمبران از پروردگار شان فرق نمیکنیم در میان احدی از ایشان وما از برای او

مُسْلِمُونَ رَبَّنَا رَبُّ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ لَنْ نَدْعُوَ مِنْ دُونِهِ اِلٰهًا لَقَدْ قُلْنَا

اسلام آورندگانیم پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمین است البته نمیخوانیم از غیر او خدائی بتحقیق که گفتیم ما

اِذًا شَطَطًا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدٰانَا لِهٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا اَنْ هَدٰانَا

ناگاه از دوری دوری سپاس مر برای خدائی که راه نمود ما را از برای این ونبودیم ما هر اینه هدایت یابنده اگر هدایت نمیکرد ما را

اللهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ پس بگو اَلسَّلَامُ

خدا هر اینه بتحقیق که آمد رسولان پروردگار ما بحق درود فرستاد خدا بر ایشان همه سلام

عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خِيَرَةَ

بر تو ای رسول خدا سلام بر تو ای پیغمبر خدا سلام بر تو ای برگزیده

اللهِ مِنْ خَلْقِهِ وَاَمِينَهُ عَلٰى وَحْيِهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا اَمِيرَ

خدا از خلق او وامین او بر وحی او سلام بر تو ای آقای من ای امیر

الْمُؤْمِنِينَ اَنْتَ حُجَّةُ اللهِ عَلٰى خَلْقِهِ وَاَمِينُهُ عَلٰى وَحْيِهِ وَبَابُ عِلْمِهِ وَ

مؤمنان تو حجت خدائی بر خلق او وامین او بر وحی او ودر علم او و

وَصِيُّ نَبِيِّهِ وَالْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِهِ فِي اُمَّتِهِ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً غَصَبَتْكَ حَقَّكَ

وصی پیغمبر او وجانشین بعد از او در امت او لعنت کند خدا امتی را غصب کردند حق ترا

وَقَعَدَتْ مَقْعَدَكَ اَنَا بَرِيءٌ مِنْهُمْ وَمِنْ شِيعَتِهِمْ اِلَيْكَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ

ونشستند در جای تو من بیزارم از ایشان واز شیعیان ایشان بسوی تو سلام بر تو

يَا فَاطِمَةُ الْبَتُولُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا زَيْنَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا

ای فاطمه بتول (قطع شده از دنیا) سلام بر تو ای زینت زنان عالمیان سلام بر تو ای

بِنْتَ رَسُولِ اللهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ صَلَّى اللهُ عَلَيْكِ وَعَلَيْهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ

دختر رسول خدا پروردگار عالمیان درود فرستاد خدا بر تو وبر او سلام بر تو

يَا اُمَّ السِّبْطَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً غَصَبَتْكِ حَقَّكِ وَمَنَعَتْكِ مَا

ای مادر دو فرزند تو حسن وحسین لعنت کند خدا امتی را که غصب کردند حق ترا ومنع کردند ترا از آنچه

جَعَلَهُ اللهُ لَكِ حَلَالًا اَنَا بَرِيءٌ اِلَيْكِ مِنْهُمْ وَمِنْ شِيعَتِهِمْ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

گردانید آنرا خدا از برای تو حلال من بیزارم بسوی تو از ایشان واز شیعیان ایشان سلام بر تو

يَا مَوْلَايَ يَا اَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ الزَّكِيَّ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ وَبَايَعَتْ فِي اَمْرِكَ وَشَايَعَتْ

ای آقای من ای ابا محمد الحسن پاک لعنت کند خدا امتی را که کشتند ترا و بیعت کردند در امر تو وپیروی کردند

اَنَا بَرِيءٌ اِلَيْكَ مِنْهُمْ وَمِنْ شِيعَتِهِمْ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ

من بیزارم بسوی تو از ایشان واز شیعیان ایشان سلام بر تو ای آقای من ای ابا عبد الله

الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْكَ وَعَلٰى اَبِيكَ وَجَدِّكَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفٰى صَلَّى اللهُ

حسین بن علی درود خدا بر تو وبر پدر تو وجد تو محمد مصطفی درود فرستاد خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً اسْتَحَلَّتْ دَمَكَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ وَاسْتَبَاحَتْ

بر او وآل او ولعنت کند خدا امتی را که حلال کردند خون ترا ولعنت کند خدا امتی را که کشتند ترا ومباح کردند

حَرِيمَكَ وَلَعَنَ اللهُ اَشْيَاعَهُمْ وَاَتْبَاعَهُمْ وَلَعَنَ اللهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمْكِينِ

حریم ترا ولعنت کند خدا شیعیان ایشان را وپیروان ایشان را ولعنت کند خدا مهیا کنندگان از برای ایشان با تمکین

مِنْ قِتَالِكُمْ اَنَا بَرِيءٌ اِلَى اللهِ وَاِلَيْكَ مِنْهُمْ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا اَبَا مُحَمَّدٍ

از مقاتله شما من بیزارم بسوی خدا وبسوی تو از ایشان سلام بر تو ای آقای من ای ابا محمد

عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا اَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ اَلسَّلَامُ

علی بن الحسین سلام بر تو ای آقای من ای ابا جعفر محمد بن علی سلام

عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ

بر تو ای آقای من ای ابا عبد الله جعفر بن محمد سلام بر تو ای آقای من

يَا اَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا اَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ

ای ابا الحسن موسی بن جعفر سلام بر تو ای آقای من ای ابا الحسن علی بن

موسى الرضا السلام عليك يا مولاى يا ابا جعفر محمد بن علي السلام عليك

موسى الرضا سلام بر تو ای آقای من ای اباجعفر محمد بن علی سلام بر تو

يا مولاى يا ابا الحسن علي بن محمد السلام عليك يا مولاى يا ابا محمد الحسن

ای آقای من ای ابا الحسن علی بن محمد سلام بر تو ای مولای من ای ابا محمد حسن

ابن علي السلام عليك يا مولاى يا ابا القاسم الحجة بن الحسن صاحب

بن علی سلام بر تو ای آقای من ای ابا القاسم حجة بن الحسن صاحب

الزمان صلى الله عليك وعلى عترتك الطاهرة الطيبة يا موالىّ كونوا

الزمان درود فرستاد خدا بر تو و بر فرزندان تو پاکان نیکوان ای آقایان من باشید

شفعاءَ الى الله في حطّ وزرى وخطاياى آمنت بالله وبما انزل اليكم

شفیعان از برای من خدا در برطرف شدن گناهان من و خطاهای ایمان آوردم بخدا و بآنچه فرستاده شده بسوی شما

واتوالى آخركم بما اتوالى اوّلكم وبرئت من الجبت والطاغوت واللات

و دوستی میکنم آخر شما را بآنچه دوستی کردم اول شما را و بیزارم از جبت (ابابکر) و طاغوت (و عمر) و لات (و عثمان)

والعزّى يا موالىّ انا سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم وعدوّ لمن عاداكم و

و عزی (و معویه) ای آقایان من من صلحم از برای کسی که با شما صلح است و جنگم از برای کسی که جنگ دارد با شما و دشمنم از برای کسی که دشمن است با شما و

ولىّ لمن والاكم الى يوم القيمة ولعن الله ظالميكم وغاصبيكم ولعن الله اشياعهم

دوستم از برای کسی که دوست شمات تا روز قیامت و لعنت کند خدا ستمکنندگان بشما را و غاصبان حق شما را و لعنت کند خدا شیعیان ایشان را

واتباعهم واهل مذهبهم وابرء الى الله واليكم منهم اللهمّ انى اشهدك وكفى

و پیروان ایشان را و اهل مذهب ایشان را و بیزارم بسوی خدا و بسوی شما از ایشان خداوندا بدرستیکه من گواه میگیرم ترا و کافی است

بك شهيدا واشهد محمدا صلى الله عليه واله وعليا والائمة من ذرّيتهما

بتو گواهی و گواه میگیرم محمد را درود فرستاد خدا بر او و آل او و علی را و پیشوایان از اولاد ایشان را

والثمانية حملة عرشك والاربعة الاملاك خزنة علمك انى برئ من اعدائهم

و هشت بردارنده عرش ترا و چهار ملک خزینه دار علم ترا بدرستیکه من بیزارم از دشمنان ایشان

فعلى محمد وعلى اهل بيته الطيبين الطاهرين الصلوة والسلام

پس بر محمد و بر اهل بیت او پاکان پاک کنندگان درود و سلام

عنده
تند
بيَّن

اللهمّ اقرر عينى بصلوته وصلوة اهل بيته واجعل ما هديتنى اليه من الحق

خداوندا روشن کن چشم مرا به درود او و درود اهلبیت او و بگردان آنچه هدایت کرده مرا بسوی آن از حق

والمعرفة بهم مستقرّا لا مستودعا يا ارحم الراحمين اللهمّ وعرّفنى نفسك

و معرفت بایشان مستقر نه مستودع ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا و بشناسان بمن نفس خود را

وعرّفنى رسلك وعرّفنى ملائكتك وعرّفنى ولاة امرك اللهمّ انى لا آخذ

و بشناسان مرا رسولان خود و بشناسان مرا فرشتگان خود و بشناسان مرا پادشاهان امر خود خداوندا بدرستیکه من نمیگیرم

الا ما اعطيت ولا اوقى الا ما وقيت اللهمّ لا تحرمنى منازل اوليائك ولا

مگر آنچه عطا کرده و نگاه نمیدارم مگر آنچه نگاه داشته خداوندا محروم مکن مرا منزلهای دوستان خود و

تزغ قلبى بعد اذ هديتنى وهب لى من لدنك رحمة انك انت الوهاب وهيّئ

مگردان دل مرا بعد از آنکه راه نمودی مرا و ببخش از برای من از نزد خود رحمتی بدرستیکه تو بسیار بخشنده و مهیا کن

لى من امرى رشدا اللهمّ وعلّمنى ناطق التنزيل وخلّصنى من المهالك اللهمّ

از برای من از امر من رشد را خداوندا و تعلیم کن مرا ناطق تنزیل و خلاصی کن مرا از مهالک خداوندا

وخلّصنى من الشيطان وحزبه ومن السلطان وجنده ومن الجبت و

و خلاص کن مرا از شیطان و گروه او و از پادشاه و لشکر او و از جبت و

انصاره بحقّ محمّد المحمود وبعلىّ المقصود وبحقّ شبّر وشبير وبحقّ اسمائك

یاوران او بحق محمد حمد کرده شده و بعلی قصد کرده شده و بحق حسن و حسین و بحق نامهای تو

الحسنى صلّ على محمّد افضل الصفوة انّك على كل شئ قدير وانت بكل شئ

نیکوست درود فرست بر محمد افضل برگزیده بدرستیکه تو بر همه چیز قادری و تو به همه چیز

محيط يا ربّ يا ربّ يا ربّ يا الله يا الله يا ربّاه يا ربّاه يا ربّاه

احاطه کننده ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار ای خدا ای خدا ای خدا ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار

يا سيّداه يا سيّداه يا سيّداه يا مولاه يا مولاه يا مولاه يا عماد من لا

ای مهتر ای مهتر ای مهتر ای آقا ای آقا ای آقا ای اعتماد کسی که نیست

عماد له ويا سند من لا سند له ويا ذخر من لا ذخر له انت ربّى وانا

اعتمادی از برای او و ای تکیه گاه کسی که نیست تکیه گاهی از برای او و ای ذخیره کسی که نیست ذخیره از برای او تو پروردگار منی و من

وبحق علي
الصلوات

عبدك على عهدك و وعدك اللّهمّ اجعله موقفاً محموداً ولا تجعله
بنده تو بر عهد تو و وعده تو خداوندا بگردان اینرا موقف محمود ومگردان اینرا
آخر العهد منّا واشركنا في صالح دعاء من دعاك بمنى وعرفات ومزدلفة و
آخر العهد از ما وشریک کن ما را در شایسته دعا از دعای تو بمنی و عرفات ومزدلفه و
عند قبر نبيّك عليه السلام وعند زمزم والمقام اللّهمّ لك الحمد
نزد قبر پیغمبر تو بر او سلام ونزد زمزم ومقام خداوندا از برای تست حمد
حيث رفعت اقدارنا عن شدّ الزنانير في الاوساط والخواتيم في الاعناق ولك
وقتی که بلند کردی قدرهای ما از بستن زنارها در میان‌ها و مهرها در گردنها و از برای تست
الحمد حيث لم تجعلنا زنادقة مضلّين ولا مدّعية شاكّين مرتابين ولا معارضين
حمد که جائی که نکردانیدی ما را زندیق گمراه ونه دعوا کننده شک کننده ریب دارنده ونه معارضه کننده
ولا عن اهل بيت نبيّك صلّى الله عليه وآله منحرفين اللّهمّ كما بلّغتنا هذا اليوم
ونه از اهل بیت پیغمبر تو درود فرستاد خدا بر او و آل او برگردانیده خداوندا چنانکه رسانیدی ما را این روز
المبارك من شهرنا وسنتنا هذه المباركة فبلّغنا آخرها في عافية و
مبارک از ماه ما و سال ما این‌ها مبارکه پس برسان آخر اینرا در عافیت و
بلّغنا اعواماً كثيرة برحمتك يا ارحم الراحمين يا ربّ يا ربّ يا ربّ يا
برسان ما را سالهای بسیار برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار ای
الله يا الله يا الله يا ربّاه يا ربّاه يا ربّاه يا سيّداه يا سيّداه يا سيّداه
خدای خدا ای خدا ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار ای سید ای سید ای سید
يا مولاه يا مولاه يا مولاه اللّهمّ وما قسمت لي في هذه الساعة وفي
ای آقا ای آقا ای آقا خداوندا و آنچه قسمت کرده از برای من در این ساعت و در
هذا اليوم وفي هذا الشهر وفي هذه السنة من خير او بركة او
این روز و در این ماه و در این سال از خیر یا برکت یا
عافية او مغفرة او رأفة او رحمة او عتق من النار او رزق واسع
عافیت یا آمرزش یا مهربانی یا رحمت یا آزادی از آتش یا روزی وسیع

حمد الشاکرین

مبدعة

حلال

حلال طيّب او توبة نصوح فاجعل لنا في ذلك اوفر النصيب واجزل
حلال پاکیزه یا توبه نصوح پس بگردان از برای ما در آن وافر نصیب وبزرگتر
الحظّ اللّهمّ وما انزلت في هذه الساعة وفي هذا اليوم وفي هذا
بهره خداوندا و آنچه فرو فرستاده در این ساعت و در این روز و در این
الشهر وفي هذه السنة من حرق او شرق او غرق او هدم او ردم او
ماه و در این سال از سوختن یا شکافتن یا غرق شدن یا خراب شدن یا بستن یا
خسف او قذف او رجف او مسخ او صيحة او زلزلة او فتنة او صاعقة
فرو رفتن یا انداختن یا لرزیدن یا مسخ شدن یا فریاد کردن یا زلزله یا امتحان کردن یا صاعقه
او برد او جنون او جذام او برص او اكل سبع او ميتة سوء وجميع انواع
یا سرما یا دیوانگی یا جذام یا پیسی یا خوردن درنده یا مردن بد و همه نوعهای
البلاء في الدنيا والآخرة فاصرفه عنّا كيف شئت واين شئت وعن
بلا در دنیا و آخرت پس بگردان او را از ما چگونه که میخواهی و کجا که میخواهی و از
جميع المؤمنين في كلّ دار ومنزل في شرق الارض وغربها عزّ جارك و
همه مومنان در هر خانه ومنزل در مشرق زمین ومغرب آن عزیز است همسایه تو و
جلّ ثناؤك ولا اله غيرك وحدك لا شريك لك فاطر السموات والارض
بزرگست ثنای تو ونیست خدائی مگر تو تنهائی تو نیست شریکی از برای تو خالق آسمانها و زمین
عالم الغيب والشهادة ربّ كلّ شيء ومليكه اشهد ان لا اله الّا الله
دانای پنهان و آشکار پروردگار هر چیز و پادشاه آن گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر خدا
وحده لا شريك له واشهد انّ محمّداً صلّى الله عليه وآله عبده ورسوله و
یکتاست او نیست شریکی از برای او وگواهی میدهم بدرستی که محمد درود فرستاد خدا بر او و آل او بنده او و رسول او و
اشهد انّ الجنّة حقّ والنار حقّ وانّ الساعة آتية لا ريب فيها وانّ الله
گواهی میدهم بدرستی که بهشت حقست و آتش حقست و بدرستی که قیامت آمدنیست نیست شکی در آن و بدرستی که خدا
يبعث من في القبور اشهد ان لا اله الّا الله وحده لا شريك له عليها احيا
برمی‌انگیزاند کسی را که در قبرهاست گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر خدا یکتاست و نیست شریکی از برای او بر این زنده‌ام

وجنوبها وشمالها

بعد الموت

وعليها اموت وعليها ابعث حيا ان شاء الله رضيت بالله ربا و
وبراو ميميرم وبراو برانگيخته ميشوم زنده انشاء الله راضى شدم بخدا از پروردگارى و

بالاسلام دينا وبمحمد صلى الله عليه وآله نبيا وبعلى وليا وبالقرآن
باسلام دينى وبمحمد درود فرستاد خدا براو وآل او از پيغمبرى وبعلى صاحب اختيارى وبقرآن

اماما وبالكعبة قبلة وبابرهيم عليه السلام لنبينا ابا وبمحمد
از امام وبكعبه از قبله وبابرهيم براو باد سلام از براى پيغمبر ما پدرى وبمحمد

صلى الله عليه وآله نبيا وبامير المؤمنين صلوات الله عليه للحق موضحا
درود فرستاد خدا براو وآل پيغمبرى وبامير المؤمنين درود خدا براو از براى حق روشن كننده

وللجنة والنار قاسما وبالمؤمنين من شيعته اخوانا لا اشرك بالله
واز براى بهشت واتش قسمت كننده وبايمان آورندگان از شيعه او برادران شريك نميكنم بخدا

شيئا ولا اتخذ من دونه وليا ولا ادعى معه الها لا اله الا الله
چيزى را وفرا نميگيرم غير او دوستى وادعى نميكنم با او خدائى را نيست خدائى مگر خدا

وحده لا شريك له الها واحدا احدا فردا صمدا لم يتخذ صاحبة ولا
يكتاست او نيست شريكى از براى او خدا يكتاى بى همتاى تنهاى بى نياز فرانگرفته رفيقى ونه

ولدا اللهم انى اسئلك بالعظيم من آلائك والقديم من نعمائك
فرزندى خداوندا بدرستى كه من سؤال ميكنم ترا ببزرگ از نعمتهاى تو وقديم از نعمتهاى تو

والمخزون من اسمائك وما وارت الحجب من بهائك ومعاقد العز
وپنهان از نامهاى تو وآنچه پوشيده اورا پردهها از روشنى تو وعقدهاى عزت

من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك وبك وحدك لا شريك لك ان
از عرش تو وانتهاى رحمت از كتاب تو وبتو تنهاى تو نيست شريكى از براى تو اينكه

تصلى على محمد وآل محمد وان ترحم هذه النفس الجزوعة و
درود فرستى بر محمد وآل محمد واينكه رحم كنى بر اين نفس جزع كننده و

هذا البدن الهلوع الذى لا يطيق حر شمسك فكيف حر نارك
اين بدن فرياد كننده كه طاقت ندارد گرمى آفتاب ترا پس چگونه طاقت دارد گرمى آتش ترا

ان

ان تعاقبنى لا يزيد فى ملكك شئ وان تعف عنى لا ينقص من ملكك شئ
اگر عقاب كنى مرا زياد نميشود در پادشاهى تو چيزى واگر درگذرى از من كم نميشود از پادشاهى تو چيزى

انت يا رب بخلقك ارحم وبعبادك اعلم وبسلطانك ارءف وبملكك
تو اى پروردگار من بخلق خود رحيم ترى وببندگان خود داناترى وبر پادشاهى خود مهربان ترى وبملك خود

اقدم وبعفوك اكرم وعلى عبادك انعم لا يزيد فى ملكك طاعة المطيعين
پيشترى وببخشش خود كريم ترى وبر بندگان خود انعام كننده ترى زياد نميشود در پادشاهى فرمان فرمان برداران

ولا ينقص منه معصية العاصين واعف عنى يا اكرم الاكرمين ويا
وكم نميكند از او نافرمانى نافرمانى كنندگان ودرگذر از من اى كريمترين كريمان واى

ارحم الراحمين الوذ بعزتك واستظل بفنائك واستجير بقدرتك و
رحيم ترين رحم كنندگان پناه ميبرم بعزت تو وطلب سايه ميكنم درسراى تو وپناه ميطلبم بقدرت تو و

استغيث برحمتك واعتصم بحبلك ولا اثق الا بك ولا الجا الا اليك
استغاثه ميكنم برحمت تو وچنگ ميزنم بريسمان تو واعتماد نميكنم مگر بتو وپناه نميبرم مگر بسوى تو

يا عظيم الرجاء يا كاشف البلاء ويا احق من تجاوز وعفا اللهم ان ظلمى
اى بزرگ اميد اى برطرف كننده بلا واى سزاوارترين كسى كه درگذرد وببخشد خداوندا بدرستى كه ستم من

مستجير بعفوك وخوفى مستجير بامانك وفقرى مستجير بغناك ووجهى البالى
زنهارجوينده است ببخشش تو وترس من زنهارجوينده است بامان تو واحتياج من زنهارجوينده است ببى نيازى تو وروى كهنه من

الفانى مستجير بوجهك الدائم الباقى الذى لا يفنى ولا يزول يا من لا
كه فانيست زنهارجوينده است بذات تو كه هميشه وباقيست كه فانى نميشود وبرطرف نميشود اى كسى كه

يشغله شأن عن شأن لا تجعل مصيبتنا فى ديننا ولا تجعل الدنيا اكبر
مشغول نميكند اورا كارى از كارى مگردان مصيبت مارا در دين ما ومگردان دنياى مارا بزرگتر

همنا ولا تسلط علينا من لا يرحمنا وعد بحلمك على جهلنا وباحسانك
همت ما ومسلط مكن برما كسى را كه رحم نميكند مارا وبرگرد ببردبارى خود بر نادانى ما وبنيكوئى خود

على اساءتنا وبقوتك على ضعفنا وبغناك على فقرنا واعذنا من الاذى
بر بدى ما وبتوانائى خود بر ناتوانى ما وببى نيازى خود بر احتياج ما وپناه ده مارا از اذيت

وَالْقَذىٰ وَالضُّرِّ وَسُوءِ الْقَضاءِ وَشَماتَةِ الْاَعْداءِ وَسُوءِ الْمَنْظَرِ

ودشواری وبدی وبدی حکم وشماتت دشمنان وبدی منظر

فِي الْمالِ وَالدّينِ وَالْاَهْلِ وَالْوَلَدِ وَعِنْدَ مُعايَنَةِ مَلَكِ الْمَوْتِ

در مال و دین واهل وفرزند ونزد دیدن ملک موت

اَللّهُمَّ يا رَبِّ نَشْكُو اِلَيْكَ غَيْبَةَ نَبِيِّنا عَنّا وَقِلَّةَ ناصِرِنا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنا

خداوندا ای پروردگار شکوه میکنیم پنهان بودن پیغمبرمان از ما وکمی یاوران ما را وبسیار دشمنان ما

وَشِدَّةَ الزَّمانِ عَلَيْنا وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنا وَتَظاهُرَ الْخَلْقِ عَلَيْنا اَللّهُمَّ

وسختی زمان بر ما وواقع شدن فتنها بما وهم پشت بودن خلق بر ضرر ما خداوندا

صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْرُجْ ذٰلِكَ بِفَرَجٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ وَ

درود فرست بر محمد وال محمد وبردار اینها را برداشتن از نزد تو تعجیل کنی اورا ویاری که غالب کنی اورا

حَقٍّ تُظْهِرُهُ اَللّهُمَّ وَابْعَثْ بِقائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِلنَّصْرِ

وحقی که ظاهر کردانی انرا خداوندا وبرانگیز قائم ال محمد را درود فرستاد خدا بر او وال او از برای یاری

لِدينِكَ وَاِظْهارِ حُجَّتِكَ وَالْقِيامِ بِاَمْرِكَ وَتَطْهيرِ اَرْضِكَ مِنْ اَرْجاسِها

از برای دین تو وظاهر کردانیدن حجت تو وبرپا داشتن امر تو وپاک کردن زمین تو از نجاستهای ان

بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ اَللّهُمَّ اِنّي اَعُوذُ بِكَ اَنْ اُوالِيَ لَكَ عَدُوًّا

برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از انکه پیروی کنم مر از برای تو دشمنی

اَوْ اُعادِيَ لَكَ وَلِيًّا اَوْ اَسْخَطَ لَكَ رِضًا اَوْ اَرْضىٰ لَكَ سَخَطًا اَوْ اَقُولَ لِلْحَقِّ

یا دشمنی کنم دوست ترا یا غضبناک شوم از برضای ترا یا راضی شوم از برای تو غضبی را یا بگویم از برای حق

هٰذا باطِلٌ اَوْ اَقُولَ لِلْباطِلِ هٰذا حَقٌّ اَوْ اَقُولَ لِلَّذينَ كَفَرُوا هٰؤُلاءِ

این باطلست یا بگویم از برای باطل این حق است یا بگویم از برای کسانی که کافر شده اند اینجماعت

اَهْدىٰ مِنَ الَّذينَ آمَنُوا سَبيلًا اَللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَآتِنا فِي

راه یابنده ترانند از کسانیکه ایمان اورده اند راه را خداوندا درود فرست بر محمد وال او وبده مارا در

الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا بِرَحْمَتِكَ عَذابَ النّارِ وسابقًا

دنیا نیکی ودر اخرت نیکی ونگاهدار مارا برحمت تو از عذاب اتش مذکور

در بیان اعمال شب عید قربان وروز ان با نماز ان

اعمال روز عید

شد که عمل استفتاح را نیز در این روز بعمل اوردن مستحب است **فصل سیم** در بیان اعمال ضروریه شب عید قربان است وروزش وایام تشریق اعنی یازدهم ودوازدهم وسیزدهم بدانکه شب عید اضحی از جمله چهار شبیست که احیاء انها سنت موکدات ومنقولست که در اینشب درهای اسمان بسته نمیشود برای انکه صداهای دعای حاجیان بالا رود وصدای ایشان در اسمان پیچیده است مانند صدای مگس عسل در میان کندو وحق تعالی حاجیان را ندا میکند که منم پروردگار شما وشمائید بندگان من وحق مرا ادا کردید وبر من لازمست که دعای شما را مستجاب کردانم پس هر کس که مستحق امرزش است همه گناهان او را میامرزند وهر که سزاوار ان نیست گناهانش را کم میکنند پس هر که با ایشان در عبادت ودعا شریک شود در ثواب با ایشان شریک خواهد بود وغسل وزیارت حضرت امام حسین علیه السلام سنت است و منقولست که هر که انحضرت را در اینشب زیارت کند گناهان گذشته وآینده اش امرزیده شود **واما** اعمال روز عید غسل در ان سنت موکداست وبعضی واجب دانسته اند وبهتر انست که پیش از نماز غسل کند ونماز عید بنا بر مشهور در زمان غیبت امام علیه السلام سنت موکد است وبگمان فقیر واجبست بشرایط مقرره ونمازش بهمان کیفیت است که در عید فطر مذکور شد ودعای پیش از رفتن بنماز عید انجا مذکور شد ودعای بسیار پیش از نماز وبعد از نماز وارد شده است واین رساله گنجایش ذکر انها ندارد وبهترین دعاها دعای چهل وهشتم صحیفه کامله است که اولش اینست اَللّهُمَّ هٰذا يَوْمٌ مُبارَكٌ واگر دعای چهل وششم را که اولش يا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لا يَرْحَمُهُ الْعِبادُ است نیز بخواند بهتر است زیرا که در بعضی نسخ قدیمه صحیفه استحباب خواندن ان دعا نیز وارد شده است ودعای ندبه بهترین دعاهاست ودر اینروز وسایر اعیاد سنت است خواندن چنانچه انشاء الله بعد از این در ضمن زیارات مذکور خواهد شد ودر این عید سنت است که افطار بعد از نماز از گوشت قربانی بشود واز جمله احکام این عید قربانیست واز سنت موکدات است وبعضی از علما واجب دانسته اند اگر قدرت بر ان داشته باشد واز حضرت صادق علیه السلام منقولست که اضحیه واجبست بر هر مسلمانی وفرمود که از برای خود البته بکن واز برای عیال خود اگر خواهی بکن واگر خواهی مکن واز ام سلمه زوجه حضرت رسول صلی الله علیه واله منقولست که با انحضرت عرض کرد که عید اضحی حاضر میشود ومن قیمت اضحیه نزدم

ایا قرض بکنم حضرت فرمود که قرض کن که ان قرض را خدا ادا میکند و بهتر انست در روز عید
بکشد و در روز یازدهم و دوازدهم نیز میتواند کشت و اکر در منی باشد روز سیزدهم
نیز میتواند کشت و بهتر انست که در دهه ذی الحجه خریده باشد و مکروه است قربانی کردن حیوانی
که در خانه تربیت کرده باشد و میباید یا شتر یا کاو و یا کوسفند یا بز بوده باشد و حیوانات دیکر
را قربانی نمیتوان کرد و اکر شتر باشد میباید پنج سال تمام داشته باشد یا زیاده و اکر کاو و یا
بز باشد میباید یکسالش تمام باشد و داخل در سال دویم شده باشد و اکر دو سال تمام
داشته باشد بهتر است و اکر کوسفند باشد شش ماهه کافیست و اکر هفت ماهش تمام باشد
بهتر است و میباید نقصی در اعضایش نبوده باشد و کور یک چشم یا هر دو چشم نباشد
و بسیار لنک نباشد که راه رفتن بران دشوار باشد و کوشش بریده نباشد و اکر شق شده
باشد و جدا نشده باشد باک نیست و اکر شق نیز نباشد بهتر است و باید که مغز شاخش نشکسته
باشد و اکر پوستش نیز نشکسته باشد بهتر است و بهتر انست که بیمار و بسیار پیر نبوده باشد
و سنت است که فربه باشد و باید که بسیار لاغر نباشد که پیه بر کرده اش نباشد و باید
که خصی نباشد یعنی خصیه اش را نبریده باشند و اکر خصیه اش را مالیده باشند مکروهست
و اکر بغیر خصی بهم نرسد خصی را قربانی میتوان کرد و سنت است که اکر قربانی شتر یا کاو باشد
ماده باشد و اکر کوسفند یا بز باشد نر باشد و سنت است که خود بکشد و اکر نتواند
دست بر روی دست بکذارد و مددی بکند و طریق کشتن انست که اکر شتر باشد نحر کند
یعنی حربه را مانند کارد یا نیزه در کودال پایین کردنش فرو برد و اکر بعوض ان ذبح کند حرام میشود
و واجبست که رو بقبله بدارد انرا و نام خدا ببرد و سنت است که انرا ایستاده بدارند رو
بقبله و هر دو دستش از سر پا تا زانو بریسمان یا تسمه بریکدیکر بپیچد و انکه نحر میکند در جانب
راست شتر باشد و حربه را در نحرش فرو برد و اکر کاو و یا کوسفند یا بز باشد باید که چهار رک را
از کردنش ببرد یعنی حلقوم و دو رک بزرک که در دو جانب حلقوم است و رکی که در پشت حلقوم است
کاب و علفا از ان رک بجوف او میرود و اکر اینها را نحر کند حرام میشوند و سنت است که دعا
بخواند در وقت کشتن چنانچه بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست وَجَّهْتُ وَجْهِیَ
که چون قربانی را بجهت روی انرا بقبله کن و در وقت نحر یا ذبح بکو موجه ساختم روی خود را

لِلَّذِی فَطَرَ السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضَ حَنِیفًا مُسْلِمًا وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِکِینَ اِنَّ صَلٰوتِی
از برای کسی که خلق کرده اسمانها و زمین را میل کننده اسلام اورنده و نیستم من از مشرکان بدرستیکه نماز من
وَنُسُکِی وَمَحْیَایَ وَمَمَاتِی لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ لَا شَرِیکَ لَهُ وَبِذٰلِکَ اُمِرْتُ وَ
و عبادت من و زندکی من و مردن من از برای خداوند پروردکار عالمیانست نیست شریکی از برای او و باین مامور شده ام و
اَنَا مِنَ الْمُسْلِمِینَ اَللّٰهُمَّ مِنْکَ وَلَکَ بِسْمِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ پس نحر یا ذبح
من از مسلمانانم خداوندا از تو و از برای توست بنام خدا و خدا بزرکست بکند و بکوید
اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّی و فرمود که تا نمیرد سرش را جدا مکن و چون نیت بکند سنت است که
خداوندا قبول کن از من یک حصه را خود و اهل خانه اش بخورند و بهتر انست که خود بان افطار کند
و یک حصه را برای همسایکان بهدیه بفرستد و اکر پریشان باشند بهتر است و یک حصه را بفقرا
و سوال کنندکان بدهد و اکر اکثر را تصدق کند شاید بهتر باشد و سنت است که پوست و کله
و جمیع اجزای حلال انرا تصدق کند و تصرف نکند و بقصاب ندهد مکر انکه قصاب
پریشان باشد و بتصدق باو بدهد و در حدیث صحیح وارد شده است که پوستش را میتواند
دباغت کند و بر روی ان نماز کند و بنشیند و اکر کوسفند یافت نشود سنت است که
قیمت وسطش را تصدق کند و اکر یک حیوان برای خود و عیال خود بکشد کافیست و اکر یکی
برای خود و یکی از برای عیال خود بکشد بهتر است و اکر بعدد عیال بکشد ثوابش بیشتر خواهد
بود و ان برای پدر و مادر و اولاد و خویشان که مرده باشند قربانی کردن خوبست و اکر از برای حضرت
رسول و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین قربانی کند ظاهرا خوبست و منقولست
که حضرت رسول صلی الله علیه و اله دو کوسفند قربانی کردند و در اول فرمودند که خداوندا این از
من و هر که قربانی نکرده است از اهل بیت من و در دویم فرمودند خداوندا این از من و انهم که قربانی
نکرده است از امت من و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه هر سال اول یک کوسفند قربانی
میکرد و میفرمود خداوندا این از پیغمبر تست پس یک کوسفند دیکر برای خود قربانی میفرمود و اکر
جمعی قادر نباشد که هر یک قربانی جدا بکنند جایز است که با یکدیکر شریک شوند تا هفت نفر
بلکه تا هفتاد و حق تعالی فرموده است که خدا را یاد کنید در ایام معدودات یعنی در روزی
چند شمرده شده و در احادیث معتبر منقولست که مراد تکبیر کفتن است در ایام تشریق پس هر که در منی

باشد عقیب پانزده نماز بگوید که اولش ظهر روز عید است و اخرش صبح روز سیزدهم
و در سایر شهرها عقیب ده نماز که ان ظهر روز عید است تا صبح روز دوازدهم و مشهور استحبابست
و بعضی واجب دانسته اند و اقلش بعد از هر نماز یکمرتبه است و اگر مکرر بگوید بهتر است و بعد از
نماز نافله نیز اگر بگوید خوبست و اَللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ
طریق تکبیر موافق حدیث صحیح اینست خدا بزرگت خدا بزرگت نیست خدائی مگر خدا و خدا بزرگت خدا بزرگت
وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ عَلٰی مَا هَدَانَا اَللّٰهُ اَکْبَرُ عَلٰی مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِیمَةِ
و از برای خداست حمد خدا بزرگت بر انچه راه نموده ما را خدا بزرگت بر انچه روزی کرده ما را از چهارپایان
الْاَنْعَامِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰی مَا اَبْلَانَا فصل چهارم در فضایل و اعمال شب و روز عید غدیر است
و کاو و گوسفند و سپاس از برای خدا بر انچه ازمایش کرده ما را و عید غدیر عید بسیار عظیم است و عظیمترین اعیاد است
و احادیث از طرق عامه و خاصه در فضیلت اینروز و اعمال ان زیاده از حد و احصاست و در این
مقام بچند حدیث اکتفا مینمائیم بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلم منقولست که چون روز
قیامت شود چهار روز را بنزد عرش الهی برند با زینت تمام مانند عروسی که او را بخانهٔ داماد برند
ان روز عید اضحی و روز عید فطر و روز جمعه و روز عید غدیر و روز عید غدیر در میان انها مانند
ماه باشد در میان ستارگان و این روزیست که حق تعالی ابرهیم خلیل علیه السلم را از اتش نجات داد و
اینروز را روزه داشت برای شکر حق تعالی و این روزیست که خدا در اینروز کامل کردانید دین را بانکه حضرت
رسول صلی الله علیه و اله حضرت امیر المؤمنین علیه السلم را نصب کرد بخلافت و فضیلت او را و وصی بودن
او را ظاهر کردانید بر مردم پس روزه داشت اینروز را و اینروز کامل شدن دینست و روزیست که بینی
شیطان بر خاک مالیده شده است و روزیست که اعمال شیعیان و دوستان ال محمد در اینروز مقبول
میشود و اینروزیست که حق تعالی عملهای مخالفان و سنیان را باطل میکرد اند مانند ذرها که در
میان هوا پراکنده میشود و اینروزیست خدای عز و جل امر میکند جبرئیل علیه السلم را که نصب نماید کرسی
کرامت خدا را در برابر بیت المعمور و جبرئیل بران کرسی بالا میرود و ملائکه از جمیع اسمانها نزد او
جمع میشوند و ثنا میکنند بر محمد و ال محمد و استغفار میکنند برای شیعیان امیر المؤمنین
و ائمه طاهرین علیهم السلم و دوستان ایشان از فرزندان ادم و اینروزیست که امر میکند حق تعالی
ملئکه نویسندگان اعمال را که قلم بردارند از محبان اهلبیت و شیعیان ایشان تا سه روز از روز عید غدیر

ونویسند

فصل چهارم در فضایل و اعمال شب و روز عید غدیر است

و ننویسند هیچ خطا و گناه ایشانرا برای کرامت محمد و علی و ائمه صلوات الله علیهم و اینروزیست
که خدا مخصوص محمد و ال او و شیعیان ایشان کردانیده و اینروزیست که خدا زیاد میکرداند مال کسی را
که عبادت خدا کند در اینروز و توسعه دهد روزی را بر عیال خود و برادران مؤمن خود و او را ازاد
میکرداند از اتش جهنم و اینروزیست که خدا سعی شیعیان را شکر میکند یعنی مزد میدهد و گناه
ایشانرا میامرزد و عمل ایشانرا قبول میکند و اینروزیست که خدا غمهای شیعیانرا زایل میکرداند
و گناهان ایشانرا کم میکند و روز بخشش است و روز عطیه است و روز پهن کردن علم است
و روز بشارتست و روز عید بزرگت و روزیست که دعاها دران مستجاب میکردد و روز
موقف بزرگت و روز پوشیدن جامهای نیکوست و روز بخشیدن گناهان شیعیان امیر
المؤمنین است و روزیست که بسیار صلوات باید فرستاد بر محمد و ال محمد و روز خوشنودیست
و روز عید اهل بیت محمد است و روز قبول اعمالست و روز طلب زیادتی ثوابست و روز
استراحت مؤمنانست و روز سوداگری ایشانست و روز دوستی کردن شیعیانست با یکدیگر
و روز رسیدن برحمت خداست و روز ترک کبایر و گناهانست و روز عبادتست و روز افطار فرمودن
روزه دارانست پس هر که روزه داری را دراینروز افطار فرماید چنانست که ده فئام را طعام کرده
باشد و هر فئامی صد هزار کس است و روز تهنیت و مبارکبادست پس هر مؤمنی که دیگری را ملاقات
کند چنین تهنیت بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّکِینَ بِوِلَایَةِ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْاَئِمَّةِ
عَلَیْهِمُ السَّلٰمُ یعنی حمد و سپاس خدا و ندیراست که کردانید ما را از انها که چنگ زده اند در ولایت
و محبت پادشاه مؤمنان و ائمه علیهم السلم و اینروز تبسم است در روی مؤمنان پس هر که تبسم کند
در روی برادر مؤمن خود در روز عید غدیر حق تعالی نظر کند در روز قیامت بسوی او برحمت و
براورد هزار حاجت او را و بنا کند در بهشت از برای او قصری از مروارید سفید و روی او را نورانی
کرداند و اینروز زینت است پس هر که زینت کند برای روز غدیر حق تعالی بیامرزد از برای او هر
گناهی که کرده است از صغیره یا کبیره و بفرستد حق تعالی بسوی او ملکی چند را که بنویسند برای او حسنات
و بلند کردانند برای او درجات تا سال اینده مثل اینروز پس اگر بمیرد شهید مرده باشد و ثواب شهیدان
داشته باشد و اگر زنده باشد سعادتمند زندگانی کند و هر که طعام دهد در اینروز مؤمنی را
چنان باشد که طعام داده باشد جمیع پیغمبران و صدیقان را و هر که دیدن کند در اینروز مؤمنی را

داخل کرداند خدا در قبر او هفتاد نور و قبر شرا کشاده کرداند و زیارت کنند او را در قبر او هر روز
هفتاد هزار ملك و بشارت دهند او را به بهشت و در روز غدیر حق تعالی عرض کرد ولایت و امامت
و محبت ما اهل بیت را بر اهل اسمانهای هفتگانه پس پیشی گرفتند باقرار بان اهل اسمان هفتم
پس زینت داد انرا بعرش پس بعد از ان سبقت گرفتند بان اهل اسمان چهارم پس زینت داد انرا
به بیت المعمور پس سبقت گرفتند باقرار بما اهل بیت اهل اسمان اول پس انرا زینت بخشید بستارگان
پس حق تعالی عرض کرد ولایت ما را بر زمینها پس پیشی گرفت باقرار بان مکهٔ معظمه پس زینت داد انرا بکعبه
پس پیشی گرفت مدینهٔ طیبه پس زینت داد انرا بمحمد مصطفی صلی الله علیه و اله پس سبقت گرفت
بسوی ان شهر کوفه پس زینت داد انرا بقبر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پس عرض کرد ولایت ما را بر کوهها
پس اول کوهی که اقرار کرد سه کوه بود کوه عقیق و کوه فیروزه و کوه یاقوت و باین سبب این جواهر
در انها بهم رسیده پس کوههای دیگر سبقت گرفتند و باین سبب معدن طلا و نقره و سایر معدنها
گردیدند و هر یك که اقرار نکرد معدن هیچ چیز نگردید و باز در روز غدیر عرض کرد ولایت ما را بر ابها
هر چه قبول کرد شیرین شد و هر چه قبول نکرد شور و تلخ شد پس عرض کرد ولایت ما را بر مرغان
هر مرغ که قبول کرد سخن گو و خوش اواز گردید و هر یك که قبول نکرد لال و بد اواز گردید و مثل مؤمنان
در قبول کردن حضرت امیر المؤمنین در روز غدیر مانند مثل ملائکه است در قبول کردن سجدهٔ حضرت
ادم علیه السلام و مثل انها که قبول ولایت انحضرت نکردند در روز غدیر مانند مثل شیطانست در قبول
نکردن سجدهٔ ادم و باین سبب مردود و ملعون گردید و در روز غدیر این ایه نازل شد اَلْيَوْمَ
اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْاِسْلَامَ دِينًا یعنی امروز کامل کردانیدم
از برای شما دین شما را و تمام کرده ایدم بر شما نعمت خود را و پسندیدم اسلام را برای دین شما
پس حضرت فرمود که نفرستاده است خدا پیغمبری را مگر انکه وصی و خلیفهٔ خود را در این روز نصب
کرده است و کلینی بسند معتبر روایت کرده است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که ایا مسلمانانرا
عید هست غیر جمعه و اضحی و فطر فرمود که بلی عیدی هست که از همه حرمتش بیشتر است راوی گفت کدام
عید است فرمود که بلی عیدی هست که از همه حرمتش بد ان روزیست که نصب کرد رسول خدا صلی الله
علیه و اله امیر المؤمنین را بخلافت خود و فرمود که هر که من مولا و اقای اویم علی اقای اوست و پیشوای
اوست و ان روز هجدهم ذی الحجه است راوی گفت چکار در ان روز باید کرد فرمود که باید روزه بدارید

و عبادت کنید و محمد و ال محمد صلی الله علیه و اله را یاد کنید و بر ایشان صلوة بفرستید و
وصیت کرد رسول خدا صلی الله علیه و اله امیر المؤمنین را که این روز را عید کرداند و هر پیغمبری وصی
خود را وصیت میکرد که این روز را عید کرداند و بروایت دیگر فرمود که روزهٔ عید غدیر کفارهٔ
شصت سال گناهست و بروایت دیگر منقولست که مفضل از حضرت صادق علیه السلام پرسید که ای مخدوم
گفتید مرا که روز غدیر را روزه بدارم فرمود که اری والله اری والله بدرستی که در این روز
خدا توبهٔ حضرت ادم علیه السلام را قبول کرد و بشکران این روز را روزه داشت و در این روز خدا حضرت
ابرهیم را از اتش نجات داد و بشکران این روز را روزه داشت و در این روز حضرت موسی علیه السلام هرون
را وصی خود کردانید و این روز را بشکر این نعمت روزه داشت و در این روز حضرت عیسی علیه السلام وصیت
وصی خود شمعون الصفا را ظاهر کردانید و این روز را بشکر این نعمت حق تعالی روزه داشت
و در این روز حضرت رسول صلی الله علیه و اله و سلم حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
را خلیفه و جانشین خود کردانید و فضیلت و وصایت او را بر خلق ظاهر کردانید و این روز
را بشکر این نعمتها روزه داشت و این روز روزه داشتن است و روز عبادتست و روز طعام
دادنست و روز نیکی کردنست با برادران مؤمن خود و روزیست که خدا از مؤمنان خوشنود میگردد
و بینی شیطان بر خاك مالیده میشود و بسند معتبر از ابن ابی نصر منقولست که گفت روزی در
خدمت حضرت امام رضا علیه السلام بودم و جماعت بسیار حاضر بودند پس فضیلت روز غدیر مذکور
شد و بعضی از حاضران انکار کردند پس حضرت فرمود که پدرم از پدرانش روایت کرد که روز غدیر
در اسمان مشهورتر است از زمین بدرستی که خدا را در فردوس اعلی قصریست که یك خشت ان
طلاست و یك خشت از نقره و در ان قصر صد هزار قبه است از یاقوت سرخ و صد هزار خیمه است
از یاقوت سبز و خاکش از مشك و عنبر است و در ان چهار نهر جاریست نهری از شراب و نهری از اب
و نهری از شیر و نهری از عسل و در دور ان درختان هست از انواع میوهها و بر ان درختان مرغان
خوش الحان هستند که بدنهای انها از مروارید است و بالهای انها از یاقوت و بانواع نغمهها خوانندگی
میکنند چون روز عید غدیر میشود در ان قصر حاضر میشوند با جمیع اهل اسمانها و تسبیح و
تقدیس و تهلیل حق تعالی میکنند و ان مرغان پرواز میکنند و در میان اب فرو میروند و بر ان
مشك و عنبر میغلطند و چون ملائکه جمع شدند پرواز میکنند و مشك و عنبر بر سر ایشان

میا فشانند و در این روز نثار حضرت فاطمه صلوات الله علیها را که در شب زفاف آنحضرت
سدرة المنتهی و درخت طوبی نثار کردند برای یکدیگر بهدیه میفرستند و چون آخر این روز
میشود ندا از جانب رب اعلی بایشان میرسد که برگردید بسوی درجها و مرتبهای خود بتحقیق
که ایمن کردید از گناه و خطا و لغزش تا مثل این روز از سال آینده برای کرامت محمد و علی صلوات الله
علیهما پس حضرت فرمود ای پسر ابی نصر هر جا که باشی سعی کن نزد قبر مطهر حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام حاضر شوی بدرستی که خدا در این روز میآمرزد از هر مرد مؤمن و زن مؤمنه گناه شصت
ساله ایشان را و در این روز آزاد میکند از آتش جهنم دو برابر آنچه آزاد کرده است در ماه رمضان
و شب قدر و شب فطر و یکدرهم که در این روز ببرادران مؤمن بدهی برابر است با هزار درهم که در
اوقات دیگر بدهی و احسان کن در این روز ببرادر مؤمن و شاد کردان هر مرد مؤمن و زن مؤمنه
را بخدا سوگند که اگر مردم فضیلت این روز را بدانند چنانچه باید هر آینه هر روز ده مرتبه ملائکه
با ایشان مصافحه کنند و زیارت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در این روز
فضیلت بسیار دارد از نزدیک و دور و موافق روایت صفوانی و غیر آن اگر از دور زیارت
کنند دو رکعت نماز زیارت بجا آورند و در رکعت اول بعد از حمد سوره انا انزلناه
و در رکعت دویم بعد از حمد سوره قل هو الله احد بخوانند پس این دعا را بخوانند اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰى وَلِيِّكَ وَاَخِي نَبِيِّكَ وَوَزِيرِهِ وَحَبِيبِهِ وَخَلِيلِهِ وَمَوْضِعِ سِرِّهِ وَخِيَرَتِهِ
خداوندا درود فرست بر ولی تو و برادر پیغمبر تو و وزیر او و دوست او و خلیل او و مکان اسرار او و اختیار کرده
مِنْ اُسْرَتِهِ وَوَصِيِّهِ وَصَفْوَتِهِ وَخَالِصَتِهِ وَاَمِينِهِ وَوَلِيِّهِ وَاَشْرَفِ
از خویشان او و وصی او و برگزیده او خالص او و امین او و دوست او و بزرگتر
عِتْرَتِهِ الَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَاَبِي ذُرِّيَّتِهِ وَبَابِ حِكْمَتِهِ وَالنَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ وَالدَّاعِي
عترت او کسانی که ایمان آورده‌اند او و پدر فرزندان او و در دانش او و گویا بحجت او و خواننده
اِلٰى شَرِيعَتِهِ وَالْمَاضِي عَلٰى سُنَّتِهِ وَخَلِيفَتِهِ عَلٰى اُمَّتِهِ سَيِّدِ الْمُسْلِمِينَ
بسوی راه او و رونده بر طریقه او و جانشین او بر امت او آقای مسلمانان
وَاَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ
و پادشاه مؤمنان و کشنده پیشانی سفیدان بهتر آنچه درود فرستادی بر احدی از خلق خود

وَاَصْفِيَائِكَ وَاَوْصِيَاءِ اَنْبِيَائِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَشْهَدُ اَنَّهُ قَدْ بَلَّغَ عَنْ نَبِيِّكَ
و برگزیدگان تو و اوصیای پیغمبران تو خداوندا بدرستی که من گواهی میدهم که رسانید از پیغمبر تو
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا حُمِّلَ وَرَعٰى مَا اسْتُحْفِظَ وَحَفِظَ مَا اسْتُودِعَ وَ
درود فرستد خدا بر او و آل او آنچه بر داشت و رعایت کرد آنچه را که بحفظ آن و محافظت کرد آنچه امانت گذاشته بود و
حَلَّلَ حَلَالَكَ وَحَرَّمَ حَرَامَكَ وَاَقَامَ اَحْكَامَكَ وَدَعَا اِلٰى سَبِيلِكَ وَوَالٰى
حلال کرد حلال ترا و حرام کرد حرام ترا و بپا داشت حکمهای ترا و خواند بسوی راه تو و پیروی کرد
اَوْلِيَاءَكَ وَعَادٰى اَعْدَاءَكَ وَجَاهَدَ النَّاكِثِينَ عَنْ سَبِيلِكَ وَالْقَاسِطِينَ
دوستان ترا و دشمنی کرد دشمنان ترا و جنگ کرد شکنندگان عهد را از راه تو و عدول کنندگان
وَالْمَارِقِينَ عَنْ اَمْرِكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا مُقْبِلًا غَيْرَ مُدْبِرٍ لَا تَاْخُذُهُ فِي اللّٰهِ لَوْمَةُ
و بیرون شدگان از امر تو را صبر کننده حساب کننده رو آورنده غیر پشت کننده فرا نگرفت او را در راه خدا سرزنش
لَائِمٍ حَتّٰى بَلَغَ فِي ذٰلِكَ الرِّضَا وَسَلَّمَ اِلَيْكَ الْقَضَاءَ وَعَبَدَكَ مُخْلِصًا
سرزنش کننده تا آنکه رسید در این خشنودی را و تسلیم کرد بسوی تو حکم را و عبادت کرد ترا خالص کننده
لَكَ مُجْتَهِدًا حَتّٰى اَتَاهُ الْيَقِينُ فَقَبَضْتَهُ اِلَيْكَ شَهِيدًا سَعِيدًا وَلِيًّا تَقِيًّا
از برای تو اجتهاد کننده تا آنکه آمد او را مرگ پس گرفتی او را بسوی خود شهید نیکبخت دوست پرهیزکار
رَضِيًّا زَكِيًّا هَادِيًا مَهْدِيًّا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ
پسندیده پاکیزه راه نماینده راه یافته خداوندا درود فرست بر محمد و بر او بهترین آنچه درود فرستادی
عَلٰى اَحَدٍ مِنْ اَنْبِيَائِكَ وَاَصْفِيَائِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ و اگر اشاره کند با انگشت
بر احدی از پیغمبران خود و برگزیدگان خود ای پروردگار عالمیان شهادت بجانب قبر
شریف آنحضرت و این زیارت اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَ
را نیز بخواند بهتر است سلام بر تو ای امیر المؤمنین و رحمت خدا و
بَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِينَ اللّٰهِ فِي اَرْضِهِ وَحُجَّتَهُ عَلٰى عِبَادِهِ اَشْهَدُ
برکتهای او سلام بر تو ای امین خدا در زمین او و حجت او بر بندگان او گواهی میدهم
لَقَدْ جَاهَدْتَ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فِي اللّٰهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ وَ
که بتحقیق که جهاد کردی ای امیر المؤمنین در راه خدا سزاوار جهاد آن و عمل کردی بکتاب او و

اتبعت سنن نبيه صلى الله عليه وآله حتى دعاك الله الى جواره فقبضك

پیروی کردی سنت پیغمبرش را درود و رحمت خدا بر او و آل او تا آنکه خواند ترا خدا بسوی همسایگی خود و قبض کرد ترا

اليه باختياره لك كريم ثوابه والزم اعداءك الحجة في قتلهم اياك

بسوی خود باختیار خود از برای تو بزرگ نعمتهای او و لازم کرد بر دشمنان تو حجت را در کشتن ایشان ترا

مع ما لك من الحجج البالغة على جميع خلقه اللهم صل على محمد وآله و

با آنچه بود از برای تو از حجتهای رسا بر همه خلق او خداوندا درود فرست بر محمد و آل او و

اجعل نفسي مطمئنة بقدرك راضية بقضائك مولعة بذكرك

بگردان نفس مرا قرار گیرنده بتقدیر تو راضی بحکم تو حریص شونده بیاد تو

ودعائك محبة لصفوة اوليائك محبوبة في ارضك وسمائك صابرة

و خواندن تو دوست دارنده از برای برگزیدگان دوستان تو دوست داشته شده در زمین تو و آسمان تو صبر کننده

عند نزول بلائك شاكرة لفواضل نعمائك ذاكرة لسوابغ آلائك مشتاقة

نزد فرود آمدن بلای تو شکر کننده از برای زیادتیهای نعمتهای تو یاد کننده مر کامل نعمتهای ترا مشتاق

الى فرحة لقائك متزودة التقوى ليوم جزائك مستنة بسنن اوليائك

بسوی استقبال ملاقات تو توشه گیرنده پرهیزکاری را از برای روز ثواب تو عمل کننده بطریقهای دوستان تو

مفارقة لاخلاق اعدائك مشغولة عن الدنيا بحمدك وثنائك اللهم

دوری کننده مر خلقهای دشمنان ترا اعراض کننده از دنیا بسبب شکر تو و ثنای تو خداوندا

ان قلوب المخبتين اليك والهة وسبل الراغبين اليك شارعة

بدرستی که دلهای سوختگان بسوی تو حیرانست و راههای رغبت کنندگان بسوی تو گشاده است

واعلام القاصدين اليك واضحة وافئدة العارفين منك

و نشانهای قصد کنندگان بسوی تو روشن است و دلهای عارفان از تو

فازعة واصوات الداعين اليك صاعدة وابواب الاجابة

فریاد رسند و صداهای دعا کنندگان بسوی تو بلند است و درهای اجابت

لهم مفتحة ودعوة من ناجاك مستجابة وتوبة من اناب اليك

از برای ایشان گشاده است و خواندن کسی که مناجات کند ترا مستجاب و توبه کسی که بازگشت کند بسوی تو

مقبولة وعبرة من بكى من خوفك مرحومة والاغاثة لمن استغاث بك

مقبول و اشک کسی که گریه کند از ترس تو رحم کرده شده است و فریادرسی از برای کسی که فریاد کند ترا

موجودة والاعانة لمن استعان بك مبذولة وعداتك لعبادك

موجود است و یاری از برای کسی که طلب یاری کند بتو بخشیده شده است و وعدهای تو از برای عباد تو

منجزة وزلات من استقالك مقالة واعمال العاملين لديك محفوظة

جزم کرده شده است و لغزشهای کسی که طلب بازگشت کند ترا بازگشته شده است و کارهای کارکنندگان نزد تو محافظت کرده شده است

وارزاق الخلائق من لدنك نازلة وعوائد المزيد اليهم واصلة وذنوب

و روزیهای خلقان از نزد تو فرود آمده و بخششهای زیاد بسوی ایشان رسیده و گناهان

المستغفرين مغفورة وحوائج خلقك عندك مقضية وجوائز

طلب آمرزش کنندگان آمرزیده شده است و حاجتهای خلقان تو نزد تو برآورده شده است و جائزهای

السائلين عندك موفرة وعوائد المزيد متواترة وموائد المستطعمين

سؤال کنندگان نزد تو بسیارات و بخششهای زیاده در پی است و مائدههای طلب طعام کنندگان

معدة ومناهل الظماء لديك مترعة اللهم فاستجب دعائي و

مهیاست و مکان آب خوردن تشنگان نزد تو پر آب است خداوندا پس اجابت کن دعای مرا و

اقبل ثنائي واجمع بيني وبين اوليائي بحق محمد وعلي و

قبول کن ثنای مرا و جمع کن میان من و میان دوستان من بحق محمد و علی و

فاطمة والحسن والحسين والائمة من ذرية الحسين ائمتي

فاطمه و حسن و حسین و پیشوایان از اولاد حسین پیشوایان من

انك ولي نعمائي ومنتهى مناي وغاية رجائي في منقلبي ومثواي

بدرستی که تو صاحب نعمتهائی و انتهای آرزوهای و نهایت امیدهائی در بازگشت من و مکان من

واگر بعد از نماز اول این زیارت را بعمل آورد و اخر اندعا را بخواند شاید بهتر باشد
وشب غدیر نیز شب بسیار مبارکیست و در شب نیز مناسبست که این زیارت را بعمل
آورند و نمازی در شب وارد شده است چون سندش معتبر نبود ایراد ننمودیم فاما
فضیلت روزه داشتن و تصدق کردن و افطار روزه دار نمودن در این روز در بن ابواب

احادیث بسیار است از جملهٔ انها این روایتست که حضرت صادق علیه السلم فرمود که روزه روز
عید غدیر برابر است با روزهٔ عمر دنیا که اگر کسی بقدر تمام عمر دنیا عمر بیابد و روزه بدارد ثواب
روزهٔ ایروز برابر است با ثواب او و روزهٔ اش برابر است نزد خدا با صد حج و صد عمره و این عید
بزرگ خداست و خدا فرستاده است پیغمبر را مکر انکه ایروز را عید کرده است و حرمتش را
دانسته است و نامش در اسمان روز معهود است و نامش در زمین روز میثاق ماخوذ است
و جمع مشهود است و هر که در ایروز مومنی را افطار فرماید ثواب کسی دارد که ده فئام اطعام
دهد که هر فئامی صد هزار کس است و ثواب کسی دارد که طعام و اب دهد باین عدد که مذکور
شد از پیغمبران و اوصیای ایشان و شهیدان و صالحان را در سال قحط و یکدرهم که در ایروز
تصدق کنند برابر است با صد هزار درهم که در روزهای دیگر تصدق کنند پس فرمود
که شاید گمان کنی که خدا روزی خلق کرده است که حرمتش از ایروز بیشتر باشد نه والله نه والله
نه والله و بروایت دیگر فرمود که روزه اش برابر است با شصت ماه از ماههای حرام که روزه بدارند
و فرمود که روز عید سرور و شادیست و بسند معتبر از فیاض بن محمد منقولست که گفت در روز
غدیر در مرو در خدمت حضرت امام رضا علیه السلم بودم و انحضرت در انروز مخصوصان خود را
و خویشان و اصحاب خود را جمع کرده بود و ایشانرا نگاهداشته بود که در شب افطار کنند و
بخانهای ایشان طعام و زرها و خلعتها فرستاد حتی انگشتر و کفش نیز فرستاد و بایشان
خلعتهای فاخر شفقت فرمود و ملازمان و خدمتکاران خود را همه جامهای نو پوشانیده بود بسیار نفیس
و فضیلت ایروز را برای مردم نقل میفرمود از جملهٔ انها گفت در بعضی از سالهای خلافت حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه روز جمعه با عید غدیر در یکروز جمع شد پس بعد از یکساعت
که از روز گذشت بر منبر بالا رفت و خطبهٔ طولانی اینروز ذکر کرد پس فرمود که بعد از انقضاء
خطبه فضایل روز عید غدیر را بسیار بیان فرمود و نامهای بسیار از برای ایروز ذکر کرد پس فرمود
که بعد از انقضاء این مجمع برگردید بخانهای خود و توسعه کنید بر عیال خود و احسان و نیکی کنید
نسبت ببرادران مومن خود و در خانهای خود برادران مومن را جمع کنید و نیکویی کنید نسبت بایشان
و یکدیگر را تهنیت و مبارکباد بگوئید و نیکی و احسان کردن در ایروز مال را و عمر را زیاد میکند
و مهربانی بایکدیگر کردن موجب مزید رحمت الهیست و تا توانید بخشش و احسان کنید با عیال خود

و برادران مومن خود و اظهار شادی و خوشحالی کنید و هر که امید احسان از شما دارد در حق او
تقصیر مکنید و ضعیفان و فقیران و غلامان و کنیزان را با خود برابر کنید بدرستی که دادن یکدرهم
در ایروز برابر است با دویست هزار درهم و حق تعالی زیاده نیز عطا میکند و روزه ایروز را حق تعالی
سنت گردانیده و ثوابش را مانند ثواب کسی گردانیده که از اول دنیا تا اخر دنیا عبادت کند با نکه روزها
روزه بدارد و شبها بعبادت بایستد و کسی که براورد حاجت برادر مومنی را پیش از انکه او اظهار کند
و از روی رغبت و خواهش با او نیکی کند چنان باشد که ایروز را روزه داشته باشد و تمام شب را
عبادت کرده باشد و هر که در شبش مومنی را افطار فرماید چنان باشد که هزار هزار پیغمبر و صدیق و
شهید را افطار فرموده باشد پس چگونه باشد ثواب کسی که متکفل احوال چندین نفر از مردان مومن
و زن مومنه بشود و هر گاه چنین کند من ضامنم بر خدا که امان یابد از کافر شدن و فقیر شدن و اگر
بمیرد در ان شب یا در انروز یا بعد از ان تا عید غدیر اینده بدون انکه کبیرهٔ بسیار بدی کند البته
امرزیده است و هر که قرضی بکند در ایروز از برای برادران خود من ضامنم بر خدا که اگر او را زنده بدارد
یا بمیراند ان قرض را ادا و متحمل شود و اندوش او بر دارد و چون بایکدیگر ملاقات کنید مصافحه کنید و
بزبانهای خوش یکدیگر را تهنیت بگوئید و انچه گفتم حاضران بغایبان بگویید و توانگران
رعایت کنند فقیر انرا و اقویا دستگیری کنند ضعیفانرا حضرت رسول صلی الله علیه و اله
مرا بهمهٔ اینها امر فرموده و بدانکه غسل در اول ایروز سنت مؤکداست اما کیفیت نماز
عید غدیر نماز مشهورش انست که از حضرت صادق علیه السلم روایت کرده اند که هر که در این
روز نیم ساعت پیش از زوال شمس دو رکعت نماز بجا اورد و در هر رکعت سوره حمد یکمرتبه و قل
هو الله احد و انا انزلناه و ایة الکرسی تا هم فیها خالدون هر یک را ده مرتبه بخواند برابر باشد
نزد حق تعالی با صد هزار حج و صد هزار عمره و هر حاجت از حاجتهای دنیا و اخرت که از خداوند کریم
سؤال کند البته باسانی و عافیت براورده شود و چون برادر مومن را ملاقات کنی بگو اَلْحَمْدُ
لِلّٰهِ الَّذِیْ اَکْرَمَنَا بِهٰذَا الْیَوْمِ وَجَعَلَنَا مِنَ الْمُوْفِیْنَ بِعَهْدِهِ الَّذِیْ عَهِدَهُ اِلَیْنَا وَمِیْثَاقِهِ الَّذِیْ
وَاثَقَنَا بِهِ مِنْ وِلَایَةِ وُلَاةِ اَمْرِهِ وَالْقُوَّامِ بِقِسْطِهِ وَلَمْ یَجْعَلْنَا مِنَ الْجَاحِدِیْنَ وَالْمُکَذِّبِیْنَ
بِیَوْمِ الدِّیْنِ یعنی سپاس خداوندیرا سزاست که ما را گرامی داشت باین روز و گردانید ما را از اعیان
اورندگان و گردانید ما را از وفا کنندگان بعهد خود که عهد کرده است بر ما و پیمانی که محکم گردانیده است

بر ما که ولایت والیان امر امامت است وانها که حکم میکنند بعدالت در میان خلق و نکر داینند
ما را از انکار کنندکان و تکذیب کنندکان برو زجزا و فرمود که بعد از نماز این دعا بخوانند

ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان آمنوا بربکم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا

پروردکارا ما بدرستی که ما شنیدیم ما منادی را که ندا کرد از برای ایمان اینکه ایمان آورید به پروردکار شما پس ایمان آوردیم پروردکارا پس بیامرز از برای ما کناهان ما

وکفر عنا سیئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا علی رسلک و

و بپوشان از ما کناهان ما را و بمیران ما را با نیکوکاران پروردکارا و بده ما را آنچه وعده داده ما را بر رسولان خود

لا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد اللهم انی اشهدک وکفی بک

خوار مکن ما را روز قیامت بدرستی که تو خلاف نمیکنی وعده را خداوندا بدرستی که من کواه میکیرم ترا و کافیست بتو

شهیدا واشهد ملائکتک وانبیاءک وحملة عرشک وسکان سمواتک و

کواه و کواه میکیرم فرشتکان ترا و پیغمبران ترا و بردارندکان عرش ترا و ساکنان آسمانهای تو و

ارضک بانک انت الله لا اله الا انت المعبود فلا نعبد سواک فتعالیت

زمین تو با اینکه تو توئی خدای که نیست خدائی مکر تو عبادت کرده شده پس عبادت نمیکنیم غیر ترا پس بلندی تو

عما یقول الظالمون علوا کبیرا واشهد ان محمدا عبدک ورسولک و

از آنچه میکویند ستمکاران بلندی بزرک و کواهی میدهم بدرستی که محمد بنده تو و رسول تو است و

اشهد ان امیر المؤمنین عبدک ومولانا ربنا سمعنا واجبنا وصدقنا

کواهی میدهم بدرستی که امیر المؤمنین بنده تو و آقای ماست پروردکارا ما شنیدیم و اجابت کردیم و تصدیق کردیم

المنادی رسولک صلی الله علیه واله اذ نادی بنداء عنک بالذی

نداکننده رسول ترا درود فرستاد خدا براو و آل او آنکه ندا کرد بندائی از تو بانچه

امرته ان یبلغ ما انزلت الیه من ولایة ولی امرک وحذرته و

امر کردی او را اینکه برساند آنچه فرو فرستادی بسوی او از ولایت ولی امر تو و حذر فرمودی او را و

انذرته ان لم یبلغ ما امرته ان تسخط علیه ولما بلغ رسالاتک

بیم کردی او را اکر نرساند آنچه امر کرده او را اینکه غضب کنی براو و چون رسانید رسالتهای ترا

عصمته من الناس فنادی مبلغا عنک الا من کنت مولاه فعلی مولاه

نکاهداشتی او را از مردمان پس ندا کرد رساننده از تو خبردار باشید کسی که بودم من آقای او پس علی آقای او است

ومن کنت ولیه فعلی ولیه ومن کنت نبیه فعلی امیره ربنا قد اجبنا داعیک

و کسی که بودم من ولی او پس علی ولی اوست و کسی که بودم من پیغمبر او پس علی امیر اوست پروردکارا بتحقیق اجابت کردیم خواننده ترا

النذیر محمدا عبدک ورسولک الی الهادی المهدی عبدک الذی انعمت علیه

که ترساننده است محمد بنده تو و رسول تو بسوی هادی مهدی بنده تو آنکه انعام کرده براو

وجعلته مثلا لبنی اسرائیل علی امیر المؤمنین ومولاهم وولیهم ربنا واتبعنا مولانا

و کردانیده او را مثل از برای بنی اسرائیل علی امیر المؤمنین و آقای ایشان و صاحب اختیار ایشان پروردکارا و پیروی کردیم آقای خود

وولینا وهادینا وداعینا وداعی الانام وصراطک المستقیم وحجتک البیضاء

و صاحب اختیار ما و راه نماینده ما و خواننده ما و خواننده خلایق و راه راست تو و حجت روشن تو

وسبیلک الداعی الیک علی بصیرة هو ومن اتبعه وسبحان الله عما یشرکون

و راه خواننده تو بسوی تو بر بینائی او و کسی که پیروی کرد او را و منزه است خدا از آنچه شریک میاورند

واشهد انه الامام الهادی الرشید امیر المؤمنین الذی ذکرته فی کتابک

و کواهی میدهم بدرستی که اوست امام راه نماینده ارشاد کننده امیر المؤمنین که یاد کرده او را در کتاب خود

وقولک الحق وانک قلت وانه فی ام الکتاب لدینا لعلی حکیم اللهم فانا نشهد

و قول تو حق است و بدرستی که تو کفتی و بدرستی که او در ام الکتاب نزد ما هر آینه علی حکیم است خداوندا پس بدرستی که ما کواهی میدهیم

بانه عبدک والهادی بعد نبیک النذیر المنذر وصراطک المستقیم

باینکه او بنده تو و راه نماینده بعد از پیغمبر تو ترساننده انذار کننده و راه راست تو

وامیر المؤمنین وقائد الغر المحجلین وحجتک البالغة ولسانک المعبر عنک

و امیر مؤمنان و کشنده پیشانی سفیدان و حجت تو کذرسات و لسان تعبیر کننده تو از تو

فی خلقک وانه القائم بالقسط فی بریتک ودیان دینک وخازن علمک و

در خلق تو و بدرستی که اوست قایم بعدل در خلقان تو و جزا دهنده دین تو و خزینه دار علم تو و

وامینک المأمون المأخوذ میثاقه ومیثاق رسولک علیهما السلام من جمیع

و امین امانت تو کرفته شده میثاق او و میثاق رسول تو بر ایشان سلام از همه

خلقک وبریتک شاهدا بالاخلاص لک وبالوحدانیة وبالربوبیة

خلق تو و بریه تو کواهی دهنده باخلاص از برای تو و بیکانکی و پروردکاری

بِاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَاَنَّ عَلِيّاً اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ

بانکه تو توئی خدائی که نیست خدای مگر تو و بدرستی که محمد بنده تو و رسول تست و بدرستی که امیر المؤمنین

جَعَلْتَهُ وَلِيَّكَ وَالْاِقْرارَ بِوِلايَتِهِ تَمامَ وَحْدانِيَّتِكَ وَكَمالَ دِينِكَ وَتَمامَ نِعْمَتِكَ عَلى

کردانیدی او را ولی تو و اقرار کردن بولایت او را تمام یکانکی خود و کمال دین خود و تمام نعمت خود بر

جَمِيعِ خَلْقِكَ وَبَرِيَّتِكَ فَقُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ اَلْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ

همه خلق خود و مخلوق خود پس گفتی و قول تو حق است امروز کامل کردم از برای شما دین شما و تمام کردم بر شما نعمت خود را

رَضِيتُ لَكُمُ الْاِسْلامَ دِيناً فَلَكَ الْحَمْدُ بِمُوالاتِهِ وَاِتْمامِ نِعْمَتِكَ عَلَيْنا بِالَّذِي جَدَّدْتَ

و پسندیدم از برای شما اسلام را دین پس مر تراست حمد بموالات او و اتمام نعمت تو بر ما بانچه تازه کردی

مِنْ عَهْدِكَ وَمِيثاقِكَ وَذَكَّرْتَنا ذلِكَ وَجَعَلْتَنا مِنْ اَهْلِ الْاِخْلاصِ وَالتَّصْدِيقِ

از عهد خود و میثاق خود و بیاد آوردی ما را این و کردانیدی ما را از اهل خلاص و تصدیق

بِمِيثاقِكَ وَمِنْ اَهْلِ الْوَفاءِ بِذلِكَ وَلَمْ تَجْعَلْنا مِنْ اَتْباعِ الْمُغَيِّرِينَ وَالْمُبَدِّلِينَ وَ

بمیثاق تو و از اهل وفا باین و نکردانیدی ما را از پیروان تغییر دهندکان و بدل کنندکان و

الْمُحَرِّفِينَ وَالْمُبَتِّكِينَ آذانَ الْاَنْعامِ وَالْمُغَيِّرِينَ خَلْقَ اللّٰهِ وَمِنَ الَّذِينَ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ

انداختکان و شکافنده کان کوشهای چهارپایان و تغییر دهندکان خلق خدا و از آنانکه غالب شده بر ایشان

الشَّيْطانُ فَاَنْساهُمْ ذِكْرَ اللّٰهِ وَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَالصِّراطِ الْمُسْتَقِيمِ اَللّٰهُمَّ الْعَنِ

شیطان پس از یاد ایشان برده ذکر خدا را و باز داشته ایشان را از راه و راه راست خداوندا لعنت کن

الْجاحِدِينَ وَالنّاكِثِينَ وَالْمُغَيِّرِينَ وَالْمُبَدِّلِينَ وَالْمُكَذِّبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ مِنَ الْاَوَّلِينَ

منکران و عهد شکنندکان و تغییر دهندکان و بدل کنندکان و تکذیب کنندکان بروز جزا را از پیشینیان

وَالْآخِرِينَ اَللّٰهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلى اِنْعامِكَ عَلَيْنا بِالْهُدَى الَّذِي هَدَيْتَنا بِهِ اِلى

و پسینیان خداوندا پس از برای تست حمد بر نعمتهای تو بر ما براهی که راهنمائی کرده ما را بان بسوی

وُلاةِ اَمْرِكَ مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْاَئِمَّةِ الْهُداةِ الرّاشِدِينَ

پادشاهان امر تو از بعد پیغمبر تو درود فرستاد خدا بر او و آل او پیشوایان راه نماینده ارشاد کننده

وَاَعْلامِ الْهُدى وَمَنارِ الْقُلُوبِ وَالتَّقْوى وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقى وَكَمالِ دِينِكَ وَتَمامِ

و نشانهای هدایت و محل روشنی دلها و پرهیزکاری و بند محکم و کمال دین تو و تمام

نعمتك

نِعْمَتِكَ وَمَنْ بِهِمْ وَبِمُوالاتِهِمْ رَضِيتَ لَنَا الْاِسْلامَ دِيناً رَبَّنا فَلَكَ الْحَمْدُ آمَنّا وَصَدَّقْنا

نعمت تو و منت کذاشته با ایشان و پیروی ایشان پسندیدی از برای ما اسلام را دین پروردکار ما پس تراست حمد ایمان آوردیم ما و تصدیق کردیم

بِمَنِّكَ عَلَيْنا بِالرَّسُولِ النَّذِيرِ الْمُنْذِرِ وَالَيْنا وَلِيَّهُمْ وَعادَيْنا عَدُوَّهُمْ وَبَرِئْنا مِنَ الْجاحِدِينَ

بمنت تو بر ما برسول تو ساننده انذار کننده و تصدیق کردیم دوستان ایشان را و دشمنی کردیم دشمنان ایشان را و بیزاریم از منکران

وَالْمُكَذِّبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ اَللّٰهُمَّ فَكَما كانَ ذلِكَ مِنْ شَاْنِكَ يا صادِقَ الْوَعْدِ يا مَنْ

و تکذیب کنندکان بروز جزا خداوندا پس چنانکه بود این از شان تو ای راست وعده ای کسی که

لا يُخْلِفُ الْمِيعادَ يا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَاْنٍ اِذْ اَتْمَمْتَ عَلَيْنا نِعْمَتَكَ بِمُوالاةِ اَوْلِيائِكَ

خلاف نمیکند وعده را ای کسی که او هر روز در کاریست از آنکه تمام کردی بر ما نعمت خود را بموالات دوستان تو

الْمَسْؤُولِ عَنْهُمْ عِبادُكَ فَاِنَّكَ قُلْتَ ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ وَقُلْتَ وَقَوْلُكَ

سوال کرده میشوند از ایشان بندکان تو پس بدرستیکه تو کفتی پس هر اینه سوال کرده شوند در آن روز از نعیم و کفتی و قول تو

الْحَقُّ وَقِفُوهُمْ اِنَّهُمْ مَسْؤُولُونَ وَمَنَنْتَ عَلَيْنا بِشَهادَةِ الْاِخْلاصِ وَبِوِلايَةِ اَوْلِيائِكَ

حقست و باز دارید ایشان را بدرستیکه ایشان سوال کرده شدکانند و منت کذاشتی بر ما بشهادة اخلاص و بولایت دوستان خود

الْهُداةِ بَعْدَ النَّذِيرِ الْمُنْذِرِ السِّراجِ الْمُنِيرِ فَاَكْمَلْتَ لَنا بِهِمُ الدِّينَ وَاَتْمَمْتَ عَلَيْنا

راه نمایندکان بعد از نذیر منذر چراغ روشن پس کامل کردی از برای ما با ایشان دین را و تمام کردی بر ما

النِّعْمَةَ وَجَدَّدْتَ لَنا عَهْدَكَ وَذَكَّرْتَنا مِيثاقَكَ الْمَاْخُوذَ مِنّا فِي ابْتِداءِ خَلْقِكَ

نعمت را و تازه کردی از برای ما عهد خود را و بیاد آوردی ما را پیمان تو که فرا کرفته شده بود از ما در ابتداء خلق کردن تو

اِيّانا وَجَعَلْتَنا مِنْ اَهْلِ الْاِجابَةِ وَلَمْ تُنْسِنا ذِكْرَكَ فَاِنَّكَ قُلْتَ وَاِذْ اَخَذَ رَبُّكَ

ما را و کردانیدی ما را از اهل اجابت و فراموش مکن ما را یاد خود پس بدرستی که تو کفتی و آنکه کرفت پروردکار تو

مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَاَشْهَدَهُمْ عَلى اَنْفُسِهِمْ اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قالُوا

از بنی آدم از پشتهای ایشان اولاد ایشان را و کواه کرفت ایشان را بر انفس ایشان آیا نیستم پروردکار شما کفتند

بَلى شَهِدْنا بِمَنِّكَ وَلُطْفِكَ فَاِنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ رَبُّنا وَمُحَمَّدٌ عَبْدُكَ

بلی کواهیم ما بمنت تو و لطف تو پس بدرستی که تو توئی خدائی که نیست خدائی مکر تو پروردکار ما و محمد بنده تو

وَرَسُولُكَ وَنَبِيُّنا وَعَلِيٌّ اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدُكَ الَّذِي اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْنا وَ

و رسول تو و پیغمبر ما و علی امیر مؤمنان بنده تو که انعام کرده باو بر ما و

بانّك

جَعَلْتَهُ آيَةً لِنَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآيَتَكَ الْكُبْرىٰ وَصِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ وَ

گردانیدی اورا ایه از برای پیغمبر خود درود فرستاد خدا بر او و آل او و آیه تو کبری است و راه تو که راست است و

النَّبَأَ الْعَظِيمَ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ وَعَنْهُ مَسْؤُولُونَ اَللّٰهُمَّ فَكَمَا كَانَ مِنْ

خبر بزرگ که ایشان در آن اختلاف کننده اند و از او سؤال کرده میشوند خداوندا پس چنانکه بود از

شَأْنِكَ أَنْ أَنْعَمْتَ عَلَيْنَا بِالْهِدَايَةِ إِلىٰ مَعْرِفَتِهِمْ فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ تُصَلِّيَ

شان تو اینکه انعام کردی بر ما بهدایه بسوی معرفت ایشان پس باشد از شان تو اینکه درود فرستی

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُبَارِكَ لَنَا فِي يَوْمِنَا هٰذَا الَّذِي أَكْرَمْتَنَا بِهِ وَذَكَّرْتَنَا

بر محمد و آل محمد و اینکه برکت دهی از برای ما در روز ما این روز که گرامی داشتی ما را بآن و بیاد دادی ما را

فِيهِ عَهْدَكَ وَمِيثَاقَكَ وَأَكْمَلْتَ دِينَنَا وَأَتْمَمْتَ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ وَجَعَلْتَنَا بِمَنِّكَ

در آن عهد تو و پیمان تو و اکمال کردی دین ما را و تمام کردی بر ما نعمت خود و گردانیدی ما را بمنت خود

مِنْ أَهْلِ الْإِجَابَةِ لَكَ وَالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ أَوْلِيَائِكَ الْمُكَذِّبِينَ

از اهل اجابت از برای تو و بیزاری از دشمنان تو و دشمنان دوستان تو تکذیب کنندگان

بِيَوْمِ الدِّينِ فَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ تَمَامَ مَا أَنْعَمْتَ وَأَنْ تَجْعَلَنَا مِنَ الْمُوفِينَ

بروز جزا پس سؤال میکنم تو را ای پروردگار تمام آنچه انعام کرده و اینکه بگردانی ما را از بعضی دارندگان

وَلَا تُلْحِقَنَا بِالْمُكَذِّبِينَ وَاجْعَلْ لَنَا قَدَمَ صِدْقٍ مَعَ الْمُتَّقِينَ وَاجْعَلْنَا مَعَ

و ملحق مساز ما را بدروغگویان و بگردان از برای ما قدم راست با پرهیزکاران و بگردان ما را با

الْمُتَّقِينَ إِمَامًا يَوْمَ تَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَةِ أَهْلِ بَيْتِ

پرهیزکاران امام روزی که میخوانی هر مردی با امام شان و حشر کن ما را در زمره اهل بیت

نَبِيِّكَ الْأَئِمَّةِ الصَّادِقِينَ وَاجْعَلْنَا مِنَ الْبُرَآءِ مِنَ الَّذِينَ هُمْ دُعَاةٌ إِلَى

پیغمبر تو پیشوایان راست گویان و بگردان ما را از بیزاران از آنانکه ایشان خواننده اند بسوی

النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ وَأَحْيِنَا عَلىٰ ذٰلِكَ مَا أَحْيَيْتَنَا

آتش و روز قیامت ایشان از زشت‌چهرگانند و زنده دار ما را بر این آنچه زنده میداری ما را

وَاجْعَلْ لَنَا مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا وَاجْعَلْ لَنَا قَدَمَ صِدْقٍ فِي الْهِجْرَةِ إِلَيْهِمْ

و بگردان از برای ما با رسول راهی و بگردان از برای ما قدم راست در هجرت بسوی ایشان

الاخلاص

الموقنین

وَاجْعَلْ مَحْيَانَا خَيْرَ الْمَحْيَا وَمَمَاتَنَا خَيْرَ الْمَمَاتِ وَمُنْقَلَبَنَا خَيْرَ الْمُنْقَلَبِ عَلىٰ

و بگردان زندگانی ما را بهتر زندگی و مردن ما را بهتر مردن و برگشت ما را بهتر برگشت بر

مُوَالَاةِ أَوْلِيَائِكَ وَمُعَادَاةِ أَعْدَائِكَ حَتّىٰ تَوَفَّانَا وَأَنْتَ عَنَّا رَاضٍ قَدْ

پیروی دوستان تو و دشمنی دشمنان تو تا آنکه بمیرانی ما را و تو از ما راضی باشی بتحقیق

أَوْجَبْتَ لَنَا جَنَّتَكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَالْمَثْوىٰ مِنْ جِوَارِكَ فِي دَارِ

واجب کرده باشی از برای ما بهشت خود را برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و مکان از همسایگی تو در خانه

الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِكَ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ رَبَّنَا اغْفِرْ

مقام از فضل تو مس نکند ما را در آن مشقتی و مس نکند ما را رنجی پروردگارا بیامرز

لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلىٰ

از برای ما گناهان ما را و بپوشان از ما بدیهای ما را و بمیران ما را با نیکوکاران پروردگارا و بده ما را آنچه وعده داده ما را بر

رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ اَللّٰهُمَّ احْشُرْنَا مَعَ

رسولان تو و رسوا مکن ما را روز قیامت بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را خداوندا محشور کن ما را با

الْأَئِمَّةِ الْهُدَاةِ مِنْ آلِ رَسُولِكَ نُؤْمِنُ بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَشَاهِدِهِمْ وَ

پیشوایان راه نماینده از آل رسول تو ایمان می‌آوریم به پنهان ایشان و آشکار ایشان و حاضر ایشان و

غَائِبِهِمْ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَبِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ

غائب ایشان خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم تو را بحق آنکه کرده او را نزد ایشان و بآنچه فضیلت دادی ایشان را

بِهِ عَلَى الْعَالَمِينَ جَمِيعًا أَنْ تُبَارِكَ لَنَا فِي يَوْمِنَا هٰذَا الَّذِي أَكْرَمْتَنَا فِيهِ

باو بر عالمیان همه اینکه برکت دهی از برای ما در روز ما این روز که گرامی داشتی ما را در آن

بِالْمُوَافَاتِ بِعَهْدِكَ الَّذِي عَهِدْتَ إِلَيْنَا وَبِالْمِيثَاقِ الَّذِي وَاثَقْتَنَا بِهِ

بوفا کردن بعهد تو که عهد کرده او را بسوی ما و به پیمان که پیمان گرفته ما را باو

مِنْ مُوَالَاةِ أَوْلِيَائِكَ وَالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ أَنْ تُتِمَّ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ وَلَا

از پیروی دوستان تو و بیزاری از دشمنان تو اینکه تمام کنی بر ما نعمت خود را و

تَجْعَلَهُ مُسْتَوْدَعًا وَاجْعَلْهُ مُسْتَقَرًّا وَلَا تَسْلُبْنَاهُ أَبَدًا وَلَا تَجْعَلْهُ مُسْتَعَارًا

نگردانی او را امانت و بگردان او را ثابت و سلب مکن او را از ما هرگز و مگردان او را عاریه

واذقنا مرافقة ولیك الهادی المهدی الی الهدی وتحت لوائه وفی زمرته

وروزی کن ما را رفاقت دوست تو راه نماینده راه یافته بسوی هدایت وزیر علم او ودر زمره او

شهداء صادقین علی بصیرة من دینك انك علی كل شیء قدیر واكر این عمل برا و دشوار

شهید ان راست کویان بر بینایی از دین تو بدرستی که تو بر همه چیز قادری باشد باین عمل روایت

کند که شیخ مفید علیه الرحمه ودیکران از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که هر که در روز

عید غدیر دو رکعت نماز بکند هر وقت که خواهد واکر نزدیك بزوال بکند که در ان ساعت

حضرت رسول الله صلی الله علیه واله حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه را در غدیر

خم برای مردم بامامت وخلافت نصب کرد بهتر است یعنی بهر سوره که خواهد واکر در رکعت

اول بعد از حمد انا انزلناه ودر رکعت دویم قل هو الله احد بخواند چنانچه در روایت معتبر دیکر

وارد شده است بهتر است پس بسجده رود وصد مرتبه شكرا لله یا شکرا بکوید وچون سر از سجده

بردارد این اللهم انی اسئلك بان لك الحمد وحدك لا شریك لك وانك واحد

دعا بخواند خداوندا بدرستی که من سوال میکنم تو را بدرستی که از برای تست حمد تنهایی تو نیست شریکی از برای تو وبدرستی که تو واحدی

احد صمد لم تلد ولم تولد ولم یكن لك كفوا احد وان محمدا عبدك ورسولك

یکتایی بینیازی نزاییده ونزاییده نشده ونبوده از برای تو انباز احدی وبدرستی که محمد بنده تو ورسول تواست

صلواتك علیه واله یا من هو كل یوم فی شان كما كان من شانك ان تفضلت علی

درود تو بر او وال او ای کسی که او هر روز در کاری است چنانکه بود از شان تو اینکه تفضل کردی بر من

بان جعلتنی من اهل اجابتك واهل دینك واهل دعوتك ووفقتنی لذلك فی مبتدا

باینکه کردانیدی مرا از اهل اجابت خود واهل دین خود واهل دعوت خود وتوفیق دادی مرا از برای این در ابتدا

خلقی تفضلا منك وكرما وجودا ثم اردفت الفضل فضلا والجود جودا والكرم كرما

خلق من از روی تفضل از تو وکرم وجود پس ردیف کردی ان فضل را فضلی وبخشش را بخششی وکرم را کرمی

رافة منك ورحمة الی ان جددت ذلك العهد لی تجدیدا بعد تجدیدك خلقی و

از روی لطف لائق ورحمت تا اینکه تازه کردی این عهد را از برای من تازه کردنی بعد از تازه کردن تو خلق مرا و

كنت نسیا منسیا ناسیا ساهیا غافلا فاتممت نعمتك بان ذكرتنی ذلك ومننت

بودم من فراموش فراموش کرده شده فراموش سهو کننده غافل پس تمام کردی نعمت خود را باینکه بیاد اوردی مرا این ومنت کذاشتی

به علی وهدیتنی له فلیكن من شانك یا الهی وسیدی ومولای ان تتم

با و بر من وهدایت کردی مرا از برای او پس باشد از شان تو ای خدای من واقای من ومولای من اینکه تمام کنی

لی ذلك ولا تسلبنیه حتی تتوفانی علی ذلك وانت عنی راض فانك احق

از برای من اینرا وسلب نکنی از من انرا تا انکه بمیرانی مرا بر این وتو از من راضی باشی پس بدرستی که تو سزاوارتری

المنعمین ان تتم نعمتك علی اللهم سمعنا واطعنا واجبنا داعیك بمنك

نعمت دهندکان باینکه تمام کنی نعمت خود را بر من خداوندا شنودیم واطاعت کردیم واجابت کردیم خواننده را بمنت تو

فلك الحمد غفرانك ربنا والیك المصیر امنا بالله وحده لا شریك له و

پس مر تراست حمد امرزش تو پروردکار ما وبسوی تست بازکشت ایمان اوردیم بخدا یکتا ونیست شریکی از برای او

برسوله محمد صلی الله علیه واله وصدقنا واجبنا داعی الله واتبعنا

برسول او محمد درود فرستاد خدا بر او وال او وتصدیق کردیم واجابت کردیم خواننده خدا را وپیروی کردیم

الرسول فی موالاة مولانا ومولی المؤمنین امیر المؤمنین علی بن ابی طالب

رسول را در پیروی مولا اقای ما واقای مومنان امیر المؤمنین علی بن ابی طالب

عبد الله واخی رسوله والصدیق الاكبر والحجة علی بریته المؤید

بنده خدا وبرادر رسول او وراست کوی بزرك وحجت بر خلایق تو توفیق یافته

به نبیه ودینه الحق المبین علما لدین الله وخازنا لعلمه وعیبة غیب

باو پیغمبر او ودین او که حق است ظاهر نشانه از برای دین خدا وخزینه دار از برای علم او وصندوق غیب

الله وموضع سر الله وامین الله علی خلقه وشاهده فی بریته اللهم ربنا

خدا وموضع اسرار خدا وامین خدا بر خلق او کواه او در خلقان او خداوندا پروردکار ما

اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان امنوا بربكم فامنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا

بدرستی که ما شنیدیم منادی را که ندا میکند از برای ایمان اینکه ایمان اورید بپروردکار خود پس ایمان اوردیم پس بیامرز مر ما را کناهان ما

وكفر عنا سیئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا واتنا ما وعدتنا علی رسلك ولا

وبپوشان از ما بدیهای ما را وبمیران ما را با نیکوکاران پروردکار ما وبده ما را انچه وعده کرده ما را بر رسولان تو و

تخزنا یوم القیمة انك لا تخلف المیعاد فانا ربنا بمنك ولطفك اجبنا داعیك

خوار مکن ما را روز قیامت بدرستی که تو خلف نمیکنی وعده را پس بدرستی که ما پروردکار ما بمنت تو ولطف تو اجابت کردیم خواننده تو را

وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ وَصَدَّقْنَاهُ وَصَدَّقْنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَكَفَرْنَا بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ

و پیروی کردیم رسول را و تصدیق کردیم اورا و تصدیق کردیم آقای مؤمنان را و کافر شدیم بجبت و طاغوت

فَوَلِّنَا مَا تَوَلَّيْنَا وَاحْشُرْنَا مَعَ أَئِمَّتِنَا فَإِنَّا بِهِمْ مُؤْمِنُونَ مُوقِنُونَ وَلَهُمْ مُسَلِّمُونَ

پس پیروی کن ما را آنچه پیروی کردیم و محشور کن ما را با پیشوایان ما پس بدرستی که ما بایشان ایمان آورنده کانیم یقین دارنده کانیم و از برای ایشان تسلیم کنندگانیم

آمَنَّا بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَشَاهِدِهِمْ وَغَائِبِهِمْ وَحَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ وَرَضِينَا بِهِمْ

ایمان آوردیم بپنهان ایشان و ظاهر ایشان و حاضر ایشان و غایب ایشان و زنده ایشان و مرده ایشان و راضی شدیم بایشان

أَئِمَّةً وَقَادَةً وَسَادَةً وَحَسْبُنَا بِهِمْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ اللّٰهِ دُونَ خَلْقِهِ لَا نَبْتَغِي بِهِمْ

پیشوایان و کشندگان و بزرگان و بس است ما را ایشان میان ما و میان خدا دون خلق او طلب نمیکنیم بایشان

بَدَلًا وَلَا نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيجَةً وَبَرِئْنَا إِلَى اللّٰهِ مِنْ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لَهُمْ حَرْبًا

بدلی و فرا نمیگیریم از غیر ایشان دوستی و بیزاریم ما بسوی خدا از هرکه نصب کرده از برای ایشان حرب را

مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَكَفَرْنَا بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَ

از جن و انس از پیشینیان و پسینیان و کافر شدیم بجبت و طاغوت و

الْأَوْثَانِ الْأَرْبَعَةِ وَأَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ وَكُلِّ مَنْ وَالَاهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ

بتهای چهار و پیروان ایشان و تابعان ایشان و هرکسی که پیروی کرده ایشان را از جن و انس

مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَى آخِرِهِ اَللّٰهُمَّ إِنَّا نُشْهِدُكَ أَنَّا نَدِينُ بِمَا دَانَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَ

از اول روزگار تا آخر آن خداوندا بدرستی که ما گواه میگیریم ترا بدرستی که ما جزا میدهیم بآنچه جزا داده بآن محمد و

آلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَقَوْلُنَا مَا قَالُوا وَدِينُنَا مَا دَانُوا بِهِ مَا قَالُوا بِهِ

آل محمد درود خدا بر او و بر ایشان و قول ما آنچه گفتند و دین ما آنچه که جزا دادند بآن آنچه گفتند بآن

قُلْنَا وَمَا دَانُوا بِهِ دِنَّا وَمَا أَنْكَرُوا أَنْكَرْنَا وَمَنْ وَالَوْا وَالَيْنَا وَمَنْ عَادَوْا عَادَيْنَا

قائلیم و آنچه جزا دادند بآن جزا میدهیم ما و آنچه انکار کردند انکار کردیم ما و کسی را که دوست داشتند دوست میداریم و کسی را که دشمن داشتند دشمن میداریم

وَمَنْ لَعَنُوا لَعَنَّا وَمَنْ تَبَرَّؤُوا مِنْهُ تَبَرَّأْنَا مِنْهُ وَمَنْ تَرَحَّمُوا عَلَيْهِ تَرَحَّمْنَا عَلَيْهِ

و کسی را که لعنت کردند لعنت میکنیم و کسی که بیزاری جستند از او بیزاریم ما از او و کسیرا که رحم کردند بر او رحم میکنیم ما بر او

آمَنَّا وَسَلَّمْنَا وَرَضِينَا وَاتَّبَعْنَا مَوَالِيَنَا صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ اَللّٰهُمَّ فَتَمِّمْ

ایمان آوردیم و تسلیم کردیم و راضی شدیم و پیروی کردیم آقای خود را درود خدا بر ایشان خداوندا پس تمام کن

لَنَا ذٰلِكَ وَلَا تَسْلُبْنَاهُ وَاجْعَلْهُ مُسْتَقَرًّا ثَابِتًا عِنْدَكَ وَلَا تَجْعَلْهُ مُسْتَعَارًا وَ

از برای ما اینرا و سلب مکن ما را از آن و بگردان او را ثابت و مثبت نزد تو و مگردان او را عاریه و

أَحْيِنَا مَا أَحْيَيْتَنَا عَلَيْهِ وَأَمِتْنَا إِذَا أَمَتَّنَا عَلَيْهِ آلُ مُحَمَّدٍ أَئِمَّتُنَا فَبِهِمْ نَأْتَمُّ وَ

زنده دار ما را آنچه زنده میداری بر آن و بمیران ما را هرگاه میمیرانی ما را بر آن آل محمد پیشوایان ما اند پس بایشان اقتدا میکنیم

إِيَّاهُمْ نُوَالِي وَعَدُوَّهُمْ عَدُوُّ اللّٰهِ نُعَادِي فَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا

ایشان را پیروی میکنیم و دشمنان ایشان را دشمنان خدا دشمن میداریم پس بگردان ما را با ایشان در دنیا

وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ فَإِنَّا بِذٰلِكَ رَاضُونَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس باز بسجده رود

و آخرت و از مقربان پس بدرستی که ما باین راضیم ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و صد مرتبه الحمد لله

و صد مرتبه شکراً لله بگوید پس حضرت فرمود که هر که این عمل را بجا آورد ثواب کسی داشته باشد

که در روز غدیر نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله حاضر شده باشد و با حضرت رسول

و امیر المؤمنین صلوات الله علیهما بر ولایت آنحضرت بیعت کرده باشد و درجهٔ او در

بهشت با درجهٔ راستگویان و تصدیق کنندگان باشد که تصدیق خدا و رسول در ایشان

از روی اخلاص کردند مانند سلمان و ابوذر و مقداد رضی الله عنهم و مانند کسی باشد

که شهید شده باشد با حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین و حسن و حسین

صلوات الله علیهم و مانند کسی باشد که در زیر علم حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه

و در زیر خیمه آنحضرت بوده باشد از نجیبان و نقیبان و برگزیدگان اصحاب آنحضرت و

ایضا شیخ مفید علیه الرحمه روایت کرده است اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَعَلِيٍّ

که سنت است این دعا را در روز غدیر بخوانند خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بحق محمد پیغمبر تو و علی

وَلِيِّكَ وَالشَّأْنِ وَالْقَدْرِ الَّذِي خَصَصْتَهُمَا بِهِ دُونَ خَلْقِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ

ولی تو و مرتبه و قدری که مخصوص کردانیده ایشان را بآن دون خلق تو اینکه درود فرستی بر محمد

وَعَلِيٍّ وَأَنْ تَبْدَأَ بِهِمَا فِي كُلِّ خَيْرٍ عَاجِلٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَئِمَّةِ

و علی و اینکه ابتدا کنی بایشان در هر خیر بتعجیل کننده خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد پیشوایان

الْقَادَةِ وَالدُّعَاةِ السَّادَةِ وَالنُّجُومِ الزَّاهِرَةِ وَالْأَعْلَامِ الْبَاهِرَةِ وَسَاسَةِ

کشنده و خوانندگان بزرگ و ستارگان روشن و نشانهای ظاهر و سیاست کنندگان

العباد وارکان البلاد والناقة المرسلة والسفينة الناجية الجارية في اللجج

بندگان وارکان بلاد وشتر فرستاده شده وکشتی نجات دهنده جاری در دریاهای

العامرة اللهم صل على محمد وآل محمد خزان علمك وارکان توحيدك

عمیق خداوندا درود فرست بر محمد وآل محمد خزینه داران علم تو وارکان یگانگی تو

ودعائم دينك ومعادن كرامتك وصفوتك من بريتك وخيرتك من خلقك الاتقياء

وستونهای دین تو ومعدنهای کرامت تو وبرگزیدگان از خلق تو واختیار کرده شدگان تو از خلق تو پرهیزکاران

الانقياء النجباء الابرار والباب المبتلى به الناس من اتاه نجا ومن اباه هوى

پاکیزگان بزرگان نیکوکاران ودری که از مایش کرده شده بان مردمان کسی که بیاید از ان نجات می یابد وکسی که اباکند از ان گمراهست

اللهم صل على محمد وآل محمد اهل الذكر الذين امرت بمسألتهم وذوي القربى

خداوندا درود فرست بر محمد وآل محمد اهل ذکر آنانکه امر کرده سؤال کردن ایشان وصاحبان قربی

الذين امرت بمودتهم وفرضت حقهم وجعلت الجنة معاد من اقتص آثارهم

آنانکه امر کرده بدوست داشتن ایشان وواجب کرده حق ایشان را وگردانیده بهشت را مکان کسی که پیروی کند آثار ایشان

اللهم صل على محمد وآل محمد كما امروا بطاعتك ونهوا عن معصيتك ودلوا

خداوندا درود فرست بر محمد وآل محمد چنانکه امر کردند بطاعت تو وبازداشتند از نافرمانی تو ودلالت کردند

عبادك على وحدانيتك اللهم اني اسألك بحق محمد نبيك ونجيبك و

بندگان ترا بر یگانگی تو خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بحق محمد پیغمبر تو وبرگزیده تو و

نجيبك

صفوتك وامينك ورسولك الى خلقك وبحق امير المؤمنين ويعسوب الدين

برگزیده تو وامین تو ورسول تو بسوی خلق تو وبحق امیر المؤمنین وپادشاه روز جزا

وقائد الغر المحجلين الوصي الوفي والصديق الاكبر والفاروق بين الحق

وکشنده پیشانی سفیدان وصی وفاکننده وراستگوی بزرگ وفرق کننده میان حق

والباطل والشاهد لك والدال عليك والصادع بامرك والمجاهد

وباطل وگواه از برای تو ودلالت کننده بر تو وبپا کننده بامر تو وجهاد کننده

في سبيلك لم تأخذه فيك لومة لائم ان تصلي على محمد وآل محمد و

در راه تو نگرفت اورا در راه تو سرزنش سرزنش کننده آنکه درود فرستی بر محمد وآل محمد و

ان تجعلني في هذا اليوم الذي عقدت فيه لوليك العهد في اعناق

آنکه بگردانی مرا در این روز که بستی در آن از برای ولی خود عهد را در گردنهای

خلقك واكملت لهم الدين من العارفين بحرمته والمقرين بفضله و

خلق خود وکامل کردانیده از برای ایشان دین را از عارفان بحرمت او واقرار کنندگان بفضل او و

من عتقائك وطلقائك من النار ولا تشمت بي حاسدي النعم اللهم

از آزادان تو ورها کردهای تو از آتش وشماتت مکن بمن حسد برنده را بنعمتها خداوندا

فكما جعلته عيدك الاكبر وسميته في السماء يوم العهد المعهود و

پس چنانکه گردانیدی اورا عید تو که بزرگتر ونامیدی اورا در آسمان روز عهد ومعهود و

في الارض يوم الميثاق المأخوذ والجمع المسؤول صل على محمد وآل محمد

در زمین روز پیمان گرفته شده وجمع سؤال کرده شده درود فرست بر محمد وآل محمد

واقرر به عيوننا واجمع به شملنا ولا تضلنا بعد اذ هديتنا واجعلنا

وروشن کن باو چشمهای ما را وجمع کن باو پراکندگی ما را وگمراه مکن ما را بعد از آنکه هدایت کردی ما را وبگردان ما را

لانعمك من الشاكرين يا ارحم الراحمين الحمد لله الذي عرفنا فضل هذا اليوم

از برای نعمتهای خود از شکر کنندگان ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ستایش از برای خدائیکه شناسانید ما را فضل این روز

وبصرنا حرمته وكرمنا به وشرفنا بمعرفته وهدانا بنوره يا رسول الله يا

وبینا کرد ما را بحرمت او وگرامی داشت ما را باو وبشرف کرد ما را بمعرفت او وهدایت کرد ما را بنور او ای رسول خدا ای

امير المؤمنين عليكما وعلى عترتكما وعلى محبيكما مني افضل السلام ما

امیر مؤمنان بر شما وبر ذریت شما وبر دوستان شما از من بهترین سلام ما

بقي الليل والنهار وبكما اتوجه الى الله ربي وربكما في نجاح طلبتي وقضاء

باقی است شب وروز وبشما متوجه میشوم بسوی خدا پروردگار من وپروردگار شما در روائی طلب من وبرآمدن

حوائجي وتيسير اموري اللهم اني اسألك بحق محمد وآل محمد

حاجتهای خودم وآسانی کارهای خودم خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بحق محمد وآل محمد

ان تصلي على محمد وآل محمد وان تلعن من جحد حق هذا اليوم

آنکه درود فرستی بر محمد وآل محمد وآنکه لعنت کنی کسی را که انکار کرده حق این روز را

وَانْكَرُوا حُرْمَتَهُ فَصَدَّ عَنْ سَبِيلِكَ لِاِطْفَاءِ نُورِكَ فَاَبَى اللّٰهُ اِلَّا اَنْ يُتِمَّ نُورَهُ

ومنکر شد حرمت او را پس باز داشته شد از راه تو از برای خاموش کردن نور تو پس ابا کرد خدا مگر اینکه تمام کند نور خود را

اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنْ اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَاكْشِفْ عَنْهُمْ وَبِهِمْ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ

خداوندا بگشا از اهل بیت محمد پیغمبر تو و برطرف کن از ایشان و بایشان از مؤمنان

الْكُرُبَاتِ اَللّٰهُمَّ امْلَاِ الْاَرْضَ بِهِمْ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَاَنْجِزْ

مشقتها را خداوندا پر کن زمین را بایشان از عدل چنانکه پر کرده شده از ظلم و ستم و بده

لَهُمْ مَا وَعَدْتَهُمْ اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ واگر بعد از این دعا بسجده رود و صد مرتبه

از برای ایشان آنچه وعده کرده ایشان را بدرستیکه تو خلف نمیکنی وعده را شُكْرًا و صد مرتبه الحمد لله بگوید و صد

مرتبه یا آنچه اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى اِكْمَالِ الدِّينِ وَاِتْمَامِ النِّعْمَةِ وَرِضَى الرَّبِّ الْكَرِيمِ

تواند بگوید سپاس از برای خدا بر کامل گردانیدن دین و تمام کردن نعمت و خوشنودی پروردگار کریم

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلٰوةُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ

و سپاس از برای خداوندگار عالمیان و درود بر بهترین خلق او محمد و ذریه او که پاکانند

بهتر خواهد بود چنانکه سید ابن باقی و کفعمی روایت کرده اند اما شیخ مفید علیه الرحمه این زیارت را نقل نکرده است فصل پنجم در فضیلت و اعمال روز مباهله است تا آخر ماه در تعیین روز مباهله میان علما خلافست و اشهر و اقوی آنست که روز بیست و چهارم است و بعضی بیست و پنجم و بعضی بیست و هفتم و بعضی بیست و یکم نیز گفته اند و اگر در هر یک از اینها اعمال مستحبه را بعمل آورند بهتر است و آنچه مشهور است بیست و چهارم است و سبب فضیلت روز مباهله آنست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم رسولان فرستاد بسوی نصارای نجران که اعظم ترسایان عرب بودند و ایشان بکتب خود رجوع کردند و اوصاف حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم را در کتب جمیع انبیا مشاهده کردند حب دنیا بر اکثر علمای ایشان غالب شد و ایمان نیاوردند و هفتاد نفر از علما و عظمای خود را فرستادند که صفاتی که در کتب سابقه برای حضرت دیده اند مشاهده نمایند و بمدینه داخل شدند و صفات را موافق یافتند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم حجتهای شافی بر ایشان تمام کرد و باز بعضی از ایشان بسبب حب ریاست و اغراض باطله مضایقه کردند در ایمان آوردن و حق تعالی این آیه کریمه را فرستاد فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ

در فضیلت اعمال روز مباهله است

الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ اَبْنَاءَنَا وَاَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَاَنْفُسَنَا وَاَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللّٰهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ یعنی پس هر که با تو مجادله کند در امر عیسی بعد از آنچه آمده است بسوی تو از علم و برهان و الزام کرده بر ایشان و قبول نکردند پس بگو ای محمد صلی الله علیه و آله بیائید بخوانیم پسران خود را و پسران شما را و زنان خود را و زنان شما را و جانهای خود را و جانهای شما را یعنی آنها را که بمنزله جان ما اند و آنها که بمنزله جان شما اند پس تضرع کنیم و دعا کنیم پس بگردانیم لعنت خدا و دوری از رحمت خدا را بر آنها که دروغ گویند از ما و شما پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله عبائی بر دوش مبارک خود گرفت و حضرت امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین صلوات الله علیهم را در زیر عبا داخل کرد و گفت پروردگارا هر پیغمبری را اهل بیتی بوده است که مخصوص ترین خلق بوده اند بخداوندا اینها اهل بیت منند پس از ایشان برطرف کن شک و گناه را و پاک گردان ایشان را پاک گردانیدنی پس جبرئیل نازل شد و این آیه کریمه را در شان ایشان آورد اِنَّمَا يُرِيدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا یعنی نیست جز اینکه اراده دارد حق تعالی که زایل گرداند از شما اهل بیت بدی و شک را و پاک گرداند شما را از گناهان پاک گردانیدنی پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم علی و فاطمه و حسن و حسین صلوات الله علیهم را با خود بیرون برد از مدینه برای مباهله و چون نصاری حقیت آنحضرت را دانسته بودند و بعد از ایستادن حضرت با آن بزرگواران در مقام مباهله آثار نزول عذاب در زمین و آسمان ظاهر شد و عالم بزرگ ایشان گفت که بخدا سوگند که من روئی چند می بینم که اگر دعا کنند کوه از جا کنده شود البته کنده خواهد شد جرات نکردند بر مباهله و استدعای مسالمه و مصالحه کردند و قبول کردند هر سال جزیه بدهند و حضرت ایشان را نفرین نکرد و بامر الهی بر ایشان جزیه قرار داد و حضرت فرمود که بخدا سوگند که هلاک و عذاب آویخته شد بر اهل نجران و اگر مباهله میکردم هر آینه همه این جماعت میمون و خوک میشدند و این وادی بر ایشان آتش میشد و سرایت میکرد بنجران و همه ترسایان میسوختند و پیش از آنکه سال تمام شود جمیع نصاری میمردند و یک نصرانی بر روی زمین زنده نمیماند و باین سبب چندین امر بر عالمیان ظاهر شد اول حقیت آنحضرت زیرا که اگر اعتماد بر حقیت خود نمیداشت خود را و عزیزترین اهل خود را در معرض مباهله بلا نمی آورد و اگر آن جماعت حقیت آنحضرت بر ایشان ظاهر نشده بود مباهله میکردند و مذلت و خواری جزیه بر خود قرار نمیدادند دوم آنکه ظاهر شد که اهل عبا علیهم السلام بزرگوارترین خلق بودند که ایشان را آنحضرت در دعا با خود شریک گردانید سوم آنکه ایشان عزیزترین

خلق بودند نزد انحضرت که برای اظهار حقیت خود ایشانرا در معرض نفرین بدرآورد زیرا که بسیاراست
که ادمی خود را بمهالك میافکند اما اعزه عیال خود را راضی نمیشود که در معرض خطر در اورد چنانچه
صاحب کشاف وغیراو از متعصبان سنیان اعتراف باین نموده اند چهارم انکه حسن وحسین صلی
الله علیهما فرزند حقیقی انحضرت اند ومرتبه ایشان از سایر صحابه بیشتر بوده است نزد خدا ورسول صلی الله
علیه واله باان صغر سن پنجم انکه حضرت فاطمه صلوات الله علیها بهترین زنان بوده واز زوجات وسایر
قرابات با نحضرت اخص واقرب بوده ومنزلت او نزد حق تعالی از همه بیشتر ششم انکه باتفاق
عامه وخاصه حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در مباهله داخل بود وداخل ابنا ونسا نیست پس باید
داخل انفسنا باشد وحقیقت در اینجا مراد نمیتواند بود زیرا که اتحاد دو نفس محالست پس مراد انست که
اختصاص انحضرت بحضرت رسالت صلی الله علیه واله در کمالات وصفات بمرتبه بود که بمنزله جان ونفس
انحضرت بود پس هر کمالی که در حضرت رسول صلی الله علیه واله بود باید که در انحضرت باشد بغیر
پیغمبری پس باید که افضل باشد از جمیع صحابه وجمیع پیغمبران بغیر انحضرت وباید که مخصوص ترین
خلق باشد با نحضرت واعز خلق باشد نزد او وروایات مفصله این قصه شریفه وفوایدی که از ان
مستفاد میشود در کتاب حیوة القلوب ذکر کرده ام واین رساله گنجایش ذکر انها ندارد واز جمله
اموری که در روز بیست وچهارم واقع شده است وموجب مزید فضل ان گردیده انست که
در این روز حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در رکوع نماز انگشتری خود را بسایل بخشید
واین ایه کریمه نازل شد در امامت انحضرت بر اصحاب بصیرت هویدا گردید اِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ
وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ یعنی نیست اولی
بامر شما ومالك اختیار شما مگر خدا ورسول او صلی الله علیه واله وانها که ایمان اورده اند
ونماز را برپا میدارند وچنانچه میباید بجا میاورند وزکوة میدهند در رکوع واین ایه نص صریح
است بر امامت انحضرت چنانچه در سایر کتب ذکر کرده ام ودر این روز غسل سنت است وزیارت
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در این روز ذکر کرده اند وخواندن زیارت جامعه
مناسب است وروزه این روز مستحب است وتاسی بمولای خود امیر المؤمنین علیه السلام کردن وتصدق
بر فقراء وارباب حاجات بانچه مقدور ومیسر باشد مطلوب است واعمال این روز مبارك بسیار است
اول شیخ شهید رحمه الله از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که در این روز پیش از زوال نیم

ساعت

ساعت دو رکعت نماز بکند برای شکر نعمت مباهله ودر هر رکعت بعد از سوره حمد هر یك از سوره
قل هو الله احد وایه الکرسی تا هم فیها خالدون وسوره انا انزلناه ده مرتبه بخواند اگر این نماز را بعمل
اورد نزد خدا برابر است با صد هزار حج وصد هزار عمره وهر حاجتی که از حاجتهای دنیا واخرت از
حق تعالی سوال کند البته براورده شود هر چند عظیم باشد انشاء الله تعالی واین نماز همان
همان نماز است که در اعمال روز عید غدیر مذکور شد دویم از اعمال این روز دعائیست که شیخ
طوسی وسید ابن طاوس قدس الله روحهما بسندهای معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
روایت کرده اند وانحضرت از پدر بزرگوار خود امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که انحضرت فرمود
که اگر گویم در این دعا اسم اعظم حق تعالی هست هر اینه راست گفته ام واگر مردم بدانند که این دعا در
اجابت چگونه تاثیر مینماید البته بهر نحو که مقدور باشد سعی نمایند در تحصیل ان هر چند باید که قتال
کنند ومرا هر حاجت که عارض میشود این دعا را میخوانم وبعد از ان حاجت خود را میطلبم والبته
مستجاب میگردد واین دعائیست که در وقتی که ایه مباهله نازل شد جبرئیل از جانب خداوند جلیل
بر حضرت سید رسل صلی الله علیه واله نازل شد واین دعا را اورد وگفت برای مباهله بیرون
رو ووصی خود علی بن ابی طالب را وسیده نسا فاطمه زهرا ودو نور دیده وفرزند پسندیده خود
حسن وحسین صلوات الله علیهم را باخود ببر واین دعا را بخوان وبا ترسایان مباهله کن وبر ایشان
نفرین کن پس حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گفت هرگاه این دعا را بخوانید جهد وسعی کنید در دعا
وتضرع واین دعا را شنیع خود کرده اید در حاجتها واز کسی که اهلش نباشد از سفیهان ومنافقان
پنهان دارید وبایشان تعلیم منمایید که از علمای مخزونست اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ
وهر کس قابل این گوهر گرانمایه نیست ودعا اینست خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا از روشنی تو
بِاَبْهَاهُ وَكُلُّ بَهَائِكَ بَهِيٌّ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِبَهَائِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي
بروشنی او وهمه روشنی تو روشن است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بروشنی تو همه خداوندا بدرستیکه من
اَسْئَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ بِاَجَلِّهِ وَكُلُّ جَلَالِكَ جَلِيلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِجَلَالِكَ
سوال میکنم ترا از بزرگی تو ببزرگی او وهمه بزرگی تو بزرگست خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا ببزرگی تو
كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِاَجْمَلِهِ وَكُلُّ جَمَالِكَ جَمِيلٌ اَللّٰهُمَّ
همه خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از جمال تو بنیکوترین او وهمه نیکویی تو نیکوست خداوندا

اِنّی اَسْئَلُكَ بِجَمالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی كَما وَعَدْتَنی اَللّٰهُمَّ

بدرستی که من سوال میکنم ترا بنیکوئی تو همه ان خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا چنانکه امر کرده مرا پس اجابت کن از برای من چنانکه وعده داده مرا خداوندا

اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِاَعْظَمِها وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظیمَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ

بدرستی که من سوال میکنم ترا از عظمت تو بعظیم‌ترین عظمتها و هم عظمت تو عظیمست خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا

بِعَظَمَتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِاَنْوَرِهِ وَكُلُّ نُورِكَ نَیِّرٌ اَللّٰهُمَّ

بعظمت تو همه ان خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا از روشنی تو بروشن‌ترین ان و هم روشنی تو روشنست خداوندا

اِنّی اَسْئَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِاَوْسَعِها وَكُلُّ رَحْمَتِكَ واسِعَةٌ

بدرستی که من سوال میکنم ترا بروشنی تو همه ان خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا از رحمت تو بوسیع‌ترین ان رحمت و هم رحمت تو واسعست

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی كَما

خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا برحمت تو همه ان خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا چنانکه امر کرده مرا پس اجابت کن از برای من چنانکه

وَعَدْتَنی اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ كَمالِكَ بِاَكْمَلِهِ وَكُلُّ كَمالِكَ كامِلٌ اَللّٰهُمَّ

وعده داده مرا خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا از کمال تو بکامل‌ترین ان و هم کمال تو کاملست خداوندا

اِنّی اَسْئَلُكَ بِكَمالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ كَلِماتِكَ بِاَتَمِّها وَكُلُّ كَلِماتِكَ

بدرستی که من سوال میکنم ترا بکمال تو همه ان خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا از کلمهای تو بتمام‌ترین کلمه و هم کلمات تو

تامَّةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِكَلِماتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ اَسْمائِكَ بِاَكْبَرِها

تمامست خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بکلمات تو همه ان خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا از نامهای تو ببزرگتران

وَكُلُّ اَسْمائِكَ كَبیرَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِاَسْمائِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ كَما

و هم نامهای تو بزرگست خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بنامهای تو همه ان خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا چنانکه

اَمَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی كَما وَعَدْتَنی اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِاَعَزِّها وَكُلُّ

امر کردی مرا پس اجابت کن مرا چنانکه وعده دادی مرا خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا از عزت تو بعزیزترین عزت و هم

عِزَّتِكَ عَزیزَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ

عزت تو عزیزست خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بعزت تو همه ان خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا از

مَشِیَّتِكَ بِاَمْضاها وَكُلُّ مَشِیَّتِكَ ماضِیَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِمَشِیَّتِكَ كُلِّها

مشیت تو بجاری‌ترین ان مشیت و هم مشیت تو جاریست خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بمشیت تو همه ان

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ الَّتِی اسْتَطَلْتَ بِها عَلی كُلِّ شَیْءٍ وَكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطیلَةٌ

خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بقدرت تو که احاطه کرده بان بر همه چیز و هم قدرت تو محیطست

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی كَما وَعَدْتَنی

خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بقدرت تو همه ان خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا چنانکه امر کرده مرا پس اجابت از برای من چنانکه وعده داده

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِاَنْفَذِهِ وَكُلُّ عِلْمِكَ نافِذٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ

خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا از علم تو بنافذترین ان و هم علم تو نافذست خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بعلم تو همه ان

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِاَرْضاهُ وَكُلُّ قَوْلِكَ رَضِیٌّ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ

خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا از قول تو بپسندیده‌ترین ان و هم قول تو پسندیده است خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا

بِقَوْلِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ مَسائِلِكَ بِاَحَبِّها وَكُلُّ مَسائِلِكَ حَبیبَةٌ

بقول تو همه ان خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا از مسئلهای تو بدوسترین ان و هم مسائل تو محبوبست

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِمَسائِلِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنی فَاسْتَجِبْ

خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بمسائل تو همه ان خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس اجابت کن

لی كَما وَعَدْتَنی اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِاَشْرَفِهِ وَكُلُّ شَرَفِكَ شَریفٌ اَللّٰهُمَّ

از برای من چنانکه وعده داده مرا خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا از شرف تو بشریف‌ترین ان و هم شرف تو شریفست خداوندا

اِنّی اَسْئَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ سُلْطانِكَ بِاَدْوَمِهِ وَكُلُّ

بدرستی که من سوال میکنم ترا بشرف تو همه ان خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا از پادشاهی تو بدایم‌ترین ان و هم

سُلْطانِكَ دائِمٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِسُلْطانِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی

پادشاهی تو دایمست خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بسلطنت تو همه ان خداوندا بدرستی که من

اَسْئَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِاَفْخَرِهِ وَكُلُّ مُلْكِكَ فاخِرٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِمُلْكِكَ

سوال میکنم ترا از پادشاهی تو بفاخرترین ان و هم پادشاهی تو فاخرست خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بپادشاهی تو

كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی كَما وَعَدْتَنی اَللّٰهُمَّ

همه ان خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس اجابت کن از برای من چنانکه وعده دادی مرا خداوندا

وَاِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ عَلائِكَ بِاَعْلاهُ وَكُلُّ عَلائِكَ عالٍ اَللّٰهُمَّ اِنّی

و بدرستی که من سوال میکنم ترا از بلندی تو ببلندترین ان و هم بلندی تو بلندست خداوندا بدرستی که من

اَسْئَلُكَ بِعَلائِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ اٰياتِكَ بِاَعْجَبِها وَكُلُّ

سوال میکنم ترا به بلندی تو همه ان . خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا از ایات تو بعجب‌ترینها و همه

اٰياتِكَ عَجيبَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِاٰياتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ

ایات تو عجیب است خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بایات تو همه ان خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا

مِنْ مَنِّكَ بِاَقْدَمِهِ وَكُلُّ مَنِّكَ قَديمٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِمَنِّكَ كُلِّهِ

از منت بقدیم‌تران و همه منت تو قدیمست خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بمنت تو همه ان

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَني فَاسْتَجِبْ لي كَما وَعَدْتَني اَللّٰهُمَّ وَاِنّي اَسْئَلُكَ

خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس اجابت کن مرا چنانکه وعده دادی مرا خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا

بِما اَنْتَ فيهِ مِنَ الشُّؤُونِ وَالْجَبَرُوتِ لَكَ اَللّٰهُمَّ وَاِنّي اَسْئَلُكَ بِما

بانچه تو در ان از کارها و بزرگیها از برای تو خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بانچه

يُجيبُني بِهِ حينَ اَسْئَلُكَ يا اَللّٰهُ يا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِبَهاءِ

اجابت میکنی مرا بان وقتی که سوال میکنم ترا ای خدا ای انکه نیست خدائی مگر تو سوال میکنم ترا بروشنی

لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ يا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِجَلالِ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ يا

لا اله الا انت ای انکه نیست خدائی مگر تو سوال میکنم ترا ببزرگی لا اله الا انت ای انکه

لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِلا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَني

نیست خدائی مگر تو سوال میکنم ترا بلا اله الا انت خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا چنانکه امر کرده مرا

فَاسْتَجِبْ لي كَما وَعَدْتَني اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ بِاَعَمِّهِ وَكُلُّ رِزْقِكَ

پس اجابت کن از برای من چنانکه وعده داده مرا خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا از روزی تو بعامتران و همه روزی تو

عامٌّ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ عَطائِكَ

عامست خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بروزی تو همه ان خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا از عطای تو

بِاَهْنَاهُ وَكُلُّ عَطائِكَ هَنيءٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِعَطائِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي

بگواراتران و همه عطای تو گواراست خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بعطای تو همه خداوندا بدرستی که

اَسْئَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ بِاَعْجَلِهِ وَكُلُّ خَيْرِكَ عاجِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِخَيْرِكَ كُلِّهِ

سوال میکنم ترا از خیر تو بعاجل‌تران و همه خیر تو عاجلست خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بخیر تو همه ان

مِمّا كُلِّ

اللّٰهم

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِاَفْضَلِهِ وَكُلُّ فَضْلِكَ فاضِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ

خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا از فضل تو بفاضل‌تران و همه فضل تو فاضلست خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا

بِفَضْلِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَني فَاسْتَجِبْ لي كَما وَعَدْتَني اَللّٰهُمَّ

بفضل تو همه ان خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس اجابت کن از برای من چنانکه وعده داده مرا خداوندا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْني عَلَى الْاِيمانِ بِكَ وَالتَّصْديقِ بِرَسُولِكَ

درود فرست بر محمد و ال محمد و برانگیز مرا بر ایمان بتو و تصدیق برسول تو

عَلَيْهِ وَاٰلِهِ السَّلامُ وَالْوِلايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ اَبي طالِبٍ وَالْبَراءَةِ مِنْ عَدُوِّهِ وَالْاِئْتِمامِ

بر او و ال او سلام و پیروی از برای علی بن ابی طالب و بیزاری از دشمنان او و اقتدا

بِالْاَئِمَّةِ مِنْ اٰلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلامُ فَاِنّي قَدْ رَضيتُ بِذٰلِكَ يا رَبِّ اَللّٰهُمَّ

بر پیشوایان از ال محمد بر ایشان باد سلام پس بدرستی که من بتحقیق راضی شدم بان ای پروردگار من خداوندا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ فِي الْاَوَّلينَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ فِي

درود فرست بر محمد بنده تو و رسول تو در پیشینیان و درود فرست بر محمد و ال محمد در

الْاٰخِرينَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ فِي الْمَلَاِ الْاَعْلٰى وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ فِي

پسینیان و درود فرست بر محمد و ال او در ملاء اعلی و درود فرست بر محمد و ال او در

الْمُرْسَلينَ اَللّٰهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسيلَةَ وَالشَّرَفَ وَالْفَضيلَةَ وَ

فرستادگان خداوندا عطا کن محمد را وسیله و شرف و فضیلت و

الدَّرَجَةَ الْكَبيرَةَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَقَنِّعْني بِما رَزَقْتَني

مرتبه بزرگ خداوندا درود فرست بر محمد و ال محمد و قانع کن مرا بانچه روزی کردی مرا

وَبارِكْ لي فيما اَعْطَيْتَني وَاحْفَظْني في غَيْبَتي وَفي كُلِّ غائِبٍ هُوَ لي اَللّٰهُمَّ

و برکت ده از برای من در انچه عطا کردی مرا و محافظت کن مرا در غیبت من و در هر غایبی که او از برای منست خداوندا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْئَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ رِضْوانَكَ وَالْجَنَّةَ وَ

درود فرست بر محمد و ال محمد و سوال میکنم ترا خیر خیر خشنودی تو و بهشت را و

اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِكَ وَالنّارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ

پناه میبرم بتو از شر شر غضب تو و اتش خداوندا درود فرست بر محمد و ال محمد

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْني عَلَى الْاِيمانِ بِكَ وَالتَّصْديقِ بِرَسُولِكَ

وَاحْفَظْنِی مِنْ کُلِّ مُصِیبَةٍ وَمِنْ کُلِّ بَلِیَّةٍ وَمِنْ کُلِّ عُقُوبَةٍ وَمِنْ کُلِّ فِتْنَةٍ وَمِنْ

و محافظت کن مرا از هر مصیبت واز هر بلا واز هر عقوبت واز هر آفت واز

کُلِّ بَلَاءٍ وَمِنْ کُلِّ شَرٍّ وَمِنْ کُلِّ مَکْرُوهٍ وَمِنْ کُلِّ مُصِیبَةٍ وَمِنْ کُلِّ آفَةٍ

هر بلا واز هر بدی واز هر مکروه واز هر مصیبت واز هر آفتی که

نَزَلَتْ اَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ اِلَی الْاَرْضِ فِی هٰذِهِ السَّاعَةِ وَفِی کُلِّ سَاعَةٍ وَفِی هٰذِهِ

نازل میشود یا فرو میفرستی از آسمان بسوی زمین درین ساعت و در هر ساعت و درین

اللَّیْلَةِ وَفِی هٰذَا الْیَوْمِ وَفِی هٰذَا الشَّهْرِ وَفِی هٰذِهِ السَّنَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ

شب و درین روز و درین ماه و درین سال خداوندا درود فرست بر محمد وآل

مُحَمَّدٍ وَاقْسِمْ لِی مِنْ کُلِّ سُرُورٍ وَمِنْ کُلِّ بَهْجَةٍ وَمِنْ کُلِّ اسْتِقَامَةٍ وَمِنْ کُلِّ فَرَجٍ وَمِنْ

محمد و قسمت کن از برای من از هر خوشحالی واز هر خوشی واز هر استقامت واز هر فرج واز

کُلِّ عَافِیَةٍ وَمِنْ کُلِّ سَلَامَةٍ وَمِنْ کُلِّ کَرَامَةٍ وَمِنْ کُلِّ رِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ طَیِّبٍ

هر عافیت واز هر سلامتی واز هر کرامت واز هر روزی واسع حلال خوش

وَمِنْ کُلِّ نِعْمَةٍ وَمِنْ کُلِّ سَعَةٍ نَزَلَتْ اَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ اِلَی الْاَرْضِ فِی هٰذِهِ السَّاعَةِ

واز هر نعمت واز هر وسعت که فرود می آید یا فرو میفرستی از آسمان بسوی زمین درین ساعت

وَفِی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ وَفِی هٰذَا الْیَوْمِ وَفِی هٰذَا الشَّهْرِ وَفِی هٰذِهِ السَّنَةِ اَللّٰهُمَّ اِنْ

و درین شب و درین روز و درین ماه و درین سال خداوندا اگر

کَانَتْ ذُنُوبِی قَدْ اَخْلَقَتْ وَجْهِی عِنْدَکَ وَحَالَتْ بَیْنِی وَبَیْنَکَ وَغَیَّرَتْ

میباشد گناهان من که بتحقیق که کهنه کرده روی مرا نزد تو وحایل شده میان من و میان تو و تغیر داده

حَالِی عِنْدَکَ فَاِنِّی اَسْئَلُکَ بِنُورِ وَجْهِکَ الَّذِی لَا یُطْفَأُ وَبِوَجْهِ مُحَمَّدٍ حَبِیبِکَ

حال مرا نزد تو پس بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بنور ذات تو که خاموش نمیشود و بذات محمد دوست تو

الْمُصْطَفٰی وَبِوَجْهِ وَلِیِّکَ عَلِیٍّ الْمُرْتَضٰی وَبِحَقِّ اَوْلِیَائِکَ الَّذِینَ انْتَجَبْتَهُمْ اَنْ

مصطفی و بذات دوست تو علی مرتضی و بحق دوستان تو آنانکه برگزیده ایشان را اینکه

تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَغْفِرَ لِی مَا مَضٰی مِنْ ذُنُوبِی وَاَنْ تَعْصِمَنِی فِیمَا

درود فرستی بر محمد وآل محمد واینکه بیامرزی از برای من آنچه گذشته از گناهان من واینکه نگاهداری مرا در آنچه

بَقِیَ مِنْ عُمْرِی وَاَعُوذُ بِکَ اَللّٰهُمَّ اَنْ اَعُودَ فِی شَیْءٍ مِنْ مَعَاصِیکَ اَبَداً مَا اَبْقَیْتَنِی

باقی مانده از عمر من و پناه میبرم بتو خداوندا از اینکه عود کنم در چیزی از نافرمانی تو هرگز مادام که باقی داری مرا

حَتّٰی تَتَوَفَّانِی وَاَنَا لَکَ مُطِیعٌ وَاَنْتَ عَنِّی رَاضٍ وَاَنْ تَخْتِمَ لِی عَمَلِی بِاَحْسَنِهِ وَ

تا آنکه بمیرانی مرا ومن از برای تو فرمان بردار باشم و تو از من راضی باشی واینکه ختم کنی از برای من عمل من را بنیکوترآن و

تَجْعَلَ لِی ثَوَابَهُ الْجَنَّةَ وَاَنْ تَفْعَلَ بِی مَا اَنْتَ اَهْلُهُ یَا اَهْلَ التَّقْوٰی وَیَا اَهْلَ

بگردانی از برای من ثواب آنرا بهشت واینکه بکنی بمن آنچه تو سزاوار آنی ای سزاوار پرهیزکاری وای سزاوار

الْمَغْفِرَةِ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْنِی بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وبعد

آمرزش درود فرست بر محمد وآل محمد ورحم کن مرا برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان از آن هر

حاجت که داری از حق تعالی طلب کن انشاء الله تعالی بر آورده است مؤلف گوید که خواندن

این دعا در این روز مباهله انسب است و شیخ طوسی علیه الرحمه نیز در این روز روایت کرده است واز روایت

مذکوره معلوم میشود که در همه وقت میتوان خواندن و در دعا اختلافی هست میان روایات

وآنچه در اینجا ذکر شده است موافق روایت شیخ است و روایت دیگر را با ترجمه در رساله دیگر ایراد

نموده ام و شبیه باین دعا در سحرهای ماه مبارک رمضان و روزهای آن نیز وارد شده با فضیلت

بسیار واز عظیمترین دعاهاست عمل ستیم آنست که شیخ طوسی و دیگران بسند معتبر از حضرت موسی

جعفر صلوات الله علیهما روایت کرده اند که روز مباهله روز بیست و چهارم ماه ذی الحجه است

و در این روز آنچه خواهی از نماز بکن و هر دو رکعت نماز که بکنی بعد از آن هفتاد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ

رَبِّی وَاَتُوبُ اِلَیْهِ بگو پس میایستی و بموضع سجود خود نظر میکنی واین دعا را میخوانی و باید

که با غسل باشی و بروایت دیگر فرمود که روز بیست و چهارم روز مباهله است باید که این روز را

روزه بداری برای شکر حق تعالی بر این نعمت عظمی و غسل بکن و پاکیزه ترین جامههای خود را بر

پوش و آنچه توانی از بوی خوش خود را خوشبو کن و باید که با آرام دل و آرام تن باشی واگر در یکی از

مشاهد مشرفه باشی نزد آن ضریح مقدس حاضر شوی والا بجای خلوتی بروی یا بر کوه بلندی برآیی

یا بصحرایی بروی و باید که از منزل خود بیرون رود و غسل کند و بهترین جامههای خود را بپوشد

وچون بمحل دعا خواندن داخل شود دو رکعت نماز بکند با آداب و شرایط و بعد از سلام هفتاد

مرتبه استغفار کند پس بایستد بجانب آسمان نظر کند واین دعا را بخواند و بعد از آن فرمود که

بایستد و بجانب آسمان نظر کند و این دعا را بخواند و بعد از آن فرمود که پس هر دعائی که خواهی بکن باز دو رکعت نماز بکن و بگو دعا بکن و دعا اینست الحمد لله رب

سپاس از برای خدای پروردگار

العالمین الحمد لله فاطر السموات والارض الحمد لله الذی له ما فی السموات

عالمیان سپاس از برای خدای خالق آسمانها و زمین سپاس از برای خدائی که از برای اوست آنچه در آسمانها

وما فی الارض الحمد لله الذی خلق السموات والارض وجعل الظلمات

و آنچه در زمین است سپاس از برای خدائی که خلق کرده آسمانها و زمین را و گردانیده تاریکیها

والنور ثم الذین کفروا بربهم یعدلون الحمد لله الذی عرفنی ما کنت به

و روشنی را پس آنانکه کافر شدند به پروردگار خودشان عدول کنندگانند سپاس از برای خدائی که شناسانید بمن آنچه بودم من به آن

جاهلا ولولا تعریفه ایای لکنت هالکا اذ قال وقوله الحق قل لا اسئلکم

جاهل و اگر نبود شناسانیدن او مرا هر آینه بودم من از هلاک شدگان آنانکه گفت و گفتن او حق است بگو سؤال نمیکنم شما را

علیه اجرا الا المودة فی القربی فبین لی القرابة وقال سبحانه انما یرید

بر پیغمبری مزدی مگر دوستی در خویشان پس ظاهر کرد از برای ما خویشی را و گفت منزه است او جز این نیست که اراده دارد

الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت ویطهرکم تطهیرا فبین لی اهل البیت

خدا که ببرد از شما پلیدی را اهل بیت و پاک کرده اید شما را پاک کردنی پس ظاهر کرد از برای ما اهل بیت

بعد القرابة ثم قال تعالی مبینا عن الصادقین الذین امرنا بالکون معهم

بعد از خویشی پس گفت بلند است او و ظاهر کننده از راستگویان آنانکه امر کرده ما را به بودن با ایشان

والرد الیهم بقوله سبحانه یا ایها الذین امنوا اتقوا الله وکونوا مع الصادقین

و رد بسوی ایشان بقول خود منزه است او ای آنانکه ایمان آوردید بپرهیزید از خدا و باشید با راستگویان

فاوضح عنهم وابان عن صفتهم بقوله جل ثناؤه فقل تعالوا ندع ابناءنا

پس روشن کرد از ایشان و ظاهر کرد از وصف ایشان بقول خود بزرگ است ثنای او پس بگو بیائید بخوانیم پسران ما را

وابناءکم ونساءنا ونساءکم وانفسنا وانفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة

و پسران شما را و زنان ما را و زنان شما را و نفسهای ما را و نفسهای شما را پس تضرع کنیم پس بگردانیم دوری از رحمت

الله علی الکاذبین فلک الشکر یا رب ولک المن حیث هدیتنی وارشدتنی

خدا را بر دروغگویان پس از برای تست شکر ای پروردگار و برای تست منت وقتی که راه نمودی مرا و ارشاد کردی مرا

حتی لم یخف علی الاهل والبیت والقرابة فعرفتنی نساءهم واولادهم

تا آنکه پنهان نماند بر من اهل و خانه و خویشی پس شناسانیدی مرا زنان ایشان و فرزندان ایشان

ورجالهم اللهم انی اتقرب الیک بذلک المقام الذی لا یکون

و مردان ایشان را خداوندا بدرستی که من نزدیکی میجویم بسوی تو باین مقام که نمیباشد

اعظم منه فضلا للمؤمنین ولا اکثر منه رحمة لهم بتعریفک ایاهم

بزرگتر از آن از روی فضل از برای مؤمنان و نه بیشتر از آن رحمت از برای ایشان بتعریف تو ایشان را

شانه وابانتک فضل اهله الذین بهم ادحضت باطل اعدائک و

مرتبه او و ظاهر کردن تو فضل اهل او را که بایشان برطرف کرده باطل دشمنان خود را و

ثبت بهم قواعد دینک ولولا هذا المقام المحمود الذی انقذتنا

ثابت داشته بایشان قواعد دین خود را و اگر نبود این مکان محمود که خلاص داده ما را

به ودللتنا علی اتباع المحقین من اهل بیت نبیک الصادقین عنک

بان و راه نموده ما را بر پیروی سزاواران از اهل بیت پیغمبر تو که راستگویانند از تو

الذین عصمتهم من لغو المقال ومدانس الافعال لخصم اهل الاسلام

آنانکه نگاهداشته ایشان را از گفتگوهای باطل و چرکهای فعلها هر آینه خصومت کرد اهل اسلام

وظهرت کلمة اهل الالحاد وفعل اولی العناد فلک الحمد ولک

و ظاهر میشد کلمه اهل الحاد و فعل صاحبان عداوت پس مر تراست حمد و مر تراست

المن ولک الشکر علی نعمائک وایادیک اللهم فصل علی محمد و

منت و مر تراست شکر بر نعمتهای تو و نعمتهای تو خداوندا پس درود فرست بر محمد و

آل محمد الذین افترضت علینا طاعتهم وعقدت فی رقابنا ولایتهم

آل محمد آنانکه واجب کرده بر ما فرمان برداری ایشان را و بستی در گردنهای ما ولایت ایشان را

واکرمتنا بمعرفتهم وشرفتنا باتباع آثارهم وثبتنا بالقول الثابت

و گرامی داشتی ما را بمعرفت ایشان و مشرف گردانیدی ما را به پیروی ایشان و ثابت داشتی ما را بر قول ثابت

الذی عرفوناه فاعنا علی الاخذ بما بصرونا واجز محمدا عنا افضل

که شناسانیدند ما را او پس اعانت کن ما را بر گرفتن آنچه بینا کرده اند ما را بآن و جزا ده محمد را از ما بهترین

الجزاء بما نصح لخلقك وبذل وسعه في ابلاغ رسالاتك واخطر بنفسه في

جزا بانچه نصیحت کرد از برای خلق تو وبذل کرد وسع خود را در رسانیدن رسالتهای تو و مشقت انداخت نفس خود را

اقامة دينك وعلى اخيه ووصيه والهادي من بعده الى دينه والمقيم سنته علي

بپا داشتن دین تو وبر برادر او و وصی او و هادی از بعد او بسوی دین او وبپادارنده سنت او علی

امير المؤمنين صلوات الله عليه وصل على الائمة من ابنائه الصادقين الذين وصلت

امیر المؤمنین درود فرستاده خدا بر او ودرود فرست بر پیشوایان از پسران او که راست گویان اند آنانکه وصل کرده

طاعتهم بطاعتك وادخلنا بشفاعتهم دار الكرامة يا ارحم الراحمين اللهم هؤلاء

فرمانبرداری ایشان را بطاعت خود وداخل کن ما را بشفاعت ایشان در خانه کرامت ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا این جماعت

اصحاب الكساء والعباء يوم المباهلة اللهم اجعلهم شفعاءنا واسئلك بحق

اصحاب کسا وعبایند روز مباهله خداوندا بگردان ایشان را شفیعان ما و سؤال میکنم ترا بحق

ذلك المقام المحمود واليوم المشهود ان تغفر لي وتتوب علي انك انت التواب الرحيم

این مقام محمود وروز مشهود انکه بیامرزی از برای من توبه کنی بر من بدرستیکه تو توئی قبول توبه کننده مهربان

اللهم اني اشهد ان ارواحهم وطينتهم واحدة وهي الشجرة التي طاب اصلها و

خداوندا بدرستیکه من گواهی میدهم بدرستیکه روحهای ایشان وطینت ایشان یکیست و اینست درختی که خوشست اصل آن و

فرعها واغصانها واوراقها اللهم ارحمنا بحقهم واجرنا من مواقف الخزي في الدنيا

فرع آن و شاخهای آن وبرگهای آن خداوندا رحم کن ما را بحق ایشان وخلاصی ده ما را از محل ایستادنهای خواری در دنیا

والاخرة بولايتهم واوردنا مورد الامن من اهوال يوم القيمة بحبهم واقرارنا

واخرت بولایت ایشان ووارد ساز ما را مورد امن از هولهای روز قیامت بدوستی ایشان واقرار کردن ما

بفضلهم واتباعنا اثارهم واهتدائنا بهداهم واعتقادنا ما عرفوناه من

بفضل ایشان وپیروی ما خبرهای ایشان را وراه یافتن ما براه نمودن ایشان واعتقاد ما چیزی که شناسانیده اند ایشان ما را از

توحيدك وما وقفونا عليه من تعظيم شانك وتقديس اسمائك وشكر الائك ونفي

یگانگی تو وواقف کرده اند ما را بر آن از تعظیم مرتبه تو وتقدیس نامهای تو وشکر نعمتهای تو وپاکی

الصفات ان تحلك والعلم ان يحيط بك والوهم ان يقع عليك فانك اقمتهم

صفات تو انکه حال کند در تو وداستن انکه احاطه کند بتو ووهم کردن انکه واقع شود بر تو پس بدرستیکه تو برپا داشتی ایشان را

حججا على خلقك ودلائل على توحيدك وهداة تنبه على امرك وتهدي

حجتها بر خلق خود ودلیلها بر یگانگی خود وهدایت کنندگان که آگاه کردانیده بر امر خود وهدایت کرده

الى دينك وتوضح ما اشكل على عبادك وبابا للمعجزات التي يعجز عنها غيرك

بسوی دین خود و روشن کرده انچه مشکلات بر بندگان خود ودری از برای معجزات که عاجز اند از آن غیر تو

وبها تبين حجتك وتدعوا الى تعظيم السفير بينك وبين خلقك وانت

وبآن ظاهر کرده حجت خود را وبخوانی بسوی تعظیم ایلچی میان تو ومیان خلق تو وتوئی

المتفضل عليهم حيث قربتهم من ملكوتك واختصصتهم بسرك واصطفيتهم

تفضل کننده بر ایشان وقتی که نزدیک کردی ایشان را از ملکوت خود ومخصوص کردی ایشان را بسر خود وبرگزیدی ایشان را

لوحيك واورثتهم غوامض تاويلك رحمة لخلقك ولطفا بعبادك

از برای وحی خود ومیراث دادی ایشان را مشکلهای تاویل خود از جهت مهربانی از برای خلق تو واز جهت لطف بر بندگان تو

وحنانا على بريتك وعلما بما تنطوي عليه ضمائر امنائك وما يكون

واز جهت مهربانی بر خلقان تو واز جهت علم بانچه پیچیده بر آن دلهای امینان تو وانچه میباشد

من شان صفوتك وطهرتهم في منشائهم ومبتدئهم وحرستهم من نفث

از شان برگزیده تو وپاک گردانیده ایشان را در ابتدای ایشان وابتدای ایشان ومحافظت ایشان از دمیدن

النافث اليهم واريتهم برهانا على من عرض بسوء لهم فاستجابوا لامرك وشغلوا

دمنده بسوی ایشان ونمودی ایشان را برهان بر کسی که عرض کرده ببدی از برای ایشان پس اجابت کردند مر امر ترا و مشغول ساختند

انفسهم بطاعتك وملئوا اجزاءهم من ذكرك وعمروا قلوبهم بتعظيم امرك

نفسهای خود را بطاعت تو وپر کردند اجزای خود شان را از یاد تو وتعمیر کردند دلهای خود شان را بتعظیم امر تو

وجزؤا اوقاتهم فيما يرضيك واخلوا دخائلهم من معاريض الخطرات الشاغلة

وپاره کردند اوقات خود شان را در انچه پسندیدی وخالی کردند غیبهای خود شان را از معارض کردن خاطرهای مشغول سازنده

عنك فجعلت قلوبهم مكامن لارادتك وعقولهم مناصب لامرك ونهيك

از تو پس گردانیدی دلهای ایشان را مکان از برای اراده خود وعقلهای ایشان را مناصب از برای امر خود ونهی خود

والسنتهم تراجمة لسنتك ثم اكرمتهم بنورك حتى فضلتهم من بين اهل زمانهم

وزبانهای ایشان را ترجمه کننده از برای طریقه تو پس اکرام کرده ایشان را بنور خود تا انکه فضیلت دادی ایشان را از میان اهل زمان ایشان

وَالْاَقْرَبِينَ اِلَيْهِمْ فَخَصَصْتَهُمْ بِوَحْيِكَ وَاَنْزَلْتَ اِلَيْهِمْ كِتَابَكَ وَاَمَرْتَنَا بِالتَّمَسُّكِ بِهِمْ وَ

و نزدیکان بسوی ایشان پس مخصوص کردانیدی ایشانرا بوحی تو وانزال کرده بسوی ایشان کتاب خود را وامر کرده ما را بتمسک بایشان و

الرَّدِّ اِلَيْهِمْ وَالْاِسْتِنْبَاطِ مِنْهُمْ اَللّٰهُمَّ فَاِنَّا قَدْ تَمَسَّكْنَا بِكِتَابِكَ وَبِعِتْرَةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ

رد بسوی ایشان و استنباط از ایشان خداوندا پس بدرستیکه تحقیق که چنگ زدیم بکتاب تو و بفرزندان پیغمبر تو درود تو

عَلَيْهِمُ الَّذِينَ اَقَمْتَهُمْ لَنَا دَلِيلًا وَعَلَمًا وَاَمَرْتَنَا بِاتِّبَاعِهِمْ اَللّٰهُمَّ فَاِنَّا

بر ایشان آنانکه برپا داشته ایشانرا از برای ما راه نما و نشانه وامر کرده ما را بپیروی ایشان خداوندا پس بدرستیکه ما

قَدْ تَمَسَّكْنَا بِهِمْ فَارْزُقْنَا شَفَاعَتَهُمْ حِينَ يَقُولُ الْخَائِبُونَ فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ

تحقیق که چنگ زدیم بایشان پس روزی کن ما را شفاعت ایشان وقتی میگویند نومیدان پس نیست از برای ما از شفاعت کنندکان

وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ وَاجْعَلْنَا مِنَ الصَّادِقِينَ الْمُصَدِّقِينَ لَهُمُ الْمُنْتَظِرِينَ

و نه دوست کرم کننده و بکردان ما را از راستکویان باور کنندکان از برای ایشان انتظار کشندکان

لِاَيَّامِهِمُ النَّاظِرِينَ اِلَى شَفَاعَتِهِمْ وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ

از برای روزهای ایشان نظر کنندکان بسوی شفاعت ایشان و کمراه مکن ما را بعد از آنکه راه نمودی ما را و ببخش

لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ اٰمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

از برای ما از نزد خود رحمتی بدرستیکه تو توئی بسیار بخشنده اجابت کن پروردکار عالمیان خداوندا درود فرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَعَلٰى اَخِيهِ وَصِنْوِهِ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقِبْلَةِ الْعَارِفِينَ

بر محمد پیغمبر تو و بر برادر او و برکزیده او امیر المؤمنین و قبله عارفان

وَعَلَمِ الْمُهْتَدِينَ وَثَانِي الْخَمْسَةِ الْمَيَامِينِ الَّذِينَ فَخَرَ بِهِمُ الرُّوحُ الْاَمِينُ وَبَاهَلَ

و نشانه هدایت یافتکان و دوم پنجتن صاحب میمنت آنانکه فخر کرد بایشان روح الامین و مباهله کرد

اللّٰهُ تَعَالٰى بِهِمُ الْمُبَاهِلِينَ فَقَالَ وَهُوَ اَصْدَقُ الصَّادِقِينَ فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ

خدای بلند بایشان مباهله کنندکان را پس کفت و او راست کوترین راست کویانست پس کسی که منازعه کند ترا در باب او

بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ اَبْنَاءَنَا وَاَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَ

بعد از آمدن ترا از علم پس بکو بیائید بخوانیم پسران ما را و پسران شما را و زنان ما را و

نِسَاءَكُمْ وَاَنْفُسَنَا وَاَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللّٰهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ

زنان شما را و نفسهای ما را و نفسهای شما را پس تضرع کنیم پس بکردانیم دوری از رحمت خدا را بر کاذبین

شفیع

ذلک

ذٰلِكَ الْاِمَامُ الْمَخْصُوصُ بِمُؤَاخَاتِهِ يَوْمَ الْاِخَاءِ وَالْمُؤْثِرُ بِالْقُوتِ بَعْدَ ضُرِّ

اینست امام مخصوص برادری او روز برادری واختیار کننده بقوت بعد از ضرر

الطَّوٰى وَمَنْ شَكَرَ اللّٰهُ سَعْيَهُ فِي هَلْ اَتٰى وَمَنْ شَهِدَ بِفَضْلِهِ مُعَادُوهُ

بسیار و کسی که شکر کرد خدا سعی او را در سوره هل اتی و کسی که شهادت داد بفضل او دشمنان او

وَاَقَرَّ بِمَنَاقِبِهِ جَاحِدُوهُ مَوْلَى الْاَنَامِ وَمُكَسِّرُ الْاَصْنَامِ وَمَنْ لَمْ تَاْخُذْهُ

و اقرار کرد بمنقبتهای او انکار کنندکان او آقای خلایق و شکننده بتها و کسی که فرا نکرفت او را

فِي اللّٰهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ مَا طَلَعَتْ شَمْسُ النَّهَارِ وَاَوْرَقَتِ

در راه خدا سرزنش سرزنش کننده درود فرستاد خدا بر او و آل او مادام روشن کرده آفتاب روز و برک کرده

الْاَشْجَارُ وَعَلَى النُّجُومِ الْمُشْرِقَاتِ مِنْ عِتْرَتِهِ وَالْحُجَجِ الْوَاضِحَاتِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ

درختان و بر ستارکان درخشنده از عترت او و حجتهای روشن از فرزندان او

و این دعا بحسب سند و متن اصح ادعیه است و دیگر از ایام متبرکه روز بیست و پنجم است و

مشهور آنست که در این روز سورهٔ کریمه هل اتی در شان حضرت امیر المؤمنین و فاطمه زهرا و

امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهم نازل شد بسبب آنکه حسن و حسین علیهما السلام بیمار

شدند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بعیادت ایشان رفت و امر فرمود که حضرت

امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نذر کردند که اگر خدا ایشانرا عافیت دهد سه

روز روزه بگیرند و چون خدا ایشانرا عافیت کرامت کرد آن چهار بزرگوار با فضه خادم

ایشان روزه گرفتند و نداشتند چیزی که بآن افطار نمایند پس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

قلدی از شمعون یهودی گرفت با سه صاع از جو که حضرت فاطمه صلوات الله علیها هر روز

ثلث آن پشم را بریسد و یکصاع از آن جو را بمزد خود بردارد پس در روز اول حضرت فاطمه علیها السلام قدر

ثلث آن پشم را گرفت و رشت و بمزد آن صاعی از جو برداشت و آرد کرد و پنج گرده نان پخت و چون

حضرت امیر المؤمنین با حضرت رسول صلی الله علیهما نماز شام کرد و بخانه برگشت و حضرت فاطمه

پنج گرده نان را حاضر کرد و خواستند که افطار نمایند مسکینی بر در خانه ندا کرد که السلام علیکم

ای اهل بیت محمد من مسکینم از مساکین مسلمانان مرا طعام دهید تا خدا شما را از مائدهای بهشت

طعام دهد پس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام ابتداء کرد و فرمود که من نان خود را میدهم و سایر اهل

بیت علیهم السلام با فضه خادمه ایشان با آنحضرت موافقت کردند و نانها خود را بسایل دادند
و باب افطار فرمودند و روز دیگر را روزه داشتند و بانحضرت فاطمه صلوات الله علیها
بمزد ریشتن یك ثلث دیگر از پشم یکصاع دیگر را برداشت و آرد کرد و پنج کرده دیگر پخت و چون
خواستند افطار کنند سایلی بر در خانه آمد و صدا زد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد صلی
الله علیه و آله من یتیمی ام از اولاد مهاجرین و پدرم در روز عقبه شهید شده است مرا طعام دهید
تا خدا شما را طعام دهد از خوانهای بهشت پس حضرت امیر مؤمنان اول نان خود را داد و بعد از او
فاطمه نیز او بعد از او دو گوشواره عرش خدا و بعد از ایشان فضه سعادتمند همگی نانهای خود را
به یتیم دادند و باب افطار نمودند و در روز سیم روزه داشتند و بانحضرت سیدة النساء در روز
سیم بقیه پشم را رشت و بقیه جو را گرفت و در آسیا خورد کرد و باز پنج نان پخت و چون حضرت امیر
کبیر از نماز برگشت و حضرت فاطمه صلوات الله علیها طعام را حاضر ساخت که افطار نمایند ناگاه
اسیری از اسیران کافران ندا کرد السلام علیکم ای اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله ما را اسیر میکنید
و محبوس میکنید و طعام نمیدهید که بخوریم پس بخوشیهای سابق همه گرده‌های نان را بسائل دادند و
باب بجا اوطاد نمودند چون صبح شد حق تعالی سوره کریمه هل اتی را در شان ایشان فرستاد و در آن
سوره اشاره باین قصه نمود که یُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا وَيُطْعِمُونَ
الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا
إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا یعنی وفا میکنند بنذر و میترسند از روزی که شر آن اکثر
خلق را فرا گرفته است و میخورانند طعام را با خواهش و محبت آن یا از برای محض محبت خدا بمسکین
و یتیم و اسیر و میگویند یعنی در دل خود و نیت ایشان اینست که ما طعام میدهیم شما را مگر از برای
رضای خدا و نمیخواهیم از شما نه جزا و نه شکر و نه ثنائی را اما میترسیم از روز قیامت که در نهایت شدت
و هولست و چون در روز چهارم که بیست و پنجم ماه ذی الحجه بود سوره هل اتی در مدح ایشان نازل
شد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بخانه اهل بیت علیهم السلام آمد و ایشانرا با آن شدت گرسنگی
و آن حالت غریب مشاهده نمود گریست و فرمود که این چه حالتست که در شما مشاهده میکنم و امام حسن
و امام حسین صلوات الله علیهما را دید که از نقاهت بیماری از گرسنگی مانند جوجه که از تخم بیرون
آید میلرزند و حضرت فاطمه صلوات الله علیها در محراب بعبادت ایستاده بود و از گرسنگی شکم مبارکش

بپشت

بپشت چسبیده بود و چشمهایش فرو رفته بود چون از نماز فارغ شد حق تعالی خوانی از بهشت برای فاطمه
صلوات الله علیها فرستاد که در آن کاسه بود و گوشت و ثرید گرم در آن میان بود که میجوشید و بوی
بهتر از بوی مشك از آن ساطع بود پس حضرت فاطمه آن خوان را نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
آورد حضرت فرمود ای فاطمه این را از کجا آوردی گفت از جانب خدا آمده است خدا هر که را خواهد روزی
میدهد بیحساب حضرت فرمود که الحمد لله که از دنیا نرفتم تا در اهل بیت خود شبیه مادر عیسی را دیدم
پس از آن تناول نمودند تا هفت روز از آن میخوردند و آخر نمیشد و حضرت صادق علیه السلام فرمود
که آن کاسه نزد ماست و حضرت صاحب الامر علیه السلام آنرا ظاهر خواهد کرد و طعام بهشت از آن تناول
خواهد نمود و سنیان نیز این روایت را با نزول مائده بطرق بسیار نقل کرده اند و تفصیل این قصه را در
سایر کتب ذکر کرده ام پس مناسب است که شیعیان اهل بیت علیهم السلام در این ایام تاسی نمایند بموالی
خود در تصدق کردن بر مساکین و یتیمان و سعی نمایند در اطعام ایشان و شیخ مفید علیه الرحمه
گفته است که مستحب است که این روز را روزه بدارند برای شکر حق تعالی و نعمت نزول سوره هل اتی
علی الانسان در شان آل عبا علیهم السلام و ایضا مناسبت غسل زیارت و زیارت ائمه علیهم السلام
و زیارت جامعه را خواندن در این روز مناسبست و چون بعضی از علما این روز را روز مباهله میدانند دعای
مباهله را در این روز نیز خواندن خوبست و روز بیست و ششم بنابر مشهور عمر علیه اللعنه را ضجر بن شکر
زده اند و باین سبب نهایت برکت دارد و در روز بیست و هفتم مروان که آخر خلفای بنی امیه است
بجهنم واصل شد و دولت ملعونه بنی امیه لعنهم الله بر طرف شد پس در این روز شکر این نعمت باید کرد
و بعضی گفته اند که حضرت امام علی نقی علیه السلام در این روز متولد شده است و در روز بیست و نهم بنابر مشهور عمر
باسفل درك سقر منتقل شده است و باین سبب فضیلت عظیم دارد و در روز آخر ذی الحجه که آخر سال
عربست روایت کرده اند که سنت است که دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد
و ده مرتبه سوره قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی بخواند و بعد از سلام این دعا را بخواند
اَللّٰهُمَّ مَا عَمِلْتُ فِي هٰذِهِ السَّنَةِ مِنْ عَمَلٍ نَهَيْتَنِي عَنْهُ وَلَمْ تَرْضَهُ وَنَسِيتُهُ وَلَمْ تَنْسَهُ
خداوندا آنچه کردم در این سال از عملی که نهی کردی مرا از آن و نپسندیده تو آنرا و فراموش کردم آنرا و فراموش نکردی
وَدَعَوْتَنِي إِلَى التَّوْبَةِ بَعْدَ اجْتِرَائِي عَلَيْكَ اَللّٰهُمَّ فَإِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْهُ فَاغْفِرْ لِي
از جرئت من بر تو و خواندی مرا بسوی بازگشت بعد از جرات من بر تو خداوندا پس بدرستیکه من طلب آمرزش میکنم از تو از آن پس بیامرز

وَمَا عَمِلْتُ مِنْ عَمَلٍ يُقَرِّبُنِي اِلَيْكَ فَاقْبَلْهُ مِنِّي وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي مِنْكَ يَا كَرِيمُ

وانچه کردم از عملی که نزدیک میکرداند مرا بسوی تو پس قبول کن او را از من و قطع مکن امید مرا از تو ای کریم

باب ششم در بیان اعمال ماه محرم است و دران سه فصل است فصل اول در اعمال دهه اول محرم است از حضرت امام رضا علیه السلم منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و اله در روز اول محرم دو رکعت نماز میکردند و چون از نماز فارغ میشدند دست بدعا بر میداشتند و این دعا را سه مرتبه میخواندند که اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاِلٰهُ الْقَدِيمُ

خداوندا توئی خدای قدیم

وَهٰذِهِ سَنَةٌ جَدِيدَةٌ فَاَسْئَلُكَ فِيهَا الْعِصْمَةَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَالْقُوَّةَ عَلٰى هٰذِهِ النَّفْسِ

واین سالیست تازه پس سؤال میکنم ترا دران نگاهداری از شیطان و قوة بر این نفس

الْاَمَّارَةِ بِالسُّوءِ وَالْاِشْتِغَالَ بِمَا يُقَرِّبُنِي اِلَيْكَ يَا كَرِيمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ

بسیار امر کننده به بدی و اشتغال بانچه نزدیک میکند مرا بسوی تو ای کریم ای صاحب بزرگی و اکرام

يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ يَا ذَخِيرَةَ مَنْ لَا ذَخِيرَةَ لَهُ يَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ يَا غِيَاثَ مَنْ

ای قوام کسی که نیست قوامی از برای وای ذخیره کسی که نیست ذخیره از برای او ای پناه کسی که نیست پناهی از برای او ای فریادرس کسی که

لَا غِيَاثَ لَهُ يَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ يَا كَنْزَ مَنْ لَا كَنْزَ لَهُ يَا حَسَنَ الْبَلَاءِ يَا

نیست فریادرسی از برای او ای تکیه کاه کسی که نیست تکیه کاهی از برای او ای کنج کسی که نیست کنجی از برای او ای نیکو آزماینده ای

عَظِيمَ الرَّجَاءِ يَا عِزَّ الضُّعَفَاءِ يَا مُنْقِذَ الْغَرْقٰى يَا مُنْجِيَ الْهَلْكٰى يَا مُنْعِمُ يَا مُجْمِلُ

بزرگ امید ای عزیز کننده ضعیفان ای خلاص کننده غرق شدگان ای نجات دهنده هالکان ای نعمت دهنده ای نیکوئی کننده

يَا مُفْضِلُ يَا مُحْسِنُ اَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ سَوَادُ اللَّيْلِ وَنُورُ النَّهَارِ وَضَوْءُ

ای بخشش کننده ای نیکوئی کننده توئی انکه سجده کرد از برای تو تاریکی شب و روشنی روز و روشنی

الْقَمَرِ وَشُعَاعُ الشَّمْسِ وَدَوِيُّ الْمَاءِ وَحَفِيفُ الشَّجَرِ يَا اَللّٰهُ لَا شَرِيكَ لَكَ اَللّٰهُمَّ

ماه و شعاع افتاب و کوارائی اب و اواز درخت ای خدا نیست شریکی ترا خداوندا

اجْعَلْنَا خَيْرًا مِمَّا يَظُنُّونَ وَاغْفِرْ لَنَا مَا لَا يَعْلَمُونَ وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا يَقُولُونَ

بگردان ما را بهتر از انچه گمان میکنند و بیامرز از برای ما انچه نمیدانند و مؤاخذه مکن ما را بانچه میگویند

حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اٰمَنَّا بِهِ

بس است مرا خدا نیست خدائی مگر او بر اوست توکل من و اوست پروردگار عرش بزرگ ایمان اوردیم باو

كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ اِلَّا اُولُوا الْاَلْبَابِ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا

همه از نزد پروردگار ماست و پند نمیشنوند مگر صاحبان عقل پروردگار ما مکردان دلهای ما را بعد از انکه هدایت کردی ما را

وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ و چون حضرت سید الشهدا صلوات

وببخش از برای ما از نزد خود رحمتی بدرستی که تو بخشاینده

الله علیه در دهم اینماه بسعادت شهادت فایز کردیده و در اکثر این دهه محزون و غمکین بودند و اخبار موحشه بایشان میرسید باید که شیعیان ایشان در مجموع این دهه روز بلوازم تعزیه انحضرت قیام نمایند و محزون و اندوهناک باشند و اخبار و احادیثی که مشتمل بر ذکر مصایب ایشان باشد بخوانند و بعضی از علما کفته اند که ترک بعضی از لذات بکنند و از حضرت امام رضا علیه السلم منقولست که ماه محرم ماهی بود که کافران در اینماه جنک کردن را حرام میدانستند و منافقان این امت در اینماه خون ما را حلال دانستند و هتک حرمت ما کردند و زنان و فرزندان ما را اسیر کردند و اتش در خیمهای ما زدند و اموال و اسباب ما را غارت کردند و حرمت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و اله وسلم را در باب ما رعایت نکردند بدرستی که مصیبت امام حسین صلوات الله علیه چشمهای ما را مجروح کردانید و اب دیدهای ما را جاری ساخت و عزیز ما را ذلیل کردانید و واقعه کربلا کرب و بلا را از برای ما مهیا کرد تا روز قیامت پس باید که بر مصایب انحضرت کریه کنند بدرستی که کریه بر انحضرت کناهان بزرک را بر طرف میکند پس فرمود که پدرم امام موسی علیه السلم چون ماه محرم داخل میشد کسی انحضرت را خندان نمیدید و اثر حزن و اندوه بر انحضرت ظاهر میشد در مجموع دهه اول ماه و چون روز دهم میشد روز مصیبت و کریه و اندوه او بود و میکفت امروز روز شهادت امام حسین علیه السلم است و در حدیث دیکر فرمود که چون جدم حسین علیه السلم شهید شد اسمان خون و خاک سرخ بارید و اکر بر انحضرت انقدر کریه بکنی که اب دیده بر روی تو جاری کردد حق تعالی جمیع کناهان کوچک و بزرک ترا بیامرزد پس فرمود که اکر خواهی که چون بمیری هیچ کناه بر تو نباشد زیارت کن امام حسین علیه السلم را و اکر خواهی که در غرفهای بهشت با حضرت رسول صلی الله علیه و اله وسلم و ال و باشی لعنت کن قاتلان حسین را و اکر خواهی که ثواب شهیدان کربلا داشته باشی هر وقت که مصیبت انحضرت را یاد اوری بکو يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَاَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا یعنی ای کاشکی میبودم با ایشان پس رستکاری مییافتم رستکاری بزرک و اکر خواهی که در درجات عالیه بهشت با ما باشی از برای

اندوه ما اندوهناك واز برای شادی ما شاد باش وبدانکه روزهٔ روز اوّل ماه محرّم مستحبست و
از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که در روز اوّل محرّم حضرت زکریا علیه السلام دعا کرد واز خدا فرزند
طلبید وحق تعالی دعای اورا مستجاب کردانید وحضرت یحیی را باو عطا کرد پس هر که این روز را
روزه دارد ودعا کند حق تعالی دعای اورا مستجاب کرداند چنانچه دعای زکریا را مستجاب کرد و
شیخ مفید علیه الرحمه کفته است که روز سیم محرم روز مبارکیست ودر ان روز حضرت یوسف علیه السلام از
چاه بیرون امد هر که در ان روز روزه دارد حق تعالی کارهای صعب را بر او اسان کرداند وغمهای
اورا زایل کرداند وبهتر انست که روز نهم ودهم را روزه ندارد زیرا که بنی امیه این دو روز را برای
برکت وشماتت بر قتل انحضرت روزه میداشتند واحادیث بسیار در فضیلت این دو روز
و روزهٔ انها بر حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم بسته اند واز طریق اهل بیت علیهم السلام احادیث
بسیار در مذمّت روزهٔ این دو روز خصوصا روز عاشورا وارد شده است وایضا بنی امیه
علیهم اللعنه از برای برکت اذوقهٔ سال را در روز عاشورا در خانه ذخیره میکرده اند لهذا
از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که ترك کند سعی در حوایج خود را در روز عاشورا وبی کاری برود
حق تعالی حوایج دنیا واخرت اورا براورد وهر که روز عاشورا روز مصیبت واندوه وکریه او باشد
حق تعالی روز قیامت را روز فرح وسرور وشادی او کرداند ودیده اش در بهشت بما روشن
کردد وهر که روز عاشورا را روز برکت نامد واز برای منزل خود در ان روز چیزی ذخیره کند خدا ان
ذخیره را بر او مبارك نکرداند ودر روز قیامت با یزید وعبید الله بن زیاد وعمر بن سعد علیهم اللعنه
محشور کردد پس باید که در روز عاشورا ادمی مشغول کاری از کارهای دنیا نکردد ومشغول کریه
ونوحه ومصیبت باشد وامر کند اهل خانهٔ خود را که تعزیهٔ انحضرت را بدارند ومشغول ماتم
باشند چنانچه در ماتم عزیزترین اولاد واقارب خود میباشند ودر این روز امساك کند از خوردن
واشامیدن بی انکه قصد روزه کند ودر اخر روز بعد از عصر افطار کند اکر چه بشربت ابی باشد
وروزه تمام ندارد مکر انکه در خصوص ان روز روزهٔ واجبی داشته باشد که بنذر یا مثل ان براو
واجب شده باشد که ان روزه را باید بکیرد ودر ان روز اذوقه در خانه ذخیره نکند ونخندد و
مشغول لهو ولعب نکردد وهزار مرتبه قاتلان انحضرت را لعنت کند وبکوید اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ
الْحُسَیْنِ ودر روایتی وارد شده است از حضرت صادق علیه السلام که هر که در روز عاشورا هزار مرتبه سورهٔ

در زیارت مشهور انحضرت در روز عاشورا

قل هو الله احد بخواند خدا وند رحمن نظر رحمت بسوی او کند وهر کز اورا عذاب نکند ودر شب وروز
عاشورا نیز باید که احیا کند بکریه واندوه وحزن برای تاسی بحضرت امام حسین صلوات الله علیه و
اصحاب او که در ان شب در صحرای کربلا در میان سی هزار نفر از کافران بیحیا تا صباح احیا کردند وعبادت
وتهیهٔ اسباب سعادت شهادت کردند فصل دوم در زیارت مشهور انحضرت در روز عاشورا
وفضیلت زیارت انحضرت در شب وروز عاشورا بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که هر که در شب عاشورا نزد قبر شریف انحضرت باشد وانحضرت را زیارت کند در روز قیامت محشور
کردد بخون خود الوده بصیغت شهدای کربلا ودر میان ایشان محشور کردد وهر که در شب وروز عاشورا
زیارت کند انحضرت را چنان باشد که در پیش روی انحضرت شهید شده باشد وبسند صحیح از انحضرت
منقولست که هر که حضرت امام حسین صلوات الله علیه را در روز عاشورا زیارت کند بهشت اورا
واجب کردد واما زیارت مشهور شیخ طوسی وابن قولویه وغیر ایشان رحمة الله علیهم
روایت کرده اند از سیف بن عمیره وصالح بن عقبه وهر دو از محمد بن اسمعیل وعلقمة بن محمد
حضرمی وهر دو از مالك جهنی که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هر که زیارت کند حضرت امام
حسین علیه السلام را در روز دهم محرّم یا نزد قبر انحضرت کریان شود ملاقات کند خدا را در روز قیامت
باثواب دو هزار هزار حج ودو هزار هزار عمره ودو هزار هزار جهاد که هر یك را با رسول خدا صلی
الله علیه واله وائمهٔ طاهرین کرده باشد مالك کفت فدای تو شوم چه ثوابست برای کسی که در شهرهای
دور باشد وممکن نباشد اورا رفتن بسوی قبر انحضرت فرمود که چون روز عاشورا در اید بیرون
رود بسوی صحرا یا بالا رود بر بام بلندی در خانهٔ خود واشاره کند بسوی انحضرت بسلام وجهد
کند در نفرین کردن بر قاتل انحضرت وبعد از ان دو رکعت نماز بکند وبکند این کار را در اوّل روز
پیش از پیشین پس ندبه ونوحه وکریه کند بر حسین وامر کند هر که را در خانهٔ اوست واز او تقیه
نکند بکریه کردن بر انحضرت ودر خانهٔ خود مصیبتی برپا دارد باظهار جزع بر انحضرت وملاقات کنند بعضی از
ایشان بعضی را در خانهای خود بکریه کردن وتعزیه کویند بعضی از ایشان بعضی را بمصیبت انحضرت
پس من ضامنم بر خدا که هر کاه این کارها را بکند حق تعالی جمیع ثوابها را با ایشان عطا فرماید مالك
کفت تو ضامنی وکفیلی از برای ایشان باین ثواب فرمود که بلی عَظَّمَ اللّٰهُ اُجُورَنا بِمُصابِنا
پرسید که چکونه یکدیکر را تعزیه بکویند فرمود که میکویند بدانکه کرداند خدا مزدهای ما را بمصیبتهای ما

بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلاَمُ وَجَعَلَنَا وَاِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ

بسبب حسين براو باد سلام وكرداند مارا وشمارا از طلب كنندكان بخون او با ولى او

الْاِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلاَمُ واكر توانى در انروز از براى هيچ

كه امام مهدى از آل محمد برايشان باد سلام كار از خانه بيرون مرو كه ان روز نحسى

است كه حاجت هيچ مؤمنى در ان روز براورده نميشود واكر براورده شود از براى او مبارك نيست

و در ان خيرى ورشدى نخواهد ديد وذخيره مكن از براى منزل خود چيزى كه هر كه در انروز از براى

منزل خود چيزى ذخيره كند از براى او مبارك نخواهد بود انچه ذخيره كرده است و اهلش كه از براى ايشان

ذخيره كرده است مبارك نخواهد بود از براى او پس كسى كه چنين كند از براى او نوشته شود ثواب هزار

هزار حج وهزار هزار عمره وهزار هزار جهاد كه همه را با رسول خدا صلى الله عليه واله وسلم

كرده باشد واز براى او خواهد بود ثواب مصيبت هر پيغمبرى ورسولى وصديقى وشهيدى

كه مرده باشد يا كشته شده باشد از وقتى كه خدا دنيا را خلق كرده است تا روز قيامت علقمة

محمد كفت كه من كفتم بحضرت امام محمد باقر عليه السلام كه تعليم نما بمن دعائى كه بخوانم در انروز هر كاه

كه خواهم كه انحضرت را زيارت كنم بخوانم فرمود از نزديك ودعائى كه هر كاه در شهرهاى دور خواهم

كه اشاره كنم وانحضرت را زيارت كنم بخوانم فرمود كه اى علقمه هر كاه بكنى ان دو ركعت نماز را بعد

از انكه اشاره كرده باشى بجانب انحضرت بسلام وكفته باشى بعد از اشاره وبعد از نماز ان قول را كه مذكور

خواهد شد پس دعا كرده خواهى بود بدعائى كه ملائكه ميخوانند در وقتى كه زيارت انحضرت ميكنند

ومينويسد خدا براى تو بان زيارت هزار هزار حسنه ومحو ميكند از تو هزار هزار سيئه وبلند

ميكند از براى تو در بهشت هزار هزار درجه وخواهى بود از انها كه شهيد شده باشند با حسين

على صلوات الله عليهما تا انكه شريك شوى با ايشان در درجات ايشان وشناسند ترا مكر

از انها كه با انحضرت شهيد شده اند ونوشته شود براى تو ثواب هر پيغمبرى ورسولى وثواب

زيارت هر كه انحضرت را زيارت كرده است السَّلاَمُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ السَّلاَمُ

از روزى كه شهيد شده است ميكويى رحمت خدا بر تو باد اى ابا عبد الله رحمت

عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللّٰهِ السَّلاَمُ عَلَيْكَ يَا بْنَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ

بر تو باد اى پسر رسول خدا رحمت بر تو باد اى پسر امير المؤمنين و پسر سيد

الزهراء

الْوَصِيِّينَ السَّلاَمُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلاَمُ

اوصيا رحمت بر تو باد اى پسر فاطمه بزرك زنان عالميان رحمت

عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللّٰهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ السَّلاَمُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْاَرْوَاحِ

بر تو اى طلب خون انخدا و پسر طلب كننده او وتنهاى دور از وطن رحمت بر تو وبر روحهاى

الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلاَمُ اللّٰهِ اَبَدًا مَا بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ

كه فرود امد پيش سراى تو بر شما از من همه سلام خدا هميشه مادامى كه باقى باشم من وباقيست شب

وَالنَّهَارُ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا

وروز اى ابا عبد الله بتحقيق كه بزرك است مصيبت وبزركست مصيبتها بتو بر ما

وَعَلَى جَمِيعِ اَهْلِ الْاِسْلاَمِ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ اَهْلِ

وبر همه اهل اسلام وبزرك وعظيمست مصيبت تو در اسمانها بر همه اهل

السَّمَاوَاتِ فَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً اَسَّسَتْ اَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ اَهْلَ الْبَيْتِ وَ

اسمانها پس لعنت كند خدا امتى را كه كذاشت بناى ظلم وجور را بر شما اهل بيت و

لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَاَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمُ الَّتِي رَتَّبَكُمُ اللّٰهُ فِيهَا وَلَعَنَ

لعنت كند خدا امتى كه دفع كرد شما را از مكان شما وانداخت شما را از رتبهاى شما كه قرار داده از براى شما خدا در ان ولعنت كند

اللّٰهُ اُمَّةً قَتَلَتْكُمْ وَلَعَنَ اللّٰهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمْكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ بَرِئْتُ اِلَى اللّٰهِ

خدا امتى را كه مقاتله كردند با شما ولعنت كند خدا تمهيد كنندكان از براى ايشان بمستقل شدن ان كشتن شما بيزار شدم من بسوى خدا

وَاِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ اَشْيَاعِهِمْ وَاَتْبَاعِهِمْ وَاَوْلِيَائِهِمْ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ اِنِّي سِلْمٌ

وبسوى شما از ايشان واز پيروان ايشان وتابعان ايشان ودوستان ايشان اى ابا عبد الله بدرستى كه صلح

لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ اِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَلَعَنَ اللّٰهُ آلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ

از براى كسى كه صلح با شما وجنكم با كسى كه جنك با شما تا روز قيامت ولعنت كند خدا ال زياد وال مروان را

زياد

وَلَعَنَ اللّٰهُ بَنِي اُمَيَّةَ قَاطِبَةً وَلَعَنَ اللّٰهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ وَلَعَنَ اللّٰهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ

ولعنت كند خدا بنى اميه را همه ولعنت كند خدا پسر مرجانه را ولعنت كند خدا عمر پسر سعد را

وَلَعَنَ اللّٰهُ شِمْرًا وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً اَسْرَجَتْ وَاَلْجَمَتْ وَتَنَقَّبَتْ وَتَهَيَّاَتْ

ولعنت كند خدا شمر را ولعنت كند خدا امتى زين كردند ولجام كردند ونقاب كردند ومهيا شدند

لقتالك بابي انت وامي لقد عظم مصابي بك فاسئل الله الذي اكرم

ازبرای کشتن تو پدرم ومادرم فدای تو بتحقیق که بزرگ شد مصیبت من بسبب تو پس سؤال میکنم از خدایی که گرامی داشت

مقامك واكرمني بك ان يرزقني طلب ثارك مع امام منصور من اهل بيت

مقام ترا وگرامی داشت مرا بتو اینکه روزی کند مرا طلب خون تو با امام یاری کرده شده از اهل بیت

محمد صلى الله عليه واله اللهم اجعلني عندك وجيها بالحسين في الدنيا

محمد درود فرستاد خدا براو وآل او خداوندا بگردان مرا نزد خود وجیه بسبب حسین در دنیا

والاخرة يا ابا عبد الله اني اتقرب الى الله والى رسوله والى امير المؤمنين

وآخرت ای اباعبدالله بدرستیکه من نزدیکی میکنم بسوی خدا وبسوی رسول او وبسوی امیر المؤمنین

والى فاطمة والى الحسن واليك بموالاتك وبالبراءة ممن قاتلك ونصب

وبسوی فاطمه وبسوی حسن وبسوی تو بسبب دوستی تو وبه بیزاری از کسی که جنگ کرد با تو ونصب کرد

لك الحرب وبالبراءة ممن اسس اساس الظلم والجور عليكم وابرأ الى الله و

از برای تو جنگ را وبه بیزاری از کسی که گذاشت بنای ستم وجور را بر شما وبیزاری میجویم بسوی خدا و

الى رسوله ممن اسس اساس ذلك وبنى عليه بنيانه وجرى في ظلمه وجوره

بسوی رسول او از کسی که گذاشت بنای اینها وگذاشت براین بنای آنرا وجاری شد در ظلم او وجور او

عليكم وعلى اشياعكم برئت الى الله واليكم منهم واتقرب الى الله ثم

بر شما وبر پیروان شما بیزاری میجویم بسوی خدا وبسوی شما از ایشان ونزدیکی میکنم بسوی خدا پس

اليكم بموالاتكم وموالاة وليكم وبالبراءة من اشياعهم واتباعهم الى

بسوی شما بدوستی شما ودوستی دوست شما وبه بیزاری از پیروان ایشان وتابعان ایشان تا

سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم وولي لمن والاكم وعدو لمن عاداكم

سلم از برای کسی که صلح کند با شما وجنگم از برای کسی که جنگ کند با شما ودوستم با کسی که دوست دارد شما را ودشمنم با کسی که دشمنی کند با شما

فاسئل الله الذي اكرمني بمعرفتكم ومعرفة اوليائكم ورزقني البراءة

پس سؤال میکنم خدایی را که گرامی داشت مرا بشناختن شما وشناختن دوستان شما وروزی کرد مرا بیزاری

من اعدائكم ان يجعلني معكم في الدنيا والاخرة وان يثبت لي عندكم قدم

از دشمنان شما اینکه بگرداند مرا با شما در دنیا وآخرت واینکه ثابت دارد از برای من نزد شما قدم

صدق في الدنيا والاخرة واسئله ان يبلغني المقام المحمود لكم عند الله وان

راستی را در دنیا وآخرت وسؤال میکنم او را اینکه برساند مرا بمقام محمودی که از برای شماست نزد خدا واینکه

يرزقني طلب ثاري مع امام مهدي ظاهر ناطق منكم واسئل الله بحقكم

روزی کند مرا طلب خون با امام مهدی ظاهر گویا که از شما وسؤال میکنم از خدا بحق شما

وبالشأن الذي لكم عنده ان يعطيني بمصابي بكم افضل ما يعطي مصابا

وبه بزرگی که از برای شماست نزد او اینکه عطا کند مرا بمصیبت من بشما بهترین آنچه عطا میکند مصیبت زده را

بمصيبته مصيبة ما اعظمها واعظم رزيتها في الاسلام وفي جميع اهل

بمصیبت او مصیبتی چه بزرگ است مصیبت وعظیمت مصیبتهای آن در اسلام ودر همه اهل

السموات والارض اللهم اجعلني في مقامي هذا ممن تناله منك صلوات

آسمانها وزمین خداوندا بگردان مرا در مقام من این مقام از کسی که برسد او را از تو درود

ورحمة ومغفرة اللهم اجعل محياي محيا محمد وال محمد ومماتي ممات

ورحمت ومغفرت خداوندا بگردان زندگی مرا زندگی محمد وآل محمد ومردن مرا مردن

محمد وال محمد اللهم ان هذا يوم تبركت به بنو امية وابن اكلة الاكباد

محمد وآل محمد خداوندا بدرستیکه این روزیست که برکت یافتند بآن بنی امیه وپسر خورنده جگرها

اللعين ابن اللعين على لسانك ولسان نبيك صلى الله عليه واله في كل موطن وموقف

لعین پسر لعین بر زبان پیغمبر تو درود فرستاد خدا براو وبر آل او در هر محل توطن ومحل وقوف

وقف فيه نبيك صلواتك عليه واله اللهم العن ابا سفيان ومعوية بن

که ایستاد در آن پیغمبر تو درود تو بر او وآل او خداوندا لعنت کن ابوسفیان ومعویه پسر

ابي سفيان ويزيد بن معوية عليهم منك اللعنة ابد الابدين وهذا يوم

ابی سفیان ویزید پسر معویه را بر ایشان از تو لعنت ابد الاباد واین روزیست

فرحت به ال زياد وال مروان بقتلهم الحسين صلوات الله عليه اللهم

که خوشحالی کردند بآن آل زیاد وآل مروان بکشتن ایشان حسین را درود خدا بر او خداوندا

ضاعف عليهم اللعن منك والعذاب اللهم اني اتقرب اليك في هذا

زیاد کن بر ایشان لعنت از خود وعذاب را خداوندا بدرستیکه من نزدیکی کننده بسوی تو در این

الذي

مصيبته

اليوم وفي موقفي هذا وايام حيوتي بالبرآءة منهم واللعنة عليهم وبالموالاة
روز ودر موقف خود اين وروزهاى زندكانى من بربيزارى از ايشان ولعنت بر ايشان وبپيروى
لنبيك وال نبيك عليهم السلام پس بكو اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد
از براى پيغمبر تو وال پيغمبر تو بر ايشان باد رحمت مرتبه ميكوئى خداوندا لعنت كن اول ستم كننده را كه ستم كرده در حق محمد
وال محمد واخر تابع له على ذلك اللهم العن العصابة التى جاهدت الحسين
وال محمد وآخر كسى را كه متابعت كرده از براى او بر اين خداوندا لعنت كن لشكرى را كه جهاد كردند با حسين
وشايعت وبايعت على قتله اللهم العنهم جميعا پس بكو السلام عليك
و پيروى وبيعت كردند بر قتل حسين خداوندا لعنت كن ايشان را همه مرتبه ميكوئى رحمت بر تو
يا ابا عبد الله وعلى الارواح التى حلت بفنائك عليك منى سلام الله
اى ابا عبد الله وبر روحهاى كه فرود آمدند در دور تو بر تو از من سلام خدا
ابدا ما بقيت وبقي الليل والنهار ولا جعله الله اخر العهد منى
هميشه مادامى كه باقيم من وباقيست شب و روز ونكرداند او را خدا اخر عهد از من
لزيارتك السلام على الحسين وعلى على بن الحسين وعلى اصحاب الحسين
از براى زيارت تو رحمت بر حسين وبر على بن الحسين وبر اصحاب حسين
پس اللهم خص انت اول ظالم باللعن منى وابدء به اولا ثم الثانى ثم
ميكوئى خداوندا مخصوص كن تو اول ستم كننده را بلعنت از من وابتدا كن باو اول پس ثانى پس
الثالث ثم الرابع اللهم العن يزيد بن معوية خامسا والعن عبيد الله
سيم پس چهارم خداوندا لعنت كن يزيد پسر معويه را كه پنجم است ولعنت كن عبيد الله
ابن زياد وابن مرجانة وعمر بن سعد وشمرا وال ابى سفيان وال
پسر زياد وپسر مرجانه وعمر پسر سعد وشمر وال ابى سفيان وال
زياد وال مروان الى يوم القيمة پس بسجده اللهم لك الحمد حمد
زياد وال مروان را تا روز قيامت ميروى وميكوئى خداوندا از براى تست سپاس سپاس
الشاكرين لك على مصابهم الحمد لله على عظيم رزيتى اللهم ارزقنى شفاعة
شكر كنندگان از براى تو بر مصيبتهاى ايشان سپاس از براى خدا بر بزرگى مصيبت من خداوندا روزى كن مرا شفاعت

وتابعت

لزيارتكم

وعلى اولاد الحسين

الحسين

الحسين عليه السلام يوم الورود وثبت لى قدم صدق عندك مع الحسين
حسين بر او باد سلام در روز وارد شدن نجات وثابت دار از براى من قدم راستى نزد خود با حسين
واصحاب الحسين الذين بذلوا مهجهم دون الحسين عليه السلام علقمه كفت
واصحاب حسين كسانى كه بخشيده اند خونهاى خود را نزد حسين بر او باد رحمت كه امام محمد
باقر عليه السلام فرمود كه اكر توانى هر روز آنحضرت را باين كيفيت زيارت كنى بكن كه جميع اين ثوابها از
براى تو خواهد بود وروايت كرد محمد بن خالد طيالسى از سيف بن عميره كه كفت من با صفوان جمال
وجماعتى از اصحاب خود رفتيم بسوى نجف بعد از آنكه حضرت صادق عليه السلام بيرون رفته بود از حيره
بمدينه پيش از ما پس چون از زيارت حضرت امير المؤمنين صلوات الله عليه فارغ شديم صفوان
روى خود را كردانيد بسوى قبر شريف حضرت امام حسين صلوات الله عليه كفت زيارت كنيد
حضرت امام حسين صلوات الله عليه را از اين مكان از بالاى سر مبارك حضرت امير المؤمنين صلوات
الله عليه كه حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه چنين كرد در وقتى كه در خدمت آنحضرت باين
مكان شريف آمده بودم پس خواند اين زيارت را كه علقمه از حضرت امام محمد باقر عليه السلام براى روز
عاشورا روايت كرده است پس دو ركعت نماز كرد نزد سر امير المؤمنين عليه السلام و وداع كرد بعد از نماز
حضرت امير المؤمنين عليه السلام را و رو بجانب قبر امام حسين عليه السلام كرد و آنحضرت را نيز وداع كرد و از جمله
دعاهائى كه بعد از آن دو يا الله يا الله يا الله يا مجيب دعوة المضطرين يا كاشف
ركعت خواند اين دعا بود اى خدا اى خدا اى خدا اى اجابت كننده دعوت درماندكان اى برطرف كننده
كرب المكروبين يا غياث المستغيثين ويا صريخ المستصرخين ويا من
اندوه اندوه داران اى فريادرس فرياد كنندكان واى فريادرس ناله كنندكان واى كسى كه
هو اقرب الى من حبل الوريد ويا من يحول بين المرء وقلبه ويا من هو بالمنظر
او نزديكتر است بسوى من از رك كردن واى كسى كه حايل ميشود ميان مرد ودل او واى كسى كه او بر منظر
الاعلى وبالافق المبين ويا من هو الرحمن الرحيم على العرش استوى ويا
بلندترست وبر افق ظاهر واى كسى كه او بخشاينده مهربانست بر عرش مستولى است واى
من يعلم خائنة الاعين وما تخفى الصدور ويا من لا يخفى عليه خافية
كسى كه ميداند خيانت چشمها را و آنچه پنهان ميكنند سينها واى كسى كه پنهان نيست بر او پنهانى

ویا من لا تشتبه علیه الاصوات ویا من لا تغلطه الحاجات ویا من لا یبرمه

وای کسی که مشتبه نمیشود براو صداها وای کسی که بغلط نمی‌اندازد اورا حاجتها وای کسی که ناخوش نمیاید اورا

الحاح الملحین یا مدرک کل فوت ویا جامع کل شمل ویا باری النفوس بعد

لجاج کردن الحاج کنندگان ای دریابنده هر گم شده وای جمع کننده هر متفرق وای خلق کننده نفسها بعد از

الموت ویا من هو کل یوم فی شان یا قاضی الحاجات یا منفس الکربات

مردن وای کسی که او هر روز در کاریست ای قضا کننده حاجتها ای برطرف کننده اندوهها

یا معطی السؤلات یا ولی الرغبات یا کافی المهمات یا من یکفی من کل شیء

ای عطا کننده سؤالها ای صاحب بخششها ای کفایت کننده مهمها ای کسی که کفایت میکند از هر چیز

ولا یکفی منه شیء فی السموات والارض اسئلک بحق محمد وعلی وبحق فاطمة

و کفایت نمیکند از او چیزی در آسمانها و زمین سؤال میکنم ترا بحق محمد و علی و بحق فاطمه

بنت نبیک وبحق الحسن والحسین فانی اتوجه الیک فی مقامی هذا

دختر پیغمبر تو و بحق حسن و حسین پس بدرستی که من متوجه میشوم بسوی تو در مقام من این مقام

وبهم اتوسل وبهم اتشفع الیک وبحقهم اسئلک واقسم واعزم علیک

و بایشان متوسل میشوم و بایشان شفاعت میخواهم بسوی تو و بحق ایشان سؤال میکنم ترا و قسم میخورم و قصد میکنم بر تو

وبالشان الذی لهم عندک وبالقدر الذی لهم عندک وبالذی فضلتهم

و بمنزلتی که از برای ایشان نزد تو و بقدری که از برای ایشان نزد تو و بانچه فضیلت دادی ایشانرا

علی العالمین وباسمک الذی جعلته عندهم وبه خصصتهم دون العالمین

بر عالمیان و بنام تو که گردانیده آنرا نزد ایشان و بان مخصوص کردانیده ایشانرا دون عالمیان

وبه ابنتهم وابنت فضلهم من فضل العالمین حتی فاق فضلهم فضل العالمین

و بان ظاهر کرده ایشانرا و ظاهر کردانیده فضل ایشانرا از فضل عالمیان تا آنکه فوق گرفت فضل ایشان فضل عالمیانرا

ان تصلی علی محمد وال محمد وان تکشف عنی غمی وهمی وکربی وتکفینی المهم من

اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه برطرف کنی از من غم مرا و هم مرا و اندوه مرا و کفایت کنی مرا مهم و عظیم از

اموری وتقضی عنی دینی وتجیرنی من الفقر وتجیرنی من الفاقة وتغنینی

کارهای مرا و قضا کنی از من قرض مرا و پناه دهی مرا از تنگدستی و خلاصی دهی مرا از پریشانی و بی نیاز کردانی مرا

السؤالات

بحق

بهم

عن المسئلة الی المخلوقین وتکفینی هم من اخاف همه وعسر من اخاف عسره وحزونة

از سؤال کردن بسوی خلایق و کفایت کنی مرا هم کسی که میترسم هم او را و دشواری کسی که میترسم دشواری او را و اندوه

من اخاف حزونته وشر من اخاف شره ومکر من اخاف مکره وبغی من اخاف

کسی که میترسم اندوه او را و بدی کسی که میترسم بدی او را و مکر کسی که میترسم مکر او را و جور کسی که میترسم

بغیه وجور من اخاف جوره وسلطان من اخاف سلطانه وکید

جور او و جور کسی که میترسم جور او را و سلطان کسی را که میترسم سلطان او را و کید

من اخاف کیده ومقدرة من اخاف بلاء مقدرته علی وترد عنی

کسی که میترسم کید او را و اندازه کسی که میترسم بلاء قدرت او را بر من و برگردانی از من

کید الکیدة ومکر المکرة اللهم من ارادنی فارده ومن کادنی فکده

کید کید کنندگان را و مکر مکر کنندگان را خداوندا کسی که اراده کند مرا پس اراده کن او را و کسی که کید کند با من

واصرف عنی کیده ومکره وباسه وامانیه وامنعه عنی کیف شئت وانی

و بگردان از من کید او را و مکر او را و ناپاکی او را و آرزوهای او را و منع کن او را از من چگونه که خواهی و هر وقتی

شئت اللهم اشغله عنی بفقر لا تجبره وبلاء لا تستره وبفاقة لا

که خواهی خداوندا مشغول کردان او را از من به فقری که جبر نکنی او را و به بلائی که نپوشی آنرا و باحتیاج که

تسدها وبسقم لا تعافیه وذل لا تعزه وبمسکنة لا تجبرها اللهم

نبندی آنرا و به بیماری که عافیت نبخشی آنرا و خواری که عزت نکنی آنرا و به بیچارگی که بازنداری آنرا خداوندا

اضرب بالذل نصب عینیه وادخل علیه الفقر فی منزله والعلة

بزن بخواری نصب چشمهای او را و داخل کن بر او درویشی را در منزل او و علت

والسقم فی بدنه حتی تشغله عنی بشغل شاغل لا فراغ له وانسه ذکری

و بیماری را در بدن او تا آنکه مشغول کنی او را از من بشغلی که فراغ نباشد از برای او و فراموش کن از یاد من

کما انسیته ذکرک وخذ عنی بسمعه وبصره ولسانه ویده ورجله و

چنانکه فراموش کردانیده او را از یاد خود و بگیر از من گوش او و چشم او و زبان او و دست او و پای او و

قلبه وجمیع جوارحه وادخل علیه فی جمیع ذلک السقم ولا تشفه

دل او و همه اعضای او و داخل کن بر او در همه اینها بیماری و شفا مده او را

حتّى تجعل ذلك له شغلاً شاغلاً به عنّي وعن ذكري واكفني يا كافي ما لا يكفي

تا اکر بکوید این از برای او شغلی که مشغول کرداند او را از من و از یاد من و کفایت کن مرا ای کفایت کننده آنچه کفایت

سواك فإنّك الكافي لا كافي سواك ومفرّج لا مفرّج سواك ومغيث لا

غیر تو پس بدرستی که تو کفایت کننده که نیست کفایت کننده غیر تو و کشاینده که نیست کشاینده غیر تو و فریادرسی که نیست

مغيث سواك وجار لا جار سواك خاب من كان جاره سواك ومغيثه سواك

فریادرسی غیر تو و همسایه که نیست همسایه غیر تو نومید است کسی که بوده همسایه او غیر تو و فریادرس او غیر تو

ومفزعه إلى سواك ومهربه وملجاه إلى غيرك ومنجاه من مخلوق غيرك

و محل جزع او بسوی غیر تو و گریزگاه او و پناه او بسوی غیر تو و پناه بردن او از مخلوق غیر تو

فأنت ثقتي ورجائي ومفزعي ومهربي وملجاي ومنجاي فبك أستفتح وبك

پس تو محل اعتماد من و امید من و زاری من و گریز من و پناه من و نجات دهنده منی پس بتو ابتدا میکنم و بتو

أستنجح وبمحمّد وآل محمّد أتوجّه إليك وأتوسّل وأتشفّع فأسئلك يا الله

رستگاری میطلبم و بمحمد و آل محمد روی آورده بسوی تو و متوسل میشوم و شفیع میکنم پس سوال میکنم ترا ای خدا

يا الله يا الله فلك الحمد ولك الشكر وإليك المشتكى وأنت المستعان

ای خدا ای خدا پس از برای تو است سپاس و از برای تست شکر و بسوی تو است شکایت و توئی یاری دهنده

فأسئلك يا الله بحقّ محمّد وآل محمّد أن تصلّي على محمّد وآل محمّد وأن

پس سوال میکنم ترا ای خدا بحق محمد و آل محمد اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه

تكشف عنّي غمّي وهمّي وكربي في مقامي هذا كما كشفت عن نبيّك همّه وغمّه

برطرف کنی از من غم من و هم و کرب من را در مقام من این مقام چنانکه برطرف کردی از پیغمبر خود هم او و غم او

وكربه وكفيته هول عدوّه فاكشف عنّي كما كشفت عنه وفرّج عنّي كما

و اندوه او را و کفایت کردی او را از هول دشمن او پس برطرف کن از من چنانکه برطرف کردی از او و بگشا از من چنانکه

فرّجت عنه واكفني كما كفيته واصرف عنّي هول ما أخاف هوله ومؤنة

گشادی از او و کفایت کن مرا چنانکه کفایت کردی او را و بگردان از من هول آنچه میترسم هول او را و مؤنت

ما أخاف مؤنته وهمّ ما أخاف همّه بلا مؤنة على نفسي من ذلك واصرفني

آنچه میترسم مؤنت او را و هم آنچه میترسم هم او را بدون مؤنت بر نفس من از اینها و بگردان مرا

من

جاره

يا الله يا الله

بقضاء حوائجي وكفاية ما أهمّني همّه من أمر آخرتي ودنياي يا أمير المؤمنين

برآوردن حاجتهای من و کفایت کردن آنچه بهم آورده مرا هم او از امر آخرت من و دنیای من ای امیر المؤمنین

ويا أبا عبد الله عليكما منّي سلام الله أبداً ما بقي الليل والنهار ولا جعله

و ای اباعبد الله بر شما باد از من سلام خدا همیشه مادامی باقیست شب و روز و نگرداند او را

الله آخر العهد من زيارتكما ولا فرّق الله بيني وبينكما اللّهمّ أحيني حياة

خدا آخر عهد از زیارت شما و مفارقت نیفکند خدا میان من و میان شما خداوندا زنده بدار مرا زندگی

محمّد وذرّيّته وأمتني مماتهم وتوفّني على ملّتهم واحشرني في زمرتهم

محمد و اولاد محمد و بمیران مرا مردن ایشان و بمیران مرا بر ملت ایشان و برانگیز مرا در زمره ایشان

ولا تفرّق بيني وبينهم طرفة عين أبداً في الدنيا والآخرة يا أمير المؤمنين

و جدائی میفکن میان من و میان ایشان باچشم زدن همیشه در دنیا و آخرت ای امیر المؤمنین

ويا أبا عبد الله أتيتكما زائراً ومتوسّلاً إلى الله ربّي وربّكما ومتوجّهاً إليه

و ای اباعبد الله آمدم شما را زیارت کننده متوسل کننده بسوی خدا پروردگار من و پروردگار شما و رو آورنده بسوی او

بكما ومستشفعاً بكما إلى الله في حاجتي هذه فاشفعا لي فإنّ لكما عند الله

بشما و شفاعت کننده بشما بسوی خدا در حاجت خودم این حاجت پس شفاعت کنید از برای من پس بدرستی که از برای شما نزد خدا

المقام المحمود والجاه الوجيه والمنزل الرفيع والوسيلة إنّي أنقلب

جای پسندیده و جاه و منزلت بوکزیده و منزل بلند و وسیله هست بدرستی که من برمیگردم

عنكما منتظراً لتنجّز الحاجة وقضائها ونجاحها من الله بشفاعتكما لي

از شما انتظار کشنده از برای جزم بودن حاجت و ادای او و رستگاری او از خدا بشفاعت شما از برای من

إلى الله في ذلك فلا أخيب ولا يكون منقلبي منقلباً خائباً خاسراً بل يكون

بسوی خدا در این پس نا امید نمیشوم و نمیباشد برگردیدن من برگردیدن ناامیدان زیانکاران بلکه بوده باشد

منقلبي منقلباً راجحاً مفلحاً منجحاً مستجاباً لي بقضاء جميع حوائجي وتشفعا

برگردیدن من برگردیدن راجح رستگار نجات یابنده مستجاب شده از برای من ببرآوردن همه حاجتهای من و شفاعت کنید

لي إلى الله انقلب على ما شاء الله ولا حول ولا قوّة إلّا بالله مفوّضاً

از برای من بسوی خدا برمیگردم بر آنچه خواسته خدا و نیست حولی و نه قوتی مگر بخدا واگذارنده ام

بقيتُ و

اگر از دور خواند
توجهت الی ضریحکما
بگوید

ذو
انقلبتُ

اَمْرِی اِلَی اللّٰهِ مُلْجِأً ظَهْرِی اِلَی اللّٰهِ وَمُتَوَکِّلًا عَلَی اللّٰهِ وَاَقُولُ حَسْبِیَ اللّٰهُ وَکَفٰی سَمِعَ اللّٰهُ
کار خود را بسوی خدا باز گذارم پشت خود را بخدا و توکل کننده بر خدا و میگویم بس است مرا خدا و کافی است میشنود خدا
لِمَنْ دَعَا لَیْسَ لِی وَرَآءَ اللّٰهِ وَوَرَآءَکُمْ یَا سَادَتِی مُنْتَهٰی مَا شَآءَ رَبِّی کَانَ وَمَا لَمْ
کسی را که بخواند او را نیست از برای من وراء خدا و وراء شما ای بزرگان من نهایتی آنچه خواست پروردگار من بوده و آنچه نخواهد
یَشَأْ لَمْ یَکُنْ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اَسْتَوْدِعُکُمَا اللّٰهَ وَلَا جَعَلَهُ اللّٰهُ
نمیباشد و نیست حولی و نه قوتی مگر بخدا و دیعت میکنم شما را خدا و نگرداند او را خدا
اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنِّی اِلَیْکُمَا اِنْصَرَفْتُ یَا سَیِّدِی یَا اَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ وَمَوْلَایَ
آخر عهد از من بسوی شما بر گردیدم ای سید من ای امیر المؤمنین و مولای من
وَاَنْتَ یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ یَا سَیِّدِی وَسَلَامِی عَلَیْکُمَا مُتَّصِلٌ مَا اتَّصَلَ اللَّیْلُ
و تو ای ابا عبد الله ای سید من و سلام من بر شما متصل است ما دامی که متصلست شب
وَالنَّهَارُ وَاصِلٌ ذٰلِکَ اِلَیْکُمَا غَیْرُ مَحْجُوبٍ عَنْکُمَا سَلَامِی اِنْ شَآءَ اللّٰهُ وَ
و روز واصل میشود این بسوی شما بدون دربان از شما سلام من انشاء الله و
اَسْئَلُهُ بِحَقِّکُمَا اَنْ یَشَآءَ ذٰلِکَ وَیَفْعَلَ فَاِنَّهُ حَمِیدٌ مَجِیدٌ اِنْقَلَبْتُ یَا
سؤال میکنم او را بحق شما اینکه بخواهد این را و میکند پس بدرستی که او حمد کرده شده بزرگست بر میگردم ای
سَیِّدَیَّ عَنْکُمَا تَآئِبًا حَامِدًا لِلّٰهِ شَاکِرًا رَاجِیًا لِلْاِجَابَةِ غَیْرَ اٰیِسٍ وَلَا قَانِطٍ
دو آقای من از شما تائب حمد کننده از برای خدا شکر کننده امید دارنده از برای اجابت غیر نا امید و نه نا امید
اٰئِبًا عَآئِدًا رَاجِعًا اِلٰی زِیَارَتِکُمَا غَیْرَ رَاغِبٍ عَنْکُمَا وَلَا مِنْ زِیَارَتِکُمَا
باز گردنده عود کننده رجوع کننده بسوی زیارت شما غیر اعراض کننده از شما و نه از زیارت شما
بَلْ رَاجِعٌ عَآئِدٌ اِنْ شَآءَ اللّٰهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ یَا سَادَتِی رَغِبْتُ
بلکه رجوع کننده عود کننده انشاء الله و نیست حولی و نه قوتی مگر بخدا ای آقایان من رغبت کردم
اِلَیْکُمَا وَاِلٰی زِیَارَتِکُمَا بَعْدَ اَنْ زَهِدَ فِیکُمَا وَفِی زِیَارَتِکُمَا اَهْلُ الدُّنْیَا
بسوی شما و بسوی زیارت شما بعد از آنکه رغبت کرده اند در شما و در زیارت شما اهل دنیا
فَلَا خَیَّبَنِیَ اللّٰهُ مِمَّا رَجَوْتُ وَمَا اَمَّلْتُ فِی زِیَارَتِکُمَا اِنَّهُ قَرِیبٌ مُجِیبٌ
پس نومید نکرداند مرا خدا از آنچه امید دارم و آنچه آرزو مندم در زیارت شما بدرستی که او نزدیک اجابت کننده است

سیف

سیف بن عمیره گفت بصفوان گفتم که علقمه که این زیارت را از حضرت امام محمد باقر علیه السلام از برای
ما روایت کرد این دعا را نقل نکرد صفوان گفت که من وارد شدم با سید خودم امام جعفر صادق ع
باین مکان پس کرد آنچه ما کردیم در زیارت و این دعا را خواند در هنگام وداع بعد از آنکه اندو
رکعت نماز را کرد و آن وداع را بجا آورد بعد از آن صفوان گفت که حضرت صادق علیه السلام بمن گفت
که تعاهد نما این زیارت را و بخوان این دعا را و باین نحو زیارت بکن که من ضامنم بر خدا که هر که این
زیارت را بکند و این دعا را بخواند از نزدیک یا دور اینکه زیارتش مقبول باشد و سعیش مزد
داده شود و سلامش بآنحضرت برسد و محجوب نگردد و هر حاجت که از خدا بطلبد بر آورده شود هر
چند حاجتش بزرگ باشد ای صفوان این زیارت را با همین ضامنی از پدرم شنیدم و پدرم از علی بن
الحسین علیه السلام با همین ضامنی و او از امام حسین علیه السلام و او از امام حسن علیه السلام با همین ضامنی
و او از پدرش امیر المؤمنین علیه السلام با همین ضامنی و امیر المؤمنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله با
همین ضامنی و رسول خدا از جبرئیل علیه السلام با همین ضامنی و جبرئیل از خداوند عالمیان با همین ضامنی
و بتحقیق که حق تعالی قسم بذات مقدس خود خورده است که هر که حضرت امام حسین علیه السلام را باین روش
زیارت کند از نزدیک یا دور و این دعا را بخواند زیارت او را قبول کنم و هر حاجت که بطلبد بر آورم
هر چند بزرگ باشد و هر سؤال که بکند عطا کنم و از درگاه من نا امید بر نگردد و او را بر گردانم شاد و
خوشحال ببر آمدن حاجتش و فایز شدن ببهشت و آزاد شدن از جهنم و از برای هر که شفاعت کند
شفاعتش را قبول کنم مگر کسی که دشمن ما اهل بیت باشد و گواه گرفت خدا ما را بر آنچه گواه گرفته بود بر آن
ملائکه ملکوت خود را پس جبرئیل گفت یا رسول الله حق تعالی مرا بسوی تو فرستاده است برای بشارت
و سرور و خوشحالی تو و بشارت و شادی علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین و امامان از
فرزندان تو تا روز قیامت پس حضرت صادق علیه السلام فرمود که ای صفوان هر گاه ترا حاجتی بسوی خدا
بهمرسد این زیارت را بکن هر جا که باشی و این دعا را بخوان و از پروردگار خود حاجت خود را بطلب که البته
بر آورده میشود و حق تعالی خلف وعدهٔ خود نمیفرماید مؤلف گوید که چون عبارت حدیث تشویش عظیم
دارد و قابل احتمال بسیار هست اگر اول زیارت السلام علیک یا ابا عبد الله را تا و آل نبیک علیهم السلام
بخواند و نماز زیارت را بکند و باز همان زیارت را اعاده کند بهتر است و اگر بعد از صد مرتبه لعنت باز دیگر
نماز بکند و بعد از صد مرتبه سلام باز دیگر نماز بکند و متصل بسجده و بعد از سجده نیز نماز بکند شاید

بجمیع احتمالات عمل کرده باشد واکر اول یکی از زیارات بعیده را بعمل آورد و نماز بکند و بعد از آن این عمل
را بعمل آورد ظاهرا کافی باشد و اکر زیارت امیر المؤمنین علیه السلم را با این زیارت ضم کند بهتر است خصوصا
هرکاه این زیارت را در نزد ضریح امیر المؤمنین علیه السلم بعمل آورد و چون در حدیث تجویز کردن این زیارت
در هر وقت وارد شده است اکر در غیر روز عاشورا کند بجای اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا یَوْمٌ تَبَرَّکَتْ بِهِ
بَنُوا اُمَیَّةَ بکوید اَللّٰهُمَّ اِنَّ یَوْمَ قَتْلِ الْحُسَیْنِ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ یَوْمٌ تَبَرَّکَتْ بِهِ بَنُوا اُمَیَّةَ ۵

فصل سیم در بیان سایر زیارات این روز است و از جملهٔ آنها زیارتیست که بسند صحیح عبد الله بن
سنان روایت کرده است که رفتم بخدمت حضرت صادق علیه السلم در روز عاشورا و آن حضرت را شکسته
رنک و اندوهناک یافتم و آب از دیدهای مبارک آنحضرت مانند مروارید میریخت کفتم یا بن رسول الله
سبب کریهٔ شما چیست خدا هرکز دیدهای شما را کریان نکرداند حضرت فرمود که مکر غافلی و نمیدانی که در
مثل این روز حضرت امام حسین علیه السلم شهید شده است کفتم ای سید من چه میفرمایید در روزه این روز
فرمود که روزه بدار لیکن آنکه شب نیت روزه مکنی و افطار بکن نه از روی شماتت و بکرو تمام روز روزه مکیر
و باید که افطار تو بعد از نماز عصر باشد بیکساعت بشربتی از آب زیرا که در این وقت جنک برطرف شد
از آل رسول صلی الله علیه واله وسلم و در زمین سی نفر از اهل بیت و موالی ایشان افتاده بود که
صاحب مصیبت در آنها حضرت رسالت بود و اکر آنحضرت در دنیا میبود بایست آنحضرت را برای
ایشان تعزیت بکویند پس آنحضرت چندان کریست که ریش مبارکش از آب دیده اش تر شد پس حضرت
فرمود که بهتر کاری که در این روز بکنی آنست که جامهای پاکیزه بپوشی و بندها را بکشایی و آستینها را تا
مرفق بالا کنی بروش مصیبت زدکان پس بیرون روی بسوی بیابانی یا مکانی که کسی ترا نه بیند یا خانهٔ
خالی از برای تقیه از سنیان در وقت چاشت پس چهار رکعت نماز بجا آوری با خضوع و خشوع
و رکوع و سجود نیکو و بعد از هر دو رکعت سلام بکویی و در رکعت اول بعد از حمد سورهٔ قل یا ایها
الکافرون بخوانی و در رکعت دویم بعد از حمد سورهٔ قل هو الله احد و در دو رکعت دیکر در رکعت
اول بعد از حمد سورهٔ احزاب بخوانی و در رکعت دویم بعد از حمد سورهٔ اذا جاءک المنافقون
و اکر اینها را ندانی هر سوره که توانی بخوانی پس بکردانی روی خود را بجانب روضهٔ مقدسهٔ آنحضرت
و بخاطر آوری شهادت آن امام مظلوم و اولاد و اقارب و اصحاب آنجناب را و سلام کنی براو و صلوات
فرستی براو و لعنت کنی بر قاتلان ایشان و بروایت دیکر هزار مرتبه لعنت کنی بر قاتلان آنحضرت

که بهر لعنتی هزار حسنه برای تو نوشته میشود و هزار کناه از تو محو میشود و هزار درجه در بهشت
از برای تو بلند میشود و بهتر اینست که هزار مرتبه بکوید اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ الْحُسَیْنِ وَاَصْحَابِهِ پس
فرمود که بعد از آن از موضعی که ایستادهٔ چند کام پیش روی و بکویی اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُوْنَ
رِضًا بِقَضَائِهِ وَتَسْلِیْمًا لِاَمْرِهِ و اکر همت بر این چنین کند بهتر است و فرمود که در جمیع این احوال باید
که محزون و غمناک و کریان باشی اَللّٰهُمَّ عَذِّبِ الْفَجَرَةَ الَّذِیْنَ شَاقُّوْا رَسُوْلَکَ وَ
پس بجای خود بر کردی و بکویی خداوندا عذاب کن فاجران را که منازعه کردند رسول ترا و
حَارَبُوْا اَوْلِیَاۤئَکَ وَعَبَدُوْا غَیْرَکَ وَاسْتَحَلُّوْا مَحَارِمَکَ وَالْعَنِ الْقَادَةَ وَالْاَتْبَاعَ
جنک کردند با دوستان تو و پرستیدند غیر ترا و حلال کردند حرامهای ترا و لعنت کن کشندگان را و تابع شوندها را
وَمَنْ کَانَ مِنْهُمْ فَخَبَّ وَاَوْضَعَ مَعَهُمْ اَوْ رَضِیَ بِفِعْلِهِمْ لَعْنًا کَثِیْرًا اَللّٰهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ
و کسی که بوده باشد از ایشان پس شتافته و دونده با ایشان یا راضی شده بکردار ایشان لعن بسیار خداوندا و زود کن فرج
اٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ صَلَوَاتِکَ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ وَاسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ اَیْدِی الْمُنَافِقِیْنَ
آل محمد را و بکردان درود خود را بر او و بر ایشان و خلاصی ده ایشان را از دستهای منافقان
الْمُضِلِّیْنَ وَالْکَفَرَةِ الْجَاحِدِیْنَ وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحًا یَسِیْرًا وَاَتِحْ لَهُمْ رَوْحًا وَفَرَجًا قَرِیْبًا
کمراهان و کافران انکار کننده و فتح کن از برای ایشان فتح آسانی و برسان از برای ایشان راحتی و فرج قریبی
وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْکَ عَلٰی عَدُوِّکَ وَعَدُوِّهِمْ سُلْطَانًا نَصِیْرًا پس دست بدعا بردار و
و بکردان از برای ایشان از نزد خود بر دشمن خود و دشمن ایشان پادشاه یاری کننده قصد کن دشمنان آل محمد
علیهم السلم اَللّٰهُمَّ اِنَّ کَثِیْرًا مِنَ الْاُمَّةِ نَاصَبَتِ الْمُسْتَحْفِظِیْنَ مِنَ الْاَئِمَّةِ وَکَفَرَتْ
را و بکو خداوندا بدرستی که بسیاری از امت دشمن شدند محافظت کنندکان از امامان را و کافر شدند
بِالْکَلِمَةِ وَعَکَفَتْ عَلَی الْقَادَةِ الظَّلَمَةِ وَهَجَرَتِ الْکِتَابَ وَالسُّنَّةَ وَعَدَلَتْ
بکلمه و معتکف شدند بر کشندکان ستم کننده و دوری کردند از کتاب و سنت و عدول کردند
عَنِ الْحَبْلَیْنِ اللَّذَیْنِ اَمَرْتَ بِطَاعَتِهِمَا وَالتَّمَسُّکِ بِهِمَا فَاَمَاتَتِ الْحَقَّ وَحَادَتْ
از دو ریسمان از دو تایی که امر کردی با طاعت آن دو تا و چنک در زدن بآن دو تا پس میرانیدند حق و بر کشتند
عَنِ الْقَصْدِ وَمَالَاَتِ الْاَحْزَابَ وَحَرَّفَتِ الْکِتَابَ وَکَفَرَتْ بِالْحَقِّ لَمَّا
از راه و یاری کرده لشکرها و تحریف کرده کتاب را و کافر شده بحق از برای آنچه

جاءَها وَتَمَسَّكَتْ بِالباطِلِ لَمّا اعْتَرَضَها وَضَيَّعَتْ حَقَّكَ وَاَضَلَّتْ خَلْقَكَ

اهل اورا وچنك دردند بر باطل چونكه رسيد اورا و ضايع كرد حق ترا وگمراه كرد خلق ترا

وَقَتَلَتْ اَوْلادَ نَبِيِّكَ وَخِيَرَةَ عِبادِكَ وَحَمَلَةَ عِلْمِكَ وَوَرَثَةَ حِكْمَتِكَ وَ

وكشت اولاد پيغمبر ترا وبهترين بندگان ترا وبردارندگان علم ترا و وارثان حكمت ترا و

وَحْيِكَ اَللّٰهُمَّ فَزَلْزِلْ اَقْدامَ اَعْدائِكَ وَاَعْداءِ رَسُولِكَ وَاَهْلِ بَيْتِ رَسُولِكَ

وحی ترا خداوندا پس بلرزان قدمهای دشمنان خود و دشمنان رسول خود واهل بيت رسول خودرا

اَللّٰهُمَّ وَاَخْرِبْ دِيارَهُمْ وَافْلُلْ سِلاحَهُمْ وَخالِفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ وَفُتَّ فِي

خداوندا وخراب كن شهرهای ايشانرا وكندكن سلاح ايشانرا ومخالفت انداز ميان كلمه ايشان وبشكن

اَعْضادِهِمْ وَاَوْهِنْ كَيْدَهُمْ وَاضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ القاطِعِ وَارْمِهِمْ بِحَجَرِكَ

توبهای ايشانرا وسست كن مكر ايشانرا وبزن ايشانرا بشمشير تو كه برنده است وبينداز ايشانرا بسنگ

الدّامِغِ وَطُمَّهُمْ بِالبَلاءِ طَمّاً وَقُمَّهُمْ بِالعَذابِ قَمّاً وَعَذِّبْهُمْ عَذاباً

كه داغ كننده است وبينداز ايشانرا به بلا انداختنی و فروبر ايشانرا بعذاب فروبردنی وعذاب كن ايشانرا عذاب

نُكْراً وَخُذْهُمْ بِالسِّنِينَ وَالمَثُلاتِ الَّتِي اَهْلَكْتَ بِها اَعْداءَكَ اِنَّكَ ذُو

ناخوش ومبتلا كن ايشانرا بقحط وببدبختی كه هلاك كرده بآن دشمنان خودرا بدرستی كه تو صاحب

نِقْمَةٍ مِنَ المُجْرِمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنَّ سُنَّتَكَ ضائِعَةٌ وَاَحْكامَكَ مُعَطَّلَةٌ وَ

عذاب توئی از گناهكاران خداوندا بدرستی كه سنت تو ضايع است واحكام تو معطل است و

عِتْرَةَ نَبِيِّكَ فِي الاَرْضِ هائِمَةٌ اَللّٰهُمَّ فَاَعِنِ الحَقَّ وَاَهْلَهُ وَاقْمَعِ الباطِلَ

اولاد پيغمبر تو در زمين سرگردان اند خداوندا پس اعانت كن حق واهل حق را وبركن از بيخ باطل

وَاَهْلَهُ وَمُنَّ عَلَيْنا بِالنَّجاةِ وَاهْدِنا اِلَى الاِيمانِ وَعَجِّلْ فَرَجَنا وَانْظِمْهُ

واهل باطلرا ومنت گذار بر ما برستگاری وهدايت كن مارا بسوی ايمان و زودكن فرج مارا ومنتظم ساز

بِفَرَجِ اَوْلِيائِكَ وَاجْعَلْهُمْ لَنا وُدّاً وَاجْعَلْنا لَهُمْ وَفْداً اَللّٰهُمَّ وَاَهْلِكْ مَنْ

بفرج دوستان خود وبگردان ايشانرا از برای ما دوست وبگردان مارا از برای ايشان رونده خداوندا وهلاك كن كسی

جَعَلَ يَوْمَ قَتْلِ ابْنِ نَبِيِّكَ وَخِيَرَتِكَ عِيداً وَاسْتَهَلَّ بِهِ فَرَحاً وَمَرَحاً وَخُذْ

كه گردانيد روز قتل پسر پيغمبر ترا وبهترين برگزيده ترا عيد وفرياد كرده باو از روی شادی وتكبر وبگير

اخرهم

واضعف

اٰخِرَهُمْ كَما اَخَذْتَ اَوَّلَهُمْ وَضاعِفِ اللّٰهُمَّ العَذابَ وَالتَّنْكِيلَ عَلى ظالِمِي اَهْلِ

آخر ايشانرا چنانكه گرفتی اول ايشان و دوچندان كردان خداوندا عذاب را وبينی بريدن را بر ظلم كننده اهل

بَيْتِ نَبِيِّكَ وَاَهْلِكْ اَشْياعَهُمْ وَقادَتَهُمْ وَاَبِرْ حُماتَهُمْ وَجَماعَتَهُمْ اَللّٰهُمَّ وَضاعِفْ

بيت پيغمبر خود وهلاك كن پيروان ايشانرا وكشنده ايشانرا وقطع كن حمايت كننده ايشانرا وجمعيت ايشانرا خداوندا ومضاعف كن

صَلَواتِكَ وَرَحْمَتَكَ وَبَرَكاتِكَ عَلى عِتْرَةِ نَبِيِّكَ العِتْرَةِ الضّائِعَةِ الخائِفَةِ المُسْتَذَلَّةِ

درود خود ورحمت خود وبركتهای خودرا بر اولاد پيغمبر خود ذريت ضايع شده ترسناك خوار

بَقِيَّةٍ مِنَ الشَّجَرَةِ الطَّيِّبَةِ الزّاكِيَةِ المُبارَكَةِ وَاَعْلِ اللّٰهُمَّ كَلِمَتَهُمْ

باقی مانده از درخت پاك پاكيزه بابركت وبلند گردان خداوندا كلمه ايشانرا

وَاَفْلِجْ حُجَّتَهُمْ وَاكْشِفِ البَلاءَ وَاللَّأْواءَ وَحَنادِسَ الاَباطِيلِ وَالعَمى عَنْهُمْ

وظاهر كن حجت ايشانرا وبرطرف كن بلا و مضرتها وخيالات باطلان وكوری را از ايشان

وَثَبِّتْ قُلُوبَ شِيعَتِهِمْ وَحِزْبِكَ عَلى طاعَتِكَ وَوِلايَتِهِمْ وَنُصْرَتِهِمْ وَ

وثابت دار دلهای ايشان وشيعيان ايشان وگروه تورا بر اطاعت تو ودوستی ايشان ويادی ايشان و

مُوالاتِهِمْ وَاَعِنْهُمْ وَامْنَحْهُمُ الصَّبْرَ عَلَى الاَذى فِيكَ وَاجْعَلْ لَهُمْ اَيّاماً

پيروی ايشان ويادی كن ايشانرا وعطا كن ايشانرا صبر بر اذيتها درراه تو وبگردان از برای ايشان روزها

مَشْهُودَةً وَاَوْقاتاً مَحْمُودَةً مَسْعُودَةً تُوشِكُ فِيها فَرَجَهُمْ وَتُوجِبُ فِيها

حاضر شده ووقتهای پسنديده سعادت يافته نزديك كنی دران ظهور ايشانرا وواجب كنی دران

تَمْكِينَهُمْ وَنَصْرَهُمْ كَما ضَمِنْتَ لِاَوْلِيائِكَ فِي كِتابِكَ المُنْزَلِ فَاِنَّكَ قُلْتَ وَ

تمكين ايشانرا و يادی ايشانرا چنانكه ضامن شده از برای دوستان خود در كتاب خود كه فرستاده شده پس بتحقيق كه تو گفته و

قَوْلُكَ الحَقُّ وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِينَ اٰمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي

گفتن تو حق است وعده كرده خدا كسانی را كه ايمان آورده اند از شما وكرده اند كارهای خوب هرآينه خليفه گرداند ايشانرا در

الاَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضى لَهُمْ وَ

زمين چنانكه خليفه گردانيد كسانی را كه پيش از ايشان بودند وهرآينه تمكين كند البته از برای ايشان دين ايشانرا كه پسنديده از برای ايشان

لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اَمْناً يَعْبُدُونَنِي لا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً اَللّٰهُمَّ فَاكْشِفْ

هرآينه بدل كند البته از برای ايشان بعد از ترس ايشان امن را عبادت كنند مرا شريك نكنند بمن چيزيرا خداوندا پس برطرف

غمتهم

عمتهم يا من لا يملك كشف الضر الا هو يا واحد يا احد يا حي يا قيوم وانا

غم ایشانرا ای کسی که مالك نیست بر طرف کردن ضرر را مگر او ای یکتا ای فرد ای زنده ای قایم و من

يا الهي عبدك الخائف منك والراجع السائل لك المقبل عليك اللاجئ الى

ای خدای من بنده تو ترسان از تو و رجوع کننده سؤال کننده مر ترا رو آورنده بر تو پناه برنده بسوی

فنائك العالم بانه لا ملجا منك الا اليك اللهم فتقبل دعائي واسمع يا

سرای تو دانا بانکه نیست پناهی از تو مگر بسوی تو خداوندا پس قبول کن دعای مرا و بشنوا ای

الهي علانيتي ونجواي واجعلني ممن رضيت عمله وقبلت نسكه ونجيته

خدای من آشکار مرا و سرگوشی مرا و بگردان مرا از کسی که پسندیده عمل او را و قبول کرده عبادت او را و نجات داده

برحمتك انك انت العزيز الكريم اللهم وصل اولا واخرا على محمد وال محمد

برحمت خود بدرستی که تو غالب کریمی خداوندا و درود بفرست اول و آخر بر محمد و آل محمد

وبارك على محمد وال محمد وارحم محمدا وال محمد باكمل وافضل ما صليت

و برکت فرست بر محمد و آل محمد و رحم کن بر محمد و آل محمد بکاملتر و فاضلتر آنچه درود فرستادی

وباركت وترحمت على انبيائك ورسلك وملائكتك وحملة عرشك بلا

و برکت فرستاده و رحم کرده بر پیغمبران تو و رسولان تو و فرشتگان تو و بردارندگان عرش تو بحق آنکه نیست

اله الا انت اللهم ولا تفرق بيني وبين محمد وال محمد صلواتك

خدایی مگر تو خداوندا و جدایی میندازمیان من و میان محمد و آل محمد درودهای تو

عليه وعليهم واجعلني يا مولاي من شيعة محمد وعلي وفاطمة

براو و بر ایشان و بگردان مرا ای آقای من از پیروان محمد و علی و فاطمه

والحسن والحسين وذريتهم الطاهرة المنتجبة وهب لي التمسك

و حسن و حسین و اولاد ایشان که پاك اند و برگزیده اند و ببخش از برای من چنگ زدن

الطاهرین

بحبلهم

بحبلهم والرضا بسبيلهم والاخذ بطريقتهم انك جواد كريم پس سجده كن

بدوستی ایشان و رضا براه ایشان و گرفتن بطریقه ایشان بدرستی که تو صاحب جودی کریمی و دو طرف روی

خود را بر خاك يا من يحكم ما يشاء ويفعل ما يريد انت حكمت فلك الحمد محمودا

بگذار و بگو ای کسی که حکم میکند آنچه میخواهد و میکند آنچه اراده میکند تو حکم کرده پس از برای تست حمد ستوده شده

مشکورا

مشكورا فعجل يا مولاي فرجهم وفرجنا بهم فانك ضمنت اعزازهم بعد الذلة

شکر کرده شده پس زود کن ای خدای من فرج ایشانرا و فرج ما را با ایشان پس بدرستی که ضامن شده غالب گردانیدن ایشانرا بعد از خواری

وتكثيرهم بعد القلة واظهارهم بعد الخمول يا اصدق الصادقين

و بسیاری ایشانرا بعد از کمی و اظهار ایشانرا بعد از گمنامی ای راست گوتر از راست گویان

ويا ارحم الراحمين فاسئلك يا الهي وسيدي متضرعا اليك بجودك

و ای رحم کننده ترین رحم کنندگان پس سؤال میکنم ترا ای خدای من و آقای من تضرع و زاری کننده بسوی تو بجود تو

وكرمك بسط املي والتجاوز عني وقبول قليل عملي وكثيره والزيادة في ايامي

و بخشش تو پهن کرده امل من و درگذشتن از من و قبول کم از عمل من و بسیاران عمل و زیادتی در روزهای

وتبليغي ذلك المشهد وان تجعلني ممن يدعى فيجيب الى طاعتهم وموالاتهم

و رسانیدن من باین مشهد و اینکه بگردانی مرا از کسی که خوانده شود پس اجابت کند بسوی طاعت ایشان و پیروی ایشان

ونصرهم وتريني ذلك قريبا سريعا في عافية انك على كل شيء قدير

و یاری ایشان و بنمایی مرا این حالت نزدیکی شتابان در عافیت بدرستی که تو بر همه چیز قادری

بس سر خود را بجانب اعوذ بك ان اكون من الذين لا يرجون ايامك فاعذني يا

اسمان بلند کن و بگو پناه میبرم بتو از آنکه باشم از کسانی که امید ندارند روزهای ترا پس پناه ده مرا ای

من ان

الهي برحمتك من ذلك چون چنین کنی این عمل بهتر است از برای تو از حجهای بسیار و

خدای برحمت خود از این عمرهای بسیار که مال بسیار در آنها صرف نمائی و بدن خود را در آنها

بتعب افکنی و از اهل و عیال و فرزندان خود جدا شوی و بدانکه کسی که این نماز را در این روز بکند

و این دعا را از روی اخلاص بخواند و این عمل را با یقین و تصدیق بجا آورد حق تعالی ده خصلت باو

عطا کند که از جمله آنها آنست که او را از مردنهای بد حفظ کند مانند غرق شدن و سوختن و در زیر عمارت

ماندن و امثال اینها و تا مردن دشمنی بر او مسلط نکرد و نگاه دارد او را از دیوانگی و خوره و پیسی در خود

و در فرزندانش تا چهار پشت و شیطان را و دوستان و یاوران شیطانرا مسلط نکرداند بر او و بر

نسل او تا چهار پشت زیارت دیگر زیارتیست که مشتملست بر زیارت شهدا و متضمن تعزیت حضرت

رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم و مناسبت که در این روز خوانده السلام عليك

شود و اگر در آخر روز خواندشاید انسب باشد و زیارت اینست رحمت بر تو

واقف رابد عاجز بانهما

يا وارِثَ آدمَ صِفوةِ اللهِ اَلسَّلامُ عليكَ يا وارِثَ نوحٍ نبيِّ اللهِ اَلسَّلامُ
ای وارث ادم برگزیده خدا سلام بر تو ای وارث نوح پیغمبر خدا سلام
عليكَ يا وارِثَ ابراهيمَ خليلِ اللهِ اَلسَّلامُ عليكَ يا وارِثَ موسى كليمِ
بر تو ای وارث ابرهیم دوست خدا سلام بر تو ای وارث موسی سخنگو با
اللهِ اَلسَّلامُ عليكَ يا وارِثَ عيسى روحِ اللهِ اَلسَّلامُ عليكَ يا وارِثَ
خدا سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا سلام بر تو ای وارث
محمّدٍ حبيبِ اللهِ اَلسَّلامُ عليكَ يا وارِثَ عليٍّ اميرِ المؤمنينَ اَلسَّلامُ
محمد دوست خدا سلام بر تو ای وارث علی امیرالمومنین سلام
عليكَ يا وارِثَ الحسنِ الشّهيدِ سبطِ رسولِ اللهِ اَلسَّلامُ عليكَ يا بنَ
بر تو ای وارث حسن شهید پسر رسول خدا سلام بر تو ای پسر
رسولِ اللهِ اَلسَّلامُ عليكَ يا بنَ البشيرِ النّذيرِ وابنَ سيّدِ الوصيّينَ
رسول خدا سلام بر تو ای پسر بشارت دهنده ترساننده و پسر سید اوصیاء
اَلسَّلامُ عليكَ يا بنَ فاطمةَ سيّدةِ نساءِ العالمينَ اَلسَّلامُ عليكَ يا
سلام بر تو ای پسر فاطمه سیده زنان عالمیان سلام بر تو ای
اَبا عبدِ اللهِ اَلسَّلامُ عليكَ يا خيرةَ اللهِ وابنَ خيرتِهِ اَلسَّلامُ عليكَ يا
ابا عبد الله سلام بر تو ای برگزیده خدا و پسر برگزیده خدا سلام بر تو ای
ثارَ اللهِ وابنَ ثارِهِ اَلسَّلامُ عليكَ ايّها الوترُ الموتورُ اَلسَّلامُ عليكَ ايّها
کشته راه خدا و پسر کشته راه خدا سلام بر تو ای تنها دور افتاده سلام بر تو ای
الامامُ الهادي الزّكيُّ وعلى ارواحٍ حلّتْ بفنائكَ واقامتْ في جوارِكَ و
امام هدایت کننده پاکیزه و بر روحهای که فرود آمدند برای تو و اقامت کردند در همسایگی تو و
وفدتْ معَ زوّارِكَ اَلسَّلامُ عليكَ منّي ما بقيتُ وبقيَ اللّيلُ والنّهارُ فلقدْ
روانه شدند با زوار تو سلام بر تو از من مادام که باقیم و باقیست شب و روز پس هر اینه بتحقیق
عظمتْ بكَ الرّزيّةُ وجلَّ المصابُ في المؤمنينَ والمسلمينَ وفي اهلِ
که بزرگ شد بسبب تو مصیبت من و بزرگ شد مصیبتها در میان مومنان و مسلمانان و در اهل

السّمواتِ اجمعينَ وفي سكّانِ الارضينَ فانّا للهِ وانّا اليهِ راجعونَ
اسمانها همه و در ساکنان زمینها پس بدرستیکه ما از برای خدایم و ما بسوی او بر میگردیم
وصلواتُ اللهِ وبركاتُهُ وتحيّاتُهُ عليكَ وعلى آبائكَ الطّيّبينَ المنتجبينَ
و درود خدا و برکتهای او و تحیتهای او بر تو و بر پدران تو که پاکان برگزیدگان اند
وعلى ذراريهمُ الهداةِ المهديّينَ اَلسَّلامُ عليكَ يا مولايَ وعليهمْ وعلى
و بر اولاد ایشان که راه یافتگان هدایت کنندگان اند رحمت بر تو ای اقای من و بر ایشان و بر
روحِكَ وعلى ارواحِهمْ وعلى تربتِكَ وعلى تربتِهمْ اللّهمَّ لقّهمْ رحمةً و
روح تو و بر روحهای ایشان و بر خاک تو و بر خاک ایشان خداوندا برسان ایشان را رحمت و
رضوانًا وروحًا وريحانًا اَلسَّلامُ عليكَ يا مولايَ يا ابا عبدِ اللهِ يا بنَ
خوشنودی و راحت و نسیم سلام بر تو ای اقای من ای ابا عبد الله ای پسر
خاتمِ النّبيّينَ ويا بنَ سيّدِ الوصيّينَ ويا بنَ سيّدةِ نساءِ العالمينَ
خاتم پیغمبران و ای پسر سید اوصیاء و ای پسر سیده زنان عالمیان
اَلسَّلامُ عليكَ يا شهيدُ يا بنَ الشّهيدِ يا اخا الشّهيدِ يا ابا الشّهداءِ اللّهمَّ
سلام بر تو ای شهید ای پسر شهید ای برادر شهید ای پدر شهیدان خداوندا
بلّغهُ عنّي في هذهِ السّاعةِ وفي هذا اليومِ وفي هذا الوقتِ وفي كلِّ
برسان او را از من در این ساعت و در این روز و در این وقت و در هر
وقتٍ تحيّةً كثيرةً وسلامًا سلامُ اللهِ عليكَ ورحمةُ اللهِ وبركاتُهُ يا بنَ
وقت تحیت بسیار و سلام سلام خدا بر تو و رحمت خدا و برکتهای خدا ای پسر
سيّدِ العالمينَ وعلى المستشهدينَ معكَ سلامًا متّصلًا ما اتّصلَ اللّيلُ
بزرگترین عالمیان و بر شهادت یافتگان با تو سلام متصل مادام که متصل باشد شب
والنّهارُ اَلسَّلامُ على الحسينِ بنِ عليٍّ الشّهيدِ اَلسَّلامُ على عليِّ بنِ الحسينِ الشّهيدِ
و روز سلام بر حسین پسر علی شهید سلام بر علی پسر حسین شهید
اَلسَّلامُ على العبّاسِ بنِ اميرِ المؤمنينَ الشّهيدِ اَلسَّلامُ على الشّهداءِ من ولدِ اميرِ المؤمنينَ
سلام بر عباس پسر امیر المؤمنین شهید سلام بر شهیدان از اولاد امیر المؤمنین

اَلسَّلامُ عَلَی الشُّهَدآءِ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ اَلسَّلامُ عَلَی الشُّهَدآءِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ اَلسَّلامُ
سلام بر شهیدان از اولاد حسن سلام بر شهیدان از اولاد حسین سلام
عَلَی الشُّهَدآءِ مِنْ وُلْدِ جَعْفَرٍ وَعَقِیلٍ اَلسَّلامُ عَلی کُلِّ مُسْتَشْهَدٍ مَعَهُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ
بر شهیدان از اولاد جعفر و عقیل سلام بر هر طلب شهادت کننده با ایشان از مؤمنان
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْهُمْ عَنِّی تَحِیَّةً کَثِیرَةً وَسَلاماً اَلسَّلامُ عَلَیْکَ
خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد و برسان ایشانرا از من تحیت بسیار و سلام سلام بر تو
یا رَسُولَ اللّٰهِ اَحْسَنَ اللّٰهُ لَکَ الْعَزآءَ فِی وَلَدِکَ الْحُسَیْنِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا فاطِمَةُ
ای رسول خدا نیکو گرداند خدا از برای تو تعزیت را در ولد تو حسین سلام بر تو ای فاطمه
اَحْسَنَ اللّٰهُ لَکِ الْعَزآءَ فِی وَلَدِکِ الْحُسَیْنِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ اَحْسَنَ
نیکو گرداند خدا از برای تو تعزیت را در فرزند تو حسین سلام بر تو ای امیر المؤمنین نیکو گرداند
اللّٰهُ لَکَ الْعَزآءَ فِی وَلَدِکَ الْحُسَیْنِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَبا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ اَحْسَنَ اللّٰهُ
خدا از برای تو تعزیت را در فرزند تو حسین سلام بر تو ای ابا محمد حسن نیکو گرداند خدا
لَکَ الْعَزآءَ فِی اَخِیکَ الْحُسَیْنِ یا مَوْلایَ یا اَبا عَبْدِ اللّٰهِ اَنَا ضَیْفُ اللّٰهِ وَ
از برای تو تعزیت را در برادر تو حسین ای آقای من ای اباعبدالله من مهمان خدایم و
ضَیْفُکَ وَجارُ اللّٰهِ وَجارُکَ وَلِکُلِّ ضَیْفٍ وَجارٍ قِرًی وَقِرایَ فِی هٰذَا
مهمان توام و همسایه خدایم و همسایه تو و از برای هر مهمانی و همسایه ضیافتی است و ضیافت من در این
الْوَقْتِ اَنْ تَسْئَلَ اللّٰهَ سُبْحانَهُ وَتَعالی اَنْ یَرْزُقَنِی فَکاکَ رَقَبَتِی مِنَ النّارِ اِنَّهُ سَمِیعُ
وقت اینست که سؤال کنی از خدای که منزهست و بلند مرتبه اینکه روزی کند مرا آزادی گردن من از آتش بدرستی که او شنوا
الدُّعآءِ قَرِیبٌ مُجِیبٌ و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است که در شب بیست و یکم ماه محرم زفاف
دعاست نزدیک اجابت کننده حضرت فاطمه و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهما واقع شد باید
باید که روز آنرا برای این نعمت عظمی شیعیان روزه بدارند و شیخ طوسی رحمه الله گفته است که در روز
هفدهم ماه محرم اصحاب فیل که بجهت خراب کردن کعبه آمده بودند بر گشتند و عذاب بر ایشان
نازل شد و در روز بیست و پنجم اینماه حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه بعالم اعلی
ارتحال نمود باب هفتم در اعمال ماه صفر است و اینماه مشهورست بنحوست و دو وجه میتواند

دانست اول آنکه موافق قول علمای شیعه وفات حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم
در اینماه واقع شده است دویم آنکه در سه ماه متوالی که اشهر حرم اند چون عرب قتال نمیکرده اند
و در اینماه شروع بقتال میکرده اند لهذا نحس شمرده اند و در احادیث شیعه ندیده ام چیزی
که دلالت بر نحوست کند و در روایات غیر معتبره عامه وارد شده است و سید ابن طاوس
رحمة الله علیه از بعضی از کتب معتبره روایت کرده است که در روز سیم اینماه مستحبست که دو رکعت
نماز بجا آورند و در رکعت اول بعد از حمد سوره انا فتحنا بخوانند و در دویم سوره توحید و بعد
از سلام صد مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و صد مرتبه اَللّٰهُمَّ الْعَنْ آلَ اَبِی
سُفْیانَ و صد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ و روز بیستم اینماه مشهور است بروز
اربعین یعنی روز چهلم شهادت حضرت سید الشهدا صلوات الله علیه است و در کتب معتبره
از حضرت امام حسن عسکری علیه السلم روایت کرده اند که علامات مؤمن پنج چیز است نماز پنجاه و یک رکعت
از فریضه و نافله در شب و روز و زیارت اربعین و انگشتر در دست راست کردن و جبین را در
سجده شکر بر خاک گذاشتن و بسم الله الرحمن الرحیم را بلند گفتن و کیفیت زیارت بسند معتبر
منقولست از صفوان جمال که گفت مولای من حضرت صادق علیه السلم بمن گفت اَلسَّلامُ عَلی وَلِیِّ
در زیارت اربعین که زیارت میکنی در هنگامی که روز بلند شده باشد و میگوئی سلام بر صاحب امور
اللّٰهِ وَحَبِیبِهِ اَلسَّلامُ عَلی خَلِیلِ اللّٰهِ وَنَجِیبِهِ اَلسَّلامُ عَلی صَفِیِّ اللّٰهِ وَابْنِ
خدا و دوست او سلام بر دوست خدا و برگزیده او سلام بر گزیده خدا و پسر
صَفِیِّهِ اَلسَّلامُ عَلَی الْحُسَیْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِیدِ اَلسَّلامُ عَلی اَسِیرِ الْکُرُباتِ
برگزیده خدا سلام بر حسین ستم رسیده شهید سلام بر اسیر مشقتها
وَقَتِیلِ الْعَبَراتِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَشْهَدُ اَنَّهُ وَلِیُّکَ وَابْنُ وَلِیِّکَ وَصَفِیُّکَ وَ
و کشته شده اشکها خداوندا بدرستی که من شهادت میدهم که او دوست تو و پسر دوست تو و برگزیده تو و
ابْنُ صَفِیِّکَ الْفائِزُ بِکَرامَتِکَ اَکْرَمْتَهُ بِالشَّهادَةِ وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعادَةِ وَاجْتَبَیْتَهُ
پسر برگزیده تو است که فایز شده بکرامت تو گرامی داشتی او را بشهادت و عطا دادی او را بسعادت و برگزیدی او را
بِطِیبِ الْوِلادَةِ وَجَعَلْتَهُ سَیِّداً مِنَ السّادَةِ وَقائِداً مِنَ الْقادَةِ وَذائِداً مِنَ
بخوبی ولادت و گردانیدی او را بزرگی از بزرگان و کشاننده بسوی حق از کشانندگان و دفع کننده از

من الذادة واعطيته مواريث الانبياء وجعلته حجة على خلقك
از دیع کنندکان و بخشیده اورا میراثهای پیغمبران و کردانیده او را حجت بر خلق خود
من الاوصياء فاعذر في الدعاء ومنح النصح وبذل مهجته فيك ليستنقذ عبادك
از وصیان پس سالغه کرد در خواندن و عطا کرد نصیحت را و بخشید جان خود را در راه تو تا نجات دهد بندکانت را
من الجهالة وحيرة الضلالة وقد توازر عليه من غرته الدنيا وباع
از نادانی و حیرانی کمراهی و بتحقیق کمک کردند بر او کسی که مغرور کرد او را دنیا و فروخت
حظه بالارذل الادنى وشرى آخرته بالثمن الاوكس وتغطرس وتردى
نصیب خود به بدترین پست و فروخت آخرت خود را بقیمت اندک تکبر کرد و افتاد
في هواه واسخطك واسخط نبيك واطاع من عبادك اهل الشقاق والنفاق
در خواهشهای خود و بغضب آورد ترا و بغضب آورد پیغمبر ترا و اطاعت کرد از بندکان تو اهل شقاق و نفاق
وحملة الاوزار المستوجبين النار فجاهدهم فيك صابرا محتسبا حتى سفك
و بردارنده کناهان را که مستوجب آتش اند پس جهاد کرد با ایشان در راه تو صبر کننده حساب دارنده تا آنکه ریخته شد
في طاعتك دمه واستبيح حريمه اللهم فالعنهم لعنا وبيلا وعذبهم
در فرمان برداری تو خون او و مباح کردانیده شد حریم او خدا وندا پس لعنت کن ایشان را لعنت سخت و عذاب کن ایشان را
عذابا اليما السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن سيد
عذاب دردناک سلام بر تو ای پسر رسول خدا سلام بر تو ای پسر بزرگ
الاوصياء اشهد انك امين الله وابن امينه عشت سعيدا ومضيت حميدا
اوصیا شهادت میدهم که تو امین خدایی و پسر امین اویی زندگانی کردی نیکبخت و کذشتی پسندیده
ومت فقيدا مظلوما شهيدا واشهد ان الله منجز لك ما وعدك ومهلك
و مردی تنها ستم رسیده شهید و شهادت میدهم که بدرستی که خدا وفا کننده است از برای تو آنچه وعده کرده ترا و هلاک کننده است
من خذلك ومعذب من قتلك واشهد انك وفيت بعهد الله وجاهدت
کسی را که خوار کرد ترا و عذاب کننده است کسی را که کشت ترا و شهادت میدهم که تو وفا کردی بعهد خدا و جهاد کردی
في سبيل الله حتى اتاك اليقين فلعن الله من قتلك ولعن الله من ظلمك و
در راه خدا تا آنکه آمد ترا مرگ پس لعنت کند خدا کسی را که کشت ترا و لعنت کند خدا کسی را که ستم بر تو کرد و

لعن

لعن الله امة سمعت بذلك فرضيت به اللهم اني اشهدك اني ولي لمن
لعنت کند خدا امتی را که شنیدند این را پس راضی شدند بآن خداوندا بدرستی که من شاهد میکیرم ترا بدرستی که من دوستم از برای کسی که
والاه وعدو لمن عاداه بابي انت وامي يا ابن رسول الله اشهد انك كنت
پیروی کرد او را و دشمنم از برای کسی که دشمنی کرد او را فدای تو باد پدرم ای پسر رسول خدا شهادت میدهم که تو بودی
نورا في الاصلاب الشامخة والارحام الطاهرة لم تنجسك الجاهلية
نوری در پشتهای بلند و رحمهای پاک نجس نکرد ترا جاهلیت
بانجاسها ولم تلبسك المدلهمات من ثيابها واشهد انك من دعائم
بنجاستهای خود و نپوشید ترا تاریکیها از جامههای خود و شهادت میدهم که تو از ستونهای
الدين واركان المسلمين ومعقل المؤمنين واشهد انك الامام البر
دینی و رکنهای مسلمانانی و عاقله ایمان آورندکانی و شهادت میدهم که تو پیشوای نیکوکار
التقي الرضي الزكي الهادي المهدي واشهد ان الائمة من ولدك كلمة
پرهیزکار پسندیده پاکیزه هدایت کننده هدایت یافتهای و شهادت میدهم بدرستیکه پیشوایان از اولاد تو کلمه
التقوى واعلام الهدى والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا و
پرهیزکاری و نشانهای هدایت و بند محکم و حجت بر اهل دنیایی و
اشهد اني بكم مؤمن وبايابكم موقن بشرايع ديني وخواتيم عملي وقلبي لقلبكم
شهادت میدهم بدرستیکه من بشما ایمان آورنده ام و بر بازکشت شما یقین دارنده ام بشریعت دین خود و خاتمه کار خود و دل من از برای دل شما
سلم وامري لامركم متبع ونصرتي لكم معدة حتى ياذن الله لكم فمعكم معكم لا
تسلیم کننده است و امر من از برای امر شما پیروی کننده و یاری من از برای شما مهیا تا آنکه اذن دهد خدا از برای شما پس با شما با شمایم نه
مع عدوكم صلوات الله عليكم وعلى ارواحكم واجسادكم وشاهدكم وغائبكم
با دشمن شما درود خدا بر شما و بر روحهای شما و بدنهای شما و حاضر شما و غایب شما
وظاهركم وباطنكم آمين رب العالمين ودو ركعت نماز میکنی و هر دعا که خواهی
وظاهر شما و پنهان شما اجابت کن پروردگار عالمیان میکنی و بر میکردی و سید ابن طاوس علیه الرحمه
کفته است که من برای این زیارت وداعی نیافتم که مخصوص است السلام عليك يا ابن رسول الله
باین زیارت باید که بایستی پیش روی ضریح و بکوئی سلام بر تو ای پسر رسول خدا

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ عَلِیٍّ الْمُرْتَضیٰ وَصِیِّ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ فاطِمَةَ

سلام بر تو ای پسر علی مرتضی وصی رسول خدا سلام بر تو ای پسر فاطمه

الزَّهْراءِ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ الْحَسَنِ الزَّکِیِّ اَلسَّلامُ

زهرا بزرگ زنان عالمیان سلام بر تو ای وارث حسن زکی سلام

عَلَیْکَ یا حُجَّةَ اللهِ فی اَرْضِهِ وَشاهِدَهُ عَلیٰ خَلْقِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَبا عَبْدِ اللهِ

بر تو ای حجت خدا در زمین او و شاهد او بر خلق او سلام بر تو ای اباعبدالله

الشَّهِیدِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ وَابْنَ مَوْلایَ اَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلوٰةَ

شهید سلام بر تو ای آقای من و پسر آقای من شهادت میدهم که تو بتحقیق که بپا داشتی نماز را

وَاٰتَیْتَ الزَّکوٰةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَجاهَدْتَ فی سَبِیلِ

و ادا کردی زکوة را و امر کردی بنیکی و بازداشتی از بدی و جهاد کردی در راه

اللهِ حَتّیٰ اَتاکَ الْیَقِینُ وَاَشْهَدُ اَنَّکَ عَلیٰ بَیِّنَةٍ مِنْ رَبِّکَ اَتَیْتُکَ یا مَوْلایَ

خدا تا آمد ترا مرگ و شهادت میدهم که تو بر شاهدی از پروردگار تو آمدم ترا ای آقای من

زائِراً وافِداً راغِباً مُقِرّاً لَکَ بِالذُّنُوبِ هارِباً اِلَیْکَ مِنَ الْخَطایا لِتَشْفَعَ لی عِنْدَ

زیارت کننده رونده رغبت کننده اقرار کننده از برای تو بگناهان گریخته بسوی تو از خطاها از برای آنکه شفاعت کنی از برای من نزد

رَبِّکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْکَ حَیّاً وَمَیِّتاً فَاِنَّ لَکَ عِنْدَ اللهِ مَقاماً

پروردگار خود ای پسر رسول خدا درود فرستاد خدا بر تو در حال زندگی و مردگی پس بدرستی که برای تو نزد خدا جای

مَعْلُوماً وَشَفاعَةً مَقْبُولَةً لَعَنَ اللهُ مَنْ ظَلَمَکَ لَعَنَ اللهُ مَنْ حَرَمَکَ وَغَصَبَ

معلوم و شفاعت قبول کرده شده لعنت کند خدا کسی را که ستم کرد ترا لعنت کند خدا کسی را که هتک حرمت تو کرد و غصب کرد

حَقَّکَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ قَتَلَکَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ خَذَلَکَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ دَعَوْتَهُ فَلَمْ

حق ترا و لعنت کند خدا کسی را که کشت ترا و لعنت کند خدا کسی را که خوار کرد ترا و لعنت کند خدا کسی را که خواندی او را پس

یُجِبْکَ وَلَمْ یُعِنْکَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ مَنَعَکَ مِنْ حَرَمِ رَسُولِهِ وَحَرَمِ اَبِیکَ وَاَخِیکَ

اجابت نکرد ترا و یاری نکرد ترا و لعنت کند خدا کسی را که دور کرد ترا از خانه رسول خدا و خانه پدر تو و برادر تو

وَلَعَنَ اللهُ مَنْ مَنَعَکَ مِنْ شُرْبِ ماءِ الْفُراتِ لَعْناً کَثِیراً یَتْبَعُ بَعْضُها بَعْضاً اَللّٰهُمَّ

و لعنت کند خدا کسی را که منع کرد ترا از آشامیدن آب فرات لعنت بسیار که پیروی کند بعضی از آن بعضی را خداوندا

اگر از دور زیارت کند توجهت الیک بگو

دعاک

فاطر

فاطِرَ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ عالِمَ الْغَیْبِ وَالشَّهادَةِ اَنْتَ تَحْکُمُ بَیْنَ عِبادِکَ فیما

خالق آسمانها و زمین دانای پنهان و آشکار تو حکم کنی میان بندگان خود در آنچه

کانُوا فیهِ یَخْتَلِفُونَ وَسَیَعْلَمُ الَّذِینَ ظَلَمُوا اَیَّ مُنْقَلَبٍ یَنْقَلِبُونَ اَللّٰهُمَّ

بوده‌اند ایشان در آن اختلاف کننده و زود باشد که بدانند کسانی که ستم کردند کجاست برگشت که بر میگردند خداوندا

لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیارَتِهِ وَارْزُقْنیهِ اَبَداً ما بَقیتُ وَحَیِیتُ یا رَبِّ

مگردان اینرا آخر عهد از زیارت او و روزی کن مرا آن همیشه آنچه باقی مانم و زنده باشم ای پروردگار من

وَاِنْ مِتُّ فَاحْشُرْنی فی زُمْرَتِهِ یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ واگر زیارت اخر روز عاشورا نیز

و اگر بمیرم پس محشور کن مرا در زمره او ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان در این روز بخواند مناسبت و بدانکه

مشهور آنست که سبب تاکید زیارت آنحضرت در این روز آنست که حضرت امام زین العابدین

صلوات الله علیه با سایر اهل بیت در این روز بعد از مراجعت از شام بکربلای معلی وارد

شدند و سرهای مقدس شهدا را با بدنهای مطهر ایشان ملحق کردند و این بسیار بعید است

از جهات بسیار که ذکر آنها موجب تطویل است و بعضی گفته‌اند در این روز اهل بیت علیهم السلام وارد

مدینهٔ طیبه شدند و این نیز بسیار بعید است و بعضی گفته‌اند که شاید حضرت امام زین العابدین

علیه السلام باعجاز و طی الارض مخفی بکربلا رفته باشند از شام و سرها را با بدنهای مبارک ایشان ملحق

کرده باشند و این ممکنست اما روایتی در این باب بنظر نرسیده است بلکه بعضی از روایات منافات

فی الجمله با این دارد و وجهی که از احادیث ظاهر میشود آنست که اول کسی که از صحابه حضرت رسالت

بزیارت آنحضرت مشرف شد جابر بن عبدالله انصاری بود و او در این روز بکربلا رسید و

آنحضرت را با شهدا زیارت کرد و چون جابر از اکابر صحابه بود و اساس این امر عظیم را گذاشته

بود که سبب مزید فضل زیارت آنحضرت در این روز شده باشد و شاید وجوه دیگر داشته باشد

که بر ما مخفی باشد و چون فرموده‌اند که در این روز زیارت کنیم باید کرد و تفحص سببش ضرور نیست

و مشهور میان علمای امامیه آنست که وفات حضرت سید انبیا صلی الله علیه و آله در روز بیست

و هشتم ماه صفر واقع شد و شیخ طوسی و جمعی دیگر گفته‌اند که شهادت حضرت امام حسن مجتبی

صلوات الله علیه نیز در این روز واقع شد قیام بمراسم تعزیت این دو بزرگوار روز زیارت ایشان

از نزدیک و دور مناسبت و بدانکه در میان عوام بلکه خواص نحوست چهارشنبه آخر ماه صفر شهرت

داردودرکتب معتبره عامّه وخاصّه چیزی که دلالت براین کند بنظر نرسیده واحادیث درنحوست
مطلق چهارشنبه خصوصا چهارشنبه اخرماه وارد شده است وچون اینماه بنابراسبابی
که مذکورشد فی الجمله نحوستی دارد ممکنست که چهارشنبه اخر ان از سایر چهارشنبها نحوستش
بیشتر باشد اگر در این روز از قبیل احتراز نطیره استدفاع بلا یا بتصدقات وادعیه واستعاذاتی
که از ائمه صلوات الله علیهم وارد شده است بکنند وتوکل نمایند برجناب مقدس الهی که ان
کفارهٔ طیره است مناسبست واگر بلائی متوجه باشد باینها رفع میشود نه انکه بروش
جهال عجم متابعت مجوسان کنند بلهو ولعب وسور وسرور وساز واعمال قبیحه مشغول
شوند که موجب مزید استحکام قضاهای اسمانی وتقدیرات ربانی گردد باب نهم [red: هشتم]

در فضایل واعمال وایام ماه ربیع الاولست ودران دو فصل است **فصل اول** در فضیلت واعمال

روز اول تا روز شانزدهم است شیخ مفید وشیخ طوسی ودیگران رضی الله عنهم گفته اند که حضرت رسالت
صلی الله علیه واله درشب اول ماه ربیع الاول اراده هجرت نمود از مکّه معظّمه بسوی مدینه مشرّفه
ودرانشب بغار رفت وحضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه جان شریف خود را فدای جان مبارک
مقدس حضرت رسول صلی الله علیه واله کرد ودرجای انحضرت خوابید واز شمشیرهای کین قبایل مشرکین
پروا نکرد وفضل او برجمیع امت بلکه جمیع عالمیان برهمگنان ظاهر گردید وحق تعالی بامَلائکهٔ
سموات بانحضرت مباهات نمود واین ایهٔ کریمه درشان او نازل شد وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ
ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ چنانکه تفصیلش در حیوة القلوب مذکوراست وچون حق تعالی ان دو جان
مقدس بنیان را از کید هالکان حفظ کرد گفته اند که روزش را که روز اول ماه ربیع الاولست
مستحبست که برای شکر این نعمت عظیمه روزه بدارند وهرچند علما در این روز زیارت ذکر نکرده اند
اما زیارت حضرت رسول وحضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما در این روز مناسبست بجهاتی
که مذکور شد وشیخ طوسی رحمه الله در مصباح گفته است که در روز اول اینماه حضرت امام حسن
عسکری علیه السلام بعالم بقا رحلت نمود وحضرت صاحب الامر علیه السلام بمنصب جلیل امامت فایز گردید
پس زیارت ان دو امام عالیمقام در این روز نیز مناسبت اما شیخ رحمه الله در تهذیب وکلینی
ومحمد بن جریر طبری وابن الخشاب وشیخ مفید رحمة الله علیهم وغیر ایشان گفته اند که وفات
حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیه در روز هشتم اینماه بود پس در این روز زیارت

ان

ان دو امام علیهما السلام انسب است واما روز نهم اینماه بدانکه میان علمای خاصه وعامه در تاریخ قتل
عمر بن الخطاب علیه اللعنة والعذاب خلافست ومشهور میان فریقین انست که قتل ان ملعون در روز بیست
وششم ماه ذی الحجه واقع شد چنانچه سابقا اشاره بان شد وبعضی بیست وهفتم نیز گفته اند و
مستند این دو قول نقل مورخانست واز کتب معتبره چنان معلوم میشود که چنانچه الحال در
میان عوام شیعه مشهور است قتل او در نهم ماه ربیع الاول واقع شده است وسابقا میان جمعی
از محدثین شیعه نیز چنین مشهور بوده است وسید بزرگوار علی بن طاوس رحمه الله علیه در کتاب
اقبال اشاره نموده است بانکه ابن بابویه رحمه الله علیه روایتی از حضرت امام جعفر صادق ع
کرده است که ان ملعون در روز نهم ماه ربیع الاول بدرک اسفل جحیم متوجه شده است واز
نقل او چنان مفهوم میشود که شیخ صدوق چنین اعتقاد داشته است هرچند سید خود
این حدیث را تاویلات نموده است وایضا سید ذکر کرده است که جماعتی از شیعیان عجم بسبب
این روز را باین سبب تعظیم وتکریم مینموده اند وخلف بزرگوار سید علی بن طاوس در کتاب
زواید الفواید این مذهب را تقویت کرده است وروایت معتبری درین باب ایراد نموده است
چنانچه گفته است که روایت کرده اند محمد بن ابی العلاء همدانی ویحیی بن محمد بن جریج بغدادی که روزی
ما منازعه کردیم درباب عمر بن الخطاب علیه اللعنه والعذاب ورفتیم در شهر قم بنزد احمد بن اسحق
قمی که از خواص حضرت امام علی نقی وامام حسن عسکری صلوات الله علیهما بود وبخدمت حضرت
صاحب الامر صلوات الله علیه نیز رسیده بود وچون در را کوبیدیم دختر عراقیه بیرون امد واحوال
احمد را از او پرسیدیم گفت او امروز مشغول اعمال عیداست وان روز نهم ماه ربیع الاول بود
گفتیم سبحان الله عیدهای مؤمنان چهار است عید فطر وعید اضحی وعید غدیر وروز جمعه
اندختر گفت که احمد بن اسحق از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه روایت میکند که امروز روز عید است
وبهترین عیدهاست نزد اهل بیت رسالت علیهم السلام وشیعیان ایشان ما گفتیم که رخصت بطلب
تا بنزد او اییم چون ان دختر او را خبر کرد وبیرون امد نبوی ما ولنگی بسته وعبائی برخود پیچیده بود و
وبوی مشک از او ساطع بود ما گفتیم این چه حالتست که در تو مشاهده میکنیم الحال گفت از غسل عید
فارغ شده ام گفتیم امروز مگر عید است گفت بلی ومارا بخانه خود در اورد وبر روی کرسی نشاند و
گفت روزی با جمعی از برادران خود نزد مولای خود حضرت امام حسن عسکری علیه السلام رفتیم در سرّ من رای

درسال ایروز که شما بنزد من امده اید چون رخصت یافتیم و بخدمت انحضرت رسیدیم دیدیم که حضرت
مجلس خود را اراسته و مجمره در پیش خود کذاشته است و بدست مبارک خود عود در ان مجمره
مینا ندازد و مجلس خود را مزین کردانیده است و بر غلامان و خدمتکاران خود جامهای فاخر
پوشانیده است کفتیم یا بن رسول الله پدران و مادران ما فدای تو باد ایا از برای اهل بیت
امروز فرحی تازه رو داده است حضرت فرمود که کدام روز حرمتش از ایروز نزد اهل بیت عظیمتر است
بدرستی که خبر داد مرا پدرم علیه السلام که حذیفة بن یمان در روز نهم ماه ربیع الاول داخل شد بر جدم
حضرت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم حذیفه کفت که دیدم حضرت امیر المؤمنین و حضرت امام
حسن و امام حسین صلوات الله علیهم را که با حضرت رسالت پناه صلی الله علیه واله وسلم طعام
تناول مینمودند و انحضرت بر روی ایشان تبسم مینمودند و بامام حسن و امام حسین علیهما السلام میکفت
بخورید کوارا باد از برای شما برکت و سعادت ایروز بدرستی که ایروزیست که حق تعالی هلاک میکند
در ایروز دشمن خود و دشمن جد شما را مستجاب میکرداند در ایروز دعای مادر شما را بخورید
که ایروزیست که حق تعالی قبول میکند در ایروز اعمال شیعیان و محبان شما را بخورید که ایروزیست
که ظاهر میشود راستی کفته خدا که میفرماید فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا یعنی اینست خانهای ایشان
که خالی کردیده است بسبب ستمهای ایشان بخورید که ایروزیست که شکسته میشود در ایروز شوکت
دشمن جد شما و یاری کننده دشمن شما بخورید که ایروزیست که در ایروز هلاک میشود فرعون
اهل بیت من و ستم کننده بر ایشان و غصب کننده حق ایشان بخورید که ایروزیست که حق تعالی عملهای
دشمنان را باطل و هبا میکرداند حذیفه کفت من کفتم یا رسول الله ایا در میان امت تو کسی خواهد
بود که هتک این حرمتها نماید حضرت فرمود که ای حذیفه بتی از منافقان بر ایشان سرکرده خواهد
شد و دعوی ریاست در میان ایشان خواهد کرد و مردم را بسوی خود دعوت خواهد کرد و تازیانه
ظلم و ستم را بر دوش خواهد کرفت و مردم را از راه خدا منع خواهد کرد و کتاب خدا را تحریف خواهد
نمود و سنت مرا تغییر خواهد داد و میراث فرزند مرا متصرف خواهد شد و خود را پیشوای مردم
خواهد خواند و زیادتی بر وصی من علی بن ابی طالب صلوات الله علیه خواهد کرد و مالهای خدا را
بناحق بر خود حلال خواهد کرد و در غیر طاعت خدا صرف خواهد کرد و مرا و برادر من و وزیر من
علی را بدروغ نسبت خواهد داد و دختر مرا از حق خود محروم خواهد کردانید پس دختر من او را نفرین

خواهد

خواهد کرد و حق تعالی نفرین او را در چنین روز مستجاب خواهد کردانید حذیفه کفت یا رسول الله
چرا دعا نمیکنی که حق تعالی او را در حیات تو هلاک کرداند حضرت فرمود که ای حذیفه دوست نمیدارم
که جرات کنم بر قضای خدا و از او طلب کنم تغییر امری را که در علم او کذشته است ولیکن از حق تعالی سوال
کردم که فضیلت دهد ان روزی را که در ان روز او بجهنم میرود بر سایر روزها تا انکه احترام ان روز سنتی
کردد در میان دوستان من و دوستان شیعیان اهل بیت من پس حق تعالی وحی کرد بسوی من
که ای محمد در علم سابق من کذشته است که دریابد ترا و اهل بیت ترا محنتها و بلاهای دنیا و ستمهای
منافقان و غصب کنندکان از بندکان من ان منافقانی که تو خیرخواهی ایشان کردی و با تو خیانت
کردند و تو با ایشان راستی کردی و ایشان با تو مکر کردند و تو با ایشان صاف بودی و ایشان دشمنی
ترا بدل کرفتند و تو ایشانرا خوشنود کردانیدی و ایشان ترا تکذیب کردند و تو ایشانرا برکزیدی
و ایشان ترا در بلیه کذاشتند و سوکند یاد میکنم بحول و قوت و پادشاهی خود که البته بکشایم بر روح
کسی که غصب کند حق علی علیه السلام را که وصی تست بعد از تو هزار در از پست ترین طبقهای جهنم که انرا فیلوق
میکویند و او را و اصحاب او را در قعر جهنم جا دهم که شیطان از مرتبه خود بر او مشرف شود و او را لعنت
کند و انمنافق را در قیامت عبرتی کردانم برای فرعونها که در زمان پیغمبران دیکر بوده اند و برای سایر
دشمنان دین و ایشان و دوستان ایشانرا بسوی جهنم برم با دیدهای کبود و رویهای ترش با نهایت
مذلت و خواری و پشیمانی و ایشانرا ابدالاباد در عذاب خود بدارم ای محمد نمیرسد علی بمنزله تو مکر
با انچه میرسد با و از بلاها از فرعون او و غصب کننده حق او که جرات میکند بر من و کلام مرا بدل میکند
و شرک بمن میاورد و مردم را منع میکند از راه رضای من و کوساله از برای امت تو بر پا میکند که ان
ابوبکر است و کافر میشود بمن در عرش عظمت و جلال من بدرستی که من امر کرده ام ملائکه هفت اسمان
خود را که برای شیعیان و محبان دین شما عید کنند انروز را که انملعون کشته میشود و امر کرده ام ایشانرا
که کرسی کرامت مرا نصب کنند در برابر بیت المعمور و ثنا کنند بر من و طلب امرزش نمایند برای شیعیان و محبان
شما از فرزندان ادم علیه السلام و امر کرده ام ملائکه نویسندکان اعمال را که از ایروز تا سه روز قلم از مردم
بردارند و ننویسند کناهان ایشانرا برای کرامت تو و وصی تو ای محمد ایروز را عیدی کردانیدم برای تو
و اهل بیت تو و برای هر که تابع ایشان باشد از مؤمنان و شیعیان ایشان و سوکند یاد میکنم بر خود
بعزت و جلال خود و علو منزلت و مکان خود که عطا کنم کسی را که عید کند ایروز را از برای من ثواب انها

که بدور عرش احاطه کرده اند وقبول کنم شفاعت او را در خویشان او و زیاد کنم مال او را اگر کشادگی
دهد بر خود و عیال خود در این روز و هر سال در این روز صد هزار کس از موالیان و شیعیان
شما را از آتش جهنم آزاد کردانم و اعمال ایشان را قبول کنم و گناهان ایشان را بیامرزم حذیفه گفت
که پس برخواست رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم و بخانه ام سلمه رفت و من برکشتم و صاحب
یقین بودم در کفر عمر تا آنکه بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم دیدم که او چه فتنها
برانگیخت و کفر اصلی خود را ظاهر نمود و از دین برکشت و دامان بحیائی و وقاحت برای غصب
امامت و خلافت بر زد و قرآن را تحریف کرد و آتش در خانه وحی و رسالت زد و بدعتها در دین
خدا پیدا کرد و ملت پیغمبر را تغییر داد و سنت آنحضرت را بدل کرد و شهادت حضرت امیر المؤمنین
را رد کرد و فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه واله را بدروغ نسبت داد و فدک را
غصب کرد و یهودی و نصاری و مجوس را از خود راضی کرد و نور دیده مصطفی صلی الله علیه واله
وسلم را بخشم آورد و رضا جوئی اهلبیت رسالت نکرد و جمیع سنتهای رسول صلی الله علیه
واله را بر طرف کرد و تدبیر کشتن حضرت امیر المؤمنین علیه السلام کرد و جور و ستم را در میان مردم علانیه
کرد و هرچه خدا حلال کرده بود حرام کرد و هرچه خدا حرام کرده بود حلال کرد و حکم کرد که از پوست
شتر دینار در میان مردم رواج دهند و خرج کنند و در پهلوی فاطمه زهرا علیها السلام زد و بر منبر حضرت
رسالت صلی الله علیه واله وسلم بغصب و جور بالا رفت و بر حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه افترا بست و با آنحضرت معارضه کرد و رای آنحضرت را بسفاهت نسبت داد حذیفه گفت که
پس حق تعالی دعای برگزیده خود و دختر پیغمبر خود را در حق آن منافق مستجاب کردانید و قتل
او را بر دست کشنده او رحمة الله علیه جاری ساخت پس رفتم بخدمت حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه که آنحضرت را تهنیت و مبارکباد بگویم بآنکه آن منافق کشته شد و بعذاب حق
تعالی واصل کردید چون حضرت مرا دید گفت ای حذیفه آیا در خاطر داری آن روز را که آمدی نزد
سید من رسول خدا صلی الله علیه واله و من و دو سبط او حسن و حسین نزد او نشسته بودیم
و با او طعام میخوردیم پس ترا دلالت کرد بر فضیلت این روز گفتم بلی ای برادر رسول خدا حضرت
فرمود که بخدا سوگند که این روزیست که حق تعالی در آن دیده آل رسول صلی الله علیه واله وسلم
را روشن کردانید و من برای این روز هفتاد و دو نام میدانم حذیفه گفت یا امیر المؤمنین میخواهم

که آن نامها را از تو بشنوم حضرت فرمود که این روز استراحت که مؤمنان از شر آن منافق استراحت یافتند و روز
زایل شدن کرب و غمست و روز غدیر دوم است و روز تخفیف گناهان شیعیانست و روز اختیار
نیکو برای مؤمنانست و روز برداشتن قلم از شیعیانست و روز برهم شکستن بنای کفر و عداوت
است و روز عافیت است و روز برکتست و روز طلب خونهای مؤمنانست و روز عید بزرگ
خداست و روز مستجاب شدن دعاست و روز موقف اعظم است و روز وفای بعهد است و روز
شرطست و روز کندن جامه سیاهست و روز ندامت ظالمست و روز شکسته شدن شوکت
مخالفانست و روز نفی همومست و روز فتح است و روز عرض اعمال کافرانست و روز ظهور قدرت خداست
و روز عفو از گناهان شیعیانست و روز فرح ایشانست و روز توبه است و روز انابه بسوی
حق تعالی است و روز زکوة بزرگست و روز فطر دوم است و روز اندوه یاغیانست و روز
کره شدن آب دهان در گلوی مخالفانست و روز خوشنودی مؤمنانست و روز عید اهل
بیت است و روز ظفر یافتن بنی اسرائیل است بر فرعون و روز مقبول شدن اعمال شیعیانست
و روز پیش فرستادن تصدقاتست و روز زیادتی مثوباتست و روز قتل منافق است و روز وقت
معلومست و روز سرور اهلبیت است و روز مشهود است و روز قهر بر دشمنست و روز خراب شدن
بنیان ضلالتست و روز لیست که ظالم انکشت ندامت بدندان میکیرد و روز تنبیهاست و روز شرف
و روز خنک شدن دلهای مؤمنانست و روز شهادتست و روز درگذشتن از گناه مؤمنانست
و روز تازکی بوستان اهل ایمانست و روز شیرینی کام ایشانست و روز خوشی دلهای مؤمنانست
و روز برطرف شدن پادشاهی منافقانست و روز توفیق اهل ایمانست و روز رهائی مؤمنان
از شر کافرانست و روز مظاهره است و روز مفاخره است و روز قبول اعمالست و روز تبجیل و
تعظیم است و روز نحله و عطاست و روز شکر حق تعالی است و روز یاری مظلومانست و روز
زیارت کردن مؤمنان است و روز محبت کردن ایشانست و روز رسیدن برحمتهای الهی است و
روز پاک کردانیدن اعمالست و روز فاش کردن رازهاست و روز برطرف شدن بدعتهاست و
روز ترک گناهان کبیره است و روز تذکر کردن بحق است و روز عبادتست و روز موعظه و نصیحت
است و روز اتقیاء و پیشوایان دین است حذیفه گفت که پس از خدمت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
برخواستم و گفتم اگر در دنیا بهم از افعال خیر و آنچه امید ثواب از آن دارم مگر محبت این روز را هر آینه

فضیلت اینروز مرا بنه منتهای آرزوی من خواهد بود پس محمد و یحیی راویان اینحدیث گفتند که چون
اینحدیث را از احمد بن اسحق شنیدیم هر یک برخواستیم و سر او را بوسیدیم و گفتیم که حمد و شکر میکنیم
خداوند برا که برانگیخت ترا از برای ما تا آنکه فضیلت اینروز را بما رسانیدی پس بخانهای خود برگشتیم
و اینروز را عید کردیم و صاحب کتاب زواید الفواید گفته است که اینحدیث را از خط علی بن محمد بن
طی رحمة الله علیه نوشتم و در کتب دیگر که تتبع کردم چندین روایت دیگر موافق این یافتم پس اعتماد
بر این روایات نمودم و سزاوار است شیعیان را که اینروز را تعظیم نمایند و اظهار سرور و شادی در اینروز
بکنند و شیخ ابرهیم بن علی کفعمی در کتاب مصباح گفته است که صاحب کتاب مسار الشیعه روایت
کرده است که هر که در روز نهم ماه ربیع الاول چیزی انفاق کند حق تعالی گناهان او را بیامرزد و مستحبست
در اینروز اطعام برادران مؤمن و خوشبو کردن ایشان و توسعه دادن بر عیال خود و دیگران
و پوشیدن جامهای نو و شکر و عبادت حق تعالی و اینروز بر طرف شدن غمهاست و روزه روز داشتن
نیست مؤلف گوید که از نقل اینها که اران معلوم شد که بر فضیلت اینروز و وقوع این قصه مبارکه
در ان احادیث بسیار وارد شده است و در اعصار سابقه میان شیعه مشهور بوده است و بر خلاف
روایتی بنظر این قاصر نرسیده است و اتفاق مورخان عامه با احادیث معتبره معارضه نمیکند و اگر
کسی استبعاد کند که چنین واقعه عظمی که سبب حزن جمعی و سرور جمعی گردد چون میتواند بود که مضبوط
نماند جواب آنست که این واقعه از واقعه وفات حضرت رسالت صلی الله علیه واله وسلم و شهادت حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه عظیمتر نیست و در هر یک از انها خلاف میان خاصه و عامه هست
و در واقعه اول اتفاق دارند عامه بر خلاف انچه مختار شیعه است و اگر گویند باعث بر افتراء
ایشان در اینجا نیست جواب میگوئیم که شبهه در هر دو جا دیست و باعث قوی در اینجا هست زیرا که
ممکنست که برای دفع شماتت شیعیان اخفاء آن نموده باشند و علی ای حال چون مدار علمای خاصه
و عامه بر انست که در مستحبات باحادیث ضعیفه متمسک میشوند بنا بر احادیث صحیحه که از ائمه طاهرین
صلوات الله علیهم اجمعین وارد شده است که هر که ثوابی بانجناب او برسد بر عملی و انرا بجا آورد آن ثواب
باو داده میشود هر چند چنان نباشد که باو رسیده است پس اگر اعمال اینروز را که نوعی از شارع
وارد شده باشد و مخالفتی با آیات و اخبار نداشته باشد کسی بعمل آورد خوب خواهد بود و مستحق ثواب
خواهد گردید و بعضی میگویند که عمر بن سعد علیه اللعنه در اینروز بجهنم واصل شده است اگر چنین باشد

این شرافت نیز برای آن کافیست و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است که در روز دهم اینماه حضرت رسول صلعم
خدیجه کبری رضی الله عنها را تزویج نمود و مستحب است برای شکر این مواصلت عظیم البرکت شیعیان
روزه بدارند و گفته است در روز دوازدهم اینماه حضرت رسول صلی الله علیه واله داخل مدینه طیبه
شد و از شر دشمنان ایمن گردید و باین جهت روز مبارکیست و ایضا دولت بنی مروان که از بقیه بنی امیه
و از دشمنان اهل بیت علیهم السلام بودند در اینروز دولت ایشان بنهایت رسید و زایل گردید و این نیز فضیلت
دیگر است برای اینروز و اکثر سنیان ولادت باسعادت حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم را در
اینروز میدانند و محمد بن یعقوب کلینی رحمه الله از علمای امامیه نیز در کتاب کافی چنین قایل شده است
و بعضی از ارباب حساب موافق فحوای بعضی از روایات اینرا اظهر میدانند و اگر چه خلاف مشهور میان
امامیه است اما اگر روزه و غسل و زیارت و سایر اعمال که در هفدهم مذکور خواهد شد در اینروز
نیز بعمل آورند باحتیاط اقربست و سید بن طاوس رحمه الله از بعضی از علمای عجم روایت کرده است که سنت
است که در روز دوازدهم اینماه دو رکعت نماز بجا آورند و در رکعت اول بعد از حمد سه مرتبه قل
یا ایها الکافرون و در رکعت دویم سه مرتبه قل هو الله احد بخوانند و ایضا شیخ مفید و شیخ طوسی رضی
الله عنهما روایت کرده اند که یزید پلید علیه اللعنه والعذاب الشدید در روز چهاردهم اینماه بآتش
درک جهنم منتقل شد باید که شیعیان اینروز را بر خود مبارک دانند و شکر حق تعالی برای این نعمت
عظمی ادا کنند و بعضی روزه اینروز را سنت دانسته اند فصل دویم در فضایل و اعمال روز هفدهم
اینماهست و مشهور میان علمای شیعه آنست که ولادت کثیر السعادة حضرت رسالت صلی الله علیه واله
وسلم در روز جمعه هفدهم ماه ربیع الاول واقع شد و در بعضی از روایات وارد شده است
که عروج آنحضرت باسمانها نیز در شب هفدهم واقع شده است و شب و روزش هر دو مبارکست
و در هر دو زیارت حضرت رسالت و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهما مناسبت و علما
ذکر کرده اند و روزه روزش فضیلت بسیار دارد و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است که اینروز شریفیست
و پیوسته فرقه محقه شیعه از قدیم الایام الی الان تعظیم آن میکرده اند و حق آنرا میشناخته اند و روزه
میداشته اند و از ائمه هدی علیهم السلام روایت کرده اند که هر که اینروز را روزه دارد ثواب روزه یکسال برای او
نوشته شود و مستحبست که تصدقات بارباب حاجات بدهند و مؤمنان مؤمنان را شاد کردانند
و بزیارت مشاهد مشرفه بروند خصوصا مرقد مطهر حضرت رسالت و ضریح منور حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه

وشیخ مفید وشیخ شهید وسید ابن طاوس رضی الله عنهم گفته اند که چون در غیر مدینهٔ طیبه خواهی که حضرت
رسول صلی الله علیه وآله وسلم را زیارت کنی غسل بکن وشبیه بقبر در پیش روی خود بساز واسم مبارک
آنحضرت وابدان بنویس وبایست وبدل أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد
خود را متوجه آنحضرت کردان وبگو
گواهی میدهم که نیست خدائی مگر خدا یکتا میدانم او را نیست شریکی از برای او وگواهی میدهم
أن محمدا عبده ورسوله وأنه سيد الأولين والآخرين وأنه سيد الأنبياء و
بدرستیکه محمد بندهٔ او ورسول اوست وآنکه او بزرگ پیشینیان وپسینیانست وآنکه بزرگ پیغمبران و
المرسلين اللهم صل عليه وعلى أهل بيته الأئمة الطيبين ثم السلام
فرستاده شدگان خداوندا درود فرست براو وبر اهل بیت او پیشوایان پاکان پس بگو سلام
عليك يا رسول الله السلام عليك يا خليل الله السلام عليك يا نبي الله
بر تو ای رسول خدا سلام بر تو ای دوست خدا سلام بر تو ای پیغمبر خدا
السلام عليك يا صفي الله السلام عليك يا رحمة الله السلام عليك يا خيرة
سلام بر تو ای برگزیده خدا سلام بر تو ای رحمت خدا سلام بر تو ای برگزیده
الله السلام عليك يا حبيب الله السلام عليك يا نجيب الله السلام عليك
خدا سلام بر تو ای دوست خدا سلام بر تو ای بزرگ خدا سلام بر تو
يا خاتم النبيين السلام عليك يا سيد المرسلين السلام عليك يا قائما
ای خاتم پیغمبران سلام بر تو ای بزرگ فرستاده شدگان سلام بر تو ای ایستاده
بالقسط السلام عليك يا فاتح الخير السلام عليك يا معدن الوحي والتنزيل
بعدل سلام بر تو ای گشاینده خیر سلام بر تو ای معدن وحی وتنزیل
السلام عليك يا مبلغا عن الله السلام عليك أيها السراج المنير السلام
سلام بر تو ای رساننده از خدا سلام بر تو ای چراغ روشن سلام
عليك يا مبشر السلام عليك يا نذير السلام عليك يا منذر السلام عليك
بر تو ای بشارت دهنده سلام بر تو ای ترساننده سلام بر تو ای انذار کننده سلام بر تو
يا نور الله الذي يستضاء به السلام عليك وعلى أهل بيتك الطيبين
ای نور خدا که طلب روشنی کنند بآن سلام بر تو وبر اهل بیت تو که پاکان

الطاهرين الهادين المهديين السلام عليك وعلى جدك عبد المطلب وعلى أبيك
پاکیزگان هدایت کنندگان هدایت یافتگان سلام بر تو وبر جد تو عبد المطلب وبر پدر تو
عبد الله السلام على أمك آمنة بنت وهب السلام على عمك حمزة سيد الشهداء
عبد الله سلام بر مادر تو آمنه دختر وهب سلام بر عم تو حمزه سید شهیدان
السلام على عمك وكفيلك أبي طالب السلام على ابن عمك جعفر الطيار في جنان
سلام بر عم تو ومتکفل احوال تو ابوطالب سلام بر پسر عم تو جعفر طیار در بهشت
الخلد السلام عليك يا محمد السلام عليك يا أحمد السلام عليك يا حجة الله
خلد سلام بر تو ای محمد سلام بر تو ای احمد سلام بر تو ای حجت خدا
على الأولين والآخرين والسابق في طاعة رب العالمين والمهيمن على رسله
بر پیشینیان وپسینیان وسبقت گیرنده در طاعت پروردگار عالمیان وگواه بر رسولان او
والخاتم لأنبيائه والشاهد على خلقه والشفيع إليه والمكين لديه والمطاع
وخاتم پیغمبران او وشاهد بر خلق او وشفیع بسوی او ومکین نزد او واطاعت کرده شده
في ملكوته الأحمد من الأوصاف المحمد لسائر الأشراف الكريم عند الرب
در ملکوت او ستوده از وصفها ستوده شده از برای سایر اشراف کریم نزد پروردگار
والمكلم من وراء الحجب الفائز بالسباق والفائت عن اللحاق تسليم
وسخن گوینده از پس پردها رسنده بسبقت گرفتن وفوت شونده از ملحق شدن تسلیم
عارف بحقك معترف بالتقصير في قيامه بواجبك غير منكر ما انتهى إليه
شناسا بحق تو اعتراف کننده بتقصیر در قیام او بواجب تو غیر انکار کننده آنچه منتهی شده بسوی او
من فضلك موقن بالمزيدات من ربك مؤمن بالكتاب المنزل عليك محلل حلالك
از فضل تو یقین دارنده بزیادتیها از پروردگار تو ایمان آورنده بکتاب نازل شده بر تو حلال کننده حلال تو
محرم حرامك أشهد يا رسول الله مع كل شاهد وأتحملها عن كل جاحد
حرام کننده حرام تو شهادت میدهم ای رسول خدا با هر شاهد وبر میدارم آنرا از هر منکر
أنك قد بلغت رسالات ربك ونصحت لأمتك وجاهدت في سبيل ربك و
بدرستیکه تو رسانیدی رسالتهای پروردگار خود ونصیحت کردی از برای امت خود وجهاد کردی در راه پروردگار خود و

صدعت بامره واحتملت الاذى فى جنبه ودعوت الى سبيله بالحكمة والموعظة

شفقت كنيدى بامرا و وبرداشتى اذيتهارا درجنب او وخواندى تبوى راه او بحكمت وموعظ

الحسنة الجميلة واديت الحق الذى كان عليك وانك قد رؤفت بالمؤمنين و

نكوى جميل وادا كردى حقرا كه بود بر تو وبدرستى كه تو بتحقيق مهربانى كردى بمؤمنان و

غلظت على الكافرين وعبدت الله مخلصا حتى اتيك اليقين فبلغ الله بك

سخت گرفتى بر كافران وعبادت كردى خدا خالص تا آنكه آمد ترا مرگ پس برساند خدا تو

اشرف محل المكرمين واعلى منازل المقربين وارفع درجات المرسلين حيث لا

اشرف جاى گرامى داشتگانرا و بلندترين منزلهاى مقربانرا و رفيعتر مرتبها فرستاده شدگانرا بجائى كه

يلحقك لاحق ولا يفوقك فائق ولا يسبقك سابق ولا يطمع فى ادراكك

ملحق نميشود بتو ملحق شونده و بالا نميرود ترا بالا رونده وسبقت نگيرد بر تو سبقت گيرنده و طمع نكند در رسيدن بدرجه تو

طامع الحمد لله الذى استنقذنا بك من الهلكة وهدانا بك من الضلالة ونورنا

طمع كننده سپاس خدائى را كه خلاص گردانيد ما را بتو از هلاكت وهدايت كرد ما را بتو از گمراهى ونورانى كرد ما را

بك من الظلمة فجزاك الله يا رسول الله من مبعوث افضل ما جازى نبيا عن

بتو از تاريكى پس جزا دهد ترا خدا اى رسول خدا از مبعوثى بهتر انچه جزا داده پيغمبريرا از

امته ورسولا عمن ارسل اليه بابى انت وامى يا رسول الله زرتك عارفا بحقك

امت او ورسوليرا از كسى كه فرستاده شده بسوى او فداى تو باد پدر و مادر من اى رسول خدا زيارت كردم ترا شناسا بحق تو

مقرا بفضلك مستبصرا بضلالة من خالفك وخالف اهل بيتك عارفا

اقرار كننده بفضل تو بينا بگمراهى كسى كه مخالفت كرده ترا و مخالفت كرده اهل بيت ترا شناسا

بالهدى الذى انت عليه بابى انت وامى ونفسى واهلى ومالى وولدى انا اصلى عليك كما

بهدايتى كه تو بر آنى فداى تو باد پدر و مادرم ونفس من واهل من ومال من وفرزند من من درود ميفرستم بر تو چنانكه

صلى الله عليك وصلى عليك ملائكته وانبياؤه ورسله صلوة متتابعة

درود فرستاد خدا بر تو ودرود فرستاد بر تو ملائكه او وپيغمبران او ورسولان او درودى پى در پى

وافرة متواصلة لا انقطاع لها ولا امد ولا اجل صلى الله عليك وعلى اهل بيتك

بسيار متصل كه نيست منقطع شدنى از براى آن ونه انتهائى ونه مدتى درود فرستاد خدا بر تو وبر اهل بيت تو

الطيبين الطاهرين كما انتم اهله بر ديسنهارا اللهم اجعل جوامع صلواتك ونوامى بركاتك

پاكان پاكيزگان چنانكه ايشان سزاوارند بگشا و بگو خداوندا بگردان همه درود خود را ونمو كننده بركتهاى خود

وفواضل خيراتك وشرائف تحياتك وتسليماتك وكراماتك ورحماتك وصلوات

وزيادتى خيرات خود را وبزرگ تحيات خود را و تسليمات خود را وكرامتهاى ترا و رحمتهاى ترا ودرود

ملائكتك المقربين وانبيائك المرسلين وائمتك المنتجبين وعبادك الصالحين

ملائكه ترا كه مقربانند پيغمبران تو كه فرستاده شده گانند وامامان تو كه برگزيدگانند وبندگان تو كه صالحانند

واهل السموات والارضين ومن سبح لك يا رب العالمين من الاولين والاخرين

واهل آسمانها وزمينها وكسى كه تسبيح كويد ترا اى پروردگار عالميان از پيشينيان وپسينيان

على محمد عبدك ورسولك وشاهدك ونبيك ونذيرك وامينك ومكينك

بر محمد بنده تو ورسول تو وگواه تو وپيغمبر تو وترساننده تو وامين تو وصاحب منزلت تو

ونجيك ونجيبك وحبيبك وخليلك وصفيك وصفوتك وخاصتك وخالصتك

وبزرگ تو ونجيب تو ودوست تو ودوست تو وبرگزيده تو وزبده تو وخاصه تو وخالص تو

ورحمتك وخير خيرتك من خلقك نبى الرحمة وخازن المغفرة وقائد الخير والبركة

ورحمت تو وبهترين برگزيده تو از خلق تو پيغمبر رحمت وخزينه دار آمرزش وكشنده خير وبركت

ومنقذ العباد من الهلكة باذنك وداعيهم الى دينك القيم بامرك اول النبيين

وخلاص كننده بندگان از هلاكت باذن تو وخواننده ايشان بسوى دين تو كه قائم است بامرك اول پيغمبران

للمنزلة

ميثاقا واخرهم مبعثا الذى غمسته فى بحر الفضيلة والمنزلة الجليلة والدرجة

از روى عهد تو وآخر ايشان از روى بعثت كسى كه فرو برده اورا در درياى فضيلت و منزلت بزرگ ومرتبه

الرفيعة والمرتبة الخطيرة واودعته الاصلاب الطاهرة ونقلته منها الى

بلند ومرتبه عمده وامانت گذاشته اورا در پشتهاى پاك ونقل كردى اورا از آنها بسوى

الارحام المطهرة لطفا منك له وتحننا منك عليه اذ وكلت لصونه و

رحمهاى پاكيزه از روى لطف از تو از براى او ومهربانى از تو بر او زيرا كه وكيل كردى از براى نگاهدارى او

حراسته وحفظه وحياطته من قدرتك عينا عاصمة حجبت بها عنه

پاسبانى او ومحافظت او واحاطه كردن او از قدرت تو ديده بانى نگاهدارنده حجاب كرده ای از او

مدائن العهر ومعائب السفاح حتى رفعت به نواظر العباد واحييت به ميت
چرکهای ناپاك و عیبهای بیجردان تاانکه بلند کردی با و دیدهای بندکانرا و زنده کردانیدی باو مرده

البلاد بان كشفت عن نور ولادته ظلم الاستار والبست حرمك به حلل
شهرهارا بانکه برداشتی از روشنی ولادت او تاریکی پردهارا و پوشانیدی باو حرم خودراباو زینت

الانوار اللهم فكما خصصته بشرف هذه المرتبة الكريمة وذخر هذه المنقبة
روشنیها خداوندا پس چنانکه مخصوص کردانیدی اورا بشرف این رتبه بزرك وذخیره این مدح

العظيمة صل عليه كما وفى بعهدك وبلغ رسالاتك وقاتل اهل الجحود
بزرك درود فرست براو چنانکه وفا کرد بعهد تو ورسانید رسالتهای ترا ومقاتله کرد با اهل انکار

على توحيدك وقطع رحم الكفر في اعزاز دينك ولبس ثوب البلوى في مجاهدة
بر توحید تو وقطع کرد رحم کفررا در غالب کردانیدن دین تو وپوشید جامه مشقت را در جهاد

اعدائك واوجبت له بكل اذى مسه او كيد احس به من الفئة التي حاولت
دشمنان تو وواجب کرده مراورا بهر مشقت که برسید اورا یا مکری احساس کرد بان از فتنه که قصد کرد

قتله فضيلة تفوق الفضائل وتملك بها الجزيل من نوالك وقد اسر الحسرة واخفى
کشتن اورا زیادتی که فایق اید زیادتیهارا ومالك شود بان بزرك از بخششهای تو وپنهان کرد حسرت را و پوشید

الزفرة وتجرع الغصة ولم يتخط ما مثل له وحيك اللهم صل عليه وعلى
اشك را وفرو برد غصه را ودر نکذشت انچه مثل کرد برای او وحی تو خداوندا درود فرست براو وبر

اهل بيته صلوة ترضاها لهم وبلغهم منا تحية كثيرة وسلاما وآتنا من
اهل بیت او درودی که بپسندیده ان از برای ایشان وبرسان ایشان از ما تحیت بسیار و سلام وبده مارا از

لدنك من موالاتهم فضلا واحسانا ورحمة وغفرانا انك ذو الفضل العظيم
نزد خود از پیروی ایشان زیادتی ونیکوئی ورحمت وامرزش بدرستی که تو صاحب فضل بزرکی

پس چهار رکعت نماز زیارت بکن بدو سلام با هر سوره که خواهی اللهم انك قلت لنبيك
وچون فارغ شوی تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بخوان پس بکو خداوندا بدرستی که کفته از برای پیغمبر خود

محمد صلى الله عليه واله ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك فاستغفروا
محمد درود فرستاد خدا براو وال او واکر ایشان هرانیز ستم کنند نفسهای خودرا امده نزا پس طلب امرزش کرده اند

الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحيما ولم احضر زمان رسولك
خدارا وطلب امرزش کرد از برای ایشان رسول هر اینه مییابند خدارا قبول توبه کننده مهربان وحاضر نبودم زمان رسول ترا

عليه واله السلام اللهم وقد زرته راغبا تائبا من سيئ عملي ومستغفرا
براو وال او سلام خداوندا وبتحقیق که زیارت کردم اورا از روی رغبت توبه کننده از بدی عمل خود وطلب امرزش کننده

لك من ذنوبي ومقرا لك بها وانت اعلم بها مني ومتوجها اليك بنبيك
از تو از کناهان خودم واقرار کننده از برای تو بانها وتو داناتری بانها از من ورو اورنده بسوی تو به پیغمبر تو

نبي الرحمة صلواتك عليه واله فاجعلني اللهم بمحمد واهل بيته عندك
پیغمبر رحمت درود تو براو وال او پس بکردان مرا خداوندا بمحمد واهل بیت محمد نزد تو

وجيها في الدنيا والاخرة ومن المقربين يا محمد يا رسول الله بابي انت
روسفید در دنیا وآخرت واز مقربان ای محمد ای رسول خدا فدای تو باد پدر

وامي يا نبي الله يا سيد خلق الله اني اتوجه بك الى الله ربك وربي ليغفر
ومادرم ای پیغمبر خدا ای بزرك خلق خدا بدرستی که من متوجه شدم بتو بسوی خدا پروردکار تو وپروردکار من تا انکه بیامرزد

لي ذنوبي ويتقبل مني عملي ويقضي لي حوائجي فكن لي شفيعا عند ربك و
از برای من کناهان مرا وقبول کند از من عمل مرا وادا کند از برای من حاجتهای مرا پس باش از برای من شفاعت کننده نزد پروردکار خود

ربي فنعم المسئول المولى ربي ونعم الشفيع انت يا محمد عليك وعلى اهل بيتك
پروردکار من پس خوب سئوال کرده شده است مولی پروردکار من وخوب شفیعی تو ای محمد بر تو وبر اهل بیت تو

السلام اللهم واوجب لي منك المغفرة والرحمة والرزق الواسع
سلام خداوندا وواجب ساز از برای من از نزد تو امرزش ورحمت وروزی کشاده

الطيب النافع كما اوجبت لمن اتى نبيك محمدا صلواتك عليه واله و
پاك نفع دهنده را چنانکه واجب کرده از برای کسی که امد پیغمبر ترا محمد درود تو براو وال او

هو حي فاقر له بذنوبه واستغفر له رسولك عليه السلام فغفرت
او زنده بود پس اقرار کرد از برای او بکناهان خود وطلب امرزش کرد از برای او رسول تو براو سلام پس امرزیدی

له برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم وقد املتك ورجوتك وقمت بين
از برای او برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندکان خداوندا وبتحقیق که ارزو مندم ترا و امیدوارم ترا وایستاده ام میان

يديك ورغبت اليك عمن سواك وقد املت جزيل ثوابك واني مقر غير منكر و

روی تو ورغبت كننده ام بسوی تو از كسی كه غیر توست وبتحقیق كه امید وارم بزرك ثواب ترا وبدرستی كه من اقرار كننده غیر انكار كنند

تائب اليك مما اقترفت وعائذ بك في هذا المقام مما قدمت من الاعمال التي

رجوع كننده ام بسوی تو از انچه كرده ام وعوذ كننده ام بتو در این مقام از انچه پیش داشته ام از كارهایی كه

تقدمت الي فيها ونهيتني عنها واوعدت عليها العقاب واعوذ بكرم وجهك

مقدم داشته بسوی من در ان ونهی كرده مرا از ان ووعده كرده بر ان عقاب وپناه میبرم بكرم ذات تو

ان تقيمني مقام الخزي والذل يوم تهتك فيه الاستار وتبدو فيه الاسرار

از انكه بپا داری مرا در مقام رسوایی وخواری روزی دریده میشود در ان پردها وظاهر میشود در ان پنهانها

والفضائح وترعد فيه الفرائص يوم الحسرة والندامة يوم الافكة يوم الازفة

وفضیحتها ودرخشنده میشود در ان واجبها روزی حسرت وپشیمانی روز دروغ روز شتاب

يوم التغابن يوم الفصل يوم الجزاء يوما كان مقداره خمسين الف سنة يوم

روز زیان روز جدا كردن روز جزا دادن روزی كه بود مقدار او پنجاه هزار سال روز

النفخة يوم ترجف الراجفة تتبعها الرادفة يوم النشر يوم العرض يوم يقوم الناس

دمیدن صور روز اضطراب اضطراب كننده تابع میشود او را ردیف روز برانگیختن روز عرض روزی كه بپا میایند مردمان

لرب العالمين يوم يفر المرء من اخيه وامه وابيه وصاحبته وبنيه يوم تشقق

از برای پروردگار عالمیان روزی كه میگریزد مرد از برادر خود ومادر خود وپدر خود ورفیق خود وفرزندان خود روزی كه شق میشود

الارض واكناف السماء يوم تاتي كل نفس تجادل عن نفسها يوم يردون الى الله

زمین واطراف آسمان روزی كه بیاید هر نفسی مجادله كننده از نفس او روزی كه بر كردانیده میشوند بسوی خدا

فينبئهم بما عملوا يوم لا يغني مولى عن مولى شيئا ولا هم ينصرون الا من رحم الله

پس خبر میدهد ایشان را بانچه كرده اند روزی كه غنی نمیشود مولی از مولی چیزی را وایشان یاری كرده نمیشوند مگر كسی كه رحم كند خدا

انه هو العزيز الرحيم يوم يردون الى عالم الغيب والشهادة يوم يردون الى الله

بدرستی كه او غالب مهربان است روزی كه رد كرده میشوند بسوی دانای پنهان وآشكار روزی كه رد میشوند بسوی خدا

مولاهم الحق يوم يخرجون من الاجداث سراعا كانهم الى نصب يوفضون

آقای ایشان حق روزی كه بیرون می آیند از قبرها شتابان كویا ایشان بسوی موقف خودشان میروند

وكانهم جراد منتشر مهطعين الى الداع الى الله يوم الواقعة يوم ترج الارض

وكویا ایشان ملخهای پهن شده اند چشم دارندكان بسوی خواننده بسوی خدا روز قیامت روزی كه حركت میكند زمین

رجا يوم تكون السماء كالمهل وتكون الجبال كالعهن ولا يسئل حميم حميما

حركت كردنی روزی كه بیاشد آسمان مثل مس كداخته وباشد كوهها مثل خاكستر وسوال كرده نمیشود خویش از خویش

يوم الشاهد والمشهود يوم تكون الملائكة صفا صفا اللهم موقفي في ذلك

روز شاهد ومشهود روزی كه باشند ملائكه صف صف خداوندا موقف مرا در این

اليوم بموقفي في هذا اليوم ولا تخزني في ذلك الموقف بما جنيت على نفسي و

روز بموقف من در این روز وخوار مكن مرا در این موقف بانچه كرده ام بر نفس خودم و

اجعل يا رب في ذلك اليوم مع اوليائك منطلقي وفي زمرة محمد واهل بيته

بگردان ای پروردگار من در این روز با دوستان تو رهایی مرا ودر زمره محمد واهل بیت او

عليهم السلام محشري واجعل حوضه موردي وفي الغر الكرام مصدري و

بر ایشان سلام حشر مرا وبگردان حوض او را محل ورود من ودر عزت كرم محل صدور من و

اعطني كتابي بيميني حتى افوز بحسناتي وتبيض به وجهي وتيسر به حسابي

ببخش بمن كتاب مرا بدست راست من تا آنكه برسم بحسنات خود وسفید كن باو روی مرا وآسان كن باو حساب مرا

وترجح به ميزاني وامضي مع الفائزين من عبادك الصالحين الى رضوانك

وترجیح ده باو ترازوی مرا وبروم با رستكاران از بندگان تو كه صالحانند بسوی بهشت تو

وجنانك اله العالمين اللهم اني اعوذ بك من ان تفضحني في ذلك اليوم بين

وبهشت تو خدای عالمیان خداوندا بدرستی كه من پناه میبرم بتو از آنكه رسوا كنی مرا در این روز پیش

يدي الخلائق بجريرتي او ان القى الخزي والندامة بخطيئتي او ان تظهر فيه

روی خلایق بگناهان من یا آنكه ملاقات كنم خواری وپشیمانی را بخطاهای خودم یا آنكه ظاهر شود در ان

سيئاتي على حسناتي او ان تنوه بين الخلائق باسمي يا كريم العفو

گناهان من بر نیكیهای من یا آنكه بلند كنی میان خلایق نام مرا ای كریم ای كریم عفو كننده

العفو الستر الستر اللهم واعوذ بك من ان يكون في ذلك اليوم في مواقف

در گذرنده پوشاننده پوشاننده خداوندا وپناه میبرم بتو از آنكه باشم در این روز در موقف

الاشرار موقفي او في مقام الاشقياء مقامي واذا ميزت بين خلقك فسقت
بمجان موقف من یا در جای بدبختان مقام من وهرکاه تمیز کنی میان خلق خود پس بکشی
كلاً باعمالهم زمراً الى منازلهم فسقني برحمتك في عبادك الصالحين وفي
همه را بعملهاشان جمله بسوی منزلهاشان پس بران مرا برحمت خود در بندکان تو که صالحاند ودر
زمرة اولياءك المتقين الى جناتك يا رب العالمين پس وداع کن السلام عليك
جمله دوستان تو که پرهیزکاراند بسوی بهشتهای خدای پروردکار عالمیان الخضر تراو بکو سلام بر تو
يا رسول الله السلام عليك ايها البشير النذير السلام عليك ايها السراج المنير
ای رسول خدا سلام بر تو ای بشارت دهنده ترساننده سلام بر تو ای چراغ نوردهنده
السلام عليك ايها السفير بين الله وبين خلقه اشهد يا رسول الله انك كنت
سلام بر تو ای ایلچی میان خدا ومیان خلق او کواهی میدهم ای رسول خدا بدرستی که تو بودی
نوراً في الاصلاب الشامخة والارحام المطهرة لم تنجسك الجاهلية بانجاسها
نور در پشتهای بلند ورحمهای پاک نجس نکرد ترا جاهلیت بنجاستهای خود
ولم تلبسك من مدلهمات ثيابها واشهد يا رسول الله اني مؤمن بك و
ونه پوشانید ترا از تاریکیهای ثیاب خود وکواهی میدهم ای رسول خدا بدرستی که من ایمان اورنده ام بتو
بالائمة من اهل بيتك موقن بجميع ما اتيت به راض مؤمن واشهد ان
وبامامان از اهل بیت تو یقین دارنده ام بهمه انچه اورده تو بان راضی ایمان اورنده وکواهی میدهم بدرستی که
الائمة من اهل بيتك اعلام الهدى والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا
امامان از اهلبیت تو نشانهای راه هدایت وبند محکم وحجت بر اهل دنیااند
اللهم لا تجعله اخر العهد من زيارة نبيك عليه واله السلام وان توفيتني
خداوندا مکردان اورا اخر عهد از زیارت پیغمبر تو براو وال او رحمت واکر بمیرانی مرا
فاني اشهد في مماتي على ما اشهد عليه في حيوتي انك انت الله لا اله الا انت
پس بدرستی که من کواهی میدهم در مردن خود بانچه کواهی میدهم بران در زندکی خود بدرستی که تو خدائی که [illegible] تو
وحدك لا شريك لك وان محمداً عبدك ورسولك وان الائمة من اهل
تنهائی نیست شریکی از برای تو وبدرستی که محمد بنده تو ورسول تواست وبدرستی که امامان از اهل

جنانك

یغنی

بيته اولياءك وانصارك وحججك على خلقك وخلفاؤك في عبادك
بیت او دوستان تواند ویاوران تو وحجتهای تو بر خلق تو وخلیفهای تو در میان بندکان
واعلامك في بلادك وخزان علمك وحفظة سرك وتراجمة وحيك
ونشانهای تو در شهرهای تواند وخزینه داران علم تواند وحافظان سر تواند وترجمه کننده وحی تواند
اللهم صل على محمد وال محمد وبلغ روح نبيك محمد واله في ساعتي هذه
خداوندا درود فرست بر محمد وال محمد وبرسان روح پیغمبر خود محمد وال او را در ساعت من این
وفي كل ساعة تحية مني وسلاماً والسلام عليك يا رسول الله و
ودر هر ساعتی تحیت از من وسلام وسلام بر تو ای رسول خدا و
رحمة الله وبركاته لا جعله الله اخر تسليمي عليك مؤلف کوید که این زیارت
رحمت خدا وبرکتهای او مکرداند اورا خدا اخر سلام من بر تو اکرچه سندش بنظر فقیر
نرسیده ولهذا در تحفة الزائر ایراد نکرده ام اما زیارت جامع کاملی است ودر همه اوقات
میتوان بجا اورد واکر کسی نتواند زیارت مختصر که بعد ازین ان شاء الله مذکور خواهد شد بعمل
اورد وعلما ذکر کرده اند که زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در این روز سنت است وخصوص
این زیارت را درین روز ذکر کرده اند واز بعضی از روایات خصوص این روز معلوم میشود وبهترین
زیارات است از جهة لفظ ومعنی وبسند بسیار معتبر منقولست که در همه ایام واوقات از نزدیک
ودور میتوان کرد خصوصاً درین روز چنانکه شیخ مفید علیه الرحمة وشیخ شهید وسید ابن طاوس
رضی الله عنهم روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام زیارت کرد حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه را در هفدهم ماه ربیع الاول باین زیارت وتعلیم فرمود زیارت را براوی ثقه
عظیم الشان محمد بن مسلم ثقفی فرمود که چون بیائی بمشهد امیر المؤمنین علیه السلام غسل زیارت
بکن وپاکیزه ترین جامهای خود را بپوش وبقدری بوی خوش خود را خوشبو کن وبر تو باد بارام تن
پس چون برسی بباب السلام یعنی درکاه روضهٔ مقدسه که ضریح مقدس السلام علی رسول
نمایان میشود پس رو بقبله بایست وسی مرتبه الله اکبر بکو وبکو سلام بر رسول
الله السلام على خيرة الله السلام على البشير النذير السراج المنير ورحمة
خدا سلام بر برکزیده خدا سلام بر بشارت دهنده ترساننده چراغ روشن ورحمت

اللهِ وبركاته السلام على ملائكة الله الحافّين بهذا الحرم وبهذا الضريح
خدا و برکتهای او سلام بر ملائکه خدا کرد و کرفتهاند باین حرم و باین ضریح
اللائذين به بس نزديك السلام عليك يا وصيّ الاوصياء السلام عليك
پناه‌آورندگان باین قبر بر دور بکو سلام بر تو ای وصی اوصیا سلام بر تو
يا عماد الاتقياء السلام عليك يا وليّ الاولياء السلام عليك يا سيّد
ای ستون پرهیزکاران سلام بر تو ای دوست دوستان سلام بر تو ای بزرگ
الشهداء السلام عليك يا آية الله العظمى السلام عليك يا خامس اهل
شهیدان سلام بر تو ای نشانه خدا که بزرگست سلام بر تو ای پنجمی اهل
العباء السلام عليك يا قائد الغرّ المحجّلين الاتقياء السلام عليك يا عصمة
عبا سلام بر تو ای کشاننده پیشانی سفیدان پرهیزکار سلام بر تو ای نگاه‌دارنده
الاولياء السلام عليك يا زين الموحّدين النجباء السلام عليك يا خالص
دوستان سلام بر تو ای زینت یکتاپرستان برگزیده سلام بر تو ای خالص
الاخلاء السلام عليك يا والد الائمة الامناء السلام عليك يا صاحب
دوستان سلام بر تو ای پدر پیشوایان امینان سلام بر تو ای صاحب
الحوض وحامل اللواء السلام عليك يا قسيم الجنّة ولظى السلام عليك يا
حوض و بردارنده علم سلام بر تو ای قسمت‌کننده بهشت و دوزخ سلام بر تو ای
من شرّفت به مكّة ومنى السلام عليك يا بحر العلوم وكهف الفقراء
کسی که بزرگ شد باو مکه و منی سلام بر تو ای دریای علوم و پناه درویشان
السلام عليك يا من وُلد في الكعبة وزُوّج في السماء بسيّدة النساء وكان
سلام بر تو ای کسی که متولد شده در کعبه و تزویج کرده شده در آسمان بسیده زنان و بود
شهودها الملائكة الاصفياء السلام عليك يا مصباح الضياء السلام
شاهدان آن ملائکه برگزیده سلام بر تو ای چراغ روشن سلام
عليك يا من خصّه النبيّ بجزيل الحباء السلام عليك يا من بات على فراش
بر تو ای کسی که مخصوص کردانید او را پیغمبر ببزرگ عطا سلام بر تو ای کسی که خوابید بر فراش

و اللظی

کنف

خیبر

خاتم الانبياء ووقاه بنفسه شرّ الاعداء السلام عليك يا من رُدّت له
خاتم پیغمبران و نگاه داشت او بنفس خود از شر دشمنان سلام بر تو ای کسی که برگردانیده شد از برای او
الشمس فسامى شمعون الصفا السلام عليك يا من انجى الله سفينة نوح
آفتاب پس نامیده شد بشمعون صفا سلام بر تو ای کسی که نجات داد خدا کشتی نوح را
باسمه واسم اخيه حيث التطم الماء حولها وطمى السلام عليك يا من
بنام او و نام برادر او وقتی مضطرب شد آب در دور آن و متلاطم شد سلام بر تو ای کسی
تاب الله به وباخيه على آدم اذ غوى السلام عليك يا فلك النجاة الذي
توبه پذیرفت خدا باو و به برادر او بر آدم بجهت ترک اولی سلام بر تو ای کشتی رستگاری که
من ركبه نجا ومن تأخّر عنه هوى السلام عليك يا من خاطب الثعبان والذئب
کسی که سوار شد او را نجات یافت و کسی که تاخیر نمود از آن گمراه شد سلام بر تو ای کسی که خطاب ساخت بمار و گرگ
الفلا السلام عليك يا امير المؤمنين ورحمة الله وبركاته السلام عليك
بیابان سلام بر تو ای امیر مؤمنان و رحمت خدا و برکتهای او سلام بر تو
يا حجّة الله على من كفر واناب السلام عليك يا امام ذوي الالباب السلام
ای حجت خدا بر کسی که کافر شد و کسی که برگشت سلام بر تو ای پیشوای صاحبان عقلها سلام
عليك يا معدن الحكمة وفصل الخطاب السلام عليك يا من عنده علم
بر تو ای معدن دانشمندی و فصل خطاب سلام بر تو ای کسی که نزد اوست علم
الكتاب السلام عليك يا ميزان يوم الحساب السلام عليك يا فاصل الحكم
کتاب سلام بر تو ای ترازوی روز حساب سلام بر تو ای جدا کننده حکم
الناطق بالصواب السلام عليك ايّها المتصدّق بالخاتم في المحراب السلام
کویا بصواب سلام بر تو ای تصدق کننده بخاتم خود در محراب سلام
عليك يا من كفى الله المؤمنين القتال به يوم الاحزاب السلام عليك يا من
بر تو ای کسی که کفایت کرد خدا مؤمنان را از کشتن باو در روز جنگ احزاب سلام بر تو ای کسی که
اخلص لله الوحدانيّة واناب السلام عليك يا قاتل خيبر وقالع الباب
خلاص کردانید خدا از برای او یگانه پرستی را و بازگشت سلام بر تو ای کشنده اهل خیبر و کننده در

البراءة و

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ دَعَاهُ خَيْرُ الْاَنَامِ لِلْمَبِيتِ عَلَى فِرَاشِهِ فَاَسْلَمَ نَفْسَهُ لِلْمَنِيَّةِ وَاَجَابَ
سلام بر تو ای کسی که خواند او را بهترین خلایق از برای خوابیدن بر فراش خود پس تسلیم کرد نفس خود را از برای مرگ و اجابت کرد
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ لَهُ طُوبَى وَحُسْنُ مَآبٍ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
سلام بر تو ای کسی که از برای اوست طوبی و خوبی بازگشت ورحمت خدا و برکتهای خدا سلام بر تو
يَا وَلِيَّ عِصْمَةِ الدِّينِ وَيَا سَيِّدَ السَّادَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمُعْجِزَاتِ
ای پادشاه نگاه دارنده دین وای سید بزرگان سلام بر تو ای صاحب معجزهاتی
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَزَلَتْ فِي فَضْلِهِ سُورَةُ الْعَادِيَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ
سلام بر تو ای کسی که نازل شد در فضیلت او سوره والعادیات سلام بر تو ای کسی که
كُتِبَ اسْمُهُ فِي السَّمَاءِ عَلَى السُّرَادِقَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُظْهِرَ الْعَجَائِبِ وَ
نوشته شده نام او در آسمان بر پردهای عظمت سلام بر تو ای ظاهر کننده عجایبها و
الْاٰيَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِيرَ الْغَزَوَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُخْبِرًا بِمَا غَبَرَ وَ
نشانها سلام بر تو ای پادشاه جنگها سلام بر تو ای خبر دهنده بآنچه گذشته و
بِمَا هُوَ آتٍ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُخَاطِبَ ذِئْبِ الْفَلَوَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
بآنچه آینده است سلام بر تو ای سخن گوینده گرگ بیابانها سلام بر تو ای
خَاتَمَ الْحَصَى وَمُبَيِّنَ الْمُشْكِلَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ عَجِبَتْ مِنْ حَمَلَاتِهِ فِي
شمارنده ریگها و بیان کننده مشکلها سلام بر تو ای کسی که متعجب شد از حملهای او در
الْوَغَا مَلَائِكَةُ السَّمٰوَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَاجَى الرَّسُولَ فَقَدَّمَ بَيْنَ يَدَيْ
جنگ ملائکه آسمانها سلام بر تو ای کسی که سرگوشی کرد با رسول پس پیش داشت میان دو دست نجوای
نَجْوَاهُ الصَّدَقَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَ الْاَئِمَّةِ الْبَرَرَةِ السَّادَاتِ
سرگوشی خود تصدقها سلام بر تو ای پدر پیشوایان نیکوکاران بزرگان
وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَ الْمَبْعُوثِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ
ورحمت خدا و برکتهای خدا سلام بر تو ای تالی پیغمبر مبعوث سلام بر تو ای وارث
عِلْمِ خَيْرِ مَوْرُوثٍ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اِمَامَ الْمُتَّقِينَ
علم بهترین میراث برده شده ورحمت خدا و برکتهای خدا سلام بر تو ای امام پرهیزکاران

السلام

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غِيَاثَ الْمَكْرُوبِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِصْمَةَ الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلَامُ
سلام بر تو ای فریادرس اندوهگینان سلام بر تو ای نگاهدارنده مؤمنان سلام
عَلَيْكَ يَا مُظْهِرَ الْبَرَاهِينِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا طٰهٰ وَيٰسٓ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبْلَ اللهِ
بر تو ای ظاهر کننده برهانها سلام بر تو ای طه و یس سلام بر تو ای ریسمان خدا
الْمَتِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَصَدَّقَ فِي صَلَوتِهِ بِخَاتَمِهِ عَلَى الْمِسْكِينِ اَلسَّلَامُ
که محکمست سلام بر تو ای کسی که تصدق کرد در نماز خود با انگشتر خود بر مسکین سلام
عَلَيْكَ يَا قَالِعَ الصَّخْرَةِ عَنْ فَمِ الْقَلِيبِ وَمُظْهِرَ الْمَاءِ الْمَعِينِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
بر تو ای کننده سنگ از دهن چاه و ظاهر کننده آب گوارا سلام بر تو
يَا عَيْنَ اللهِ النَّاظِرَةَ وَيَدَهُ الْبَاسِطَةَ وَلِسَانَهُ الْمُعَبِّرَ عَنْهُ فِي بَرِيَّتِهِ اَجْمَعِينَ
ای چشم خدا که بیناست و دست او که پهن است و زبان او که تعبیر کننده است از او در خلایق او همه
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَمُسْتَوْدَعَ عِلْمِ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ وَ
سلام بر تو ای وارث علم پیغمبران و محل ودیعه علم پیشینیان و پسینیان و
صَاحِبَ لِوَاءِ الْحَمْدِ وَسَاقِيَ اَوْلِيَائِهِ مِنْ حَوْضِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
صاحب علم حمد و ساقی دوستان خود از حوض خاتم پیغمبران سلام بر تو
يَا يَعْسُوبَ الدِّينِ وَقَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَوَالِدَ الْاَئِمَّةِ الْمَرْضِيِّينَ وَرَحْمَةُ اللهِ
ای پادشاه دین و کشنده پیشانی سفیدان و پدر پیشوان پسندیده ورحمت خدا
وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَى اسْمِ اللهِ الرَّضِيِّ وَوَجْهِهِ الْمُضِيءِ وَجَنْبِهِ الْقَوِيِّ وَ
و برکتهای او سلام بر نام خدا که پسندیده است و روی او که درخشنده است و پهلوی او که محکمست و
صِرَاطِهِ السَّوِيِّ اَلسَّلَامُ عَلَى الْاِمَامِ التَّقِيِّ الْمُخْلِصِ الصَّفِيِّ اَلسَّلَامُ عَلَى الْكَوْكَبِ
راه او که راست سلام بر امام پرهیزکار خالص برگزیده سلام بر ستاره
الدُّرِّيِّ اَلسَّلَامُ عَلَى الْاِمَامِ اَبِي الْحَسَنِ عَلِيٍّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَى اَئِمَّةِ
درخشنده سلام بر امام ابی الحسن علی و رحمت خدا و برکتهای او سلام بر امام
الْهُدٰى وَمِصْبَاحِ الدُّجٰى وَعَلَمِ التُّقٰى وَمَنَارِ الْهُدٰى وَذِي النُّهٰى وَكَهْفِ
هدایت کننده و چراغ شب تاریک و نشانه پرهیزکاری و علامت هدایت و صاحب شان و پناه

وأعلام … ذوي

الورى والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا ورحمة الله وبركاته
خلایق وبند محکم وحجة بر اهل دنیا ورحمت خدا و برکتهای او
السلام على نور الانوار وحجة الجبار ووالد الائمة الاطهار وقسيم
سلام بر نور نورها وحجة خدای جبر کننده و پدر پیشوایان پاك وقسمت کننده
الجنة والنار المخبر عن الاثار المدمر على الكفار مستنقذ الشيعة
بهشت ودوزخ خبر دهنده از آثار خشم کننده بر کافران خلاص کننده شیعه
المخلصين من عظيم الاوزار السلام على المخصوص بالطاهرة التقية
خالص از بزرك گناهان سلام بر مخصوص بطاهر پرهیزکار
ابنة المختار المولود في البيت ذي الاستار المزوج في السماء بالبرة الطاهرة
دختر برگزیده متولد شده در خانه صاحب پردها تزویج کرده شده در آسمان به نیکوکار پاك
الرضية المرضية ابنة الاطهار ورحمة الله وبركاته السلام على النبا
پسندیده پسندیده شده دختر پاکان ورحمت خدا وبرکتهای او سلام بر خبر
العظيم الذي هم فيه مختلفون وعليه يعرضون وعنه يسئلون السلام
بزرك که ایشان در او اختلاف کننده اند و بر او معارضه کرده شده اند و از او سوال کرده میشوند سلام
على نور الله الانور وضيائه الازهر ورحمة الله وبركاته السلام
بر روشنی خدا که روشنتر است و روشنی او که درخشانتر است ورحمت خدا برکتهای او سلام
عليك يا ولي الله وحجته وخالصة الله وخاصته اشهد يا ولي الله لقد
بر تو ای دوست خدا وحجت او وخالص خدا وخاصه او شهادت میدهم ای ولی خدا بتحقیق که
جاهدت في سبيل الله حق جهاده واتبعت منهاج رسول الله صلى الله عليه
جهاد کردی در راه خدا سزاوار جهاد و پیروی کردی طریقه رسول خدا را درود فرستاد خدا بر او
واله وحللت حلال الله وحرمت حرامه وشرعت احكامه واقمت الصلوة
وآل او وحلال کردی حلال خدا را وحرام کردی حرام او را ووضع کردی حکمهای او را وبپا داشتی نماز را
واتيت الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر وجاهدت في سبيل الله
وادا کردی زکوة را وامر کردی بنیکی وباز داشتی از بدی وجهاد کردی در راه خدا

حرام الله

صابرا ناصحا مجتهدا محتسبا عند الله عظيم الاجر حتى اتاك اليقين فلعن
صبر کننده نصیحت کننده سعی کننده حساب کننده نزد خدا بزرك مزد تا آنکه آمد ترا مرگ پس لعنت کند
الله من دفعك عن حقك وازالك عن مقامك ولعن الله من بلغه ذلك فرضي
خدا کسی را که منع کرد ترا از حق تو و ازاله کرد ترا از مقام تو ولعنت کند خدا کسی را که رسید باو این پس خوشنود شد
به اشهد الله وملائكته وانبياءه ورسله اني وال لمن والاك وعاد لمن عاداك
بان شاهد میکیرم خدا را و ملائکه او را و پیغمبران او را و رسولان او را بدرستیکه من دوستم از برای کسی که دوستی کرد با تو و دشمنم از برای کسی که دشمنی کرد
السلام عليك ورحمة الله وبركاته پس خود را بقبر بچسبان اشهد انك تسمع كلامي
سلام بر تو ورحمت خدا وبرکات او وقبر را ببوس وبگو شهادت میدهم آنکه میشنوی کلام مرا
وتشهد مقامي واشهد لك يا ولي الله بالبلاغ والاداء يا مولاي يا حجة الله
ومیدانی جای مرا وشهادت میدهم از برای تو ای دوست خدا برسانیدن واداء ای آقای من ای حجت خدا
يا امين الله يا ولي الله ان بيني وبين الله عز وجل ذنوبا قد اثقلت ظهري ومنعتني
ای امین خدا ای دوست خدا بدرستیکه میان من ومیان خدای عزیز و بزرگ گناهانست که بتحقیق گران کرده پشت مرا ومانع شده مرا
من الرقاد وذكرها يقلقل احشائي وقد هربت الى الله عز وجل واليك فبحق
از خواب و یاد آن بحرکت می آورد رودهای مرا وبتحقیق که گریختم بسوی خدای غالب بزرك و بسوی تو پس بحق
من ائتمنك على سره واسترعاك امر خلقه وقرن طاعتك بطاعته وموالاتك
کسی که امین کردانیده ترا بر راز خود ووا گذاشته بتو با و امر خلق خود را ونزدیك کرده طاعت خود را بطاعت او و پیروی تو را
بموالاته كن لي الى الله شفيعا ومن النار مجيرا وعلى الدهر ظهيرا پس بازخود را
بپیروی او باش از برای من بسوی خدا شفیع و از آتش نجات دهنده وبر روزگار دهر پشت بقبر بچسبان
وقبر را به يا ولي الله يا حجة الله يا باب حطة الله وليك وزائرك واللائذ
بوس وبگو ای دوست خدا ای حجت خدا ای در کم کرده خدا دوست تو وزائر تو وپناه برنده
بقبرك والنازل بفنائك والمنيخ رحله في جوارك يسئلك ان تشفع له
بقبر تو وفرود آینده در سایه سرای تو واندازنده بار خود در همسایگی تو سوال میکند ترا آنکه شفاعت کنی از برای او
الى الله في قضاء حاجته ونجح طلبته في الدنيا والاخرة فان لك عند الله
بسوی خدا در برآمدن حاجت او وروا شدن طلبهای او در دنیا و آخرت پس بدرستیکه از برای تو نزد خداست

ولی
عدو
عن

الجاهَ العظيمَ والشفاعةَ المقبولةَ فاجعلني يا مولايَ من همّك وادخلني
رتبه بزرگ و شفاعت قبول کرده شده پس بگردان مرا ای آقای من از هم خود وداخل کن مرا
في حزبك والسلامُ عليك وعلى ضجيعيك آدمَ ونوحٍ والسلامُ عليك
در گروه خود و سلام بر تو و بر دو هم خوابه تو آدم و نوح و سلام بر تو
وعلى ولديك الحسنِ والحسينِ وعلى الائمةِ الطاهرينَ من ذريتك
و بر دو پسر تو حسن و حسین و بر پیشوایان پاکان از اولاد تو
ورحمةُ الله وبركاتُه پس از روی تضرع و خشوع هر حاجت که داری از حق تعالی بطلب
ورحمت خدا و برکتهای خدا مؤلف گوید که چون از دور زیارت کند در بهذا الحرم و بهذا الضریح
قصد ضریح و روضه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام میکند و زیارتها و دعاها را متصل بیکدیگر میخواند
و نزدیک رفتن و بوسیدن نمیباشد یعنی بعوض آنها در کار نیست که چیزی بعمل آورد و سید طاوس
رضی الله عنه گفته است که مستحبست در این روز دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد
از سوره فاتحه ده مرتبه انا انزلناه و ده مرتبه قل هو الله احد بخواند و چون سلام بگوید در جای نماز
خود بنشیند اللهم انت حيٌّ لا تموتُ وخالقٌ لا تُغلَبُ وبديٌّ لا تنفدُ وقريبٌ لا تبعدُ
و این دعا را بخواند تویی زنده که نمیمیری و خلق کننده که مغلوب نمیشوی و همیشه که فانی نمیشوی و نزدیکی که دور نمیشوی
وقادرٌ لا تضادُّ وغافرٌ لا تظلمُ وصمدٌ لا تطعمُ وقيّومٌ لا تنامُ وعالمٌ لا تعلَّمُ
و توانایی که وامانده نمیشوی و آمرزنده که ستم نمیکند و بی نیازی که محتاج نمیشود و توانایی که نمیخوابد و دانائی که آموخته نمیشود
وقويٌّ لا تضعفُ وعظيمٌ لا توصفُ ووفيٌّ لا تخلفُ وغنيٌّ لا تفتقرُ وحكيمٌ
و توانایی که سست نمیشود و بزرگی که وصف کرده نمیشود و وفا کننده که خلاف نمیکند و بی نیازی که محتاج نمیشود و دانایی
لا تجورُ ومنيعٌ لا تقهرُ ومعروفٌ لا تنكرُ ووكيلٌ لا تخفى وغالبٌ لا
که ستم نمیکند و عطا کننده که مقهور نمیشود و شناخته شده که انکار کرده نمیشود و وکیلی که پنهان نیست و غالبی که
تغلبُ وفردٌ لا تستشيرُ ووهّابٌ لا تملُّ وسريعٌ لا تذهلُ وجوادٌ لا تبخلُ و
مغلوب نمیشود و یکتایی که مشورت نمیکند و بخشاینده که ملول نمیشود و اجابت کننده که غافل نمیشود و بخشش کننده که بخل نمیکند
عزيزٌ لا تذلُّ وحافظٌ لا تغفلُ وقائمٌ لا تزولُ ومحتجبٌ لا ترى ودائمٌ لا تفنى
غالبی که خوار نمیشود و محافظت کننده که غافل نمیشود و دایمی که زایل نمیشود و محجوبی که دیده نمیشود و همیشگی که فانی نمیشود

وباقٍ لا تبلى وواحدٌ لا تشتبهُ ومقتدرٌ لا تنازعُ اللهمّ انّي اسئلك بعلم الغيب
و باقی که کهنه نمیشود و یکتایی که شبیه ندارد و صاحب اقتداری که نزاع کرده نمیشود خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بعلم پنهان
عندك وقدرتك على الخلق اجمعين ان تحييني ما علمت الحيوة خيراً لي و
نزد تو و توانایی تو بر خلق همه اینکه زنده بداری مرا مادام که دانی زندگی را خوبی از برای من و
ان تتوفاني اذا كانت الوفاة خيراً لي واسئلك الخشية في الغيب والشهادة
اینکه بمیرانی مرا هر گاه بوده باشد مردن خیر از برای من و سؤال میکنم ترا ترس در پنهان و آشکار
واسئلك اللهم كلمة الحق في الغضب والرضا واسئلك نعيماً لا ينفد و
و سؤال میکنم ترا خداوندا کلمه حق در حال غضب و خوشنودی و سؤال میکنم ترا نعمتی که تمام نشود و
اسئلك الرضا بعد القضاء واسئلك برد العيش بعد الموت واسئلك
سؤال میکنم ترا خوشنودی بعد از حکم و سؤال میکنم ترا خوشی زندگانی بعد از مردن و سؤال میکنم ترا
لذة النظر الى وجهك الكريم آمين ربّ العالمين اللهم اني اسئلك بمنّك
لذت نظر نمودن ذات تو که کریمست اجابت کن پروردگار عالمیان خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بمنت
الكريم وفضلك العظيم ان تغفر لي وترحمني يا لطيف الطف بي في كلّ ما تحبّ
که کریمست و بخشش تو که بزرگست اینکه بیامرزی از برای من و رحم کنی مرا ای مهربان لطف کن بمن در هر چه دوست داری
وترضى اللهم اني اسئلك فعل الخيرات وترك المنكرات وحبّ المساكين
و خوشنود میشوی خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا کردن نیکیها و ترک بدیها و دوستی مساکین
ومخالطة الصالحين وان تغفر لي وترحمني واذا اردت بقوم فتنة فتوفني
و اختلاط صالحان و اینکه بیامرزی از برای من و رحم کنی مرا و هر گاه اراده کنی بجماعتی فتنه را پس بگیر جان مرا
غير مفتون واسئلك حبّك وحبّ من يحبّك وحبّ كلّ عمل يقرّبني الى حبّك اللهم
از غیر آزمایش و سؤال میکنم ترا دوستی تو و دوستی کسی که دوست دارد ترا و دوستی هر عمل که نزدیک میکند مرا بسوی دوستی تو خداوندا
بحقّ محمّد صلى الله عليه وآله حبيبك وبحقّ ابرهيم خليلك وصفيك وبحقّ موسى
بحق محمد درود و ثنا خدا بر او و آل او دوست تو و بحق ابرهیم دوست تو و برگزیده تو و بحق موسی
كليمك وبحقّ عيسى روحك واسئلك بصحف ابرهيم وتورية موسى وانجيل
سخن گوینده با تو و بحق عیسی روح تو و سؤال میکنم ترا بصحف ابرهیم و توریه موسی و انجیل

عیسی وزبور داود وفرقان محمد صلی الله علیه واله واسئلك بكل وحی

عیسی وزبور داود وقران محمد درود فرستاد خدا براو وال او وسوال میکنم ترا بهر وحی که

اوحیته وبحق كل قضاء قضیته وبكل سائل اعطیته واسئلك بكل اسم

فرستاده باو وبحق هر حکم که کرده انرا وبهر سوالی که عطا کرده اورا وسوال میکنم ترا بهر نام

انزلته فی كتابك واسئلك باسمائك التی استقل بها عرشك واسئلك

که فرستاده اورا در کتاب خود وسوال میکنم ترا بنامهای تو که مستقل شده بان عرش تو وسوال میکنم ترا

باسمائك التی وضعتها علی النار فاستنارت واسئلك باسمائك التی وضعتها

بنامهای تو که گذاشته انرا بر نار پس روشن شده وسوال میکنم ترا بنامهای تو که گذاشته انرا

علی اللیل فاظلم واسئلك باسمائك التی وضعتها علی النهار فاضاء واسئلك

بر شب پس تاریك شده وسوال میکنم ترا بنامهای تو که گذاشته انرا بر روز پس روشن شده وسوال میکنم ترا

باسمائك التی وضعتها علی الارض فاستقرت واسئلك باسمك الاحد الصمد

بنامهای تو که گذاشته انرا بر زمین پس قرار گرفت وسوال میکنم ترا بنامهای تو یکتای بی نیاز

الذی ملا ارکان كل شیء واسئلك باسمك الطهر الطاهر المبارك الحی

که پر کرده رکنهای هر چیزرا وسوال میکنم ترا بنام تو که پاك پاکیزه است مبارك زنده

القیوم لا اله الا هو الرحمن الرحیم واسئلك بمعاقد العز من عرشك ومبلغ

قایم شونده است نیست خدائی مگر او بخشاینده مهربانست وسوال میکنم ترا بگرههای عزت تو از عرش تو ورسیدن

الرحمة من كتابك وباسمائك العظام وجدك الاعلی وكلماتك التامات

رحمت از کتاب تو وبنامهای تو که بزرگست وجد تو که بلندست وکلمهای تو که تمامست

ان ترزقنا حفظ القران والعمل به والطاعة لك والعمل الصالح وان تثبت

اینکه روزی کنی مارا حفظ کردن قران وعمل بان وطاعت از برای تو وعمل نیکو واینکه ثابت داری

ذلك فی اسماعنا وابصارنا وان تخلط ذلك بلحمی ودمی ومخی وشحمی وان

انرا در گوشهای ما ودیدهای ما واینکه مخلوط کنی انرا بگوشت من وخون من ومغز من وپیه من واینکه

تستعمل بذلك بدنی وقوتی فانه لا یقوی علی ذلك الا انت وحدك لا

استعمال کنی بان بدن مرا وتوانائی مرا پس بدرستی که توانائی ندارد بر این مگر تو یکتای تو نیست

شریك لك یا الله الواحد الرب القدیر یا الله الخالق البارئ المصور یا الله

شریکی از برای تو ای خدای یکتای پروردگار تقدیر کننده ای خدای خلق کننده ایجاد کننده ای تصویر کننده ای خدای

الباعث الوارث یا الله الفتاح العزیز العلیم یا الله الملك القادر المقتدر اغفر

بر انگیزاننده وارث ای خدا گشاینده غالب دانا ای خدای پادشاه قادر اقتدار دارنده بیامرز

لی وارحمنی انك انت ارحم الراحمین اللهم انت قلت وقولك الحق ادعونی

از برای من ورحم کن مرا بدرستیکه تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی خداوندا تو گفتی وگفتن حق است بخوانید مرا

استجب لكم فاسئلك یا الله باسمك الذی دعاك به ادم صلی الله علیه فاوجبت

اجابت کنم مر شمارا پس سوال میکنم ای خدا بنام تو که خواند ترا بان ادم درود فرستاد خدا براو پس واجب کردی

له الجنة واسئلك باسمك الذی دعاك به شیث ابن ادم فجعلته وصی ابیه

از برای او بهشت را وسوال میکنم ترا بنام تو که خواند ترا بان شیث پسر ادم پس گردانیدی اورا وصی پدرش

بعده ان تستجیب دعاءنا وان ترزقنا انفاذ كل وصیة لاحد عندنا وان تقدم

بعد از ادم اینکه اجابت کنی دعای مارا واینکه روزی کنی مارا پیش بردن هر وصیتی که از برای احدی نزد ماست واینکه مقدم داری

وصیتنا امامنا واسئلك باسمك الذی دعاك به ادریس فرفعته مكانا علیا

وصیت مارا پیش ما وسوال میکنم ترا بنام تو که خواند ترا بان ادریس پس بالا بردی اورا بمکان بلند

ان ترفعنا الی احب البقاع الیك وتمن علینا برضاتك وتدخلنا الجنة برحمتك

اینکه بالا بری مارا بسوی دوسترین بقعها بسوی تو ومنت گذاری بر ما بخشنودی خود وداخل کنی مارا در بهشت برحمت خود

واسئلك باسمك الذی دعاك به نوح فنجیته من الغرق واهلكت القوم الظالمین

وسوال میکنم ترا بنام تو که خواند ترا بان نوح نجات دادی اورا از غرق شدن وهلاك کردی قوم او را که ستمکارانند

ان تنجینا مما نحن فیه من البلاء واسئلك باسمك الذی دعاك به هود علیه

اینکه نجات دهی مارا از انچه ما در انیم از بلا وسوال میکنم ترا بنام تو که خواند ترا بان هود بر او درود

السلام فنجیته من الریح العقیم ان تنجینا من بلاء الدنیا والاخرة وعذابهما

رحمت پس نجات دادی اورا از باد نازاینده اینکه نجات دهی مارا از بلای دنیا واخرت وعذاب هر دو

واسئلك باسمك الذی دعاك به صالح فنجیته من خزی یومئذ ان تنجینا من

وسوال میکنم ترا بنام تو که خواند ترا بان صالح پس نجات دادی اورا از خواری ان روز اینکه نجات دهی مارا از

القدیم

وصینا

خزي الدنيا والاخرة وعذابهما واسئلك باسمك الذي دعاك به لوط فنجيته
خوارى دنيا واخرت وعذابهرد وسوال ميكنم ترا بنام تو كه خواند ترا بان لوط فنجات دادى اورا
من المؤتفكة والمطر السوء ان تنجينا من مخازي الدنيا والاخرة واسئلك باسمك
از موتفكات وباران بد اينكه نجات دهى ما را از خواريهاى دنيا واخرت وسوال ميكنم ترا بنام تو
الذي دعاك به شعيب فنجيته من عذاب يوم الظلة ان تنجينا من العذاب
كه خواند ترا بان شعيب ع پس نجات دادى اورا از عذاب روز خوارى اينكه نجات دهى ما را از عذاب
الى روحك ورحمتك واسئلك باسمك الذي دعاك به ابرهيم فجعلت النار
بسوى راحت تو ورحمت تو وسوال ميكنم ترا بنام تو كه خواند ترا بان ابرهيم پس كردانيدى آتش را
عليه بردا وسلاما ان تخلصنا كما خلصته وان تجعل ما نحن فيه بردا وسلاما
بر او خوش وسلامت اينكه خلاصى دهى ما را چنانكه خلاصى دادى اورا واينكه بكردانى آنچه ما درانيم خوش وسلامت
كما جعلتها عليه واسئلك باسمك الذي دعاك به اسمعيل عند العطش واخرجت
چنانكه كردانيدى انرا بر او وسوال ميكنم ترا بنام تو كه خواند ترا بان اسمعيل نزد تشنكى وبيرون آوردى
من زمزم الماء الروي ان تجعل مخرجنا الى خير وان ترزقنا المال الواسع برحمتك
از زمزم اب كوارى اينكه بكردانى بيرون آوردن ما را بسوى خير واينكه روزى كنى ما را مال بسيار برحمت تو
واسئلك باسمك الذي دعاك به يعقوب فرددت عليه بصره وولده وقرة
وسوال ميكنم ترا بنام تو كه خواند ترا بان يعقوب پس بركردانيدى بر او نور چشم اورا وفرزند اورا وروشنى
عينه ان تخلصنا وتجمع بيننا وبين اولادنا واهالينا واسئلك باسمك الذي
چشم اورا اينكه خلاصى دهى ما را وجمع كنى ميان ما وميان اولاد ما وعيالان ما وسوال ميكنم ترا بنام تو كه
دعاك به يوسف فاخرجته من السجن ان تخرجنا من السجن وتملكنا نعمتك التي
خواند ترا بان يوسف پس بيرون آوردى اورا از زندان اينكه بيرون آورى ما را از زندان ومالك كردانى ما را بنعمت تو كه
انعمت بها علينا واسئلك باسمك الذي دعاك به الاسباط فتبت عليهم
انعام كرده بان بر ما وسوال ميكنم ترا بنام تو كه خواند ترا بان اسباط پسران يعقوب پس توبه كردى بر ايشان
وجعلتهم انبياء ان تتوب علينا وترزقنا طاعتك وعبادتك والاخلاص مما
وكردانيدى ايشانرا پيغمبران اينكه دركذرى از ما وروزى كنى ما را طاعت خود وعبادت خود وخلاصى از آنچه

نحن فيه واسئلك باسمك الذي دعاك به ايوب اذ حل به البلاء فقال رب اني
ما درانيم وسوال ميكنم ترا بنام تو كه خواند ترا بان ايوب وقتى كه فرود آمد باو بلا پس كفت پروردكارا بدرستى كه
مسني الضر وانت ارحم الراحمين فاستجبت له وكشفت عنه ضره ورددت
فرو كرفت مرا سختيها وتو رحم كننده ترين رحم كنندكانى پس اجابت كردى از براى او وبرداشتى از او سختى اورا وبركردانى
عليه اهله ومثلهم معهم رحمة منك وذكرى للعابدين اللهم اني اقول كما
بر او اهل اورا ومثل ايشان با ايشان رحمت از تو ويادآورى از براى عبادت كنندكان خداوندا بدرستى كه من ميكويم چنانكه
قال رب اني مسني الضر وانت ارحم الراحمين فاستجب لنا وارحمنا
كفت پروردكارا بدرستى كه فرو كرفت مرا سختيها وتو رحم كننده ترين رحم كنندكانى پس اجابت كن از براى ما ورحم كن بر ما
وخلصنا ورد علينا اهلنا ومالنا ومثلهم معهم رحمة منك واجعلنا
وخلاصى ده ما را وبركردان بر ما عيال ما را ومال ما را ومثل ايشان با ايشان رحمت از تو وبكردان ما را
من العابدين لك واسئلك باسمك الذي دعاك به موسى وهرون فقلت
از عبادت كنندكان از براى تو وسوال ميكنم ترا بنام تو كه خواند ترا بان موسى وهرون پس كفتى
عزت من قائل قد اجيبت دعوتكما ان تستجيب دعاءنا وتنجينا كما
غالب بودى از كفتن بتحقيق كه اجابت شد دعوت شما اينكه اجابت كنى دعاى ما را ونجات دهى ما را چنانكه
نجيتهما واسئلك باسمك الذي دعاك به داود فغفرت ذنبه وتبت
نجات دادى ايشانرا وسوال ميكنم ترا بنام تو كه خواند ترا بان داود پس آمرزيدى كناه اورا وقبول توبه كردى
عليه ان تغفر ذنبي وتتوب علي انك انت التواب الرحيم واسئلك
بر او اينكه بيامرزى كناه مرا وبازكشت كنى بر من بدرستى كه تو قبول توبه كننده مهربانى وسوال ميكنم ترا
باسمك الذي دعاك به سليمان فرددت عليه ملكه وامكنته من عدوه و
بنام تو كه خواند ترا بان سليمان پس بركردانى بر او پادشاهى اورا وممكن كردى اورا از دشمن او و
سخرت له الجن والانس والطير ان تخلصنا من عدونا وترد علينا نعمتك و
مسخر كردى از براى او جن وانس ومرغ را اينكه خلاصى دهى ما را از دشمنان ما وبركردانى بما نعمت ترا و
تستخرج لنا من ايديهم حقنا وتخلصنا منهم انك على كل شيء قدير واسئلك
بيرون آورى از براى ما از دستهاى ايشان حق ما وخلاصى دهى ما را از ايشان بدرستى كه بر همه چيز قادرى وسوال ميكنم ترا

باسمك الذي دعاك به الذي عنده علم من الكتاب على عرش ملكة سبا ان يحمل
بنام تو که خواند ترا بان کسی که نزد او بود علمی از کتاب بر عرش ملکه پادشاه شهر سبا انکه بود
اليه فاذا هو مستقر عنده ان تحملنا من عامنا هذا الى بيتك الحرام حجاجا و
بسوی او پس ناگاه او قرار داشت نزد او انکه حمل کنی ما را از سال ما این سال الی خانه تو که حرام است حج کننده و
زوارا لقبر نبيك عليه وآله السلام واسئلك باسمك الذي دعاك به
زیارت کننده از برای قبر پیغمبر تو بر او و آل او سلام وسؤال میکنم ترا بنام تو که خواند ترا بان
يونس بن متى في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبت
یونس پسر متی در تاریکیها انکه نیست خدائی مگر تو پاکی و منزهی تو بدرستیکه من هستم از ستمکاران پس اجابت کردی
له ونجيته من بطن الحوت ومن الغم وقلت عزت من قائل فاستجبنا له و
از برای او و نجات دادی او را از شکم ماهی و از اندوه وگفتی غالبی از گوینده پس اجابت کردیم ما از برای او و
نجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين فنشهد انا مؤمنون ونقول كما قال لا
نجات دادیم او را از اندوه و همچنین نجات میدهیم مؤمنان را پس شهادت میدهیم بدرستیکه مؤمنانیم و میگوئیم چنانکه گفت نیست
اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجب لي ونجني من غم الدنيا
خدائی مگر تو منزهی تو بدرستیکه هستم از ستمکاران پس اجابت کن از برای من و نجات ده مرا از اندوه دنیا
والآخرة كما ضمنت ان تنجي المؤمنين واسئلك باسمك الذي دعاك به
و آخرت چنانکه ضامن شده انکه نجات دهی مؤمنان را و سؤال میکنم ترا بنام تو که خواند ترا بان
زكريا وقال رب لا تذرني فردا وانت خير الوارثين فاستجبت له ووهبت له
زکریا وگفت پروردگارا وامگذار مرا فرد و تو بهترین وارثانی پس اجابت کردی از برای او و بخشیدی از برای او
يحيى واصلحت له زوجه وجعلتهم يسارعون في الخيرات ويدعونك رغبا ورهبا
یحیی را و اصلاح کردی از برای او زن او را وکردانی ایشانرا شتابنده در خیرها و خوانند ترا از روی رغبت و ترس
وكانوا لك خاشعين فاني اقول كما قال رب لا تذرني فردا وانت خير الوارثين
وکه بودند از برای تو تواضع کنندگان پس بدرستیکه من میگویم چنانکه گفت پروردگارا وامگذار مرا تنها و تو بهترین وارثانی
فاستجب لي واصلح لي شاني وجميع ما انعمت به علي وخلصني مما انا فيه
پس اجابت کن از برای من و اصلاح کن از برای من کار مرا و همه آنچه انعام کرده بان بر من و خلاصی ده مرا از آنچه من در آنم

وهب

وهب لي كرامة الدنيا والآخرة واولادا صالحين يرثوني واجعلنا ممن يدعوك رغبا
و ببخش از برای ما کرامت دنیا و آخرت را و فرزندان صالح که میراث برند مرا و بگردان ما را از کسی که میخوانند ترا از روی رغبت
ورهبا ومن الخاشعين المطيعين لك واسئلك باسمك الذي دعاك به يحيى
و ترس و از تواضع کنندگان اطاعت کننده از برای تو وسؤال میکنم ترا بنام تو که خواند ترا بان یحیی
فجعلته يرد القيمة ولم يعمل معصية ولم يهم بها ان تعصمني من اقتراف المعاصي
پس گردانیدی او را که وارد میشود قیامت را و نکرده نافرمانی و همت نبسته بان انکه نگاه داری مرا از مرتکب شدن نافرمانیها
حتى نلقاك طاهرين ليس لك قبلنا معصية واسئلك باسمك الذي دعتك به
تا ملاقات کنیم ترا پاکان نبوده باشد از برای تو پیش ما نافرمانی وسؤال میکنم ترا بنام تو که خواند ترا بان
مريم فنطق ولدها بحجتها ان توفقنا وتخلصنا بحجتنا عندك وعند كل ملمة
مریم پس گویا شد فرزند او بحجت او انکه توفیق دهی ما را و خلاصی دهی ما را بحجت ما نزد تو و نزد هر شدت
حتى تظهر حجتنا على ظالمينا فاسئلك باسمك الذي دعاك به عيسى بن مريم
تا ظاهر کردانی حجت ما را بر ستم کنندگان بر ما پس سؤال میکنم ترا بنام تو که خواند ترا بان عیسی پسر مریم
فاحيى به الموتى وابرء الاكمه والابرص ان تخلصنا وتبرئنا من كل سوء وآفة والم
پس زنده کرد بان مرده را و چاق کرد کور مادرزاد را و پیس را انکه خلاصی دهی ما را و بری کردانی ما را از هر بدی و آفت و درد
وتحيينا حيوة طيبة في الدنيا والآخرة وان ترزقنا العافية في ابداننا واسئلك
و زنده داری ما را زندگی خوش در دنیا و آخرت و انکه روزی کنی ما را عافیت در بدنهای ما وسؤال میکنم ترا
باسمك الذي دعاك به الحواريون فاعنتهم حتى بلغوا عن عيسى ما امرتهم به وصرفت
بنام تو که خواند ترا بان حواریان پس اعانت کردی ایشانرا تا آنکه رسانیدند از عیسی آنچه امر کرده بودی ایشانرا بان و رد کردی
عنهم كيد الجبارين وتوليتهم ان تخلصنا وتجعلنا من الدعاة الى طاعتك واسئلك
از ایشان مکر جبر کنندگان را و متولی کردانی ایشانرا انکه خلاصی دهی ما را و بگردانی ما را از خوانندگان بسوی طاعت تو وسؤال میکنم ترا
باسمك الذي دعاك به جرجيس فرفعت عنه الم العذاب ان ترفع عنا الم العذاب
بنام تو که خواند ترا بان جرجیس پس برداشتی از او سختی عذاب را انکه برداری از ما درد عذاب را
في الدنيا والآخرة وان لا تبتلينا وان ابتليتنا فصبرنا والعافية احب الينا
در دنیا و آخرت و انکه مبتلا نکردانی ما را و اگر مبتلا کردانی ما را پس صبر دهی ما را و عافیت دوستر است بسوی ما

وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِى دَعَاكَ بِهِ الْخِضْرُ حَتّٰى اَبْقَيْتَهُ اَنْ تُفَرِّجَ عَنَّا وَتَنْصُرَنَا عَلٰى

وسؤال میکنم ترا بنام تو که خواندترا بان خضر تا باقی داشتی اورا اینکه بکشائی ازما و یاری دهی مارا بر

مَنْ ظَلَمَنَا وَتَرُدَّنَا اِلٰى مَاٰمِنِكَ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِى دَعَاكَ بِهِ حَبِيبُكَ مُحَمَّدٌ

کسی که ظلم کند بر ما و برگردانی ما را بسوی مکان تو وسؤال میکنم ترا بنام تو که خواند ترا بان دوست تو محمد

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ فَجَعَلْتَهُ سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ وَاَيَّدْتَهُ بِعَلِىٍّ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ

درود فرستد خدا برا و و بر آلا و پس گردانیدی اورا سید فرستادگان و قوت دادی اورا بعلی سید اوصیا

اَنْ تُصَلِّىَ عَلَيْهِمَا وَعَلٰى ذُرِّيَّتِهِمَا الطَّاهِرِينَ وَاَنْ تُقِيلَنِى فِى هٰذَا الْيَوْمِ عَثْرَتِى

اینکه درود فرستی بر هردو و بر اولاد هردو که پاکانند و اینکه درگذری از من درین روز لغزش مرا

وَتَغْفِرَ لِى مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِى وَخَطَايَاىَ وَلَا تَصْرِفَنِى مِنْ مَقَامِى هٰذَا اِلَّا

و بیامرزی از برای من آنچه گذشته از گناهان من و خطاهای من و برنگردانی مرا از مقام من این مقام مگر

بِسَعْىٍ مَشْكُورٍ وَذَنْبٍ مَغْفُورٍ وَعَمَلٍ مَقْبُولٍ وَرَحْمَةٍ وَمَغْفِرَةٍ وَنَعِيمٍ مَوْصُولٍ

بسعی شکر کرده شده و گناه آمرزیده شده و عمل قبول کرده شده و رحمت و آمرزش و نعمت رسیده شده

بِنَعِيمِ الْاٰخِرَةِ بِرَحْمَتِكَ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ اِنَّكَ عَلٰى

بنعمت آخرت برحمت تو ای بخشنده ای منت گذارنده ای صاحب بزرگی و کرم بدرستی که تو بر

كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِىِّ الْعَظِيمِ باب نهم در

همه چیز قادری و نیست گردیدنی و نه قوتی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ اعمال ماه ربیع الثانی

وجمادی الاولی وجمادی الثانیه است ودران سه فصل است فصل اول در اعمال ماه ربیع

الثانی است سید بن طاوس رضی الله عنه روایت کرده است که در روز اول اینها مستحب است که

این دعا اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اِلٰهُ كُلِّ شَىْءٍ وَخَالِقُ كُلِّ حَىٍّ وَرَبُّ كُلِّ شَىْءٍ اَسْئَلُكَ بِالْعُرْوَةِ

بخوانند خداوندا توئی خدای همه چیز وخلق کننده هر زنده وپروردگار هر چیز سؤال میکنم ترا برشته

الْوُثْقٰى وَالْغَايَةِ وَالْمُنْتَهٰى وَبِمَا خَالَفْتَ بِهِ بَيْنَ الْاَنْوَارِ وَالظُّلُمَاتِ وَ

محکم و غایت و انتها و بانچه فرق گذاشته بان میان روشنیها و تاریکیها و

الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَالدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَبِاَعْظَمِ اَسْمَائِكَ فِى اللَّوْحِ الْمَحْفُوظِ

بهشت و آتش و دنیا و آخرت و ببزرگتر نامهای تو که در لوح محفوظ است

واتم

اعمال ماه ربیع الثانی

شیء

روز اول ... السلام ...

وَاَتَمِّ اَسْمَائِكَ فِى التَّوْرٰيةِ نُبْلًا وَاَزْهَرِ اَسْمَائِكَ فِى الزَّبُورِ عِزًّا وَاَجَلِّ اَسْمَائِكَ فِى

وتمامترین نامهای تو در توریت از حیثیت افزونی وظاهرترین نامهای تو در زبور از حیثیت عزت وبزرگتر نامهای تو در

الْاِنْجِيلِ قَدْرًا وَاَرْفَعِ اَسْمَائِكَ فِى الْقُرْاٰنِ ذِكْرًا وَاَعْظَمِ اَسْمَائِكَ فِى الْكُتُبِ الْمُنْزَلَةِ

انجیل از حیثیت قدر وبلندتر نامهای تو در قران از حیثیت ذکر وبزرگتر نامهای تو در کتابهای نازل کرده شده

وَاَفْضَلِهَا وَاَسَرِّ اَسْمَائِكَ فِى نَفْسِكَ الَّذِى لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَىْءٌ وَاَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَ

وافضل آنها وپوشیده ترین نامهای تو در نفس تو که نیست مثل مثل او چیزی وسؤال میکنم ترا بغلبه تو و

قُدْرَتِكَ وَبِالْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَمَا حَمَلَ وَبِالْكُرْسِىِّ الْكَرِيمِ وَمَا وَسِعَ اَنْ تُصَلِّىَ عَلٰى

قدرت تو و بعرش بزرگ وانچه برداشته و بکرسی بزرگ وانچه وسع داده اینکه درود فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَتُتِيحَ لِى مِنْ عِنْدِكَ فَرَجَكَ الْقَرِيبَ الْعَظِيمَ الْاَعْظَمَ اَللّٰهُمَّ اَتْمِمْ

محمد وال محمد و تقدیر کنی از برای من از نزد خود فرج ترا که نزدیک است بزرگ بزرگ خداوندا تمام کن

عَلَىَّ اِحْسَانَكَ الْقَدِيمَ الْاَقْدَمَ وَتَابِعْ اِلَىَّ مَعْرُوفَكَ الدَّائِمَ الْاَدْوَمَ وَاَنْعِشْنِى

بر من نیکیهای ترا که قدیم ترین قدیمهاست وتابع کردان بسوی من احسان ترا که همیشگی دایم است و زنده گردان مرا

بِعِزِّ جَلَالِكَ الْكَرِيمِ الْاَكْرَمِ وَاِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَاحِدٌ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ

بعزت بزرگی تو که کریمتر است و خدای شما خدای یکتاست نیست خدایی مگر او مهربان بخشنده خدائی که نیست خدا

اِلَّا هُوَ الْحَىُّ الْقَيُّومُ لَا تَاْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ الٓمٓ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَىُّ

مگر او زنده دایم که نمیگیرد اورا پینکی و نه خواب خدائی که نیست خدائی مگر او زنده

الْقَيُّومُ هُوَ الَّذِى يُصَوِّرُكُمْ فِى الْاَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

توانا اوست کسی که تصویر میکند شما را در رحمها هرنحو که میخواهد نیست خدائی مگر او که غالب حکیم است

شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلٰٓئِكَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا اِلٰهَ

گواهی داد خدا بدرستی که نیست خدائی مگر او و ملائکه و صاحبان علم قایم شونده بعدالت نیست خدائی

اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ

مگر او غالب دانا خدائی که نیست خدائی مگر او هرآینه جمع میکند شما را بسوی روز قیامت نیست شکی دران

ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَىْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَىْءٍ وَكِيلٌ

این است خدا پروردگار شما نیست خدائی مگر او وخلق کننده همه چیز پس عبادت کنید اورا و او بر همه چیز وکیل است

اِتَّبِعْ مَا اُوحِیَ اِلَیْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَاَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِینَ قُلْ یَا اَیُّهَا النَّاسُ

پیروی کن آنچه فرستاده شده بسوی تو از پروردگار تو نیست خدایی مگر او و اعراض کن از مشرکان بگو ای مردمان

اِنِّی رَسُولُ اللّٰهِ اِلَیْكُمْ جَمِیعًا اَلَّذِی لَهُ مُلْكُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

بدرستی که من رسول خدایم بسوی شما همه که از برای اوست پادشاهی آسمانها و زمین نیست خدایی مگر او

یُحْیِی وَیُمِیتُ فَاٰمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ النَّبِیِّ الْاُمِّیِّ الَّذِی یُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَكَلِمَاتِهِ

زنده میکند و میمیراند پس ایمان آورید بخدا و رسول او پیغمبر امی که ایمان میاورد بخدا و کلمهای او

وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ وَمَا اُمِرُوا اِلَّا لِیَعْبُدُوا اِلٰهًا وَاحِدًا لَا اِلٰهَ اِلَّا

و پیروی کنید او را شاید هدایت بیابید و امر کرده نشدند مگر از جهت عبادت خدای یکانه نیست خدایی مگر

هُوَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالٰی عَمَّا یُشْرِكُونَ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَكَّلْتُ

او منزهست او و بلند مرتبه است از آنچه شریک کرده اند پس اگر رو گردانند بگو بس است مرا خدا نیست خدایی مگر او بر اوست توکل من

وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ حَتّٰی اِذَا اَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ اٰمَنْتُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا الَّذِی

و او پروردگار عرش بزرگست تا آنکه دریافت او غرق گفت ایمان آوردم بآنکه نیست خدایی مگر آنکه

اٰمَنَتْ بِهِ بَنُو اِسْرَائِیلَ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِینَ قُلْ هُوَ رَبِّی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَكَّلْتُ

ایمان آوردند باو بنی اسرائیل و من از مسلمانانم بگو او پروردگار منست نیست خدایی مگر او بر اوست توکل من

وَاِلَیْهِ مَتَابِ یُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ اَمْرِهِ عَلٰی مَنْ یَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ اَنْ

و بسوی اوست بازگشت فرو میفرستد ملائکه را بروح از امر او بر کسی که میخواهد از بندگان او اینکه

اَنْذِرُوا اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا فَاتَّقُونِ وَاِنْ تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَاِنَّهُ یَعْلَمُ السِّرَّ وَ

بترسانند ایشان را بدرستی که نیست خدایی مگر من پس بپرهیزید از من و اگر بلند کند مکفتن پس بدرستیکه او میداند اسرار

اَخْفٰی اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰی وَاَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا

و پنهان را خدایی که نیست خدایی مگر او از برای اوست نامهای نیکو و من اختیار کردم ترا پس مستمع باش برای آنچه

یُوحٰی اِنَّنِی اَنَا اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا فَاعْبُدْنِی وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ لِذِكْرِی اِنَّمَا اِلٰهُكُمُ

وحی کرده میشود بدرستیکه منم خدایی که نیست خدایی مگر من پس عبادت کن مرا و بپا دار نماز را از برای یاد من جز این نیست که خدای شما

اللّٰهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَیْءٍ عِلْمًا وَمَا اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ

خداییست که نیست خدایی مگر او فرا گرفته هر چیزی را از روی علم و نفرستادیم ما پیش از تو از رسول

اِلَّا نُوحِی اِلَیْهِ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا فَاعْبُدُونِ وَذَا النُّونِ اِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا

مگر وحی میکنیم بسوی او بدرستی که نیست خدای مگر من پس عبادت کنید مرا و صاحب نون زمانی که رفت غضب کننده

فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَیْهِ فَنَادٰی فِی الظُّلُمَاتِ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

پس گمان کرد آنکه دست نیابیم بر او پس خواند در تاریکیها اینکه نیست خدایی مگر تو

سُبْحَانَكَ اِنِّی كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ فَتَعَالَی اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

منزهی تو بدرستی که من میباشم از ستم کنندگان پس بلندذاتست خدای پادشاه حق نیست خدایی مگر او

رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِیمِ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ وَهُوَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ

پروردگار عرش کریم خدایی که نیست خدایی مگر او پروردگار عرش بزرگ و اوست خدایی که نیست خدایی

اِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِی الْاُولٰی وَالْاٰخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَاِلَیْهِ تُرْجَعُونَ وَلَا تَدْعُ مَعَ

مگر او از برای اوست حمد در دنیا و آخرت و از برای اوست حکم و بسوی او برگردانیده میشوید و مخوان با

اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ كُلُّ شَیْءٍ هَالِكٌ اِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَاِلَیْهِ تُرْجَعُونَ

خدا خدای دیگر نیست خدایی مگر او هر چیزی هلاک شونده است مگر ذات او از برای اوست حکم و بسوی او برگردانیده میشوید

یَا اَیُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَیْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَیْرُ اللّٰهِ یَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ

ای مردمان بیاد آورید نعمت خدا را بر شما آیا خالقی هست غیر خدای که روزی میدهد شما را از آسمان

وَالْاَرْضِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَاَنّٰی تُؤْفَكُونَ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

و زمین نیست خدایی مگر او پس بکجا میگردید این خداوند شماست پروردگار شما از برای اوست پادشاهی نیست خدایی مگر او

فَاَنّٰی تُصْرَفُونَ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِیدِ الْعِقَابِ ذِی الطَّوْلِ

پس بکجا برمیگردید آمرزنده گناه و قبول کننده توبه سخت عذاب صاحب بخشش

لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ اِلَیْهِ الْمَصِیرُ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَیْءٍ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

نیست خدایی مگر او بسوی اوست بازگشت این خداوند شما پروردگار شما خلق کننده هر چیزی نیست خدایی مگر او

فَاَنّٰی تُؤْفَكُونَ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِینَ هُوَ الْحَیُّ لَا اِلٰهَ

پس بکجا برمیگردید این خداوند شماست پروردگار شما پس صاحب برکتست خدای پروردگار عالمیان اوست زنده نیست خدایی

اِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ رَبِّ السَّمٰوَاتِ

مگر او پس بخوانید او را از روی اخلاص از برای اوست دین سپاس مر خدای پروردگار عالمیان را پروردگار آسمانها

وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا اِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ اٰبَائِكُمُ

بزمين وانچه ميان هر دو است اگر هستيد شما از يقين كنندگان نيست خدايى مگر او زنده ميكند و ميمراند پروردگار شما و پروردگار پدران شما

الْاَوَّلِينَ فَاَنّٰى لَهُمْ اِذَا جَاۤءَتْهُمْ ذِكْرٰيهُمْ فَاعْلَمْ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ

كه پيشينيانند پس كجاست از براى ايشان هرگاه بيايد ايشان را خاطر ايشان پس بدانكه نيست خدايى مگر خدا وطلب آمرزش كن از براى گناه

وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ هُوَ اللّٰهُ الَّذِى لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

واز براى مردان مومن و زنان مومن اوست خدايى كه نيست خدايى مگر او داناى پنهان وآشكار

هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللّٰهُ الَّذِى لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ

اوست بخشنده مهربان اوست خدايى كه نيست خدايى مگر او پادشاه منزه رحمت مومن

الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَ

گواه شونده غالب بلند بزرگ منزه است خدا از آنچه شريك مى‌آورند خدايى كه نيست خدايى مگر او و

عَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ اللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْئَلُكَ عَفْوًا لَيْسَ بَعْدَهُ عُقُوبَةٌ وَرِضًا

بر خدا پس توكل ميكنند ايمان آورندگان خداوندا بدرستى كه من سؤال ميكنم ترا عفوى كه نبوده باشد بعد از آن عذاب وخشنودى

لَيْسَ بَعْدَهُ سَخَطٌ وَعَافِيَةً لَيْسَ بَعْدَهَا بَلَاۤءٌ وَسَعَادَةً لَيْسَ بَعْدَهَا شَقَاۤءٌ وَهُدًى

كه نبوده باشد بعد از آن غضب وعافيتى كه نبوده باشد بعد از آن بلا ونيكبختى كه نبوده باشد بعد از آن بدبختى و هدايتى

لَا يَكُونُ بَعْدَهُ ضَلَالَةٌ وَاِيمَانًا لَا يُدَاخِلُهُ كُفْرٌ وَقَلْبًا لَا يُدَاخِلُهُ فِتْنَةٌ اللّٰهُمَّ

كه نباشد بعد از آن گمراهى وايمانى كه داخل نشود در آن كفر ودلى كه داخل نشود در او فتنه خداوندا

اِنِّى اَسْئَلُكَ السَّعَةَ فِى الْقَبْرِ وَالْحُجَّةَ الْبَالِغَةَ وَالْقَوْلَ الثَّابِتَ وَاَنْ تُنَزِّلَ عَلَىَّ

بدرستيكه سؤال ميكنم ترا فراخى در قبر وحجت رسا وقول ثابت وآنكه فرو فرستى بر من

الْاَمَانَ وَالْفَرَجَ وَالسُّرُورَ وَنَضْرَةَ النَّعِيمِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَعَرِّفْنِى

امان وفرج وخوشحالى وخرمى نعمتها خداوندا درود فرست بر محمد وآل محمد وبشناسان مرا

بَرَكَةَ هٰذَا الشَّهْرِ وَيُمْنَهُ وَارْزُقْنِى خَيْرَهُ وَاصْرِفْ عَنِّى شَرَّهُ وَاجْعَلْنِى فِيهِ مِنَ

بركت اين ماه وميمنت او وروزى كن مرا خير او وبگردان از من شر او را وبگردان مرا در او از

الْفَاۤئِزِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللّٰهُمَّ اَنْتَ وَهَّابُ الْخَيْرِ فَهَبْ لِى شَوْقًا

رسيدگان برحمت تو اى رحم كننده ترين رحم كنندگان خداوندا تو بسيار بخشاينده خيرى پس ببخش از براى من شوق

اِلٰى لِقَاۤئِكَ وَاِشْفَاقًا مِنْ عَذَابِكَ وَحَيَاۤءً مِنْكَ وَتَوْقِيرًا وَاِجْلَالًا حَتّٰى يُوجَلَ مِنْ

بسوى لقاى تو وترس از عذاب تو وحيا از تو وتوقير وبزرگى تا آنكه بترسد از

ذٰلِكَ قَلْبِى وَيَقْشَعِرَّ مِنْهُ جِلْدِى وَيَتَجَافٰى لَهُ جَنْبِى وَتَدْمَعَ مِنْهُ عَيْنِى وَلَا اَخْلُوَ

اين دل من ولرزد از آن پوست من ودور شود از براى آن پهلوى من واشك ريزد از آن چشم وخالى نشوم

مِنْ ذِكْرِكَ فِى لَيْلِى وَنَهَارِى يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللّٰهُمَّ اِنِّى اُثْنِى عَلَيْكَ وَمَا

از ياد تو در شب من وروز من اى رحم كننده ترين رحم كنندگان خداوندا بدرستيكه ثنا ميكنم بر تو ونيست

عَسٰى اَنْ يَبْلُغَ مَدْحِى وَثَنَاۤئِى مَعَ قِلَّةِ عَمَلِى وَقُصُورِ رَأْيِى وَاَنْتَ الْخَالِقُ وَاَنَا

اميد آنكه برسد مدح من وثناى من با كمى عمل من وكوتاهى راى من وتوئى خالق ومنم

الْمَخْلُوقُ وَاَنْتَ الْمَلِيكُ وَاَنَا الْمَمْلُوكُ وَاَنْتَ الرَّبُّ وَاَنَا الْعَبْدُ وَاَنْتَ الْعَزِيزُ

منم مخلوق وتوئى پادشاه ومنم بنده وتو پروردگارى ومن بنده وتو غالبى

وَاَنَا الذَّلِيلُ وَاَنْتَ الْقَوِىُّ وَاَنَا الضَّعِيفُ وَاَنْتَ الْغَنِىُّ وَاَنَا الْفَقِيرُ وَاَنْتَ الْمُعْطِى

ومن خوار وتو قوى ومن ناتوان وتو بى‌نيازى ومن محتاج وتو عطا كننده

وَاَنَا السَّاۤئِلُ وَاَنْتَ الْحَىُّ الَّذِى لَا تَمُوتُ وَاَنَا خَلْقٌ اَمُوتُ فَاغْفِرْ لِى وَارْحَمْنِى

ومن سؤال كننده وتو زنده كه نميميرى ومن مخلوقى ام كه ميميرم پس بيامرز از براى من ورحم كن مرا

وَاَعْطِنِى سُؤْلِى فِى دُنْيَاىَ وَاٰخِرَتِى وَتَجَاوَزْ عَنِّى وَعَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

وعطا كن مرا سؤال من در دنياى من وآخرت من ودر گذر از من واز همه مومنان ومومنات

وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْاَحْيَاۤءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

ومسلمين ومسلمات زنده از ايشان ومردها خداوندا درود فرست بر محمد

عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَصَفِيِّكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اللّٰهُمَّ ارْفَعْ

بنده تو ورسول تو وپيغمبر تو وبرگزيده تو وبرگزيده تو از خلق تو خداوندا بلند كن

دَرَجَتَهُ وَكَرِّمْ مَقَامَهُ وَاَجْزِلْ ثَوَابَهُ وَاَفْلِجْ حُجَّتَهُ وَاَظْهِرْ عُذْرَهُ وَعَظِّمْ

مرتبه او را وبزرگ كن جاى او را وعظيم كن ثواب او را وظفر ده حجت او را وظاهر كردان عذر او را وبزرگ كن

نُورَهُ وَاَدِمْ كَرَامَتَهُ وَاَلْحِقْ بِهِ اُمَّتَهُ وَذُرِّيَّتَهُ وَاَقِرَّ بِذٰلِكَ عَيْنَهُ اللّٰهُمَّ

روشنى او را ودايم دار كرامت او را وملحق ساز با او امت او را وفرزندان او را وروشن كن باين چشم او را خداوندا

اجعل محمداً اکرم النبیین تبعاً واعظمهم منزلةً واشرفهم کرامةً واعلاهم
بکردان محمد را بزرکترین پیغمبران از روی پیرو و بزرکتر ایشان از روی منزلت و شریفتر ایشان از روی کرامت و بلندتر ایشان
درجةً وافسحهم فی الجنة منزلاً اللهم بلغ محمداً درجة الوسیلة و
از روی درجه و کشاده تر ایشان در بهشت از جهت منزل خداوندا برسان محمد را درجه وسیله و
شرف بنیانه وعظم نوره وبرهانه وتقبل شفاعته فی امته وتقبل
شریف کن بنیان او را و بزرگی روشنی او را و برهان او را و قبول کن شفاعت او را در امت او و قبول کن
صلوة امته علیه اللهم صل علی محمد کما بلغ رسالاتک وتلا آیاتک
درود امت او را بر او خداوندا درود فرست بر محمد چنانکه رسانید رسالت ترا و خواند آیات ترا
ونصح لعبادک وجاهد فی سبیلک حتی اتاه الیقین اللهم زد محمداً
و نصیحت کرد از برای بندگان تو و جهاد کرد در راه تو تا آنکه آمد او را مرگ خداوندا زیاد کن محمد را
مع کل شرف شرفاً ومع کل فضل فضلاً ومع کل کرامة کرامةً ومع کل
با هر شرف شرفی و با هر فضیلت فضیلتی و با هر کرامت کرامتی و با هر
سعادة سعادةً حتی تجعل محمداً فی الشرف الاعلی من الدرجات العلی
نیکبختی نیکبختی تا آنکه بکردانی محمد را در شرف بلندتر از مرتبهای بلند
اللهم صل علی محمد وآل محمد وسهل لی محبتی وبلغنی امنیتی ووسع
خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد و آسان کن از برای من دوستی مرا و برسان مرا بآرزوی من و فراخ کن
علی فی رزقی واقض عنی دینی وفرج عنی غمی وهمی وکربی ویسر لی ارادتی
بر من در روزی من و ادا کن از من قرض مرا و بردار از من اندوه مرا و هم مرا و مشقت مرا و آسان کن از برای من اراده مرا
واوصلنی الی بغیتی سریعاً عاجلاً یا ارحم الراحمین وشیخ مفید رضی الله عنه کفته
و برسان مرا بسوی مطلب من بزودی تعجیل کننده ای رحم کننده ترین رحم کنندگان است که در روز دهم ماه ربیع الاخر
سال دویست و سی و دو از هجرت نبوی صلی الله علیه وآله وسلم امام حسن عسکری صلوات الله علیه
متولد شده است و روز شریف بسیار مبارکیست و مستحبست که بشکر این نعمت عظمی روزه بدارند
مؤلف کوید زیارت آنحضرت و سایر اعمال خیر در این روز با برکت مناسبت فصل ششم دعای اول ماه
جمادی الاولی است سید بن طاوس رضی الله عنه از بعضی از کتب معتبره نقل کرده است که در روز اول این ماه مستحب

علی

دعای اول ماه جمادی الاولی

است که این دعا بخوانند اللهم انت الله وانت الرحمن الرحیم وانت الملک القدوس وانت
خداوندا توئی خدا و توئی روزی دهنده مهربان و توئی پادشاه منزه از عیبها و توئی
السلام المؤمن وانت المهیمن وانت العزیز وانت الجبار وانت المتکبر و
سالم از همه عیبها تصدیق کننده و توئی کواه و توئی غالب و توئی پادشاه و توئی بزرگی کننده و
انت الخالق وانت البارئ وانت المصور وانت العزیز الحکیم وانت الاول
توئی خلق کننده و توئی ایجاد کننده و توئی تصویر کننده و توئی غالب دانشمند و توئی اول
والآخر والظاهر والباطن لک الاسماء الحسنی اسئلک یا رب بحق هذه
و آخر و ظاهر و باطن از برای تست نامهای نیکو سوال میکنم تو را ای پروردگار بحق این
الاسماء وبحق اسمائک کلها ان تصلی علی محمد وآل محمد وآتنا اللهم
نامها و بحق نامهای تو همه آنکه درود فرستی بر محمد و آل محمد و بدهی ما را خداوندا
فی الدنیا حسنةً وفی الآخرة حسنةً واختم لنا بالسعادة والشهادة فی
در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و ختم کن از برای ما بنیکبختی و شهید شدن در
سبیلک وعرفنا برکة شهرنا هذا ویمنه وارزقنا خیره واصرف عنا
راه تو و بشناسان ما را برکت ماه ما این ماه و میمنت آن و روزی کن ما را خوبی آن و بکردان از ما
شره واجعلنا فیه من الفائزین وقنا برحمتک عذاب النار یا ارحم الراحمین
بدی آن را و بکردان ما را در آن از رستکاران و نکاه دار ما را برحمت تو از عذاب آتش ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
انک علی کل شیء قدیر پس این آیات الحمد لله رب العالمین الحمد لله الذی خلق
بدرستیکه تو بر همه چیز قادری را بخوانند سپاس مر خدای را که پروردگار عالمیانست سپاس مر خدای را که خلق کرد
السموات والارض وجعل الظلمات والنور ثم الذین کفروا بربهم یعدلون
آسمانها و زمین را و کردانید تاریکیها را و روشنیها را پس کسانی که کافر شدند به پروردگار خود شان عدول کنند از او
هو الذی خلقکم من طین ثم قضی اجلاً واجل مسمی عنده ثم انتم تمترون وهو
اوست کسی که خلق کرد شما را از گل پس حکم کرد مدتی را و مدت نامیده شده است نزد او پس شما شک دارید و اوست
الله فی السموات وفی الارض یعلم سرکم وجهرکم ویعلم ما تکسبون الحمد لله الذی
خدا در آسمانها و در زمین میداند پنهان شما و آشکار شما را و میداند آنچه کسب میکنید سپاس مر خدای را که

علی

أنزل على عبده الكتاب ولم يجعل له عوجا قيّما لينذر بأسا شديدا من لدنه
فرستاده بر بنده خود كتاب را و نكردانيده او را كج راست از براى آنكه بترساند ترسانيدن سخت از نزد او
الحمد لله الذى له ما فى السموات وما فى الأرض وله الحمد فى الآخرة وهو
سپاس مر خداى را كه از براى اوست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمين است و از براى اوست حمد در آخرت و او
الحكيم الخبير الحمد لله فاطر السموات والأرض جاعل الملائكة رسلا
دانشمند خبردار بينا سپاس مر خداى را كه خلق كننده آسمانها و زمين است كرداننده فرشتگان رسولان
أولى أجنحة مثنى وثلاث ورباع يزيد فى الخلق ما يشاء إن الله على كل شىء
صاحب بالها دوتا و سه تا و چهار تا زياد مى‌كند در خلق خود آنچه ميخواهد بدرستى كه خدا بر همه چيز
قدير ما يفتح الله للناس من رحمة فلا ممسك لها وما يمسك فلا مرسل له من
قادر است آنچه را مى‌گشايد خدا از براى مردمان از رحمت پس نيست نگاهدارنده از براى آن و آنچه نگاه ميدارد پس نيست رها كننده از براى او
بعده وهو العزيز الحكيم الحمد لله الذى هدانا لهذا وما كنا لنهتدى لولا
بعد او و اوست غالب دانشمند حمد مر خداى را كه هدايت كرد ما را از براى اين و نبوديم ما هر اينه راه يابنده اگر
أن هدانا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق الحمد لله الذى وهب لى على
آنكه هدايت كرد ما را خدا بتحقيق كه آمد رسولان پروردگار ما بحق سپاس مر خداى را كه بخشيد از براى من بر
الكبر إسمعيل وإسحق إن ربى لسميع الدعاء الحمد لله بل أكثرهم لا يعلمون الحمد
بزرگى اسمعيل و اسحق را بدرستى كه پروردگار من هر اينه شنواى دعاست حمد مر خداى را بلكه بيشتر ايشان نميدانند سپاس
لله الذى نجانا من القوم الظالمين الحمد لله الذى فضلنا على كثير من
از براى خدايى كه خلاصى داد ما را از قوم ستمكار سپاس مر خداى را كه فضيلت داد ما را بر بسيارى از
عباده المؤمنين الحمد لله سيريكم آياته فتعرفونها وما ربك بغافل
بندگان او كه ايمان آورندگانند سپاس مر خداى را زود باشد كه بنمايد شما را آيات خود پس بشناسيد او را و نيست پروردگار تو غافل
عما تعملون الحمد لله الذى أذهب عنا الحزن إن ربنا لغفور شكور الحمد
از آنچه ميكنيد سپاس مر خداى را كه برده از ما اندوه را بدرستى كه پروردگار ما هر اينه آمرزنده شكر كننده است سپاس
لله الذى صدقنا وعده وأورثنا الأرض نتبوأ من الجنة حيث نشاء فنعم
مر خداى را كه راست كرد ما را وعده خود و ميراث داد ما را زمين جا ميگيريم از بهشت هر جا خواهيم پس خوبست

أجر العاملين وترى الملائكة حافين من حول العرش يسبحون بحمد ربهم وقضى
مزد عمل كنندگان و مى‌بينى ملائكه را طواف كننده از اطراف عرش تسبيح ميكنند بحمد پروردگار خودشان و حكم
بينهم بالحق وقيل الحمد لله رب العالمين فلله الحمد رب السموات ورب
ميان ايشان بحق و گفته ميشود حمد از براى خداى پروردگار عالميانست پس از براى خداست سپاس پروردگار آسمانها و پروردگار
العالمين وله الكبرياء فى السموات والأرض وهو العزيز الحكيم الحمد لله
عالميان و از براى اوست بزرگى در آسمانها و زمين و اوست غالب دانشمند سپاس از براى خداى
الذى لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك فى الملك ولم يكن له ولى من الذل و
كه فرا نگرفته فرزندى و نمى‌باشد از براى او شريكى در پادشاهى و نميباشد از براى او دوستى از خوارى و
كبره تكبيرا اللهم اغفر لى ما سلف من ذنوبى وتداركنى فيما بقى من
بزرگ دان او را بزرگ دانستنى خداوندا بيامرز از براى من آنچه گذشته از گناهان من و تدارك كن مرا در آنچه باقى مانده از
عمرى وقو ضعفى للذى خلقتنى له وحبب إلى الإيمان وزينه فى قلبى و
عمر من و قوت ده ناتوانى مرا از براى آنچه خلق كرده مرا از براى آن و دوست كردان بسوى من ايمان را و زينت ده او را در دل من و
قد دعوتك كما أمرتنى فاستجب لى كما وعدتنى اللهم أصبحت لك عبدا
بتحقيق كه خواندم ترا چنانكه امر كردى مرا پس اجابت كن از براى من چنانكه وعده دادى مرا خداوندا صبح كردم از براى تو بنده
لا أستطيع دفع ما أكره ولا أملك ما أرجو وأصبحت مرتهنا بعملى فلا فقير
كه استطاعت ندارم دفع آنچه را مكروه دارم و نيستم مالك آنچه اميد دارم و صبح كردم كه گرو كرده شده بعمل خود پس نيست فقيرى
أفقر منى إليك يا رب العالمين أسألك أن تستعملنى عمل من استيقن حضور
محتاجتر از من بسوى تو اى پروردگار عالميان سؤال ميكنم ترا اينكه بدارى مرا بعمل كسى كه يقين كرده باشد حاضر شدن
أجله لا بل عمل من قد مات فرأى عمله ونظر إلى ثواب عمله إنك على كل شىء
اجل خود را بلكه عمل كند مثل كسى كه بتحقيق كه مرده پس ديد عمل خود را و نظر كرد بسوى ثواب عمل خود بدرستى كه تو بر همه چيزى
قدير اللهم إن هذا مكان العائذ برحمتك من عذابك وهذا مكان العائذ
قادرى خداوندا بدرستى كه اين مكان پناه برنده برحمت تست از عذاب تو و اين مكان پناه برنده
بمعافاتك من غضبك اللهم اجعلنى ممن دعاك فأجبته وسألك فأعطيته
بمعافيت تست از غضب تو خداوندا بگردان مرا از كسانى كه خواندند ترا پس اجابت كردى او را و سؤال كرد ترا پس عطا كردى

وآمن بك فهديته وتوكل عليك فكفيته وتقرب اليك فادنيته وافتقر اليك

و ایمان آورد بتو پس راه نمودی او را و توکل کرد بر تو پس کفایت کردی او را و نزدیکی کرد بسوی تو پس نزدیک کردی او را و محتاج شد

فاغنيته واستغفرك فغفرت له ورضيت عنه وارضيته وهديته

پس بی نیاز کردی او را و طلب آمرزش کرد تو را پس آمرزیدی از برای او و راضی شدی از او و خوشنود کردی او را و راه نمودی

الى مرضاتك واستعملته بطاعتك ولذلك فرغته ابدا ما احييته

بسوی خوشنودی خود و باستعمال کردی او را بطاعت خود و از این جهت فارغ کردی او را همیشه مادام که زنده داری او را

فتب علي يا رب واعطني سؤلي ولا تحرمني شيئا مما سألتك واكفني شر ما

پس توبه بپذیر بر من ای پروردگار من و بده مرا سؤال من و ناامید مکردان مرا از چیزی از آنچه سؤال کردم تو را و کفایت کن مرا بدی آنچه

يعمل الظالمون في الارض واستغفر الله الذي لا اله الا هو الذي لا يغفر

میکنند ستمکاران در زمین و طلب آمرزش میکنم از خدائی که نیست خدائی مگر او که نمی آمرزد

الذنوب الا هو اللهم صل على محمد وعلى آل محمد واعني على الدنيا وارزقني

گناهان را مگر او خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد و یاری کن مرا بر دنیا و روزی کن مرا

خيرها وكره الي الكفر والفسوق والعصيان واجعلني من الراشدين اللهم

خیر آن را و ناخوش دار بسوی من کفر و فسوق و نافرمانی را و بگردان مرا از رشیدان خداوندا

قوني لعبادتك واستعملني في طاعتك وبلغني الذي ارجو من رحمتك يا ارحم

قوت ده مرا از برای عبادت خود و بکار دار مرا در فرمانبرداری خود و برسان مرا بآنچه امید دارم از رحمت تو ای رحم کننده

الراحمين اللهم اني اسئلك الري يوم الظماء والنجاة يوم الفزع الاكبر

رحم کنندگان خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم تو را سیرابی در روز تشنگی و رستگاری در روز جزع بزرگ

والفوز بالجنة يوم الحساب والامن يوم الخوف واسئلك النظر الى

و رستگاری در بهشت روز حساب و ایمنی از روز ترس و سؤال میکنم تو را نظر کردن بسوی

وجهك الكريم والخلود في جنتك في دار المقامة من فضلك والسجود يوم

ذات تو که کریم است و همیشه بودن در بهشت تو در خانه اقامت از فضل تو و سجود در روزی که

يكشف عن ساق والظل يوم لا ظل الا ظلك ومرافقة انبيائك ورسلك

که ظاهر میشود از ساق و سایه را روزی که نیست سایه مگر سایه تو و رفاقت پیغمبران تو و رسولان تو

واوليائك اللهم اغفر لي ما قدمت من ذنوبي وما اخرت وما اسررت

و دوستان تو خداوندا بیامرز از برای من آنچه پیش کرده ام از گناهان و آنچه آخر کردم و آنچه پنهان کردم

وما اعلنت وما اسرفت على نفسي وما انت اعلم به مني وارزقني التقى

و آنچه علانیه کردم و آنچه از حد در گذشتم بر نفس خودم و آنچه تو داناتری بآن از من و روزی کن مرا پرهیزکاری

والهدى والعفاف والغنى ووفقني للعمل ما تحب وترضى اللهم اصلح

و هدایت و عفت و بی نیازی و توفیق ده مرا از برای کردن آنچه دوست میداری و خوشنود میشوی خداوندا اصلاح کن

لي ديني الذي هو عصمة امري واصلح لي دنياي التي فيها معاشي واصلح لي آخرتي

از برای من دین مرا که اوست نگاهدارنده امر من و باصلاح آر از برای من دنیای مرا که در اوست زندگانی من و باصلاح آر از برای من آخرت مرا

التي اليها منقلبي واجعل الحيوة زيادة لي في كل خير واجعل الموت راحة

که بسوی اوست برگشتن من و بگردان زندگی را زیادتی از برای من در هر نیکی و بگردان مرگ را راحت

لي من كل سوء اللهم اني اسئلك يا رب الارباب ويا سيد السادات

از برای من از هر بدی خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم تو را ای پروردگار پروردگاران و ای بهتر بزرگان

ويا مالك الملوك ان ترحمني وتستجيب لي وتصلحني فانه لا يصلح من صلح

و ای پادشاه پادشاهان اینکه رحم کنی مرا و اجابت کنی از برای من و اصلاح کنی مرا پس بدرستی که باصلاح نیاورد کسی که صالح گردد

من عبادك الا انت فانك انت ربي وثقتي ورجائي ومولاي وملجاي ولا راحم

از بندگان تو مگر تو پس بدرستی که تو توئی پروردگار من و اعتمادگاه من و امید من و آقای من و پناه من و نیست رحم کننده

لي غيرك ولا مغيث لي سواك ولا مالك سواك ولا مجيب الا انت انا عبدك

از برای من غیر تو و نیست فریادرسی از برای من غیر تو و نیست پادشاهی غیر تو و نیست اجابت کننده مگر تو من بنده تو

وابن عبدك وابن امتك الخاطئ الذي وسعته رحمتك وانت العالم بحالي

و پسر بنده تو و پسر کنیز توام خطا کننده که فرو گرفت او را رحمت تو و تو دانائی بحال من

وحاجتي وكثرة ذنوبي والمطلع على اموري كلها فاسئلك يا لا اله الا

و حاجت من و بسیاری گناهان من و مطلع بر کارهای من همه آن پس سؤال میکنم تو را ای آنکه نیست خدائی مگر

انت ان تغفر لي ما تقدم من ذنوبي وما تاخر اللهم لا تدع لي ذنبا الا

تو اینکه بیامرزی از برای من آنچه پیش شد از گناهان من و آنچه موخر است خداوندا وامگذار از برای من گناهی مگر

غفرته ولا هماً الا فرجته ولا حاجة هي لك رضا الا قضيتها ولا عيباً الا
بیامرزی انرا و اندوهی مکر انکه برطرف کنی انرا ونه حاجتی که از برای تو خشنودی است مکر براوردی انرا ونه عیبی مکر
اصلحته اللهم واتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب
اصلاح کنی انرا خداوندا و بده مارا در دنیا نیکی و در اخرت نیکی ونکاه دار ما را از عذاب
النار اللهم اعني على اهوال الدنيا وبوائق الدهور ومصيبات الليالي
اتش خداوندا یاری کن مرا بر هولهای دنیا وبلاهای روزکار ومصیبتهای شبها
والايام اللهم واحرسني من شر ما يعمل الظالمون في الارض فانه لا حول
وروزها خداوندا ونکاهدار مرا از بدی انچه میکنند ستمکاران در زمین پس بدرستی که نیست حولی
ولا قوة الا بك اللهم اني اسئلك ايماناً ثابتاً وعملاً متقبلاً ودعاء
ونه قوتی مکر بتو خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا ایمان ثابت وعمل قبول کرده شده ودعای
مستجاباً ويقيناً صادقاً وقولاً طيباً وقلباً شاكراً وبدناً صابراً ولساناً ذاكراً
مستجاب ویقین راست وکفتار خوش ودل شکر کننده وبدن صبر کننده وزبان ذکر کننده
اللهم انزع حب الدنيا ومعاصيها وذكرها وشهوتها من قلبي اللهم انك بكرمك
خداوندا بکن دوستی دنیا وکناهان انرا ویاد انرا وخواهش اورا از دل من خداوندا بدرستی که تو بکرم خود
تشكر اليسير من عملي فاعف لي الكثير من ذنوبي وكن لي ولياً ونصيراً ومنيعاً و
شکر میکنی اندک را از عمل پس درکذر از برای من بسیار را از کناهان من وباش از برای من دوست ویاری کننده وبخشنده و
حافظاً اللهم هب لي قلباً اشد رهبة لك من قلبي ولساناً ادوم لك ذكراً من
محافظت کننده خداوندا ببخش مرا دل سخت ترسنده تر از برای تو از دل من وزبان دایم تر از برای تو از جهت ذکر از
لساني وجسماً اقوى على طاعتك وعبادتك من جسمي اللهم اني اعوذ بك من
زبان من وجسمی قوی تر بر طاعت تو وعبادت تو از بدن من خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بتو از
زوال نعمتك ومن فجاءة نقمتك ومن تحول عافيتك ومن حلول غضبك و
زوال نعمت تو واز ناکاه رسیدن غضب تو واز کردیدن عافیت تو واز فرود امدن غضب تو و
اعوذ بك من جهد البلاء ودرك الشقاء ومن شماتة الاعداء وسوء القضاء
پناه میبرم بتو از شدت بلا ودرسیدن شقاوت واز شماتت دشمنان وبدی قضا

في الدنيا والآخرة اللهم اني اسئلك باسمك الكريم وعرشك العظيم وملكك
در دنیا واخرت خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بنام تو که کریم است وعرش تو که بزرک است وپادشاهی تو
القديم يا وهاب العطايا ويا مطلق الاسارى ويا فكاك الرقاب ويا كاشف
که قدیم است ای بسیار بخشاینده عطاها ای رها کننده اسیران وای ازاد کننده کردنها وای برطرف کننده
العذاب اسئلك ان تخرجني من الدنيا سالماً غانماً وان تدخلني الجنة برحمتك
عذاب سؤال میکنم ترا انکه بیرون بری مرا از دنیا بسلامت غنیمت داده شده وانکه داخل کنی مرا در بهشت برحمت تو
امناً وان تجعل اول شهري هذا صلاحاً واوسطه فلاحاً واخره نجاحاً انك
ایمن وانکه بکردانی اول ماه من این ماه را صلاح ومیان اورا رستکاری واخر اورا حاجت برامدن بدرستی که تو
انت علام الغيوب مؤلف کوید که کلینی بسند صحیح انحضرت صادق علیه السلام روایت کرده است
تویی بسیار دانای پنهانها که حضرت فاطمه صلوات الله علیها هفتاد وپنج روز بعد از حضرت رسالت
صلی الله علیه واله وسلم زنده بود پس بنابر مشهور که وفات حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم
در بیست وهشتم ماه صفر بود باید وفات حضرت فاطمه علیها السلام در سیزدهم یا چهاردهم یا پانزدهم ماه
جمادی الاولی باشد پس زیارت انحضرت درین ایام مناسبست خصوصا در چهاردهم که ظاهرتر است
وشیخ مفید علیه الرحمه کفته است که در شب پانزدهم اینماه حضرت امام زین العابدین صلوات
الله علیه متولد شده است وروز شریفیست ومستحبست که روزه بدارند واعمال خیر از عبادت و
تصدقات بجا اورند وشیخ طوسی رحمه الله کفته است که فتح بصره برای امیر المؤمنین علیه السلام نیز درین روز
میسر شد مؤلف کوید که زیارت هر دو امام علیهما السلام درین روز مناسبست واکر زیارت جامعه را درین
ایام بخوانند چنانچه مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی بعبارات فصل نهم در اعمال ماه جمادی
الثانیه است سید ابن طاوس رضی الله عنه روایت کرده است که در اینماه در هر روز که خواهد سنتست
که چهار رکعت نماز بکند یعنی بدو سلام ودر هر رکعت اول بعد از سوره حمد یکمرتبه ایة الکرسی بخواند و
بیست وپنج مرتبه انا انزلناه ودر رکعت دویم یکمرتبه الهکم التکاثر وبیست وپنج مرتبه قل هو الله ودر
رکعت سیم یکمرتبه قل یا ایها الکافرون وبیست وپنج مرتبه قل اعوذ برب الفلق ودر رکعت چهارم
یکمرتبه اذا جاء نصر الله وبیست وپنج مرتبه قل اعوذ برب الناس وبعد از سلام رکعت چهارم هفتاد
مرتبه بکوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر وهفتاد مرتبه اللهم صل

اعمال ماه جمادی الثانیه

علی محمدٍ وآلِ محمدٍ پس سه مرتبه بگوید اللّهمّ اغفر للمؤمنینَ والمؤمناتِ پس سر بسجده
گذارد وسه مرتبه بگوید یا حیُّ یا قیّومُ یا ذا الجلالِ والاکرامِ یا اللهُ یا رحمنُ یا رحیمُ یا ارحمَ
الرّاحمینَ پس هر حاجت که دارد از حق تعالی طلب نماید هرکه چنین کند خدا خودش را وما لش را
وزنان وفرزندان اورا ودین ودنیای اورا حفظ کند واگر در این سال بمیرد بر شهادت بمیرد یعنی
ثواب شهیدان داشته باشد وشیخ بزرگوار محمد بن جریر طبری در کتاب دلائل الامامه بسند معتبر
از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که ولادت با سعادت حضرت فاطمه صلوات الله علیها
در بیستم ماه جمادی الثانیه واقع شد وشهادت آنحضرت در سیم این ماه نیز واقع شد وشیخ طوسی و
سید ابن طاوس ودیگران نیز چنین روایت کرده اند واگرچه وفات منا فی دروایتی است که سابقا
ذکر کردیم اما چون مشهور است وروایت معتبر دارد باید در روز سیم هر اسم تعزیت آنحضرت قیام نمایند
وزیارت آنحضرت بکنند ولعن بسیاری بر قاتلان آنحضرت وغاصبان حق او بکنند خصوصا ابوبکر
وعمر وقنفذ غلام عمر ودر روز بیستم آنحضرت را زیارت کنند چنانچه شیخ مفید گفته است اظهار سرور و
خوشحالی بکنند وروزه بدارند وتصدقات واعمال خیر بکنند وزیارت آنحضرت بدو طریق وارد
شده است اول آنکه سید ابن طاوس روایت کرده است السّلامُ علیکِ یا سیّدةَ نساءِ
هرکه آنحضرت را زیارت کند باین زیارت که بگوید سلام بر تو ای بهترین زنان
العالمینَ السّلامُ علیکِ یا والدةَ الحججِ علی النّاسِ اجمعینَ السّلامُ علیکِ ایّتها
عالمان سلام بر تو ای والده حجتها بر مردمان همه سلام بر تو ای
المظلومةُ الممنوعةُ حقّها پس اللّهمّ صلِّ علی امتکَ وابنةِ نبیّکَ وزوجةِ
ستم کشیده منع کرده شده از حق خود بگوید خداوندا درود فرست بر کنیز خود ودختر پیغمبر خود وجفت
وصیِّ نبیّکَ صلوةً تزلفها فوقَ زلفی عبادکَ المکرمینَ منْ اهلِ السّمواتِ واهلِ
وصی پیغمبر خود درودی که نزدیک کند اورا بالاتر نزدیکی بندگان تو که گرامی اند از اهل آسمانها واهل
الارضینَ پس طلب آمرزش کند از خدا حق تعالی گناهان اورا بیامرزد واورا داخل بهشت گرداند و
زمینها این زیارت مختصر معتبر است وهر وقت میتوان کرد دویم زیارت مبسوطیست که علما ذکر کرده اند
در کتب زیارات وسندش بنظر فقیر نرسیده وآن زیارت اینست السّلامُ علیکِ یا بنتَ رسولِ اللهِ السّلامُ علیکِ
سلام بر تو ای دختر رسول خدا سلام بر تو

یا بنتَ نبیِّ اللهِ السّلامُ علیکِ یا بنتَ حبیبِ اللهِ السّلامُ علیکِ یا بنتَ
ای دختر پیغمبر خدا سلام بر تو ای دختر دوست خدا سلام بر تو ای دختر
خلیلِ اللهِ السّلامُ علیکِ یا بنتَ صفیِّ اللهِ السّلامُ علیکِ یا بنتَ امینِ اللهِ
دوست خدا سلام بر تو ای دختر برگزیده خدا سلام بر تو ای دختر امین خدا
السّلامُ علیکِ یا بنتَ خیرِ خلقِ اللهِ السّلامُ علیکِ یا بنتَ افضلِ انبیاءِ اللهِ
سلام بر تو ای دختر بهترین خلق خدا سلام بر تو ای دختر بهترین پیغمبران خدا
السّلامُ علیکِ یا بنتَ خیرِ البریّةِ السّلامُ علیکِ یا سیّدةَ نساءِ العالمینَ
سلام بر تو ای دختر بهترین خلایق سلام بر تو ای بهترین زنان عالمیان
منَ الاوّلینَ والآخرینَ السّلامُ علیکِ یا زوجةَ ولیِّ اللهِ وخیرِ خلقهِ بعدَ
از پیشینیان وپسینیان سلام بر تو ای جفت ولی خدا وبهترین خلق او بعد از
رسولِ اللهِ السّلامُ علیکِ یا امَّ الحسنِ والحسینِ سیّدی شبابِ اهلِ الجنّةِ
رسول خدا سلام بر تو ای مادر حسن وحسین بهترین جوانان اهل بهشت
السّلامُ علیکِ یا امَّ المؤمنینَ السّلامُ علیکِ ایّتها الصّدّیقةُ الشّهیدةُ
سلام بر تو ای مادر مؤمنان سلام بر تو ای راستگوی شهید
السّلامُ علیکِ ایّتها الرّضیّةُ المرضیّةُ السّلامُ علیکِ ایّتها الصّادقةُ
سلام بر تو ای خوشنود پسندیده سلام بر تو ای راستگوی
الرّشیدةُ السّلامُ علیکِ ایّتها الفاضلةُ الزّکیّةُ السّلامُ علیکِ
رشید سلام بر تو ای فاضله پاکیزه سلام بر تو
ایّتها الحوراءُ الانسیّةُ السّلامُ علیکِ ایّتها التّقیّةُ النّقیّةُ السّلامُ
ای حوری انسان سلام بر تو ای پرهیزکار پاکیزه سلام
علیکِ ایّتها المحدّثةُ العلیمةُ السّلامُ علیکِ ایّتها المعصومةُ المظلومةُ
بر تو ای حدیث کرده شده دانا سلام بر تو ای معصومه ستم رسیده
السّلامُ علیکِ ایّتها الطّاهرةُ المطهّرةُ السّلامُ علیکِ ایّتها المضطهدةُ
سلام بر تو ای پاک پاک گردانیده شده سلام بر تو ای قهر کرده شده

المغضوبة السلام علیك ایتها الغراء الزهراء السلام علیك یا فاطمة
عضب کرده شده سلام بر تو ای سفید شکوفه سلام بر تو ای فاطمه
بنت محمد رسول الله وبرکاته صلی الله علیك یا مولاتی وابنة مولای
دختر محمد رسول خدا و برکتهای او درود فرستاد خدا بر تو ای آقای من و دختر آقای من
وعلی روحك وبدنك اشهد انك مضیت علی بینة من ربك وان من سرك
و بر روح تو و بدن تو گواهی میدهم که تو گذشتی بر بینه از پروردگار خود و بدرستی که کسی که خوشحال کند
فقد سر رسول الله ومن جفاك فقد جفا رسول الله صلی الله علیه وآله
پس بتحقیق که خوشحال کرده رسول خدا را و کسی که جفا کند ترا پس بتحقیق که جفا کرده رسول خدا را درود فرستاد خدا بر او و آل او
ومن اذاك فقد اذی رسول الله ومن وصلك فقد وصل رسول الله و
و کسی که آزار کرد ترا پس بتحقیق که آزار کرد رسول خدا را و کسی که وصل کرد ترا پس بتحقیق که وصل کرده با رسول خدا و
من قطعك فقد قطع رسول الله لانك بضعة منه وروحه التی بین
کسی که جدائی کرد از تو پس بتحقیق که جدائی کرده از رسول خدا از جهت آنکه تو پاره هستی از او و روح اوئی که میان
جنبیه کما قال علیه افضل الصلوة واکمل السلام اشهد الله وملائکته
دو پهلوی اوست چنانکه گفته بر او بهترین درود و کاملترین سلام گواه میگیرم خدا را و فرشتگان او را
انی ولی لمن والاك وعدو لمن عاداك وحرب لمن حاربك انا یا مولاتی
که دوستم برای کسی که دوستی کرد ترا و دشمنم از برای کسی که دشمنی کرد با تو و جنگم با کسی که جنگ کرد با تو من ای آقای من
بك وبابیك وبعلك والائمة من ولدك موقن وبولایتهم مؤمن و
بتو و بپدر تو و شوهر تو و پیشوایان از اولاد تو یقین دارنده ام و بدوستی ایشان ایمان آورنده ام
لطاعتهم ملتزم اشهد ان الدین دینهم والحکم حکمهم وهم قد بلغوا
و طاعت ایشان را ملازمم گواهی میدهم بدرستی که دین دین ایشانست و حکم حکم ایشانست و ایشان بتحقیق که رسانیدند
عن الله عز وجل ودعوا الی سبیل الله بالحکمة والموعظة الحسنة لا
از خدای غالب بزرگ و خواندند بسوی راه خدا بدانشمندی و موعظه نیکو
تاخذهم فی الله لومة لائم وصلوات الله علیك وعلی ابیك وبعلك وذریتك
نگرفت ایشان را در راه خدا سرزنش سرزنش کننده و درود خدا بر تو و بر پدر تو و شوهر تو و فرزندان تو

الائمة الطاهرین اللهم صل علی محمد واهل بیته وصل علی البتول الطاهرة
پیشوایان پاکان خداوندا درود فرست بر محمد و اهلبیت او و درود فرست بر بتول پاکیزه
الصدیقة المعصومة التقیة النقیة الرضیة الزکیة الرشیدة المظلومة
راست گوی نگاه داشته شده پرهیزکار پاکیزه پسندیده پاکیزه رشید ستم رسیده
المقهورة المغصوبة حقها الممنوعة ارثها المکسورة ضلعها المظلوم بعلها المقتول
قهر کرده شده غصب کرده شده حق او منع کرده شده ارث او شکسته شده استخوان پهلوی او ستم رسیده شوهر او کشته شده
ولدها فاطمة بنت رسولك وبضعة لحمه وصمیم قلبه وفلذة کبده و
فرزند او فاطمه دختر رسول تو و پاره گوشت او و صمیم دل او و پاره جگر او و
النخبة منك له والتحفة خصصت بها وصیه وحبیبة المصطفی وقرینة
برگزیده از تو برای او و تحفه مخصوص کرده بآن وصی او و دوست او که برگزیده است و قرین
المرتضی وسیدة النساء ومبشرة الاولیاء حلیفة الورع والزهد وتفاحة
کرده شده است و بهترین زنان و مژده دهنده دوستان خلیفه پرهیزکاری و بیرغبتی در دنیا و سیب
الفردوس والخلد التی شرفت مولدها بنساء الجنة وسللت منها انوار
فردوس و خلدی که مشرف کرده مولد او را بزنان جنت و کشیده از آن نورهای
الائمة وارخیت دونها حجاب النبوة اللهم صل علیها صلوة تزید فی
ائمه را و باز داشتی نزد او حجاب پیغمبری را خداوندا درود فرست بر او درودی که زیاد شود
محلها عندك وشرفها لدیك ومنزلتها من رضاك وبلغها منا تحیة و
محل او نزد تو و شرف او نزد تو و منزلت او از خوشنودی تو و برسان او را از ما تحیت و
سلاما واتنا من لدنك فی حبها فضلا واحسانا ورحمة وغفرانا انك
سلام و بده ما را از نزد تو در دوستی او فضیلت و نیکوئی و رحمت و آمرزش بدرستی که تو
ذو العفو الکریم وسید بن طاوس علیه الرحمه گفته است پس نماز زیارت بکن و اگر تو
صاحب درگذشت بزرگی نماز آنحضرت را بجا آور و آن دو رکعت است و در هر رکعت بعد از حمد فاتحه
شصت مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و اگر نتوانی دو رکعت بکن و در رکعت اول بعد از فاتحه یکمرتبه
سوره قل هو الله احد بخوان و در رکعت دویم یکمرتبه سوره قل یا ایها الکافرون بخوان و بعد از نماز تسبیح

اثحضرت ابکو اللهم اِنّی اتوجّه الیک بنبیّنا محمّدٍ وباهل بیته صلواتک
واینعاد اخوان خداوندا بدرستی که من متوجه شدم بسوی تو به پیغمبر تو محمد وباهل بیت او درود تو
علیهم واسئلک بحقّک العظیم علیهم الّذی لا یعلم کنهه سواک واسئلک
بر ایشان وسوال میکنم ترا بحق تو که بزرگست بر ایشان حقی که نمیدانند کنهه اورا غیر تو وسوال میکنم ترا
بحقّ من حقّه عندک عظیم وباسمائک الحسنی الّتی امرتنی ان ادعوک بها واسئلک
بحق از حق او نزد تو بزرگ ونامهای تو که نیکوست که امر کردی مرا آنکه بخوانم ترا بآن وسوال میکنم ترا
باسمک الاعظم الّذی امرت به ابرهیم ان یدعو به الطّیر فاجابته وباسمک
بنام تو که بزرگست که امر کردی تو باو ابرهیم آنکه بخواند باو مرغ را پس اجابت کردند او را وبنام تو
العظیم الّذی قلت للنّار به کونی بردًا وسلامًا علی ابرهیم فکانت وباحبّ
که بزرگست که گفتی از برای آتش باو باش خنک وسلام بر ابرهیم پس بود وبدوسترین
الاسماء الیک واشرفها واعظمها لدیک واسرعها اجابةً وانجحها طلبةً
نامهای بسوی تو واشرفشان وبزرگ ان نزد تو وسریعتران از روی اجابت وبرآرنده از روی طلب
وبما انت اهله ومستحقّه ومستوجبه واتوسّل الیک وارغب الیک و
وبآنچه تو سزاوار ومستحق او ومستوجب او وتوسل میجویم بسوی تو ورغبت میکنم بسوی تو و
اتضرّع والحّ علیک واسئلک بکتبک الّتی انزلتها علی انبیائک ورسلک
تضرع میکنم والحاح میکنم بر تو وسوال میکنم ترا بکتابهای تو که فرو فرستادی اولا بر پیغمبران تو ورسول تو
صلواتک علیهم من التّورته والانجیل والزّبور والقران العظیم فانّ فیها
درود فرستادی تو بر ایشان از توریة وانجیل وزبور وفرقان بزرگ پس بدرستی که در آنست
اسمک الاعظم وبما فیها من اسمائک العظمی ان تصلّی علی محمّدٍ وال محمّدٍ وان
نام تو که بزرگست وبآنچه در آنست از نامهای تو که بزرگست آنکه درود فرستی بر محمد وال محمد وآنکه
تفرّج عن ال محمّدٍ وشیعتهم ومحبّیهم وعنّی وتفتح ابواب السّماء لدعائی
بگشائی از ال محمد وشیعه ایشان ودوستان ایشان واز من وبگشائی درهای اسمان را از برای دعای من
وترفعه فی علّیّین وتاذن فی هذا الیوم وفی هذه السّاعة بفرجی و
وبلند کنی اورا در علیین ورخصت دهی در این روز ودر این ساعت بفرج من و

اعطانی

اعطائی املی وسؤلی فی الدّنیا والاخرة یا من لا یعلم احدٌ کیف هو وقدرته
عطا کردن من ارزوی مرا وسوال مرا در دنیا وآخرت ای کسی که نمیداند احدی که چگونه ذات او وقوت او
الّا هو یا من سدّ الهواء بالسّماء وکبس الارض علی الماء واختار لنفسه
مگر او ای کسی که بسته هوا را باسمان وپهن کرده زمین را بر آب واختیار کرده از برای نفس خود
احسن الاسماء یا من سمّی نفسه بالاسم الّذی یقضی به حاجة من یدعوه
بهترین نامها را ای کسی که نامیده نفس خود را بنامی که برآورده میشود بآن حاجت کسی که میخواند او را
اسئلک بحقّ ذلک الاسم فلا شفیع اقوی لی منه ان تصلّی علی محمّدٍ وال
سوال میکنم ترا بحق این نام پس نیست شفیع قوی‌تر برای من از آن آنکه درود فرستی بر محمد وال
محمّدٍ وتقضی لی حوائجی وتسمع بمحمّدٍ وعلیٍّ وفاطمة والحسن والحسین وعلیّ بن
محمد وبرآوری از برای من حاجتهای مرا وبشنوی بحق محمد وعلی وفاطمه وحسن وحسین وعلی بن
الحسین ومحمّد بن علیٍّ وجعفر بن محمّدٍ وموسی بن جعفرٍ وعلیّ بن موسی و
الحسین ومحمد بن علی وجعفر بن محمد وموسی بن جعفر وعلی بن موسی و
محمّد بن علیٍّ وعلیّ بن محمّدٍ والحسن بن علیٍّ والحجّة المنتظر لاذنک صلواتک
محمد بن علی وعلی بن محمد وحسن بن علی وحجت انتظار کشیده شده از برای رخصت تو درود تو
وسلامک ورحمتک وبرکاتک علیهم صوتی لیشفعوا الی الیک وتشفّعهم
ورحمت تو وبرکتهای تو بر ایشان صدای مرا از برای آنکه شفاعت کنند از برای من بسوی تو وقبول شفاعت
فیّ ولا تردّنی خائبًا بحقّ لا اله الّا انت پس حاجتهای خود را طلب کن که برآورده است ۵
در من وبر نگردانی مرا ناامید بحق آنکه نیست خدائی مگر تو باب ... در اعمال هر ماهست بدانکه در
وقت ماه نو خواه در شب اول وخواه دویم وخواه سیم مستحب است که دعاهای منقول را بخوانند
وبهترین آن دعای هلال صحیفه کامله است که دعای چهل وسیم است وهفت مرتبه سوره حمد خواندن برای
دفع درد چشم منقولست واندک پنیر خوردن گفته اند مستحبست واز حضرت صادق علیه السلم منقولست
که نیکو لقمه ایست پنیر دهان را شیرین وخوشبو میکند واشتهای طعام میاورد وباعث هضم طعام
میشود وهر که در اول ماه بخورد حاجت او رد نمیشود واز حضرت صادق علیه السلم منقولست که هر که
در شب اول ماه دو رکعت نماز بکند ودر هر رکعت بعد از سوره فاتحه سوره انعام بخواند واز حق تعالی

سؤال کند کہ اورا از مرترسی و دردی ایمن کرداند نہ بیند در اماه امر براکہ مکروه او باشد و از
حضرت امام محمد تقی علیہ السلم منقولست کہ چون ماه تازه در اید در روز اول ماه دو رکعت نماز بکن
و در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه قل هو الله احد بخوان و در رکعت دویم بعد از حمد سی مرتبه انا انزلناه
بخوان و بعد از نماز تصدق بکن چون چنین کنی سلامتی انماه را از حق تعالی خریدهٔ و در روایت دیکر وارد شده
است کہ مستحبست کہ بعد ازین بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا
دو رکعت این دعا بخوانند بنام خدای بخشنده مهربان و نیست از جنبنده در زمین مکر
عَلَى اللّٰهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ بِسْمِ اللّٰهِ
بر خداست روزی او و میداند مکان قرارکاه او و جای ودیعت او همه در کتاب مبین است بنام خدای
الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللّٰهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ
روزی دهنده مهربان و اکر بکا هلاد رسانه خدا بضرر پس نیست برطرف کننده از برای ان مکر او و اکر اراده کند ترا
بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ
بر نیکی پس نیست رد کننده از برای بخشش او و اسکه برساو کسی را که میخواهد از بندکان خود و اوست امرزنده مهربان
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ سَيَجْعَلُ اللّٰهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا
بنام خدای دم کننده مهربان زود میکرداند خدا بعد از تنکی اسانی را انچه خواست خدا شد نیست توانائی مکر
بِاللّٰهِ حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ
بخدا بس است ما را خدا و خوب وکیلست و واکذارم کار خود را بسوی خدا بدرستیکه خدا بیناست بر بندکان
لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ
نیست خدائی مکر تو منزهی تو بدرستی کہ من هستم از ستمکاران پروردکار بدرستی کہ من از برای انچه فرو فرستادی بسوی من
خَيْرٍ فَقِيرٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ و بدانکه انجمله سنتهای
خیر محتاجم پروردکارا مرا تنها مکذار و تو بهترین وارثانی مؤکدہ کہ حضرت رسول
صلی الله علیه واله بران مواظبت نمود تا از دنیا رفت روزهٔ سه روز در هر ماهست و انچه موافق
مشهور پنجشنبه اول ماه و پنجشنبه اخر ماه و چهارشنبه اول از دههٔ میان ماهست و در
بعضی از روایات عکس این نیز وارد شده است اعنی چهارشنبه اول و چهارشنبه اخر و پنجشنبه
اول از دههٔ میان و اول اشهر و بهتر است و سنن انحضرت تالی واجبات است در فضیلت و تاکید و

انحضرت

انحضرت نماز سنت را در هر شب و روز دو برابر نماز واجب مقرر فرموده است هشت رکعت
نافله پیش از نماز ظهر و هشت رکعت پیش از نماز عصر و چهار رکعت بعد از نماز شام و دو رکعت
وتیره بعد از نماز خفتن و چون نشسته کرده میشود برابر یک رکعت و یازده رکعت نماز شب و
دو رکعت پیش از نماز صبح و اینها متمم فریضه اند و در ثواب و تاکید مثل انند و مانند فریضه اکر
ترک کند سنت است کہ قضا کند و از برای ترک ان کفاره یک مد از کندم یا جو برای نافلهٔ روز بکید
از برای نافلهٔ شب مقرر کرده اند و همچنین روزهٔ سنت دو برابر روزه واجبست کہ تمام ماه شعبان
است و در ده ماه دیکر هر ماه سه روز و اکر فوت شود سنت است کہ قضا کند و اکر دشوار باشد
بدل هر روز یک مد بدهند کہ بحساب زر ده دانکی سه لیتی و سه نار باشد و بحساب زرهای
ناقص این زمان احوط چهار ده غاز بکی است یا یک مد کندم کہ بحساب وسط صد درم بوزن قدیم اصفهان
باشد و اکر صد درم شاه بدهند احوط است و در هم دادن بهتر است و بسند صحیح از حضرت صادق
علیه السلم منقولست کہ حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم مدتی روزهٔ سنت انقدر کرفت
کہ مردم کمان کردند کہ هرکز افطار نخواهد کرد و مدتی افطار کرد کہ کمان کردند کہ دیکر روزهٔ سنت نخواهد
کرفت پس مدتی روزهٔ حضرت داود علیه السلم کرفت کہ یکروز روزه میداشت و یکروز افطار میفرمود
پس در اخر عمر اکتفا نمود بر روزهٔ سه روز در هر ماه بنحوی کہ کذشت تا انکه بر امت اسان باشد
متابعت انحضرت و فرمود کہ این روزه ثوابش برابر است با روزهٔ تمام سال و وساوس شیطانی را از
سینه برطرف میکند راوی پرسید کہ کدام روزهاست فرمود پنجشنبه اول و چهارشنبه اول
دههٔ دویم و پنجشنبه اخر پرسید کہ چرا این روزها را روزه میدارند فرمودند برای انکه عذاب
بر امتهای سابق در این روزها نازل میشده است پس امر کرد کہ در این روزها روزه بدارند
برای دفع عذاب و در روایت دیکر فرمود کہ پنجشنبه را برای این روزه میدارند کہ اتش جهنم در
روز چهارشنبه خلق شده است و روزه سپر اتش جهنم است و بروایت دیکر هر عذاب کہ بر امتهای کذشته
نازل شده است در چهارشنبه میان ماه نازل شده است و اکر در دههٔ اول دو پنجشنبه بوده باشد
پنجشنبه اول را کرفتن بهتر است و اکر میسر نشود پنجشنبه دویم را بکیرند و اکر در دههٔ اخر دو پنجشنبه بوده
باشد موافق مشهور پنجشنبه دویم افضل است چنانکه در حدیث صحیح وارد شده است و در روایت
دیکر وارد شده است کہ پنجشنبه اول بهتر است و بعضی حمل کرده اند بر صورتی کہ محتملات پنجشنبه

اعلم انکه ان بادر از ... عرض میکنند و چهارشنبه میان از برای ان روزه میدارند کہ ...

دویم اول ماه دیگر باشد و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسی که در هر ماه
این سه روز را روزه دارد باید که با هیچکس مجادله نکند و سفاهت و تندخویی و بیخردی نکند
و مبادرت نکند بسوگند خوردن بخدا و اگر کسی با او سفاهت و بیخردی کند در گذرد و معارضه
نکند و اگر در این ایام روزه باشد و بخانهٔ برادر مؤمن وارد شود و او تکلیف کند افطار کردن
بهتر است از روزه داشتن بهفتاد برابر یا نود برابر چنانچه در حدیث معتبر از حضرت صادق ع
منقولست و در حدیث صحیح دیگر فرموده که هر که داخل شود بخانهٔ برادر مؤمن خود و روزه باشد
و افطار کند و اظهار نکند که من روزه ام که بر او منت گذارد حق تعالی ثواب روزهٔ یکسال برای
او بنویسد و اگر این سه روز را در اول ماه یا میان ماه یا آخر ماه بعمل آورد خوبست و فی الجمله
متابعت سنت کرده است و ثواب روزهٔ سال می یابد چنانچه حق تعالی فرموده است مَن جَاءَ
بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا یعنی هر که حسنه بدرگاه خدا بیاورد برای او هست ده برابر آن
و این مضمون در احادیث بسیار وارد شده است اما بهتر آنست که بنحوی باشد که اول مذکور شد
و از جملهٔ روزهای سنت هر ماه روزه ایام البیض است یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم
ماه و احادیث در فضیلت این سه روز از طرق عامه و خاصه منقولست و در بعضی از روایات
وارد شده است که چون حضرت آدم علیه السلام مرتکب آن مکروه شد در بهشت و او را بزمین فرستادند
بدنش سیاه بود یا بعد از قبول توبه خط سیاهی از سر تا پای او مانده بود چون ملائکه آن حالت
را در او دیدند خروش بر آوردند و گریستند و استغاثه کردند بدرگاه حق تعالی پس منادی از آسمان
ندا کرد که امروز را روزه بدار و آن روز سیزدهم ماه بود چون روزه داشت ثلث آن سیاهی برطرف
شد پس در روز چهاردهم ندا رسید که امروز را نیز روزه بدار چون روزه داشت یک ثلث دیگر بر
طرف شد پس در روز پانزدهم باز باو ندا رسید چون روزه داشت تمام سیاهی برطرف شد پس باو
ندا رسید از آسمان که ای آدم روزهٔ این سه روز را برای تو و فرزندان تو مقرر کردم هر که در
هر ماه این سه روز را روزه بدارد چنان باشد که در تمام عمر خود روزه باشد و ابن بابویه
علیه الرحمه گفته است که روزهٔ دو پنجشنبه و چهارشنبه بدل ایام البیض مقرر شده است و منافات
ندارد که هر دو سنت باشد و دو پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبه میان بهتر باشد اما اکثر احادیث
ایام البیض از طرق عامه است و ابن طاوس علیه الرحمه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم

روایت کرده است که جبرئیل علیه السلام بر من نازل شد و گفت بگو بعلی علیه السلام که روزه بدارد از هر ماه
سه روز تا نوشته شود برای تو بسبب روزهٔ روز اول روزهٔ ده هزار سال و بروزهٔ روز
دویم سی هزار سال و بروزهٔ روز سیم صد هزار سال حضرت امیر گفت یا رسول الله این مخصوص
منست یا برای همه کس است حضرت فرمود که هر که از شیعیان تو این روزها را روزه بدارد
این ثواب برای او خواهد بود گفت کدام روزهاست از ماه فرمود که سیزدهم و چهاردهم
و پانزدهم است و از جمله روزهای مرغوب روزهٔ روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه است برای
کسی که حاجتی داشته باشد چنانکه در ربیع الاسابیع در ضمن نمازهای حاجت ذکر کرده ام
و مشهور میان علما آنست که هر پنجشنبه و هر جمعه را روزه گرفتن سنت است مگر آنکه موافق
یکی از ایام محرمه یا مکروهه واقع شود و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسی
که اراده عمل خیری داشته باشد مانند تصدق کردن و روزه داشتن و مثل اینها باید که در
روز جمعه بعمل آورد زیرا که ثواب عمل در روز جمعه مضاعف است و ابن جنید رحمه الله گفته است
که مستحب نیست روز جمعه را تنها روزه گرفتن و اگر ملحق سازد بآن یک روز پیش یا یک روز بعد را
جایز است و گفته است استحباب روزهٔ روز دوشنبه و پنجشنبه منسوخ است و روزهٔ روز
شنبه نهی از آن وارد شده است مؤلف گوید که اگر چه ابن جنید گفته خلاف مشهور میان علماست
و شیخ طوسی علیه الرحمه در مصباح گفته است که ترغیب در روزهٔ روز جمعه وارد شده است و بهتر
آنست که آنها را تنها روزه ندارند مگر آنکه یک روز پیشتر روزه بدارند و گمان فقیر آنست که نهی از
تنها گرفتن روزهٔ روز جمعه محمول بر تقیه است زیرا که سنیان این حدیث را از ابوهریره نقل
کرده اند و بعضی از علما نهی از روزهٔ روز جمعه را حمل کرده اند بر آنکه کراهت آن در صورتیست که او را
ضعیف گرداند از فرایض و نوافل و دعاهای روز جمعه و این حمل بد نیست و اما روز دوشنبه
احادیث بر نهی از روزهٔ آن واقع شده است و بهتر ترک است خصوصا هرگاه بقصد برکت روز دوشنبه
باشد مگر آنکه با روز متبرکی از روزهای ماه موافق شود مثل غدیر و مبعث و مولد و امثال اینها
و نهی از روزهٔ روز شنبه بنظر فقیر نرسیده اما فضیلتی هم در روزهٔ آن بخاطر ندارم مگر آنچه
شیخ مفید قدس سره روایت کرده است که هر که در یکی از ماههای حرام یعنی رجب و ذی القعده
و ذی الحجه و محرم پنجشنبه و جمعه و شنبه را روزه بدارد حق تعالی برای او ثواب عبادت نهصد سال

در بیان زیارات حضرت رسول و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین

بنویسد باب یازدهم در بیان زیارات حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم است بغیر آنچه
سابقا مذکور شد بدانکه زیارت حضرت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم و ائمه هدی صلوات
الله علیهم در همه اوقات از نزدیک و دور مستحب است واکر بعد از غسل باشد افضل است خصوصا
در شب و روز جمعه وسایر ایام ولیالی متبرکه و در کتاب تحفة الزائر بتفصیل ذکر کرده ام و در این
مقام بذکر چند زیارت بعید و زیارت جامعه و دعای ندبه و صلوات فرستادن بر ایشان
اکتفا مینمایم اما زیارت حضرت رسالت صلی الله علیه واله وسلم از حضرت رسول صلی الله علیه
واله وسلم منقولست که خدا را ملکی چند هست که میکردند در زمین و هر که از امت من بر من سلام
میفرستد بمن میرسانند و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که ملکی از ملائکه
از خدا سؤال نمود که هرچه بندکان خدا کویند او بشنود و حق تعالی با و عطا کرد پس آن ملک ایستاده
تا روز قیامت و هر که از مؤمنان بکوید صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ البته آن ملک
میکوید وَعَلَيْكَ یعنی بر تو باد نیز سلام پس آن ملک میکوید یا رسول الله فلان شخص سلام رسانیده
است بر شما پس حضرت میفرماید وَعَلَيْهِ السَّلَامُ یعنی بر او باد نیز سلام و بسند معتبر از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم فرمود که
هر که در هر جای زمین بر من سلام کند بمن میرسد و هر که نزد قبر من بر من سلام کند من میشنوم
و در حدیث حسن از حضرت منقولست که حضرت صادق علیه السلام مرا فرمود که در مسجد رسول خدا
صلی الله علیه واله وسلم بسیار نماز کن تا توانی و فرمود که همیشه ترا میسر نمیشود که باین مکان
شریف بیائی و فرمود که نزد قبر حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم میروی کفتم بلی فرمود که بلند مکن
که سلام که از نزدیک میکنی آنحضرت میشنود واکر دور باشی سلامت بآنحضرت میرسد و در حدیث
معتبر دیکر از آنحضرت منقولست که بروید بمدینه و سلام کنید بر رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم
هر چند صلوات مؤمنان در هر جا که بفرستند بآنحضرت میرسد و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست
که صلوات فرستید بر حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم در پهلوی قبر آنحضرت هر چند صلوات
مؤمنان هر جا که باشند بآنحضرت میرسد و این حدیث احتمال آن نیز دارد که در نزدیک و دور نماز
کند و ثواب آن را هدیه روح مقدس آنحضرت کند و احادیث صلوات و سلام بر آنحضرت و زیارت آنحضرت
در شهرهای دور بسیار است و بسند صحیح منقولست که ابن ابی نصر بخدمت حضرت امام رضا صلوات الله علیه

عرض کرد که بعد از نماز چکونه صلوات و سلام بر حضرت رسول اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ وَ
خدا صلی الله علیه واله وسلم باید فرستاد فرمود که میکوئی سلام بر تو ای رسول خدا و
رَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خِيَرَةَ
رحمت خدا و برکتهای او سلام بر تو ای محمد پسر عبد الله سلام بر تو ای برکزیده
اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِفْوَةَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ
خدا سلام بر تو ای دوست خدا سلام بر تو ای برکزیده خدا سلام
عَلَيْكَ يَا اَمِينَ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ رَسُولُ اللّٰهِ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللّٰهِ
بر تو ای امین خدا کواهی میدهم که توئی رسول خدا و کواهی میدهم که توئی محمد پسر عبد الله
وَاَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِاُمَّتِكَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ وَعَبَدْتَهُ حَتّٰى اَتَاكَ
و کواهی میدهم که تو بتحقیق نصیحت کردی مر امت خود را و جهاد کردی در راه پروردکار خود و عبادت کردی او را تا آمد ترا
الْيَقِينُ فَجَزَاكَ اللّٰهُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ اَفْضَلَ مَا جَزٰى نَبِيًّا عَنْ اُمَّتِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
مرک پس جزا دهد ترا خدا ای رسول خدا بهتر آنچه جزا داده پیغمبری را از امت او خداوندا رحمت فرست
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيمَ وَآلِ اِبْرٰهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ
بر محمد و آل محمد بهتر آنچه درود فرستاده بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستی که توئی پسندیده بزرک
و در روایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که خواهد زیارت کند قبر حضرت رسول
و قبر امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین را و قبرهای حجتهای خدا را صلوات الله علیهم اجمعین
و او در شهر خود باشد پس غسل کند در روز جمعه و دو جامه پاکیزه بپوشد و بیرون رود اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
بصحرائی پس چهار رکعت نماز بکذارد با هر سوره که میسر شود پس بایستد رو بقبله و بکوید سلام بر تو
اَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ الْمُرْسَلُ وَالْوَصِيُّ الْمُرْتَضٰى
ای پیغمبر و رحمت خدا و برکتهای او سلام بر تو ای پیغمبر فرستاده شده و وصی پسندیده
وَالسَّيِّدَةُ الزَّهْرَاءُ وَالسِّبْطَانِ الْمُنْتَجَبَانِ وَالْاَوْلَادُ الْاَعْلَامُ وَالْاُمَنَاءُ الْمُنْتَجَبُونَ
و بهترین زنان زهرا و دو فرزند برکزیده و فرزندان که نشانها و امینان برکزیده اند
جِئْتُ انْقِطَاعًا اِلَيْكُمْ وَاِلٰى آبَائِكُمْ وَوَلَدِكُمُ الْخَلَفِ عَلٰى بَرَكَةِ الْحَقِّ فَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ
آمدم نزد شما منقطع بسوی شما و بسوی پدران شما و فرزندان شما که خلفاست بر برکت حق پس دل من از برای شما تسلیم کننده

وَنُصْرَتِی لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتّٰى یَحْكُمَ اللّٰهُ لِدِینِهِ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ إِنِّی لَمِنَ الْقَائِلِینَ
و یاری من از برای شما مهیا تا آنکه حکم کند خدا از برای دین خود پس با شمایم با شمایم نه با دشمن شما بدرستیکه من از قایلان
بِفَضْلِكُمْ مُقِرٌّ بِرَجْعَتِكُمْ لَا أُنْكِرُ لِلّٰهِ قُدْرَةً وَلَا أَزْعُمُ إِلَّا مَا شَاءَ اللّٰهُ سُبْحَانَ اللّٰهِ
بفضل شمایم اقرار کننده ام برجعت شما نمیتم منکر از برای خدا قدرتی را و گمان نمیکنم مگر آنچه خواست خدا منزهست خدا
ذِی الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ یُسَبِّحُ اللّٰهَ بِأَسْمَائِهِ جَمِیعُ خَلْقِهِ وَالسَّلَامُ عَلٰى أَرْوَاحِكُمْ
صاحب پادشاهی و ملکوت تسبیح میکنند خدا را بنامهای او همه خلق او و سلام بر روحهای شما
وَأَجْسَادِكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ و در روایت دیگر وارد
و بدنهای شما و سلام بر شما و رحمت خدا و برکتهای او شده است که این زیارت را
در بام خانه خود بکن و زیارت حضرت فاطمه صلوات الله علیها سابقا مذکور شد اما زیارت
حضرت امام حسین صلوات الله علیه علیه بسندهای معتبر از سدیر صراف منقولست که گفت حضرت
صادق علیه السلام فرمود که چه مانع است ترا از آنکه زیارت کنی قبر امام حسین علیه السلام را در هر هفته پنج مرتبه
یا در هر روز یکمرتبه گفتم فدای تو شوم میان من و آنحضرت فرسخهای بسیار هست فرمود که بالا میروی
ببام خانه خود پس ملتفت میشوی بجانب راست و چپ خود پس سر خود را السَّلَامُ عَلَیْكَ یَا أَبَا عَبْدِ
بسوی آسمان بلند میکنی پس رو بجانب قبر آنحضرت میکنی و میگوئی ٥ سلام بر تو ای اباعبد
اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ
الله سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو و رحمت خدا و برکتهای او
تا نوشته شود برای تو ثواب حجی و عمره سدیر گفت که بسیار است که من در روزی زیاده از بیست مرتبه
چنین زیارت میکنم و بسند صحیح از آنحضرت منقولست که هرگاه کسی خانه اش بعید و خانه اش دور باشد از ما پس بالا رود
ببام خانه خود و دو رکعت نماز بگذارد و اشاره کند بسلام بسوی قبرهای ما السلام بما میرسد و در
حدیث معتبر منقولست از سلیمان بن عیسی که گفت پدرم عرض کرد بخدمت حضرت صادق علیه السلام
که چگونه ترا زیارت کنم هرگاه قادر بر آمدن بخدمت تو نباشم فرمود که ای عیسی هرگاه قادر بر آمدن
نباشی چون روز جمعه شود غسل کن یا وضو بساز و بالا رو ببام خانه خود و دو رکعت نماز بکن
پس متوجه شو بسوی من بدرستی که هر که مرا زیارت کند در حیات من چنانست که مرا زیارت کرده است
بعد از موت من و کسی که مرا زیارت کند بعد از موت من چنانست که مرا زیارت کرده باشد در حیات من

مؤلف گوید که این حدیث دلالت میکند بر آنکه در این زمانها حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه را در همه
موضع زیارت توان کردن و اگر رو بسامره کند در وقت زیارت بهتر است و بعضی از زیارات مخصوصه
آنحضرت مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی و در حدیث معتبر دیگر روایت است که حضرت صادق علیه السلام
بسدیر فرمود که بسیار زیارت میکنی قبر حسین بن علی علیهما السلام را گفت از بسیاری شغل مرا مقدور نمیشود
فرمود که میخواهی ترا چیزی تعلیم نمایم که هرگاه بکنی از برای تو ثواب زیارت آنحضرت نوشته شود گفت بلی
فدای تو شوم فرمود که غسل بکن در خانه خود و بالا رو ببام خانه خود و اشاره کن بجانب آنحضرت بسلام
کردن تا نوشته شود برای تو ثواب زیارت و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حنان بن سدیر رفت
بخدمت حضرت صادق علیه السلام و نزد آنحضرت جماعتی از اصحاب او بودند پس فرمود ای حنان زیارت میکنی حضرت
امام حسین علیه السلام میکنی هر ماه یکمرتبه گفت نه فرمود هر دو ماه یکمرتبه گفت نه فرمود که هر سال یکمرتبه
گفت نه فرمود که چه بسیار جفاکارید بسید و آقای خود گفت یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم
مانع من کمی توشه و دوری مسافتست فرمود که میخواهید که شما را دلالت کنم بر زیارتی که مقبول باشد
هر چند زیارت کننده دور باشد گفت چگونه زیارت کنم یا بن رسول الله فرمود که غسل کن در روز جمعه
یا هر روز که خواهی و بپوش پاکیزه ترین جامهای خود را و بالا رو بر بلندترین السَّلَامُ عَلَیْكَ یَا مَوْلَایَ
بامهای خانه خود یا برو بصحرائی و رو بجانب قبر آنحضرت کن و بگو سلام بر تو ای آقای
وَابْنَ مَوْلَایَ وَسَیِّدِی وَابْنَ سَیِّدِی السَّلَامُ عَلَیْكَ یَا مَوْلَایَ یَا قَتِیلَ ابْنَ الْقَتِیلِ
و پسر آقای من و مهتر من و پسر مهتر من سلام بر تو ای آقای من ای کشته شده پسر کشته شده
الشَّهِیدَ ابْنَ الشَّهِیدِ السَّلَامُ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ أَنَا زَائِرُكَ یَا ابْنَ
شهید پسر شهید سلام بر تو و رحمت خدا و برکتهای خدا من زیارت کننده توام ای پسر
رَسُولِ اللّٰهِ بِقَلْبِی وَلِسَانِی وَجَوَارِحِی وَإِنْ لَمْ أَزُرْكَ بِنَفْسِی وَالْمُشَاهَدَةِ لِقُبَّتِكَ فَعَلَیْكَ
رسول خدا بدل خود و زبان خود و اعضای خود و اگرچه زیارت نکردم ترا بنفس خود و حضور در قبه تو پس بر تو باد
السَّلَامُ یَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللّٰهِ وَوَارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللّٰهِ وَوَارِثَ إِبْرَاهِیمَ خَلِیلِ اللّٰهِ
سلام ای وارث آدم برگزیده خدا و وارث نوح پیغمبر خدا و وارث ابراهیم دوست خدا
وَوَارِثَ مُوسٰى كَلِیمِ اللّٰهِ وَوَارِثَ عِیسٰى رُوحِ اللّٰهِ وَكَلِمَتِهِ وَوَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِیبِ
و وارث موسی سخن گوی خدا و وارث عیسی روح خدا و کلمه او و وارث محمد دوست

اللهِ وَنَبِيِّهِ وَرَسُولِهِ وَوَارِثَ عَلِيٍّ اَميرِ المُؤمِنينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ اللهِ وَ
خدا و پیغمبر او و رسول او و وارث علی امیر المؤمنین و وصی رسول خدا و
خَليفَتِهِ وَوارِثَ الحَسَنِ بنِ عَلِيٍّ وَصِيِّ اَميرِ المُؤمِنينَ لَعَنَ اللهُ قاتِليكَ وَجَدَّدَ
خلیفه او و وارث حسن بن علی وصی امیر المؤمنین لعنت کند خدا قاتلان تو را و تازه کند
عَلَيهِمُ العَذابَ في هذِهِ السّاعَةِ وَفي كُلِّ ساعَةٍ اَنا يا سَيِّدي مُتَقَرِّبٌ اِلَى اللهِ
بر ایشان عذاب را در این ساعت و در هر ساعت من ای آقای من نزدیکی کننده ام بسوی خدا
جَلَّ وَعَزَّ وَاِلى جَدِّكَ رَسُولِ اللهِ وَاِلى اَبيكَ اَميرِ المُؤمِنينَ وَاِلى اَخيكَ الحَسَنِ وَ
بزرگ و عزیز و بسوی جد تو رسول خدا و بسوی پدر تو امیر المؤمنین و بسوی برادر تو حسن و
اِلَيكَ يا مَولايَ عَلَيكَ سَلامُ اللهِ وَرَحمَتُهُ وَبَرَكاتُهُ بِزِيارَتي لَكَ بِقَلبي وَ
بسوی تو ای آقای من بر تو باد سلام خدا و رحمت او و برکتهای او بزیارت من مر ترا بدل من و
لِساني وَجَميعِ جَوارِحي فَكُن يا سَيِّدي شَفيعي لِقَبُولِ ذلِكَ مِنّي وَاَنا بِالبَراءَةِ
زبان من و همه اعضای من پس باش ای آقای من شفیع من از برای قبول این از من و من بیزارم
مِن اَعدائِكَ وَاللَّعنَةِ لَهُم وَعَلَيهِم اَتَقَرَّبُ اِلَى اللهِ وَاِلَيكُم اَجمَعينَ
از دشمنان تو و لعنت بر ایشان و بر ایشان نزدیکی میکنم بسوی خدا و بسوی شما همه
فَعَلَيكَ صَلَواتُ اللهِ وَرِضوانُهُ وَرَحمَتُهُ پس انگاه میگردی بجانب چپ خود و رو
پس بر تو باد درود خدا و خشنودی خدا و رحمت او میکردانی بسوی قبر علی بن الحسین علیهما السلام
کاو نزد پای پدر خود مدفون است و سلام میکنی بر او مثل این سلام پس دعا میکنی و میطلبی حاجتها
دنیا و آخرت خود را پس چهار رکعت نماز میگذاری که نماز زیارت هشت رکعت است یا شش رکعت
یا چهار رکعت یا دو رکعت و بهترش هشت رکعت پس اَنا مُوَدِّعُكَ يا مَولايَ وَابنَ مَولايَ
رو میکنی بجانب قبر امام حسین صلوات الله علیه و میگویی من وداع کننده ام ترا ای آقای من و پسر آقای من
وَسَيِّدي وَابنَ سَيِّدي وَمُوَدِّعُكَ يا سَيِّدي وَابنَ سَيِّدي يا عَلِيَّ بنَ الحُسَينِ
و مهتر من و پسر مهتر من و وداع کننده ام ترا ای مهتر من و پسر مهتر من ای علی بن الحسین
وَمُوَدِّعُكُم يا سادَتي يا مَعشَرَ الشُّهَداءِ فَعَلَيكُم سَلامُ اللهِ وَرَحمَتُهُ وَبَرَكاتُهُ وَ
و وداع کننده ام شما را ای مهتران من ای گروه شهیدان پس بر شما باد سلام خدا و رحمت او و برکتهای او و

رِضوانُهُ مؤلف گوید که چون عبارت این حدیث تشویشی و اضطرابی دارد و چند احتمال دارد
خشنودی او و بهتر است که همین زیارت را با وداع چنانچه دو بقبر شریف میخوانند و بقبله نیز
بکنند و بخوانند تا آنکه بهمه احتمالات عمل کرده باشد و در زیارت علی بن الحسین بجای یا وارث
در همه جا یا بن وارث بخوانند یا از وراثت قصد وراثت امامت و خلافت نکنند زیرا که آنحضرت
امام نبوده است و بدانکه این حدیث دلالت میکند بر اینکه از دور که زیارت کنند نماز زیارت را بعد از زیارت
باید بکنند و احادیث پیش دلالت کرد بر آنکه پیش باید کرد و در بنیت که مخیر باشند و اگر این زیارت را
کنند بهمین نحو که وارد شده است بکنند و از این احادیث معلوم شد که غسل از برای زیارت
بعید مستحب است و از بعضی هم مفهوم شد که بی غسل نیز میتوان کرد و از بعضی عمومات مستفاد
میشود که بهر حالی توان کرد چنانچه اکثر علما گفته اند و اگر در بام خانه یا صحرا واقع سازد احوط و اولی است
و در حدیث معتبر از حسین بن ثویر منقولست که بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم که من بسیار
حضرت امام حسین صلوات الله علیه را یاد میکنم صَلَّى اللهُ عَلَيكَ يا اَبا عَبدِ اللهِ
در آن وقت چه بگویم فرمود که سه مرتبه بگو درود خدا بر تو ای ابا عبد الله
که سلام بر آنحضرت میرسد از نزدیک و دور و شیخ طوسی علیه الرحمه ذکر کرده است که زیارت میتوان کرد ائمه
علیهم السلام را از دور چنانچه از نزدیک ایشان را زیارت میکنند اما در جائی که اَتَيتُكَ زائِراً باشد نگوید بلکه
بگوید قَصَدتُكَ بِقَلبي زائِراً اِذ عَجَزتُ عَن حُضُورِ مَشهَدِكَ وَوَجَّهتُ اِلَيكَ سَلامي لِعِلمي اَنَّهُ
يَبلُغُكَ صَلَّى اللهُ عَلَيكَ فَاشفَع لي عِندَ رَبِّكَ جَلَّ وَعَزَّ و دعا کن آنچه خواهی و بعضی از اکابر علما
روایت کرده اند از ابو الحسن فارسی که گفت من بسیار بزیارت حضرت امام حسین علیه السلام میرفتم چندی
بسبب پیری و کمی مال توفیق زیارت آنحضرت نیافتم پس شبی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را در
خواب دیدم که حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیهما السلام در خدمت آنحضرت بودند چون من
نزدیک ایشان رسیدم امام حسین علیه السلام گفت یا رسول الله این مرد مرا بسیار زیارت میکرد و اکنون
ترک کرده است پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله متوجه من شد و فرمود که چرا ترک زیارت
حسین را میتوان کرد گفتم یا رسول الله قلت مال و پیری مرا مانع ادراک این سعادت گردیده است
حضرت فرمود که هر شب ببام خانه خود برو و بانگشت اَلسَّلامُ عَلَيكَ وَعَلى جَدِّكَ وَاَبيكَ
شهادت بسوی قبر آنحضرت اشاره کن و بگو سلام بر تو و بر جد تو و پدر تو

السلام عليك وعلى ابائك
سلام بر تو و بر پدرانت

واخيك السلام عليك وعلى الائمة من بنيك السلام عليك يا صاحب الدمعة
و برادرت سلام بر تو و بر پیشوایان از پسران تو سلام بر تو ای صاحب اشك

الساكبة السلام عليك يا صاحب المصيبة الراتبة لقد اصبح كتاب الله
ریزنده سلام بر تو ای صاحب مصیبت مهیا هر آینه بتحقیق که صبح کرد کتاب خدا

فيك مهجورا ورسول الله فيك موتورا السلام عليك ورحمة الله و
در تو مهجور و رسول خدا در تو اندوهگین سلام بر تو و رحمت خدا و

بركاته السلام على انصار الله وخلفائه السلام على امناء الله و
برکتهای او سلام بر یاوران خدا و خلفای او سلام بر امینان خدا و

احبائه السلام على محال معرفة الله ومعادن حكمة الله وحفظة سر
دوستان او سلام بر محلهای شناخت خدا و معدنهای حکمت خدا و حافظان اسرار

الله وحملة كتاب الله واوصياء نبي الله وذرية رسول الله صلى الله
خدا و بردارندگان کتاب خدا و اوصیاء پیغمبر خدا و فرزندان رسول خدا درود فرستاد خدا

عليه واله ورحمة الله وبركاته پس هر حاجت که خواهی از خدا سؤال کن پس اگر چنین
بر او و آل او و رحمت خدا و برکتهای او که زیارت تو از دور و نزدیك هر دو مقبولست و

اما زیارت سایر ائمه علیهم السلام از نزدیك و دور بهترین آنها زیارت جامعه است که ابن بابویه و دیگران
بسند معتبر روایت کرده اند که شخصی از حضرت امام علی نقی علیه السلام سؤال نمود که ای فرزند رسول خدا
صلى الله عليه وآله وسلم مرا تعلیم نمای سخنی بلیغ کاملی که از بخوانم هرگاه اشهد ان لا اله الا الله
زیارت کنم یکی از شما را فرمود که چون بدرگاه برسی بایست و بگو گواهی میدهم آنکه نیست خدائی مگر خدا

وحده لا شريك له واشهد ان محمدا صلى الله عليه واله عبده ورسوله
یکتاست نیست شریکی از برای او و گواهی میدهم بدرستیکه محمد درود فرستاد خدا بر او و آل او و بنده او و رسول اوست

و فرمود که باید که با غسل باشی پس چون داخل روضهٔ مقدسه شوی و قبر را ببینی بایست و سی مرتبه الله
اکبر بگو پس اندکی راه برو با آرام دل و آرام تن و گامها را نزدیك بیکدیگر بگذار پس بایست و سی مرتبه الله اکبر
بگو پس نزدیك قبر مقدس برو و چهل مرتبه الله اکبر بگو که صد تکبیر تمام شود پس بگو السلام عليكم يا اهل بيت النبوة وموضع
سلام بر شما ای اهل خانهٔ پیغمبر و مکان

الرسالة

الرسالة ومختلف الملائكة ومهبط الوحي ومعدن الرحمة وخزان العلم
رسالت و محل آمد و رفت ملائکه و محل فرود آمدن وحی و معدن رحمت و خزینهٔ علم

ومنتهى الحلم واصول الكرم وقادة الامم واولياء النعم وعناصر الابرار
و انتهای بردباری و ریشههای کرم و کشندهٔ امتها و صاحبان نعمتها و عناصر ابرار

ودعائم الاخيار وساسة العباد واركان البلاد وابواب الايمان
و ستونهای برگزیدگان و تادیب کنندگان بندگان و رکنهای بلاد و درهای ایمان

وامناء الرحمن وسلالة النبيين وصفوة المرسلين وعترة خيرة
و امینان ملك رحمن و نطفههای پیغمبران و برگزیدگان فرستاده شدگان و فرزندان برگزیده

رب العالمين ورحمة الله وبركاته السلام على ائمة الهدى و
پروردگار عالمیان و رحمت خدا و برکتهای او سلام بر پیشوایان راه نمایان و

مصابيح الدجى واعلام التقى وذوي النهى واولي الحجى وكهف الورى
چراغهای شب تار و نشانهای پرهیزکاری و صاحبان عقل و صاحبان زیرکی و پناه خلایق

وورثة الانبياء والمثل الاعلى والدعوة الحسنى وحجج الله على اهل
و وارثان پیغمبران و مثلهای بلند و خوانندن نیکو و حجتهای خدا بر اهل

الدنيا والاخرة والاولى ورحمة الله وبركاته السلام على محال
دنیا و آخرت و اول و رحمت خدا و برکتهای او و سلام بر مکانهای

معرفة الله ومساكن بركة الله ومعادن حكمة الله وحفظة سر
شناخت خدا و جاهای برکت خدا و معدنهای دانشمندی خدا و حافظان پنهان

الله وحملة كتاب الله واوصياء نبي الله وذرية رسول الله صلى
خدا و بردارندگان کتاب خدا و اوصیاء پیغمبر خدا و اولاد رسول خدا درود فرستاد

الله عليه واله ورحمة الله وبركاته السلام على الدعاة الى الله
خدا بر او و آل او و رحمت خدا و برکتهای او و سلام بر خوانندگان بسوی خدا

والادلاء على مرضات الله والمستوفرين في امر الله والتامين
و دلالت کنندگان بر خشنودیهای خدا و توفیر کنندگان در امر خدا و رونندگان در

والمستقرين

فی محبة الله والمخلصین فی توحید الله والمظهرین لامر الله ونهیه وعباده المکرمین
در دوستی خدا وخالص کردانیده شدکان در یکانکی خدا وظاهر کنندکان مر امر خدا و نهی اورا و بندکان او در مکرم
الذین لا یسبقونه بالقول وهم بامره یعملون ورحمة الله وبرکاته السلام
که سبقت نمیکیرند اورا بکفتار وایشان بامر او کار میکنند ورحمت خدا وبرکتهای خدا سلام
علی الائمة الدعاة والقادة الهداة والسادة الولاة والذادة الحماة
بر پیشوایان خوانندکان برکشندکان راه نماینده وپادشاهان دفع کننده ودفع کنندکان حمایت کنندکان
واهل الذکر واولی الامر وبقیة الله وخیرته وحزبه وعیبة علمه و
وصاحب علم وصاحبان امر وبقیه خدا وبرکزیده او وکروه او وصندوقهای علم او و
حجته وصراطه ونوره ورحمة الله وبرکاته اشهد ان لا اله الا الله
حجت او وراه او وروشنی او ورحمت خدا وبرکتهای او کواهی میدهم که نیست خدائی مکر خدا
وحده لا شریک له کما شهد الله لنفسه وشهدت له ملائکته واولوا العلم
یکتای نیست شریکی از برای او چنانکه کواهی داده خدا از برای خود وکواهی داده از برای او فرشتکان وصاحبان علم
من خلقه لا اله الا هو العزیز الحکیم واشهد ان محمدا عبده المنتجب و
از خلق او نیست خدای مکر او که غالب حکیم است وکواهی میدهم اینکه محمد بنده برکزیده اوست و
رسوله المرتضی ارسله بالهدی ودین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره
رسول پسندیده اوست فرستاده اورا بهدایت ودین حق تا ظاهر کرداند اورا بر دین همه وهر چند ناخوش دارند
المشرکون واشهد انکم الائمة الراشدون المهدیون المعصومون
شرک آورندکان وکواهی میدهم که شما پیشوایان رشیدان هدایت یافتکان نکاه داشته شدکان
المکرمون المقربون المتقون الصادقون المصطفون المطیعون لله
صاحبان کرم مقربان پرهیزکاران راستکویان برکزیدکان اطاعت کنندکان از برای خدا
القوامون بامره العاملون بارادته الفائزون بکرامته اصطفاکم بعلمه
قایمان بامر اوید عمل کنندکان باراده اوید رسیدکان بکرامت اوید برکزید شمارا بعلم
وارتضاکم لغیبه واختارکم لسره واجتباکم بقدرته واعزکم بهداه
وپسندید شمارا از برای غیب خود واختیار کرد شمارا از برای اسرار خود وبرکزید شمارا بقدرت خود وغالب کرد شمارا بهدایت خود

لعلمه

وخصکم

وخصکم ببرهانه وانتجبکم لنوره وایدکم بروحه ورضیکم خلفاء فی ارضه
مخصوص کردانید شمارا ببرهان خود وبرکزید شمارا از برای نور خود وتوفیق داد شمارا بروح خود وپسندید شمارا خلیفها در زمین خود
وحججا علی بریته وانصارا لدینه وحفظة لسره وخزنة لعلمه ومستودعا
وحجتها بر خلق خود ویاری کننده از برای دین خود ونکاهداران از برای اسرار خود وخزینه داران از برای علم خود ومحل ودیعه
لحکمته وتراجمة لوحیه وارکانا لتوحیده وشهداء علی خلقه واعلاما
از برای حکمت خود وتعبیر کنندکان از برای وحی خود ورکنهای از برای یکانکی خود وکواهان بر خلق خود ونشانها
لعباده ومنارا فی بلاده وادلاء علی صراطه عصمکم الله من الزلل وآمنکم
از برای بندکان خود ومحل روشنی در بلاد خود ودلالت کنندکان بر راه خود نکاه داشت شمارا خدا از لغزش وایمن کردانید شمارا
من الفتن وطهرکم من الدنس واذهب عنکم الرجس وطهرکم تطهیرا فعظمتم
از فتنها وپاک کردانید شمارا از چرکها وبرد از شما پلیدی را وپاک کرد شمارا پاک کردنی پس بزرک شمردید
جلاله واکبرتم شانه ومجدتم کرمه وادمتم ذکره ووکدتم میثاقه واحکمتم
بزرکی اورا وبزرک دانستید شان اورا وتمجید کردید کرم اورا ودایم داشتید یاد اورا وقایم کردید میثاق اورا ومحکم ساختید
عقد طاعته ونصحتم له فی السر والعلانیة ودعوتم الی سبیله
کره طاعت اورا ونصیحت کردید از برای او در پنهان واشکار وخواندید بسوی راه او
بالحکمة والموعظة الحسنة وبذلتم انفسکم فی مرضاته وصبرتم
بحکمت وموعظه نیکو وبخشیدید نفسهای شمارا در خوشنودی او وصبر کردید
علی ما اصابکم فی جنبه واقمتم الصلوة واتیتم الزکوة وامرتم بالمعروف
بر آنچه رسید شمارا در پهلوی او وبرپا داشتید نماز را ودادید زکوة را وامر کردید بنیکی
ونهیتم عن المنکر وجاهدتم فی الله حق جهاده حتی اعلنتم دعوته وبینتم
وباز داشتید از بدی وجهاد کردید در راه خدا سزاوار جهاد تا آنکه ظاهر کردید دعوت اورا وبیان کردید
فرائضه واقمتم حدوده ونشرتم شرائع احکامه وسننتم سنته وصرتم
واجبهای اورا وبرپا داشتید حدهای اورا وپهن کردید راههای حکمهای اورا وجاری کردید سنتهای اورا وکردید
فی ذلک منه الی الرضا وسلمتم له القضاء وصدقتم من رسله من
در این از او بسوی خوشنودی وتسلیم کردید از برای او قضارا وتصدیق کردید از رسولان او کسی را

بنوره

وادمتم

سنته

معنیٰ فالراغب عنکم مارق واللازم لکم لاحق والمقصر فی حقکم زاهق والحق معکم

کذشت پس اعراض کنندهٔ از شما از دین بدر رفته است و ملازم از برای شما ملحق شونده است و تقصیر کننده در حق شما باطل است و حق با شما

وفیکم ومنکم والیکم وانتم اهله ومعدنه ومیراث النبوة عندکم وایاب الخلق

و در شما و از شما و بسوی شماست و شما اهل او و معدن اوید و میراث پیغمبری نزد شماست و برگشتن خلق

الیکم وحسابهم علیکم وفصل الخطاب عندکم وآیات الله لدیکم وعزائمه

بسوی شماست و حساب ایشان بر شماست و جدا کنندهٔ حق و باطل نزد شماست و آیات خدا نزد شماست و کارهای خدا

فیکم ونوره وبرهانه عندکم وامره الیکم من والاکم فقد والی الله ومن

در شماست و نور او و برهان او نزد شماست و امر او بسوی شماست کسی که پیروی کند شما را پس بتحقیق که پیروی کرده خدا را و کسی که

عاداکم فقد عادی الله ومن احبکم فقد احب الله ومن ابغضکم فقد ابغض

دشمن دارد شما را پس بتحقیق که دشمنی کرده خدا را و کسی که دوست دارد شما را پس بتحقیق که دوست داشته خدا را و کسی که دشمن دارد شما را پس بتحقیق که دشمنی کرده

الله ومن اعتصم بکم فقد اعتصم بالله انتم السبیل الاعظم والصراط

خدا را و کسی که پناه برد بشما پس بتحقیق که پناه برده بخدا شمائید راه بزرگ و صراط

الاقوم وشهداء دار الفناء وشفعاء دار البقاء والرحمة الموصولة

قایم و گواهان خانهٔ فانی شونده و شفاعت کنندگان خانهٔ باقی و رحمت موصول

والآیة المخزونة والامانة المحفوظة والباب المبتلی به الناس من

و نشانهٔ مخزون و امانت محفوظ و دروازه‌ای که آزموده شده باو مردمان کسی که

اتاکم فقد نجی ومن لم یأتکم فقد هلک الی الله تدعون وعلیه تدلون

آمد شما را پس بتحقیق که نجات یافت و کسی که نیامد شما را پس بتحقیق که هلاک شد بسوی خدا میخوانید و براو دلالت میکنید

وبه تؤمنون وله تسلمون وبامره تعملون والی سبیله ترشدون وبقوله

و باو ایمان می‌آورید و از برای او تسلیم میکنید و بامر او عمل میکنید و بسوی راه او ارشاد میکنید و بگفتهٔ او

تحکمون سعد والله من والاکم وهلک من عاداکم وخاب من جحدکم وضل

حکم میکنید نیکبخت شد بخدا قسم کسی که پیروی کرد شما را و هلاک شد کسی که دشمنی کرد شما را و ناامید شد کسی که انکار کرد شما را و گمراه شد

من فارقکم وفاز من تمسک بکم وامن من لجأ الیکم وسلم من صدقکم و

کسی که جدائی کرد از شما و رستگار شد کسی که چنگ زد بشما و ایمن شد کسی که پناه آورد بسوی شما و سلامت ماند کسی که راست گو دانست شما را و

هدی من اعتصم بکم من اتبعکم فالجنة مأواه ومن خالفکم فالنار مثواه

راه یافت کسی که چنگ زد بشما کسی که پیروی کند شما را پس بهشت جای اوست و کسی که مخالفت کند شما را پس آتش مکان اوست

ومن جحدکم کافر ومن حاربکم مشرک ومن رد علیکم فی اسفل درک من الجحیم

و کسی که انکار کند شما را کافر است و کسی که جنگ کند با شما مشرک است و کسی که رد کند بر شما در مرتبهٔ پایین از جهنم است

اشهد ان هذا سابق لکم فیما مضی وجار لکم فیما بقی وان ارواحکم ونورکم

گواهی میدهم بدرستی که این سبقت گیرنده از برای شما در آنچه گذشته و جاری است از برای شما در آنچه باقیست و بدرستی که روحهای شما و نور شما

وطینتکم واحدة طابت وطهرت بعضها من بعض خلقکم الله انوارا فجعلکم

و طینت شما یکیست خوش است و پاک است بعضی از آن از بعضی است خلق کرده شما را خدا نورها پس گردانیده شما را

بعرشه محدقین حتی من علینا بکم فجعلکم فی بیوت اذن الله ان ترفع

بعرش خود احاطه کننده تا آنکه منت گذاشت بر ما بشما پس گردانید شما را در خانهائی که رخصت داده خدا آنکه بلند شود

ویذکر فیها اسمه وجعل صلواتنا علیکم وما خصنا به من ولایتکم

و یاد کرده شود در آن نام او و گردانید درود ما را بر شما و آنچه مخصوص کرده است ما را از پیروی شما

طیبا لخلقنا وطهارة لانفسنا وتزکیة لنا وکفارة لذنوبنا فکنا عنده

خوشی از برای خلقت ما و پاکی از برای نفسهای ما و پاکیزگی از برای ما و کفاره از برای گناهان ما پس بودیم ما نزد او

مسلمین بفضلکم ومعروفین بتصدیقنا ایاکم فبلغ الله بکم اشرف محل

تسلیم کنندگان بفضیلت شما و شناخته شدگان بتصدیق کردن ما شما را پس رسانید خدا بسبب شما بزرگتر محل

المکرمین واعلی منازل المقربین وارفع درجات المرسلین حیث لا یلحقه

گرامی داشته شدگان و بلندتر مراتب مقربان و رفیعتر مرتبهای فرستادگان مکانی که ملحق نشود باو

لاحق ولا یفوقه فائق ولا یسبقه سابق ولا یطمع فی ادراکه طامع حتی

ملحق شونده و بلندی نکند او را بلندی کننده و سبقت نگیرد او را سبقت گیرنده و طمع نمیکند در دریافتن او طمع کننده تا

لا یبقی ملک مقرب ولا نبی مرسل ولا صدیق ولا شهید ولا عالم ولا

باقی نماند ملک مقرب و نه پیغمبر مرسل و راستگوی و نه شهیدی و نه دانائی و نه

جاهل ولا دنی ولا فاضل ولا مؤمن صالح ولا فاجر طالح ولا جبار عنید

نادانی و نه پست‌تر و نه فاضلی و نه [illegible] صالح و نه فاسق بدکار و نه جبار سرکش

وَلا شَيْطانٌ مَرِيدٌ وَلا خَلْقٌ فِيما بَيْنَ ذٰلِكَ شَهِيدٌ اِلّا عَرَّفَهُمْ جَلالَةَ

و نه شیطان رانده شده و نه خلقی در آنچه میان این گواهند مگر آنکه شناسانید ایشان را بزرگی

اَمْرِكُمْ وَعِظَمَ خَطَرِكُمْ وَكِبَرَ شَأْنِكُمْ وَتَمامَ نُورِكُمْ وَصِدْقَ مَقاعِدِكُمْ وَ

امر شما را و بزرگی مرتبه شما را و بزرگی شان شما را و تمام بودن نور شما را و راستی جای نشستن شما را و

ثَباتَ مَقامِكُمْ وَشَرَفَ مَحَلِّكُمْ وَمَنْزِلَتَكُمْ عِنْدَهُ وَكَرامَتَكُمْ عَلَيْهِ وَ

و ثابت بودن مقام شما را و بزرگی محل شما را و منزلت شما را نزد او و گرامی بودن شما را بر او و

خاصَّتَكُمْ لَدَيْهِ وَقُرْبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ بِاَبِي اَنْتُمْ وَاُمِّي وَاَهْلِي وَمالِي وَاُسْرَتِي

خاص بودن شما را نزد او و نزدیکی منزلت شما را از او فدای شما پدر و مادرم و عیالم و مالم و اسیرانم

اُشْهِدُ اللّٰهَ وَاُشْهِدُكُمْ اَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِما آمَنْتُمْ بِهِ كافِرٌ بِعَدُوِّكُمْ وَبِما كَفَرْتُمْ بِهِ

گواه میگیرم خدا را و گواه میگیرم شما را [illegible]

مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ وَبِضَلالَةِ مَنْ خالَفَكُمْ مُوالٍ لَكُمْ وَلِاَوْلِيائِكُمْ مُبْغِضٌ

بینایم بشان شما و بگمراهی کسی که مخالفت کند شما را دوستم از برای شما و از برای دوستان شما دشمنم

لِاَعْدائِكُمْ وَمُعادٍ لَهُمْ سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ مُحَقِّقٌ لِما حَقَّقْتُمْ

از برای دشمن شما و دشمنی کننده ام ایشان را صلحم با کسی که صلح است با شما و جنگم با کسی که جنگ است با شما تحقیق کننده ام [illegible]

مُبْطِلٌ لِما اَبْطَلْتُمْ مُطِيعٌ لَكُمْ عارِفٌ بِحَقِّكُمْ مُقِرٌّ بِفَضْلِكُمْ مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ مُحْتَجِبٌ

باطل کننده ام آنچه را باطل کردید [illegible]

بِذِمَّتِكُمْ مُعْتَرِفٌ بِكُمْ مُؤْمِنٌ بِاِيابِكُمْ مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ مُنْتَظِرٌ لِاَمْرِكُمْ مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ

[illegible]

آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ عامِلٌ بِاَمْرِكُمْ مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ زائِرٌ لَكُمْ عائِذٌ بِكُمْ لائِذٌ بِقُبُورِكُمْ مُسْتَشْفِعٌ

[illegible]

اِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ وَمُتَقَرِّبٌ بِكُمْ اِلَيْهِ وَمُقَدِّمُكُمْ اَمامَ طَلِبَتِي وَحَوائِجِي

[illegible]

وَاِرادَتِي فِي كُلِّ اَحْوالِي وَاُمُورِي مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلانِيَتِكُمْ وَشاهِدِكُمْ وَغائِبِكُمْ

و ارادتهای خود در همه احوال خود و کارهای خود [illegible] بسر شما و آشکار شما و بحاضر شما و غایب شما

ونفسی

واولکم

وَاَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ وَمُفَوِّضٌ فِي ذٰلِكَ كُلِّهِ اِلَيْكُمْ وَمُسَلِّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ وَقَلْبِي

و اول شما و آخر شما و واگذارنده ام در این همه بسوی شما [illegible]

لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَرَأْيِي لَكُمْ تَبَعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتّٰى يُحْيِيَ اللّٰهُ تَعالٰى

[illegible]

دِينَهُ بِكُمْ وَيَرُدَّكُمْ فِي اَيّامِهِ وَيُظْهِرَكُمْ لِعَدْلِهِ وَيُمَكِّنَكُمْ فِي اَرْضِهِ فَمَعَكُمْ

[illegible]

مَعَكُمْ لا مَعَ عَدُوِّكُمْ آمَنْتُ بِكُمْ وَتَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ بِما تَوَلَّيْتُ بِهِ اَوَّلَكُمْ وَ

[illegible] و پیروی کردم آخر شما را بآنچه پیروی کردم بآن اول شما و

بَرِئْتُ اِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ اَعْدائِكُمْ وَمِنَ الْجِبْتِ وَالطّاغُوتِ وَالشَّياطِينِ

بیزار شدم بسوی خدای غالب بزرگ از دشمنان شما و از جبت و طاغوت و شیاطین

وَحِزْبِهِمُ الظّالِمِينَ لَكُمْ وَالْجاحِدِينَ لِحَقِّكُمْ وَالْمارِقِينَ مِنْ وِلايَتِكُمْ

[illegible]

وَالْغاصِبِينَ لِاِرْثِكُمْ وَالشّاكِّينَ فِيكُمْ وَالْمُنْحَرِفِينَ عَنْكُمْ وَمِنْ كُلِّ وَلِيجَةٍ

و غصب کنندگان میراث شما را و شک کنندگان در شما و منحرف شدگان از شما و از هر گروهی

دُونَكُمْ وَكُلِّ مُطاعٍ سِواكُمْ وَمِنَ الْاَئِمَّةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ اِلَى النّارِ فَثَبَّتَنِيَ

[illegible]

اللّٰهُ اَبَدًا ما حَيِيتُ عَلٰى مُوالاتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَدِينِكُمْ وَوَفَّقَنِي لِطاعَتِكُمْ

خدا همیشه مادام که زنده ام بر دوستی شما و محبت شما و دین شما و توفیق دهد مرا از برای [illegible]

وَرَزَقَنِي شَفاعَتَكُمْ وَجَعَلَنِي مِنْ خِيارِ مَوالِيكُمُ التّابِعِينَ لِما دَعَوْتُمْ اِلَيْهِ

[illegible]

وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَصُّ آثارَكُمْ وَيَسْلُكُ سَبِيلَكُمْ وَيَهْتَدِي بِهُداكُمْ وَيُحْشَرُ

و بگرداند مرا از کسی که پیروی کند آثار شما را و روش راه شما را و هدایت یافت براهنمائی شما و محشور شود

فِي زُمْرَتِكُمْ وَيَكِرُّ فِي رَجْعَتِكُمْ وَيُمَلَّكُ فِي دَوْلَتِكُمْ وَيُشَرَّفُ فِي عافِيَتِكُمْ

در جمله شما و برمیگردد در رجعت شما و پادشاهی میکند در دولت شما و مشرف میشود در عافیت شما

توالیت

ويمكّن في ايامكم وتقرّ عينه غدا برؤيتكم بابي انتم وامي ونفسي واهلي ومالي

وستقل ميشود در ايام شما و روشن ميشود چشم او فردا بديدن شما فداى شما پدر و مادرم و نفس من و عيال من و مال من

من اراد الله بدا بكم ومن وحّده قبل عنكم ومن قصده توجّه بكم موالي

كسى كه اراده كند خدا را ابتدا كرده بشما و كسى كه يكتا داند او را قبول كرده از شما و كسى كه قصد كند او را رو آورده بشما دوستان من

لا احصي ثناءكم ولا ابلغ من المدح كنهكم ومن الوصف قدركم انتم نور الاخيار

نميتوانم شمرد ثناى شما و نميرسم از مدح كنه معرفت شما را و از وصف كردن قدر شما را شما نور خوبانيد

وهداة الابرار وحجج الجبار بكم فتح الله وبكم يختم وبكم ينزّل الغيث وبكم

و هدايت كننده نيكوكاران و حجتهاى جبار بشما ابتدا كرده خدا و بشما ختم ميكند و بشما نازل ميكند باران را و بشما

يمسك السماء ان تقع على الارض الا باذنه وبكم ينفّس الهمّ وبكم يكشف

نگاه ميدارد آسمان را از آنكه واقع شود بر زمين مگر بخصت او و بشما برداشته ميشود اندوه و بشما برطرف ميشود

الضرّ وعندكم ما نزلت به رسله وهبطت به ملائكته والى

ضرر و نزد شماست آنچه نازل شده بآن رسولان او و فرود آمده بآن ملائكه او و بسوى

جدكم بعث الروح الامين واگر زيارت حضرت امير المؤمنين صلوات الله وسلامه عليه

جد شما برانگيخته شد روح الامين باشد بجاى والى جدكم بعث الروح الامين بگو والى اخيك بعث الروح الامين

اتاكم الله ما لم يؤت احدا من العالمين طاطا كل شريف لشرفكم و

بكو داده شما را خدا آنچه نداده احدى از عالميان را سر فرود آورده هر بزرگى از براى بزرگى شما و

بخع كل متكبر لطاعتكم وخضع كل جبار لفضلكم وذلّ كل شيء لكم و

گردن نهاده هر متكبرى از براى فرمانبردارى شما و تواضع كرده هر جبارى از براى فضل شما و فروتنى كرده هر چيزى از براى شما و

اشرقت الارض بنوركم وفاز الفائزون بولايتكم بكم يسلك الى الرضوان

روشن شده زمين بنور شما و رستگار شده رستگاران بپيروى شما بشما راه يافته ميشود بسوى بهشت

وعلى من جحد ولايتكم غضب الرحمن بابي انتم وامي ونفسي واهلي ومالي

و بر كسى كه انكار كند ولايت شما را غضب خداوند مهربان فداى شما پدر و مادر من و نفس من و عيال من و مال من

ذكركم في الذاكرين واسماؤكم في الاسماء واجسادكم في الاجساد وارواحكم

ياد شما در ميان ذكر كنندگان است و نامهاى شما در ميان نامهاست و بدنهاى شما در ميان بدنهاست و روحهاى شما

فيكم

في الارواح وانفسكم في النفوس وآثاركم في الآثار وقبوركم في القبور

در روحهاست و نفسهاى شما در نفسهاست و آثار شما در آثارهاست و قبرهاى شما در قبرهاست

فما احلى اسماءكم واكرم انفسكم واعظم شانكم واجلّ خطركم واوفى

پس چه شيرين است نامهاى شما و بزرگست نفسهاى شما و بزرگست شان شما و بزرگست مرتبه شما و وفا كننده‌ترست

عهدكم واصدق وعدكم كلامكم نور وامركم رشد ووصيتكم التقوى

عهد شما و راست است وعده شما كلام شما نور است و امر شما رشد است و وصيت شما پرهيزكارى است

وفعلكم الخير وعادتكم الاحسان وسجيتكم الكرم وشانكم الحق والصدق

و كردار شما خوبيست و عادت شما نيكوييست و طبيعت شما كرم است و مرتبه شما حق است و راستى است

والرفق وقولكم حكم وحتم ورايكم علم وحلم وحزم ان ذكر الخير كنتم اوله

و مدارا و قول شما حكم و واجب و راى شما دانايى و بردبارى و دورانديشى است اگر ياد كرده شود خير شما بوديد اول آن

واصله وفرعه ومعدنه وماواه ومنتهاه بابي انتم وامي ونفسي كيف

و اصل او و فرع او و معدن او و مكان او و انتهاى او فداى شما پدر و مادر من و نفس من چگونه

اصف حسن ثنائكم واحصي جميل بلائكم وبكم اخرجنا الله من الذلّ

وصف كنم نيكى ثناى شما و بشمارم نيكويى بلاى شما را و بسبب شما بيرون آورده ما را خدا از خوارى

وفرّج عنا غمرات الكروب وانقذنا بكم من شفا جرف الهلكات ومن

و برداشت از ما فرو رفتهاى شدت را و خلاصى داده ما را بسبب شما از لب رودخانه هلاكتها و از

النار بابي انتم وامي ونفسي بموالاتكم علّمنا الله معالم ديننا واصلح

آتش فداى شما پدر و مادر من و نفس من بپيروى شما تعليم كرده ما را خدا معالم دين ما را و اصلاح كرد

ما كان فسد من دنيانا وبموالاتكم تمّت الكلمة وعظمت النعمة وائتلفت الفرقة

آنچه فاسد شده از دنياى ما و بپيروى شما تمام شد كلمه و بزرگ شده نعمت و فراهم آمده تفرقه

وبموالاتكم تقبل الطاعة المفترضة ولكم المودّة الواجبة والدرجات

و بپيروى شما قبول شده طاعت واجبه و از براى شماست دوستى واجب و مرتبهاى

الرفيعة والمقام المحمود والمكان المعلوم عند الله عزّ وجلّ والجاه

بلند و مقام پسنديده و مكان معلوم نزد خداى غالب بزرگ و مرتبه

المفروضة

والمقام

الْعَظِيمُ وَالشَّأْنُ الْكَبِيرُ وَالشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا
بزرگ و رتبه بزرگ و شفاعت قبول کرده شده پروردگار ما ایمان آوردیم بانچه فرو فرستادی و پیروی کردیم
الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ
رسول را پس بنویس ما را با شاهدان پروردگار ما برمگردان دلهای ما را بعد از آنکه راه نمودی ما را و ببخش
لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا
از برای ما از نزد خود رحمتی بدرستی که تو بخشاینده منزه است خدا پروردگار ما اگر بود وعده پروردگار ما
لَمَفْعُولًا يَا وَلِيَّ اللهِ إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ
هرآینه کرده شده ای دوست خدا بدرستی که میان من و میان خدای غالب بزرگ گناهان است نمی‌آید بر آن مگر رضای شما
فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكُمْ عَلَى سِرِّهِ وَاسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرَنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ
پس بحق کسی که امین کرداند شما را بر پنهان و رعایت کرده شما را امر خلق خود و نزدیک کرده طاعت شما بطاعت او از برای بخشش
ذُنُوبِي وَكُنْتُمْ شُفَعَائِي فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللهَ وَمَنْ
گناهان مرا و باشید شما شفیعان من پس بدرستی که من از برای شما فرمانبردارم کسی که اطاعت کند شما را پس بتحقیق که اطاعت کرده خدا و کسی
عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللهَ وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللهَ وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ
نافرمانی کرده شما را پس بتحقیق که نافرمانی کرده خدا را و کسی که دوست دارد شما را پس بتحقیق که دوست داشته خدا را و کسی که دشمن دارد شما را پس بتحقیق
أَبْغَضَ اللهَ اللّٰهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شُفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ
که دشمن داشته خدا را خداوندا بدرستی که من اگر بیابم شفیعان نزدیکتر بسوی تو از محمد و اهل بیت او
الْأَخْيَارِ الْأَئِمَّةِ الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعَائِي فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ
که برگزیده‌اند پیشوایان نیکوکار هرآینه میگردانیدم ایشانرا شفیعان خود پس بحق ایشان که واجب کرده از برای ایشان
عَلَيْكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ وَفِي زُمْرَةِ
بر تو سؤال میکنم ترا اینکه داخل کنی مرا در جمله شناسایان بایشان و بحق ایشان و در جمله
الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ
رحمت کرده شدگان بشفاعت ایشان بدرستی که تو رحم کننده‌ترین رحم کنندگانی و درود فرستاد خدا بر محمد و آل او که پاکانند
وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا وَحَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ذكر ما آنکه این زیارت کاملترین زیارات
و سلام فرستاد سلام فرستادنی بسیار و بس است ما را خدا و خوب وکیل است از برای نزدیک و دور و چون منظور

عمده در این رساله زیارت بعید است زیارت وداع را ذکر نکردیم و چون این زیارت مشتملست بر مجملی از
جمیع احادیثی که در مناقب ائمه علیهم السلام وارد شده است اگر در هر هفته بلکه در هر روز این زیارت را
بخوانند و تدبر و تفکر در معانی آن بکنند موافق آنچه فقیر مجملا ترجمه کرده‌ام و والد مرحوم علیه
الرحمه مفصلا شرح نموده برای کمال معرفت ایشان نافع خواهد بود و عمده ارکان ایمان معرفت ایشانست
علیهم السلام و زیارت حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه بطرق بسیار منقول شده و در کتاب تحفة
الزائر ذکر کرده‌ام و در اینمقام زیارت مختصری با تجدید عهد امامت و ولایت آنحضرت علیه السلام ایراد مینمایم
که امام خود را پیوسته یاد نمایند و از برکات هدایات آنحضرت بهره مند گردند سید ابن طاوس علیه
الرحمه ذکر کرده است که مستحب است که هر روز بعد از نماز صبح حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه را چنین
زیارت اللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ
کنند خداوندا برسان مولای من صاحب الزمان را درود خدا بر او از همه مؤمنان
وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا حَيِّهِمْ
و زنان مؤمنه در مشرقهای زمین و مغربهای آن و بیابان آن و دریای آن و هموار آن و کوه آن زندهٔ ایشان
وَمَيِّتِهِمْ وَعَنْ وَالِدَيَّ وَوُلْدِي وَعَنِّي مِنَ الصَّلَوَاتِ وَالتَّحِيَّاتِ زِنَةَ عَرْشِ
و مردهٔ ایشان و از والدین من و فرزندان من و از من از درودها و ثناها بوزن عرش
اللهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَمُنْتَهَى رِضَاهُ وَعَدَدَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَأَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ
خدا و بقدر نوشتن کلمات او و انتهای رضای او و عدد آنچه شماره کرده آنرا کتاب او و احاطه کرده بان علم او
اللّٰهُمَّ أُجَدِّدُ لَهُ فِي هٰذَا الْيَوْمِ وَفِي كُلِّ يَوْمٍ عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي
خداوندا تازه میکنم از برای او در این روز و در هر روز عهدی و عقدی را و بیعتی را از برای او در
رَقَبَتِي اللّٰهُمَّ كَمَا شَرَّفْتَنِي بِهٰذَا التَّشْرِيفِ وَفَضَّلْتَنِي بِهٰذِهِ الْفَضِيلَةِ وَ
گردن خودم خداوندا چنانکه مشرف ساختی مرا باین بزرگی و فضیلت دادی مرا باین فضیلت و
خَصَصْتَنِي بِهٰذِهِ النِّعْمَةِ فَصَلِّ عَلَى مَوْلَايَ وَسَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ وَاجْعَلْنِي
مخصوص کردانیدی مرا باین نعمت پس درود فرست بر آقای من و سید من صاحب الزمان و بگردان مرا
مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَشْيَاعِهِ وَالذَّابِّينَ عَنْهُ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ
از یاوران او و پیروان او و دفع کنندگان از او و بگردان مرا از طلب شهادت کنندگان در میان

يَدَيْهِ طائِعًا غَيْرَ مُكْرَهٍ فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتَّ أَهْلَهُ فِي كِتابِكَ فَقُلْتَ صَفًّا كَأَنَّهُمْ
دوی او میل کننده غیر انکار کننده در صفی که وصف کرده اهلان را در کتاب خود پس گفتی صفی گویا که ایشان
بُنْيانٌ مَرْصُوصٌ عَلى طاعَتِكَ وَطاعَةِ رَسُولِكَ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ اللّٰهُمَّ
بنائی اند محکم بر طاعت تو وطاعت رسول تو وآل او بر ایشان سلام خداوندا
هٰذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ فِي عُنُقِي إِلى يَوْمِ الْقِيامَةِ وبسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست
این بیعتیست از برای او در گردن من تا روز قیامت که هر که چهل صباح این عهد را بخواند از یاوران
قایم ما باشد واگر پیش از ظهور آنحضرت بمیرد خدا او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آنحضرت باشد
وحق تعالی بهر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید وهزار گناه او را محو کند وآن عهد اینست
اللّٰهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَمُنْزِلَ التَّوْراةِ
خداوندا پروردگار نور بزرگ وپروردگار کرسی بلند وپروردگار دریای پر آب وفرو فرستاننده توریة
وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْمَلائِكَةِ
وانجیل وزبور وپروردگار سایه وگرمی وفرستاننده قرآن بزرگ وپروردگار فرشتگان
الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِياءِ الْمُرْسَلِينَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَبِنُورِ
مقرب وپیغمبران فرستاده شده خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم تو را بذات تو که کریم است وبنور
وَجْهِكَ الْمُنِيرِ وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ يا حَيُّ يا قَيُّومُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ
ذات تو که روشنست وپادشاهی تو که قدیمست ای زنده ای دایم سؤال میکنم تو را بنام تو که روشن شده بآن
السَّماواتُ وَالْأَرَضُونَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلَحُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ يا
آسمانها وزمینها وبنام تو که براه میایند بآن پیشینیان وپسینیان ای
حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَيا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ يا حَيًّا حِينَ لا حَيَّ يا مُحْيِيَ الْمَوْتى وَمُمِيتَ
زنده پیش از هر زنده ای زنده بعد از هر زنده ای زنده وقتی که نیست زنده ای زنده کننده مردگان ومیراننده
الْأَحْياءِ يا حَيُّ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ اللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلانَا الْإِمامَ الْهادِيَ الْمَهْدِيَّ
زندگان ای زنده نیست خدائی مگر تو خداوندا برسان آقای ما امام هدایت کننده هدایت یافته
الْقائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَعَلى آبائِهِ الطّاهِرِينَ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ
ایستاده بامر تو را درود خدا بر او وبر پدران او که پاکانند از همه مؤمنان

وَالْمُؤْمِناتِ فِي مَشارِقِ الْأَرْضِ وَمَغارِبِها سَهْلِها وَجَبَلِها وَبَرِّها وَبَحْرِها وَ
ومؤمنات در مشرقهای زمین ومغربهای آن وصحراها وکوهها وبیابانها ودریاهای آن و
عَنِّي وَعَنْ والِدَيَّ مِنَ الصَّلَواتِ زِنَةَ عَرْشِ اللّٰهِ وَمِدادَ كَلِماتِهِ وَما أَحْصاهُ
از من ووالدین من از درودها بوزن عرش خدا ومداد کلمهای او وانچه شمرده او را
عِلْمُهُ وَأَحاطَ بِهِ كِتابُهُ اللّٰهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هٰذا وَما عِشْتُ
علم او واحاطه کرده بآن کتاب او خداوندا بدرستیکه من تازه میکنم از برای او در صبح روزم این روز وانچه زندگانی کنم
مِنْ أَيّامِي عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لا أَحُولُ عَنْها وَلا أَزُولُ أَبَدًا
از روزهای من عهدی وعقدی وبیعتی از برای او در گردن من بر نمیگردم از آن واز آن زایل نمیشوم هرگز
اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصارِهِ وَأَعْوانِهِ وَالذّابِّينَ عَنْهُ وَالْمُسارِعِينَ إِلَيْهِ
خداوندا بگردان مرا از یاوران او واعانت کنندگان او ودفع کنندگان از او وشتابندگان بسوی او
فِي قَضاءِ حَوائِجِهِ وَالْمُمْتَثِلِينَ لِأَوامِرِهِ وَالْمُحامِينَ عَنْهُ وَالسّابِقِينَ إِلى
در بر آوردن حاجتهای او وبعمل آورنده امرهای او وحمایت کنندگان از او وسبقت گیرندگان بسوی
إِرادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ اللّٰهُمَّ إِنْ حالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ
اراده او وطلب شهادت کنندگان پیش روی او خداوندا اگر مانع شود میان من ومیان او مرگ
الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلى عِبادِكَ حَتْمًا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَزِرًا كَفَنِي شاهِرًا سَيْفِي
که گردانیده او را بر بندگان خود واجب پس بیرون آر مرا از قبرم در حالتی که ازار کننده باشم کفنم را برهنه باشد شمشیرم
مُجَرِّدًا قَناتِي مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدّاعِي فِي الْحاضِرِ وَالْبادِي اللّٰهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ
مجرد باشد نیزه من تلبیه کننده اجابت خواندن خواننده را در شهر وبادیه خداوندا بنما بمن چهره
الرَّشِيدَةَ وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَاكْحُلْ ناظِرِي بِنَظْرَةٍ مِنِّي إِلَيْهِ وَعَجِّلْ فَرَجَهُ
رشید را وپیشانی سفید پسندیده را وسرمه کش نظرم را بنظری از من بسوی او وزود کن فرج او را
وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَأَوْسِعْ مَنْهَجَهُ وَاسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ وَاشْدُدْ
وآسان کن بیرون آمدن او را وگشاده کن راه او را وروان کن بمن جاده او را وپیش بر امر او را وسخت کن
أَزْرَهُ وَاعْمُرِ اللّٰهُمَّ بِهِ بِلادَكَ وَأَحْيِ بِهِ عِبادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ
پشت او را وتعمیر کن خداوندا باو بلاد خود را وزنده کن باو بندگان خود را پس بدرستیکه تو گفته وگفته تو حق است

ظهر الفساد في البر والبحر بما كسبت ايدي الناس فاظهر اللهم لنا وليك
ظاهر شد فساد در بر و بحر بانچه كسب كرد دستهاى مردم پس ظاهر كن خداوندا از براى ما ولى خود را
وابن بنت نبيك المسمى باسم رسولك حتى لا يظفر بشيء من الباطل الا مزقه
و پسر دختر پيغمبر خود ناميده شده بنام رسول تو تا انكه ظفر نيابد بچيزى از باطل مگر بر طرف كند او را
ويحق الحق ويحققه واجعله اللهم مفزعا لمظلوم عبادك وناصرا
و حق شود حق و محقق سازد او را و بگردان او را خداوندا پناه از براى مظلوم از بندگان تو يارى كننده
لمن لا يجد له ناصرا غيرك ومجددا لما عطل من احكام كتابك ومشيدا
از براى كسى كه نمى يابد از براى او ناصرى غير تو و تازه كننده از براى انچه معطل شده از حكمهاى كتاب تو و محكم كننده
لما ورد من اعلام دينك وسنن نبيك صلى الله عليه وآله واجعله
از براى انچه وارد شده از نشانهاى دين تو و طريقه پيغمبر تو درود فرستاد خدا بر او و آل او و بگردان او را
اللهم ممن حصنته من باس المعتدين اللهم وسر نبيك محمدا
خداوندا از كسانى كه پناه داده او را از بدى از حد دركذرندگان خداوندا و خوشحال كن پيغمبر خود محمد را
صلى الله عليه وآله برؤيته ومن تبعه على دعوته وارحم استكانتنا
درود فرستاد خدا بر او و آل او بديدن او و كسى كه پيروى كرده او را بر دعوت او و رحم كن زارى ما را
بعده اللهم اكشف هذه الغمة عن الامة بحضوره وعجل لنا ظهوره
بعد از او خداوندا بردار اين اندوه را از اين امت بحاضر شدن او و زود كن از براى ما ظاهر شدن او را
انهم يرونه بعيدا ونريه قريبا برحمتك يا ارحم الراحمين پس سر بر دست
بدرستى كه ايشان مى بينند او را دور و مى بينيم ما او را نزديك برحمت تو اى رحم كننده ترين رحم كنندگان بروان راست خود
خود ميزنى و دو مرتبه ميگوئى العجل يا مولاى يا صاحب الزمان و اما دعاى ندبه كه مشتملست
بر عقايد حقه و تاسف بر غيبت حضرت قايم صلوات الله عليه بسند معتبر از حضرت امام
جعفر صادق ع منقولست كه سنتست اين دعاى ندبه را در چهار عيد بخوانند يعنى الحمد لله الذي
در روز جمعه و روز عيد فطر و روز عيد قربان و روز عيد غدير سپاس از براى خدائيكه
لا اله الا هو وله الحمد رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد نبيه وآله
نيست خدائى مگر او و از براى اوست سپاس پروردگار عالميان و درود فرستاد خدا بر سيد ما محمد پيغمبر خود و آل او

وسلم تسليما اللهم لك الحمد على ما جرى به قضاؤك في اوليائك الذين
و سلام فرستاد سلام فرستادنى خداوندا از براى تست سپاس بر انچه جارى شده است حكم تو در دوستان تو كه
استخلصتهم لنفسك ودينك اذ اخترت لهم جزيل ما عندك من النعيم
خالص كردانيده ايشان را از براى ذات خود و دين خود انجهت كه اختيار كردى از براى ايشان بزرك انچه نزد تو است از نعمت
المقيم الذي لا زوال له ولا اضمحلال بعد ان شرطت عليهم الزهد في
دايمى كه نيست زوالى از براى او و نه نابود شدنى بعد از انكه شرط كرده بر ايشان پرهيزى در
درجات هذه الدنيا الدنية وزخرفها وزبرجها فشرطوا لك ذلك و
مراتب اين دنيا را كه پستست و طلا و نقره آن و زينت آن پس شرط كردند از براى تو اين را و
علمت منهم الوفاء به فقبلتهم وقربتهم وقدمت لهم الذكر العلي و
دانستى از ايشان وفاى باين را پس قبول كردى ايشان را و نزديك كردى ايشان را و پيش داشتى از براى ياد بلند و
الثناء الجلي واهبطت عليهم ملائكتك وكرمتهم بوحيك ورفدتهم
ثناء آشكار و فرو فرستادى بر ايشان فرشتگان خود را و گرامى داشتى ايشان را بوحى خود و دادى ايشان را
بعلمك وجعلتهم الذرائع اليك والوسيلة الى رضوانك فبعض
بعلم خود و گردانيدى ايشان را وسيله بسوى خود و وسيله بسوى خوشنودى خود پس بعضى را
اسكنته جنتك الى ان اخرجته منها وبعض حملته في فلكك ونجيته
ساكن كردانيدى او را در بهشت خود تا انكه بيرون كردى او را از ان و بعضى را سوار كردى او را در كشتى خود و نجات دادى او را
ومن معه من الهلكة برحمتك وبعض اتخذته لنفسك خليلا وسالك
و كسى كه با او بود از هلاك شدن برحمت خود و بعضى را فرا گرفتى او را از براى خود دوست و سؤال كرد ترا
لسان صدق في الآخرين فاجبته وجعلت ذلك عليا وبعض كلمته من
زبان راستى در پسينيان پس بر آوردى او را و كردانيدى آنرا بلند و بعضى سخن گفتى با او از
شجرة تكليما وجعلت له من اخيه ردءا ووزيرا وبعض اولدته من غير
درخت سخن گفتنى و گردانيدى از براى او از برادرش رفيق و وزير و بعضى متولد ساختى او را از غير
اب وآتيته البينات وايدته بروح القدس وكل شرعت له شريعة
پدر و دادى او را شاهدها و مؤيد ساختى او را بروح منزه و همه را قرار دادى از براى او طريقه

وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهاجاً وَتَخَيَّرْتَ لَهُ اَوْصِياءَ مُسْتَحْفِظاً بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ مِنْ مُدَّةٍ

وقرار داده ازبرای او راهی واختیار کرده ازبرای او اوصیای محافظت کنند بعد از محافظت کننده از مدتی

اِلى مُدَّةٍ اِقامَةً لِدينِكَ وَحُجَّةً عَلى عِبادِكَ وَلِئَلّا يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ

تا مدتی از برپا داشتن دین تو وحجت بر بندگان تو وازجهت اینکه زایل نشود حق از جای خود

وَيَغْلِبَ الْباطِلُ عَلى اَهْلِهِ وَلا يَقُولَ اَحَدٌ لَوْلا اَرْسَلْتَ اِلَيْنا رَسُولاً مُنْذِراً

وغالب نشود باطل بر اهل او ونگوید احدی اگر نفرستادی بسوی ما رسول ترساننده

وَاَقَمْتَ لَنا عَلَماً هادِياً فَنَتَّبِعَ اياتِكَ مِنْ قَبْلِ اَنْ نَذِلَّ وَنَخْزى اِلى اَنِ

وبرپا میداشتی ازبرای ما نشانه هدایت پس پیروی میکردیم آیات ترا پیش از آنکه خوار ورسوا شویم تا آنکه

انْتَهَيْتَ بِالْاَمْرِ اِلى حَبيبِكَ وَنَجيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَالِهِ فَكانَ كَما

منتهی ساختی امر را بسوی دوست خود وبرگزیده خود محمد درود فرستاد خدا براو وآل او پس بود چنانکه

انْتَجَبْتَهُ سَيِّدَ مَنْ خَلَقْتَهُ وَصَفْوَةَ مَنِ اصْطَفَيْتَهُ وَاَفْضَلَ مَنِ اجْتَبَيْتَهُ

برگزیدی او را سید کسی که خلق کردی او را وبرگزیده کسی که برگزیدی او را وبهترین کسی که اختیار کردی او را

وَاَكْرَمَ مَنِ اعْتَمَدْتَهُ قَدَّمْتَهُ عَلى اَنْبِيائِكَ وَبَعَثْتَهُ اِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبادِكَ

وکریم تر کسی که اعتماد کردی براو پیش داشتی او را بر پیغمبران خود وبرانگیختی او را بسوی جن وانس از بندگان تو

وَاَوْطَأْتَهُ مَشارِقَكَ وَمَغارِبَكَ وَسَخَّرْتَ لَهُ الْبُراقَ وَعَرَجْتَ بِرُوحِهِ اِلى

وفرسادی او را در مشارق خود ومغارب خود ومسخر کردی ازبرای او براق را وبالا بردی روح او را بسوی

سَمائِكَ وَاَوْدَعْتَهُ عِلْمَ ما كانَ وَما يَكُونُ اِلَى انْقِضاءِ خَلْقِكَ ثُمَّ نَصَرْتَهُ

آسمان تو وامانت گذاشتی او را دانائی آنچه بود وآنچه میباشد تا انتهای خلق تو پس یاری کردی او را

بِالرُّعْبِ وَحَفَفْتَهُ بِجَبْرَئيلَ وَميكائيلَ وَالْمُسَوِّمينَ مِنْ مَلائِكَتِكَ

بترس وپیچیدی او را بجبرئیل ومیکائیل ونام برده شدگان از فرشتگان تو

وَوَعَدْتَهُ اَنْ تُظْهِرَ دينَهُ عَلَى الدّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَذلِكَ بَعْدَ اَنْ

ووعده دادی او را اینکه غالب گردانی دین او را بر دین همه وهرچند ناخوش دارند مشرکان واین بعد از آنست

بَوَّأْتَهُ مُبَوَّأَ صِدْقٍ مِنْ اَهْلِهِ وَجَعَلْتَ لَهُ وَلَهُمْ اَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ

که جا داده او را جای راست گو از اهل او وگردانیدی ازبرای او وازبرای ایشان اول خانه که بنا شده ازبرای مردمان

لِلَّذي

لِیَلّا

نَجیبِکَ

وَالْمُسَوِّمینَ

وَعَدْتَهُ

لَلَّذي بِبَكَّةَ مُبارَكاً وَهُدىً لِلْعالَمينَ فيهِ اياتٌ بَيِّناتٌ مَقامُ اِبْراهيمَ وَمَنْ

آنخانه که بمکه است محل برکت وهدایت ازبرای عالمیان در او نشانهای ظاهر است مقام ابراهیم وکسی که

دَخَلَهُ كانَ امِناً وَقُلْتَ اِنَّما يُريدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ

داخل شود او را میباشد در امن وگفتی جز این نیست که اراده کرده خدا برطرف کند از شما بدی را اهل بیت

وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهيراً وَجَعَلْتَ اَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَالِهِ مَوَدَّتَهُمْ

وپاک کند شما را پاک کردنی وگردانیدی اجر مزد محمد را درود تو براو وآل او دوستی ایشان

فى كِتابِكَ فَقُلْتَ قُلْ لا اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْراً اِلَّا الْمَوَدَّةَ فِى الْقُرْبى وَقُلْتَ

در کتاب تو پس گفتی بگو سؤال نمیکنم از شما بر رسالت مزدی مگر دوستی در خویشان وگفتی

ما سَئَلْتُكُمْ مِنْ اَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ وَقُلْتَ ما اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ اِلّا مَنْ

اجر سؤال کردم شما را از مزد پس او از برای شماست وگفتی اجر سؤال نمیکنم شما را براو از مزد مگر کسی

شاءَ اَنْ يَتَّخِذَ اِلى رَبِّهِ سَبيلاً فَكانُوا هُمُ السَّبيلَ اِلَيْكَ وَالْمَسْلَكَ اِلى

که خواهد اینکه بگیرد بسوی پروردگار او راه پس بودند ایشان راه بسوی تو وراه بسوی

رِضْوانِكَ فَلَمَّا انْقَضَتْ اَيّامُهُ اَقامَ وَلِيَّهُ عَلِىَّ بْنَ اَبى طالِبٍ صَلَواتُكَ

خوشنودی تو پس چونکه تمام شد ایام او برپا داشت دوست خود علی بن ابی طالب را درود تو

عَلَيْهِما وَالِهِما هادِياً اِذْ كانَ هُوَ الْمُنْذِرَ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ فَقالَ وَالْمَلَأُ

بر ایشان واولاد ایشان هدایت کننده از جهت آنکه بود او ترساننده واز برای هر قومی هدایت کننده هست پس گفت ومردم

اَمامَهُ مَنْ كُنْتُ مَوْلاهُ فَعَلِىٌّ مَوْلاهُ اَللّهُمَّ والِ مَنْ والاهُ وَعادِ مَنْ عاداهُ

پیش او بودند کسی که بودم من آقای او پس علی آقای اوست خداوندا دوست دار کسی را که دوست دارد او را ودشمن دار کسی را که دشمن دارد او را

وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَقالَ مَنْ كُنْتُ اَنَا نَبِيَّهُ فَعَلِىٌّ اَميرُهُ

ویاری کن کسی را که یاری کند او را وخوار کن کسی را که خوار کند او را وگفت کسی که بودم من پیغمبر او پس علی پادشاه اوست

وَقالَ اَنَا وَعَلِىٌّ مِنْ شَجَرَةٍ واحِدَةٍ وَسائِرُ النّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتّى وَاَحَلَّهُ مَحَلَّ

وگفت من وعلی از درخت واحدیم وباقی مردم از درختهای مختلف اند وقرار داد او را بجای

هرُونَ مِنْ مُوسى فَقالَ لَهُ اَنْتَ مِنّى بِمَنْزِلَةِ هرُونَ مِنْ مُوسى اِلّا اَنَّهُ لا نَبِىَّ

هرون از موسی پس گفت ازبرای او تو از من بمنزله هرون از موسی مگر آنکه نیست پیغمبری

صَلَواتُ الله

بَعْدِی وَ زَوَّجَهُ ابْنَتَهُ سَیِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ وَ اَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ

بعد از من و تزویج کرد او را دختر خود بهترین زنان عالمیان و حلال کرد از برای او از مسجد خود آنچه حلال

لَهُ وَ سَدَّ الْاَبْوَابَ اِلَّا بَابَهُ ثُمَّ اَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَ حِکْمَتَهُ فَقَالَ اَنَا مَدِینَةُ الْعِلْمِ

از برای او و مسدود کرد درها را مگر در او را پس ودیعه کرد او را علم خود و حکمت خود پس گفت من شهر علم

وَ عَلِیٌّ بَابُهَا فَمَنْ اَرَادَ الْمَدِینَةَ وَ الْحِکْمَةَ فَلْیَاْتِهَا مِنْ بَابِهَا ثُمَّ قَالَ لَهُ اَنْتَ اَخِی

و علی در آنست پس کسی که اراده کند شهر را و حکمت را پس باید بیاید آنرا از درش پس گفت از برای او تو برادر منی

وَ وَصِیِّی وَ وَارِثِی لَحْمُکَ مِنْ لَحْمِی وَ دَمُکَ مِنْ دَمِی وَ سِلْمُکَ سِلْمِی وَ حَرْبُکَ حَرْبِی وَ

و وصی منی و وارث منی گوشت تو گوشت منست و خون تو از خون منست و صلح تو صلح منست و جنگ تو جنگ منست و

الْاِیمَانُ مُخَالِطٌ لَحْمَکَ وَ دَمَکَ کَمَا خَالَطَ لَحْمِی وَ دَمِی وَ اَنْتَ غَداً عَلَی الْحَوْضِ خَلِیفَتِی

ایمان مخلوط شده گوشت تو و خون ترا چنانکه مخلوط شده بگوشت من و خون من و تو فردا بر حوض کوثر خلیفه منی

وَ اَنْتَ تَقْضِی دَیْنِی وَ تُنْجِزُ عِدَاتِی وَ شِیعَتُکَ عَلَی مَنَابِرَ مِنْ نُورٍ مُبْیَضَّةً

و تو ادا کننده قرض منی و وفا کننده وعدهای منی و شیعه تو بر منبرهائی از نورند که سفید است

وُجُوهُهُمْ حَوْلِی فِی الْجَنَّةِ وَ هُمْ جِیرَانِی وَ لَوْلَا اَنْتَ یَا عَلِیُّ لَمْ یُعْرَفِ الْمُؤْمِنُونَ

روهای ایشان دور من اند در بهشت و ایشان همسایه منند و اگر نبودی تو یا علی شناخته نمیشدند مؤمنان

بَعْدِی وَ کَانَ بَعْدَهُ هُدًی مِنَ الضَّلَالِ وَ نُوراً مِنَ الْعَمَی وَ حَبْلَ اللّٰهِ الْمَتِینَ

بعد از من و بود بعد از او هدایت کننده از گمراهی و روشنی از کوری و ریسمان خدا که محکم است

وَ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِیمَ لَا یُسْبَقُ بِقَرَابَةٍ فِی رَحِمٍ وَ لَا بِسَابِقَةٍ فِی دِینٍ وَ لَا یُلْحَقُ

و راه راست سبقت گرفته نشده بخویشی در رحم و نه بسابقه در دین و ملحق نشده

فِی مَنْقَبَةٍ مِنْ مَنَاقِبِهِ یَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِمَا وَ آلِهِمَا وَ

در منقبتی از مناقب او پیروی میکرد رفتن رسول درود فرستاد خدا بر ایشان و آل ایشان و

یُقَاتِلُ عَلَی التَّاْوِیلِ وَ لَا تَاْخُذُهُ فِی اللّٰهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ قَدْ وَتَرَ فِیهِ صَنَادِیدَ الْعَرَبِ

مقاتله میکند بر تاویل و نمیگیرد او را در راه خدا سرزنش سرزنش کننده بتحقیق که تنها شد در زمان او بزرگان عرب

وَ قَتَلَ اَبْطَالَهُمْ وَ نَاوَشَ ذُؤْبَانَهُمْ فَاَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ اَحْقَاداً بَدْرِیَّةً وَ خَیْبَرِیَّةً

و کشت شجاعان ایشان را و کوفت گردن ایشان را پس جا داد در دلهای ایشان کینهای بدر و خیبر را

وحه

وَ حُنَیْنِیَّةً وَ غَیْرَهُنَّ فَاَضَبَّتْ عَلَی عَدَاوَتِهِ وَ اَکَبَّتْ عَلَی مُنَابَذَتِهِ حَتَّی قَتَلَ

و حنین را و غیر آنها پس استوار شد بر دشمنی او و افتادند بر جنگ او تا آنکه کشت

النَّاکِثِینَ وَ الْقَاسِطِینَ وَ الْمَارِقِینَ وَ لَمَّا قَضَی نَحْبَهُ وَ قَتَلَهُ اَشْقَی الْاَشْقِیَاءِ

شکنندگان عهد را و قاسطان را و بیرون شدگان از دین را و چون بسر آمد مدت حیات او و کشت او را بدبخت ترین بدبختان

مِنَ الْاَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ یَتْبَعُ اَشْقَی الْاَوَّلِینَ لَمْ یُمْتَثَلْ اَمْرُ الرَّسُولِ صَلَّی اللّٰهُ

از پیشینیان و پسینیان تابع شد بدبخترین اولان را ممتثل نشد امر رسول درود فرستاد

عَلَیْهِ وَ آلِهِ فِی الْهَادِینَ بَعْدَ الْهَادِینَ وَ الْاُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَی مَقْتِهِ مُجْتَمِعَةٌ

بر او و آل او در هدایت کنندگان بعد از هدایت کنندگان و امت مصر بودند بر دشمنی او و مجتمع بودند

عَلَی قَطِیعَةِ رَحِمِهِ وَ اِقْصَاءِ وُلْدِهِ اِلَّا الْقَلِیلَ مِمَّنْ وَفَی لِرِعَایَةِ الْحَقِّ

بر قطع رحم او و ستم شدن فرزندان او مگر قلیلی از کسانی که وفا کردند از برای رعایت حق

فِیهِمْ فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ وَ سُبِیَ مَنْ سُبِیَ وَ اُقْصِیَ مَنْ اُقْصِیَ وَ جَرَی الْقَضَاءُ لَهُمْ

در ایشان پس کشته شد کسی که کشته شد و اسیر شد کسی که اسیر شد و دور کرده شد کسی که دور کرده شد و جاری شد قضا از برای ایشان

بِمَا یُرْجَی لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ اِذْ کَانَتِ الْاَرْضُ لِلّٰهِ یُورِثُهَا مَنْ یَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

بآنچه امید داشته میشود از برای او نیکوئی ثواب چه اگر بود زمین از برای خدا میراث داد آنرا بهر که میخواهد از بندگان خود

وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِینَ وَ سُبْحَانَ رَبِّنَا اِنْ کَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا وَ لَنْ یُخْلِفَ

و عاقبت نیکو از برای پرهیزکارانست و منزه است پروردگار ما اگر بوده باشد وعده پروردگار ما هر آینه کرده شده و خلاف نمیکند

اللّٰهُ وَعْدَهُ وَ هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ فَعَلَی الْاَطَائِبِ مِنْ اَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ

خدا وعده خود را و اوست غالب حکیم پس بر خوبان از اهل بیت محمد و علی

صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِمَا وَ آلِهِمَا فَلْیَبْکِ الْبَاکُونَ وَ اِیَّاهُمْ فَلْیَنْدُبِ النَّادِبُونَ وَ

درود فرستاد خدا بر هر دو و آل هر دو پس باید گریه کنند گریه کنندگان و بر ایشان پس باید ندبه کنند ندبه کنندگان و

لِمِثْلِهِمْ فَلْتَذْرِفِ الدُّمُوعُ وَ لْیَصْرُخِ الصَّارِخُونَ وَ یَضِجَّ الضَّاجُّونَ

از برای مثل ایشان پس باید که ریخته شود اشکها و باید که فریاد کنند فریاد کنندگان و ناله کنند ناله کنندگان

وَ یَعِجَّ الْعَاجُّونَ اَیْنَ الْحَسَنُ اَیْنَ الْحُسَیْنُ اَیْنَ اَبْنَاءُ الْحُسَیْنِ صَالِحٌ بَعْدَ

و بانگ کنند بانگ کنندگان کجاست حسن و کجاست حسین و کجایند پسران حسین صالح بعد از

فلیندب

من العیون

صالح وصادق بعد صادق واين السبيل بعد السبيل اين الخيرة بعد
صالح وراست گو بعد از راست گو وکجاست راه بعد از راه کجاست برگزیده بعد از
الخيرة واين الشموس الطالعة اين الاقمار المنيرة اين الانجم الزاهرة اين اعلام
برگزیده وکجاست آفتابهای طالع کجاست ماههای روشن کجاست ستارهای درخشان کجاست نشانهای
الدين وقواعد العلم اين بقية الله التي لا تخلو من العترة الطاهرة اين
دین و قاعدهای علم کجاست بقیه خدا که خالی نمیشود از اولاد پاک کجاست
المعد لقطع دابر الظلمة اين المنتظر لاقامة الامت والعوج اين المرتجى
مهیا شده برای قطع بیخ ظالمان کجاست انتظار کشیده شده از برای راست کردن ناهمواریها و کجیها کجاست امید داشته
لازالة الجور والعدوان اين المدخر لتجديد الفرائض والسنن اين المتخير
از برای برطرف کردن ستم و عدوان کجاست ذخیره از برای تجدید واجبها و سنتها کجاست اختیار کرده شده
لاعادة الملة والشريعة اين المؤمل لاحياء الكتاب وحدوده اين محيي
از برای اعاده ملت و شریعت کجاست آرزو داشته شده از برای زنده کردن کتاب و حدودش کجاست زنده کننده
معالم الدين واهله اين قاصم شوكة المعتدين اين هادم ابنية الشرك
معالم دین و اهل آن کجاست شکننده شوکت از حد درگذشتگان کجاست خراب کننده بناهای شرک
والنفاق اين مبيد اهل الفسوق والعصيان والطغيان اين حاصد
و نفاق کجاست هلاک کننده اهل فجور و عصیان و طغیان کجاست درو کننده
فروع الغي والشقاق اين طامس آثار الزيغ والاهواء اين قاطع حبائل
فروع ظلم و شقاوت کجاست برطرف کننده نشانهای میل و خواهشها کجاست قطع کننده ریسمانهای
الكذب والافتراء اين مبيد العتاة والمردة اين مستأصل اهل العناد
دروغ و افترا کجاست هلاک کننده سرکشان و گردنکشان کجاست برطرف کننده اهل نقض
والتضليل والالحاد اين معز الاولياء ومذل الاعداء اين جامع
و گمراهی و الحاد کجاست عزیز کننده دوستان و خوار کننده دشمنان کجاست جمع کننده
الكلم على التقوى اين باب الله الذي منه يؤتى اين وجه الله الذي اليه
کلمها بر پرهیزکاری کجاست در خدا که از او آمده میشود کجاست ذات خدا که

يتوجه

الخلائق

المهديين

يتوجه الاولياء اين السبب المتصل بين اهل الارض والسماء اين
متوجه میشوند دوستان کجاست سبب متصل میان اهل زمین و آسمان کجاست
صاحب يوم الفتح وناشر راية الهدى اين مؤلف شمل الصلاح والرضا
صاحب روز فتح و پهن کننده علم هدایت کجاست جمع آورنده متفرق صلاح و رضا
اين الطالب بذحول الانبياء وابناء الانبياء اين الطالب بدم المقتول
کجاست طلب کننده خونهای پیغمبران و پسران پیغمبران کجاست طلب کننده خون کشته شده
بكربلا اين المنصور على من اعتدى عليه وافترى اين المضطر الذي يجاب
بکربلا کجاست یاری کرده شده بر کسی که ظلم کرده بر او و دروغ بسته کجاست مضطری که جواب داده میشود
اذا دعى اين صدر الخلائق ذو البر والتقوى اين ابن النبي المصطفى وابن
هرگاه بخواند کجاست صدر خلایق صاحب نیکی و پرهیزکاری کجاست پسر پیغمبر برگزیده و پسر
علي المرتضى وابن خديجة الغراء وابن فاطمة الزهراء الكبرى بابي انت وامي
علی پسندیده و پسر خدیجه پیشانی سفید و پسر فاطمه زهراء بزرگ فدای تو باد پدر و مادر
ونفسي لك الوقاء والحمى يا ابن السادة المقربين يا ابن النجباء الاكرمين
و نفس من از برای تو نگاهدارنده و حمایت کننده ای پسر بهترین برگزیدگان ای پسر بزرگان برگزیده
يا ابن الهداة المهديين يا ابن الخيرة المهذبين يا ابن الغطارفة
ای پسر هدایت کنندگان هدایت یافتگان ای پسر بهترین پاکیزگان ای پسر بزرگ
الانجبين يا ابن الخضارمة المنتجبين يا ابن القماقمة الاكرمين يا
بزرگان ای پسر بخشندگان برگزیدگان ای پسر دریای کرم ای
ابن الاطائب المطهرين يا ابن البدور المنيرة يا ابن السرج المضيئة
پسر بهترین پاکان ای پسر ماههای روشن ای پسر چراغهای روشنی دهنده
يا ابن الشهب الثاقبة يا ابن الانجم الزاهرة يا ابن السبل الواضحة يا
ای پسر ستارهای درخشنده ای پسر ستارهای درخشان ای پسر راههای روشن ای
ابن الاعلام اللائحة يا ابن العلوم الكاملة يا ابن السنن المشهورة
پسر نشانهای ظاهر ای پسر علمهای کامل ای پسر راههای مشهور

يَا ابْنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ يَا ابْنَ الْمُعْجِزَاتِ الْمَوْجُودَةِ يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ

ای پسر معالم مأثوره ای پسر معجزات موجوده ای پسر دلیلهای حاضر شده

يَا ابْنَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ يَا ابْنَ النَّبَإِ الْعَظِيمِ يَا ابْنَ مَنْ هُوَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ

ای پسر راه راست ای پسر خبر بزرگ ای پسر کسی که او در ام الکتاب

لَدَى اللّٰهِ عَلِيٌّ حَكِيمٌ يَا ابْنَ الْآيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ

نزد خداست علی حکیم ای پسر نشانها وشاهدها ای پسر دلیلهای ظاهر

يَا ابْنَ الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ يَا ابْنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ يَا ابْنَ

ای پسر برهانهای روشن ظاهر ای پسر حجتهای رساننده ای پسر

النِّعَمِ السَّابِغَاتِ يَا ابْنَ طٰهٰ وَالْمُحْكَمَاتِ يَا ابْنَ يٰسٓ وَالذَّارِيَاتِ يَا ابْنَ

نعمتهای کامل ای پسر طه ومحکمات ای پسر یس والذاریات ای پسر

الطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ يَا ابْنَ مَنْ دَنَا فَتَدَلّٰى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ

طور وعادیات ای پسر کسی که نزدیک شد پس نزدیک شد پس بود مثل مقدار دو کمان یا

أَدْنٰى دُنُوًّا وَاقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلٰى لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ

نزدیکتر بحسب قرب ونزدیکی از علی الاعلی کاش میدانستم کجا قرار گرفت بتو

النَّوٰى بَلْ أَيُّ أَرْضٍ تُقِلُّكَ أَوْ ثَرٰى أَبِرَضْوٰى أَمْ غَيْرِهَا أَمْ ذِي طُوٰى عَزِيزٌ

بلا بلکه میدانستم که کدام زمین اقامت کرد ترا یا از بیان آیا برضوا بود یا غیر آن یا صاحب طوی گرانست

عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرٰى وَلَا أَسْمَعُ لَكَ حَسِيسًا وَلَا نَجْوٰى عَزِيزٌ عَلَيَّ

بر من که ببینم خلق را و ترا دیده نشوی ونشنوم از جای تو صدا و نه سرگوشی گرانست بر من

أَنْ لَا تُحِيطَ بِي دُونَكَ الْبَلْوٰى وَلَا يَنَالُكَ مِنِّي ضَجِيجٌ وَلَا شَكْوٰى بِنَفْسِي

که فرو نگیرد مرا در پیش تو بلا و نرسد ترا از من خروشی و نه شکایتی فدای تو شوم

أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَازِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا بِنَفْسِي أَنْتَ

تو از پنهان شونده که دور نیستی از ما فدای تو شوم تو از کشیده شده که دوری از ما فدای تو شوم تو

أُمْنِيَّةُ شَائِقٍ يَتَمَنّٰى مِنْ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرَا فَحَنَّا بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ

آرزوی کننده مشتاق آرزو کرده از مؤمن ومؤمنه که یاد کنند ترا پس ناله کنند فدای تو شوم تو از

عَقِيدِ عِزٍّ لَا يُسَامٰى بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلِ مَجْدٍ لَا يُجَازٰى بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ

بزرگ عزیزی که خوار نمیشوی فدای تو شوم تو از اصل بزرگی که از تو دور نمیشود فدای تو شوم تو از

تِلَادِ نِعَمٍ لَا تُضَاهٰى بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفِ شَرَفٍ لَا يُسَاوٰى إِلٰى مَتٰى أَحَارُ

عین نعمتهایی که ضایع نمیشود فدای تو شوم تو از بناهای بزرگی که مثل ندارد تا بکی سرگردان باشم

فِيكَ يَا مَوْلَايَ وَإِلٰى مَتٰى وَأَيَّ خِطَابٍ أَصِفُ فِيكَ وَأَيَّ نَجْوٰى عَزِيزٌ عَلَيَّ

در تو ای آقای من و تا کی وکدام خطاب را وصف کنم در تو وکدام سرگوشی را گرانست بر من

أَنْ أُجَابَ دُونَكَ وَأُنَاغٰى عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَبْكِيَكَ وَيَخْذُلَكَ الْوَرٰى عَزِيزٌ

آنکه جواب گفته شوم نزد تو و فریاد کرده شوم گرانست بر من که گریه کنم بر تو و خوار کنند ترا خلایق گرانست

عَلَيَّ أَنْ يَجْرِيَ عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا جَرٰى هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَأُطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ

بر من آنکه جاری شود بر تو دون ایشان آنچه جاری شد آیا یاری کننده هست پس طول دهم با او فریاد

وَالْبُكَاءَ هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَأُسَاعِدَ جَزَعَهُ إِذَا خَلَا هَلْ قَذِيَتْ عَيْنٌ فَتُسْعِدَهَا

و گریه را آیا از جزع کننده هست پس مساعده کنم جزع او را هرگاه خلوت شود آیا کوری کند چشم پس یاری کند او را

عَيْنِي عَلَى الْقَذٰى هَلْ إِلَيْكَ يَا ابْنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتُلْقٰى هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمُنَا مِنْكَ

چشم من بر کوری آیا هست بسوی تو ای پسر احمد راهی پس رسیده شود آیا متصل میشود روز ما از تو

بِعِدَةٍ فَنَحْظٰى مَتٰى نَرِدُ مَنَاهِلَكَ الرَّوِيَّةَ فَنَرْوٰى مَتٰى نَنْتَقِعُ مِنْ عَذْبِ مَائِكَ

بوعده پس بهره کنیم وقتی که وارد شویم بر جایگاه سیراب پس سیراب شویم که سیراب میشویم از شیرین آب تو

فَقَدْ طَالَ الصَّدٰى مَتٰى نُغَادِيكَ وَنُرَاوِحُكَ فَتَقَرَّ عُيُونُنَا مَتٰى تَرَانَا وَنَرَاكَ

پس بتحقیق که طولانی شد تشنگی که صبح دهیم ترا و راحت باشیم ترا پس روشن شود چشمهای ما که میبینی ما را و میبینیم ترا

وَقَدْ نَشَرْتَ لِوَاءَ النَّصْرِ تُرٰى أَتَرَانَا نَحُفُّ بِكَ وَأَنْتَ تَؤُمُّ الْمَلَأَ وَقَدْ مَلَأْتَ

و بتحقیق که پهن کرده باشی علم نصرت را دیده شوی آیا میبینی که پیچیده باشیم بتو و تو قصد کرده باشی و بتحقیق که پر کرده باشی

الْأَرْضَ عَدْلًا وَأَذَقْتَ أَعْدَاءَكَ هَوَانًا وَعِقَابًا وَأَبَرْتَ الْعُتَاةَ وَجَحَدَةَ

زمین را عدالت و چشانده باشی دشمنان خود را خواری و عقاب و هلاک کرده باشی سرکشان را و منکران

الْحَقِّ وَقَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ وَاجْتَثَثْتَ أُصُولَ الظَّالِمِينَ وَنَحْنُ نَقُولُ

حق و بریده دنبال متکبران را و بریده اصلهای ستمکاران را و ما میگوییم

الحمد لله رب العالمين اللهم انت كشاف الكرب والبلوى واليك
سپاس از برای پروردگار عالمیان خداوندا تو برطرف کننده اندوه و بلایی و بسوی تو
استعدي فعندك العدوى وانت رب الاخرة والاولى فاغث
میکذارم پس نزد توست یاری و تو پروردگار آخرت و دنیایی پس بفریاد رس
يا غياث المستغيثين عبدك المبتلى وارِه سيده يا شديد القوى
ای فریادرس فریادخواهان بنده حقیر تو که مبتلاست و بنما او را سید او ای شدید القوی
وازل عنه به الاسى والجوى وبرد غليله يا من على العرش استوى ومن
و برطرف کن از او باو بدی و سوزش را و سردکن دل او را ای کسی که بر عرش مستولی است و کسی
اليه الرجعى والمنتهى اللهم ونحن عبيدك التائقون الى وليك المذكر بك
لبوی اوست بازگشت و منتها خداوندا و ما بندگان توایم مشتاقان بسوی ولی تو یادکننده ایم بتو
وبنبيك خلقته لنا عصمة وملاذا واقمته لنا قواما ومعاذا وجعلته
و بر پیغمبر تو خلق کرده او را از برای ما نگاهدارنده و پناه و برپا داشته او را از برای ما دست و پناه و گردانیده او را
للمؤمنين منا اماما فبلغه منا تحية وسلاما وزدنا بذلك يا رب اكراما
از برای مومنان از ما پیشوا پس برسان او را از ما تحیت و سلام و زیاده کن ما را بان ای پروردگار اکرام
واجعل مستقره لنا مستقرا ومقاما واتمم نعمتك بتقديمك اياه امامنا
و بگردان محل قرارگاه او را از برای ما قرارگاه و مقام و تمام کن نعمت تو بر پیش داشتن تو او را پیش ما
حتى توردنا جنانك ومرافقة الشهداء من خلصائك اللهم صل على
تا وارد سازی ما را بر بهشت تو و مرافقت شهیدان از خالصان تو خداوندا درود فرست بر
حجتك وولي امرك وصل على جده محمد رسولك السيد الاكبر وصل
حجت تو و صاحب امر تو و درود فرست بر جد او محمد رسول تو سید بزرگ و درود فرست
على علي ابيه السيد القسور وحامل اللواء في المحشر وساقي اوليائه من
بر علی پدر او و سید شیرها و بردارنده علم در روز قیامت و ساقی دوستان او از
نهر الكوثر والامير على سائر البشر الذي من امن به فقد ظفر ومن لم يؤمن
نهر کوثر و سرکرده بر همه خلایق کسی که ایمان آورد باو پس بتحقیق ظفر یافت و کسی که ایمان نیاورد

جنانك

نسخه ومن لم يؤمن

به فقد خطر وكفر صلى الله عليه وعلى اخيه وعلى نجلهما الميامين
باو پس بتحقیق که ضایع و کافر شد درود خدا بر او و بر برادر او و بر اولاد هرد صاحبان میمنت
الغرر ما طلعت شمس وما اضاء قمر وعلى جدتهم الصديقة الكبرى فاطمة
و سفیدی مادام که طلوع کند آفتاب و انچه روشنی دهد ماه و بر جده او راست گوی بزرگ فاطمه
الزهراء بنت محمد المصطفى وعلى من اصطفيت من ابائه البررة وعليه
زهرا دختر محمد برگزیده و بر کسی که برگزیده از پدران او نیکوکاران و بر او
افضل واكمل واتم وادوم واكثر واوفر ما صليت على احد من اصفيائك
بهتر و کاملتر و تمامتر و دایم تر و بیشتر و وافرتر انچه درود فرستاده بر احدی از برگزیدگان خود
وخيرتك من خلقك وصل عليه صلوة لا غاية لعددها ولا نهاية لمددها
و برگزیدگان خود از خلق خود و درود فرست بر او درودی که نباشد نهایتی از برای شماره آن و نه نهایتی از برای مدد آن
ولا نفاد لامدها اللهم واقم به الحق وادحض به الباطل وادل به
و نه تمام شدنی از برای مدت آن خداوندا و بپادار باو حق را و برطرف کن باو باطل را و دولت ده باو
اولياءك واذلل به اعداءك وصل اللهم بيننا وبينه وصلة تؤدي
دوستان خود را و خوار کن باو دشمنان خود را و وصل کن خداوندا میان ما و میان او وصلی که منجر شود
الى مرافقة سلفه واجعلنا ممن ياخذ بحجزتهم ويمكث في ظلهم واعنا
بسوی رفاقت پیشینیان او و بگردان ما را از کسانی که میگیرند دامن ایشان را و ممکن میشوند در سایه ایشان و یاری کن ما را
على تادية حقوقه اليه والاجتهاد في طاعته والاجتناب عن معصيته
بر ادا کردن حقهای او بسوی او و اجتهاد در طاعت او و اجتناب از نافرمانی او
وامنن علينا برضاه وهب لنا رافته ورحمته ودعاءه وخيره ما ننال به
و منت گذار بر ما برضای او و ببخش از برای ما مهربانی او و رحمت او و دعای او و خیر او را انچه دریابیم باو
سعة من رحمتك وفوزا عندك واجعل صلوتنا به مقبولة وذنوبنا به
گشادگی از رحمت تو و رستگاری نزد تو و بگردان درود ما را باو مقبول و گناهان ما را باو
مغفورة ودعاءنا به مستجابا واجعل ارزاقنا به مبسوطة وهمومنا
آمرزیده شده و دعای ما را باو مستجاب و بگردان روزیهای ما را باو فراخ و اندوههای ما را

واعز به

وبينك

بِهِ مَكْفِيَّةً وَحَوَائِجَنَا بِهِ مَقْضِيَّةً وَاَقْبِلْ اِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَاقْبَلْ

باو کفایت کرده شده وحاجتهاما باو برآورده شده واقبال کن بوما بروی تو کرکریمست وقبول کن

تَقَرُّبَنَا اِلَيْكَ وَانْظُرْ اِلَيْنَا نَظْرَةً رَحِيمَةً نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكَرَامَةَ عِنْدَكَ

نزدیکیهاما را بسوی تو ونظر کن بسوی ما نظر مهربان طلب کمال کنیم باان کرامت را نزد تو

ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ وَاسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ

پس مکردان انرا از ما بجود خود وسیراب کن مارا از حوض جداو درود فرستاد خدا براو وال او

بِكَاْسِهِ وَبِيَدِهِ رَيًّا رَوِيًّا هَنِيئًا سَائِغًا لَا ظَمَأَ بَعْدَهُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بجام او وبدست او بآب بسیار سیراب کوارا فرورونده که تشنگی نباشد بعد ازان ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

اما طریق صلوات فرستادن برایشان شیخ طوسی رحمة الله علیه بسند معتبر روایت کرده است که عبدالله بن محمد گفت که من سؤال کردم از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام که املا نماید بر من کیفیت صلوات فرستادن بر حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم واوصیای انحضرت صلوات الله علیهم را وباخود حاضر کرده بودم کاغذ بزرگی را پس بر من املا فرمود بی انکه از کتابی املا کند باین نحو

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا حَمَلَ وَحْيَكَ وَبَلَّغَ رِسَالَاتِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

خداوندا درود فرست بر محمد وال محمد چنانکه برداشت وحی ترا ورسانید رسالت ترا ودرود فرست بر محمد و

اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا اَحَلَّ حَلَالَكَ وَحَرَّمَ حَرَامَكَ وَعَلَّمَ كِتَابَكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ

ال محمد چنانکه حلال کرد حلال ترا وحرام کرد حرام ترا وتعلیم کرد کتاب ترا ودرود فرست بر محمد وال

مُحَمَّدٍ كَمَا اَقَامَ الصَّلٰوةَ وَاٰتَى الزَّكٰوةَ وَدَعَا اِلَى دِينِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

محمد چنانکه برپا داشت نماز را وداد زکوة را وخواند بسوی دین تو ودرود فرست بر محمد

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَدَّقَ بِوَعْدِكَ وَاَشْفَقَ مِنْ وَعِيدِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

وال محمد چنانکه راست کرد وعده ترا وترسید از وعید تو ودرود فرست بر محمد

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا غَفَرْتَ بِهِ الذُّنُوبَ وَسَتَرْتَ بِهِ الْعُيُوبَ وَفَرَّجْتَ بِهِ الْكُرُوبَ

وال محمد چنانکه امرزیده باو کناهان را وپوشیده باو عیبها را وبرطرف کرده باو اندوهها را

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا دَفَعْتَ بِهِ الشَّقَاءَ وَكَشَفْتَ بِهِ الْغَمَّاءَ وَ

ودرود فرست بر محمد وال محمد چنانکه دفع کرده باو بدبختی را وبرداشته باو غمها را و

اجبت

اَجَبْتَ بِهِ الدُّعَاءَ وَنَجَّيْتَ بِهِ مِنَ الْبَلَاءِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ بِهِ

اجابت کرده باو دعا را ونجات داده باو از بلا ودرود فرست بر محمد وال محمد چنانکه رحم کرده باو

الْعِبَادَ وَاَحْيَيْتَ بِهِ الْبِلَادَ وَقَصَمْتَ بِهِ الْجَبَابِرَةَ وَاَهْلَكْتَ بِهِ الْفَرَاعِنَةَ

بندگان را وزنده کرده باو بلاد را وشکستی باو جباران را وهلاک کرده باو فرعونها را

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا اَضْعَفْتَ بِهِ الْاَمْوَالَ وَحَذَّرْتَ بِهِ مِنَ الْاَهْوَالِ

ودرود فرست بر محمد وال محمد چنانکه زیاده کرده باو مالها را وحذر فرموده باو از هولها

وَكَسَّرْتَ بِهِ الْاَصْنَامَ وَرَحِمْتَ بِهِ الْاَنَامَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَعَثْتَهُ

وشکستی باو بتها را ورحم کرده باو خلایق را ودرود فرست بر محمد وال محمد چنانکه مبعوث کردی او را

بِخَيْرِ الْاَدْيَانِ وَاَعْزَزْتَ بِهِ الْاِيمَانَ وَتَبَرَّأْتَ بِهِ الْاَوْثَانَ وَعَظَّمْتَ بِهِ

وتبرّأت

به بهترین دینها وعزیز کرده باو ایمان را وبیزاری کرده باو بتها را وبزرگ کرده باو

الْبَيْتَ الْحَرَامَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْاَخْيَارِ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا

بیت الحرام را ودرود فرست بر محمد واهل بیت او که پاکان برگزیده اند وسلام فرست سلام فرستادنی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ اَخِي نَبِيِّكَ وَوَلِيِّهِ وَوَصِيِّهِ وَ

خداوندا درود فرست بر امیر المؤمنین علی بن ابی طالب برادر پیغمبر تو وولی او ووصی او و

وَزِيرِهِ وَمُسْتَوْدَعِ عِلْمِهِ وَمَوْضِعِ سِرِّهِ وَبَابِ حِكْمَتِهِ وَالنَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ وَالدَّاعِي

وزیر او وامانت کیرنده علم او ومحل پنهان او ودر حکمت او وگویا بحجت او وخواننده

اِلَى شَرِيعَتِهِ وَخَلِيفَتِهِ فِي اُمَّتِهِ وَمُفَرِّجِ الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ قَاصِمِ الْكَفَرَةِ

بسوی شریعت او وخلیفه او در امت او وبرطرف کننده اندوه از روی او وشکننده کافران

وَمُرْغِمِ الْفَجَرَةِ وَالَّذِي جَعَلْتَهُ مِنْ نَبِيِّكَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسٰى اَللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ

بخاک مالنده بینی فاجران کسی که کردانیده او را از پیغمبر خود بمنزله هرون از موسی خداوندا دوست دار کسی را

وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَالْعَنْ مَنْ نَصَبَ لَهُ مِنَ

که دوست دارد او را ودشمن دار کسی را که دشمنی کند او را ویاری کن کسی را که یاری کند او را وخوار کن کسی را که خوار کند او را ولعنت کن کسی را که نصب کرده عداوت برای او

الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ وَصَلِّ عَلَيْهِ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى اَحَدٍ مِنْ اَوْصِيَاءِ اَنْبِيَائِكَ

پیشینیان وپسینیان ودرود فرست براو بهترانچه درود فرستاده بر احدی از اوصیاء پیغمبران تو

يا ربّ العالمين اللّهمّ صلّ على الصدّيقة فاطمة الزكيّة حبيبة حبيبك

اى پروردگار عالميان خداوندا درود فرست بر راستگو فاطمه پاكيزه دوست دوست تو

ونبيّك وامّ احبّائك واصفيائك التي انتجبتها وفضّلتها واخترتها

وپيغمبر تو ومادر دوستان تو وبرگزيدگان تو كه برگزيده اورا وفضيلت داده اورا واختيار كرده اورا

على نساء العالمين اللّهمّ كن الطالب لها ممّن ظلمها واستخفّ بحقّها وكن

بر زنان عالميان خداوندا باش طالب از براى او از كسى كه ظلم كرده اورا واستخفاف كرده بحق او وباش

الثائر اللّهمّ بدم اولادها اللّهمّ وكما جعلتها امّ ائمّة الهدى و

طلب كننده خداوندا بخون اولاد او خداوندا وچنانكه گردانيده اورا مادر امامان راه نماينده و

حليلة صاحب اللواء والكريم عند الملأ الاعلى فصلّ عليها وعلى امّها

زوجه صاحب علم وبزرگ نزد فرشتگان اعلى پس درود فرست بر او وبر مادر او

صلوة تكرم بها وجه ابيها محمّد صلّى الله عليه واله وتقرّ بها اعين ذرّيّتها

درودى كه گرامى شود بسبب آن روى پدر او محمد درود فرستاد خدا بر او وآل او وروشن گردد چشمهاى فرزندان او

وابلغهم عنّي في هذه الساعة افضل التحيّة والسلام اللّهمّ صلّ على

وبرسان ايشان را از من در اين ساعت بهتر تحيّه وسلام خداوندا درود فرست

الحسن والحسين عبديك ووليّيك وابني رسولك وسبطي الرحمة

حسن وحسين دو بنده تو ودو دوست تو ودو پسر رسول تو ودو فرزند رحمت

وسيّدي شباب اهل الجنّة افضل ما صلّيت على احد من اولاد النبيّين

ودو سيد جوانان اهل بهشت بهتر آنچه درود فرستاده بر احدى از فرزندان پيغمبران

والمرسلين اللّهمّ صلّ على الحسن بن سيّد النبيّين ووصيّ امير المؤمنين

وفرستاده شدگان خداوندا درود فرست بر حسن پسر سيد پيغمبران ووصى امير مؤمنان

السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن سيّد الوصيّين

سلام بر تو اى پسر رسول خدا سلام بر تو اى پسر سيد اوصيا

اشهد انّك يا ابن امير المؤمنين امين الله وابن امينه عشت مظلوما ومضيت

گواهى ميدهم كه تو اى پسر امير المؤمنين امين خدا وپسر امين خدائى زندگانى كردى ستم كشيده وگذشتى

شهيدا

شهيدا واشهد انّك الامام الزكيّ الهادي المهديّ اللّهمّ صلّ عليه وبلّغ

شهيد وگواهى ميدهم كه تو امام پاكيزه هدايت كننده هدايت يافته خداوندا درود فرست بر او وبرسان

روحه وجسده عنّي في هذه الساعة افضل التحيّة والسلام اللّهمّ صلّ على

روح او وبدن او را از من در اين ساعت بهتر تحيه وسلام خداوندا درود فرست

الحسين بن عليّ المظلوم الشهيد قتيل الكفرة وطريح الفجرة والسلام عليك

حسين بن على ستم ديده شهيد كشته شده كافران وانداخته شده فاجران وسلام بر تو

يا ابا عبد الله السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن امير المؤمنين

اى ابا عبد الله سلام بر تو اى پسر رسول خدا سلام بر تو اى پسر امير المؤمنين

اشهد موقنا انّك امين الله وابن امينه قتلت مظلوما ومضيت شهيدا و

گواهى ميدهم بيقين دارنده كه تو امين خدا وپسر امين خدائى كشته شده مظلوم وگذشتى شهيد و

اشهد انّ الله تعالى الطالب بثارك ومنجز ما وعدك من النصر والتأييد في

گواهى ميدهم بتحقيق كه خداى بلند مرتبه طلب كننده است بخون تو ووفا كننده است بانجاز وعده كرده ترا از يارى وتاييد در

هلاك عدوّك واظهار دعوتك واشهد انّك وفيت بعهد الله وجاهدت

هلاك دشمن تو واظهار دعوت تو وگواهى ميدهم كه تو وفا كردى بعهد خدا وجهاد كردى

في سبيل الله وعبدت الله مخلصا حتّى اتاك اليقين لعن الله امّة قتلتك و

در راه خدا وعبادت كردى خدا را خالص تا آمد ترا مرگ لعنت كند خدا امتى را كه كشتند ترا و

لعن الله امّة خذلتك ولعن الله امّة البت عليك وابرأ الى الله تعالى ممّن اكذبك

لعنت كند خدا امتى را كه خوار كردند ترا ولعنت كند خدا امتى را كه تحريص كردند بر تو وبيزارم بسوى خداى بلند از كسى كه تكذيب كرد ترا

واستخفّ بحقّك واستحلّ دمك بابي انت وامّي يا ابا عبد الله لعن الله قاتلك

واستخفاف كرد بحق تو وحلال كرد خون ترا فداى تو مادر وپدرم اى ابا عبد الله لعنت كند خدا كشنده ترا

ولعن الله خاذلك ولعن الله من سمع واعيتك فلم يجبك ولم ينصرك ولعن الله

ولعنت كند خدا خوار كننده ترا ولعنت كند خدا كسى را كه شنيد ناله ترا پس جواب نداد ترا ويارى نكرد ترا ولعنت كند خدا

من سبى نساءك انا الى الله منهم بريء وممّن والاهم ومالاهم واعانهم عليه

كسى را كه اسير كرد زنان ترا من بسوى خدا از ايشان بيزارم واز كسى كه دوست داشت ايشان را ويارى كرد ايشان را

اشهد انك والائمة من ولدك كلمة التقوى وباب الهدى والعروة الوثقى و
گواهی میدهم که تو وپیشوایان از فرزندان تو کلمه پرهیزکارانند ودر هدایتاند وبند محکم اند و
الحجة على اهل الدنيا واشهد انى بكم مؤمن وبمنزلتكم موقن ولكم تابع بذات
حجتند بر اهل دنیا وگواهی میدهم براستی که من بشما ایمان آورنده ام وبمنزلت شما یقین دارنده ام واز برای شما تابع بذات
نفسى وشرائع دينى وخواتيم عملى ومنقلبى فى دنياى واخرتى اللهم صل
نفس خودم وشرایع دین خودم وخاتمه عمل وبرگشتن من در دنیای من واخرت من خداوندا درود فرست
على على بن الحسين سيد العابدين الذى استخلصته لنفسك وجعلت
بر علی بن الحسین مهتر عابدان که خالص کرده اورا از برای خود وگردانیده
منه ائمة الهدى الذين يهدون بالحق وبه يعدلون اخترته لنفسك
از او پیشوایان هدایت را آنهایی که راه مینمایند بحق وبراو عدالت میکنند اختیار کرده اورا از برای خود
وطهرته من الرجس واصطفيته وجعلته هاديا مهديا اللهم فصل
وپاک کردانیده اورا از پلیدی وبرگزیده اورا وگردانیده اورا هدایت کننده هدایت یافته خداوندا درود فرست
عليه افضل ما صليت على احد من ذرية انبيائك واصفيائك حتى
بر او بهتر آنچه درود فرستاده بر احدی از فرزندان پیغمبران خود وبرگزیدگان خود تا آنکه
تبلغ به ما تقر به عينه فى الدنيا والاخرة انك عزيز حكيم اللهم صل على
برسد باو چیزی که روشن شود بآن چشم او در دنیا وآخرت بدرستی که تو غالب حکیمی خداوندا درود فرست
محمد بن على باقر العلم وامام الهدى وقائد اهل التقوى والمنتجب من عبادك
محمد بن علی باقر علم وامام هدایت کننده وکشاننده اهل تقوی وبرگزیده از بندگان تو
اللهم وكما جعلته علما لعبادك ومنارا لبلادك ومستودعا لحكمتك ومترجما
خداوندا وچنانکه گردانیده اورا نشانه از برای بندگان خود وعلامتی از برای بلاد خود ومحل امانت از برای حکمت خود وتعبیر کننده
لوحيك وامرت بطاعته وحذرت من معصيته فصل عليه يا رب افضل
از برای وحی خود وامر کرده بطاعت او وحذر فرموده از نافرمانی او پس درود فرست بر او ای پروردگار بهتر
ما صليت على احد من ذرية انبيائك واصفيائك ورسلك وامنائك
آنچه درود فرستاده بر احدی از اولاد پیغمبران تو وبرگزیدگان تو ورسولان تو وامینان تو

يا رب العالمين اللهم صل على جعفر بن محمد الصادق خازن العلم
ای پروردگار عالمیان خداوندا درود فرست بر جعفر بن محمد صادق خزینه دار علم
الداعى اليك بالحق النور المبين اللهم وكما جعلته معدن كلامك
خواننده بسوی تو بحق نور روشن خداوندا چنانکه گردانیده اورا معدن کلام خود
ووحيك وخازن علمك ولسان توحيدك وولى امرك ومستحفظ
ووحی خود وخزینه دار علم خود وزبان توحید خود وصاحب اختیار امر خود ومحافظت کننده
دينك فصل عليه افضل ما صليت على احد من ذرية اصفيائك و
دین خود پس درود فرست بر او بهتر آنچه درود فرستاده بر احدی از اولاد برگزیدگان خود و
حججك انك حميد مجيد اللهم صل على الامين المؤتمن موسى بن جعفر البر
حجتهای خود بدرستی که حمد کرده شده بزرگی خداوندا درود فرست بر امین مؤتمن موسی بن جعفر نیکوکار
الوفى الطاهر الزكى النور المبين المجتهد المحتسب الصابر على الاذى فيك
وفاکننده پاک پاکیزه نور ظاهر جهد کننده محتسب صبر کننده بر اذیت در راه تو
اللهم وكما بلغ عن ابائه ما استودع من امرك ونهيك وحمل على المحجة و
خداوندا وچنانکه رسانید از پدران خود آنچه ودیعه گرفته بود از امر تو ونهی تو وبرداشت بر جان و
كابد اهل الغرة والشدة فيما كان يلقى من جهال قومه رب فصل عليه
مرارت اهل غرور وسختی را در آنچه بود که ملاقات میکرد از جاهلان قوم خود پروردگارا پس درود فرست براو
افضل واكمل ما صليت على احد ممن اطاعك ونصح لعبادك انك غفور رحيم
بهتر وکاملتر آنچه درود فرستاده بر احدی از کسی که اطاعت کرده ترا ونصیحت کرده از برای بندگان تو بدرستیکه تو آمرزنده مهربانی
اللهم صل على على بن موسى الذى ارتضيته ورضيت به من شئت من
خداوندا درود فرست بر علی بن موسی که برگزیده اورا وخوشنود کرده باو کسی را که خواستی از
خلقك اللهم وكما جعلته حجة على خلقك وقائما بامرك وناصرا لدينك
خلق خود خداوندا وچنانکه گردانیده اورا حجت بر خلق خود وایستاده بامر تو ویاری کننده مر دین ترا
وشاهدا على عبادك وكما نصح لهم فى السر والعلانية ودعا الى سبيلك
وگواه بر بندگان تو وچنانکه نصیحت کرد مر ایشانرا در پنهان وآشکارا وخواند بسوی راه تو

اولیائک

بالحکمة والموعظة الحسنة فصل علیه افضل ما صلیت علی احد من اولیائك

بحکمت و موعظهٔ نیکو پس درود فرست براو بهتر انچه درود فرستاده بر احدی از دوستان خود

وبقیة اوصیائك انك عزیز حکیم اللهم صل علی علی بن محمد وصی

و بقیه اوصیای خود بدرستیکه تو غالب حکیمی خداوندا درود فرست بر علی بن محمد وصی

الاوصیاء وامام الاتقیاء وخلف ائمة الدین والحجة علی الخلائق

اوصیا و امام پرهیزکاران و خلف پیشوایان دین و حجت بر خلایق

اجمعین اللهم کما جعلته نورا یستضیء به المؤمنون فبشر بالجزیل من

خداوندا چنانکه کردانیده اورا نوری که طلب روشنی باو میکنند مومنان پس بشارت داد بنیکوئی از

ثوابك وانذر بالالیم من عقابك وحذر باسك وذکر بآیاتك واحل حلالك

ثواب خود و بترسانید از عقاب دردناک تو و حذر فرمود از عذاب تو و متذکر ساخت بآیات تو و حلال کرد حلال تو

وحرم حرامك وبین شرائعك وفرائضك وحث علی عبادتك وامر بطاعتك و

و حرام کرد حرام ترا و ظاهر کرد راه دین ترا و واجبهای ترا و ترغیب کرد بر عبادت تو و امر کرد بطاعت تو و

نهی عن معصیتك فصل علیه افضل ما صلیت علی احد من اولیائك وذریة

باز داشت از نافرمانی تو پس درود فرست براو بهتر انچه درود فرستاده بر احد از دوستان خود و اولاد

انبیائك یا اله العالمین اللهم صل علی الحسن بن علی البر التقی الصادق

پیغمبران خود ای خدای عالمیان خداوندا درود فرست بر حسن پسر علی نیکوکار پرهیزکار راستگوی

الوفی النور المضیء خازن علمك والمذکر بتوحیدك وولی امرك وخلف الائمة

وفا کننده نور درخشنده خزینه دار علم تو و بیاد آورنده توحید تو و صاحب امر تو و فرزند پیشوایان

الدین الهداة الراشدین والحجة علی اهل الدنیا فصل علیه یا رب

دین هدایت کننده صاحبان رشد و حجت بر اهل دنیا پس درود فرست براو ای پروردگار من

افضل ما صلیت علی احد من اصفیائك وحججك واولاد رسلك یا اله

بهتر انچه درود فرستاده بر احد از برگزیدگان خود و حجتهای خود و اولاد رسولان خود ای خدای

العالمین اللهم صل علی ولیك وابن اولیائك الذین فرضت طاعتهم

عالمیان خداوندا درود فرست بر ولی تو و پسر دوستان تو که واجب کرده اطاعت ایشان را

واوجبت حقهم واذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهیرا اللهم انصره و

و لازم کرده حق ایشان را و بر طرف کرده از ایشان پلیدی را و پاک کرده ایشان را پاک کردنی خداوندا یاری کن او را

انتصر به لدینك وانصر به اولیاءك واولیاءه وشیعته وانصاره و

و یاری ده با او برای دین خود و یاری کن با او دوستان خود را و دوستان او را و شیعه او را و یاری کنندگان او را

اجعلنا منهم اللهم اعذه من شر کل باغ وطاغ ومن شر جمیع خلقك

بگردان ما را از ایشان خداوندا پناه ده او را از شر هر ظلم کننده طغیان کننده و از بدی همه خلق تو

واحفظه من بین یدیه ومن خلفه وعن یمینه وعن شماله واحرسه

و محافظت کن او را از پیش روی او و از پشت سر او و از دست راست او و از چپ او و حراست کن او را

وامنعه من ان یوصل الیه بسوء واحفظ فیه رسولك وآل رسولك

و منع کن او را از انکه برسد بسوی او بدی و محافظت کن در او رسول خود و آل رسول خود را

واظهر به العدل وایده بالنصر وانصر ناصریه واخذل خاذلیه و

و ظاهر کن باو عدالت را و توفیق ده او را بیاری و یاری ده یاری کنندگان او را و خوار کن خوار کننده او را و

اقصم به جبابرة الکفرة واقتل به الکفار والمنافقین وجمیع الملحدین

بشکن باو جباران کافران را و بکش باو کفار را و منافقان و همه ملحدان را

حیث کانوا من مشارق الارض ومغاربها وبرها وبحرها واملأ به الارض

هر جا که باشند از مشرقهای زمین و مغربهای و بیابان او و دریای او و پر کن باو زمین را

عدلا واظهر به دین نبیك علیه وآله السلام واجعلنی اللهم من انصاره

از عدالت و ظاهر گردان باو دین پیغمبر تو بر او و آل او سلام و بگردان مرا خداوندا از یاوران او

واعوانه واتباعه وشیعته وارنی فی آل محمد ما یاملون وفی عدوهم

و اعوان او و پیروان او و شیعه او و بنما مرا در آل محمد انچه امید دارند و در دشمنان ایشان

ما یحذرون اله الحق آمین باب دوازدهم در بیان نمازهای واجبت که مخصوص روزی و

انچه حذر میکنند خدای حق اجابت کن ماهی نیست و نمازهای سنت که اختصاص بوقتی ندارند و اعمالی

که بغیر ماههای عربی تعلق دارند و در آن هشت فصل است فصل اول در بیان نماز آیات بدانکه

این نماز واجب است نزد کسوف آفتاب و خسوف ماه خواه کل بگیرد و خواه بعض و در زلزله که زمین بلرزد

در بیان نماز آیات

ومشهور آنست که هر ایتی که از جانب اسمان حادث شود که موجب خوف غالب خلق گردد این نماز واجب
واجب میشود مانند بادهای بسیار شدید که برخلاف عادت باشد خواه رنگین باشد و خواه
نباشد وصاعقهای عظیم ورعدهای بسیار شدید وتاریک شدن هوا وامثال اینها واین
قول اقوی است وکیفیت این نماز آنست که قصد کند که نماز افتاب گرفتن یا ماه گرفتن یا
زلزله یا ایات میکنم ادا از جهت انکه واجبست برای رضای خدا یا قربة الی الله پس تکبیر احرام بگوید وحمد
ویکسوره بخواند پس رکوع کند پس سر بردارد وسنت است که در سر برداشتن الله اکبر بگوید
پس حمد وسوره بخواند پس رکوع کند تا انکه پنج مرتبه رکوع بعمل آورد واز رکوع پنجم که سر بردارد
سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ بگوید وبعد از ان بسجود رود ودو سجده بجا اورد پس برخیزد ویک رکعت دیگر بجا
اورد بدستور رکعت اولی ودر سر برداشتن از رکوع دهم بجای تکبیر سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ بگوید
واگر در رکوع اوّل بعد از حمد بعضی از سوره را بخواند وبرکوع رود وبعد از سر برداشتن باقی سوره
را بخواند اعادهٔ حمد نمیکند واگر سوره که پنج ایه باشد تفریق کند بر رکوعها بیک حمد که در رکوع
اول خوانده اکتفا میکند وهمچنین در رکعت دویم بیک حمد وسوره که چنین تفریق کند اکتفا میتواند کرد
وبهتر آنست که بطریق اوّل بکند وبهر حمد وبهر سوره بجا اورد اگر وقت تنگ نباشد واول وقت
نماز کسوف وخسوف ابتدای گرفتن است واخر وقت بقول مشهور ابتدای منجلی شدن است
وظاهر نزد فقیر وجمعی از محققین آنست که تا تمام منجلی نشود وقتش باقیست ونماز زلزله وایات
که وقتش وفا بنماز نکند موافق مشهور بدر تمام عمر اداست واگر کسی ترک کند نماز مذکور را با حدوث
یکی از اسباب مذکوره مشهور میان علما آنست که قضا میکند ان نماز را مطلقا وجمعی گفته اند که بر ناسی
که فراموش کرده باشد قضا نیست مادام که تمام قرص نگرفته باشد وعمل بمشهور احوطست واگر
مطلع نشود تا وقت بدر رود مشهور میان اصحاب آنست که قضای کسوفین واجب نیست
مگر انکه تمام قرص گرفته باشد وجمعی گفته اند واجبست قضا مطلقا وقول اول اقوی وثانی احوط
است ومستحبست که این نماز را بجماعت بجا اورند وطول بدهند بقدر زمان کسوف وخسوف
وهرگاه از نماز فارغ شود وانجلا نشده باشد اشهر واقوی آنست که اعادهٔ نماز مستحبست
وبعضی واجب دانسته اند ومستحبست خواندن سورهای طولانی با وسعت وقت و
برابر ساختن رکوع وسجود با قراءت ومستحبست قنوت خواندن پیش از رکوع دویم وچهارم و

وششم وهشتم ودهم واگر در ایام زلزله مکرر این ایه را بخوانند مناسبست إِنَّ اللهَ يُمْسِكُ السَّمٰوٰاتِ
وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا واز حضرت
امام رضا علیه السلام منقولست که هر که در وقت خواب این ایه را بخواند خانه بر سرش خراب نشود

نماز استسقاء

فصل دویم در نماز استسقاست اعنی نماز طلب باران در وقتی که باران کم اید واب چاهها و
چشمها کم شود وکیفیت این نماز مثل نماز عید است که سابقا مذکور شد وبجماعت باید کرد
ودر قنوتهایش طلب رحمت واستغفار از گناهان وطلب باران باید کرد وبهترین دعاها
دعای نوزدهم صحیفهٔ کامله است واکثر گفته اند وقتش میان طلوع افتاب است تا زوال و
باید امام امر کند مردم را که سه روز روزه بدارند وروز سیم ایشان را بیرون برد وبهتر انست
که روز سیم جمعه باشد یا دوشنبه وبصحرا بیرون روند پای برهنه با سکینه ووقار ومؤذنان
عصاها بدست گرفته پیش روی امام بروند وچون امام از نماز فارغ شود بر منبر بالا رود ورداء
را بگرداند بانکه جانب راست را بجانب چپ اورد وجانب چپ را بجانب راست پس رو بقبله کند و
باواز بلند صد مرتبه الله اکبر بگوید وبجانب راست بگردد وصد مرتبه سُبْحَانَ اللهِ بگوید پس
بجانب چپ بگردد وصد مرتبه لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ بگوید پس رو بمردم کند وصد مرتبه اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بگوید
وگفته اند مردم در ذکرها موافقت کنند با او ودر گشتن پس دو خطبه بخواند ومبالغه کند در استغفار
ودعا وطلب رحمت وخطبهای منقوله بهتر است ودور نیست که اگر این ذکرها را بعد از خطبه بخوانند
بهتر خوب باشد

نماز حضرت جعفر

فصل سیم در بیان نماز حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم است سید ابن
طاوس قدس الله روحه بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که از انحضرت
سؤال کردند از نماز جعفر طیار حضرت فرمود که چرا غافلی از نماز حضرت رسول صلی الله علیه واله
وسلم شاید حضرت رسول صلی الله علیه واله نماز جعفر را نکرده باشد وشاید جعفر نماز انحضرت را
کرده باشد راوی گفت پس ان نماز را تعلیم کن بمن حضرت فرمود که دو رکعت نماز میکنی ودر هر
رکعت یکمرتبه فاتحه وپانزده مرتبه إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ میخوانی پس در رکوع وبعد از سر برداشتن ودر
سجده اول وسر برداشتن ودر سجده دویم وسر برداشتن هر یک پانزده مرتبه سوره قدر را میخوانی
پس تشهد میخوانی وسلام میگویی وچون فارغ شوی میان تو وخدا گناهی لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ رَبُّنَا
نمیماند مگر انکه امرزیده شده است وهر حاجتی که طلبی روا شود وبعد از ان این دعا را بخوانی نیست خدایی مگر خدا پروردگار ما

وَرَبُّ آبائِنَا الْأَوَّلِينَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ إِلٰهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ

و پروردگار پدران ما پیشینیان نیست خدائی مگر خدا خدای یکتای و ما از برای او تسلیم کننده ایم نیست خدای مگر خدا

لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ

عبادت نمیکنیم مگر او را اخلاص دارندگان از برای او دین را هر چند ناخوش دارند کافران نیست خدائی مگر خدا یکتات

وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَأَعَزَّ جُنْدَهُ وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ

یکتات یکتاست وفا کرده وعده خود را و یاری داده بنده خود را و عزیز کرده لشکر خود را و گریزانید احزاب را تنهائی پس از برای اوست

الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللّٰهُمَّ أَنْتَ نُورُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ

پادشاهی و از برای اوست حمد و او بر همه چیز قادر است خداوندا تو نور اسمانها و زمین و

وَمَنْ فِيهِنَّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ قَيَّامُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ فَلَكَ الْحَمْدُ

کسی که در اینهاست پس مر تراست سپاس و تو بپا دارنده اسمانها و زمین و کسی که در اینهاست پس مر تراست ستایش

وَأَنْتَ الْحَقُّ وَوَعْدُكَ الْحَقُّ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ وَإِنْجَازُكَ حَقٌّ وَالْجَنَّةُ حَقٌّ وَالنَّارُ

و تو حقی و وعده تو حق است و قول تو حق است و وفای تو حق است و بهشت حق است و آتش

حَقٌّ اللّٰهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَبِكَ خَاصَمْتُ وَإِلَيْكَ

حق است خداوندا از برای تو اسلام آوردم و بتو ایمان آوردم و بر تو اعتماد کردم و بتو مخاصمه کردم و بسوی تو

حَاكَمْتُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ وَأَسْرَرْتُ وَأَعْلَنْتُ

محاکمه کردم ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار بیامرز از برای ما آنچه کردم و آنچه خواهم کرد و پنهان کردم و آشکار کردم

أَنْتَ إِلٰهِي لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ

توئی خدای من نیست خدائی مگر تو درود فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز از برای من و رحم کن بر من و توبه کن بر من

عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ مؤلف گوید که این نماز از نمازهای مشهوره است و عامه

بدرستیکه تو قبول توبه کننده مهربانی وخاصه در کتب خود روایت کرده اند و بعضی این را از نمازهای

روز جمعه شمرده اند و از روایت اختصاص معلوم نمیشود و ظاهر در سایر ایام میتوان کرد فصل چهارم

در بیان نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام ابن بابویه و عیاشی و شیخ و دیگران رضی الله عنهم بسندهای

صحیح و حسن و معتبر بسیار از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که هر که چهار رکعت نماز بگذارد یعنی

بدو سلام و در هر رکعت بعد از سورهٔ فاتحه پنجاه مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند چون از نماز فارغ گردد

المشرکون

قیام

نماز حضرت امیر المؤمنین ٤

میان او و حق تعالی هیچ گناهی نماند مگر آنکه آمرزیده شده باشد و سید و شیخ از حضرت صادق

علیه السلام روایت کرده اند که هر که چهار رکعت نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را بجا آورد از گناهان بیرون

آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و حاجتهای او برآورده شود و در هر رکعت سورهٔ

حمد و پنجاه مرتبه سورهٔ توحید بخواند و چون فارغ شود این دعا را بخواند که تسبیح آنحضرت است

سُبْحَانَ مَنْ لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا اضْمِحْلَالَ لِفَخْرِهِ

منزهست کسی که منزهست کسی که کم نمیشود خزینهای او منزهست کسی که اضمحلال نیست از برای فخر او

سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا انْقِطَاعَ لِمُدَّتِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يُشَارِكُ

منزهست کسی که فانی نمیشود آنچه نزد اوست منزهست کسی که انقطاع نیست مدت او را منزهست کسی که شریک نکرده

أَحَدًا فِي أَمْرِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا إِلٰهَ غَيْرُهُ پس این دعا بخواند يَا مَنْ عَفَا عَنِ السَّيِّئَاتِ وَلَمْ يُجَازِ

احدی را در امر خود منزهست کسی که نیست خدائی غیر او بخواند ای کسی که درگذشت از گناهان و جزا نداده

بِهَا ارْحَمْ عَبْدَكَ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ نَفْسِي نَفْسِي نَفْسِي أَنَا عَبْدُكَ يَا سَيِّدَاهُ

بآن رحم کن بنده خود را ای خدا ای خدا ای خدا نفس من نفس من نفس من من بنده توام ای بزرگ

أَنَا عَبْدُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ يَا رَبَّاهُ بِكَ إِلٰهِي بِكَيْنُونَتِكَ يَا أَمَلَاهُ يَا رَحْمَانَاهُ يَا

من بنده توام پیش روی تو ای پروردگار بتو ای خدای من بذات تو ای محل امید ای روزی دهنده ای

غِيَاثَاهُ عَبْدُكَ عَبْدُكَ لَا حِيلَةَ لَهُ يَا مُنْتَهَىٰ رَغْبَتَاهُ يَا مُجْرِيَ الدَّمِ فِي عُرُوقِي

فریادرس بنده توام بنده توام نیست چاره مر او را ای نهایت رغبت ای جاری کننده خون در رگهای من

عَبْدُكَ يَا سَيِّدَاهُ يَا مَالِكَاهُ أَيَا هُوَ أَيَا هُوَ أَيَا هُوَ يَا رَبَّاهُ عَبْدُكَ لَا حِيلَةَ

بنده توام ای بزرگ ای پادشاه ای او ای او ای او ای پروردگار بنده توام نیست چاره مرا

لِي وَلَا غِنَىٰ بِي عَنْ نَفْسِي وَلَا أَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا أَجِدُ مَنْ أُصَانِعُهُ

از برای من و نیست بی نیازی من از نفس من و استطاعت ندارم از برای او ضرری را و نه نفعی را و نمییابم من کسی که کارسازی نمایم او را

تَقَطَّعَتْ أَسْبَابُ الْخَدَائِعِ عَنِّي وَاضْمَحَلَّ كُلُّ مَظْنُونٍ عَنِّي أَفْرَدَنِي الدَّهْرُ إِلَيْكَ

پاره شده اسباب فریبها از من و برطرف شده همه گمانها از من تنها کرده مرا سالها بسوی تو

فَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ هٰذَا الْمَقَامَ يَا إِلٰهِي بِعِلْمِكَ هٰذَا كَانَ كُلُّهُ فَكَيْفَ أَنْتَ صَانِعٌ

پس بپا ایستادم پیش روی تو این مقام ای خدای من بعلم توست این همه پس چگونه تو کننده

الله

بی لیت شعری کیف تقول لدعائی اتقول نعم ام تقول لا فان قلت لا فیا ویلی

بن کاش میدانستم چه میگوئی از برای دعای من آیا میگوئی بلی یا میگوئی نه پس اگر گوئی نه پس وای بر من

یا ویلی یا ویلی یا عولی یا عولی یا عولی یا شقوتی یا شقوتی یا شقوتی یا ذلی یا ذلی

وای بر من وای بر من ای عول من ای عول من ای عول من ای بدبختی من ای بدبختی من ای بدبختی من ای خواری من ای خواری

یا ذلی الی من و ممن او عند من او کیف او ماذا او الی ای شیء الجا و من

ای خواری من بسوی که و از کی یا نزد که یا چگونه یا چه چیز یا بسوی چه چیز پناه برم و که را

ارجو و من یجود علی بفضله حین ترفضنی یا واسع المغفرة و ان قلت نعم

امید دارم و کی بخشش میکند بر من بفضل خود وقتی که ترک کنی مرا ای گشاده آمرزش و اگر بگوئی بلی

کما هو الظن بک و الرجاء لک فطوبی لی انا السعید و انا المسعود فطوبی

چنانکه گمان بتو است و امیدواری از برای تو پس خوشا حال من منم نیکبخت و منم سعادت یافته پس خوشا حال

لی و انا المرحوم یا مترحم یا مترئف یا متعطف یا متجبر یا متملک یا

من و منم رحم کرده شده ای رحم کننده ای مهربان ای بخشنده ای جبر کننده ای مالک شونده ای

مقسط لا عمل لی مع نجاح حاجتی اسئلک باسمک الذی جعلته فی مکنون

عدالت کننده نیست عملی از برای من با برآمدن حاجت من سوال میکنم ترا بنام تو که گردانیده او را در پرده

غیبک و استقر عندک فلا یخرج منک الی شیء سواک اللهم به و بک

غیب خود و قرار گرفته نزد تو پس بیرون نمیرود از تو بسوی چیزی غیر تو خداوندا باو و بتو

و بک و به فانه اجل و اشرف اسمائک لا شیء لی غیر هذا و لا احد اعود

و بتو و باو پس بدرستی که او بزرگ و شریف‌ترین نامهای تو نیست چیزی از برای من غیر این و نیست کسی که عود کنند

علی منک یا کینون یا مکون یا من عرفنی نفسه یا من امرنی بطاعته یا من

بر من از تو ای هستی ای دایم ای کسی که شناسانده مرا نفس خود ای کسی که امر کرده مرا بطاعت خود ای کسی

نهانی عن معصیته و یا مدعو و یا مسئول یا مطلوبا الیه رفضت وصیتک

که باز داشته مرا از نافرمانی خود و ای خوانده و ای سوال کرده شده ای طلب کرده شده بسوی او ترک کردم وصیت تو

التی اوصیتنی بها و لم اطعک و لو اطعتک فیما امرتنی لکفیتنی ما قمت الیک

که وصیت کردی مرا بآن و اطاعت نکردم ترا و اگر اطاعت میکردم ترا در آنچه امر کردی مرا هر آینه کفایت میکردی مرا آنچه برپا شدم بسوی تو

یا مترحما

فیه و انا مع معصیتی لک راج فلا تحل بینی و بین ما رجوت یا مترحم لی

در او و من با نافرمانی من مر ترا امیدوارم پس حایل مشو میان من و میان آنچه امید دارم ای بخشنده مرا

اعذنی من بین یدی و من خلفی و من فوقی و من تحتی و من کل جهات الاحاطة

پناه ده مرا از میان دو دست من و از پس پشت من و از بالای سر من و از زیر پای من و از هر جهت احاطه کننده

بی اللهم بمحمد سیدی و بعلی ولیی و بالائمة الراشدین علیهم السلام

بمن خداوندا بمحمد آقای من و بعلی صاحب اختیار من و بر پیشوایان راهنمایندگان بر ایشان باد سلام

اجعل علینا صلواتک و رأفتک و رحمتک و اوسع علینا من رزقک و

بگردان بر ما درود خود را و مهربانی خود را و رحمت خود را و گشاده گردان بر ما از روزی تو و

اقض عنا الدین و جمیع حوائجنا یا الله یا الله یا الله انک علی کل شیء قدیر

ادا کن از ما قرض را و همه حاجتهای ما را ای خدا ای خدا ای خدا بدرستی که تو بر همه چیز قادری

نماز حضرت فاطمه صلوات الله علیها

پس حضرت فرمود که هر که این نماز را بکند و این دعا را بخواند هیچ گناهی میان او و خدا نماند مگر آنکه

آمرزیده شود **فصل بیستم** در بیان فضیلت و کیفیت نماز حضرت فاطمه است صلوات الله علیها

سید ابن طاوس قدس سره بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود

که مادرم فاطمه زهرا علیها السلام دو رکعت نماز میکرد که جبرئیل علیه السلام تعلیم او کرده بود و در رکعت اول

بعد از سوره حمد صد مرتبه سوره قدر و در رکعت دوم صد مرتبه توحید میخواند و چون

سلام میگفت این سبحان ذی العز الشامخ المنیف سبحان ذی الجلال الباذخ

دعا را میخواند منزه است صاحب عزت بلند خوب منزه است صاحب جلال بزرگ

العظیم سبحان ذی الملک الفاخر القدیم سبحان من لبس البهجة و الجمال

عظیم منزه است صاحب پادشاهی شایسته قدیم منزه است کسی که پوشیده خوشحالی و نیکوئی را

سبحان من تردی بالنور و الوقار سبحان من یری اثر النمل فی الصفا سبحان

منزه است کسی که ردا کرده بنور و وقار منزه است کسی که می بیند نشان مورچه را در صفاها منزه است

من یری وقع الطیر فی الهواء سبحان من هو هکذا لا هکذا غیره و سید گفته است

کسی که می بیند واقع شدن مرغ را در هوا منزه است کسی که او همچنین است و نیست چنین غیر او و گفته در روایت

دیگر وارد شده است که بعد از این نماز تسبیح مشهور حضرت فاطمه علیها السلام را که بعد از هر نماز

خوانده میشود بخواند و بعد از ان صد مرتبه صلوات بر محمد و ال محمد بفرستد و شیخ رحمه الله
در مصباح این نماز را مرسل روایت کرده است و گفته است که چون سلام بگویی تسبیح فاطمه
علیها السلم را بخوان و این دعا را بخوان یعنی دعائی که پیش مذکور شد پس گفته است که سزاوارست
برای کسی که این نماز را بکند و از این دعا فارغ شود زانوها و ذراعهای خود را برهنه کند و بسجده
رود و جمیع مساجد سبعه را بخاک برساند که جامه در میان مانع نباشد و دعا کند و حاجات
خود را از خدا طلب نماید و یَا مَنْ لَیْسَ غَیْرَهُ رَبٌّ یُدْعیٰ یَا مَنْ لَیْسَ فَوْقَهُ اِلٰهٌ یُخْشیٰ
در سجده این دعا را بخواند ای کسی که نیست غیر او پروردگاری که خوانده شود ای کسی که نیست فوق او خدایی که ترسیده شود
یَا مَنْ لَیْسَ دُوْنَهُ مَلِكٌ یُتَّقیٰ یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ وَزِیْرٌ یُؤْتیٰ یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ حَاجِبٌ یُرْشیٰ
ای کسی که نیست دون او پادشاهی که پرهیز کرده شود ای کسی که نیست از برای او وزیری که اتیان کرده شود ای کسی که نیست از برای او دربانی که رشوه داده شود
یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ بَوَّابٌ یُغْشیٰ یَا مَنْ لَا یَزْدَادُ عَلیٰ کَثْرَةِ السُّؤَالِ اِلَّا کَرَمًا وَجُوْدًا
ای کسی که نیست از برای او دربانی که کسی کند ای کسی که زیاد نمیکند بر بسیاری سؤال مگر کرم و بخشش
وَعَلیٰ کَثْرَةِ الذُّنُوْبِ اِلَّا عَفْوًا وَصَفْحًا صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَ
و بر بسیاری گناهان مگر عفو و درگذشتن درود فرست بر محمد و ال محمد و
افْعَلْ بِیْ کَذَا وَکَذَا بجای وافعل بی کذا وکذا حاجتهای خود را یاد کند فصل ششم در
بیان فضیلت و کیفیت و احکام نماز حضرت جعفر طیار است بکن بمن چنین و چنین
این نماز از جمله متواترات و عامه و خاصه بسندهای بسیار روایت کرده اند و مخالفان
نیز این نماز را مستحب میدانند مگر نادری از ایشان اما اکثر ایشان باعتبار عداوت باطنی که با
امیر المؤمنین علیه السلم و اقارب انحضرت دارند این نماز را بعباس عم پیغمبر صلی الله علیه و اله
وسلم نسبت داده اند و بعد از نوافل شبانروزی نمازی بحسب صحت سند و کثرت ثواب باین
نماز نمیرسد و بسند معتبر از حضرت امام زین العابدین علیه السلم منقولست که چون جعفر طیار
برادر حضرت امیر المؤمنین علیه السلم از هجرت حبشه مراجعت نمود در روزی امد که فتح خیبر بدست
امیر المؤمنین علیه السلم شده بود حضرت رسول صلی الله علیه و اله وسلم بقدر مسافت یك
تیر پرتاب باستقبال او شتافت چون جعفر نظرش بر جمال عدیم المثال انحضرت افتاد مشتاقانه
بجانب انحضرت دوید حضرت او را در بر گرفت و دست در گردن او اورد و ساعتی با او سخن گفت

نماز جعفر طیار

پس

پس بر ناقه غضبا سوار شد و جعفر را ردیف خود ساخت و چون ناقه براه افتاد حضرت فرمود
که ای جعفر ای برادر میخواهی بخشش بزرگی کنم نسبت بتو میخواهی ترا عطیه کرامتی بدهم میخواهی ترا
بر گزینم مردم گمان کردند که مال جزیلی از غنایم خیبر باو عطا خواهد کرد جعفر گفت بلی پدر و مادرم
فدای تو باد پس حضرت نماز تسبیح را باو تعلیم نمود و حضرت صادق علیه السلم فرمود که صفتش اینست
که چهار رکعت است بدو تشهد و بدو سلام و در رکعت اول بعد از سوره حمد سوره اِذَا زُلْزِلَت
میخواند و در رکعت دویم سوره وَالْعَادِیَات و در رکعت سیم سوره اِذَا جَآءَ نَصْرُ اللهِ و در رکعت
چهارم قل هو الله احد و در هر رکعت بعد از فراغ از قراءت پانزده مرتبه میگوید سُبْحَانَ اللهِ وَ
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ و در رکوع همین تسبیحات را ده مرتبه میگوید و چون
سر از رکوع بر میدارد ده مرتبه و در سجده اولی ده مرتبه و بعد از سر برداشتن ده مرتبه و در
سجده دویم ده مرتبه و بعد از سر برداشتن پیش از انکه برخیزد ده مرتبه و در هر چهار رکعت
چنین میکند که مجموع سیصد مرتبه شود و هزار و دویست تسبیح بوده باشد و بروایت
معتبر دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و اله وسلم فرمود که اگر هر روز بکنی بهترست از برای تو از دنیا و
انچه در ان هست و اگر هر دو روز یکبار بکنی گناهانی که در میان دو نماز کرده امرزیده شود و اگر در
هر جمعه بکنی یا در هر ماهی یکمرتبه یا در سالی یکمرتبه بکنی هر گناهی که در میان دو نماز کرده امرزیده
شود و بروایت معتبر دیگر اگر بقدر کف دریاها و بعدد ریگ بیابان گناه بر تو باشد خدا بیامرزد
و اگر از جنگ گریخته باشی که بدترین گناهانست خدا ترا بیامرزد و بروایت دیگر اگر توانی هر روز بکن و اگر
نتوانی هفته یکبار بکن و اگر نتوانی ماهی یکبار بکن و اگر نتوانی سالی یکبار بکن و اگر نتوانی در عمر خود یکبار
بکن تا خدا گناهان کبیره و صغیره تازه و کهنه و عمد و خطای ترا بیامرزد و اما دعاها که در این نماز مستحبست
کلینی بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلم روایت کرده است سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ سُبْحَانَ
که در سجده اخر نماز جعفر چون از تسبیحات فارغ شوی بگو منزهست کسی که پوشیده عزت و تمکین را منزهست
مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَکَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا یَنْبَغِی التَّسْبِیْحُ اِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ
کسی که مهربانی کرده ببزرگی و کرم کرده بان منزهست کسی که سزاوار نیست تسبیح مگر از برای او منزهست کسی که
اَحْصیٰ کُلَّ شَیْءٍ عِلْمُهُ سُبْحَانَ ذِی الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِی الْقُدْرَةِ وَالْاَمْرِ
شمرده هر چیز را علم او منزهست صاحب منت و نعمت منزهست صاحب توانائی و امر

اللهم انی اسئلك بمعاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك و
خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بمعاقد عزت از عرش تو وانتهای رحمة از کتاب تو و
اسمك الاعظم وكلماتك التامة التى تمت صدقا وعدلا صل على محمد
نام تو که بزرگست و کلمهای تو که تمامست که تمام شده از روی راستی و عدالت درود فرست بر محمد
واهل بيته پس حاجات خود را ذکر کند و شیخ در سبحان ذى القدرة والكرم سبحان
واهل بیت او مصباح این دعا را روایت کرده با این زیادتی منزهست صاحب قدرت و کرم منزهست
ذى العزة والفضل سبحان ذى القوة والطول اللهم انى اسئلك تا اخر دعا
صاحب عزت و فضل منزهست صاحب توانائی و بخشش خداوندا بدرستی که من سوال میکنم تو وایضا شیخ
وسید از مفضل بن عمر روایت کرده اند که گفت دیدم روزی حضرت امام جعفر صادق ع
نماز جعفر را بجا اوردند پس این دعا خواندند یا رب یا رب بقدری که یکنفس وفا کند یا
رباه یا رباه بقدر یکنفس رب رب باز بقدر یکنفس یا الله یا الله باز بقدر یکنفس
یا رحیم یا رحیم بقدر یکنفس یا رحمن یا رحمن هفت مرتبه یا ارحم الراحمین هفت
مرتبه پس این اللهم انى افتتح القول بحمدك وانطق بالثناء عليك وامجدك
دعا خواندند خداوندا بدرستی که من ابتدا میکنم گفتن را بحمد تو و گویا میشوم بثناء بر تو و ابزرگ میشمارم ترا
ولا غاية لمدحك واثنى عليك ومن يبلغ غاية ثنائك وامد مجدك وانى لخليقتك
و نهایتی نیست از برای مدح تو وثنا میکنم بر تو و کی میرسد انتهای ثنای ترا و انتهای بزرگی ترا و کجاست مر خلق تو
كنه معرفة مجدك واى زمن لم تكن ممدوحا بفضلك موصوفا بمجدك عوادا
حقیقت شناخت بزرگی تو و کدام زمان نبباشی مدح کرده شده بفضل خود وصف کرده شده ببزرگی خود عود کننده
على المذنبين بحلمك تخلف سكان ارضك عن طاعتك فكنت عليهم
بر گناهکاران بر بردباری خود تخلف کردن ساکنان زمین تو از طاعت تو پس بودی تو بر ایشان
عطوفا بجودك جوادا بفضلك عوادا بكرمك يا لا اله الا انت المنان
مهربان بجود خود بخشنده بفضل خود عود کننده بکرم خود ای انکه نیست خدایی مگر تو منت نهنده
ذا الجلال والاكرام پس حضرت فرمود که ای مفضل هرگاه ترا حاجت ضروری بوده باشد
صاحب بزرگی و اکرام نماز جعفر را بکن واین دعا را بخوان و حوائج خود را از خدا تعالی طلب

لمجدك

کن که بر اورده میشود انشاء الله تعالی دعای دیگر بعد از سبحان من لبس العز وتردى
این نماز بروایت شیخ و سید رحمة الله علیهما منزهست کسی که پوشیده عزت را و رداکرده
به سبحان من تعطف بالمجد وتكرم به سبحان من لا ينبغى التسبيح
بان منزهست کسی که مهربانی کرده ببزرگی و کرم کرده بان منزهست کسی که سزاوار نیست تسبیح
الا له جل جلاله سبحان من احصى كل شئ بعلمه وخلقه بقدرته سبحان
مگر از برای او بزرگست جلال او منزهست کسی که شمرده هر چیز را بعلم او و خلق کرده انرا بقدرت خود منزهست
ذى المن والنعم سبحان ذى القدرة والكرم اللهم انى اسئلك بمعاقد
صاحب منت و نعمت منزهست صاحب قدرت و کرم خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بمعاقد
العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك وباسمك الاعظم وكلماتك
عزت از عرش تو وانتهای رحمت از کتاب تو و بنام تو که بزرگست و کلمهای تو
التامات التى تمت صدقا وعدلا ان تصلى على محمد وال محمد الطيبين
که تمامست که تمام شده از روی راستی و عدالت اینکه درود فرستی بر محمد و ال محمد که پاکان
الطاهرين وان تجمع لى خير الدنيا والاخرة بعد عمر طويل اللهم انت الحى
طاهرانند و اینکه جمع کنی از برای من خوبی دنیا و اخرت را بعد از عمر دراز خداوندا توئی زنده
القيوم العلى العظيم الخالق الرازق المحيى المميت البدئ البديع لك
توانای بلند مرتبه بزرگ خلق کننده روزی دهنده زنده کننده میراننده ابتدا کننده ایجاد کننده از برای تواست
الكرم ولك المجد ولك المن ولك الجود ولك الامر وحدك لا شريك
کرم و از برای تواست بزرگی و از برای تست منت و از برای تست بخشش و از برای تست امر یکتایی نیست شریکی
لك يا واحد يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد يا
از برای تو ای یکی ای متفرد ای بی نیاز ای کسی که نزاد و زاییده نشد و نیست از برای او مانندی کسی ای
اهل التقوى ويا اهل المغفرة يا ارحم الراحمين يا عفو يا غفور
سزاوار پرهیزکاری و ای سزاوار امرزش ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای درگذرنده ای بخشاینده
يا ودود يا شكور انت ابر بى من ابى وامى وارحم بى من نفسى ومن الناس
ای دوست دارنده ای شکر کننده تو مهربان تری بمن از پدرم و مادرم و رحم کننده تری بمن از نفسم و از مردمان

اجمعين يا كريم يا جواد اللهم اني صليت هذه الصلوة ابتغاء مرضاتك

همه ای کریم ای بخشنده کنده خداوندا بدرستیکه من کردم این نماز را از جهت خوشنودی تو

وطلب نائلك ومعروفك ورجاء رفدك وجائزتك وعظيم عفوك

وطلب بخشش تو واحسان تو وامیدواری بخشش تو وجائزه تو وبزرگ عفو تو

وقديم غفرانك اللهم فصل على محمد وال محمد وارفعها في

وقدیم امرزش تو خداوندا پس درود فرست بر محمد وال محمد وبلند کن این نماز را در

عليين وتقبلها مني واجعل نائلك ومعروفك ورجاء ما ارجو

اعلی علیین وقبول کن این را از من وبگردان بخشش خود واحسان خود وامیدواری انچه امید دارم

منك فكاك رقبتي من النار والفوز بالجنة وما جمعت من انواع

از تو ازادی کردن من از اتش ورسیدن به بهشت وانچه جمع کرده ازان انواع

النعيم ومن حسن الحور العين واجعل جائزتي منك العتق من النار و

نعمتها واز نیکوئی حور العین وبگردان جائزه مرا از تو ازادی از اتش و

غفران ذنوبي وذنوب والدي وما ولدا وجميع اخواني واخواتي

امرزش گناهان من وگناهان پدر ومادر من وانچه زائیده اند وهمه برادران من وخواهران من

المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم والاموات

از مؤمنین ومؤمنات ومسلمین ومسلمات زنده از ایشان ومرده

وان تستجيب دعائي وترحم صرختي وندائي ولا تردني خائبا خاسرا

وانکه اجابت کنی دعای مرا ورحم کنی فریاد مرا وندای مرا وبر نگردانی مرا بی بهره وزیانکار

واقلبني منجحا مفلحا مرحوما مستجابا دعائي مغفورا لي يا ارحم

وبرگردان مرا رستگار وفیروز رحم کرده شده اجابت کرده شده دعای من امرزیده شده از برای من ای رحم کننده ترین

الراحمين يا عظيم يا عظيم يا عظيم قد عظم الذنب من عبدك

رحم کنندگان ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ بتحقیق که بزرگ گشت گناه از بنده تو

فليحسن العفو منك يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط اليدين

پس نیکو کن عفو از تو را ای نیکو درگذرنده ای گشاده امرزش ای پهن کننده دستها

من عندك

بالرحمة يا نفاحا بالخيرات يا معطي المسؤلات يا فكاك الرقاب من النار صل

برحمت ای بخشنده بخیرات ای عطا کننده سؤلها ای ازاد کننده گردنها از اتش درود فرست

على محمد وال محمد وفك رقبتي من النار واعطني سؤلي واستجب دعائي

بر محمد وال محمد وازاد کن گردن مرا از اتش وعطا کن مرا سؤال من واجابت کن دعای مرا

وارحم صرختي وتضرعي وندائي واقض لي حوائجي كلها للدنيا والاخرة و

ورحم کن فریاد مرا وزاری مرا وندای مرا وبر اور از برای من حاجتهای مرا همه از برای دنیا واخرت من و

ديني ما ذكرت منها وما لم اذكر واجعل لي في ذلك الخيرة ولا تردني

دین من انچه یاد کردم ازان وانچه یاد نکردم وبگردان از برای من در دین خیر را وبر مگردان مرا

خائبا خاسرا واقلبني مفلحا منجحا مستجابا لي دعائي مغفورا لي مرحوما

ناامید زیانکار وبرگردان مرا رستگار وبر اورده حاجت اجابت کرده مر دعای مرا امرزیده شده از برای من رحم کرده شده

يا ارحم الراحمين يا محمد يا ابا القاسم يا رسول الله يا امير المؤمنين

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای محمد ای ابا القاسم ای رسول خدا ای امیر المؤمنین

انا عبدكما ومولاكما غير مستنكف ولا مستكبر بل خاضع ذليل عبد

منم بنده شما وپیرو شما غیر روگرداننده ونه تکبر کننده بلکه خضوع کننده خوار بنده

مقر متمسك بحبلكما معتصم من ذنوبي بولايتكما اتقرب الى الله تعالى

مقر بگناهان چنگ در زننده بریسمان شما پناه برنده از گناهان خود بولایت شما نزدیکی کننده بسوی خدای بلند مرتبه

بكما واتوسل الى الله بكما واقدمكما بين يدي حوائجي الى الله عز وجل

بشما ووسیله جوینده بسوی خدا بشما وپیش میدارم شما پیش روی حاجتهای خود بسوی خدای غالب بزرگ

فاشفعا لي في فكاك رقبتي من النار وغفران ذنوبي واجابة دعائي اللهم

پس شفاعت کنید از برای من در ازادی کردن من از اتش وامرزش گناهان من واجابت دعای من خداوندا

فصل على محمد واله وتقبل دعائي واغفر لي يا ارحم الراحمين واما احكام

پس درود فرست بر محمد وال او وقبول کن دعای مرا وبیامرز از برای من ای رحم کننده ترین رحم کنندگان این نماز در

چند مقصد ایراد مینمایم اول بدانکه مشهور میان علما واقوی انست که نماز جعفر را بجای

نوافل شبانروزی میتوان کرد که بهر دو حساب شود وهمچنین نیت قضای نافله میتوان کرد و

السؤلات

احادیث باین مضامین وارد شده است وبعضی تجویز کرده اند که نماز فریضه را اداء و قضا بکیفیت نماز جعفر بکنند وخالی از قوتی نیست ولیکن احوط ترک است **دوم** روایات وارد شده است واکثر علما گفته اند که کسی که ضرورتی وتعجیلی داشته باشد میتواند نماز جعفر را بدون تسبیحات بجا آورد وتسبیحات را در راه بخواند **سیم** چون حدیث صحیح وارد شده است که کسی که دو رکعت ازین نماز جعفر را بکند واورا امر ضروری رو دهد میتواند بجا آن کار برود ودو رکعت دیگر را در وقت دیگر بکند واگر بدون عذر چنین نکند وهمه را با هم بکند بهتر است **چهارم** روایت معتبری از حضرت قایم علیه السلام وارد شده است که کسی که تسبیحات نماز جعفر را در موضعی فراموش کند هر وقت که بخاطرش بیاید بخواند وازعلما کسی متعرض این حکم نشده است واگر باین روایت کسی عمل کند ظاهرا بد نباشد **پنجم** خلافست در تعیین سورها که مستحبست که درین نماز خوانده شود ومشهور آنست که در رکعت اول اذا زلزلت ودر دوم والعادیات ودر سیم اذا جاء نصر الله ودر چهارم قل هو الله احد بخواند وابن بابویه وپدرش در رکعت اول والعادیات ودر رکعت دوم اذا زلزلت گفته اند ودر روایتی در اول اذا زلزلت ودر دوم اذا جاء نصر الله ودر سیم انا انزلناه ودر چهارم توحید وارد شده است ودر روایت صحیحی وارد شده است که در هر رکعت قل یا ایها الکافرون وقل هو الله احد هر دو را بخواند ودر روایتی وارد شده است که هر سوره که خواهد بخواند وابن بابویه گفته است که همه را با سورهٔ توحید میتوان کرد وظاهرا همه خوب باشد اگرچه اول وسیم افضل است **ششم** مشهور میان علما آنست که تسبیحات بعد از سجدهٔ دوم رکعت اول وسیم را نشسته میخواند وبعضی گفته اند بعد از برخاستن برکعت دیگر پیش از قرآءت میخواند وعمل بمشهور اولی است **هفتم** بعضی گفته اند که چهار رکعت را بیک سلام میکند ومشهور دو تا دو سلام است چنانچه گذشت **هشتم** مشهور میان علما آنست که تسبیحات این نماز که پیش از رکوع خوانند بعد از قرآءت میباید خواند وابن بابویه موافق بعضی از روایات قایل شده است که مخیر است میان آنکه پیش از قرآءت بخواند یا بعد از قرآءت وعمل بمشهور اقوی واولی است

فصل هفتم در بیان فضیلت واعمال روز نوروز است بدانکه درمیان علما در تعیین روز نوروز اختلاف بسیار هست بعضی گفته اند دهم ایار است از ماههای

رومی وبعضی گفته اند نهم شباط است ومشهور آنست که اول انتقال شمس است ببرج حمل چنانچه درین ازمنه معمولست واین مطالب را در کتاب بحار الانوار بسط عظیمی داده ام واین رساله گنجایش ذکر آنها ندارد وبگمان فقیر همین نوروز که درین ازمنه مشهور است اقرب است بصواب واضبط است در حساب اگر بنای اعمال را برین بگذارند بد نیست **واما** فضایل واعمال این روز باسانید معتبره از معلی بن خنیس که از خواص حضرت صادق علیه السلام بوده است منقولست که گفت در روز نوروز بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم فرمود آیا میشناسی این روز را گفتم فدای تو شوم این روزیست که عجم آنرا تعظیم میکنند ودر این روز تحفها وهدیها برای یکدیگر میفرستند حضرت فرمود که سوگند یاد میکنم بحق خانهٔ کعبه که در مکهٔ معظمه است این تعظیم کردن نیست مگر برای امر قدیمی که تفسیر میکنم آنرا از برای تو تا بفهمی آنرا گفتم ای سید واقای من دانستن این را از برکت شما محبوبتر است نزد من از آنکه مردگان من زنده شوند ودشمنان من بمیرند حضرت فرمود که ای معلی بدرستی که روز نوروز روزیست که حق سبحانه وتعالی درین روز پیمان بندگان را گرفت از ارواح ایشان از روز الست که اورا یگانگی بپرستند وبرای او شریکی قرار ندهند ودر بندگی وپرستیدن هیچ چیز را شریک او نگردانند وایمان بیاورند بپیغمبران ورسولان وحجتهای او بر خلق وامامان وپیشوایان دین وائمهٔ معصومین صلوات الله علیهم اجمعین واین اول روزیست که آفتاب در آن طلوع کرده است وبادهای آبستن کننده درختان وزیده است وگلها وشکوفهای زمین آفریده شده است ودرین روز کشتی حضرت نوح علیه السلام بعد از طوفان بر کوه جودی قرار گرفته است واین روزیست که حق تعالی حیات بخشید چندین هزار کس را که از مرگ گریختند یعنی از طاعون وبیک فرمان خداوند قهار همه را میرانید پس بعد از مدتی که استخوان شده بودند پیغمبری از پیغمبران خدا بر آن استخوانها گذشت واز پروردگار خود سؤال کرد که با وبنماید که چگونه این استخوانهای پوسیده را زنده میگرداند پس حق تعالی وحی فرستاد بسوی او که آب بریز بر این استخوانهای ایشان در همان جاهای خود که هستند پس چنین کرد وهمه بقدرت الهی زنده شدند واین اول سال فرس وعجم است وباین سبب شد که در این روز آب بیکدیگر بریزند یا آب برخود بریزند وغسل کنند وحق تعالی در قرآن مجید اشاره باین قصه نموده است در آنجا که فرموده الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم وهم الوف حذر الموت فقال لهم الله

موتوا انتم احیا منتم و مفسران کفته اند که ان پیغمبر حضرت حزقیل علیه السلام بود و حضرت فرمود که ایشان
سی هزار کس بودند و فرمود که در این روز جبرئیل علیه السلام بر حضرت رسول صلی الله علیه و اله وسلم
بوحی نازل شده یعنی نوروز موافق روز مبعث بوده که بیست و هفتم ماه مبارک رجب است
و فرمود که این روزیست که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و اله وسلم بتهای کفار قریش
را در مکه شکست و حضرت ابرهیم نیز در این روز بتهای کافران شکست و اقل اشاره است بانکه سنی
و شیعه روایت کرده اند بطرق بسیار که شبی حضرت رسالت صلی الله علیه و اله وسلم حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام را با خود بمسجد الحرام اورد و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را امر کرد که بر دوش انحضرت
بالا رفت و بتهای ان کافران را بزیر اورد و شکست پس مراد اینست که در شب این روز بود و فرمود
که در این روز حضرت رسول صلی الله علیه و اله وسلم امر کرد اصحاب خود را که بیعت کنند با امیر
المؤمنین علیه السلام و اقرار کنند که او امیر و پادشاه مؤمنانست یعنی روز غدیر این روز بوده که این و اکثر کردها
صحابه را گفت بروید و بر علی علیه السلام سلام کنید و بگوئید السَّلامُ عَلَیْكَ یا اَمیرَ المُؤمِنینَ این روز بود
و فرمود که در این روز حضرت رسول صلی الله علیه و اله وسلم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را
فرستاد بوادی جنیان که از ایشان بیعت از برای او بگیرد و فرمود که در این روز حق خلافت بامیر المؤمنین
صلوات الله علیه بر گشت و بار دیگر بعد از کشته شدن عثمن با انحضرت بیعت کردند و در این روز حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام با خارجیان نهروان جنگ کرد و بر ایشان ظفر یافت و سرکردهٔ ایشان که ذو الثدیه
میگفتند کشت و در این روز قائم ال محمد صلی الله علیه و اله وسلم ظاهر خواهد شد و در این روز
امامان ما بدنیا رجعت خواهند کرد و در این روز قایم صلوات الله علیه ظفر خواهد یافت بر دجال
و در کناسه که محله ایست از محلات کوفه او را بر دار خواهد کشید و در هیچ روز نوروزی نیست مگر
انکه ما انتظار فرج میکشیم زیرا که از روزهای ما و روزهای شیعیان ماست از روز را عجمان
حفظ کردند و حرمت او را رعایت کردند و شما عربان او را ضایع کردید پس حضرت فرمود بمعلی که چون روز
نوروز شود غسل بکن و پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و بهترین بویهای خوش خود را خوشبو گردان
و در ان روز روزه بدار پس چون از نماز پیشین و پسین و نافلهای انها فارغ شوی چهار رکعت نماز
بگذار یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخوان و در
رکعت دویم ده مرتبه سورهٔ قل یا ایها الکافرون و در رکعت سیم بعد از [illegible] ده مرتبه سورهٔ قل هو الله احد

و در رکعت چهارم بعد از حمد ده مرتبه قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخوان و بعد از نماز بسجده شکر برو و این دعا را بخوان اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ
خداوندا رحمت فرست بر محمد و ال محمد
الْاَوْصِیاءِ الْمَرْضِیّینَ وَ عَلیٰ جَمیعِ اَنْبِیائِكَ وَ رُسُلِكَ بِاَفْضَلِ صَلَواتِكَ وَ بارِكْ
اوصیاء پسندیده و بر همه پیغمبران تو و رسولان تو به بهترین درودهای تو و برکت ده
عَلَیْهِمْ بِاَفْضَلِ بَرَکاتِكَ وَ صَلِّ عَلیٰ اَرْواحِهِمْ وَ اَجْسادِهِمْ اَللّٰهُمَّ بارِكْ عَلیٰ مُحَمَّدٍ
بر ایشان به بهترین برکتهای تو و درود فرست بر روحهای ایشان و بدنهای ایشان خداوندا برکت ده بر محمد
وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بارِكْ لَنا فی یَوْمِنا هٰذَا الَّذی فَضَّلْتَهُ وَ کَرَّمْتَهُ وَ شَرَّفْتَهُ وَ عَظَّمْتَ
و ال محمد و برکت ده از برای ما در روز ما این که فضیلت داده او و کرامی داشته او را و بزرگ کرده او را و عظیم شمرده
خَطَرَهُ اَللّٰهُمَّ بارِكْ لی فیما اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیَّ حَتّیٰ لا اَشْکُرَ اَحَداً غَیْرَكَ وَ وَسِّعْ عَلَیَّ فی رِزْقی
مرتبه او را خداوندا برکت ده از برای من در انچه انعام کرده بان بر من تا انکه شکر نکنم احدی را غیر تو و وسعت ده بر من در روزی
یا ذَا الْجَلالِ وَ الْاِکْرامِ اَللّٰهُمَّ ما غابَ عَنّی فَلا یَغیبَنَّ عَنّی عَوْنُكَ وَ حِفْظُكَ وَ ما فَقَدْتُ
ای صاحب بزرگی و کرم خداوندا انچه غایبست از من پس غایب نشود از من یاری تو و حفظ تو و انچه مفقود شده
مِنْ شَیْءٍ فَلا تُفْقِدْنی عَوْنَكَ عَلَیْهِ حَتّیٰ لا اَتَکَلَّفَ ما لا اَحْتاجُ اِلَیْهِ
از چیزی پس برطرف نشود از یاری تو بر ان تا انکه مشقت نکشم انچه نیستم محتاج بسوی او
یا ذَا الْجَلالِ وَ الْاِکْرامِ چون چنین کنی گناهان پنجاه ساله تو امرزیده شود و بسیار بگو یا
ای صاحب بزرگی و کرم ذَا الْجَلالِ وَ الْاِکْرامِ و در غیر کتب مشهوره روایت کرده اند که در وقت
تحویل این دعا را بسیار بخوانند و بعضی یا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَ الْاَحْوالِ حَوِّلْ حالَنا اِلیٰ اَحْسَنِ الْحالِ
ای گرداننده سال و حالها بگردان حال ما را بسوی نیکوتر حال سیصد و شصت و شش مرتبه گفته اند
و در روایت دیگر یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْاَبْصارِ یا مُدَبِّرَ اللَّیْلِ وَ النَّهارِ یا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَ
ای برگرداننده دلها و دیدها ای تدبیر کننده شب و روز ای گرداننده سال و
الْاَحْوالِ حَوِّلْ حالَنا اِلیٰ اَحْسَنِ الْحالِ و ایضا بعضی روایت کرده اند که این دعا اَللّٰهُمَّ
حالها بگردان حال ما را بسوی بهترین حال در این روز نوروز بعد از ایام سال بخوانند خداوندا
اِنَّ هٰذِهِ سَنَةٌ جَدیدَةٌ وَ اَنْتَ مَلِكٌ قَدیمٌ اَسْئَلُكَ خَیْرَها وَ خَیْرَ ما فیها وَ اَعُوذُ بِكَ
بدرستیکه این سالیست نو و تو پادشاه قدیمی سؤال میکنم تو را خیر ان و خیر انچه در انست و پناه میبرم بتو

مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا وَاسْتَكْفِيكَ مُؤْنَتَهَا وَشُغْلَهَا يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ واکر چه معنی

از بدی آن و بدی آنچه در آنست و طلب کفایت تو امونت آن و شغل آن ای صاحب بزرکی و اکرام در دعا نیست

دعای اعمال ماههای رومی

اما این دعای اول را خواندن هرچند عادتش کرده نشود چون سند معتبر دارد بهتر است فصل هشتم

در اعمال ماههای رومی است سید جلیل علی بن طاوس رضی الله عنه روایت کرده است که روزی

جمعی از صحابه نشسته بودند حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و اله داخل شد و بر ایشان

سلام کرد و ایشان جواب سلام کفتند پس حضرت فرمود که میخواهید تعلیم نمایم شما را دعائی

که جبرئیل علیه السلام تعلیم کرده است که محتاج بدوای اطبا نبوده باشم پس حضرت امیر المؤمنین ع

صلوات الله علیه و سلمان فارسی رضی الله عنه و دیکران سؤال نمودند که آن دوا چیست حضرت

رسول صلی الله علیه و اله و سلم بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام خطاب نمود و فرمود که در ماه

نیسان رومی آب باران میکیری و سورهٔ فاتحة الکتاب و آیة الکرسی و قل هو الله احد و قل اعوذ

برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل یا ایها الکافرون هر یک را هفتاد مرتبه میخوانی و بروایت

دیکر سورهٔ انا انزلناه فی لیلة القدر را نیز هفتاد مرتبه میخوانی و هفتاد مرتبه الله اکبر و هفتاد

مرتبه لا اله الا الله میکویی و هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و ال محمد میفرستی و در هفت بامداد و

پسین از آن می‌آشامی بحق آن خداوندی که مرا براستی بر خلق مبعوث کردانیده است سوکند یاد میکنم

که جبرئیل علیه السلام کفت که حق تعالی بردارد از کسی که این آب را بیاشامد هر دردی که در بدنش باشد و عافیت

بخشد او را و بیرون کند دردها را از بدن او و استخوانهای او و اکر در لوح دردی برای او مقدر

شده باشد محو نماید و بحق پروردکاری که مرا بحق فرستاده است اکر فرزند نداشته باشد و فرزند

خواهد و آب نیسان را باین نیت بیاشامد او را فرزند روزی کردد و اکر زن عقیم باشد و فرزند

نیاورد و از این آب باین نیت بیاشامد فرزندان او بوجود اید و اکر مرد و زن پسر خواهند یا دختر

از این آب بیاشامند مقصود ایشان بعمل اید چنانچه حق تعالی میفرماید یَهَبُ لِمَنْ یَشَاءُ اِنَاثًا وَ

یَهَبُ لِمَنْ یَشَاءُ الذُّکُورَ اَوْ یُزَوِّجُهُمْ ذُکْرَانًا وَاِنَاثًا وَیَجْعَلُ مَنْ یَشَاءُ عَقِیمًا یعنی حق تعالی می بخشد هر که

را خواهد دختران و می بخشد هر که را خواهد پسران یا جفت میکرداند برای ایشان پسران و دختران را یعنی

هر دو را بایشان عطا میکند و هر که را خواهد عقیم و بی فرزند میکرداند پس حضرت فرمود که اکر کسی

درد سر داشته باشد و از این آب بیاشامد صداع او ساکن کردد بقدرت الهی و اکر درد چشم

داشته باشد و در چشمهای خود قدری از این آب بچکاند و بیاشامد و چشمهای خود را باین آب بشوید

باذن خدا شفا یابد و آشامیدن این آب بن دندانها را محکم میکرداند و دهان را خوشبو کرداند و لعاب

دندانها را کم کند و بلغم را کم کند و تخمه و امتلا که بسبب خوردن طعام و آشامیدن آب بهم برساند

زایل کند و از بادهای قولنج و غیر آن متاذی نکردد و درد پشت و درد شکم بهم نرساند و از

زکام آزار نکشد و درد دندان بهم نرساند و درد معده و کرم معده را زایل کرداند و محتاج

بحجامت نکردد و از مرض بواسیر و خارش بدن و آبله و دیوانکی و خوره و پیسی و رعاف و قی نجات

یابد و کور و لال و زمین کیر نشود و آب سیاه بر دیده اش نزول نکند و دردی که موجب افطار

روزه و نقصان نماز او باشد او را عارض نکردد و از وسوسهای جنیان و شیاطین متاذی

نکردد پس حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و اله و سلم فرمود که جبرئیل علیه السلام کفت که هر که از این

آب بیاشامد و بجمیع دردهایی که در مردم میباشد مبتلا باشد موجب شفا از جمیع آنها کردد

پس جبرئیل کفت بحق آن خداوندی که ترا براستی فرستاده است هر که این آیات را باین آب بخواند

حق تعالی دلش را مملو کرداند از نور و روشنی و الهام خود را بر دل او وارد سازد و حکمت بر زبان

او جاری کرداند و پر کند دل او را از فهم و بینائی و با و عطا کند از کرامتهای خود آنچه باحدی از

عالمیان عطا نکرده باشد و هزار مغفرت و هزار رحمت بر او بفرستد و غش و خیانت و

غیبت و حسد و بغی و کبر و بخل و حرص و غضب را از دل او بردارد و از عداوت و دشمنی مردم

و بدکویی ایشان نجات یابد و موجب شفای جمیع امراض او کردد مؤلف کوید که این روایت مشهور

بعبد الله بن عمر علیه اللعنه منتهی میشود باین سبب سندش ضعیف است و فقیر بخط شیخ شهید رحمه الله

دیدم که این روایت را آنحضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده بود با همین خواص و سورها

اما آیات و اذکار را باین روش روایت کرده است میخوانی بر آب باران نیسان فاتحة الکتاب و آیة الکرسی

و قل یا ایها الکافرون و سبح اسم ربک الاعلی و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله

احد هر یک را هفتاد مرتبه میکویی و هفتاد مرتبه لا اله الا الله و هفتاد مرتبه الله اکبر و هفتاد

مرتبه اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و هفتاد مرتبه سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

وَاللّٰهُ اَکْبَرُ و در خواص آن مذکور است که اکر در زندان باشد و از آن بیاشامد از حبس نجات یابد و

سردی بر طبع او غالب نکردد و اکثر آن خواص که مذکور شد در این روایت نیز مذکور است و آب باران

مطلقا مبارکست و منفعت دارد خواه در نیسان بیارد و خواه در غیر آن چنانکه در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که بیاشامید آب آسمان را که پاک کننده بدن شماست و دردها را دفع میکند چنانچه حق تعالی میفرماید وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ یعنی میفرستد حق تعالی بر شما از آسمان آبی برای آنکه پاک گرداند شما را بآن و ببرد از شما وسوسه شیطان را و دلهای شما را محکم گرداند و ثابت گرداند بآن قدمهای شما را و در عمل نیسان بعبرانت که اگر جمعی خوانند هر یک مجموع آن سورها و اذکار را هفتاد مرتبه بخوانند و از برای ایشان که میخوانند فایده اش عظیمتر و ثوابش بیشتر است و درین سالها بعد از بیست و سه روز که از نوروز بگذرد تقریبا داخل نیسان ماه رومی میشوند و ماه نیسان سی روز است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در هفتم حزیران البته حجامت بکن و اگر میسر نشود در چهاردهم بکن و اول حزیران تقریبا هشتاد و چهارم نوروز است و آن نیز سی روز است چنانچه در حدیث معتبر منقولست که در خدمت حضرت صادق علیه السلام ماه حزیران مذکور شد حضرت فرمود که اینماهیست که حضرت موسی علیه السلام درین ماه نفرین کرد بر بنی اسرائیل و در یکشب و یکروز سیصد هزار کس از ایشان مردند و باز بسند معتبر از آنحضرت منقولست که حق تعالی اجلها را در ماه حزیران نزدیک میگرداند یعنی موت در آن بسیار میباشد و بدانکه ماههای رومی بنا بر حرکت آفتاب است و عدد آنها دوازده است باین ترتیب تشرین الاول تشرین الاخر کانون الاول کانون الاخر شباط اذار نیسان ایار حزیران تموز اب ایلول و چهار ماه را سی میگیرند که آنها تشرین الاخر و نیسان و حزیران و ایلول اند و هفت دیگر غیر شباط را سی و یک میگیرند و شباط را در سه سال متوالی بیست و هشت میگیرند و در سال چهارم که سال کبیسه ایشانست بیست و نه میگیرند و سال ایشان سیصد و شصت و پنج روز و ربع است و تشرین الاول که اول سال ایشانست درین سالها موافق نوزده درجه میزانست و تفصیلش در کتاب بحار الانوار مذکور است و چون اینها در احادیث مذکور شده است در اینجا ایراد نمودیم باب سیزدهم در بیان احکام اموات است و در آن پنج فصلست فصل اول در بیان آداب و احکام حال احتضار و برداشتن میت است باید که چون در بیمار آثار موت ظاهر شود متوجه احوال خود گردد و از گناهان خود توبه کند و بر گذشتها نادم و پشیمان گردد و عازم گردد که اگر زنده بماند مرتکب معصیت الهی نگردد پس وصیت کند حقوق

در بیان احکام اموات

خدا و خلق آنچه بر ذمه او باشد ادا کند و بدیگران نگذارد پس بقدر ثلث مال خود وصیت کند که بخویشان پریشان و فقرا و مساکین و سایر وجوه بر صرف نمایند پس ابرای ذمه از برادران مؤمن بطلبد و هر که را غیبت کرده باشد یا اذیتی رسانیده باشد اگر حاضر باشند از ایشان التماس نماید که او را عفو کنند و اگر غایب باشند از حاضران التماس نماید که ایشان را از او راضی گردانند و از برای ایشان استغفار نماید پس امور اطفال و عیال خود را بعد از توکل بر جناب مقدس الهی بامینی بگذارد و وصی برای اولاد صغیر خود تعیین نماید پس کفن خود را حاضر سازد و شهادتین و اقرار بائمه علیهم السلام و ادعیه که وارد شده است که سنت است که بر کفن نوشته شود بفرماید که بتربت حضرت امام حسین علیه السلام بر آن بنویسند اگر پیشتر کفن را مهیا نکرده باشد اما مؤمن را سنت است که کفن پیوسته با او باشد چنانچه از حضرت صادق ع منقولست که هر که کفنش با او باشد در خانه اش او را از غافلان ننویسند و هر گاه که نظرش بر آن کفن افتد برای او حسنه نوشته شود و باید که در آن وقت امید او برحمت الهی و شفاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین بوده باشد و بسند معتبر از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که در وقت مرگ وصیت نیکو نکند علامت کمی عقل و نقص مروت و مردی اوست گفتند یا رسول الله چگونه وصیت کند فرمود که چون نزدیک وفات او شود و مردم نزد او جمع شوند بگوید اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ
خداوندا خالق

السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنَ الرَّحِيمَ إِنِّي أَعْهَدُ إِلَيْكَ أَنِّي
سموات و زمین دانای پنهان و آشکار مهربان بخشاینده بدرستی که من عهد میکنم بسوی تو که

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
گواهی میدهم اینکه نیست خدائی بغیر تو یکتائی تو نیست شریکی از برای تو و بدرستی که محمد رسول خدا

عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّكَ تَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَ
عبد تو و رسول تست و اینکه قیامت آمدنیست نیست شکی در آن و اینکه تو بر می انگیزانی از قبرها و

أَنَّ الْحِسَابَ حَقٌّ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَمَا وَعَدَ اللّٰهُ فِيهَا مِنَ النَّعِيمِ مِنَ الْمَأْكَلِ وَالْمَشْرَبِ
بدرستی که حساب حق است و بدرستی که بهشت حق است و آنچه وعده داده خدا در آن از نعمتها از خوردنی و آشامیدنی

وَالنِّكَاحِ حَقٌّ وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ الْإِيمَانَ حَقٌّ وَأَنَّ الدِّينَ كَمَا وَصَفْتَ وَأَنَّ الْإِسْلَامَ
و نکاح حق است و بدرستی که آتش حق است و بدرستی که ایمان بجا حق است و بدرستی که دین چنانست که وصف کرده و بدرستی که اسلام

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له

وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

وَأَنَّ اللّٰهَ يَبْعَثُ

وَعْدَتَ

وَصَفْتَ

کما شرعت وان القول کما قلت وان القرآن کما انزلت وانک انت الله الحق

چنانکه قرار داده و بدرستیکه قول چنانست که گفته و بدرستیکه قرآن چنانست که فرو فرستاده و بدرستیکه تو خدای حق

المبین وانی اعهد الیک فی دار الدنیا انی رضیت بک ربا وبالاسلام دینا

ظاهری و بدرستیکه من عهد میکنم بسوی تو در خانه دنیا بدرستیکه من راضی ام بتو پروردگار و بدین اسلام

وبمحمد صلی الله علیه وآله نبیا وبعلی اماما وبالقرآن کتابا وان اهل بیت

و بمحمد درود بسیار خدا براو و آل او پیغمبر و بعلی امام و بقرآن کتاب و بدرستیکه اهل بیت

نبیک علیه وعلیهم السلام ائمتی اللهم انت ثقتی عند شدتی ورجائی

پیغمبر تو بر او و برایشان سلام امامان منند خداوندا تو محل اعتمادمنی نزد سختی من و امید

عند کربتی وعدتی عند الامور التی تنزل بی وانت ولیی فی نعمتی واله

نزد مشقت من و ذخیره منی نزد امرها که نازل میشود بمن و تو صاحب احسانی در نعمت من و خدا

والہ ابائی صل علی محمد وآله ولا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا وانس

و خدای پدران من درود فرست بر محمد و آل او و وا مگذار مرا بسوی نفس من یک چشم بهم زدن هرگز و مونس باش

فی قبری وحشتی واجعل لی عندک عهدا یوم القاک منشورا پس حضرت رسول صلی الله علیه وآله

در قبر من اضطراب مرا و بگردان از برای من نزد خود عهدی روزیکه ملاقات کنم ترا برای گشاده شده فرمود که این عهد و پیمان میت است

باخلاد روزی که میخواهد وصیت کند و وصیت لازم و واجب بر هر مسلمانی و صحیفه اعتقادات را چنانچه

در کتاب حلیة المتقین ذکر کرده ام درست کند و بمهر گواهان برساند یا در میان کفن او بگذارند و چون آثار

احتضار ظاهر شود اللهم اغفر لی الکثیر من معصیتک واقبل منی الیسیر من طاعتک

ابتدعا را مکرر بخواند خداوندا بیامرز از برای من بسیار از نافرمانی مرا و قبول کن از اندک از فرمان برداری ترا

تا جان کندن بر او آسان گردد و باید که اولاد و خویشان و برادران مؤمن در اینحالت او را تنها نگذارند و

نزد او قرآن و دعا بخوانند و سوره یس و والصافات نزد او بخوانند و اعتقاد بوحدانیت خدا و صفات

کمالیه الهی و رسالت حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم و امامت ائمه هدی علیهم السلام بتفصیل و اعتقاد

بمعاد و بهشت و دوزخ و سؤال قبر و سایر اعتقادات خود را مکرر تلقین او کنند که بگوید و بیاد او بیاورند

و اگر نتواند خواند نزد او بخوانند و دعای عدیله را بر او بخوانند و اگر عربی نداند مضامینش را بر او القا کنند

که در اینوقت شیطان بر او دست نیابد که او را از دین برگرداند و باید که کلمه طیبه لا اله الا الله بیاد بگویند

ومکرر

ومکرر تلقین او کنند زیرا که در حدیث معتبر وارد است که هر که آخر سخن او لا اله الا الله باشد داخل

بهشت شود و در حدیث معتبر از امام محمد باقر علیه السلام مرویست که تلقین کنید مردگان خود را لا اله

الا الله بدرستی که گناهان را درهم میشکند و مونس مؤمنست در حال حیوة و نزد مردن و نزد مبعوث

گردیدن و هر که در هنگام مردن این کلمه طیبه را بگوید داخل بهشت گردد و احوط آنست که در اینحال

پای او را بجانب قبله بگردانند تا ملائکه رحمت با و رو آورند و در اینوقت حایض و جنب نزد او نباشند

که ملائکه از ایشان نفرت میکنند و اگر بغیر ایشان کسی نباشد جایز است که از برای ضرورت برسانیدن

او بمانند و چون نزدیک شود که جانش برآید بیرون روند و در احادیث معتبر وارد شده است که اگر

جان کندن بر او دشوار شود او را ببرند بآنجائی که همیشه نماز میکرده است یا بخوابانند او را بر روی

جا نمازی که بران نماز میکرده است زیرا که اگر امید شفا هست شفا مییابد و الا جانش باسانی

بر میاید و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که زنهار در حال احتضار دست بر او مگذارید

و اگر دست و پا حرکت دهد مانعش مشوید چنانچه جاهلان میکنند و نزد او قرآن بخوانید و یاد

خدا بکنید و صلوات بر رسول و آل او بفرستید و در حدیث دیگر منقولست که فرزندی از حضرت

صادق علیه السلام در احتضار بود و حضرت امام محمد باقر علیه السلام در کنار خانه نشسته بود هر که نزدیک

او میرفت منع میکرد و میفرمود که دست بر او مگذارید که او در اینحال در نهایت ناتوانیست و هر که دست

بر او میگذارد چنانست که او را کشته است و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست

که هرگاه کسی در وقت جان کندن باشد کلمات فرج را تلقین او کنید و کلمات فرج اینست

لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله

نیست خدای بحق خدای بردبار کریم نیست خدایی مگر خدای بلند بزرگ منزهست خدا

رب السموات السبع ورب الارضین السبع وما فیهن وما بینهن ورب

پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار زمینهای هفتگانه و آنچه در آنهاست و آنچه میان آنهاست و پروردگار

العرش العظیم والحمد لله رب العالمین و در حدیث دیگر منقولست که چون این کلمات

عرش بزرگ و سپاس از برای پروردگار عالمیان

را تلقین کسی میکردند حضرت امیر المؤمنین

علیه السلام میفرمود که برو که دیگر بر تو باکی نیست و حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم این کلمات

را تلقین شخصی کرد و چون او خواند حضرت فرمود که الحمد لله که خدا او را از آتش جهنم نجات داد و ان

حضرت صادق علیه السلام منقولست که هیچکس نیست مگر آنکه شیطان در وقت مردن جمعی از
شیاطین را موکل میکرداند بر او که او را بشک اندازند در دین خود تا جانش مفارقت کند و اگر مؤمن
کامل باشد نمیتوانند بر او دست یافت پس در آنحال تلقین ایشان بکنید کلمات فرج و شهادت
بوحدانیت خدا و اقرار بحضرت رسالت و ائمه طاهرین علیهم السلم را یک یک را بخصوص تا آن سخن گفتن
باز ماند و ایضا سنت است که برای آسانی جان کندن این دعا را تلقین او کنند یَا مَنْ یَقْبَلُ الْیَسِیرَ وَیَعْفُو عَنِ الْکَثِیرِ اِقْبَلْ
ای کسی که قبول میکند اندک را و در میگذرد از بسیار قبول کن
مِنِّی الْیَسِیرَ وَاعْفُ عَنِّی الْکَثِیرَ اِنَّکَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ و بروایت اِنَّکَ
از من اندک را و درگذر از من بسیار را بدرستیکه تو آمرزنده مهربانی دیگر بدرستیکه تو
اَنْتَ الْعَفُوُّ الْغَفُورُ و چون روح او مفارقت کند سنت که دهانش را برهم گذارند و چانه اش
توئی درگذرنده آمرزنده را ببندند و چشمهایش را بهم آورند و دستهایش را بر پهلوهایش
بکشند و او را بچادر شبی یا جامه بپوشانند و قرآن نزد او بخوانند و زود دفنش بردارند مگر بقدر
جمع شدن مؤمنان اگر اشتباهی در موت او نباشد و اگر مشتبه باشد تا یقین نشود مرگش بر
ندارند و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که سزاوار آنست که برادران مؤمن را خبر کنند بمردن او
تا بجنازه او حاضر کردند و بر او نماز کنند و از برای او استغفار کنند و میت و ایشان هم ثواب
ببرند و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلم منقولست که چون مؤمنی را بقبر میگذارند او را ندا
میکنند که اول عطائی که ترا دادیم بهشت است و اول عطائی که دادیم بآنها که با جنازه
تو آمده اند آمرزش گناهانست و در حدیث دیگر فرمود که اول تحفه که بمؤمن میدهند در قبر
آنست که می آمرزند هر کس را که همراه جنازه او بوده است و در حدیث دیگر فرمود که هر که همراهی
جنازه مؤمنی بکند تا او را دفن کند حق تعالی در قیامت هفتاد ملک بر او بگمارد که همراهی
او نمایند و استغفار برای او بکنند از قبر تا موقف حساب و فرمود که هر که یک طرف جنازه را
بگیرد بیست و پنج گناه کبیره اش آمرزیده شود و اگر چهار طرف را بگیرد از گناهان بیرون آید و
باید که جنازه را چهار کس بردارند و بهتر آنست برای کسی که تشییع جنازه کند که اول دست راست
میت را که جانب چپ جنازه است بدوش راست خود بردارد پس پای راست میت را باز بدوش
راست بردارد پس از پشت جنازه برود و پای چپ میت را بدوش چپ خود بردارد پس دست

چپ میت را که در جانب راست جنازه است بدوش چپ خود بردارد و چون خواهد که باز دیگر
تربیع کند از پیش جنازه نرود بلکه از جانب پشت جنازه برگردد و بهمان روش تربیع بجا آورد
و اکثر علما بر عکس گفته اند که اول ابتدا بدست راست جنازه میکند پس بپای راست پس بپای
چپ پس بدست چپ و اول موافق احادیث معتبره اولی است و اگر هر دو را بعمل آورند بهتر است
و افضل آنست که عقب جنازه یا پهلوها راه رود و پیش جنازه نرود و ظاهر اکثر احادیث آنست
که اگر جنازه مؤمن باشد پیش از راه رفتن خوبست و در جنازه خلاف مذهب خوب نیست زیرا
که ملائکه او را استقبال بعذاب میکنند و با جنازه سواره رفتن مکروه است و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقولست که هر که جنازه را ببیند و این دعا را بخواند
اَللّٰهُ اَکْبَرُ هٰذَا مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ
خدا بزرگتر است اینست آنچه وعده داده ما را خدا و رسول خدا و راست گفته خدا و رسول او خداوندا
زِدْنَا اِیمَانًا وَتَسْلِیمًا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ وَقَهَرَ الْعِبَادَ
زیاده کن ایمان ما را و انقیاد ما را سپاس مر خدائی را که غالب شده بقدرت و قهر کرده بندگان را
بِالْمَوْتِ هیچ ملکی در آسمان نماند مگر آنکه گریه کنند از برای ترحم بر او و از حضرت
بمیرانیدن صادق علیه السلم منقولست که در حال برداشتن جنازه این دعا را بخوانند
بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِینَ وَ
بنام خدا و بخدا خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز از برای مردان مؤمن و
الْمُؤْمِنَاتِ و منقولست که حضرت امام زین العابدین هرگاه جنازه میدید میگفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَجْعَلْنِی مِنَ السَّوَادِ
زنان مؤمنه سپاس مر خدائی را که نگردانید مرا از شخص
الْمُخْتَرَمِ و زنان را تشییع جنازه سنت نیست و بعضی گفته اند که جنازه را بسیار تند بردن
هلاک شونده مکروه است و مجمره بردن با جنازه کراهت دارد و در روز چراغ بردن خوب نیست و
اسرافست و در شب خوبست و مکروه است کسی را که بجنازه حاضر شود خندیدن و حرف باطل
گفتن فصل دوم در غسل دادن میت است بدانکه احکام میت از غسل دادن و کفن کردن و نماز
کردن و دفن کردن و احکام پیش همه واجب کفائیست یعنی بر همه واجبست و اگر یکی بکند از همه ساقط
میشود و اگر همه ترک کنند همه معاقب میشوند و مشهور میان علما آنست که ولایت این معنی تعلق بوارث

میّت دارد وبیرخصت او کسی متوجّه اینها نمیتواند شد ومردان ورثه اولایند از زنان وشوهر
اولی است از دیگران واحوط انست که بیضرورت خود غسل ندهد وغسل ونماز وسایر احکام میّت
واجبست برای میت شیعهٔ اثنی عشری ودر سُنّی وسایر فِرَق مخالفان خلافست وظاهر اولوجب
نباشد مگر در حال تقیّه وشهیدی که در جهاد با امام زمان کشته شده باشد ودر معرکه مرده
باشد اورا غسل نمیدهند وکفن نمیکنند بلکه نماز میکنند وباجامها که پوشیده است دفن میکنند
وبعضی گفته اند که در جهاد حقّی که کشته شود چنین است وخالی از قوّتی نیست ومشهور میان
اصحاب انست که هرگاه از میّت عضوی یافت شود که دران استخوان باشد میشویند وکفن
میکنند ودفن میکنند وبعضی نیز کفن را در اینجا واجب دانسته اند واگر عضوی باشد که دل دران
باشد نماز هم میباید کرد واحوط انست که اگر سینه را تنها بیابند باز چنین کنند وهمچنین اگر
جمیع استخوانهای میّت را بیابند وعضوی بی استخوان باشد مشهور انست که در لتّه می پیچند و
دفن میکنند وبعضی لتّه پیچیدن را واجب ندانسته اند وبچّهٔ که از شکم ساقط شود هرگاه چهار
ماه زیاده داشته باشد غسل میدهند وکفن میکنند ودفن میکنند وبراو نماز نیست وبعضی
گفته اند بسه جامه کفن میکنند وحنوط میکنند ودر روایت در لتّه پیچیدن مذکور نیست و
بعضی تمام شدن خلقت طفل را اعتبار کرده اند در غسل وکفن نه چهار ماه را واین احوطست
واگر عضو استخوان داری از زنده بریده باشد احوط انست که غسل وکفن ودفن بکنند اگرچه
اظهر عدم وجوبست واگر طفلی در شکم مادر مرده باشد ومادر زنده باشد اگر تواند درست
بیرون می اورند والّا پاره پاره میکنند وبیرون میاورند واگر مادر بمیرد وطفل زنده باشد شکم
مادر را میشکافند از جانب چپ وطفل را بیرون می اورند وبهتر انست که شکمش را بدوزند و
واجبست که مرد را مرد غسل دهد وزن را زن الّا در چند موضع اوّل زن وشوهر که بقول اقوی [اشهر]
هریك دیگر را غسل میتوانند داد واحوط انست که از زیر جامه غسل دهند ونظر بعورت نکنند
وبهتر انست که بدون ضرورت غسل ندهند خصوصًا مرد زن را دویم جایز است که اقا کنیز خود را
غسل دهد هرگاه زن کسی یا در عدّهٔ کسی نباشد ودر غسل دادن کنیز اقا را خلافست سیم جایز است
که غسل دهد مرد اجنبی دختر سه ساله را برهنه وزن اجنبیّه پسر سه ساله را برهنه وبعضی
در پنج ساله نیز تجویز کرده اند [نموده اند] چهارم هرگاه مردی فوت شود ومردی نباشد که اورا غسل دهد زن

و هرگاه چهار ماه تمام نشده باشد
مشهور است که در لتّه پیچند و دفن
کنند ع

محرم او را غسل میتواند داد از زیر جامه وهمچنین است هرگاه زن فوت شده باشد وظاهر ادر حال اختیار
نیز محارم یکدیگر را غسل میتوانند داد امّا احوط انست که تا ممکن باشد زن را زن ومرد را مرد غسل
دهد امّا کیفیّت غسل بهتر انست که پیش از غُسل کفن را مهیّا کند واوّل حِبَره وبعد از ان
سرتاسری وبعد از ان پیراهن را پهن کند ونصف بالای پیراهن را برگرداند ولنگ را وبعد از ان
ران پیچ را بجای خود پهن کند پس متوجّه غسل شود واگر میسّر باشد که میّت را در وقت غسل بر
روی تختی یا تخته بخوابانند بهتر است ومستحبّست که در وقت غسل پای میّت بسوی قبله باشد
بطریق حال احتضار وبعضی واجب دانسته اند ودر سایر احوال باید چنین باشد مگر در حال
نماز وحال دفن وباید رختهایش را بکنند واگر خواهد با پیراهن غسل دهد واگر خواهد لنگ بر بندد
وپیراهن را بکند وبر هر تقدیر واجبست که در وقت غسل دادن عورتین میّت را بپوشانند ومشهور
انست که اوّل واجبست ازالهٔ نجاست از بدن میّت بکنند وسنّت است که برای حرمت میّت
پیراهن را از طرف پای بیرون کند واگر تنگ باشد باذن ورثه بشکافد وسنّت است که در زیر
سقفی یا خیمهٔ غسل دهد که برابر اسمان نباشد وسنّت است که دو نفر باشند غسل دهنده
یکی اب ریزد ودیگری بگرداند میّت را ومستحبّست که انگشتان میّت [دستهای] را بمدارا نرم کند واگر دشوار
باشد وخوف شکستن باشد دست بردارد وواجبست که میّت را سه غسل بدهد اوّل باب
سدر وبعد از ان باب کافور وبعد از ان باب خالص وسنّت است که اوّل دستهای میّت [را]
تا نصف ذراع سه مرتبه بشوید بنابر بعضی از روایات پس عورت میّت را بشوید واحوط انست که
چون خواهد عورت میّت را بشوید لتّه بر دست بر بندد که دستش بعورت نرسد واگر بدست
چپ بشوید بهتر است وسنّت است که اوّل عورت میّت را بکف سدر واشنان سه
مرتبه بشوید واب بسیار بریزد تا خوب پاك شود پس دست بر بالای شکمش بگذارد وبنرمی وهموار[ی]
پایین کشد که اگر فضله باشد بیرون اید واگر چیزی بیرون اید باز مخرج را بشوید واگر زن حامله
باشد وخوف افتادن فرزند باشد دست بر شکمش نکشد وعلما گفته اند که سنّت است که سر وریش
را پیش از غسل بکف سدر بشوید پس سنّت است که دستهای خود را تا مرفق بشوید یعنی انکسی که دست
بر میّت میگذارد پس وضو دهد میّت را بروش وضوی زندگان باب خالص وبعضی واجب دانسته اند
ونیّت کند که وضو میدهم این میّت را قربة الی الله پس رو ودستها [یش] را بشوید وسر وپاهایش را مسح کند

پس ابتدا کند بغسل و احوط انست که ان اب ریزنده و کرداننده اکر دو کس باشند هر دو نیت
کند و بهتر انست که نیت هر سه را در اول بکنند و از برای غسل کافور و قراح نیز نیت جدا بکنند
پس اول نیت میکنند که این میت را غسل میدهم باب سدر و کافور و قراح از جهة انکه واجبست
از برای رضای خدا یا قربة الی الله پس سر میت را باب سدر میشویند و احوط انست که اول بجانب
راست سر اب بریزد و بعد از ان بجانب چپ و سنت است که سر را و هر جانب را سه مرتبه بشویند
پس میت را بر پهلوی چپ بخوابانند و جانب راست را بشویند و سنت است که سه مرتبه بشوید و
هر عضوی را که میریزد قطع نکند تا باپا برساند و انکه میت را میکرداند در هنکام اب ریختن دست
بر شکم بمالد بهمواری که اب خوب برسد بهتر است و دست میت را از پهلوها جدا کند تا اب بزیر
برسد و چنان کند که اب بزیر لنك و عورت و ران و سایر اعضا خوب بجاری شود پس میت
را بکردانند و بر پهلوی راست بخوابانند و پهلوی چپ را بهمان طریق که مذکور شد سه مرتبه بشویند
و در اب سدر مسمی کافیست و مشهور انست که حدی ندارد و بعضی کفته اند که باید هفت
برك سدر باشد و بعضی یکرطل و بعضی یکرطل و نیم کفته اند که نزدیك به بیست و پنج درم و زیاده
بوده باشد و کویا این زیادتیها برای شستن فرج و سایر اعضا پیش از غسل بوده باشد و
احوط انست که در اب غسل ان مقدار داخل نکند که مضاف شود و اشنان نکویند و در بعضی روایات
در شستن هر طرف جانب شستن نصف سر نیز وارد شده است و شاید بد نباشد اکرچه خلاف
مشهور است پس میت را بر پشت میخوابانند و ظرفها را میشویند که اثر سدر از انها برطرف
شود و اندك کافور را ریزه ریزه میکنند و داخل اب میکنند و غسل دهنده دستهای خود را تا
مرفق میشوید و بهتر انست که دست میت را نیز تا نصف ذراع سه مرتبه باب کافور بشوید
و فرجش را نیز سه مرتبه بشوید بهمان نحو که لته یا دستمالی بر دست پیچد و دست بر شکم میت
بکشد بهمواری و بهتر انست که در وقتی که دست بر شکم میت میکشد سر میت را بلند کند که
فضلات از ان ظرف بیرون نرود پس احتیاطا اب ریزنده و کرداننده هر دو نیت کنند که این
میت را غسل میدهم باب کافور برای انکه واجبست از برای رضای خدا پس سر را بشوید
و سنت است که سه مرتبه بشوید و هر مرتبه ابتدا بجانب راست سر بکند و کرداننده
بهمواری دستی بمالد پس جانب راست را سه مرتبه و جانب چپ را سه مرتبه بنحوی که در غسل

غسل سدر مذکور شد بشویند پس میت را بر پشت بخوابانند و باز دست خود را تا مرفقین بشوید
و ظرفها را خوب بشوید که اثری از سدر و کافور در انها نماند و اکر سبوی دیکر برای اب قراح
مهیا کند بهتر است و احوط انست که اب غسل قراح را از حوضی که اب سدر و کافور در ان ریخته
شده است بر ندارند و از ابی بردارند که اینها مطلقا در ان داخل نشده باشد پس دستهای
میت را تا نصف ذراع سه مرتبه باب خالص بشویند استحبابا و فرج میت را نیز باب خالص
سه مرتبه بشویند و اکر در اینوقت نیز بار دیکر میت را وضو دهند شاید بهتر باشد پس
احتیاطا نیت کنند که غسل میدهم این میت را باب قراح از جهت انکه واجبست قربة الی الله پس
سر میت را سه مرتبه و جانب راست را سه مرتبه و جانب چپ را سه مرتبه بشویند یکمرتبه
واجبست و دو مرتبه سنت و بهتر انست که کرداننده بعد از ادر وقت اب ریختن دستی بکشد
بر بدن میت در پیش ازین دو غسل و در اثنای این غسل دست بر شکم میت نمیکشد و چون ازین
هر سه غسل فارغ شود اکر خوف خروج نجاستی بوده باشد قدری از پنبه در دبرش داخل
کند و همچنین در دهان و بینی او قدری از پنبه داخل کند اکر خوف بیرون امدن خون یا
نجاستی بوده باشد پس سنت است که بدنش را بجامه خشك کند و بعد از ان او را بر روی
جامهای کفن بکذارد و سنت است که هر مرتبه که میت را از جانبی بجانبی کردانند این دعا بخوانند
اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا بَدَنُ عَبْدِكَ الْمُؤْمِنِ وَقَدْ اَخْرَجْتَ رُوحَهُ مِنْهُ وَفَرَّقْتَ
خداوندا بدرستی که این بدن بنده توست که ایمان اورده و بتحقیق که بیرون کرده روح او را از ان بدن و جدائی انداختی
بَيْنَهُمَا فَعَفْوَكَ عَفْوَكَ و اکر زن الَلّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا بَدَنُ اَمَتِكَ الْمُؤْمِنَةِ و اکر در وجها
میان هر دو پس محتاجیم عفو ترا عفو ترا باشد بکوید خداوندا بدرستی که این بدن کنیز توست که ایمان اورده بکوید
بهتر است و در سایر احوال غسل مکرر بکوید رَبِّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ تا خدا او را بیامرزد و سنت
است که هر چه از عیوب میت بر او ظاهر شود بکسی نقل نکند تا حق تعالی کناهان او را بیامرزد
چنانکه از مادر متولد شده و مستحبست که غسل دهنده از جانب راست بایستد و کودالی
در برابر قبله بکنند و تخت سرازیر باشد که اب غسل در ان کودال برود و مکروهست که
اب غسل را بچاله که در ان بول و غایط کنند بریزند و اکر چاله باشد که کثافات خانه را در ان
ریزند قصوری ندارد و مکروهست میت را باب کرم غسل دادن مکر در حال ضرورت و

مکروهست که میت را در میان پاهای خود بگیرد وایضا مکروهست که ناخن میت را بگیرد یا موی
او را بگیرد یا شانه کند واگر بگیرد ناخن وموا یا مویی در اثنای غسل جدا شود باید که در میان کفن
گذارند وبا میت دفن کنند حتی منقولست که دندانی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام کنده شد
بحضرت صادق علیه السلام داد وفرمود که با من دفن کن در قبر واگر سدر وکافور بهم نرسد یکمرتبه
باب قراح غسل دهند واحوط انست که غسل سه مرتبه دهند واگر پیش از دفن بهم رسد احوط انست که مرتبه
دیگر او را سه مرتبه غسل دهند واگر اب بهم نرسد یا میت را غسل نتوان داد که خوف ان باشد
که بدن میت از هم بپاشد تیمم دهند او را وظاهر اینست تیمم کافیست وسه تیمم احوط است وبهتر
انست که تیمم را چنین بدهد که نیت کند که تیمم میدهم این میت را بدل غسلهای سدر وکافور وقراح
از جهت انکه واجبست از برای رضای خدا وتیمم دیگر را قصد کند که تیمم میدهم این میت را بدل از
غسل کافور احتیاطا قربة الی الله وهمچنین قراح را وچون نیت کند دست خود را بر خاک زند
وبر پیشانی میت کشد ودیگر بر پشت دست راست میت کشد وبعد از ان بر پشت دست چپ
واگر دو ضرب تیمم بدهد یکی برای رو ویکی برای دستها خوبست واگر میت محرم باشد او را غسل
کافور ندهند وحنوط نکنند **فصل سیوم** در کفن کردن میت است واجب است که میت را سه
کفن کنند واکثر علما گفته اند که اول لنگیست که از ناف تا بعضی از ساق را بپوشد وبعضی گفته اند
که سنت است که سینه را بپوشد وتا پاها برسد ودویم پیراهن است وسیم سرتاسری که جمیع بدن را
بپوشد وبعضی از علما گفته اند که پیراهن است ودو تا سرتاسری وجایز است که بجای پیراهن یک
سرتاسری دیگر بکنند که مجموع سه سرتاسری باشد واین قول اظهر است واحادیث معتبره بر این دلالت
دارد واحوط انست که با اینها لنگ نیز بکنند وبا ضرورت یک سرتاسری کافیست وباید که کفن
حریر محض نبوده باشد واحوط انست که کفن زنان نیز حریر محض نبوده باشد ومستحبست که از
پنبه سفید بوده باشد وسنت است که سرتاسری بالاتر از جمله دو سرتاسری حبره باشد وان جامه بوده
از یمن میاورده اند والحال معلوم نیست ودور نیست که اگر بجای ان قطنی سفید بکنند بد نباشد وعلما گفته اند
که سنت است که اول جانب چپ لفافه را بر جانب راست میت اندازد وبعد از ان جانب راست لفافه را بر جانب
چپ میت وبهتر انست که چنین کند اگرچه سندش بنظر نرسیده وسنتست که خرقه طویلی که عرض
یک شبر ونیم وطولش اقلا سه ذرع ونیم باشد بذراع دست زیاده کنند برای ران پیچ بانکه سر ان تنگ کنند

در کفن میت

باشد واحوط انست که کفن از پنبه باشد و... [illegible]

وبر کرهٔ میت بندند وپنبه بسیار بر دبر وفرج میت بگذارند واگر میت زن باشد پنبه بیشتر بگذارند
واگر بر پنبه قدری کافور بپاشند شاید بد نباشد وسر دیگر خرقه را از میان پاها بدر اورند واز زیر
ابجز بر کمرش بسته اند بیرون اورند ومحکم بکشند که فرج او واگر پنبه گذاشته اند فرو گیرد وپاها را بهم اورند
وران ها را با یکدیگر بالا از طرف ران سخت بندند وبر پیچند تا زانوها وهر جا که منتهی شود سر ان را در انچه پیچیده اند فرو برند
وسنت است که عمامه از برای مرد زیاد کنند که بر دور سرش بگردانند وموافق مشهور بر زیر حنک بگردانند
وسرهای عمامه را از هر دو طرف بدر اورند وبر سینهٔ میت بیندازند چپ را بر جانب راست وراست را بر
جانب چپ وبدل از عمامه مرد از برای زن مقنعه زیاد کنند وپارچه بر سینهٔ زن ببندند که پستانهای او را
بگیرد وبر پشتش گره زنند ومکروهست که کفن از کتان باشد یا پیراهن که تازه کنند استین داشته باشد
اما اگر میت را در پیراهن خودش کفن کنند در کار نیست بریدن استین وبا استین باکی نیست اما
تکمها وبندهایش را ببرند وسنت است که میت را کفن کنند در پیراهنی که در ان نماز میکرده است واگر
در پیراهن بعضی از علما وصلحا نیز کفن کنند شاید بد نباشد ومستحب است که در جامه که در ان احرام بسته
است در حج یا عمره کفن کنند ومستحب است که کفن خوش قماش وصاحب قیمت باشد چنانچه در حدیث
وارد شده است که نیکو کنید کفنهای مردگان خود را که زینت ایشانست وبا ان کفنها در قیامت مبعوث
ملبشوند وسنت است که در قیمت کفن مضایقه ومصری نکنند وکفن از مال بسیار حلال بی
شبهه باشد وسنت است موافق مشهور که بر کفن نیز میت شهادتین واقرار بائمه علیهم السلام بنویسند و
دعای جوشن وغیر ان در بعضی از روایات وارد شده است وسنت است کفن را بتربت حضرت امام
حسین علیه السلام بنویسند وعلما گفته اند که سنت است که کفن را بر لیمانی که از ان بیرون اورده اند ببوزند
وباب دهان تر نکنند وسنت است که در وقتی که غسل دهنده خواهد که میت را کفن کند دستهایش
را تا دوش یا تا مرفق بشوید وبعد از ان شروع کند در کفن کردن میت وواجب است حنوط کردن
میت را بانکه بر هفت موضع سجدهٔ او یعنی پیشانی وکف دستها وزانوها وانگشتان مهین
پاها کافور بمالند اگرچه اندک باشد وبهتر انست که سر بینی را نیز بمالند وبر سینه اش بریزند
واگر کو مال باین کردن وبندهای پا وبندهای دست ومرفقها وزیر بغلها وپیچ ران وبند انگشتان
وسایر بندها را بمالند احوطست وبهتر انست که کافور حنوط کافور خام جو دانه باشد ومقدارش
بقدر یک اشرفی باشد که چهار دانگ ونیم مثقالست وبهتر از این انست که سه مثقال باشد وبهتر

از این است که سیزده درهم و ثلثی بوده باشد موافق حنوط حضرت رسول صلی الله علیه
و آله وسلم که تقریبا هفت مثقال صیرفی بوده باشد و بهتر است که کافور غسل از این مقدار
کمتر نباشد و سنت مؤکد است که دو جریده تازه با میت بگذارند و در اخبار بسیار وارد شده
است که تا این چوبها تر است میت را عذاب نمیکنند و بهتر است که چوب درخت خرما بوده
باشد و اگر یافت نشود چوب سدر کنند و اگر یافت نشود چوب درخت بید و اگر یافت نشود چوب
درخت انار و اگر بهم نرسد هر چوب تری خوبست و باید تر باشد و تازه از درخت بریده باشد
و چوب خشک هر چند از درخت خرمای اماکن شریفه بریده باشند فایده نمیکند و باید هر یک
بقدر یک شبر بوده باشد یا یک ذراع دست و بعضی گفته اند که بقدر استخوان ذراع که از یک شبر
بیشتر است و ظاهرا همه خوبست و بعضی گفته اند که پنبه بر آنها بپیچند تا رطوبتشان بیشتر بماند
و یکی را از جانب راست بگذارند و سرش را بچنبره گردن گذارند و ملصق ببدن سازند و دیگری را
از جانب چپ و میان پیراهن و سرتاسری بگذارند و سرش را نیز بچنبر گردن گذارند و بعضی گفته اند
که سنت است که بر جریدتین شهادتین بنویسند بتربت شریف اگر تقیه نباشد و الا اگر محل
تقیه باشد و جریده را نتوان در کفن گذاشت در میان قبر بگذارند و اگر فراموش نماید بعد از
پر کردن قبر بخاطرشان آید در میان قبر فرو برند و بدانکه کفن واجب میت از اصل مال اوست
مقدم بر دین و وصیت و میراث و اگر چیزی نداشته باشد رختهای او را تطهیر کنند و بآنها
کفن کنند و اگر آنها را نیز نداشته باشد برهنه دفن کنند و بعضی گفته اند که از زکوة واجب کفن
میت میتوان کرد و خالی از قوتی نیست و سنت مؤکد است که مسلمانان او را کفن کنند چنانچه
در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که کفن کند مؤمنی را چنانست که
ضامن جامه او شده باشد تا روز قیامت و هر که بکند از برای مؤمنی قبری چنانست که او را در خانه
موافق نیکو جا داده باشد تا روز قیامت و کفن زن بر شوهر واجب است هر چند زن مالدار
باشد و همچنین کفن بنده بر صاحبش واجب است و اگر از میت نجاستی بیرون آید بدن
او را بشویند و اگر کفن آلوده شده باشد تا در قبر نگذاشته اند آنرا میشویند و اگر بقبر
برده باشند مشهور آنست که آن موضع را مقراض میکنند و کفن را از یکدیگر میکشانند تا بدن
میت پوشیده شود و بعضی گفته اند که اگر ممکن بوده باشد شستن در اندرون قبر با آنکه طشت و امثال

ببرند

ببرند و بشویند بهتر است خصوصا هرگاه بدن میت نجس شده باشد و تطهیر آن لازم باشد
کفن را نیز بآن عنوان میشویند و این احوط است و جمعی گفته اند که مکروه است کفن را با آهن بریدن
و گفته اند از مشایخ چنین شنیده ایم و در حال کفن کردن نیز سنت است که پاهایش را بجانب
قبله کنند و کسی که در غیر جهاد با امام کشته شده باشد جراحتهای بدنش را ازاله میکنند و
غسل میدهند و اگر سر جدا شده باشد در هر غسلی اول سر را میشویند و آخر بدن را و بعضی
گفته اند که اگر خون بند نشود گل دست میریزند تا بند شود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
در حکم چنین کسی که اول خون را میشویند و آب بر او میریزند در غسل و دست بر بدنش نمیمالند
و بر جراحتهایش پنبه و کافور میپاشند (میگذارند) و محکم می بندند و همچنین اگر گردنش بریده شده باشد
و جدا نشده باشد کافور میپاشند بر موضع جراحت و پنبه بر آن میگذارند و بخرقه میبندند
که خون بیرون نیاید و اگر سر از بدن جدا شده باشد در غسل اول سر را میشویند و بعد از آن
بدن را و پنبه بر بالای گردن میگذارند و بعد از آن سر را بر بالای گردن میگذارند و در میان
کفن می پیچند و در هنگام دفن سر را با بدن میگیرند و در لحد میگذارند و روی را بجانب قبله
میگردانند فصل چهارم در نماز میت است و این نماز واجبست بر همه مسلمانان که علم بفوت
شخصی بهم رسانند و اگر یکی از ایشان بجا آورد از دیگران ساقط میشود و واجبست نماز بر هر
شیعه اثنی عشری که بالغ باشد بی خلاف و اشهر و اقوی آنست که بر طفلی که شش سالش تمام شده
باشد نماز واجب است و ظاهرا بقصد قربت اکتفا توان کرد و کمتر از شش ماهه را اگر زنده متولد
شده باشد بعضی سنت دانسته اند و بعضی بدعت و احوط نماز نکردنست و جایز نیست نماز
کردن بر کفار و خارجیان و ناصبیان که عداوت اهل بیت علیهم السلام داشته باشند و غالیان که
ائمه علیهم السلام را خدا دانند یا گویند که خدا در ایشان حلول کرده است و بر مرتد و آنها که خدا را جسم دانند
و بر غیر ایشان از مخالفان خلافست و ظاهرا مخیر باشد میان آنکه نماز نکند یا بکند و در نماز
چهار تکبیر بگوید و در تکبیر چهارم نفرین و لعنت کند برا و در موضع تقیه ترک نباید کرد و
سزاوارترین مردم بنماز بر میت وارث اوست بنا بر مشهور و بعضی گفته اند که بی رخصت ایشان نماز
جماعت نمیتوان کرد و بانفراد نماز میتوان کرد و احوط آنست که تا توان رخصت از ایشان گرفتن
بی رخصت نماز نکند و شوهر از همه خویشان اولی است بزن و مردان اولی اند از زنان و وارث

در نماز میت

اگر خود قابلیت پیشنمازی نداشته باشد هر کرا اعتقاد داشته باشد و بهتر داند مقدم دارد و
جایز است که زن پیشنمازی زنان بکند و با مأمومان در یک صف بایستد و مرد باید که پیش بایستد
اگرچه ماموم یکنفر باشد و اگر زنان با مردان جمع شوند زنان در عقب مردان بایستند و اگر حایض
باشد سنت است که در صف جدا بایستد و واجب است که نماز گذارنده رو بقبله بایستد
و سر جنازه بجانب راست او باشد اگر امام باشد و در ماموم در کار نیست و احوط در منفرد آنست
که از برابر جنازه بیرون نباشد و واجب است که میت را بر پشت بخوابانند و در این نماز طهارت
از حدث شرط نیست و جنب و حایض و بی وضو این نماز را میتوانند کرد و احوط آنست که سایر شروط
نماز یومیه را در این نماز رعایت کنند از پوشانیدن عورت و نجس بودن جامه و بدن و حریر
نبودن جامه و غیر اینها اگرچه اظهر آنست که هیچیک در کار نیست مگر چیزی چند که حرام باشد و از آنها
منافی افعال نماز باشد مانند طلا و حریر برای مردان و جامهٔ غصبی و سنت است که با وضو
باشد و اگر آب بهم نرسد یا مانعی داشته باشد یا وقت تنگ باشد سنت است که تیمم کند و ظاهر
بعضی آنست که بدون عذر تیمم نیز مستحبست و میباید که از جنازه بسیار دور نباشد مگر آنکه در
نماز جماعت و صفها در میان باشد و نماز بر میت بعنوان کردن تا او را غسل و کفن نکنند اگر ممکن
باشد و اگر کفن نداشته باشد او را بقبر گذارند و عورتش را بپوشانند و نماز کنند و سنت که پیشنماز
برابر میان مرد بایستد و محاذی سینهٔ زنان بنابر مشهور و سنت است که کفش را بکنند و اگر
موزه در پا داشته باشد در کار نیست کندن و اگر پا برهنه باشد بهتر است و واجبست که نیت کند
و بهتر آنست که چنین نیت کند که نماز بر این میت حاضر میکنم از برای آنکه واجب است قربة الی الله
و پنج تکبیر بگوید و سنت است که در هر تکبیر دستها را بردارد تا محاذی گوشها و بعضی در غیر تکبیر اول
سنت نمیدانند دست برداشتن را و اول اقوی است و در وجوب دعا در میان تکبیرها خلافست
و احوط وجوب است و ظاهر امر دعائی مجزی باشد و مشهور آنست که بعد از تکبیر اول بگوید
اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللّٰهِ و بعد از دوم اَللّٰهُمَّ صَلِّ
گواهی میدهم که نیست خدائی مگر خدا و گواهی میدهم که محمد رسول خداست دوم خداوندا درود فرست
عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ و بعد از سیم اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ و بعد از
بر محمد و آل محمد سیم خداوندا بیامرز از برای مؤمنین و مؤمنات چهارم

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِهٰذَا الْمَیِّتِ و تکبیر پنجم را بگوید و فارغ شود مجزیست و موافق
مشهور بهتر آنست که چنین کند بعد از نیت بگوید
خداوندا بیامرز از برای این میت
اَللّٰهُ اَکْبَرُ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا
خدا بزرگست گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر خدا یکتاست نیست شریکی از برای او و گواهی میدهم بدرستیکه محمد
عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِیرًا وَ نَذِیرًا بَیْنَ یَدَیِ السَّاعَةِ پس بگوید
بنده او و رسول او است فرستاده او را بحق بشارت دهنده و ترساننده میان دست های این ساعت
اَللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِکْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ
خدا بزرگست خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد و برکت فرست بر محمد و آل محمد
وَ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ اٰلَ مُحَمَّدٍ کَاَفْضَلِ مَا صَلَّیْتَ وَ بَارَکْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلٰی اِبْرٰهِیمَ
و رحمت کن محمد را و آل محمد را بهترین آنچه درود فرستاده و برکت فرستاده و رحمت کرده بر ابراهیم
وَ اٰلِ اِبْرٰهِیمَ اِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ وَ صَلِّ عَلٰی جَمِیعِ الْاَنْبِیَاءِ وَ الْمُرْسَلِینَ پس بگوید
و آل ابراهیم بدرستیکه تو پسندیده بزرگی و درود فرست بر همه پیغمبران و رسولان
اَللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِینَ وَ الْمُسْلِمَاتِ
خدا بزرگست خداوندا بیامرز از برای مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات
اَلْاَحْیَاءِ مِنْهُمْ وَ الْاَمْوَاتِ تَابِعْ بَیْنَنَا وَ بَیْنَهُمْ بِالْخَیْرَاتِ اِنَّکَ مُجِیبُ الدَّعَوَاتِ
زنده از ایشان و مردها تابع کن میان ما و میان ایشان بنیکوییها بدرستیکه تو اجابت کننده دعاهائی
اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ پس بگوید اَللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُمَّ هٰذَا عَبْدُکَ وَ ابْنُ عَبْدِکَ
بدرستیکه تو بر همه چیز قادری خدا بزرگست خداوندا این بنده تو و پسر بنده تو
وَ ابْنُ اَمَتِکَ نَزَلَ بِکَ وَ اَنْتَ خَیْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اَللّٰهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ اِلَّا
و پسر کنیز تو نزول کرده بتو و تو بهترین آنهائی که نزول میکنند باو خداوندا بدرستیکه ما نمیدانیم از او مگر
خَیْرًا وَ اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنَّا اَللّٰهُمَّ اِنْ کَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِی اِحْسَانِهِ وَ اِنْ
نیکی را و تو داناتری باو از ما خداوندا اگر باشد نیکوکار پس زیاد کن نیکی او را و اگر
کَانَ مُسِیئًا فَتَجَاوَزْ عَنْهُ وَ اغْفِرْ لَهُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ عِنْدَکَ فِی اَعْلٰی عِلِّیِّینَ
باشد بدکار پس درگذر از او و بیامرز او را خداوندا بگردان او را نزد خود در اعلی علیین

واخلف على اهله في الغابرين وارحمه برحمتك يا ارحم الراحمين پس بکوید الله اکبر

وخلیفه شو بر اهل او در ماندکان ورحم کن اورا برحمت ای رحم کننده ترین رحم کنندکان وفارغ میشود

واکوزن باشد اللهم ان هذه امتك وابنة عبدك وابنة امتك نزلت بك

میکوید خداوندا بدرستی که این کنیز تو دختر بنده تو ودختر کنیز تواست فرود امده بتو

وانت خير منزول به اللهم انا لا نعلم منها الا خيرا وانت اعلم بها

وتو بهتر کسی که فرود امده باو خداوندا ما نمیدانیم از او مکر نیکورا وتو داناتری باو

منا اللهم ان كانت محسنة فزد في احسانها وان كانت مسيئة فتجاوز

از ما خداوندا اکر باشد از نیکان پس زیاد کن نیکی اورا واکر باشد بدکار پس درکذر

عنها واغفر لها اللهم اجعلها عندك في اعلا عليين واخلف على اهلها

از او وبیامرز او را خداوندا بکردان اورا نزد خود در اعلا علیین وخلیفه شو بر اهل او

في الغابرين وارحمها برحمتك يا ارحم الراحمين واکر بعد از چهار تکبیر

در ماندکان ورحم کن او برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندکان این دعا بخواند خوبست

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده

کواهی میدهم که نیست خدایی مکر خدا یکتاست نیست شریکی از برای او وکواهی میدهم بدرستی که محمد بنده او

ورسوله اللهم صل على محمد وال محمد واغفر للمؤمنين والمؤمنات

ورسول اوست خداوندا درود فرست بر محمد وال محمد وبیامرز از برای مردان مؤمن وزنان مؤمنه

اللهم ان هذا المسجى قدامنا عبدك وابن عبدك وقد قبضت روحه

خداوندا بدرستی که این پیچیده بکفن پیش ما بنده تو وپسر بنده تواست وبتحقیق که قبض کرده روح اورا

اليك وقد احتاج الى رحمتك وانت غني عن عذابه اللهم انا لا نعلم

بسوی خود وبتحقیق که محتاجست بسوی رحمت تو وتو بی نیازی از عذاب کردن او خداوندا بدرستی که ما نمیدانیم

من ظاهره الا خيرا وانت اعلم بسريرته اللهم ان كان محسنا فزد في

از ظاهر او مکر نیکی را وتو داناتری بپنهان او خداوندا اکر باشد نیکو پس زیاد کن

احسانه وان كان مسيئا فتجاوز عن سيئاته واکر زن باشد اللهم ان هذه المسجاة

نیکویی اورا واکر باشد بدکار پس درکذر از کناهان او میکوید خداوندا بدرستی که این پیچیده بکفن

قدامنا امتك وابنة عبدك وقد قبضت روحها اليك وقد احتاجت الى

پیش ما کنیز تو ودختر بنده تو وبتحقیق که قبض کرده روح اورا بسوی خود وبتحقیق که محتاجست بسوی

رحمتك وانت غني عن عذابها اللهم انا لا نعلم منها الا خيرا وانت

رحمت تو وتو بی نیازی از عذاب کردن او خداوندا بدرستی که ما نمیدانیم از او مکر خوبی وتو

اعلم بسريرتها اللهم ان كانت محسنة فزد في احسانها وان كانت مسيئة

عالمتری بپنهان او خداوندا اکر بوده باشد نیکو پس زیاد کن در نیکی او واکر بوده باشد کناهکار

فتجاوز عن سيئاتها بلکه موافق جمع بين الاحاديث بهتر است واکر بعد اشهد ان

پس درکذر از بدیهای او واز هر تکبیر این دعا را بخواند نیز خوبست کواهی میدهم که

لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله

نیست خدایی مکر خدا یکتاست نیست شریکی از برای او وکواهی میدهم بدرستی که محمد بنده او ورسول اوست

اللهم صل على محمد وال محمد وعلى الائمة الهداة واغفر لنا

خداوندا درود فرست بر محمد وال محمد وبر پیشوایان هدایت کنندکان وبیامرز از برای

ولاخواننا الذين سبقونا بالايمان ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين

واز برای برادران ما که سبقت کرفته اند مارا بایمان ومکردان در دلهای ما غشی از برای کسانی که

امنوا ربنا انك غفور رحيم اللهم اغفر لاحيائنا وامواتنا من

ایمان اورده اند پروردکارما بدرستی که تو امرزنده مهربانی خداوندا بیامرز از برای زندکان ما ومردکان ما از

المؤمنين والمؤمنات والف قلوبنا على قلوب اخيارنا واهدنا

مؤمنان ومؤمنات وتالیف کن دلهای مارا بر دلهای نیکان ما وهدایت کن ما را

لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدي من تشاء الى صراط مستقيم

از برای انچه اختلاف کرده شده در او از حق برخصت تو بدرستی که راه مینمایی کسی را که میخواهی بسوی راه راست

اللهم عبدك ابن عبدك ابن امتك انت اعلم به افتقر الى رحمتك و

خداوندا بنده تو پسر بنده تو پسر کنیز تو داناتری باو محتاجست بسوی رحمت تو و

استغنيت عنه اللهم فتجاوز عن سيئاته وزد في حسناته واغفر له

بی نیازی تو از او خداوندا پس درکذر از بدیهای او وزیادتی ده در نیکیهای او وبیامرز از برای

ظاهرها ء

ظاهراو

وَارْحَمْهُ وَنَوِّرْ لَهُ فِي قَبْرِهِ وَلَقِّنْهُ حُجَّتَهُ وَأَلْحِقْهُ بِنَبِيِّهِ صَلَّى اللهُ
و رحمت کن او را و نورانی کن از برای او در قبر او و تلقین کن او را حجت او و ملحق ساز او را به پیغمبر او درود فرستاد خدا
عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهُ وَلَا تَفْتِنَّا بَعْدَهُ واگر زن باشد از اول دعا میخواند
بر او و آل او و محروم مکن ما را از ثواب او و مفتون مساز ما را بعد از او تا آنجا که الی صراط مستقیم بعد از آن بگوید
اللّهُمَّ أَمَتُكَ ابْنَةُ عَبْدِكَ ابْنَةُ أَمَتِكَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا افْتَقَرَتْ إِلَى رَحْمَتِكَ
خداوندا کنیز تو دختر بنده تو دختر کنیز تو تو داناتری باو محتاجست بسوی رحمت تو
وَاسْتَغْنَيْتَ عَنْهَا اللّهُمَّ فَتَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِهَا وَزِدْ فِي حَسَنَاتِهَا وَاغْفِرْ
و بی نیازی تو از او خداوندا درگذر از بدیهای او و زیادتی ده در حسنات او و بیامرز
لَهَا وَارْحَمْهَا وَنَوِّرْ لَهَا فِي قَبْرِهَا وَلَقِّنْهَا حُجَّتَهَا وَأَلْحِقْهَا بِنَبِيِّهَا صَلَّى
از برای او و رحمت کن او را و نورانی کن از برای او در قبر او و تلقین کن او را حجت او و ملحق ساز او را بر پیغمبر او درود فرستاد
اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهَا وَلَا تَفْتِنَّا بَعْدَهَا و در روایتی وارد شده است
خدا بر او و آل او و محروم مکن ما را از ثواب و مفتون مساز ما را بعد از او که بعد از فارغ شدن از نماز بگوید
رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ واگر بر سنی و خلاف
پروردگار ما بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاه دار ما را از عذاب آتش مذهب نماز کند
بضرورت بعد از تکبیر چهارم بلکه بعد از هر تکبیر بر اللّهُمَّ أَخْزِ عَبْدَكَ فِي عِبَادِكَ
او لعنت و نفرین کند و مختصر آنست که چنین بگوید خداوندا رسوا کن بنده ترا در میان بندگان تو
وَبِلَادِكَ اللّهُمَّ أَصْلِهِ حَرَّ نَارِكَ اللّهُمَّ أَذِقْهُ أَشَدَّ عَذَابِكَ فَإِنَّهُ
و بلاد تو خداوندا برسان باو حرارت آتش خود را خداوندا بچشان او را سختی عذاب خود پس بدرستیکه او
كَانَ يُوَالِي أَعْدَاءَكَ وَيُعَادِي أَوْلِيَاءَكَ وَيُبْغِضُ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ
بود که دوستی میکرد با دشمنان تو و دشمنی میکرد با دوستان تو و دشمن میداشت اهلبیت پیغمبر ترا درود فرستاد خدا
عَلَيْهِ وَآلِهِ واگر میت مستضعف باشد که ضعیف العقل باشد و تمیز میان مذاهب
بر او و آل او نکند و باین سبب سنی باشد یا مخالف حق باشد و عناد با شیعیان نداشته باشد
یا اعتقاد باهل بیت علیهم السلام داشته باشد و با دشمنان اللّهُمَّ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا
ایشان بد نباشد و در نماز بر او بگوید خداوندا بیامرز از برای کسانی که توبه کردند و پیروی کردند

سبیل

سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ واگر مذهب میت اللّهُمَّ إِنَّ هٰذِهِ النَّفْسَ أَنْتَ
راه تو را و نگاهدار ایشان را از عذاب جحیم معلوم نباشد بگوید خداوندا بدرستیکه این نفس تو
أَحْيَيْتَهَا وَأَنْتَ أَمَتَّهَا اللّهُمَّ وَلِّهَا مَا تَوَلَّتْ وَاحْشُرْهَا مَعَ مَنْ أَحَبَّتْ
زنده کرده او را و تو میرانیده او را خداوندا بگردان او را بآنچه پیروی کرده و محشور کن او را با کسی که دوست داشته
واگر میت طفل اللّهُمَّ اجْعَلْهُ لِأَبَوَيْهِ وَلَنَا سَلَفًا وَفَرَطًا وَأَجْرًا و مشهور در هر
نابالغ باشد بگوید خداوندا بگردان او را از برای پدر و مادر او و از برای ما گذشته و پیشرو و ثواب آنست که دعاها
بعد تکبیر اول را میگوید بنحوی که گذشت و این دعاها را بعد از تکبیر چهارم میخواند و بر سنی اگر
نماز کند تکبیر پنجم را نمیگوید و سنت است که بر جای خود بایستد تا جنازه را بردارند خصوصا
پیشنماز و نماز جنازه را در مسجد میتوان کرد و مشهور آنست که اگر در مسجد نکنند بهتر است
و بر یک جنازه دو مرتبه نماز کردن خلافست در جواز آن و دور نیست که کسی که نماز نکرده باشد
میتواند کرد و کسی که در اثنای نماز برسد بقصد وجوب ملحق میشود و دعاها که خود را باید
خواند میخواند و چون پیشنماز فارغ شود بقیه را با دعاهای مختصر بخواند اگر جنازه را بردارند
واگر دور شود یا بگردد تکبیرها را بی دعا پیاپی بگوید واگر میت را بی نماز دفن کرده باشند احوط آنست که بر
قبر او نماز کند هر چند مدتی گذشته باشد و همه وقت نماز جنازه میتوان کرد مگر آنکه وقت حاضره
تنگ شود که حاضره را مقدم میدارد و بهتر آنست که با وسعت وقت نیز اول حاضره را مقدم دارد مگر آنکه
خوف فوت نماز جنازه بوده باشد یا خوف ضایع شدن میت فصل پنجم در آداب دفن میت است
و آداب بعد از آن سنت است که تا میت را در قبر نگذارند ننشینند و واجب کفایی است دفن کردن
میت و قدر واجب آنست که میت را در گودی پنهان کنند بحیثیتی که بوی او از مردم مستور گردد و جسد
او از درندگان ایمن باشد و او را با بدن او بر جانب راست رو بقبله واجب است بقول مشهور
و بعضی از مستحب دانسته اند و مستحب است کندن قبر بقدر قامتی یا تا چنبر گردن و سنت است
کندن لحد از طرف قبله و مستحب است که آنقدر فراخ باشد که کسی در آن تواند نشست واگر زمین سست باشد
و لحد نتواند کند بعضی گفته اند که مانند لحد بنا کنند واگر نتوان قبر را شق کند یا آنکه از میان قبر بقدر جسد
میت فرو برند آنقدر که توان نشست و دو طرف داشته باشد که خشت بر روی آن توان گذاشت که خاک بر میت
ریخته نشود و احوط آنست که در مانند سرداب و تابوت و صندوق نگذارند و شخصی که در دریا بمیرد اگر ممکن باشد

در آداب دفن میت

بخشکی برسانند والا در مانند خم کذارند و سر شرا ببندند و در دریا اندازند اگر ممکن باشد و
الا او را سنکین کنند و رو بقبله باب اندازند و چون نزدیک قبر رسد سنت است که او را
نزد پای قبر بکذارند اگر مرد باشد و اگر زن باشد برابر قبله بکذارند و مشهور انست که زمانی
میکذارند و سه مرتبه او را نقل میکنند و مرتبه چهارم او را بقبر میبرند و انچه در روایات
معتبره وارد شده است انست که چون میت را نزدیک قبر برسانی او را ناکاه بقبر مبر و
کاورا بر او سنکین مکن و پایین تر از قبر بیک ذراع یا سه ذراع بکذار و ساعتی صبر کن تا
تهیه خود را بکیرد برای سوال قبر زیرا که قبر را هولهای عظیم هست و دعا کن خدا او را پناه دهد
از اهوال قبر و سنت است که سر میت را پیش کنند و از پیش پای قبر سرازیر بقبر برند و
بعضی از علما کفته اند که زن را از پیش قبله میکیرند و بعرض قبر میبرند و سرازیر نمیکنند
چنانچه در بعضی از روایات وارد شده است و سنت است که شخصی که بقبر میرود که
میت را بقبر کذارد بندهای قبا را بکشاید و بالاپوش و ردا را بیندازد و سر و پایش برهنه
باشد و جایز است که یک کس برود یا زیاده خواه طاق باشد خواه جفت و اکثر علما کفته اند
که مکروهست که اگر میت مرد باشد خویش او او را بقبر برد و انچه از احادیث ظاهر میشود
انست که بدر را مکروهست که در قبر فرزند داخل شود و فرزند و سایر اقارب باکی نیست و
اگر میت زن بوده باشد احوط انست که محرم او را بقبر برد و اگر محرم نبوده باشد زن صالحه
برد و اگر زن نبوده باشد مرد صالح برد و در رفتن و بیرون امدن سنت است که از پیش پای قبر
باشد و سنت است که چون اللّٰهُمَّ عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ نَزَلَ بِكَ وَاَنْتَ
میت را نزدیک قبر بکذارد و بکوید خداوندا بنده تو و پسر بنده تو و پسر کنیز تو فرود امده بتو و تو
خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ و چون میت را بر بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلٰى مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
بهتر منزولی به دارد که بقبر برد بکوید بنام خدا و بخدا و بر ملت رسول خدا درود فرستاد خدا
عَلَيْهِ وَاٰلِهِ اللّٰهُمَّ اِلٰى رَحْمَتِكَ لَا اِلٰى عَذَابِكَ اللّٰهُمَّ افْسَحْ لَهُ فِى قَبْرِهِ وَلَقِّنْهُ
بر او و ال او خداوندا بسوی رحمت تو نه بسوی عذاب تو خداوندا کشاده کن از برای او قبر او را و تلقین کن او را
حُجَّتَهُ وَثَبِّتْهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ وَقِنَا وَاِيَّاهُ عَذَابَ الْقَبْرِ و چون در قبر بکذارد
حجت او و ثابت دار او را بر قول ثابت و نکاه دار ما را و او را از عذاب قبر سنت است که بندهای

کفن را بکشاید و روی میت را باز کند و طرف راست روی او را بر زمین برساند و اگر زیر سر را از خاک بلند
کند بد نیست و خشتی بر پشتش بکذارد که بر پشت نیفتد و سنت است که مهری از تربت حضرت امام
حسین صلوات الله علیه در برابر روی او بکذارد و اگر تربت انحضرت در کفن او نیز بکذارد
بهتر است و بکوید اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ پس سورهٔ فاتحة الکتاب و قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و ایة الکرسی بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَفِى سَبِيلِ اللّٰهِ وَعَلٰى
بخواند و اگر حاضران هم بخوانند بهتر است پس بکوید بنام خدا و بخدا و در راه خدا و بر
مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ اللّٰهُمَّ
ملت رسول خدا درود فرستاد خدا بر او و ال او و خداوندا درود فرست بر محمد و ال محمد خداوندا
افْسَحْ لَهُ فِى قَبْرِهِ وَاَلْحِقْهُ بِنَبِيِّهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ اللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ مُحْسِنًا
فراخ کن از برای او قبر او را و ملحق ساز او را به پیغمبر او درود فرستاد خدا بر او و ال او خداوندا اگر بود نیکوکار
فَزِدْ فِى اِحْسَانِهِ وَاِنْ كَانَ مُسِيئًا فَاغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ وَتَجَاوَزْ عَنْهُ پس اللّٰهُمَّ
پس زیاد در نیکی او و اگر بود بدکار پس بیامرز او را و رحمت کن او را و درکذر از او بکوید خداوندا
جَافِ الْاَرْضَ عَنْ جَنْبَيْهِ وَصَاعِدْ عَمَلَهُ وَلَقِّهِ مِنْكَ رِضْوَانًا پس اللّٰهُمَّ
کشاده کن زمین را از پهلوهای او و بلند کن عمل او را و تلقی کن او را از تو خشنودی بکو خداوندا
عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ نَزَلَ بِكَ وَاَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اللّٰهُمَّ
بنده تو و پسر بنده تو و پسر کنیز تو فرود امده بتو و تو بهتر کسی که فرود امده باو خداوندا
افْسَحْ لَهُ فِى قَبْرِهِ وَلَقِّنْهُ حُجَّتَهُ وَاَلْحِقْهُ بِنَبِيِّهِ وَقِهِ شَرَّ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ و ایضا
کشاده کن از برای او قبر او را و تلقین کن او را حجت او و ملحق ساز او را به پیغمبر او و نکاه دار او را از شر منکر و نکیر بکوید
بِسْمِ اللّٰهِ وَفِى سَبِيلِ اللّٰهِ وَعَلٰى مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ اللّٰهُمَّ
بنام خدا و در راه خدا و بر ملت رسول خدا درود فرستاد خدا بر او و ال او خداوندا
عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ نَزَلَ بِكَ وَاَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اللّٰهُمَّ افْسَحْ لَهُ فِى قَبْرِهِ
بنده تو پسر بنده تو فرود امده بتو و تو بهتر کسی که فرود امده باو خداوندا فراخ کن از برای او قبر او را
وَاَلْحِقْهُ بِنَبِيِّهِ اللّٰهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ اِلَّا خَيْرًا وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ و بروایت معتبر
و ملحق ساز او را به پیغمبر او خداوندا بدرستی که ما نمیدانیم از او مکر خوبی و تو داناتری باو دیکر بکوید

اللهمّ یا ربّ عبدك ابن عبدك نزل بك وانت خیر منزول به اللهمّ

خداوندا ای پروردگار بنده تو پسر بنده تو فرود آمده بتو و تو بهترکسی که فرود آیند باو خداوندا

ان کان محسناً فزد فی احسانه وان کان مسیئاً فتجاوز عنه والحقه

اگر بود نیکوکار پس زیاد کن در نیکی او واگر بود بدکار پس درگذر از او وملحق ساز او

بنبیّه محمّد صلّی الله علیه واله وصالح شیعته واهدنا وایّاه

به پیغمبر او محمد درود فرستد خدا باو وآل او وشایسته شیعه او وراه نما ما را و او را

الی صراط مستقیم اللهمّ عفوك عفوك وبروایت معتبر اللهمّ هذا عبدك

بسوی راه راست خداوندا حاجت عفو ترا عفو ترا دیگر اینکه دعا بخواند خداوندا این بنده تو

فلان وبجای فلان وابن عبدك قد نزل بك وانت خیر منزول به قد احتاج

نام او را بگوید وپسر بنده تو بتحقیق فرود آمده بتو وتو بهترکسی که فرود آیند باو بتحقیق که حاجت

الی رحمتك اللهمّ ولا نعلم منه الّا خیراً وانت اعلم بسریرته ونحن

بسوی رحمت تو خداوندا ونمیدانیم از او مگر خیر را وتو دانا تری بر پنهان او وما

الشهداء بعلانیته اللهمّ فجاف الارض عن جنبیه ولقّنه حجّته

گواهانیم بر ظاهر او خداوندا پس کنار کن زمین را از پهلوهای او وتلقین کن او را حجت

واجعل هذا الیوم خیر یوم اتی علیه واجعل هذا القبر خیر بیت نزل

وبگردان این روز را بهتر روزی که آمده براو وبگردان این قبر را بهتر خانه که فرود آمده

فیه وصیّره الی خیر ممّا کان فیه ووسّع له فی مدخله وآنس وحشته

در او وبگردان او را بسوی خیر از آنچه بود در او ووسعت ده از برای او در محل دخول وانس ده وحشت او را

واغفر ذنبه ولا تحرمنا اجره ولا تضلّنا بعده وسنّت است که در اینجا العقائد

وبیامرز گناه او را ومحروم مگردان ما را از اجر او وگمراه مکن ما را بعد از او حق را تلقین او کند خصوصاً

ولایت ائمه معصومین علیهم السلام وبهتر آنست که بدست راست دوش راست میت را بگیرد وبدست چپ

دوش چپ میت را واو را حرکت دهد وتلقین کند واگر باین نحو بگوید جامع تر است اسمع افهم اسمع

افهم اسمع افهم یا فلان بن فلان ونام او هل انت علی العهد الّذی فارقتنا علیه

بفهم بشنو بفهم وبدوش را بگوید پس بگوید آیا تو هستی بر عهدی که مفارقت کردی ما را بر او

من شهادة ان لا اله الّا الله وحده لا شریك له وانّ محمّداً صلّی الله علیه

از گواهی اینکه نیست خدائی مگر خدا یگانه است ونیست شریکی از برای او وبدرستیکه محمد درود فرستاد خدا براو

واله عبده ورسوله وسیّد النبیّین وخاتم المرسلین وانّ علیّاً

وآل او بنده ورسول اوست وبهترین پیغمبران وخاتم فرستادگان وبدرستیکه علی

امیر المؤمنین وسیّد الوصیّین وامام افترض الله طاعته علی العالمین

پادشاه مؤمنان وبهتر اوصیا وامامیست که واجب کرده خدا اطاعت او را بر عالمیان

وانّ الحسن والحسین وعلیّ بن الحسین ومحمّد بن علیّ وجعفر بن محمّد و

وبدرستیکه حسن وحسین وعلی بن حسین ومحمد بن علی وجعفر بن محمد و

موسی بن جعفر وعلیّ بن موسی ومحمّد بن علیّ وعلیّ بن محمّد والحسن بن

موسی بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن علی وعلی بن محمد وحسن بن

علیّ والقائم الحجّة المهدیّ صلوات الله علیهم ائمّة المؤمنین

علی وبا ایستاده حجت مهدی درود خدا بر ایشان پیشوایان مؤمنان

وحجج الله علی الخلق اجمعین وائمّتك ائمّة هدیً ابرار یا فلان بن فلان

وحجتهای خدایند بر خلق همه وپیشوایان تو پیشوایان راه نماینده نیکوکار

اذا اتاك الملكان المقرّبان رسولین من عند الله تبارك وتعالی وسالاك

هرگاه بیایند ترا دو ملك برگزیده دو فرستاده از نزد خدای بزرگ وبلند وسؤال کنند

عن ربّك وعن نبیّك وعن دینك وعن كتابك وعن قبلتك وعن ائمّتك

از پروردگار تو واز پیغمبر تو واز دین تو واز کتاب تو واز قبله تو واز امامان تو

فلا تخف وقل فی جوابهما الله جلّ جلاله ربّی ومحمّد صلّی الله علیه و

پس مترس وبگو در جواب هر دو خدای بزرگ که بزرگ است او پروردگار منست ومحمد درود فرستاد خدا براو و

اله نبیّی والاسلام دینی والقران كتابی والكعبة قبلتی وامیر المؤمنین

آل او پیغمبر منست واسلام دین منست وقرآن کتاب منست وکعبه قبله منست وامیر المؤمنین

علیّ بن ابی طالب امامی والحسن بن علیّ المجتبی امامی والحسین بن علیّ

علی پسر ابی طالب امام منست وحسن بن علی برگزیده امام منست وحسین پسر علی

الشَّهِيدُ بِكَرْبَلا اِمامِي وَعَلِيٌّ زَيْنُ العابِدِينَ اِمامِي وَمُحَمَّدٌ باقِرُ عِلْمِ

شهید بکربلا امام منست و علی زینت عابدان امام منست و محمد باقر علم

النَّبِيِّينَ اِمامِي وَجَعْفَرٌ الصّادِقُ اِمامِي وَمُوسَى الكاظِمُ اِمامِي وَ

پیغمبران امام منست و جعفر صادق امام منست و موسی کاظم امام منست و

عَلِيٌّ الرِّضا اِمامِي وَمُحَمَّدٌ الجَوادُ اِمامِي وَعَلِيٌّ الهادِي اِمامِي وَ

علی رضا امام منست و محمد جواد امام منست و علی هادی امام منست و

الحَسَنُ العَسْكَرِيُّ اِمامِي وَالحُجَّةُ المُنْتَظَرُ اِمامِي هٰؤُلاءِ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِمْ

حسن عسکری امام منست و حجت انتظار کشیده امام منست اینها درود خدا برایشان

اَجْمَعِينَ اَئِمَّتِي وَسادَتِي وَقادَتِي وَشُفَعائِي بِهِمْ اَتَوَلّٰى وَمِنْ اَعْدائِهِمْ

همه پیشوایان و بزرگان من و کشندگان من و شفیعان من با ایشان برویم و از دشمنان ایشان

اَتَبَرَّءُ فِي الدُّنْيا وَالآخِرَةِ ثُمَّ اَعْلَمْ يا فُلانَ بْنَ فُلانٍ اَنَّ اللهَ تَبارَكَ وَ

بیزارم در دنیا و آخرت پس بدان بدرستیکه خدای بزرگ و

اعلی

تَعالٰى نِعْمَ الرَّبُّ وَاَنَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نِعْمَ الرَّسُولُ وَاَنَّ

بلند برتر خوب پروردگارست و بدرستیکه محمد درود فرستاد خدا براو و آل او خوب رسولیست و بدرستیکه

اَمِيرَ المُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ اَبِي طالِبٍ وَاَوْلادَهُ الاَئِمَّةَ الاَحَدَ عَشَرَ نِعْمَ الاَئِمَّةُ

امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و فرزندان او امامان یازده نفر خوب پیشوایانند

وَاَنَّ ما جاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَقٌّ وَاَنَّ المَوْتَ حَقٌّ وَسُؤالَ

و بدرستیکه آنچه آمد به او محمد درود فرستاد خدا برو و آل او حقست و بدرستیکه مرگ حقست و سؤال

مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ فِي القَبْرِ حَقٌّ وَالبَعْثَ حَقٌّ وَالنُّشُورَ حَقٌّ وَالصِّراطَ حَقٌّ وَالمِيزانَ

منکر و نکیر در قبر حقست و مبعوث شدن حقست و برانگیخته شدن حقست و صراط حقست و میزان

حَقٌّ وَتَطايُرَ الكُتُبِ حَقٌّ وَالجَنَّةَ حَقٌّ وَالنّارَ حَقٌّ وَاَنَّ السّاعَةَ آتِيَةٌ

حقست و پریدن نامهای اعمال حقست و بهشت حقست و آتش حقست و بدرستیکه قیامت آمدنیست

لا رَيْبَ فِيها وَاَنَّ اللهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي القُبُورِ پس اَفَهِمْتَ يا فُلانُ و در حدیث وارد آمده

نیست شکی در آن و بدرستیکه خدا برمی انگیزاند کسی را که در قبرهاست بگوید الا فهمیدی که میت در جواب میگوید

بلی فهمیدم ثَبَّتَكَ اللهُ بِالقَوْلِ الثّابِتِ هَداكَ اللهُ اِلٰى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ

پس بگوید ثابت دارد ترا خدا بر قول ثابت راه نماید ترا خدا بسوی راه راست

عَرَّفَ اللهُ بَيْنَكَ وَبَيْنَ اَوْلِيائِكَ فِي مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ پس بگوید

شناسا کند خدا میان تو و میان دوستان تو در قرارگاه از رحمت خود

اَللّٰهُمَّ جافِ الاَرْضَ عَنْ جَنْبَيْهِ وَاَصْعِدْ بِرُوحِهِ اِلَيْكَ وَلَقِّهِ مِنْكَ

خداوندا گشاده کن زمین را از پهلوهای او و بلند کن روح او را بسوی خود و القا کن او را از

بُرْهاناً اَللّٰهُمَّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ پس خشت بر لحد بگذارد و اولی آنست که خشت خام بهتر است اگر خشت بزرگ باشد راست

برهانی خداوند عفو ترا عفو ترا

بگذارد و بر رخنه‌ها خشت دیگر بگذارد یا بگل رخنه را بگیرد و اگر خشتها کوچک باشد

هموار کند و بر هر تقدیر رخنها را محکم کند که خاک بر میت نریزد و در وقت خشت چیدن

ابتدا کند اَللّٰهُمَّ صِلْ وَحْدَتَهُ وَآنِسْ وَحْشَتَهُ وَآمِنْ رَوْعَتَهُ وَاَسْكِنْ اِلَيْهِ مِنْ

بخواند خداوندا وصل کن تنهایی او و مونس باش وحشت او را و ایمن ساز ترس او را و ساکن کن بسوی او از

رَحْمَتِكَ رَحْمَةً تُغْنِيهِ بِها عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِواكَ فَاِنَّما رَحْمَتُكَ لِلظّالِمِينَ

رحمت خود رحمتی که غنی کند او را بآن از رحمت غیر تو پس جز این نیست که رحمت تو از برای ستمکارانست

و بروایت رَحْمَةً يَسْتَغْنِي بِها عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِواكَ وَاحْشُرْهُ مَعَ مَنْ كانَ

دیگر رحمتی که مستغنی شود بآن از رحمت غیر تو و محشور کن او را با کسی که بود

يَتَوَلّاهُ و مکروهست فرش قبر بچوب و تخته کردن یا میت را با تابوت گذاشتن مگر آنکه

پیروی کننده او نمین آب برآورده باشد یا نم بسیار داشته باشد و چون از پیش پای قبر بیرون آید بگوید

اِنّا لِلّٰهِ وَاِنّا اِلَيْهِ راجِعُونَ وَالحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ العالَمِينَ اَللّٰهُمَّ ارْفَعْ

بدرستیکه ما از برای خداییم و ما بسوی او برگردندگانیم و سپاس از برای خدای پروردگار عالمیانست خداوندا بلند کن

دَرَجَتَهُ فِي اَعْلٰى عِلِّيِّينَ وَاخْلُفْ عَلٰى عَقِبِهِ فِي الغابِرِينَ وَعِنْدَكَ

مرتبه او را در اعلا علیین و خلیفه شو بر عقب او در باز ماندگان و نزد تو

نَحْتَسِبُهُ يا رَبَّ العالَمِينَ پس سنت است که حاضران به پشت کف دست خاک در قبر

حساب میکنیم او را ای پروردگار عالمیان بریزند و اگر نکم دست که هارا بر کند و بریزند نیز خوبست

وسنت است که سه مرتبه بگویند اَللّٰهُمَّ اِیمَاناً بِكَ وَتَصدِیقاً بِكِتَابِكَ هٰذَا مَا
ودر وقت ریختن بگویند خداوندا ایمان بتو اوردیم تصدیق بکتاب تو این است انچه
وَعَدَنَا اللهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَنَا اِلَّا اِیمَاناً
وعده داده مارا خدا و رسول خدا وراست گفت خدا و رسول او و زیاد نشد مارا مگر ایمان
وَتَسلِیماً ودر حدیث است که هر که چنین کند واین دعا بخواند حق تعالی بعدد هر ذره ای از
وتسلیم خاک حسنه برای او بنویسد ومکروهست که خویشان میت خاک بر قبر ریزند که
مورث قساوت قلبست ودوری از رحمت الهی وسنت است که غیر خاک قبر بر میت نریزند که
بار است بر میت وسنت است که قبر را بقدر چهار انگشت بلند کنند بعضی چهار انگشت گشاده
وبعضی بهم اورده گفته اند وظاهرا هر دو خوب باشد ودور نیست که یک شبر نیز مجوز باشد
ومستحبست که قبر را چهار گوشه کنند وروی آن را پهن کنند وخر پشته نکنند بنحوی که سنیان
میکنند وبعد از آن اب بر قبر بریزند ودر خبر است که تا تری در قبر هست میت را عذاب نمیکنند
وسنت است که اب ریزنده رو بقبله بایستد وابتدا از پیش سر کند وبر یکجانب قبر بریزد تا پیش پا
وبگرداند بجانب دیگر وبریزد تا پیش سر وبعد از آن بر میان قبر بریزد وسنت است که اب را
قطع نکنند ومتصل بریزد تا تمام شود ومستحبست که بعد از اب ریختن دست بر قبر گذارند
درحالتی که انگشتان ایشان گشاده باشد وقوت کنند تا اثر انگشتان ایشان در گل بماند ورو بقبله
باشند واز بعضی روایات مفهوم میشود که نزدیک سر او بنشینند واین دعا بخوانند
اَللّٰهُمَّ جَافِ الاَرضَ عَن جَنبَیهِ وَاَصعِد اِلَیكَ رُوحَهُ وَلَقِّهِ مِنكَ رِضوَاناً
خداوندا گشاده کن زمین را از پهلوهای او وبلند کن بسوی خود روح او را والقا کن او را از تو خشنودی
وَاَسكِن قَبرَهُ مِن رَحمَتِكَ مَا تُغنِیهِ بِهَا عَن رَحمَةِ مَن سِوَاكَ وهفت مرتبه
وبده در قبر او از رحمت خود انچه بی نیاز کند او را بان از رحمت غیر تو سوره انا انزلناه
بخوانند واگر میت زن باشد در جمیع دعاها که گذشت ضمیر مونث بیاورند چنانکه بسرخی نوشته
شده است وسنت است که ولی میت یعنی اولی خویشان او بعد از انکه مردم بر گردند نزد سر میت
بنشیند وباواز بلند ان تلقین که گذشت بار دیگر بکند واگر دیگری را نایب کند نیز خوبست
ودر اخبار وارد شده است که چون این تلقین را بکنند منکر بنکیر میگوید بیا برویم تلقین حجتش

اَللّٰهُمَّ زِدنَا

کردند

کردند احتیاج بپرسیدن نیست پس برمیگردند وسؤال نمیکنند ومکروهست عمارت
بر سر قبر کردن وبر سر قبر بسیار ماندن وگچ مالیدن بر قبور مگر قبور انبیا وائمه معصومین
صلوات الله علیهم وبعضی گفته اند که قبور علما وصلحا نیز این حکم دارد ومکروهست تازه کردن
قبر بعد از مندرس شدن ودر خبر است که حق تعالی دوست میدارد دلهای شکسته وقبرهای
مندرس شده را ومکروهست در حال اختیار دو میت را در یک قبر گذاشتن ومیت را از
بلدی که در انجا مرده است بشهرهای دیگر بردن مگر بمشاهد مشرفه ائمه معصومین علیهم السلم
وبعضی استثنا کرده اند نقل بمقبره علما وصلحا وشهدا را نیز ومکروهست بر روی قبر نشستن
وراه رفتن مگر بواسطه زیارت قبور که ضرور شود ومشهور انست که جایز نیست شکافتن
قبور مگر در چند صورت یکی انکه در قبر مالی صاحب قیمتی افتاده باشد دیگر انکه در زمین
غصبی دفن کرده باشند یا در کفن غصبی کفن کرده باشند دیگر انکه او را بی غسل وکفن دفن
درخاک کرده باشند وان هم نپاشیده باشد ومشهور انست که جایز نیست نقل مردگان بعد
از دفن وبعضی استثنا کرده اند نقل بمشاهد مشرفه حضرات ائمه معصومین علیهم السلم را ومشهور
انست که جایز نیست گریبان چاک کردن ودریدن جامه برای غیر برادر وپدر وبرای ایشان جایز است بلکه از
بعضی از اخبار ظاهر میشود که مستحب باشد خصوصا بر پدر وبعضی تجویز کرده اند زنان را مطلقا
واحوط ترکست وجایز نیست خراشیدن رو وکندن وبریدن مو واحوط انست که طپانچه بر رو
وزانو وغیر ان نزنند وبعضی از علما موافق روایتی قایل شده اند که زنی که موی سر خود را در
مصیبتی ببرد واجب است کفاره بدهد چنانچه در خاتمه مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی
وبعضی گفته اند گناه دارد وکفاره بر او نیست ودور نیست که سنت باشد واحوط دادن کفاره
است وبعضی تراشیدن مو را نیز الحاق کرده اند ببریدن در وجوب کفاره وهمچنین اکثر
علما قایل شده اند که واجبست کفاره قسم بر زنی که موی سر را بکند در مصیبت یا روی خود را
بخراشد که خون بیاید وبر مردی که در مرگ فرزند یا زن خود جامه چاک کند وکفاره یمین انشاء الله
مذکور خواهد شد وبعضی واجب نمیدانند واحوط عمل بمشهور است ولازمست اصحاب مصیبت
را که صبر کنند بلکه بقضای الهی راضی باشند وبدانند که حق تعالی صابران را اجر بیحساب کرامت
میفرماید وباید که صاحب مصیبت بسیار بگوید اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیهِ رَاجِعُونَ تا گناهان گذشته

اوام مزیده شود و هرگاه که ان مصیبت بخاطرش اید این کلمه را بگوید تا گناهان ما بین
این دو کلمه امرزیده شود و بسند معتبر منقولست که هر که مصیبتی بخاطرش اورد اگر چه بعد از مدتی
باشد اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُوْنَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ اَللّٰهُمَّ اْجُرْنِیْ
وبگوید بدرستی که ما از برای خدایم و ما بسوی او بر میگردیم و ستایش برای خدای پروردگار عالمیانست خداوندا مزد ده مرا
عَلٰی مُصِیْبَتِیْ وَاخْلُفْ عَلَیَّ اَفْضَلَ مِنْهَا ثواب همان مصیبت بار دیگر باو داده شود
بر مصیبت من و خلیفه کن بر من بهتر از این مصیبت و سنت است که دیگران تعزیه ایشان بکنند
و ایشان را بصبر و شکیبایی امر کنند پیش از دفن و بعد از دفن و مبالغه در بعد از دفن بیشتر است
و اقل تعزیه انست که بروند تا صاحب عزا ایشان را ببیند و منقولست از حضرت رسول صلی الله
علیه واله وسلم که هر که صبر کند فرماید اند و هکین را در صحرای محشر که همه برهنه اند خدا او را حله
نیکو از حلهای بهشت بپوشاند که موجب سرور او گردد و هر کس مصیبت زده را صبر فرماید
حق تعالی او را ثواب ان صاحب مصیبت کرامت فرماید بی انکه از اجر او چیزی کم شود و
فرمود ثواب تعزیه و صبر فرمودن بهشت است و مستحبست که صاحب مصیبت تغییر وضع
خود بکند تا او را بشناسند و جایز است گریه و ندبه کردن که نیکیهای میت را بنمایند
و نوحه کردن بنحوی جایز است که دروغ نگویند و چیزهای باطل برای میت اظهار نکنند و بهتر
انست که نوحه گر نیاورند و مستحبات که تا سه روز دیگران خصوصا همسایگان برای صاحب
مصیبت طعام بفرستند و زیاده از سه روز ماتم نگیرند مگر زن که چهار ماه و ده روز برای شوهر
ماتم میگیرد بانکه جامهای رنگین نمیپوشد و زینت نمیکند و سنت مؤکد است السَّلَامُ عَلٰی
زیارت قبور مؤمنان خصوصا خویشان و چون داخل قبرستان شود بگوید سلام بر
اَهْلِ الدِّیَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِیْنَ وَالْمُسْلِمِیْنَ اَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ اِنْشَاءَ اللّٰهُ بِکُمْ
اهل دیار از مؤمنان و مسلمانان شما از برای ما پیشروید و ما انشاء الله بشما
لَاحِقُوْنَ و بروایت السَّلَامُ عَلٰی اَهْلِ الدِّیَارِ مِنَ الْمُسْلِمِیْنَ وَالْمُؤْمِنِیْنَ رَحِمَ
ملحق شونده کانیم دیگر بگوید سلام بر اهل دیار از مسلمانان و مؤمنان رحمت کند
اللّٰهُ الْمُسْتَقْدِمِیْنَ مِنَّا وَالْمُسْتَاْخِرِیْنَ وَاِنَّا اِنْشَاءَ اللّٰهُ بِکُمْ لَاحِقُوْنَ و بروایت
خدا پیش روندگان ما را و پس روندگان ما را و بدرستی که ما انشاء الله بشما ملحق شوندگانیم دیگر

السلام

اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ اَهْلَ الدِّیَارِ مِنْ قَوْمٍ مُؤْمِنِیْنَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ
سلام بر شما اهل دیار از قوم مؤمنان و رحمت خدا و برکاتهای او
اَنْتُمْ لَنَا سَلَفٌ وَنَحْنُ لَکُمْ تَبَعٌ رَحِمَ اللّٰهُ الْمُسْتَقْدِمِیْنَ مِنْکُمْ وَالْمُسْتَاْخِرِیْنَ
شما از برای ما پیشروید و ما از برای شما پیرو رحمت کند خدا پیشی گیرندگان از شما را و پس روندگان
وَاِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُوْنَ و در احادیث بسیار وارد شده است که هر که نزد قبر
و بدرستی که ما از برای خدایم و ما بسوی او بر میگردیم برادر مؤمن خود هفت مرتبه سوره انا انزلناه بخواند
از ترس بزرگ روز قیامت ایمن گردد و بروایت دیگر خدا او را و صاحب قبر را بیامرزد و سنت
است که در وقت خواندن دست بر قبر گذارد و رو بقبله باشد و سنت است که این دعا بخواند
اَللّٰهُمَّ جَافِ الْاَرْضَ عَنْ جُنُوْبِهِمْ وَصَاعِدْ اِلَیْکَ اَرْوَاحَهُمْ وَلَقِّهِمْ
خداوندا اکشاده کن زمین را از پهلوهای ایشان و بلند کن بسوی خود روحهای ایشان را و برسان بایشان
مِنْکَ رِضْوَانًا وَاَسْکِنْ اِلَیْهِمْ مِنْ رَحْمَتِکَ مَا تَصِلُ بِهٖ وَحْدَتَهُمْ وَتُؤْنِسُ
از نزد خود خشنودی و ساکن کن بسوی ایشان از رحمت خود انچه متصل شود بان وحدت ایشان و انس گیرد
بِهٖ وَحْشَتَهُمْ اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ و بروایت معتبر اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ
بان وحشت ایشان بدرستی که تو بر همه چیز قادری دیگر این دعا بخواند خداوندا رحم کن
غُرْبَتَهُ وَصِلْ وَحْدَتَهُ وَاٰنِسْ وَحْشَتَهُ وَاٰمِنْ رَوْعَتَهُ وَاَسْکِنْ
غریبی او را و وصل کن تنهایی او را و مونس باش وحشت او را و ایمن ساز ترس او را و ساکن کن
اِلَیْهِ مِنْ رَحْمَتِکَ مَا یَسْتَغْنِیْ بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاکَ وَاَلْحِقْهُ بِمَنْ
بسوی او از رحمت خود انچه مستغنی شود بان از رحمت کسی که غیر تست و ملحق ساز او را بکسی
کَانَ یَتَوَلَّاهُ و بروایت دیگر مستحبست که نزد قبر سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق
که بود که پیروی کرد او را و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و ایة الکرسی هر یک را سه مرتبه بخواند
و سوره انا انزلناه را هفت مرتبه و از حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم منقولست که
هر که در قبرستان بگذرد و سوره قل هو الله را یازده مرتبه بخواند و ثوابش را بمردگان قبرستان
ببخشد بعدد ان مردگان اجر و ثواب یابد و بروایت دیگر هر که ایة الکرسی بخواند و ثوابش را باهل
اهل قبور کند حق تعالی بعدد هر حرفی ملکی خلق کند که تسبیح گویند برای او تا روز قیامت و در عوض

روز پنجشنبه وجمعه زیارت اهل قبور مستحبست ودر احادیث معتبره وارد شده است که بهر که مصیبتی وارد شود مصیبت حضرت رسالت صلی الله علیه واله وسلم را بیاد اورد که صعب ترین مصیبتهاست ودر اخبار بسیار وارد شده است که هر که در وقت مصیبت دست بر ران خود زند ثواب او حبط میشود ونباید شیون وفریاد کند ووا ویلاه ووا ثکلاه نگوید ودر حدیث معتبر منقولست که هر که یك فرزند از او برود وصبر کند بهتر است برای او از انکه هفتاد فرزند از او بماند که همه سوار شوند ودر راه خدا جهاد کنند ومنقولست که ثواب مومن هر که خدا از دوست میدارد بهترین فرزندان او را میگیرد ومنقولست که ثواب مومن از مردن فرزندش بهشت است خواه صبر کند وخواه نکند وبسند معتبر منقولست که حضرت صادق علیه السلم در وقت مصیبت این دعا میخواندند

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَجْعَلْ مُصِیبَتِی فِی دِینِی وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَوْ شَاءَ جَعَلَ مُصِیبَتِی

سپاس از برای خدا که نگردانید مصیبت مرا در دین من وسپاس از برای خدایی که اگر میخواست میگردانید مصیبت مرا

اَعْظَمَ مِمَّا کَانَتْ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَی الْاَمْرِ الَّذِی شَاءَ اَنْ یَکُونَ فَکَانَ

بزرگتر از انچه بود وسپاس از برای خدا بر امری که خواست انکه باشد پس بود

وباید که مردگان را فراموش نکنند زیرا که دست ایشان از اعمال خیر کوتاه گردیده است وانجانب فرزندان وخویشان وبرادران مؤمن امید وارند واحسان ایشان را چشم براهند خصوصا دعا کردن در نماز شب وبعد از نمازهای فریضه ودر مشاهد مشرفه پدر ومادر را زیاده از دیگران باید دعا کرد واعمال خیر برای ایشان بعمل باید اورد که در خبر است که بسا فرزندی که در حال حیات پدر ومادر عاق ایشان باشد وبعد از فوت ایشان نیکوکار گردد بسبب اعمال خیری که از برای ایشان بعمل اورد وبسا فرزندی که در حال حیات پدر ومادر نیکوکار باشد وبعد از فوت ایشان عاق گردد بسبب انکه اعمال خیر برای ایشان کم بعمل اورد وعمده خیرات برای پدر ومادر وسایر خویشان انست که قروض ایشان را ادا کند وایشان را از حقوق خدا وخلق بری گرداند وحج وسایر عبادات که از ایشان فوت شده باشد سعی کند باستیجار یا تبرع بعمل اورد ودر حدیث صحیح منقولست که حضرت صادق علیه السلم در هر شب برای فرزند خود ودر هر روز برای پدر ومادر خود دو رکعت نماز میکردند ودر رکعت اول انا انزلناه ودر رکعت دویم انا اعطینا میخواندند وبسند صحیح منقولست که از حضرت صادق علیه السلم که بسا باشد که میت در تنگی وشدتی بوده باشد وحق تعالی

براو وسعت دهد وتنگی را از او بردارد پس باو بگویند که این فرج که ترا رو داد بسبب نمازیست که فلان برادر مؤمن برای تو کرد راوی پرسید که دو میت را در دو رکعت نماز شریك میتوانم کرد فرمود بلی وفرمود که میت شاد میشود وفرح مییابد بدعا واستغفاری که برای او کنند چنانچه زنده شاد میشود بهدیه که برای او برند وفرمود که بر میت داخل میشود در قبرش نماز وروزه وحج وتصدق وسایر عملهای خیر ودعا وثواب ان اعمال برای کسی که کرده وبرای مرده هردو نوشته میشود ودر حدیث دیگر فرمود که هر که از مسلمانان برای میتی عمل صالحی بکند خدا ثواب او را مضاعف میگرداند ومیت باین عمل منتفع میگردد ودر روایتی وارد شده است که هر گاه شخصی به نیت میتی تصدق بکند حق تعالی جبرئیل علیه السلم را امر مینماید که با هفتاد هزار ملك نزد قبر او بروند وهر یك طبقی در دست دارند از نعمتهای الهی وهر یك باو گویند

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ ای دوست خدا این هدیه فلان مؤمنست برای تو پس قبر او روشن میشود وحق تعالی هزار شهر در بهشت باو کرامت میفرماید وهزار حوری باو تزویج مینماید وهزار حله باو میپوشاند وهزار حاجت او را روا میکند ودر حدیث معتبر منقولست که شش چیز بمؤمن میرسد بعد از وفات او اول فرزندی که از جهت او استغفار کند دویم مصحفی یا کتابی از کتب علمی که از او بماند ومردم بعد او بخوانند سیم درختی بکارد ومردم از ان نفع یابند چهارم اب جاری سازد پنجم چاهی که حفر نماید که خلق خدا منتفع گردند ششم سنتی که مردم بان عمل نمایند از ارشاد وهدایت خلق یا تصنیف کتب ومانند ان

باب چهاردهم در مجملی از احکام زکوة وخمس واعتکاف است ودران سه فصلست فصل اول در زکوة است وایات واحادیث بر وجوب ان وعقاب ترك کننده ان بسیار است از انجمله حق تعالی میفرماید

وَالَّذِینَ یَکْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا یُنْفِقُونَهَا فِی سَبِیلِ اللّٰهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ اَلِیمٍ یَوْمَ یُحْمٰی عَلَیْهَا فِی نَارِ جَهَنَّمَ فَتُکْوٰی بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هٰذَا مَا کَنَزْتُمْ لِاَنْفُسِکُمْ فَذُوقُوا مَا کُنْتُمْ تَکْنِزُونَ

یعنی انها که جمع میکنند طلا ونقره را وحقوق الهی را نمیدهند ودر راه خدا صرف نمینمایند پس بشارت ده ایشان را بعذابی دردناك در ان روزی که سرخ کنند این طلا ونقره را در اتش جهنم وداغ کنند بانها پیشانیها وپهلوهای وپشتهای ایشان را وبایشان گویند اینست مالهائی که از برای خود جمع کرده بودید الحال بچشید عذاب انها را وانحضرت صادق علیه السلم منقولست که هر که ندهد قیراطی از زکوة را که بدهد پس یهودی باد است او نه مؤمن ونه مسلمان

ودر وقت مردن استغاثه میکند که مرا بر گردانید بدنیا تا زکوة را بدهم چنانچه حق تعالی فرموده است حَتّى إِذَا جَاءَ
أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ یعنی تا وقتی که بیاید احدی از ایشان را مرگ
گوید پروردگارا بر گردانید مرا بدنیا تا شاید عمل شایسته بکنم در اعمالی که بعد از خود گذاشته ام و از حضرت
سید المرسلین و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم بطرق صحیحه منقولست که کسی که طلا و نقره داشته
باشد و زکوة از آن ندهد حق تعالی او را در روز قیامت حشر خواهد نمود در زمین لغزنده که پایند
نشود بر آن و مسلط سازد بر او مار بیسه را که نفرش از مارهای دیگر عظیم تر است و در عقب
دود و او از وی گریزد تا چون با او رسد داند که از او خلاصی ندارد دست خود را بدهان او دهد
پس بدندان بگیرد او را مانند شتر نری که بچیزی دندان فرو برد پس طوقی گردد در گردن او و اینست معنی
قول حق تعالی که میفرماید سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ یعنی بزودی طوق کرده اند
در گردن ایشان آنچیز را که بخل ورزیدند در دنیا بآن و در راه خدا ندادند در روز قیامت و
هر کس شتر یا گاو یا گوسفند داشته باشد و زکوة از آن ندهد حق تعالی حبس کند او را در صحرای
لغزنده و پامال کند او را هر حیوان شکافنده سمی بسم خود و گزنده او را بدندان و نیش هر صاحب زهر
بنیش خود و هر که زراعت داشته باشد یا باغ خرما و انگور داشته باشد و زکوة آنها را
نداده باشد آن قطعهای زمین را تا طبقه هفتم طوق کرده در گردن او اندازند و آن همه آتش
گردد تا روز قیامت و بروایت معتبر دیگر هر زکوة مالش را ندهد حق تعالی آن مال را اژدهائی گرداند
در گردن او که دماغش را خورد و گوشتش را بدندان بکند تا از حساب خلایق فارغ شوند و در
حدیث دیگر حضرت صادق علیه السلم فرمود که هیچ مال در صحرا و دریا تلف نمیشود مگر بندادن زکوة
و حق تعالی میفرماید مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ
سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ یعنی مثل جماعتی که صرف مینمایند
مالهای خود را در راه خدا از زکوة و خمس و جهاد و حج و غیر اینها مانند دانه ایست که بروید از آن هفت
خوشه و در هر خوشه صد دانه بوده باشد که مجموع هفتصد برابر میشود و حق تعالی مضاعف
میگرداند باضعاف این از برای هر که خواهد و آیات و اخبار در این باب بسیارست و آنچه
مذکور شد برای کسی که ایمان بفرموده خدا و رسول داشته باشد کافیست و اما اجناسی که در آنها
زکوة واجب میشود پس نه جنس است اول طلا هرگاه مقدار بیست اشرفی باشد و سکه داشته باشد

ویکسال بماند که بدل نکنند و تغییر ندهند مقدار چهل یک از آن زکوة میباید داد و بعد از آن هر
چهار اشرفی که زیاد شود بعد از سال چهل یک میباید داد دویم نقره است هرگاه بدویست درهم برسد
که تخمینا دوازده هزار و ششصد دینار عجمی باشد موافق وزن ده دانگی و سکه داشته باشد و یکسال
بحال خود بماند بعد از سال چهل یک میباید داد و همچنین هر چند چهل درهم زیاد شود که دو هزار
و پانصد و بیست دینار باشد چهل یک از آن میباید داد سیم شتر است و نصاب آن دوازده است اول
پنج شتر است و در آن یک گوسفند است دویم ده شتر است و در آن دو گوسفند است سیم پانزده
شتر است و در آن سه گوسفند است چهارم بیست شتر است و در آن چهار گوسفند است پنجم بیست
و یک شتر است و در آن پنج گوسفند است و گوسفندی که دهند بهتر آنست که هفت ماهه یا در
هشت باشد و کمتر نباشد اگر گوسفند دهد و اگر بز دهد یکساله یا در دو باشد ششم
بیست و شش شتر است و باید شتر ماده یکساله یا در دو بدهد و اگر نداشته باشد شتر نر دو
ساله یا در سه بدهد هفتم سی و شش شتر است و باید که شتر ماده دو ساله یا در سه بدهد
هشتم چهل و شش شتر است و باید شتر ماده سه ساله یا در چهار بدهد نهم شصت و یکست
و باید شتر ماده چهار ساله یا در پنج بدهد دهم هفتاد و شش است و باید دو شتر ماده دو
ساله یا در سه بدهد یازدهم نود و یکست و باید دو شتر ماده سه ساله یا در چهار بدهد دوازدهم
صد و بیست و یکست و هر چه زیاده شود در هر پنجاه شتر یک شتر ماده سه ساله میدهد
و در هر چهل شتر یک شتر ماده دو ساله میدهد چهارم گاو است و در هر سی گاو یک گوساله
ماده یا نر یکساله یا در دو میدهد و در هر چهل گاو یک گاو ماده دو ساله یا در سه میدهد
پنجم گوسفند است و در هر چهل گوسفند یک گوسفند واجبست و در صد و بیست و یک
گوسفند دو گوسفند و در دویست و یک گوسفند سه گوسفند واجبست و در سیصد
و یک گوسفند احوط آنست که چهار گوسفند بدهد و چون بچهارصد برسد هر چه زیاد
شود از هر صد گوسفند یک گوسفند میدهد و در زکوة هر یک از شتر و گاو و گوسفند
شرطست که در علف مباح چریده باشند در تمام سال پس اگر علف مملوک خورده باشند زکوة
واجب نیست و اگر بعضی از سال چریده باشند و بعضی علف ملک خورده باشند احوط آنست
که اگر چه بیشتر باشد زکوة بدهند و بچهار را تا شیر میخورند حساب نمیباید کرد بنا بر مشهور

واحتیاط انست که از روزی که متولد میشوند حساب کنند ودر طلا و نقره وحیوانات همه شرط است
که سال بر ایشان بکردد وسال زکوة یازده ماهست چون ماه دوازدهم داخل شد زکوة
واجب میشود ودر کاو وشتر شرطست که کارکن نباشند پس اکر بار کشند یا خویش کنند زکوة
واجب نیست وکوسفند وبز را بو سر هم حساب میکنند وکاو وکاومیش را بو سر هم حساب
میکنند وشتر نر ومایه ولوك را بو سر هم حساب میکنند ششم و هفتم و هشتم و نهم کندم
وجو وخرما ومویز است وشرطست که هر یك بنصاب برسند ونصاب سیصد وهفت
من وپنجاه درم است بسنك تبریز وانکور هر کاه نهصد وبیست ویکمن باشد احوط انست
که زکوة بدهند وشرطست که این غلات در ملك او بحد نصاب رسیده باشند پس اکر کندم
وجو را بعد از درو کردن بخرد زکوة بر فروشنده واجب است واکر زمین را باجاره کرفته
باشد زکوة بر مستاجر واجب است واکر بمزارعه بکیرد بنصف یا ثلث یا ربع یا ده چهار
مثلا زکوة حصه مالك بر مالك واجبست وزکوة حصه عامل بر عامل اکر حصه هر یك
بتنهایی بنصاب رسیده باشد پس اکر زراعت وباغ اب باران یا اب روان یا قنات یا
اب ریشه خورده باشد ده یك میدهند واکر اب دست یا کاو یا شتر یا چرخاب خورده
باشد بیست یك میدهند واکر از هر دو خورده باشد بیشتر اعتبار دارد واکر هر دو
مساوی باشد پانزده یك میدهند واحوط واقوی انست که بغیر از خراج پادشاه چیزی از
خرج زراعت را ابر نکند در دادن زکوة وچون اکثر علما بر انند که تعلق زکوة بانکور در وقت
غوره شدنست پس احوط انست که اول ارباب خبرت را بیاورد که تخمین کنند میوه باغ را اکر
چه فقدار است وباخود مقرر ساند که بان نسبت زکوة خواهم داد تا انچه خورد از غوره وانکور
حلال باشد یا انکه انچه بردارد بکشد وحساب نکه دارد یا انچه بردارد عشر غوره را بدهد وهم چنین
کندم وجو وغیره که دانه نبر بندد وبعضی از علما کفته اند که زکوة واجبست در حبوب مانند برنج
وماش ونخود وعدس وامثال اینها هر کاه بنصاب جو وکندم برسند بهمان شرایط ومقدار
که کذشت ومشهور انست که زکوة اینها سنت است ودر مادیان که علف مباح چرا کند وسال
بر او بکذرد زکوة سنت است پس اکر پدر ومادرش عربی باشد در سالی دو اشرفی چهار دانك
ونیم میدهد واکر یابو باشد که یکی از مادر ویدرش عربی نباشد یك اشرفی میدهد ودر زکوة

تجارت جمعی بوجوب قایل شده اند ومشهور انست که سنت است وانما الیست که مالك شود انرا
بعنوان معاوضه ودر وقت مالك شدن قصد اکتساب وتجارت بان داشته باشد ومیباید
که قیمت ان بیکی از نصاب طلا و نقره برسد ودر تمام سال بر نصاب باقی باشد ودر تمام سال
از مایه کم نشود یا بمایه یا بیشتر بخرند واکر چند سال بکذرد که مایه در کی باشد سنت است که زکوة
یکسال را بدهد اکر بر مایه باقی باشد هر سال چهل یك را میدهد واکر معاوضه کند در اثنای سال
بقصد تجارت خلافست واحوط انست که باز بدهد وسنت است که در وقت درو کردن اکر فقرا حاضر
باشند هر فقیر را دسته کندم بدهد هر قدر در دستش درایدو در وقت چیدن خرما وانکور یك
مشت بدهد وبر زکوة حساب نکند وبعضی واجب دانسته اند واحوط انست که ترك نکند اما مستحق
زکوة پس هشت طایفه اند اول ودویم فقرا ومساکین وایشان کسانی اند که قوت سالیانه خود وعیال
خود نداشته باشند وقادر بر کسبی نباشند که معاش خود وعیال خود را بان توانند کذرانید
واحوط انست که صالح باشند وکدا وسایل بکف نباشند سیم کیست که امام علیه السلام نصب
میکند برای کرفتن زکوة وحصه باو میدهد ودر این زمان ان نمیباشد غالبا وهمچنین چهارم
که مؤلفة قلوبهم اند ودر این زمان نمیباشد غالبا پنجم صرف کردن در ازادی بنده کانست مثل انکه اقا
غلام خود را مکاتب کرده است که مالی بدهد وازاد شود واو عاجز باشد از دادن ان اکر بر اقا زکوة
واجب شده باید که قدری از زکوة را بمال کتابت او حساب کند والا دیکران از زکوة حصه باو بدهند
که باقا بدهد وازاد شود یا غلامی که از دست اقا در تعب وشدت باشد از مال زکوة بخرند وازاد کنند
ششم قرض دارانند که قرض کرده باشند ودر معصیت صرف نکرده باشند ودر ادای قرض ایشان عاجز باشند
داد هفتم فی سبیل الله است یعنی صرف راههای خدا مانند جهاد فی سبیل الله ویاری حاجیان و
زایران ائمه معصومین علیهم السلام وبنای مساجد وپلها وامثال اینها وبعضی کفته اند که مخصوص
جهاد است در زمانی که جهاد حق باشد واین احوطست هشتم ابن السبیل است وان کسیست که
بغربت افتاده باشد وخرج رفتن بخانه خود نداشته باشد المقدار باو میدهند که بخانه خود برسد
اکر سفرش معصیت نباشد وباید که کسی که باو زکوة میدهند غیر مؤلفه قلوبهم شیعه اثنی عشری باشد
واحوط انست که اجتناب از کناهان کبیره کند خصوصا شراب خوردن دیکر شرطست که واجب النفقه مالك
نباشد مثل پدر ومادر وجد وجده هر چند بالا روند وفرزندان وفرزندزادکان هر چند پایین

بدهند و زن و بنده و بهتر آنست که زکوة را بخویشان بدهند غیر آنها که مذکور شد اگر شرایط را داشته باشند
و غیر سید زکوة سید نمیتواند داد اما سید زکوة خود را بسید و غیر سید هر دو میتواند داد و غیر سید احوط آنست که بشریف هم
ندهد و بهتر آنست که زکوة را بنزد مجتهد یا عالمی که مصارف زکوة را داند ببرند که او بمصرف برساند فصل دویم در خمس است
بدانکه خمس در هفت چیز واجب میشود اول غنیمتی که از کافران در جنگ بگیرند خواه در جنگگاه باشد و خواه در بیرون دویم
معادنست مانند طلا و نقره و مس و سرب و یاقوت و زبرجد و سرمه و عنبر و قیر و نفط و کبریت بعد از آنکه خرج بیرون
آوردن را بدر برد پنج یک ازو باید داد و مشهور آنست که نصاب ندارد و بعضی گفته اند نصابش یک دینار است
تا یک دینار نرسد خمس واجب نمیشود و بعضی بیست دینار گفته اند یعنی بیست اشرفی که نصاب اول طلاست
و اکثر متاخرین باین قایل شده اند و خالی از قوتی نیست و اگر چند کس شریک باشند باید حصه هر یک جدا
بنصاب برسد سیوم گنج است یعنی مالی که در زمین پنهان کرده باشند پس اگر گنج را در بلاد کفار بیابند
که در آنجا مسلمانی نباشد هر چند سکه اسلام داشته باشد یا در دار الاسلام بیابند و سکه اسلام
نداشته باشد و به بیست دینار یعنی بیست اشرفی برسد اگر طلا باشد خمس از آن میدهد و باقی از آن او است
و اگر نقره باشد باید به دویست درهم برسد که موافق نرخ دو دانگی دوازده هزار و ششصد دینار است و اگر
غیر طلا و نقره باشد قیمتش بیکی ازین دو مقدار برسد و اگر سکه اسلام نداشته باشد یا علامتی
که دلالت کند بر آنکه از مسلمانی بوده است مشهور میان علما آنست که حکم لقطه دارد میباید که
یکسال تعریف کند اگر صاحبش پیدا شود بصاحبش بدهد و الا مخیر است میان مالک شدن و تصدق
کردن و بامانت نگاه داشتن و اگر در دو صورت اول صاحبش پیدا شود و راضی نباشد عوض بدهد
و ظاهر اخبار آنست که اگر از روی زمین یافته است لقطه است و اگر در زیر زمین بوده است گنج است
خواه اثر اسلام داشته باشد و خواه نداشته باشد و جمعی باین قایل شده اند و خالی از قوتی
نیست و اگر گنج را در زمین خود بیابد که از پدران باو رسیده باشد از آن او است و اگر خمس از آن بدهد احوط است
و اگر زمین را خریده باشد تعریف میکند بایع نزدیک و دور را اگر نشانی بدهند که ظن صدق ایشان حاصل
شود بایشان میدهد علی المشهور و الا از آن او است و بآن احوط آنست که خمس از آن بدهد و همچنین اگر حیوانی
بخرد چون شتر و گاو و در شکم آن چیزی بیابد تعریف میکند بایع را و اگر نشان ندهند از آن او است و احوط اخراج
خمس است و اگر در شکم ماهی بیابد خمس میدهد احتیاطا و باقی از آن او است و بآن ملحق کرده اند حیوانات شکار دریا
مانند آهو و اگر محتمل باشد که در خزانه مال کسی بوده باشد احوط آنست که تعریف باو بکند چهارم چیزیست

که بغوص از دریا بیرون آورند مانند مروارید و مرجان و نصاب در آن معتبر است و مشهور آنست که نصابش
یک دینار است یعنی یک اشرفی تمام وزن و بعضی بیست دینار گفته اند و اگر چند مرتبه در آورد همه را در نصاب
باهم حساب میکند هر چند در ما بین ترک غوص کرده باشد علی الاحوط و اگر چند کس شریک باشند در
حصه هر یک میباید بنصاب برسد و عنبر را اگر از دریا بغوص در آورند حکم مروارید دارد و اگر از روی آب یا ساحل
بگیرند مشهور آنست که حکم معدن دارد و احوط آنست که بهر حال خمس از آن بدهند و رعایت نصاب در آن نکنند
پنجم فاضل مؤنه سالیانه است از ارباح تجارات و زراعتها و جمیع کسبها و مشهور آنست که در میراث و بخشش
و هدیه خمس نمیباشد و خرج سالیانه را که بیرون میکنند قدر وسط مناسب حال آن شخص را اعتبار کرده اند
پس اگر اسراف کرده باشد خمس آنچه اسراف کرده است بیرون میکند و اگر بر خود تنگ گرفته باشد از آنهم بیرون میکند
علی المشهور و احوط آنست که از آنچه زیاده باشد بدهد بلکه نهایت احتیاط آنست که هر چه حاصل شود
و خرج یک روز زیادتی دارد بر روز خمس بدهد و اگر در اثنای سال احتیاجات ضروریه واقع شود مثل خرج
که حج و حج بیت الله و زیارت رسول و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین و امثال اینها همه را بقدر وسط بیرون
میکند و همچنین تعدیات و زیادتیها که ظلمه کنند جمیع را بیرون میکند و خمس بقیه را میدهد و ابو الصلاح
رحمه الله قایل شده است که در میراث و هبه و هدیه نیز خمس واجبست و در حدیث صحیح وارد شده است که اگر
از شخصی جایزه عظیمی باو برسد یا میراثی از جایی که گمان نداشته باشد باو برسد یا مالی از دشمنان دین
باو برسد خمس میباید داد و عمل باین روایات احوط است ششم زمینی است که یهودان و نصرانیان و مجوسان از
مسلمانی بخرند خمس آن زمین را یا خمس قیمت آن زمین را بارضای ذمی میگیرند و اگر خانه یا باغ را بخرند مشهور میان
علما آنست که خمس زمین آنها را میگیرند و اکثر قدمای علما متعرض این نوع خمس نشده اند هفتم مال حلالیست
که مخلوط شده باشد بحرام و صاحب آنرا نداند و مقدار حرام را نداند خمس آنرا میدهد بفقرای سادات
و غیر ایشان و بعضی از مخصوص سادات میدانند و بعضی گفته اند بسادات نمیتوان داد و ظاهر آنست که بهر دو توان
داد و اگر بشریف بدهند بهتر است و اگر مقدار حرام را داند و صاحبش را نیز داند آن مقدار را واجبست بصاحبش بدهد
و اگر صاحبش را داند و مقدار را نداند با صاحب میباید صلح کند و بعضی گفته اند که در این صورت خمس از آن بصاحب میدهد
و بعضی گفته اند که آن مقدار را که علم دارد بصاحب میدهد و ما بقی را با صاحب صلح میکند احتیاطا و این احوط است و
اگر مقدار را داند و صاحب را نداند سعی میکند تا صاحب را بهم رساند و اگر بهم نرسد از برای او تصدق میکند
و این صورت و صورت اول مستحق است برد مظالم و اگر خمس را بدهد یا تصدق کند کل را یا بعض را و بعد از آن صاحب

خلافت که آیا باید باز بصاحب بدهد یا نه واحوط آنست که بدهد **هفتم** مستحق خمس مشهور میان علما آنست که شش حصه میشود چنانچه ظاهر آیهٔ کریمه است و حصهٔ خدا و رسول و ذوی القربی که نصف خمس است بعد از حضرت رسول صلعم از امام زمان ع است و نصف دیگر سه حصه میشود که به یتیمان سادات و مسکینان سادات و ابناء السبیل سادات میدهند و مراد از سید موافق مشهور کسیست که منسوب باشد از جانب پدر بعبد المطلب و تفسیر مسکین و ابن سبیل در زکوة گذشت و در یتیم احوط آنست که فقیر باشد و ابن سبیل را انقدر میدهند که بشهر خود برود و از احادیث معتبره ظاهر میشود که در زمان حضور امام ع جمیع خمس را بخدمت آنحضرت میبرده اند و حضرت نصف خود را برمیداشته است و نصف از این سه فرقهٔ سادات میداده اند و اگر زیاد می‌آمد خود برمیداشته اند و اگر وفا نمیکرده از حصهٔ خود تتمه را میداده اند و ایشان بمنزلهٔ عیال امام بوده اند و در زمان غیبت احوط آنست که حصهٔ سادات را بعالم عادل اثنی عشری بدهند که بسادات برساند بقدر احتیاج ایشان و اما نصف دیگر خمس که حصهٔ آنحضرت است در زمان غیبت خلافست و مشهور آنست که بعالم عادل باید داد که بر سبیل تتمه بسادات بنیابت آنحضرت بدهد و اگر چیزی زیاد آید حفظ کند و بعد از آن خود بعالم دیگر بدهد که اگر سید پریشانی بیاید بدهد والا از برای آنحضرت ضبط کند و این قول در این زمان بسیار نادر است زیرا که سادات پریشان بسیار اند و خمس دهند کان کم اند و جمعی گفته اند که در زمان غیبت ائمه علیهم السلام این حصه را بر شیعیان حلال کرده اند و این سخن لجه جر است زیرا که از حضرت صاحب الامر عج توقیعی صریح بوسیله است که بر شیعیان حلال کرده باشند بلکه خلافش ظاهر است زیرا که در زمان غیبت صغری که هفتاد سال و کسری بود نایبان آنحضرت اعنی عثمن عمری و پسر او محمد و حسین بن روح و علی بن محمد سمری رضی الله عنهم حصهٔ آنحضرت را بلکه جمیع خمس را از شیعیان میگرفتند و بفرمودهٔ آنحضرت بمردم میدادند و ظاهر آنست که در این زمان نایب عام آنحضرت که علمای ربانی و محدثان و حاملان علوم ایشانند باید بگیرند و بسادات که عیال آنحضرت اند برسانند والا باید سادات که اشرف خلق اند یا از گرسنگی بمیرند یا سایل بکف شوند و از همه کس ذلیل تر باشند زیرا که زکوة و صدقات واجب بر ایشان حرامست و خمس را بعوض آن بایشان داده اند و بسبب اختلافی که در میان علما بهم رسیده است و بعضی از علمای عصر اغنیا را جرات داده اند بر منع خمس باعث این شده است که اکثر سادات بفقر و فاقه میگذرانند و حقوق ایشان و اجداد ایشان بر ذمهٔ اغنیا میماند و بر تقدیری که امام بر ایشان رحم کرده باشد در زمانهای تقیه و خوف و تعدیات که از خلفای جور بر ایشان واقع میشد و حلال کرده کرده باشند ایشان نمیکنند بر خود هموار میکنند که عیال و خویشان

واقارب امام خود را در فقر و اضطرار ببینند و بر ایشان رحم نکنند و باز در قیامت امید شفاعت از ایشان داشته باشند و حال آنکه فرموده اند که بدترین احوال مردم در روز قیامت وقتی خواهد بود که صاحبان خمس برخیزند و بگویند پروردگارا خمس خود را میخواهیم و حضرت صادق علیه السلام فرمود که من یکدرم خمس را از شما میگیرم و حال آنکه مال من از همهٔ اهل مدینه بیشتر است و نمیگیرم مگر از برای آنکه شما پاک شوید از گناه و از حقوق ما و حضرت رسول صلعم فرمود که هر که احسانی با جدی از اهل بیت من بکند من مکافات میدهم او را روز قیامت و اکثر علما بر آنند که اگر صاحب مال خود حصهٔ امام ع را بسادات بدهد بری الذمه نمیشود مگر آنکه دستش بعالم محدث عادل نرسد و بکمان فقیر هر خمس این حکم دارد **فصل دویم** در بیان فضیلت و کیفیت اعتکاف اعتکاف مکث است در مسجد جامع جهت عبادت و آن سنت مؤکد است بمقتضای آیات و اخبار بسیار خصوصاً در دههٔ آخر ماه رمضان چنانکه حضرت سید المرسلین صلعم همیشه در دههٔ آخر ماه مبارک اعتکاف مینمودند مگر یکسال که در آن جنگ بدر واقع شد و در سال بعد از آن بیست روز اعتکاف داشتند ده روز قضای سال گذشته و ده روز ادا و از آنحضرت صلعم منقولست که اعتکاف دههٔ آخر ماه مبارک رمضان برابر است با دو حج و دو عمره و اعتکاف بنذر و شبه آن مانند عهد و قسم و اجاره دادن خود بغیر واجب میشود و اگر بر بدل واجب شده باشد و نکرده باشد احوط آنست که بعد از روز قضا کند و بعضی گفته اند که بعد از نیت و شروع کردن واجب میشود و بعضی گفته اند روز سیم واجب میشود و همچنین ششم و نهم و دوازدهم و پانزدهم و هرچه بالا رود باین نسبت و بعضی گفته اند مطلقا واجب نمیشود تا آن اسباب وجوب بعمل نیاید و این قول اقوی است و احوط آنست که در اول شبهای مذکور تجدید نیت بکند بقصد قربت و مستحب است که معتکف شرط کند با پروردگار خود که اگر او را مانعی عارض شود بیرون تواند رفت از اعتکاف و ظاهر جمعی آنست که جایز است اشتراط رجوع بی تقیید بعارض و مانع و بعضی در این مضایقه کرده اند و ظاهرا عارض و مانع اعم از عذر ضروریست و محل این شرط در اعتکاف سنت نزد نیت اعتکاف است و در حال دخول در اعتکاف جماعتی از اصحاب ذکر کرده اند که محل آن در اعتکاف واجب بنذر نزد گفتن صیغهٔ نذر است و خالی از اشکالی نیست و فایدهٔ شرط آنست که نزد عارض یا مطلقا اگر خواهد رجوع تواند کرد اگرچه در روز سیم باشد و فایدهٔ دیگر آنکه اگر با شرط رجوع کند قضا بر او واجب نیست و اما مکان اعتکاف جمعی از اصحاب گفته اند که در غیر مسجد مکه و مسجد مدینه و مسجد کوفه و مسجد بصره اعتکاف نمیباشد و بعضی بجای مسجد بصره مسجد مداین را گفته اند و بعضی

کفته اند وخلاف درین باب بسیار است و مسجد مداین درین زمانها کویا معلوم نیست و مسجد بصره
درین اوقات در بیابان واقعست و اعتکاف دران مشکل است وکفته اند مراد بمسجد مکه و مدینه
انقدریست که در زمان حضرت رسول ص مسجد بوده نه انچه بعد الحاق کرده اند وظاهر اینست مسجد
جامع اعتکاف توان کرد ومراد بمسجد جامع مسجد بزرکیست در بلد که در انجا نماز جماعت کنند ومخصوص
محله نباشد وان اکثر محلات شهر بانجا برای اقامت جمعه یا جماعت حاضر شوند و کو متعدد باشد مثل
مسجد جامع عباسی و مسجد جامع قدیم در اصفهان و سایر انها مثل مسجد اقانور و مسجد عباس اباد
محل تامل است و احوط انست که اکر در مکه و مدینه و کوفه باشند در غیر ان مساجد مخصوصه واقع نسازند
ودر بلاد دیکر احوط انست که در مسجد کبیر بلد که مشهور بجامع باشد بجا اورند و اکر مسجد بزرک متعدد باشد
احوط است و غایت احتیاط انست که قصد کند که اعتکاف میکنم درین مسجد اکر مطلوب شارع باشد
بعنوان اعتکاف مقرر فیها و الا در مسجد عبادت میکنم از برای رضای خدا یا قربة الی الله وشرط است
در اعتکاف لبث سه روز یا بیشتر و مشهور انست که دو شب میان داخلند و بعضی کفته اند شب اول
نیز داخل است و احوط انست که نزدیک بغروب افتاب نیت بکند تا شام روز سیم و اکر تا صبح روز چهارم قصد
کند نهایت احتیاط است و شرطست در اعتکاف که معتکف روزه باشد خواه روزه واجب و خواه
سنت و در سنت باید برخصت کسانی باشد که رخصت ایشان در روزه سنت شرطست مانند
شوهر زن و مالک بنده را و احوط انست که فرزند برخصت پدر و مادر اعتکاف سنت نکند
و مهمان برخصت مهماندار و برعکس واقع نسازد و نیت در اعتکاف شرطست و ظاهر اقصد قربت
کافیست و واجبست که بیرون نرود از مسجدی که دران اعتکاف میکند بدون ضرورت مانند نماز
اکر در غیر ان مسجد کند یا عیادت بیمار مؤمن یا حاضر شدن در جنازه مؤمن یا قضای حاجت مؤمن یا برای حاجت
ضروری خود مانند بیت الخلا رفتن و غسل جنابت اکر محتلم شده باشد و در غسل جمعه بنا بر قول جمعی باستحباب
انرو سایر اغسال مستحبه اکر در مسجد نتوان کرد اشکالی هست و مشهور انست که نمیتوان کرد و همچنین جایز است
بیرون رفتن از برای تحصیل نان و اب و سایر ضروریات اکر کسی نداشته باشد برای او تحصیل نماید و همچنین
جایز است بیرون رفتن از جهت کواهی دادن و کواه شدن اکر دیکری نباشد و نتوان در مسجد بجای اوردن
و چون بدر رود در جایی نه نشیند تا بر کردد بمسجد و بهتر انست که در زیر سقف راه نرود تا ممکن باشد
و از راههای نزدیکتر مطلب برود و به بیت الخلای نزدیکتر برود اکر ممکن باشد و توقف بسیار زیاد از ضرورت

واقع

واقع نسازد و چون وقت نماز شود نماز را در جای دیکر غیر ان مسجد که محل اعتکاف اوست نکند مکر در مکه
معظمه که در همه جا میتواند کرد و اکر وقت تنک شود در جای دیکر میتواند و اکر سهوا از مسجد بیرون رود اعتکاف
باطل نمیشود مکر انکه زمان بسیار بکذرد که او را معتکف نکویند و همچنین اکر جبرا او را بیرون برند و احوط انست
که جزو بدن را نیز از مسجد بیرون نکند و بعضی منع کرده اند از رفتن ببام مسجد و ظاهرا اکر داخل مسجد باشد قصوری
ندارد و بدانکه حرامست بر معتکف جماع کردن با زنان در روز و شب و همچنین حرامست بوسیدن بشهوت و دست
بر بدن او مالیدن بشهوت و احوط اجتنابست از نظر کردن و اکرچه بشهوت نباشد و حرامست طلب منی کردن
اکرچه بکفتکو باشد هرکاه عادتش ان باشد که از او منی اید بسبب ان و احوط انست که بعبث دست
نمالد و حرامست بوی خوش کردن و کل بوییدن هرکلی باشد علی المشهور و باید جدل و نزاع با کسی نکند و احوط
انست که مباحثه علمی نیز نکند مکر بقدر اظهار حق و خرید و فروش نکند مکر برای ضروریات خود و عیال خود و احوط
انست که وکیلی از برای خود قرار دهد که اینها را بکند و احوط انست که مطلق معاملات خود را واقع نسازد حتی
عقد نکاح را و جمیع انها که در اعتکاف حرامست در روزها و شبها هم حرامست مکر خوردن و اشامیدن که در شب
جایز است نزد در و هرچه روزه را باطل میسازد اعتکاف را نیز باطل میکند اکر در روز بفعل اورد و در شب افطار
میتواند کرد و مفطرات غیر جماع و استمنا را واقع میتواند ساخت و اولی اجتنابست از غیر اکل و شرب و اکر
جماع کند اعتکاف او باطل میشود و کفاره میدهد و اکر اعتکاف واجب باشد و در روز اول و دوم
سنت خلافست و احوط کفاره است اکرچه جماع در شب واقع شود و احوط انست که هرچه روزه را باطل میکند
افطار در روز واقع سازد کفاره بدهد احتیاطا و کفاره بنده ازاد کردنست اکر تواند و الا دو ماه پی در پی
روزه کرفتن و الا شصت مسکین را طعام دادن و بعضی کفته اند مخیر است میان اینها و اول احوطست بلکه
اظهر پس اکر جماع در شب واقع شود یک کفاره میدهد و اکر در روز ماه مبارک رمضان واقع شود دو کفاره
یکی مرتبه و یکی مخیره و بعضی کفته اند که اکر در روز غیر ماه رمضان واقع شود باز دو کفاره میدهد و انچه است
و بیع و شرا و سایر محرمات غیر از جماع سبب بطلان اعتکاف نمیشود و کفاره با انها واجب نمیشود و در بطلان
باستمنا و کفاره بسبب ان خلافست و احوط اتمامست و کفاره اکر در شب واقع شود و اکر در روز واقع شود
استمنا باطل میکند اعتکاف را البته و کفاره میدهد احتیاطا و احکام اعتکاف بسیار است و بانچه ضرور بود
اکتفا کردیم خاتمه در بیان کفارات بدانکه کفاره بر دو نوعست اول کفارات احرام حج و عمره و انها را
در رساله حج بیان کرده ام دویم سایر کفارات و انها بسیارست بعضی متفق علیه و بعضی مختلف فیه و بعضی واجب و بعضی

سنت و بعضی بترتیب و بعضی بتخییر و همه را بایکدیگر بر سبیل اجمال برای طالبان ادراک سعادات ابدی و خلاص
نجات عقوبات اخروی بیان مینماید **اول** کفارهٔ افطار روزهٔ ماه مبارک رمضانست و آن واجب میشود
بخوردن و آشامیدن چیزی که خوردن یا آشامیدن آن متعارف و معتاد باشد اتفاقا و در غیر معتاد
خلافست و اشهر و اقوی وجوبست و بجماع کردن در قبل زن اتفاقا و در دبر زن علی الاقوی و بباقی ماندن بر جنابت
عمدا تا طلوع صبح علی الاقوی و بخوابیدن بر جنابت بی نیت غسل تا صبح علی الاحوط و بخوابیدن بعد از بیدار شدن
یکمرتبه یا زیاده تا صبح علی الاحوط و برسانیدن غبار غلیظ بحلق بنا بر قول جمعی و بطلب منی کردن و دست بازی
کردن یا مکث و نظر کردن بزن تا منی بیاید علی الاحوط و بقی کردن عمدا بنا بر قول بعضی و بحقنه کردن و شاف عمل
کردن بنا بر قول بعضی و بدروغ بستن بر خدا و رسول و ائمه هدی علیهم السلم بنا بر قول بعضی و بسر فرو بردن عمدا
در آب بنا بر قول بعضی هرگاه یکی از این امور را بعمل آورد عمدا و مسئله داند کفاره باید داد در بعضی اجماعا
و در بعضی احتیاطا و اگر از روی سهو باشد کفاره ندارد و اگر مسئله نداند در کفاره خلافست و احوط
کفاره است و اگر افطار بحلال باشد کفاره یک بنده آزاد کردن یا دو ماه بپایی روزه گرفتن یا شصت
مسکین طعام دادنست و بعضی بترتیب قایل شده اند یعنی اگر قادر باشد بر بنده آزاد کردن آن
مقدمست و الا دو ماه روزه گرفتن و اگر از این نیز عاجز باشد شصت مسکین را طعام بدهد و قول
اول اقوی و ثانی احوطست و اگر افطار بحرام کرده باشد مانند شراب و لحم خنزیر و مال مغصوب و استمنا
و زنا و لواطه بعضی از علما قایل شده اند که هر سه کفاره بر او واجب میشود و بعضی مانند افطار بحلال میدانند
و اول احوطست **دویم** هرگاه در قضای روزهٔ ماه رمضان بعد از زوال افطار کند مشهور است که کفاره
واجبست و بعضی سنت میدانند و اشهر و اقوی آنست که کفاره طعام دادن ده مسکین است و اگر عاجز
شود سه روز روزه میگیرد و بعضی مخیر میان این دو میدانند و بعضی کفارهٔ قسم و بعضی کفارهٔ
افطار ماه مبارک رمضان لازم میدانند **سیم** کفاره ظهار است که کسی با زن خود بگوید انت علی
کظهر امی یعنی تو بمن مانند پشت مادر منی یا خواهر یا سایر محارم علی الاشهر اگر این را بگوید در وقتی که زن
حایض نباشد و در آن طهر با او جماع نکرده باشد و در حضور دو عادل بگوید پس اگر خواهد جماع کند
باید که کفاره بدهد و اگر بدون کفاره جماع کند دو کفاره بر او واجب میشود بنا بر مشهور و کفاره
یک بنده آزاد کردنست و اگر عاجز شود دو ماه بپایی روزه داشتن و با عجز از آن شصت مسکین را طعام
کردن **چهارم** کفاره ایلاست یعنی قسم بخورد که زوجهٔ دایمهٔ خود را چهار ماه یا زیاده وطی نکند و زن

اور

اورا بنزد حاکم شرع برد و حاکم حکم کند که او را طلاق بگوید یا وطی کند و او اختیار وطی نماید باید که کفاره
بدهد و کفاره اش کفارهٔ قسمست که بعد از این مذکور میشود انشاء الله تعالی **پنجم** کفارهٔ مخالفت
قسمست بآنکه قسم خورده باسمای مقدسهٔ خدا بر کردن فعلی که ترکش رجحان نداشته باشد یا نکردن
فعلی که فعلش رجحان نداشته باشد و مخالفت آن قسم نماید و کفاره اش آنست که یک بنده آزاد کند
یا ده مسکین را جامه بپوشاند یا ده مسکین را اطعام کند و اگر از هر سه عاجز شود سه روز بپایی روزه بدارد
ششم کفارهٔ مخالفت نذر است بآنکه نذر کند فعل امری که راجح باشد یا ترک امری که مرجوح باشد و
مخالفت نماید و کفاره اش بعضی گفته اند مانند کفارهٔ قسم است و بعضی گفته اند مانند کفارهٔ افطار ماه رمضانست
یک بنده آزاد کردن یا دو ماه بپایی روزه گرفتن یا شصت مسکین طعام دادن و بعضی گفته اند که اگر نذر تعلق بروزه
داشته باشد کفاره اش کفارهٔ افطار ماه رمضانست و اگر تعلق بغیر روزه داشته باشد کفاره اش کفارهٔ قسم است
و این قول خالی از قوتی نیست و احوط کفارهٔ ماه رمضانست مطلقا **هفتم** کفارهٔ عهد است که با خدا عهد کرده
باشد که امر راجحی یا غیر مرجوحی را بعمل آورد یا ترک کند امر غیر راجحی را یا مرجوحی را و مخالفت آن عهد نماید
و در کفاره اش مانند کفارهٔ نذر خلافست و احوط آنست که در نذر مذکور شد **هشتم** قسم خوردن بعنوان
بیزاری از خدا و رسول و ائمهٔ هدی علیهم السلم است و در حرام بودن چنین قسمی خلافی نیست و لیکن در وجوب
کفاره بچنین قسم یا دروغ کردن خلافست بعضی گفته اند کفاره اش کفارهٔ ظهار است اول بنده آزاد کردن
و با عجز از آن دو ماه روزه داشتن و با عجز از آن شصت مسکین اطعام کردن و اگر عاجز شود ده مسکین
را طعام یا کسوه دهد و اگر عاجز شود سه روز متوالی روزه بدارد و بعضی گفته اند کفاره اش کفارهٔ
نذر است و ابن بابویه گفته است سه روز روزه بدارد و ده مسکین را طعام بدهد و بعضی گفته اند که کفاره
کرده است و کفاره ندارد و در حدیث صحیح وارد شده است که صفار بحضرت امام حسن عسکری علیه السلم
نوشت که مردی سوگند یاد کرد به بیزاری از خدا و رسول و مخالفت کرد توبه و کفارهٔ او چیست حضرت
فرمود که ده مسکین را طعام میدهد هر مسکینی را یکمد و طلب آمرزش میکند از خدا و بعضی از علما
باین مضمون قایل شده اند و خالی از قوتی نیست و ایضا خلاف کرده اند که این کفاره برای اصل سوگند
خوردنست یا برای مخالفت سوگند کردن و باید که چنین سوگند یاد نکند و اگر بکند بمقتضی سوگند عمل بقول
اول بکند اگر چه ظاهر آنست که عمل بروایت مجزیست **نهم** بعضی از علما قایل شده اند که زنی که در مصیبت موی
سر خود را ببرد کفارهٔ افطار ماه رمضان میدهد بترتیب بر قول بعضی و بتخییر بر قول بعضی و بعضی گفته اند که گناه دارد

وکفاره ندارد ودر روایتی وارد شده است که کفارهٔ افطار ماه رمضان لازمست واحوط عمل بروایت
وبعضی تراشیدن موی را نیز الحاق کرده اند بر بریدن در وجوب کفاره **دویم** هرگاه زنی در مصیبت
موی خود را بکند یا روی خود را بخراشد یا مردی جامهٔ خود را در مرگ فرزند خود یا زوجهٔ خود چاک کند
کفارهٔ قسم لازم میشود بنابر قول بعضی و در روایتی باینمضمون وارد شده است واحوطست هرچند
وجوبش ثابت نیست **یازدهم** مردی که زن یا متعه یا کنیز خود را در ایام حیض جماع کند در قبل بعضی
کفاره واجب دانسته اند وبعضی سنت ومشهور میان علما انست که اگر در اول حیض باشد
یک اشرفی تصدق میکند ودر وسط حیض نیم اشرفی ودر اخر حیض ثلث اشرفی واحوط عدم ترک کفارات
دوازدهم کسی که بخواب رود ونماز خفتن نکرده باشد تا نصف شب بگذرد وبعضی گفته اند که واجبست
انروز را روزه بدارد واشهر استحبابست وبعضی عامد وناسی را نیز الحاق کرده اند ومشهور انست
که بر تقدیر وجوب اگر روزه ندارد گناه کرده است وکفاره ندارد وبعضی لازم دانسته اند کفارهٔ
ماه رمضانرا واین قول ضعیفست واحوط انست که یکروز قضا بگیرد **سیزدهم** کفارهٔ قتل عمدست
که دانسته کسی را بکشد یا کاری که غالبا کشنده باشد نسبت بکسی واقع سازد واو کشته شود
گو قصد کشتن نداشته باشد کفاره اش انست که یک بنده ازاد کند ودو ماه متوالی روزه
بدارد وشصت مسکین را طعام دهد **چهاردهم** کفارهٔ قتل خطاست که کسی را بنادانی بکشد یا انکه
قصد قتل نداشته باشد وکاری کند که غالبا کشنده نباشد واو کشته شود مانند انکه طفلی را برای
تادیب بزند واو بمیرد یا تیری بسوی اهوئی بیندازد وبشخصی بخورد وکشته شود یا در راه بکسی
بخورد واو بیفتد وبمیرد واگر خود مباشر قتل نباشد وکاری کند که ان سبب قتل شود مثل انکه
چاهی در راهی بکند وکسی در انچاه بیفتد وبمیرد ویا سنگی بر سر راهی بگذارد و باعث قتل کسی شود
مشهور انست که کفاره لازم نمیشود هرچند دیت لازم شود وکفاره بنده ازاد کردنست وبعد از
عاجز شدن از ان دو ماه متوالی روزه داشتن وبعد از عجز از ان شصت مسکین را طعام دادن
پانزدهم اگر کسی زنی را در عدهٔ دیگری تزویج نماید میباید از ان زن مفارقت کند وبقول بعضی از
علما پنج صاع ارد تصدق میکند واحوط انست که اگر زن دیگر را عقد کند نیز این کفاره را بدهد
یا پنج درهم تصدق کند **شانزدهم** کسی که مملوک خود را زیاده از حد شرعی بزند بعضی از علما گفته اند
موافق بعضی از روایات که واجبست که ان مملوک را بکفارهٔ ان عمل ازاد کند واین احوطست واگر اورا بکشد

بعد کفاره جمع میدهد واگر بخطا بکشد کفارهٔ قتل خطا میدهد وواجب است که قیمت ان غلام را تصدق
کند بنابر مشهور **هفدهم** کسیکه در روز ماه مبارک رمضان افطار کند بسبب بیماری اگر تا ماه رمضان
دیگر بیمار باشد اشهر واقوی انست که قضا ساقط میشود وبرای هر روز یک مد یا دو مد طعام میدهد
علی الخلاف وبعضی گفته اند قضا میکند وابن جنید رحمه الله گفته است احتیاط هر دو را میکند واگر در مابین
دو رمضان ازارش برطرف شود وقادر بر روزه باشد وبدون عذری تاخیر کند تا انکه ماه رمضان دیگر
بیاید اشهر واقوی انست که بعد از ماه رمضان هم قضا میکند وهم برای هر روز یک مد یا دو مد میدهد
وبعضی کفاره را واجب ندانسته اند وبعضی گفته اند کفاره در صورتیست که عزم بر قضا نداشته باشد
اگر عازم بر قضا باشد وبعد از تنگ شدن وقت بیماری یا عذر دیگر عارض شود قضا باید کرد
وکفاره نیست وقول اول قوی تر است **هجدهم** از نوادر کفارات انست از حضرت صادق منقولست
که کفارهٔ عمل سلطان قضای حوائج مؤمنانست وکفاره غیبت انست که برای انشخصی که اورا غیبت
کرده است استغفار کند وکفارهٔ مجلس انست که چون از مجلس برخیزد بگوید سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ
الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وکفارهٔ خنده انست
که بگوید اللَّهُمَّ لَا تَمْقُتْنِي یعنی خداوندا مرا دشمن مدار وبر من غضب مکن ودر حدیث معتبر از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هرکس بدیگری بگوید لَا أَبَ لَكَ وَلَا أُمَّ لَكَ یعنی ترا پدر مباد یا ترا
مادر مباد باید که چیزی تصدق کند وکسی که بگوید نه بحق پدرم یا بجان پدرم کفاره اش انست که بگوید لا اله
الا الله اوحده لا شریک له ودر این نوع از قسم مثل بجان خود یا بجان تو یا بحق پدرم بعضی حرام دانسته اند
واشهر کراهتست واحوط ترکست **واما** احکام کفارات مذکوره پس در چند فصل بیان میشود
اول هرگاه بنده باید ازاد کرد در کفارهٔ قتل میباید ان بنده مؤمن باشد ودر باقی کفارات خلافست واحوط
رعایت ایمانست ودر کفارهٔ قتل احوط انست که بالغ باشد ودر غیر ان مرد وزن وبالغ ونابالغ مجزیست
ومیباید ان بنده کور وصاحب خوره وزمینگیر نباشد ومولی جراحتی باو نرسانیده باشد که موجب عتق
او باشد وبعضی گفته اند که باید خصی ولدالزنا نباشد وولدالزنا نباشد ومشهور اجزاست واحوط ترکست
وغلام گریخته را مشهور انست که ازاد میتوان کرد تا علم بمرگش بهم نرسد وبعضی شرط کرده اند که خبر مرگ او نرسد
وبعضی شرط کرده اند که ظن حیات او باشد **دویم** در کفاره مرتبه تا از بنده ازاد کردن عاجز نشود بروزه منتقل
نمیشود وهرجا که روزه دو ماه باشد میباید متوالی بگیرد وتوالی بیکماه ویکروز که متصل بگیرد بعمل می اید یعنی

کرا کو بعد از آن بدون عذر افطار کند باید از سر بگیرد و اما تفریق جایز است بی عذری با خواست اول اظهر است و ثانی احوط است و اگر بیش از یکماه و یکروز بی عذر افطار کند از سر میگیرد و اگر بعذری باشد مانند حیض و نفاس و بیهوشی و دیوانگی و بیماری و سفر ضروری بعد از زوال عذر بنا میگذارد و تمام میکند و همچنین اگر مجبور شود در افطار روزی بنابر اقوی و هر جا که کفارهٔ دو ماه متوالی باشد اگر کفاره دهنده بنده باشد بیکماه بی در پی میگیرد علی الاقوی سیم هر جا که اطعام لازم شود مشهور آنست که بهر یک از ایشان طعام بخوراند که سیر شود و بهتر آنست که نان خورشی بآن ضم کند مانند خرما یا گوشت یا سرکه و بعضی گفته اند میباید چاشت و شام هر دو بهر مسکین بخوراند تا قدر کرسیر شود و احوط اینست اگر چه اظهر آنست که بیک وقت اکتفا توان نمود و اگر خواهد طعام را بمسکین میتواند داد و در مقدار آن خلافست بعضی یکمد گفته اند و بعضی دو مد و احوط دو مد است و بهتر آنست که با آن نان خورشی نیز بدهد چنانچه بعضی واجب دانسته اند و در طعام دادن کوچک و بزرگ تفاوت نمیکند و احوط آنست که حصهٔ اطفال را بولی شرعی ایشان بدهد و اگر طعام خوراند ظاهر اصغیر و کبیر را با هم نتواند ضم کرد و اگر دو طفل را بجای یکمرد حساب کند احوط است و در یک کفاره دو حصه را بیک مسکین نمیتوان داد مگر آنکه مستحق یافت نشود و احوط آنست که تا ممکن باشد بغیر مؤمن ندهد و بر پریشان بسیار پریشان بدهد که مسکین بر او صادق باشد و مد چهار یک صاع است و صاعی یکمن تبریز و چهار ده مثقال و ربعی است بنابر مشهور و چون در احادیث اختلاف در تحدید صاع و مد هست احوط آنست که بجای دو مد نیم من شاه تقریبا بدهد چهارم در جائی که کسوه باید داد در دادن پیراهن و مقنعه با هم مجزیست و در مرد بعضی بیک جامه مانند پیراهن اکتفا کرده اند و بعضی دو جامه لازم میدانند و بهتر آنست که پیراهن و قبا بدهد یا ما و با لاپوش و بهتر آنستکه نو باشد و جامهٔ طفل را بهتر آنست که برخصت ولی بر او بپوشانند پنجم هر گاه از عتق رقبه عاجز شود و شروع کند در روزه و بعد از آن قادر شود بر بنده آزاد کردن روزه او را مجزیست و بهتر آنست که ترک کند روزه را و بنده آزاد کند خصوصا هر گاه کمتر از یکماه و یکروز روزه داشته باشد و جمعی از اصحاب قایل شده اند که هر گاه بر کسی دو ماه متوالی روزه واجب شود و عاجز باشد از گرفتن از هیجده روز روزه میدارد و اگر نتواند برای هر روز مدی از طعام میدهد و اگر نتواند استغفار میکند و اشهر و اقوی آنست که از هر کفاره که عاجز شود استغفار بدل آن میشود مگر کفارهٔ ظهار که بعضی گفته اند که تا کفاره ندهد طی زن بر او

حلال نمیشود هر چند عاجز باشد و اگر بعد از عجز و استغفار بر کفاره قدرت بهم رساند احوط آنست که بآن کفاره را بعمل بیاورد و چون اکثر مردم جاهلند بکفارات و احکام انها و بر ایشان لازم میشود و نمیدانند و مشغول الذمه بحق الهی میمانند قدری از احکام انها را در این رساله کثیر الفایده ایراد نمودم ملتمس از برادران ایمانی آنست که هر که از این رساله منتفع گردد در حال یا بعد از وفات این شکسته بدعای رحمت و مغفرت این مستحق دعا را یاد کند و ختم بفضل الله سبحانه و تایید فی شهر الله المعظم شهر رمضان من سنة سبع و مائة و الف من الهجرة المقدسة علی ید مؤلفه الراجی رحمة ربه الکریم محمد باقر بن محمد تقی غفر الله لهما ... اصبهان صینت عن طوارق الحدثان ... مع ... الاشغال و اختلال الاحوال و توزع البال و الحمد لله اولا و آخرا و الصلوة علی محمد و آله الطاهرین صلوات الله علیهم اجمعین

وکان فراغی من تسوید هذه النسخة الشریفة یوم الخمیس عاشر شهر ... من شهور سنة احدی و ثلثین و مائة بعد الالف من هجرة النبویة علی هاجرها الف الف الثناء و الصلوة و السلام و التحیة فی الغدو و الاصال و العشیة و علی آله النجباء الاخیار الابرار الائمة للبریة و انا العاصی المحتاج الی رحمة ربه الغفار الغنی ابن میر محمد سمیع عبد الصانع العلوی السبزوار مولدا و الاصفهانی مسکنا رب اغفر لی و لوالدی و لمن له حق علی الیه و للجمیع اخوانی من شیعة ائمة الابرار من نسخة السادسة نسختها

الحمد لله الواقف علی الضمائر و بعد این کتاب مستطاب بخط ... در ابتدا آن مفصل ثلث است وقف روضهٔ منوره جناب الامام علیه التحیة و الثناء ... موقوفات عالیحضرت خیر الحاج حاجی عبد الغفار اصفهانی ... از روضهٔ منورهٔ مبارکه بغیر از ... متولی ... بیرون نبرند و تولیت آن با ... واقف و بعد از وفات با اعلم و افضل علمای آستانهٔ مبارکه ... و کان ذلک فی غرة شهر محرم الحرام ... من الهجرة النبویة المعصومیة